



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# مِصْبَاحُ الْهُدَى

قال الرضا عليه السلام: من مات لا يعرف أئمة زمانه مات ميتة جاهلية  
هر که بمرد و امامانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده

«گنجینه ارزشمند احادیث امامت»

## جلد ۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مصباح الهدی گنجینه ارزشمند احادیث امامت

نویسنده:

محمد کوکبی

ناشر چاپی:

استوار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



## فهرست

۵	فهرست
۱۱	مصباح الهدی گنجینه ارزشمند احادیث امامت جلد ۳
۱۱	مشخصات کتاب
۱۲	مقام اهل بیت در نزد خداوند تبارک و تعالی
۱۵	سخنان رسول خدا در فضیلت اهل بیت
۲۵	فضائل اهل بیت از زبان علی
۲۶	اسامی اهل بیت در تورات و انجیل
۲۹	درباره پنج تن آل عبا
۲۹	توسل انبیاء بر اهل بیت علیهم السلام
۳۲	امیرالمومنین و ائمه اطهار
۳۳	باب سی و نهم: اندکی از دریای فضائل سیدالعالَمین رسول خدا
۳۳	اشاره
۳۴	ولادت رسول خدا
۳۵	وقایع هنگام ولادت رسول خدا
۴۰	رفتار رسول خدا با امتش
۴۵	اخلاق عظیم رسول خدا
۴۸	مهربانی رسول خدا نسبت به مردم
۴۹	مقام رسول خدا
۵۱	مقام پیامبر
۵۳	برتری رسول خدا و ائمه اطهار بر تمام ملائکه و انبیاء
۵۷	مقام پیامبر از زبان امام سجاد علیه السلام
۵۸	مقام پیامبر از زبان امام رضا علیه السلام
۶۱	خبر دادن پیامبر از شهادت عمار
۶۳	خبر دادن انبیاء از ظهور رسول خدا

۸۴	چرا پیامبر را امی میخوانند
۸۹	ذره ای از سختی های رسول خدا برای هدایت امت
۹۳	مباهله
۹۹	باب چهارم: قطره ای از دریای بی پایان فضائل امیرالمومنین
۹۹	اشاره
۱۰۰	ولادت امیرالمومنین
۱۰۳	پدر بزرگوار ایشان
۱۱۱	مادر بزرگوار ایشان
۱۱۶	جایگاه امیرالمومنین در نزد خدای عزوجل
۱۴۳	جایگاه امیرالمومنین در نزد رسول مهربانی
۱۹۰	امیرالمومنین و انبیاء
۲۲۴	جایگاه امیرالمومنین در نزد ملائکه مقرب
۲۳۱	علم امیرالمومنین
۲۶۱	امیرالمومنین نشانه ای از سوی خدای عزوجل
۲۶۵	اطاعت از علی یعنی اطاعت از خدا و رسول
۲۷۳	امیرالمومنین هدایتگر امت
۲۸۰	همراهی با امیرالمومنین تنها راه نجات و رستگاری
۲۹۰	قطره ای از دریای بی پایان فضائل امیرالمومنین
۳۸۴	امیرالمومنین جانشین وصی وزیر وارث و خلیفه رسول خدا هستند
۴۷۸	دوستی و محبت امیرالمومنین
۵۰۱	دشمنی با امیرالمومنین
۵۲۶	ولایت امیرالمومنین
۵۴۶	علی فاروق اعظم
۵۵۸	منکران و مخالفان ولایت امیرالمومنین
۵۸۵	امیرالمومنین اولین مسلمان
۵۹۳	جنگهای امیرالمومنین

- ۶۱۳ ..... شجاعت و دلآوری امیرالمومنین
- ۶۲۴ ..... جوانمردی امیرالمومنین
- ۶۲۶ ..... شوق فراوان به شهادت
- ۶۲۸ ..... منادی در سوگ امیرالمومنین چه گفت
- ۶۳۴ ..... ایمان و تقوا امیرالمومنین
- ۶۳۸ ..... علی صادق صدیق مصدق
- ۶۴۳ ..... علی امیرالمومنین
- ۶۶۰ ..... سه معجزه از امیرالمومنین
- ۶۶۳ ..... علی با حق است و حق با علی است
- ۶۶۸ ..... علی با قرآن است و قرآن با علی است
- ۶۷۱ ..... علی پدر امت
- ۶۷۳ ..... هرکه به علی حسد بورزد
- ۶۷۶ ..... امیرالمومنین خبری بزرگ و نشانه ای عظیم است
- ۶۷۹ ..... سخن جبرئیل درباره امیرالمومنین
- ۶۸۳ ..... مظلومیت امیرالمومنین
- ۶۹۳ ..... سید و سرور در دنیا و آخرت
- ۶۹۶ ..... ذره ای از مقام امیرالمومنین در قیامت
- ۷۱۰ ..... تقسیم کننده بهشت و دوزخ
- ۷۳۱ ..... ذکر علی
- ۷۳۳ ..... برخی از آیات نازل شده در شان امیرالمومنین
- ۷۳۹ ..... علی مانند کعبه
- ۷۴۱ ..... انفاق امیرالمومنین
- ۷۴۳ ..... دعای حضرت ابراهیم
- ۷۴۵ ..... برخی دیگر از فضائل علی
- ۷۵۰ ..... معرفت امیرالمومنین به نورانیت
- ۷۶۴ ..... ابن ابی الحدید درباره ی امیرالمومنین چه میگوید

۷۶۸	عدالت علی
۷۷۰	عبادت علی
۷۷۵	هیبت علی
۷۷۷	تواضع علی
۷۸۲	یتیم نوازی علی
۷۸۴	آزاد کردن بردگان
۷۸۶	کمک کردن در کارهای خانه
۷۸۸	سفارش به کارگزاران حکومتش
۷۹۰	علی از زبان دیگران
۷۹۳	برخی از وصایای حضرت
۸۰۱	خبر دادن پیامبر درباره ی شهادت امیرالمومنین
۸۰۵	همدردی ایشان با شیعیان
۸۱۰	بر بالین شیعیان حاضر میشود
۸۱۵	برخی از زیارتنامه های حضرت
۸۱۸	شفاعت
۸۲۰	باب چهل و یکم: قطره ای از دریای فضائل فخر دو عالم فاطمه الزهرا
۸۲۰	اشاره
۸۲۱	چرا ایشان را فاطمه نامیدند
۸۲۴	چرا ایشان را زهراء نامیدند
۸۳۰	سایر القاب و اسامی ایشان
۸۳۵	ولادت حضرت زهرا
۸۴۷	بر درب بهشت چه نوشته شده
۸۵۰	مصائب حضرت زهرا
۸۵۳	مقام و منزلت حضرت زهرا
۸۵۹	حضرت زهرا در قیامت
۸۶۲	خطبه فدکیه

۸۸۴	اطاعت از ایشان بر تمام مخلوقات واجب است
۸۸۶	دشمنان ایشان در قیامت
۸۸۸	سیده النساء العالمین
۸۹۱	حقیقت شب قدر
۸۹۳	خشم خدا و رسول در خشم فاطمه
۸۹۸	جایگاه حضرت زهرا در نزد رسول خدا
۹۰۳	الگوی امام زمان
۹۰۵	فرشتگان و حضرت زهرا
۹۰۹	انبیاء و حضرت زهرا
۹۱۲	اهل بیت و حضرت زهرا
۹۱۴	عبادت حضرت زهرا
۹۱۸	حضرت زهرا و امیرالمومنین
۹۲۱	سخنان امیرالمومنین بعد از شهادت حضرت
۹۲۶	شفاعت حضرت زهرا
۹۳۹	باب چهل و دوم: قطره ای از دریای فضائل حسن و حسین علیهما السلام
۹۳۹	اشاره
۹۴۰	ملائکه مقرب و ایشان
۹۴۲	امام حسن از زبان امام صادق
۹۴۶	عبادت امام مجتبی
۹۵۱	فضائل سیدالشهداء
۹۵۵	از زبان رسول خدا
۹۵۹	خداوند در عوض شهادت سیدالشهداء به ایشان چه عنایت فرموده
۹۶۲	عذاب قاتل ایشان
۹۶۵	رفتار رسول خدا با حسین
۹۶۸	در مصائب سیدالشهداء
۹۷۴	امام حسین از زبان فرزندش

۹۷۷ ----- یاران سیدالشهداء -----

۹۷۹ ----- آخرین مناجات های ایشان -----

۹۸۲ ----- پادشاه فراوان زیارت ایشان -----

۹۸۹ ----- درباره مرکز -----

مشخصات کتاب

فضائل آل عبا

سرشناسه : هاشمی، زهرا، 1363-

عنوان و نام پدیدآور : مصباح الهدی / نویسندگان زهرا هاشمی، محمد کوکبی.

مشخصات نشر : مشهد : استوار، 14 - 1400 .

مشخصات ظاهری : 3 ج.

شابک : 500000 ریال: ج 3: 978-3-600-415-077-4

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : فهرست نویسی براساس جلد سوم، 1400.

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج 3. فضائل آل عبا.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11 ق. -- فضایل -- احادیث

موضوع : muhammad, Prophet -- \*Virtues -- Hadiths

موضوع : خاندان نبوت -- فضایل -- احادیث

موضوع : muhammad, Prophet, d. 632 -- Family -- Virtues -- Hediths

موضوع : ائمه اثنا عشر -- فضایل -- احادیث

Imams (Shiites) -- \*Virtues -- Hadiths

امامت -- احادیث

Imamate -- Hadiths

احادیث شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده : کوکبی، محمد، 1361 -

رده بندی کنگره : BP25

رده بندی دیویی : 297/931

شماره کتابشناسی ملی : 8424869

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

ص: 1

**مقام اهل بیت در نزد خداوند تبارک و تعالی**



حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَاشِمِيِّ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا فَرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ سَلْمَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الرَّعْفَرَانِيِّ الْبَصْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ بَشَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الطَّلَقَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْوَاقِدِيِّ عَنِ الْهَدَيْلِيِّ عَنِ مَكْحُولٍ عَنِ طَاوُسٍ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذِكْرَهُ آدَمَ (عليه السلام) وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَاسَّجَدَ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَاسَّكَنَهُ جَنَّتَهُ وَرَوَّجَهُ حَوَاءَ أُمَّتَهُ فَرَفَعَ طَرْفَهُ نَحْوَ الْعَرْشِ فَإِذَا هُوَ بِخَمْسَةِ سَطُورٍ مَكْتُوبَاتٍ قَالَ آدَمُ (عليه السلام) يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ إِذَا تَشَفَّعَ بِهِمْ إِلَيَّ خَلَقْتُهُمْ فَقَالَ آدَمُ (عليه السلام) يَا رَبِّ بَدَّرِهِمْ عِنْدَكَ مَا اسْمُهُمْ قَالَ تَعَالَى أَمَّا الْأَوَّلُ فَأَنَا الْمُحْمُودُ وَهُوَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) وَالثَّانِي فَأَنَا الْعَالِي وَهُوَ عَلِيُّ (عليه السلام) وَالثَّالِثُ فَأَنَا الْفَاطِرُ وَهِيَ فَاطِمَةُ (عليها السلام) وَالرَّابِعُ فَأَنَا الْمُحْسِنُ وَهُوَ الْحَسَنُ (عليه السلام) وَالثَّامِسُ فَأَنَا ذُو الْإِحْسَانِ وَهُوَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) كُلُّ يَحْمَدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.

پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) به علی بن ابی طالب (عليه السلام): وقتی خداوند عز و جل آدم (عليه السلام) را آفرید، و از روح خود در کالبد او دمید و فرشتگان را فرمان داد تا وی را سجده نمودند، و او را در بهشت مأوی داد، و کنیز خود حوا را همسر او نمود، پس آدم (عليه السلام) سر برداشت و نگاهی به گوشه عرش افکند و در آنجا پنج سطر نوشته دید، گفت: بار

الها اینان که نامشان را می نگریم چه کسانی هستند؟ خداوند عزّ و جلّ فرمود: ایشان شخصیت های برجسته ای هستند که هر گاه آفریدگانم از آنان درخواست شفاعت کنند، من بی دریغ وساطت آنان را خواهم پذیرفت، آدم (علیه السلام) عرضه داشت: پروردگارا به منزلت و مقامی که در پیشگاهت دارند تو را سوگند می دهم، چگونگی نام آنان را برایم بیان فرما؟ خداوند تعالی فرمود: اما نخستین آنان نام من محمود و او محمد (صلی الله علیه و آله) است، و دوم ایشان من عالیم و او علی (علیه السلام) است و سوم من فاطمه، من فاطمه (علیها السلام) است، و چهارم من محسنم و او حسن (علیه السلام) است، پنجم من صاحب احسانم و او حسین (علیه السلام) است، همگی آنان مشغول حمد و ستایش من هستند. (1)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعِجْلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَوْمَ جَالِسًا وَعِنْدَهُ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَفَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وَالحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَالحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بِشِيرًا مَا عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ خَلَقَ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا أُكْرَمَ عَلَيْهِ مِنَّا إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى شَقَّ لِي اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ مُحَمَّدٌ وَ أَنَا مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

وَ شَقَّ لَكَ يَا عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى وَ أَنْتَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ شَقَّ لَكَ يَا حَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ الْمُحْسِنُ وَ أَنْتَ حَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ شَقَّ لَكَ يَا حُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ ذُو الْإِحْسَانِ وَ أَنْتَ حُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ شَقَّ لَكَ

يَا فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ الْفَاطِرُ وَ أَنْتِ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلَهُمْ وَ حَزَبْتُ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ مُحِبُّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ وَ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ وَ عَدُوٌّ

ص: 2

لِمَنْ عَادَاهُمْ وَوَلِيٍّ لِمَنْ وَالَاهُمْ لِأَنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ.

عبد الله بن فضل هاشمی گوید: امام صادق (علیه السلام) به نقل از جد بزرگوارش چنین فرمود: روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حالی که نشستهبودند و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) در خدمتش بودند فرمود: به خدائی که مرا مژده دهنده مبعوث نموده سوگند، که هیچ مخلوقی بر روی زمین نزد او محبوبتر و گرامی تر از ما نیست، زیرا خداوند تبارک و تعالی برای من از اسماء خود نامی اقتباس کرده است. نام او «محمود» و نام من «محمد» (صلی الله علیه و آله) است، برای تو نیز ای علی (علیه السلام)، نامی از نام های خود گرفت، یعنی او

«علی الاعلی» است و ترا «علی (علیه السلام)» نامید. و ای حسن (علیه السلام) نام تو را هم از یکی از اسماء خود برگرفت زیرا نام او «محسن» است و تو را «حسن (علیه السلام)» نام نهاد. و برای تو نیز ای حسین (علیه السلام)، از نام های خود نامی جدا کرد و او «ذو الإحسان» است و نام تو «حسین (علیه السلام)»، و برای تو هم ای «فاطمه (علیها السلام)» از اسامی خود نامی درآورد، نام او «فاطر» است و تو «فاطمه (علیها السلام)» سپس دست به دعا برداشته و گفت: پروردگارا، تو را گواه می گیرم که من با کسی که با اینان موافق باشد موافقم و با هر که با ایشان به دشمنی برخیزد در ستیزم، دوستدار آنان را دوست می دارم، و بر دشمنشان خشمگینم. دوستیم با دوستشان به این جهت است که اینان از من و من نیز از آنانم. (1)

### سخنان رسول خدا در فضیلت اهل بیت

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ

ص: 3

أَدِينَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمَرَ الِيمَانِيِّ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ كُنْتُ جَالِسًا بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِي مَرَضَتِهِ الَّتِي قُبِضَ فِيهَا فَدَخَلْتُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) فَلَمَّا رَأَتْ مَا بَإَيْهَا مِنَ الضَّعْفِ بَكَتُ حَتَّى جَرَتْ دُمُوعُهَا عَلَى خَدَّيْهَا فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَا يُبْكِيكِ يَا فَاطِمَةُ (عليها السلام) قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَخَشَيْتُ عَلَى نَفْسِي وَوَلَدِي الضَّيْعَةَ بَعْدَكَ فَاعْرُورِقْتُ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَآلِهِ بِالْبُكَاءِ ثُمَّ قَالَ يَا فَاطِمَةُ (عليها السلام) أَمَا عَلِمْتِ أَنَا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَأَنَّهُ حَتَمَ الْفَنَاءَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطْلَعَ إِلَى الْأَرْضِ اطَّلَاعَةً فَاخْتَارَنِي مِنْ خَلْفِهِ فَجَعَلَنِي نَبِيًّا ثُمَّ أَطْلَعَ إِلَى الْأَرْضِ اطَّلَاعَةً ثَانِيَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا زَوْجَكَ وَأَوْحَى إِلَيَّ أَنْ أُزَوِّجَكَ إِيَّاهُ وَاتَّخِذْهُ وَلِيًّا وَوَزِيرًا وَأَنْ أَجْعَلَهُ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي فَابُوكِ خَيْرُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَبَعْلُكَ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَأَنْتِ أَوْلُ مَنْ يَلْحَقُ بِي مِنْ أَهْلِي ثُمَّ أَطْلَعَ إِلَى الْأَرْضِ اطَّلَاعَةً ثَالِثَةً فَاخْتَارَكَ وَوَلَدَيْكَ فَأَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَابْنَاكَ حَسَنٌ (عليه السلام) وَحُسَيْنٌ (عليه السلام) سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَابْنَاكَ بَعْلُكَ أَوْصِيَاءِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلُّهُمْ هَادُونَ مَهْدِيُونَ وَأَوْلُ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدِي أَخِي عَلِيُّ ثُمَّ حَسَنٌ (عليه السلام) ثُمَّ حُسَيْنٌ (عليه السلام) ثُمَّ تَسَعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ (عليه السلام) فِي دَرَجَتِي وَكَانَ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةٌ أَقْرَبَ إِلَى اللَّهِ مِنْ دَرَجَتِي وَدَرَجَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ أَمَا تَعْلَمِينَ يَا بُنَيَّةُ أَنَّ مِنْ كَرَامَةِ اللَّهِ إِيَّاكَ أَنْ زَوَّجَكَ خَيْرَ أُمَّتِي وَخَيْرَ أَهْلِ بَيْتِي أَقْدَمُهُمْ سِلْمًا وَأَعْظَمُهُمْ حِلْمًا وَأَكْثَرُهُمْ عِلْمًا فَاسْتَبَشَّرَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) وَفَرِحَتْ بِمَا قَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّةُ إِنَّ لِبَعْلِكَ مَنَاقِبَ إِيمَانُهُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ فَلَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى

ذَلِكَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي وَعِلْمُهُ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَسُنَّتِي وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي يَعْلَمُ جَمِيعَ عِلْمِي غَيْرَ عَلِيِّ (عليه السلام) وَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ عَلَّمَنِي عِلْمًا لَا يَعْلَمُهُ غَيْرِي وَعَلَّمَ مَلَائِكَتَهُ وَرُسُلَهُ عِلْمًا فَكُلُّ مَا عَلَّمَهُ مَلَائِكَتَهُ وَرُسُلَهُ فَأَنَا أَعْلَمُهُ وَأَمْرِي بِاللَّهِ أَنْ أَعْلَمَهُ إِيَّاهُ فَفَعَلْتُ فَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي يَعْلَمُ جَمِيعَ عِلْمِي وَفَهْمِي وَحِكْمَتِي غَيْرَهُ وَإِنَّكَ يَا بُنَيَّةَ زَوْجَتَهُ وَابْنَاهُ سَيِّدَ بَطَايِ حَسَنٍ (عليه السلام) وَحَسَنٍ (عليه السلام) وَهُمَا سَيِّدَا أُمَّتِي وَأَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ آتَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَلَ الْخِطَابِ يَا بُنَيَّةَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ أَعْطَانَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سِتَّ خِصَالٍ لَمْ يُعْطَهَا أَحَدًا مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ كَانَ قَبْلَكُمْ وَلَمْ يُعْطَهَا أَحَدًا مِنَ الْآخِرِينَ غَيْرِنَا نَبِيَّنَا سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَهُوَ أَبُوكَ وَوَصِيْنَا سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَهُوَ بَعْلُكَ وَشَهِيدُنَا سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ وَهُوَ حَمْرَةُ بِنْتِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ (عليه السلام) عَمُّ أَبِيكَ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) هُوَ سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ الَّذِينَ قُتِلُوا مَعَهُ قَالَ لَا بَلْ سَيِّدُ شَهَدَاءِ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ مَا خَلَا الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَوْصِيَاءَ وَجَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) ذُو الْجَنَاحَيْنِ الطَّيَّارُ فِي الْجَنَّةِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَابْنُكَ حَسَنٌ (عليه السلام) وَحُسَيْنٌ (عليه السلام) سَيِّدَا أُمَّتِي وَسَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمِنَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَهْدِيٌّ (عليه السلام) هَذِهِ الْأُمَّةُ الَّتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا قَالَتْ وَأَيُّ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ سَمَّيْتَهُمْ أَفْضَلُ قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) بَعْدِي أَفْضَلُ أُمَّتِي وَحَمْرَةُ (عليه السلام) وَجَعْفَرُ (عليه السلام) أَفْضَلُ أَهْلِ بَيْتِي بَعْدَ عَلِيِّ (عليه السلام) وَبَعْدُكَ وَبَعْدَ ابْنَيْ وَسَيِّدِي حَسَنٍ (عليه السلام) وَحُسَيْنٍ (عليه السلام) وَبَعْدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَوَلَدِ ابْنِي هَذَا وَأَشَارَ إِلَى الْحُسَيْنِ (عليه السلام) مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ (عليه السلام) إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا ثُمَّ نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِلَيْهَا وَإِلَى بَعْلِهَا وَ

إِلَى ابْنَيْهَا فَقَالَ يَا سَلْمَانَ أَشَدَّ اللَّهُ أَنِّي سَأَلْتُ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ أَمَا إِنَّهُمْ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ (عليه السلام) فَقَالَ يَا أَخِي أَنْتَ سَتَبَقَى بَعْدِي وَسَتَتَلَقَى مِنْ قُرَيْشٍ شِدَّةً مِنْ تَظَاهُرِهِمْ عَلَيْكَ وَظُلْمِهِمْ لَكَ فَإِنْ وَجَدْتَ عَلَيْهِمْ أَعْوَانًا فَجَاهِدْهُمْ وَقَاتِلْ مَنْ خَالَفَكَ بِمَنْ وَاقَفَكَ وَإِنْ لَمْ تَجِدْ أَعْوَانًا فَاصْبِرْ وَكُفَّ يَدَكَ وَلَا تُلْقِ بِهَا إِلَى التَّهْلُكَةِ فَإِنَّكَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ (عليه السلام) وَكَأَنَّكَ بِهَا هَارُونَ أَسْوَأُ حَسَنَةً إِذَا اسْتَصَدَّ عَفْهَ قَوْمِهِ وَكَادُوا يَفْتُلُونَهُ فَاصْبِرْ لظُلْمِ قُرَيْشٍ إِيَّاكَ وَتَظَاهُرِهِمْ عَلَيْكَ فَإِنَّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ (عليه السلام) وَمَنْ تَبِعَهُ وَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْعَجَلِ وَمَنْ تَبِعَهُ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ قَضَى الْفُرْقَةَ وَالْإِخْتِلَافَ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ (وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى) (1) حَتَّى لَا يَحْتَلِفَ اثْنَانِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَلَا يَنَازِعَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَلَا يَجْحَدَ الْمَفْضُولُ لِذِي الْفَضْلِ فَصَدَلَهُ وَلَوْ شَاءَ لَعَجَلَ النَّقْمَةَ وَكَانَ مِنْهُ التَّغْيِيرُ حَتَّى يَكْذِبَ الظَّالِمُ وَيُعْلَمَ الْحَقُّ أَيْنَ مَصِيرُهُ وَلَكِنَّهُ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ الْأَعْمَالِ وَجَعَلَ الْآخِرَةَ دَارَ الْقَرَارِ (لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَاعْمَلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى) (2) فَقَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا عَلَى نِعْمَائِهِ وَصَبْرًا عَلَيَّ بَلَاءِهِ.

سلمان فارسی گوید: من هنگام بیماری شهادت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مقابل آن حضرت نشسته بودم که فاطمه (علیها السلام) وارد شد و چون ضعف پدر را دید گریست و اشک بر گونه هایش جاری شد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای فاطمه! برای چه گریه می کنی؟ گفت: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر خود و فرزندانم نگرانم که پس از شما تباہ شویم، آنگاه دو چشم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) غرق اشک شد، سپس فرمود: ای فاطمه! آیا نمی دانی که ما اهل بیته هستیم که خدای تعالی آخرت را برای ما بر دنیا برگزیده

ص: 6

1- . الانعام آیه 35

2- . النجم آیه 31

است و اینکه او نیستی را برای همه خلقتش حتم کرده است، و اینکه خدای تعالی بر زمین نظری افکند و مرا از میان خلقتش برگزید و مرا پیامبر ساخت، سپس دوباره بر زمین نظری افکند و از میان آنها شوهر تو را برگزید و به من وحی کرد که تو را به تزویج او در آورم و او را ولیّ و وزیر خود ساخته و خلیفه خود در امتّ قرار دهم، پس پدر تو بهترین انبیاء خدا و رسولان اوست و همسر تو بهترین اوصیاء است و تواز میان اهل من اوّل کسی هستی که به من ملحق می شوی، سپس سوم بار بر زمین نظری افکند و تو و دو فرزندت را برگزید و تو سرور زنان بهشتی و دو فرزندت حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) سرور جوانان بهشتیند و فرزندان شوهر تو تا روز قیامت اوصیای من هستند و همه آنها هادی و مهدی هستند و اوّلین وصیّ پس از من برادرم علی(علیه السلام) است و بعد از او حسن(علیه السلام) و سپس حسین(علیه السلام)، آنگاه نه تن از فرزندان حسین(علیه السلام) در درجه من هستند، و در بهشت درجه ای نزدیکتر به خدا از درجه من و جدّم ابراهیم نیست. ای دختر جان! آیا نمی دانی که این از کرامتخدا بر توست که شوهرت بهترین امتّم و اهل بیتم و اقدم مسلمانان و حلیم ترین و دانشمندترین ایشان است. به دنبال این سخنان، فاطمه(علیها السلام) شاد شد و به واسطه سخنان رسول خدا(صلی الله علیه و آله) خُرسند گردید. سپس فرمود: ای دختر جان! برای شوهر تو مناقبی است: ایمان او به خدا و رسولش مقدّم بر ایمان دیگران است و هیچ کس از امتّم در این منقبت بر او پیشی ندارد. و دیگر علم او به کتاب خدای تعالی و سنّت است، و در میان امتّم هیچ کس غیر او نیست که همه علوم مرا بداند و خدای تعالی علمی به من آموخته که به دیگری تعلیم نداده است و به ملائکه و رسولانش علمی آموخته که من آن را می دانم و خداوند فرمان داده است که آن را به علی(علیه السلام) بیاموزم و من چنین کرده ام و در میان امتّم هیچ کس نیست که جمیع علم و فهم و حکمتّم را بداند جز علی(علیه السلام)، و تو ای دختر جان! همسر اویی و دو فرزند او حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) دو سبط منند و آن دو،

دو سبط اّمتم می باشند. و دیگر امر به معروف و نهی از منکر اوست و خدای تعالی به او حکمت و فصل الخطاب ارزانی فرموده است. ای دختر جان! ما اهل بیتی هستیم که خدای تعالی به ما شش خصلت عطا فرموده است که به هیچ کس از اولین و آخرین ارزانی نفرموده است: پیامبر ما سرور انبیا و مرسلین است و او پدر توست، وصیّ ما سرور اوصیاست و او شوهر توست و شهید ما سرور شهداست و او حمزه بن عبد المطلب عموی پدر توست، فاطمه (علیها السلام) گفت: ای رسول خدا! آیا او سید شهادی است که همراه او کشته شدند؟ فرمود: خیر، بلکه او سرور شهیدان اولین و آخرین به غیر از انبیا و اوصیاست، و جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) که دارای دو بال است و در بهشت همراه ملائکه پرواز می کند و دو فرزند تو حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) که دو سبط اّمتم و سرور جوانان اهل بهشتند و قسم به خدایی که جانم در دست اوست مهدی (علیه السلام) این اّمّت از ماست، کسی که زمین را پر از عدل و داد نماید همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. فاطمه (علیها السلام) گفت: از اینان که نام بردی کدامشان افضل است؟ فرمود: علی (علیه السلام) پس از من افضل اّمتم می باشد و پس از علی (علیه السلام) و تو و دو فرزند و سبطم حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و اوصیای از اولاد این فرزندانم و به حسین (علیه السلام) اشاره کرده و فرمودند مهدی (علیه السلام) از آنهاست افضل اهل بیتم حمزه (علیه السلام) و جعفر (علیه السلام) هستند، ما اهل بیتی هستیم که خداوند آخرت را بر دنیا برای ما اختیار کرده است، سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر فاطمه (علیها السلام) و شوهر و فرزندانش نگرستند و فرمودند: ای سلمان! خدا را گواه می گیرم که من با کسی که با اینان در آشتی باشد آشتی و با کسی که با آنان در جنگ باشد در جنگم، آنان در بهشت هم درجه منند، سپس به علی (علیه السلام) رو کرده و فرمودند برادرم! تو بعد از من می مانی و از قریش سختی خواهی دید، آنها علیه تو متحد شده و بر توستم روا می دارند، اگر یارانی یافتی با آنها جهاد کن و به همراهی موافقان با مخالفان خود کارزار کن، و اگر یارانی نیافتی صبر پیشه ساز و دست



نگهدار و خود را به هلاکت مینداز که نسبت تو به من مانند نسبت هارون(علیه السلام) به موسی(علیه السلام) است و برای تو در هارون(علیه السلام) اسوه نیکویی است، زیرا قومش او را ضعیف شمردند و نزدیک بود که او را بکشند، پس بر ستم قریش و همدستی آنها علیه خودت صبر پیشه ساز که تو به منزله هارون(علیه السلام) و پیروان اوئی و آنها به منزله گوساله و پیروان آنند. ای علی! خدای تعالی به فرقت و اختلاف در این امت حکم کرده است و اگر می خواست همه را هدایت می کرد تا به غایتی که حتی دو نفر از این امت مختلف نشوند و در هیچ امر او منازعه نکنند و مفضول منکر فضل فاضل نشود و اگر می خواست در فرستادن عذاب تعجیل می فرمود و وضع را تغییر می داد تا ظالم تکذیب شود و معلوم گردد که گردش حق به کجاست ولیکن خداوند دنیا را سرای اعمال قرار داده است و آخرت را دار القرار تا آنان که بد کردند کیفر کار خود بینند و آنان که نیکی کردند پاداش خوب بیابند، سپس علی(علیه السلام) فرمود: **الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا عَلَى نِعْمَائِهِ وَصَبْرًا عَلَى بَلَائِهِ. (1)**

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زَكَرِيَّا أَبُو سَعِيدٍ الْبَصَرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ صَدَقَةَ الْعَنْبَرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

يَوْمًا صَلَاةَ الْفَجْرِ، ثُمَّ انْقَلَبَ وَأَقْبَلَ عَلَيْنَا يُحَدِّثُنَا، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ فَقَدَ الشَّمْسَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْقَمَرِ، وَ مَنْ فَقَدَ الْقَمَرَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْفَرَاقِدِينَ. قَالَ: فَقُمْتُ أَنَا وَ أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ وَ مَعْنَا أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ الشَّمْسُ قَالَ: أَنَا، فَإِذَا هُوَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) خَلَقَنَا وَ جَعَلَنَا بِمَنْزِلَةِ نُجُومِ السَّمَاءِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَأَنَا الشَّمْسُ فَإِذَا ذَهَبَ بِي فَتَمَسَّكُوا بِالْقَمَرِ. قُلْنَا: فَمَنْ الْقَمَرُ قَالَ: أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَزِيرِي وَ

ص: 9

قَاضِي دِينِي وَأَبُو وُلْدِي وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام).

قُلْنَا: فَمَنْ الْفَرْقَدَانِ قَالَ: الْحَسَنُ (عليه السلام) وَالْحُسَيْنُ (عليه السلام). ثُمَّ

مَكَثَ مَلِيًّا وَقَالَ: فَاطِمَةُ هِيَ الرَّهْرَةُ، وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

جابر بن عبدالله انصاری گفت: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نماز بامداد را خواند و سپس برگشت و رو به ما فرمود: ای مردم! هرکه خورشید را گم کند باید به ماه درآویزد و هرکه ماه را گم کند باید به دو ستاره در آویزد. جابر گفت که من و ابو ایوب انصاری و انس بن مالک برخاستیم و عرضه داشتیم: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خورشید کیست؟ فرمود: منم. آن گاه برای ما مثال زد و فرمود: همانا خداوند والا ما را آفرید و به مانند ستارگان آسمان قرارمان داد که هرگاه ستاره ای نماند ستاره ای دیگر طلوع کند. و من خورشیدم که وقتی مرا بردند باید به ماه در آویزد. ما عرضه داشتیم: ماه کیست؟ فرمودند: برادرم جانشین و وزیر و ادا کننده بدهی ام و پدر فرزندانم و جانشین خاندانم علی بن ابیطالب (علیه السلام). ما عرضه داشتیم: و آن دو ستاره ی قطبی چه کسانی هستند؟ فرمودند: حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) سپس مدت درازی مکث کرده فرمودند: فاطمه (علیها السلام) همان ستاره ی بامداد است و خاندانم به همراه قرآن و قرآن به همراه ایشان است، از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ بُنْدَارٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمْرِو بْنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَّ لَهُ فَجَلَّ لَهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ أَطْلَاعًا فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا فَجَعَلْتُكَ نَبِيًّا وَشَقَقْتُ لَكَ مِنْ اسْمِي اسْمًا فَأَنَا الْمُحْمُودُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله)

ثُمَّ أَطَّلَعْتُ

ص: 10

الثَّانِيَةَ فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا (عليه السلام) وَ جَعَلْتُهُ وَصِيكَ وَ خَلِيفَتَكَ وَ زَوْجَ ابْنَتِكَ وَ أَبَا ذُرِّيَّتِكَ وَ شَقَقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي فَأَنَا لِعَلِيٍّ [الْعَلِيِّ] الْأَعْلَى وَ هُوَ عَلِيٌّ وَ جَعَلْتُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ الْحَسَنَ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) مِنْ نُورِكُمْ ثُمَّ عَرَضْتُ وَلَا يَتَّهَمُ عَلِيَّ الْمَلَائِكَةُ فَمَنْ قَبَلَهَا كَانَ عِدِّي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَنِي حَتَّى يَنْتَقِطَعَ وَيَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاحِدًا لَوْلَا يَتَّهَمُ مَا أَسَّ كُنْتُهُ جَنَّتِي وَلَا أَظَلَلْتُهُ تَحْتَ عَرْشِي يَا مُحَمَّدُ أَتُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ قُلْتُ نَعَمْ يَا رَبِّي فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ ازْفَعْ رَأْسَكَ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا أَنَا بِأَنْوَارِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ الْحَسَنَ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى (عليه السلام) وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام)

وَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ (عليه السلام) فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ قُلْتُ يَا رَبِّ مَنْ هُوَ لَا قَالَ هُوَ لَاءِ الْأَيْمَةِ (عليهم السلام) وَ هَذَا الْقَائِمُ (عليه السلام)

الَّذِي يُجِلُّ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ بِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي وَ هُوَ رَاحَةٌ لِأَوْلِيَائِي وَ هُوَ الَّذِي يَشْفِي قُلُوبَ شَيْعَتِكَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ الْجَاحِدِينَ وَ الْكَافِرِينَ فَيُخْرِجُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى طَرِيئِينَ فَيَحْرِقُهُمَا فَلَفِتْنَةُ النَّاسِ بِهِمَا يَوْمَئِذٍ أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ الْعِجْلِ وَ السَّامِرِيِّ.

مفضل بن عمر از حضرت صادق جعفر بن محمد (عليه السلام) روایت کرده که آن جناب از پدر بزرگوارش و او از پدران خود و آنها از حضرت امیر المؤمنین (عليه السلام) روایت کرده اند که فرمود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: که چون که من به آسمان سیر داده شدم جناب رب الارباب جل جلاله وحی فرستاد و فرمود به من ای محمد (صلی الله علیه و آله) چون که نظر مرحمت به زمین انداختم برگزیدم تو را از اهل زمین پس تو را پیغمبر قرار دادم و مشتق کردم از برای تو از اسم خود اسمی را پس منم محمود و تویی

محمد(صلی الله علیه و آله) پس چون که ثانیاً نظر کردم برگزیدم از اهل زمین علی(علیه السلام) را و وی را وصی تو و جانشین تو و شوهر دختر تو و پدر ذریه تو قرار دادم و مشتق گردانیدم از برای او اسمی را از اسماء خودم پس منم علی اعلی و او است علی(علیه السلام) و فاطمه(علیها السلام) و حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) را از نور شما دو نفر قرار دادم پس از آن ولایت و محبت ایشان را بر ملائکه عرضه داشتم هر که قبول ولایت نمود نزد من از مقربین درگاه شد ای محمد(صلی الله علیه و آله) اگر بنده مرا بندگی کند تا اینکه قطعه قطعه شود پس مثل انبان و مشک کهنه شود پس از آن نزد من انکار کند ولایت و محبت ایشان را او را در بهشت خود جای ندهم و در سایه عرش خود مکان ندهم ای محمد(صلی الله علیه و آله) آیا دوست می داری ایشان را ببینی عرضه داشتم: بلی ای پروردگار من فرمود: بلند کند سر خود را پس چون سر خود را بلند نمودم دیدم انوار علی(علیه السلام) و فاطمه(علیها السلام) و حسن(علیه السلام) و حسین(علیها السلام) و علی بن الحسین(علیه السلام) و محمد بن علی(علیه السلام) و جعفر بن محمد(علیه السلام) و موسی بن جعفر(علیه السلام) و علی بن موسی(علیه السلام) و محمد بن علی(علیه السلام) و علی بن محمد(علیه السلام) و حسن بن علی(علیه السلام) و حجة بن الحسن(علیه السلام) که در وسط ایشان قائم(علیه السلام) بود مثل ستاره درخشانده، عرض کردم ای پروردگار من کیستند این ها؟ فرمود: این ها ائمه(علیهم السلام) هستند و آن کسی که در وسط ایشان قائم(علیه السلام) است کسی است که حلال می کند حلال مرا و حرام می کند حرام مرا و با او انتقام می کشم از دشمنان خودم و او راحت دوستان من است و او کسی است که شفا می دهد قلوب شیعه تو را از ظلم ظالمان و جاحدان و کافران پس بیرون می آورد دوبرگ لات و عزی را در حالتی که هر دو تر و تازه باشند پس می سوزاند آنها را و فتنه که مردم در آن وقت به جهت این دوبرگ برپا کنند سخت تر است از فتنه گوساله و سامری. (1)

ص: 12

---

1- . عیون أخبار الرضا علیه السلام ج 1 ص 58 باب 6 باب النصوص علی الرضا ع بالإمامة فی جملة الأئمة الاثني عشر ح 27

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ (قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ)، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَهْدِيِّ بْنِ صَدَقَةَ الْبَرْقِيِّ أَمَلَاهُ عَلَيَّ إِمْلَاءً مِنْ كِتَابِهِ، قَالَ حَدَّثَنَا [أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا] الرِّضَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: لَمَّا أَتَى أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ إِلَى مَنْزِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَخَاطَبَاهُ فِي الْبَيْعَةِ وَخَرَجَا مِنْ عِنْدِهِ، خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِلَى الْمَسْجِدِ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ بِمَا اصْطَنَعَ عِنْدَهُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْهُمْ، وَ أَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ فُلَانًا وَ فُلَانًا أَتَيَانِي وَ طَالِبَانِي بِالْبَيْعَةِ لِمَنْ سَبِيلُهُ أَنْ يُبَايَعَنِي، أَنَا ابْنُ عَمِّ النَّبِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ أَبُو ابْنَيْهِ، وَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ، وَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) لَا يَقُولُهَا أَحَدٌ غَيْرِي إِلَّا كَاذِبٌ، وَ أَسْلَمْتُ وَ صَلَّيْتُ، وَ أَنَا وَ صِيَّتُهُ، وَ زَوْجُ ابْنَتِهِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام) بِنْتِ مُحَمَّدٍ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ أَبُو حَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ حُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) سَيِّدِي رَسُولِ اللَّهِ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، بِنَا هَدَاكُمُ اللَّهُ، وَ بِنَا اسْتَقْدَكُمُ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَ أَنَا صَاحِبُ يَوْمِ الدَّوْحِ، وَ فِيَّ نَزَلَتْ سُورَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ، وَ أَنَا الْوَصِيُّ عَلَى الْأَمْوَاتِ مِنَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنَا بَقِيَّتُهُ عَلَى الْأَحْيَاءِ مِنْ أُمَّتِهِ، فَاتَّقُوا اللَّهَ (يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) (1) وَ (يُتِمِّمْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ) (2) ثُمَّ رَجَعَ إِلَى بَيْتِهِ.

ص: 13

1- . محمد آية 7

2- . النحل آية 81

امام حسین(علیه السلام) فرمودند: آنگاه که ابوبکر و عمر درباره ی بیعت با امیرالمومنین(علیه السلام) سخن گفتند، امیرالمومنین(علیه السلام) به مسجد رفت و خدا را برای برگزیدن اهل بیت از میان آنان سپاس و آفرین گفت، زیرا فرستاده ای از خودشان در میان آنان برانگیخت و پلیدی را از آنان برطرف کرده و به راستی پاکیزه شان کرد. سپس فرمود: فلانی و فلانی به نزد من آمدند و از من بیعت خواستند برای کسی که او باید با من بیعت می کرد. من پسر عموی پیامبر(صلی الله علیه و آله) و پدر فرزندانش و راستگوی بزرگ و برادر رسول خدایم. که اگر کسی جز من این ها را بگوید دروغگو است. من پیش از همه اسلام آوردم و نماز گزاردم. من وصی او و همسر دخترش سرور زنان جهان و پدر حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) و دو نوه ی رسول خدایم. ما ییم خاندان رحمت به سبب ما شما را هدایت می کند و به سبب ما شما را از گمراهی نجات می دهد. منم صاحب روز دوح یک سوره از قرآن درباره ی من نازل شده. منم وصی پیامبر بر اموات خاندانش. منم بازمانده ی او بر زندگان امتش پس از خدا پروا کنید تا شما را پایدار کند و نعمتش را بر شما تمام سازد. سپس حضرت به خانه اش بازگشت. (1)

### اسامی اهل بیت در تورات و انجیل

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ مَا جِيلَوِيهِ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) قَالَ: جَاءَ نَفْرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) و آله

ص: 14

فَقَالُوا يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله)... فَأَخْبَرَنِي عَنِ السَّادِسِ عَنِ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ مَكْتُوباتٍ فِي التَّوْرَةِ أَمَرَ اللَّهُ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ يَقْتَدُوا بِمُوسَى فِيهَا مِنْ بَعْدِهِ قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) فَأَنْشَدْتُكَ بِاللَّهِ إِنَّ أَنَا أَخْبَرْتُكَ تُقْرَأُ لِي قَالَ الْيَهُودِيُّ نَعَمْ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) قَالَ فَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) أَوَّلُ مَا فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله)

رَسُولُ اللَّهِ وَ هِيَ بِالْعِبْرَانِيَّةِ طَابَ ثَمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

هَذِهِ الْآيَةُ (يَجِدُونَهُ

مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ) (1)

و)

مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ) (2)

وَ فِي السِّطْرِ الثَّانِيَا سَمٌ وَصِيٍّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

وَ الثَّلَاثِ وَ الرَّابِعِ سَيِّدِ بَطِّي الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ فِي الْخَامِسِ أُمَّهُمَا فَاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ فِي التَّوْرَةِ اسْمٌ وَصِيٍّ إِلْيَا وَ اسْمٌ سَبْطِي شَبْرٌ وَ شَبِيرٌ وَ هُمَا نُورَا فَاطِمَةَ (عليها السلام)

به من خبر ده از ششمین، در تورات پنج چیز نوشته است که خدا به بنی اسرائیل دستور داد در آنها از موسی (عليه السلام) پیروی کنند پس از او. فرمود تورا بخدا اگر از آنها به تو اطلاع دادم به من اعتراف کنی؟ یهودی گفت آری ای محمد (صلى الله عليه وآله) پیغمبر فرمود در تورات نوشته است مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ به عبرانی طاب ضبط شده و پس از آن این آیه را (يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ) در یابند آن را مکتوب نزد خود در تورات و انجیل مژده بخش به رسولی پس از خود بنام احمد و در سطر دوم نام وصیش علی بن ابی طالب (عليه السلام) و در سوم و چهارم دو سبطش حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) و در پنجم مادرشان فاطمه (عليها السلام) بانوی زنان جهانیان، در تورات، نام وصیم الیا و نام دو سبطم شبر و شبیر و این دو نور فاطمه (عليها السلام) هستند.... (3)

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ

ص: 15

1- . الاعراف آية 157

2- . الصف آية 6

3- . الأماي (للصدوق) النص 192 المجلس الخامس و الثلاثون ح 1

أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ...أَوَّلُ مَا فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) رَسُولُ اللَّهِ وَ هِيَ بِالْعِبْرَانِيَّةِ طَابَ ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) هَذِهِ الْآيَةَ (يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ) (1) وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ) (2)

وَ فِي السِّطْرِ الثَّانِي اسْمُ وَصِيِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ الثَّلَاثِ وَ الرَّابِعِ سِبْطِيِّ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ فِي الْخَامِسِ أُمَّهُمَا فَاطِمَةُ (عليها السلام) سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ صَدَّقَتْ لَمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ فِي التَّوْرَةِ اسْمُ وَصِيِّ إِيَّا وَ اسْمُ سِبْطِيِّ شَبْرٍ وَ شَبِيرٍ وَ هُمَا نُورًا فَاطِمَةُ (عليها السلام) قَالَ الْيَهُودِيُّ صَدَقَتْ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله)

بيغمبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: در تورات نوشته است مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ به عبرانی طاب ضبط شده و پس از آن این آیه را (يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَ

مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ) در یابند آن را مکتوب نزد خود در تورات و انجیل مژده بخش به رسولی پس از خود بنام احمد (صلى الله عليه وآله) و در سطر دوم نام وصیش علی بن ابی طالب (عليه السلام) و در سوم و چهارم دو سبطش حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) و در پنجم مادرشان فاطمه (عليها السلام) بانوی زنان جهانیان، در تورات، نام وصیم الیا و نام دو سبطم شبر و شبیر و این دو نور فاطمه (عليها السلام) هستند، یهودی گفت راست گفتم ای محمد (صلى الله عليه وآله). (3)

ص: 16

1- . الاعراف آية 57

2- . الصف آية 6

3- . الأمالي (للصدوق) النص 192 المجلس الخامس و الثلاثون



قَوْلُهُ تَعَالَى (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ) عَنْ أَنَسٍ قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) وَفَاطِمَةُ (عليها السلام) (يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ) قَالَ الْحَسَنُ (عليه السلام) وَالْحُسَيْنُ (عليه السلام) وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَلِيُّ (عليه السلام) وَفَاطِمَةُ (عليها السلام) (بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ) النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) (يَخْرُجُ مِنْهُمَا) الْحَسَنُ (عليه السلام) وَالْحُسَيْنُ (عليه السلام)

ابن عباس گوید: آن دو دریا (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ) (1) علی (عليه السلام) و فاطمه (عليها السلام) هستند که (بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ) (2) بین آن دو دریا فاصله ای است، پیامبر (صلى الله عليه وآله) از آن دو، لؤلؤ و مرجان، یعنی (يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ) (3) حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) بیرون آیند. (4)

### توسل انبياء بر اهل بيت عليهم السلام

وَ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ السَّنَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَسَدِيِّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْعَسَدِيَّ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) خَلِيلًا لِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَ أَهْلِ بَيْتِهِ (عليهم السلام) صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.

امام حسن عسکری (عليه السلام) فرمودند: ابراهیم (عليه السلام) خلیل خدا شد چون بسیار بر محمد (صلى الله عليه وآله) و آل محمد (صلى الله عليه وآله) صلوات می فرستاد. (5)

ص: 17

1- . الرحمن آية 19

2- . الرحمن آية 20

3- . الرحمن آية 22

4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 323 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

5- . وسائل الشيعة ج 7 ص 194 باب 34 باب استحباب الإكثار من الصلاة على محمد وآله عليهم السلام واختيارها على ما سواها ح 9

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَمَّارِ الدَّهَّانِ عَنْ مَسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا طَرَحَ إِخْوَةُ يُوسُفَ (عليه السلام) يُوسُفَ (عليه السلام) فِي الْجُبِّ أَتَاهُ جَبْرَيْلُ (عليه السلام) فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا غُلَامُ مَا تَصْنَعُ هَاهُنَا فَقَالَ إِنَّ إِخْوَتِي الْقَوْنِي فِي الْجُبِّ قَالَ فَتَحِبُّ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهُ قَالَ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنْ شَاءَ أَخْرَجَنِي قَالَ فَقَالَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لَكَ ادْعُنِي بِهِذَا الدُّعَاءِ حَتَّى أُخْرِجَكَ مِنَ الْجُبِّ فَقَالَ لَهُ وَمَا الدُّعَاءُ فَقَالَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ (بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) (1) (ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ) (2) أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِمَّا أَنَا فِيهِ فَرَجًا وَمَخْرَجًا قَالَ ثُمَّ كَانَ مِنْ قِصَّتِهِ مَا ذَكَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ.

حضرت صادق (عليه السلام) فرمود: چون برادران یوسف (عليه السلام) او را در چاه افکندند جبرئیل (عليه السلام) نزدش آمد و گفت: ای پسرک در اینجا چه می کنی؟ گفت: همانا برادران من مرا در این چاه افکندند جبرئیل (عليه السلام) گفت: می خواهی که از این چاه بیرون آئی؟ یوسف گفت: این با خدای عز و جل است اگر خواهد مرا بیرون آرد، امام صادق (عليه السلام) فرمود: پس جبرئیل (عليه السلام) به او گفت: همانا خدای تعالی به تو فرماید: مرا با این دعا بخوان تا از چاه بیرون آوری، یوسف (عليه السلام) گفت: آن دعا کدام است؟ گفت: بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ (بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) (ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ) أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِمَّا أَنَا فِيهِ فَرَجًا وَمَخْرَجًا امام صادق (عليه السلام) فرمود: پس داستانش همان شد که خداوند در کتابش یاد فرموده است. (3)

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ قَرَأْتُ عَلَى أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَلَيْمَانَ بْنِ الْحَارِثِ قُلْتُ حَدِّثْكُمْ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ خَلْفِ الْعَطَّارِ

ص: 18

1- . البقرة آية 117

2- . الرحمن آية 27

3- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 2 ص 556 باب الدعاء للكرب و الهم و الحزن و الخوف ح 4

قَالَ حَدَّثَنَا حُسَيْنُ الْأَشْجَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ أَبِي الْمُقَدَّمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَلَقَى آدَمُ (عليه السلام) مِنْ رَبِّهِ (فَتَابَ عَلَيْهِ) قَالَ سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَعَلِيِّ (عليه السلام) وَفَاطِمَةَ (عليها السلام) وَالْحَسَنِ (عليه السلام) وَالْحُسَيْنِ (عليه السلام) إِلَّا تَبَّتْ عَلَيَّ فَتَابَ عَلَيَّ.

ابن عباس گوید پرسیدم از پیغمبر (صلى الله عليه وآله) کلماتی را که آدم دریافت از پروردگار خود و توبه او را پذیرفت فرمود به حق محمد (صلى الله عليه وآله) و علی (عليه السلام) و فاطمه (عليها السلام) و حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) جز آنکه توبه ام بپذیری و توبه اش را پذیرفت. (1)

الْبَاقِرُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ) كَلِمَاتٍ فِي مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَعَلِيِّ (عليه السلام) وَفَاطِمَةَ (عليها السلام) وَالْحَسَنِ (عليه السلام) وَالْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَالْأَيِّمَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ كَذَا نَزَلَتْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله).

نیز حضرت باقر (عليه السلام) در تفسیر آیه (وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ) فرموده: منظور کلماتی است که در باره حضرت محمد (صلى الله عليه وآله) و علی (عليه السلام) و فاطمه (عليها السلام) و حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) و فرزندان آنان نازل شده. (2)

ص: 19

1- . الأُمالي (للصدوق) النص 76 المجلس الثامن عشر ح 20

2- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 43 ص 32 باب 3 مناقبها و فضائلها و بعض أحوالها و معجزاتها صلوات الله عليها

قَوْلُهُ تَعَالَى (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) الْآيَةَ أُوْرَدَ الْحَافِظُ ابْنُ مَرْدَوَيْهِ مِنْ أَزْبَدٍ مِنْ مِائَةِ طَرِيقٍ أَنَّهَا فِي مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَعَلِيِّ (عليه السلام) وَفَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

خداوند می فرماید: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) (1)

اراده قطعی خداوند بر این قرار گرفته است که هر نوع رجس و پلیدی را از شما دور سازد و از هر عیب پاک و منزّه گرداند. حافظ ابن مردویه از بیش از یک صد طریق از روایان احادیث بازگو نموده که این آیه شریفه در باره محمد (صلى الله عليه وآله) علی (عليه السلام) فاطمه (عليها السلام) حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) نازل گردیده و کسی با آنها در این فضیلت بزرگ، همگام و همتا نیست. (2)

ص: 20

1- . الاحزاب آیه 33

2- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 405 المبحث الحادي والعشرون فيما ورد من طريق الجمهور أنه نزل في أمير المؤمنين ع من القرآن

باب سی ونهم: اندکی از دریای فضائل سیدالعالمین رسول خدا

اشاره

ص: 21



و اما، فخر کائنات، سیدالعالمین رسول خداست که برای ارشاد این امت سختی ها کشید و رنج ها برد و جسم گرامی اش را در راه هدایت این مردم فرسوده ساخت و مزدی از ایشان نمی خواست جز مودت و دوستی و پیروی از خاندان مکرمش، اکنون به قطره ای از دریای فضائل رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و ائمه بزرگوارش اشاره می کنیم که این احادیث می تواند ذره ای از مقامات ایشان را تصویر کند.

### وقایع هنگام ولادت رسول خدا

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ الْبَزْزَطِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ يَخْتَرِقُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ فَلَمَّا وُلِدَ عِيسَى (عليه السلام) حُجِبَ عَنْ ثَلَاثِ سَمَاوَاتٍ وَ كَانَ يَخْتَرِقُ أَرْبَعِ سَمَاوَاتٍ فَلَمَّا وُلِدَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) حُجِبَ عَنِ السَّبْعِ كُلِّهَا وَ رُمِيَ الشَّيَاطِينُ بِالنُّجُومِ وَقَالَتْ قُرَيْشٌ هَذَا قِيَامُ السَّاعَةِ كُنَّا نَسْمَعُ أَهْلَ الْكُتُبِ يَذْكُرُونَهُ وَقَالَ عَمْرُو بْنُ أُمَيَّةَ وَ كَانَ مِنْ أَزْجَرِ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ انْظُرُوا هَذِهِ النُّجُومَ الَّتِي يُهْتَدَى بِهَا وَيُعْرَفُ بِهَا أَرْمَانُ الشِّتَاءِ وَ الصَّيْفِ فَإِنْ كَانَ رُمِيَ بِهَا فَهُوَ هَالِكٌ كُلُّ شَيْءٍ وَإِنْ كَانَتْ تَبَّتْ وَ رُمِيَ بِغَيْرِهَا فَهُوَ أَمْرٌ حَدَثَ وَ أَصَدَّ بَحْتِ الْأَصَدِّ نَامَ كُلُّهَا صَبِيحَةَ وُلْدِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) لَيْسَ مِنْهَا صَنْمٌ إِلَّا وَهُوَ مُنْكَبٌّ عَلَى وَجْهِهِ وَازْتَجَسَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ إِيوَانُ كِسْرَى وَ سَقَطَتْ مِنْهُ أَرْبَعُ عَشْرَةَ

شُرْفَةً وَغَاصَتْ بِحَيْرُهُ سَاوَةً وَفَاضَ وَاِدِي السَّمَاوَةِ وَحَمَدَتْ نِيزَانَ فَارِسَ وَ لَمْ تَحْمَدْ قَبْلَ ذَلِكَ بِأَلْفِ عَامٍ وَرَأَى الْمُؤَبَّدَانُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ فِي  
الْمَنَامِ إِبْلًا صِعَابًا تَقُودُ خَيْلًا عَرَابًا قَدْ قَطَعَتْ دِجْلَةَ وَ انْسَرَبَتْ فِي بِلَادِهِمْ وَ انْقَصَمَ طَاقُ الْمَلِكِ كِسْرَى مِنْ وَسْطِهِ وَ انْحَرَقَتْ عَلَيْهِ دِجْلَةُ الْعُورَاءِ  
وَ انْتَشَرَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ نُورٌ مِنْ قِبَلِ الْحِجَازِ ثُمَّ اسْتَطَارَ حَتَّى بَلَغَ الْمَشْرِقَ وَ لَمْ يَبْقَ سَرِيرٌ لِمَلِكٍ مِنْ مَمْلُوكِ [مُلُوكِ] الدُّنْيَا إِلَّا أَصْبَحَ مَنْكُوسًا وَ  
الْمَلِكُ مُخْرَسًا لَا يَتَكَلَّمُ يَوْمَهُ ذَلِكَ وَ انْتَزَعَ عِلْمَ الْكَهْنَةِ وَ بَطَلَ سِحْرَ السَّحَرَةِ وَ لَمْ يَبْقَ كَاهِنَةٌ فِي الْعَرَبِ إِلَّا حُجِبَتْ عَنْ صَاحِبِهَا وَ عَظُمَتْ  
فُرَيْشٌ فِي الْعَرَبِ وَ سُمُوا آلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ (عليه السلام) إِنَّمَا سُمُوا آلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَنَّهُمْ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَ  
قَالَتْ أَمِنَةُ إِنَّ ابْنِي وَ اللَّهُ سَقَطَ فَاتَّقَى الْأَرْضَ بِيَدَيْهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَنَظَرَ إِلَيْهَا ثُمَّ خَرَجَ مِنِّي نُورٌ أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَ سَمِعْتُ فِي  
الصُّنُوءِ قَائِلًا يَقُولُ إِنَّكَ قَدْ وَلَدْتَ سَيِّدَ النَّاسِ فَسَمِيَهُ مُحَمَّدًا وَ أَتَى بِهِ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ لِيَنْظُرَ إِلَيْهِ وَ قَدْ بَلَغَهُ مَا قَالَتْ أُمُّهُ فَوَضَعَهُ فِي حَجْرِهِ ثُمَّ قَالَ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعْطَانِي هَذَا الْغُلَامَ الطَّيِّبَ الْأَزْدَانَ قَدْ سَادَ فِي الْمَهْدِ عَلَى الْعِلْمَانِ ثُمَّ عَوَّذَهُ بِأَرْكَانِ الْكِعْبَةِ وَ قَالَ فِيهِ أَشَدَّ عَارًا قَالَ وَ صَاحَ  
إِبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ فِي أَبَالِسَتْ بِهِ فَاجْتَمَعُوا إِلَيْهِ فَقَالُوا مَا الَّذِي أَفْرَعَكَ يَا سَيِّدَنَا فَقَالَ لَهُمْ وَيْلَكُمْ لَقَدْ أَتَكْرَتُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ مِنْذُ اللَّيْلَةِ لَقَدْ حَدَّثَ  
فِي الْأَرْضِ حَدَّثَ عَظِيمٌ مَا حَدَّثَ مِثْلَهُ مُنْذُ وُلِدَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (عليه السلام) فَاحْرُجُوا فَانظُرُوا مَا هَذَا الْحَدِيثُ الَّذِي قَدْ حَدَّثَ فَأَفْتَرَفُوا ثُمَّ  
اجْتَمَعُوا إِلَيْهِ فَقَالُوا مَا وَجَدْنَا شَيْئًا فَقَالَ إِبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ أَنَا لِهَذَا الْأَمْرِ ثُمَّ انْعَمَسَ فِي الدُّنْيَا فَجَالَهَا حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْحَرَمِ



فَوَجَدَ الْحَرَمَ مَحْفُوظًا بِالْمَلَائِكَةِ فَذَهَبَ لِيَدْخُلَ فَصَاحُوا بِهِ فَرَجَعَ ثُمَّ صَارَ مِثْلَ الصَّرِّ [الصُّرْدِ] وَهُوَ الْعَصَّةُ فَمُورٌ فَدَخَلَ مِنْ قِبَلِ حِرَاءٍ فَقَالَ لَهُ جَبْرَيْلُ (عليه السلام) وَرَاكَ لَعْنَتِكَ اللَّهُ فَقَالَ لَهُ حَرْفٌ أَسْأَلُكَ عَنْهُ يَا جَبْرَيْلُ مَا هَذَا أَحَدَثَ الَّذِي حَدَّثَ مُذُ اللَّيْلَةِ فِي الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ وُلِدَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ لَهُ هَلْ لِي فِيهِ نَصِيبٌ قَالَ لَا قَالَ فَفِي أُمَّتِهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ رَضِيْتُ.

امام صادق(عليه السلام) فرمود ابليس تا آسمان هفتم را در مینوشت و چون عیسی(عليه السلام) زاده شد از سه آسمان ممنوع شد و تا چهار دیگر میرفت و چون رسول خدا(صلى الله عليه وآله) متولد شد از هفت آسمان ممنوع شد و شیاطین را با تیر می زدند، قریش گفتند این قیام همان کسی است که می شنیدیم اهل کتاب او را نام می بردند، عمرو بن امیه که ستاره شناس تر مردم جاهلیت بود گفت به ستاره ها توجه کنید که راهنما بودند و وقت زمستان و تابستان با آنها شناخته می شود اگر آنها سقوط کنند همه چیز هلاک شود و اگر آنها برجایند و ستاره های دیگری سقوط می کنند امر تازه ایست، در صبح روز ولادت پیغمبر(صلى الله عليه وآله) همه بت ها سرنگون شدند و به روی بر خاک افتادند، در آن شب طاق کسری ترک برداشت و چهارده کنگره از آن فرو ریخت و دریاچه ساوه خشک شد و وادی ساوه پر از آب شد و آتشکده فارس که از هزار سال فروزان بود خاموش گردید و مؤبدان در خواب دیدند که شتران سختی اسبان عربی را یدک دارند و از دجله گذشتند و در بلاد عجم منتشر شدند و طاق کسری از وسط شکست و رود دجله عریان بر آن مسلط شد و در آن شب نوری از سمت حجاز برآمد و تا مشرق تتق کشید و تخت همه سلاطین وارونه شد و خودشان لال شدند و در آن روز نتوانستند سخن گویند دانش کاهنان ربوده شد و سحر جادوگران باطل گردید و کاهنه های عرب از همزاد شیطانی خود ممنوع شدند و قریشدر میان عرب آل الله نامیده شدند. امام صادق(عليه السلام) فرمود آنها را آل الله گفتند برای آنکه در بیت الله بودند آمنه گفت بخدا

چون فرزندم سقوط کرد دست بر زمین نهاد و سر به آسمان برآورد و بدان نگریست و نوری از من تابید که همه چیز را روشن کرد و در آن نور شنیدم که گوینده می گفت تو سید عرب را زادی و او را محمد(صلی الله علیه و آله) بنام و عبدالمطلب(علیه السلام) آمد که او را دیدار کند و آنچه مادرش گفته بود شنیده بود او را در دامن گرفت و گفت حمد خدا را که این پسر را به من داد که اندامی خوشبو دارد و در گهواره بر همه پسران آقا است و بارکان کعبه او را پناهید و اشعاری در باره او سرود و ابلیس در میان اعوان خود فریاد کشید و همه ابلیسان گردش را گرفتند و گفتند: آقای ما تو را چه به هراس افکننده؟ گفت ای بر شما از دیشب وضع آسمان و زمین را دیگرگون بینیم در زمین تازه عجیبی رخ داده که از زمان ولادت عیسی(علیه السلام) تا کنون سابقه نداشته بروید و خبری از این پیش آمد تازه بگیریید همه پراکنده شدند و برگشتند و گفتند ما تازه ای ندیدیم ابلیس گفت من خود باید خبر گیرم در دنیا به گردش پرداخت تا به ناحیه حرم مکه رسید دید فرشتگان گرد آن را گرفتند و خواست وارد آن شود به او بانگ زدند و برگشت و چون گنجشکی گردید و از طرف غار حری برآمد که جبرئیل(علیه السلام) به او نهیب زد برو ای ملعون گفت ای جبرئیل(علیه السلام) از تو سخنی پرسم بگو که از دیشب تا کنون چه تازه ای رخ داده؟ گفت محمد(صلی الله علیه و آله) متولد شده، گفت مرا در او بهره ای است؟ گفت: نه گفت: در امتش چگونه؟ گفت: آری؟ گفت: خشنودم. (1)

الصَّادِقُ(علیه السلام) أَصَّ بَحَثِ الْأَصْنَامِ عَلَى وُجُوهِهَا وَازْتَجَسَ إِيَّوَانُ كِسْرَى وَ سَقَطَ مِنْهُ أَرْبَعُ عَشْرَةَ شُرَافَةً وَ غَاصَتْ بِحَيْرَةٍ سَاوَةٌ وَ حَمَدَتْ نَارُ فَارِسَ وَ لَمْ تُحْمَدْ قَبْلَ ذَلِكَ بِأَلْفِ عَامٍ وَ لَمْ يَبْقَ سَرِيرٌ لِمَلِكٍ إِلَّا أَصَّ بِحَ مَنْكُوسًا وَالْمَلِكُ مُخْرَسًا لَا يَتَكَلَّمُ يَوْمَهُ ذَلِكَ وَ انْتَرَعَ عِلْمُ الْكَهَنَةِ وَ بَطَلَ سِحْرُ السَّحَرَةِ وَ لَمْ تَبْقَ كَاهِنَةٌ فِي الْعَرَبِ إِلَّا حُجِبَتْ عَنْ صَاحِبِهَا

ص: 26

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: در هنگام ولادت پیامبر(صلی الله علیه و آله) عظیم الشان، بت ها به صورت، به زمین افتادند. پادشاهی نماند، مگر آن که تاجش واژگون و زبانش در آن روز، بند آمد. کاهنان از دانش خود جدا شدند. در آن شب، نوری از سرزمین حجاز پدید آمد و منتشر شد و تا مشرق، گسترش یافت. (1)

ص: 27

---

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 1 ص 30 فصل في مولده



هم و غم فراوان رسول خدا برای هدایت امت

(إِنْ تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ)

اگر [چه] بر هدایت آنان حرص ورزی، ولی خدا کسی را که فرو گذاشته است هدایت نمی کند، و برای ایشان یاری کنندگانی نیست. (1)

(إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ)

در حقیقت، تو هر که را دوست داری نمی توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می کند، و او به راه یافتگان داناتر است (2)

(لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ)

شاید تو از اینکه [مشرکان] ایمان نمی آورند، جان خود را تباه سازی اگر بخواهیم، معجزه ای از آسمان بر آنان فرود می آوریم، تا در برابر آن، گردنهایشان خاضع گردد (3)

(وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) سخن آنان تو را غمگین نکند، زیرا عزت، همه از آن خداست. او شنوای داناست. (4)

(أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ)

ص: 29

1- . النحل آية 37

2- . القصص آية 56

3- . الشعراء الآيات 3 و 4

4- . يونس آية 65

آیا آن کس که زشتی کردارش برای او آراسته شده و آن را زیبا می بیند [مانند مؤمن نیکوکار است]؟ خداست که هر که را بخواهد بی راه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند. پس مبادا به سبب حسرتها [ی گوناگون] بر آنان، جانت [از کف] برود، قطعاً خدا به آنچه می کنند داناست (1)

(فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا)

شاید، اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه، در پیگیری [کار]شان تباہ کنی. (2)

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ)

ای پیامبر، کسانی که در کفر شتاب می ورزند، تو را غمگین ن سازند؛ [چه] از آنانکه با زبان خود گفتند: «ایمان آوردیم»، و حال آنکه دلهايشان ایمان نیاورده بود.... (3)

(وَلَقَدْ نَعَلْنَا أَنَّاكَ بِصِدْقٍ بِمَا يَقُولُونَ)

و قطعاً می دانیم که سینه تو از آنچه می گویند تنگ می شود (4) (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ)

قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است. (5)

ص: 30

1- . فاطر آیه 8

2- . الکهف آیه 6

3- . المائدة آیه 41

4- . الحجر آیه 97

5- . التوبة آیه 128

( وَ مَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ )

و بیشتر مردم هر چند آرزومند باشی ایمان آورنده نیستند. (1)

( قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ )

به یقین، می دانیم که آنچه می گویند تو را سخت غمگین می کند. در واقع آنان تو را تکذیب نمی کنند، ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می کنند. (2)

( وَإِنْ كَانَ كَبْرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ )

و اگر اعراض کردن آنان [از قرآن] بر تو گران است.... (3)

( مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى )

قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی (4)

( وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ )

و اگر پروردگار تو می خواست، قطعاً هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می کنی که بگردند؟ (5) ( وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلٌّ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ )

ص: 31

1- . يوسف آية 103

2- . الانعام آية 33

3- . الانعام آية 35

4- . طه آية 2

5- . يونس آية 99

و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: او زودباور است. بگو: گوش خوبی برای شماسست، به خدا ایمان دارد و (سخن) مؤمنان را باور می کند، و برای کسانی از شما که ایمان آورده اند رحمتی است. و کسانی که پیامبر خدا را آزار می رسانند، عذابی بر درد [در پیش] خواهند داشت. (1)

(وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ)

و صبر کن و صبر تو جز به (توفیق) خدا نیست و بر آنان اندوه مخور و از آنچه نیرنگ می کنند دل تنگ مدار. (2)

(وَلَا يَحْزُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنُضَرُّوا بِاللَّهِ شَيْئًا لِّئَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ)

و کسانی که در کفر می کوشند، تو را اندوهگین نسازند که آنان هرگز به خدا هیچ زیانی نمی رسانند. خداوند می خواهد در آخرت برای آنان بهره ای قرار ندهد، و برای ایشان عذابی بزرگ است. (3)

(فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ)

پس اگر تو را تکذیب کردند، [بدان که] پیامبرانی [هم] که پیش از تو، دلایل روشن و نوشته ها و کتاب روشن آورده بودند، تکذیب شدند. (4)

(وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنُكَ كُفْرُهُ إِنَّنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ)

ص: 32

---

1- . التوبة آية 61

2- . النحل آية 127

3- . آل عمران آية 176

4- . آل عمران آية 184



و هر که کفر ورزد، نباید کفر او تورا غمگین گرداند. بازگشتشان به سوی ماست، و به آنچه کرده اند آگاهشان خواهیم کرد. در حقیقت، خدا به راز دلها داناست (1)

## اخلاق عظیم رسول خدا

(فِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِن لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ)

پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد. (2)

(وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ)

و راستی که تورا خوبی والاست. (3)

(وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)

و تورا جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (4)

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى قَالَ أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْخَزَّازُ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ

ص: 33

1- . لقمان آية 23

2- . آل عمران آية 159

3- . قلم آية 4

4- . الانبياء آية 107

الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ يَهُودِيًّا كَانَ لَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) دَنَانِيرٌ فَتَقَاضَاهُ فَقَالَ لَهُ يَا يَهُودِيٌّ مَا عِنْدِي مَا أُعْطِيكَ قَالَ فَإِنِّي لَا أَفَارِقُكَ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) حَتَّى تَقْضِيَنِي فَقَالَ إِذَا أَجْلَسَ مَعَكَ فَجَلَسَ مَعَهُ حَتَّى صَلَّى فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَالْغَدَاةَ وَكَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَتَهَدَّدُونَهُ وَيَتَوَاعَدُونَهُ فَنَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِلَيْهِمْ فَقَالَ مَا الَّذِي تَصْنَعُونَ بِهِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَهُودِيٌّ يَحْبِسُكَ فَقَالَ لَمْ يَبْعَثْنِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ بِأَنْ أَظْلَمَ مُعَاهِدًا وَلَا غَيْرَهُ فَلَمَّا عَلَا النَّهَارُ قَالَ الْيَهُودِيُّ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَشَطْرُ مَالِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمَا وَاللَّهِ مَا فَعَلْتُ بِكَ الَّذِي فَعَلْتُ إِلَّا لِأَنْظُرَ إِلَى نَعْتِكَ فِي التَّوْرَةِ فَإِنِّي قَرَأْتُ فِي التَّوْرَةِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَوْلِدُهُ بِمَكَّةَ وَهُاجِرُهُ بِطَيْبَةَ وَلَيْسَ بِفِظٍّ وَلَا غَلِيظٍ وَلَا سَخَابٍ وَلَا مُتْرَيْنٍ [مُتْرَيْنٍ] بِالْفُحْشِ وَلَا قَوْلِ الْخَنَى وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَهَذَا مَالِي فَاحْكُمْ فِيهِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَكَانَ الْيَهُودِيُّ كَثِيرَ الْمَالِ...

امام هفتم نقل از پدرانش فرمود يك يهودى چند اشرفى از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) مى خواست و از او مطالبه كرد فرمود چيزى ندارم به تو بدهم گفت اى محمد(صلى الله عليه وآله) از تو جدا نشوم تا بپردازى فرمود در اين صورت با تو مى نشينم با او نشست تا در آنجا نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء و بامداد را با يارانش خواند، اصحاب او يهودى را تهديد مى كردند و نهيى مى دادند، رسول خدا(صلى الله عليه وآله) به آنها نگاهى كرد و فرمود: با او چه كار مى كنيد؟ عرضه داشتند: يا رسول الله(صلى الله عليه وآله) يك يهودى تورا باز داشت کرده فرمود: خدا مرا نفرستاده كه به كافر هم پيمانى يا ديگرى ستم كنم و چون روز برآمد يهودى گفت اشهد ان لا اله الا الله و گواهم كه تو رسول خدائى و نيمى از مالم را در

راه خدا دادم به خدا این کار با تو نکردم جز آنکه صفت تو را در تورات بررسی کنم چون صفت تو را در تورات خواندم که محمد بن عبد الله (صلی الله علیه و آله) مولدش مکه است و به مدینه مهاجرت کند کج خلق و سخت گیر نیست بد سخن و هرزه گویند و من گواهم که معبود حقی جز خدا نیست و تورا رسول خدائی و این مال من در اختیار تو است و به دستور خدا در آن حکم کن و مال بسیاری داشت.

(1)

وَبَعَثْنِي قَوْمِي إِلَيْكَ رَائِدًا أُبْغِي أَنْ أَسَّ تَحْلِفَكَ وَأَخْشَى أَنْ تَغْضَبَ قَالَ لَا أَعْضِبُ إِيَّيَ أَنَا الَّذِي سَمَّانِي اللَّهُ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ مُحَمَّدًا (صلی الله علیه و آله) [مُحَمَّدًا] رَسُولَ اللَّهِ الْمُجْتَبَى الْمُصَدَّقَ لَيْسَ بِفَحَّاشٍ وَلَا سَخَّابٍ فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا يُتَّبَعُ السَّيِّئَةَ السَّيِّئَةَ وَ لَكِنْ يُتَّبَعُ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ فَسَلْنِي عَمَّا شِئْتَ وَأَنَا الَّذِي سَمَّانِي اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ (وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ) (2) فَسَلْ عَمَّا شِئْتَ

پیامبر (صلی الله علیه و آله) یک اعرابی به نزد فردی از بنی عامر آمد و از پیامبر (صلی الله علیه و آله) سراغ گرفت ... به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نوشت: قوم من، مرا به عنوان پیشگام به سوی تو فرستادند. می خواهم که تو را قسم دهم ولی می ترسم که عصبانی شوی. فرمود: من خشمگین نمی شوم. من کسی هستم که خداوند در تورات و انجیل، مرا محمد (صلی الله علیه و آله)، رسول، مجتبی و مصطفی نامیده است، کسی که فحاش نیست و در بازار عربده نمی کشد، جواب بدی را به بدی نمی دهد، بلکه جواب بدی را با خوبی می دهد. پس هر چه می خواهی از من بپرس. من کسی هستم که خدا در قرآن در شأن او گفته است: (وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ) پس هر چه می خواهی بپرس. (3)

تفسیر العیاشی عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَوْلَ النَّاسِ لِعَلِيٍّ (عليه السلام) إِنْ كَانَ لَهُ حَقٌّ فَمَا مَنَعَهُ أَنْ يَقُومَ بِهِ قَالَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُكَلِّفْ هَذَا إِلَّا إِنْسَانًا وَاحِدًا رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) قَالَ (فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَ

ص: 35

1- . الأُمالي (للصدوق) النص 465 المجلس الحادي والسبعون ح6

2- . آل عمران آية 159

3- . تفسیر العیاشی ج 1 ص 204 [سورة آل عمران(3): آية 159]

حَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ (1) فَلَيْسَ هَذَا إِلَّا لِلرَّسُولِ (صلى الله عليه وآله) وَقَالَ لِعَيْرِهِ (إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَى فِتْنَةٍ) (2) فَلَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ فِتْنَةً يُعِينُونَهُ عَلَى أَمْرِهِ

امام صادق (عليه السلام) هرگز چنین نبود که از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) طلب کمک شود و او بگوید: نه، اگر چیزی داشت، می بخشید و اگر چیزی نداشت می فرمود: «إن شاء الله می یابی» و هرگز با بدی پاسخ نداد. و از زمانی که آیه: (فَقَاتِلْ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تَكُلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ) بر او نازل شد، با هر لشکری روبرو می شد، فرماندهی را خود برعهده می گرفت. (3)

### مهربانی رسول خدا نسبت به مردم

يَرْفَعُهُ إِلَى الْإِمَامِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام)

قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرٌ عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحَسَنُ بْنُ بَنِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ.... وَكَانَ يَقُولُ خَالَطَ حُبِّي دِمَاءَ أُمَّتِي فَإِنَّهُمْ يُؤْتِرُونِي عَلَى الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ وَعَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَقَدْ كَانَ أَرْحَمَ النَّاسِ وَأَرْأَفَهُمْ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ)

رسول خدا (صلى الله عليه وآله): دوستی من با خون امتم آمیخته گشته و مرا بر پدران و مادران و خودشان ترجیح می دهند. او (پیامبر (صلى الله عليه وآله)) نسبت به مردم مهربان بود و با آنان رأفت داشت، خداوند می فرماید: (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ) (4) به یقین رسولی از خود شما به سويتان آمد که رنج های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤف و مهربان است. (5)

ص: 36

1- . النساء آية 84

2- . الانفال آية 16

3- . البرهان في تفسير القرآن ج 2 ص 139 [سورة النساء(4): آية 84] ح 2592

4- . التوبة آية 128

5- . إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمي) ج 2 ص 407 في جوابه ع عن حبر اليهود



قَالَ وَ سَأَلَ بَعْضُ الْيَهُودِ رَسُولَ اللَّهِ لِمَ سَمَّيْتَ مُحَمَّدًا وَأَحْمَدَ وَ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا قَالَ: أَمَّا مُحَمَّدٌ فَإِنِّي فِي الْأَرْضِ مَحْمُودٌ وَ أَمَّا أَحْمَدُ فَإِنِّي فِي السَّمَاءِ أَحْمَدُ مِنْهُ، وَ أَمَّا الْبَشِيرُ فَأُبَشِّرُ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ بِالْجَنَّةِ وَ أَمَّا النَّذِيرُ فَأُنذِرُ مَنْ عَصَى اللَّهَ بِالنَّارِ فَرَدَى يَهُودِيٍّ مِنْ رَسُولِ خَدَا (صلى الله عليه و آله) پرسید: چرا نام تو محمد (صلى الله عليه و آله) و احمد (صلى الله عليه و آله) و بشیر و نذیر است؟ فرمود: محمد (صلى الله عليه و آله) است، چون من در زمین ستوده شده هستم. احمد (صلى الله عليه و آله) است، چون در آسمان ستوده تر از زمین هستم. بشیر است، چون هر که خداوند را اطاعت کند، به بهشت بشارت می دهم. و نذیر است، چون هر که از فرمان خدا سرپیچی کند، به آتش میم می دهم.

(1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الصَّلْتِ الْقَمِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ اسْمَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) الْمَاحِي وَ فِي تَوْرَةِ مُوسَى (عليه السلام) الْحَادُّ وَ فِي إِنْجِيلِ عِيسَى (عليه السلام) أَحْمَدُ وَ فِي الْفُرْقَانِ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله) قِيلَ فَمَا تَأْوِيلُ الْمَاحِي فَقَالَ الْمَاحِي صُورَةُ الْأَصْنَامِ وَ مَاحِي الْأَوْثَانِ وَ الْأَزْلَامِ وَ كُلُّ مَعْبُودٍ دُونَ الرَّحْمَنِ قِيلَ فَمَا تَأْوِيلُ الْحَادِّ قِيلَ يُحَادُّ مَنْ حَادَّ اللَّهُ وَ دِينُهُ قَرِيبًا كَانَ أَوْ بَعِيدًا قِيلَ فَمَا تَأْوِيلُ أَحْمَدَ قَالَ حَسَنُ ثَنَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ فِي الْكُتُبِ بِمَا حُمِدَ مِنْ أَفْعَالِهِ قِيلَ فَمَا تَأْوِيلُ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) قَالَ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ جَمِيعَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعَ أُمَّمِهِمْ يَحْمَدُونَهُ وَ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ وَ إِنَّ

ص: 38

امام پنجم فرمود نام رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در صحف ابراهیم (علیه السلام) ماحی است و در تورات موسی (علیه السلام) الحاد و در انجیل عیسی (علیه السلام) احمد و در فرقان محمد (صلى الله عليه وآله) است عرض شد ماحی یعنی چه؟ فرمود: نابود کننده بت ها و وثن ها و قمارها و هر معبودی جز خدای رحمان عرض شد معنی الحاد چیست فرمود: مبارزه کند با هر که با خدا و دینش بستیزد خویش باشد یا بیگانه عرضه داشت: احمد یعنی چه؟ فرمود خدای عز و جل در کتب خود او را نیک ستوده عرضه داشت: محمد (صلى الله عليه وآله) یعنی چه؟ فرمود: براستی خدا و فرشتگانش و همه پیغمبرانش و رسولانش و همه امت هایش او را تمجید کنند و بر او رحمت فرستند، نامش بر عرش نوشته است مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ (1)

### مقام پیامبر

حَدَّثَنِي أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثِ النَّخَعِيِّ الْقَاضِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: جَاءَ إِبْلِيسُ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (عليه السلام) وَهُوَ يُنَاجِي رَبَّهُ فَقَالَ لَهُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَا تَرْجُو مِنْهُ وَهُوَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ يُنَاجِي رَبَّهُ فَقَالَ أَرْجُو مِنْهُ مَا رَجَوْتُ مِنْ أَبِيهِ آدَمَ (عليه السلام) وَهُوَ فِي الْجَنَّةِ وَكَانَ فِيمَا نَاجَاهُ أَنْ قَالَ لَهُ يَا مُوسَى (عليه السلام) لَا أَقْبَلُ الصَّلَاةَ إِلَّا لِمَنْ تَوَاضَعَ لِعَظْمَتِي وَالْزَمَ قَلْبُهُ خَوْفِي وَقَطَعَ نَهَارَهُ بِذِكْرِي وَلَمْ يَبْتَ مُصِيراً عَلَى الْخَطِيئَةِ وَعَرَفَ حَقَّ أَوْلِيَائِي وَ أَحِبَّائِي فَقَالَ يَا رَبِّ تَعْنِي بِأَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) وَإِسْحَاقَ (عليه السلام) وَيَعْقُوبَ (عليه السلام) فَقَالَ هُمْ

ص: 39

كَذَلِكَ يَا مُوسَى (عليه السلام) إِلَّا أَنِّي أَرَدْتُ مَنْ مِنْ أَجْلِهِ خَلَقْتُ آدَمَ (عليه السلام) وَ حَوَاءَ (عليها السلام) وَ مَنْ مِنْ أَجْلِهِ خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ فَقَالَ مُوسَى (عليه السلام) وَ مَنْ هُوَ يَا رَبَّ فَقَالَ مُحَمَّدٌ أَحْمَدُ شَقَقْتُ اسْمَهُ مِنْ اسْمِي لِأَنِّي أَنَا الْمَحْمُودُ فَقَالَ مُوسَى (عليه السلام) يَا رَبَّ اجْعَلْنِي مِنْ أُمَّتِهِ قَالَ أَنْتَ يَا مُوسَى (عليه السلام) مِنْ أُمَّتِهِ إِذَا عَرَفْتَهُ وَ عَرَفْتَ مَنْزِلَتَهُ وَ مَنَزَلَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّ مَثَلَهُ وَ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ مَنْ خَلَقْتُ كَمَثَلِ الْفِرْدَوْسِ فِي الْجَنَانِ لَا يَبْسُ وَرَقَهَا وَ لَا يَغَيِّرُ طَعْمَهَا فَمَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفَ حَقَّهُمْ جَعَلْتُ لَهُمْ جَهَنَّمَ حِلْمًا وَ عِنْدَ الظُّلْمِ نُورًا وَ أُجْبِيَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْعُونِي وَ أُعْطِيَهُ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَنِي.

حفص بن غياث نخعی گوید: امام صادق (عليه السلام) فرمود: موسی بن عمران (عليه السلام) مشغول راز و نیاز با پروردگار خویش بود که ابلیس به آنجا آمد یکی از فرشتگان به او گفت: در چنین حال خوشی که وی سرگرم مناجات با خدای خویش است از او چه می خواهی؟ شیطان گفت: همان را که از پدرش «آدم (عليه السلام)» هنگامی که در بهشت بود امید داشتیم. در ضمن مناجات قسمتی از آنچه را خدا به حضرت موسی (عليه السلام) فرمود این بود: ای موسی (عليه السلام) من نماز را نمی پذیرم مگر از شخصی که در برابر عظمتم کرنش نماید، و همواره در دلش از من ترس باشد، روز خود را به یاد من سپری سازد، و شب را با آلودگی به گناه به صبح نرساند، و نیز حق دوستان مخلص و یاران وفادار مرا بشناسد. موسی (عليه السلام) عرضه داشت: پروردگارا آیا مقصود از دوستان و اولیاء «ابراهیم (عليه السلام) و اسحاق (عليه السلام) و یعقوب (عليه السلام)» هستند؟ فرمود: ای موسی (عليه السلام) ایشان چنانند، ولیکن مقصود من آن کسی است که برای وجود او پدر و مادر بشر (آدم (عليه السلام) و حوّا (عليها السلام)) را آفریدم، و به خاطر او بهشت و جهنم را پدید آوردم، حضرت موسی (عليه السلام) عرضه داشت: خداوندا او کیست؟ فرمود: محمد (صلی الله علیه و آله) احمد که نامش را از اسم خود مشتق ساخته ام، چون من محمودم. موسی (عليه السلام) در خواست کرد که خداوندا



مرا از امت او گردان. فرمود: ای موسی (علیه السلام) اگر او را بشناسی و به مقام وی و خاندانش آگاه شوی از امت او خواهی بود، زیرا مثل او و خاندان پاکش، مثل باغ بهشت است که برگش نمی خشکد و مزه اش تغییر نمی کند، و هر که آنان را شناخت و حششان را دانست، هر گاه بر اثر نادانی عمل ناشایسته ای از او سرزنند در کیفر او شتاب نمی ورزم، در تاریکی ها برایش فروغی قرار می دهم، و قبل از آنکه از من سؤالی کند نیازش را برطرف می کنم و قبل از تقاضای او عطایش می دهم. (1)

### برتری رسول خدا و ائمه اطهار بر تمام ملائکه و انبیاء

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ [أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ] مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ عُبَيْدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ نَصْرِ الْأَنْبَارِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُوقٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَيْبٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الْهَاشِمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سُدْمِيَانُ بْنُ عُثْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرَانُ بْنُ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنْفِيَّةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

يَقُولُ: ... لَوْلَا تَنَا لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ لَا النَّارَ وَ لَا الْأَنْبِيَاءَ وَ لَا الْمَلَائِكَةَ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَحَنُّ أَفْضَلُ أَمْ الْمَلَائِكَةُ فَقَالَ يَا عَلِيُّ نَحْنُ أَفْضَلُ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ عَلَى بَسِيطِ الْأَرْضِ وَ خَيْرَةُ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ كَيْفَ لَا نَكُونُ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ قَدْ سَبَقْنَاهُمْ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ تَوْحِيدِهِ فَبِنَا عَرَفُوا اللَّهَ وَ بِنَا عَبَدُوا اللَّهَ وَ بِنَا اهْتَدَوْا السَّبِيلَ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ

ص: 41

رسول خدا(صلی الله علیه و آله): اگر ما نبودیم خداوند بهشت و جهنم و انبیاء و ملائکه را خلق نمی نمود. علی(علیه السلام) عرضه داشت: یا رسول الله! پس ما از ملائکه برتریم. فرمود: یا علی! ما بهتر از تمام خلائق خدا در زمین هستیم و بهتریم از ملائک مقرب و چطور از آن ها بهتر نباشیم با اینکه ما بر آن ها در معرفت و شناخت خدا و توحید سبقت گرفتیم آن ها به وسیله ما خدا را شناختند و پرستش کردند و راه را یافتند به سوی شناخت خدا. (1) حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فُرَاتِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْبُخَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحِ الْهَرَوِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام)

عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام)

عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

فَأَنْتَ أَفْضَلُ أُمَّ جَبْرَيْلُ (عليه السلام) فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَ لِلْأَيِّمَةِ مِنْ بَعْدِكَ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَّامُنَا وَ خُدَّامُ مُجِيبِنَا يَا عَلِيُّ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ... وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِوَلَايَتِنَا يَا عَلِيُّ لَوْ لَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ لَا حَوَاءَ وَ لَا الْجَنَّةَ وَ لَا النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ

ص: 42

1- . كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر ص 158 باب ما روي عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ص عن النبي ص في النصوص على الأئمة الاثني عشر

وَلَا الْأَرْضَ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ أَفْضَلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَقَدْ سَبَقْنَاهُمْ إِلَى مَعْرِفَةِ رَبِّنَا وَتَسْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَقْدِيسِهِ لِأَنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلْقَ أَرْوَاحِنَا فَأَنْطَقْنَا بِتَوْحِيدِهِ وَتَحْمِيدِهِ ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ فَلَمَّا شَاهَدُوا أَرْوَاحَنَا نُورًا وَاحِدًا اسْتَعْظَمُوا أَمْرَنَا فَسَبَّحْنَا لَتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّا خَلَقَ مَخْلُوقُونَ وَأَنَّهُ مُنَزَّهٌ عَنِ صِفَاتِنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ بِتَسْبِيحِنَا وَنَزَّهَتْهُ عَنِ صِفَاتِنَا فَلَمَّا شَاهَدُوا عِظَمَ شَأْنِنَا هَلَّلْنَا لَتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَا عَبِيدٌ وَكَسَّ نَا بِإِلَهِيَّةٍ يَجِبُ أَنْ نُعْبَدَ مَعَهُ أَوْ دُونَهُ فَقَالُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَلَمَّا شَاهَدُوا كِبَرَ مَحَلَّنَا كَبَّرْنَا لَتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُنَالَ عِظَمُ الْمَحَلِّ إِلَّا بِهِ فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَنَا مِنَ الْعِزَّةِ وَالْقُوَّةِ قُلْنَا لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْنَا وَأَوْجَبَهُ لَنَا مِنْ فَرَضِ الطَّاعَةِ قُلْنَا الْحَمْدُ لِلَّهِ لَتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ مَا يَحِقُّ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَيْنَا مِنَ الْحَمْدِ عَلَى نِعْمَتِهِ فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَبِنَا اهْتَدَوْا إِلَى مَعْرِفَةِ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَتَسْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَحْمِيدِهِ وَتَمْجِيدِهِ....

از امام رضا(علیه السلام) از آباء کرامش از حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) که می فرمود: خلق نفرموده خداوند کسیرا افضل و گرامی تر از من، علی(علیه السلام) عرضه داشت: یا رسول الله! شما افضلید یا جبرئیل(علیه السلام) رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: یا علی! پروردگار فضیلت داده انبیاء و مرسلین خود را بر ملائکه مقربین، و فضیلت داده مرا بر تمامی انبیاء و فضیلت بعد از من برای تو و سپس برای ائمه بعد از تو باشد، و ملائکه خادمان مایند. یا علی! ملائکه حمله العرش و ملائکه اطراف آن حمد و ستایش می نمایند خداوند را و طلب مغفرت می کنند برای کسانی که ایمان

آورده اند به ولایت ما یا علی! اگر ما نبودیم خدای تعالی خلق نمی فرمود آدم(علیه السلام) و حوا و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را و چگونه ما افضل نباشیم از ملائکه و حال آن که سبقت و پیشی گرفتیم بر ملائکه در خداشناسی و تسبیح و تهلیل و تقدیس خداوند..... و علت سبقت ما این شد که، اول چیزی که خداوند آفرید ارواح ما بود، پس از آن ما را به یگانگی و شکر خود گویا نمود، بعد از آن ملائکه را آفرید و وقتی آنان ارواح ما را یک نور واحد مشاهده کردند ما را بزرگ شمردند. پس ما شروع به تسبیح پروردگار نمودیم تا ملائکه بدانند ما مخلوق هستیم و خداوند منزّه است از این که

دارای صفات ما باشد، و ملائکه نیز پس از ما شروع به تسبیح نموده و او را منزّه از صفات ما شمردند. وقتی مشاهده عظمت مقام ما نمودند ما خدا را تهلیل گفتیم تا ملائکه بدانند که جز او پروردگاری نیست و ما بنده ایم نه خدا، تا این که هم ردیف با او یا در مقامی پایین تر از او، ما را پرستش نکنند (زیرا تنها خداوند سزاوار پرستش است) آنان نیز گفتند  $S\ لَا\ إِلَهَ\ إِلَّا\ اللَّهُ\ R$  و بار دیگر چون بزرگی مقام ما را مشاهده کردند.  $S\ اللَّهُ\ أَكْبَرُ\ R$  گفتیم تا ملائکه بدانند خداوند بزرگتر از آنست که مقامش درک شود مگر به وسیله خودش، و نیز وقتی مشاهده کردند خداوند چقدر عزّت و نیرو به ما داده، گفتیم  $S\ لَا\ حَوْلَ\ وَلَا\ قُوَّةَ\ إِلَّا\ بِاللَّهِ\ R$  تا ملائکه بدانند حرکت و نیروئی نیست. مگر به یاری و مدد خداوند و چون نعمت های خدا را بر ما مشاهده نموده و اطاعت از ما را واجب دیدند گفتیم  $S\ الْحَمْدُ\ لِلَّهِ\ R$  پس ملائکه الهی به واسطه ما به شناخت توحید خدا، تهلیل، تحمید و تمجید او هدایت یافتند.....(1)

ص: 44

---

1- . علل الشرایع: ج 1 ص 5 باب 7 العلة التي من أجلها صارت الأنبياء و الرسل و الحجج ص أفضل من الملائكة ح 1.

أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَمِنِّي أَنَا ابْنُ زَمَزَمَ وَالصَّفَا أَنَا ابْنُ مَنْ حَمَلَ الرُّكْنَ بِأَطْرَافِ الرِّدَا أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مَنِ انْتَزَرَ وَازْدَدَى أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مَنِ انْتَعَلَ وَاحْتَفَى أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مَنِ طَافَ وَسَعَى أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مَنِ حَجَّ وَلَبَّى أَنَا ابْنُ مَنْ حَمَلَ عَلَى الْبُرَاقِ فِي الْهَوَاءِ أَنَا ابْنُ مَنْ أُسْرِيَ بِهِ (مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى) (1) أَنَا ابْنُ مَنْ بَلَغَ بِهِ جَبْرَيْلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى أَنَا ابْنُ مَنْ (ذَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى) (2) أَنَا ابْنُ مَنْ صَلَّى بِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ أَنَا ابْنُ مَنْ أَوْحَى إِلَيْهِ الْجَلِيلُ مَا أَوْحَى أَنَا ابْنُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

امام سجاد(علیه السلام) در مجلس یزید لعنة الله علیه این چنان از مقام رسول خدا(صلی الله علیه و آله) سخن می گوید: من فرزند مکه و منامیم، من فرزند زمزم و صفایم. من فرزند بزرگمردی هستم که حجر الاسود را با عبای خویش جا به جا کرد و بر سر جایش نصب فرمود. من فرزند بهترین انسانی هستم که جامه احرام بر تنکرده و بر گرد خانه ی خدا به طواف پرداخته است. من فرزند بهترین انسانی هستم که کفش پوشید و آن گاه برای طواف بر گرد خانه ی خدا آن را از پا درآورد، من فرزند بهترین طواف گران و بهترین سعی کنندگانم. من فرزند بهترین حج گزاران و برترین لبیک گوینان به دعوت خدایم، من فرزند آن بزرگ پیشوایی هستم که بر آن مرکب آسمانی سوار شد و در این فضای بی کران به پرواز درآمد، من فرزند آن پیامبری هستم که شبانگاه از مکه و از کهن ترین معبد توحید و رسالت، به سوی مسجد الاقصی پرواز داده شد. من فرزند آن کسی هستم که در شب معراج و سیر وصف ناپذیر آسمانی اش به سدره المنتهی رسید، و نزدیکترین پیام آوران خدا به بارگاه او بود، من فرزند آن کسی هستم

ص: 45

1- . الاسراء آية 1

2- . النجم الآيات 8 و 9

که در اوج آسمان ها با فرشتگان نماز خواند و آنان با شادمانی به او اقتدا کردند، من فرزند آن کسی هستم که خدای فرزانه آنچه را می خواست به او وحی فرمود، من فرزند محمد (صلی الله علیه و آله) آن پیامبر برگزیده بارگاه خدا هستم.... (1)

### مقام پیامبر از زبان امام رضا علیه السلام

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمَدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَا تَقُولُ فِي الْحَدِيثِ الَّذِي يَرَوِيهِ أَهْلُ الْحَدِيثِ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَزُورُونَ رَبَّهُمْ فِي مَنَازِلِهِمْ فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ يَا أَبَا الصَّلْتِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ نَبِيَّهُ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله)

عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمَلَائِكَةِ وَجَعَلَ طَاعَتَهُ طَاعَتَهُ وَمُتَابَعَتَهُ مُتَابَعَتَهُ وَزِيَارَتَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ زِيَارَتَهُ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ (مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ) (2) وَقَالَ (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ) (3) وَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله)

مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي فَقَدْ زَارَ اللَّهَ تَعَالَى وَدَرَجَةُ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) فِي الْجَنَّةِ أَرْفَعُ الدَّرَجَاتِ فَمَنْ زَارَهُ فِي دَرَجَتِهِ فِي الْجَنَّةِ مِنْ مَنْزِلِهِ فَقَدْ زَارَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَمَا مَعْنَى الْخَبَرِ الَّذِي رَوَوْهُ أَنَّ ثَوَابَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى فَقَالَ يَا أَبَا الصَّلْتِ مَنْ وَصَفَ اللَّهَ تَعَالَى بِوَجْهِهِ كَالْوُجُوهِ فَقَدْ كَفَرَ وَكَرِهَ وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى أَنْبِئَاؤُهُ وَرُسُلُهُ وَحُجَجُهُ هُمْ الَّذِينَ بِهِمْ يُتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ

ص: 46

1- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 45 ص 138 باب 39 الوقائع المتأخرة عن قتله صلوات الله عليه إلى رجوع أهل البيت ع إلى المدينة و ما

ظهر من إعجازه صلوات الله عليه في تلك الأحوال

2- . النساء آية 80

3- . الفتح آية 10

جَلَّ وَإِلَى دِينِهِ وَ مَعْرِفَتِهِ وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى (كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ) (1) وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ (كُلُّ

شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ) (2) فَالْتَّظَرُ إِلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ تَعَالَى وَرُسُلِهِ وَحُجَّجِهِ فِي دَرَجَاتِهِمْ ثَوَابٌ عَظِيمٌ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

مَنْ أَبْغَضَ أَهْلَ بَيْتِي وَ عَثَرْتِي لَمْ يَرِنِي وَ لَمْ أَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَالَ إِنَّ فِيكُمْ مَنْ لَا يَرَانِي بَعْدَ أَنْ يُفَارِقَنِي يَا أَبَا الصَّلْتِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُوصِفُ بِمَكَانٍ وَلَا يُدْرِكُ بِالْأَبْصَارِ وَالْأَوْهَامِ قَالَ قُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَخْبَرَنِي عَنِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ أَ هُمَا الْيَوْمُ مَخْلُوقَتَانِ فَقَالَ نَعَمْ وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَدْ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَرَأَى النَّارَ لَمَّا عُرِجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ قَوْمًا يَقُولُونَ إِنَّهُمَا الْيَوْمَ مَدْرَتَانِ غَيْرِ مَخْلُوقَتَيْنِ فَقَالَ لَا هُمْ مِنَّا وَلَا نَحْنُ مِنْهُمْ مَنْ أَنْكَرَ خَلْقَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ فَقَدْ كَذَّبَ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ كَذَّبَنَا وَ لَيْسَ مِنْ وَلَا يَتَنَا عَلَى شَيْءٍ وَ يُخَلِّدُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمٍ آناً) (3) وَقَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَخَذَ بِي يَدِي جِبْرَيْلُ فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ فَنَازَلَنِي مِنْ رُطْبِهَا فَأَكَلْتُهُ فَتَحَوَّلَ ذَلِكَ نُطْفَةً فِي صَدْرِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ حَدِيدَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام)

فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام) فَفَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَكَلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَى زَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمِمْتُ زَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام).

از عبد الله السلام بن صالح الهروي مروی است که گفت من به علی بن موسی الرضا (علیه السلام) عرضه داشتم: یا ابن رسول الله (صلی الله علیه و آله) چه می فرماید در این حدیث که اهل حدیث روایت کرده اند که مؤمنین در بهشت از منزل های خود خداوند را می بینند فرمود: ای ابا صلت! (اینگونه نیست که گفته اند) خدای تبارک و تعالی تفصیل داد پیغمبر گرامی خود محمد (صلی الله علیه و آله) را بر جمیع خلق از پیغمبران و ملائکه و طاعت او

ص: 47

1- . الرحمن الآيات 26 و 27

2- . القصص آية 88

3- . الرحمن الآيات 43 و 44

را اطاعت خود قرار داده و پیروی او را پیروی خود قرار داد و زیارت او را در دنیا و آخرت زیارت خود قرار داد و فرمود هر که رسول(صلی الله علیه و آله) را اطاعت کند خداوند را اطاعت کرده است و فرمود: کسانی که بیعت کنند تو را ای رسول محترم(صلی الله علیه و آله) خدا را بیعت کرده اند و دست خدا بالای دست خلق است یعنی چون دست خلق نیست و پیغمبر مکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که مرا زیارت کند در حیات و زندگی من یا بعد از موت من خداوند را زیارت کرده و درجه پیغمبر(صلی الله علیه و آله) در بهشت بلندترین درجات است و کسی که از منزل خود در بهشت آن جناب را در درجه او زیارت کند خداوند تبارک و تعالی را زیارت کرده ابا صلت عبد السلام گوید که عرضه داشتم: یا ابن رسول الله(صلی الله علیه و آله) چه چیز است معنی آن خبری را که روایت کرده اند که ثواب لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نظر کردن بروی خداوند است فرمود: ای ابا صلت کسی که وصف کند حق تعالی را بر روی مثل صورت و روهای مردم به این معنی که بگوید خداوند روی دارد کافر است و لکن وجه خداوند، انبیاء و رسل و حجج او هستند و ایشانند کسانی که خلق به سبب این ها روی به خداوند و دین خدا و معرفت او می نمایند و حق تعالی فرمود: (كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَجَهُ رَبِّكَ) یعنی هر که بر روی زمین است فانی خواهد شد و روی پروردگار باقی و برقرار است و نیز حق تعالی فرموده (كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ) و هر چیز هلاک خواهد شد مگر روی پروردگار پس نظر به سوی انبیاء خدا و رسل و حجج او در درجات ایشان در روز قیامت ثواب عظیم دارد از برای مؤمنین و پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرموده کسی که دشمن دارد اهل بیت و عترت مرا نخواهد دید مرا و من هم نخواهم دید او را در روز قیامت و فرمود: در شما کسی است که مرا نخواهد دید بعد از آنکه از من مفارقت کند ای ابا صلت خداوند تبارک و تعالی نه موصوف خواهد شد به مکان و نه ابصار ابا صلت گوید که عرضه داشتم: یا ابن رسول الله(صلی الله علیه و آله) خبر بده مرا از جهنم و بهشت که آیا حق تعالی آنها را خلق فرموده است یا بعد از این



خلق می کند فرمود: خلق فرموده است و پیغمبر خدا(صلی الله علیه و آله) در شب معراج چون عروج کرد به آسمان داخل بهشت شد و جهنم را هم رؤیت نمود. اباصلت گوید که من عرضه داشتم: که طائفه ای قائلند به اینکه بهشت و جهنم مقدرند و هنوز خلق نشده اند حضرت فرمود: نه این طائفه از ما هستند و نه ما از ایشان کسی که انکار کند خلقت بهشت و جهنم را تکذیب نموده است ما را، و چیزی از ولایت ما را ندارد، و مخلد خواهد بود در آتش جهنم. حقتعالی فرموده (هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذَّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ) اینست دوزخی که تکذیب کنند آن را گناهکاران طواف کنند میان آن و میان آب جوشان بسیار گرم. و پیغمبر معظم(صلی الله علیه و آله) فرمود: که چون عروج دادند مرا به سوی آسمان جبرئیل(علیه السلام) دست مرا گرفت و مرا داخل بهشت نمود و از رطب بهشتی به من داد من تناول نمودم پس این تغییر یافت به نطفه در صلب من چون هبوط کردم به زمین و با خدیجه(علیها السلام) نزدیکی کردم حامله شد به فاطمه(علیها السلام) پس فاطمه(علیها السلام) حوراء وانسیه شد و هر زمان که مشتاق بوی بهشت می شدم بوی دخترم فاطمه(علیها السلام) را استشمام می نمودم. (1)

### خبر دادن پیامبر از شهادت عمار

وَقَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِيَاخٌ مِنْ لَبَنٍ وَتَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ، فَأَعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ. فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ، وَعَلَى

مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّتْ عَلَيْهِ سَيْفُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَعَلَى مَنْ

ص: 49

1- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 1 ص 115 باب 11 باب ما جاء عن الرضا علي بن موسى ع من الأخبار في التوحيد ح 3

رَضِيَ بِمَا سَاءَكَ وَلَمْ يَكْرَهُهُ، وَأَغْمَضَ عَيْنَهُ وَلَمْ يُنْكِرْهُ، أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ، أَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ، أَوْ حَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ، أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ، أَوْ جَحَدَ حَقَّكَ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَصَلَاةُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَسَلَامُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، وَعَلَى الْأَيْمَةِ مِنَ آلِكَ الطَّاهِرِينَ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. وَالْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَالْخَطْبُ الْأَقْطَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ، غَضَبُ الصَّدِيقَةِ الرَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَذَكَاءَ، وَرُدُّ شَهَادَتِكَ وَشَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَالَتِكَ وَعِزَّةَ أَخِيكَ الْمُصْطَفَى (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَقَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ، وَرَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ، وَأَبَانَ فَضْلَكُمْ، وَشَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ: (إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً إِلَّا الْمُصَلِّينَ) (1) فَاسْتَشْنَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّةَ الْمُصْطَفَى (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَأَنْتَ يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَمَا أَعَمَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ، ثُمَّ أَفْرَضُوكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَىٰ مَكْرَأً، أَوْ حَادُوهُ عَنِ أَهْلِهِ جَوْرًا. وَيَكِي دِيْغَرِ از نِشَانِه هَاي حَقَانِيْتِ تُو اَيْنِ كِه عِمَارِ دَر مَعْرَكِه صَفِيْنِ وَ دَر حَالِ جِهَادِ فَرِيَادِ مِي زِد: كُوْجِ كَنِيْدِ، كُوْجِ كَنِيْدِ بِه سُوِيْ بَهْشْتِ. وَ هِنْگَامِي كِه اَبِ طَلِيْبِيْدِ وَ دِيْدِ كِه بِه جَايِ اَبِ بَرَايِشِ شِيْرِ اَوْرَدِنْدِ تَكْبِيْرِ گِفْتِه وَ فَرَمُوْد: رَسُوْلِ خُدَا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِه مِنْ فَرَمُوْدِ اٰخِرِيْنِ تُوْشِه اَتِ اَزِ اَيْنِ دُنْيَا شِيْرِي رَقِيْقِ اَسْتِ وَ تُوْرَا گِرُوِه مِتْجَاوُزِ بِه قَتْلِ مِي رَسَانْدِ پَسِ اَزِيْنِ اَبُو الْعَادِيَهِ اَوْ رَا بِه شِهَادَتِ رَسَانْدِ. پَسِ لَعْنَتِ خُدَا وَ فَرَشْتِگَانِ وَ تَمَامِ اَنْبِيَاءِ بَرِ اَبُو الْعَادِيَهِ وَ لَعْنَتِ بَرِ كَسِي كِه شَمْشِيْرِ بِه رُوِي تُو كَشِيْدِ وَ تُو بِه رُوِي اَوْ شَمْشِيْرِ كَشِيْدِي اَزِ مَشْرِكِيْنِ وَ مَنَافِقِيْنِ تَا رُوْزِ قِيَامَتِ. (2)

ص: 50

1- .المعارج الآيات 19-23

2- .المزار الكبير (لابن المشهدي) ص 12 277 - زيارة اخرى لمولانا أمير المؤمنين علي بن ابي طالب صلوات الله عليه مختصة بيوم الغدير



وَقَالَ وَحَدَّثَنِي أَبِي عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ) (1) يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) (كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ) (2) لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَنْزَلَ عَلَيْهِمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالرُّبُورِ صِفَةَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله)

وَ صِدْفَةَ أَصْحَابِهِ وَ مَبْعَثَهُ وَ مُهَاجِرَهُ وَ هُوَ قَوْلُهُ (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيِّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ) (3) فَهَذِهِ صِفَةُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ صِدْفَةَ أَصْحَابِهِ فَلَمَّا بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَرَفَهُ أَهْلُ الْكِتَابِ كَمَا قَالَ جَلَّ جَلَالُهُ (فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ) (4) وَ

كَانَتْ الْيَهُودُ يَقُولُونَ لِلْعَرَبِ قَبْلَ مَجِيءِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله)

أَيُّهَا الْعَرَبُ هَذَا أَوَانُ نَبِيِّ يَخْرُجُ بِمَكَّةَ وَ يَكُونُ مَهَاجِرُهُ بِالْمَدِينَةِ وَ هُوَ آخِرُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَفْضَلُهُمْ فِي عَيْنِيهِ حُمْرَةٌ وَ بَيْنَ كَتِفَيْهِ خَاتَمُ النَّبُوَّةِ يَلْبَسُ الشَّمْلَةَ يَجْتَرِي بِالْكُسْرَةِ وَ التَّمِيرَاتِ وَ يَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَرَبِيَّةَ وَ هُوَ الضَّحُوكُ الْقَتَالُ يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ لَا يُبَالِي مَنْ لاقَى يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ مُنْقَطِعَ الْخُفِّ وَ الْحَافِرِ لِنُقُوتِكُمْ بِهِ يَا مَعْشَرَ الْعَرَبِ قَتَلَ عَادٍ فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ بِهِذِهِ الصِّفَةِ حَسَدُوهُ وَ كَفَرُوا بِهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ (وَ

كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ) (5)

وَ مِنْهُ كُفْرُ الْبِرَاءَةِ وَ هُوَ قَوْلُهُ (ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ) (6) أَيَّ يَتَّبِرًا بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ مِنْهُ كُفْرُ

1- . البقرة آية 146

2- . البقرة آية 146

3- . الفتح آية 29

4- . البقرة آية 89

5- . البقرة آية 89

6- . العنكبوت آية 25

التَّوَكُّلِ لِمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ قَوْلُهُ (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ) (1)

أَيُّ تَرَكَ الْحَجَّ وَهُوَ مُسْتَطِيعٌ فَقَدْ كَفَرَ وَمِنْهُ كُفْرُ النَّعَمِ وَهُوَ قَوْلُهُ (لِيَسْئَلُوْنِي أَشْكُرْ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ) (2)

أَيُّ وَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ نِعْمَةَ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ فَهَذِهِ وَجُوهُ الْكُفْرِ فِي كِتَابِ اللَّهِ.

حریز از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که آن حضرت فرمودند: هنگامی که آیه ی شریفه (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ) که در باره یهود و نصاری می باشد نازل شد و تفسیرش این است که آنها رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می شناسند همان گونه که فرزندان خود را می شناسند. خداوند متعال در تورات و انجیل و زبور صفات رسول (صلی الله علیه و آله) را برای آنها بیان کرده بود و از اصحاب و یاران آن جناب و مبعوث او و هجرتش به مدینه سخن گفته بود و در این باره در قرآن مجید فرمود: (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ) محمد (صلی الله علیه و آله) رسول خدا می باشد و کسانی که با او هستند بر کفار سخت گیری می کنند ولی نسبت به خود مهربان می باشند، آنها را در حال رکوع و سجود مشاهده می کنید که از خداوند خیر و احسان طلب می نمایند و خوشنودی او را می خواهند، در سیمای آنها اثر سجده هست و در تورات و انجیل وصف آنها آمده است. این بود صفت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که در تورات و انجیل بیان شده است و همچنان صفات اصحاب او هم آمده، ولی بعد از اینکه خداوند او را مبعوث فرمودند اهل کتاب آن حضرت را شناختند ولی بعد از اینکه آمد و آنها را دعوت کرد او را نشناختند و کافر شدند. یهودیان قبل از آمدن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به عرب ها می گفتند: اکنون نزدیک است که پیامبری در مکه ظهور کند، و به مدینه مهاجرت نماید، او بهترین پیامبران و آخرین آنها می باشند، در

ص: 53

1- . آل عمران آیه 97

2- . النمل آیه 40

دیدگان او یک سرخی هست و بین دو شانه اش مهر نبوت مشاهده می شود. او پارچه ای به خود می پیچد و با نانی مختصر قناعت می کند، و با چند دانه خرما روز را به سر می برد، او بر الاغ برهنه سوار می گردد و خندان و جنگجو می باشد، شمشیرش را روی شانه اش می گذارد و باکی ندارد از اینکه با کدام شخص برخورد می کند، حکومت او به دورترین جاها خواهد رسید، ای جماعت عرب با او با شما جنگ خواهیم کرد. اما بعد از اینکه آن پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) مبعوث شد بر او حسد بردند و کافر شدند، همان گونه که خداوند فرمود: (وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ) آنها قبل از بعثت می گفتند ما به وسیله او بر شما پیروز خواهیم شد، اما بعد از اینکه آمد او را نشناختند و به او کافر شدند. (1)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ دَاوُدَ الْغُنَوِيِّ عَنِ الْأَصْحَبِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: ... فَأَمَّا أَصْحَابُ الْمَشَاةِ فَهُمْ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ) (2) يَعْرِفُونَ مُحَمَّدًا (صلی الله علیه و آله) وَ الْوَلَايَةَ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ فِي مَنَازِلِهِمْ (وَ إِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ الْحَقَّ مِنْ رَبِّكَ) (3) أَنَّكَ الرَّسُولَ إِلَيْهِمْ (فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ) (4) فَلَمَّا جَحَدُوا مَا عَرَفُوا ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِذَلِكَ فَسَلَبَهُمْ رُوحَ الْإِيمَانِ وَ أَسْكَنَ أَبْدَانَهُمْ ثَلَاثَةَ أَرْوَاحِ رُوحِ الْقُوَّةِ وَ رُوحِ الشَّهْوَةِ وَ رُوحِ الْبَدَنِ ثُمَّ أَضْرَفَهُمْ إِلَى الْأَنْعَامِ فَقَالَ (إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ) (5) لِأَنَّ الدَّابَّةَ إِنَّمَا تَحْمِلُ بِرُوحِ الْقُوَّةِ وَ تَعْتَلِفُ بِرُوحِ الشَّهْوَةِ وَ تَسِيرُ بِرُوحِ الْبَدَنِ فَقَالَ لَهُ السَّائِلُ أَحْيَيْتَ قَلْبِي بِإِذْنِ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

ص: 54

1- . بحار الأنوار ج 69 ص 92 باب 98 الكفر و لوازمه و آثاره و أنواعه و أصناف الشرك ذیل ح 2

2- . البقرة آية 146

3- . البقرة الآيات 146 و 147

4- . البقرة آية 147

5- . الفرقان آية 44

و اما اصحاب مشأمه يهود و نصارايند كه خدای عز و جل مي فرمايد: كسانی كه خدا كتابشان داد او را مي شناسند چنان كه فرزندان خود را مي شناسند، (يعنى نبوت) محمد(صلى الله عليه و آله) و ولايت را در تورات و انجيل مي شناسند، چنان كه پسران خود را در خانه هاى خویش مي شناسند و دسته ئى از آنها با آنكه مي دانند حق را مي پوشند حق و درستی از پروردگارا تو است كه تو به سوى آنها فرستاده شده ئى پس مبدا از آنها باشى كه شك و تردد دارند. (1)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: ... فَلَمَّا نَزَلَتِ التَّوْرَةُ عَلَى مُوسَى (عليه السلام) بَشَّرَ بِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) وَ كَانَ بَيْنَ يُوسُفَ وَ مُوسَى مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ كَانَ وَصِيَّ مُوسَى (عليه السلام) يُوشَعَ بْنِ نُونٍ (عليه السلام) وَ هُوَ فَتَاهُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ فَلَمْ تَزَلِ الْأَنْبِيَاءُ تُبَشِّرُ بِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ (عليه السلام) فَبَشَّرَ بِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى (يَجِدُونَهُ) (2) يَعْنِي الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى (مَكْتُوبًا) (3) يَعْنِي صِدْقَةَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) (عِنْدَهُمْ) يَعْنِي (فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ) (4) وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يُخْبِرُ عَنْ عِيسَى (عليه السلام) (وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ) (5) وَ بَشَّرَ مُوسَى (عليه السلام) وَ عِيسَى (عليه السلام) بِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) كَمَا بَشَّرَ الْأَنْبِيَاءُ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ

امام باقر(عليه السلام) زمانى كه تورات بر موسى(عليه السلام) نازل شد، بشارت به محمد داد شد. ميان يوسف(عليه السلام) و موسى(عليه السلام) ده پيامبر بود و جانشين موسى(عليه السلام)، يوشع بن نون(عليه السلام) بود. او همان جوانمردى است كه خداوند نام او را در كتابش برده است. انبياء همواره به محمد(صلى الله عليه و آله) بشارت مى دادند تا اينكه خداوند مسيح

ص: 55

1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 2 ص 283 باب الكبائر ح 16

2- . الاعراف آية 157

3- . الاعراف آية 157

4- . الاعراف آية 157

5- . الصف آية 6

عیسی بن مریم (علیه السلام) را به پیامبری مبعوث کرد و او نیز به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بشارت داد. و کلام خداوند تعالی در این زمینه، چنین است: (يَجِدُوهُ) مقصود، یهود و نصاری است، (مَكْتُوبًا) یعنی، صفت محمد (صلی الله علیه و آله) و نام او مکتوب است در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند آن ها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد. و کلام خداوند عزوجل است که از زبان عیسی خبر می دهد و سخن می گوید: (و مَبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ) و موسی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) به آمدن محمد (صلی الله علیه و آله) بشارت دادند، همان طور که برخی پیامبران به آمدن برخی دیگر بشارت می دادند تا اینکه زمان بعثت محمد (صلی الله علیه و آله) فرا رسید. (1)

مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ جَابِرٍ وَ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: ... فَلَمَّا

أَنَّ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْمَسِيحَ (علیه السلام) قَالَ الْمَسِيحُ لَهُمْ إِنَّهُ سَوْفَ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي نَبِيٌّ اسْمُهُ أَحْمَدُ (صلی الله علیه و آله) مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ (علیه السلام)

يَجِيءُ بِتَصْدِيقِي وَ تَصْدِيقِكُمْ وَ عَذْرِي وَ عَذْرِكُمْ

امام صادق (علیه السلام) چون خدای عزوجل مسیح (علیه السلام) را مبعوث ساخت، مسیح (علیه السلام) به مردم گفت: همانا پس از من پیغمبری که نامش احمد (صلی الله علیه و آله) و از اولاد اسماعیل (علیه السلام) است خواهد آمد که مرا و شما را تصدیق می کند و حجت و عذر مرا و شما را می آورد. (2)

حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَاؤِ الْفَقِيهُ بِأَخْسَبِيكَثَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جُمَهْوَرٍ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ بِبَحَارَا قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ سُلَيْمَانَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ بَكَّارٍ وَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا الْفَرَجُ بْنُ فَضَالَةَ عَنْ لُقْمَانَ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ قَالَ: قُلْتُ يَا

ص: 56

1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 8 ص 117 حديث آدم ع مع الشجرة

2- . الكافي ج 1 ص 293 باب الإشارة و النص على أمير المؤمنين ح 3



رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَا كَانَ بَدْءُ أَمْرِكَ قَالَ دَعْوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ وَبُشْرَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ (عليه السلام) وَرَأَتْ أُمِّي أَنَّهُ خَرَجَ مِنْهَا شَيْءٌ أَصَابَتْ مِنْهُ فُصُورُ الشَّامِ.

ابی امامة گوید: به رسول خدا (صلى الله عليه وآله) عرضه داشتیم: یا رسول الله (صلى الله عليه وآله) آغاز کار شما از چه شروع شد؟ فرمود: از دعای پدرم حضرت ابراهیم (عليه السلام) و مژده عیسی بن مریم (عليه السلام) و خوابی که مادرم دید که نوری از او بیرون آمد که بر کاخ های شام درخشیدن گرفت. (1)

وَ مِنْهَا: مَا رَوَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ لَمَّا تُوفِّيَ الْإِمَامُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَتَيْتُ الْمَدِينَةَ فَدَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا (عليه السلام) فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ بِالْأَمْرِ وَأَوْصَلْتُ إِلَيْهِ مَا كَانَ مَعِيَ وَقُلْتُ إِنِّي صَائِرٌ إِلَى الْبَصْرَةِ وَعَرَفْتُ كَثْرَةَ خِلَافِ النَّاسِ وَقَدْ نُعِيَ إِلَيْهِمْ مُوسَى (عليه السلام) وَمَا أَشْكُ أَنَّهُمْ سَأَلُونِي عَنْ بَرَاهِينِ الْإِمَامِ فَلَوْ أَرَيْتَنِي شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ الرَّضَا (عليه السلام) لَمْ يَخْفَ عَلَيَّ هَذَا فَأَبْلِغْ أَوْلِيَاءَنَا بِالْبَصْرَةِ وَغَيْرِهَا أَنِّي قَادِمٌ عَلَيْهِمْ وَ (لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) (2) ثُمَّ أَخْرَجَ إِلَيَّ جَمِيعَ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) عِنْدَ الْأَيْمَةِ مِنْ بُرْدَتِهِ وَقَضِيئِهِ وَسِيْلَاحِهِ وَغَيْرِ ذَلِكَ فَقُلْتُ وَمَتَى تَقْدِمُ عَلَيْهِمْ قَالَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ وُصُولِكَ وَدُخُولِكَ الْبَصْرَةَ. فَلَمَّا قَدِمْتُهَا سَأَلُونِي عَنِ الْحَالِ فَقُلْتُ لَهُمْ إِنِّي أَتَيْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَبْلَ وَفَاتِهِ بِيَوْمٍ وَاحِدٍ فَقَالَ إِنِّي مَيِّتٌ لَا مَحَالَةَ فَإِذَا وَارَيْتَنِي فِي لَحْدِي فَلَا تُقِيمَنَّ وَتَوَجَّهْ إِلَى الْمَدِينَةِ بِوَدَائِعِي هَذِهِ وَأَوْصِلْهَا إِلَى ابْنِي عَلِيِّ بْنِ مُوسَى فَهُوَ وَصِيِّي وَصَاحِبُ الْأَمْرِ بَعْدِي فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِي بِهِ وَأَوْصَلْتُ الْوَدَائِعَ إِلَيْهِ وَهُوَ يُؤَافِكُكُمْ إِلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ يَوْمِي هَذَا فَاسْأَلُوهُ عَمَّا شِئْتُمْ فَابْتَدَرَ لِلْكَلامِ عَمْرُو بْنُ هَذَابٍ [هَذَابٍ] مِنَ الْقَوْمِ وَكَانَ نَاصِبِيًّا يَنْحُو نَحْوَ التَّزْيِيدِ وَالْإِعْتِرَالِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ مُحَمَّدٍ

ص: 57

1- . الخصال ج 1 ص 177 بدء أمر النبي ص من ثلاثة

2- . الكهف آية 39

رَجُلٌ مِنْ أَفْضَلِ أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ فِي وَرَعِهِ وَزُهْدِهِ وَعِلْمِهِ وَسِدِّقِهِ وَ لَيْسَ هُوَ كَشَابٌ مِثْلَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (عليه السلام) وَ لَعَلَّهُ لَوْ سُئِلَ عَنْ شَيْءٍ مِنْ مُعْضَلَاتِ الْأَحْكَامِ لَحَارَ فِي ذَلِكَ فَقَالَ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ كَانَ حَاضِرًا فِي الْمَجْلِسِ لَا تَقُلْ يَا عَمْرُو ذَلِكَ فَإِنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) عَلَى مَا وَصَفَ مِنَ الْفَضْلِ وَ هَذَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ يَقُولُ إِنَّهُ يَدْعُمُ إِلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَكَفَّكَ بِهَ دَلِيلًا وَ تَمَرَّقُوا فَلَمَّا كَانَ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ مِنْ دُخُولِي الْبَصْرَةِ إِذَا الرِّضَا (عليه السلام) قَدْ وَافَى فَقَصَدَ مَنْزِلَ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَخْلَى لَهُ دَارَهُ وَ قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ يَتَصَرَّفُ بَيْنَ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ فَقَالَ يَا حَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَحْضِرْ جَمِيعَ الْقَوْمِ الَّذِينَ حَضَرُوا عِنْدَ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ وَ غَيْرَهُمْ مِنْ شِيعَتِنَا وَ أَحْضِرْ جَائِلِيْقَ النَّصَارَى وَ رَأْسَ الْجَالُوتِ وَ مَرِ الْقَوْمِ أَنْ يَسْأَلُوا عَمَّا بَدَأَ لَهُمْ فَجَمَعَهُمْ كُلَّهُمْ وَ الزَّيْدِيَّةَ وَ الْمُعْتَرِثَةَ وَ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ لِمَا يَدْعُوهُمْ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ فَلَمَّا تَكَامَلُوا ثَنِي لِلرِّضَا (عليه السلام) وَ سَادَةٌ فَجَلَسَ عَلَيْهَا ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ هَلْ تَدْرُونَ لِمَ بَدَأْتُكُمْ بِالسَّلَامِ فَقَالُوا لَا قَالَ لِتَطْمَئِنَّ أَنْفُسُكُمْ قَالُوا وَ مَنْ أَنْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ قَالَ أَتَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) صَدَّقْتُ الْيَوْمَ الْفَجْرَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَعَ وَالِي الْمَدِينَةِ وَ أَقْرَأَنِي بَعْدَ أَنْ صَدَّقْتُنَا كِتَابَ صَاحِبِهِ إِلَيْهِ وَ اسْتَشَارَنِي فِي كَثِيرٍ مِنْ أُمُورِهِ فَأَشْرَفْتُ عَلَيْهِ بِمَا فِيهِ الْحِظُّ لَهُ وَ وَعَدْتُهُ أَنْ يَصِيرَ إِلَيَّ بِالْعَشِيِّ بَعْدَ الْعَصْرِ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ لِيَكْتُبَ عِنْدِي جَوَابَ كِتَابِ صَاحِبِهِ وَ أَنَا وَافٍ لَهُ بِمَا وَعَدْتُهُ بِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَقَالَ الْجَمَاعَةُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَا نُرِيدُ مَعَ هَذَا الدَّلِيلِ بُرْهَانًا أَكْبَرَ مِنْهُ وَ إِنَّكَ عِنْدَنَا الصَّادِقُ الْقَوْلِ وَ قَامُوا لِيَنْصَرِفُوا فَقَالَ

لَهُمُ الرِّضَا (عليه السلام) لَا تَفَرَّقُوا فَإِنِّي إِنَّمَا جَمَعْتُكُمْ لِتَسْأَلُونِي عَمَّا شِئْتُمْ مِنْ آثَارِ النَّبِيِّ وَعَلَامَاتِ الْإِمَامَةِ الَّتِي لَا تَحْدُونَهَا إِلَّا عِنْدَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَهَلُمُّوا مَسْأَلِكُمْ فَأَبْتَدَرَ عَمْرُو بْنُ هَذَا [هَذَا] فَقَالَ إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيَّ ذَكَرَ عِنْدَكَ أَشْيَاءَ لَا تَقْبَلُهَا الْقُلُوبُ فَقَالَ الرِّضَا (عليه السلام) وَمَا تِلْكَ قَالَ أَخْبَرْنَا عَنْكَ أَنَّكَ تَعْرِفُ كُلَّ مَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ وَأَنَّكَ تَعْرِفُ كُلَّ لِسَانٍ وَ لَعْنَةٍ فَقَالَ الرِّضَا (عليه السلام) صَدَقَ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ فَإِنَّا أَخْبَرْتُهُ بِذَلِكَ فَهَلُمُّوا فَاسْأَلُوا قَالَ فَإِنَّا نَخْتَبِرُكَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ بِاللُّسَنِ وَاللُّغَاتِ وَ هَذَا رُومِيٌّ وَ هَذَا هِنْدِيٌّ وَ هَذَا فَارِسِيٌّ وَ هَذَا تُرْكِيٌّ فَأَحْضَرْنَاهُمْ فَقَالَ فَلْيَتَكَلَّمُوا بِمَا أَحَبُّوا أُجِبْ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ بِلِسَانِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسَأَلَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَسْأَلَةً بِلِسَانِهِ وَ لَعْنَةً فَأَجَابَهُمْ عَمَّا سَأَلُوا بِاللِّسَانِ وَ لَعْنَتِهِمْ فَتَحَيَّرَ النَّاسُ وَ تَعَجَّبُوا وَ أَقْرَبُوا جَمِيعاً بِأَنَّهُ أَفْصَحَ مِنْهُمْ بِلُغَاتِهِمْ ثُمَّ نَظَرَ الرِّضَا (عليه السلام) إِلَى ابْنِ هَذَا فَقَالَ إِنْ أَنَا أَخْبَرْتُكَ أَنَّكَ سَبَّتَنِي فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ بِدَمِ ذِي رَحِمٍ لَكَ أَ كُنْتُ مُصَدِّقاً لِي قَالَ لَا فَإِنَّ الْعَيْبَ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى قَالَ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ (عَالِمِ الْعَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ) (1) فَرَسُوهُ اللَّهُ (صلى الله عليه وآله) عِنْدَ اللَّهِ مُرْتَضَى وَ نَحْنُ وَرَثَةُ ذَلِكَ الرَّسُولِ (صلى الله عليه وآله) الَّذِي أَطْلَعَهُ اللَّهُ عَلَى مَا شَاءَ مِنْ غَيْبِهِ فَعَلِمْنَا مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ إِنْ الَّذِي أَخْبَرْتُكَ بِهِ يَا ابْنَ هَذَا لَكَائِنٌ إِلَى خَمْسَةِ أَيَّامٍ فَإِنْ لَمْ يَصِحَّ مَا قُلْتَ لَكَ فِي هَذِهِ الْمُدَّةِ فَإِنِّي كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَ إِنْ صَحَّ فَتَعَلَّمْ أَنَّكَ الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ وَ لَكَ دَلَالَةٌ أُخْرَى أَمَا إِنَّكَ سَبَّتَنِي بِبَصْرِكَ وَ تَصَيَّرْتَنِي مَكْفُوفاً فَلَا تُبْصِرُ سَهْلاً وَ لَا جَبْلاً وَ هَذَا كَائِنٌ بَعْدَ أَيَّامٍ وَ لَكَ عِنْدِي دَلَالَةٌ أُخْرَى أَنَّكَ سَتَحْلِفُ يَمِيناً كَاذِبَةً فَتَضْرِبُ بِالْبَرْصِ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ فَوَاللَّهِ

ص: 59

لَقَدْ نَزَلَ ذَلِكَ كُلَّهُ بِإِذْنِ هَذَا [هَذَا] فَقِيلَ لَهُ أَصَدَقَ الرَّضَا أَمْ كَذَبَ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُ فِي الْوَقْتِ الَّذِي أَخْبَرَنِي بِهِ أَنَّهُ كَاثِرٌ وَلَكِنِّي كُنْتُ أَتَجَلَّدُ ثُمَّ إِنَّ الرَّضَا (عليه السلام) التَّمَّتْ إِلَى الْجَائِلِي فَقَالَ هَلْ دَلَّ الْإِنْجِيلُ عَلَى نُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) قَالَ لَوْ دَلَّ الْإِنْجِيلُ عَلَى ذَلِكَ مَا جَحَدْنَا فَقَالَ أَخْبَرَنِي عَنِ السَّكَّةَةِ الَّتِي لَكُمْ فِي السَّفَرِ الثَّلَاثِ فَقَالَ الْجَائِلِيُّ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى لَا يَجُوزُ لَنَا أَنْ نُظْهِرَهُ قَالَ الرَّضَا (عليه السلام) فَإِنْ قَرَرْتُمْ أَنَّهُ اسْمٌ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَذِكْرُهُ وَأَقْرَبَ عَيْسَى (عليه السلام) بِهِ وَأَنَّهُ بَشَرٌ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) أَتَقَرُّ بِهِ وَلَا تُنْكِرُهُ قَالَ الْجَائِلِيُّ إِنْ فَعَلْتَ أَقْرَزْتُ فَإِنِّي لَا أُرِدُّ الْإِنْجِيلَ وَلَا أَجْحَدُهُ قَالَ الرَّضَا (عليه السلام) فَخُذْ عَلَى السَّفَرِ الثَّلَاثِ الَّذِي فِيهِ ذِكْرُ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَبِشَارَةِ عَيْسَى (عليه السلام) بِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) قَالَ الْجَائِلِيُّ هَاتِ فَأَقْبَلَ الرَّضَا (عليه السلام) يَتْلُو ذَلِكَ السَّفَرَ الثَّلَاثِ مِنَ الْإِنْجِيلِ حَتَّى بَلَغَ ذِكْرَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ يَا جَائِلِيُّ مَنْ هَذَا النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) الْمَوْصُوفُ قَالَ الْجَائِلِيُّ صِدْقُهُ قَالَ لَا أَصِدْقُهُ إِلَّا بِمَا وَصَفَهُ اللَّهُ هُوَ صَاحِبُ النَّاقَةِ وَالْعَصَا وَالْكِسَاءِ النَّبِيُّ الْأُمِّيُّ (الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ) (1) يَهْدِي إِلَى الطَّرِيقِ الْأَقْصَدِ وَالْمِنْهَاجِ الْأَعْدَلِ وَالصِّرَاطِ الْأَقْوَمِ سَأَلْتُكَ يَا جَائِلِيُّ بِحَقِّ عَيْسَى (عليه السلام) رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ هَلْ تَجِدُ هَذِهِ الصِّفَةَ فِي الْإِنْجِيلِ لِهَذَا النَّبِيِّ فَأَطْرَقَ الْجَائِلِيُّ مَلِيًّا وَعَلِمَ أَنَّهُ إِنْ جَحَدَ الْإِنْجِيلَ كَفَرَ فَقَالَ نَعَمْ هَذِهِ الصِّفَةُ فِي الْإِنْجِيلِ وَقَدْ ذَكَرَ عَيْسَى (عليه السلام) هَذَا النَّبِيِّ وَ لَمْ يَصِحَّ عِنْدَ النَّصَارَى أَنَّهُ صَاحِبُكُمْ فَقَالَ الرَّضَا (عليه السلام) أَمَا إِذَا لَمْ تَكْفُرْ بِجُحُودِ الْإِنْجِيلِ وَأَقْرَزْتَ

ص: 60

بِمَا فِيهِ مِنْ صِدْقَةٍ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) فَخُذْ عَلَيَّ فِي السَّفَرِ الثَّانِي فَإِنِّي أَوْجِدُكَ ذِكْرَهُ وَذِكْرَ وَصِيَّتِهِ وَذِكْرَ ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ  
ذِكْرَ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَلَمَّا سَمِعَ الْجَائِلِيُّ وَرَأْسَ الْجَالُوتِ ذَلِكَ عَلِمَا أَنَّ الرَّضَا (عليه السلام) عَالِمٌ بِالتَّوْرَةِ وَ  
الْإِنْجِيلِ فَقَالَا وَاللَّهِ قَدْ أَتَى بِمَا لَا يُمَكِّنُنَا رُدَّهُ وَلَا دَفْعَهُ إِلَّا بِجُحُودِ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مُوسَى (عليه السلام) وَ عِيسَى (عليه  
السلام) جَمِيعاً وَ لَكِنْ لَمْ يَنْتَقِرْ عِنْدَنَا بِالصَّحَّةِ أَنَّهُ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) هَذَا فَأَمَّا اسْمُهُ مُحَمَّدٌ فَلَا يَجُوزُ لَنَا أَنْ نُقَرَّ لَكُمْ بِبُيُوتِهِ وَ نَحْنُ  
شَاكُونَ أَنَّهُ مُحَمَّدٌ أَوْ غَيْرُهُ فَقَالَ الرَّضَا (عليه السلام) احْتَجَزْتُمْ بِالسَّكِّ فَهَلْ بَعَثَ اللَّهُ قَبْلُ أَوْ بَعَدَ مِنْ وُلْدِ آدَمَ (عليه السلام) إِلَى يَوْمِنَا هَذَا  
نَبِيًّا اسْمُهُ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) أَوْ تَجِدُونَهُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْكُتُبِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ غَيْرِ مُحَمَّدٍ فَاحْجَمُوا عَنْ جَوَابِهِ وَ  
قَالُوا لَا يَجُوزُ لَنَا أَنْ نُقَرَّ لَكُمْ بِأَنَّ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) هُوَ مُحَمَّدٌ لَنَا إِنَّا أَقْرَبْنَا لَكَ بِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَ وَصِيَّتِهِ وَ ابْنَتِهِ وَ  
ابْنَتِهِ عَلَى مَا ذَكَرْتَ أَدْخَلْتُمُونَا فِي الْإِسْلَامِ كَرَاهًا فَقَالَ الرَّضَا (عليه السلام) أَنْتَ يَا جَائِلِيُّ آمِنٌ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) وَ آله  
إِنَّهُ لَا يَبْدُوكَ مِنَّا شَيْءٌ تَكْرَهُ مِمَّا تَخَافُهُ وَ تَحْذَرُهُ قَالَ أَمَّا إِذَا قَدْ آمَنْتَنِي فَإِنَّ هَذَا النَّبِيَّ الَّذِي اسْمُهُ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) وَ هَذَا الْوَصِيَّ  
الَّذِي اسْمُهُ عَلِيُّ (عليه السلام) وَ هَذِهِ الْبِنْتُ الَّتِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ (عليها السلام) وَ هَذَانِ السَّبْطَانِ اللَّذَانِ اسْمُهُمَا الْحَسَنُ (عليه السلام) وَ  
الْحُسَيْنُ (عليه السلام) فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ قَالَ الرَّضَا (عليه السلام) فَهَذَا الَّذِي ذَكَرْتَهُ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ مِنْ اسْمِ هَذَا  
النَّبِيِّ وَ هَذَا الْوَصِيِّ وَ هَذِهِ الْبِنْتِ وَ هَذَيْنِ السَّبْطَيْنِ صِدْقٌ وَ عَدْلٌ أَمْ كَذِبٌ وَ زُورٌ قَالَ بَلْ صِدْقٌ وَ عَدْلٌ وَ مَا قَالَ اللَّهُ إِلَّا الْحَقَّ فَلَمَّا أَخَذَ  
الرَّضَا (عليه السلام) إِقْرَارَ الْجَائِلِيِّ بِذَلِكَ قَالَ لِرَأْسِ الْجَالُوتِ فَاسْتَمِعِ الْآنَ يَا رَأْسَ الْجَالُوتِ

السُّفْرَ الْفَلَا نِيَّ مِنْ زُبُورِ دَاوُدَ قَالَ هَاتِ بَارَكَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى مَنْ وَدَّكَ فَتَلَا الرِّضَا (عليه السلام) السُّفْرَ الْأَوَّلَ مِنَ الزُّبُورِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى ذِكْرِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ (عليه السلام) وَفَاطِمَةَ (عليها السلام) وَالحَسَنِ (عليه السلام) وَالحُسَيْنِ (عليه السلام) فَقَالَ سَأَلْتُكَ يَا رَأْسَ الْجَالُوتِ بِحَقِّ اللَّهِ أَهَذَا فِي زُبُورِ دَاوُدَ (عليه السلام) وَلَكَ مِنَ الْأَمَانِ وَالدِّمَّةِ وَالْعَهْدِ مَا قَدْ أُعْطِيْتُهُ الْجَائِلِيْقَ فَقَالَ رَأْسُ الْجَالُوتِ نَعَمْ هَذَا بِعَيْنِهِ فِي الزُّبُورِ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ الرِّضَا فَحَقَّقَ الْعَشْرَ الْآيَاتِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (عليه السلام) فِي التَّوْرَةِ هَلْ تَجِدُ صِفَةَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ (عليه السلام) وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ (عليه السلام) وَالحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي التَّوْرَةِ مَنْسُوبِينَ إِلَى الْعَدْلِ وَالْفَضْلِ قَالَ نَعَمْ وَمَنْ جَحَدَ هَذَا فَهُوَ كَافِرٌ بِرَبِّهِ وَأَنْبِيَاؤُهُ قَالَ لَهُ الرِّضَا (عليه السلام) فَخُذِ الْآنَ عَلَى سِيفِ كَذَا مِنَ التَّوْرَةِ فَأَقْبَلَ الرِّضَا (عليه السلام) يَتْلُو التَّوْرَةَ وَأَقْبَلَ رَأْسَ الْجَالُوتِ يَتَعَجَّبُ مِنْ تَلَاوَتِهِ وَبَيَانِهِ وَفَصَاحَتِهِ وَلِسَانِهِ حَتَّى إِذَا بَلَغَ ذِكْرَ مُحَمَّدٍ قَالَ رَأْسُ الْجَالُوتِ نَعَمْ هَذَا أَحْمَادُ وَبِنْتُ أَحْمَادَ وَإِلْيَا وَشَبْرٌ وَشَبِيرٌ وَ تَفْسِيرُهُ بِالْعَرَبِيَّةِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيُّ (عليه السلام) وَفَاطِمَةُ (عليها السلام) وَالحَسَنِ (عليه السلام) وَالحُسَيْنِ (عليه السلام) فَتَلَا الرِّضَا (عليه السلام) السُّفْرَ إِلَى تَمَامِهِ فَقَالَ رَأْسُ الْجَالُوتِ لَمَّا فَرَعَ مِنْ تَلَاوَتِهِ وَاللَّهُ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ لَوْ لَا الرِّئَاسَةُ الَّتِي قَدْ حَصَلَتْ لِي عَلَى جَمِيعِ الْيَهُودِ لَأَمَنْتُ بِأَحْمَدَ مَا وَاتَّبَعْتُ أَمْرَكَ فَوَاللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ التَّوْرَةَ عَلَى مُوسَى وَ الزُّبُورَ عَلَى دَاوُدَ وَ الْإِنْجِيلَ عَلَى عِيسَى (عليه السلام) مَا رَأَيْتُ أَقْرَأَ لِلتَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزُّبُورِ مِنْكَ وَ لَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَحْسَنَ بَيَانًا وَ تَفْسِيرًا وَ فَصَاحَةً لَهَا مِنْكَ الْكُتُبِ مِنْكَ فَلَمْ يَزَلِ الرِّضَا (عليه السلام) مَعَهُمْ فِي ذَلِكَ إِلَى وَقْتِ الزَّوَالِ فَقَالَ لَهُمْ حِينَ حَصَرَ وَ وَقْتُ الزَّوَالِ أَنَا أَصَلِّي وَأَصِيرُ إِلَى الْمَدِينَةِ لِلْوَعْدِ الَّذِي وَعَدْتُ بِهِ وَالِي الْمَدِينَةِ لِيَكْتُبَ جَوَابَ كِتَابِهِ وَأَعُوذُ إِلَيْكُمْ بِكُرَّةٍ إِنَّ

شَاءَ اللَّهُ قَالَ فَأَذَّنَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلِيمَانَ وَأَقَامَ وَتَقَدَّمَ الرَّضَا (عليه السلام) فَصَلَّى بِالنَّاسِ وَخَفَّفَ الْقِرَاءَةَ وَرَكَعَ تَمَامَ السُّنَّةِ وَانصَرَفَ فَلَمَّا كَانَ  
 مِنَ الْعَدِ عَادَ إِلَى مَجْلِسِهِ ذَلِكَ فَأَتَوْهُ بِجَارِيَةٍ رُومِيَّةٍ فَكَلَّمَهَا بِالرُّومِيَّةِ وَالْجَائِلِيَّةِ يَسَّ مَعَ وَكَانَ فَهَمًّا بِالرُّومِيَّةِ فَقَالَ الرَّضَا (عليه السلام) بِالرُّومِيَّةِ  
 لَهَا أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) أَمْ عَيْسَى (عليه السلام) فَقَالَتْ كَانَ فِيمَا مَضَى عَيْسَى (عليه السلام) أَحَبُّ إِلَيَّ حِينَ لَمْ أَكُنْ  
 عَرَفْتُ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) فَأَمَّا بَعْدَ أَنْ عَرَفْتُ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) فَمُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) الْآمَنَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ  
 عَيْسَى (عليه السلام) وَمِنْ كُلِّ نَبِيٍّ فَقَالَ لَهَا الْجَائِلِيُّ فَإِذَا كُنْتَ دَخَلْتَ فِي دِينِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) فَتُبَغِّضِينَ عَيْسَى (عليه السلام)  
 قَالَتْ مَعَاذَ اللَّهِ بَلْ أُحِبُّ عَيْسَى (عليه السلام) وَأُوْمِنُ بِهِ وَ لَكِنَّ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) أَحَبُّ إِلَيَّ فَقَالَ الرَّضَا (عليه السلام) لِلْجَائِلِيِّ  
 فَسِّرْ لِلْجَمَاعَةِ مَا تَكَلَّمْتَ بِهِ الْجَارِيَةُ وَمَا قُلْتَ أَنْتَ لَهَا وَمَا أَجَابَتْكَ بِهِ فَفَسَّرَ لَهُمُ الْجَائِلِيُّ ذَلِكَ كُلَّهُ ثُمَّ قَالَ الْجَائِلِيُّ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ (صلى الله  
 عليه وآله) هَاهُنَا رَجُلٌ سِنْدِيٌّ وَهُوَ نَصْرَانِيٌّ صَاحِبُ احْتِجَاجٍ وَ كَلَامٍ بِالسُّنْدِيَّةِ فَقَالَ لَهُ أَحْضِرْنِيهِ فَأَحْضَرَهُ فَتَكَلَّمَ مَعَهُ بِالسُّنْدِيَّةِ ثُمَّ أَقْبَلَ يُحَاجُّهُ  
 وَيُنْقَلُهُ مِنْ شَيْءٍ إِلَى شَيْءٍ بِالسُّنْدِيَّةِ فِي النَّصْرَانِيَّةِ فَسَّ جَعْنَا السُّنْدِيَّ يَقُولُ بِالسُّنْدِيَّةِ بَطْنِي بَطْنِي بَطْنِي فَقَالَ الرَّضَا (عليه السلام) قَدْ وَحَدَّ اللَّهُ  
 بِالسُّنْدِيَّةِ ثُمَّ كَلَّمَهُ فِي عَيْسَى (عليه السلام) وَمَرِيَمَ فَلَمْ يَزَلْ يَدْرِجُهُ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ إِلَى أَنْ قَامَ بِالسُّنْدِيَّةِ أَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ  
 مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) رَسُولُ اللَّهِ ثُمَّ رَفَعَ مِنْطَقَةً كَانَتْ عَلَيْهِ فَظَهَرَ مِنْ تَحْتِهَا زُنَّارٌ فِي وَسَطِهِ فَقَالَ أَفْطَعُهُ أَنْتَ بِيَدِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ  
 اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَادْعَا الرَّضَا (عليه السلام) بِسِكِّينٍ فَقَطَّعَهُ ثُمَّ قَالَ لِمُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ خُذِ السُّنْدِيَّ إِلَى الْحَمَامِ فَظَهَّرَهُ وَ  
 اكْسُهُ وَ عِيَالَهُ وَ احْمِلْهُمْ جَمِيعًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَمَّا فَرَّغَ مِنْ مُخَاطَبَةِ الْقَوْمِ قَالَ قَدْ صَحَّ عِنْدَكُمْ صِدْقٌ مَا كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ

الْفَضْلِ يُلْقِي عَلَيْكُمْ عَنِّي فَقَالُوا بِأَجْمَعِهِمْ نَعَمْ وَاللَّهِ قَدْ بَانَ لَنَا مِنْكَ فَوْقَ ذَلِكَ أضعافاً مضاعفةً وَقَدْ ذَكَرَ لَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ أَنَّكَ تَحْمَلُ إِلَى خُرَاسَانَ فَقَالَ صَدَقَ مُحَمَّدٌ إِلَّا أَنِّي أَحْمَلُ مُكْرَمًا مُعْظَمًا مُبَجَّلًا قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ فَشَهِدَ لَهُ الْجَمَاعَةُ بِالْإِمَامَةِ وَبَاتَ عِنْدَنَا تِلْكَ اللَّيْلَةَ فَلَمَّا أَصْبَحَ وَدَّعَ الْجَمَاعَةَ وَأَوْصَانِي بِمَا أَرَادَ وَمَضَى وَتَبِعْتُهُ أُشَدَّيْعُهُ حَتَّى إِذَا صِرْنَا فِي وَسْطِ الْقَرْيَةِ عَدَلَّ عَنِ الطَّرِيقِ فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ انصَرِفْ فِي حِفْظِ اللَّهِ غَمُّضُ طَرْفِكَ فَغَمَّضْتَهُ ثُمَّ قَالَ افْتَحْ عَيْنَيْكَ فَفَتَحْتَهُمَا فَإِذَا أَنَا عَلَى بَابِ مَنْزِلِي بِالْبَصْرَةِ وَ لَمْ أَرَ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ وَ حَمَلْتُ السَّنْدِيَّ وَ عِيَالَهُ إِلَى الْمَدِينَةِ فِي وَقْتِ الْمَوْسِمِ

محمد بن فضل هاشمی می گوید: زمانی که امام موسی بن جعفر (علیه السلام) وفات کرد، به مدینه آمدم و به خدمت امام رضا (علیه السلام) رسیده، به عنوان امام و ولی امر، به او سلام کردم. و ودایعی که نزد من بود، به ایشان رساندم و عرضه داشتم که من به بصره برمی گردم. و شما می دانید که خبر فوت امام کاظم (علیه السلام) به اهل آنجا رسیده و اختلاف زیادی بین مردم رخ داده (در باره امامت بعد از آن حضرت) و شک ندارم که از من از براهین امام (علیه السلام) سؤال خواهند کرد. اگر چیزی از آن براهین به من نشان بدهید، بی مناسبت نیست. آن حضرت فرمود: این موضوع برای من مخفی نیست. به دوستان من بگو که من به بصره می آیم. (لا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) و آنچه که امامان از عبا، چوب دستی و اسلحه با خود باید داشته باشند را بیرون آورد (و به من نشان داد). راوی می گوید: عرضه داشتم: چه وقت منتظر مقدم شما باشیم؟ فرمود: سه روز بعد از رسیدن تو به بصره. راوی می گوید: پس، من از خدمت حضرت مرخص شدم و به بصره رفتم. و در آنجا از جانشین امام موسی بن جعفر (علیه السلام) از من سؤال کردند. گفتم: یک روز قبل از وفات حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) ایشان را ملاقات نمودم، به من فرمود: من از دنیا



می روم. وقتی مرا دفن نمودید، به مدینه برو و این امانت ها را به فرزندم رضا برسان. او وصی من و صاحب امر بعد از من است و من به دستور آن حضرت عمل کردم و امانت ها را در مدینه به علی بن موسی (علیه السلام) رساندم. و ایشان وعده کردند که بعد از سه روز از رسیدن من به بصره، به بصره بیایند، و هر سؤالی که دارید از ایشان پرسید. عمرو بن هذّاب که تمایل به زیدیه و معتزله داشت، شروع به سخن کرد و گفت: ای محمّد! حسن بن محمّد از فضیلت اهل بیت است. و در ورع، زهد، علم و سن و سال، در حد بالایی است. و مثل علی بن موسی (علیه السلام) جوانی نیست که اگر از مشکلات احکام از او سؤال کنند، نتواند پاسخ آن را بدهد. حسن بن محمّد که همان جا حاضر بود گفت: ای عمرو! چنین مگو. با آن فضیلت هایی که از او گفته شد. و این محمّد بن فضل است که می گوید: سه روز دیگر امام رضا (علیه السلام) به اینجا می آید، همین کفایت می کند که دلیلی بر بزرگی او باشد. و آن جمع متفرق شدند. هنگامی که روز سوم شد، ناگاه متوجه شدیم که آنحضرت به بصره آمده و در منزل حسن بن محمّد می باشد. و او از امام (علیه السلام) پذیرایی می کند. پس حضرت دستور داد و فرمود: ای حسن جماعت شیعه و اشخاصی که با من کاری دارند حاضر ساز و جاثلیق نصرانی و رأس الجالوت را نیز دعوت کن. و به همه بگو از آنچه می خواهند سؤال کنند. همه اعم از زیدیه و معتزله جمع شدند ولی نمی دانستند حسن آنها را برای چه جمع می کند. وقتی که همه حاضر شدند، منبری برای آن حضرت گذاشته شد و حضرت بر فراز آن قرار گرفت و روبه حضار مجلس نموده و فرمود: السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. آیا می دانید چرا من سخنم را با سلام آغاز نمودم؟ گفتند: خیر. فرمود: برای اینکه به شما آرامش بدهم. گفتند: خداوند تو را رحمت کند، تو کیستی؟ فرمود: من علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) و فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستم. امروز نماز صبح را با والی مدینه در مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خوانده ام بعد از اینکه نماز

را خواندیم، نامه ای را که از سوی صاحبش به او رسیده بود، نشانم داد و با من مشورت کرد. و من هم او را راهنمایی کردم و وعده دادم که بعد از نماز عصر، به مدینه بر می گردم تا جواب نامه را نزد من بنویسد و من به وعده ام عمل خواهم کرد. و لا حول و لا قوه الا بالله. آنگاه مردم گفتند: یا ابن رسول الله! ما را همین قدر کفایت می کند و شما نزد ما راستگو هستید. و برای ثبوت امامت شما دلیلی دیگر لازم نیست. سپس برخاستند تا بروند که حضرت فرمود: بمانید و متفرق نشوید. من شما را در اینجا جمع نموده ام تا از من سؤال کنید از هر آنچه می خواهید؛ از آثار نبوت و علامت های امامتی تا از من سؤال کنید از هر آنچه می خواهید، از آثار نبوت و علامت های امامتی که نمی یابید آنها را مگر نزد ما اهل بیت. پس سؤال هایتان را بیاورید. پس عمرو بن هذاب شروع کرد و گفت: محمّد بن فضل هاشمی، کلماتی در باره شما می گوید و مقاماتی برای شما قائل است که قلب ها آن را قبول نمی کنند. حضرت فرمود: آنها چیست؟ گفت: محمّد بن فضل هاشمی می گوید: شما هر آنچه را خداوند نازل فرموده، می دانید و می توانید به هر زبان و لغتی صحبت کنید. امام (علیه السلام) فرمود: محمّد بن فضل راست می گوید. من آنها را به او خبر داده ام. پس بشتابید و سؤال کنید. عمرو بن هذاب گفت: ما قبل از هر چیز شما را با زبان امتحان می کنیم. ما در این شهر افراد مختلف اعم از رومی، هندی، فارسی و ترکی زبان داریم. همه آنها را حاضر می کنیم. حضرت فرمود: پس تکلم کنید به هر آنچه دوست دارید. ان شاء الله به هر يك از شما با زبان خودتان پاسخ خواهم گفت. پس هر کدام از آنها با زبان و لغت خودشان مسأله ای را پرسیدند و امام (علیه السلام) هم با لغت خودشان، به آنان پاسخ گفت. مردم بسیار تعجب کرده و حیران ماندند. و تصدیق کردند که امام (علیه السلام) از خود آنها به زبانشان واردتر و فصیح تر است. سپس حضرت، به عمرو بن هذاب توجه نموده و فرمود: اگر به تو خبر دهم که در همین ایام به خون یکی از اقوامت، مبتلا می شوی (یعنی او را می کشی) مرا تصدیق

می کنی؟ او جواب داد: خیر! چون غیب را فقط خدا می داند. حضرت فرمود: آری، اما آیا خداوند نمی فرماید: (عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ) پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد خداوند مرتضی می باشد و ما ورثه همان رسولی هستیم که خداوند او را مطلع و آگاه ساخته است از غیب خود از هر آنچه خواسته است. پس ما به آنچه در گذشته رخ داده است و آنچه در آینده تا روز قیامت رخ خواهد داد، آگاه هستیم. ای پسر هذّاب! آنچه به تو خبر دادم در ظرف پنج روز واقع خواهد شد. پس اگر آنچه را که به تو گفتم در این مدت صورت نگرفت، پس من دروغگو و افترا زننده هستم. ولی اگر صحیح شد پس بدان که تو رد کننده خدا و رسول او هستی. سپس امام (علیه السلام) فرمود: چیز دیگری نیز هست و آن اینکه: آگاه باش که بزودی نابینا خواهی شد و چیزی را نمی بینی نه زمین و نه کوهی را. بعد از چند روز همان طور شد که امام (علیه السلام) فرموده بود. مطلب دیگر اینکه: توبه زودی به دروغ قسم خواهی خورد، لذا به مرض پیسی مبتلا می شوی. محمّد بن فضل می گوید: به خدا قسم! هر چه حضرت رضا (علیه السلام) فرموده بود، به سر عمر و بن هذّاب آمد. سپس امام رضا (علیه السلام) رو به جاثلیق کرده فرمود: آیا در انجیل، دلیلی بر پیامبری حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله) هست؟ جاثلیق گفت: اگر چنین چیزی باشد، ما آن را انکار نمی کنیم. حضرت فرمود: از «سکینه» که در سفر سوم از کتاب انجیل است به من بگو. گفت: نامی از نام های خدای متعال است که برای ما اظهار آن جایز نیست. امام (علیه السلام) فرمود: اگر برای تو ثابت کنم که آن اسم محمّد (صلی الله علیه و آله) و یاد اوست و عیسای پیامبر، به آن اقرار کرده و آن را برای بنی اسرائیل بشارت داده است، اقرار می کنی، و در صدد انکار آن بر نمی آیی؟ گفت: اگر چنین کنی اقرار می کنم چون من انجیل را رد نمی کنم و منکر آن نیز نمی شوم. حضرت فرمود: پس بگیر برای من سفر سوم را که در آنجا نام محمّد (صلی الله علیه و آله) ذکر شده و عیسی (علیه السلام) به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله) بشارت داده است. جاثلیق گفت: این هم سفر سوم. حضرت، سفر

سوم از انجیل را گرفته و خواند، تا رسید به نام پیامبر (صلی الله علیه و آله)، سپس رو به جاثلیق نموده، فرمود: این پیامبری که در اینجا توصیف شده است، کیست؟ جاثلیق گفت: او را توصیف کن. حضرت فرمود: چیزی از خود نمی گویم بلکه توصیف خدا را ذکر می کنم؛ او صاحب ناقة و عصا و کسا می باشد، پیامبر امّی است که نام مبارك او در تورات و انجیل نوشته شده، امر به معروف و نهی از منکر می کند و حلال و حرام خدا را بیان می نماید. طیبات و پاکیزه را حلال و خبائث و ناپاکي ها را حرام می نماید. تکالیف و گناهان سخت را بر می دارد. و زنجیرهایی که مانع از پیمودن راه رستگاری و طریق عدل و مستقیم می شوند، از بین می برد. ای جاثلیق! تو را به حق عیسی (علیه السلام) که روح خدا و کلمه او بود آیا در انجیل این توصیفات را برای این پیامبر ندیده ای؟ جاثلیق سرش را پایین انداخت و دانست که اگر انکار کند، کافر خواهد شد. بعد گفت: آری، این صفات در انجیل هست و عیسی (علیه السلام) نام این پیامبر را آورده است. امام (علیه السلام) فرمود: اکنون که انکار نکردی و به این مطالب اقرار نمودی، سفر دوم انجیل را نیز بیاور که در آنجا نام آن پیامبر و جانشینش (علی (علیه السلام)) و نام دخترش فاطمه و فرزندانش حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) ذکر شده است. وقتی جاثلیق و رأس الجالوت، مشاهده کردند که حضرت از آنها به کتاب هایشان عالمتر است عرضه داشتند: قسم به خدا! چیزی فرمودید که رد و دفع آن برای ما امکان ندارد، مگر اینکه منکر تورات و انجیل و زبور بشویم. و مطالب شما را موسی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) بشارت داده اند. ولی ما نمی دانستیم او محمد (صلی الله علیه و آله) است. ولی اکنون چون شك داریم که آیا این محمد (صلی الله علیه و آله)، محمد (صلی الله علیه و آله) شماس است و یا محمد (صلی الله علیه و آله) دیگر. لذا نمی توانیم به نبوت او اقرار کنیم! امام (علیه السلام) فرمود: چرا به شك چنگ می زنید، مگر از ابتدای خلقت تا به حال، خداوند کسی را مبعوث کرده است که نامش محمد باشد؟ و آیا غیر از محمد (صلی الله علیه و آله) ما، در کتاب های آسمانی «محمد» دیگری دیده اید؟ آنها از جواب باز ماندند و گفتند: ما نمی توانیم قبول کنیم که این محمد (صلی الله علیه و آله)،

محمد(صلی الله علیه و آله) شماسست؛ چون اگر به پیامبری او و جانشینی علی(علیه السلام) و فرزندان فاطمه اقرار کنیم، به اجبار مسلمان شده ایم. امام فرمود: تو ای جاثلیق! در پناه خدا و پیامبرش ایمان بیاور و از ناحیه ما، بدی به تو نمی رسد و از چیزی خوف نداشته باش. جاثلیق گفت: اکنون که مرا پناه دادی، نام هایی که ذکر نمودی، در تورات، انجیل و زبور آمده است. حضرت فرمود: آیا سخنان تورات و انجیل و زبور راست است یا دروغ؟ گفت: بلکه راست است. و خدا جز حق نمی گوید. بعد از اینکه امام(علیه السلام) از جاثلیق اقرار گرفت، رو به رأس الجالوت کرده، فرمود: گوش کن ای رأس الجالوت! سفر فلان از زبور داود(علیه السلام) را، رأس الجالوت گفت: بخوان، خدا تو را و پدر و مادرت را مبارك گرداند. امام(علیه السلام) شروع کرد و سفر اول از زبور را خواند. تا اینکه به نام محمد، علی(علیه السلام)، فاطمه(علیها السلام) و حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) رسید. فرمود: ای رأس الجالوت! تو را به خدا! آیا این ها در زبور داود(علیه السلام) نیست؟ و به تو نیز مثل جاثلیق پناه می دهم. رأس الجالوت گفت: آری، عین مطالب و نام ها در زبور آمده است. حضرت فرمود: تو را به حق ده معجزه ای که خداوند بر موسی بن عمران(علیه السلام) اعطا نمود، قسم می دهم آیا این پنج تن، در تورات به عدل و فضل توصیف نشده اند؟ گفت: آری، و کسی که منکر آن شود به خدا و پیامبرانش کافر گردیده است. امام(علیه السلام) رو به او کرد و فرمود: فلان سفر از تورات را بیاور و شروع کرد به خواندن. رأس الجالوت از خواندن و فصاحت و بلاغت حضرت، تعجب کرد. وقتی امام(علیه السلام) به نام مقدس محمد(صلی الله علیه و آله) رسید، رأس الجالوت گفت: آری، اینها احما و دختر او، والیا و شبر و شیر هستند که معنای آن به عربی می شود: محمد(صلی الله علیه و آله)، علی(علیه السلام)، فاطمه(علیها السلام)، حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام). امام آن جزء از تورات را تا به آخر خواند. سپس رأس الجالوت گفت: به خدا قسم! ای پسر محمد! اگر خوف از دست دادن ریاستی که بر تمام یهود پیدا کرده ام، نبود به احما (محمد(صلی الله علیه و آله)) ایمان می آوردم و دستورات شما را اطاعت می کردم. و قسم به خدایی که

تورات را بر موسی (علیه السلام) و زبور را بر داود (علیه السلام) و انجیل را بر عیسی (علیه السلام) نازل کرد، تا به حال کسی را ندیدم بهتر از شما تورات و انجیل و زبور را بخواند. و به بهترین بیان و فصاحت و بلاغت، آن را تفسیر کند. امام رضا (علیه السلام) تا ظهر با آنان بود. وقتی ظهر شد فرمود: من نمازم را می خوانم و به مدینه بر می گردم تا به وعده ای که به والی مدینه داده ام و آن نوشتن جواب نامه صاحبش می باشد، وفا کنم. و فردا صبح نزد شما بر می گردم، ان شاء الله. راوی می گوید: بعد از اینکه امام (علیه السلام) نمازش را خواند، روانه مدینه شد. صبح روز بعد، حضرت برگشت و دوباره همان مجلس، برپا شد. پس کنیز رومی آوردند و امام (علیه السلام) با او به زبان رومی سخن گفت. و در این حال جاثلیق که با زبان رومی آشنا بود، گوش فرا می داد. حضرت به زبان رومی خطاب به آن کنیز فرمود: محمد (صلی الله علیه و آله) را بیشتر دوست می داری یا عیسی (علیه السلام) را؟ گفت: تا زمانی که محمد (صلی الله علیه و آله) را نمی شناختم، عیسی (علیه السلام) را بیشتر دوست داشتم. اما بعد از اینکه محمد (صلی الله علیه و آله) را شناختم، او را بیشتر از حضرت عیسی (علیه السلام) و سایر پیامبران، دوست می دارم. جاثلیق به کنیز گفت: اگر مسلمان بشوی، دشمن عیسی (علیه السلام) می شوی؟! کنیز گفت: به خدا پناه می برم! عیسی (علیه السلام) را دوست داشته و به او ایمان دارم ولی محمد (صلی الله علیه و آله) نزد من محبوبتر است. آنگاه امام (علیه السلام) به جاثلیق گفت: آنچه را که این جاریه گفت، برای مردم تفسیر کن و همچنین تفسیر کن آنچه را که تو به او گفتی و او برای تو جواب گفت: پس جاثلیق نیز همه اینها را برای مردم تفسیر نمود. سپس جاثلیق به امام (علیه السلام) عرضه داشت: ای فرزند محمد (صلی الله علیه و آله) در اینجا مردی سندی می باشد که مذهب نصرانی است و می خواهد با شما به زبان سندی احتجاج نماید. حضرت فرمود: او را حاضر کنید. وقتی که حاضر شد، امام (علیه السلام) با او به زبان خودش صحبت کرد و بعد سؤال و جواب هایی بین آن دو در مورد نصرانیت رد و بدل شد. راوی می گوید: شنیدیم که مرد سندی می گوید: بٹٹی بٹٹی بٹٹلة. حضرت فرمود: او به زبان سندی، به یگانگی خداوند گواهی می دهد.

سپس امام(علیه السلام) در مورد حضرت عیسی(علیه السلام) و مریم با او صحبت کرد و او راقانع کرد تا اینکه به زبان سندی گفت: أَشْهَدُ  
أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

رَسُولُ اللَّهِ بَعْدَ كَمْرِبَنْدَش را بالا برد و علامتی که به رسم نصرانیت، می بستند، آن را به امام(علیه السلام) داد و عرض کرد، یا بن رسول الله! با دست خود، این را پاره کنید. و حضرت چاقویی طلب کردند و به وسیله آن، علامت را پاره کردند. سپس حضرت به محمد بن فضل، دستور داد تا مرد سندی را به حمام ببرد و او را غسل دهد و لباس بپوشاند و با خانواده اش به مدینه بیاورد. وقتی که بحث و گفتگوها تمام شد، حضرت فرمود: آیا متوجه شدید آنچه را که محمد بن فضل در مورد من با شما مطرح کرده بود، درست بود؟ همه گفتند: آری، بلکه چندین برابر، بیشتر از آن را در شما دیدیم. و دیگر اینکه محمد بن فضل می گوید: شما را به خراسان می برند؟ حضرت فرمود: محمد(صلی الله علیه و آله) راست می گوید، الا اینکه مرا با شکوه، عزت و جلال به آنجا می برند. محمد بن فضل می گوید: در همان جا همگی به امامت حضرت گواهی دادند. و حضرت، شب را نزد ما سپری کرد و صبح هنگام با مردم خدا حافظی کرد و به من سفارشات فرمود و قصد عزیمت نمود. و من او را بدرقه کردم تا اینکه میان دهی رسیدیم. حضرت به کناری رفته و چهار رکعت نماز بجا آورد و بعد به من فرمود: ای محمد! برگرد و در پناه خدا باش و چشمانت را ببند. من نیز چشمانم را بستم. سپس فرمود: چشمانت را باز کن. وقتی چشمانم را باز کردم، دیدم در بصره نزد درب خانه ام ایستاده ام! و اثری از امام(علیه السلام) نیست. (1)

ص: 71

---

1- الخرائج و الجرائح ج 1 ص 341 الباب التاسع في معجزات الإمام المظلوم المسموم علي بن موسى الرضا ح 6





أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصُّوفِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الرِّضَا (عليه السلام) فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سَمَّيَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ فَقَالَ مَا يَقُولُ النَّاسُ قُلْتُ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ إِنَّمَا سَمَّيَ الْأُمِّيَّ لِأَنَّهُ لَمْ يُحْسِنْ أَنْ يَكْتُبَ فَقَالَ كَذَبُوا عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ أَتَى ذَلِكَ وَاللَّهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) (1) فَكَيْفَ كَانَ يَعْلَمُهُمْ مَا لَا يُحْسِنُ وَاللَّهُ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقْرَأُ وَيَكْتُبُ بِإِثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ أَوْ قَالَ بِثَلَاثَةِ وَسَبْعِينَ لِسَانًا وَإِنَّمَا سَمَّيَ الْأُمِّيَّ لِأَنَّهُ كَانَ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ وَمَكَّةَ مِنْ أُمَّهَاتِ الْقُرَى وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا) (2) حديث کرد مرا پدرم از ... از جعفر بن محمد (عليه السلام) که گفت پرسیدم از حضرت امام محمد تقی (عليه السلام) که: چرا نبی اکرم (صلى الله عليه وآله) را امی می گفتند؟ فرمود: مردم چه می گویند در این موضوع؟ عرضه داشتم: که مردم گمان می کنند که چون آن حضرت نمی توانست بنویسد و بخواند حضرتش را امی گفتند! فرمود: دروغ می گویند، لعنت خدا بر آنها باد، چگونه چنین چیزی می شود که پیغمبر (صلى الله عليه وآله) نمی توانست بخواند و بنویسد! (و هر که چنین معتقد باشد بر خلاف قول خدا معتقد شده) با اینکه خداوند در کتاب محکم خود قرآن مجید می فرماید: (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) او است خدائی که میان عرب امی (که خواندن و نوشتن را نمی دانستند) پیغمبری بزرگوار از جنس همان مردم مبعوث به رسالت فرمود تا برایشان آیات وحی خدا را تلاوت کند و ایشان را از جهل و صفات

ص: 73

1- . الجمعة آية 2

2- . الانعام آية 92

ناپسند و اخلاق زشت پاك سازد و شريعت و كتاب آسمانی و حكمت الهی به آنها بياموزد. پس وقتی كه خدا بفرمايد: پيغمبر(صلی الله عليه و آله) تلاوت آیات می نمود و مردم را تعلیم كتاب می كرد، آیا چنین پيغمبری نمی توانست بخواند و بنویسد؟! بخدا قسم رسول خدا(صلی الله عليه و آله) به هفتاد و سه زبان می خواند و می نوشت، و علت آنكه آن حضرت را امی گفتند برای این بود كه از اهل مكه بود و مكه را ام القرى می گویند چنان كه خدای تعالی می فرماید: (وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا) (ام القرى یعنی مادر شهرها، و ام با یاء نسبت امی می شود یعنی کسی كه از اهل مكه است). (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُوسَى الْخَشَّابُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ وَعَلِيِّ بْنِ أَسَدٍ بَاطِلٍ وَغَيْرِهِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ قُلْتُ إِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) لَمْ يَكْتُبْ وَلَا يَقْرَأُ فَقَالَ كَذَبُوا لَعَنَهُمُ اللَّهُ أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ) (2) فَكَيْفَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ لَيْسَ يُحْسِنُ أَنْ يَقْرَأَ وَيَكْتُبَ قَالَ قُلْتُ فَلِمَ سُمِّيَ النَّبِيُّ الْأُمِّيَّ قَالَ لِأَنَّهُ نَسِبَ إِلَى مَكَّةَ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا) (3) فَأُمَّ الْقُرَىٰ مَكَّةَ فَقِيلَ أُمِّيٌّ لِذَلِكَ

حديث کردند ما را ... از مردی كه گفت عرضه داشتیم: به حضرت باقر(عليه السلام) كه (بعضی از) مردم گمان می كنند كه رسول خدا(صلی الله عليه و آله) نمی توانست بخواند و بنویسد فرمود دروغ می گویند خدا آنها را لعنت كند (و از رحمتش دور بگرداند) چگونه آن حضرت نمی توانست بخواند و بنویسد با اينكه خداوند (در حق آن حضرت) میفرماید: (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

ص: 74

1- . علل الشرائع ج 1 ص 124 باب 105 باب العلة التي من أجلها سمي النبي ص الأمي ..... ح 1

2- . الجمعة آية 2

3- . الانعام آية 92

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ( پس اگر آن حضرت خواندن و نوشتن را نمی دانست چگونه (خداوند فرموده که) مردم را تعلیم کتاب و حکمت الهی می فرمود مگر نعوذ بالله خدا دروغ فرموده؟ راوی گوید عرضه داشتیم: پس چرا حضرتش را امی نامیده اند؟! فرمود: چون نسبت به مکه داشت (و از اهل مکه بود) و مکه را «ام» می گویند چنان که خدای عز و جل فرموده: (لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا) (که مراد از ام القرى مکه است) و هر که اهل مکه باشد او را به آنجا نسبت می دهند و به او امی می گویند. (1)

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَلَالٍ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) كَانَ يَقْرَأُ وَيَكْتُبُ وَيَقْرَأُ مَا لَمْ يُكْتُبْ. امام صادق (عليه السلام) فرمودند: پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله) هم می خواندند و هم می نوشتند و حتی چیزهایی را که هنوز نوشته نشده بود، می خواندند. (2)

قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو حَفْصٍ عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْجَوْهَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ أَحْمَدُ بْنُ مَنْصُورِ الرَّمَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ صَالِحٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَنَسَةُ قَالَ أَخْبَرَنِي يُونُسُ عَنِ ابْنِ شَهَابٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُتْبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ لَمَّا حَضَرَتِ النَّبِيَّ الْوَفَاةَ وَفِي الْبَيْتِ رِجَالٌ فِيهِمْ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) هَلُمُّوا أَكْتُبْ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا فَقَالَ عُمَرُ لَا تَأْتُوهُ بِشَيْءٍ فَإِنَّهُ قَدْ غَلَبَهُ الْوَجَعُ وَعِنْدَكُمْ الْقُرْآنُ حَسْبُنَا كِتَابَ اللَّهِ فَاخْتَلَفَ أَهْلُ الْبَيْتِ وَاخْتَصَمُوا فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ قَوْمُوا يَكْتُبْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ مَا قَالَ عُمَرُ فَلَمَّا كَثُرَ اللَّعْطُ وَالْإِخْتِلَافُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَوْمُوا عَنِّي قَالَ عُبَيْدُ

ص: 75

- 1- . علل الشرائع ج 1 ص 125 باب 105 باب العلة التي من أجلها سمي النبي الأمي ..... ح 2
- 2- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 227 باب 4 باب في أن رسول الله ص كان يقرأ ويكتب بكل لسان ح 5

اللَّهُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُتْبَةَ وَكَانَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَحِمَهُ اللَّهُ يَقُولُ الرَّزِيَّةُ كُلُّ الرَّزِيَّةِ مَا حَالَ بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَبَيْنَ أَنْ يَكْتُبَ لَنَا ذَلِكَ الْكِتَابَ مِنْ اخْتِلَافِهِمْ وَلَعَطِهِمْ

عبد الله بن عباس گوید: چون زمان رحلت رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرا رسید گروهی که عمر بن خطاب نیز در میان آنان بود در خانه حضور داشتند، رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: بیائید نامه ای برای شما بنویسم تا هرگز پس از آن گمراه نشوید. عمر گفت: چیزی نیاورید که درد بر او غلبه کرده، و قرآن نزد شما هست، و کتاب خدا ما را کافی است. میان اهل خانه اختلاف افتاد و به مخاصمه پرداختند، عدّه ای می گفتند برخیزید (کاغذ بیاورید) تا رسول خدا (صلى الله عليه وآله) برایتان بنویسد، و عدّه ای دیگر سخن عمر را می گفتند. چون سر و صدا بلند شد و اختلاف بالا گرفت رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: از نزد من برخیزید (و مرا تنها بگذارید). عبید الله بن عبد الله بن عتبه گوید: ابن عباس همیشه می گفت: تمام مصیبت ها از همان وقتی آغاز شد که با اختلاف و شلوغ کاری خود مانع از آن شدند که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) آن نوشته را بر ایمان بنویسد. (1)

همگی اتفاق نظر دارند که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در نزد استادی خواندن و نوشتن را نیاموخت اما این مطلب به این معنا نیست که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) بی سواد بوده بلکه سواد خواندن و نوشتن را توسط علم لدنی و از ناحیه ی خدای تبارک و تعالی آموخته است.

ص: 76



رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَهُوَ يَقُولُ لِلنَّاسِ: قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا فَمِنْهُمْ مَنْ تَقَلَّ فِي وَجْهِهِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ حَثَا عَلَيْهِ التُّرَابَ، وَ مِنْهُمْ مَنْ سَدَّ بِهِ، حَتَّى انْتَصَفَ النَّهَارُ فَأَقْبَلَتْ جَارِيَةٌ بِعُسٍّ مِنْ مَاءٍ فَغَسَلَتْ وَجْهَهُ أَوْ يَدَيْهِ وَقَالَ: يَا بِنْتِئُ لَا تَحْشَى عَلَى أَبِيكَ عَيْلَةً وَ لَا ذِلَّةً

منیب می گوید: در دوران جاهلیت رسول خدا (صلى الله عليه وآله) را دیدم که خطاب به مردم می گفت: بگوئید: نیست خدایی جز خدای یکتا تا رستگار شوید. برخی بر چهره اش آب دهان می انداختند و برخی بر او خاک می پاشیدند و برخی شنامش می دادند تا آنکه روز به نیمه رسید. آنگاه دختری با کاسه بزرگی از آب نزد او آمد و رسول خدا (صلى الله عليه وآله) صورت و دستانش را شست و فرمود: دخترم، از تنهایی و بی کسی پدرت بیمی به خود راه مده.

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) يَحْكِي نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ضَرَبَهُ قَوْمُهُ وَهُوَ يَمَسْحُ الدَّمَ عَن وَجْهِهِ وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ!

عبدالله می گوید: گویی رسول خدا (صلى الله عليه وآله) را می بینم که همچون یکی از پیامبران، از سوی قومش مضروب و خونین شده و در حالی که خون را از چهره اش پاک می کند عرضه می دارد: خدایا قوم مرا ببخش که آنان نمی دانند.

رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَرَّ فِي سُوقِ ذِي الْمَجَازِ وَعَلَيْهِ حُلَّةٌ حَمْرَاءُ، وَهُوَ يَقُولُ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا»، وَ رَجُلٌ يَرْمِيهِ بِالْحِجَارَةِ وَقَدْ أَدَمَى كَعْبِيهِ وَ عُرْقُوبِيهِ، وَهُوَ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تُطِيعُوهُ فَإِنَّهُ كَذَّابٌ! فَقُلْتُ:

مَنْ هَذَا؟ قَالُوا: غُلَامٌ بَنَى عَبْدَ الْمُطَّلِبِ. فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا الَّذِي يَتَّبِعُهُ يَرْمِيهِ بِالْحِجَارَةِ؟ قَالُوا: هَذَا عَبْدُ الْعَزْزِيِّ أَبُو لَهَبٍ.

پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) را در حالی دیدم که جامه ای سرخ فام برتن داشت و از بازار ذوالمجاز می گذشت و می فرمود: ای مردم! بگویند: خدایی جز خدای یکتا نیست تا رستگار شوید. در این هنگام، مردی به سوی پیامبر(صلی الله علیه و آله) سنگ پرتاب کرد و استخوان قوزک و پی پاشنه پای ایشان را خونین کرد و در این حال می گفت: ای مردم! از او پیروی نکنید که دروغگوست! من (که تا آن روز، پیامبر(صلی الله علیه و آله) را نمی شناختم) گفتم: این شخص کیست؟ گفتند: جوانی از فرزندان عبدالمطلب است. گفتم: این شخص که او را دنبال کرده است و به او سنگ پرتاب می کند، کیست؟ گفتند: این، عبد العزّی ابولهب (عموی پیامبر(صلی الله علیه و آله)) است. فَقَدْ رُويَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله)

كَانَ يَمْشِي وَ مَعَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ فَأَذْرَكَهُ أَعْرَابِيٌّ

فَجَذَبَهُ جَذْبًا شَدِيدًا وَ كَانَ عَلَيْهِ بُرْدٌ نَجْرَانِيٌّ غَلِيظٌ الْحَاشِيَّةُ فَأَثَرَتِ الْحَاشِيَّةُ فِي عُنُقِهِ مِنْ شِدَّةِ جَذْبِهِ ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلی الله علیه و آله) هَبْ لِي مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَكَ فَالْتَمَتَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَضَحَكَ وَ أَمَرَ بِإِعْطَائِهِ وَ لَمَّا أَكْثَرَتْ قُرَيْشٌ أَذَاهُ وَ ضَرَبَهُ قَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ فَبَدَّلَكَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ )

نقل کرده اند که پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) در حال رفتن بود، و بعضی از اصحاب نیز در خدمت آن بزرگوار بودند، مرد عربی با آن حضرت برخورد کرد، چنان به شدت او را به طرف خود کشید که حاشیه درشت عبایی که بر دوش داشت، گردن مبارکش را آزد، آنگاه گفت: یا محمد! از آن مال های خدا که در نزد تو است، به من هم بده! پیامبر(صلی الله علیه و آله) نگاهی به آن مرد عرب کرد و خندید، و دستور داد تا به او چیزی دادند.

وقتی هم که آن بزرگوار را افراد قبیله قریش زیاد اذیت کردند، و صدمه زدند، رو به طرف آسمان کرد و عرضه داشت: بارالها قوم مرا بیامرز که آنها نادانند! و به همین دلیل است که خدای متعال در کتاب شریفش فرمودند (وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ) به راستی که توبه خُلُقِ عَظِيمِ آراسته ای (1)

ص: 80

---

1- . مجموعه ورام ج 1 ص 99 باب تهذیب الأخلاق.





أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْهُمْ أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَيْمَانَ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْمِيكَالِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدَانُ الْأَهْوَازِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ حَاتِمِ الْعَسِّ كَرِيٌّ قَالَ: حَدَّثَنَا بِشْرُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ دِينَارٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ أَبِي هِنْدٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَدِمَ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) الْعَاقِبُ وَ السَّيِّدُ، فَدَعَاهُمَا إِلَى الْإِسْلَامِ فَتَلَّاحِيَا وَرَدَّاهُ عَلَيْهِ، فَدَعَاهُمَا إِلَى الْمَلَاعَةِ، فَوَاعَدَاهُ عَلَى أَنْ يُعَادِيَاهُ بِالْغَدَاةِ فَغَدَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ الْحَسَنَ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَيْهِمَا فَأَيَّيَا أَنْ يَجِيئَا وَأَقْرَأَ لَهُ بِالْخُرَاجِ... (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ) قَالَ جَابِرٌ: (أَنْفُسَنَا) رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، وَ (أَبْنَاءَنَا) الْحَسَنُ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام)، وَ (نِسَاءَنَا) فَاطِمَةُ (عليها السلام).

جابر بن عبد الله انصاری نقل کرده است: دو تن از علمای مسیحی به نام های عاقب و سیّد در مدینه به خدمت رسول خدا (صلى الله عليه وآله) رسیدند. آن حضرت آنان را به اسلام دعوت کرد، آن دو نپذیرفتند. نبی اکرم (صلى الله عليه وآله) بر طبق فرمان خدای سبحان در آیه (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ) آنان را به مباحله دعوت کرد، و در روز موعود به همراه علی (عليه السلام) و فاطمه (عليها السلام) و حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) در جایگاه مباحله حاضر شد. اما آن دو حاضر به مباحله نشدند، بلکه به خراج و جزیه راضی شدند، در این جا شعبی از جابر بن عبد الله نقل می کند: منظور از انفسنا، علی بن ابی طالب (عليه السلام) و منظور از ابنا، حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) و منظور از نساءنا، فاطمه (عليها السلام) است. (1)

ص: 82

فَقَالَ أَسَدٌ قُفَّ نَجْرَانَ يَا مَعْشَرَ النَّصَارَى: ... وَارْجِعُوا إِلَى بِلَادِكُمْ وَارْتَبُوا لَأَنْفُسِكُمْ يَا مَعْشَرَ النَّصَارَى إِنِّي لَأَرَى وُجُوهًا لَوْ شَاءَ اللَّهُ أَنْ يُزِيلَ جَبَلًا مِنْ مَكَانِهِ لَأَزَالَهُ بِهَا فَلَا تُبَاهِلُوهُ فَتَهْلِكُوا وَلَا يَبْقَى عَلَيَّ وَجْهٌ الْأَرْضِ نَصْرَانِيٍّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ... وَقَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ الْهَلَاكَ قَدْ بَدَأَ عَلَى أَهْلِ نَجْرَانَ وَ لَوْ لَاعْتَوْنَا لَمَسَخُوا قِرْدَةً وَ خَنَازِيرَ وَ لَأَضْطَرَمَّ الْوَادِي عَلَيْهِمْ نَارًا وَ

لَأَسْتَأْصَلَ اللَّهُ نَجْرَانَ وَ أَهْلَهُ حَتَّى الطَّيْرَ عَلَى رُءُوسِ الشَّجَرِ وَ لَمَّا حَالَ الْحَوْلُ عَلَى النَّصَارَى كُلِّهِمْ حَتَّى هَلَكُوا

سرکرده گروه نجران خطاب به دوستانش گفت: اکنون برای نجات خویش از مهلکه عذاب بکوشید و آینده خود را با تیزبینی از خطر برهانید، ای گروه نصارا! هم اکنون چهره هایی نورانی می بینم که اگر کسی برای از جای کردن کوهی به آنها متوسل شود، هر آینه خداوند به برکت این صورت های نورانی، آن کوه را از جایی به جای دیگر منتقل خواهد نمود. با این حال اگر بخواهید با او مباحله نمایید. بی تردید به نابودی و هلاکت خواهید رسید و در پهنای گیتی، یک تن نصرانی تا روز قیامت بر جا نخواهد ماند!! رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: سوگند به خدایی! که جانم در قبضه قدرت اوست اگر جمعیت نجران به مباحله اقدام می کردند، بی گمان نابودی، آنها را فرامی گرفت و همگی به صورت خوکان و بوزینگان مسخ می شدند. و آتش شعله ور و سوزان آنها را فرا می گرفت تا آنجا که پرندگان بر شاخه درختان و در پرواز را طعمه خود می ساخت و سرزمین آنان را نابود و تمامی اهل نجران را به هلاکت می کشاند، علاوه بر این هنوز سال مباحله به پایان نرسیده بود که جمعیت مسیحیان روی زمین همگی نابود می شدند. (1)

ص: 83

---

1- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام ص 214 المبحث الخامس في المباحلة

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُوسُفَ الصَّبِيَّ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارِ الصَّيْرَفِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا هِلَالُ بْنُ أَيُّوبَ الصَّيْرَفِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ أَبِي أُمَيَّةَ، عَنْ مُجَاهِدٍ، قَالَ قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ مِنَ الَّذِينَ أَرَادَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) أَنْ يُبَاهِلَ بِهِمْ قَالَ عَلَيْهِ وَفَاطِمَةُ (عليها السلام) وَالحَسَنُ (عليه السلام) وَالحَسَدُ (عليه السلام) وَالأَنْفُسُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) وَعَلِيٌّ (عليه السلام)

مجاهد گوید به ابن عباس گفت: پیامبر (صلى الله عليه وآله) همراه چه کسانی می خواست مباهله کند؟ گفت: علی (عليه السلام) و فاطمه (عليها السلام) حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) و مراد از انفس پیامبر (صلى الله عليه وآله) و علی (عليه السلام) بودند.

(1)

آیه مباهله (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) (2)

هرگاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند به آنها بگو بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم شما هم فرزندان خود را ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را ما از نفوس خود دعوت کنیم شما هم از نفوس خود آن گاه مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

(فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) (3)

ص: 84

1- . الأماي للطوسي ص 334 [12] المجلس الثاني عشر ح 10

2- . سورة مبارکه آل عمران آیه 61

3- . سورة مبارکه آل عمران آیه 61

هرگاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند به آنها بگو: بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم شما هم فرزندان خود را ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را ما از نفوس خود دعوت کنیم شما هم از نفوس خود آن گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

حدیث 20: قَالَ وَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ أَدَامَ اللَّهُ عَزَّهٗ أَيضًا قَالَ: قَالَ الْمَأْمُونُ يَوْمًا لِلرِّضَا (عليه السلام) أَخْبَرَنِي بِأَكْبَرِ فَضِيلَةٍ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَدُلُّ عَلَيْهَا الْقُرْآنُ قَالَ فَقَالَ لَهُ الرِّضَا (عليه السلام) فَضِيلَةٌ فِي الْمُبَاهَلَةِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) الْحَسَنَ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) فَكَانَا ابْنَيْهِ وَ دَعَا فَاطِمَةَ فَكَانَتْ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ نِسَاءَهُ وَ دَعَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَكَانَ نَفْسَهُ بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ ثَبَتَ أَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى أَجَلٌّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ أَفْضَلُ فَوَجَبَ أَنْ لَا يَكُونَ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْ نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) بِحُكْمِ اللَّهِ تَعَالَى.... حدیث 20: روزی مامون لعنة الله عليه به امام رضا (عليه السلام) عرضه داشت: بزرگ ترین فضیلتی که امیرالمؤمنین (عليه السلام) از قرآن دارد برای من بازگو کنید. حضرت فرمودند: برترین فضیلت آن حضرت در قضیه مباحله است. همانا رسول خدا (صلى الله عليه و آله) به وسیله علی (عليه السلام)، فاطمه، حسن (عليه السلام)، و حسین (عليه السلام) با نصارای نجران مباحله نمود، و علی (عليه السلام) را همانند جان خویش قرار داد... بنابراین، همه فضائلی که بر رسول خدا (صلى الله عليه و آله) لازم بوده بر علی (عليه السلام) نیز ثابت شده جز نبوت، پس کدامین فضل و برتری بالاتر از این فضل و شرف؟ (1)

تذکر: و از جمله این فضیلت ها عصمت است که امیرالمؤمنین (عليه السلام) در آن با پیامبر (صلى الله عليه و آله) شریک است پس آیه مباحله یک سند زنده برای

ص: 85

عظمت اهل بیت بوده که بواسطه آن لزوم عصمت امام(علیه السلام) به اثبات می رسد.

حدیث 21: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): هَذَا الْجَامِعُ لِلْمَكَارِمِ، الْحَاوِي لِلْفَضَائِلِ

حدیث 21: رسول خدا(صلى الله عليه وآله) اشاره به سوی علی(علیه السلام) کرده و فرمودند:... همه مکارم و فضائل در این شخص جمع شده. (1)

أَخْبَرَنَا أَبُو عُمَرَ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا هَاشِمُ بْنُ الْمُذَنَّبِ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَصِيرَةَ، عَنْ أَبِي صَادِقٍ، عَنْ رَبِيعَةَ بْنِ نَاجِدٍ، عَنْ عَلِيِّ (عليه السلام) قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) حِينَ خَرَجَ لِمُبَاهَلَةِ النَّصَارَى بِي وَفَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَلَى (عليه السلام) مِي فرماید: هنگامی که رسول خدا(صلى الله عليه وآله) برای مُباهله با مسیحیان خارج شد من و فاطمه(علیها السلام) و حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) را همراه برد. (2)

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُوسُفَ الضَّبِّيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارِ الصَّيْرَفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا هَالُلُ بْنُ أَيُّوبَ الصَّيْرَفِيُّ، عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ أَبِي أُمَيَّةَ، عَنْ مُجَاهِدٍ، قَالَ: قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ: مِنَ الَّذِينَ أَرَادَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله)

أَنْ يُبَاهَلَ بِهِمْ قَالَ: عَلِيٌّ (عليه السلام)

وَ فَاطِمَةُ (عليها السلام)

وَ الْحَسَنُ (عليه السلام)

وَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام)

وَ الْأَنْفُسُ النَّبِيَّةِ (صلى الله عليه وآله) وَ عَلِيٌّ (عليه السلام)

مجاهد می گوید: به این عباس گفتیم: پیامبر(صلى الله عليه وآله) همراه چه کسانی می خواست مباحله کند؟ گفت: علی(علیه السلام) و فاطمه(علیها السلام) و حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) و مراد از انفس پیامبر(صلى الله عليه وآله) و علی(علیه السلام) بودند.

(3)

ص: 86

1- . التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 100 ح 54

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 10 ح 7

3- . الأماي (للطوسي) المجلس 12 ح 10

باب چہلم: قطرہ ای از دریای بی پایان فضائل امیرالمومنین

اشارہ

ص: 87





حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الدَّقَاقِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْأَسَدِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ قَالَ قَالَ يَزِيدُ بْنُ قَعْنَبٍ كُنْتُ جَالِسًا مَعَ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَفَرِيْقٍ مِنْ عَبْدِ الْعُزَّى بِإِزَاءِ الْبَيْتِ الْحَرَامِ إِذْ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) بِنْتُ أَسَدٍ أُمِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَكَانَتْ حَامِلَةً بِهِ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَقَدْ أَخَذَهَا الطَّلُقُ فَقَالَتْ رَبِّ إِنِّي مُؤْمِنَةٌ بِكَ وَبِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ مِنْ رُسُلٍ وَكُتُبٍ وَإِنِّي مُصَدِّقَةٌ بِكَلَامِ جَدِّي إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ (عليه السلام) وَإِنَّهُ بَنَى الْبَيْتَ الْعَتِيقَ فَبَحَقَّ الَّذِي بَنَى هَذَا الْبَيْتَ وَبِحَقِّ الْمَوْلُودِ الَّذِي فِي بَطْنِي لَمَّا يَسَّرْتَ عَلَيَّ وَلَادَتِي قَالَ يَزِيدُ بْنُ قَعْنَبٍ فَرَأَيْنَا الْبَيْتَ وَقَدْ انْفَتَحَ عَنْ ظَهْرِهِ وَدَخَلَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) وَغَابَتْ عَنْ أَبْصَارِنَا وَالتَّرَقُّ الْحَائِطُ فَرُمْنَا أَنْ يَنْفَتِحَ لَنَا قَفْلُ الْبَابِ فَلَمْ يَنْفَتِحْ فَعَلِمْنَا أَنَّ ذَلِكَ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى ثُمَّ خَرَجَتْ بَعْدَ الرَّابِعِ وَبِيَدِهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) ثُمَّ قَالَتْ إِنِّي فَضَّلْتُ عَلَى مَنْ تَقَدَّمَ مِنِّي مِنَ النِّسَاءِ لِأَنَّ أَسِيَّةَ بِنْتَ مُزَاحِمٍ عَبَدَتِ اللَّهَ سِرًّا فِي مَوْضِعٍ لَا يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ اللَّهُ فِيهِ إِلَّا اضْطِرَّارًا وَأَنَّ مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ هَزَّتِ النَّخْلَةَ الْيَابِسَةَ بِيَدِهَا حَتَّى أَكَلَتْ مِنْهَا (رُطْبًا جَنِيًّا) (1) وَأَنِّي دَخَلْتُ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامِ وَأَكَلْتُ مِنْ ثَمَرِ الْجَنَّةِ وَأَرْزَاقِهَا فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أَخْرُجَ هَتَفَ بِي هَاتِفٌ يَا فَاطِمَةُ سَمِّيه عَلِيًّا فَهُوَ عَلِيُّ وَاللَّهُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقُولُ إِنِّي شَقَقْتُ اسْمَهُ مِنْ اسْمِي وَأَدَّبْتُهُ بِأَدْبِي وَوَقَفْتُهُ عَلَى غَامِضِ

ص: 89

عَلِمِي وَهُوَ الَّذِي يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ فِي بَيْتِي وَهُوَ الَّذِي يُؤَدِّنُ فَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِي وَيُقَدِّسُنِي وَيُجَدِّدُنِي فَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَأَطَاعَهُ وَوَيْلٌ لِمَنْ عَصَاهُ  
وَأَبْغَضَهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

حدیث کرد ما را ... از یزید بن قعنب که گفت: با عباس بن عبد المطلب و جمعی از فرزندان عبد العزّی در گوشه مسجد الحرام نشسته بودیم و مشاهده کردیم که فاطمه (علیها السلام) بنت اسد وارد شد و به حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) نه ماهه حامله بود و آثار درد مخاض در او ظاهر و نمایان بود و کنار خانه کعبه رفت و گفت: خدایا ایمان به تو آورده ام، و ایمان دارم به پیغمبران تو و آنچه که از جانب تو آورده اند، و تصدیق دارم کتاب های آسمانی و کلام جدم حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) را [که گفت (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ) (1) پروردگارا این شهر مکه را محل امن و امان قرار بده و دور بدار مرا و فرزندانم را از بت پرستی] که اوست بناکننده این خانه (به دستور تو) پس خدایا به حق آن کسی که این خانه را ساخته و به حق این فرزندی که در رحم من است وضع حمل را بر من سهل و آسان گردان.

یزید بن قعنب گفت: همه دیدیم دیوار خانه کعبه شکافته شد و فاطمه (علیها السلام) بنت اسد داخل در خانه کعبه شد و از چشم ما پنهان گردید و شکاف دیوار به هم متصل شد، همگی رفتیم که قفل خانه کعبه را باز کنیم (یکی بعد از دیگری هر چه کردیم) باز نشد، دانستیم که این امر از طرف خدای تعالی است، و پس از چهار روز بیرون آمد در حالی که در دست او امیر المؤمنین (علیه السلام) بود، و می گفت: مقام من شامخ تر است بر زنانی که پیش از من بوده اند، زیرا آسیه دختر مزاحم (زن فرعون) عبادت کرد خدا را مخفیانه در مکانی که خداوند دوست نمی داشت که عبادتش کنند در آن مکان مگر در حال اضطرار (چون برای امت حضرت موسی (علیه السلام) جایز نبوده عبادت کنند مگر در معابد و کنیسه ها) و مریم دختر عمران (مادر حضرت عیسی (علیه السلام)) درخت خرما می خشکیدند را با دست خود حرکت داد

ص: 90

تا از آن درخت خرما افتاد و تناول نمود، و من داخل خانه خدا شدم و از میوه ها و غذاهای بهشتی خوردم، و چون خواستم بیرون آیم هاتقی گفت: ای فاطمه! فرزند خود را علی نام بگذار، که خدای علی می فرماید اسم او را مشتق از اسم خود نمودم و به ادب خود او را مؤدب گردانیده ام و به غامض و مشکل های علم خودم (که کسی از آنها اطلاع ندارد) او را عالم و واقف نموده ام، و اوست که می شکنند بت هائی را که در خانه (کعبه) من گذارده اند (بت پرستان) و اوست که اذان می گوید بر بام خانه من و مرا تقدیس و تمجید می نماید، پس خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد و اطاعت دستوراتش بنماید، و وای بر کسی که نافرمانی او کند و او را دشمن بدارد، و یا (علنی و آشکارا با او) دشمنی نماید. (1)

## پدر بزرگوار ایشان

ص: 91

---

1- . علل الشرائع ج 1 ص 135 باب 116 باب العلة التي من أجلها سمي الأكرمون على الله تعالى محمدا و عليا و فاطمة و الحسن و الحسين صلوات الله عليهم ح 3

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ (عليه السلام) قَالَ: قِيلَ لَهُ إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ أَبَا طَالِبٍ كَانَ كَافِرًا فَقَالَ كَذَبُوا كَيْفَ يَكُونُ كَافِرًا وَ هُوَ يَقُولُ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَا وَ جَدُّنَا مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) نَبِيًّا كَمُوسَى (عليه السلام) خُطِّ فِي أَوَّلِ الْكُتُبِ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ كَيْفَ يَكُونُ أَبُو طَالِبٍ (عليه السلام) كَافِرًا وَ هُوَ يَقُولُ لَقَدْ عَلِمُوا أَنَّ ابْنَنا لَا مُكَذِّبَ لَدَيْنَا وَ لَا يَعْباُ بِقَيْلِ الْأَبَاطِلِ وَ أَيْضَ يُسْتَسْقَى الْعَمَامُ بِوَجْهِهِ ثَمَالَ الْيَتَامَى عِصْمَةً لِلْأَزَامِلِ

اسحاق بن جعفر از پدرش امام صادق (عليه السلام) نقل کند که به آن حضرت عرض شد: آنها گمان کنند که ابو طالب (عليه السلام) کافر بوده است، فرمود: دروغ گویند، چگونه او کافر است که می گوید مگر نمی دانند که ما محمد (صلى الله عليه وآله) را مانند موسی (عليه السلام) به پیغمبری یافته ایم که در کتاب های نخست و سلف نامش نوشته است؟ و در حدیث دیگر فرمود: چگونه می شود که ابو طالب (عليه السلام) کافر باشد؟ در صورتی که خود او می گوید: مردم دانسته اند که ما فرزند خود را به دروغ نسبت ندهیم و به سخن یاوه سرایان اعتنا نمی کنیم. او رو سفید و آبرومندی است که با احترام آبروی او طلب باران می شود. او فریادرس یتیمان و پناه بیوه زنانست. (1)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ مَثَلَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) مَثَلُ أَصْحَابِ الْكُهْفِ أَسْرُوا الْإِيمَانَ وَ أَظْهَرُوا الشِّرْكَ فَآتَاهُمُ اللَّهُ (أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ).

و فرمود: حکایت ابو طالب (علیه السلام) حکایت اصحاب کهف است که ایمان را نهان کردند و شرک را اظهار داشتند، پس خدا پاداششان را دو بار به آنها داد. (یک بار به جهت ایمان آوردن و یک بار به جهت تقیه کردن). (1)

أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ الصَّغِيرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: نَزَلَ جِبْرِئِيلُ (عليه السلام) عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ رَبَّكَ يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ إِنِّي قَدْ حَرَّمْتُ النَّارَ عَلَى صُلْبِ أَنْزَلْتُكَ وَ بَطْنِ حَمَلِكَ وَ حَجْرٍ كَفَّلَكَ فَالْصُّلْبُ صُلْبُ أَبِيكَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ (عليه السلام) وَ الْبَطْنُ الَّذِي حَمَلَكَ فَامْنَةُ (عليها السلام) بِنْتُ وَهْبٍ وَ

أَمَّا حَجْرٌ كَفَّلَكَ فَحَجْرُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ فِي

رِوَايَةِ ابْنِ فَضَّالٍ وَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) بِنْتُ أَسَدٍ.

جبرئیل (علیه السلام) بر پیغمبر نازل شد و عرضه داشت: ای محمد (صلى الله عليه وآله) پروردگارت به تو سلام می رساند و می فرماید من آتش دوزخ را حرام کردم بر پستی که تو را فرود آورد، و شکمی که به تو آبتن شد، و دامانی که تو را پرورید آن پست، پشت عبدالله بن عبدالمطلب است، و شکمی که به تو آبتن شد، آمنه (علیها السلام) بنت وهب، و اما دامانی که تو را پرورید، دامان ابی طالب

(علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) بنت اسد است. (2)

عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ أَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) كَانَ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسًا فِي الرَّحْبَةِ وَ النَّاسُ حَوْلَهُ مُجْتَمِعُونَ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنْتَ بِالْمَكَانِ الَّذِي أَنْزَلَكَ اللَّهُ بِهِ وَ أَبُوكَ مُعَذَّبٌ فِي النَّارِ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

ص: 93

1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 448 باب مولد النبي ص و وفاته ح 28

2- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 466 باب مولد النبي ص و وفاته ح 21

مَهْ فَضَّ اللَّهُ فَآكَ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ شَاءَ فَفَعَّ أَبِي فِي كُلِّ مَذْنِبٍ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ لَشَفَعَهُ اللَّهُ فِيهِمْ أَبِي  
 مُعَذَّبٌ فِي النَّارِ وَابْنُهُ قَسِيمٌ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ نُورَ أَبِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيُطْفِئُ أَنْوَارَ الْخَلَائِقِ  
 كُلِّهِمْ إِلَّا خَمْسَةَ أَنْوَارٍ نُورَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَنُورِي وَنُورَ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَنُورَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَنُورَ تِسْعَةٍ مِنْ وُلْدِ  
 الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَإِنَّ نُورَهُ مِنْ نُورِنَا خَلَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ (عليه السلام) بِالْفِي عَامٍ

امام صادق (عليه السلام) فرمود: که امیر مؤمنان (عليه السلام) در رحبه بود و مردم در گرد او بودند و مردی از جا برخاست و عرضه داشت:  
 ای امیر مؤمنان تو را چنین مقامی است با اینکه پدرت در دوزخ عذاب می کشد. فرمودش خاموش باش خداوند دهانت را خرد کند سوگند  
 بدان که محمد (صلى الله عليه وآله) را براستی برانگیخته اگر پدرم همه گناهکاران روی زمین را شفاعت کند خدا شفاعتش را بپذیرد و از  
 همه درگذرد، آیا پدرم در دوزخ عذاب می کشد در حالی که پسرش قسمت کننده بهشت و دوزخ است؟ سوگند بدان که محمد (صلى الله عليه وآله)  
 علیه و آله را به راستی فرستاده که نور پدرم در روز رستاخیز نور همه خلائق را به خاموشی کشد جز پنج نور که از محمد (صلى الله عليه وآله) و  
 آله و فاطمه (علیها السلام) و حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) و نور فرزندانش که امامند، آگاه باش که نور او از نور ما است و  
 خدا آن را دو هزار سال پیش از آفرینش آدم (عليه السلام) آفریده. (1)

مَا أَخْبَرَنِي بِهِ شَيْخِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْوَاسِطِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنُ مُوسَى  
 التَّلْعَكَبَرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيِّ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقُمِّيُّ الْأَشْجَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُنَجِّحُ الْخَادِمِ مَوْلَى بَعْضِ  
 الطَّاهِرِيَّةِ بِطُوسَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبَانُ

ص: 94

1- . كنز الفوائد ج 1 ص 183 فصل في الأشعار المأثورة عن أبي طالب بن عبد المطلب ره التي يستدل بها على صحة إيمانه

بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى الْإِمَامِ الرُّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (عليه السلام) جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ شَكَّكَتُ فِي إِيمَانِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ فَكَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ فَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُؤَلِّهِ مَا تَوَلَّى (1) إِنَّكَ إِنْ لَمْ تُقَرِّ بِإِيمَانِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) كَانَ مَصِيرُكَ إِلَى النَّارِ

به سندش تا ابان بن محمد که گفت: نوشتیم به امام رضا علی بن موسی (علیه السلام) قربانت من در باره ایمان ابی طالب (علیه السلام) تردید دارم و آن حضرت در پاسخم نگارش فرمود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ (یَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُؤَلِّهِ مَا تَوَلَّى) هر که پیرو باشد جز راه مؤمنان را، به دنبال آتش فرستیم که دوست داشته، راستش اگر تو به ایمان ابی طالب (علیه السلام) اعتراف نکنی به دوزخ خواهی رفت. (2)

وَإِسْنَادِهِ إِلَى أَبَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ يُوسُفَ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ يَا يُوسُفُ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي إِيمَانِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَقُولُونَ هُوَ فِي ضَعْفٍ مِنْ نَارٍ يَغْلِي مِنْهَا أُمَّ رَأْسِهِ فَقَالَ كَذَبَ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِنَّ أَبَا طَالِبٍ (عليه السلام) مِنْ رُفَقَاءِ (النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا) (3)

و به سندش از یونس بن نباته از امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای یونس مردم در باره ابو طالب (علیه السلام) چه می گویند؟ گفتیم: قربانت می گویند او در گودالی از دوزخ است که مغزش از آن به جوش می آید فرمود: دروغ گفتند دشمنان خدا، به راستی که ابیطالب (علیه السلام) از رفقای (النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا) پیغمبران و صدیقان و شهیدانست و نیکان شایسته و چه خوب رفیقانی باشند آنان. (4)

ص: 95

1- . النساء آیه 115

2- . كنز الفوائد ج 1 ص 182 فصل في الأشعار المأثورة عن أبي طالب بن عبد المطلب ره التي يستدل بها على صحة إيمانه

3- . النساء آیه 69

4- . كنز الفوائد ج 1 ص 183 فصل في الأشعار المأثورة عن أبي طالب بن عبد المطلب ره التي يستدل بها على صحة إيمانه

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْفَارِسِيِّ عَنْ أَبِي حَنيفَةَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) بِنْتَ أَسَدٍ جَاءَتْ إِلَى أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) لِتَبَشِّرَهُ بِمَوْلِدِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ أَبُو طَالِبٍ (عليه السلام) اصْبِرِي سَدِّبْنَا أَبْشُرْكَ بِمِثْلِهِ إِلَّا التُّبُوَّةَ وَقَالَ السَّبْتُ ثَلَاثُونَ سَنَةً وَكَانَ بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَآلِهِ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) ثَلَاثُونَ سَنَةً

امام صادق (عليه السلام) فرمود: فاطمه (عليها السلام) بنت اسد نزد ابو طالب (عليه السلام) آمد تا او را به ولادت پیغمبر (صلى الله عليه وآله) و آله مژده دهد، ابو طالب (عليه السلام) گفت يك سبت صبر كن، من هم تو را به شخصی مانند او غير از مقام نبوت مژده خواهم داد، امام صادق (عليه السلام) فرمود: سبت 30 سال است و فاصله میان پیغمبر (صلى الله عليه وآله) و آله و امیر المؤمنین (عليه السلام) سی سال بود.

(1)

بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ لَمَّا وُلِدَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَآلِهِ فَفُتِحَ لَأَمْنَةَ بِيَاضِ فَارِسٍ وَفُصُورِ الشَّامِ فَجَاءَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) بِنْتُ أَسَدٍ أُمُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) إِلَى أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) ضَاحِكَةً مُسْتَبْشِرَةً فَأَعْلَمَتْهُ مَا قَالَتْ أَمْنَةُ فَقَالَ لَهَا أَبُو طَالِبٍ (عليه السلام) وَتَتَعَجَّبِينَ مِنْ هَذَا إِنَّكَ تَحْبَلِينَ وَ تَلْدِينَ بَوْصِيَّهِ وَوَزِيرِهِ.

مفضل بن عمر گوید شنیدم: امام صادق (عليه السلام) می فرمود: چون رسول خدا (صلى الله عليه وآله) متولد شد، سفیدی مملکت فارس و کاخ های شام برای (مادرش) آمنه. نمایان شد. فاطمه (عليها السلام) بنت اسد مادر امیر المؤمنین (عليه السلام) خندان و شادان نزد ابو طالب (عليه السلام) آمد و آنچه را آمنه گفته بود به او خبر داد: ابوطالب (عليه السلام) فرمود: از این تعجب می کنی همانا

ص: 96



تو هم آبتن شوی و وصی و وزیر اورا بزائی. (1)

حمایت جناب ابوطالب از رسول خدا

عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْجَرِيِّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَمَّا تُوفِّيَ أَبُو طَالِبٍ (عليه السلام) نَزَلَ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) أَخْرِجْ مِنْ مَكَّةَ فَلَيْسَ لَكَ فِيهَا نَاصِرٌ وَثَارَتْ قُرَيْشٌ بِالنَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) فَخَرَجَ هَارِبًا حَتَّى جَاءَ إِلَى جَبَلٍ بِمَكَّةَ يُقَالُ لَهُ الْحَجُّونُ فَصَارَ إِلَيْهِ.

و فرمود: چون ابو طالب (عليه السلام) وفات یافت، جبرئیل (عليه السلام) بر پیغمبر (صلى الله عليه وآله) نازل شد و عرض کرد: ای محمد! از مکه بیرون رو، زیرا در اینجا یآوری نداری و قریش هم بر پیغمبر (صلى الله عليه وآله) هجوم آوردند. حضرت از آنجا فرار کرد تا به یکی از کوه های مکه که حجوش می گفتند رسید و در آنجا شد، (گویا مقصود همان کوهی است که غار مشهور در آن بوده و هجرت در این زمان واقع شد). (2)

فَقَالَ قَيْسٌ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) (رَحْمَةً

لِلْعَالَمِينَ) (3)

فَبَعَثَهُ إِلَى النَّاسِ كَمَا فَفَّ إِلَى الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَالْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ وَالْأَبْيَضِ وَاخْتَارَهُ لِنُبُوَّتِهِ وَاخْتَصَّه بِرِسَالَتِهِ فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ صَدَّقَهُ وَآمَنَ بِهِ ابْنُ عَمِّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَكَانَ أَبُو طَالِبٍ (عليه السلام) عَمُّهُ يَدُبُّ عَنْهُ وَيَمْنَعُ مِنْهُ وَيَحُولُ بَيْنَ كُفَّارِ قُرَيْشٍ وَبَيْنَهُ أَنْ يَرَوْعُوهُ أَوْ يُؤْذُوهُ وَيَأْمُرُهُ بِتَبْلِيغِ رِسَالَتِ رَبِّهِ فَلَمْ يَزَلْ مَمْنُوعًا مِنَ الصَّيِّمِ وَالْأَذَى حَتَّى مَاتَ عَمُّهُ أَبُو طَالِبٍ (عليه السلام) وَآمَرَ ابْنَهُ عَلِيًّا (عليه السلام) بِمُؤَازَرَتِهِ [وَنَصْرَتِهِ] فَوَازَرَهُ

ص: 97

1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 454 باب مولد أمير المؤمنين صلوات الله عليه ح 3

2- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 449 باب مولد النبي ص ووفاته ح 31

3- . الانبياء آية 107

عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ نَصْرَهُ وَ جَعَلَ نَفْسَهُ دُونَهُ فِي كُلِّ شَدِيدَةٍ وَ كُلِّ ضَبِيحٍ وَ كُلِّ حَوْفٍ وَ اخْتَصَّ اللَّهُ بِذَلِكَ عَلِيًّا (عليه السلام) مِنْ بَيْنِ قُرَيْشٍ وَ أَكْرَمَهُ مِنْ بَيْنِ جَمِيعِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ

قیس گفت: خداوند عز و جل محمد (صلی الله علیه و آله) را (رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ) رحمت بر جهانیان فرستاد و او را بر همه مردم فرستاد بر جن و انس و سرخ و سیاه و سفید. و او را برای نبوتش انتخاب کرد و به رسالت خویش اختصاص داد. اول کسی که او را تصدیق نمود و به او ایمان آورد پسر عمویش علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود. عمویش ابوطالب (علیه السلام) از او دفاع می کرد و مانع دشمنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) می شد و بین کفار قریش و او حائل می شد که او را نترسانند و اذیت نکنند، و او را به ابلاغ رسالت های پروردگار ترغیب می کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) همچنان از ظلم و اذیت مانع داشت تا آنکه عمویش ابوطالب (علیه السلام) از دنیا رفت و به پسرش علی (علیه السلام) دستور داد تا آن حضرت را تقویت و یاری کند. علی (علیه السلام) هم او را تقویت و یاری نمود و جان خود را در هر مسأله شدیدی و در هر تنگنا و ترسی فدای او کرد. این مطلب را خداوند از بین قریش به علی (علیه السلام) اختصاص داد و او را از بین همه عرب و عجم مورد اکرام قرار داد. (1)

رُويَ أَنَّ النَّبِيَّ (صلی الله علیه و آله) اسْتَعْبَرَ ثُمَّ قَالَ يَا عَمَّ وَاللَّهِ لَوْ وُضِعَتِ الشَّمْسُ فِي يَمِينِي وَ الْقَمَرُ فِي شِمَالِي مَا تَرَكْتُ هَذَا الْقَوْلَ حَتَّى أُفِذَهُ أَوْ أُقْتَلَ دُونَهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو طَالِبٍ (عليه السلام) امْضِ لِأَمْرِكَ فَوَاللَّهِ لَا أَخْذُلُكَ أَبَدًا

و روایت شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اشک از چشمانش جاری شد بعد فرمود عمو جان، اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم قرار دهند دست از ماموریت خود بر نمی دارم تا به انجام برسانم یا کشته شوم. حضرت ابو طالب (علیه السلام) گفت دنبال کار خود باش هرگز دست از پشتیبانی تو بر نمی دارم. (2)

ص: 98

1- . کتاب سلیم بن قیس الهمدانی ج 2 ص 779 الحدیث السادس والعشرون

2- . بحار الأنوار (ط - بیروت) ج 9 ص 143 تفسیر الآیات





جَنَازَتِهَا حَتَّى أُورِدَهَا قَبْرِهَا ثُمَّ وَصَّعَهَا وَدَخَلَ الْقَبْرَ فَاصْطَبَحَ فِيهِمْ قَامَ فَأَخَذَهَا عَلَى يَدَيْهِ حَتَّى وَصَّعَهَا فِي الْقَبْرِ ثُمَّ انْكَبَّ عَلَيْهَا طَوِيلًا يُنَاجِيهَا وَيَقُولُ لَهَا ابْنُكَ ابْنُكَ [ابْنُكَ] ثُمَّ خَرَجَ وَسَوَى عَلَيْهَا ثُمَّ انْكَبَّ عَلَى قَبْرِهَا فَسَمِعَ مَعَهُ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ تَمَّ الصَّوْفَ فَقَالَ لَهُ الْمَسْئُومُونَ إِنَّا رَأَيْنَاكَ أَشَدَّ بَيَاءَ لَمْ تَفْعَلْهَا قَبْلَ الْيَوْمِ فَقَالَ الْيَوْمَ فَقَدْتُ بَرَّ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) إِنْ كَانَتْ لِيَكُونُ عِنْدَهَا الشَّيْءُ فَتُؤْتِرُنِي بِهِ عَلَى نَفْسِهَا وَوَلَدِهَا وَإِنِّي ذَكَرْتُ الْقِيَامَةَ وَأَنَّ النَّاسَ يُحْشَرُونَ عُرَاءَ فَقَالَتْ وَاسْوَأَتَاهُ فَصَدَّ مِنْتُ لَهَا أَنْ يَبْعَثَهَا اللَّهُ كَاسِيَةً وَذَكَرْتُ صَدَّ غُطَّةَ الْقَبْرِ فَقَالَتْ وَاصْغَفَاهُ فَصَمِنْتُ لَهَا أَنْ يَكْفِيَهَا اللَّهُ ذَلِكَ فَكَفَّنْتُهَا بِقَمِيصِي وَاصْطَبَعْتُ فِي قَبْرِهَا لِذَلِكَ وَانْكَبْتُ عَلَيْهَا فَلَقْنْتُهَا مَا تُسْأَلُ عَنْهُ فَإِنَّهَا سَأَلَتْ عَنْ رَبِّهَا فَقَالَتْ وَ سَأَلَتْ عَنْ رَسُولِهَا فَأَجَابَتْ وَ سَأَلَتْ عَنْ وَلِيِّهَا وَإِمَامِهَا فَأُتِيَ عَلَيْهَا فَقُلْتُ ابْنُكَ [ابْنُكَ].

امام صادق (عليه السلام) فرمود: فاطمه (عليها السلام) بنت اسد مادر امیر المؤمنین (عليه السلام) نخستین زنی بود که پیاده از مکه به مدینه به سوی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مهاجرت کرد و از همه مردم نسبت به پیغمبر مهربانتر بود، از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شنید که می فرمود: مردم روز قیامت عریان محشور شوند، پس گفت: وای از این رسوائی! پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: از خدا می خواهم که تو را پوشیده محشور کند، و نیز از آن حضرت شنید که فشار قبر را یاد آور می شد. فاطمه (عليها السلام) گفت: وای از ناتوانی! پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: من از خدا می خواهم که تو را در آنجا آسوده دارد. روزی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عرضه داشت: می خواهم این کنیز خود را آزاد کنم، حضرت به او فرمود: اگر چنین کنی، خدا در برابر هر عضوی از او یک عضو تو را از آتش دوزخ آزاد کند، پس چون بیمار شد،

به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) وصیت کرد و سفارش نمود خادمش را آزاد کند، لذا به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اشاره کرد و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) وصیتش را پذیرفت. پس روزی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نشسته بود که امیر المؤمنین (علیه السلام) گریان وارد شد. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: چرا گریه می کنی؟ عرضه داشت: مادرم فاطمه (علیها السلام) وفات کرد. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: به خدا مادر من هم بود، پس با شتاب برخاست تا بر او وارد شد و چون به او نگریست گریان شد. آنگاه به زن ها دستور داد غسلش دهند. و فرمود: چون از غسلش فارغ شدید، کاری نکنید تا به من خبر دهید، آنها چون فارغ شدند، آن حضرت را آگاه ساختند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پیراهنی را که در زیر می پوشید و به بدنش می چسبید به یکی از آنها داد تا در آن کفش کنند، به مسلمانان فرمود: هر گاه دیدید من کاری کردم که پیش از این نکرده بودم، از من پرسید چرا این کار کردی؟ چون زنان از غسل و کفش، برداشتند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در آمد و جنازه را روی دوش کشید و همواره زیر جنازه بود تا به قبرش رسانید، سپس جنازه را گذاشت و خود داخل قبر شد و در آن دراز کشید، آنگاه برخاست و جنازه را با دست خود گرفت و داخل قبر کرد، سپس خم شد و مدتی طولانی با او نجوا کرد و می فرمود: پسرت، پسرت [پسرت] پس برخاست و روی قبر را هموار کرد، و باز خود را بروی قبر انداخت و مردم می شنیدند که می فرمود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَارِ خَدَايَا! من او را به تو می سپارم آنگاه مراجعت فرمود. مسلمین عرضه داشتند: شما را دیدیم کارهائی کردید که پیش از این نکرده بودید فرمود: امروز مهربانی ابو طالب (علیه السلام) را از دست دادم، فاطمه (علیها السلام) اگر چیز خوبی نزدش بود، مرا بر خود و فرزندانش مقدم می داشت، من از روز قیامت یاد کردم و گفتم: مردم برهنه محشور شوند، او گفت: وای از این رسوائی، من ضامن شدم که خدا او را پوشیده محشور کند و از فشار قبر یادآور شدم. او گفت: وای از ناتوانی، من ضمانتت کردم که خدا کارگزاریش کند، از این جهت او را در پیراهنم کفن کردم و در قبرش خوابیدم

و سر بگوشش گذاردم و آنچه از او می پرسیدند تلقینش کردم. چون او را از پروردگارش پرسیدند جواب داد و چون از پیغمبرش پرسیدند جواب داد اما چون از ولی و امامش پرسیدند، من گفتم: پسرت، پسرت [پسرت].(1)

ص: 103

---

1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 453 باب مولد أمير المؤمنين صلوات الله عليه ح 2





كَمَا قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): يَا عَلِيُّ (عليه السلام) مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا أَنَا وَأَنْتَ وَلَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتَ وَلَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَا

رسول خدا(صلى الله عليه وآله) فرمودند: یا علی! خدا را شناخت احدی به جز من و تو، و من را نشناخت کسی جز خدا و تو و تورا نشناخت مگر خدا و من. (1)

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): يَا عَلِيُّ (عليه السلام) مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَغَيْرِكَ وَمَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرُ اللَّهِ وَغَيْرِي

رسول خدا(صلى الله عليه وآله): ای علی! خداوند متعال را نشناخت به حقیقت شناختش جز من و تو و تورا نشناخت آنگونه که حق شناخت توست جز خدا و من. (2)

کلام خدای عزوجل درباره امیرالمومنین

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ الْهَاشِمِيِّ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فُرَاتِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ ظَهْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي يُونُسَ الْبَغْدَادِيِّ بِبَغْدَادَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ النَّهْشَبَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

ص: 105

1- . تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 145 [سورة النساء(4): آية 69]

2- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 39 ص 84 في المفردات ح 1

عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) عَنْ جَبْرِئِيلَ (عليه السلام) عَنْ مِيكَائِيلَ (عليه السلام) عَنْ إِسْرَافِيلَ (عليه السلام) عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ: (أَمَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا) (1) خَلَقْتُ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِي فَأَخْتَرْتُ مِنْهُمْ مَنْ شِئْتُ مِنْ أَنْبِيَائِي وَأَخْتَرْتُ مِنْ جَمِيعِهِمْ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) حَبِيبًا وَخَلِيلًا وَصَفِيًّا فَبَعَثْتُهُ رَسُولًا إِلَى خَلْقِي وَاصْطَفَيْتُ لَهُ عَلِيًّا (عليه السلام) فَجَعَلْتُهُ لَهُ أَخًا وَوَصِيًّا وَوَزِيرًا وَمُؤَدِّيًا عَنْهُ مِنْ بَعْدِهِ إِلَى خَلْقِي وَخَلِيفَتِي عَلَى عِبَادِي لِيُبَيِّنَ لَهُمْ كِتَابِي وَيَسِيرَ فِيهِمْ بِحُكْمِي وَجَعَلْتُهُ الْعَلَمَ الْهَادِيَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَبَابِي الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ وَبَيْتِي الَّذِي (مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا) (2) مِنْ نَارِي وَحِصْنِي الَّذِي مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ حَصَّنَهُ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَوَجْهِي الَّذِي مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ لَمْ أَصْرِفْ وَجْهِي عَنْهُ وَحُجَّتِي فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ عَلَى جَمِيعِ مَنْ فِيهِنَّ مِنْ خَلْقِي لَا أَقْبَلُ عَمَلٍ مِنْهُمْ إِلَّا بِالْإِفْرَارِ بِوَلَايَتِهِ مَعَ نُبُوَّةِ أَحْمَدَ رَسُولِي وَهُوَ يَدِي الْمَبْسُوطَةُ عَلَى عِبَادِي وَهُوَ النُّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمْتُ بِهَا عَلَى مَنْ أَحَبَّبْتُهُ مِنْ عِبَادِي فَمَنْ أَحَبَّبْتُهُ مِنْ عِبَادِي وَتَوَلَّيْتُهُ عَرَفْتُهُ وَوَلَايَتُهُ وَمَعْرِفَتُهُ وَ مَنْ أَبْغَضْتُهُ مِنْ عِبَادِي أَبْغَضْتُهُ لِإِنْصِرَافِهِ عَنِ مَعْرِفَتِهِ وَوَلَايَتِهِ فَبِعِزَّتِي حَلَفْتُ وَبِجَلَالِي أَقْسَمْتُ أَنَّهُ لَا يَتَوَلَّى عَلِيًّا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي إِلَّا رَزَحَتْهُ عَنِ النَّارِ وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ وَ لَا يُبْغِضُهُ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي وَ يَعْدِلُ عَنِ وَوَلَايَتِهِ إِلَّا أَبْغَضْتُهُ وَأَدْخَلْتُهُ النَّارَ (وَبُسِّ الْمَصِيرِ) (3)

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: خدای جل جلاله فرمود منم خدا معبود حقى جز من نیست به توان خود خلق را آفریدم و هر که از پیغمبران را خواستم از آنها برگزیدم و از میان آنها محمد (صلى الله عليه وآله) حبيب و خليل و صفی خود را برگزیدم و او را به خلق خود مبعوث کردم و علی (عليه السلام) را برای او برگزیدم و برادر و وصی و وزیر و ادا کن بعد از او به خلقم ساختم و خلیفه خود بر بندگانم نمودم تا قرآن مرا برای آنها

ص: 106

1- . طه آیه 14

2- . آل عمران آیه 97

3- . البقرة آیه 126

بیان کند و در میان آنها به حکم من سیر کند، او را علم راهبر از گمراهی و باب خود که از او در آیند و خانه خود که هر که وارد شود از دوزخ در امانست نمودم و او است دژ من که هر که بدان پناهد از بد دنیا و آخرت محفوظ است و وجه من است که هر که بدو رو کند از او رو نگردانم و حجت منست در آسمان ها و زمین بر هر که در آنها است از خلقم نپذیرم کردار هیچ عاملی را جز با اقرار به ولایت او و نبوت احمد رسولم، اوست دو دست گشاده ام بر بندگانم او است نعمتی که به هر که دوست داشتیم دادم و او را ولی و شناسای او نمودم و هر که از بندگانم را دشمن دارم برای آنست که از شناسائی و ولایتش روگردانست و به عزت خود سوگند خوردم و به جلالم قسم خوردم که هیچ کدام بندگانم علی (علیه السلام) را دوست ندارند جز آنکه آنها را از دوزخ برکنار دارم و به بهشت وارد کنم و دشمن ندارد او را کسی و از ولایتش رو نگرداند جز آنکه او را دشمن دارم و در دوزخ در آرم که چه بد سرانجامی است. (1)

وَعَنْ أَسَدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) انْتَهَيْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى فَأَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي فِي عَلِيٍّ (عَلِيهِ السَّلَام) ثَلَاثًا أَنَّهُ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ

از اسعد بن زرارة نقل کرده است که گفت: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: در آن شبی که به معراج و سیر آسمان ها می رفتیم، به سدره المنتهی رسیدم، در آنجا خدای متعال، در باره ی علی (علیه السلام) به من وحی نمود و سه بار تکرار کرد که علی (علیه السلام) پیشوای متقیان و آقای مسلمانان و راهنمای سپید رویان به جنات النعیم است. (2)

وَعَنْ أَخْطَبِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَمَّا كَانَ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ إِذَا قَصْرٌ أَحْمَرٌ مِنْ يَأْقُوتَةَ تَتَلَأَلُ فَأُوحِيَ إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ (عَلِيهِ السَّلَام) أَنَّهُ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

ص: 107

1- . الأماي ( للصدوق) النص 222 المجلس التاسع و الثلاثون ح 10

2- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 303 المبحث السابع عشر في وصفه بالسيادة ح 3

از اخطب بن محمد، نقل است که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: در آن شبی که در آسمان سیر می کردم، ناگهان قصری که از یاقوت سرخ ساخته شده بود مشاهده نمودم، در آن هنگام خدای متعال به من وحی نمود که این قصر برای علی (علیه السلام) است که آقای مسلمانان و پیشوای متقیان و رهبر سپیدرویان است. (1)

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى، عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَانْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، نُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اسْتَوْصِ بِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) خَيْرًا، فَإِنَّهُ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هنگامی که در شب معراج به آسمان برده شدم و به سدره المنتهی رسیدم ندا آمد، ای محمد! بر علی (علیه السلام) خیرخواهی نما و بهنیکوی رفتار کن. همانا که او آقای مسلمانان و پیشوای پرهیزکاران و رهبر سپیدرویان در روز قیامت است. (2)

آنچه خداوند درباره ی علی امر فرموده است

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعَابِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ سَعِيدِ الْمُقْرِي، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ

ص: 108

1- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 302 المبحث السابع عشر في وصفه بالسيادة ح 2

2- . الأمالي (للطوسي) المجلس 7 ح 30

أَبِي هَاشِمٍ، قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ: يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله). قَالَ: هَذَا عَلَيَّ (عليه السلام) أَخِي وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَخَلِيفَتِي إِمَامُكُمْ، فَأَحِبُّوه لِحُبِّي، وَ أَكْرِمُوهُ لِكِرَامَتِي، فَإِنَّ جَبْرَيْلَ (عليه السلام) أَمَرَنِي أَنْ أَقُولَ لَكُمْ مَا قُلْتُ.

سلمان فارسی می گوید: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) می فرمود: ای گروه مهاجرین و انصار. آیا شما را به امری راهنمایی نکنم که اگر به آن دست یازید پس از من هرگز گمراه نمی شوید؟ عرضه داشتند بله، ای رسول خدا! پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمودند: علی (عليه السلام) برادر، وزیر، وارث و جانشین من، و امام شماست پس برای دوستی من او را دوست بدارید و برای بزرگداشت من او را بزرگ دارید پس همانا جبرئیل (عليه السلام) به من فرمان داد که آنچه را گفتم به شما بگویم. (1)

وَ حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو الْحَسَنِ بْنُ شاذَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَاصِمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَبِي الشَّوَارِبِ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سَلِيمَانَ الضُّبَعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سُر [سعد] بْنُ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ قَالَ سَأَلَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ عَلَيْنُكُمْ بِعَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَإِنَّهُ مَوْلَاكُمْ فَأَحِبُّوه وَ كَبِّرُكُمْ فَاتَّبِعُوهُ وَ عَالِمُكُمْ فَأَكْرِمُوهُ وَ قَارِئُكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ فَعَزُّوهُ وَ إِذَا دَعَاكُمْ فَأَجِيبُوهُ وَ إِذَا أَمَرَكُمْ فَأَطِيعُوهُ وَ أَحِبُّوه لِحُبِّي وَ أَكْرِمُوهُ لِكِرَامَتِي مَا قُلْتُ لَكُمْ فِي عَلِيٍّ إِلَّا مَا أَمَرَنِي بِهِ رَبِّي

ص: 109

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می فرمود: بر شما باد ملازمت علی بن ابی طالب(علیه السلام) که او مولای شما است دوستش دارید، و بزرگ شما است از او پیروی کنید، و دانای شما است او را گرامی دارید، و جلودار شما است به سوی بهشت او را عزیز شمارید، و چون شما را بخواند پذیرا باشید و چون به شما فرمان دهد فرمانش ببرید و دوستش دارید به دوستی من و گرامیش دارید به کرامت من، نگفتم به شما در باره ی علی(علیه السلام) جز آنچه را پروردگارم به من امر فرموده. (1)

حجت خدا بر مردم

تَارِيخِ الْخَطِيبِ وَ الْإِحْنِ وَ الْمِحْنِ رَوَى أَنَّهُ نَظَرَ النَّبِيَّ (صلى الله عليه و آله) إِلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) فَقَالَ أَنَا وَ هَذَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ

انس می گوید: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نگاهی به علی(علیه السلام) انداخت و فرمود: من و علی(علیه السلام) حجت خدا هستیم بر خلق. (2)

الْفِرْدَوْسِ عَنِ الدَّيْلَمِيِّ قَالَ أَنَا وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ

رسول الله(صلی الله علیه و آله) فرمودند: من و علی(علیه السلام) حجت خدا بر بندگانش هستیم. (3) فِي الْحِسَابِ كَمَالُ حُجَجِي بِعَلِيٍّ (عليه السلام) (4)

خداوند متعال فرموده: کمال حجت های من در قیامت علی(علیه السلام) است.

أَبُو صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا) أَي مَنْ تَرَكَ وَ لَا يَتَعَلَّقُ عَلِيًّا أَعْمَاهُ اللَّهُ وَ أَصَمَّهُ عَنِ الْهُدَى

ص: 110

1- . كنز الفوائد ج 2 ص 56 فصل من روايات ابن شاذان رحمه الله ح 3

2- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 97 فصل في أنه حجة الله و ذكره و آيته و فضله و رحمته و نعمته ح 1

3- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 97 فصل في أنه حجة الله و ذكره و آيته و فضله و رحمته و نعمته ح 2

4- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 97 فصل في أنه حجة الله و ذكره و آيته و فضله و رحمته و نعمته ح 3

امام صادق(علیه السلام) درباره قول خدای عزوجل (وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا) فرمودند: هرکه ترک کند ولایت علی(علیه السلام) را خداوند او را

(از شنیدن حرف حق) کر و از دیدن راه هدایت کور کند. (1)

وَبِإِسْنَادٍ يَرْفَعُهُ إِلَى أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ إِذْ أَقْبَلَ عَلِيٌّ (علیه السلام) قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): أَنَا وَهَذَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

با اسنادی که به انس بن مالک می رسد از او نقل شده است در نزد رسول الله(صلى الله عليه وآله) بودم زمانی که علی(علیه السلام) وارد شد نبی اکرم(صلى الله عليه وآله) فرمودند: من و او حجت خدا بر مردم در روز قیامت هستیم. (2)

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحَسَنِ بْنِ بَزِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

الْأَيُّمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ فَهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَأَوْلِيَائِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي الْمُؤْتَرِّ بِهَمُّ مُؤْمِنٌ وَالْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ.

رسول خدا(صلى الله عليه وآله): إمامان بعد از من دوازده نفرند، که اولشان علی بن ابیطالب(علیه السلام) و آخرشان قائم(علیه السلام) است، ایشان خلفای من، و اوصیاء من، و اولیاء من و حجت های خدا بر امت من بعد از من هستند. (3)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى وَ يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ وَ غَيْرُهُمَا عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: مَضَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ خَلَفَ فِي أُمَّتِهِ كِتَابُ اللَّهِ وَ وَصِيَّتُهُ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامَ الْمُتَّقِينَ وَ حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ وَ الْعُرْوَةَ [عُرْوَتَهُ] الْوُثْقَى الَّتِي (لَا انْفِصَامَ لَهَا) وَ

ص: 111

- 1- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 97 فصل في أنه حجة الله و ذكره و آيته و فضله و رحمته و نعمته ح 4
- 2- الروضة في فضائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهما السلام لابن شاذان القمي ص 95 ح 80 حديث علي حجة الله
- 3- من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 179 باب الوصية من لدن آدم ع ح 5406

عَهْدَهُ الْمُؤَكَّدَ صَاحِبَانِ مُؤْتَلِفَانِ يَشُدُّ كُلُّ وَاحِدٍ لِصَاحِبِهِ بِتَصَدِيقٍ يَنْطِقُ الْإِمَامُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْكِتَابِ بِمَا أُوجِبَ اللَّهُ فِيهِ عَلَى الْعِبَادِ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ وَطَاعَةِ الْإِمَامِ وَوَلَايَتِهِ وَأُوجِبَ حَقُّهُ الَّذِي أَرَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ اسْتِكْمَالِ دِينِهِ وَإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَالْإِحْتِجَاجِ بِحُجَّتِهِ وَالِاسْتِصْأَةِ بِنُورِهِ فِي مَعَادِنِ أَهْلِ صَفْوَتِهِ وَمَصْطَفَى أَهْلِ خَيْرَتِهِ قَدْ ذَخَرَ اللَّهُ بِأُمَّةٍ الْهُدَى مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّنَا عَنْ دِينِهِ وَأَبْلَجَ بِهِمْ عَنْ سَبِيلِ مَنَاهِجِهِ وَفَتَحَ بِهِمْ عَنْ بَاطِنِ يَدَايِعِ عِلْمِهِ فَمَنْ عَرَفَ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَأَجَبَ حَقَّ إِمَامِهِ وَجَدَّ طَعْمَ حَلَاوَةِ إِيمَانِهِ وَعَلِمَ فَضْلَ طَلَاقَةِ إِسْلَامِهِ لِأَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ نَصَبَ الْإِمَامَ عَلِمًا لِحَلْقِهِ وَحُجَّةً عَلَى أَهْلِ عَالَمِهِ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تَاجَ الْوَقَارِ وَعَشَاهُ مِنْ نُورِ الْجَبَّارِ يَمُدُّ بِسَبَبِ إِلَى السَّمَاءِ لَا يَنْقَطِعُ عَنْهُ مَوَارِدُهُ وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَّا بِجَهْدٍ [بِجَهَّةٍ] أَسَدِ بَابِ سَبِيلِهِ وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ أَعْمَالَ الْعِبَادِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِهِ فَهُوَ عَالِمٌ بِمَا يَرِدُ مِنْ مُلْتَبَسَاتِ الْوَحْيِ وَمُصِيبَاتِ السُّنَنِ وَمُسْتَبْهَاتِ الْفُتَنِ وَ لَمْ يَكُنِ (اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ) وَ تَكُونُ الْحُجَّةُ مِنَ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ بِالْغَةِ.

اسحاق بن غالب از حضرت صادق(عليه السلام) نقل کرد که فرمودند: پیامبر اکرم(صلى الله عليه وآله) از دنیا رفت در میان امت خود کتاب خدا و وصی خویش علی بن ابی طالب(عليه السلام) امیرالمؤمنین و پیشوای متقین و حبل الله المتین و دستاویز محکم غیر قابل گسستن (لَا انْفِصَامَ لَهَا) (1) را گذارد پیمانی استوار گرفت که این دو با هم هستند و هر کدام گواه دیگری است. و زبان گویا قرآن است که چه چیز را خدا بر بندگان واجب نموده از قبیل اطاعت خدا و اطاعت امام و ولایت او و حق واجبش که عبارت است از کامل شدن دین و اظهار امر و احتیاج به دلیل و درخشش به نوری از گنجینه برگزیدگان و

ص: 112



ائمه(عليهم السلام) گرام است. خداوند به وسیله ائمه هدی(عليهم السلام) از خاندان نبوت دین خود را روشن نمود و راه رستگاری را واضح کرد و به وسیله آنها گنجینه های دانش خود را گشود هر که از امت محمد(صلی الله علیه و آله) آشنا به حق واجب امام خود گردید شیرینی طعم ایمانش را چشید و ارزش اسلام خویش را درک کرد زیرا خدا امام را رهبر خلق و حجت بر جهانیان قرار داده او را مفتخر به تاج و قار نموده و به نور خویش منور گردانیده با ریسمانی ناگسستی او را به آسمان پیوند داده نمی توان به مقامات آخرت و آنچه خداوند به بندگان ارزانی می دارد رسید مگر از راه پیروی امام و اعمال بندگان پذیرفته نیست مگر با معرفت او. امام عقده های مشکل دین و رمزهای پیچیده سنت و پیش آمدهای نامعلوم زندگی را حل می کند هرگز خداوند گمراه نمی کند گروهی را که هدایت نموده بلکه به آنها راه رستگاری را می آموزد (اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ) (1) او حجت بالغه پروردگار است میان مردم. (2)

اللَّهُمَّ أَنْتَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَىٰ مَنْ عَصَاهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ خَدَايَا تَوْقَارِ دَادِي حَجْتِ بَر كَسِي كَه مَعْصِيَتِ كَرْدَه وَ مَخَالَفَتِ امْرَتِ مِي كَنْد (و از هوای نفس خود پیروی می نماید) (3)

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ وَعَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو وَعَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: عَاشَ نُوحٌ (عليه السلام) بَعْدَ الطُّوفَانِ خَمْسَةَ مِائَةٍ سِتَّةً ثُمَّ أَتَاهُ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) فَقَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ قَدْ انْقَضَتْ نُبُوَّتُكَ وَ اسْتَكْمَلْتَ أَيَّامَكَ فَانظُرْ إِلَى الْإِسْمِ الْأَكْبَرِ وَ مِيرَاثِ الْعِلْمِ وَ آثَارِ عِلْمِ النَّبُوَّةِ الَّتِي مَعَكَ فَادْفَعْهَا إِلَى ابْنِكَ سَامٍ فَإِنِّي لَا أَتْرُكُ الْأَرْضَ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ تُعْرَفُ بِهِ طَاعَتِي وَ يُعْرَفُ بِهِ هُدَايَ وَ يَكُونُ نَجَاةً فِيمَا بَيْنَ مَقْبُضِ النَّبِيِّ وَ مَبْعَثِ النَّبِيِّ الْآخِرِ وَ لَمْ أَكُنْ أَتْرُكُ النَّاسَ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِي وَ

ص: 113

1- . التوبة آية 115

2- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 412 باب 17 باب في قول رسول الله ص إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و أهل بيتي ح 2

3- . الأصول الستة عشر ص 217 [أخبار حميد بن شعيب عن جابر الجعفي] ح 13

دَاعِ إِلَيَّ وَ هَادِ إِلَى سَبِيلِي وَ عَارِفِ بِأَمْرِي فَإِنِّي قَدْ فَضَيْتُ أَنْ أَجْعَلَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادِيًا أَهْدِي بِهِ السُّعْدَاءَ وَ يَكُونُ حُجَّةً لِي عَلَى الْأَشْقِيَاءِ قَالَ فَدَفَعَ نُوحٌ (عليه السلام) إِلَى سَمِّ الْأَكْبَرِ وَ مِيرَاثِ الْعِلْمِ وَ آثَارِ عِلْمِ التُّبُّوَّةِ إِلَى سَامٍ وَ أَمَّا حَامٌ وَ يَافِثُ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُمَا عِلْمٌ يَنْتَفِعَانِ بِهِ قَالَ وَ بَشَّرَهُمْ نُوحٌ (عليه السلام) بِهُودٍ (عليه السلام) وَ أَمْرَهُمْ بِاتِّبَاعِهِ وَ أَمْرَهُمْ أَنْ يَفْتَحُوا الْوَصِيَّةَ فِي كُلِّ عَامٍ وَ يَنْظُرُوا فِيهَا وَ يَكُونُ عِيدًا لَهُمْ

امام صادق (عليه السلام) فرمود: حضرت نوح (عليه السلام) پس از طوفان پانصد سال زندگی کرد سپس جبرئیل (عليه السلام) به نزد او آمده (و از جانب خدای تعالی برای او پیغام آورده) گفت: ای نوح! همانا دوران پیغمبری تو سپری شده و روزگارت به سر آمده اکنون در اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت که همراه تو است نظر کن و آن را به فرزندت سام بسپار، زیرا من زمین را وانگذارم جز آنکه در آن دانشمندی باشد که طاعت من به وسیله او شناخته شود و راه هدایت من با او دانسته گردد، و او وسیله نجاتی باشد در فاصله مرگ یک پیغمبر و بعثت پیغمبر دیگر، و شیوه من چنان نیست که مردم را بدون حاجتی از جانب خود، و بدون خواننده به سوی خود و راهنمایی به سوی راه من، و کسی که عارف به فرمان من باشد و اگذارم، و مقرر داشته ام که برای هر قومی راهنمایی منصوب دارم که سعادت‌مندان را به او راهنمایی کنم و حاجت من باشد و حاجت من باشد برای نگون بختان. (1)

لَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَ الْمُعَانِدِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْخَائِنِينَ وَ الْأَثِمِينَ وَ الظَّالِمِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در بخشی از خطابه غدیر فرمودند: ... ایزد منان مرا و سایر اوصیای من (ائمه الهدی (علیهم السلام)) را حاجت بر جمیع مقتصران و همگی باغیان و مخالفان و دشمنان همه خاندان طیبین و طاهرین الی یوم الدین گردانید. (2)

ص: 114

1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 8 ص 285 حدیث نوح ع یوم القيامة ح 430

2- . الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسي) ج 1 ص 62 احتجاج النبی ص یوم الغدیر علی الخلق کلهم و فی غیره من الأيام بولاية علي بن أبي طالب ع و من بعده من ولده من الأئمة المعصومین صلوات الله علیهم أجمعین

فَقَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ... وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا لِمَا لِلْفِرْقَةِ، وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ... فَاحْمَدُوا اللَّهَ الَّذِي  
بِعَظَمَتِهِ وَنُورِهِ ابْتَغَى مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ، فَنَحْنُ وَسَيْلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَنَحْنُ آلُ رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) وَنَحْنُ  
حُجَّةٌ عَلَيْهِ، وَوَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ

حضرت زهرا(عليها السلام) در قسمتی از خطبه فدکیه فرمودند: و خدا ایمان را سبب تطهیر شما از شرک کفر و عصیان... و اطاعت از ما را  
سبب نظام امت و امامت ما را امانی از تفرقه و اختلاف قرار داده سپاسگزار باشید خدایی را که به عظمت و نورش، اهل آسمان ها و زمین،  
وسيله ای به سوی او طلب کردند و ما وسیله خدا در مخلوقاتش و آل رسول(صلی الله علیه و آله) و حجت خدا برای غیبتش بوده و ما  
خاصان خدا و محل قدس او و وارثان انبیائیم... (1)

وَاحْمَدُوا اللَّهَ الَّذِي لِعَظَمَتِهِ وَنُورِهِ يَبْتَغِي مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَنَحْنُ وَسَيْلَتُهُ فِي خَلْقِهِ وَنَحْنُ خَاصَّتُهُ وَمَحَلُّ قُدْسِهِ وَ  
نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ وَنَحْنُ وَرَثَةُ

أَنْبِيَائِهِ

خدایی را حمد و سپاس گویند که به خاطر عظمت و نورش، هر که در آسمان ها و زمین است به سوی او وسیله می جوید، و ما وسیله او  
در میان مخلوقاتش و خاصان درگاه و جایگاه قدس او و حجت غیبی و وارث پیامبرانش هستیم. (2)

وَ أَخْبَرَنَا أَيضاً أَبُو جَعْفَرٍ [عَنْ] مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْعَلَوِيِّ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ  
الْمُفَضَّلِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيّاً (عليه السلام)  
وَرُوحَتَهُ وَأَنْبَاءَهُ [هُ] حُجَجَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَهُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ

ص: 115

1- . دلالت الإمامة (ط - الحديثة) ص 113 حديث فدك

2- . شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد ج 16 ص 211 الفصل الأول فيما ورد من الأخبار والسير المنقولة من أفواه أهل الحديث وكتبهم  
لا من كتب الشيعة ورجالهم

فِي أُمَّتِي مَنِ اهْتَدَى بِهِمْ (هُدْيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)

جابر بن عبد الله انصاری می گوید؛ پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) فرمود: خدای سبحان، علی (علیه السلام) و همسر و فرزندان را حجت های خود بر مردم قرار داده است و آنان باب های علم برای امت من هستند. هر که در جست و جوی هدایت توسط آنان باشد. (هُدْيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (1) به صراط مستقیم هدایت می یابد. (2) وَ مَدَّهُ عَنْ أَنَسٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله) فَرَأَى عَلِيًّا (علیه السلام) مُقْبِلًا فَقَالَ أَنَا وَ هَذَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ

مناقب خوارزمی، از انس نقل کرده است که گفت: نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حاضر بودم، ناگهان چشمش به روی علی (علیه السلام) افتاد که به سوی من می آید: فرمود: من و این که می آید دو حجت خدا بر امتم در روز قیامت خواهیم بود. (3)

خداوند متعال به وجود علی مباحثات می کند

الْمُسْتَدْرِكُ مِنَ الْفَرْدَوْسِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُبَاهِي بَعَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) كُلَّ يَوْمٍ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبِينَ حَتَّى تَقُولَ بَخْ بَخْ هَيْنَا لَكَ يَا عَلِيُّ (علیه السلام)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیث زیبایی فرمودند: خدای عزوجل هر روز به وجود علی بن ابی طالب (علیه السلام) بر فرشتگان مقرب مباحثات می کند تا این که فرشتگان می گویند: به به، بر تو گوارا باد یا علی (علیه السلام). (4)

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْعَطْرِيفِ الْجُرْجَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو خَلِيفَةَ الْفَضْلُ بْنُ صَالٍ [حُبَابٍ] الْجَمْعِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ

ص: 116

1- . آل عمران آیه 101

2- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 76 [سورة الفاتحة (1): آیه 6] ح 89

3- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 294 المبحث الرابع عشر في التواعد على من ناصب عليا ع الخلافة ح 3

4- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام لابن شهر آشوب ج 3 ص 266 فصل في مساواته مع سائر الأنبياء ع .....

قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ عَنْ نَافِعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ [عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ] قَالَ: ... قَالَ الرَّسُولُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): .. وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام)

سُمِّيَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ بَاهَى اللَّهُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ وَ حَمَلَهُ عَرْشُهُ الْأَرْسُولِ خَدَا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در حدیثی بسیار زیبا فرمودند: ... هر که علی (علیه السلام) را دوست بدارد مُطیع خدا نامیده می شود در زمین و خدا بر ملائکته و حاملین عرش به واسطه علی (علیه السلام) مُباهات می کند. (1)

محبت شدید خداوند به امیرالمومنین

رَوَى الْمَنْصُورُ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالِ كُنْتُ أَدَا وَ أَبِي الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ جَالِسَيْنِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِذْ دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَسَلَّمَ فَرَدَّ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) السَّلَامَ وَ بَشَّ بِهِ وَ قَامَ إِلَيْهِ وَ اعْتَنَقَهُ وَ قَبَّلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ أَجْلَسَهُ عَنْ يَمِينِهِ فَقَالَ الْعَبَّاسُ أ تُحِبُّ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ يَا عَمَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ اللَّهُ لَلَّهِ أَشَدُّ حُبًّا لَهُ مِنِّي إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ فِي صُلْبِهِ وَ جَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ هَذَا

عبد الله بن عباس می گوید من و پدر من عباس بن عبد المطلب نشسته بودیم نزد رسول الله (صلى الله عليه وآله) که علی بن ابی طالب (علیه السلام) وارد شد سلام کرد و پیغمبر (صلى الله عليه وآله) سلامش را پاسخ داد سپس برخاست و او را در بغل گرفت و میان هر دو چشمش را بوسه داد و در سمت راست خود نشاند عباس عرضه داشت: یا رسول الله (صلى الله عليه وآله) آیا علی (علیه السلام) را دوست می داری؟ حضرت فرمود: که ای عموی رسول خدا (صلى الله عليه وآله) و الله که

ص: 117

خدای تعالی علی (علیه السلام) را از من بیشتر دوست دارد، و خدای تعالی ذریه هر نبی را در صلب او قرار داد اما ذریه مرا در صلب علی (علیه السلام) قرار داده است. (1) امیرالمومنین جنب الله

الصَّادِقُ وَ الْبَاقِرُ وَ السَّجَّادُ وَ زَيْدُ بَنِ عَلِيٍّ (علیه السلام) فِي هَذِهِ الْآيَةِ قَالُوا (جَنْبِ اللَّهِ) عَلِيٌّ (علیه السلام) وَ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام باقر (علیه السلام) درباره (جَنْبِ اللَّهِ) (2) فرمودند: مقصود علی (علیه السلام) است و او حجت خدا بر خلق است تا قیامت. (3)

الرِّضَا (علیه السلام) فِي (جَنْبِ اللَّهِ) قَالَ فِي وَلايَةِ عَلِيٍّ (علیه السلام)

امام رضا (علیه السلام) درباره (جَنْبِ اللَّهِ) (4) فرمودند: یعنی ولایت علی (علیه السلام) (5)

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: من صراط خدا و جنب الله هستم. (6)

قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ مُعْتَمِرًا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) قَالَ جَنْبُ اللَّهِ عَلِيٌّ (علیه السلام) وَ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ [عَلَى] خُزَّانَ جَهَنَّمَ أَنْ يَدْفَعُوا مَفَاتِيحَ جَهَنَّمَ إِلَى عَلِيٍّ فَيَدْخُلُ مَنْ يُرِيدُ وَيُنْجِي مَنْ يُرِيدُ وَ ذَلِكَ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ مَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَخِي وَ أَنَا أَخُوكَ يَا عَلِيُّ إِنَّ لَوَاءَ الْحَمْدِ مَعَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَقْدُمُ بِهِ قَدَّامَ أُمَّتِي وَ

ص: 118

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 94 في محبة الرسول ص إياه و تحريضه على محبته و موالاته و نهيته عن بغضه

2- . الزمر آية 56

3- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 273 فصل في الشواذ

4- . الزمر آية 56

5- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 273 فصل في الشواذ

6- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 273 فصل في الشواذ

فراش بن ابراهیم کوفی به طور معنن از حضرت علی بن حسین امام سجاد(علیه السلام) نقل می کند در سخن خداوند تعالی (یا حَسْرَتِی عَلِی مَا فَرَطْتُ فِی جَنْبِ اللّهِ) (1) فرمودند: جَنْبُ اللّهِ عَلِی (علیه السلام) است و او حجت خدا بر خلق است در روز قیامت. روز قیامت خداوند بر نگهبانان گماشته بر جهنم امر می فرماید که کلیدهای جهنم را به علی بن ابیطالب(علیه السلام) دهید پس وارد می کند هر که را بخواهد و نجات می بخشد هر که را اراده نماید. به این دلیل رسول الله(صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر که تو را دوست بدارد مرا دوست داشته است و هر که تو را دشمن بدارد با من دشمنی نموده. ای علی! تو برادر من هستی و من برادر تو هستم. ای علی! همانا لوا و پرچم حمد و ستایش در روز قیامت با تو است که پیشی جوینان امتم بدان پیشی می جویند و اعلان کنندگانی از سمت راست و چپ تو می آیند. (2)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) فِي خُطْبَتِهِ أَنَا الْهَادِي وَأَنَا الْمُهْتَدِي وَأَنَا أَبُو الْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَرَوْحُ الْأَرَامِلِ وَأَنَا مَلْجَأُ كُلِّ ضَعِيفٍ وَمَأْمَنُ كُلِّ خَائِفٍ وَأَنَا قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْجَنَّةِ وَأَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ وَأَنَا عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى وَكَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَنَا عَيْنُ اللَّهِ وَلِسَانُهُ الصَّادِقُ وَيَدُهُ وَأَنَا جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي يَقُولُ (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلِي مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) وَأَنَا يَدُ اللَّهِ الْمَبْسُوطَةُ عَلَيَّ عِبَادِهِ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَأَنَا بَابُ حِطَّةٍ مَنْ عَرَفَنِي وَعَرَفَ حَقِّي فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ لِأَنِّي وَصِيُّ نَبِيِّ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتُهُ عَلَيَّ خَلْقَهُ لَا يُنْكِرُ

ص: 119

1- . الزمر آیه 56

2- . تفسیر فراش الکوفی ص 366 [سورة الزمر (39): آیه 56]

هَذَا إِلَّا رَأَى عَلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ (صلی الله علیه و آله). ابو بصیر از حضرت صادق (علیه السلام) که فرمود امیر المؤمنین (علیه السلام) در خطبه خویش فرمود: که منم راه نما و منم راه یافته و منم پدر یتیمان و بیچارگان و شوهر بیوه زنان و منم پناه هر ناتوان و محل ایمنی هر ترسان و منم جلو دار مؤمنان به سوی بهشت و منم ریسمان استوار خدا و منم دسته محکم تر خدا و کلمه تقوی و سخن پرهیزگاری خدا و منم چشم خدا و زبان راستگوی او و دست او و منم جنب و پهلوی خدا که خدا می فرماید (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) (1) یعنی به جهت کراهت و نخواستن آنکه در نزد دیدن عذاب خدا نفسی بگوید که ای افسوس و پشیمانی بر کوتاهی کردن من در باب جنب خدا یعنی در جانب و حق او یا در امر یا در طلب قرب جوار او یا طریقه که موصل برضای او باشد و منم دست گشوده خدا بر بندگانش به مهربانی و آمرزش و منم درگاه حطه و آن کلمه استغفار بنی اسرائیل بود یعنی گناهان مرا از من بیفکن و مرا بیامرز (و شرح باب حطه در تفاسیر مذکور است) هر که مرا شناخت و حق مرا شناخت به حقیقت اویم پروردگار خود را شناخته زیرا که من وصی پیغمبر اویم در زمین او و حجت اویم بر خلق او و این را انکار نمی کند مگر ردکننده بر خدا و رسولش (صلی الله علیه و آله). (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ عَمِّهِ حَمْرَةَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) قَالَ جَنْبُ اللَّهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَكَذَلِكَ مَا كَانَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بِالْمَكَانِ الرَّفِيعِ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ الْأَمْرُ إِلَى آخِرِهِمْ

ص: 120

1- . الزمر آیه 56

2- . التوحيد (للصدوق) ص 164 باب 22 باب معنی جنب الله عز و جل ح 2



موسی بن جعفر (علیه السلام) راجع به قول خدای عزوجل (یا حسرتی علی ما فرطت فی جنبِ اللّهِ) (1) دریغاً بر من از آنچه در جنب خدا قصور ورزیدم فرمود: جنب خدا امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و همچنین اوصیاء بعد از او تا آخرین آنها در مقام بلندی باشند. (2)

علی وَجْهَ اللّهِ

أَبُو الْمَضَا عَنِ الرَّضَا (علیه السلام) قَالَ فِي قَوْلِهِ (فَأَيُّمَا تَوْلُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللّهِ) قَالَ عَلِيٌّ (علیه السلام)

امام رضا (علیه السلام) درباره قول خدای عزوجل (فَأَيُّمَا تَوْلُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللّهِ) (3) فرمودند: مقصود علی (علیه السلام) است. (4)

سلام خداوند بر ایشان

قَوْلُهُ تَعَالَى (سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ) قَالَ ابْنُ السَّائِبِ آلُ يَاسِينَ آلُ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) (سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ) (5) ابن سائب گوید مراد آل محمد (صلى الله عليه وآله) است. (6)

ص: 121

- 
- 1- . الزمر آية 56
  - 2- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 145 باب النوادر ح 9
  - 3- . البقرة آية 115
  - 4- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 272 فصل في الشواذ ح 3
  - 5- . الصفات آية 130
  - 6- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 313 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

.....السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَعْسُوبَ الدِّينِ وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ، وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ، وَأُذُنَهُ الْوَاعِيَةَ، وَحِكْمَتَهُ الْبَالِغَةَ، وَنِعْمَتَهُ السَّابِغَةَ، السَّلَامُ عَلَى قَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، السَّلَامُ عَلَى نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى الْأَبْرَارِ وَنِعْمَتِهِ عَلَى الْفَجَّارِ، السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ الْأَخْيَارِ...

صفوان جمال از امام صادق(علیه السلام) نقل می کند که هنگام زیارت امیرالمومنین(علیه السلام) بگوئید: السلام عليك يا اميرالمومنين، سلام بر تو ای پیشوای دین و پیشروی آبرو داران، سلام بر تو ای درگاه الهی. سلام بر تو ای دیده ی بینای خداوند، و دست گشوده ی او، گوش شنوا و نگهدارنده ی راز او و حکمت رسا و کامل او، و نعمت وافرش سلام بر تقسیم کننده ی بهشت و دوزخ، سلام بر نعمت خدا بر ابرار و نعمتش بر فجار سلام بر بهترین نیکان... (1)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ بَشِيرٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَسَّانُ الْجَمَّالِ قَالَ حَدَّثَنَا هَاشِمُ بْنُ أَبِي عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَقُولُ أَنَا عَيْنُ اللَّهِ وَأَنَا يَدُ اللَّهِ وَأَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَأَنَا بَابُ اللَّهِ. اميرالمومنين(عليه السلام) فرمودند: من عين الله (چشم خدا)، يدالله (دست خدا) جنب الله (نهایت قرب به خدا را دارم) و باب الله (دری که باید از آن وارد شد) هستم. (2)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَسْوَدَ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَأَنْشَأَ يَقُولُ ابْتِدَاءً مِنْهُ

ص: 122

- 
- 1- . المزار الكبير (لابن المشهدي) ص 217 5 زيارة اخرى لأمير المؤمنين والحسين بن علي صلوات الله عليهما
  - 2- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 61 باب 3 باب في الأئمة أنهم حجة الله و باب الله و ولاية أمر الله و وجه الله الذي يؤتى منه و جنب الله و عين الله و خزنة علمه جل جلاله و عم نواله ح 2

مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ وَنَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَنَحْنُ لِسَانُ اللَّهِ وَنَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ وَنَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَنَحْنُ وُلاةُ أَمْرِ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ.

اسود بن سعید گوید خدمت امام باقر (علیه السلام) بودم که خود حضرت بدون آنکه من چیزی بپرسم شروع کرد و فرمود: ما حجت خدائیم ما باب خدائیم، ما زبان خدائیم، ما وجه خدائیم، ما دیده خدا در میان خلقتش باشیم، ما ئیم سرپرستان امر خدا در میان بندگانش (امر خدا همان فرمان های خداست نسبت به بندگانش و یا به معنی مطلق کار و مطلب خدائی است مانند امر توحید و معاد و نبوت و عبادات و معاملات از نظر شرع و معانی سایر جملات در دو حدیث قبل بیان شد). (1)

حزب علی حزب خداست

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): ... حِزْبُ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) حِزْبُ اللَّهِ وَحِزْبُ أَعْدَائِهِ حِزْبُ الشَّيْطَانِ رَسُولُ خُودَا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ):  
حزب علی (علیه السلام) حزب خداست و حزب دشمنانش حزب شیطان. (2)

عهد و

پیمان خدا از پیامبر درباره ی مقام علی

وَمِنْ كِتَابِ كِفَايَةِ الطَّالِبِ لِلْحَافِظِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الشَّافِعِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي بُرْدَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنَّ اللَّهَ عَهْدَ إِلَيَّ عَهْدًا فِي عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقُلْتُ يَا رَبِّ

ص: 123

1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 145 باب النوادر ح 7

2- . الأمالي للصدوق ص 89 المجلس العشرون ح 1.

بَيْنَهُ لِي فَقَالَ اللَّهُ مَعَ فَقُلْتُ سَمِعْتُ فَقَالَ إِنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) رَايَةُ الْهُدَى وَإِمَامُ الْأَوْلِيَاءِ وَنُورٌ مِّنْ أَطَاعِنِي وَهُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلَزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ  
 مَن أَحَبَّهُ أَحَبَّنِي وَمَن أَبْغَضَهُ أَبْغَضَنِي فَبَشَّرَهُ بِذَلِكَ فَجَاءَ عَلِيٌّ فَبَشَّرْتُهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَفِي قَبْضَتِي فَإِنْ  
 يُعَذِّبُنِي فَبِذُنُوبِي وَإِنْ يَتِمُّ الَّذِي بَشَّرْتَنِي بِهِ قَالَ اللَّهُ أَوْلَىٰ بِي قَالَ فَقُلْتُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبَهُ وَاجْعَلْ رِبِيْعَهُ الْإِيْمَانَ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ فَعَلْتُ بِهِ  
 ذَلِكَ ثُمَّ إِنَّهُ رَفَعَ إِلَيَّ أَنَّهُ سَيَخْصُهُ مِنَ الْبَلَاءِ بِشَيْءٍ لَّمْ يَخْصَّ بِهِ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِي فَقُلْتُ يَا رَبِّ أَخِي وَصَاحِبِي فَقَالَ إِنَّ هَذَا شَيْءٌ قَدْ سَبَقَ أَنَّهُ  
 مُبْتَلَىٰ وَمُبْتَلَىٰ بِهِ

رسول اکرم (صلى الله عليه وآله): خدای متعال، در باره ی مقام و منزلت علی (علیه السلام) با من عهد و پیمانی موثق و مؤکد در انجام  
 مأموریتم گرفت، عرضه داشتیم: پروردگارا آن مأموریت مهم چیست؟ فرمود: بشنو عرضه داشتیم: آماده ام، فرمود: علی (علیه السلام)  
 پرچمدار هدایت، رهبر اولیای من و روشنایی فرمانبران من می باشد. وی آن کلمه ای است که پرهیزگاران را به آن الزام نموده ام. هر که  
 محب علی (علیه السلام) باشد محب من است و هر که دشمن علی (علیه السلام) است، دشمن من می باشد! تو ای پیامبر او را مژده و  
 بشارت به این عنایت خاص داده و او را آگاه کن در آن حال علی (علیه السلام) نزد من حاضر شد و مژده الهی را به او ابلاغ نمودم.  
 پس علی (علیه السلام) عرضه داشت: یا رسول الله! من بنده خدا و در قبضه اقتدار او هستم، اگر مرا عذاب کند، علت این عذاب جز گناه و  
 نافرمانی چیزی نیست و اگر این مژدگانی را محقق سازد از فضل و عظمت اوست. در آن حال دست به دعا برداشته و عرض کردم:  
 پروردگارا! قلب او را نورانی و بهار عمر او را ایمان به خودت قرار ده، خدای عز و جل، دعای مرا در باره او مستجاب نمود و فرمود: خواسته  
 تو را در باره او انجام خواهم داد، سپس خداوند مرا آگاه نمود که آزمایش هایی به او اختصاص داده ام، که این آزمایش ها و بلاها در باره  
 هیچ يك از اصحابم پیش نخواهد آمد، از این رو

عرض کردم: پروردگارا او برادر و یار و همگام با من است؟ فرمود: این رتبه و مقام پیش از علم تو پیش بینی شده بود، چرا که او مورد امتحان و آزمایش من قرار گرفته و مردم را در باره مقام و منزلتش آزمایش خواهم نمود. (1)

خداوند به علی احتجاج کرد

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي الْمُظَفَّرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي الثَّلَاجِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْهَاشِمِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الزُّرَّارِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبِي زَكَرِيَّا الْمُؤَصِّلِيِّ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

قَالَ لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

أَنْتَ الَّذِي احْتَجَّ اللَّهُ بِكَ فِي ابْتِدَائِهِ الْخَلْقَ حَيْثُ أَقَامَهُمْ أَشْهَادًا، فَقَالَ لَهُمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا: بَلَى. قَالَ: وَ مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رَسُولِي قَالُوا: بَلَى. قَالَ: وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَصِيِّي فَأَبَى الْخَلْقُ جَمِيعًا إِلَّا اسْتِكْبَارًا وَ عَتَوْا مِنْ وَلَا يَتِيكَ إِلَّا نَفَرٌ قَلِيلٌ، وَ هُمْ أَقَلُّ الْقَلِيلِ، وَ هُمْ أَصَحَابُ الْيَمِينِ. رسول خدا (صلى الله عليه و آله) به علی (عليه السلام) فرمود: تو کسی هستی که خداوند در آغاز آفرینش آفریدگان و هنگامی که آنان را به صورت اشباحی برپا داشت به تو احتجاج کرد، پس خداوند به آفریدگان فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ عرضه داشتند: بلی هستی خداوند فرمود: و محمد (صلى الله عليه و آله) فرستاده ی من نیست؟ عرضه داشتند: بلی هست، خداوند فرمود: و علی بن ابیطالب (عليه السلام) جانشین من نیست؟ پس جز گروهی

ص: 125

اندک دیگر آفریدگان از روی نخوت و سرکشی از ولایت تو سرباز زدند و آن چند نفر که کمترین افرادند، همان اصحاب یمین می باشند.

(1)

خداوند والا با علی سخن گفت

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنِي الْأَجْلَحُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْكِنْدِيُّ، عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ، عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: نَاجَى رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَوْمَ الطَّائِفِ فَأَطَالَ مُنَاجَاتَهُ، فَرَأَى الْكِرَاهَةَ فِي وَجْهِهِ رِجَالٍ، فَقَالُوا: قَدْ أَطَالَ مُنَاجَاتَهُ مِنْذُ الْيَوْمِ. فَقَالَ: مَا أَنَا أَنْتَجِيئُهُ، وَلَكِنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ) أَنْتَجَاهُ.

جابر می گوید: رسول خدا در روز طائف با علی بن ابیطالب (علیه السلام) پنهان سخن می گفت و سخنش را طولانی کرد. پس ناخوشایندی را در چهره ی مردانی، مشاهده نمود. پس گفتند: پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخنش را از امروز طولانی ساخته است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: من با او سخن نگفتم. خداوند والا با او سخن گفت. (2)

أَخْبَرَنَا ابْنُ الصَّلْتِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسَدِّ لِمِ الْمَلَائِي، عَنِ الْأَجْلَحِ، عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ، عَنْ جَابِرٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) دَعَا عَلِيًّا (عليه السلام) وَهُوَ مُحَاصِرُ الطَّائِفِ، فَكَانَ الْقَوْمُ اسْتَشْرَفُوا لِذَلِكَ وَقَالُوا: لَقَدْ طَالَ نَجْوَاكَ لَهُ مِنْذُ الْيَوْمِ. فَقَالَ: مَا أَنَا أَنْتَجِيئُهُ، وَلَكِنَّ اللَّهَ أَنْتَجَاهُ.

ص: 126

1- . الأماي (للطوسي) النص 232 [9] المجلس التاسع ح4

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 10 ح10



بنشین. آنگاه مردی در مسجد داخل شد و فقط بر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) سلام کرد و از علی(علیه السلام) و حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) روی گرداند. پیامبر(صلی الله علیه و آله) به او فرمود: چه چیز تورا بازداشت که بر علی(علیه السلام) و دو فرزندش سلام نکنی؟ سوگند به آنکه مرا به هدایت و دین حق برانگیخت مشاهده کردم که رحمت پروردگار بر او و دو فرزندش فرود می آید. (1)

ازدواج علی و فاطمه به امر خدا صورت گرفت

إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُزَوِّجَ فَاطِمَةَ(علیها السلام) مِنْ عَلِيٍّ(علیه السلام)(2) رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: همانا خدای متعال امر کرد که فاطمه(علیها السلام) را به ازدواج علی(علیه السلام) در بیاورم.

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و آله) مَا زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ(علیها السلام) إِلَّا لَمَّا أَمَرَنِي اللَّهُ بِتَزْوِيجِهَا.

و به همین اسناد جعابی روایت کرده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: من جز به فرمان حق تعالی فاطمه(علیها السلام) دخترم را به شوهر ندادم. (3)

بیوت خدای عزوجل

قَوْلُهُ تَعَالَى (فِي بُيُوتٍ أذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ) عَنْ أَنَسٍ وَبُرَيْدَةَ قَالَا قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه و آله) (فِي بُيُوتٍ أذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ) إِلَى قَوْلِهِ (الْقُلُوبُ وَ

ص: 128

1- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 8 ح 37

2- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 100 ص 267 باب 6 الدعاء عند إرادة التزويج و الصيغة و الخطبة و آداب النكاح و الزفاف و الوليمة ح 13

3- [1]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 59 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 226



الْأَبْصَارُ) فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ أَيُّ بُيُوتٍ هَذِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) هَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا يَعْنِي بَيْتَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَفَاطِمَةَ (عليها السلام) قَالَ نَعَمْ مِنْ أَفْضَلِهَا

و دیگر (في بُيُوتِ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ) (1) یعنی تسبیح گویند خدای را در خانه های که دستوری داد خدای تعالی و امر کرد آن که برداشته شود قدر او به تعظیم، یعنی آن را رفیع قدر و بزرگ مرتبه دانند، یا بردارند در آن آوازه ها، یا برداشته شود به حق سبحانه حاجت ها در آن بیوت و یاد کرده شود در آن خانه هانام او، مرویست از انس و بریده که رسول الله (صلى الله عليه وآله) خواند این آیت را تا (فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ) (2) مردی برخاست و گفت: یا رسول الله (صلى الله عليه وآله) کدام خانه هاست این؟ فرمود: خانه های انبیا، ابوبکر گفت خانه علی (عليه السلام) و فاطمه (عليها السلام) هر آینه از این خانه ها است؟ فرمود: بله از افضل این خانه ها است. (3)

علی اسم

پسنیدده خدا

السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ، وَوَجْهِهِ الْمُضِيِّ، وَجَنْبِهِ الْعَلِيِّ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ

سلام بر نام پسنیدده ی خدا و چهره ی تابان او و هم نشین والایش و رحمت و برکات الهی بر او باد. (4)

ص: 129

1- . النور آية 36

2- . النور آية 37

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 319 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

4- . المزار الكبير (لابن المشهدي) ص 218 5 - زيارة اخرى لأمرير المؤمنين و الحسين بن علي صلوات الله عليهما

علی شایسته ی اعطای فضل از ناحیه ی خدا عزوجل باشد

وَعَنْهُ (وَيُوتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ) قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) (أَنَا وَمَنْ اتَّبَعَنِي) (1) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَآلُ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) (أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ) (2) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام). و دیگر ابو جعفر (عليه السلام) فرموده که (وَيُوتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ) (3) علی بن ابی طالب (عليه السلام) است. و به هر انسان شایسته نعمتی از کرم خود، عطا کند فرمود: مراد از آن انسان علی بن ابی طالب (عليه السلام) است. (4)

برگزیدگان خدای عزوجل

وَقَالَ عَلِيُّ (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا) نَحْنُ أَوْلِيَاكَ

و دیگر آیت (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا) (5)

امیرالمؤمنین (عليه السلام) فرمود: برگزیدگان مائیم. (6)

ص: 130

- 
- 1- . یوسف آیه 108
  - 2- . الرعد آیه 19
  - 3- . هود آیه 3
  - 4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه
  - 5- . فاطر آیه 32
  - 6- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه



أَخْبَرَنَا الْحَفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ الْوَاسِعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَزِيدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا حُسَيْنُ بْنُ حَسَنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ الرَّبِيعِ، عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الرُّمَّانِيِّ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): عَلِيٌّ (عليه السلام) مِنِّي بِمَنْزِلَةِ رَأْسِي مِنْ بَدَنِي.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: جایگاه علی (عليه السلام) نسبت به من همچون جایگاه سر نسبت به بدنم باشد. (1)

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْعُودٍ، عَنْ أَبِيهِ أَبِي النَّضْرِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودِ الْعِيَّاشِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ صَالِحٍ، قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ يَزِيدَ الْحَرِيرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: سَأَلْتُهُ مَنْ كَانَ آثَرَ النَّاسِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِيمَا رَأَيْتَ قَالَ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا بِمَنْزِلَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) كَانَ يَبْعَثُنِي فِي جَوْفِ اللَّيْلِ إِلَيْهِ فَيَسِّرُ تَخْلِي بِهِ حَتَّى يُصْبِحَ، هَذَا كَانَ لَهُ عِنْدَهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا. قَالَ: وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ: يَا أَنَسُ، تُحِبُّ عَلِيًّا (عليه السلام) قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ اللَّهُ إِنِّي لَأُحِبُّهُ لِحُبِّكَ إِيَّاهُ. فَقَالَ: أَمَا إِنَّكَ إِنْ أَحْبَبْتَهُ أَحَبَّكَ اللَّهُ، وَإِنْ أَبْغَضْتَهُ أَبْغَضَكَ اللَّهُ، وَإِنْ أَبْغَضَكَ اللَّهُ أَوْلَجَكَ فِي النَّارِ.

(2)

از انس بن مالک سوال کردم: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) چه کسی را بر سایرین ترجیح می داد؟ انس گفت: هیچ کس را به مرتبه ی علی بن ابی طالب (عليه السلام) مشاهده نکردم. در

ص: 132

1- . الأماي للطوسي ص 353 [12] المجلس الثاني عشر ح 72

2- . الأماي (للطوسي) النص 232 [9] المجلس التاسع ح 3

دل شب مرا به دنبال او می فرستاد، و تا صبح با او خلوت می نمود و این جایگاه علی (علیه السلام) در نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود تا پیامبر (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت. و شنیدم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمود: ای انس آیا علی (علیه السلام) را دوست می داری؟ عرضه داشتم: ای رسول خدا! به خدا سوگند! من او را دوست می دارم چون تو او را دوست می داری. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: آگاه باش که اگر او را دوست بداری خدا تو را دوست می دارد و اگر او را دشمن بداری خدا تو را دشمن می دارد و اگر خدا تو را دشمن بدارد در دوزخ می افکندت. (1)

أَبُو الْعَبَّاسِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَوَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ ثَابِتٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ صَالِحٍ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الشَّيْبَانِيِّ، قَالَ وَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَبِي غُنَيْمَةَ، وَ عَبَّادُ بْنُ الرَّبِيعِ، وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي غُنَيْمَةَ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الشَّيْبَانِيِّ، عَنْ جَمِيعِ بْنِ عُمَيْرٍ، قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أُمِّي عَلَى عَائِشَةَ فَذَكَرْتُ لَهَا عَلِيًّا (عليه السلام) فَقَالَتْ: مَا رَأَيْتُ رَجُلًا كَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مِنْهُ، وَ مَا رَأَيْتُ امْرَأَةً كَانَتْ أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مِنْ امْرَأَتِهِ. جَمِيعِ بْنِ عُمَيْرٍ مِي گويد به همراه مادرم بر عايشه وارد شدیم، پس مادرم علی (عليه السلام) را نزد عايشه یاد کرد. پس عايشه گفت: هیچ مردی محبوب تر از علی (عليه السلام) و هیچ زنی محبوبتر از فاطمه (عليها السلام) در نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مشاهده نکرده ام. (2)

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّرِيفُ الْفَقِيهُ أَبُو إِبرَاهِيمَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أُسَامَةَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي قَتَادَةَ الْحَرَّانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَرُوبَةَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى، عَنْ الْمُعْتَمِرِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي مِجَلَزٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ كَفَّهُ فِي كَفِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ هُوَ يَقْلِبُهُ.

ص: 133

1- . الأماي (للطوسي) النص 232 [9] المجلس التاسع ح3

2- . الأماي (للطوسي) النص 249 [9] المجلس التاسع ح32

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، مَا مَنْزِلَةُ عَلِيٍّ (عليه السلام) مِنْكَ فَقَالَ: كَمَنْزِلَتِي مِنَ اللَّهِ.

عبدالله بن مسعود: دیدم که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) دست در دست علی بن ابیطالب (عليه السلام) گذاشته و آن را می بوسید. پس عرضه داشتم: ای رسول خدا! علی (عليه السلام) در نزد تو چه جایگاهی دارد؟ پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمودند: همان جایگاهی که من در نزد خداوند دارم. (1)

أَخْبَرَنَا ابْنُ الْحَمَّامِيِّ الْمُقْرِي، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ أَحْمَدُ بْنُ عُثْمَانَ الْأَدَمِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَسَانَ مَالِكُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ بْنُ عِيَّاشٍ، قَالَ حَدَّثَنَا صَدْقَةٌ بْنُ سَعِيدِ الْحَنْفِيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي جَمِيعُ بْنُ عُمَيْرِ التَّيْمِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أُمِّي وَ خَالَتِي عَلَى عَائِشَةَ، فَسَأَلْنَاهَا كَيْفَ كَانَ مَنْزِلَةُ عَلِيٍّ (عليه السلام) فِيكُمْ قَالَتْ: سُبْحَانَ اللَّهِ! كَيْفَ تَسْأَلَانِ عَنْ رَجُلٍ لَمَّا مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَقَالَ النَّاسُ: أَيْنَ تَدْفِنُونَهُ فَقَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): لَيْسَ فِي أَرْضِكُمْ بُعْعَةٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ بُعْعَةٍ قَبِضَ فِيهَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ كَيْفَ تَسْأَلَانِي عَنْ رَجُلٍ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ مَوْضِعٍ لَمْ يَطْمَعِ فِيهِ أَحَدٌ.

جمیع بن عمیر می گوید: به همراه مادر و خاله ام به نزد عایشه رفتیم و از او پرسیدیم که جایگاه علی (عليه السلام) در میان شما چگونه بود؟ او گفت: سبحان الله! چگونه می پرسید از مردی که چون رسول خدا (صلى الله عليه وآله) درگذشت و مردم گفتند او را کجا دفن می کنید؟ علی (عليه السلام) فرمود: در همه زمین شما هیچ مکانی محبوبتر از مکانی نیست که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در آن جان سپرده است. و چگونه از من درباره ی مردی می پرسید که دست بر جایگاهی گذاشته که طمع هیچکس به آن نمی رسید. (2)

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ ابْنِ بَنْتِ الْأَسْجِ الْكِنْدِيِّ بِأَسْوَانَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَبُو جَعْفَرٍ الدُّهْلِيُّ، قَالَ

ص: 134

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 8 ح 44

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 13 ح 71

حَدَّثَنَا عَمَّارُ بْنُ الصَّبَّاحِ، قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الْغُفُورِ أَبُو الصَّبَّاحِ الْوَاسِطِيُّ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ سَعِيدِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ وَكَانَتْ لَهُ صُحْبَةٌ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) قَالَتْ: حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) حِجَّةَ الْوُدَّاعِ بِأَزْوَاجِهِ، فَكَانَ يَأْوِي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ إِلَى امْرَأَةٍ مِنْهُنَّ وَهُوَ حَرَامٌ يَبْتَغِي بِذَلِكَ الْعَدْلَ بَيْنَهُنَّ. قَالَتْ: فَلَمَّا أَنْ كَانَتْ لَيْلَةَ عَائِشَةَ وَيَوْمَهَا خَلَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) آلَهُ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يُنَاجِيهِ وَهُمَا يَسِيرَانِ، فَأَطَالَ مُنَاجَاتَهُ، فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَى عَائِشَةَ، فَقَالَتْ: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى عَلِيِّ فَأَذَّالَهُ أَوْ قَالَتْ: أَتَنَاوَلَهُ بِلِسَانِي، فِي حَسْبِهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَنِّي، فَنَهَيْتُهَا، فَنَصَّتْ نَافَتَهَا فِي السَّيْرِ، ثُمَّ إِنَّهَا رَجَعَتْ إِلَيَّ وَهِيَ تَبْكِي، فَقُلْتُ: مَا لَكَ قَالَتْ: إِنِّي أَتَيْتُ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) فَقُلْتُ: يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، مَا تَزَالُ تَحْسِبُ عَنِّي رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَآلَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلَيْهِ وَآلَهُ: لَا تَحُولِي بَيْنِي وَبَيْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام)، إِنَّهُ لَا يُحَافَهُ فِي أَحَدٍ، وَإِنَّهُ لَا يُبْغِضُهُ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مُؤْمِنٌ وَلَا يُجِبُّهُ كَافِرٌ، أَلَا إِنَّ الْحَقَّ بَعْدِي مَعَ عَلِيٍّ (عليه السلام)، يَمِيلُ مَعَهُ حَيْثُمَا مَالَ، لَا يَفْتَرِقَانِ جَمِيعاً حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ. قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: فَقُلْتُ لَهَا قَدْ نَهَيْتُكَ فَأَبَيْتِ إِلَّا مَا صَنَعْتَ.

ام سلمه همسر پیامبر (صلى الله عليه وآله): رسول خدا (صلى الله عليه وآله) حج پایانی را با همسرانش به انجام رساند آن حضرت در هر روز و شب در حالی که محرم بود پیش یکی از همسرانش می رفت تا عدالت را میان آنان برقرار کند. او گفته است: وقتی روز و شب عایشه فرارسید، رسول خدا (صلى الله عليه وآله) با علی بن ابیطالب (عليه السلام) خلوت کرده بود و در حال قدم زدن با او به نجوا سخن می گفت. چون سخنشان به طول انجامید بر عایشه دشوار آمد و گفت: می خواهم سراغ علی (عليه السلام) بروم و به این جهت که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) را از من بازداشته با زبانم او را بنوازم. ام سلمه می گوید: او را از این کار نهی کردم، ولی او ماده شترش را

راند و رفت. سپس گریان به نزد من بازگشت. من گفتم: چه شده است؟ گفت: من به نزد پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) رفتم و گفتم: ای پسر ابوطالب (علیه السلام) چرا پیوسته رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را از من باز می داری؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: میان من و علی (علیه السلام) فاصله نینداز که هیچ کس نباید درباره ی من با او نزاع کند، زیرا سوگند به کسی که جانم در دست اوست، مومن با او دشمنی نمی کند و کافر او را دوست نمی دارد. هان که حق پس از من به همراه علی (علیه السلام) است. هر جا که علی (علیه السلام) برود حق نیز می رود از هم جدا نمی شوند تا در آن حوض بر من وارد شوند. ام سلمه گفت: من به او گفتم که من تو را از این کار نهی کردم ولی تو سرباز زدی و کار خودت را کردی. (1)

وَعَنْهُ، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمَةَ بْنِ الْبَغْدِيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي هِشَامُ بْنُ نَاجِيَةَ أَبُو ثَوْرٍ الْقُرَشِيُّ بِسَلَمِيَّةَ، فَالْحَدَّثَنِي عَطَاءُ بْنُ مَسْدَلِمٍ الْحَلَبِيُّ، عَنْ أَزْهَرَ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ أَبِي هَازُونَ الْعَبْدِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ: أَنَّهُ ذَكَرُوا عَلِيًّا (علیه السلام) فَقَالَ: إِنَّهُ كَانَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بِمَنْزِلَةِ خَاصَّةٍ، وَ لَقَدْ كَانَتْ لَهُ عَلَيْهِ دَخْلَةٌ لَمْ تَكُنْ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ.

ابو هارون عبدی روایت کرده که در نزد ابو سعید خدری از علی (علیه السلام) سخن به میان آمد و او گفت: او نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جایگاه ویژه ای داشت و با ایشان رابطه ای داشت که با هیچ یک از مردم نداشت. (2)

فَأَخَذَتْنِي الْحُمَى لَيْلَةً فَأَسَدَ هَرَّتْنِي، فَسَدَّ هَرَّ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) لِسَهْرِي. فَبَاتَ لَيْلَتَهُ بَيْنِي وَ بَيْنَ مُصَلَّاهُ يُصَلِّي مَا قُدِّرَ لَهُ، ثُمَّ يَأْتِينِي فَيَسْأَلُنِي وَ يَنْظُرُ إِلَيَّ. فَلَمْ يَزَلْ دَابُّهُ ذَلِكَ إِلَى أَنْ أَصْبَحَ. فَلَمَّا أَصْبَحَ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الْعِدَاةَ ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ اشْفِ عَلِيًّا (علیه السلام) وَ عَافِهِ فَإِنَّهُ قَدْ أَسَهَرَنِي اللَّيْلَةَ لِمَا بِهِ مِنَ الْوَجَعِ»، فَكَأَنَّمَا نَشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ

ص: 136

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 17 ح 7

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 28 ح 3



مَا بِي قَبْلَهُ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): أَبَشِّرُ يَا أَخِي قَالَ ذَلِكَ وَأَصْحَابُهُ يَسْمَعُونَ قُلْتُ: بَشَّرَكَ اللَّهُ بِخَيْرٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

وَجَعَلَنِي فِي دَعَاكَ. قَالَ: إِنِّي لَمْ أَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَانِيهِ، وَلَمْ أَسْأَلِ لِنَفْسِي شَيْئاً إِلَّا سَأَلْتُ لَكَ مِثْلَهُ، وَإِنِّي دَعَوْتُ اللَّهَ «أَنْ يُوَخِّي بَيْنِي وَ بَيْنَكَ» فَفَعَلَ، وَ سَأَلْتُهُ «أَنْ يَجْعَلَكَ وَلِيَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي» فَفَعَلَ.

يك شب مرا تب گرفت و بیدارم نگه داشت. پیامبر (صلى الله عليه وآله) بخاطر بیداری من بیدار ماند، و آن شب را بین من و محل نماز خود به صبح رساند که مقداری نماز می خواند و سپس نزد من می آمد و حال مرا می پرسید و به من توجه می کرد، و تا صبح کارش همین بود. وقتی صبح شد نماز صبح را با اصحابش خواند و سپس فرمود: خدایا، علی (علیه السلام) را شفا و عافیت بده او امشب از دردی که داشت مرا بیدار نگه داشت. با این دعا از بیماری که قبل از آن داشتم خلاص شدم. امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: بعد پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: برادرم، بشارت باد تو را و این سخن را طوری فرمود که اصحابش می شنیدند عرضه داشتم: یا رسول الله، خدا تو را بشارت خیر دهد و مرا فدایت گرداند. فرمود: من از خداوند چیزی نخواستم مگر آنکه به من عطا کرد، و چیزی برای خود نخواستم مگر آنکه مثل آن را برای تو خواستم. من از خدا خواستم که بین من و تو برادری قرار دهد، و چنین کرد، و از او خواستم تو را صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از من قرار دهد، و چنین کرد. (1)

الْأَرْبَعِينَ عَنِ الْخَطِيبِ أَنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) قَالَ يَوْمَ الْخُدَيْدِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَخَذْتَ مِنِّي عُيَيْدَةَ بَنِ الْحَارِثِ يَوْمَ بَدْرٍ وَ حَمْرَةَ بَنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ (علیه السلام) يَوْمَ أُحُدٍ وَ هَذَا عَلَيَّ (علیه السلام) فَلَا تَدْعُنِي (فَرْداً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ) (2)

ص: 137

1- . کتاب سلیم بن قیس الہلالی ج 2 ص 904 الحدیث الستون

2- . الانبیاء آية 89

در روز خندق رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عرضه داشت: خدایا در در بدر عبیده بن حارث و در روز احد حمزه را از دست دادم، و این علی (علیه السلام) است مرا تنها و بی یاور مگذار (وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ) (1)

وَلَمَّا وَرَدَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْمَدِينَةَ، نَزَلَ فِي بَنِي عَمْرِو بْنِ عَوْفٍ بِقَبَاءَ، فَأَرَادَهُ أَبُو بَكْرٍ عَلَى دُخُولِهِ الْمَدِينَةَ وَالْأَصْحَابُ فِي ذَلِكَ، فَقَالَ: مَا أَنَا بِدَاخِلِهَا حَتَّى يَتَقَدَّمَ ابْنُ عَمِّي وَابْنَتِي، يَعْنِي عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَفَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مدینه نزدیک شدند در منطقه ی قبا و میان قبیله ی بنی عمرو بن عوف فرود آمدند. ابوبکر تلاش می کرد تا ایشان را وارد مدینه کند اما حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمودند: تا پسر عمویم (علی (علیه السلام)) و دخترم فاطمه (علیها السلام) به من نرسند به مدینه داخل نمی شوم. (2)

فَرَأَتْ قَالًا حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ الْأَحْمَسِيِّ مُعْنَعًا عَنْ أَبِي ذَرِّ الْعِفَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ [رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ] قَالَ كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ذَاتَ يَوْمٍ فِي مَنْزِلٍ أُمَّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا وَرَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يُحَدِّثُنِي وَأَنَا لَهُ مُسْتَمِعٌ إِذْ دَخَلَ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَلَمَّا أَنْ بَصَرَ [أَبْصَرَ] بِهِ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَشْرَقَ وَجْهُهُ نُورًا وَفَرَحًا وَسُرُورًا بِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ ثُمَّ ضَمَّهُ إِلَى صَدْرِهِ وَقَبَلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ....

ابوذر غفاری می گوید: روزی در منزل ام سلمه مشغول گفتگو با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودم که علی بن ابیطالب (علیه السلام) وارد شد. تا چشمان رسول خدا به علی (علیه السلام) افتاد از شدت شادی چهره اش برافروخته شد سپس او را به سینه چسبانید و میان چشمانش را بوسید.... (3)

ص: 138

- 1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 2 ص 221 فصل في الاختصاص
- 2- . الأُمالي (للطوسي) النص 469 [16] المجلس السادس عشر ح 37
- 3- . تفسير فرات الكوفي ص 371 [سورة الزمر (39): آية 74] ح 503

اللَّهُمَّ فَرِّجْ هَمِّي وَبَرِّدْ كَبِدِي بِخَلِيلِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می فرمودند: خدایا اندوهم را بزداى و جگرم را به دیدن محبوبم على بن ابيطالب(عليه السلام) خنک

ساز(1)

اميرالمومنين صاحب سير پيامبر و من افشائه الامم رار عليه ما روى شيرويه في الفردوس قال ابن عباس قال النبي (صلی الله علیه و آله):

صاحب سيري علي بن أبي طالب(عليه السلام). (2)

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: صاحب سير من على بن ابيطالب(عليه السلام) است

على از آنچه بر رسول خدا نازل ميشد مطلع بود

و بإسناده، عن علي(عليه السلام) قال: سلوني عن كتاب الله (عز و جل)، فوالله ما نزلت آية منه في ليل أو نهار ولا مسير ولا مقام إلا وقد أقرنيها رسول الله(صلی الله علیه و آله) و علمني تأويلها. فقال ابن الكواء: يا أمير المؤمنين، فما كان ينزل عليه و أنت غائب عنه قال: كان يحفظ علي رسول الله(صلی الله علیه و آله) ما كان ينزل عليه من القرآن و أنا عنه غائب حتى أقدم عليه فيقريه، و يقول لي: يا علي(عليه السلام)، أنزل الله علي بعدك كذا و كذا، و تأويله كذا و كذا، فيعلمني تنزيله و تأويله.

اميرالمومنين(عليه السلام) فرمودند: از من درباره ی کتاب خدای عزتمند پرسید که به خدا سوگند آیه ای از آن در شب یا روز یا بر راه و بر

جای فرو نیامده جز آن که

ص: 139

1- . تفسير فرات الكوفي ص 548 [سورة الانشقاق(84): آية 8] ح 703

2- . بحار الأنوار ج 38 ص 300 باب 67 أنه ع كان أخص الناس بالرسول و أحبهم إليه و كيفية معاشرتهما و بيان حاله في حياة الرسول و

فيه أنه ع يذكر متى ما ذكر النبي

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خواندن و تاویل آنرا به من آموخت. در این هنگام ابن کوا عرضہ داشت: ای امیر مومنان! پس چیزی نبوده که بر او نازل شود و شما نزدش نباشی؟ حضرت فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آنچه از قرآن بر او نازل شد برایم حفظ می کرد و وقتی من نزدش نبودم، آن گاه به نزدش می رفتم، به من می آموخت و می فرمود: ای علی! بعد از تو خداوند چنین و چنان به من نازل کرد و تاویلش چنین و چنان است. و وحی و تاویلش را به من می آموخت. (1)

وَعَنْهُ، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمَفْضَلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حَنْصَلِ بْنِ خَثْعَمِ بْنِ الْكُوفَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ السُّدِّيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ الْحَفَرِيُّ، عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ، عَنْ أَخِيهِ أَسَدَ بْنَ لَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ، قَالَ: كَانَ الْوَحْيُ يَنْزِلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

لَيْلًا، فَلَا يُصْبِحُ حَتَّى يُعَلِّمَهُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ يَنْزِلُ الْوَحْيُ نَهَارًا فَلَا يُمَسِّي حَتَّى يُعَلِّمَهُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام)

عبدالله بن حسن بن حسن گفته است: هرگاه وحی بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شبانه فرود می آمد آن حضرت صبح علی (علیه السلام) را از آن آگاه می گرد و هرگاه در روز فرود می آمد پیش از شب او را از آن آگاه می کرد. (2)

وَ بِهَذَا الْإِسْمِ نَادَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْأَشَقَرِ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ أَخِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِذَا نَزَلَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ نَهَارًا لَمْ يَمَسَّ حَتَّى يُخْبِرَ بِهِ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) وَإِذَا نَزَلَ عَلَيْهِ لَيْلًا لَمْ يُصْبِحْ حَتَّى يُخْبِرَ بِهِ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام).

چون در روز وحی به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می رسید شب نشده بود که آن را به علی (علیه السلام) گزارش می داد و اگر شب وحی می رسید صبح نمی کرد تا آن را به علی (علیه السلام) خبر می داد. (3)

ص: 140

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 18 ح 65

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 30 ح 2

3- . الأماي (للصدوق) النص 548 المجلس الحادي و الثمانون ح 21

علی از منست و من از علی هستم قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله):... وَقَوْلُهُ عَلِيٌّ (عليه السلام) مَنِّي وَأَنَا مِنْهُ

رسول خدا (صلى الله عليه وآله): علی (عليه السلام) از منست و من از اویم. (1)

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَنْتَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ.

و به همین اسناد جعابی روایت کرده که علی (عليه السلام) فرمود: مرا رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: تو از منی و من از تو. (2)

و نَقَلْتُ مِنْ مَنَاقِبِ الْخَوَارِزْمِيِّ عَنْ عَبْدِ خَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ أَهْدَيْتَنِي إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) قَتْنُو مَوْزٍ فَجَعَلَ يُقَشِّرُ الْمَوْزَةَ وَيَجْعَلُهَا فِي فَمِي فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ تُحِبُّ عَلِيًّا (عليه السلام) قَالَ أَوْ مَا عَلِمْتَ أَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) مَنِّي وَأَنَا مِنْهُ

و در مناقب خوارزمی منقولست از عبد خیر که او روایت کند از امیرالمؤمنین علی (عليه السلام) که خوشه ای موز برای پیامبر (صلى الله عليه وآله) هدیه آوردند هدیه نزد حضرت رسول (صلى الله عليه وآله) آورد آن حضرت آن موز را از پوست جدا می کرد و به دهان من می نهاد، قائلی گفت: یا رسول الله (صلى الله عليه وآله) به درستی که دوست می داری علی (عليه السلام) را؟ پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: که وای بر تو هنوز نمی دانی که علی (عليه السلام) از منست و من از علی (عليه السلام) (3) أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو عُبَيْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ الْمَرْزُبَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَيْسَى الْمَكِّيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَيْسَى الرَّمْلِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ، عَنْ عَبَايَةَ الْأَسَدِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لِأُمِّ سَلَمَةَ: يَا أُمَّ سَلَمَةَ، عَلِيٌّ (عليه السلام) مَنِّي، وَأَنَا

ص: 141

1- . الأماي للصدوق ص 89 المجلس العشرون ح 20 ح 1.

2- [2] عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 59 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 224

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 96 في محبة الرسول ص إياه و تحريضه على محبته و مولاته و نهيه عن بغضه

مِنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، لَحْمُهُ لَحْمِي، وَ دَمُهُ دَمِي، وَ هُوَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، يَا أُمَّ سَلَمَةَ، اسْمِعِي وَ اسْمِعِي، هَذَا عَلِيٌّ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): ای ام سلمه! علی (علیه السلام) از منست و من از علی (علیه السلام) هستم. گوشت او گوشت من و خون او خون منست و او نسبت به من در جایگاه هارون (علیه السلام) نسبت به موسی (علیه السلام) است. ای ام سلمه! بشنو و گواه باش. علی (علیه السلام) آقا و سرور مسلمان است. (1)

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكَاتِبُ، قَالَ أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّعْفَرَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عُمَانُ بْنُ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ مَهَاجِرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْأَعْلَى، عَنْ زُرِّ بْنِ حُبَيْشٍ، قَالَ: كَانَتْ عَصَابَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) فَذَكَرُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ انْتَهَكُوا مِنْهُ، وَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) قَائِلٌ فِي بَيْتِ بَعْضِ نِسَائِهِ، فَأُتِيَ بِقَوْلِهِمْ فَتَارَ مِنْ نَوْمِهِ فِي إِزَارٍ لَيْسَ عَلَيْهِ غَيْرُهُ، فَصَدَّ نَحْوَهُمْ وَ رَأُوا الْغَضَبَ فِي وَجْهِهِ، فَقَالُوا: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَ غَضَبِ رَسُولِهِ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله). فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله): مَا لَكُمْ وَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)! أَمَا تَدْعُونَ عَلِيًّا، أَلَا إِنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ، مَنْ آذَى عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَدْ آذَانِي، مَنْ آذَى عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَدْ آذَانِي. زربن جیش می گوید: گروهی از قریش در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند پس علی بن ابیطالب (علیه السلام) را یاد کردند و از او بدگویی نمودند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در خانه یکی از همسرانش در خواب قیلوله به سر می بردند. پس سخن قریش به پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید، به سرعت از جا برخاست. و به سوی آنان رفت. قریش خشم را در چهره ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) مشاهده کرد پس عرضه داشتند: از خشم خدا و رسولش به خدا پناه می بریم. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: با علی (علیه السلام) چکار دارید؟ آیا علی (علیه السلام) را رها نمی کنید؟ آگاه

ص: 142

باشید که علی (علیه السلام) از من و من از علی (علیه السلام) هستم. هرکه علی (علیه السلام) را بیازارد مرا آزرده و هرکه علی (علیه السلام) را بیازارد مرا آزرده. (1)

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِي هَارُونَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: عَلِيُّ (علیه السلام) مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ. فَقَالَ جَبْرِئِيلُ (علیه السلام): يَا مُحَمَّدُ (صلی الله علیه و آله)، وَ أَنَا مِنْكُمْ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: علی (علیه السلام) از من است و من از علی (علیه السلام) هستم. پس جبرئیل (علیه السلام) عرضه داشت: ای محمد! من نیز از شمایم. (2)

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى الْقَيْسِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ يَزِيدَ الطَّائِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ طَرِيفٍ الْحَنْظَلِيُّ، عَنْ عَطِيَّةَ بْنِ سَعْدِ الْعَوْفِيِّ، عَنْ مَخْدُوجِ بْنِ زَيْدِ الذُّهَلِيِّ، وَ كَانَ فِي وَفْدِ قَوْمِهِ إِلَى النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله)

تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ (لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ) قَالَ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ قَالَ:

مَنْ أَطَاعَنِي وَ سَلَّمَ لِهَذَا مِنْ بَعْدِي. قَالَ: وَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله)

بِكَفِّ عَلِيِّ (علیه السلام)

وَ هُوَ يَوْمئِذٍ إِلَى جَنبِهِ فَرَفَعَهَا، وَ قَالَ: أَلَا إِنَّ عَلِيًّا (علیه السلام) مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، فَمَنْ حَادَهُ فَقَدْ حَادَنِي، وَ مَنْ حَادَنِي فَقَدْ أَسْحَطَ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ). ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ، حَرْبُكَ حَرْبِي، وَ سِلْمُكَ سِلْمِي، وَ أَنْتَ الْعَلَمُ بَيْنِي وَ بَيْنَ أُمَّتِي.

از مخدوج ذهلی که در میان هیاتی از قومش به سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده بود روایت شد که آن حضرت این آیه را خواند (لا یستوی أصحاب النار و أصحاب الجنة) (3) دوزخیان و بهشتیان برابر نیستند، بهشتیان رستگارانند.

ص: 143

1- . الأما لی (للطوسی) المجلس 5 ح 28

2- . الأما لی (للطوسی) المجلس 10 ح 42

3- . الحشر آیه 20

من عرضه داشتم: بهشتیان چه کسانی هستند؟ ایشان فرمودند: کسانی که از من اطاعت کنند و پس از من این مرد را بپذیرند. و دست علی (علیه السلام) را که در کنارش بود بلند کردند و فرمودند: هان که علی (علیه السلام) از من است و من از او هستم. هرکه با او مخالفت کند با من مخالفت کرده و هرکه با من مخالفت کند، خداوند عزتمند را خشمگین کرده است. آنگاه فرمودند: ای علی! جنگ با تو جنگ با من و صلح با تو صلح با من است. و تو نشانه ی میان من و امت هستی. عطیه بن سعد کوفی یکی از روایان حدیث گفته است: من به منزل زید ارقم رفتم و حدیث مخدوج بن یزید را برایش گفتم. او گفت گمان نمی کنم کسی جز من مانده باشد که آن را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیده باشد و روایت کند، من گواهی می دهم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را به ما فرمودند. سپس گفت: کسانی بودند که این سخن را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدند و با این همه با علی (علیه السلام) مخالفت کردند. (1) امیرالمومنین

شاهد بر پیامبر

قَوْلُهُ تَعَالَى (أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ) قَالَ عَبَّادُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَسَدِيُّ سَمِعْتُ عَلِيًّا (عليه السلام) يَقُولُ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ مَا مِنْ رَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ إِلَّا وَقَدْ نَزَلَتْ فِيهِ آيَةٌ أَوْ آيَتَانِ فَقَالَ رَجُلٌ مِمَّنْ تَحْتَهُ فَمَا نَزَلَ فِيكَ أَنْتَ فَعَضِبَ ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنَّكَ لَوْ لَمْ تَسْأَلْنِي عَلَى رُءُوسِ الْقَوْمِ مَا حَدَّثْتُكَ وَيَحْكُ هَلْ تَقْرَأُ سُورَةَ هُودٍ ثُمَّ قَرَأَ عَلِيٌّ (عليه السلام) (أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ) رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) عَلِيٌّ وَ أَنَا الشَّاهِدُ مِنْهُ.

ص: 144



در باره ی آیه (أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ) (1) عبّاد بن عبد الله اسدی می گوید: از علی (علیه السلام) شنیدم که بر منبر می گفت: مردی از قریش نیست که يك یا دو آیه در حق او نازل نشده باشد. مردی که پای منبر نشسته بود گفت: در حق تو چه نازل شده است؟ حضرت خشمگین شد و فرمود: اگر تو این را در برابر سران قوم نمی پرسیدی به تو نمی گفتم: وای بر تو، آیا در سوره هود خوانده ای که (أ)

فَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ) پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر بینه است و من شاهد بر او. (2)

و بهذا الإسناد، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنَّهُ كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَخْطُبُ عَلَى الْمِنْبَرِ، فَقَالَ: وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأ النَّسَمَةَ، مَا مِنْ رَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ جَرَتْ عَلَيْهِ الْمَوَاسِي إِلَّا وَقَدْ نَزَلَتْ فِيهِ آيَةٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ)، أَعْرِفُهَا كَمَا أَعْرِفُهُ. فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ:

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا آيَتِكَ الَّتِي نَزَلَتْ فِيكَ فَقَالَ: إِذَا سَأَلْتَ فَافْهَمْ وَلَا عَلَيْكَ إِلَّا تَسْأَلَ عَنْهَا غَيْرِي، أَفَرَأَتَ سُورَةَ هُودٍ قَالَ:

نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. قَالَ: فَسَمِعْتَ

اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) يَقُولُ: (أ)

فَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ) قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَالَّذِي عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله) رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِي يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ، وَهُوَ الشَّاهِدُ وَهُوَ مِنْهُ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، وَأَنَا الشَّاهِدُ، وَأَنَا مِنْهُ

امیرالمومنین (علیه السلام) در خطبه ی نماز جمعه فرمود: سوگند به کسی که دانه را شکافت و جنبندگان را آفرید، کسی از قریش نیست که بر او ستمی روا شده باشد مگر آن که درباره ی او آیه ای نازل شده. شخصی پرسید: ای امیرالمومنین. آیه ای که درباره ی شما نازل شده کدام است؟ حضرت فرمودند: چون پرسیدی بفهم. و اشکالی ندارد که جز از من نپرسی. آیا سوره ی هود را خوانده ای؟ عرضه داشت: بله. حضرت فرمود: پس شنیده ای که خدای عزوجل می فرماید (أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ

ص: 145

1- . هود آیه 11

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 315 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

شاهد منه<sup>(1)</sup> آیا کسی که دلیل روشنی از جانب پروردگارش داشت و به دنبال آن شاهی از خود داشت او عرضه داشت: بله. حضرت فرمود: کسی که دلیلی روشن از جانب پروردگار داشت، محمد(صلی الله علیه و آله) رسول خدا بود و کسی که به دنبالش شاهد او بود که گواه اوست و از اوست علی(علیه السلام) پسر ابوطالب است. شاهد منم و من از اویم. <sup>(2)</sup>

خدایا مرا نمیران تا علی را ببینم

و مِنْهُ عَنْ أُمِّ عَطِيَّةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بَعَثَ عَلِيًّا (عليه السلام) فِي سَرِيَّةٍ قَالَتْ فَرَأَيْتُهُ رَافِعًا يَدَيْهِ يَقُولُ اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّنِي حَتَّى تُرِيَنِي عَلِيًّا (عليه السلام) هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ أَخْرَجَهُ أَبُو عِيْسَى مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى التَّرْمِذِيُّ صَحِيحُهُ: وَ مِثْلُهُ مِنْ كِتَابِ الْيَوَاقِيْتِ لِأَبِي عَمْرٍو الرَّاهِدِ إِلَّا أَنْ فِيهِ حَتَّى تُرِيَنِي وَجَهَ عَلِي (عليه السلام)

و از ام عطیه روایت است که رسول الله(صلی الله علیه و آله) امیر المؤمنین را(علیه السلام) در سریه به جنگ کفار فرستاده بود من دیدم که آن حضرت دست های مبارک به دعا برداشته بود که: بار خدایا نمیران مرا تا ببینم علی(علیه السلام) را و مثل این در کتاب یواقیت مذکور است با این تفاوت که فرمود: تا ببینم روی علی(علیه السلام) را. <sup>(3)</sup>

دوری و فراق یکدیگر را تحمل نمیکردند

وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام)

قَالَ كُنْتُ أَنَا وَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِي الْمَسْجِدِ بَعْدَ أَنْ صَلَّى الْفَجْرَ ثُمَّ نَهَضَ وَ نَهَضْتُ مَعَهُ وَ كَانَ

ص: 146

1- . هود آية 17

2- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 13 ح 51

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 103 في محبة الرسول إياه و تحريضه على محبته و مولاته و نهيه عن بغضه

إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَّجِعَ إِلَى مَوْضِعٍ أَعْلَمَنِي بِذَلِكَ وَكَانَ إِذَا أَبْطَأَ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ صِرْتُ إِلَيْهِ لِأَعْرِفَ خَبْرَهُ لِأَنَّهُ لَا يَتَصَابَرُ قَلْبِي عَلَى فِرَاقِهِ سَاعَةً وَاحِدَةً...

حضرت صادق (علیه السلام) به واسطه پدران گرامش نقل نموده که حضرت علی (علیه السلام) فرمود: در خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از ادای نماز صبح در مسجد نشسته بودم که آن حضرت برخاسته و حرکت نمودند و من نیز با آن حضرت روانه شدم، و رسم آن حضرت این بود که به هر جایی که می خواستند بروند مرا مطلع می فرمودند، و هر گاه توقف در آن محل طول می کشید من به آنجامی رفتم تا ببینم چه خبر شده، زیرا قلب من حتی برای زمانی کوتاه فراق و دوری آن حضرت را طاقت نمی آورد.... (1)

رسول خدا در آغوش امیرالمومنین از دنیا رفت

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلِيمَانَ بْنِ بَرِيْعٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسْلِمِ الْمَلَائِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَلْقَمَةَ وَالْأَسْوَدِ، عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَمَّا حَضَرَهُ الْمَوْتُ: ادْعُوا لِي حَبِيبِي. فَقُلْتُ لَهُمْ: ادْعُوا لَهُ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ، فَوَاللَّهِ مَا يُرِيدُ غَيْرَهُ، فَلَمَّا جَاءَهُ فَرَجَ الثُّوبِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ ثُمَّ أَدْخَلَهُ فِيهِ، فَلَمْ يَزَلْ يَحْتَضِيْنُهُ حَتَّى قُبِضَ وَ يَدُهُ عَلَيْهِ.

عایشه: هنگامی که زمان رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرا رسید فرمود: دوستم را نزد من بخوانید. پس به اطرافیان حضرت گفتم: فرزند ابوطالب (علیه السلام) را فرا خوانید به خدا سوگند! جز او را نمی طلبد. پس هنگامی که علی (علیه السلام) به نزد پیامبر آمد پارچه ای

ص: 147

را که بر خود بود بر علی(علیه السلام) گشود و علی(علیه السلام) را داخل آن ساخت پس هم چنان علی(علیه السلام) را در آغوش داشت تا از دنیا رفت در حالی که در آغوش علی(علیه السلام) بود. (1)

رسول خدا را امیرالمومنین غسل کرده و کفن نموده و دفن نمودند قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو نَصْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُقْرِي البَصِيرُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدِ الْقُرَشِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ لَمَّا تُوفِّي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) تَوَلَّى غُسْلَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَالْعَبَّاسُ مَعَهُ وَالْفَضْلُ بْنُ الْعَبَّاسِ فَلَمَّا فَرَغَ عَلِيُّ (عليه السلام) مِنْ غُسْلِهِ كَشَفَ الْإِرَارَ عَنْ وَجْهِهِ ثُمَّ قَالَ يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي طَبِيتَ حَيًّا وَطَبِيتَ مَيِّتًا انْقَطَعَ بِمَوْتِكَ مَا لَمْ يَنْقَطِعْ بِمَوْتِ أَحَدٍ مِمَّنْ سِوَاكَ مِنَ النَّبِيِّ وَالْإِنْبَاءِ خَصَّصْتَ حَتَّى صِرْتَ مُسَلِّمًا عَمَّنْ سِوَاكَ وَعَمَمْتَ حَتَّى صَارَ النَّاسُ فِيكَ سِوَاءً وَلَوْ لَا أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالصَّبْرِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْجَزَعِ لَأَنفَدْنَا عَلَيْكَ مَاءَ الشُّنُونِ وَ لَكِنْ مَا لَا يُرْفَعُ كَمَدٌ وَ غُصَّصَ مَحَالِفَانِ وَ هُمَا دَاءُ الْأَجْلِ وَقَالَ لَكَ يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي اذْكُرْنَا عِنْدَ رَبِّكَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ هَمِّكَ ثُمَّ أَكَبَّ عَلَيْهِ فَقَبَّلَ وَجْهَهُ وَ مَدَّ الْإِرَارَ عَلَيْهِ

عبد الله بن عباسگوید: چون رسول خدا(صلى الله عليه وآله) وفات یافت کار غسل او را امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) به دست گرفت و عباس و پسرش: فضل نیز با آن حضرت بودند، چون علی(علیه السلام) از غسل پیامبر(صلى الله عليه وآله) فراغت یافت کفن از چهره مبارک حضرتش کنار زد و گفت: پدر و مادرم فدایت، پاکیزه زیستی و پاکیزه بدرود حیات

ص: 148

گفتی، با مرگ تو چیزی از ما بریده شد که با مرگ هیچ يك از انبیاء گذشته بریده نشده و آن نبوت و اخبار آسمانی است، مصیبت تو از طرفی به اندازه ای بزرگ است که با این مصیبت ویژه ات تسلی بخش مصیبت هر کس دیگری هستی، و از طرفی نیز بر تمامی مردم سایه افکنده است به طوری که همه در این غم شریک اند، و اگر به صبر و پایداری فرمان نداده و از بی تابی و ناشکیبائی نهی نفرموده بودی هر آینه اشک دیده مان را در این راه با گریه فراوان می خشکاندیم پدر و مادرم فدایت ما را به نزد خدایت یاد آر و ما را وجهه همت خود دار. سپس خود را به روی بدن آن حضرت انداخت و صورتش را بوسید و کفن را به رویش کشید. (1)

دعاهای پیامبر در حق علی

أَخْبَرَنَا أَبُو عُمَرَ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مِزْرَانَ، قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي طَاهِرُ بْنُ مِزْرَانَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُعَاوِيَةُ بْنُ مَيْسَرَةَ بْنِ شُرَيْحٍ، قَالَ حَدَّثَنِي الْحَكَمُ بْنُ عُتَيْبَةَ، وَ سَلَمَةُ بْنُ كَهَيْلٍ، قَالَا: حَدَّثَنَا حَبِيبٌ وَ كَانَ إِسْكَافًا فِي بَيْتِي بَدِيٍّ، وَ أَتَنِي عَلَيْهِ خَيْرًا أَنَّهُ سَمِعَ زَيْدَ بْنَ أَرْقَمَ يَقُولُ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ، فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ (عليه السلام) مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ.

رسول خدا (صلى الله عليه و آله) در روز عید غدیر برایمان خطبه خواند و فرمود: هر که من صاحب اختیار اویم پس علی (عليه السلام) صاحب اختیار اوست، خداوندا هر که او را یاری کند، یاری کن، و با هر که با او دشمنی کند، دشمنی کن. (2)

ص: 149

1- . الأُمالي (للمفيد) النص 102 المجلس الثاني عشر ح 4

2- . الأُمالي (للطوسي) النص 254 [9] المجلس التاسع ح 48

وَعَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ وَجِعْتُ وَجَعًا فَأَتَيْتُ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) فَأَتَانِي فِي مَكَانِهِ وَقَامَ يُصَلِّي فَأَلْقَى عَلَيَّ طَرْفَ تَوْبِهِ فَصَلَّى مَا سَاءَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَدْ بَرَأْتَ فَلَا بَأْسَ عَلَيْكَ مَا سَأَلْتُ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا وَ سَأَلْتُ لَكَ مِثْلَهُ وَلَا سَأَلْتُ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَانِيهِ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

علی (علیه السلام) فرمود: به بیماری شدیدی مبتلا گردیدم برای طلب شفا و دعای آن حضرت به منزل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفتم. وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رنجوری مرا مشاهده نمود، مرا در جای خویش خواباند و گوشه ای از لباس خود را روی من کشید و خود به نماز مشغول شد، پس از گذشت زمانی که در عبادت گذرانید، به من فرمود: ای پسر ابیطالب (علیه السلام) خداوند تو را شفا عنایت نمود و از این به بعد هیچ نگرانی وجود ندارد، زیرا هر چه برای خودم از خداوند طلب کردم مانند همان نیز، برای تو از خداوند خواستم و همه خواسته هایم برآورده شد، مگر مسأله نبوت که بعد از من پیامبری نخواهد آمد. (1)

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَفَّانَ، قَالَ حَدَّثَنَا عُبيدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، قَالَ حَدَّثَنَا هَانِئُ بْنُ أَيُّوبَ، عَنْ طَلْحَةَ بْنِ مُصَرِّفٍ، عَنْ عَمِيرَةَ بْنِ سَعْدٍ: أَنَّهُ سَمِعَ عَلِيًّا (عليه السلام) فِي الرَّحْبَةِ يَنْشُدُ النَّاسَ: مَنْ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ (عليه السلام) مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ فَعَادَهُ عَشْرَ فَشْهَدُوا.

عمیره بن سعد: شنیدم که علی (علیه السلام) در میان جمعیت، مردم را سوگند می دهد و می فرماید: چه کسی شنیده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که من مولا و صاحب اختیار اویم علی (علیه السلام) مولا و صاحب اختیار اوست. خداوندا! گرامی بدار هر که او را گرامی دارد و دشمن دار هر که با او دشمنی کند؟ پس چند ده نفری برخاستند و گواهی دادند. (2)

ص: 150

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 152 في بيان أنه ع أفضل الأصحاب .....

2- . الأمالي (للطوسي) المجلس 10 ح 47

أَخْبَرَنَا ابْنُ الصَّلْتِ، قَالَ أَخْبَرَنَا ابْنُ عُقْدَةَ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ سَلِيمَانَ، قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ (عليه السلام) مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: هرکه من مولای اویم علی (عليه السلام) مولای اوست. خداوندا گرامی دار هرکه او را گرامی دارد و دشمن دار هرکها او دشمنی کند و خوار ساز هرکه او را خوار نماید و یاری کن هرکه او را یاری کند. (1)

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَفْصٍ عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الزِّيَّاتِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامِ الْإِسْكَافِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ ابْنِ مُسَدَّكَانَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا نَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بَطْنَ قُدَيْدٍ قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام): يَا عَلِيُّ، إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يُوَالِيَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَفَعَلَ، وَسَأَلْتُهُ أَنْ يَجْعَلَكَ وَصِيًّا لِي فَفَعَلَ. فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: وَاللَّهِ لَصَاعٌ مِنْ تَمْرٍ فِي شَنْ بَالٍ خَيْرٌ مِمَّا سَأَلَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) رَبَّهُ، هَلَّا سَأَلَهُ مَلَكًا يَعْصِدُهُ عَلَى عَدُوِّهِ، أَوْ كَنْزًا يَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى فَاقَتِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ (تعالى): (فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ) (2)

ص: 151

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 12 ح 44

2- . هود آية 12

امام صادق(علیه السلام) می فرماید: هنگامی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در بطن قدید (موضعی در نزدیکی مکه) فرود آمد به علی بن ابیطالب(علیه السلام) فرمود: ای علی! من از خدا خواستم که میان من و تو دوستی برقرار کند و خدا این چنین کرد. و از او خواستم، که میان من و تو برادری برقرار کند و این چنین کرد و از او خواستم تو را جانشین من قرار دهد و این چنین کرد. پس مردی از آن جماعت گفت: به خدا قسم! یک پیمانۀ از خرما در مشکی کهنه و پوسیده بهتر از آن چیزی است که محمد(صلی الله علیه و آله) از پروردگارش درخواست نمود. چرا فرشته ای را درخواست نکرده که او را بر دشمنش یاری دهد و یا گنجی نطلبیده که برای فقر و بیچارگی خود از او کمک گیرد؟ پس خداوند بلند مرتبه این آیه را فرستاد (فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَ ضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ)(1)

جز درب خانه علی باقی دربها را ببند

وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سُدُّوا الْأَبْوَابَ الشَّارِعَةَ فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ (علیه السلام)

جعابی به همین اسناد: از امیر مؤمنان(علیه السلام) روایت کرده رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: تمام درب هائی که از منازل به مسجد باز است ببندید جز باب علی(علیه السلام) را.(2)

ص: 152

1- . الأما لی (للطوسی) المجلس 4 ح 18

2- [2]. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج 2 ص 67 باب 31 باب فیما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 302



فَرَوَاهُ صَدْرُ الْأَيْمَةِ مُوَفَّقُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَكِّيُّ أَخْطَبُ خُوَارِزْمٍ عَنِ الْمُهَذَّبِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ نَصْرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ زَيْدِ بْنِ الْمُقَرَّبِيِّ أَخْبَرَنَا وَالِدِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدٌ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّانِجِيُّ الْبَغْدَادِيُّ مِنْ حِفْظِهِ بِدِينُورَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمَيْدِ الرَّازِيِّ حَدَّثَنَا الْعَلَاءُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْهَمْدَانِيُّ حَدَّثَنَا أَبُو مَخْنَفٍ لُوطُ بْنُ يَحْيَى الْأَزْدِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ سئِلَ بِأَيِّ لُغَةٍ خَاطَبَكَ رَبُّكَ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ قَالَ خَاطَبَنِي بِلُغَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَأَلْهَمَنِي أَنْ قُلْتُ يَا رَبَّ خَاطَبْتَنِي أَنْتَ أَمْ عَلِيٌّ فَقَالَ يَا أَحْمَدُ أَنَا شَيْءٌ لَا كَالْأَشْيَاءِ لَا أَقَاسُ بِالنَّاسِ وَلَا أُوصَفُ بِالشُّبُهَاتِ خَلَقْتَكُ مِنْ نُورِي وَ خَلَقْتُ عَلِيًّا مِنْ نُورِكَ فَاطَّلَعْتُ عَلَى سَرَائِرِ قَلْبِكَ فَلَمْ أَجِدْ فِي قَلْبِكَ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَخَاطَبْتُكَ بِلِسَانِهِ كَيْمَا يَطْمَئِنُّ قَلْبُكَ

از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) سؤال شد که در شب معراج، خداوند با چه زبانی با تو سخن گفت؟ حضرت رسول (صلى الله عليه وآله) فرمود: با زبان علی بن ابی طالب (عليه السلام) بعد هم به من الهام فرمود و گفتم: خداوند! مرا خطاب می فرماید یا علی (عليه السلام) را؟ خطاب آمد: ای احمد! من مانند سایر اشیا نبوده و با مردم قیاس نشوم تو را از نور خود خلق کرده و علی (عليه السلام) را هم از نور تو آفریدم و به اسرار قلبت آگاهم. و در قلب تو کسی را محبوب تر از علی (عليه السلام) نیافتم. این بود که من با زبان او با تو حرف زدیم تا قلبت آرام بگیرد. (1)

ص: 153

1- . الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف ج 1 ص 155 في أنه ع كان أقرب الناس برسول الله ح 242.

حَدَّثَنِي بِهِ مِنْ طَرِيقِ الْعَامَّةِ الشَّيْخِ الْفَقِيهِ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَاذَانَ الْقَمِّيَّ وَنَقَلْتُهُ مِنْ كِتَابِهِ الْمَعْرُوفِ بِإِبْصَاحِ دَفَائِقِ النَّوَاصِبِ وَقَرَأْتُهُ عَلَيْهِ بِمَكَّةَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ سَنَةَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَأَرْبَعِمِائَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مَسْرُورٍ اللَّجَّامُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلَوِيَّةَ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْأَسْوَدِ الْكَاتِبِ الْأَصَمِّ بَهَانِي قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ قَالَ حَدَّثَنِي جَرِيرُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ مَا مَرَرْتُ بِمَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا سَأَلُونِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّ اسْمَ عَلِيٍّ أَشَدُّ هَرَفِي السَّمَاءِ مِنْ اسْمِي فَلَمَّا بَلَغْتُ السَّمَاءَ الرَّابِعَةَ نَظَرْتُ إِلَى مَلِكِ الْمَوْتِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا إِلَّا أَقْبَضُ رُوحَهُ بِيَدِي مَا خَلَا أَنْتَ وَعَلِيٌّ (عليه السلام) فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يُقْبِضُ أَرْوَاحَكُمْ بِقُدْرَتِهِ فَلَمَّا صِرْتُ تَحْتَ الْعَرْشِ نَظَرْتُ فَإِذَا أَنَا بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) لَيْسَ هَذَا عَلِيًّا (عليه السلام) وَكَفَيْتَهُ مَدَّكَ مِنْ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَنِ خَلَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيَّ صُورَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَنَحْنُ الْمَلَائِكَةُ

الْمُقَرَّبُونَ كُلَّمَا اسْتَفْتَنَا إِلَى وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

طَالِبٍ (عليه السلام) زُرْنَا هَذَا الْمَلِكَ لِكِرَامَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ

پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) وقتی به معراج رفت در آسمان فرشته ای را دید به صورت امیر المؤمنین (عليه السلام) این خبر را دو فریق (سنی و شیعه) اتفاق بر نقلش نموده اند. ابن عباس گفت از پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) شنیدم می فرمود: وقتی مرا به آسمان بردند به هیچ گروهی از ملائکه گذر نکردم مگر اینکه از من راجع به علی بن ابی طالب (عليه السلام) می پرسیدند به طوری که من گمان کردم اسم علی (عليه السلام) در آسمان مشهورتر از اسم من

است. به آسمان چهارم که رسیدم چشمم به ملك الموت (علیه السلام) افتاد عرضه داشت: خداوند آفریده ای را نیافریده مگر اینکه روح او را من قبض می کنم مگر روح شما و علی (علیه السلام) زیرا خداوند روح شما را به قدرت خویش قبض می نماید. وقتی به زیر عرش رسیدم نگاه کردم دیدم علی بن ابی طالب (علیه السلام) زیر عرش پروردگار ایستاده گفتم یا علی (علیه السلام) از من جلوتر آمده ای؟ جبرئیل (علیه السلام) عرضه داشت: یا محمد! این چه کسی است که با تو صحبت می کند؟ گفتم: برادرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) است گفت: این علی (علیه السلام) نیست این یکی از فرشتگان خدا است که او را به صورت علی بن ابی طالب (علیه السلام) آفریده ما ملائکه مقرب هر وقت مشتاق دیدار علی بن ابی طالب (علیه السلام) می شویم این فرشته را زیارت کنیم به جهت عظمت مقام علی بن ابی طالب (علیه السلام). (1)

وَمِنْهُ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ فَإِذَا أَنَا بِمَلَكٍ جَالِسٍ عَلَى مِنْبَرٍ مِنْ نُورٍ وَالْمَلَائِكَةُ تُحَدِّقُ بِهِ فَقُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ مَنْ هَذَا الْمَلَكُ قَالَ أَدْنُ مِنْهُ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَدَنَوْتُ مِنْهُ وَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَإِذَا أَخِي وَابْنُ عَمِّي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) فَقُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ سَلِّمْ عَلَيَّ إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ لَا وَلَكِنَّ الْمَلَائِكَةَ شَكَّتْ حُبَّهَا لِعَلِيِّ فَخَلَقَ اللَّهُ هَذَا الْمَلَكَ مِنْ نُورٍ عَلَى صُورَةِ عَلِيِّ فَالْمَلَائِكَةُ تَزُورُهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ وَيَوْمَ جُمُعَةٍ

سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ وَيُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَيَقْدِسُونَهُ وَيَهْدُونَ ثَوَابَهُ لِمُحِبِّ عَلِيِّ (علیه السلام)

و هم از مناقب ابن مغزالی است که روایت کرد از انس که پیغمبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: که آن شب که مرا به معراج بردند در آنجا فرشته ای دیدم نشسته بر منبر که از نور است و فرشتگان بسیار بر وی ناظرند پس گفتم: یا جبرئیل! این چه ملك است؟ جبرئیل (علیه السلام) گفت: نزدیک شوبه او و بر او سلام کن، من نزدیک رفتم و بر او سلام کردم دیدم که برادر و ابن عم من علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، گفتم: یا جبرئیل

ص: 155

علی (علیه السلام) بر من سبقت کرده است بر آسمان چهارم؟ جبرئیل (علیه السلام) عرضه داشت: یا محمد! سبقت نکرده و لیکن ملائکه ملاء اعلیٰ به واسطه شدت محبتی که به امیرالمؤمنین (علیه السلام) دارند از حق تعالی التماس نمودند که می خواهیم او را ببینیم، حق سبحانه و تعالیٰ این ملک را خلق کرد از نور به صورت علی (علیه السلام) که ملائکه زیارت می کنند او را در هر شب جمعه و روزجمعه هفتاد هزار بار، و تسبیح و تقدیس حق جل و علا می نمایند، و ثواب آن را هدیت می کنند بر محبان و دوستان علی (علیه السلام). (1)

أَخْبَرَنَا ابْنُ الصَّلْتِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا ابْنُ عُقْدَةَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الْهَاشِمِيُّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَالِكِ بْنِ الْأَبَرْدِ النَّخَعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ فَضِيلِ بْنِ غَزْوَانَ الصَّبِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا غَالِبُ الْجُهَنِيُّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَمَّا أَسْرَى بِي إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، أَوْقَفْتُ بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّي فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ. فَقُلْتُ: لَبَّيْكَ رَبِّي وَسَعْدَيْكَ. قَالَ: قَدْ بَلَوْتُ خَلْقِي، فَأَيُّهُمْ وَجَدْتَ أَطْوَعَ لَكَ قَالَ: قُلْتُ: رَبِّ عَلِيًّا. قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ، فَهَلِ اتَّخَذْتَ لِنَفْسِكَ خَلِيفَةً يُودِّي عَنْكَ، وَيُعَلِّمُ عِبَادِي مِنْ كِتَابِي مَا لَا يَعْلَمُونَ قَالَ: قُلْتُ: اخْتَرْتُ لِي، فَإِنَّ خَيْرَتَكَ خَيْرٌ لِي. قَالَ: قَدْ اخْتَرْتُ لَكَ عَلِيًّا، فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيفَةً وَوَصِيًّا، فَإِنِّي قَدْ نَحَلْتُهُ عِلْمِي وَحِلْمِي وَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا، لَمْ يَقُلْهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا أَحَدٌ بَعْدَهُ. يَا مُحَمَّدُ، عَلِيٌّ زَايَةُ الْهُدَى، وَإِمَامٌ مَنْ أَطَاعَنِي، وَنُورٌ أَوْلِيَّائِي، وَهُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلَزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ، مَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ أَبْغَضَنِي، فَبَشِّرْهُ بِذَلِكَ يَا مُحَمَّدُ. فَقَالَ النَّبِيُّ: رَبِّ فَقَدْ بَشَّرْتُهُ. فَقَالَ عَلِيٌّ: أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَفِي قَبْضَتِهِ إِنْ يُعَذِّبُنِي فَبِذُنُوبِي، لَمْ يَظْلِمْنِي شَيْئًا،

ص: 156

وَإِنْ يُتِمَّ لِي مَا وَعَدَنِي فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِي. فَقَالَ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبَهُ وَاجْعَلْ رِبْعَهُ الْإِيمَانَ بِكَ. قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ ذَلِكَ بِهِ يَا مُحَمَّدُ، غَيْرَ أَنِّي مُخْتَصَّ بِهِ مِنْ الْبَلَاءِ لَمْ أُخْتَصَّ بِهِ أَحَدًا مِنْ أَوْلِيَائِي. قَالَ: قُلْتُ: رَبُّ أَخِي وَصَاحِبِي. قَالَ: إِنَّهُ قَدْ سَبَقَ فِي عِلْمِي

أَنَّهُ مُبْتَلَىٰ وَ مُبْتَلَىٰ بِهِ، لَوْ لَا عَلَيَّ لَمْ يُعْرِفْ حَزْبِي وَلَا أَوْلِيَائِي وَلَا أَوْلِيَائِ رُسُلِي

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: وقتی مرا به آسمان بردند تا سدره المنتهی که رسیدم و در مقابل پروردگار ایستادم. فرمود: یا محمد! عرضه داشتم: آری. فرمود: تو مردم را آزمایش کرده ای کدام یک بیشتر پیرو تو بودند عرضه داشتم: خدایا علی(علیه السلام)، فرمود: درست است آیا برای خود جانشینی گرفته ای که دنباله مأموریت تو را بگیرد و کتاب مرا به مردم بیاموزد عرضه داشتم: نه، خدایا تو انتخاب کن که منتخب تو به صلاح من است فرمود: من علی(علیه السلام) را برگزیدم او را جانشین و وصی خود قرار ده من علم و حلم خویش را به او بخشیدم او به حقیقت امیر المؤمنین است و این مقام را کسی قبل از او نداشته و بعد از او نخواهد داشت، یا محمد! علی(علیه السلام) پرچم هدایت و پیشوای فرمانبرداران و روشنی بخش دل دوستان و او کلمه تقوی است که بر متقین محبت او را واجب نموده ام هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته این بشارت را به او بده. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) این بشارت را به علی(علیه السلام) داد علی(علیه السلام) فرمود: من بنده خدا و در اختیار اویم اگر مرا کیفر کند از خطای من است نه اینکه ستم به من روا داشته باشد و اگر وعده خود را انجام دهد او شایسته چنین کاری است نسبت به من. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) عرضه داشت: خدایا دل او را بزرگ دار و ایمان به خود را روشنی بخش دلش قرار ده فرمود: این خواسته تو را مستجاب کردم جز اینکه او را امتیاز بخشیدم به گرفتاری هایی که هیچ یک از اولیاء خود را چنین امتیازی نداده ام عرضه داشتم: خدایا برادر و مصاحب من است. فرمود:

در علم من چنین گذشته که او گرفتار خواهد شد اگر علی (علیه السلام) نبود دوستان من و پیامبرم شناخته نمی شدند. (1)

وَعَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُوسَوِيُّ فِي دَارِهِ بِمَكَّةَ سَنَةَ ثَمَانٍ وَعِشْرِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُؤَدَّبِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ نَهْيِكِ الْكُوفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ رَبَاطٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ: يَا عَلِيُّ، إِنَّهُ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ تَلَقَّتَنِي الْمَلَائِكَةُ بِالْإِشَارَاتِ فِي كُلِّ سَمَاءٍ حَتَّى لَقِنِي جَبْرَائِيلُ فِي مَحْفَلٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، لَوْ اجْتَمَعَتْ أُمَّتُكَ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ، مَا خَلَقَ اللَّهُ النَّارَ. يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ أَشْهَدُكَ مَعِي فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ حَتَّى أَنْسُتُ بِكَ: أَمَّا أَوَّلُ ذَلِكَ: فَلَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ، قَالَ لِي جَبْرَائِيلُ: أَيُّنَ أَخُوكَ يَا مُحَمَّدُ فَقُلْتُ: يَا جَبْرَائِيلُ، خَلَفْتَهُ وَرَائِي. فَقَالَ: ادْعُ اللَّهَ فَلْيَأْتِكَ بِهِ، فَدَعَوْتُ اللَّهَ فَإِذَا مِثَالُكَ مَعِي، وَإِذَا الْمَلَائِكَةُ قُوفٌ صُفُوفًا، فَقُلْتُ: يَا جَبْرَائِيلُ، مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يُبَاهِي اللَّهُ بِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَدَنَوْتُ فَتَطَّقْتُ بِمَا كَانَ وَبِمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَالثَّانِي: حِينَ أُسْرِيَ بِي إِلَى ذِي الْعَرْشِ فَقَالَ لِي جَبْرَائِيلُ: أَيُّنَ أَخُوكَ يَا مُحَمَّدُ فَقُلْتُ: خَلَفْتَهُ وَرَائِي. قَالَ: ادْعُ اللَّهَ فَلْيَأْتِكَ بِهِ، فَدَعَوْتُ اللَّهَ فَإِذَا مِثَالُكَ مَعِي، وَكُشِطَ لِي عَنْ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ حَتَّى رَأَيْتُ سُكَّانَهَا وَعُمَارَهَا وَمَوْضِعَ كُلِّ مَلِكٍ مِنْهَا.

ص: 158

وَ الثَّالِثُ: حَيْثُ بُعِثَ لِجِنِّ فَقَالَ لِي جَبْرَيْلُ أَيْنَ أَحْوَكُ فَقُلْتُ: خَلْفَتُهُ وَرَائِي. فَقَالَ: ادْعُ اللَّهَ فَلْيَأْتِكَ بِهِ، فَدَعَوْتُ اللَّهَ

فَإِذَا أَنْتَ مَعِي، فَمَا قُلْتُ لَهُمْ شَيْئاً وَلَا رَدُّوا عَلَيَّ شَيْئاً إِلَّا سَمِعْتُهُ وَوَعَيْتُهُ.

وَ الرَّابِعُ: خُصِّصْنَا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَأَنْتَ مَعِي فِيهَا، وَ لَيْسَتْ لِأَحَدٍ غَيْرِنَا.

وَ الخَامِسُ: نَاجَيْتُ اللَّهَ وَ مِثَالِكَ مَعِي، فَسَأَلْتُ فِيكَ خِصَالاً أَجَابَنِي إِلَيْهَا إِلَّا التُّبُوَّةَ، فَإِنَّهُ قَالَ: خُصِّصْتُهَا بِكَ، وَ خَتَمْتُهَا بِكَ.

وَ السَّادِسُ: لَمَّا طُفْتُ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، كَانَ مِثَالِكَ مَعِي.

وَ السَّابِعُ: هَلَكَ الْأَحْزَابُ عَلَى يَدَيَّ، وَأَنْتَ مَعِي.

يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ أَشْرَفَ عَلَى الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطْلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطْلَعَ الثَّلَاثَةَ فَاخْتَارَ فَاطِمَةَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطْلَعَ الرَّابِعَةَ فَاخْتَارَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِمَا عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ. يَا عَلِيُّ، إِنِّي رَأَيْتُ اسْمَكَ مَقْرُوناً بِاسْمِي فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ، فَأَنْسَتْ بِالنَّظَرِ إِلَيْهِ: إِنِّي

لَمَّا بَلَغْتُ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ فِي مَعَارِجِي إِلَى السَّمَاءِ، وَجَدْتُ عَلَى صَدْرِهَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ وَ نَصَرْتُهُ بِهِ " فَقُلْتُ: يَا جَبْرَيْلُ، وَ مَنْ وَزِيرِي قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنتَهَى،

وَجَدْتُ مَكْتُوباً عَلَيْهَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَنَا وَحْدِي، وَ مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ وَ نَصَرْتُهُ بِهِ فَقُلْتُ:

يَا جَبْرَيْلُ، وَ مَنْ وَزِيرِي فَقَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَلَمَّا جَاوَزْتُ السُّدْرَةَ وَ انْتَهَيْتُ إِلَى عَرْشِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَجَدْتُ مَكْتُوباً عَلَى قَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ:

أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

وَحَدِي، مُحَمَّدٌ حَبِيبِي وَصَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ وَأَخِيهِ وَنَصَرْتُهُ بِهِ. يَا

عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي فِيكَ سَبْعَ خِصَالٍ: أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَنْشُقُّ الْقَبْرَ عَنْهُ مَعِي، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَقِفُ مَعِي عَلَى الصِّرَاطِ، فَيَقُولُ لِلنَّارِ:

خُذِي هَذَا فَهُوَ لَكَ وَذَرِي هَذَا فَلَيْسَ هُوَ لَكَ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يُكْسَى إِذَا كُسِيَتْ وَيُحْيَا إِذَا حَيِّتُ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَقِفُ مَعِي عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ،  
وَأَوَّلُ مَنْ يَقْرَعُ مَعِي بَابَ الْجَنَّةِ، وَأَوَّلُ مَنْ يَسْكُنُ مَعِي عَلَيِّينَ، وَأَوَّلُ مَنْ يَشْرَبُ مَعِي مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ الَّذِي (خَتَمُهُ مِسْكٌ، وَفِي ذَلِكَ  
فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ)

ابو بصیر از حضرت صادق (علیه السلام) به نقل از پدرانش روایت کرده که علی (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من فرمودند: ای علی! وقتی مرا در آن سفر شبانه به آسمان بردند در هر آسمان فرشتگانی مرا با مژده هایی استقبال کردند تا جبرئیل (علیه السلام) در انجمنی از فرشتگان مرا دیدار کرد و عرضه داشت: ای محمد! اگر امت تو بر دوستی علی (علیه السلام) گرد می آمدند خداوند عزتمند دوزخ را نمی آفرید، ای علی! همانا خدای والا در هفت جا تورا با من حاضر کرد تا آنکه با تو انس گرفتم. نخستین جایی که به معراج رفتم جبرئیل (علیه السلام) به من عرضه داشت: برادرت کجاست؟ گفتم: او را وراى خودم جانشین قرار دادم. جبرئیل (علیه السلام) عرضه داشت: از خداوند بخواه تا او را به نزدت بیاورد. من از خدا خواستم و ناگاه دیدم که همسان تو بامنت، در این هنگام دسته ای از ملائکه را دیدم که به صف ایستاده اند، گفتم: ای جبرئیل! اینان کیستند که به صف ایستاده اند؟ عرضه داشت: اینان کسانی هستند که در قیامت خداوند به (واسطه شما) آنان فخر می کند. پس نزدیک آنان شدم و از آنچه بوده و تا روز قیامت خواهد شد با آنان حرف زدم (در حالی که مثال تو همراه من بود) دومین جا: هنگامی که مرا بسوی صاحب

عرش عزتمند می بردند، جبرئیل (علیه السلام) عرضه داشت: برادرت کجاست؟ و من



هم گفتم: او را و رای خودم جانشین قرار دادم. جبرئیل (علیه السلام) عرضه داشت: از خداوند عزتمند بخواه تا او را به نزدت بیاورد. من از خداوند عزتمند خواستم و ناگاه مثال تو همراه من بود. تا اینکه حقیقت آسمان ها برایم مکشوف شد و من در هفت آسمان ساکنین آن، و موضع هر ملکی را در جایگاه خود دیدم. (در حالی که مثال تو همراه من بود و همه چیز را می دید) هنگامی که بر اجنه مبعوث شدم، جبرئیل (علیه السلام) به من عرضه داشت: علی (علیه السلام) کجاست؟ گفتم: او را و رای خودم جانشین قرار دادم. جبرئیل (علیه السلام) گفت: از خداوند عزتمند بخواه تا او را به نزدت بیاورد من از خداوند عزتمند خواستم و ناگاه تو با من بودی. و من هیچ کلامی با خدا نگفتم و هیچ جوابی نشنیدم، مگر اینکه تو آن را شنیدی. چهارم: خداوند ما را به شب قدر اختصاص داده و غیر از ما کسی دیگر چنین نیست.

پنجم: در حالی که مثال تو با من بود با خدای عزتمند مناجات کردم و برایت خصلت هایی خواستم جز نبوت، همه را پذیرفت. آنگاه فرمود: تو را به آن اختصاص دادم و با تو آنرا خاتمه دادم.

ششم: آنگاه که خانه آباد شده را طواف کردم، همسان تو با من بود.

هفتم: نابودی احزاب به دست من بود در حالی که تو با من بودی.....(1)

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعَرَزَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْمُعَلَّى بْنُ هِلَالٍ، عَنِ الْكَلْبِيِّ، عَنْ أَبِيصَالِحٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ: أَعْطَانِي اللَّهُ خَمْسًا، وَأَعْطَى عَلِيًّا خَمْسًا: أَعْطَانِي جَوَامِعَ الْكَلِمِ، وَأَعْطَى عَلِيًّا جَوَامِعَ الْعِلْمِ، وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَهُ وَصِيًّا، وَأَعْطَانِي الْكُوْتُرَ، وَأَعْطَاهُ السَّلْسَبِيلَ، وَأَعْطَانِي الْوَحْيَ، وَ

ص: 161

أَعْطَاهُ الْإِلَهَامَ، وَأَسْرَى بِي إِلَيْهِ، وَفَتَحَ لَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَالْحُجُبِ حَتَّى نَظَرَ إِلَيَّ فَنَظَرْتُ إِلَيْهِ. قَالَ: ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَقُلْتُ لَهُ: مَا يُبْكِيكَ فِدَاكَ أُمِّي وَأَبِي فَقَالَ: يَا ابْنَ عَبَّاسٍ، إِنَّ أَوَّلَ مَا كَلَّمَنِي بِهِ أَنْ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) انْظُرْ تَحْتَكَ، فَنَظَرْتُ إِلَى الْحُجُبِ قَدْ انْخَرَقَتْ، وَإِلَى أَبْوَابِ السَّمَاءِ قَدْ فُتِحَتْ، وَنَظَرْتُ إِلَى عَلِيِّ (عليه السلام) وَهُوَ رَافِعٌ رَأْسَهُ إِلَيَّ، فَكَلَّمَنِي وَكَلَّمْتُهُ، وَكَلَّمَنِي رَبِّي فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، بِمِ كَلَّمَكِ رَبُّكَ قَالَ: قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله)، إِنِّي جَعَلْتُ عَلَيْكَ (عليه السلام) وَصِيَّكَ وَوَزِيرَكَ وَخَلِيفَتَكَ مِنْ بَعْدِكَ فَأَعْلِمْنَاهُ، فَهَذَا هُوَ يَسَمِعُ كَلَامَكَ، فَأَعْلَمْتُهُ وَأَنَا بَيْنَ يَدَيْ رَبِّي فَقَالَ لِي: قَدْ قَبِلْتُ وَأَطَعْتُ. فَأَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَيْهِ، فَفَعَلَتْ، فَردَّ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ، وَرَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ يَتَبَاشَرُونَ بِهِ، وَمَا مَرَزْتُ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ مَلَائِكَةِ السَّمَاءِ إِلَّا هَتَّنُونِي وَقَالُوا: يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله)، وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ، لَقَدْ دَخَلَ الشُّرُورُ عَلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ بِاسْتِخْلَافِ اللَّهِ لَكَ ابْنَ عَمِّكَ. وَرَأَيْتُ حَمَلَةَ الْعَرْشِ قَدْ نَكَسُوا رُءُوسَهُمْ إِلَى الْأَرْضِ، فَقُلْتُ: يَا جَبْرَائِيلُ (عليه السلام)، لِمَ نَكَسَ حَمَلَةُ الْعَرْشِ رُءُوسَهُمْ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) مَا مِنْ مَلِكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا وَقَدْ نَظَرَ إِلَيَّ وَجِهَ عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) اسْتَشَارًا بِهِ مَا خَلَا حَمَلَةَ الْعَرْشِ، فَاتَّهَمُوا اللَّهَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، فَأَذِنَ لَهُمْ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَيَّ عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَنَظَرُوا إِلَيْهِ، فَلَمَّا هَبَطْتُ جَعَلْتُ أُخْبِرُهُ بِذَلِكَ وَهُوَ يُخْبِرُنِي بِهِ، فَعَلِمْتُ أَنِّي لَمْ أَطَأْ مَوْطِنًا إِلَّا وَقَدْ كُشِفَ لِعَلِيِّ (عليه السلام) عَنْهُ حَتَّى نَظَرَ إِلَيْهِ. قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، أَوْصِنِي. فَقَالَ: عَلَيْكَ بِمُودَّةِ عَلِيِّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ عَبْدٍ حَسَنَةً حَتَّى يَسْأَلَهُ عَنْ حُبِّ عَلِيِّ بِنِ أَبِي

طَالِبٍ (عليه السلام) وَهُوَ تَعَالَى أَعْلَمُ، فَإِنْ جَاءَ بِوَلَايَتِهِ قَبْلَ عَمَلِهِ عَلَى مَا كَانَ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَأْتِ بِوَلَايَتِهِ لَمْ يَسْأَلْهُ عَنْ شَيْءٍ، ثُمَّ أَمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ. يَا ابْنَ عَبَّاسٍ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، إِنَّ النَّارَ لَأَشَدُّ غَضَبًا عَلَى مُبْغِضِ عَلِيٍّ (عليه السلام) مِنْهَا عَلَى مَنْ رَعِمَ أَنَّ لِلَّهِ وَلَدًا. يَا ابْنَ عَبَّاسٍ، لَوْ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءَ الْمُرْسَلِينَ اجْتَمَعُوا عَلَى بُغْضِ عَلِيٍّ (عليه السلام)، وَلَنْ يَفْعَلُوا، لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِالنَّارِ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، وَهَلْ يُبْغِضُهُ أَحَدٌ قَالَ: يَا ابْنَ عَبَّاسٍ نَعَمْ، يُبْغِضُهُ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ أَثَمَهُمْ مِنْ أُمَّتِي، لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُمْ فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبًا. يَا ابْنَ عَبَّاسٍ، إِنَّ مِنْ عِلْمَةِ بُغْضِهِمْ تَفْضِيلَهُمْ مَنْ هُوَ دُونَهُ عَلَيْهِ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي، وَلَا وَصِيًّا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْ وَصِيِّ عَلِيٍّ (عليه السلام). قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَلَمْ أَزَلْ لَهُ كَمَا أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَوَصَّانِي بِمَوَدَّتِهِ، وَإِنَّهُ لَأَكْبَرُ عَمَلِي عِنْدِي. قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَلَمَّا مَضَى مِنَ الزَّمَانِ مَا مَضَى، وَحَضَرَتْ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْوَفَاةَ حَضَرْتُهُ، فَقُلْتُ لَهُ: فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، قَدْ دَنَا أَجْلُكَ، فَمَا تَأْمُرُنِي فَقَالَ: يَا ابْنَ عَبَّاسٍ، خَالَفَ مَنْ خَالَفَ عَلِيًّا (عليه السلام)، وَلَا تَكُونَنَّ لَهُمْ ظَهِيرًا، وَلَا وِلِيًّا. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَا يَخْرُجُ أَحَدٌ مِمَّنْ خَالَفَهُ مِنَ الدُّنْيَا وَانْتَكَرَ حَقَّهُ حَتَّى يُغَيِّرَ اللَّهُ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ. يَا ابْنَ عَبَّاسٍ، إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ عِنْدَكَ رَاضٍ، فَاسْأَلْكَ طَرِيقَةَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، وَ مِلْ مَعَهُ حَيْثُ مَالَ، وَارْضَ بِهِ إِمَامًا، وَعَادِ مَنْ عَادَهُ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ. يَا ابْنَ عَبَّاسٍ، احْذَرْ أَنْ يَدْخُلَكَ شَكٌّ فِيهِ، فَإِنَّ الشَّكَّ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) كُفْرٌ بِاللَّهِ

رسول خدا(صلی الله علیه و آله): خداوند به من پنج چیز و به علی(علیه السلام) نیز پنج چیز ارزانی فرمود: به من سخنی جامع و به علی(علیه السلام) دانشی جامع ارزانی نمود. مرا پیامبر و علی(علیه السلام) را جانشین قرار داد. به من کوثر و به علی(علیه السلام) سلسبیل عطا فرمود. به من وحی و به علی(علیه السلام) الهام بخشید. مرا به سوی خود بالا برد و درب های آسمان و حجاب هارا بر او گشود تا به من نگریست و من به او نگریستم. سپس پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) گریست. پس خدمت حضرت عرضه داشتم: پدر و مادرم فدایت گردند چه چیز تورا به گریه واداشته است؟ پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: ای ابن عباس! همانا اولین سخنی که خدا به من گفت این بود که فرمود: ای محمد(صلی الله علیه و آله) به پایین نگاه کن، و من به حجاب ها نگریستم که شکافته شده بود و دروازه های آسمان که گشوده شده بود و به علی(علیه السلام) نگریستم که سر به سوی من فراز کرده، با من سخن گفت و من با او سخن گفتم و نیز خدای عزوجل با من سخن گفت. عرضه داشتم: ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، چه سخنی باتو گفت. فرمود: خدا به من فرمود: ای محمد! همانا من علی(علیه السلام) را جانشین و وزیر و خلیفه پس از تو قرار دادم پس به او ابلاغ کن. او سخن تورا می شنود. پس کلام خداوند را به او رساندم. درحالی که در پیشگاه خداوند قرار داشتم. پس خداوند به من فرمود: همانا پذیرفتی و اطاعت کردی. پس خداوند به فرشتگان فرمان داد که بر او سلام کنند پس اینچنین کردند و علی(علیه السلام) سلام ایشان را پاسخ گفت و دیدم که فرشتگان به او بشارت می دهند و بر هیچ فرشته ای از فرشتگان آسمان نگذشتم جز آن که به من تهنیت گفته و عرضه داشتند: ای محمد! سوگند به کسی که به حق تورا برانگیخت، بخاطر اینکه خداوند پسر عمویت را جانشین تو ساخت شادی بر تمام فرشتگان فرود آمد. مشاهده کردم که حاملان عرش سرهایشان را به سوی زمین پایین آورده اند. پس گفتم ای جبرئیل! چرا حاملان عرش سرهایشان را پایین آورده اند؟ جبرئیل(علیه السلام) عرضه داشت: ای محمد! هیچ فرشته ای از فرشتگان نبود مگر آنکه برای برای شادی و سرور به چهره علی بن

ایطالب(علیه السلام) نگریدست و حاملان عرش در این ساعت از خداوند کسب اجازه نموده اند و خداوند به ایشان اجازه داد که به علی بن ایطالب(علیه السلام) بنگرند پسبه او نگریدستند. پس هنگامی که به زمین پایین آمدم او را از آنچه گذشت با خبر کردم در حالی که او نیز مرا به آنچه مشاهده کردم خبر می داد پس دانستم که بر هیچ محلی قدم نگذاشتم مگر آنکه آن جایگاه برای علی(علیه السلام) روشن و آشکار گردید تا به آنجا بنگرد ( و از آنچه می گذرد با خبر شود).... (1)

أَخْبَرَنَا الْحَفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ الْجَعَابِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عُمَانَ سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَبِ الْأَنْبَارِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا خَلْفُ بْنُ دُرُسْتٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ هَارُونَ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ صَقِينٍ [صُقَيْرٍ]، عَنْ هَمَّامٍ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَنَوْتُ مِنْ رَبِّي حَتَّى كَانَتْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ (قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى) فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، مَنْ تُحِبُّ مِنَ الْخَلْقِ قُلْتُ: يَا رَبِّ عَلِيًّا (علیه السلام). قَالَ: التَّمَّتْ يَا مُحَمَّدُ، فَالْتَمَّتْ عَنْ يَسَارِي، فَإِذَا عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)

رسول خدا(صلی الله علیه و آله): هنگامی که به سوی آسمان بالا برده شدم و در پیشگاه خداوند قرار گرفتم، خداوند متعال فرمود: ای محمد(صلی الله علیه و آله) از میان آفریدگان چه کسی را دوست می داری؟ عرضه داشتم: پروردگارا علی(علیه السلام) را دوست می دارم. فرمودند: ای محمد(صلی الله علیه و آله) روی گردان پس به سمت چپ خود نظر کرده و علی بن ایطالب(علیه السلام) را دیدم.

(2)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ سَعْدِ الْخَفَّافِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى

ص: 165

1- . الأماي للطوسي ص 105 [4] المجلس الرابع ح 15

2- . الأماي للطوسي ص 352 [12] المجلس الثاني عشر ح 67

السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَ مِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَ مِنَ السُّدْرَةِ إِلَى حُجْبِ الثَّوْرِ نَادَانِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي وَ أَنَا رَبُّكَ فَلِي فَاخْضَعْ وَ  
 إِيَّايَا عَبْدُ وَ عَلَيَّ فَتَوَكَّلْ وَ بِي فَتَقَنَّ فَإِنِّي قَدْ رَضِيْتُ بِكَ عَبْدًا وَ حَبِيبًا وَ رَسُولًا وَ نَبِيًّا وَ بِأَخِيكَ عَلِيٍّ خَلِيفَةً وَ أَبَا فَهُوَ حُجَّتِي عَلَى عَبْدِي وَ إِمَامٌ  
 لِخَلْقِي بِهِ يُعْرَفُ أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي وَ بِهِ يُمَيَّزُ حَزْبُ الشَّيْطَانِ مِنْ حَزْبِي وَ بِهِ يَقَامُ دِينِي وَ تُحَفَّظُ حُدُودِي وَ تُنْفَذُ أَحْكَامِي وَ بِكَ وَ بِهِ وَ  
 بِالْأَيْمَةِ (عليهم السلام) مِنْ وُلْدِهِ أَرْحَمُ عَبْدِي وَ إِمَائِي وَ بِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمُرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي وَ تَهْلِيلِي وَ تَقْدِيسِي وَ تَكْبِيرِي وَ تَمْجِيدِي وَ بِهِ  
 أَطْهَرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَ أَوْرَثَهَا أَوْلِيَائِي وَ بِهِ أَجْعَلُ (كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا) بِي السُّفْلَى وَ كَلِمَتِي الْعُلْيَا وَ بِهِ أُحْيِي عَبْدِي وَ بِلَادِي بِعِلْمِي وَ لَهُ  
 [بِهِ] أَطْهَرُ الْكُنُوزِ وَ الدَّخَائِرِ بِمَشِيئَتِي وَ إِيَّاهُ أَطْهَرُ عَلَى الْأَسْرَارِ وَ الصَّمَائِرِ بِإِرَادَتِي وَ أَمُدُّهُ بِمَلَانِكَتِي لِتُوْبِيْدَهُ عَلَى إِنْفَازِ أَمْرِي وَ إِعْلَانِ دِينِي ذَلِكَ  
 وَلِيِّي حَقًّا وَ مَهْدِي عَبْدِي صِدْقًا.

عبد الله بن عباس: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: وقتی مرا به آسمان هفتم بردند و از آنجا به سدره المنتهی و از سدره تا حجب  
 نور، خداوند به من خطاب کرد یا محمد! تو بنده من و من پروردگار توام نسبت به من خضوع داشته و مرا پرستش کرده و بر من توکل کن و  
 به من اعتماد نما من تو را به بندگی و دوستی و رسالت و نبوت برگزیدم، و برادرت علی (علیه السلام) را خلیفه و درب به سوی من، او  
 حجت من بر مردم و امام خلق است، به وسیله او دشمنان خود را از دوستان جدا کرده و به واسطه ی او پیروان شیطان از خداپرستان جدا  
 شوند و با او دین پایدار و حدود محفوظ و احکام اجراء شود. به وسیله تو و او و ائمه (علیهم السلام) از فرزندان او به بندگان و کنیزان خود  
 رحم کرده و به واسطه قائم (علیه السلام) از شما خانواده زمین را آباد با تسبیح و تقدیس و تهلیل و

تمجید کرده و با او پاک کنیم زمین را از دشمنانم و در اختیار دوستان خود گذارم و به واسطه او سخن کافران را در پائین و سخن خود را در بالا قرار دهم و به واسطه او بندگان و بلاد را زنده کرده برای او گنج ها و ذخایر را آشکار کنم به اراده خود او را بر اسرار و راز دل ها آگاه کرده و به اراده خود و با ملائکه مددش کنم در راه اجرا و گسترش دستور خود به واقع ولی من و مهدی (علیه السلام) بندگان منست. (1) امیرالمومنین در تمام فضایل شریک با رسول خدا است

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّرِيفُ الصَّالِحُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ حَمَزَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ نَصْرُ بْنُ الْحَسَنِ الْوَرَامِينِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ الْأَدَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْوَلِيدِ الْمَعْرُوفُ بِشَبَابِ الصَّيْرِفِيِّ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيدُ الْأَعْرَجُ، قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ سَهْلُ بْنُ خَالِدٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) فَأَبَتَ دَأْنِي، فَقَالَ: يَا سَهْلُ لَيْمَانُ، مَا جَاءَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يُؤْخَذُ بِهِ، وَ مَا نَهَى عَنْهُ يُنْتَهَى عَنْهُ، جَرَى لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مَا جَرَى لِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ لِرَسُولِهِ الْفَضْلُ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ، الْعَائِبُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي شَيْءٍ كَالْعَائِبِ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) وَ الرَّادُّ عَلَيْهِ فِي صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ عَلَى حِدِّ الشَّرْكَ بِاللَّهِ. كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بَابَ اللَّهِ لَا يُوتَى إِلَّا مِنْهُ، وَ سَبِيلُهُ الَّذِي مِنْ تَمَسَّكَ بِغَيْرِهِ هَلَكٌ، كَذَلِكَ جَرَى حُكْمُ

ص: 167

الْأُيْمَةَ بَعْدَهُ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَزْكَانَ الْأَرْضِ، وَهُمْ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى. أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَمَا كَانَ يَقُولُ: أَدَا فَسَيْمُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَأَدَا الْفَارُوقُ الْأَكْبَرُ، وَأَنَا صَاحِبُ الْعَصَا وَالْمِيسَمِ، وَلَقَدْ أَقْرَأَ لِي جَمِيعَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ بِمِثْلِ مَا أَقْرَأُوا لِمُحَمَّدٍ وَلَقَدْ حَمَلْتُ مِثْلَ حَمُولَةِ مُحَمَّدٍ، وَهِيَ حَمُولَةُ الرَّبِّ، وَإِنَّ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَدْعَى فَيُكْسَى وَيُسْتَنْطَقُ فَيَنْطَقُ، وَأَدْعَى فَأُكْسَى وَأُسْتَنْطَقُ فَيَنْطَقُ، وَلَقَدْ أُعْطِيتُ خِصَالًا لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ قَبْلِي: عَلِمْتُ الْبَلَايَا، وَالْقَضَايَا، (وَفَصَلَ الْخِطَابَ)

سعید اعرج گفت من و سلیمان بن خالد خدمت حضرت صادق (علیه السلام) رسیدیم ابتدا و بدون سابقه سؤالی به من فرمود سلیمان آنچه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) دستور داده باید انجام داد و آنچه نهی کرده باید خودداری نمود فضیلت و مقام علی (علیه السلام) همان فضیلت و مقام پیامبر (صلی الله علیه و آله) است پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برتری بر تمام خلائق دارد. (و علی (علیه السلام) نیز برتری بر تمام مخلوقات دارد) کسی که عیب جوئی بر امیرالمؤمنین (علیه السلام) در چیزی نماید مثل کسی است که عیب بر خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) بگیرد و رد کننده علی (علیه السلام) در چیز کوچک یا بزرگ مشرک به خداست. امیرالمؤمنین (علیه السلام) باب الله است که نتوان به سوی خدا رفت مگر از آن در و راه به سوی اوست که هر که جز این راه را برود هلاک شده همچنین است حکم سائر ائمه پس از او یکی بعد از دیگری خداوند آنها را ارکان زمین قرار داده و حجت بالغه او هستند بر مردم روی زمین و زیر آسمان. مگر نمی دانی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: من از جانب خدا تقسیم کننده هستم بین بهشت و جهنم و من فاروق اکبر (تمیز دهنده بین حق و باطل) و صاحب عصا منم تمام فرشتگان و روح اقرار کرده اند برایم بمانند آنچه اقرار برای محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) نموده اند و بر من نیز بار تبلیغ و ارشاد و علم و دانش گذارده شده همان مقدار که بر



حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) تحمیل گردیده و او مأمور از جانب خدا است پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) را خواهند خواست و بر او لباس می پوشانند و از او می خواهند صحبت کند شروع به سخن می نماید مرا نیز می خواهند لباس بر قامت می پوشانند و از من می خواهند سخن بگویم شروع به سخن می کنم به من امتیازاتی بخشیده اند که به هیچ کس قبل از من نداده اند علم بلایا و وقایع را دارم و دارای فصل الخطاب هستم (1)

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَسَّانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّيَّاحِيُّ عَنْ أَبِي الصَّامِتِ الْحُلَوَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ:

فَضَّلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مَا جَاءَ أَخَذُ بِهِ وَ مَا نَهَى عَنْهُ أَنْتَهِيَ عَنْهُ وَ جَرَى لَهُ مِنَ الطَّاعَةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ مِثْلَ الَّذِي جَرَى لِرَسُولِ اللَّهِ وَ الْفَضْلُ لِمَحَمَّدٍ الْمُتَمَدِّمِ بَيْنَ يَدَيْهِ كَالْمُتَمَدِّمِ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْمُتَفَضَّلُ عَلَيْهِ كَالْمُتَفَضَّلِ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ وَ الْمُتَفَضَّلُ عَلَيْهِ فِي صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَابُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُوتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلُهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَهُ وَصَلَ إِلَى اللَّهِ وَ كَذَلِكَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مِنْ بَعْدِهِ وَ جَرَى فِي الْأَيْمَةِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَزْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَ عَهْدَ [عَمَدَ] الْإِسْلَامِ وَ رَابِطَةً عَلَى سَبِيلِ هُدَاهُ وَ لَا يَهْتَدِي هَادٍ إِلَّا بِهُدَاهُمْ وَ لَا يَضِلُّ خَارِجٌ مِنْ هُدَى إِلَّا بِتَقْصِيرٍ عَنْ حَقِّهِمْ لِأَنَّهُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى مَا هَبَطَ مِنْ عِلْمٍ أَوْ عُذْرٍ أَوْ نُذْرٍ وَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَا فِي الْأَرْضِ يَجْرِي لِأَخْرِهِمْ مِنَ اللَّهِ مِثْلَ الَّذِي جَرَى لِأَوْلِيهِمْ وَ لَا يَصِلُ أَحَدٌ إِلَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنَا قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ لَا يَدْخُلُهَا دَاخِلٌ إِلَّا عَلَى أَحَدٍ قَسَمَيْنِ وَ أَنَا الْفَارُوقُ الْأَكْبَرُ وَ أَنَا الْإِمَامُ لِمَنْ بَعْدِي وَ الْمُؤَدِّي عَمَّنْ كَانَ قَبْلِي وَ لَا يَتَقَدَّمُنِي أَحَدٌ إِلَّا أَحْمَدُ وَ إِنِّي وَ إِيَّاهُ لَعَلَى سَبِيلٍ وَاحِدٍ إِلَّا أَنَّهُ هُوَ الْمَدْعُوُّ بِاسْمِهِ وَ لَقَدْ أُعْطِيَ السَّتَّ عِلْمَ الْمَنَائَا وَ

ص: 169

الْبَلَايَا وَالْوَصَايَا وَالْأَنْسَابَ وَفَضْلَ الْخِطَابِ وَإِنِّي لَصَاحِبُ الْكِرَاتِ وَدَوْلَةِ الدُّوَلِ وَإِنِّي صَاحِبُ الْعَصَا وَالْمِيسَمِ وَالِدَابَّةِ الَّتِي تَكَلَّمُ النَّاسَ.

بصائر: ابوصامت حلوانی از حضرت باقر(علیه السلام) نقل می کند که فرمود: امیرالمومنین(علیه السلام) بر سایر جهانیان برتری داده شده به اینکه هر چه دستور دهد باید انجام شود و آنچه نهی کند باید خودداری گردد اطاعت و فرمانبرداری از او پس از پیامبر(صلی الله علیه و آله) مانند اطاعت و فرمانبرداری از پیامبر(صلی الله علیه و آله) لازم است و فضیلت و برتری از آن پیامبر(صلی الله علیه و آله) است. کسی که خود را بر علی(علیه السلام) مقدم بدارد مثل کسی است که خود را بر خدا و پیامبر(صلی الله علیه و آله) مقدم داشته و کسی که خود را برتر از علی(علیه السلام) بداند مثل کسی است که خود را برتر از خدا و پیامبر(صلی الله علیه و آله) بداند هر کسی بر او رد کند چه مسائل کوچک و چه بزرگ باشد در حد شرك به خدا است پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) باب الله است که جز از آن درب نتوان رفت و راه به سوی خدا است که هر که از آن راه برود به خدا می رسد امیر المؤمنین(علیه السلام) نیز چنین است بعد از او و این مقام برای ائمه یکی پس از دیگری هست. خداوند آنها را ارکان زمین قرار داده تا موجب تزلزل جهان برای مردم نشود و پایه های اسلام و روابط دین هستند که مانع از دست اندازی به دین می شوند هیچ کس هدایت نخواهد یافت مگر به وسیله آنها و هیچ کس از هدایت خارج نمی شود مگر اینکه کوتاهی در باره حق آنها کرده باشد و امین خدایند بر آنچه از علم و دانش نازل شده و بر هر نذر و پیمان، و حجت بالغه بر مردم جهانند آنچه از جانب خدا برای اولین آنها است برای آخری نیز همان جاری است و هیچ کس به یکی از اینها نمی رسد مگر به کمک خدا. امیرالمومنین(علیه السلام) فرمود: من قسمت کننده بهشت و جهنم هستم داخل نمی شود در آن مگر به یکی از دو قسمتی که من کرده ام من فاروق اکبر و پیشوا برای کسی که بعد از من است هستم و سفیر و مأمورم از جانب کسی که قبل از من بوده هیچ کس را بر من فضیلت و برتری نیست مگر محمد

مصطفی (صلی الله علیه و آله) من و او در یک راه هستیم جز اینکه او را به نام (پیامبر (صلی الله علیه و آله)) نامیده اند به من شش امتیاز بخشیده اند علم منایا و بلایا و وصایا و علم انساب و فصل الخطاب من حمله کننده در جنگ هایم و پیروزشونده بر قدرت هایم من صاحب عصا و میسم هستم و آن جنبنده ای هستم که با مردم سخن می گوید. (1)

امیرالمؤمنین نفس پیامبر حدیث 15: قَالَ وَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ أَدَامَ اللَّهُ عَزَّهٗ أَيضًا قَالَ: قَالَ الْمَأْمُونُ يَوْمًا لِلرِّضَا (عليه السلام) أَخْبَرَنِي بِأَكْبَرِ فَضِيلَةٍ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَدُلُّ عَلَيْهَا الْقُرْآنُ قَالَ لَهُ الرِّضَا (عليه السلام) فَضِيلَةٌ فِي الْمُبَاهَلَةِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) الْحَسَنَ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) فَكَانَا ابْنَيْهِ وَ دَعَا فَاطِمَةَ (عليها السلام) فَكَانَتْ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ نِسَاءَهُ وَ دَعَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَكَانَ نَفْسَهُ بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ ثَبَتَ أَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى أَجَلٌّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ أَفْضَلُ فَوَجَبَ أَنْ لَا يَكُونَ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْ نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بِحُكْمِ اللَّهِ تَعَالَى

حدیث 15: روزی مامون لعنة الله عليه به امام رضا (عليه السلام) عرضه داشت: بزرگ ترین فضیلتی که امیرالمؤمنین (عليه السلام) از قرآن دارد برای من بازگو کنید. حضرت فرمودند: برترین فضیلت آن حضرت در قضیه مباهله است. همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به وسیله علی (عليه السلام)، فاطمه (عليها السلام)، حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) با نصاری نجران مباهله نمود، و

ص: 171

1- . بصائر الدرجات ج 1 ص 199 باب 9 باب في الأئمة ع أنه جرى لهم ما جرى لرسول الله و أنهم أمناء الله على خلقه و أركان الأرض و أمناء الله على ما هبط من علم أو عذر أو نذر و الحججة البالغة على ما في الأرض و أنهم قد أعطوا علم المنايا و البلايا و الوصايا و فصل الخطاب و العصا و الميسم ح 1

علی (علیه السلام) را همانند جان خویش قرار داد... در نتیجه ثابت شد که احدی در عالم از ازل تا ابد افضل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وجود نداشته در نتیجه احدی در عالم نیز افضل از نفس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (امیرالمومنین (علیه السلام)) نیست بر طبق حکم خدای متعال... (1) (بنابراین، همه فضائلی که بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) لازم بوده بر علی (علیه السلام) نیز ثابت شده جز نبوت، پس کدامین فضل و برتری بالاتر از این فضل و شرف؟ و شکی نیست که از جمله صفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، افضلیت ایشان است بر تمام پیامبران و رسولان الهی، بنابراین با توجه به نص صریح آیه مباهله که علی (علیه السلام) را نفس پیامبر (صلی الله علیه و آله) معرفی می کند، پس باید آن حضرت نیز مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) افضل از سایر انبیاء و رسولان باشد)

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُوسُفَ الضَّبِّيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ الصَّبْرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا هِلَالُ بْنُ أَيُّوبَ الصَّبْرِيُّ، عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ أَبِي أُمَيَّةَ، عَنْ مُجَاهِدٍ، قَالَ: قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ:

مَنْ الَّذِينَ أَرَادَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْ يَبَاهِلَ بِهِمْ قَالَ: عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَفَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وَالحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَالحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَالأَنْفُسُ

النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَعَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

مجاهد می گوید: به این عباس گفتم: پیامبر (صلی الله علیه و آله) همراه چه کسانی می خواست مباهله کند؟ گفت: علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و مراد از انفس پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) بودند.

(2)

ص: 172

1- . الفصول المختارة ص 38 فصل حوار بين الرضاع و المأمون في المباهلة

2- . الأمالي (للطوسي) المجلس 12 ح 10

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَجَنَّتْ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٍ وَنَخِيلٍ صِهْ نُونًا وَعَظْرٍ صِهْ نُونًا يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ) عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ النَّاسُ مِنْ شَجَرٍ شَتَى وَأَنَا وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ قَرَأَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله).

و دیگر آیت (وَجَنَّتْ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٍ وَنَخِيلٍ صِهْ نُونًا وَعَظْرٍ صِهْ نُونًا يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ) (1) از جابر بن عبد الله روایت است که او شنیده از پیغمبر (صلى الله عليه وآله) می فرمود که: همه مردمان از اشجار متفرقه اند ولی من و توای علی (عليه السلام) از يك درختیم بعد از آن این آیت را خواند. (2)

رسول خدا و امیرالمومنین از نوری واحد خلق شدند

وَ أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شاذَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الدِّهْقَانِ عَنْ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيسَى الْعَلَوِيِّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ: ... قَالَ

النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله): ... يَا عَلِيُّ أَمَا عَلِمْتَ

أَنَّهُ أَبِي خَالِقِي وَرَازِقِي أَنْ يَكُونَ لِي سِرٌّ دُونَكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي مِنْ بَعْدِي وَأَنْتَ الْمَظْلُومُ الْمُضْطَهَدُ بَعْدِي يَا عَلِيُّ الثَّابِتُ عَلَيْكَ كَالْمُقِيمِ مَعِي وَ مُفَارِقُكَ مُفَارِقِي يَا عَلِيُّ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ يُبْغِضُكَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنِي وَإِيَّاكَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ

ص: 173

1- . الرعد آية 4

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 316 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در حدیث زیبایی فرمودند: ... یا علی! خداوند و خالق و رازق من امتناع ورزیده از اینکه من سرّ و رازی داشته باشم که تو مطلع نباشی یا علی! وصی من هستی پس از من و تو مظلوم و مغلوب هستی پس از من، یا علی! کسی که در راه تو ثابت قدم باشد با من خواهد بود و کسی که از تو جدا شود از من جدا شده یا علی! دروغ گفته کسی که گمان کرده

مرا دوست می دارد، ولی با تو دشمن باشد چون خدا من و تو را از یک نور آفریده. (1)

وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) خُلِقْتُ أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ. (2)

و به همین اسناد جعایی روایت کرده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: من و علی(علیه السلام) از یک نور آفریده شده ایم.

خلقت محمد و علی

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جَعْفَرِ الْحَسَنِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْمُنْعِمِ الصَّيْدَاوِيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ شَيْمَرٍ، عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ. قَالَ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْمُنْعِمِ وَ حَدَّثَنَا عُيَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) يَقُولُ لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام): يَا عَلِيُّ، أَلَا أَسْرُكَ، أَلَا أَمْنُحُكَ، أَلَا أُبَشِّرُكَ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله). قَالَ: إِنِّي خُلِقْتُ أَنَا وَ أَنْتَ مِنْ طِينَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ فَضَلْتُ فَضْلَةً فَخَلَقَ اللَّهُ مِنْهَا شِيعَتَنَا، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ دُعِيَ النَّاسُ بِأَسْمَاءِ أُمَّهَاتِهِمْ سِوَى

ص: 174

1- فضائل أمير المؤمنين عليه السلام ص 52 باب قوله صلى الله عليه و آله: علي أخي، وزيري، وصيي ح 45

2- [2]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 58 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 219

شِيعَتِنَا فَإِنَّهُمْ يُدْعُونَ بِأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ لَطِيبٍ مَوْلِدِهِمْ. جابر بن عبدالله گفته: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که به علی (علیه السلام) می فرمود: ای علی آیا تو را شاد نکنم. آیا به تو چیزی نبخشم. آیا به تو مرده ندهم؟ او عرضه داشت: چرا ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله). حضرت فرمود: همانا من و تو از یک گِل خلق شدیم و زیادی آن باقی ماند. آنگاه خداوند از آن شیعیان ما را آفرید چون قیامت شود مردم به نام مادرانشان خوانده می شوند جز شیعیان ما که آنان به جهت حلال زادگی به نام پدرانشان خوانده می شوند. (1)

امیرالمومنین و ائمه نورند

تفسیر القمی (و مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ) قَالَ عَنِّي أَنَّ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ (علیه السلام) عَبْدٌ مَخْلُوقٌ فَجَعَلُوهُ رَبًّا (فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ) قَوْلُهُ (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ) قَالَ يُبَيِّنُ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله) مَا أَخْفَيْتُمْ وَهُوَ مِنَ التَّوْرَةِ مِنْ أَخْبَارِهِ وَيَدْعُ كَثِيرًا لَا يُبَيِّنُهُ (قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ) يَعْنِي بِالتَّوْرَةِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَ الْأَيُّمَةَ (عليهم السلام) قَوْلُهُ (قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ) مُخَاطَبَةٌ لِأَهْلِ الْكِتَابِ (يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ) قَالَ عَلَى انْقِطَاعِ مِنَ الرُّسُلِ ثُمَّ احْتَجَّ عَلَيْهِمْ فَقَالَ (أَنْ تَقُولُوا) أَيْ لِنَا تَقُولُوا قَوْلُهُ (اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا) يَعْنِي فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمْ يَجْمَعِ اللَّهُ

ص: 175

لَهُمُ النَّبُوءَةُ وَالْمُلْكُ فِي بَيْتٍ وَاحِدٍ ثُمَّ جَمَعَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ (صلى الله عليه وآله)

تفسیر قمی (وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ) (1) نوشته است منظور اینست که عیسی بن مریم (علیه السلام) بنده و مخلوق است که او را نصاری خدا گرفته اند (وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ) (2) این و آیه (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ) (3) فرمود: پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) بیان می کنند که آنچه شما از تورات مخفی کرده اید در ارتباط با اخبار مربوطه به پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله) و بسیاری از آنها را بیان نمی کند. (قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ) (4) منظور از نور امیر المؤمنین (علیه السلام) و ائمه (علیهم السلام) است. (5)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام)

قَالَ قَالَ:

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتَ إِمامَ النَّاسِ كُلِّهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَلَكِنْ سَدَّيْكَونُ مِنْ بَعْدِي أئِمَّةٌ عَلَى النَّاسِ مِنَ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَوْمُونَ فِي النَّاسِ فَيَكْذِبُونَ وَيُظْلِمُهُمْ أئِمَّةُ الْكُفْرِ وَالضَّلَالِ وَأَشْيَاعُهُمْ فَمَنْ وَالَاهُمْ وَاتَّبَعَهُمْ وَصَدَّقَهُمْ فَهُوَ مِنِّي وَمَعِي وَسَيَلِقَانِي أَلَا وَمَنْ ظَلَمَهُمْ وَكَذَّبَهُمْ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَا مَعِي وَأَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ.

امام باقر (علیه السلام): چون آیه (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ) (6) روزی که هر دسته از مردم را به امامشان خوانیم نازل شد، عرضه داشتند: ای فرستاده خدا! مگر شما امام همه مردم نیستید؟ پیغمبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: من از جانب خدا بسوی همه مردم فرستاده شده ام ولی بعد از من امامانی از خاندانم بر مردم منصوب شوند، ایشان در میان مردم قیام کنند و مردم آنها را تکذیب کنند و امامان کفر و گمراهی و پیروانشان بر ایشان ستم کنند، هر که آنها را دوست دارد و از آنها پیروی کند و تصدیقشان نماید، از من

ص: 176

1- . المائدة آية 14

2- . المائدة آية 13

3- . المائدة آية 15

4- . المائدة آية 15

5- . تفسیر القمی ج 1 ص 164 [سورة المائدة(5): الآيات 15 الى 26] ....

6- . الاسراء 71



بوده و با من است و مرا ملاقات خواهد کرد و آگاه باشید کسی که به ایشان ستم کند و تکذیبشان نماید، از من نبوده و با من نیست و من از او بیزارم. [\(1\)](#)

ص: 177

---

1- . الكافي ج 1 ص 215 باب أن الأئمة في كتاب الله إمامان إمام يدعو إلى الله وإمام يدعو إلى النار ح 1





عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ الْمَهْدِيِّ (عليه السلام) فِي ضَحْضَاحٍ مِنْ نُورٍ يُصَلُّونَ فَقَالَ لِي الرَّبُّ تَعَالَى هُوَ لَاءِ الْحُجَجِ لِأَوْلِيَائِي وَ هَذَا الْمُنتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای ابو جارود شبی که مرا به آسمان بالا برند خدا عز و جل به من وحی کرد که پیرس از رسولان پیش از خودت که بر چه مبعوث شدیدی، بدانها گفتم: بر چه مبعوث شدید؟ گفتند بر عقیده به نبوت تو و ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و امامانی که از شمایند وانگه به من وحی شد که رو کن به سمت راست عرش من بدان سو رو کردم و به ناگاه علی (علیه السلام)، حسن (علیه السلام)، حسین (علیه السلام)، علی بن الحسین (علیه السلام)، محمد بن علی (علیه السلام)، جعفر بن محمد (علیه السلام)، موسی بن جعفر (علیه السلام)، علی بن موسی (علیه السلام)، محمد بن علی (علیه السلام)، علی بن محمد (علیه السلام)، حسن بن علی (علیه السلام) و مهدی (علیه السلام) در حوضچه ای از نور نماز می خواندند و پروردگار تعالی به من فرمود: اینانند حجت هایند برای دوستانم و این است که انتقام گیرد از دشمنانم... (1)

تفسیر العیاشی عَنْ حَطَّابِ بْنِ سَلَمَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّنَا وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ (وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ) (2) بِتَكْذِيبِهِمْ آلَ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) ثُمَّ قَالَ (فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ) (3)

ص: 180

1- . كنز الفوائد ج 2 ص 139 خبر قس و مقاله بسوق عكاظ ح 3

2- . النحل آية 36

3- . النحل آية 36

تفسیر عیاشی: خطاب بن سلمه گفت حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: خداوند هیچ پیامبری را بر نیانگیخت مگر با ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان این آیه اشاره به همان است: (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ) آنها که گمراه شدند به واسطه تکذیب آل محمد (صلی الله علیه و آله) بود بعد می فرماید: (فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ) (1)

توسل انبیاء بر ذوات مقدس ایشان

رُوي أَنَّ آدَمَ (علیه السلام) لَمَّا نَزَلَ إِلَى الدُّنْيَا بَكَى حَتَّى صَارَ فِي خَدَّيْهِ مِنَ الدَّمُوعِ نَهْرَانِ تَجَاجَانِ فَنَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ (علیه السلام) فَقَالَ: يَا آدَمُ، تُحِبُّ أَنْ يُتُوبَ اللَّهُ عَلَيْكَ؟

قَالَ: نَعَمْ. فَقَالَ: قُلِ: اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْاَكْرَمِينَ عَلَيْكَ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) وَ عَلِيٍّ (علیه السلام) وَ فَاطِمَةَ (علیها السلام) وَ الْحَسَنَ (علیه السلام) وَ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) وَ الْاَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ اِلَّا تُبَّتْ عَلَيْنَا. فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا، وَ نُوحٌ (علیه السلام) لَمَّا اَدْرَكَهُ الْغَرَقُ وَ هُوَ فِي السَّفِينَةِ، تَوَسَّلَ اِلَى اللَّهِ بِمُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله)

وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، فَأَنْجَاهُ اللَّهُ وَ مَنْ مَعَهُ مِنَ الْغَرَقِ، وَ اِبْرَاهِيمَ (علیه السلام) لَمَّا قَذِفَ بِهِ فِي النَّارِ، تَوَسَّلَ بِمُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، فَجَعَلَتِ النَّارُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا.

وَ كَذَلِكَ سَائِرُ الْاَنْبِيَاءِ وَ الْاَوْصِيَاءِ وَ الْحُجَجِ كَانُوا يَتَوَسَّلُونَ اِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي مَهَامِّهِمْ وَ حَوَائِجِهِمْ بِمُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) وَ اَهْلِ بَيْتِهِ، وَ لَوْ عَرَفُوا أَنَّ اَحَدًا اَقْرَبُ مِنْهُمْ اِلَى اللَّهِ لَابْرؤُهُ عَلَيْهِمْ.

و آنگاه که آدم (علیه السلام) هبوط کرد و به دنیا آورده شد آنقدر گریست که اشک هایش بر گونه هایش همچون نهر آب جاری بود و آثار اشک بر چهره اش نمایان شده بود، جبرئیل (علیه السلام) بر او نازل شد و گفت: ای آدم! آیا می خواهی خداوند توبه تو را پذیرا گردد؟ آدم گفت: آری. جبرئیل (علیه السلام) گفت: بگو خداوند را به حق گرامی ترین بندگانت محمد (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و ائمه از نسل او از تو می خواهند که توبه ما را پذیرا باشی پس توبه ایشان پذیرفته شد، و آنگاه که نوح (علیه السلام) مشرف به غرق شد وسیله قرار داد محمد (صلی الله علیه و آله) و آلش را به درگاه خدا پس از غرق شدن رهایی یافت و آنگاه که ابراهیم (علیه السلام) به آتش پرتاب شد وسیله قرار داد محمد (صلی الله علیه و آله) و آلش را به درگاه خدا پس آتش بر او سرد و سالم شد و همواره انبیاء اوصیاء و حجت های خدا وسیله قرار می دادند محمد (صلی الله علیه و آله) و آلش را به

ص: 181

درگاه خدا در مهمات و حاجت های خود و اگر کسانی بودند که از محمد(صلی الله علیه و آله) و آتش به درگاه خدا نزدیکتر بودند یقیناً انبیاء ایشان را وسیله قرار می دادند (حال آنکه هرگز چنین اشخاصی یافت نمی گردند) (1)

امیرالمومنین

نجات دهنده انبیاء از گرفتاری

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): اِعْلَمْ يَا سَلْمَانَ أَنَّهُ مَا بَثُّنِي أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ مُنْذُ عَهْدِ آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِلَى الْآنِ بِبَلَاءٍ إِلَّا كَانَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) هُوَ الَّذِي نَجَّاهُ مِنْ ذَلِكَ

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: ای سلمان! بدان هیچ یک از انبیاء اولیاء از زمان حضرت آدم(علیه السلام) تا الان به گرفتاری مبتلا نشدند مگر آنکه علی(علیه السلام) ایشان را از گرفتاری نجات داده است. قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): يَا عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام) كُنْتَ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ سِرًّا وَ مَعِيَ جَهْرًا.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: ای علی جان! تو با همه پیامبران گذشته به صورت پنهان همراه بودی، ولی با من آشکارا همراه شده ای.

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): بَعَثَ اللَّهُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) مَعَ كُلِّ نَبِيٍّ سِرًّا، وَ مَعِيَ جَهْرًا

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: علی(علیه السلام) با همه انبیاء در باطن و با من در ظاهر برانگیخته شده

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): بُعِثَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَعَ الْأَنْبِيَاءِ بَاطِنًا وَ مَعَكَ ظَاهِرًا

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: مبعوث شد علی(علیه السلام) با انبیاء بطور پنهان و با من بطور آشکار

ص: 182

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ يَا مُحَمَّدُ بَعَثْتُ عَلَيَّ (عليه السلام) مَعَ الْأَنْبِيَاءِ بَاطِنًا وَمَعَكَ ظَاهِرًا

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: خدای تبارک و تعالی به من فرمود: ای محمد! من علی (علیه السلام) را با پیامبران در باطن فرستادم و با تو در ظاهر.

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ عَلَيَّ (عليه السلام) مَعَ الْأَنْبِيَاءِ بَاطِنًا وَبَعَثَهُ مَعَكَ ظَاهِرًا

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: همانا خداوند علی (علیه السلام) را با انبیاء در باطن و با تو در ظاهر برانگیخته.

علم ایشان در قیاس با علم سایر انبیاء قَالَ امیر المؤمنین (علیه السلام):...عِلْمُ الْأَنْبِيَاءِ فِي عِلْمِهِمْ وَسِرُّ الْأَوْصِيَاءِ فِي سِرِّهِمْ وَعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ فِي عِزِّهِمْ كَالْقَطْرَةِ فِي الْبَحْرِ وَالذَّرَّةُ فِي الْقَفْرِ وَالسَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ عِنْدَ الْإِمَامِ كَيْدِهِ مِنْ رَاحَتِهِ يَعْرِفُ ظَاهِرَهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَيَعْلَمُ بَرَّهَا مِنْ فَاجِرِهَا وَرَطْبَهَا وَيَابِسَهَا لِأَنَّ اللَّهَ عَلَّمَ نَبِيَّهٖ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ وَوَرِثَ ذَلِكَ السِّرَّ الْمَصُونُ

الْأَوْصِيَاءِ الْمُتَتَجِبُونَ وَمَنْ أَنْكَرَتْ ذَلِكَ فَهُوَ شَقِيٌّ

مَلْعُونٌ يَلْعَنُهُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُ اللَّاعِنُونَ وَكَيْفَ يَفْرُضُ اللَّهُ عَلَى عِبَادِهِ طَاعَةَ مَنْ يُحْجَبُ عَنْهُ مَلَكَوَتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

امیر مؤمنان علی (علیه السلام): ...علم و دانش همه پیامبران (1) در برابر علم و دانش اهل بیت (علیهم السلام) و سِرِّ همه اوصیا در برابر سِرِّشان و اقتدار همه اولیا در برابر اقتدار آن ها، همانند قطره ای در دریا و ذره ای در بیابان و سبوع است. (2)

ص: 183

1- . به جز پیامبر بزرگوار اسلام 0.

2- . بحار الأنوار ج 25 ص 173 باب 4 جامع في صفات الإمام و شرائط الإمامة ح 39.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ السَّمَّانِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي أَوْلِي الْعِزْمِ وَصَاحِبِكُمْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قُلْتُ مَا يُقَدِّمُونَ عَلَى أَوْلِي الْعِزْمِ أَحَدًا قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ لِمُوسَى (عليه السلام) (وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً) وَلَمْ يَقُلْ كُلَّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَقَالَ لِعِيسَى (عليه السلام) (وَلَا يُبَيِّنُ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ) وَلَمْ يَقُلْ كُلَّ شَيْءٍ وَقَالَ لِصَاحِبِكُمْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) وَعِلْمُ هَذَا الْكِتَابِ عِنْدَهُ

امام صادق (عليه السلام): نظر مردم در باره اولو العزم و امامتان امیرالمومنین (عليه السلام) چیست؟ گفتیم: هیچ کسی را بر اولو العزم مقدم نمی دارند. حضرت فرمود: خداوند تبارک و تعالی در باره موسی (عليه السلام) فرموده (وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً) (1) و برای او در آن لوح ها از هر گونه پندی چیزی نوشتیم و نفرمود: هر موعظه ای را و از قول عیسی (عليه السلام) فرموده (وَلَا يُبَيِّنُ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ) (2) و تا برخی از آنچه را که در باره آن اختلاف می کنید برایتان بیان کنم و در باره امامتان امیرالمومنین (عليه السلام) فرموده (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (3) بگو: میان من و شما خدا گواهی بسنده است و آن که دانش کتاب نزد اوست و خداوند [در باره آن کتاب] فرموده (وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) (4) و نه هیچ تری و نه هیچ خشکی مگر آنکه در کتابی است و علم و دانش آن کتاب نزد او است. (5)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ السَّمَّانِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَا عَبْدَ اللَّهِ مَا تَقُولُ الشَّيْخَةُ فِي عَلِيِّ (عليه السلام) وَ مُوسَى (عليه السلام)

ص: 184

- 1- . الاعراف آية 145
- 2- . الزخرف آية 63
- 3- . الرعد آية 43
- 4- . الانعام آية 59
- 5- . الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) ج 2 ص 375 احتجاج أبي عبد الله الصادق ع في أنواع شتى من العلوم الدينية على أصناف كثيرة من أهل الملل و الديانات



قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمِنْ أَيِّ حَالَاتٍ تَسْأَلُنِي قَالَ أَسْأَلُكَ عَنِ الْعِلْمِ فَأَمَّا الْفَضْلُ فَهُمْ سَوَاءٌ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا عَسَى أَنْ أَقُولَ فِيهِمْ فَقَالَ هُوَ وَاللَّهِ أَعْلَمُ مِنْهُمَا ثُمَّ قَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَلَيْسَ يَقُولُونَ إِنَّ لِعَلِيِّ (عليه السلام) مَا لِلرَّسُولِ (صلى الله عليه وآله)

مِنَ الْعِلْمِ قَالَ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَخَاصِمُهُمْ فِيهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَالَ لِمُوسَى (عليه السلام) (وَ

كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ) فَأَعْلَمْنَا أَنَّهُ لَمْ يُبَيِّنْ لَهُ الْأَمْرَ كُلَّهُ وَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) (وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيداً عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَاناً لِكُلِّ شَيْءٍ) بصائر: وليد سمان گفت: حضرت باقر (عليه السلام) به من فرمود: یا عبد الله شيعه در باره علی (عليه السلام) و موسی (عليه السلام) و عیسی (عليه السلام) چه می گویند عرضه داشتیم: در چه مورد می فرمائید؟ فرمود: از علم می پرسم اما فضیلت که آنها مساوی هستند عرضه داشتیم: فدایت شوم چطور صحیح است بگویم در باره آنها فرمود به خدا قسم علی (عليه السلام) از آنها عالمتر است. سپس فرمود: مگر نمی گویند علی (عليه السلام) دارای علم پیامبر (صلى الله عليه وآله) است عرضه داشتیم: چرا فرمود پس با آنها در این مورد استدلال کن خداوند در باره موسی (عليه السلام) می فرماید: (وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ) (1) معلوم می شود که تمام مسائل را به او نیاموخته. خداوند در باره محمد (صلى الله عليه وآله) می فرماید (وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيداً عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَاناً لِكُلِّ شَيْءٍ) (2) در صفحه بعد همین روایت نقل می شود از این آیه می پرسند می فرماید علی (عليه السلام) اول ما و افضل ما و بهترین ما پس از پیامبر (صلى الله عليه وآله) است دنباله روایت نیز تکرار شده است. (3)

قَالَ سَعْدٌ وَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ السَّمَّانِ قَالَ قَالَ الْبَاقِرُ (عليه السلام) يَا عَبْدَ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي عَلِيِّ (عليه السلام) وَ مُوسَى (عليه السلام) وَ عِيسَى (عليه السلام) قُلْتُ مَا عَسَى أَنْ أَقُولَ فِيهِمْ قَالَ هُوَ وَاللَّهِ أَعْلَمُ مِنْهُمَا ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُمْ

ص: 185

1- . الاعراف آية 145

2- . النحل آية 89

3- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 228 باب 5 باب في أمير المؤمنين ع و أولي العزم أيهم أعلم ح 3

تَقُولُونَ إِنَّ لِعَلِيِّ (عليه السلام) مَا لِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِنَ الْعِلْمِ قُلْتُ نَعَمْ وَ النَّاسُ يُنْكِرُونَ قَالَ فَخَاصِمُهُمْ فِيهِ يَقُولُهُ تَعَالَى لِمُوسَى (عليه السلام) (وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ) فَعَلِمْنَا أَنَّهُ لَمْ يَكْتُبْ لَهُ الشَّيْءَ كُلَّهُ وَقَالَ لِعِيسَى (عليه السلام) (وَ لِابْنِ لَكُم بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ) فَعَلِمْنَا أَنَّهُ لَمْ يَبَيِّنِ الْأَمْرَ كُلَّهُ وَقَالَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) (وَ

حِثْنَا بِكَ شَيْءٌ هَدِيداً عَلَى هَوْلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَاناً لِكُلِّ شَيْءٍ) قَالَ فَسَدَّ بِلَ عَن قَوْلِهِ (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَيْءاً هَدِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ وَ اللَّهُ إِيَّانَا عَنِّي وَ عَلِيِّ (عليه السلام) أَوْلَانَا وَ أَفْضَلُنَا وَ خَيْرِنَا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَقَالَ إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ بِهِ آدَمَ (عليه السلام) عَلَى حَالِهِ عِنْدَنَا وَ لَيْسَ يَمْضِي مِنَّا عَالِمٌ إِلَّا خَلَفَهُ مَنْ يَعْلَمُ عِلْمَهُ وَ الْعِلْمُ يُتَوَارَثُ

عبد الله بن وليد سَمَّان می گوید: امام باقر (عليه السلام) از من پرسید: ای عبد الله! در باره علی (عليه السلام) و موسی (عليه السلام) و عیسی (عليه السلام) چه می گویی؟ گفتم: در باره آنان چه می توانم بگویم؟ فرمود: او به خدا سوگند! از آن دو اعلم بود. سپس فرمود: مگر شما نمی گوید آنچه را که پیامبر دارد علی (عليه السلام) هم دارد؟ گفتم: آری، ولی مردم انکار می کنند. فرمود: با این فرمایش خداوند به موسی (عليه السلام) با آنان مباحثه کن که می فرماید: (وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ) (1) در این آیه خداوند به ما فهمانده است که همه چیز را برای او نوشته است. و به عیسی (عليه السلام) فرموده است (وَ لِابْنِ لَكُم بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ) (2) و اینجا هم به ما فهمانده که تمام چیزها را برای عیسی (عليه السلام) بیان نکرده است. و به محمد (صلى الله عليه وآله) فرموده است (وَ حِثْنَا بِكَ شَيْءاً هَدِيداً عَلَى هَوْلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَاناً لِكُلِّ شَيْءٍ) (3) و فرمود در باره آیه (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَيْءاً هَدِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (4) پرسیده شد، فرمود: به خدا سوگند! ما را قصد کرده است و علی (عليه السلام) نخستین ما و افضل ما و بهترین ما بعد از پیامبر (صلى الله عليه وآله) می باشد. باز فرمود: آن علمی که خداوند برای آدم (عليه السلام) فرستاده است به همان حال نزد ماست و از میان ما

ص: 186

1- . الاعراف آية 145

2- . الزخرف آية 63

3- . النحل آية 89

4- . الرعد آية 43

عالمی از دنیا نمی رود مگر اینکه کسی را که علم او را بداند، جانشین خویش بگذارد و علم همین طور به ارث می رسد. (1)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ رَجُلٍ مِنَ الْكُوفِيِّينَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَا يَقُولُ أَصْحَابُكَ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَعِيسَى وَ مُوسَى أَنَّهُمْ أَعْلَمُ قَالَ قُلْتُ مَا يَقْدُمُونَ عَلَيَّ أُولِي الْعِزْمِ أَحَدًا قَالَ أَمَا إِنَّكَ لَوْ حَاجَجْتَهُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ لَحَجَجْتَهُمْ قَالَ قُلْتُ وَ أَيْنَ هَذَا فِي كِتَابِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ قَالَ فِي مُوسَى (عليه السلام) (وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً) وَ لَمْ يَقُلْ كُلُّ شَيْءٍ وَ قَالَ فِي عِيسَى (عليه السلام) (وَ لَا يُبَيِّنُ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ) وَ لَمْ يَقُلْ كُلُّ شَيْءٍ وَ قَالَ فِي صَاحِبِكُمْ (كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ )

بصائر با استناد به ابو عبد الله بن وليد می گوید: امام صادق (عليه السلام) از من پرسید: پیروان تو در باره امیر المؤمنین (عليه السلام) و عیسی (عليه السلام) و موسی (عليه السلام) چه می گویند و کدامیک را داناتر می شمارند؟ گفتم: ما می گوئیم هیچ کس بر پیامبران اولی العزم برتری و تقدّم ندارد حضرت صادق (عليه السلام) فرمود: اگر من با شما بر اساس کتاب خدا استدلال کنم، چه خواهید گفت؟ گفتم: در کجای کتاب خدا چنین مطلبی آمده است؟ حضرت صادق (عليه السلام) فرمود: خدای تعالی به موسی (عليه السلام) فرمود (وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً) (2) یعنی ما در الواح تورات برای موسی (عليه السلام) از پند هر چیزی نوشتیم) اما فرمود: علم همه چیز را نوشتیم. عیسی (عليه السلام) به مردم فرمود (وَ لَا يُبَيِّنُ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ) (3)

(یعنی من آمده ام تا بعضی از موارد اختلافان را برایتان توضیح دهم) و فرمود: همه چیز را برایتان بیان کنم و توضیح دهم. اما در باره صاحب شما فرمود (كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (4)

یعنی

ص: 187

1- . الخرائج و الجرائح ج 2 ص 799 الباب السادس عشر في نوادر المعجزات ح 8

2- . الاعراف آية 145

3- . الزخرف آية 63

4- . الرعد آية 43

میان من و شما شهادت خدا و کسی که علم همه کتاب نزد اوست کفایت می کند. (1)

امیرالمومنین سید الاوصیاء

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) ... أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَوَصِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَأَوْصِيَانِي سَادَةُ الْأَوْصِيَاءِ .. وَ لَتَكْفُرَنَّ بِكَ

الْأُمَّةُ وَ لَتَخْتَلِفَنَّ عَلَيْكَ اخْتِلَافًا شَدِيدًا الثَّابِتُ عَلَيْكَ كَالْمُقِيمِ

مَعِيَ وَ الشَّاذُّ عَنْكَ فِي النَّارِ وَ النَّارُ مَثْوَى لِلْكَافِرِينَ.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: من سید پیغمبرانم و وصیم سید اوصیاء و اوصیائهم، سادات اوصیائند... پس از من (اکثر) امت به تو کافر شده و اختلافی شدید خواهند نمود آنکه تو را رها نکند همچون کسی است که با من بوده و آنان که از تو برگشته و منحرف شوند در آتشند، و آتش جایگاه کافران است. (2)

امیرالمومنین

برتر از تمام انبیاء

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يُونُسَ الْبَغْدَادِيِّ الْوَرَّاقِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبَّسَةَ مَوْلَى الرَّشِيدِ قَالَ حَدَّثَنَا دَارِمُ بْنُ قَيْصَةَ بْنِ

ص: 188

1- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 229 باب 5 باب في أمير المؤمنين ع وأولي العزم أيهم أعلم ح 6

2- . الأما لي للصدوق ص 403 المجلس الثالث والستون 63 ح 3

نَهْشَلِ بْنِ مُجَمِّعِ الصَّنَعَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَأَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ أَنَا أَكْرَمُهُمْ عَلَى اللَّهِ وَلَا فَخْرَ وَخَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ أَلْفِ وَصِيٍّ وَأَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ أَلْفَ وَصِيٍّ فَعَلِيٌّ أَكْرَمُهُمْ عَلَى اللَّهِ وَأَفْضَلُهُمْ

پیغمبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: خدای عز و جل یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر آفرید و من گرامی ترین آنهایم نزد خدا و نبالم و آفرید یک صد و بیست و چهار

هزار وصی و علی (عليه السلام) گرامی تر و برتر آنها است نزد خدا. (1)

خَبْرٌ مِمَّا رَوِيَ عَنْ جَمَاعَةِ ثِقَاتٍ، أَنَّهُ لَمَّا وَرَدَتْ حُرَّةُ بِنْتُ حَلِيمَةَ السَّعْدِيَّةُ (رض) عَلَى الْحَجَّاجِ بْنِ يُوْسُفَ الثَّقَفِيِّ وَ أَنَّهَا مُتَلَّتْ بَيْنَ يَدَيْهِ. فَقَالَ لَهَا: يَا حُرَّةُ ابْنَةُ حَلِيمَةَ السَّعْدِيَّةِ، قَالَتْ لَهَا: فِرَاسَةٌ مِنْ غَيْرِ مُؤْمِنٍ. فَقَالَ لَهَا: اللَّهُ جَاءَ بِكَ، وَقَدْ قِيلَ لِي عَنْكَ: إِنَّكَ تَفْضِلِينَ عَلِيًّا (عليه السلام) عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ؟ قَالَتْ: لَقَدْ كَذَبَ الَّذِي قَالَ إِنَّي أَفْضَلُهُ عَلَى هَؤُلَاءِ خَاصَّةً، قَالَ وَعَلَى غَيْرِ هَؤُلَاءِ؟ قَالَتْ أَفْضَلُهُ عَلَى آدَمَ (عليه السلام) وَنُوحٍ (عليه السلام) وَلُوطٍ (عليه السلام) وَإِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) وَمُوسَى (عليه السلام) وَدَاوُدَ (عليه السلام) وَسُلَيْمَانَ (عليه السلام) وَعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ (عليه السلام) فَقَالَ لَهَا: يَا وَيْلَكَ! أَقُولُ لَكَ إِنَّكَ تَفْضِلِينَ عَلَى الصَّحَابَةِ، وَتَرِيدِينَ عَلَيْهِمْ سَبْعَةَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ أَوْلِي الْعِزْمِ، مِنَ الرُّسُلِ. وَإِذَا لَمْ تَأْتِي بِيَّانٍ مَا قُلْتِ وَإِلَّا لَأَصْرَبَنَّ عَنْكَ. قَالَتْ: مَا أَنَا فَضَلْتُهُ عَلَى هَؤُلَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، بَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَضَّلَهُ. بِقَوْلِهِ تَعَالَى فِي الْقُرْآنِ

ص: 189

فِي حَقِّ آدَمَ (وَعَصَى آدَمَ رَبَّهُ فَغَوَى) وَقَالَ فِي عَلِيِّ (وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا) قَالَ: أَحْسَنَتْ يَا حُرَّةُ فَمَا [فِيمَا] تَفْضِيلِيهِ عَلَى نُوحٍ وَ لُوطٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ؟ قَالَتْ: اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَضَّلَهُ، بِقَوْلِهِ تَعَالَى: (صَدَرَ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَ امْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ) وَعَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الْمُصَدَّقِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الَّتِي يَرْضَى اللَّهُ لِرِضَاهَا، وَيَسْخَطُ لِسَخَطِهَا. قَالَ الْحَجَّاجُ: أَحْسَنْتِ يَا حُرَّةُ، فِيمَا تَفْضِيلِيهِ عَلَى أَبِي الْأَنْبِيَاءِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ؟ قَالَتْ: اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَضَّلَهُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى (رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيُطَمِّنَنَّ قَلْبِي) عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ قَوْلًا لَا يَخْتَلِفُ فِيهِ أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ: لَوْ كَشِفَ (لِي) الْعِطَاءُ مَا أزدَدْتُ يَقِينًا فَهَذِهِ كَلِمَةٌ مَا قَالَهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ. قَالَ: أَحْسَنَتْ يَا حُرَّةُ، فِيمَا تَفْضِيلِيهِ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ؟ قَالَتْ: قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى عَزَّ وَجَلَّ (وَ أَنْ أَلْقِي عَصَاكَ فَلَمَّا رآهَا نَهْتَزُّ كَانَهَا جَانٌّ وَلِي مَدْبِرًا وَ لَمْ يُعَقِّبْ) وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَلَ عَلَى الْجِنِّ يَتْلُوهُمْ فِي مَنَازِلِهِمْ، مَعَ أَنَّهُمْ يَتَصَوَّرُونَ عَلَى صُورِ شَيْءٍ. فَهَلْ يَسْتَوِي مَنْ يَخَافُ عَصَاهُ إِذَا انْقَلَبَتْ حَيَّةً، مَعَ مَنْ يُقَاتِلُ الْجِنَّ فِي مَنَازِلِهِمْ قَالَ: أَحْسَنْتِ يَا حُرَّةُ. وَفِي خَيْرٍ آخَرَ: أَنَّهَا قَالَتْ: أَفْضَلُهُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى (فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ) وَعَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بَاتَ عَلَى فِرَاشِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقِيهِ بِنَفْسِهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ فِي حَقِّهِ (وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) قَالَ: أَحْسَنْتِ يَا حُرَّةُ، فِيمَا تَفْضِيلِيهِ عَلَى دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ؟ قَالَتْ: اللَّهُ فَضَّلَهُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى (يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ

النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ) قَالَ لَهَا: فِي أَيِّ شَيْءٍ كَانَتْ حُكُومَتُهُ؟ قَالَتْ: فِي رَجُلَيْنِ وَاحِدٌ لَهُ غَنَمٌ، وَالْآخَرُ لَهُ كَرْمٌ، فَبَعَثَ الْغَنَمَ فِي الْكَرْمِ فَرَعَتْهُ، فَتَحَاكَمَا إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: تَبَاعَ الْغَنَمُ وَيُنْفَقُ ثَمَنُهَا عَلَى الْكَرْمِ، حَتَّى تَعُودَ إِلَى مَا كَانَ عَلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ سُلَيْمَانُ: لَا يَا أَبَتِ، يُؤْخَذُ لَبْنُهَا وَصُوفُهَا، وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ( فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ ) مَوْلَانَا عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْدُونِي سَلُونِي عَمَّا تَحْتَ الْعَرْشِ، وَعَمَّا فَوْقَهُ، إِنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَخَلَ يَوْمًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لِلْحَاضِرِينَ: أَفْضَلُكُمْ وَأَعْلَمُكُمْ وَأَقْضَاكُمْ عَلِيٌّ. فَقَالَ لَهَا: أَحْسَنْتِ يَا حُرَّةُ، فِيمَا تَفْضَلِينِي عَلَى سُلَيْمَانَ؟ قَالَتْ: اللَّهُ فَضَّلَهُ عَلَيْهِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى: رَبِّ ( هَبْ لِي مَلَكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ) مَوْلَانَا عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: طَلَّقْتِكِ يَا دُنْيَا ثَلَاثًا، لَا رَجْعَةَ لِي فِيكَ، فَعَبِدْ ذَلِكَ أَنْزَلَ اللَّهُ فِي حَقِّهِ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ( تِلْكَ السَّاعَةُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ) قَالَ: أَحْسَدَنْتِ يَا حُرَّةُ، فِيمَا تَفْضَلِينِي عَلَى عَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ). قَالَتْ: اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَضَّلَهُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى ( وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلهِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ) فَأَخَّرَ

الْحُكُومَةَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَعَلَيْهِ (عليه السلام) لَمَّا ادَّعَى فِيهِ النَّصْرَ يَرِيَّةً مَا ادَّعَوْا، وَهُمْ أَهْلُ النَّهْرَوَانَ، فَاتَلَّهُمْ وَلَمْ يُؤَخَّرْ حُكُومَتَهُمْ. فَهَذِهِ كَانَتْ فَضَائِلُهُ لَا تُعَدُّ بِفَضَائِلِ غَيْرِهِ. قَالَ: أَحْسَنَتْ يَا حُرَّةُ، خَرَجْتَ مِنْ جَوَابِكِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَكَانَ ذَلِكَ ثُمَّ أَجَارَهَا، أَعْطَاهَا، وَ سَرَّحَهَا سَرَاحاً حَسَناً رَحْمَةً اللَّهُ عَلَيْهَا

در فضائل ابن شاذان از گروهی مورد اعتماد نقل می کند که چون حره دختر حلیمه سعدیه وارد بر حجاج بن یوسف شد حجاج به او گفت تو حره دختر حلیمه سعدیه هستی در پاسخ او گفت: خوب تشخیص دادی ولی حسن تشخیص از امتیازات مؤمن است نه تو. حجاج گفت: خدا تو را به اینجا آورد می گویند تو علی (علیه السلام) را بر ابی بکر و عمر و عثمان برتری می دهی گفت: هر که چنین نسبتی داده دروغ گفته من او را بر دیگران نیز فضیلت می دهم آدم (علیه السلام) نوح (علیه السلام) لوط (علیه السلام) ابراهیم (علیه السلام) و سلیمان (علیه السلام) و عیسی ابن مریم (علیه السلام) گفت: وای بر تو علاوه بر اینکه او را از صحابه بهتر می دانی بر هفت نفر از پیامبران مقدم می داری که اولو العزم پیامبرانند اگر دلیل این مطلب را نیاوری گردنت را می زنم. گفت: من او را بر این پیامبران مقدم می شمارم خداوند در قرآن او را برتر دانسته زیرا در باره آدم (علیه السلام) می فرماید (وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى) (1) ولی در باره علی (علیه السلام) می فرماید (وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُوراً) (2) حجاج گفت: احسن حره به چه دلیل او را بر نوح (علیه السلام) و لوط (علیه السلام) مقدم می داری. حره گفت: خداوند او را برتر دانسته چنانچه در باره آن دو می فرماید (ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ) (3) اما علی بن ابی طالب (علیه السلام) پایگاهش زیر سدره المنتهی است و همسرش فاطمه (علیها السلام) دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود که از رضای او خدا راضی و از خشمش خشمگین می شود. حجاج گفت: بسیار عالی، به

ص: 192

1- . طه آیه 121

2- . الانسان آیه 122

3- . التحريم آیه 10



چه دلیل او را بر پدر انبیاء ابراهیم خلیل (علیه السلام) مقدم می داری؟ جواب داد خداوند او را در این آیه مقدم داشته (وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي) (1) ولی مولای من امیر المؤمنین (علیه السلام) سخنی فرموده که هیچ يك از فرق مسلمان در آن سخن اختلاف ندارند فرمود: لَوْ كُشِفَ (لِي) الْغُطَاءُ مَا أَرَدَدْتُ يَقِينًا اگر پرده ها برداشته شود بر یقین من افزوده نمی شود این سخن را کسی قبل از علی (علیه السلام) و بعد از او نگفته. حجاج گفت: احسن چگونه او را برتر از موسی کلیم الله می دانی؟ گفت: خداوند می فرماید (فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ) (2) ولی علی (علیه السلام) در رختخواب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) خوابید بی آنکه ترس و بیمی داشته باشد تا خداوند این آیه را در باره اش نازل نمود (وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) (3) حجاج گفت: احسن چگونه او را بر داود (علیه السلام) و سلیمان (علیه السلام) فضیلت می دهی گفت: خداوند به این آیه او را بر این دو فضیلت داده (يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ) (4) حجاج پرسید: حکومت داود (علیه السلام) در چه موضوع بود گفت: دو نفر آمدند که یکی باغستانی از انگور داشت و دیگری گله ای گوسفند صاحب باغ مدعی بود که این مرد گوسفندانش را در باغ من رها کرده و انگورم را چرانده شکایت پیش داود (علیه السلام) برد. داود (علیه السلام) گفت: گوسفندها را می فروشند معادل زبانی که به باغ وارد شده می دهند تا باغ به صورت اول برگردد، سلیمان (علیه السلام) پسر داود گفت: نه پدر از منافع گوسفند از قبیل شیر و پشم استفاده می کنند خداوند در این آیه می فرماید (فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ) (5) ما حکم آن جریان را به سلیمان (علیه السلام) آموختیم. ولی مولای ما علی (علیه السلام) فرمود از من سؤال کنید از بالای عرش و از زیر عرش سؤال کنید قبل از اینکه مرا از دست دهید. در روز فتح خیبر خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید پیغمبر (صلی الله علیه و آله) روی به حاضرین نموده فرمود:

ص: 193

1- . البقرة آية 260

2- . القصص آية 21

3- . البقرة آية 207

4- . ص آية 26

5- . الانبياء آية 79

از همه شما گرامی تر و داناتر و واردتر به فنون قضاوت علی (علیه السلام) است. حجاج گفت: احسن به چه دلیل او را بر سلیمان (علیه السلام) فضیلت می دهی گفت: خداوند در این آیه فضیلت داده (قَالَ رَبُّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي) (1) ولی مولای ما امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: دنیا من تو را سه طلاقه کرده ام مرا حاجتی به تو نیست در این موقع این آیه را نازل نمود (تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا) (2) حجاج گفت: احسن به چه دلیل او را از عیسی (علیه السلام) برتر می دانی؟ گفت: خداوند در این آیه به او برتری داده (إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ) (3)

حکومت را به تاخیر انداخت تا روز قیامت اما علی بن ابی طالب (علیه السلام) وقتی نصیریه ادعای خود را نمودند آنها را کشت و به قیامت نیانداخت این فضائل علی (علیه السلام) است که قابل مقایسه با فضائل دیگران نیست حجاج گفت: احسن از عهده جواب برآمدی اگر چنین جوابی نمی دادی تو را می کشتم جایزه ای به او داد و با احترام او را به منزل خود برگرداند. (4) أَنَّهُ دَخَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) لَمَّا صَدَّرَ رَبِّ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) أَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ آدَمُ أَبُو الْبَشَرِ؟ قَالَ عَلِيٌّ (علیه السلام): تَزَكِيَةُ الْمَرْءِ نَفْسُهُ قَبِيحٌ لَكِنْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ) (5) وَ إِنَّ أَكْثَرَ الْأَشْيَاءِ أَبَاحَهَا لِي قَدْ تَرَكْتُهَا وَ مَا قَارَبْتُهَا ثُمَّ قَالَ: أَنْتَ أَفْضَلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَمْ نُوحٌ؟ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ نُوحًا دَعَا عَلِيَّ قَوْمَهُ وَ أَمَا أَنَا مَا دَعَوْتُ عَلِيَّ ظَالِمِي حَقِّي وَ ابْنُ نُوحٍ

ص: 194

1- . ص آية 35

2- . القصص آية 83

3- . المائدة آية 116

4- . الروضة في فضائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهما السلام (لابن شاذان القمي) ص 234 (193) (حديث احتجاج حرة على الحجاج)

5- . البقرة آية 35

كَانَ كَافِرًا وَابْنَايَ سَيِّدَا شَدَّ بَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. قَالَ: أَنْتَ أَفْضَلُ أُمَّ مُوسَى قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَرْسَلَ مُوسَى إِلَى فِرْعَوْنَ فَقَالَ: إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ، حَتَّى قَالَ اللَّهُ: (لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ) (1) وَقَالَ: (رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ) (2) وَأَمَّا مَا خِفْتُ حِينَ أَرْسَلَنِي رَسُولَ اللَّهِ بِتَبْلِيغِ سُورَةِ بَرَاءَةٍ أَنْ أَقْرَأَهَا عَلَى قُرَيْشٍ فِي الْمَوْسِمِ مَعَ أَبِي كُنْتُ قَدْ قَتَلْتُ كَثِيرًا مِنْ صَدَائِدِهِمْ فَذَهَبْتُ بِهَا إِلَيْهِمْ وَقَرَأْتُهَا عَلَيْهِمْ وَمَا خِفْتُهُمْ. ثُمَّ قَالَ: أَنْتَ أَفْضَلُ أُمَّ عَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ؟ قَالَ: كَانَتْ أُمُّهُ فِي الْبَيْتِ الْمُقَدَّسِ، فَلَمَّا جَاءَ وَقْتُ وِلَادَتِهَا سَمِعَتْ قَائِلًا يَقُولُ: أَخْرُجِي هَذَا بَيْتَ الْعِبَادَةِ لَا بَيْتَ الْوِلَادَةِ وَأَنَا أُمِّي فَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدٍ لَمَّا قَرَّبَ وَضَعُ حَمْلُهَا كَانَتْ فِي الْحَرَمِ فَانْشَقَّ حَائِطُ الْكَعْبَةِ وَسَمِعَتْ قَائِلًا يَقُولُ لَهَا: أُدْخِلِي فِدَخَلْتَ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ وَأَنَا وُلِدْتُ بِهِ وَلَيْسَ لِأَحَدٍ هَذِهِ الْفَضِيلَةُ لَا قَبْلِي وَلَا بَعْدِي. ثُمَّ قَالَ: أَنْتَ أَفْضَلُ أُمَّ إِبْرَاهِيمَ؟ فَقَالَ: أَمَّا أَفْضَلُ، لِأَنَّ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: (وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لِمَ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَى وَ لَكِن لِيُطَمِّئِنَّ قُلُوبِي) (3) وَلَكِنِّي قُلْتُ وَ أَقُولُ: لَوْ كُشِفَ (لِي) الْغِطَاءُ مَا ارْزُدْتُ يَقِينًا (فَهَذِهِ كَلِمَةٌ مَا قَالَهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ) از صعصعة بن صوحان روایت است که وی هنگامی که علی (علیه السلام) به حکومت رسید بر آن حضرت وارد شده و عرضه داشتیم: ای امیر مؤمنان (علیه السلام) شما برترید یا آدم ابوالبشر؟ فرمود: خودستایی زشت است، (ولی بدان که) خداوند به آدم (علیه السلام) فرمود: (تو وهمسرت در بهشت جای گزینید و از همه چیز بخورید جز این درخت ولی آدم (علیه السلام) از آن درخت خورد) اما با آن که خداوند بیشتر چیزها را برای من مباح کرده بود من از آنها دست کشیدم و پیرامون آنها نگشتم. عرضه داشت: شما برترید یا نوح (علیه السلام) فرمود:

ص: 195

1- . النمل آية 10

2- . القصص آية 33

3- . البقرة آية 260

نوح(علیه السلام) قوم خود را نفرین کرد و من هیچ گاه بر ظالمان و غاصبان به حق خودم نفرین نکردم، و فرزند نوح(علیه السلام) کافر بود ولی دو فرزند من سرور جوانان اهل بهشتند. عرضه داشت: شما برترید یا موسی(علیه السلام) فرمود: خداوند موسی(علیه السلام) را به نزد فرعون فرستاد و موسی(علیه السلام) عرضه داشت:گفت: ای پروردگار من، یکی از ایشان را کشته ام، و می ترسم مرا بکشند. ولی من هنگامی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) مرا برای تبلیغ سوره براءت فرستاد که آن را در موسم حج بر قریش قرائت کنم هیچ ترسیدم با آن که بسیاری از سران و بزرگان آنها را کشته بودم، رفتم و آن سوره را بر آنان قرائت کرده و از آنان ترسیدم. عرضه داشت: شما برترید یا عیسی بن مریم(علیه السلام) فرمود: مادر عیسی(علیه السلام) در بیت المقدس بود، چون هنگام زایمان او فرا رسید شنید که کسی می گفت: بیرون رو که اینجا پرستشگاه است نه زایشگاه، اما مادر من فاطمه(علیها السلام) بنت اسد چون هنگام زایمانش فرا رسید در حرم بود، پس دیوار کعبه شکافت و شنید که کسی می گوید: داخل شو، و او داخل در وسط خانه شد و من در آنجا به دنیا آمدم، و این فضیلت را هیچ کس پیش از من و پس از من دارا نبوده و نیست. [\(1\)](#) عرضه داشت: شما برترید یا ابراهیم(علیه السلام) حضرت فرمودند: من برترم و چون ابراهیم(علیه السلام) به خدای تبارک و تعالی عرضه داشت: خدایا به من نشان ده که چگونه مردگان را زنده می کنی؟ خداوند فرمود: آیا باور نداری؟ ابراهیم(علیه السلام) عرضه داشت: آری باور دارم، اما می خواهم قلبم مطمئن گردد. اما من گفتم و می گویم: اگر تمامی پرده ها کنار روند ذره ای بر یقینم افزوده نمی گردد.

ص: 196

قَوْلُهُ تَعَالَى (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) قَالُوا نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام).

درباره قول خدای عزوجل (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) (1) این آیه درباره علی (علیه السلام) نازل شده (2)

وَمِنْهُ عَنْ جَابِرٍ قَالَ كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَدْ أَتَاكُمْ أَخِي ثُمَّ التَفَتَ إِلَى الْكَعْبَةِ فَضَرَبَهَا بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ أَوْلُكُمْ إِيمَانًا مَعِي وَ أَوْفَاكُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَقْوَمُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ أَعْدَلُكُمْ فِي الرَّعِيَّةِ وَ أَقْسَمُكُمْ بِالسُّوِيَّةِ وَ أَعْظَمُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ مَزِيَّةً قَالَ وَ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) قَالَ وَ كَانَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) إِذَا أَقْبَلَ عَلِيٌّ (عليه السلام) قَالُوا قَدْ جَاءَ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ هُمْ در مناقب از جابر روایت می کند که ما نزد پیغمبر (صلى الله عليه وآله) بودیم که علی بن ابی طالب (علیه السلام) آمد آن حضرت فرمود که: برادر من آمد و بعد از آن ملتفت شد به جانب کعبه و دست مبارک بر آن زد و فرمود: به آن خدائی که جان من به ید قدرت اوست که این و شیعه این رستگارانند در روز قیامت، و دیگر فرمود که: او اول شماس است در ایمان به من، و اوفی شماس است به عهد الهی، و اقوم شماس است به امر پادشاهی، و اعدل شماس است در رعیت، و اقسَم شماس است به سویت، و اعظم شماس است نزد حضرت عزت به مزیت، گفت که: بعد از این این آیت نازل شد که (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ

ص: 197

1- . البينة آية 7

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 314 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) یعنی به درستی آنان که گرویده اند و کرده اند عمل های پاک و ستوده آن گروه ایشانند بهترین همه آفریدگان. و بعد از آنکه اصحاب محمد(صلی الله علیه و آله) او را می دیدند می گفتند که خیر البریه آمد. (1)

حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْأَصْبَهَانِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو رَجَاءٍ قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ السَّرَّاجِ عَنْ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ فَضَّلَ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِي عَلَى عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَدْ كَفَرَ.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: هرکه برتری داد کسی را از اصحاب و یاران من بر علی(علیه السلام) به تحقیق کافر شده است. (2)

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَوَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَنَسِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمَةَ، عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَالَ النَّبِيُّ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): قَدْ أَتَاكُمْ أَخِي، ثُمَّ التَفَتَ إِلَى الْكَعْبَةِ فَضَرَبَهَا بِيَدِهِ، ثُمَّ قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّ هَذَا وَ شِيعَتَهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّهُ أَوْلَكُمْ إِيمَانًا مَعِي، وَ أَوْفَاكُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَ أَفْوَمُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ، وَ أَعَدُّكُمْ فِي الرَّعِيَّةِ، وَ أَقْسَمُكُمْ بِالسَّوِيَّةِ، وَ أَعْظَمُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ مَزِيَّةً، قَالَ: فَتَنَزَلَتْ (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) قَالَ: وَ كَانَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِذَا أَقْبَلَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالُوا: قَدْ جَاءَ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ.

جابر بن عبد الله: نزد پیامبر(صلی الله علیه و آله) بودیم که علی بن ابیطالب(علیه السلام) پیش آمد، پس پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: برادرم به نزد شما آمد، آنگاه پیامبر(صلی الله علیه و آله) رو به جانب کعبه کرد، و با

ص: 198

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 153 في بيان أنه أفضل الأصحاب

2- . الأمالي للصدوق النص 656 المجلس الرابع والتسعون ح 4

دست به دیوار آن زد، آنگاه فرمود: سوگند به کسی که جانم در دست اوست، او و شیعیانش در روز قیامت رستگارانند، سپس فرمود: او اولین کسی است که با من ایمان آورد، و وفادارترین شما به پیمان خدا و پایدارترین شما به امر اوست و او نسبت به زیردستان از همه شما عدالتمندتر و به هنگام تقسیم در رعایت مساوات و برابری دقیق تر است، و در نزد خداوند بیش از تمامی شما برتری دارد، راوی گوید: پس این آیه فرو فرستاده شد (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) (1) و یاران

پیامبر (صلی الله علیه و آله) هرگاه که علی (علیه السلام) می آمد می گفتند: بهترین آفریدگان آمد. (2)

علی خیرالبشر

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عُمَرَ التَّمَّارِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ هِلْفَامٍ، قَالَ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنِ الْأَعْمَشِ وَ عُبَيْدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ، قَالَ: سَأَلْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَالَ: ذَلِكَ خَيْرُ الْبَشَرِ.

عطیه کوفی می گوید: از جابر بن عبدالله درباره ی علی بن ابیطالب (علیه السلام) پرسیدم گفت: او بهترین انسان هاست. (3)

ص: 199

1- . البينة آية 7

2- . الأما لي (للطوسي) النص 251 [9] المجلس التاسع ح 40

3- . الأما لي (للطوسي) المجلس 12 ح 16

وَ مِنْ كِتَابِ الْمُسْتَرَشِدِ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) خَيْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدِي أَوْلَاهَا إِسْلَامًا عَلِيٌّ  
بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

و در کتاب مسترشد روایت می کند از سلمان فارسی که پیغمبر (صلى الله عليه وآله) فرمود که: بهترین امت بعد از من علی بن ابی  
طالب (عليه السلام) است. (1)

علی صالح مومنینقوله تعالی (فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ) قَالَ مُجَاهِدٌ هُوَ عَلِيٌّ (عليه السلام).

و دیگر آیه (فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ) (2)

مجاهد گوید که صالح المؤمنین علی بن ابی طالب است (عليه السلام). (3)

قَوْلُهُ تَعَالَى (يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيَمَانِهِمْ) نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ أَصْحَابِهِ.

قَوْلُهُ تَعَالَى (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) حَدَّثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ أَنَا  
مُسَدِّدُهُ إِلَى صَدْرِي قَالَ أَيُّ عَلِيٍّ أَلَمْ تَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا) الْآيَةَ أَنْتَ وَ شِعْطُكَ وَ مَوْعِدِي وَ مَوْعِدُكُمْ الْحَوْضُ إِذَا جَنَّتِ  
الْأُمَّمُ لِلْحِسَابِ تَدْعُونَ غُرًّا مُحَجَّلِينَ

ص: 200

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 87 ما جاء في إسلامه و سبقه و سنه يومئذ

2- . التحريم آية 4

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 314 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه



در باره آیه مبارکه (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) (1) تحقیقا کسانی که ایمان آورده و اعمال نیکو انجام می دهند بهترین مردمانند، علی (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حالی که او را بر سینه ام تکیه داده بودم، به این آیه اشاره نمود و فرمود: یا علی! مراد از این آیه، تو و شیعیانت می باشید، میعاد تو و شیعیانت با من در روز قیامت کنار حوض [کوثر] است، آن گاه که مردم برای حساب روز قیامت به زانو نشسته اند، اما پیروان تو با چهره های نورانی وارد بهشت می شوند. (2)

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ) عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ مِثْلَهُ مِنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ وَابْنِ عَبَّاسٍ رَوَيْتَ شَدِيدَةً أَنَّ ابْنَ عَبَّاسٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سَمِعَهُ يَقُولُ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) (3) مراد از (وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ) (4) علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.

برترین خلق خدا بعد از رسول گرامی

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنَّ وَصِيَّيَ لَأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ وَإِنَّهُ لَحَبَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى خَلْقِهِ وَمِنْ وُلْدِهِ الْأَيْمَةُ الْهُدَاةُ بَعْدِي بِهِمْ يَحْسِبُ اللَّهُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَبِهِمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِهِمْ يُمْسِكُ الْجِبَالُ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَبِهِمْ يَسْقِي خَلْقَهُ الْغَيْثَ وَبِهِمْ يُخْرِجُ النَّبَاتَ

ص: 201

1- . البينة آية 7

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 316 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . التحريم آية 4

4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 316 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): به حق کسی که مرا به رسالت برانگیخت و بهترین خلق خود قرار داد، وصی و جانشین من برترین اوصیاست، او حجت خدا بر بندگان و جانشین او در میان مخلوقات بوده، و فرزندان او پیشوایان هدایت کننده اند. به واسطه ایشان از اهل زمین عذاب را منع کرده، و به سبب آن ها آسمان ها را حفظ کند، و به خاطر ایشان کوه ها را نگاه دارد، و بندگان را از باران رحمت خود سیراب کند، و به برکت ایشان گیاهان را از زمین خارج کرده و می رویند. (1)

حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ الْفَقِيهَ شَيْخُ لِأَهْلِ الرَّيِّ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدِ الصَّفَّارِ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدِ بْنِ عُثْبَةَ الْكِنْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ شَرِيكَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عَطَاءٍ قَالَ: سَأَلْتُ عَائِشَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَالَتْ ذَلِكَ [ذَلِكَ] خَيْرُ الْبَشَرِ وَلَا يَشْكُ فِيهِ إِلَّا كَافِرٌ.

عطاء گوید: از عایشه پرسیدم راجع به علی بن ابی طالب (علیه السلام)، گفت: آن حضرت خیر البشر است و شک نکند در آن جز کافر. (2)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الصَّيْرَفِيُّ وَكَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْحَدِيثِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ بَسَّامٍ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْخَيْرِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُفَ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يُوسُفَ وَ أَبُو الْخَيْرِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ النَّخَعِيُّ عَنْ شَرِيكَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي وَائِلٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِيِّ عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنَّهُ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) خَيْرُ الْبَشَرِ وَمَنْ أَبَى فَقَدْ كَفَرَ.

ص: 202

1- . الاختصاص: ص 224 حديث في الأئمة.

2- . الأمالي للصدوق المجلس الثامن عشر 18 ح 3.

حذیفة بن یمان از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود: علی بن ابی طالب (علیه السلام) خیر البشر است و هر که ایا کند کافر بوده. (1)

حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْخَيْطِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْأَزْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ حُسَيْنِ الْعُرَيْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ يُوْسُفَ عَنْ شَدْرِيكِ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ رَبِيعٍ عَنْ حَذِيفَةَ أَنَّهُ سَمِعَ عَلِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ ذَلِكَ [ذَلِكَ] خَيْرُ الْبَشَرِ وَلَا يَشْكُ فِيهِ إِلَّا مُنَافِقٌ.

از حذیفة سؤال شد راجع به علی (علیه السلام) گفت: آن حضرت خیر البشر است و شك ندارد در آن جز منافق. (2)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْعَبَّاسِ الرَّازِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ هَارُونَ التَّمِيمِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي سَيِّدِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ حَدَّثَنِي أَخِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْتَ خَيْرُ الْبَشَرِ وَلَا يَشْكُ فِيكَ إِلَّا كَافِرٌ.

به روایت امام رضا (علیه السلام) از جدش علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به من فرموده توئی خیر البشر و شك نکند در باره تو جز کافر. (3)

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَا عَلِيُّ أَنْتَ خَيْرُ الْبَشَرِ لَا يَشْكُ فِيكَ إِلَّا كَافِرٌ.

ص: 203

- 1- . الأماي للصدوق المجلس الثامن عشر 18 ح 5.
- 2- . الأماي للصدوق المجلس الثامن عشر 18 ح 4.
- 3- . الأماي للصدوق المجلس الثامن عشر 18 ح 7.

و به همین اسناد جعابی روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: تو بهترین افراد بشر هستی و کسی درباره ات شک نکند جز کافر. (1)

قَالَ

وَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَاذَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُزَنِرِ عَنْ ابْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَا أَظَلَّتِ الْخَصْرَاءُ وَ مَا أَقَلَّتِ الْعُجْرَاءُ بَعْدِي أَفْضَلَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ إِنَّهُ إِمَامٌ أُمَّتِي وَ أَمِيرُهَا وَ إِنَّهُ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا مَنْ أَقْتَدَى بِهِ بَعْدِي اهْتَدَى وَ مَنْ اهْتَدَى بِغَيْرِهِ ضَلَّ وَ غَوَى إِنَّنِي أَنَا النَّبِيُّ الْمُصْطَفَى (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَا أَنْطَقُ بِفَضْلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْمُجْتَبَىٰ عَنِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَىٰ ابْنُ عَبَّاسٍ كُفْتُ: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: آسمان سایه نیافکنده و زمین بر نداشته پس از من کسی را که افضل از علی بن ابی طالب (علیه السلام) باشد او امام امت من و رهبر آنها و وصی و جانشین من است بر امت هر که پس از من به او اقتدا کند هدایت یافته و هر که دیگری رهبرش شود گمراه و بیچاره است من پیامبر برگزیده ام از روی هوای نفس سخن از فضل علی (علیه السلام) نمی گویم این وحی خدا است که روح الامین آورده از جانب خدای جهان آفرین که هر چه در آسمان ها و زمین و بین آن دو وزیر آسمان باشد متعلق به اوست. (2)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ الدَّقَاقُ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكَاتِبُ قَالَ حَدَّثَنِي سَلِيمَانُ بْنُ الرَّبِيعِ قَالَ حَدَّثَنِي نَصْرُ بْنُ مُزَاحِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْأَشْعَثُ عَنْ

ص: 204

1- [2]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 59 باب 31 فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 225

2- [1]. كنز الفوائد ج 2 ص 56 فصل من روايات ابن شاذان رحمه الله ح 2

صَمْرَةَ عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: نَظَرَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَالَ هَذَا خَيْرُ الْأَوْلِيَيْنِ [وَأَخَيْرُ الْآخِرِينَ] مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ هَذَا سَيِّدُ الصِّدِّيقِينَ وَزَيْنُ الْوَصِيِّينَ وَإِمَامُ الْمُتَمِّينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

ابی ذر رضی اللہ عنہ گفت پیامبر اکرم (صلی اللہ علیہ وآلہ) نگاہی به علی بن ابی طالب (علیه السلام) کرده و گفت: این بهترین شخص از پیشینیان و آیندگان از اهل آسمان ها و اهل زمین ها است این سرور صدیقین و سید وصیین است. (1)

وَبِهَذَا الْإِسْدَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أُمِّهِ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَالْأئِمَّةُ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدِي سَادَةُ أَهْلِ الْأَرْضِ

وَقَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. ام سلمه گفت از پیامبر اکرم (صلی اللہ علیہ وآلہ) شنیدم می فرمود: علی بن ابی طالب (علیه السلام) و پیشوایان از نژاد او بهترین شخصیت های روی زمین و رهبر سفید چهرگان در روز قیامت هستند. (2)

أَبُو نُعَيْمٍ الْأَصَدِّفَهَانِيُّ فِي مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي عَلِيٍّ بِالْإِسْدَادِ عَنْ شَرِيكَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْحَرْثِ قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُقَاسُ بِالنَّاسِ فَقَامَ رَجُلٌ فَآتَى ابْنَ عَبَّاسٍ فَأَخْبَرَهُ بِذَلِكَ فَقَالَ صَدَقَ عَلِيُّ (عليه السلام) أَوْ لَيْسَ النَّبِيُّ لَا يُقَاسُ بِالنَّاسِ وَقَدْ نَزَلَ فِي عَلِيٍّ (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)

ص: 205

1- [2] مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة ص 88 المنقبة الخامسة و الخمسون

2- [1] الأُمالي للصدوق ص 582 المجلس الخامس و الثمانون ح 24

حارث گفت: علي (عليه السلام) فرمود: ما اهل بيت را با مردم نمی توان قیاس کرد مردی از جای حرکت کرد و پیش عبد الله بن عباس رفت و این جریان را به او گفت. او جواب داد علي (عليه السلام) راست می گوید مگر نه این بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مردم مقایسه نمی شد بعد ابن عباس گفت این آیه در باره علي (عليه السلام) نازل شد (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) (1)

حَدَّثَنِي أَبُو زَكْرِيَّا طَلْحَةَ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ طَلْحَةَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّرَّامِ قَدِمَ عَلَيْنَا الْكُوفَةَ حَاجًّا قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاذٍ شَاهُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بِهَرَاةَ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْحَمِيدِ الْقَتَادُ قَالَ حَدَّثَنِي هُشَيْمُ بْنُ بِشِيرٍ قَالَ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ بْنُ الْحَجَّاجِ قَالَ حَدَّثَنَا عَدِيُّ بْنُ ثَابِتٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَفْضَلُ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى غَيْرِي وَ الْحَسَنُ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا وَ إِنَّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) وَ لَوْ وَجَدْتُ لِفَاطِمَةَ (عليها السلام) خَيْرًا مِنْ عَلِيٍّ لَمْ أَرْوِّجْهَا مِنْهُ ابْنِ عَبَّاسٍ كُفْتُ: پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) فرمود: علي بن ابی طالب (عليه السلام) بهترین خلق خدا است بعد از من و حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) سرور جوانان اهل بهشتند و پدرشان بهتر از آنها است فاطمه (عليها السلام) بهترین زنان جهان است و علي (عليه السلام) داماد من است اگر بهتر از علي (عليه السلام) دامادی می یافتم فاطمه (عليها السلام) را به ازدواج او در نمی آوردم. (2)

قَالَ وَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَاذَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُؤَدَّبِ عَنْ ابْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَا أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ وَ

ص: 206

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ج 3 ص 68 فصل في أنه خير الخلق بعد النبي، البينة آية 7

2- . مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين والأئمة ص 19 المنقبة الثانية

مَا أَقَلَّتِ الْغَبْرَاءُ بَعْدِي أَفْضَلَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَإِنَّهُ إِمَامٌ أُمَّتِي وَأَمِيرُهَا وَإِنَّهُ وَصِيِّي وَخَلِيفَتِي عَلَيْهَا مَنْ افْتَدَى بِهِ بَعْدِي اهْتَدَى وَمَنْ اهْتَدَى بِغَيْرِهِ ضَلَّ وَعَوَى إِنَّي أَنَا النَّبِيُّ الْمَصْدَقُ مَا أَنْطِقُ بِفَضْلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنِ الْهُوَى (إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى) نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْمُجْتَبَى عَنِ الَّذِي لَهُ

مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى) وَقَالَ رَحِمَهُ اللَّهُ فِيمَا عَدَدَ مِنْ عَفَاذِ السَّيِّعَةِ الْإِمَامِيَّةِ وَيَجِبُ أَنْ يُعْتَقَدَ أَنَّ أَفْضَلَ الْأَيْمَةِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَأَنَّهُ لَا يَجُوزُ أَنْ يَسَمَى بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَحَدٌ سِوَاهُ وَأَنَّ بَقِيَّةَ الْأَيْمَةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ يُقَالُ لَهُمُ الْأَيْمَةُ وَالْخُلَفَاءُ وَالْأَوْصِيَاءُ وَالْحُجَجُ وَأَنَّهُمْ كَانُوا فِي الْحَقِيقَةِ أُمَّرَاءَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّهُمْ لَمْ يَمْنَعُوا مِنْ هَذَا الْإِسْمِ لِأَجْلِ مَعْنَاهُ لِأَنَّهُ حَاصِلٌ عَلَى الْإِسْمِ تَحْقَاقٌ وَإِنَّمَا مَنَعُوا مِنْ لَفْظِهِ سِمَةً لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَأَنَّ أَفْضَلَ الْأَيْمَةِ بَعْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَلَدُهُ الْحَسَنُ (عليه السلام) ثُمَّ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) وَأَفْضَلُ الْبَاقِينَ بَعْدَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) إِمَامُ الزَّمَانِ الْمَهْدِيُّ (عليه السلام) ثُمَّ بَقِيَّةُ الْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ عَلَى مَا جَاءَ بِهِ الْأَثَرُ وَتَبَّتْ فِي النَّظَرِ وَأَنَّهُ لَا يَتِمُّ الْإِيْمَانُ إِلَّا بِمُؤَالَاةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِهِ وَأَنَّ أَعْدَاءَ الْأَيْمَةِ كُفَّارٌ مُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ وَإِنْ أَظْهَرُوا الْإِسْلَامَ فَمَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَيْمَةَ تَوَلَّاهُمْ وَتَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ شَكَّ فِيهِمْ أَوْ أَنْكَرَ أَحَدَهُمْ أَوْ شَكَّ فِيهِ أَوْ تَوَلَّى أَعْدَاءَهُمْ أَوْ أَحَدَ أَعْدَائِهِمْ فَهُوَ ضَالٌّ هَالِكٌ بَلْ كَافِرٌ لَا يَنْفَعُهُ عَمَلٌ وَلَا اجْتِهَادٌ وَلَا تَقَبُّلٌ لَهُ طَاعَةٌ وَلَا تَصِحُّ لَهُ حَسَنَاتٌ وَأَنْ يُعْتَقَدَ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ مَضَوْا مِنَ الدُّنْيَا وَهُمْ غَيْرُ عَاصِدِينَ يُؤْمَرُ بِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَأَنَّ جَمِيعَ الْكُفَّارِ وَالْمُشْرِكِينَ وَمَنْ لَمْ تَصِحَّ لَهُ الْأُصُولُ مِنْ

الْمُؤْمِنِينَ يُؤْمَرُ بِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى الْجَحِيمِ بغيرِ حِسَابٍ وَإِنَّمَا يُحَاسَبُ مَنْ خَلَطَ (عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا) وَهُمْ الْعَارِفُونَ الْعَصَاةَ

ابن عباس گفت: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: آسمان سایه نیافکنده و زمین بر نداشته پس از من کسی را که افضل از علی بن ابی طالب (علیه السلام) باشد او امام امت من و رهبر آنها است و او وصی و جانشین من است بر امت هر که پس از من به او اقتدا کند هدایت یافته و هر که دیگری رهبرش شود گمراه و بیچاره است من پیامبر برگزیده ام از روی هوای نفس سخن از فضل علی (علیه السلام) نمی گویم (إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى) (1) این وحی خداست روح الامین آورده از جانب خدای جهان آفرین (لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى) (2) که هر چه در آسمان ها و زمین و بین آن دو و زیر آسمان است متعلق به اوست. (3)

صدوق رحمة الله گفته از جمله عقاید شیعه امامی این مطلب شمرده شده: واجب است که معتقد شویم افضل از تمام ائمه (علیهم السلام) امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) است و اینکه جایز نیست هیچ کس را جز او به نام امیر المؤمنین نامید و بقیه را ائمه (علیهم السلام) می گوئیم ائمه (علیهم السلام) جانشینان پیامبر، اوصیاء رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، و حُجَجِ خدایند با اینکه آنها نیز امیر بر مؤمنین هستند و از نامیدن به این اسم جلوگیری نکرده اند به واسطه معنی آن چوناین معنی در تمام ائمه (علیهم السلام) وجود دارد اما از نامیدن به این لفظ (امیرالمؤمنین) منع کرده اند تا علامت برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد.

ص: 208

1- . النجم آية 4

2- . طه آية 6

3- . بحار الأنوار ج 25 ص 361 باب 12 أنه جرى لهم من الفضل والطاعة مثل ما جرى لرسول الله ص وأنهم في الفضل سواء ح 21



وَعَنْهُ، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ، وَأَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارِ الثَّقَفِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ التَّوْفَلِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ، قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) أَخَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ، فَأَخَى بَيْنَ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ، وَبَيْنَ عُثْمَانَ وَعَبْدِ الرَّحْمَنِ، وَبَيْنَ فُلَانٍ وَفُلَانٍ حَتَّى آخَى بَيْنَ أَصْحَابِهِ أَجْمَعِهِمْ عَلَى قَدْرِ مَنَازِلِهِمْ، ثُمَّ قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام): أَنْتَ أَخِي، وَأَنَا أَخُوكَ.

عبدالله بن عباس گفته: وقتی این آیه نازل شد (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) (1) مومنان برادرند رسول خدا (صلى الله عليه وآله) میان مسلمانان عقد برادری خواند، میان ابوبکر با عمر، عثمان با عبد الرحمن، فلانی با فلانی و میان اصحابش بنا بر جایگاهشان برادری خواند. سپس به علی بن ابیطالب (عليه السلام) فرمود. تو برادر منی و من برادر توام. (2) وَعَنْهُ، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيُّ سَنَةَ سِتِّ عَشْرَةَ وَثَلَاثِمِائَةٍ وَفِيهَا مَاتَ، قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ بَشِيرٍ بِالْكُوفَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ أَبِي نُورٍ الْأَسَدِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ شَمْرٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْأَعْلَى، عَنْ سَعْدِ بْنِ حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: أَخَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بَيْنَ الْأَنْصَارِ وَالْمُهَاجِرِينَ أُخُوَّةَ الدِّينِ، وَكَانَ يُؤَاخِي بَيْنَ الرَّجُلِ وَنَظِيرِهِ، ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَالَ: هَذَا أَخِي. قَالَ: حُدَيْفَةُ

فَرَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ، وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ، وَرَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الَّذِي لَيْسَ لَهُ فِي الْأَنْبِيَاءِ شَبَهُ وَلَا نَظِيرٌ، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخُوهُ.

حذيفة بن يمان گفت: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) میان انصار و مهاجرین برادری دینی برقرار کرد. حضرت هرکه را با همانندش برادر می کرد. سپس دست علی بن ابیطالب (علیه السلام) را گرفت و فرمود: این برادر من است. حذيفة گفت: پس رسول خدا (صلى الله عليه وآله) سرور فرستادگان و پیشوای پرهیزکاران و فرستاده ی پروردگار جهانیان است. کسی که در میان آدمیان مثل و مانندی ندارد و علی بن ابیطالب (علیه السلام) برادر اوست. (1)

وَبِإِسْمِ نَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نُودِيََتْ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ نِعْمَ الْأَبُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمَ (علیه السلام) وَنِعْمَ الْأَخُ أَخُوكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)

رسول خدا (صلى الله عليه وآله): روز قیامت منادی ندا می دهد: ای محمد! چه خوب پدری است پدرت ابراهیم (علیه السلام) و چه خوب برادری است برادرت علی بن ابیطالب (علیه السلام). (2) مِنْ كِتَابِ مُسَدِّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَبِي أَدْمِيٍّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَذَكَرَ عَلِيٌّ (علیه السلام) قِصَّةَ مُوَآخَاةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بَيْنَ الصَّحَابَةِ فَقَالَ قَالَ عَلِيُّ (علیه السلام) لَقَدْ ذَهَبَتْ رُوحِي وَانْقَطَعَ ظَهْرِي حِينَ رَأَيْتُكَ فَعَلْتَ بِأَصْحَابِكَ مَا فَعَلْتَ فَإِنْ كَانَ هَذَا مِنْ سَخَطِكَ عَلَيَّ فَلَاكَ الْعُتْبَى وَالْكَرَامَةُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا اخْتَرْتُكَ إِلَّا لِنَفْسِي فَأَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ (علیه السلام) مِنْ مُوسَى (علیه السلام) إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَأَنْتَ أَخِي وَوَارِثِي.... وَأَنْتَ مَعِيَ فِي قَصْرِ رِي فِي الْجَنَّةِ مَعَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَأَنْتَ أَخِي وَرَفِيقِي ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) (إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ) الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ

ص: 210

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 25 ح 4

2- . صحيفة الإمام الرضا عليه السلام ص 58 متن الصحيفة ح 82

در کتاب مسند احمد بن حنبل به نقل از زید بن ابی آدمی آمده است که گفته: بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شد پس علی (علیه السلام) داستان برادری با پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در میان صحابه باز گفت. راوی می گوید: علی (علیه السلام) گفت: روحم برفت و پشتم بشکست آن گاه که دیدم تو با اصحاب خود چنان می کنی که کردی. اگر این از خشم تو بر من بود، که خشنودی و کرامت از آن توست. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برگزید من تو را برنگزیدم مگر برای خود. پس تو برای من همچون هارون (علیه السلام) هستی برای موسی (علیه السلام)، جز آن که پس از من پیامبری نیست و تو برادر و وارث من هستی..... و تو به همراه فاطمه (علیها السلام) در بهشت در کوشک من خواهی بود در حالی که برادر و دوست من هستی. پیامبر (صلی الله علیه و آله) سپس آیه (إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ) (1) را تلاوت کرد که يك ديگر را در راه خدا دوست دارند و به يك ديگر می نگرند. (2)

ص: 211

1- . الحجر آية 47

2- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 200 المبحث الثالث في مؤاخاته للنبي ح 1



معلم ملائكة مقرب

إِنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله)

كَانَ جَالِسًا وَعِنْدَهُ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام)

فَدَخَلَ عَلَيْهِ، فَقَامَ لَهُ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام): فَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله)

أَتَقَوْمٌ لِهَذَا الْفَتَى. فَقَالَ: نَعَمْ إِنَّ لَهُ عَلَيَّ حَقَّ التَّعْلِيمِ. فَقَالَ

النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): كَيْفَ ذَلِكَ التَّعْلِيمُ يَا جَبْرَائِيلُ.

قَالَ: لَمَّا خَلَقَنِي اللَّهُ تَعَالَى سَأَلَنِي مَنْ أَنْتَ وَمَا اسْمُكَ وَمَا أَنَا وَمَا اسْمِي؟ فَتَحَيَّرْتُ فِي الْجَوَابِ وَبَقِيْتُ سَاكِتًا ثُمَّ حَضَرَ هَذَا الشَّابُّ فِي عَالَمِ الْأَنْوَارِ وَعَلَّمَنِي الْجَوَابَ.

فَقَالَ: قُلْ: أَنْتَ رَبِّي الْجَلِيلُ وَاسْمُكَ الْجَلِيلُ وَأَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ وَاسْمِي جَبْرَائِيلُ وَلِهَذَا قُمْتُ لَهُ وَعَظَّمْتُهُ. فَقَالَ

النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): كَمْ عُمْرُكَ يَا جَبْرَائِيلُ؟ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، يُطْلَعُ نَجْمٌ مِنَ الْعَرْشِ فِي كُلِّ ثَلَاثِينَ أَلْفَ سَنَةٍ مَرَّةً وَقَدْ شَاهَدْتُهُ طَالِعًا ثَلَاثِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ.

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) لِجَبْرَائِيلُ (عليه السلام): هَلْ مِنْ كَانَ يَزِيدُ عُمْرَهُ مِنْكَ؟ قَالَ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام): بَلَى، مِيكَائِيلُ (عليه السلام) أَزِيدُ عُمْرَهُ مِنِّي. فَنَزَلَ

مِيكَائِيلُ (عليه السلام)، قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): يَا مِيكَائِيلُ! كَمْ مُدَّةَ عُمْرِكَ؟ قَالَ مِيكَائِيلُ (عليه السلام): يَا حَبِيبَ اللَّهِ لَا أَعْلَمُ مُدَّةَ عُمْرِي لَكِنْ كَوَكَبٌ يُطْلَعُ فِي كُلِّ سِتِّينَ أَلْفَ عَامٍ مَرَّةً وَأَنَا رَأَيْتُهُ سِتِّينَ أَلْفَ مَرَّةٍ. قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): هَلْ مِنْ كَانَ عُمْرُهُ أَزِيدَ مِنْكَ؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)،

إِسْرَافِيلُ (عليه السلام) عُمْرُهُ أَزِيدُ مِنِّي. فَنَزَلَ إِسْرَافِيلُ (عليه السلام)، فَقَالَ: يَا إِسْرَافِيلُ! كَمْ عُمْرُكَ؟ قَالَ: يَا حَبِيبَ اللَّهِ، أَنَا لَا أَعْلَمُ مُدَّةَ عُمْرِي وَ لَكِنْ كَوَكَبٌ يُطْلَعُ فِي كُلِّ تِسْعِينَ أَلْفَ عَامٍ مَرَّةً أَنَا رَأَيْتُهُ تِسْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ. قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): هَلْ مِنْ كَانَ عُمْرُهُ أَزِيدَ مِنْكَ؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)،

عِزْرَائِيلُ (عليه السلام). فَنَزَلَ عِزْرَائِيلُ (عليه السلام)،

قَالَ: يَا عِزْرَائِيلُ، كَمْ مُدَّةَ عُمْرِكَ؟

قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، أَنَا لَا أَعْلَمُ مُدَّةَ عُمْرِي لَكِنْ كَوَكَبٌ يُطْلَعُ فِي كُلِّ مِائَةٍ وَعِشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ مَرَّةً، أَنَا رَأَيْتُهُ مِائَةً وَعِشْرِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ.

قَالَ: هَلْ مِنْ كَانَ عُمْرُهُ أَزِيدَ مِنْكَ؟ قَالَ:

بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، رُوحٌ (عليه السلام). فَنَزَلَ رُوحٌ (عليه السلام) قَالَ: يَا رُوحُ (عليه السلام)، كَمْ مَدَّةَ عُمْرِكَ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)،

أَنَا لَا أَعْلَمُ

ص: 213

مُدَّةَ عُمْرِي لَكِنْ كُوكَبٌ يَطْلُعُ فِي كُلِّ مِائَتِي أَلْفِ عَامٍ مَرَّةً وَ أَنَا رَأَيْتُهُ مِائَتَيْنِ وَ أَلْفَ مَرَّةٍ. قَالَ: يَا عَلِيُّ، إِزْفَعْ عِمَامَتَكَ. فَرَفَعَ

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عِمَامَتَهُ فَأَرَاؤا تِلْكَ الْمَلَائِكَةَ أَنْ طَلَعَ كُوكَبٌ، عَنْ جَبِينِهِ الْمُسْبِينِ وَ نُورَتِ بِنُورِهِ الْأَرْضُونَ صَالِمَاتٌ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله)

وَ آلِهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

روزی جبرئیل (علیه السلام) در خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود که حضرت علی (علیه السلام) وارد شد. جبرئیل (علیه السلام) چون آن حضرت را دید برخاست و شرائط تعظیم بجای آورد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: ای جبرئیل! از چه جهت به این جوان تعظیم می کنی؟ جبرئیل (علیه السلام) عرضه داشت: چگونه تعظیم نکنم که او را بر من حق تعظیم است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: چگونه؟ جبرئیل (علیه السلام) عرضه داشت: در وقتی که حق تعالی مرا خلق کرد، از من پرسید: تو کیستی و من کیستم؟ من در جواب متحیر ماندم و مدتی در مقام جواب ساکت بودم، که این جوان در عالم نور به من ظاهر گردید و این طور به من تعلیم داد که بگو: تو پروردگار جلیل و جمیلی و من بنده ذلیل، جبرئیل از این جهت او را که دیدم تعظیمش کردم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: مدت عمر تو چند سال است؟ جبرئیل (علیه السلام) عرضه داشت: یا رسول الله! در آسمان، ستاره ای هست ک-ه هر 30 هزار سال یکبار طلوع می کند، من آن را 30 هزار بار دیده ام حضرت فرمود: آیا مخلوقی می شناسی که عمرش از تو بیشتر بوده باشد؟ جبرئیل عرضه داشت: آری میکائیل (علیه السلام) پس میکائیل (علیه السلام) پایین آمد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: مدت عمر تو چقدر است؟ میکائیل (علیه السلام) عرضه داشت: ای حبیب خدا نمی دانم اما ستاره ای هست که هر شصت

هزار سال یکبار طلوع می کند و من آنرا شصت هزار بار دیده ام، حضرت فرمود: آیا مخلوقی می شناسی که عمرش از تو بیشتر بوده باشد؟ میکائیل (علیه السلام) عرضه داشت: آری اسرافیل (علیه السلام) پس اسرافیل (علیه السلام) پایین آمد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: مدت عمر تو چقدر است؟ عرضه داشت: ای حبیب خدا نمی دانم اما ستاره ای هست که هر نود هزار سال یکبار طلوع می کند و من آنرا نود هزار بار دیده ام، حضرت فرمود: آیا مخلوقی می شناسی که عمرش از تو بیشتر بوده باشد؟ اسرافیل (علیه السلام) عرضه داشت: آری عزرائیل (علیه السلام) پس عزرائیل (علیه السلام) پایین آمد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: مدت عمر تو چقدر است؟ عزرائیل (علیه السلام) عرضه داشت: ای حبیب خدا نمی دانم اما ستاره ای هست که هر 120 هزار سال یکبار طلوع کرده و من آنرا 120 هزار بار دیده ام حضرت فرمود: آیا مخلوقی می شناسی که عمرش از تو بیشتر بوده باشد؟ عزرائیل (علیه السلام) عرضه داشت: آری روح (علیه السلام) پس روح (علیه السلام) پایین آمد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: مدت عمر تو چقدر است؟ روح (علیه السلام) عرضه داشت: ای حبیب خدا من نمی دانم چه میزان است، اما ستاره ای هست که هر دویست هزار سال یکبار طلوع می کند و من آنرا دویست هزار بار دیده ام. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: عمامه ات را بالا- بزن، پس امیرالمومنین (علیه السلام) عمامه اش را بالا- زد و ملائکه دیدند آن ستاره را در پیشانی امیرالمومنین (علیه السلام) و به نور آن زمین ها روشن گردید و صلوات

خداوند بر او و بر پیامبر و آلش و سلام خداوند بر تمام ایشان تا روز قیامت. (1)

ص: 215



رُويَ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ اخْتَصَمَ مُوَا فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَتَفَاخَرُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى (مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ) (1) فَتَفَاخَرَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَقَالَ جِبْرَيْلُ (عَلَيْهِ السَّلَام): أَنَا أَكْبَرُ وَأَعْظَمُ مِنْكُمْ لِأَجْلِ أَنِّي مُتَعَلَّمٌ مِنْ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) حَيْثُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنِي فَقَالَ لِي: مَنْ أَنَا وَمَنْ أَنْتَ؟ فَقُلْتُ فِي جَوَابٍ: أَنَا أَنَا وَأَنْتَ أَنْتَ، فَحِينَئِذٍ انْكَسَرَ بَالِي فَهَبَطْتُ وَبَقِيْتُ وَحِيداً وَمُتَحِيرًا فَإِذَا ظَهَرَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَعَلَّمَنِي فَقَالَ لِي: قُلْ يَا جِبْرَيْلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي الْجَوَابِ: أَنْتَ الرَّبُّ الْجَلِيلُ وَأَنَا الْعَبْدُ الدَّلِيلُ وَأَسَمِي جِبْرَيْلُ، فَحِينَئِذٍ عَادَ لِي رِيشِي، فَعَدْتُ إِلَى مَكَانِي، وَقَالَ مِيكَائِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام): أَنَا أَعْظَمُ مِنْكُمْ لِأَجْلِ أَنِّي خَادِمٌ عَلِيٍّ كُنْتُ أُحَرِّكُ مَهْدَهُ فِي الطُّفُولِيَّةِ، وَقَالَ إِسْرَافِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام): أَنَا أَعْظَمُ وَأَكْبَرُ مِنْكُمْ لِأَجْلِ أَنَّهُ لَمَّا رَفَعِيَ الْمُنْبَرِ فِي الْكُوفَةِ وَقَالَ: سَلُّونِي قَبْلَ أَنْ تَقْرُدُونِي فَأَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى أَنْ أَنْزِلُ وَقَبَّلَ مِنْ فَمِ عَلِيٍّ فَأَنَا قَدْ قَبَّلْتُ مِنْ فَمِهِ فَلَيْسَ لَكُمْ ذَلِكَ، وَقَالَ عِزْرَائِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام): أَنَا أَكْبَرُ وَأَعْظَمُ لِأَجْلِ أَنِّي إِذَا أَمَرْتُ بِقَبْضِ رُوحِ شَيْعَةٍ مِنْ أَشْيَاعِهِ [لَا] أَقْبِضُ رُوحَهُ حَتَّى يَظْهَرَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَيَأْمُرَنِي مَا هُوَ أَمْرُهُ مِنَ الرَّفْقِ عَلَيْهِمْ.

فرشتگان مقرب الهی در ملکوت اعلاء هر کدام جهت برتری خویش را از دیگران بیان می نمودند. جبرئیل (علیه السلام) گفت: من از شما بزرگتر و با عظمت ترم. زیرا من دانش آموخته علی (علیه السلام) هستم. زمانی که خداوند متعال مرا خلق کرد از من سوال نمود که من کیستم و تو کیستی؟ من در جواب عرضه داشتم: أَنَا

أَنَا وَأَنْتَ أَنْتَ خَدَاوَنَد قَوْل مَرَا نِپْسَنَدِيد و مَن شَكْسَتَه بَال بَه زَمِين هَبُوط كَرْدَم و تَنهَا و مَتَحِير مَانَدَم. دَر آن زَمَان بُوَد كَه

ص: 216

حضرت امیرالمومنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) آشکار شد و فرمود که در جواب خداوند متعال اینگونه بگویم أَنْتَ الرَّبُّ الْجَلِيلُ وَاَنَا الْعَبْدُ الدَّلِيلُ وَاسْمِي جَبْرَائِيلُ تو پروردگار بزرگ و با عظمتی و من بنده کوچک تو و اسمم جبرئیل (علیه السلام) است. در آن زمان بود که پر و بال سوخته ام به من برگشت و من به جایگاه خود صعود کردم. میکائیل (علیه السلام) گفت من از شما برترم. زیرا من خادم علی (علیه السلام) هستم. من در زمان طفولیت علی (علیه السلام) گهواره جنبانی حضرت را عهده دار بودم. اسرافیل (علیه السلام) گفت من از شما با عظمت تر و بزرگترم زیرا زمانی که امیرالمومنین (علیه السلام) بر فراز منبر کوفه فرمود: سَلُونِي

قَبْلَ أَنْ تَقْعُدُونِي خداوند متعال بهمن امر فرمود که به زمین فرود آیم و دهان علی (علیه السلام) را ببوسم و من اینچنین کردم و چنین فضیلتی برای شما نیست. عزرائیل (علیه السلام) گفت من بزرگتر و با عظمت ترم زیرا هنگامی که مامور می شوم روح شیعه ای از شیعیان علی (علیه السلام) را قبض کنم تا امیرالمومنین (علیه السلام) ظاهر نشود قبض نمی کنم. پس حضرت تشریف می آورند و مرا به رفق و مدارای با او سفارش می کنند و من امر ایشان را اطاعت می کنم. (1)

ص: 217



قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ تَعِيَهَا أُذُنٌ وَاَعِيَّةٌ) عَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

لِعَلِّيَّ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُذِنِيكَ وَ لَا أُفْصِدِيكَ وَ أَنْ تَعِيَّ فَنَزَلَتْ وَ حَقَّقْتُ عَلَى اللَّهِ أَنْ تَعِيَّ فَنَزَلَتْ وَ عَنْ مَكْحُولٍ قَالَ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هَذِهِ الْآيَةَ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَهَا أُذُنًا:

وَ بِالْإِسَاءَةِ نَادٍ قَالَ فَسَأَلْتُ رَبِّي فَقُلْتُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا أُذُنًا لِعَلِّيَّ فَكَانَ عَلَيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ مَا سَمِعْتُ مِنْ نَبِيِّ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَلَامًا إِلَّا وَعَيْتُهُ وَ حَفِظْتُهُ فَلَمْ أَنْسَهُ

خداوند متعال می فرماید: (وَ تَعِيَهَا أُذُنٌ وَاَعِيَّةٌ) (1) گوش شنوای هوشمندان این پند و تذکر را تواند شنید. بریده گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: خداوند به من امر نمود، تا تو را به خود نزدیک ساخته و از خود دور ننمایم و علوم غامض را به تو بیاموزم زیرا جز تو کسی قادر به حفظ و نگهداری آنها نیست و بر خداوند است که علوم خویش را در جایی استقرار بخشد که از گزند و نابودی، محفوظ بماند، آن گاه این آیه نازل گردید. از مکحول روایت شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این آیه را قرائت نمود سپس رو به علی (علیه السلام) نمود و فرمود: از خدای متعال خواستم، آن گوش شنوایی که علوم الهی و آیات قرآنی را خوب می شنود، همانا گوش شنوای تو باشد. (2)

وَ عَنْ مَكْحُولٍ قَالَ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هَذِهِ الْآيَةَ (وَ تَعِيَهَا أُذُنٌ وَاَعِيَّةٌ) ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَهَا أُذُنًا رَسُولُ خُدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این آیه (وَ تَعِيَهَا أُذُنٌ وَاَعِيَّةٌ) را قرائت نمود سپس رو به علی (علیه السلام) نمود و فرمود: از خدای متعال خواستم، آن گوش شنوایی که علوم الهی و آیات قرآنی را خوب می شنود، همانا گوش شنوای تو باشد. (3)

ص: 219

1- . الحاقه آية 12

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 322 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه ع

3- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 390 المبحث الحادي والعشرون فيما ورد من طريق الجمهور أنه نزل في أمير المؤمنين ع من القرآن

طعام دانش ميدهد الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) لِمَ سُمِّيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ لِأَنَّهُ يَمِيرُهُمُ الْعِلْمَ أَمَا سَمِعْتَ فِي كِتَابِ اللَّهِ (وَنَمِيرُ أَهْلَنَا)

از حضرت ابو الحسن (عليه السلام) سوال شد چرا آن حضرت اميرالمؤمنين (عليه السلام) ناميده شد؟ فرمود: زيرا او مؤمنين را طعام علمي مي دهد. مگر نشنیده ئی که خدا در کتابش مي فرمايد (وَنَمِيرُ أَهْلَنَا) (1) و ما خانواده خود را طعام مي دهيم. (2)

و فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى قَالَ: لِأَنَّ مِيرَةَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ عِنْدِهِ يَمِيرُهُمُ الْعِلْمُ

و در روايت ديگر است كه فرمود: زيرا خوراك مؤمنين از جانب اوست، او به آنها خوراك دانش مي دهد. (3)

اميرالمومنين تمام علم رسول خدا را دارا می باشد

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ جَبْرَيْلَ (عليه السلام) أَتَى رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بِرُمَّانَتَيْنِ فَأَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِحْدَاهُمَا وَكَسَرَ الْأُخْرَى بِنِصْفَيْنِ فَأَكَلَ نِصْفًا وَأَطْعَمَ عَلِيًّا (عليه السلام) نِصْفًا فَمَا تَمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَا أَخِي هَلْ تَدْرِي مَا هَاتَانِ الرَّمَّانَتَانِ قَالَ لَا قَالَ أَمَّا الْأُولَى فَالْتُّبُوهُ لَيْسَ لَكَ فِيهَا نَصِيبٌ وَأَمَّا الْأُخْرَى فَالْعِلْمُ

ص: 220

1- . يوسف آية 65

2- . الكافي ج 1 ص 412 باب نادر ..... ح 3

3- . الكافي ج 1 ص 412 باب نادر ..... ح 3

أَنْتَ شَرِيكِي فِيهِ فَقُلْتُ أَصَدَّ لِحَاكَ اللَّهُ كَيْفَ كَانَ يَكُونُ شَرِيكُهُ فِيهِ قَالَ لَمْ يَعْلَمْ اللَّهُ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) عِلْمًا إِلَّا وَ أَمْرَهُ أَنْ يَعْلَمَهُ عَلِيًّا (عليه السلام).

حمران گوید: امام صادق (عليه السلام) فرمود: جبرئیل (عليه السلام) دو انار برای پیغمبر (صلى الله عليه وآله)، آورد، رسول خدا (صلى الله عليه وآله) یکی را خورد و دیگری را دو نیمه کرد، نیمی را هم خورد و نیمی را به علی (عليه السلام) خوراند. پس پیغمبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: برادر من! می دانی این دو انار چه بود؟ عرضه داشت: نه، فرمود: اما اولی نبوت بود که (مخصوص منست و) تو را از آن بهره نئی نیست و اما دیگری علم و دانش بود که تو در آن با من شریک هستی. من گفتم: چگونه علی (عليه السلام) در علم شریک پیغمبر بود؟ فرمود: خدا هیچ علمی را به محمد (صلى الله عليه وآله) نیاموخت جز آنکه به او دستور داد که آن را به علی (عليه السلام) بیاموزد. (1)

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ بِرُمَّانَتَيْنِ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَعْطَاهُ إِيَّاهُمَا فَأَكَلَ وَاحِدَةً وَ كَسَّرَ الْأُخْرَى بِنَصِّ فَيِّنٍ فَأَعْطَى عَلِيًّا نَصَّ فَمَهَا فَأَكَلَهَا فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَمَا الرُّمَّانَةُ الْأُولَى الَّتِي أَكَلْتَهَا فَالْنُّبُوَّةُ لَيْسَ لَكَ فِيهَا شَيْءٌ وَأَمَا الْأُخْرَى فَهِيَ الْعِلْمُ فَأَنْتَ شَرِيكِي فِيهِ.

امام باقر (عليه السلام): جبرئیل (عليه السلام) دو انار بهشتی آورد و هر دو را به آن حضرت داد، پیغمبر (صلى الله عليه وآله) یکی را خورد و دیگری را از میان دو نیمه کرد، سپس نیمی را به علی (عليه السلام) داد تا بخورد، آنگاه فرمود: ای علی! انار اولی را که من خوردم نبوت بود که تو را در آن بهره نئی نیست و دیگری علم و دانش بود که تو با من در آن شریک هستی. (2) مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَلِّمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ نَزَلَ جِبْرَائِيلُ (عليه السلام) عَلَى مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) بِرُمَّانَتَيْنِ مِنَ الْجَنَّةِ فَلَقِيَهُ عَلِيٌّ (عليه السلام) فَقَالَ مَا هَاتَانِ الرُّمَّانَتَانِ اللَّتَانِ فِي يَدِكَ فَقَالَ أَمَا هَذِهِ فَالْنُّبُوَّةُ لَيْسَ لَكَ فِيهَا نَصِيبٌ وَأَمَا

ص: 221

- 1- . الكافي ج 1 ص 263 باب أن الله عز وجل لم يعلم نبيه علما إلا أمره أن يعلمه أمير المؤمنين وأنه كان شريكه في العلم ح 1
- 2- . الكافي ج 1 ص 263 باب أن الله عز وجل لم يعلم نبيه علما إلا أمره أن يعلمه أمير المؤمنين وأنه كان شريكه في العلم ح 2

هَذِهِ فَالْعِلْمُ ثُمَّ فَلَقَهَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بِبَصْمَيْنِ فَأَعْطَاهُ بَصْمَهَا وَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بَصْمَهَا ثُمَّ قَالَ أَنْتَ شَرِيكِي فِيهِ وَأَنَا شَرِيكَكَ فِيهِ قَالَ فَلَمْ يَعْلَمْ وَاللَّهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) حَزَفًا مِمَّا عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمَهُ عَلِيًّا (عليه السلام) ثُمَّ انْتَهَى الْعِلْمُ إِلَيْنَا ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى صَدْرِهِ.

امام باقر (عليه السلام) می فرمود: جبرئیل (عليه السلام) برای محمد (صلى الله عليه وآله) دو انار بهشتی آورد، علی (عليه السلام) او را ملاقات کرد و گفت: این دو انار که در دست داری چیست؟ فرمود: اما این یکی نبوت است که تو از آن بهره نمی نگیری و اما این یکی علمست، سپس رسول خدا (صلى الله عليه وآله) آن را دو نیمه کرد، نیمی را به علی (عليه السلام) داد و نیمی را خود گرفت، سپس فرمود: در این تو با من شریک هستی و من با تو. پس امام باقر (عليه السلام) فرمود: به خدا که پیغمبر (صلى الله عليه وآله) از آنچه خدایش تعلیم داد حرفی نیاموخت جز آنکه آن را به علی (عليه السلام) تعلیم داد، سپس آن علم به ما رسید، آنگاه دست بر سینه خود نهاد. (1)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) إِنِّي سَمِعْتُ مِنْ سَلْمَانَ وَالْمِقْدَادِ وَأَبِي ذَرٍّ شَيْئًا مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَأَحَادِيثَ عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) غَيْرَ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ ثُمَّ سَمِعْتُ مِنْكَ تَصْدِيقَ مَا سَمِعْتُ مِنْهُمْ وَرَأَيْتُ فِي أَيْدِي النَّاسِ أَشْيَاءَ كَثِيرَةً مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَمِنَ الْأَحَادِيثِ عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَنْتُمْ تُخَالِفُونَهُمْ فِيهَا وَتَزْعُمُونَ أَنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ بَاطِلٌ أَفْتَرَى النَّاسُ يَكْذِبُونَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مُتَعَمِّدِينَ وَيُسْرُونَ الْقُرْآنَ بِأَرَائِهِمْ قَالَ فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ فَقَالَ قَدْ سَأَلْتَ فَافْهَمِ الْجَوَابَ إِنَّ فِي أَيْدِي النَّاسِ حَقًّا وَبَاطِلًا وَصِدْقًا وَكُذْبًا وَنَاسِيحًا وَمَنْسُوحًا وَعَامًّا وَخَاصًّا وَمُحْكَمًا وَمُتَشَابِهًا وَحِفْظًا وَ

ص: 222

1- . الكافي ج 1 ص 263 باب أن الله عز وجل لم يعلم نبيه علما إلا أمره أن يعلمه أمير المؤمنين وأنه كان شريكه في العلم ح 3

وَهُمَا وَوَقَدْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلَى عَهْدِهِ حَتَّى قَامَ خَطِيْبًا فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ الْكَذَابَةُ فَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَعَادَهُ مِنَ النَّارِ ثُمَّ كَذَبَ عَلَيْهِ مِنْ بَعْدِهِ وَإِنَّمَا أَتَاكُمْ الْحَدِيثُ مِنْ أَرْبَعَةٍ لَيْسَ لَهُمْ خَامِسٌ رَجُلٍ مُنَافِقٍ يُظْهِرُ الْإِيمَانَ مُتَصَدِّعٌ بِالْإِسْلَامِ لَا يَتَأْتَمُّ وَلَا يَتَحَرَّجُ أَنْ يَكْذِبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مُتَعَمِّدًا فَلَوْ عَلِمَ النَّاسُ أَنَّهُ مُنَافِقٌ كَذَّابٌ لَمْ يَقْبَلُوا مِنْهُ وَ لَمْ يُصَدِّقُوهُ وَ لَكِنَّهُمْ قَالُوا هَذَا قَدْ صَحِبَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ رَأَاهُ وَ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَخَذُوا عَنْهُ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَ حَالَهُ وَ قَدْ أَخْبَرَهُ اللَّهُ عَنِ الْمُنَافِقِينَ بِمَا أَخْبَرَهُ وَ وَصَفَهُمْ بِمَا وَصَفَهُمْ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ (وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ ) ثُمَّ بَقُوا بَعْدَهُ فَتَقَرَّبُوا إِلَى أُمَّةِ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاةِ إِلَى النَّارِ بِالزُّورِ وَ الْكُذِبِ وَ الْبُهْتَانِ فَوَلَّوهُمْ الْأَعْمَالَ وَ حَمَلُوهُمْ عَلَى رِقَابِ النَّاسِ وَ أَكَلُوا بِهِمُ الدُّنْيَا وَ إِنَّمَا النَّاسُ مَعَ الْمُلُوكِ وَ الدُّنْيَا إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ فَهَذَا أَحَدُ الْأَرْبَعَةِ وَ رَجُلٌ سَمِعَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) شَيْئًا لَمْ يَحْمِلْهُ عَلَى وَجْهِهِ وَ وَهُمْ فِيهِ وَ لَمْ يَتَعَمَّدْ كَذِبًا فَهُوَ فِي يَدِهِ يَقُولُ بِهِ وَ يَعْمَلُ بِهِ وَ يَرَوِيهِ فَيَقُولُ أَنَا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَلَوْ عَلِمَ الْمُسْلِمُونَ أَنَّهُ وَ هُمْ لَمْ يَقْبَلُوهُ وَ لَوْ عَلِمَ هُوَ أَنَّهُ وَ هُمْ لَرَفَضَهُ وَ رَجُلٌ ثَالِثٌ سَمِعَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) شَيْئًا أَمَرَ بِهِ ثُمَّ نَهَى عَنْهُ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ أَوْ سَمِعَهُ يَنْهَى عَنْ شَيْءٍ ثُمَّ أَمَرَ بِهِ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ فَحَفِظَ مَنْسُوخَهُ وَ لَمْ يَحْفَظِ النَّاسِخَ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّهُ مَنْسُوخٌ لَرَفَضَهُ وَ لَوْ عَلِمَ الْمُسْلِمُونَ إِذْ سَمِعُوهُ مِنْهُ أَنَّهُ مَنْسُوخٌ لَرَفَضُوهُ وَ آخِرُ رَابِعٍ لَمْ يَكْذِبْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ تَعْظِيمًا لِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلَيْهِ وَ آله) لَمْ يُنْسَهُ بَلْ حَفِظَ مَا سَمِعَ عَلَى وَجْهِهِ فَجَاءَ بِهِ كَمَا سَمِعَ لَمْ يَزِدْ



فِيهِ وَ لَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ وَعَلِمَ النَّاسِيخَ مِنَ الْمَنْسُوحِ فَعَمِلَ بِالنَّاسِيخِ وَ رَفَضَ الْمَنْسُوحَ فَإِنْ أَمَرَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) مِثْلَ الْقُرْآنِ نَاسِيخٌ وَ مَنْسُوحٌ وَ خَاصٌّ وَ عَامٌّ وَ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ قَدْ كَانَ يَكُونُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْكَلَامُ لَهُ وَ جِهَانِ كَلَامٍ عَامٌّ وَ كَلَامٍ خَاصٍّ مِثْلُ الْقُرْآنِ وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ (مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا) فَيَسَّ تَبَّهُ عَلَى مَنْ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَمْ يَدْرِ مَا عَنِ اللَّهِ بِهِ وَ رَسُولُهُ (صلى الله عليه وآله) وَ لَيْسَ كُلُّ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كَانَ يَسْأَلُهُ عَنِ الشَّيْءِ فَيَفْهَمُ وَ كَانَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْأَلُهُ وَ لَا يَسَّ تَفْهَمُهُ حَتَّى إِنْ كَانُوا لَيَجِئُونَ أَنْ يَجِيءَ الْأَعْرَابِيُّ وَ الطَّارِئُ فَيَسْأَلُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) حَتَّى يَسَّ مَعُوا وَ قَدْ كُنْتُ أَدْخُلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كُلَّ يَوْمٍ دَخَلَةً وَ كُلَّ لَيْلَةٍ دَخَلَةً فَيُخْلِينِي فِيهَا أَدُورُ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ وَ قَدْ عَلِمَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ لَمْ يَصْ نَعِ ذَلِكَ بِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ غَيْرِي فَرُبَّمَا كَانَ فِي بَيْتِي يَأْتِينِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَكْثَرَ ذَلِكَ فِي بَيْتِي وَ كُنْتُ إِذَا دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْضَ مَنَازِلِهِ أَخْلَانِي وَ أَقَامَ عَنِّي نِسَاءَهُ فَلَا يَبْقَى عِنْدَهُ غَيْرِي إِذَا أَتَانِي لِلْخُلُوةِ مَعِي فِي مَنْزِلِي لَمْ تَقُمْ عَنِّي فَاطِمَةُ وَ لَا أَحَدٌ مِنْ بَنِي وَ كُنْتُ إِذَا سَأَلْتُهُ أَجَابَنِي وَ إِذَا سَكَتُ عَنْهُ وَ فَنَيْتُ مَسَائِلِي ابْتِدَائِي فَمَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا وَ أَمْلَاهَا عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا بِخَطِّي وَ عَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَ تَفْسِيرَهَا وَ نَاسِيخَهَا وَ مَنْسُوحَهَا وَ مُحْكَمَهَا وَ مُتَشَابِهَهَا وَ خَاصَّهَا وَ عَامَّهَا وَ دَعَا اللَّهُ أَنْ يُعْطِينِي فَهَمَّهَا وَ حَفِظَهَا فَمَا نَسِيَتْ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ لَا عَلِمًا أَمْلَاهُ عَلَيَّ وَ كَتَبْتُهُ مُنْذُ دَعَا اللَّهُ لِي بِمَا دَعَا وَ مَا تَرَكَ شَيْئًا عَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ حَلَالٍ وَ لَا حَرَامٍ وَ لَا أَمْرٍ وَ لَا نَهْيٍ كَانَ أَوْ يَكُونُ وَ لَا كِتَابٍ مُنْزَلٍ عَلَيَّ أَحَدٍ قَبْلَهُ مِنْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا عَلَّمَنِيهِ وَ حَفِظْتُهُ فَلَمْ

أَنْسَ حَرْفًا وَاحِدًا ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى صَدْرِي وَدَعَا اللَّهَ لِي أَنْ يَمْلَأَ قَلْبِي عِلْمًا وَفَهْمًا وَحُكْمًا وَنُورًا فَقُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)  
بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي مِنْذُ دَعَوْتَ اللَّهَ لِي بِمَا دَعَوْتَ لَمْ أَنْسَ

شَيْئًا وَ لَمْ يَقْتَنِي شَيْءٌ لَمْ أَكْتُبْهُ أَفْتَتَخَوَّفُ عَلَيَّ النَّسِيَانَ فِيمَا

بَعْدُ فَقَالَ لَا لَسْتُ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكَ النَّسِيَانَ وَ الْجَهْلَ.

سلیم بن قیس گوید: به امیر المؤمنین (علیه السلام) عرضه داشتیم: من از سلمان و مقداد و ابی ذر چیزی از تفسیر قرآن و هم احادیثی از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شنیده ام که با آنچه در نزد مردم است مخالفست و باز از شما می شنوم چیزی که آنچه را شنیده ام تصدیق می کند، و در دست مردم مطالبی از تفسیر قرآن و احادیث پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می بینم که شما با آنها مخالفید و همه را باطل می دانید، آیا عقیده دارید که مردم عمداً به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دروغ می بندند و قرآن را برای خود تفسیر می کنند؟ سلیم گوید: حضرت به من توجه کرد و فرمود: سؤالی کردی اکنون پاسخش را بفهم. همانا نزد مردم حق و باطل و راست و دروغ و ناسخ و منسوخ و عام و خاص و محکم و متشابه و خاطره درست و نادرست همه هست و در زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مردم بر حضرتش دروغ بستند تا آنکه میان مردم به سخنرانی ایستاد و فرمود: ای مردم همانا دروغ بندگان بر من زیاد شده اند هر که عمداً به من دروغ بندد باید جای نشستن خود را دوزخ داند. سپس بعد از او هم بر او دروغ بستند همانا حدیث از چهار طریقی که پنجمی ندارد به شما می رسد.

اول: شخص منافقی که تظاهر به ایمان می کند و اسلام ساختگی دارد و از عمداً دروغ بستن به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) پروا ندارد و آن را گناه نمی شمارد، اگر مردم بدانند که او منافق و دروغگو است از او نمی پذیرند و تصدیقش نمی کنند لیکن مردم می گویند این شخص همدم پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بوده و او را دیده و از او شنیده است مردم از او اخذ کنند و از حالش آگهی ندارند در صورتی که خداوند پیغمبرش را از حال منافقین خبر داده و ایشان را توصیف نموده و فرموده است (وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ

أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ(1) چون ایشان را بینی از ظاهرشان خوشت آید و اگر سخن گویند به گفتارشان گوش دهی منافقین پس از پیغمبر(صلی الله علیه و آله) زنده ماندند و به رهبران گمراهی و کسانی که با باطل و دروغ و تهمت مردم را به دوزخ خوانند پیوستند و آنها پست های حساسشان دادند و بر گردن مردمشان سوار کردند و به وسیله آنها دنیا را بدست آوردند زیرا مردم همراه زمامداران و دنبال دنیا می روند مگر آن را که خدا نگهدارد این بود یکی از چهار نفر. دوم: کسی که چیزی از پیغمبر(صلی الله علیه و آله) شنیده و آن را درست نفهمیده و به غلط رفته ولی قصد دروغ نداشته آن حدیث در دست او است، به آن معتقد است و عمل می کند و به دیگران می رساند و می گوید من این را از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم. اگر مسلمین بدانند که او به غلط رفته نمی پذیرندش و اگر هم خودش بداند اشتباه کرده آن را رها می کند.

سوم: شخصی که چیزی از پیغمبر(صلی الله علیه و آله) شنیده که به آن امر می فرمود سپس پیغمبر(صلی الله علیه و آله) از آن نهی فرموده و او آگاه نگشته یا نهی چیزی را از پیغمبر(صلی الله علیه و آله) شنیده و سپس آن حضرت به آن امر فرموده و او اطلاع نیافته پس او منسوخ را حفظ کرده و ناسخ را حفظ نکرده اگر او بداند منسوخست ترکش کند و اگر مسلمین هنگامی که از او می شنوند بدانند منسوخست ترکش کنند.

چهارم: شخصی که بر پیغمبر(صلی الله علیه و آله) دروغ نبسته و دروغ را از ترس خدا و احترام پیغمبر(صلی الله علیه و آله) مبعوض دارد و حدیث را هم فراموش نکرده بلکه آنچه شنیده چنان که بوده حفظ کرده و همچنان که شنیده نقل کرده، به آن نیفزوده و از آن کم نکرده و ناسخ را از منسوخ شناخته، به ناسخ عمل کرده و منسوخ را رها کرده، زیرا امر پیغمبر(صلی الله علیه و آله) هم مانند قرآن ناسخ و منسوخ [و خاص و عام] و محکم و متشابه دارد، گاهی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به دو طریق سخن می فرمود: سخنی عام و سخنی خاص مثل

ص: 226

قرآن. و خدای عز و جل در کتابش فرموده (ما آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا) (1) آنچه را پیغمبر (صلی الله علیه و آله) برایتان آورده اخذ کنید و از آنچه نهیتان کرده باز ایستید، کسی که مقصود خدا و رسولش را نفهمد و درک نکند بر او مشتبه شود، اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) که چیزی از او می پرسیدند همگی که نمی فهمیدند، بعضی از آنها از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می پرسیدند ولی (به علت شرم یا احترام یا بی قیدی) فهم جوئی نمی کردند و دوست داشتند که بیابانی و رهگذری بیاید و از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بپرسد تا آنها بشنوند. اما من هر روز يك نوبت و هر شب يك نوبت بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) وارد می شدم با من خلوت می کرد و در هر موضوعی با او بودم (محرم رازش بودم و چیزی از من پوشیده نداشت) اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می دانند که جز من با هیچ کس چنین رفتار نمی کرد، بسا بود که در خانه خودم بودم و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نزد من می آمد، و این همنشینی در خانه من بیشتر واقع می شد از خانه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و چون در بعضی از منازل بر آن حضرت وارد می شدم، زنان خود را بیرون می کرد و تنها با من بود و چون برای خلوت به منزل من می آمد فاطمه و هیچ يك از پسرانم را بیرون نمی کرد، چون از او می پرسیدم جواب می داد و چون پرسش تمام می شد و خاموش می شدم او شروع می فرمود، هیچ آیه ئی از قرآن بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل نشد جز اینکه برای من خواند و املا فرمود و من به خط خود نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من آموخت و از خدا خواست که فهم و حفظ آن را به من عطا فرماید، و از زمانی که آن دعا را در باره من کرد هیچ آیه ئی از قرآن و هیچ علمی را که املا فرمود و من نوشتم فراموش نکردم و آنچه را که خدا تعلیمش فرمود از حلال و حرام و امر و نهی گذشته و آینده و نوشته ای که بر هر پیغمبر پیش از او نازل شده بود از طاعت و معصیت به من تعلیم فرمود و من حفظش کردم و حتی يك حرف آن را فراموش نکردم، سپس دستش را بر سینه ام گذاشت و از خدا خواست دلم را از علم و فهم و

ص: 227

حکم و نور پرکند، عرضه داشتیم: ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله) پدر و مادرم قربانت از زمانی که آن دعا را درباره من کردی چیزی را فراموش نکردم و آنچه را هم ننوشتم از یادم نرفت، آیا بیم فراموشی بر من داری؟ فرمود: نه بر تو بیم فراموش و نادانی ندارم. (1)

فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ حُجِبَ النَّاسُ عَنْهُ وَ تَقَلَّ فِي مَرَضِهِ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) لَا يُفَارِقُهُ إِلَّا لِصُرُورَةٍ فَقَامَ فِي بَعْضِ شُؤْنِهِ فَأَفَاقَ إِفَاقَةً فَأَتَقَدَّ عَلَيْنَا (عليه السلام) فَقَالَ وَ أَرْوَاهُ حَوْلَهُ ادْعُوا لِي أَخِي وَ صَاحِبِي وَ عَاوِدَةَ الصَّعْفِ فَأَصَمَّتْ فَقَالَتْ عَائِشَةُ ادْعُوا لَهُ أَبَا بَكْرٍ فَدَعِيَ فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَقَعَدَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَلَمَّا فَتَحَ عَيْنَهُ نَظَرَ إِلَيْهِ وَ أَعْرَضَ عَنْهُ بِوَجْهِهِ فَقَامَ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ لَوْ كَانَ لَهُ إِلَيَّ حَاجَةٌ لَأَقْضِي بِهَا إِلَيَّ فَلَمَّا خَرَجَ أَعَادَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) الْقَوْلَ ثَانِيَةً وَ قَالَ ادْعُوا لِي أَخِي وَ صَاحِبِي فَقَالَتْ حَفْصَةُ ادْعُوا لَهُ عُمَرَ فَدَعِيَ فَلَمَّا حَضَرَ رَأَى النَّبِيَّ (صلى الله عليه و آله) وَ أَعْرَضَ عَنْهُ فَأَنْصَرَفَ. ثُمَّ قَالَ ادْعُوا لِي أَخِي وَ صَاحِبِي فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا ادْعُوا لَهُ عَلِيًّا فَإِنَّهُ لَا يُرِيدُ غَيْرَهُ فَدَعِيَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَلَمَّا دَنَا مِنْهُ أَوْمَأَ إِلَيْهِ فَأَكَبَّ عَلَيْهِ فَنَاجَاهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) طَوِيلًا ثُمَّ قَامَ فَجَلَسَ نَاحِيَةً حَتَّى أَعْفَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) فَقَالَ لَهُ النَّاسُ مَا الَّذِي أَوْعَزَ إِلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَقَالَ عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ فَتَحَّ لِي كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ وَ صَاحِبِي بِمَا أَنَا قَائِمٌ بِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. ثُمَّ تَقَلَّ وَ حَضَرَ رَهْمَتُ الْمَوْتِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَاضِرٌ عِنْدَهُ فَلَمَّا قَرُبَ خُرُوجُ نَفْسِهِ قَالَ لَهُ ضَعُ رَأْسِي يَا عَلِيُّ فِي حَبْرِكَ فَقَدْ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا فَاصَتْ نَفْسِي فَتَنَاوَلْهَا بِيَدِكَ وَ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ ثُمَّ وَجَّهْنِي إِلَى الْقِبْلَةِ وَ تَوَلَّ أَمْرِي وَ صَلِّ عَلَيَّ أَوَّلَ النَّاسِ وَ لَا تُفَارِقْنِي حَتَّى تَوَارِيَنِي فِي

رَمْسِي وَ اسْتَعِزُّ بِاللَّهِ تَعَالَى فَأَخَذَ عَلِيُّ (عليه السلام) رَأْسَهُ فَوَضَعَهُ

ص: 228

فِي حَجْرِهِ فَأَعْمِيَ عَلَيْهِ فَأَكَبَّتْ فَاطِمَةُ تَنْظُرُ فِي وَجْهِهِ وَتَتَدَبَّهُ وَتَبْكِي...

....علی(علیه السلام) در تمام این مدت از پیغمبر(صلی الله علیه و آله) کناره نمی گرفت و پیوسته منتظر اجرای دستورات آن جناب بود فردای آن روز که درب خانه اش بروی مردم بسته بود و کسی از احوال آن جناب اطلاعی نداشت و بیماری آن حضرت شدت یافته علی(علیه السلام) برای انجام پاره از امور ضروری خود رفته بود رسول خدا(صلی الله علیه و آله) اندکی افاقه یافت علی(علیه السلام) را ندید زن های رسول خدا(صلی الله علیه و آله) اطراف او را گرفته بودند فرمود: برادر و رفیق مرا بخوانید پس از این جمله دوباره ضعف بر آن حضرت مستولی گردید، ساکت شد عائشه گفت: ابو بکر را بگوئید بیاید وی داخل شده بالین آن حضرت نشست چون رسول خدا(صلی الله علیه و آله) دیده گشود چشمش به ابو بکر افتاد صورت برگردانید ابو بکر دانست اشتباه کرده از جای برخاست و گفت اگر او به من نیازمند بود صورت بر نمی گردانید و حاجتش را می فرمود چون بیرون رفت دوباره رسول خدا(صلی الله علیه و آله) همان جمله را تکرار کرد حفصه گفت عمر را حاضر کنید چون حضور یافت و چشم رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به او افتاد صورت برگردانید و او هم خارج شد بار سوم رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود برادر و صاحب مرا بخوانید ام سلمه که حق از او خوشنود باد گفت علی(علیه السلام) را بگوئید حاضر شود که پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله) جز او به دیگری عنایتی ندارد علی(علیه السلام) را به حضور خواندند چون او وارد شد گوئید روح روانی به رسول خدا دمیدند شاد و خندان گردیده او را نزدیک خواند مدتی با وی به راز پرداخت سپس علی(علیه السلام) از جا برخاست و به گوشه آرام گرفت تا پیغمبر(صلی الله علیه و آله) به خواب رود چون او خوابید از خانه بیرون رفت مردم پرسیدند رسول خدا(صلی الله علیه و آله) با تو چه نجوایی داشت و چه فرمود؟ پاسخ داد هزار باب علم به من آموخت که از هر بابی هزار باب دیگر گشوده می شود و مرا به کارهایی مأموریت داد که به خواست خدا بدان ها قیام خواهم کرد. بیماری رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شدت کرد و آثار ارتحال ظاهر شد و علی(علیه السلام) در آن هنگام حضور

داشت چون نزدیک شد روح مقدسش به آشیان جنان پرواز نماید به علی فرمود: یا علی! سرم را در میان دامن خود بگذار که امر خدا در رسیده چون جان من از کالبد بیرون خرامد آن را به دست خود بگیر و به صورت بکش سپس مرا رو به قبله قرار داده و به کار غسل من پرداز و نخستین کس بر من نماز بگزار و تا مرا در میان قبر پنهان ننموده از من جدا مشو و در تمام امور خود از خدا کمک بخواه. علی (علیه السلام) حسب الامر سر مبارک پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را در میان دامن خود گذارد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در آن هنگام از هوش رفت زهرای مرضیه که حضور داشت به صورت پدر بزرگوارش خیره شده گریه و ندبه می کرد. (1)

تمام علوم در نزد ایشان

أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْمُظَفَّرِ الْبِرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مَالِكٍ كَثِيرُ بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي السَّرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ عَنْ سَعْدِ الْكِنَانِيِّ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ لَمَّا بُويعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِالْخِلَافَةِ خَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ مُعْتَمِئًا بِعِمَامَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِأَسَأُ بُرْدِيهِ فَصَدَّ عَدَ الْمُنْبِرِ فَحَمِدَ اللَّهُ وَآتَى عَلَيْهِ وَوَعظَ وَأَنْذَرَ ثُمَّ جَلَسَ مُتَمَكِّنًا وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ وَوَضَعَ عَهَا أَسَدَ فَلَمَّ سَدَّ رَتَّهُ ثُمَّ قَالَ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْدُونِي سَلُونِي فَإِنَّ عِنْدِي عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ تُثِي لِي الْوَسَادَ لَحَكَمْتُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ وَأَهْلِ الزَّبُورِ بِزُبُورِهِمْ وَأَهْلِ الْقُرْآنِ بِقُرْآنِهِمْ حَتَّى يَزْهَرَ كُلُّ كِتَابٍ مِنْ هَذِهِ الْكُتُبِ وَيَقُولُ يَا

ص: 230

---

1- . الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد ج 1 ص 185 في الوصية لعلني في مرض النبي ص بعد تجهيزه أسامة لغزو الروم

رَبِّ إِنَّ عَلَيْنَا فِئْتًا مِّنْ أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ لَنَا آيَاتُكَ وَكَانُوا عَلَىٰهَا كَافِرِينَ  
 ثُمَّ قَالَ سَلُّونِي قَبْلَ أَنْ تَقْدُمُونِي فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأ السَّمْعَةَ لَوِ سَأَلْتُمُونِي عَنْ آيَةٍ آيَةٍ لَّا خَبْرُكُمْ بِوَقْتِ نَزْلِهَا وَفِي مَنْ نَزَلَتْ وَأَنْبَأْتُكُمْ  
 بِنَاسِخِهَا مِنْ مَّنْسُوخِهَا وَخَاصَّهَا مِنْ عَامِّهَا وَمُحْكَمِهَا مِنْ مُتَشَابِهِهَا وَمَكِّيَّهَا مِنْ مَدْيَنِيَّهَا وَاللَّهُ مَا فَتَنَهُ تَضَلُّ أَوْ تُهْدَىٰ إِلَّا وَأَنَا أَعْرِفُ قَائِدَهَا وَ  
 سَائِقَهَا وَنَاعِقَهَا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

و خبر داد مرا محمد بن مظفر بزاد (بسند خود) از اصبع بن نباته که گفت: هنگامی که مردمان با علی (علیه السلام) در باره خلافت بیعت کردند، آن حضرت در حالی که عمامه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را به سر بسته بود، و جامه او را بر تن داشت به مسجد آمد و بر منبر بالا رفت، پس خدای را ستایش و ثنا کرد، و مردمان را پند و اندرز داد، سپس به منبر تکیه زد و جای گیر که شد انگشتان دو دست خود را درهم فرو برد و مشبك ساخته بر شکم نهاد و فرمود: ای گروه مردم! از من بپرسید پیش از آنکه (من از دست شما بروم، و) مرا نیابید، از من بپرسید زیرا علم اولین و آخرین نزد من است، آگاه باشید به خدا سوگند! اگر (بر بالین خلافت تکیه زنم و) بستر حکومت برایم گسترده شود میان اهل توراة (و یهود) با توراتشان، و میان اهل انجیل (و نصاری) با انجیلشان، و میان اهل زبور با زبور آنها، و میان اهل قرآن با قرآن داوری کنم، بدانسان که هر کتابی از این کتاب ها به سخن آید و بگوید بار پروردگارا همانا علی (علیه السلام) به داوری تو داوری کرد، به خدا سوگند! من به قرآن و شرح و تفسیر آن داناترم از هر که ادعای دانستن آن را می کند، و اگر يك آیه در قرآن نبود هر آینه شما را به آنچه تا روز قیامت خواهد شد آگاه می کردم، سپس (دوباره فرمود) از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید، سوگند به آن که دانه را (در دل زمین) شکافت، و انسان را آفرید، اگر از يك به يك



آیه های قرآن از من پرسید شما را آگاه سازم از هنگام فرود آمدنش، و از آنچه (آن آیه) در باره آن فرود آمده، و از ناسخ و منسوخ آن، و خاص و عامش، و محکم و متشابهش، و اینکه در مکه نازل شده یا در مدینه (از همه این ها) شما را آگاه کنم، به خدا، هیچ گروهی نیست که گمراه شود یا رستگار گردد تا روز قیامت جز اینکه من پیشوا و جلودار آنها و خواننده به آن گروه را می شناسم. (1)

احاطه ی امیرالمومنین به قرآن

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي الْقَاضِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعَابِي، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْقَاسِمِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَعْلَى التَّمِيمِيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الشُّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام): مَا نَزَلَتْ آيَةٌ إِلَّا وَأَنَا عَالِمٌ مَتَى نَزَلَتْ، وَفِيمَنْ أُنزِلَتْ، وَلَوْ سَأَلْتُ مُؤْمِنِي عَمَّا بَيْنَ اللُّوْحَيْنِ لَحَدَّثْتُكُمْ.

امیر مومنان علی بن ابیطالب (علیه السلام) فرمود: هیچ آیه ای فرو فرستاده نشد مگر آنکه می دانم چه هنگام و درباره ی چه کسی فرو فرستاده شده. و اگر از من درباره ی آنچه میان دو لوح محفوظ و لوح محو و اثبات پرسید برایتان بازگو می کنم. (2)

ص: 232

1- . الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد ج 1 ص 34 في كونه أعلم الصحابة وأقدمهم إسلاماً ح 4

2- . الأموال (للطوسي) المجلس 6 ح 38

(وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) و کسانی که کافر شدند می گویند: تو فرستاده شده نیستی از سوی خدا به آنان بگو: بس است خداوند و آن که نزد اوست علم کتاب، برای گواهی میان من و شما. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الشُّمَالِيِّ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام)

قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

امام باقر (عليه السلام) درباره قول خدای عزوجل (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (2) فرمودند: آنکه در نزد او علم تمام کتاب بوده امیرالمومنین (عليه السلام) است. (3)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُغَلِّسٍ عَنْ خَلْفٍ عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ شَأْنُهُ (قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ) قَالَ ذَلِكَ وَصِيَّيَّ أَخِي سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ (عليه السلام) فَقُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (قُلْ كَفَىٰ

بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ

بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ ذَلِكَ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

ابی سعید خدری گوید از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) راجع به آیه (قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ) (4) گفت آنکه نزد او علمی از کتاب بود، پرسیدم، فرمود: او وصی برادرم سلیمان بن داود بود گفتم یا رسول الله (صلى الله عليه وآله) در گفتار دیگر خدای عز و جل

ص: 233

1- . الرعد 43.

2- . الرعد آية 43

3- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 216 باب 1 باب مما عند الأئمة عليهم الصلاة و السلام من اسم الله الأعظم و علم الكتاب ح 19

4- . النمل آية 40

(قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (1) بگو بس است به خدا گواه میان من و شما و کسی که نزد او است علم کتاب فرمود مقصود از آن برادر علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. (2)

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ فَضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) إِنَّهُ عَالِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةَ بَعْدَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله)

از امام صادق (علیه السلام) درباره آیه (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (3) سوال شد حضرت فرمودند: این آیه درباره علی بن ابی طالب (علیه السلام) نازل شده و اوست عالم این امت بعد از پیامبر (صلى الله عليه وآله). (4)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ إِيَّانَا عَنِّي وَعَلِيِّ (عليه السلام) أَوْلُنَا وَأَفْضَلْنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله)

برید بن معاویه گوید به امام باقر (علیه السلام) آیه شریفه (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (5) بگو خدا و کسی که علم کتاب نزد اوست، برای گواهی میان من و شما کافی است را عرضه داشتم حضرت فرمود: خدا ما را قصد کرده و علی (علیه السلام) بعد از پیغمبر (صلى الله عليه وآله) اول ما و افضل ما و بهتر ما خاندانست. (6)

ص: 234

1- . الرعد آية 43

2- . الأمالي (للصدوق) النص 564 المجلس الثالث و الثمانون ح 3

3- . الرعد آية 43

4- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 216 باب 1 باب مما عند الأئمة عليهم الصلاة و السلام من اسم الله الأعظم و علم الكتاب ح 18

5- . الرعد آية 43

6- . الكافي ج 1 ص 229 باب أنه لم يجمع القرآن كله إلا الأئمة ع و أنهم يعلمون علمه كله ح 6

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ) فَقَالَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ (عليه السلام) بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَفِي الْأَيْمَةِ بَعْدَهُ وَعَلِيِّ (عليه السلام) (عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ)

از امام باقر (عليه السلام) درباره آیه شریفه (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (1) سوال شد فرمودند: نازل شده درباره علی (عليه السلام) و ائمه بعد از او و مقصود از کسی که (عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) امیرالمومنین (عليه السلام) است. (2)

وَعَنْ مُرَازِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ يَبْعَثُ فِيْنَا مَنْ يَعْلَمُ كِتَابَهُ مِنْ أَوْلِهِ إِلَى آخِرِهِ

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: پیوسته در میان ما اهل بیت پیامبر (صلى الله عليه وآله) کسانی برانگیخته می شوند که عالم به کتاب از آغاز تا پایان آیند. (3)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ وَاللَّهِ لَقَدْ قَالَ لِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ عَلَّمَ نَبِيَّهُ التَّنْزِيلَ وَ التَّأْوِيلَ فَعَلَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلِيًّا (عليه السلام) قَالَ وَ عَلَّمَنَا وَاللَّهِ ثُمَّ قَالَ مَا صَنَعْتُمْ مِنْ شَيْءٍ أَوْ حَلَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ يَمِينٍ فِي تَقِيَّةٍ فَأَنْتُمْ مِنْهُ فِي سَعَةٍ.

خداوند به پیامبرش تنزیل و تاویل را آموخت پیامبر (صلى الله عليه وآله) هم آنرا به علی (عليه السلام) آموخت و به خدا سوگند به ما هم یاد داد... (4) و عَنْ عَبَّادِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَدِيدِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ أَبُو بَصِيرٍ وَ يَحْيَى الْبُرَّازُ وَ دَاوُدُ بْنُ كَثِيرٍ الرَّقِّيُّ فِي مَجْلِسِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)

إِلَى أَنْ قَالَ قَالَ يَا سَدِيدُ فَهَلْ وَجَدْتَ فِيْمَا قَرَأْتَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ قُلْتُ قَدْ قَرَأْتُهُ جُعِلْتُ

ص: 235

1- . الرعد آية 43

2- . تفسير العياشي ج 2 ص 221 [سورة الرعد (13): آية 43] ح 78

3- . تفسير العياشي ج 1 ص 16 باب علم الأئمة بالتأويل ح 6

4- . الكافي ج 7 ص 442 باب ما لا يلزم من الأيمان والندور ح 15

فِذَلِكَ قَالَ فَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ ( أَفَهُمْ أَمْ (مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ) كَلِّهِ ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ وَقَالَ وَاللَّهِ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كَلِّهِ عِنْدَنَا

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبَادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَدِيرٍ قَالَ:

كُنْتُ أَنَا وَأَبُو بَصِيرٍ وَبِحَيْبِ الْبَزَّازِ وَدَاوُدُ بْنُ كَثِيرٍ فِي مَجْلِسِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِذْ خَرَجَ إِلَيْنَا وَهُوَ مُغْضَبٌ فَلَمَّا أَخَذَ مَجْلِسَهُ قَالَ يَا عَجَبًا لِقَوْمٍ يَزْعُمُونَ أَنَّا نَعْلَمُ الْغَيْبَ مَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَقَدْ هَمَمْتُ بِصَدْرِ رَبِّ جَارِيَتِي فَلَانَهُ فَهَرَبْتُ مِنِّي فَمَا عَلِمْتُ فِي أَيِّ بُيُوتِ الدَّارِ هِيَ قَالَ سَدِيرٌ فَلَمَّا أَنْ قَامَ مِنْ مَجْلِسِهِ وَصَارَ فِي مَنْزِلِهِ دَخَلْتُ أَنَا وَأَبُو بَصِيرٍ وَمَيْسِرٌ وَفُلْنَا لَهُ جُعَلْنَا فِدَاكَ سَمِعْنَاكَ وَأَنْتَ تَقُولُ كَذَا وَكَذَا فِي أَمْرِ جَارِيَتِكَ وَنَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّكَ تَعْلَمُ عِلْمًا كَثِيرًا وَلَا نَنْسُبُكَ إِلَى عِلْمِ الْغَيْبِ قَالَ فَقَالَ يَا سَدِيرُ أَلَمْ تَقْرَأِ الْقُرْآنَ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَهَلْ وَجَدْتَ فِيهَا قَرَأْتَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (قَالَ

الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ ) قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ قَرَأْتَهُ قَالَ فَهَلْ عَرَفْتَ الرَّجُلَ وَهَلْ عَلِمْتَ مَا كَانَ عِنْدَهُ مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ قَالَ قُلْتُ أَخْبِرْنِي بِهِ قَالَ قَدَرُ قَطْرَةٍ مِنَ الْمَاءِ فِي الْبَحْرِ الْأَخْضَرِ فَمَا يَكُونُ ذَلِكَ مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَقَلَّ هَذَا فَقَالَ يَا سَدِيرُ مَا أَكْثَرَ هَذَا أَنْ يَنْسَبَ بِهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْعِلْمِ الَّذِي أُخْبِرُكَ بِهِ يَا سَدِيرُ فَهَلْ وَجَدْتَ فِيهَا قَرَأْتَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَيْضًا (قُلْ

كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ) قَالَ قُلْتُ قَدْ قَرَأْتَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ أَفَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ أَفَهُمْ أَمْ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ بَعْضُهُ

قُلْتُ لَا بَلْ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ قَالَ فَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ وَ

عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا.

فرمود: ای سدیر! مگر تو قرآن را نمی خوانی؟ عرضه داشتم: چرا، فرمود: در آنچه از کتاب خدای عز و جل خوانده ئی؟ این آیه (قال

الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ) (1) را دیده ای؟ کسی که علمی از کتاب را داشت گفت: من آن را پیش از آنکه چشم برهم زنی نزد تو آورم عرضه داشتم: قربانت گردم، این آیه را خوانده ام. فرمود: آن مرد را شناختی و فهمیدی چه اندازه از علم کتاب نزد او بود؟ عرضه داشتم: شما به من خبر دهید. فرمود: به اندازه يك قطره آب نسبت به دریای اخضر (بحر محیط) عرضه داشتم: قربانت گردم، چه کم!! فرمود: ای سدیر! چه بسیار است آن مقداری که خدای عز و جل نسبت داده است به علمی که اکنون به تو خبر می دهم [چه بسیار است آن مقدار برای کسی که خدای عز و جل او را به علمی که اکنون به تو خبر می دهم نسبت نداده است]. ای سدیر! باز در آنچه از کتاب خدای عز و جل خوانده ئی این آیه (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (2) را دیده ئی؟ بگو (ای محمد) گواه بودن خدا و کسی که علم کتاب نزد اوست میان من و شما بس است (کسی که علم کتاب نزد اوست علی و امامان از فرزندان او می باشند چنانچه عرضه داشتم: قربانت، این آیه را هم خوانده ام. فرمود: آیا کسی که تمام علم کتاب را می داند بافهمتر است یا کسی که بعضی از آن را می داند؟ عرضه داشتم: نه، بلکه کسی که تمام علم کتاب را می داند آنگاه حضرت با دست اشاره به سینه اش نمود و فرمود: به خدا تمام علم کتاب نزد ماست، به خدا تمام علم کتاب نزد ماست. (3)

وَقَالَ الْبَاقِرُ (عليه السلام) (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ

ص: 237

1- . النمل آية 40

2- . الرعد آية 43

3- . الكافي ج 1 ص 257 باب نادر فيه ذكر الغيب ح 3

امام باقر(علیه السلام) در باره آیه (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ)(1) و کسی که پیش او علم کتاب است فرمود: منظور علی(علیه السلام) است که علم همه کتاب های اول و آخر پیش اوست. (2)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ نَجْمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ عَلِيُّ (علیه السلام) عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ.

امام باقر(علیه السلام) درباره قول خدا (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ)(3) فرمود: مقصود علی(علیه السلام) است و در نزد اوست علم کتاب. (4)

حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: كُنْتُ عِنْدَهُ فَذَكَرُوا سُلَيْمَانَ وَ مَا أُعْطِيَ مِنَ الْعِلْمِ وَ مَا أُوتِيَ مِنَ الْمُلْكِ فَقَالَ لِي وَ مَا أُعْطِيَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ (علیه السلام) إِنَّمَا كَانَ عِنْدَهُ حَرْفٌ وَاحِدٌ مِنَ الْإِسْمِ الْأَعْظَمِ وَ صَاحِبُكُمْ الَّذِي قَالَ اللَّهُ (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) وَ كَانَ وَ اللَّهُ عِنْدَ عَلِيِّ (علیه السلام) عِلْمُ الْكِتَابِ فَقُلْتُ صَدَقْتَ وَ اللَّهُ جَعَلَتْ فِدَاكَ.

بصائر: ابن بکیر از حضرت صادق(علیه السلام) نقل کرد که فرمود: من خدمت آن جناب بودم سخن علم سلیمان(علیه السلام) شد و قدرتی که به او داده شده بود فرمود: به سلیمان بن داود(علیه السلام) چه چیز داده شده به او یک حرف از اسم اعظم داده بودند ولی صاحب شما که خداوند در این آیه می فرماید (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ)(5) به خدا قسم نزد علی(علیه السلام) علم کتاب بود عرضه داشتیم:

ص: 238

1- . الرعد آية 43

2- . روضة الواعظين و بصيرة المتعظين ج 1 ص 105 مجلس في ذكر فضائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب

3- . الرعد آية 43

4- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 213 باب 1 باب مما عند الأئمة عليهم الصلاة و السلام من اسم الله الأعظم و علم الكتاب ح 5

5- . الرعد آية 43

قَالَ سَدِّ لَيْمٍ بِنُ قَيْسٍ: سَأَلَ رَجُلٌ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَالَ: وَأَنَا أَسْمَعُ أَخْبِرْنِي بِأَفْضَلِ مَنْقَبَةٍ لَكَ قَالَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ قَالَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ قَالَ (أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ) أَنَا الشَّاهِدُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَقَوْلُهُ (وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (إِيَّايَ عَنَى ب) (مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) فَلَمْ يَدْعُ شَيْئًا أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ إِلَّا ذَكَرَهُ مِثْلَ قَوْلِهِ (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) وَقَوْلِهِ (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) وَغَيْرِ ذَلِكَ

سليم بن قيس الهلالي گفت: که من روزی در خدمت حضرت امیر علی (علیه السلام) حاضر بودم و می شنیدم که مردی از آن حضرت سؤال نمود یا امیر المؤمنین (علیه السلام) مرا خبر ده بافضل منقبت خود که حضرت رب العزت بواسطه شما مقرر گردانید کدامست؟ امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: که آنچه حضرت ایزد معبود در کتاب خود که به حضرت نبی المحمود ارسال و انزال نموده بیان فرموده. گفت: یا علی ایزد تبارک و تعالی در شأن شما در قرآن کدام آیه منزل گردانید؟ ولی خدای عز و جل در جواب سائل گفت: که آیه مبارکه (أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ) (2) من شاهد من رسول بر جمیع مردم، و نیز قول حضرت رب العزت است که (وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (3) علم کتاب ایزد وهاب در نزد منست و حضرت قادر واحد در این آیه مراعصد کرد، هیچ چیز رب العزیز نفرستاد در قرآن الا اینکه مرا نیز ذکر کرد، مثل قول عز و جل که در قرآن مذکور و بیان فرمود که (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ

ص: 239

- 1- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 212 باب 1 باب مما عند الأئمة عليهم الصلاة والسلام من اسم الله الأعظم و علم الكتاب ح 1
- 2- . هود آية 17
- 3- . الرعد آية 43



الصَّلَاةَ، وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ، وَ هُمْ رَاكِعُونَ(1) و قوله تعالى (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)(2) و غير از اين آيات در بيان هست. (3)

وَ رُوِيَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي هَبَطَ بِهِ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ مَا فَضَّلَتْ بِهِ النَّبِيُّونَ فِي عَتْرَةِ نَبِيِّكُمْ فَأَيْنَ يَتَاهُ بِكُمْ

روايت است از حضرت امير المؤمنين علي (عليه السلام) كه آنچه باعث نجات حضرت آدم (عليه السلام) صفي الله بلکه آن كسى كه او را از جنت رب العالمين بر زمين آورد و آنچه باعث فضيلت تمامي پيغمبران ايزد منان شده غير از پيغمبر شما حضرت محمد مصطفي (صلى الله عليه و آله) ائمة الهدى است، پس كسى كه توسل به آن اعيان نمود و نمايد كى حيران و سرگردان ماند. (4)

أَبِي عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ:

الَّذِي (عِنْدَهُ

عِلْمُ الْكِتَابِ) هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ سُئِلَ عَنِ (الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ) (أَعْلَمُ أَمْ الَّذِي (عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) فَقَالَ مَا كَانَ عِلْمُ (الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ) عِنْدَ الَّذِي (عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) إِلَّا بِقَدْرِ مَا يَأْخُذُ بَعُوضَةً بِجَنَاحِهَا مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ

تفسير قمى: ابن اذينه از حضرت صادق (عليه السلام) نقل كرد كه فرمود: كسى كه داراي علم كتاب است امير المؤمنين (عليه السلام) است از آن جناب سؤال كردند كسى كه داراي علم كتاب است داناتر است يا كسى كه مقداري از علم كتاب را دارد فرمود: نسبت علم كسى كه مقداري از علم كتاب دارد به كسى كه علم كتاب دارد به نسبت فكر به اندازه اى كه يك پشه از آب دريا با بال خود بر مي دارد امير المؤمنين (عليه السلام) فرمود: تمام دانشى را كه آدم از آسمان به زمين فرود آورد و همه امتيازات علمى پيامبران تا خاتم انبياء در اختيار عترت پيامبر خاتم (صلى الله عليه و آله) است. (5)

ص: 240

1- . المائدة آية 55

2- . النساء آية 59

3- . كتاب سليم بن قيس الهلالي، ج 2 ص 903 الحديث الستون، الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) ج 1 ص 159 احتجاجة على

جماعة كثيرة من المهاجرين و الأنصار لما تذاكروا فضلهم بما قال رسول الله ص من النص عليه و غيره من القول الجميل

4- . الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) ج 1 ص 159 احتجاجة ع على جماعة كثيرة من المهاجرين و الأنصار لما تذاكروا فضلهم

بما قال رسول الله ص من النص عليه و غيره من القول الجميل

5- .

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْفَارِسِيُّ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ الْمُفَيْدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْجَلُودِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَهْلٍ قَالَ: حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:

حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ الْمُحَبَّرِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ، عَنْ أَبِي بَشْرٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ: عَنْ

ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَ

مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ [هُوَ] عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ نَقَلَ كَرْدَه اسْت: ابْنِ عَبَّاسٍ مَفْسَّرِ الْقُرْآنِ وَصَحَابِي  
بِيَامِبِر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دَر بَارَه قَوْلِ خَدَاوَنَد (وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (1)

بیان کرد، که منظور، علی (علیه السلام) است که علم کتاب در نزد اوست. (2)

وَ أَخْبَرُونَا عَنْ أَبِي بَكْرٍ [السَّيِّعِيِّ] قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورِ بْنِ الْجَنْدِيِّ الرَّازِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ إِشْكَابَ قَالَ:  
حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُفَضَّلٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مَنْدَلُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ أَبِي عُمَرَ زَادَانَ، عَنْ ابْنِ الْحَنْفِيَّةِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (وَ مَنْ عِنْدَهُ  
عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ:

هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

ابی عمر زاذان از ابن حنفیه در توضیح کلام خدا (وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (3)

نقل کرد که مصداق آیه علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. (4)

أَخْبَرُونَا عَنْ أَبِي بَكْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ صَالِحِ السَّيِّعِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْجَصَّاصُ قَالَ: أَخْبَرَنَا حُسَيْنُ بْنُ  
حَكَمٍ الْحَبْرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عُثْمَانَ، عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَطَاءٍ قَالَ كُنْتُ جَالِسًا مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ فِي الْمَسْجِدِ فَرَأَيْتُ  
ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ جَالِسًا فِي نَاحِيَةِ فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ: زَعَمُوا أَنَّ أَبَا هَذَا (عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (يَعْنِي) عَبْدَ اللَّهِ

بْنَ سَلَامٍ. قَالَ: لَا إِنَّمَا ذَلِكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

ص: 241

1- . الرعد آية 43

2- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 401 [سورة الرعد(13): آية 43] ح 423

3- . الرعد آية 43

4- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 401 [سورة الرعد(13): آية 43] ح 424

عبد الله بن عطاء حکایت کرد: روزی در خدمت ابی جعفر (علیه السلام) در مسجد نشسته بودیم، دیدم فرزندان و نواده گان عبد الله بن سلام در قسمت دیگر مسجد نشسته اند. به ابی جعفر (علیه السلام) گفتم، یا ابن رسول الله! اینان گمانمی کنند در نزد پدرشان عبد الله بن سلام (عِلْمُ الْكِتَابِ) (1)

موجود بود. ابی جعفر (علیه السلام) فرمود: خیر، این گونه نیست (عِلْمُ الْكِتَابِ) (2)

در نزد علی (علیه السلام) جدّ ماست. (3)

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبرَاهِيمَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ نَجْمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ صَاحِبُ عِلْمِ الْكِتَابِ عَلِيُّ (علیه السلام)

امام باقر (علیه السلام) در باره (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (4) عزوجل فرمودند: صاحب علم الكتاب امیرالمومنین (علیه السلام) است. (5)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ نَصْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فِي الْمَسْجِدِ أَحَدُهُ إِذْ مَرَّ بَعْضُ وُلْدِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ وَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا ابْنُ الَّذِي يَقُولُ النَّاسُ (عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ لَا إِنَّمَا ذَلِكَ عَلِيُّ (علیه السلام) نَزَلَتْ فِيهِ خَمْسُ آيَاتٍ أَحَدُهَا (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ)

با امام باقر (علیه السلام) در مسجد بودم صحبت در باره برخی از فرزندان عبدالله بن سلیم بود عرضه داشتم: فدایت شوم او کسی است که گمان می کند این آیه (عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (6) اشاره به پدرش دارد حضرت فرمودند: خیر بلکه این آیه درباره

علی (علیه السلام) نازل شده... (7)

ص: 242

1- . الرعد آية 43

2- . الرعد آية 43

3- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 402 [سورة الرعد(13): آية 43] ح 425

4- . الرعد آية 43

5- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 214 باب 1 باب مما عند الأئمة عليهم الصلاة والسلام من اسم الله الأعظم و علم الكتاب ح 6

6- . الرعد آية 43

7- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 214 باب 1 باب مما عند الأئمة عليهم الصلاة والسلام من اسم الله الأعظم و علم الكتاب .... ح 11

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قُلْتُ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ فَمَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ غَيْرَهُ.

از امام صادق (عليه السلام) پرسیدم درباره آیه (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (1) فرمود: او علی بن ابی طالب (عليه السلام) است. (2)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمْرَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) هَذَا ابْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ يَزْعُمُ أَنَّ أَبَاهُ الَّذِي يَقُولُ اللَّهُ (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ كَذَبَ ذَلِكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

به امام صادق (عليه السلام) گفتم: پسر عبدالله بن سلام ادعا می کند که خداوند در این آیه (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (3) پدر او را قصد کرده حضرت فرمود: دروغ می گوید این آیه درباره امیرالمومنین (عليه السلام) نازل شد. (4)

حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ عَيْسَى الْكَرْبِزِيُّ [الْكُرْبُرِيُّ] الْبَصْرِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَكَمِ بْنِ ظَهْرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ شَرِيكَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى الثَّعْلَبِيِّ عَنْ أَبِي تَمَامٍ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَه عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) فَقَالَ أَنَا هُوَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ وَقَدْ صَدَّقَهُ اللَّهُ وَأَعْطَاهُ الْوَسِيلَةَ فِي الْوَصِيَّةِ وَلَا تَخْلَى أُمَّةٌ [يُحَلِّي أُمَّتَهُ] مِنْ وَسِيلَتِهِ إِلَيْهِ وَإِلَى اللَّهِ

ص: 243

1- . الرد آية 43

2- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 215 باب 1 باب مما عند الأئمة عليهم الصلاة و السلام من اسم الله الأعظم و علم الكتاب ح 15

3- . الرد آية 43

4- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 215 باب 1 باب مما عند الأئمة عليهم الصلاة و السلام من اسم الله الأعظم و علم الكتاب ح 16

قَالَ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ) (1)

اميرالمومنين (عليه السلام) درباره قول خدای عزوجل (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (2) فرمودند: من آن کسی هستم که علم تمام کتاب در نزد اوست... (3)

وَمِنْ رَوَايَاتِ الشَّافِعِيِّ ابْنِ الْمَغَازِلِيِّ فِي الْمَعْنَى يَرْفَعُهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ عَابِسٍ قَالَ دَخَلْتُ أَنَا وَابُو مَرْيَمَ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ أَبُو مَرْيَمَ حَدَّثَ عَلَيْنَا بِالْحَدِيثِ الَّذِي حَدَّثْتَنِي عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ جَالِسًا إِذْ مَرَّ ابْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا ابْنُ الَّذِي (عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ لَا وَ لَكِنَّهُ صَاحِبُكُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) الَّذِي نَزَلَتْ فِيهِ آيَاتٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ) (4)

الآيَةِ وَذَكَرَ السُّدِّيُّ فِي تَفْسِيرِهِ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام)

از روایات شافعی ابن مغازلی در همین معنی روایتی که آن را از علی بن عباس نقل کرده است وی گفت: من و ابو مریم، بر عبد الله ابن عطا وارد شدیم ابو مریم به ابن عطا گفت: برای ما روایت کن همان روایتی را که به من از ابو جعفر (علیه السلام) نقل کردی گفت: من نزد ابو جعفر (علیه السلام) نشسته بودم که گذر عبد الله سلام به آنجا افتاد به او گفتم فدای تو شوم، این است پسر کسی که نزد او است علم کتاب؟! گفت: نه و لکن آن شخص صاحب شما علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که آیاتی از قرآن در باره او نازل شده است مثل آیه (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (5)

(أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ) (6) (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ) (7)

ص: 244

- 1- . المائدة آية 35
- 2- . الرعد آية 43
- 3- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 216 باب 1 باب مما عند الأئمة عليهم الصلاة و السلام من اسم الله الأعظم و علم الكتاب ح 21
- 4- . المائدة آية 55
- 5- . الرعد آية 43
- 6- . هود آية 17
- 7- . الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف ج 1 ص 49 باب نزول آية إنما وليكم الله في شأن علي ع ح 43

قَوْلُهُ تَعَالَى (كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) قَالَ مُحَمَّدُ ابْنُ الْحَنْفِيَّةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

و ديگر درباره آيت (كفى بالله شهيدا بيني وبينكم ومن عنده علم الكتاب) (1)

محمد بن حنفيه گفت: كه آن كس على بن ابى طالب (عليه السلام) است. (2) داناترين مردم به سنت پيامبر

و عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ عَلِيٌّ (عليه السلام) أَعْلَمُ النَّاسِ بِالسُّنَّةِ

و عايشه گفت: على (عليه السلام) داناترين مردم است به سنت رسول خدا (صلى الله عليه وآله). (3)

قضاوتهاى على ريشه در سنت نبوى دارد

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَمَرَ الْجَعَابِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ حُمْدُونَ الرَّوَاسِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ طَرِيفٍ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ:

لَا تَجِدُ عَلِيًّا (عليه السلام) يَقْضِي بِقَضَاءٍ إِلَّا وَجَدَتْ لَهُ أَصْلًا فِي السُّنَّةِ. قَالَ: وَكَانَ عَلِيٌّ (عليه السلام) يَقُولُ: لَوْ اخْتَصَمَ إِلَيَّ رَجُلَانِ فَقَضَيْتُ بَيْنَهُمَا، ثُمَّ مَكَّنَا أَحْوَالَ كَثِيرَةً، ثُمَّ أَتَيْتَنِي فِي ذَلِكَ الْأَمْرِ، لَقَضَيْتُ بَيْنَهُمَا قَضَاءً وَاحِدًا، لِأَنَّ الْقَضَاءَ لَا يَحُولُ وَلَا يَزُولُ.

ص: 245

1- . الرعد آية 43

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 312 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 57 السابع ح 9

حسن بن طریف می گوید: شنیدم که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: علی (علیه السلام) را در حال قضاوت نمی یابی جز آنکه برایش اصلی در سنت می یابی. امام (علیه السلام) فرمود: علی می فرمود: اگر دو مرد قضاوت خود را به نزد من بیاورند و میانشان قضاوت کنم، سپس مدتی طولانی صبر کنند، و در آن امر بهنزد من بازگردند در میانشان به یک نحو قضاوت می کنم زیرا قضاوت تغییر نمی یابد و متفاوت نمی گردد. (1)

به این مرد پناه ببرید

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ خَالِدٍ الْمَرَاغِي، قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الدَّلَّالُ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُرَنْبِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ غُرَابٍ، عَنْ مُوسَى بْنِ قَيْسٍ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ، عَنْ عِيَّاضٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: مَرَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بِمَلَأٍ فِيهِ سَلْمَانٌ فَقَالَ لَهُمْ سَلْمَانُ: قَوْمُوا فَخُذُوا بِحُجْرَةِ هَذَا، فَوَاللَّهِ لَا يُخَيْرُكُمْ بِسِرِّ نَبِيِّكُمْ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَحَدٌ غَيْرُهُ.

عیاض از پدرش روایت می کند که علی بن ابیطالب (علیه السلام) بر جماعتی گذشت که سلمان در میان آنها بود. پس سلمان به آن گروه گفت برخیزید و به این مرد پناه ببرید. پس به خدا سوگند هیچکس جز او شما را از اسرار پیامبرتان آگاه نمی گرداند. (2)

ص: 246

1- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 3 ح 3

2- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 5 ح 7

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُثَنَّى عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يَسْأَلُهُمْ عَنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) سَلُونِي عَمَّا سَأَلْتُمْ فَلَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِهِ قَالَ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ شَيْءٍ إِلَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَلْيَذْهَبِ النَّاسُ حَيْثُ شَاءُوا فَوَلَّى اللَّهُ لَيْسَ الْأَمْرُ إِلَّا مِنْ هَاهُنَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى بَيْتِهِ.

زراره گوید: خدمت امام باقر (عليه السلام) بودم که مردی از اهل کوفه از آن حضرت راجع به قول امیر المؤمنین (عليه السلام): هر چه خواهید از من بپرسید هر چه از من بپرسید به شما خبر دهم سؤال کرد، حضرت فرمود: هیچ کس علمی ندارد جز آنچه از امیر المؤمنین (عليه السلام) استفاده شده، مردم هر کجا خواهند بروند، به خدا علم درست جز اینجا نیست و با دست اشاره به خانه خود کرد. (1)

ص: 247

---

1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 399 باب أنه ليس شيء من الحق في يد الناس إلا ما خرج من عند الأئمة ع وأن كل شيء لم يخرج من عندهم فهو باطل ح 2





أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ هَمَّامٍ،

قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ يَفْطِينٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَيُّوبَ يَحْيَى بْنُ زَكْرِيَّا، قَالَ حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ كَثِيرٍ بْنُ أَبِي خَالِدٍ الرَّقِّيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): قَالَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ): لَوْ لَا أَنِّي أَسَّ تَحِيْبِي مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، مَا تَرَكْتُ عَلَيْهِ خِرْقَةً يَتَوَارَى بِهَا، وَإِذَا أَكْمَلْتُ لَهُ الْإِيمَانَ ابْتَلَيْتُهُ بِضَعْفٍ فِي قُوَّتِهِ وَقَلَّةٍ فِي رِزْقِهِ، فَإِنْ هُوَ جَزَعَ أَعَدْتُ عَلَيْهِ، وَإِنْ صَبَرَ بَاهَيْتُ بِهِ مَلَائِكَتِي، أَلَا وَقَدْ جَعَلْتُ عَلِيًّا عَلِمًا لِلنَّاسِ، فَمَنْ تَبِعَهُ كَانَ هَادِيًا، وَمَنْ تَرَكَهُ كَانَ ضَالًّا، لَا يُجِبُّهُ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا يُبْغِضُهُ إِلَّا مُنَافِقٌ.

پیامبر (صلى الله عليه وآله): خداوند بلند مرتبه می فرماید: آگاه باشید علی (عليه السلام) را نشانه ای برای مردم قرار داده ام پس هرکه از او پیروی کند هدایت یافته و هرکه او را رها کند گمراه گشته جز مومن او را دوست نمی دارد و جز منافق او را دشمن نمی دارد. (1)

علی نشانه ای برای آفریدگان

إِبْرَاهِيمُ الْأَحْمَرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْأَصَمِّ، عَنِ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ، عَنِ الْمُفَضَّلِ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) جَعَلَ عَلِيًّا (عليه السلام) عَلِمًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ، لَيْسَ بَيْنَهُمْ عِلْمٌ غَيْرُهُ، فَمَنْ أَقْرَبَ بَوْلَايَتِهِ كَانَ مُؤْمِنًا،

ص: 249

وَمَنْ جَحَدَهُ كَانَ كَافِرًا، وَمَنْ جَهَلَهُ كَانَ ضَالًّا، وَمَنْ نَصَبَ مَعَهُ كَانَ مُشْرِكًا، وَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ أَنْكَرَهَا دَخَلَ النَّارَ.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا خداوند والا علی (علیه السلام) را نشانه ای میان خود و آفریدگانش نهاد و جز او نشانه ای میانشان نیست. هرکه به ولایت او اقرار کند مومن است و هرکه او را انکار کند کافر می گردد هرکه او را نشناسد گمراه است و هرکه با او دیگری را برافزاد مشرک است. هرکه با ولایت او بیاید وارد بهشت می شود و هرکه او را انکار کند به دوزخ می رود. (1)

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْقُرَشِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُوسَى الْحَشَابِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى الْحَضْرَمِيُّ، عَنْ زُرْعَةَ، يَعْنِي ابْنَ مُحَمَّدِ الْحَضْرَمِيِّ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ الْجُعْفِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبَائِهِ رَفَعَهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ) نَصَبَ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) عَلِمًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ، فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا، وَمَنْ جَهَلَهُ كَانَ ضَالًّا، وَمَنْ عَدَلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ غَيْرِهِ كَانَ مُشْرِكًا، وَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ جَاءَ بِعَدَاوَتِهِ دَخَلَ النَّارَ.

مفضل بن عمر جعفی از حضرت صادق (علیه السلام) به نقل از پدرانشان روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: همانا خدای عزوجل علی (علیه السلام) را چون نشانه ای میان خود و آفریدگانش قرار داد که هرکه او را بشناسد، مومن است و هرکه او را انکار کند کافر است. هرکه او را نشناسد گمراه شده و هرکه او را با دیگری همسان بداند شرک ورزیده است. هرکه به دوستی او در آید به بهشت می رود و هرکه به دشمنی با او پردازد به دوزخ روانه می شود. (2)

ص: 250

1- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 14 ح 70

2- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 17 ح 36

وَ مِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ أَبُو الشَّافِعِيِّ ابْنُ الْمَغَازِلِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَتَانِي جِبْرِئِيلُ (عليه السلام) بِدُرُّنُوكٍ مِنْ دَرَانِيكَ الْجَنَّةِ فَجَلَسْتُ عَلَيْهِ فَلَمَّا صِدْرْتُ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّي كَلَّمَنِي وَ نَاجَانِي فَمَا عَلَّمَنِي شَيْئاً إِلَّا وَ عَلَّمْتُ عَلِيّاً (عليه السلام) فَهُوَ بَابُ مَدِينَةِ عِلْمِي ثُمَّ دَعَاهُ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) سِلْمُكَ سِلْمِي وَ حَرْبُكَ حَرْبِي وَ أَنْتَ الْعَلَمُ بَيْنِي وَ بَيْنَ أُمَّتِي بَعْدِي

ابن عباس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت می کند که فرمود: جبرئیل (علیه السلام) فرشی از فرش های بهشت برایم آورد و بر آن نشستم و چون نزد پروردگارم رسیدم با من سخن گفت. و هیچ چیز به من نیاموخت مگر آنکه علی (علیه السلام) نیز آن را دانست، بنا بر این او درب شهر علم من است سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) را نزد خود فراخواند و به وی فرمود: ای علی! دوستی تو دوستی من است و جنگ با تو جنگ با من است و تو نشانه ی میان من و امت من پس از من هستی. (1)

ص: 251

---

1- الطوائف في معرفة مذاهب الطوائف ج 1 ص 77 تزويج علي ع بفاطمة ع وقول الرسول كل نسب منقطع ما خلا نسبي و عدة مناقب لعلی ح 102



خداوند متعال به اطاعت از علی امر فرموده و حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو الْحَسَنِ بْنُ شاذَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُرَّةَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْعَاصِمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَبِي الشَّوَارِبِ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ الصُّبُعِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا سُر [سَعْدُ] بْنُ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ قَالَ سَدِّبِلَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَإِنَّهُ مَوْلَاكُمْ فَأَحِبُّوهُ وَكَبِّرُوهُ فَاتَّبِعُوهُ وَعَالِمُكُمْ فَأَكْرَمُوهُ وَقَائِدُكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ فَعَزُّوهُ وَإِذَا دَعَاكُمْ فَأَجِيبُوهُ وَإِذَا أَمَرَكُمْ فَأَطِيعُوهُ وَأَجِيبُوهُ لِحُبِّي وَأَكْرَمُوهُ لِكِرَامَتِي مَا قُلْتُ لَكُمْ فِي عَلِيِّ (عليه السلام) إِلَّا مَا أَمَرَنِي بِهِ رَبِّي

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) می فرمود: بر شما باد ملازمت علی بن ابی طالب (عليه السلام) که او مولای شما است دوستش دارید، و بزرگ شما است از او پیروی کنید، و دانای شما است او را گرامی دارید، و جلودار شما است به سوی بهشت او را عزیز شمارید، و چون شما را بخواند پذیرا باشید و چون به شما فرمان دهد فرمانش ببرید و دوستش دارید به دوستی من و گرامیش دارید به کرامت من، نگفتم به شما درباره علی (عليه السلام) جز آنچه را پروردگارم به من فرموده. (1)

ص: 253

بعد از من از علی اطاعت کنید! أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو نَصْرِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْبَصِيرِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْحَاسِبِ، قَالَ حَدَّثَنَا سَلِيمَانُ بْنُ أَحْمَدَ الْوَاسِطِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، قَالَ حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ نَصِيرٍ الْبَحْرَانِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): يَا أَيُّهَا النَّاسُ، (اتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا) قَالُوا: لِمَنِ السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ بَعْدَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: لِأَخِي وَابْنِ عَمِّي وَوَصِيِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام). قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: فَعَصَوْهُ وَاللَّهِ، وَخَالَفُوا أَمْرَهُ، وَحَمَلُوا عَلَيْهِ السُّيُوفَ.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله): ای مردم! پرهیزکار باشید و سخن مرا بشنوید. عرضه داشتند: ای رسول خدا! پس از تو سخن چه کسی را بشنویم و از چه کسی اطاعت کنیم؟ فرمود: از برادر و پسر عمو و جانشینم علی بن ابیطالب (عليه السلام). جابر بن عبدالله انصاری می گوید: به خدا قسم! از او سرپیچی کردند و نافرمانی اش نمودند و بر او شمشیر کشیدند. (1)

پیروی از علی پیروی از رسول خداست

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): ... عَلِيٌّ (عليه السلام) مِنِّي كَتَفْسِي طَاعَتُهُ طَاعَتِي وَ مَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَتِي

ص: 254

رسول خدا(صلی الله علیه و آله): علی(علیه السلام) نسبت به من چون خود من است طاعتش طاعت من و نافرمانیش نافرمانی منست. (1)

أَخْبَرَنَا أَبُو شُكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُسْتَوْفِي الْأَصْبَهَانِيُّ، بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ فِي دَارِهِ أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ مَنَدَةَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خُرَشِيدَ، قَوْلَهُ «حَيْلُولَةً» وَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْهَيْثَمِ بْنِ مُحَمَّدٍ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ أَخْبَرَنَا أَبُو مَنْصُورٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ شَكْرَوَيْهِ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خُرَشِيدَ، قَوْلَهُ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ ابْنِ عُقْدَةَ الْحَافِظُ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ بَرِيْعٍ قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ بْنِ أَبِي لَيْلَى حَدَّثَنَا شُعَيْبُ بْنُ رَاشِدٍ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ أَبِي وَائِلٍ عَنْ حَدِيفَةَ بْنِ الْيَمَانِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) طَاعَتُهُ طَاعَتِي، وَ مَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَتِي.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: اطاعت از علی(علیه السلام) اطاعت از من و نافرمانی او نافرمانی از منست. (2)

علی مطیع و پیرو پیامبر

وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي قَوْلِهِ (قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنْ اتَّبَعَنِي) يَعْنِي نَفْسَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ يَعْنِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ آلَ مُحَمَّدٍ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله)

ص: 255

1- . الأماي للصدوق ص 89 المجلس العشرون 20 ح 1.

2- . الأربعون حديثا (للرازي) ص 53 الحديث الخامس والعشرون



و در روایت ابی الجارود از حضرت ابی جعفر (علیه السلام) در آیه (قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي) (1)

منظور پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده (وَمَنِ اتَّبَعَنِي) کسی که پیرو من است منظور علی بن ابی طالب (علیه السلام) و آل محمد (صلی الله علیه و آله) است. (2)

پیروی از علی پیروی از خدا و رسولاََ خَبَرْنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا الشَّرِيفُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ حَمَزَةَ الْعَلَوِيُّ الطَّبْرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ نَصْرُ بْنُ أَحْمَدَ الرَّازِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ سَهْلُ بْنُ زِيَادِ الْأَدْمِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْوَلِيدِ الْمَعْرُوفُ بِشَدِّ بَابِ الصَّيْرِفِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ، قَالَ حَدَّثَنَا الرَّكِينُ بْنُ الرَّبِيعِ الْفَرَزَارِيُّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ قَبِيصَةَ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ خَطَبَنَا النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَالَ فِي خُطْبَتِهِ: مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) مِنْ بَعْدِي، فَإِنَّ وِلَايَتَهُ وَوِلَايَتِي، وَوِلَايَتِي وَوِلَايَةُ اللَّهِ، أَمْرٌ عَهْدُهُ إِلَيَّ رَبِّي وَآمَرَنِي أَنْ أُبَلِّغَكُمْوَهُ، أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ فَقَالُوا: نَشْهُدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ. قَالَ: أَمَا إِنَّكُمْ تَقُولُونَ نَشْهُدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ، وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ يُنَازِعُهُ حَقَّهُ، وَيَحْمِلُ النَّاسَ عَلَى كَيْفِهِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَمَّهِمْ لَنَا. قَالَ: أُمِرْتُ بِالْإِعْرَاضِ عَنْهُمْ، وَكَفَى بِالْمَرْءِ مِنْكُمْ مَا يَجِدُ لِعَلِيِّ فِي نَفْسِهِ.

جابر بن عبدالله انصاری: پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) برای ما خطبه خواند و از جمله فرمود: هر که به من ایمان آورده و مرا پذیرفته باید پس از من از علی (علیه السلام) پیروی کند زیرا پیروی از او پیروی از منست و پیروی از من پیروی از خداست. پروردگرم پیمان

ص: 256

1- . یوسف آیه 108

2- . تفسیر القمی ج 1 ص 358 [سورة یوسف(12): الآيات 102 الى 111] .....

با او را به من فرمان داد فرمود که آن را به شما برسانم، آیا به شما رساندم؟ آنان گفتند: گواهی می دهیم که تو رساندی. حضرت فرمودند: هان شما اکنون می گوید ما گواهییم که تو آن را رساندی ولی برخی از شما درباره ی این حق با او ستیزه کرده و مردم را بر او می شورانید. حضرت فرمودند: من به رویگردان شدن از ایشان فرمان داده شده ام. و برای هر یک از شما آنچه در دل نسبت به علی (علیه السلام) دارد بس است. (1)

اطاعت از علی اطاعت از خداست و نَزَر رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِلَيْهِمَا يَوْمًا [وَ] قَدْ أَقْبَلَا فَقَالَ هَذَا وَاللَّهِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا إِنَّ خَيْرَ النَّاسِ عِنْدِي وَ أَحَبَّهُمْ إِلَيَّ وَ أَكْرَمُهُمْ عَلَيَّ أَبُو كَمَا ثُمَّ أُمَّكَمَا وَ لَيْسَ عِنْدَ اللَّهِ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنِّي وَ أَخِي وَ وَزِيرِي وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ وَلِيَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَلَا إِنَّ أَخِي وَ خَلِيلِي وَ وَزِيرِي وَ صَفِيِّي وَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي وَ وَلِيَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَإِذَا هَلَكَ فَأَبْنِي الْحَسَنُ (عليه السلام) مِنْ بَعْدِهِ فَإِذَا هَلَكَ فَأَبْنِي الْحَسَنِ (عليه السلام) مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ الْأَيْمَةُ [التَّسْعَةُ] مِنْ عَقَبِ الْحَسَنِ (عليه السلام) [هُم] الْهُدَاهُ الْمُهْتَدُونَ هُمْ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَهُمْ لَا يُفَارِقُونَهُ وَ لَا يُفَارِقُهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ هُمْ زُرُّ الْأَرْضِ الَّذِينَ تَسَكَّنُوا إِلَيْهِمُ الْأَرْضُ وَ هُمْ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ هُمْ عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى الَّتِي (لَا انْفِصَامَ لَهَا) وَ هُمْ حُجَجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ شُهَدَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ خَزَنَةُ عِلْمِهِ وَ مَعَادِنُ حِكْمَتِهِ وَ هُمْ بِمَنْزِلَةِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَرَكَهَا

ص: 257

عَرِقَ وَهُمْ بِمَنْزِلَةِ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا فَرَضَ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ طَاعَتَهُمْ وَأَمْرَ فِيهِ بِوَلَايَتِهِمْ  
مَنْ أَطَاعَهُمْ (أَطَاعَ اللَّهَ) وَمَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ ....

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نظر به آن دو (حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام)) نمود در حالی که با هم پیش می آمدند، و فرمود: به خدا قسم، اینان دو آقای جوانان اهل بهشتند و پدرشان از ایشان بهتر است. بهترین مردم نزد من و محبوبترین آنان در قلب من و محترم ترین ایشان در پیشگاه من پدر شما و سپس مادرتان است. احدی نزد خداوند افضل از من و برادرم و وزیرم و جانشینم در امتم و صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از من علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیست. بدانید که برادرم و دوستم و وزیرم و انتخاب شده ام و خلیفه بعد از خودم و صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از من علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. وقتی او از دنیا رفت پسر من (علیه السلام) بعد از اوست. وقتی او از دنیا رفت پسر من حسین (علیه السلام) بعد از اوست. سپس امامان نه گانه از نسل حسین (علیه السلام) خواهند بود. آنان هدایت کنندگان هدایت شده اند. آنان با حق و حق با آنان است. تا روز قیامت ایشان از حق جدا نمی شوند و حق از ایشان جدا نمی شود. آنان مایه قوام زمین هستند که بخاطر آنان آرام گرفته است. آنان ریسمان محکم خداوند و دستاویز مستحکم خدایند (لا

انْفِصَامَ لَهَا) (1) که از هم گسیختن نخواهد داشت. آنان حجت های الهی در زمین و شاهدان او بر مردم و خزانه داران علمش و معادن حکمت اویند. آنان به منزله کشتی نوح اند که هر که بر آن سوار شد نجات یافت و هر که آن را رها کرد غرق شد. آنان به منزله باب حطه در بنی اسرائیلند که هر که از آن داخل شد مؤمن و هر که از آن خارج شد کافر بود. خداوند در قرآن اطاعت ایشان را واجب کرده و در آن دستور ولایت آنان را داده است. هر که آنان را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده (أَطَاعَ اللَّهَ) (2) و هر که از آنان سرپیچی کند از خدا سرپیچی کرده است. (3)

ص: 258

1- . البقرة آية 256

2- . النساء آية 80

3- . کتاب سلیم بن قیس الهمدانی ج 2 ص 734 الحدیث الحادی والعشرون [1]

يَا مَوْلَايَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، يَا أَمِينَ اللَّهِ، يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ ذُنُوبًا قَدْ أَنْقَلَتْ ظَهْرِي وَ مَنَعْتَنِي مِنَ الرُّقَادِ، وَ ذَكَرَهَا يُفَلِّقُ أَحْسَائِي، وَقَدْ هَرَبْتُ مِنْهَا إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ، فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَمَكَ عَلَى سِرِّهِ، وَ اسْتَرَعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَ قَرَنَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ، وَ مُوَالَاتَكَ بِمُوَالَاتِهِ، كُنْ لِي إِلَى اللَّهِ شَفِيعًا، وَ مِنَ النَّارِ مُجِيرًا، وَ عَلَى الدَّهْرِ ظَهِيرًا.

ای مولای من و ای حجت پروردگار، ای امین سر الهی و ای ولی خدا میان من و خدا گناہانی است که بر دوشم سنگینی می کند، خواب را از چشمانم ربوده و درونم را مضطرب کرده است. پس از آنها فرار کرده و به سوی خدا و به سوی تو پناه می آورم. به آبروی کسی که تو را امین سرش و نگهبان امور خلقتش قرار داده، و اطاعت و پیروی از تو را هم طراز اطاعت و پیروی از خویش نموده، واسطه ی من به بارگاہی الهی و نجات بخش من از آتش و یاور من بر سختی های روزگار باش. (1)

ص: 259

---

1- . المزار الكبير (لابن المشهدي) ص 3 211 - زيارة اخرى لأمير المؤمنين صلوات الله عليه



أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شاذَانَ بْنِ حُبَابِ الْأَزْدِيِّ الْخَلَّالِ بِالْكُوفَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْمَزْنِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ حُسَيْنِ الْعُرَيْثِيِّ، عَنْ يَحْيَى بْنِ يَعْلَى، عَنْ عُمَرَ بْنِ مُوسَى يَعْنِي الْوَجِيهِيَّ، عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام)، عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) أَنَّهُ قَالَ: أَلَا إِنَّكَ الْمُبْتَلَى وَ الْمُبْتَلَى بِكَ، أَمَا إِنَّكَ الْهَادِي لِمَنْ اتَّبَعَكَ، وَ مَنْ خَالَفَ طَرِيقَتَكَ ضَلَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ رَسُولَ خِدا (صلى الله عليه وآله) خطاب به علی (عليه السلام) فرمود: بدان که تو آزموده ای و به تو آزموده می شود. هان که تو برای کسی که از تو پیروی کند هدایتگری و هرکه از تو روی گرداند تا قیامت گمراه است. (1)

امیرالمومنین هدایت گرامت

وَ قَوْلُهُ تَعَالَى (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَدَهُ عَلَى صَدْرِهِ فَقَالَ أَنَا الْمُنذِرُ وَ أَوْ مَأْ بِيَدِهِ إِلَى مَنْكِبِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ قَالَ أَنْتَ الْهَادِي يَا عَلِيُّ يَهْتَدِي بِكَ الْمُهْتَدُونَ مِنْ بَعْدِي.

و دیگر آیت (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) (2) یعنی جز این نیست که تو بیم کننده و از برای هر گروهی راه نماینده، ابن عباس گوید که: چون این آیت نازل

ص: 261

1- . الأما لي (للطوسي) المجلس 17 ح 16

2- . الرعد آية 7

شد، رسول الله (صلی الله علیه و آله) دست خود را بر سینه مبارک نهاد و فرمود که: من منذر، و اشارت کرد به دست خود بر دوش امیر المؤمنین (علیه السلام) و گفت: توئی هادی ای علی! راه یافتگان به تو راه یافته اند. (1)

وَعَنْهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْقَصِيرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) الْهَادِي وَ اللَّهُ مَا ذَهَبَتْ مِنَّا وَ مَا زَالَتْ فِيْنَا إِلَى السَّاعَةِ. حضرت باقر (عليه السلام) در باره آیه (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) (2) نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) منذر است و علی (عليه السلام) هادی است به خدا قسم این آیه در باره ما خانواده است و تا قیامت راهنمایان از ما خانواده خواهند بود. (3)

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بِطَهْوَرٍ فَلَمَّا فَرَّغَ أَحْذَبَ يَدِي عَلِيٍّ (عليه السلام) فَأَلْزَمَهَا يَدَهُ ثُمَّ قَالَ (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ) (4) ثُمَّ ضَمَّ يَدَهُ إِلَى صَدْرِهِ قَالَ وَ (لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) (5) ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) أَنْتَ أَصْلُ الدِّينِ وَ مَنَارُ الْإِيمَانِ وَ غَايَةُ الْهُدَى وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ أَشْهَدُ لَكَ بِذَلِكَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای وضو گرفتن خود آب طلب کردند و چون از وضوء فارغ شدند دست امیرالمؤمنین (عليه السلام) را گرفته و به دست خود محکم چسبانیدند و گفتند (إِنَّمَا

أَنْتَ مُنذِرٌ) و سپس آن دست را به سینه ی امیرالمؤمنین (عليه السلام) برگردانند و فرمودند (لِكُلِّ

قَوْمٍ هَادٍ) سپس فرمودند: ای علی! تو اصل دین خدا و منار ایمان و نهایت هدایت و پیشوای مردمان مومن و سپید پیشانی هستی من به این مطلب درباره ی تو گواهی دهم. (6)

ص: 262

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 312 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

2- . الرعد آية 7

3- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 30 باب 13 باب في أئمة آل محمد أنهم الهادون يهدون إلى ما جاء به النبي ص ح 7

4- . الرعد آية 7

5- . الرعد آية 7

6- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 30 باب 13 باب في أئمة آل محمد ع أنهم الهادون يهدون إلى ما جاء به النبي ح 8

قَوْلِهِ تَعَالَى (إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ) (1) يَعْنِي صِرَاطَ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَآلِهِ

و دیگر آیت (إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ) (1) یعنی به درستی آنان که نمی گروند به سرای آخرت از راه راست گردندگان و میل کنندگان اند به بیابان گمراهی، راه راست مراد طریق محمد (صلی الله علیه و آله) است و آل محمد (صلی الله علیه و آله). (2)

أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ الْمُعَاذِيُّ بِقَرَاءَتِي عَلَيْهِ مِنْ أَصْلِهِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْفَقِيهِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُونَ بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدَةُ بْنُ سُلَيْمَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا كَامِلُ بْنُ الْعَلَاءِ قَالَ: حَدَّثَنَا حَبِيبُ بْنُ أَبِي ثَابِتٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام): أَنْتَ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ وَ أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، وَ أَنْتَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ.

سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده که رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا علی! تو طریق آشکار و صراط مستقیم و سرکرده مؤمنان هستی (3)

أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْمَعْمَرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ الْفَقِيهِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ، عَنِ الْيَعْقُوبِيِّ، عَنْ عِيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ سَرَّهُ [مَنْ أَرَادَ] أَنْ يَجُوزَ عَلَى الصِّرَاطِ

ص: 263

1- . المومنون آية 74

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 313 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 76 [سورة الفاتحة (1): آية 6] ح 88



كَالرَّيْحِ الْعَاصِفِ وَيَلْجُ الْجَنَّةَ بغيرِ حِسَابٍ فَلْيَتَوَلَّ وَلِيِّيَ وَوَصِيَّيَ وَصَاحِبِيَّ وَخَلِيفَتِي عَلَى أَهْلِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَمَنْ سَرَّهُ  
[وَمَنْ أَرَادَ] أَنْ يَلْجُ النَّارَ فَلْيَتْرُكْ وَلَا يَتَّهَ فَوْعَرَّةَ رَبِّي وَجَلَالِهِ إِنَّهُ لَبَابُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ، وَإِنَّهُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَإِنَّهُ الَّذِي يَسْأَلُ اللَّهَ  
عَنْ وَلَايَتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ابی جعفر الباقر (عليه السلام): رسول الله (صلى الله عليه وآله) فرمود: هر که مشتاق است که از پل صراط مثل باد تند پاییزی بگذرد و خود را بدون حساب به بهشت جاویدان برساند، ولایت ولی و وصی و مصاحب و خلیفه من، علی بن ابی طالب (عليه السلام) را پذیرفته و بر دل بسپارد. و هر که می خواهد در آتش جهنم سرنگون شود، ولایت علی بن ابی طالب (عليه السلام) را رها کند. به عزت و جلال پروردگارم سوگند، علی (عليه السلام) باب الله است، هیچ کسی وارد نمی شود، مگر از آن باب، و او صراط مستقیم است، علی (عليه السلام) آن کسی است که خداوند، در روز قیامت از ولایت او سؤال خواهد کرد. (1)

قَوْلُهُ تَعَالَى (أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ) هُوَ عَلِيٌّ (عليه السلام).

و دیگر آیت (أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ) (2) یعنی کسی که وعده نیک به او داده ایم و حتماً به آن خواهد رسید، و آن علی بن ابی طالب (عليه السلام) است. (3)

قَوْلُهُ تَعَالَى (أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ) الْمُؤْمِنُ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَالْفَاسِقُ الْوَلِيدُ

درباره قول خدای عزوجل (أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ) (4) مقصود از مومن علی (عليه السلام) و منظور از فاسق ولید بن عقبه باشد. (5)

ص: 264

1- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 76 [سورة الفاتحة(1): آية 6] ح 90

2- . القصص آية 61

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 313 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

4- . السجدة آية 18

5- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 313 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

أَنَّ عَنْهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) بَابُ حِطَّةٍ مَنْ دَخَلَ مِنْهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا.

علی بن ابیطالب (علیه السلام) باب حطه است هرکه در آن وارد شود مومن و هرکه از آن خارج شود کافر است. (1)

ثُمَّ صَدَّ عِدَّ الْحَسَنُ (عليه السلام) الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ ذَكَرَ جَدَّهُ فَصَدَّ لِي عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بَابُ هُدَى فَمَنْ دَخَلَهُ اهْتَدَى وَمَنْ خَالَفَهُ تَرَدَّى

سپس امام مجتبی (علیه السلام) به منبر رفته پس از حمد الهی و یاد جدش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: ای مردم! امیرالمومنین (علیه السلام) باب هدایت است پس هرکه در آن وارد شود هدایت شده و هرکه مخالفت کند هلاک گردد. (2)

نور هدایت گر در قیامت

قَوْلُهُ تَعَالَى (يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ) قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَأَصْحَابُهُ آيَةٌ (يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيْمَانِهِمْ) (3)

یعنی روزی که خوار نسازد خدای تعالی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را و آنان که گرویده اند با او نور ایشان شتابد در پیش ایشان و به اطراف ایشان بر پل صراط و به

ص: 265

1- . بحار الأنوار ج 40 ص 76 باب 91 جوامع مناقبه صلوات الله عليه وفيه كثير من النصوص

2- . الجمل و النصره لسيد العترة في حرب البصرة ص 253 خطبة أخرى للحسن

3- . التحريم آية 8

آن نور مردم راه برند، این دوستان علی بن ابی طالب (علیه السلام) و اصحاب او است. (1)

و دیگر آیه (يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ) (2) یعنی روزی که خوار نسازد خدای تعالی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را و آنان که گرویده اند با او نور ایشان شتابد در پیش ایشان و به اطراف ایشان بر پل صراط و به آن نور مردم راه برند، اینان دوستان علی بن ابی طالب (علیه السلام) و اصحاب او هستند. (3)

ص: 266

---

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 314 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه ع ....

2- . التحريم آية 8

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 314 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه



حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْمُكْتَبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الطَّيِّبِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ دُرَيْدٍ الْأَزْدِيُّ الْعَمَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ الْفَرَجِ الرِّيَاشِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو زَيْدٍ النَّحْوِيُّ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ سَأَلْتُ الْخَلِيلَ بْنَ أَحْمَدَ الْعَرُوضِيَّ فَقُلْتُ لَهُ لِمَ هَجَرَ النَّاسُ عَلِيًّا (عليه السلام)

وَقُرْبَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قُرْبَاهُ وَمَوْضِعُهُ مِنَ الْمَسْأَلِينَ مَوْضِعُهُ وَعَنَاةٌ فِي الْإِسْلَامِ عَنَاةٌ فَقَالَ بَهْرٌ وَاللَّهِ نُورُهُ أَنْوَارُهُمْ وَغَلَبَهُمْ عَلَى صَفْوِ كُلِّ مَنْهَلٍ وَالنَّاسُ إِلَى أَشْكَالِهِمْ أَمِيلٌ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الْأَوَّلِ يَقُولُ...

ابوزید نحوی انصاری وی می گوید: از خلیل بن احمد عروسی سؤال کرده و به او گفتم: چرا مردم از علی (علیه السلام) بریده و از حضرتش جدا شدند در حالی که نزدیکی به رسول خدا (صلى الله عليه وآله) نزدیکی غیر قابل انکار و موقعیتش نزد مسلمین موقعیت درخشان و رنج ها و زحماتش در اسلام بر همگان روشن و واضح بود؟ خلیل گفت: به خدا سوگند نور علی (علیه السلام) بر درخشندگی همه مسلمین فائق بوده و بر هر مرد سخی و جوانمردی غالب بود و این معنا را همگانی دانستند و برای احدی قابل انکار نبود ولی مردم به هم ترکیب ها و هم شکل های خویش مایلند. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) كَيْفَ مَالَ النَّاسِ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ وَقَدْ عَرَفُوا فَضْلَهُ وَسَابِقَتَهُ وَمَكَانَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ إِنَّمَا مَالُوا عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ لِأَنَّهُ كَانَ قَدْ قَتَلَ آبَاءَهُمْ وَأَجْدَادَهُمْ وَأَعْمَامَهُمْ وَأَخْوَالَهُمْ وَأَقْرَبَاءَهُمْ

الْمُحَارِبِينَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ عَدَدًا كَثِيرًا فَكَانَ حِفْذُهُمْ عَلَيْهِ لِذَلِكَ فِي قُلُوبِهِمْ فَلَمْ يُحِبُّوا أَنْ يَتَوَلَّى عَلَيْهِمْ وَلَمْ يَكُنْ فِي قُلُوبِهِمْ عَلَى غَيْرِهِ مِثْلُ ذَلِكَ لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْجِهَادِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِثْلُ مَا كَانَ لَهُ فَلِذَلِكَ عَدَلُوا عَنْهُ وَمَالُوا إِلَى غَيْرِهِ

از حضرت ابی الحسن (علیه السلام) راوی می گوید: راجع به امیر المؤمنین علی (علیه السلام) از آن حضرت پرسیده و عرضه داشتم: چگونه مردم از آن حضرت روی گردانده و مایل به دیگری شده با این که فضل و سابقه آن حضرت و موقعیتش نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می دانستند؟ حضرت فرمودند: جهت روی گردانیدن مردم از آن حضرت و مایل شدن به دیگری این بود که آن جناب پدران و اجداد و عموها و دایی ها و نزدیکانشان را که تعداد زیادی بوده و با خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مُحَارِبِه برخاسته بودند کشت لذا کینه آن حضرت در دل ایشان جای گرفت از این رو دوست نداشتند که حضرتش بر آنها ولایت و سروری داشته باشد اما نسبت به غیرش چنین کینه ای نداشتند لا جرم

از آن حضرت عدول کرده و متمایل به غیر او گردیدند. (1) همراهی با علی در زمان فتنه ها

أَبُو الْعَبَّاسِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَوَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ شَدَّادٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ خَيْلَةَ، قَالَ: حَجَجْتُ أَنَا وَسَلْمَانُ فَنَزَلْنَا بِأَبِي ذَرٍّ، فَكُنَّا عِنْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ، فَلَمَّا حَانَ مِنَّا خُفُوفٌ قُلْتُ: يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنِّي أَرَى أُمُورًا قَدْ حَدَّثْتُ، وَأَنَا خَائِفٌ أَنْ يَكُونَ فِي النَّاسِ اخْتِلَافٌ، فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ، فَمَا تَأْمُرُنِي قَالَ: الزَّمِ كِتَابَ اللَّهِ وَعَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَاشْهَدْ أَنِّي

ص: 269

1- . علل الشرائع ج 1 ص 146 باب 121 باب العلة التي من أجلها ترك الناس عليا ع و عدلوا عنه إلى غيره مع معرفتهم بفضله ح 3

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ: عَلِيٌّ (عليه السلام) أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي، وَأَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَهُوَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ، وَهُوَ الْفَارُوقُ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ.

ابو سخیله می گوید: من و سلمان باهم حج گذاردیم، سپس به نزد ابوذر آمدیم، پس هر آنقدر که خدا خواست در نزد او بودیم. پس هنگامی که زمان رفتن فرا رسید عرضه داشتم: ای اباذر! به درستی که من مشاهده می کنم اموری به وقوع پیوسته، و من در هراسم که در میان مردم اختلاف افتد، پس اگر این چنین شد، مرا به چه فرمان می دهی؟ اباذر گفت: همراه کتاب خدا و علی بن ابیطالب (علیه السلام) باش، گواهی می دهم که شنیدم رسول خدا (صلى الله عليه وآله) می فرمود: علی (علیه السلام) اولین کسی است که به من ایمان آورد و اولین کسی است که در قیامت دست در دست من می نهد، و او راستگوی بزرگ و جدا کننده ای است که میان حق و باطل جدایی می افکند. (1) الْحَسَنُ عَنْ أَبِي لَيْلَى الْغِفَارِيِّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) سَتَكُونُ مِنْ بَعْدِي فِتْنَةٌ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَالْزُمُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَإِنَّهُ الْفَارُوقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: به زودی بعد از من فتنه ها پیدا می شود پس همراه علی بن ابیطالب (علیه السلام) باشید زیرا او جدا کننده ی بین حق و باطل است. (2)

هر که از علی کناره گیرد گمراه شود

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الشَّيْبَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شَاذَانَ بْنِ حُبَابِ الْأَزْدِيِّ الْخَلَّالُ بِالْكُوفَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ

ص: 270

1- . الأماي (للطوسي) النص 250 [9] المجلس التاسع ح36

2- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 91 فصل في أنه الصديق و الفاروق و الصادق و المعنى بقوله سيجعل لهم الرحمن ودا

بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ حُسَيْنِ الْعُرَيْبِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَعْلَى الْأَسْلَمِيُّ، عَنْ عُمَرَ بْنِ مُوسَى، يَعْزِي الْوَجِيهِيَّ، عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) أَنَّهُ قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ أَمَا إِنَّكَ الْمُبْتَلَى وَالْمُبْتَلَى بِكَ، أَمَا إِنَّكَ الْهَادِيَ مِنَ اتَّبَعِكَ، وَمَنْ خَالَفَ طَرِيقَتَكَ فَقَدْ ضَلَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: ای علی! تو آزموده ای و به تو آزموده شود، تو هدایتگر کسی هستی که از تو پیروی کند و هر که از تو کناره گیرد تا قیامت گمراه شده. (1) همواره با علی باش

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي سَبْحٍ أَبُو الْحَسَنِ الرَّافِعِيُّ الصُّوفِيُّ بِحَرَّانَ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْمُعْتَمِرِ عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُعَاذِ الْعَامِرِيِّ بِالرَّقَّةِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُعَاذٍ، عَنْ أَبِيهِ وَعَمِّهِ مُعَاذُ وَعُبَيْدُ اللَّهِ ابْنِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَمِّهِمَا يَزِيدِ بْنِ الْأَصَمِّ، قَالَ: قَدِمَ شَقِيمُ بْنُ شَجْرَةَ الْعَامِرِيُّ الْمَدِينَةَ، فَاسْتَأْذَنَ عَلَيَّ خَالَتِي مَيْمُونَةَ بِنْتَ الْحَارِثِ زَوْجِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) وَكُنْتُ عِنْدَهَا، فَقَالَتْ: ائْذِنِ لِلرَّجُلِ، فَدَخَلَ فَقَالَتْ:

مِنْ أَيْنَ أَقْبَلَ الرَّجُلُ قَالَ: مِنَ الْكُوفَةِ. قَالَتْ: فَمِنْ أَيِّ الْقَبَائِلِ أَنْتَ قَالَ: مِنْ بَنِي عَامِرٍ. قَالَتْ: حَيْثُ ازْدَدُ قُرْبًا، فَمَا أَقْدَمَكَ قَالَ:

يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، زَهَبْتُ أَنْ تَكْسِبَنِي الْفِتْنَةَ لَمَّا رَأَيْتُ مِنْ اخْتِلَافِ النَّاسِ فَنَحَرَجْتُ. قَالَتْ: فَهَلْ كُنْتَ بَايَعْتَ عَلِيًّا (عليه السلام) قَالَ: نَعَمْ. قَالَتْ: فَارْجِعْ فَلَا تَزُولَنَّ عَنْ صَفِّهِ، فَوَاللَّهِ مَا ضَلَّ وَلَا ضَلَّ بِهِ. قَالَ: يَا أُمَّاهُ فَهَلْ أَنْتِ

ص: 271



مُحَدَّثَنِي فِي عَلِيِّ (عليه السلام) بِحَدِيثٍ سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَتْ: اللَّهُمَّ نَعَمْ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ:

عَلِيِّ (عليه السلام)

آيَةُ الْحَقِّ، وَرَايَةُ الْهُدَى، عَلِيِّ (عليه السلام) سَيَفُ اللَّهُ يَسْأَلُهُ عَلَى الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ، فَمَنْ أَحَبَّهُ فَبِحَبِّي أَحَبَّهُ، وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَبِغْضِي أَبْغَضَهُ، وَمَنْ أَبْغَضَنِي أَوْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (عليه السلام) لَقِيَ اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ) وَلَا حُجَّةَ لَهُ.

يزید بن اصم گفت: سفیر بن شجره عامری به مدینه آمد و از خاله من میمونه بن حارث همسر پیامبر (صلى الله عليه وآله) در وقتی که من در نزدش بودم، اجازه ی ورود خواست. خاله ام گفت: به این مرد اجازه بده. او وارد شد و خاله ام گفت: این مرد از کجا آمده است؟ او گفت: از کوفه آمده ام. خاله ام گفت: از کدام قبیله ای؟ او گفت: از بنی عامر. خاله ام گفت: شرم نکن نزدیکتر بیا. چه چیزی تورا به اینجا کشانده است؟ او گفت: ای مادر مومنان از دیدن اختلاف میان مردم ترسیدم که در فتنه بیوفتم و برایهمین از کوفه بیرون آمدم. خاله ام گفت: آیا با علی (عليه السلام) بیعت کرده ای؟ گفت: بله. خاله ام گفت: پس بازگرد و از صف او بیرون نیا. به خدا سوگند او گمراه نمی شود و گمراه نمی کند. او گفت: مادر جان آیا حدیثی درباره ی علی (عليه السلام) می گویی؟ که از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) شنیده باشی؟ خاله ام گفت: البته. از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) شنیدم که فرمودند: علی (عليه السلام) نشانه ی حق و پرچم هدایت است. علی (عليه السلام) شمشیر خداست که آن را برای کافران و منافقان بیرون می آورد. پس هرکه او را دوست بدارد با محبتش به من او را دوست داشته و هرکه او را دشمنی کند با کینه اش به من علی (عليه السلام) را دشمنی کرده است و هرکه به من یا علی (عليه السلام) کینه ورزد در حالی خداوند را دیدار می کند که هیچ برهانی برای خود ندارد؟<sup>(1)</sup>

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرٍ أَبُو جَعْفَرٍ الطَّبْرِيُّ قِرَاءَةً، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عُمَارَةَ الْأَسَدِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ حَمَادٍ بْنُ طَلْحَةَ الْقَنَّادُ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ هَاشِمِ بْنِ الْبَرِيدِ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو

ص: 272

سَعِيدِ التَّمِيمِيِّ، عَنْ أَبِي ثَابِتٍ مَوْلَى أَبِي ذَرٍّ، قَالَ: شَهِدْتُ مَعَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَوْمَ الْجَمَلِ، فَلَمَّا رَأَيْتُ عَائِشَةَ وَاقِفَةً دَخَلَنِي بَعْضُ مَا يَدْخُلُ النَّاسَ حَتَّى إِذَا كَانَ عِنْدَ الظُّهْرِ فَكَشَفَ اللَّهُ ذَلِكَ عَنِّي فَفَقَاتَلْتُ قِتَالًا شَدِيدًا. قَالَ: ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ أَتَيْتُ الْمَدِينَةَ، فَأَتَيْتُ أُمَّ سَلَمَةَ زَوْجَةَ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

فَسَلَّمْتُ وَاسْتَأْذَنْتُ، فَقِيلَ: مَنْ ذَا فَقُلْتُ: سَائِلٌ. فَقَالَتْ: أَطْعِمُوا السَّائِلَ. فَقُلْتُ: إِنِّي وَاللَّهِ لَا أَسْأَلُ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا، وَ لَكِنِّي أَبُو ثَابِتٍ مَوْلَى أَبِي ذَرٍّ. فَقَالَتْ: مَرَحَبًا، فَتَصَدَّقْتُ عَلَيْهَا قِصَّتِي، قَالَتْ: فَإِنَّ كُنْتُ حِينَ طَارَتِ الْقُلُوبُ مَطَائِرَهَا قَالَ: فَقُلْتُ إِلَى أَحْسَنِ ذَلِكَ، كَشَفَ اللَّهُ ذَلِكَ عَنِّي حِينَ زَوَالَ الشَّمْسِ فَفَقَاتَلْتُ قِتَالًا شَدِيدًا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) حَتَّى فَرَعْتُ، قَالَتْ: أَحْسَنْتَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: إِنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَعَ الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ أَبُو ثَابِتٍ غَلَامٌ ابْنُ ذَرٍّ كُنْتُ فِي جَنْجِ جَمَلٍ بَاعِي (عَلَيْهِ السَّلَامُ) حَاضِرٌ بُوَدِمَ. چُون عَائِشَه رَا بَه پَا خَوَاسْتَه دِيدَم بَرخِي اَز آن چَه بَه ذَهْن مَرْدَم مِي آمَد بَه ذَهْنَم آمَد تَا آن كَه بَه هَنگَام ظَهْر خَدَاوَنَد آن (تَرْدِيد) رَا اَز مَن بَر دَاشْت وَ اَنگَا ه جَنگ سَخْتِي كَرْدَم. سِپَس بَه مَدِينَه آمَدَم وَ بَه خَدْمَت اَم سَلْمَه هَمَسَر پِيَا مَبْر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رَفْتَم وَ سَلَام كَرْدَه اِجَا زَه خَوَاسْتَم. كَفْتَنَد: كَيْسَت؟ مَن كَفْتَم: سَائِل اَم سَلْمَه كَفْت: بَه اَيْن سَائِل غِذَا دَهِيد. مَن كَفْتَم بَه خَدَا سَوگَنَد مَن غِذَا وَ اَشَا مِيدَنِي نَمِي خَوَاهَم مَن اَبُو ثَابِتٍ غَلَام اَبُو ذَرٍّ. اَم سَلْمَه! كَفْت: خَوَش آمَدِي. اَنگَا ه مَن حَكَايْتَم رَا بَرَايِش بَا زَگُو كَرْدَم. اَو كَفْت: هَنگَامِي كَه قَلْب هَا بَه جَايگَا هَشَان پَرگَشُوَدَنَد تَوَجِه كَرْدِي؟ مَن كَفْتَم: بَه نِيكُو تَرِين جَايگَا ه پَرگَشُوَدَم. خَدَاوَنَد آن تَرْدِيد رَا بَه هَنگَام ظَهْر بَر دَاشْت وَ مَن بَه هَمْرَاه اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بَه سَخْتِي جَنگ كَرْدَم تَا پَايَان يَافَت. اَم سَلْمَه كَفْت: آفَرِين اَز رَسُوْل خَدَا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شَنِيدَم كَه

فرمودند: همانا علی (علیه السلام) همراه قرآن و قرآن همراه علی (علیه السلام) است از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. (1)

رسول خدا این گروه را نفرین کردند

أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقَطَّانُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو عُثْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ السَّمَّالِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بَسَّامٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ لَيْثِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَحْبَبُوا عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، فَإِنَّ لَحْمَهُ لَحْمِي وَدَمُهُ دَمِي، لَعَنَ اللَّهُ أَقْوَامًا مِنْ أُمَّتِي صَدَّ يَعْوَابُهُ عَهْدِي، وَنَسُوا فِيهِ وَصِيَّتِي، مَا لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ خَلْقٍ رَسُولِ خُدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) رَا دُوسْت بَدَارِيد. هَمَانَا كُوشْت أُو كُوشْت مَن وَ خُون أُو خُون مَنَسْت. خُداوَنَد جَمَاعَتِي أَزَامَت مَرَا كَه پِيمَان مَرَا دَرِبَارَه ي عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تَبَاه سَاخْتَنَد وَ سَفَارَش مَرَا فَرَامُوش كَرَدَنَد لَعْنَت كَنَد أَنَان دَر نَزْد خُدا هِيچ بَهْرَه اِي نَدَارَنَد. (2)

ص: 274

1- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 18 ح 15

2- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 3 ح 10

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا الشَّرِيفُ الصَّالِحُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ حَمْزَةَ الْعَلَوِيُّ الطَّبْرِيُّ الْحَسَنِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ حَاتِمٍ، الْمَعْرُوفُ بِأَبِي بَكْرِ النَّجَّارِ الطَّبْرِيُّ الْفَقِيه، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ، قَالَ حَدَّثَنَا دَاهِرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْأَحْمَرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْمُتَدْرِزُ بْنُ الزُّبَيْرِ، عَنْ أَبِي ذَرِّ الْعَفَّارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): لَا تُضَادُّوا بَعْلِي (عليه السلام) أَحَدًا فَتَكْفُرُوا، وَلَا تَفْضَلُوا عَلَيْهِ أَحَدًا فَتَرْتَدُّوا.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: هیچ یک از شما با علی (عليه السلام) مخالفت نورزید که کافر می شوید و هیچ کس را بر او برتری نبخشید که مرتد می گردید. (1) هرکه از علی جدا شود از خدا و پیامبر جدا گردیده

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): ... مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا (عليه السلام) فَقَدْ فَارَقَنِي وَمَنْ فَارَقَنِي فَقَدْ فَارَقَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

رسول خدا (صلى الله عليه وآله): هرکه از علی (عليه السلام) جدا شود، از من جدا گردیده و هرکه از من جدا شود، از خدا جدا گردیده. (2)

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمَرَ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنِي حَبِيبُ بْنُ أَبِي الْعَالِيَةِ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ: مَنْ فَارَقَنِي فَقَدْ فَارَقَ اللَّهَ، وَمَنْ فَارَقَ عَلِيًّا (عليه السلام) فَقَدْ فَارَقَنِي.

ص: 275

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 6 ح 6

2- . الأماي للصدوق ص 89 المجلس العشرون ح 20 ح 1.

پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: هرکه از من جدا گردد از خدا جدا شده و هرکه از علی(علیه السلام) جدا شود از من جدا شده است. (1)

به وسیله علی امت آزمایش می شوند

وَقَوْلُهُ تَعَالَى (الْمَ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ) قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَا هَذِهِ الْفِتْنَةُ قَالَ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) بِكَ وَإِنَّكَ تَخَاصِمُ فَأَعِدَّ لِلْخُصُومَةِ وَدِيكَرِ آيَةِ (الْمَ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ) (2) یعنی آیا می دانند مردمان که گذاشته شوند به آن که می گویند که گرویدیم ما و ایشان مفتون نگردند و به فتنه نیفتند، و این آیت که نازل شد امیر المؤمنین(علیه السلام) پرسید که: یا رسول الله(صلی الله علیه و آله) این چه فتنه است؟ فرمود که: به سبب تو به آن که با تو خصومت خواهند کرد، تو آماده شود برای خصومت. (3)

قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) مَحْنَةٌ لِلْعَالَمِ، بِهِ يَمَيِّزُ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.

امیرالمؤمنین(علیه السلام) روایت کرده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: علی(علیه السلام) آزمون سختی است برای کسی که او را می شناسد که خداوند به وسیله ی او منافقان را از مومنان باز می نماید. (4)

ص: 276

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 10 ح 32

2- . العنكبوت آية 1-2

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 316 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

4- . الأماي (للطوسي) المجلس 13 ح 12



حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحِيمِ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ سَعِيدِ الْجَبَلِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ نَضْرٍ [نَضْرٍ] الْخَزَّازُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُ بْنُ طَلْحَةَ عَنْ سَبَّاطِ بْنِ نَضْرٍ عَنْ سِمَاكِ بْنِ حَرْبٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): ... لَوْ كَانَتْ بِحَازِ الدُّنْيَا مِدَادًا وَالْأَشْجَارُ أَقْلَامًا وَأَهْلُهَا كُتَّابًا فَكُتِّبُوا مَنَاقِبَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَفَضَائِلِهِ مِنْ يَوْمِ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ يَفْنِيَهَا مَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

رسول خدا(صلى الله عليه وآله): اگر دریاها مرکب، و درختان عالم قلم گردند، و تمامی مردم نویسنده شوند و فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) را از روزی که خداوند عزوجل جهان را آفریده تا روزی که آن را فانی و نابود می کند، بنویسند نمی توانند یک دهم از فضائل و مناقبی را که خدای تبارک و تعالی به او کرامت کرده بنویسند. (1)

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَوْ أَنَّ الرِّيَاضَ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَ الْجَنَّ حُسَابٌ وَ الْإِنْسَ كُتَّابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام).

پیامبر اکرم(صلى الله عليه وآله): اگر درختان قلم، دریاها مرکب و جن و انس حساب گر و نویسنده شوند، نتوانند فضائل علی بن ابی طالب(علیه السلام) را برشمارند. (2)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ تَحْتَ الْعَرْشِ فِضَاءً وَسِعًا مَمْلُوءًا مِنْ نِيَاقِ الْجَنَّةِ لَا يَرَى أَوْلَهَا وَلَا آخِرَهَا وَ عَلَيْهَا أَحْمَالٌ وَ عَلَى كُلِّ

1- . الأماي للصدوق ص 558 المجلس الثاني و الثمانون ح 15.

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة ج 1 ص 112 باب في فضل مناقبه و ما أعده الله تعالى لمحبيه و ذكر غزارة علمه و كونه أفضى الأصحاب ح 1.

نَاقَةَ جَارِيَةٍ وَزِمَامٌ كُلُّ نَاقَةٍ بِيَدِ غُلَامٍ مِنْ غِلْمَانِ الْجَنَّةِ

وَ سَأَلْتُ عَنْ جِبْرِئِيلَ (عليه السلام)

عَنْ هَذِهِ النَّوْقِ وَأَحْمَالِهَا، قَالَ: هَذِهِ جَهَاؤُ إِبْنَتِكَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) إِلَى دَارِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَقُلْتُ لَهُ مَا هَذِهِ الْأَحْمَالُ فَقَالَ لَا أَدْرِي فَقُلْتُ لَهُ أَنْخِ وَاحِدَةً مِنْهَا، وَفَعَلَ وَرَأَيْتُ حِمْلَهَا مَمْلُوءًا مِنَ الْكُتُبِ كُلِّ حِمْلٍ مُشْتَمِلٌ عَلَى أَلْفِ كِتَابٍ، وَكُلُّ كِتَابٍ فِيهِ أَلْفُ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَقَرَأْتُ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ، وَإِذَا كُتِبَ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ سَبْعِينَ أَلْفَ عَالَمٍ وَفِي كُلِّ عَالَمٍ سَبْعِينَ أَلْفَ بَلَدٍ وَفِي كُلِّ بَلَدٍ سَبْعِينَ أَلْفَ مَسْجِدٍ وَفِي كُلِّ مَسْجِدٍ سَبْعِينَ أَلْفَ مِحْرَابٍ وَفِي كُلِّ مِحْرَابٍ يُصَلِّي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: در شب معراج در زیر عرش پروردگار دیدم مکان بزرگی را که مملو از شتران بهشتی بود و اول و آخر آنها دیده نمی شد در حالی که حمل می کردند بارهایی را و افسار هر شتری در دست یکی از پسران بهشتی بود. از جبرئیل (علیه السلام) پرسیدم: این شترها و بارهایشان چیست؟ او گفت: اینها جهیزیه دخترت فاطمه (علیها السلام) برای خانه علی (علیه السلام) است. پرسیدم: این بارها چیست؟ جبرئیل (علیه السلام) عرضه داشت: نمی دانم. به او گفتم: یکی از اینها را باز کن. یکی را باز کرد و دیدم بار آن مملو از کتاب است هر بار شتری، شامل هزار کتاب و در هر کتابی هزار فضیلت از فضایل امیرالمومنین (علیه السلام) بود.... (1)

قَالَ سَلْمَانُ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَخْبَرْتُكُمْ بِفَضْلِ عَلِيٍّ (عليه السلام) فِي التَّوْرَةِ لَقَالَتْ

طَائِفَةٌ مِنْكُمْ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَلَقَالَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَاتِلِ سَلْمَانَ.

ص: 279



سلمان گوید: قسم به آن که جانم در دست قدرت اوست اگر شما را خبر دهم به آن فضائل علی (علیه السلام) که در تورات است هر آینه گروهی از شما گویند: البته سلمان دیوانه است، و گروهی دیگر گویند: خدایا پیامز کشته شده سلمان را. (1)

قَالَ عِكْرَمَةُ: إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ لِعَلِيِّ (عليه السلام) مَنْقِبَةً لَوْ حَدَّثْتُ بِهَا لَتَفِدَّتْ أَقْطَارُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

عکرمه می گفت: در مناقب جلیله و فضایل کثیره علی (علیه السلام) چیزهایی می دانم، که اقطار زمین و آسمان تاب و تحمل شنیدن آن ها را ندارند. (2) پاداش انتشار دهندگان فضائل امیرالمومنین

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْبَصْرِيُّ عَنْ يَحْيَى الْبَصْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ الصَّادِقِينَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَضَائِلَ لَا يُحْصِي عَدَدَهَا غَيْرُهُ فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُقْرَأًا بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ... وَ مَنْ كَتَبَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِنِئَمِكَ الْكِتَابَةِ رَسْمٌ وَ مِنْ اسْتَمَعَ إِلَى فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالِاسْتِمَاعِ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابَةٍ فِي فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي

ص: 280

- 
- 1- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 2 ص 253 فصل في ذكره ع في الكتب ح 3.
  - 2- شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، ج 1 ص 30 باب قول عكرمة مولى ابن عباس [في تفضيل علي ع] ح 13.

اَكْتَسَبَ بِهَا بِالنَّظَرِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) النَّظَرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عِبَادَةٌ وَذِكْرُهُ عِبَادَةٌ وَلَا يَقْبَلُ إِيْمَانُ عَبْدٍ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: خدای متعال برای برادرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) فضائل بی شماری مقرر کرده، پس هرکه یکی از فضائل او را ذکر کند، با اعتراف بدان خدا گناهان گذشته و آینده اش را بیامزد... و هرکه يك فضیلت از او بنویسد تا آن نوشته بماند فرشتگان برایش آمرزش جویند و هرکه به فضیلتی از او گوش دهد خدا گناهانی که به گوش کرده بیامزد و هرکه به يك فضیلتش نگاه کند خدا گناهانی که با چشم کرده بیامزد سپس رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: نگاه بر علی بن ابی طالب (علیه السلام) عبادت، یادآوریش

عبادت و ایمان بنده پذیرفته نیست جز به ولایت او و برائت از دشمنانش و صلى الله على نبينا محمد و آله اجمعين. (1) توضیح: این که می فرمایند: خدا گناهانی که در گذشته و آینده مرتکب شده می آمرزد معنایش این است که توفیق توبه به او مرحمت می کند و عاقبتش را نیکو می گرداند، از این حدیث اجازه در معصیت داده نشده زیرا معاصی، فرد گنهکار را به جایی می کشاند که از دایره

ولایت ائمه معصومین (علیهم السلام) خارج شده و نهایتاً او را وارد دوزخ می کند و دلیل سخن ما این حدیث از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) باشد.

قَالَ الرَّسُولُ (صلى الله عليه وآله): يَا عِبَادَ اللَّهِ احذَرُوا الْإِنهَمَاكَ فِي الْمَعَاصِي وَالتَّهَاؤُنَ بِهَا فَإِنَّ الْمَعَاصِي تَسْتَوْلِي الْخِذْلَانَ عَلَى صَاحِبِهَا حَتَّى تُوقِعَهُ فِي

رَدِّ وَوَلَايَةِ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَدَفْعِ بُيُوتِ نَبِيِّ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَلَا تَزَالُ أَيْضًا بِذَلِكَ حَتَّى تُوقِعَهُ فِي دَفْعِ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَالإِلْحَادِ فِي دِينِ اللَّهِ.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: ای بندگان خدا! از فرو رفتن در گناهان و سبک شمردن آنان بپرهیزید، زیرا گناهان خواری و پستی را بر گنه کار چیره می سازد تا

ص: 281

آن که او را به ارتکاب گناهان بزرگتر مبتلا می کند، پس پیوسته نافرمانی می کند و آن را سبک می شمارد و خود را ذلیل می کند و به انجام گناهان بزرگ مبتلا می شود تا این که به مرحله انکار ولایت جانشین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می رسد، و نبوت پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) را رد می کند، و کم کم در شقاوتش ادامه می دهد تا توحید پروردگارش را هم منکر می گردد و مُلجِدی در دین خدا می شود. (1)

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُسْتَوْرِدِ النَّخَعِيِّ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ فِي سَمَاءِ الدُّنْيَا لَيَطَّلِعُونَ عَلَى الْوَاحِدِ وَالْإِثْنَيْنِ وَالثَّلَاثَةِ وَهُمْ يَذْكُرُونَ فَضْلَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) فَيَقُولُونَ أَمَا تَرَوْنَ هَؤُلَاءِ فِي فَلْتِهِمْ، وَكَثْرَةَ عَدُوِّهِمْ يَصِدُّ فُؤُونَ فَضْلَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) فَتَقُولُ الطَّائِفَةُ الْأُخْرَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی زیبا فرمودند: همانا فرشتگانی در آسمان دنیا هستند به کسانی که فضائل و مناقب آل محمد (صلی الله علیه و آله) را یاد آور شده و مذاکره می نمایند، سرکشی نموده و با هم می گویند: آیا نمی بینید اینان با این که افرادشان کم است و دشمنانشان زیاد فضائل آل محمد (صلی الله علیه و آله) را بیان می نمایند. دسته ای دیگر از فرشتگان به آن ها گویند این فضل و کرم خداست که آن را به هر که خواهد می دهد و کرم خداوند زیاد است (و این توفیقی است از ناحیه خداوند تبارک و تعالی که به بندگان خود عطا می فرماید). (2)

بِإِلْسَانِ نَادٍ يَرْفَعُهُ عَنْ أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ أُمَّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) يَقُولُ مَا قَوْمٌ اجْتَمَعُوا يَذْكُرُونَ فَضْلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) إِلَّا هَبَّتْ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ حَتَّى تَحْفَ بِهِمْ...

ص: 282

1- . التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 264 [سورة البقرة(2): الآيات 58 الى 62] ح 32

2- . الكافي ج 8 ص 334 كِتَابُ الرَّؤُوسَةِ بَابُ حَدِيثِ الْفُقَهَاءِ وَالْعُلَمَاءِ ح 521.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در حدیث زیبایی فرمودند: هیچ گروهی گرد هم جمع نشوند که فضائل علی بن ابیطالب(علیه السلام) را یاد کنند مگر آن که فرشتگان آسمان بر آنان فرود آمده و اطراف آنان پیچیده می شوند....(1) برخی از فضائل علی از زبان رسول خدا

أَبَانُ بْنُ أَبِي عَيَّاشٍ عَنْ سَلِيمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي ذَرٍّ حَدَّثَنِي رَحِمَكَ اللَّهُ بِأَعْجَبِ مَا سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: ... وَهُوَ عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَ أُذُنُهُ السَّمِيعَةُ وَ لِسَانُهُ النَّاطِقُ فِي خَلْقِهِ وَ يَدُهُ الْمَبْسُوطَةُ عَلَى عِبَادِهِ بِالرَّحْمَةِ وَ وَجْهُهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ جَنْبُهُ الظَّاهِرُ الْيَمِينِ وَ حَبْلُهُ الْقَوِيُّ الْمَتِينُ وَ عُرْوَتُهُ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا وَ بَابُهُ الَّذِي يُوتَى مِنْهُ وَ بَيْتُهُ الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ عَلَّمَهُ عَلَى الصِّرَاطِ فِي بَعْثِهِ مَنْ عَرَفَهُ نَجَا إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ هَوَى إِلَى النَّارِ

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در ضمن حدیثی طولانی که خلاصه ای از آن در این جا آورده شده می فرماید: علی(علیه السلام) حاکم و مدبر این امت و گواه بر ایشان و متصدی حساب آنانست. او صاحب مقامی والاست و همان راه حق و روشن و صراط مستقیم خداوند است. مردم پس از من به وسیله او از گمراهی هدایت شده و از کوردلی بیش و بصیرت پیدا کنند، و به وسیله او نجات یافتگان، نجات می یابند، و به وسیله او

از مرگ پناه برده می شوند و از ترس امان می یابند، و به وسیله او

ص: 283

1- . الروضة في فضائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهما السلام (لابن شاذان القمي) ص 189 باب حدیث في ذكر فضل علي

ح 163

گناهان محو و ظلم و ستم دفع، و رحمت الهی نازل می گردد. او چشم بینای خداوند و گوش شنوای اوست، او زبان گویای خدا در خلش و دست باز او به رحمت، بر بندگانش، او وجه خدا در آسمان ها و زمین و جنب راست و آشکار اوست. او ریسمان قدرتمند خدا و دستگیره محکم اوست که هرگز از هم گسیختگی ندارد او باب خداوند است که بایستی از آن وارد شد، و خانه خداست که هر که واردش شود در امان خواهد بود. او علم و پرچم خداوند بر صراط در قیامت خواهد بود، هر که او را بشناسد به سوی بهشت و هر که انکار کند به دوزخ روانه خواهد شد. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِدِينِي وَيَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ بَعْدِي فَلْيَقْتَدِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ لِيُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لِيُوَالِ وَلِيَّهُ فَإِنَّهُ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ وَفَاتِي وَ هُوَ إِمَامٌ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ أَمِيرٌ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي قَوْلُهُ قَوْلِي وَ أَمْرُهُ أَمْرِي وَ نَهْيُهُ نَهْيِي وَ تَابِعُهُ تَابِعِي وَ نَاصِرُهُ نَاصِرِي وَ خَازِلُهُ خَازِلِي ثُمَّ قَالَ مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا (عليه السلام) بَعْدِي لَمْ يَرِنِّي وَ لَمْ أَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ خَالَفَ عَلِيًّا (عليه السلام) حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ جَعَلَ مَأْوَاهُ النَّارَ وَ بَسَّ الْمَصِيرُ وَ مَنْ خَذَلَ عَلِيًّا (عليه السلام) خَذَلَهُ اللَّهُ يَوْمَ يُعْرَضُ عَلَيْهِ وَ مَنْ نَصَرَ عَلِيًّا (عليه السلام) نَصَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَ لَقْنَهُ حُجَّتَهُ عِنْدَ الْمُسَاءَلَةِ ثُمَّ قَالَ الْحَسَنُ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) إِمَامَا أُمَّتِي بَعْدَ أَبِيهِمَا وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أُمَّهُمَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ أَبُوهُمَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ (عليه السلام) تِسْعَةٌ أَيْمَةٌ تَأْسِعُهُمُ الْفَانِمُ (عليه السلام) مِنْ وُلْدِي طَاعَتُهُمْ طَاعَتِي وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُتَنَكِّرِينَ لِفَضْلِهِمْ

ص: 284

وَ الْمُضِيْعِيْنَ لِحُرْمَتِهِمْ بَعْدِي (وَ كَفَى بِاللّٰهِ وَلِيًّا) وَ نَاصِرًا لِّعِتْرَتِيْ وَ اُيْمَّةَ اُمَّتِيْ وَ مُنْتَقِمًا مِّنَ الْجَاحِدِيْنَ لِحَقِّهِمْ (وَ سَيَعْلَمُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا اَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُوْنَ )

امام رضا(عليه السلام) از پدران بزرگوارشان از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت کند که فرمودند: هر که دوست دارد که به دین من متمسک شود و پس از من در کشتی نجات سوار شود باید که به علی بن ابی طالب(علیه السلام) اقتدا کند و دشمنش را دشمن بدارد و دوستش را دوست بدارد که او وصی من و جانشینم بر امتم در حیات و ممات من است، و او امام هر مسلمان و امیر هر مؤمن پس از من است قول او قول من و امر او امر من و نهی او نهی من است، و پیرو او پیرو من و یاور او یاور من و فروگذار او فروگذار (واگذار و رها کننده او رها کننده) من است. سپس فرمود: هر که از علی(علیه السلام) جدا گردد مرا نخواهد دید و من نیز در قیامت او را نخواهم دید، و هر که با علی(علیه السلام) مخالفت کند خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاه او را آتش قرار داده است و آن بد جایگاهی است، و کسی که علی(علیه السلام) را فروگذارد خداوند او را در روزی که بر وی در آید فرو خواهد گذاشت، و هر که علی(علیه السلام) را نصرت کند خداوند او را در روز قیامت نصرت نماید و حجّش را هنگام بازخواست تلقین وی فرماید، سپس فرمود: حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) دو امام امت من پس از پدرشان و سید جوانان اهل بهشت هستند و مادرشان سرور زنان عالم و پدرشان سرور اوصیاء هستند، و از فرزندان حسین(علیه السلام) نه تن امامند که نهمین آنها قائم(علیه السلام) از فرزندان من است طاعت آنان طاعت من و معصیت ایشان معصیت من است، از منکرین فضل و ضایع کنندگان حرمت او به خدا شکایت می کنم و خداوند بهترین ولی و ناصر برای عترتم و ائمه امتم می باشد و بهترین منتقم از منکرین ایشان است (وَ سَيَعْلَمُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا اَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُوْنَ). (1)

ص: 285

1- . کمال الدین ج 1 ص 260 باب 24 باب ما روي عن النبي ص في النص على القائم ع و أنه الثاني عشر من الأئمة ح 6

وَبِهَذَا إِسْمَانِدِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَعِنْ مَنْ أَعَانَهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاحْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَاحْذُلْ عَدُوَّهُ وَكُنْ لَهُ وَلِيًّا وَاحْلُقْ فِيهِمْ بِخَيْرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِي مَا تُعْطِيهِمْ وَأَيِّدْهُمْ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَاحْفَظْهُمْ حَيْثُ تَوَجَّهُوا مِنَ الْأَرْضِ وَاجْعَلِ الْإِمَامَةَ فِيهِمْ وَاشْكُرْ مَنْ أَطَاعَهُمْ وَأَهْلِكَ مَنْ عَصَاهُمْ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ. و به همین اسناد جعابی روایت کرده که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: هر که من ولی امر او هستم علی (علیه السلام) پس از من ولی امر او خواهد بود، پروردگارا! دوست بدار هر که علی (علیه السلام) را دوست داشته و ولی خود می شمارد، و دشمن بدار هر که با علی (علیه السلام) دشمنی کرده و در ستیز است، و یاری نما کسی را که او را یاری کرد، و کمک نما هر که او را مدد نمود، و خوار و بی مقدار گردان دشمن علی (علیه السلام) را، و کفایت کن او و فرزندان او را، و عاقبت امرشان را ختم به خیر بفرما، و در آنچه بدیشان ارزانی داشتی برکت ده، و آنان را به روح القدس مؤید فرما، و به هر کجای زمین که رو کنند نگهدارشان باش، و منصب پیشوائی را در آنان قرارده، و کسانی را که

از ایشان پیروی می کنند جزای نیکو عطا کن، و مخالفان و نافرمانان آنان را هلاک

گردان، به راستی که تو نزدیک و اجابت کننده ای. (1)

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله):... عَلِيٌّ دِيَانٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَالشَّاهِدُ عَلَيْهَا وَالْمُتَوَلَّى لِحِسَابِهَا وَهُوَ صَاحِبُ السَّنَامِ الْأَعْظَمِ وَطَرِيقُ الْحَقِّ الْأَبْهَجِ وَالسَّبِيلُ وَصِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ بِهِ يُهْتَدَى

بَعْدِي مِنَ الصَّلَاةِ وَيُبَصَّرُ بِهِ مِنَ الْعَمَى بِهِ يَنْجُو النَّاجُونَ وَيَجَارُ مِنَ الْمَوْتِ وَيُؤْمِنُ مِنَ الْخَوْفِ وَيُمْحَى بِهِ السَّيِّئَاتُ وَيُدْفَعُ الضَّيْمُ وَيُنزَلُ الرَّحْمَةُ وَهُوَ عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَأُذُنُ السَّامِعَةِ وَلسَانُهُ

ص: 286

النَّاطِقُ فِي خَلْقِهِ وَيَدُهُ الْمَبْسُوطَةُ عَلَى عِبَادِهِ بِالرَّحْمَةِ وَوَجْهُهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَجَنْبُهُ الظَّاهِرُ اليمِينُ وَجَنْبُهُ الْقَوِيُّ الْمَتِينُ وَعُرْوَتُهُ  
الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا وَ

بَابُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ وَيَبْتِئُهُ الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَعَلَّمَهُ عَلَى

الصِّرَاطِ فِي بَعْثِهِ مَنْ عَرَفَهُ نَجَا إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ أَنْكَرَهُ هَوَى إِلَى النَّارِ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمود: علی حاکم و مدبّر این امت و شاهد بر آنها و متصدی حساب آنان است. اوست صاحب مقام اعظم و راه حق روشن است، و او صراط مستقیم خداوند است. به وسیله او بعد از من از ضلالت هدایت می یابند و از کوردلی ها به بینش دست می یابند. به وسیله او نجات یابندگان نجات می یابند، و از مرگ به او پناه برده می شود و به وسیله او امان از ترس می آید. با او گناهان محو و ظلم دفع می گردد و رحمت نازل می شود. او چشم بیننده خداوند و گوش شنوای او و زبان گویای او در خلقتش، و دست باز او به رحمت بر بندگانش، و وجه او در آسمان ها و زمین و جنب راست و آشکار او است او طناب محکم، و ریسمان قابل اعتماد بوده که از هم گسیختگی ندارد، و باب خداوند است که از آن باید وارد شد و خانه خداست که هر که داخل آن شود در امان خواهد بود. او علم خداوند بر صراط در روز برانگیختن مردم خواهد بود. هر که او را بشناسد به سوی بهشت نجات خواهد یافت، و هر که او را انکار کند به سوی آتش سقوط خواهد کرد. (1)

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ [أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ] مُحَمَّدٍ

بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ عُبَيْدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ نَصْرِ بْنِ الْأَنْبَارِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُوقٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَيْبٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الْهَاشِمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَفْيَانُ بْنُ عُثَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عِمْرَانُ بْنُ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنْفِيَّةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

ص: 287



يَقُولُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَأَعَدَبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ دَانَتْ بِطَاعَةِ إِمَامٍ لَيْسَ مِنِّي وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي نَفْسِهَا بَرَّةً وَلَا رَحْمَنَ كُلَّ رَعِيَّةٍ دَانَتْ بِإِمَامٍ عَادِلٍ مِنِّي وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي نَفْسِهَا غَيْرَ بَرَّةٍ وَلَا تَقِيَّةٍ ثُمَّ قَالَ لِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي حَرْبُكَ حَرْبِي وَسَيِّدُكَ سَيِّدِي وَأَنْتَ أَبُو سَبْطِي وَرَوْحُ ابْنَتِي مِنْ ذُرِّيَّتِكَ الْأَئِمَّةُ الْمُطَهَّرُونَ فَأَنَا سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنْتَ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَأَنَا

وَأَنْتَ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَلَوْلَانَا لَمْ يُخْلَقِ الْجَنَّةُ وَ النَّارُ وَلَا الْأَنْبِيَاءُ وَلَا الْمَلَائِكَةُ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَنَحْنُ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ نَحْنُ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ عَلَى سَائِرِ الْأَرْضِ وَ خَيْرٌ [مِنَ] الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ كَيْفَ لَا نَكُونُ خَيْرًا مِنْهُمْ وَقَدْ سَبَقْنَاهُمْ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ تَوْحِيدِهِ فَبِنَا عَرَفُوا اللَّهَ وَ بِنَا عَبَدُوا اللَّهَ وَ بِنَا اهْتَدَوْا السَّبِيلَ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ

کتاب محتضر: محمد بن حنیفه گفت امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: خداوند فرموده است هر آینه عذابخواهم کرد هر پیروی که معتقد به رهبری امامی باشد که از جانب من تعیین نشده گر چه آن رعیت در واقع خودشان اشخاص خوبی باشند و مورد محبت قرار خواهم داد هر رعیتی را که معتقد به امامت امام عادل است که از جانب من تعیین شده باشد... سپس به من فرمود: یا علی! تو امام هستی و جانشین بعد از من جنگ تو جنگ من و صلح و سازش تو سازش من و تو پدر دو نوازه من و همسر دختر من و از نژاد تو است ائمه طاهرين من سرور انبياء و تو سيد اوصیائی و من و تو از يك درختیم اگر ما نبودیم خداوند بهشت و جهنم و انبياء و ملائکه را نمی آفرید. عرضه داشتیم: یا رسول الله! پس ما از ملائکه برتریم. فرمود: یا علی! ما بهتر از تمام خلائق خدا در زمین هستیم و بهترین فرشتگان مقرب چطور از آن ها بهتر نباشیم با اینکه ما بر آن ها در معرفت و شناخت خدا و

توحيد سبقت گرفتيم آن ها به وسيله ما خدا را شناختند و پرستش کردند و راه را يافتند به سوى شناخت خدا. (1)

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِيهِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَمِّهِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِئَلُوهُ قَالَ:

حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَاتِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) خَلِيفَةُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتِي وَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ حُجَّتِي وَ بَابُ اللَّهِ وَ بَابِي وَ صَفِيُّ اللَّهِ وَ صَفِيِّي وَ حَبِيبُ اللَّهِ وَ حَبِيبِي وَ خَلِيلُ اللَّهِ وَ خَلِيلِي وَ سَيِّفُ اللَّهِ وَ سَيِّفِي وَ هُوَ أَخِي وَ صَاحِبِي وَ وَزِيرِي وَ وَصِيِّي مُحِبُّهُ مُحِبِّي وَ مُبْغِضُهُ مُبْغِضِي وَ وَلِيُّهُ وَ لِيِّي وَ عَدُوُّهُ عَدُوِّي وَ حَرْبُهُ حَرْبِي وَ سَلْمُهُ سَلْمِي وَ قَوْلُهُ قَوْلِي وَ أَمْرُهُ أَمْرِي وَ زَوْجَتُهُ ابْنَتِي وَ وُلْدُهُ وُلْدِي وَ هُوَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ خَيْرُ أُمَّتِي أَجْمَعِينَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فرمودند: همانا علی بن ابی طالب (عليه السلام) خليفه خدا و خليفه من و حجت خدا و حجت من و باب خدا و باب من و برگزيده خدا و برگزيده من و حبيب خدا و حبيب من و خليل خدا و خليل من و شمشير خدا و شمشير من است. او برادر من و دوست و وزير و وصی من است دوستدار او دوست من و دشمنی با او دشمنی با من است. ولی او ولی من دشمن او دشمن من جنگ با او جنگ با من و صلح با او صلح با من و سخن او سخن من امر او، امر من است همسرش دختر من و فرزندش فرزند من و او سيد الوصيين و بهترين فرد امت من است. (2)

ص: 289

1- [1] كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر ص 157 باب ما روي عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ص عن النبي ص في النصوص على الأئمة الاثني عشر

2- . بشارة المصطفى لشيعه المرتضى ج 2 ص 31 وصية أمير المؤمنين لكميل بن زياد ح 2

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّائِغُ الْعَدْلُ قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ بْنِ بَرِيْعِ الْخَزَّازِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ عَنْ سَلَامِ بْنِ أَبِي عَمْرَةَ الْخُرَّاسَانِيِّ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرَبُودَ الْمَكِّيِّ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ أَسِيدِ الْغِفَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَا حُذَيْفَةُ إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ [عَلَيْكُمْ] بَعْدِي عَلَيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) الْكُفْرُ بِهِ كُفْرٌ بِاللَّهِ وَالشِّرْكَ بِهِ شِرْكٌ بِاللَّهِ وَالشُّكُّ فِيهِ شَكٌّ فِي اللَّهِ وَالْإِلْحَادُ فِيهِ إِلْحَادٌ فِي اللَّهِ وَالْإِنْكَارُ لَهُ إِنْكَارٌ لِلَّهِ وَالْإِيمَانُ بِهِ إِيْمَانٌ بِاللَّهِ لِأَنَّهُ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَوَصِيُّهُ وَإِمَامُ أُمَّتِهِ وَمَوْلَاهُمْ وَهُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَعُرْوَةُ الْوُثْقَى الَّتِي (لَا انفصامَ لها) وَسَيِّهْلُكَ فِيهِ اثْنَانِ وَ لَا ذَنْبَ لَهُ مِجْبُتٌ غَالٍ وَ مُقْصِرٌ يَا حُذَيْفَةُ لَا تَفَارِقَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) فَتَفَارِقَنِي وَ لَا تُخَالَفَنَّ عَلِيًّا فَتُخَالَفَنِي إِنْ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ مَنْ أَسْخَطَهُ فَقَدْ أَسْخَطَنِي وَ مَنْ أَرْضَاهُ فَقَدْ أَرْضَانِي.

از حذیفه بن اسید غفاری که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود ای حذیفه! براستی حجت خدا بعد از من بر شما علی بن ابی طالب (علیه السلام) است کفر به او کفر به خداست، شرک به او شرک به خداست، شک در او شک در خداست و الحاد در او الحاد در خداست، انکار او انکار خداست ایمان به او ایمان به خداست زیرا او برادر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و وصی او و امام امت او و سرور آنها است و او است حبل الله المتین و عروة الوثقی که از هم گسیختگی ندارد و دو کس در باره او هلاک شوند و او تقصیر ندارد دوست غلوکننده و مقصر، ای حذیفه از علی (علیه السلام) جدا مشو که از من جدا شوی و با او مخالفت مکن که مخالف من باشی علی (علیه السلام) از منست و من از علی (علیه السلام) هر که خشمش آرد مرا به خشم آرد و هر که خشنودش کند مرا خشنود کرده. (1)

ص: 290

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيَهُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُرَاتِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) خَلِيفَةُ اللَّهِ وَخَلِيفَتِي وَحُجَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتِي وَبَابُ اللَّهِ وَبَابِي وَصَفِيُّ اللَّهِ وَصَفِيِّي وَحَبِيبُ اللَّهِ وَحَبِيبِي وَخَلِيلُ اللَّهِ وَخَلِيلِي وَسَيْفُ اللَّهِ وَسَيْفِي وَهُوَ أَخِي وَصَاحِبِي وَوَزِيرِي وَوَصِيِّي مُجَبُّهُ مُجَبِّي وَمُبْغِضُهُ مُبْغِضِي وَوَلِيُّهُ وَلِيِّي وَعَدُوُّهُ عَدُوِّي وَحَرْبُهُ حَرْبِي وَسَلْمُهُ سَلْمِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي وَأَمْرُهُ أَمْرِي وَرَوْجَتُهُ ابْنَتِي وَوَلَدُهُ وَوَلَدِي وَهُوَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَخَيْرُ أُمَّتِي أَجْمَعِينَ.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود كه على بن ابى طالب (عليه السلام) خليفه خدا و خليفه من و حجت خدا و حجت من و باب خدا و باب من و صفى خدا و صفى من و حبيب خدا و حبيب من و خليل خدا و خليل من و شمشير خدا و شمشير منست و رفيق و وزير و وصى منست، دوستش دوست من و دشمنش دشمن من و جنگ با او جنگ با من و سازش با او سازش با من و گفته او گفته من و فرمانش فرمان من و همسرش دختر من و فرزندش فرزند منست و او سيد اوصياء و بهترين امت منست. (1)

وَ بِهَذَا الْإِسْمِ نَادَى، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي الْجَاوُودِ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ شَيْخٍ مِنْ ثَمَالَةَ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى امْرَأَةٍ مِنْ تَمِيمٍ عَجُوزٍ كَبِيرَةٍ، وَ هِيَ تُحَدِّثُ النَّاسَ، قُلْتُ لَهَا: يَرْحَمُكَ اللَّهُ حَدَّثْتَنِي عَنْ بَعْضِ فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَتْ: أُحَدِّثُكَ وَ هَذَا شَيْخٌ كَمَا تَرَى بَيْنَ يَدَيَّ قَائِمٌ. فَقُلْتُ لَهَا وَ مَنْ هَذَا فَقَالَتْ: أَبُو

ص: 291

الْحَمْرَاءِ حَادِثُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَجَلَسْتُ إِلَيْهِ، فَلَمَّا سَمِعَ حَدِيثِي اسْتَوَى جَالِسًا فَقَالَ: مَهْ. فَقُلْتُ: رَحِمَكَ اللَّهُ، حَدَّثَنِي بِمَا رَأَيْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَصَدُّنَعُهُ بِعَلِيِّ (عليه السلام) وَإِنَّ اللَّهَ يَسْأَلُكَ عَنْهُ. فَقَالَ: عَلَى الْخَبِيرِ سَقَطَتْ، خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَوْمَ عَرَفَةَ وَهُوَ آخِذٌ بِيَدِ عَلِيٍّ (عليه السلام) فَقَالَ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ، إِنَّ اللَّهَ بَاهَى بِكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ لِيَغْفِرَ لَكُمْ عَامَّةً، ثُمَّ التَفَّتْ إِلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) وَقَالَ لَهُ: وَغَفَرَ لَكَ يَا عَلِيُّ خَاصَّةً. ثُمَّ قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ اذْنُ مِنِّي، فَدَنَا مِنْهُ فَقَالَ: إِنَّ السَّعِيدَ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّكَ وَأَطَاعَكَ، وَإِنَّ الشَّقِيَّ كَذَلَّ الشَّقِيَّ مَنْ عَادَاكَ وَأَبْغَضَكَ وَنَصَبَ لَكَ، يَا عَلِيُّ، كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُكَ، يَا عَلِيُّ، مَنْ حَارَبَكَ فَقَدْ حَارَبَنِي، وَمَنْ حَارَبَنِي فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ، يَا عَلِيُّ، مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَ نَبِيَّ، وَمَنْ أَبْغَضَ نَبِيَّ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ فَقَدْ اتَّعَسَ اللَّهُ جَدَّةً وَأَدْخَلَهُ نَارَ جَهَنَّمَ.

پیرمرد ثمالی گفت: من به نزد زنی از تمیمیان که بسیار پیر بود رفتم. او برای من حدیث می گفت. من به او گفتم خدا تو را پیامرزد درباره ی یکی از فضیلت های امیرالمومنین (علیه السلام) برایم حدیثی بگو. او گفت: من به تو حدیث بگویم در حالی که این پیرمرد در برابر من ایستاده است. من گفتم: او کیست؟ گفت او ابو حمراء خدمتکار رسول خداست (صلى الله عليه وآله). من نزد او رفتم و چون سخنم را شنید، نشست و گفت: چه می گویی؟ من گفتم: خدا تو را پیامرزد از رفتار رسول خدا (صلى الله عليه وآله) با علی (علیه السلام) حدیث بگو که خداوند در این مورد از تو خواهد پرسید. او گفت: به نزد شخصی آگاه آمده ای. رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در روز عرفه در حالی که دست علی (علیه السلام) را گرفته بود به سوی ما آمد و فرمود: ای گروه آفریدگان همانا خداوند پاک و والا در این روز به شما مباحثات کرد تا شما را به صورت همگانی پیامرزد. سپس به علی (علیه السلام) رو کرد و به او فرمود: و تو را ای علی (علیه السلام) تنهایی آمرزید. سپس به او فرمود: علی (علیه السلام) جان نزدیکتر بیا. او نزدیک

رفت و حضرت فرمود: سعادت‌مند حقیقی کسی است که تو را دوست بدارد و از تو فرمان ببرد. و بدبخت و شقی به تمام معنا کسی است که با تو دشمنی کند، کینه ی تو را به دل گیرد و با تو جنگ کند. دروغ می گوید کسی که می پندارد مرا دوست می دارد در حالی که با تو دشمنی می کند. ای علی! هرکه با تو جنگ کند با من جنگ کرده است و هرکه با من جنگ کند با خدا جنگیده است. ای علی! هرکه با تو کینه ورزی و دشمنی کند، با من دشمنی کرده و هرکه با من دشمنی کرده و هرکه با خدا دشمنی کند خدا نیک بختی او را از بین برده و او را به دوزخ می اندازد. (1)

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقَمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْأَصَمُّ بَهَانِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَبْسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ السَّلَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ قَالَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ إِنَّ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) خِصَالًا لَوْ كَانَتْ وَاحِدَةً مِنْهَا فِي جَمِيعِ النَّاسِ لَا كَتَمُوا بِهَا فَضْلًا قَوْلُهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ (عليه السلام) مَوْلَاهُ وَقَوْلُهُ عَلِيٌّ (عليه السلام) مَنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَقَوْلُهُ عَلِيٌّ (عليه السلام) مَنِّي كَنَفْسِي طَاعَتُهُ طَاعَتِي وَ مَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَتِي وَقَوْلُهُ حَزْبُ عَلِيٍّ (عليه السلام) حَزْبُ اللَّهِ وَ سَلْمُ عَلِيٍّ (عليه السلام) سَلْمُ اللَّهِ وَقَوْلُهُ وَلِيٌّ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَلِيُّ اللَّهِ وَ عَدُوٌّ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَدُوُّ اللَّهِ وَقَوْلُهُ عَلِيٌّ (عليه السلام) حُجَّةُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتُهُ عَلِيٌّ عِبَادُهُ وَقَوْلُهُ حُبُّ عَلِيٍّ (عليه السلام) إِيمَانٌ وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ وَقَوْلُهُ حَزْبُ عَلِيٍّ (عليه السلام) حَزْبُ اللَّهِ وَ حَزْبُ أَعْدَائِهِ حَزْبُ الشَّيْطَانِ وَقَوْلُهُ عَلِيٌّ (عليه السلام) مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَهُ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ وَقَوْلُهُ

ص: 293

عَلِيٍّ (عليه السلام) قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَقَوْلُهُ مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا (عليه السلام) فَقَدْ فَارَقَنِي وَمَنْ فَارَقَنِي فَقَدْ فَارَقَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَقَوْلُهُ شَيْعَةٌ عَلِيٍّ (عليه السلام) هُمْ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): به راستی در علی (علیه السلام) چند خصلت است که اگر یکی از آنها در همه مردم بود در فضل آنها بس بود گفته او هر که من مولای اویم علی (علیه السلام) مولای من است و گفته او علی (علیه السلام) از من چون هارونست از موسی (علیه السلام) و گفته او علی (علیه السلام) از منست و من از او و گفته او علی (علیه السلام) نسبت به من چون خود من است طاعتش طاعت منست و نافرمانیش نافرمانی من و گفته او جنگ با علی (علیه السلام) جنگ با خداست و سازش با علی (علیه السلام) سازش با خداست و گفته او دوست علی (علیه السلام) دوست خداست و دشمن او دشمن خدا و گفته او علی (علیه السلام) حجت خدا و خلیفه او است بر بندگانش و گفته او دوستی علی (علیه السلام) ایمانست و بغض او کفر است و گفته او حزب علی (علیه السلام) حزب خداست و حزب دشمنانش حزب شیطان و گفته او علی (علیه السلام) با حق است و حق با او است از هم جدا نشوند تا سر حوض بر من در آیند و گفته او علی (علیه السلام) قسیم بهشت و دوزخ است و گفته او هر که از علی (علیه السلام) جدا شود از من جدا شده و هر که از من جدا شود از خدای عز و جل جداست و گفته او شیعیان علی (علیه السلام) همان کامجویان روز قیامتند. (1)

وَمِنَ الْمَتَابِقِ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَا أَنَسُ اسْكُبْ لِي وَضُوءًا ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ قَالَ يَا أَنَسُ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ عَلَيْكَ مِنْ هَذَا الْبَابِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ خَاتَمُ الْوَصِيِّينَ قَالَ قُلْتُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ وَ كَتَمْتُهُ إِذْ جَاءَ عَلِيٌّ (عليه السلام) فَقَالَ مَنْ هَذَا يَا أَنَسُ فَقُلْتُ عَلِيٌّ (عليه السلام) فَقَامَ مُسْتَبْشِرًا فَأَعْتَنَقَهُ ثُمَّ جَعَلَ يَمْسَحُ عِرْقَ وَجْهِهِ وَ يَمْسَحُ عِرْقَ وَجْهِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَلَى وَجْهِهِ فَقَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُكَ صَنَعْتَ شَيْئًا مَا صَنَعْتَهُ بِي قَبْلُ قَالَ وَ مَا يَمْنَعُنِي وَ أَنْتَ تُؤَدِّي عَنِّي وَ تُسْمِعُهُمْ صَوْتِي وَ

ص: 294

تُبَيِّنُ لَهُمْ مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنْ بَعْدِي وَقَدْ رَوَاهُ الْحَافِظُ أَبُو نُعَيْمٍ فِي حِلْيَتِهِ ثُمَّ جَعَلَ يَمَسُحُ عِرْقَ وَجْهِهِ بِوَجْهِهِ وَعِرْقَ وَجْهِ عَلِيٍّ بِوَجْهِهِ

و نیز در مناقب از انس روایت کند که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود که: یا انس از چاه آب بکش از برای وضوی من، من کشیدم و آن حضرت وضو گرفته و دو رکعت نماز گذارد و فرمود که: ای انس اول کسی که بر تو درآید از این در او امیر المؤمنین و سید المسلمین و قاید الغر المحجلین و خاتم الوصیین است، انس گوید: که من با خود گفتم بار خدایا چنان ساز که از انصار یکی از این در درآید و این را پنهان می داشتیم، ناگاه دیدم که علی بن ابی طالب (علیه السلام) از در درآمد آن حضرت فرمود که: چه کس بود ای انس؟ گفتم: علی (علیه السلام) بود. پس آن حضرت برخاست چنانچه اثر استبشار از او ظاهر بود و امیر المؤمنین (علیه السلام) را در بغل گرفت بعد از آن عرق جبین خود را بر جبین او مالید و از عرق جبین او بر جبین خود رسانید، امیر المؤمنین (علیه السلام) عرضه داشت: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) دیدم کاری را به جای آوردی که پیش از این نمی کردی، فرمود که: چه چیز مرا مانع آید که از این قبیل نسبت به تو بجای نیآورم، چون تو حق تبلیغ رسالت مرا به مردم خواهی رسانید، و صوت مرا به ایشان خواهی شنوید، و مبین خواهی کرد اختلافی که در میان ایشان باشد بعد از من. (1) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدَةُ بْنُ سَلِيمَانَ قَالَ حَدَّثَنَا كَامِلُ بْنُ الْعَلَاءِ قَالَ حَدَّثَنَا حَبِيبُ بْنُ أَبِي ثَابِتٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَا عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنْتَ صَاحِبُ حَوْضِي وَصَاحِبُ لُؤَائِي وَ مُنْجِزُ عِدَاتِي وَ حَبِيبُ قَلْبِي وَ وَارِثُ عِلْمِي وَ أَنْتَ مُسْتَوْدَعُ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنْتَ أَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ

ص: 295

---

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 114 في فضل مناقبه و ما أَعَدَّه اللهُ تَعَالَى لِمَحْبِيهِ وَ ذَكَرَ غَزَاةَ عِلْمِهِ وَ كَوْنَهُ أَقْضَى الْأَصْحَابِ



عَلَىٰ بَرِيَّتِهِ وَأَنْتَ رُكْنُ الْإِيمَانِ وَأَنْتَ مِصْبَاحُ الدُّجَىٰ وَأَنْتَ مَنَارُ الْهُدَىٰ وَأَنْتَ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِأَهْلِ الدُّنْيَا مَنْ تَبِعَكَ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْكَ هَلَكَ وَأَنْتَ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ وَأَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَأَنْتَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَأَنْتَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْتَ مَوْلَىٰ مَنْ أَدَا مَوْلَاهُ وَأَنَا مَوْلَىٰ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤَمِّمَةٌ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا طَاهِرٌ الْوَلَادَةِ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا خَبِيثٌ الْوَلَادَةِ وَمَا عَرَجَ بِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ إِلَى السَّمَاءِ قَطُّ وَكَلَّمَنِي رَبِّي إِلَّا قَال لِي يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) أَقْرَبُ عَلَيَّا (عليه السلام) مِنِّي السَّلَامُ وَعَرَفَهُ أَنَّهُ إِمَامٌ أَوْلِيَائِي وَنُورٌ أَهْلِ طَاعَتِي فَهَنِيئًا لَكَ يَا عَلِيُّ هَذِهِ الْكَرَامَةُ.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به علی بن ابی طالب (عليه السلام) فرمود: ای علی (عليه السلام) تو صاحب حوض منی پرچمدار منی و بر آورنده وعده های منی دوست دل منی وارث علم منی و امانت دار موارث پیغمبرانی توئی امین الله در زمینش و حجت بر خلقش توئی رکن ایمان و چراغ هدایت و منار شب تار توئی علمی که برای اهل دنیا برافراشتند هر که تورا پیروی کند نجات یافته و هر که از تو تخلف کند هلاک است توئی راه روشن توئی راه راست، توئی قائد الغر المحجلین، توئی سرور هر که منش سرورم و من سرور هر مؤمن و مؤمنه ام دوستت ندارد جز پاکزاد و دشمنت ندارد جز بدزاد و پروردگرم هیچ گاه مرا به آسمان بالا نبرد و با من سخن نگفت جز اینکه فرمود: ای محمد (صلى الله عليه وآله) سلام مرا به علی (عليه السلام) برسان و به او اعلام کن که امام اولیاء و نور اهل طاعت منست گوارا باد تورا ای علی (عليه السلام) این کرامت. (1)

ص: 296

قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمَرَ الْجَعَابِيُّ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ لِخَمْسِ بَقِيْنَ مِنْ شَعْبَانَ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنِي الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ يَا عَلِيُّ بِكُمْ يُفْتَحُ هَذَا الْأَمْرُ وَبِكُمْ يُخْتَمُ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ أَنْتُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَاعْدَاؤُكُمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ طُوبَى لِمَنْ أَطَاعَكُمْ وَوَيْلٌ لِمَنْ عَصَاكُمْ أَنْتُمْ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى مَنْ تَمَسَّكَ بِهَا اهْتَدَى وَمَنْ تَرَكَهَا ضَلَّ أَسْأَلُ اللَّهَ لَكُمْ الْجَنَّةَ لَا يَسْئَلُكُمْ أَحَدٌ إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ فَانْتُمْ أَوْلَى بِهَا

عبد الله علوی از پدر خود از حضرت رضا (علیه السلام) و آن جناب از آباء گرام خویش از امیر المؤمنین (علیه السلام) از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرد که فرمود: یا علی! به وسیله شما این امر افتتاح می شود و به شما ختم می گردد صبر و شکیبائی را پیشه گیرید عاقبت پسندیده اختصاص به پرهیزگاران دارد شما حزب خدائید و دشمنانتان حزب شیطان خوشا به حال هر که مطیع شما است و وای بر آنکه مخالف با شما کند شما حجت خدا بر خلقید و دست آویز محکم هر که چنگ به دامن شما زند هدایت شده و هر که شما را ترک کند گمراه شود. (1)

ص: 297

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَيْسَى الْقُمِّيُّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَاجِيلَوَيْهِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَبْدِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَخِي وَوَارِثِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَأُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَمَاتِي مُحِبُّكَ مُحِبِّي وَ مُبْغِضُكَ مُبْغِضِي يَا عَلِيُّ أَنَا وَأَنْتَ أَبُو هَذِهِ الْأُمَّةِ يَا عَلِيُّ أَنَا وَأَنْتَ وَالْأُمَّةُ مِنْ وُلْدِكَ سَادَةٌ فِي

الدُّنْيَا وَ مُلُوكٌ فِي الْآخِرَةِ مَنْ عَرَفْنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ وَ مَنْ أَنْكَرْنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.

سليمان بن مهران از حضرت صادق (عليه السلام) نقل کرد که علي بن ابی طالب (عليه السلام) فرمود: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چنین بیان کرد: یا علی! تو برادر و وارث و وصی و خلیفه منی در میان خانواده و امت من در زمان حیات و بعد از مرگم دوست دار تو دوست دار من و دشمن تو دشمن من است یا علی! من و تو دو پدر این امتیم، یا علی! من و تو و ائمه از فرزندان در دنیا سرور و در آخرت فرمانروایم هر که ما را بشناسد خدا را شناخته و هر که منکر ما باشد خدا را انکار نموده. (1)

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو بْنِ الْبَغْدَادِيِّ الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ ثَوَابٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مَنْصُورٍ عَنْ كَادِحٍ يَعْنِي أَبِي [أَبَا] جَعْفَرِ الْبَجَلِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ لَهَيْعَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ يَعْنِي ابْنَ زِيَادٍ عَنْ سَلْمَةَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَمَّا قَدِمَ عَلِيُّ (عليه السلام) عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بَفَتْحِ خَيْبَرَ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) لَوْ لَا أَنْ تَقُولَ فِيكَ طَوَائِفُ مِنْ

ص: 298

أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى لِلْمَسِيحِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ (عليه السلام) لَقُلْتُ فِيكَ الْيَوْمَ قَوْلًا لَا تَمُرُّ بِمَلَا إِلَّا أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ رِجْلَيْكَ وَ مِنْ فَضْلِ طُهُورِكَ يَسْتَشْفُوا بِهِ...

پس از فتح خیبر، به دست امیر مؤمنان علی (علیه السلام)، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روی سخن به او نمود و فرمود: ای علی! اگر نبود که گروهی از ائمه دربار تو سخنان نصاری در حق عیسی بن مریم (علیه السلام) را گویند: (یعنی او را فرزند خدا خواندند و شریک او دانستند) امروز سخنی می گفتم: که بر احدی از مسلمانان نمی گذشتی مگر این که خاک پایت را به تبرک بگیرند و با قطره های آب وضویت استشفاء جویند. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْكُوفِيُّ الْأَسَدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبُرْمَكِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ سَلِيمَانَ عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَدِيقَةَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عِلَاقَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَقِيصَا عَنْ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنْ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَا عَلِيُّ (عليه السلام) أَنْتَ أَخِي وَأَنَا أَخُوكَ أَنَا الْمُصَوِّطُ لِلنُّبُوَّةِ وَأَنْتَ الْمُجْتَبَى لِلْإِمَامَةِ وَأَنَا صَاحِبُ التَّنْزِيلِ وَأَنْتَ صَاحِبُ التَّوِيلِ وَأَنَا وَأَنْتَ أَبُوَاهُ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي وَ وَزِيرِي وَ وَارِثِي وَ أَبُو وُلْدِي شَيْعَتُكَ شَيْعَتِي وَ أَنْصَارُكَ أَنْصَارِي وَ أَوْلِيَاؤُكَ أَوْلِيَائِي وَ أَعْدَاؤُكَ أَعْدَائِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ صَاحِبِي عَلَى الْحَوْضِ غَدَاً وَأَنْتَ صَاحِبِي فِي الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَأَنْتَ صَاحِبُ لِيُوَائِي فِي الْآخِرَةِ كَمَا أَنْتَ صَاحِبُ لِيُوَائِي فِي الدُّنْيَا لَقَدْ سَعِدَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَ شَقِيَ مَنْ عَادَاكَ وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَقْرُبُ إِلَى اللَّهِ تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ بِمَحَبَّتِكَ وَ وَلَا يَتِيكَ وَ اللَّهُ إِنْ أَهْلَ مَوَدَّتِكَ فِي السَّمَاءِ لَأَكْثَرُ مِنْهُمْ فِي الْأَرْضِ يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَمِينُ أُمَّتِي وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهَا

ص: 299

بَعْدِي قَوْلِكَ قَوْلِي وَ أَمْرِكَ أَمْرِي وَ طَاعَتِكَ طَاعَتِي وَ زَجْرِكَ زَجْرِي وَ نَهْيِكَ نَهْيِي وَ مَعْصِيَتِكَ مَعْصِيَتِي وَ حِزْبِكَ حِزْبِي وَ حِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ (وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ)

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: یا علی! تو برادر منی و من برادر تو، من برای نبوت برگزیده شده ام و تو برای امامت. من صاحب تنزیل هستم و تو صاحب تاویل. من و تو دو پدر این امت هستیم. ای علی! تو وصی و خلیفه و وزیر و وارث من و پدر دو فرزندم هستی. پیروان تو پیروان من هستند و یاران تو یاران من هستند. دوستان تو دوستان من و دشمنان تو دشمنان من هستند. ای علی! در فردای قیامت تو رفیق من بر سر حوض هستی. تو همراه من در مقام محمود هستی. تو پرچمدار من در آخرت هستی همچنان که پرچمدار من در دنیا هستی. خوشبخت است هر که تو را دوست گیرد و بدبخت است هر که تو را دشمن دارد. به خداوندی که ذکرش مقدس است فرشتگان در آسمان به واسطه محبت و ولایت تو تقرب می جویند. به خدا دوستداران تو در آسمان بیشتر از زمین هستند. ای علی! تو امین امت من و حجت خدا بر آنها بعد از من هستی. گفتار تو گفتار من است و امر تو امر من و اطاعت از تو اطاعت از من است. نکوهش تو نکوهش و سرزنش من است و نهی تو [از امری] نهی من است و نافرمانی از تو نافرمانی از من است و حزب تو حزب من و حزب من حزب خدا است. (وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ)(1) و کسانی که خدا و رسول(صلی الله علیه و آله) و اهل ایمان امیر المؤمنین(علیه السلام) را ولی خود بدانند پس به تحقیق حزب و لشکر خدا غالب و چیره خواهند بود. (2)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدَةُ بْنُ سُلَيْمَانَ قَالَ حَدَّثَنَا

ص: 300

1- . المائدة آية 56

2- . الأماي (للصدوق) النص 332 المجلس الثالث و الخمسون ح 13

كَامِلُ بَنِ الْعَلَاءِ قَالَ حَدَّثَنَا حَبِيبُ بْنُ أَبِي ثَابِتٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَا عَلِيُّ أَنْتَ صَاحِبُ حَوْضِي وَصَاحِبُ لَوَائِي وَ مُنْجِزُ عِدَاتِي وَ حَبِيبُ قَلْبِي وَ وَارِثُ عِلْمِي وَ أَنْتَ مُسْتَوْدَعُ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنْتَ أَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى بَرِيَّتِهِ وَ أَنْتَ رُكْنُ الْإِيمَانِ وَ أَنْتَ مِصْبَاحُ الدُّجَى وَ أَنْتَ مَمَّارُ الْهَدَى وَ أَنْتَ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِأَهْلِ الدُّنْيَا مَنْ تَبِعَكَ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْكَ هَلَكَ وَ أَنْتَ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ وَ أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ أَنْتَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ أَنْتَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْتَ مَوْلَى مَنْ أَنَا مَوْلَاهُ وَ أَنَا مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ لَا يُجِبُّكَ إِلَّا طَاهِرُ الْوِلَادَةِ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا خَبِيثُ الْوِلَادَةِ وَ مَا عَرَجَ بِي رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى السَّمَاءِ قَطُّ وَ كَلَّمَنِي رَبِّي إِلَّا قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ أَقْرَبُ عَلَيًّا (عليه السلام) مِنِّي السَّلَامَ وَ عَرَّفَهُ أَنَّهُ إِمَامٌ أَوْلِيَائِي وَ نُورُ أَهْلِ طَاعَتِي فَهَنِينًا لَكَ يَا عَلِيُّ هَذِهِ الْكِرَامَةُ. رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به علی بن ابی طالب (عليه السلام) فرمود ای علی! تو صاحب حوض منی پرچمدار منی و بر آورنده وعده های منی دوست دل منی وارث علم منی و امانت دار موارث پیغمبرانی توئی امین الله در زمینش و حجت بر خلقش توئی رکن ایمان و چراغ هدایت و منار شب تار توئی علمی که برای اهل دنیا برافراشتند هر که تورا پیروی کند نجات یافته و هر که از تو تخلف کند هلاک است توئی راه روشن توئی راه راست، توئی قائد الغر المحجلین، توئی سرور هر که منش سرورم و من سرور هر مؤمن و مؤمنه ام دوست ندارد جز پاکزاد و دشمنت ندارد جز بدزاد و پروردگرم هیچ گاه مرا به آسمان بالا نبرد و با من سخن نگفت جز اینکه فرمود: ای محمد (صلى الله عليه وآله) سلام مرا به علی (عليه السلام) برسان و به او اعلام کن که امام اولیاء و نور اهل طاعت منست گوارا

حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) بِقَمٍّ فِي رَجَبِ سَنَةِ  
تِسْعٍ وَثَلَاثِينَ وَثَلَاثِينَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ يَاسِرِ الْحَادِمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ  
عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لِعَلِيِّ (عليه السلام) يَا عَلِيُّ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ وَأَنْتَ بَابُ اللَّهِ وَأَنْتَ الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ  
وَأَنْتَ النَّبَأُ الْعَظِيمُ وَأَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَأَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى يَا عَلِيُّ أَنْتَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَخَيْرُ الْوَصِيَّةِ وَسَيِّدُ  
الصَّدِيقِينَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَأَنْتَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ يَا عَلِيُّ أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَأَنْتَ قَاضِي دِينِي وَأَنْتَ مُنَجِّزُ عِدَاتِي يَا عَلِيُّ  
أَنْتَ الْمَظْلُومُ بَعْدِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمَفْارِقُ بَعْدِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمَحْجُورُ بَعْدِي أَشْهُدُ اللَّهُ تَعَالَى وَمَنْ حَضَرَ مِنْ أُمَّتِي أَنَّ حِزْبَكَ حِزْبِي وَ  
حِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ وَأَنَّ حِزْبَ أَعْدَائِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ. رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به علی بن ابی طالب (عليه السلام) فرمود: یا علی! تو  
حجت خدائی و توباب (تقرّب) به خدائی، و تورا به سوی خدائی، و تویی نبأ عظیم، و تویی صراط مستقیم حق، و تویی مثل اعلای الهی،  
یا علی! تویی امام مسلمین و امیر مؤمنین، و بهترین وصیین، و اشرف صدیقین، یا علی تویی فاروق اعظم، (جداکننده حق از باطل) و تویی  
صدیق اکبر، یا علی تویی جانشین من بر امتم، و تویی اداکننده دیون من و تویی انجام دهنده وعده های من، یا علی تو هستی که پس از من  
مظلوم خواهی شد و مورد ستم قرار خواهی گرفت، یا علی تویی که پس از من از تو کناره جویند، یا علی تویی که پس از من محجور و خانه  
نشین گردی، خدا را گواه می گیرم و هر که را که

ص: 302

حضور دارد از ائمت من كه حزب تو حزب من است و حزب من حزب خداست، و حزب دشمنان تو حزب شيطان است. (1)

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ الْمَرْزُبَانَ الْفَارِسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَنْصُورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَيْضِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

ذَاتَ يَوْمٍ وَهُوَ رَاكِبٌ وَخَرَجَ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَهُوَ يَمْشِي فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ:

إِمَّا أَنْ تَرْكَبَ وَإِمَّا أَنْ تَنْصَرِفَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ تَرْكَبَ إِذَا رَكِبْتُ وَتَمْشِيَ إِذَا مَشَيْتَ وَتَجْلِسَ إِذَا جَلَسْتَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ حَدُّ مِنْ حَدُودِ اللَّهِ لَا بُدَّ لَكَ مِنَ الْقِيَامِ وَالْقُعُودِ فِيهِ وَ مَا أَكْرَمَنِي اللَّهُ بِكَرَامَةٍ إِلَّا وَقَدْ أَكْرَمَكَ بِمِثْلِهَا وَخَصَّنِي بِالنُّبُوَّةِ وَالرِّسَالَةِ وَجَعَلَكَ وَلِيِّ فِي ذَلِكَ تَقُومُ فِي حَدُودِهِ وَفِي صَدَبِ أُمُورِهِ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا آمَنَ بِي مَنْ أَنْكَرَكَ وَلَا أَقْرَبِي مَنْ جَحَدَكَ وَلَا آمَنَ بِاللَّهِ مَنْ كَفَرَ بِكَ وَإِنَّ فَضْلَ لَكَ لَمِنْ فَضْلِي وَإِنَّ فَضْلِي لَكَ لَفَضْلُ اللَّهِ وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ (قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فِي ذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ) فَفَضْلُ اللَّهِ نُبُوَّةُ نَبِيِّكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَلَايَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي ذَلِكَ قَالَ بِالنُّبُوَّةِ وَالْوَلَايَةِ فَلْيَفْرَحُوا يَعْنِي الشَّيْعَةَ هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ يَعْنِي مُخَالَفِيهِمْ مِنَ الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يَا عَلِيُّ مَا خُلِقْتَ إِلَّا لِيُعْبَدَ بِكَ وَلِيُتَعْرَفَ بِكَ مَعَالِمُ الدِّينِ وَيُصَدِّحَ بِكَ دَارِسُ السَّبِيلِ وَلَقَدْ ضَلَّ مَنْ ضَلَّ عَنْكَ وَلَنْ يَهْتَدِيَ إِلَى اللَّهِ مَنْ لَمْ

ص: 303



يَهْتَدِ إِلَيْكَ وَإِلَىٰ وَلَايَتِكَ وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ (وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ) يَعْنِي إِلَيَّ وَلَايَتِكَ وَلَقَدْ أَمَرَنِي رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ أَنْ أَفْتَرِضَ مِنْ حَقِّكَ مَا أَفْتَرَضَ مِنْ حَقِّي وَإِنَّ حَقَّكَ لَمَفْرُوضٌ عَلَيَّ مِنْ آمَنَ بِي وَلَوْلَا كَلِمَةٌ يَعْرِفُ عَدُوَّ اللَّهِ وَمَنْ لَمْ يَلْقَهُ بِوَلَايَتِكَ لَمْ يَلْقَهُ بِشَيْءٍ وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) يَعْنِي فِي وَلَايَتِكَ يَا عَلِيُّ (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

وَ لَوْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أُمِرْتُ بِهِ مِنْ وَلَايَتِكَ لَحَبِطَ عَمَلِي وَمَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِغَيْرِ وَلَايَتِكَ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَغَدَا سُخْفًا لَهُ وَمَا أَقُولُ إِلَّا قَوْلَ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ وَإِنَّ الَّذِي أَقُولُ لَمِنَ اللَّهِ أَنْزَلَهُ فِيكَ.

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سواره بیرون شد و علی (علیه السلام) همراهش پیاده می رفت فرمود: ای ابا الحسن (علیه السلام) یا سوار شو یا برگرد زیرا خدا به من دستور داده که سوار شوی چون سوارم و پیاده باشی چون پیاده ام و بنشینی چون نشسته ام جز در اقامه حد الهی که باید در آن نشست و برخاست کنی خدا به من کرامتی نداده جز آنکه مانندش را به تو داده مرا به نبوت و رسالت مخصوص کرده و تو را در آن ولی من ساخته که حدودش را به پا داری و در مشکلاتش قیام کنی، بدان که مرا به راستی مبعوث به نبوت کرده به من ایمان ندارد کسی که منکر تو بوده و به خدا ایمان ندارد کسی که کافر به تو باشد فضل تو از فضل منست و فضل من از خداست و آنست معنی قول خدای عز و جل (قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ) بدان باید شاد باشند آن بهتر است از آنچه فراهم کنند فضل خدا نبوت پیغمبر شما و رحمتش ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) است فرمود به نبوت و ولایت باید شاد باشند یعنی شیعه، آن بهتر است از آنچه جمع کنند یعنی مخالفین جمع کنند از اهل و مال و فرزند در دار دنیا، به خدا! یا علی! تو آفریده نشدی مگر برای آنکه خدا پرستیده شود و به وسیله تو معالم

دین شناخته شود و راه کهنه اصلاح گردد، گمراه است هر که تو را به رهبری نپذیرفته و راه به خدا نخواهد یافت هر که تو راهنمایش نبوده و به ولایت تو اقرار نداشته و این آیه شاهد همین معنی است (و)

إِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى ) یعنی من می آمرزم کسی را که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و اقرار به ولایت تو داشته باشد. خداوند مرا مأمور کرده که آن حقی که برای خودم واجب است برای تو نیز واجب بگردانم حق تو لازم است بر هر که ایمان به من آورده باشد اگر تو نبودی دشمن خدا شناخته نمی شد هر که خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند با دست خالی به پیشگاه او رفته خداوند این آیه را بر من نازل کرد (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) یعنی برسان آن دستوری که به تو داده ایم در مورد ولایت علی (علیه السلام) (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) اگر تبلیغ آن دستور را در مورد ولایت تو نمی رساندم معلم از میان می رفت و هر که خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند عملش از میان رفته و عملش موجب فاصله او از خدا می شود من آن چه می گویم از جانب خدا است و آنچه می گویم خدا در باره تو نازل کرده. (1)

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَا عَلِيُّ (عليه السلام) أَنْتَ الْمَظْلُومُ مِنَ بَعْدِي فَوَيْلٌ لِمَنْ ظَلَمَكَ وَاعْتَدَى عَلَيْكَ وَطُوبَى لِمَنْ تَبِعَكَ وَلَمْ يَخْتَرْ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) أَنْتَ الْمُقَاتِلُ بَعْدِي فَوَيْلٌ لِمَنْ قَاتَلَكَ وَطُوبَى لِمَنْ قَاتَلَ مَعَكَ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) أَنْتَ الَّذِي تَنْطِقُ بِكَلَامِي وَتَتَكَلَّمُ بِلِسَانِي بَعْدِي فَوَيْلٌ لِمَنْ رَدَّ عَلَيْكَ وَطُوبَى لِمَنْ قَبَلَ كَلَامَكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ سَيِّدُ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدِي وَأَنْتَ إِمَامُهَا وَخَلِيفَتِي عَلَيْهَا

ص: 305

مَنْ فَارَقَكَ فَارَقَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ كَانَ مَعَكَ كَانَ مَعِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ أَعَانَنِي عَلَى أَمْرِي وَجَاهَدَ مَعِي عَدُوِّي وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ صَلَّى مَعِي وَ النَّاسُ يَوْمَئِذٍ فِي غَفْلَةٍ الْجَهَالَةِ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ تَشَقَّقَ عَنْهُ الْأَرْضُ مَعِي وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَجُوزُ الصَّرَاطَ مَعِي وَإِنَّ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ عَقَبَةَ الصَّرَاطِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ بَرَاءَةٌ بَوْلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِكَ وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَرِدُ حَوْضِي تَسْبِيحِي مِنْهُ أَوْلِيَاءُكَ وَتَدُودُ عَنْهُ أَعْدَاءُكَ وَأَنْتَ صَاحِبِي إِذَا قُمْتُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ تَشَفَّعَ لِمُحِبِّينَا فَتَشَفَّعَ فِيهِمْ وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَبِيَدِكَ لِوَائِي وَهُوَ لِوَاءُ الْحَمْدِ وَهُوَ سَبْعُونَ شَقَّةً الشَّقَّةُ مِنْهُ أَوْسَعُ مِنَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَأَنْتَ صَاحِبُ شَجَرَةِ طُوبَى فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِكَ وَأَعْصَانُهَا فِي دُورِ شِعْتِكَ وَ مُحِبِّكَ قَالَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي مَحْمُودٍ فَقُلْتُ لِلرِّضَا (عليه السلام) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ عِنْدَنَا أَخْبَارًا فِي فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَفَضْلِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَهِيَ مِنْ رِوَايَةِ مُخَالِفِكُمْ وَلَا نَعْرِفُ مِثْلَهَا عِنْدَكُمْ أَفَنَدِينُ بِهَا فَقَالَ يَا ابْنَ أَبِي مَحْمُودٍ لَقَدْ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَنْ أَصَغَى إِلَيَّ نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ ثُمَّ قَالَ الرِّضَا يَا ابْنَ أَبِي مَحْمُودٍ إِنَّ مُخَالِفِينَا وَضَعُوا أَخْبَارًا فِي فَضَائِلِنَا وَجَعَلُوهَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ أَحَدُهَا الْغُلُوفُ وَثَانِيهَا التَّقْصِيرُ فِي أَمْرِنَا وَثَالِثُهَا التَّصْرِيحُ بِمَثَالِبِ

أَعْدَائِنَا فَإِذَا سَمِعَ النَّاسُ الْغُلُوفَ فِيْنَا كَفَرُوا شَيْعَتَنَا وَنَسَبُواهُمْ إِلَى الْقَوْلِ بِرُبُوبِيَّتِنَا وَإِذَا سَمِعُوا التَّقْصِيرَ اعْتَقَدُوهُ فِيْنَا وَإِذَا سَمِعُوا مَثَالِبَ أَعْدَائِنَا بِأَسْمَائِهِمْ تَلَبُّونَا بِأَسْمَائِنَا وَقَدْ

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (وَلَا تَسْجُدُوا لِلَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُجُوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ) يَا ابْنَ أَبِي مَحْمُودٍ إِذَا أَخَذَ النَّاسُ يَمِينًا وَشِمَالًا فَالْزِمْ طَرِيقَتَنَا فَإِنَّهُ مَنْ لَزِمَنَا لَزِمْنَا وَ مَنْ فَارَقَنَا فَارَقَنَا إِنَّ أَدْنَى مَا يَخْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يَقُولَ لِلْحَصَاةِ هَذِهِ نَوَافُ ثُمَّ يَدِينُ بِذَلِكَ وَ يَبْرَأَ مِمَّنْ خَالَفَهُ يَا ابْنَ أَبِي مَحْمُودٍ احْفَظْ مَا حَدَّثْتُكَ بِهِ فَقَدْ جَمَعْتُ لَكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

از ابراهیم بن ابی محمود از حضرت رضا (علیه السلام) به توسط آباء امجاد خود از حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) مروی است که آن جناب فرمود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا علی (علیه السلام) توئی مظلوم بعد از من. پس وای بر کسی که ستم کند تو را و عداوت کند مر تو را و خوشا به حال کسی که متابعت کند تو را و دیگری را بر تو اختیار نکند و بر نگزیند یا علی (علیه السلام) توئی که بعد از من با تو مقاتله و مجاهده کنند. پس وای بر کسی که مقاتله و منازعه کند با تو و خوش به حال کسی که در رکاب ظفر انتساب تو با اعداء تو مقاتله کند. یا علی (علیه السلام) توئی که سخن گوئی به سخن من و تکلم کنی به زبان من بعد از من پس وای بر کسی که بر تو رد کند و خوشا به حال کسی که سخن تو را قبول کند یا علی (علیه السلام) توئی آقای این امت بعد از من و توئی امام این امت و توئی خلیفه من بر این امت هر که از تو مفارقت کند از من کناره جوید در روز قیامت و هر که با تو باشد با من است در روز قیامت. یا علی (علیه السلام) توئی اول کسی که به من ایمان آورد و تصدیق نمود مرا و توئی اول کسی که یاری کرد مرا بر امر من و منازعه کرد با دشمنان من و توئی اول کسی که با من نماز کرد و مردم در آن هنگام در غفلت جهالت بودند. یا علی (علیه السلام) توئی اول کسی که سر از قبر بر آورد با من و توئی اول کسی که مبعوث شود با من در روز قیامت و توئی اول کسی که از صراط بگذرد با من و پروردگار به عزت خود قسم یاد کرده که احدی از آستانه صراط نگذرد مگر آنکه به سبب دوستی تو و دوستی ائمه (علیهم السلام) و اولاد تو برائت از آتش جهنم حاصل

کرده باشد و توئی اول کسی که وارد شود بر حوض من و سیراب گردانی دوستداران خود را و منع کنی از آب دشمنان خود را و آب ندهی آنها را و توئی مصاحب من چون در مقام بلند و پسندیده بایستم تو شفاعت کنی دوستداران ما را و شفاعت تو در حق ایشان قبول شود و توئی اول کسی که داخل بهشت شود و در دست تو لواء من باشد و آن لواء حمد است و هفتاد شقه دارد و هر شقه از آن وسیعتر است از آفتاب و ماه و توئی صاحب درخت طوبی در بهشت که ریشه آن در خانه تست و شاخ های آن در خانه های شیعیان و دوستان تست. ابراهیم بن ابی محمود گوید که به حضرت رضا(علیه السلام) عرضه داشتم: یا ابن رسول الله(صلی الله علیه و آله) نزد ما اخباری از فضایل امیر المؤمنین(علیه السلام) و فضل شما اهل بیت است و این اخبار از روایت مخالفین شما است و ما امثال این اخبار را از شما نشناختیم آیا به این اخبار متدین شویم و قبول کنیم آنها را. فرمود: ای پسر ابی محمود خبر داد مرا پدر بزرگوارم از پدر بزرگوارش از جد بزرگوارش که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که گوش فرا دارد به سوی سخن گوینده یعنی روایتی که او می کند قبول کند اطاعت او را کرده است. پس اگر آن روایت کننده از خدا روایت کند این کسی که از برای او روایت کنند اطاعت و بندگی خدا کند و اگر از شیطان روایت کند این شخص بندگی شیطان نموده است. پس از آن حضرت رضا(علیه السلام) فرمود ای پسر ابی محمود مخالفان ما اخباری در فضایل ما جعل کرده اند و آن اخبار بر سه قسم باشد. يك قسم از آن اخبار اینست که در حق ما غلو کرده اند و زیاده از اندازه رفته اند (ما را نعوذ بالله خدا دانستند)

قسم دوم آنست که در حق ما کوتاه انداخته اند و کم از اندازه رفته اند.

و قسم سوم آنست که به عیب های دشمنان ما تصریح کرده اند.

پس مردم چون اخباری که در غلو ما جعل شده است بشنوند شیعیان ما را تکفیر کنند و قول به خدا بودن ما نسبت به آنها دهند و چون بشنوند آن اخباری که

کوتاه انداخته شده به مضامین آنها در حق ما معتقد شوند و چون بشنوند آن اخباری که در معایب دشمنان ما جعل شده با اینکه در آن اخبار تصریح شده است به اسما دشمنان ما را آورند و معایب را به اسما ما زنند چه حقتعالی فرموده (وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ) (1) و دشنام ندهید آنان را که می پرستند غیر خدا را و به قبایح ایشان را یاد مکنید پس ایشان نیز در مقابل آن ناسزا گویند خدای را از روی ظلم و تجاوز از حق بیدانشی یعنی خدای را ناسزا گویند از روی جهل و نادانی پس نسبت به ما هم چنین کنند و آن معایب را به ما نسبت دهند. ای پسر ابی محمود چون بینی که هر طایفه از مردم به راهی روند تو با طریقه ما ملازم باش زیرا که هر که از ما دست بردارد و با ما ملازم باشد ما با او ملازم باشیم و هر که از ما مفارقت کند ما از او مفارقت کنیم و کمتر چیزی که مرد را از دین او بیرون کند اینست که سنگریزه را گوید دانه خرما است پس از آن متدین و معتقد شود به آن و بیزاری جوید از کسی که او را مخالفت کند ای پسر ابی محمود حفظ کن آنچه من از برای تو حدیث کردم زیرا که جمع کردم از برای تو خیر دنیا و آخرت را. (2)

بیان فضائل امیرالمومنین توسط امام مجتبی در مجلس معاویه

رُوي عن الشَّعْبِيِّ وَ أَبِي مُحَمَّدٍ وَ يَزِيدَ بْنِ أَبِي حَبِيبٍ الْمِصْرِيِّ أَنَّهُمْ قَالُوا: ... أُنشِدْكُمْ بِاللَّهِ أَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) اسْتَحْلَفَهُ عَلَى الْمَدِينَةِ فِي غَزَاةِ تَبُوكَ وَ لَا سَخِطَ ذَلِكَ وَ لَا كَرَاهَةَ وَ تَكَلَّمَ فِيهِ الْمُتَأَفِّقُونَ فَقَالَ لَا تُخْلِفْنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنِّي لَمْ أَتَخَلَّفْ عَنْكَ فِي غَزَاةٍ قَطُّ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

أَنْتَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي

ص: 309

1- . الانعام آية 108

2- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 1 ص 303 باب 28 باب فيما جاء عن الإمام علي بن موسى ع من الأخبار المتفرقة ح 63

فِي أَهْلِي بِمَنْزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ (عليه السلام) فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ تَوَلَّانِي فَقَدْ تَوَلَّى اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى عَلِيًّا (عليه السلام) فَقَدْ تَوَلَّانِي وَ مَنْ أَطَاعَنِي (فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ) وَ مَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا (عليه السلام) فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام)

فَقَدْ أَحَبَّنِي ثُمَّ قَالَ أَنْشُدْكُمْ بِاللَّهِ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا لَمْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرَّتِي أَهْلَ بَيْتِي فَأَحْلُوا حِلَالَهُ وَ حَرِّمُوا حَرَامَهُ وَ اعْمَلُوا بِمُحْكَمِهِ وَ آمِنُوا بِمُتَشَابِهِهِ وَ قُولُوا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَ أَحْبُّوا أَهْلَ بَيْتِي وَ عِرَّتِي وَ الْوَالِدَ مِنْ وَالِدِهِمْ وَ الْأَهْلَ مِنْ أَهْلِهِمْ وَ انصُرُوهُمْ عَلَى مَنْ عَادَاهُمْ وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَزَالَا فِيكُمْ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ دَعَا وَ هُوَ عَلَى الْمُنْبَرِ عَلِيًّا فَاجْتَذَبَهُ بِيَدِهِ فَقَالَ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ اللَّهُمَّ مَنْ عَادَى عَلِيًّا (عليه السلام) فَلَا تَجْعَلْ لَهُ فِي الْأَرْضِ مَقْعَدًا وَ لَا فِي السَّمَاءِ مَضْعَدًا وَ اجْعَلْهُ فِي أَسْفَلِ دَرْكِ مِنَ النَّارِ؟ وَ أَنْشُدْكُمْ بِاللَّهِ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

قَالَ لَهُ أَنْتَ الذَّايِدُ عَنْ حَوْضِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَدُودٌ عَنْهُ كَمَا يَدُودٌ أَحَدَكُمْ الْغَرِيبَةَ مِنْ وَسْطِ إِبِلِهِ؟ أَنْشُدْكُمْ بِاللَّهِ أَتَعْلَمُونَ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوفِّي فِيهِ فَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

فَقَالَ عَلِيٌّ مَا يُبْكِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ يُبْكِينِي أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّ لَكَ فِي قُلُوبِ رِجَالٍ مِنْ أُمَّتِي ضَغَائِنَ لَا يُبْدُونَهَا لَكَ حَتَّى أَتَوَلَّى عَنْكَ؟ أَنْشُدْكُمْ بِاللَّهِ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) حِينَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ وَ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ بَيْتِهِ قَالَ اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ عِرَّتِي اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ وَ قَالَ إِنَّ مَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَا فِينَةِ نُوحٍ مَنْ دَخَلَ فِيهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؟ وَ أَنْشُدْكُمْ بِاللَّهِ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَدْ سَلَّمُوا عَلَيْهِ بِالْوَلَايَةِ فِي عَهْدِ

رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَحَيَاتِهِ؟ وَأَنْشُدْكُمْ بِاللَّهِ أَتَعْلَمُونَ أَنْ عَلِيًّا (عليه السلام) أَوَّلُ مَنْ حَرَّمَ الشَّهَوَاتِ كُلَّهَا عَلَى نَفْسِهِ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ) وَكَانَ عِنْدَهُ عِلْمُ الْمَنَائِمِ وَعِلْمُ الْقَضَايَا وَفَضْلُ الْكِتَابِ وَرُسُوحُ الْعِلْمِ وَمَنْزِلُ الْقُرْآنِ وَكَانَ [فِي] رَهْطٍ لَا نَعْلَمُهُمْ يُتَمِّمُونَ عَشْرَةَ نَبَاهُمْ اللَّهُ أَنَّهُمْ مُؤْمِنُونَ وَأَنْتُمْ فِي رَهْطٍ قَرِيبٍ مِنْ عِدَّةٍ أُولَئِكَ لُعِنُوا عَلَى لِسَانِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَأَشْهَدُ لَكُمْ وَأَشْهَدُ عَلَيْكُمْ أَنَّكُمْ لِعِنَاءِ اللَّهِ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكُمْ كُلَّكُمْ؟

در ضمن خبری طولانی امام حسن مجتبی (علیه السلام) در مجلس معاویه و در دفاع از امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: شما را به خدا قسم می دهم: آیا می دانید هنگامی که پیغمبر خدا (صلى الله عليه وآله) متوجه جنگ تبوک شد حضرت امیر را در مدینه خلیفه خویشتن قرار داد، بدون اینکه غضب و کراهتی داشته باشد، آنگاه منافقین حضرت امیر (علیه السلام) را برای این موضوع سرزنش نمودند و آن بزرگوار به رسول خدا (صلى الله عليه وآله) گفت: مرا در مدینه مگذار، زیرا من هرگز از تو تخلف نکرده ام. پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) در جوابش فرمود: تو وصی و خلیفه منی همان طور که هارون (علیه السلام) برای موسی (علیه السلام) بود، سپسیغمبر خدا (صلى الله عليه وآله) دست حضرت امیر (علیه السلام) را گرفت و فرمود: ایها الناس! هر که مرا دوست داشته باشد حقا که خدا را دوست داشته است، هر که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد حقا که مرا دوست داشته، کسی که مرا اطاعت کند (فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ) (1)

حقا که خدا را اطاعت نموده، هر که علی (علیه السلام) را اطاعت کند حقا که مرا اطاعت کرده هر که محبت مرا داشته باشد حقا که محبت خدا را داشته و هر که محبت علی (علیه السلام) را داشته باشد حقا که محبت مرا داشته است. سپس فرمود: شما را به

ص: 311



خدا قسم مي دهم آيا مي دانيد كه پيغمبر خدا(صلى الله عليه و آله) در حجّة الوداع فرمود: ايها الناس! من قرآن خدا را در ميان شما نهادم كه بعد از آن هرگز گمراه نشويد، پس حلال آن را حلال و حرام آن را حرام بدانيد، به حكم آن عمل كنيد، به آيات متشابه آن ايمان داشته باشيد و بگوئيد: به قرآني كه خدا بر ما نازل کرده ايمان داريم، نسبت به اهل بيت و عترت من محبت داشته باشيد! دوست بداريد كسي را كه ايشان را دوست داشته باشد، آنان را در مقابل دشمنانشان ياري نماييد. اين قرآن و عترت من دائماً در ميان شما مي باشند تا روز قيامت نزد حوض بر من وارد شوند. آنگاه در حالي كه بالای منبر بود علي بن ابي طالب(عليه السلام) را خواست و دست آن حضرت را گرفت و فرمود: بار خدایا! دوست بدار كسي را كه علي(عليه السلام) را دوست دارد و دشمن بدار شخصي را كه علي(عليه السلام) را دشمن بدارد، پروردگارا! كسي كه با علي(عليه السلام) دشمني كند در زمين جايگاهي براي قرار مده و در آسمان محل بالا رفتني به وي عطا مكن و او را در درك اسفل جهنم قرار بده!! شما را به خدا قسم مي دهم، آيا مي دانيد كه پيغمبر خدا(صلى الله عليه و آله) به حضرت امير(عليه السلام) مي فرمود: تو فرداي قيامت نااهل ها را از نزديحوض من دور مي كني آن طور كه يكي از شما شتر غريب را از ميان شتران خود دور نمايد.

شما را به خدا قسم مي دهم: آيا مي دانيد حضرت امير(عليه السلام) در آن بيماري كه پيامبر خدا(صلى الله عليه و آله) از دنيا رحلت كرد بر آن حضرت وارد شد و رسول خدا(صلى الله عليه و آله) گريست، علي(عليه السلام) به پيغمبر اعظم(صلى الله عليه و آله) گفت: براي چه گريه مي كني يا رسول الله! فرمود: براي اين گريه مي كنم كه مي دانم بغض و كينه هائي از تو در دل امت من است: آنها را ظاهر نمي كنند تا موقعي كه از دست بروم.

شما را بخدا قسم مي دهم: آيا مي دانيد هنگامي كه اجل پيغمبر معظم(صلى الله عليه و آله) اسلام فرا رسيد و اهل بيت آن بزرگوار اجتماع كردند فرمود: پروردگارا! اينان اهل بيت و عترت منند، بار خدایا! دوست بدار هر كه ايشان را دوست مي دارد، آنان را بر

دشمنانشان نصرت بده، آنگاه فرمود: مثل اهل بیت من در میان شما نظیر کشتی نوح است، کسی که داخل آن شود نجات پیدا می کند و کسی که از آن تخلف نماید غرق خواهد شد. شما را به خدا قسم می دهم، آیا می دانید اصحاب پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) در زمان حیات آن حضرت بر حضرت امیر سلام و تبریک ولایت گفتند، شما را به خدا قسم می دهم، آیا می دانید علی بن ابی طالب(علیه السلام) در میان اصحاب پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله) اول کسی بود که کلیه خواستنی ها را بر خود حرام کرد، بعد از آن آیه سوره مائده نازل شد که می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ)(1) ای افرادی که ایمان آورده اید اشیاء طیب و نیکوئی که خدا برای شما نازل کرده حرام نکنید و سرکشی هم منمائید، زیرا خدا افراد سرکش را دوست ندارد. بخورید از آن چیزهای حلال و پاکیزه ای که خدا برای شما مقدر نموده و از آن خدائی که به او ایمان آورده اید بترسید و نزد او بود علم منایا و علم قضایا و فصل خطاب و رسوخ به علوم فراوان و همو عارف به محلّ نزول قرآن بود. علی(علیه السلام) از گروهی بود که گمان ندارم تعدادشان به ده برسد که خدا پیامبر(صلی الله علیه و آله) را بر ایمانشان با خبر ساخت، و شما در گروهی به شمار اینان؛ ولی ملعون از زبان خود پیامبرید، پس من بر له و علیه شما شهادت می دهم که شما همگی از زبان خود پیامبر(صلی الله علیه و آله) لعن شده اید.... (2)

خطبه ی امام حسن بعد از شهادت امیرالمومنین

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْدِيٍّ، فِي مَنْزِلِهِ بِدَرْبِ الرَّعْفَرَانِيِّ بِبَغْدَادَ فِي الْكَرْخِ، سَنَةَ عَشْرٍ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ

ص: 313

1- . المائدة الآيات 87 و 88

2- . الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) ج 1 ص 273 احتجاج الحسن بن علي بن أبي طالب ع على جماعة من المنكرين لفضله و فضل أبيه من قبل بحضرة معاوية

بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَقْدَةَ، فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ بَعْدَ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ إِمْلَاءً، فِي مَسْجِدِ بَرَاءِ، لِثَمَانَ بَقِينٍ مِنْ جُمَادَى الْأُولَى سَنَةَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ، عَنْ سَلَامِ بْنِ أَبِي عَمْرَةَ، عَنْ مَعْرُوفٍ، عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ، قَالَ: خَطَبَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) بَعْدَ وِفَاةِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ ذَكَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَالَ: خَاتَمَ الْوَصِيِّينَ، وَ صِدِّيَّ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ أَمِيرَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ. ثُمَّ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، لَقَدْ فَارَقَكُم رَجُلٌ مَا سَبَقَهُ الْأَوْلُونَ، وَ لَا يُدْرِكُهُ الْآخِرُونَ، لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) يُعْطِيهِ الرَّايَةَ فَيَقَاتِلُ جَبْرِئِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ يَمِينِهِ، وَ مِيكَائِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ يَسَارِهِ، فَمَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ، مَا تَرَكَ ذَهَبًا وَ لَا فِضَّةً إِلَّا شَدِينًا عَلَى صَبِيٍّ لَهُ، وَ مَا تَرَكَ فِي بَيْتِ الْمَالِ إِلَّا سَبْعِمِائَةَ دِرْهَمٍ، فَضَلَّتْ مِنْ عَطَائِهِ، أَرَادَ أَنْ يَشْتَرِيَ بِهَا خَادِمًا لِأُمَّ كَلْثُومٍ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي، وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ، قَوْلَ يُوسُفَ (عَلَيْهِ السَّلَام): (وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ) أَنَا ابْنُ الْبَشِيرِ، أَنَا ابْنُ النَّذِيرِ، وَ أَنَا ابْنُ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ، وَ أَنَا ابْنُ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَ أَنَا ابْنُ الَّذِي أُرْسِلَ (رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ) (1) وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا، وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ كَانُوا جَبْرِئِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَنْزِلُ عَلَيْهِمْ وَ مِنْهُمْ كَانَ يَعْرُجُ، وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ وَ لَا يَتَّهَمُ، فَقَالَ فِيمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً وَ افْتَرَأَ الْحَسَنَةَ: مَوَدَّتَنَا.

ص: 314

حسین بن علی (علیه السلام) پس از وفات علی (علیه السلام) خطبه خواند و امیرالمومنین (علیه السلام) را یاد کرد و فرمود: او ختم کننده جانشینان، جانشین ختم کننده پیامبران و امیر راستگویان و شهدا و نیکوکاران بود. سپس فرمود: ای مردم! به درستی که مردی از شما جدا گردید که پیشینیان بر او برتری نیافتند و آیندگان به (جایگاه) او دست نیابند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرچم جهاد را به او می سپرد و جبرئیل (علیه السلام) در سمت راست و میکائیل (علیه السلام) در سمت چپش قرار داشتند و باز نمی گشت تا خداوند او را پیروز گرداند. هیچ طلا و نقره ای به جای نگذاشت جز مقداری برای فرزندان و در بیت المال نیز جز هفتصد درهم که از بخشش او افزون آمده بود، چیزی باقی نگذاشت و می خواست با آن خدمتکاری برای ام کلثوم تهیه کند. سپس فرمود: هرکه مرا شناخت که می شناسد و هرکه مرا شناخت من حسن (علیه السلام) فرزند محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبرم. سپس این آیه را از قول حضرت یوسف (علیه السلام) تلاوت نمود (وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ) (1) من از کیش نیاکانم ابراهیم (علیه السلام)، اسحاق (علیه السلام) و یعقوب (علیه السلام) پیروی کرده ام من فرزند بشارت دهنده و بیم دهنده و دعوت کننده به سوی خدا و چراغ روشنی بخش و فرزند کسی هستم که برای هدایت جهانیان فرستاده شد. من از اهل بیتی هستم که خداوند پلیدی را از آنان دور ساخت و به نیکی پاکشان گردانید. من از اهل بیتی هستم که جبرئیل (علیه السلام) بر آنان فرود آمده و از آنان عروج می یافت. من از اهل بیتی هستم که خداوند محبت و ولایتشان را واجب ساخت. پس در آنچه بر محمد (صلی الله علیه و آله) فرو فرستاده فرمود: (قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَتَرَفَّ حَسَنَةً) (2) بگو من در ازای رسالتم پاداشی جز محبت خویشاوندانم از شما طلب نکنم و هرکه کار نیکی انجام دهد و انجام کار نیک دوستی ما اهل بیت (علیهم السلام) است. (3)

ص: 315

1- . یوسف آیه 38

2- . الشوری آیه 23

3- . الأمالی (للطوسی) المجلس 10 ح 39

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ وَسَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضَيْلٍ عَنْ غُرَوَانَ [عَزَوَانَ] الضَّبِّيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَأَنَا خَلِيفَةُ اللَّهِ وَأَنَا صِدْرُ اللَّهِ وَأَنَا بَابُ اللَّهِ وَأَنَا خَازِنُ عِلْمِ اللَّهِ وَأَنَا الْمُؤْتَمَنُ عَلَى سِرِّ اللَّهِ وَأَنَا إِمَامُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَ خَيْرِ الْخَلِيقَةِ مُحَمَّدِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ (صلى الله عليه وآله). امير المؤمنين (عليه السلام): منم حجت الله خليفة الله باب الله منم خزانه دار علم خدا و امين سر خدا منم امام خلق پس از بهترين مردم محمد (صلى الله عليه وآله) نبي رحمت. (1)

وَ بِالْإِسْمِ نَادٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُمَرَ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ أَنَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ وَصِيُّ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَا إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدُ الْمُتَّقِينَ وَ زَوْجُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَنَا الْمُتَخْتَمُ بِالْيَمِينِ وَ الْمُعَفَّرُ لِلْجَبِينِ أَنَا الَّذِي هَاجَرَتْ الْهَجْرَتَيْنِ وَ بَايَعَتْ الْبَيْعَتَيْنِ أَنَا صَاحِبُ بَدْرِ وَ حُنَيْنٍ وَ أَنَا الضَّارِبُ بِالسَّيْفَيْنِ وَ الْحَامِلُ عَلَى فَرْسَيْنِ وَ أَنَا وَارِثُ عِلْمِ الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْأَخْرِيْنَ وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْعَالَمِينَ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) خَاتَمِ النَّبِيِّينَ أَهْلُ مَوْلَاتِي مَرْحُومُونَ وَ أَهْلُ عِدَاوَتِي مَلْعُونُونَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كَثِيرًا مَا يَقُولُ لِي يَا

عَلِيٌّ حُبُّكَ تَقْوَى وَبُغْضُكَ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ وَأَنَا بَيَّتُ الْحِكْمَةَ وَأَنْتَ مِفْتَاحُهُ وَكَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُكَ

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین با اسنادی از اصیغ بن نباته نقل می کند که حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام)

روزی بر منبر کوفه فرمودند: من بهترین جانشین پیامبران و وصی برترین پیامبر خدا هستم. من امام متقیان و مولای مومنان و رهبر باتقوایان و همسر برترین بانوی عالمیان هستم. من آن کسی هستم که انگشتر را در دست راست می کنم و از خاک سجده بر پیشانی ام نشان دارم. من آن کسی هستم که دو بار هجرت کردم و دو بار بیعت نمودم. من فاتح بدر و حنین هستم و من جنگنده با دو شمشیر هستم و در جنگ ها بر مرکب ها، یکی پس از دیگری سوار می شدم و من وارث علم اولین و آخرین هستم و من حجت خداوند عزوجل بر عالمیان بعد از انبیاء و پیامبران مرسل و محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) خاتم پیامبران هستم. پذیرندگان ولایت من مورد رحمت هستند و دشمنان و کینه جویان با من ملعون و از رحمت به دور هستند. بسیار پیش آمده بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من فرمودند: ای علی! دوست داشتن تو از تقوا و بغض و دشمنی با تو از کفر و نفاق است و من سرای حکمت و فرزاندگی هستم و تو کلید آن و دروغ می گوید کسی که گمان می کند که مرا دوست دارد در حالی که با تو دشمن است. (1)

مقام

امیرالمومنین در زبان امام سجاد

أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى (علیه السلام) أَنَا ابْنُ مَنْ ضَرَبَ خَرَاطِيمَ الْخَلْقِ حَتَّى قَالُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَنَا ابْنُ مَنْ ضَرَبَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَطَعَنَ بِرُمْحَيْنِ وَ

ص: 317

هَاجَرَ الْهَجْرَتَيْنِ وَبَايَعَ الْبَيْعَتَيْنِ وَقَاتَلَ بَدْرًا وَحُنَيْنًا وَلَمْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ طَرْفَةً عَيْنٍ أَنَا ابْنُ صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ النَّبِيِّينَ وَقَامِعِ الْمُلْحِدِينَ وَ  
يَعْسُوبِ الْمُسْلِمِينَ وَذَوْرِ الْمُجَاهِدِينَ وَزَيْدِ الْعَابِدِينَ وَتَاجِ الْبُكَائِينَ وَأَصْبَرَ الصَّابِرِينَ وَأَفْضَلَ الْقَائِمِينَ مِنْ آلِ يَاسِينَ رَسُولِ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ (صلى الله عليه وآله) أَنَا ابْنُ الْمُؤَيَّدِ بِجَبْرِئِيلَ (عليه السلام) الْمَنْصُورِ بِمِيكَائِيلَ (عليه السلام) أَنَا ابْنُ الْمُحَامِي عَنِ حَرَمِ الْمُسْلِمِينَ وَ  
قَاتِلِ الْمَارِقِينَ وَالتَّكَاثِينِ وَالْقَاسِيَةِ طِينِ وَالْمُجَاهِدِ أَعْدَاءَهُ النَّاصِبِينَ وَأَفْخَرَ مَنْ مَشَى مِنْ فُرَيْشٍ أَجْمَعِينَ وَأَوَّلِ مَنْ أَحَابَ وَاسْتَجَابَ لِلَّهِ وَ  
لِرَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوَّلِ السَّابِقِينَ وَقَاصِمِ الْمُعْتَدِينَ وَمُبِيدِ الْمُشْرِكِينَ وَسَهْمِ مَنْ مَرَامِيَ اللَّهِ عَلَى الْمُتَنَافِقِينَ وَلسَانَ  
حِكْمَةِ الْعَابِدِينَ وَنَاصِرِ دِينِ اللَّهِ وَوَلِيِّ أَمْرِ اللَّهِ وَبُسْتَانَ حِكْمَةِ اللَّهِ وَعَيْبَةَ عِلْمِهِ سَمَّحٍ سَخِيٍّ بَهِيٍّ بُهْلُولٍ زَكِيٍّ أَبْطَحِيٍّ رَضِيٍّ مَقْدَامٍ هُمَامٍ صَابِرٍ  
صَوَامٍ مُهَذَّبٍ قَوَامٍ قَاطِعِ الْأَصْدَلَابِ وَمُفَرِّقِ الْأَحْزَابِ أَرْبَطَهُمْ عِنَانًا وَأَثْبَتَهُمْ جَنَانًا وَأَمْضَاهُمْ عَزِيمَةً وَأَشَدَّهُمْ شَكِيمَةً أَسَدٌ بَاسِلٌ يَطْحَنُهُمْ فِي  
الْحُرُوبِ إِذَا أَرْدَلَتْ الْأَسِنَّةُ وَقَرَّبَتِ الْأَعْتَةُ طَحْنَ الرَّحَى وَيَذْرُوهُمْ فِيهَا ذَرَوِ الرِّيحِ الْهَشِيمِ لَيْثُ الْحِجَازِ وَكَبْشُ الْعِرَاقِ مَكِّيٌّ مَدَنِيٌّ خَيْفِيٌّ  
عَقَبِيٌّ بَدْرِيٌّ أَحَدِيٌّ شَجْرِيٌّ مُهَاجِرِيٌّ مِنْ الْعَرَبِ سَيِّدُهَا وَمِنَ الْوَعْيِ لَيْثُهَا وَارِثُ الْمَشْعَرِينَ وَأَبُو السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ  
الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ذَلِكَ جَدِّي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)....

من فرزند علی (علیه السلام) مرتضایم. من فرزند آن بزرگ مردی هستم که با شهامت و اخلاصی وصف ناپذیرش، بینی گردنکشان شرک و  
بیداد را، پس از روشنگری و خیرخواهی بسیار و پس از ستیزه جویی و حق ناپذیری و زورمداری از سوی آنها به خاک مالید تا در برابر حق  
سر فرود آوردند و زبان به یکتایی خدا گشودند و به

برابری بندگان و به حقوق و آزادی و امنیت آنان اعتراف نمودند. من فرزند آن کسی هستم که در سخت ترین میدان ها و بحرانی ترین شرایط، پیشاپیش پیامبر (صلی الله علیه و آله) با دشمن تجاوز کار و مغرور، قهرمانانه می رزمید، و با دو سلاح و نیزه پیکار می کرد و دوبار در راه خدا بار هجرت بست و دوبار در اوج تنهایی پیامبر، با او بیعت کرد و در روزهای سرنوشت ساز بدر و حنین با کفار و بیداد پیکار نمود و در همه ی این فراز و نشیب ها، لحظه ای به خدای توانا کفر نورزید و در راه حق و عدالت و آزادی و حقوق انسان ها از پا ننشست. من فرزند شایسته کردارترین ایمان آوردندگان، فرزند جانشینی راستین پیام آوران، فرزند نابود کننده ی حق ستیزان و تجاوز کاران، فرزند پیشوای حقیقی ایمان آوردندگان، فرزند مایه ی روشنی دیدگان مجاهدان، فرزند زینت و زیور و آراستگی پرستشگران خدا، فرزند سالار و سرور نیایشگران با خدا، فرزند بسیار گریه کنندگان بارگاه دوست فرزند شکیباترین شکیبایان، و فرزند برترین نماز گزاران، از خاندان پیام آور پروردگار جهانیان هستم. من فرزند آن کسی هستم که جبرئیل (علیه السلام) و میکائیل (علیه السلام) او را یاری کردند، من فرزند آن کسی هستم که از حریم حرمت مردم و حقوق، امنیت و آزادی آنان دلیرانه دفاع کرد و با خشونت کیشان و بیرون رفتگان از مرزهای دین خدا، با بیعت شکنان و قانون ستیزان و برتری جویان به پیکار برخاست. من فرزند بهترین و سرافرازترین چهره ی قریش فرزند نخستین ایمان آورنده به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، فرزند نخستین پیشتاز در اسلام و ایمان، و فرزند شکننده کمر تجاوز کاران و نابود کننده شرک گرایان و بیداد پیشگان و زورمداران هستم. من فرزند آن بزرگمردی هستم که به سان تیری از تیرهای خدا بر نفاقگرایان و حق ستیزان بود و زبان حکمت و فرزاندگی عبادت کنندگان راستین و پر اخلاص بارگاه خدا، یاری رسان دلیر دین و مقررات او بود، و سررشته دار دین و دولت حق، بوستان پر گل و لاله حکمت خدا بود و گنجینه ی بیکران و پایان ناپذیر علوم و



دانش های او. من فرزند همان پیشوای گرانقدری هستم که جوانمرد بود و بسیار سخاوتمند و بخشنده، بسیار زیبا بود و دارای سیمایی نور افشان، هوشمند بود و دنیای نیکی ها و خوبی ها، از همه ی پلیدی ها و ناپسندی ها پاک و پاکیزه بود و به همه ی ارزش ها آراسته، از سرزمین حجاز بود و خشنود به خواست خدا و مورد پسند حق. پیشگام در والایی ها و شایستگی ها بود و پیشتاز در نیکی ها، پیشوای بلند همت بود و دارای اراده ی آهنین در راه خدا، سمبل شکیبایان بود و نمونه ی پایداری در راه حق بسیار روزه دار و روزه گیر بود و پاکیزه از هر آلودگی، شب زنده دار بود و بسیار نمازگزار بارگاه خدا. من فرزند آن قهرمان بزرگی هستم که از هم پاشنده ی شیرازه ی دشمنان حق و عدالت بود و پراکنده ساز گروه ها و احزاب سرکش و حق ستیز و خود کامه. از همگان پر شهامت تر و قوی دل تر بود، و از همه ی شجاعان نامدارتر و پر صولت تر و پر صلابت تر، در برابر حق ستیزان از همه تزلزل ناپذیرتر بود و از همه پایدارتر. شیر غرنده ای بود که در گرماگرم پیکار و آن گاه که چکاچک شمشیرها و نیزه ها به هم می آمیخت، تجاوز کاران را به سان آسیاب در هم می نوردید و به سان تند باد و طوفانی که خار و خاشاک را بپراکند آنان را از هم پراکنده می ساخت. شیر حجاز بود و شهسوار عراق سردار نامدار مکه، مدینه، خیف، منی، عقبه، بدر، و احد بود و پیشتاز بیعت رضوان و هجرت در راه خدا و در جهت خشنودی او، سالار عرب بود و شیر ژیان میدان نبرد وارث مشعر و عرفات بود و پدر گرانمایه ی دو نواده ارجمند پیامبر، حسن، حسین.... آری این بزرگمردی که پرتویی از سیمای نورافشان و سبک و سیره انسان پرور و عادلانه اش ترسیم گردید، نیای گرانقدر من امیر مومنان علی (علیه السلام)، فرزند رشید ابوطالب است. (1)

ص: 320

---

1- . بحار الأنوار (ط - بیروت) ج 45 ص 138 باب 39 الوقائع المتأخرة عن قتله صلوات الله عليه إلى رجوع أهل البيت ع إلى المدينة و ما ظهر من إعجازه صلوات الله عليه في تلك الأحوال

وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ مُعَاذِ الرَّضَوِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا لُوطُ بْنُ يَحْيَى الْأَزْدِيُّ، عَنْ عُمَارَةَ بْنِ زَيْدِ الْوَاقِدِيِّ، قَالَ: حَجَّ هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ سَنَةً مِنَ السَّنِينَ، وَكَانَ قَدْ حَجَّ فِي تِلْكَ السَّنَةِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ (عليه السلام) وَابْنُهُ جَعْفَرُ فَقَالَ جَعْفَرُ (عليه السلام) فِي بَعْضِ كَلَامِهِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) بِالْحَقِّ نَبِيًّا، وَأَكْرَمَنَا بِهِ، فَحَنُّ صَفْوَةَ اللَّهِ عَلَى خَلْفِهِ، وَخَيْرُهُ مِنْ عِبَادِهِ، فَالسَّعِيدُ مَنْ اتَّبَعَنَا، وَالشَّقِيُّ مَنْ عَادَانَا وَخَالَفَنَا وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ إِنَّهُ يَتَوَلَّانَا وَهُوَ يُوَالِي أَعْدَاءَنَا وَمَنْ يَلِيهِمْ مِنْ جُلَسَائِهِمْ وَأَصْحَابِهِمْ، فَهُوَ لَمْ يَسْمَعْ كَلَامَ رَبِّنَا وَلَمْ يَعْمَلْ بِهِ. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) فَأَخْبَرَ مُسَيْلَمَةَ أَخَاهُ بِمَا سَمِعَ فَلَمْ يَعْرِضْ لَنَا حَتَّى انْصَرَفَ إِلَى دِمَشْقَ، وَانْصَرَفْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ، فَأَنْفَذَ بَرِيدًا إِلَى عَامِلِ الْمَدِينَةِ بِإِشْرَافِ أَبِي وَإِشْرَافِي مَعَهُ، فَأَشْخَصْنَا، فَلَمَّا وَرَدْنَا دِمَشْقَ حَجَبْنَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، ثُمَّ أَذِنَ لَنَا فِي الْيَوْمِ الرَّابِعِ، فَدَخَلْنَا وَإِذَا هُوَ قَدْ قَعَدَ عَلَى سَرِيرِ الْمُلْكِ، وَجُدُّهُ وَخَاصَّتُهُ وَقُوفٌ عَلَى أَرْجُلِهِمْ سِيَمَاطِينَ مُتَسَلِّحِينَ، وَقَدْ نَصَبَ الْبُرْجَاسَ حِذَاءَهُ، وَاشْتَبَحُ قَوْمَهُ يَرْمُونَ. فَلَمَّا دَخَلَ أَبِي وَأَنَا خَلْفُهُ مَا زَالَ يَسْتَدِينُنَا مِنْهُ حَتَّى حَاذَيْنَاهُ وَجَلَسْنَا قَلِيلًا، فَقَالَ لِأَبِي: يَا أَبَا جَعْفَرٍ، لَوْ رَمَيْتَ مَعَ أَشْيَاخِ قَوْمِكَ الْغَرَضَ. وَإِنَّمَا أَرَادَ أَنْ يَهْتِكَ بِأَبِي ظَنًّا مِنْهُ أَنَّهُ يَقْصِرُ وَيُخْطِئُ وَلَا يُصِيبُ إِذَا رَمَى، فَيَسْتَفِي مِنْهُ بِذَلِكَ، فَقَالَ لَهُ: إِنِّي قَدْ كَبُرْتُ عَنِ الرَّمْيِ، فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُعْمِنِي. فَقَالَ: وَحَقٌّ مَنْ أَعَزَّنَا بِدِينِهِ وَنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ لَا أُغْفِيكَ. ثُمَّ أَوْمَأَ إِلَيَّ شَيْخٍ مِنْ بَنِي

رضه داشت آیا فرزند جعفر نیز میتواند اینگونه تیر اندازی کند؟ ی را که میزد درفتناولِ ابي عند ذلك قوس الشيخ، ثم تناول منه سهما فوضعه في كبد القوس ثم انتزع ورمى وسط الغرض فنصبه فيه، ثم رمى فيه الثانية فشقق فوق سهمه إلى نصله، ثم تابع الرمي حتى شقق تسعة أسهم بعضهم بعضها في جوف بعض، وهشام يصططرب في مجلسه، فلم يتمالك أن قال: أجدت يا أبا جعفر (عليه السلام) وأنت أرمى العرب والعجم، كلاً زعمت أنك قد كبرت عن الرمي. ثم أدركته ندامة على ما قال. وكان هشام لا يكتفي أحداً قبل أبي ولا بعده في خلافته، فهم به وأطرق إطفاءة يرتئي فيه رأياً، وأبي واقف بحذائه مواجهاً له، وأنا وراء أبي. فلما طال وقوفنا بين يديه غضب أبي فهم به، وكان أبي إذا غضب نظر إلى السماء نظر غصبان يتبين للناظر الغضب في وجهه، فلما نظر هشام ذلك من أبي قال له: يا محمد، اصعد، فصعد أبي إلى سريره وأنا أتبعه، فلما دنا من هشام قام إليه فاعتقه وأفعده عن يمينه، ثم اعتنقني وأفعدني عن يمين أبي، ثم أقبل على أبي بوجهه فقال له: يا محمد، لا تزال العرب والعجم تسودها قريش ما دام فيهم مثلك، والله ذك، من علمك هذا الرمي؟ وفي كم تعلمته؟ فقال له أبي: قد علمت أن أهل المدينة يتعاطونهم، فتعاطينهم أيام حداثتي، ثم تركته، فلما أراد أمير المؤمنين مني ذلك عمدت إليه فقال له: ما رأيت مثل هذا الرمي قط منذ عقلت، وما ظننت أن في الأرض أحداً يرمي مثل هذا الرمي، أين رمي جعفر من رميك؟ فقال: إننا نحن نتوارث الكمال والتمام اللذين أنزلهما الله على نبيه في قوله (اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً) والأرض لا تخلو ممن يكمل هذه الأمور التي يقصر عنها غيرنا.

قَالَ: فَلَمَّا سَمِعَ ذَلِكَ مِنْ أَبِي انْقَلَبَتْ عَيْنُهُ الْيُمْنَى فَاحْوَلَتْ وَاحْمَرَّتْ وَجْهَهُ، وَكَانَ ذَلِكَ عَلَامَةً غَضَبِهِ إِذَا غَضِبَ، ثُمَّ أَطْرَقَ هُنَيْئَةً، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ لِأَبِي: أَلَسْنَا بَنُو عَبْدِ مَنَافٍ نَسَبْنَا وَنَسَبُكُمْ وَاحِدًا؟ فَقَالَ أَبِي: نَحْنُ كَذَلِكَ، وَ لَكِنَّ اللَّهَ (جَلَّ ثَنَاؤُهُ) اخْتَصَّنَا مِنْ مَكْنُونٍ سِرِّهِ وَ خَالِصِ عِلْمِهِ، بِمَا لَمْ يَخْتَصَّ أَحَدًا بِهِ غَيْرَنَا. فَقَالَ: أَلَيْسَ اللَّهُ (جَلَّ ثَنَاؤُهُ) بَعَثَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنْ شَجَرَةِ عَبْدِ مَنَافٍ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، أَيْضًا هِيَ وَ أَسْوَدَهَا وَ أَحْمَرَهَا، مِنْ أَيْنَ وَرِثْتُمْ مَا لَيْسَ لِغَيْرِكُمْ؟ وَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَبْعُوثٌ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ (تَبَارَكَ وَ تَعَالَى) (وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، فَمَنْ أَيْنَ وَرِثْتُمْ هَذَا الْعِلْمَ وَ لَيْسَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نَبِيٌّ وَ لَا أَنْتُمْ أَنْبِيَاءُ؟ فَقَالَ: مِنْ قَوْلِهِ (تَعَالَى) لِنَبِيِّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) (لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ) فَالَّذِي أَبْدَاهُ فَهُوَ لِلنَّاسِ كَافَّةً، وَ الَّذِي لَمْ يُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَهُ، أَمَرَ اللَّهُ (تَعَالَى) أَنْ يَخْتَصَّنَا بِهِ مِنْ دُونِ غَيْرِنَا. فَلِذَلِكَ كَانَ يُنَاجِي أَخَاهُ عَلِيًّا مِنْ دُونِ أَصْحَابِهِ، وَ أَنْزَلَ اللَّهُ بِذَلِكَ قُرْآنًا فِي قَوْلِهِ (تَعَالَى) (وَ تَعْيَهَا أُذُنٌ وَاِعْيَةٌ) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِأَصْحَابِهِ: سَأَلْتُ اللَّهَ (تَعَالَى) أَنْ يُجْعَلَهَا أُذُنَكَ يَا عَلِيُّ فَلِذَلِكَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بِالْكَوْفَةِ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ مِنْ كُلِّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ، خَصَّهُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنْ مَكْنُونٍ عِلْمِهِ مَا خَصَّهُ اللَّهُ بِهِ، فَصَارَ إِلَيْنَا وَ تَوَارَثْنَاهُ مِنْ دُونِ قَوْمِنَا. فَقَالَ لَهُ هِشَامٌ: إِنَّ عَلِيًّا كَانَ يَدْعِي عِلْمَ الْغَيْبِ، وَ اللَّهُ لَمْ يُطْلِعْ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا فَمِنْ أَيْنَ ادَّعَى ذَلِكَ؟ فَقَالَ أَبِي: إِنَّ اللَّهَ (جَلَّ ذِكْرُهُ) أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ كِتَابًا بَيَّنَّ فِيهِ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فِي قَوْلِهِ (وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى

لِلْمُسْلِمِينَ ) وَفِي قَوْلِهِ (كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ) وَفِي قَوْلِهِ (مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ) وَفِي قَوْلِهِ (وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ) وَ أَوْحَى اللَّهُ (تَعَالَى) إِلَى نَبِيِّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْ لَا يُبْقِيَ فِي غَيْبِهِ وَ سِرِّهِ وَ مَكْنُونِ عِلْمِهِ شَيْئًا إِلَّا يَبْتَاحِي بِهِ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) فَأَمْرَهُ أَنْ يُؤَلِّفَ الْقُرْآنَ مِنْ بَعْدِهِ، وَ يَتَوَلَّى غُسْلَهُ وَ تَكْفِينَهُ وَ تَحْنِيطَهُ مِنْ دُونِ قَوْمِهِ، وَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: حَرَامٌ عَلَيَّ أَصْحَابِي وَ أَهْلِي أَنْ يَنْظُرُوا إِلَيَّ عَوْرَتِي غَيْرَ أَخِي عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَإِنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ، لَهُ مَا لِي وَ عَلَيْهِ مَا عَلَيَّ، وَ هُوَ قَاضِي دِينِي وَ مُنْجِزُ مَوْعِدِي. ثُمَّ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) يُفَاتِلُ عَلِيَّ تَأْوِيلَ الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلِيَّ تَنْزِيلَهُ. وَ لَمْ يَكُنْ عِنْدَ أَحَدٍ تَأْوِيلَ الْقُرْآنِ بِكَمَالِهِوَ تَمَامِهِ إِلَّا عِنْدَ عَلِيٍّ وَ لِذَلِكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِأَصْحَابِهِ: أَفْضَاكُمْ عَلِيٌّ، أَيُّهُ قَاضِيكُمْ. وَ قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: لَوْ لَا عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام) لَهَلَكَ

عُمَرُ أَفَيْشَهُدُ لَهُ عُمَرُ وَ يَجْحَدُ غَيْرُهُ!؟

عمارة بن زید واقدی گوید: هشام بن عبد الملك در یکی از سال ها برای حج به مکه آمد و در آن سال محمد بن علی باقر (علیه السلام) و فرزندش جعفر بن محمد (علیه السلام) هم به حج آمده بودند، جعفر بن محمد (علیه السلام) در یکی از سخنانش فرموده بودند. ستایش خداوندی را سزااست که محمد (صلی الله علیه و آله) را به حق خلعت نبوت داد و ما را به وسیله او گرامی نمود، ما برگزیدگان مخلوقات و بهترین بندگان او می باشیم، خوشبخت کسی است که از ما پیروی کند و بدبخت و شقی آن است که از ما دوری نماید و با ما به مخالفت برخیزد. در میان مردم کسانی هستند که می گویند ما را دوست می دارند و محبت ما را در دل خود دارند، در حالی که همین گونه مردمان مدعی محبت ما با دشمنان ما هم ارتباط دارند و آنها را دوست می دارند، آنها با کسانی که با ما دشمن

می باشند هم نشینی می کنند و با یاران دشمنان ما رفت و آمد دارند، آنها هرگز کلام خدا را نشنیده اند و به آن عمل نکرده اند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مسلمة بن عبد الملك جریان را به برادرش گفت او هم چیزی به ما نگفت و به طرف شام رفت و ما هم به طرف مدینه برگشتیم، چندی نگذشت که پیامی به عامل مدینه رسید و هشام دستور داده بود که من و پدرم را به طرف شام روانه کنند. عامل مدینه هم ما را روانه شام کرد و من همراه پدرم وارد دمشق شدیم، هشام سه روز ما را معطل کرد و به ما اذن ورود نداد، روز چهارم ما را نزد هشام بردند، مشاهده کردیم او روی تخت سلطنت نشسته و سربازان و نزدیکانش پیرامون او را گرفته اند و همگان مسلح و در حال قیام می باشند، در وسط تالار هدفی گذاشته بودند که بزرگان قومش به سوی آن تیراندازی می کردند. ما به اتفاق پدر وارد بر هشام شدیم، پدرم قبل از من حرکت می کرد و من هم دنبالش می رفتم، تا آن گاه که در مقابلش قرار گرفتیم هشام متوجه پدرم شد و عرضه داشت: ای محمد! تو هم تیراندازی کن و با پیرمردان قومت همراهی نما. او گمان می کرد پدرم نخواهد توانست هدف گیری کند و بدین وسیله او را تحقیر کرده و استهزاء نماید و انتقام خود را بگیرد و دلش را آرام کند، پدرم فرمود: من پیر شده ام و از تیراندازی باز مانده ام بهتر است از من درگذرید، هشام عرضه داشت: به حق آن کسی که ما را به دین او عزت داد و به حق محمد (صلی الله علیه و آله) شما را آزاد نخواهم گذاشت باید تیراندازی کنی. بعد از آن به یکی از شیوخ بنی امیه گفت: کمان خود را به او بدهید تا تیراندازی کند، پدرم کمان را از او گرفت و تیری برداشت در کمان نهاد و آن را رها کرد و تیر درست در وسط هدف نشست، سپس تیر دوم را زد که به انتهای چوب تیر اول برخورد کرد و آن را شکافت تا به نوک پیکان آن رسید به همین شکل نه تیر پشت سر هم به هدف زد که هریک تیر قبلی را می شکافت و در یک دیگر داخل می شد. هشام حالش دگرگون شد و مضطرب گردید و گفت: یا ابا

جعفر نیکو هدف گیری کردی و تو امروز تیراندازترین عرب و عجم می باشی، تو گفتمی من پیر شده ام و توانائی ندارم تیراندازی کنم، بعد از آن از گفته اش پشیمان شد، هشام در خلافت خود کسی را با کنیه خطاب نمی کرد و فقط پدرم را با کنیه صدا زد. هشام مدتی سر بر زمین دوخت و ما هم در مقابل او قرار داشتیم، پدرم جلو و من هم دنبالش بودم... سپس هشام خطاب به پدرم عرضه داشت: ای محمد! بالا بیا، پدرم بالای تخت او رفت و من هم دنبالش رفتم، وقتی که نزدیک هشام رسید از جایش برخاست و او را در آغوش گرفت و در جانب راست خود نشانید و بعد هم مرا در آغوش گرفت و در طرف راست پدرم نشانید. بعد از آن متوجه پدرم شد و عرضهداشت: ای محمد! قرشیان بر عرب و عجم حکومت خواهند کرد مادامی که مانند شما در میان آنها باشند، خداوند تو را سلامتی بدهد این تیراندازی را از که آموختی و در چه مدت آن را فرا گرفتی. حضرت فرمود: خودت می دانی که اهل مدینه به تیراندازی عادت دارند و من هم در جوانی به این کار مشغول بودم و بعد آن را ترك کردم اینك که از من خواستی من هم بار دیگر تیراندازی کردم هشام گفت: من از هنگامی که به سن رشد رسیده ام چنین تیراندازی ندیده ام و گمان نمی کنم در روی زمین چنین تیراندازی باشد. هشام گفت: جعفر هم مانند شما تیراندازی می کنند فرمودند: ما از اجدادمان کمال و تمام امتیازاتی که در این آیه خدا نازل نموده (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) <sup>(1)</sup> به ارث برده ایم جهان خالی از حجتی که قدرت بر انجام امور شگفت انگیز داشته باشد نیست چنان قدرتی به غیر ما خانواده داده نشده. حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: هشام وقتی این سخنان را از پدرم شنید چشم راست او برگشت و صورتش قرمز شد. این برگشتن چشم و قرمزی صورت علامت خشم او بود قدری سر به زیر انداخت. سپس سر بلند نموده عرضه داشت: مگر من و شما هر دو از فرزندان عبد مناف نیستیم مگر دارای يك نژاد

ص: 326

نیستیم؟ پدرم فرمود: چرا ما نیز از همان نژادیم ولی خداوند از خزانه غیب خود به ما امتیازهایی داده که به هیچ کس نداده. هشام عرضه داشت: مگر خداوند محمد(صلی الله علیه و آله) را از نژاد عبد مناف برای همه مردم سیاه و سفید و قرمز نفرستاد. از کجا شما بارث مقامی را بردید که به دیگری داده نشد پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای همه مردم فرستاده شده این آیه قرآن نیز می فرماید میراث آسمان و زمین از خداست (وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) (1) از کجا به شما این علم رسید با اینکه بعد از محمد(صلی الله علیه و آله) پیامبری نیست و شما نیز پیامبر نمی باشید؟ پدرم فرمود: از فرموده ای خدای بزرگ به پیامبرش در این آیه (لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ) (2) آن کسی که نباید برای دیگران زبان بگشاید خدا به او امر می کند که به ما این امتیاز را بدهد و دیگران محروم باشند به همین جهت تنها با علی(علیه السلام) به گفتگوی سری پرداخت و خداوند این آیه را نازل نمود (وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاَعْيَةٌ) (3) پیامبر(صلی الله علیه و آله) در میان اصحاب فرمود: از خدا درخواست کردم که آن گوش تو باشد علی جان. به همین جهت علی بن ابی طالب(علیه السلام) در کوفه گفت برایم پیامبر(صلی الله علیه و آله) هزار در از علم گشود که از هر در هزار در دیگر باز می شد امتیازاتی پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) به علی(علیه السلام) داد از خزانه اسرار همان طور که شما به محبوبترین شخص در نزد خود امتیازی می دهید. آنچنان که خدا پیامبر(صلی الله علیه و آله) را ممتاز گردانید پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) نیز برادر خود علی(علیه السلام) را امتیاز بخشید آن نیرو و قدرت ها از راه ارث به ما رسید بدون اینکه حتی سایر بستگان ما شریک باشند. هشام گفت علی(علیه السلام) ادعای علم غیب می کرد با اینکه خداوند هیچ کس را بر غیب مطلع نکرده از کجا چنین ادعائی می کرد. حضرت فرمود: خداوند بزرگ نوشته ای برای پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرستاد که در آن تمام اسرار گذشته و آینده تا روز قیامت بود چنانچه این آیه شاهد است (وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ) (4) و در این آیه دیگر (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ) (5) و در این آیه (ما فَرَّطْنَا فِي

ص: 327

1- . آل عمران آیه 180

2- . القيامة آیه 16

3- . الحاقة آیه 12

4- . النحل آیه 89

5- . يس آیه 12



خداوند به پیامبرش وحی کرد که تمام اسرار را با علی (علیه السلام) در میان گذارد دستور داد بعد از او قرآن را جمع کند غسل و کفن و سایر کارهای دفن او را خودش انجام دهد. به اصحاب خود فرمود: ...علی (علیه السلام) از من و من از اویم سود من از او و سود او از من و زیان او و من همین طور است او پرداخت کننده قرض من و انجام دهنده ی تعهدات من است. و فرمود به اصحاب که علی بن ابی طالب (علیه السلام) بر تاویل قرآن جنگ خواهد کرد همان طوری که من در تنزیل آن جنگ نمودم هیچ کس جز علی (علیه السلام) عالم بر تمام تاویل قرآن نبود به همین جهت پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود بهترین داور شما علی (علیه السلام) است منظورش این بود که او فقط داور است و عمر بن خطاب گفت: لَوْ لَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عُمَرُ اگر علی (علیه السلام) نبود عمر هلاک می شد عجیب اینجاست که عمر این مطلب را قبول دارد اما دیگران انکار می کنند. (2)

امیرالمومنین از زبان امام صادق

أَخْبَرَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مَيْمُونِ الْبَرَّازُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ زِيَادُ بْنُ رُسْتَمَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ كَثُومٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام) فَذَكَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) فَأَطْرَاهُ وَمدَحَهُ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ ثُمَّ قَالَ وَاللَّهِ مَا أَكَلَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) مِنَ الدُّنْيَا حَرَامًا قَطُّ حَتَّى مَضَى لِسَبِيلِهِ وَمَا عَرِضَ لَهُ أَمْرَانِ قَطُّ هُمَا لِلَّهِ رِضَى إِلَّا أَخَذَ بِأَشْدَّهِمَا عَلَيْهِ فِي دِينِهِ وَمَا نَزَلَتْ بِرَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) نَازِلَةٌ قَطُّ إِلَّا دَعَاهُ فَقَدَّمَهُ ثِقَةً بِهِ وَمَا

ص: 328

1- . الانعام آية 38

2- . دلایل الإمامة ص 235 ذکر معجزاته أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ ح 26

أَطَاقَ عَمَلِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ غَيْرُهُ وَإِنْ كَانَ لَيَعْمَلُ عَمَلِ رَجُلٍ كَانَ وَجْهُهُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ يَرْجُو ثَوَابَ هَذِهِ وَ يَخَافُ عِقَابَ هَذِهِ وَ لَقَدْ أَعْتَقَ مِنْ مَالِهِ أَلْفَ مَمْلُوكٍ فِي طَلَبِ وَجْهِ اللَّهِ وَ النَّجَاةِ مِنَ النَّارِ مِمَّا كَدَّ بِيَدَيْهِ وَ رَسَّحَ مِنْهُ جَبِينَهُ وَإِنْ كَانَ لَيَقُوتُ أَهْلَهُ بِالزَّيْتِ وَ الْخَلِّ وَ الْعَجْوَةِ وَ مَا كَانَ لِيَأْسُهُ إِلَّا الْكَرَائِسَ إِذَا فَضَلَ شَيْءٌ عَنْ يَدِهِ مِنْ كَمِّهِ دَعَا بِالْجَلْمِ فَقَصَّه وَ مَا أَشَدَّ بَهْهُ مِنْ وُلْدِهِ وَ لَا أَهْلَ بَيْتِهِ أَحَدٌ أَقْرَبُ شَبْهًا بِهِ فِي لِيَأْسِهِ وَ فَقْهِهِ مِنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ لَقَدْ دَخَلَ أَبُو جَعْفَرٍ ابْنُهُ (عليه السلام) عَلَيْهِ فَإِذَا هُوَ قَدْ بَلَغَ مِنَ الْعِبَادَةِ مَا لَمْ يَبْلُغْهُ أَحَدٌ قَرَأَهُ قَدْ اصْفَرَ لَوْنُهُ مِنَ السَّهْرِ وَ رَمِصَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْبُكَاءِ وَ دَبَّرَتْ جَبْهَتُهُ وَ انْخَرَمَ أَنْفُهُ مِنَ السُّجُودِ وَ وَرِمَتْ سَاقَاهُ وَ قَدَمَاهُ مِنَ الْقِيَامِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَلَمْ أَمْلِكْ حِينَ رَأَيْتُهُ بِتِلْكَ الْحَالِ الْبُكَاءَ فَبَكَيتُ رَحْمَةً لَهُ وَ إِذَا هُوَ يُفَكِّرُ فَالْتَفَتَ إِلَيَّ بَعْدَ هُنَيْهَةٍ مِنْ دُخُولِي فَقَالَ يَا بُنَيَّ أَعْطِنِي بَعْضَ تِلْكَ الصُّحُفِ الَّتِي فِيهَا عِبَادَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَأَعْطَيْتُهُ فَقَرَأَ فِيهَا شَيْئًا يَسِيرًا ثُمَّ تَرَكَهَا مِنْ يَدِهِ تَضَجُّرًا وَقَالَ مَنْ يَقْوَى عَلَى عِبَادَةِ عَلِيِّ (عليه السلام)

حسن بن محمد بن يحيى (به سند خود) از سعید بن کلثوم روایت کند که گفت: شرفیاب محضر امام صادق (عليه السلام) بودم، پس نام امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (عليه السلام) به میان آمد، امام صادق (عليه السلام) او را ستود، و آنچه شایسته آن بزرگوار بود مدحش کرد آنگاه فرمود: به خدا علی بن ابی طالب (عليه السلام) هرگز چیز حرامی از دنیا نخورد تا از دنیا رفت، و هرگز به او پیشنهاد انجام دو کاری که مورد خوشنودی خدا بود نشد جز اینکه انجام هر کدام سخت تر و دشوارتر بود بر عهده گرفت، و هیچ پیش آمد ناگوار و اندوهناکی برای رسول خدا (صلى الله عليه وآله) پیش نیامد جز اینکه برای برطرف کردن آن علی (عليه السلام) را می طلبید، و

این بخاطر آن اعتمادی بود که به او داشت، و کسی از این امت تاب انجام عمل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را جز آن جناب نداشت، و عمل او عمل مردی بود که خود را گویا میانبہشت و دوزخ می دید، که امیدوار در ثواب این و ترسناک از عقاب آن بود، و همانا از دارائی خویش هزار بنده خرید و در راه خدا و برای رهایی از دوزخ آزاد کرد، که بهای آن را از دسترنج خود و عرق پیشانی داد و با این حال خوراک خانواده و زن و بچه خود را از زیتون و سرکه و خرما ترتیب داده بود (یعنی با خوراکی بسیار ساده آنان را اداره می کرد و زیادی آن را باین راه مصرف می نمود) و جامه اش جز کرباس نبود که هر گاه آستین آن بلندتر از دستش بود مقرض را می خواست و آن را قیچی می کرد، و کسی در میان فرزندان و خانواده او از علی بن الحسین (علیه السلام) به او در جامه و دانش شبیه تر نبود، و همانا پسرش ابو جعفر باقر (علیه السلام) بر او درآمد و پدر را دید در عبادت بدان جا رسیده که احدی بدان حال در نیامده، دید به واسطه بیداری شب رنگش زرد شده، و از بسیاری گریه چشمانش مجروح گشته، پیشانی و بینی او از بسیاری سجده پینه بسته، و از بس برای نماز روی پا ایستاده پاها و ساق آن ورم کرده، ابو جعفر باقر (علیه السلام) فرماید: چون او را باین حال دیدم نتوانستم خودداری کنم و از روی دلسوزی برای او گریستم، و او در آن حال سر به جیب تفکر فرو برده بود، پس از لختی که از رفتن من بدان جا گذشت به من رو کرده فرمود: ای پسر من برخی از کتاب هائی که عبادت علی بن ابی طالب (علیه السلام) در آن نوشته شده به من بده، من آن را به دستش دادم، اندکی از آن را خواند آنگاه با اندوه آن را به زمین نهاده فرمود: کیست که تاب و نیروی عبادت علی بن ابیطالب (علیه السلام) امیرالمومنین را داشته باشد. (1)

مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ جَابِرٍ وَ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: أَوْصَى

ص: 330

مُوسَى (عليه السلام) إِلَى يُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَأَوْصَى يُوشَعَ بْنَ نُونٍ إِلَى وَلَدٍ هَارُونَ وَلَمْ يُوصِ إِلَى وَلَدِهِ وَلَا إِلَى وَلَدِ مُوسَى (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَهُ الْخَيْرَةُ يَحْتَارُ مَنْ يَشَاءُ مِمَّنْ يَشَاءُ وَبَشَّرَ مُوسَى (عليه السلام) وَيُوشَعَ بِالْمَسِيحِ (عليه السلام) فَلَمَّا أَنْ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْمَسِيحَ (عليه السلام) قَالَ الْمَسِيحُ لَهُمْ إِنَّهُ سَوْفَ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي نَبِيٌّ اسْمُهُ أَحْمَدُ (صلى الله عليه وآله) مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ (عليه السلام) يَجِيءُ بِتَصَدِيقِي وَتَصَدِيقِكُمْ وَعُذْرِي وَعُذْرِكُمْ... فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) أَسَدَ لِمَنْ لَهُ الْعَقِبُ مِنَ الْمُسَدِّ تَحْفِظِينَ وَكَذَبَهُ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَدَعَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ عَلَيْهِ أَنْ أَعْلِنَ فَضْلَ وَصِيَّتِكَ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ الْعَرَبَ قَوْمٌ جَفَاءٌ لَمْ يَكُنْ فِيهِمْ كِتَابٌ وَلَمْ يُبْعَثْ إِلَيْهِمْ نَبِيٌّ وَلَا يَعْرِفُونَ فَضْلَ نُبُوتِ الْأَنْبِيَاءِ وَلَا شَرَفَهُمْ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِي إِنْ أَنَا أَخْبَرْتُهُمْ بِفَضْلِ أَهْلِ بَيْتِي فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ (ولا- تَحْزَنُ عَلَيْهِمْ) (1) (وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ) (2) فَذَكَرَ مِنْ فَضْلِي وَصِيَّتِي ذِكْرًا فَوَقَعَ النِّقَاقُ فِي قُلُوبِهِمْ فَعَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) ذَلِكَ وَمَا يَقُولُونَ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) (وَلَقَدْ نَعَلْنَاكَ إِضِيئًا صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ) (3) (فَأَنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ) (4) وَلَكِنَّهُمْ يَجْحَدُونَ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَهُمْ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَتَأَلَّفُهُمْ وَيَسْتَعِينُ بِبَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَا يَزَالُ يُخْرِجُ لَهُمْ شَيْئًا فِي فَضْلِ وَصِيَّتِي حَتَّى نَزَلَتْ هَذِهِ السُّورَةُ فَاحْتَجَّ عَلَيْهِمْ حِينَ أُعْلِمَ بِمَوْتِهِ وَنُعِيَتْ إِلَيْهِ نَفْسُهُ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ (وَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ) (5) يَقُولُ إِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصَبْ عَلَمَكَ وَأَعْلِنِ وَصِيَّتَكَ فَأَعْلَمَهُمْ فَضْلَهُ عِلَانِيَةً فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ لَأَبْعَثَنَّ رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَ

ص: 331

- 1- . النحل آية 127
- 2- . الزخرف آية 89
- 3- . الحج آية 97
- 4- . الانعام آية 33
- 5- . الشرح الآيات 7 و 8

رَسُولُهُ (صلى الله عليه وآله) وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ (صلى الله عليه وآله) لَيْسَ بِفَرَارٍ يُعْرَضُ بِمَنْ رَجَعَ يُجِبُّنَ أَصْحَابَهُ وَيُجَبُّونَهُ وَقَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) سَدَّيْتُ الْمُؤْمِنِينَ وَقَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) عَمُودُ الدِّينِ وَقَالَ هَذَا هُوَ الَّذِي يَصْدُرُ بِالنَّاسِ بِالسَّيْفِ عَلَى الْحَقِّ بَعْدِي وَقَالَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَيَّنَّمَا مَالَ وَقَالَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَهْلَ بَيْتِي عَثَرَتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَقَدْ بَلَغْتُ إِنَّكُمْ سَتَرِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ فَاسْأَلْكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَالثَّقَلَانِ كِتَابَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَأَهْلَ بَيْتِي فَلَا تَسْ بِقَوْمِهِمْ فَتَهْلِكُوا وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ وَهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ فَوَقَّعَتِ الْحُجَّةَ بِقَوْلِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) وَبِالْكِتَابِ الَّذِي يَقْرَأُهُ النَّاسُ فَلَمْ يَزَلْ يُلْقِي فَضَلَ أَهْلَ بَيْتِهِ بِالْكَلامِ وَيُبَيِّنُ لَهُمُ بِالْقُرْآنِ (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) (1) وَقَالَ عَزَّ ذِكْرُهُ (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى) (2) ثُمَّ قَالَ (وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ) (3) فَكَانَ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَكَانَ حَقُّهُ الْوَصِيَّةَ الَّتِي جُعِلَتْ لَهُ وَالْإِسْمَ الْأَكْبَرَ وَمِيرَاثَ الْعِلْمِ وَأَثَرَ عِلْمِ النَّبُوَّةِ فَقَالَ (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) (4) ثُمَّ قَالَ (وَإِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ) (5) يَقُولُ أَسْأَلُكُمْ عَنِ الْمَوَدَّةِ الَّتِي أَنْزَلْتُ عَلَيْكُمْ فَضَلَّهَا مَوَدَّةُ الْقُرْبَى بِأَيِّ ذَنْبٍ قَتَلْتُمُوهُمْ وَقَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ (فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) (6) قَالَ الْكِتَابُ هُوَ الذِّكْرُ وَأَهْلُهُ آلُ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِسُؤَالِهِمْ وَلَمْ يُؤْمَرُوا بِسُؤَالِ الْجُهَالِ وَسَمَّى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْقُرْآنَ ذِكْرًا فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) (7) وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ (وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ) (8) وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ

ص: 332

- 1- . الاحزاب آية 33
- 2- . الانفال آية 41
- 3- . الاسراء آية 26
- 4- . الشورى آية 23
- 5- . التكويد الآيات 8 و 9
- 6- . النحل آية 43
- 7- . النحل آية 44
- 8- . الزخرف آية 44

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (1) وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ (وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى) (2) اللَّهُ وَإِلَى (الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ) (3) فَرَدَّ الْأَمْرَ أَمْرَ النَّاسِ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ الَّذِينَ أَمَرَ بِطَاعَتِهِمْ وَبِالرَّدِّ إِلَيْهِمْ فَلَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِنْ حَبَّةِ الْوَدَاعِ نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَيْلُ (عليه السلام) فَقَالَ (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) (4) فَنادَى النَّاسَ فَاجْتَمَعُوا وَأَمَرَ بِسَمَرَاتٍ فَقَمَّ شَوْكُهُنَّ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ وَلِيكُمْ وَأُولَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً هُ فَعَلِيٌّ (عليه السلام) مَوْلَاةُ اللَّهِ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَوَفَعَتْ حَسَّ كَةَ التَّفَاقِ فِي قُلُوبِ الْقَوْمِ وَقَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ هَذَا عَلَيَّ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) فَطُ وَ مَا يُرِيدُ إِلَّا أَنْ يَرْفَعَ بِضَبْعِ ابْنِ عَمِّهِ فَلَمَّا قَدِمَ الْمَدِينَةَ أَتَتْهُ الْأَنْصَارُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنْ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ قَدْ أَحْسَنَ إِلَيْنَا وَشَرَّفَنَا بِكَ وَبَنَزَلَكَ بَيْنَ ظَهْرَانَيْنَا فَقَدْ فَرحَ اللَّهُ صَدِيقَنَا وَكَبَّتْ عَدُوَّنَا وَقَدْ يَأْتِيكَ وَفُودٌ فَلَا تَجِدُ مَا تُعْطِيهِمْ فَيَسْتَمِتُ بِكَ الْعَدُوُّ فَنَحِبُ أَنْ تَأْخُذَ ثُلُثَ أَمْوَالِنَا حَتَّى إِذَا قَدِمَ عَلَيْكَ وَفَدُ مَكَّةَ وَجَدْتَ مَا تُعْطِيهِمْ فَلَمْ يَرُدَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلَيْهِمْ شَيْئاً وَكَانَ يَنْتَظِرُ مَا يَأْتِيهِ مِنْ رَبِّهِ فَنَزَلَ جِبْرَيْلُ (عليه السلام) وَقَالَ (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) (5) وَ لَمْ يَقْبَلْ أَمْوَالَهُمْ فَقَالَ الْمُتَنَافِقُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ هَذَا عَلَيَّ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَمَا يُرِيدُ إِلَّا أَنْ يَرْفَعَ بِضَبْعِ ابْنِ عَمِّهِ وَيَحْمِلَ عَلَيْنَا أَهْلَ بَيْتِهِ يَقُولُ أَمْسِ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةُ فَعَلِيٌّ (عليه السلام) مَوْلَاةُ وَالْيَوْمِ (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) ثُمَّ نَزَلَ عَلَيْهِ آيَةُ الْخُمْسِ فَقَالُوا يُرِيدُ أَنْ

ص: 333

1- . النساء آية 59

2- . النساء آية 83

3- . النساء آية 83

4- . المائدة آية 67

5- . الشورى آية 23

يُعْطِيهِمْ أَمْوَالَنَا وَفِيْنَا ثُمَّ أَتَاهُ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) إِنَّكَ قَدْ فَضَيْتَ نُبُوتَكَ وَاسْتَكْمَلْتَ أَيَّامَكَ فَاجْعَلِ  
 إِلَّا سَمَ الْأَكْبَرَ وَمِيرَاثَ الْعِلْمِ وَآثَارَ عِلْمِ النَّبُوَّةِ عِنْدَ عَلِيِّ (عليه السلام) فَإِنِّي لَمْ أَنْزِكِ الْأَرْضَ إِلَّا وَ لِي فِيهَا عَالِمٌ تُعْرَفُ بِهِ طَاعَتِي وَ تُعْرَفُ بِهِ  
 وَلَا يَتِي وَيَكُونُ حُجَّةً لِمَنْ يُؤَلِّدُ بَيْنَ قَبْضِ النَّبِيِّ إِلَى خُرُوجِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) الْآخِرِ قَالَ فَأَوْصَى إِلَيْهِ بِالْأَسْمِ الْأَكْبَرِ وَ مِيرَاثِ الْعِلْمِ وَ  
 آثَارِ عِلْمِ النَّبُوَّةِ وَ أَوْصَى إِلَيْهِ بِالْفِ كَلِمَةٍ وَ أَلْفِ بَابٍ يَفْتَحُ كُلَّ كَلِمَةٍ وَ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ كَلِمَةٍ وَ أَلْفَ بَابٍ.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: .... و چون خدای عز و جل مسیح (عليه السلام) را مبعوث ساخت، مسیح (عليه السلام) به مردم گفت:  
 همانا پس از من پیغمبری که نامش احمد (صلى الله عليه وآله) و از اولاد اسماعیل (عليه السلام) است خواهد آمد که مرا و شما را تصدیق  
 می کند (به نبوت من و پیروی شما باور دارد) و حجت و عذر مرا و شما را می آورد مانند من و شما احتجاج می کند و قول بالوہیت مرا از  
 من و شما نفی می کند) .... و چون خدای عز و جل محمد (صلى الله عليه وآله) مبعوث کرد، مستحفظین پسین به او اسلام آوردند و بنی  
 اسرائیل تکذیب نمودند، او به سوی خدای عز و جل دعوت کرد و در راهش جهاد نمود تا آنکه خدای جل ذکره به او امر فرستاد که  
 فضیلت وصیت را آشکار کن، پیغمبر (صلى الله عليه وآله) عرضه داشت: پروردگارا! عرب مردمی خشنند، در میان ایشان کتابی نبوده و  
 برای آنها پیغمبری مبعوث نگشته و به فضیلت و شرف پیغمبران آگاه نیستند، اگر من فضیلتاھل بیتم را به آنها بگویم، ایمان نمی آورند، پس  
 پس خدای جل ذکره فرمود: (وَ لَا تَحْزَنُ عَلَيْهِمْ وَ قُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ) غم آنها را مخور و بگو سلام شما در آینده می دانید پیغمبر  
 اندکی از فضیلت وصیش تذکر داد، و در دل ها نفاق افتاد رسول خدا (صلى الله عليه وآله) آن نفاق و گفتار ایشان بدانست، خدای جل  
 ذکره فرمود: ای محمد! (وَ لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ يَصْبِقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ) (فَأِنَّهُمْ لَا يُكْذِبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ

يَجْحَدُونَ) محققا ما مي دانيم که تو سینه ات از آنچه مي گویند تنگ می شود ايشان تو را تکذيب نمي کنند بلکه ستمگران آیات خدا را انکار مي کنند يعنی بلکه بدون اینکه دليلی داشته باشند انکار مي کنند. رسول خدا ايشان را الفت مي داد و بعضی را ياور بعضی ديگر مي ساخت و همیشه چیزی از فضیلت و صییش را به آنها گوشزد مي کرد، تا آنکه اين سوره (انشراح) نازل شد و پيغمبر (صلی الله عليه و آله) زمانی که از شهادت خود آگاه شد و گزارش آن را شنید، بر آنها احتجاج کرد، و خدای فرموده: (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ) چون فراغ يافتی در عبادت کوش [نصب کن] و به سوی پروردگارت راغب شو مي فرماید: چون (از تبليغ رسالت) فراغ يافتی پرچم و نشانه ات يعنی علی (عليه السلام) را نصب کن و وصیت را آشکار نما پيغمبر (صلی الله عليه و آله) هم (در روز غدیر) فضیلت علی (عليه السلام) را آشکارا اعلام کرد. و فرمود: هر که من مولای او هستم علی (عليه السلام) مولای او است، خدایا دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن تا سه مرتبه و باز در جنگ خیبر بعد از آنکه چند تن را پرچمدار کرد و نتوانستند فتح کنند فرمود: همانا مردی را اعزام کنم که او خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش او را، او فرارکننده نیست با این جمله پيغمبر گوشه مي زند به کسی که از در قلعه خیبر برگشت، او اصحابش را ترسو مي شمرد و اصحابش او را و باز پيغمبر (صلی الله عليه و آله) فرمود: علی (عليه السلام) آقای مؤمنین است و فرمود: علی (عليه السلام) ستوندين است و فرمود: اينست همان کسی که پس از من از روی حق با شمشير گردن مردم را می زند، و فرمود: به هر جانب که علی (عليه السلام) رود، حق همراه اوست، و فرمود: همانا من دو امر در میان شما مي گذارم، اگر آنها را بپذيريد، هرگز گمراه نشويد کتاب خدای عز و جل اهل بيت و عترت من، ای مردم گوش کنید که من تبليغ کردم، شما در قيامت سر حوض بر من وارد مي شويد و من از آنچه نسبت به ثقلين انجام داده ايد از شما بازخواست مي کنم، و ثقلين، کتاب خدا جل ذکرة و اهل بيت منند،

برایشان پیشی



نگیرید که هلاک شوید، و به ایشان چیزی نیاموزید که آنها از شما دانایانند. بنا بر این حجت (خدا برای مردم) با قول پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و قرآنی که خود مردم آن را می خوانند ثابت شد، زیرا پیغمبر (صلی الله علیه و آله) همواره فضیلت اهل بیتش را به وسیله بیان القا می فرمود و به وسیله قرآن برای مردم روشن می ساخت. (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) خدا می خواهد ناپاکی را از شما اهل این خانه ببرد و پاکیزتان کند، پاکیزه کامل خدای عز ذکره فرمود: (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى ) بدانید که هر چه غنیمت بدست آرید، پنج يك آن از آن خدا و پیغمبر او و خویشان او .... است و سپس فرمود: (وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ) حق خویشاوندان را بده مقصود از خویشاوندان علی (علیه السلام) است و حق او وصیتی است که برای او قرار داده و اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوتست. و فرمود: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) بگو من از شما برای پیغمبری مزدی جز دوستی خویشاوندان نمی خواهم سپس فرمود: (وَإِذَا الْمَوْؤُدَةُ سَأَلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ) و زمانی که در باره دختر زنده بگور رفته بازخواست شود که بچه گناهی کشته شد؟ خدا می فرماید در باره مودت و دوستی که فضیلت آن را بر شما نازل کردم از شما بازخواست میکنم و آن مودت خویشاوندان پیغمبر است که ایشان را به چه گناه کشتید؟ و باز خدا جلدذکره فرمود: (فَسَدُّ مَلَأُوا أَهْلَ الذُّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) اگر نمی دانید از اهل ذکر پرسید، فرماید قرآن ذکر است و اهل قرآن آل محمدند که خدای عز و جل مردم را به سؤال از ایشان امر کرده است، و مردم به سؤال از جهال و نادانان دستور ندارند، و خدای عز و جل قرآن را ذکر نامیده، در آنجا که فرماید: (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذُّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) ما ذکر را به تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه نازل شده بیان کنی شاید اندیشه کنند و باز فرمود، (وَ إِنَّهُ

لَذِكْرُكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ ) قرآن برای تو و قوم تو ذکر است و در آینده باز خواست شوید و خدای فرمود: (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ) خدا را فرمان برید و پیغمبر و صاحبان امر از خودتان را فرمان برید و فرمود: (وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ ) و اگر آن را (بخدا و) رسول و صاحبان امر از خود ارجاع دهند، کسانی که از آنها اهل استنباطند، بدانند، پس مقصود از ارجاع امر، ارجاع امر مردم است به صاحبان امر از آنها که خدا مردم را به اطاعت از ایشان و رجوع به ایشان دستور داده است. و چون رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از حجة الوداع بازگشت، جبرئیل(علیه السلام) بر او نازل شد و گفت: (يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِيْكَ مِنَ النَّاسِ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) ای پیغمبر! آنچه از پروردگارت به تو نازل شده ابلاغ کن، و اگر نکنی رسالت او را نرسانیده‌ئی، خدا تو را از شر مردم ننگه می دارد، همانا خدا کافران را هدایت نمی کند پیغمبر(صلی الله علیه و آله) مردم را فریاد زد، تا گرد آمدند و دستور داد تا خارهای بوته های خار را تراشیدند (تا بتوان روی آنها نشست و ایستاد). سپس آن حضرت فرمود: ای مردم ولی شما و سزاوارتر از خود به شما کیست؟ گفتند: خدا و رسولش، پس فرمود: هر که من مولای او هستم علی(علیه السلام) مولای اوست، خدایا دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن پس خار نفاق در دل آن مردم افتاد و گفتند: خدا جل ذکره هرگز چنین امری بر محمد(صلی الله علیه و آله) نازل نکرده بلکه او می خواهد بازوی پسر عمویش را بلند کند (او را بر ما رئیس کند) چون پیغمبر(صلی الله علیه و آله) به مدینه وارد شد، انصار نزد او آمدند و گفتند: ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله) خدای جل ذکره به ما احسان فرمود و از برکت تشریف فرمائی شما در میان ما، به ما شرافت بخشید، و دوست ما را شاد و دشمن ما را سرکوب کرد، اکنون واردین نزد شما می آیند و بسا چیزی نداری که به آنها عطا کنی و موجب شماتت دشمن می شود، ما دوست داریم که شما یک سوم

اموال ما را قبول فرمائی تا اگر از مکه اشخاصی بر شما وارد شدند، برای عطاء به آنها چیزی داشته باشی، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جوابی به ایشان نداد و منتظر بود که از پروردگارش چه دستور برسد. تا آنکه جبرئیل (علیه السلام) این آیه آورد: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) بگو من برای پیغمبری از شما مزدی جز دوستی خویشاوندان نمی خواهم و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اموال ایشان را نپذیرفت: باز منافقان گفتند: خدا این را بر محمد (صلی الله علیه و آله) نازل نکرده و او مقصودی جز بلند کردن بازوی پسر عمویش و تحمیل خاندان خود را بر ما ندارد، دیروز می گفت: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست، و امروز می گوید: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) بگو من برای پیغمبری از شما مزدی جز دوستی خویشان نمی خواهم. سپس آیه خمس بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نازل گشت و باز آنها گفتند: می خواهد اموال و غنیمت ما را به آنها دهد. سپس جبرئیل (علیه السلام) نزد آن حضرت آمد و گفت: ای محمد! وظیفه پیغمبریت را انجام دادی و عمرت به آخر رسید اکنون اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت را به علی (علیه السلام) بسیار، زیرا من هرگز زمین را خالی نگذارم، از دانشمندی که اطاعت و ولایت من به وسیله او شناخته شود و او برای کسانی که در میان وفات رسول گذشته تا آمدن رسول آینده متولد می شوند حجت باشد، پس پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت را به عنوان وصیت به علی (علیه السلام) سپرد و او را به هزار کلمه و هزار باب وصیت فرمود که از هر کلمه و بابی هزار کلمه و باب گشوده می شد. (1)

ص: 338

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاضِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عِيسَى أَبُو جَعْفَرٍ الْعِجْلِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مَسْعُودُ بْنُ يَحْيَى الْمُهَلَّبِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا شَرِيكٌ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) جَالِسًا فِي جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ إِذْ أَقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ (عليه السلام) فِي عِلْمِهِ، وَ إِلَى نُوحٍ (عليه السلام) فِي حِكْمَتِهِ، وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) فِي حِلْمِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام).

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در میان گروهی از اصحابشان نشستند که علی بن ابیطالب (عليه السلام) پیش رو آمد و رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: هر که می خواهد دانش آدم (عليه السلام)، حکمت نوح (عليه السلام)، و شکیبایی ابراهیم (عليه السلام) را ببیند به علی بن ابیطالب (عليه السلام) بنگرد. (1) حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عُمَرُوسِ الْهَمْدَانِيُّ بِهَمْدَانَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْقَحْطَبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ الْحَكَمِ بْنِ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْثَةَ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ قَيْسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

عَلِيِّ (عليه السلام)

فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ كَالشَّمْسِ بِالنَّهَارِ فِي الْأَرْضِ وَفِي السَّمَاءِ الدُّنْيَا كَالْقَمَرِ بِاللَّيْلِ فِي الْأَرْضِ أَعْطَى اللَّهُ عَلِيًّا مِنَ الْفَضْلِ جُزْءَ لَوْ قَسِمَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَوْسِعَهُمْ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْفَهْمِ جُزْءَ لَوْ قَسِمَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَوْسِعَهُمْ شَبَّهَتْ لِينَهُ بِلِينِ لُوطٍ (عليه السلام) وَ خُلِقَهُ بِخُلُقِ يَحْيَى (عليه السلام) وَ زُهِدَهُ بِزُهْدِ أَيُّوبَ (عليه السلام)

وَ سَدَّ حَاجَةَ سِدِّ حَاجَةِ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) وَ بَهَجَتَهُ بِبَهَجَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ (عليه السلام) وَ قُوَّتَهُ بِقُوَّةِ دَاوُدَ (عليه السلام) لَهُ اسْمٌ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ حِجَابٍ فِي الْجَنَّةِ بَشَّرَنِي بِهِ رَبِّي وَ كَانَتْ لَهُ

ص: 339

الْبِسْمَاءُ عِنْدِي عَلِيٌّ مَحْمُودٌ عِنْدَ الْحَقِّ مُرَكِّي عِنْدَ الْمَلَائِكَةِ وَخَاصَّتِي وَخَالِصَتِي وَظَاهِرَتِي وَمَصْدَبَاحِي وَجَنَّتِي وَرَفِيقِي أَنَسَنِي بِهِ رَبِّي فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ لَا يَقْبِضَهُ قَبْلِي وَسَأَلْتُهُ أَنْ يَقْبِضَهُ شَهِيداً بَعْدِي أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ حُورَ عَلِيٍّ أَكْثَرَ مِنْ وَرَقِ الشَّجَرِ وَقُصُورَ عَلِيٍّ كَعَدَدِ الْبَشَرِ عَلِيٍّ (عليه السلام) مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) مَنْ تَوَلَّى عَلِيّاً (عليه السلام) فَقَدْ تَوَلَّى نَبِيَّ حُبِّ عَلِيٍّ (عليه السلام) نِعْمَةٌ وَاتِّبَاعُهُ فَضِيلَةٌ دَانَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَحَفَّتْ بِهِ الْجِنَّ الصَّالِحُونَ لَمْ يَمْسِ عَلَى الْأَرْضِ مَا شِ بَعْدِي إِلَّا كَانَ هُوَ أَكْرَمَ مِنْهُ عِزّاً وَفَخْراً وَمِنْهَا جَاءَ لَمْ يَكُ فَظاً عَجُولاً وَلَا مُسْتَرْسِلاً لِفَسَادٍ وَلَا مُتَعَدِّلاً حَمَلْتَهُ الْأَرْضُ فَأَكْرَمْتَهُ لَمْ يَخْرُجْ مِنْ بَطْنِ أُنْتَى بَعْدِي أَحَدٌ كَانَ أَكْرَمَ خُرُوجاً مِنْهُ وَ لَمْ يَنْزِلْ مَنْزِلاً إِلَّا كَانَ مَيْمُوناً أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْحِكْمَةَ وَرَدَّاهُ بِالْفَهْمِ تَجَالِسُهُ الْمَلَائِكَةُ وَلَا يَرَاهَا وَ لَوْ أُوحِيَ إِلَى أَحَدٍ بَعْدِي لِأُوحِيَ إِلَيْهِ فَرَيْنَ اللَّهُ بِهِ الْمَحَافِلَ وَأَكْرَمَ بِهِ الْعَسَاكِرَ وَأَخْصَبَ بِهِ الْبِلَادَ وَأَعَزَّ بِهِ الْأَجْنَادَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ يُرَارُ وَلَا يَزُورُ وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ الْقَمَرِ إِذَا طَلَعَ أَضَاءَ الظُّلْمَةَ وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ الشَّمْسِ إِذَا طَلَعَتْ أَنْارَتْ وَصَفَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَ مَدَحَهُ بِآيَاتِهِ وَ وَصَفَ فِيهِ آثَارَهُ وَ أَجْرَى مَنَازِلَهُ فَهُوَ الْكَرِيمُ حَيّاً وَ الشَّهِيدُ مَيِّتاً ..

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: علی (علیه السلام) در آسمان هفتم چون خورشید درخشان روز است در زمین و در آسمان دنیا چون ماه تابان شب است در زمین خدا به علی (علیه السلام) سهمی از فضیلت داده که اگر بر اهل زمین پخش شود همه را فرا گیرد و سهمی از فهم داده که اگر بر اهل زمین پخش شود همه را فرا گیرد نرمش لوط (علیه السلام) دارد و خلق یحیی (علیه السلام) و زهد ایوب (علیه السلام) و در سخاوت به ابراهیم (علیه السلام) ماند، خرمی او چون خرمی سلیمان بن داود (علیه السلام) است و توانائی او چون توان داود (علیه السلام) نامش بر همه

پرده های بهشت نگاشته است پروردگارم مرا به وجودش مژده داد این مژده از آن او بود در نزد من علی (علیه السلام) نزد حق ستوده است و نزد فرشتگان تزکیه شده خاص منست و اعلان من و چراغ منست و بهشت من و یارم پروردگارم مرا بدو مأنوس کرد و از او در خواستم که پیش از من جانش نستاند و درخواستم که پس از من به فیض شهادت جانش را رایید، من در بهشت در آمدم و دیدم حوریان علی (علیه السلام) بیش از برگ درختانست و کاخ های علی (علیه السلام) به شماره افراد انسان علی (علیه السلام) از منست و من از علی (علیه السلام) هر که او را دوست دارد مرا دوست داشته دوستی علی (علیه السلام) نعمت است و پیروی او فضیلتی است که فرشتگان بدان معتقدند و صالحان جن گرد اویند پس از من کسی بر زمین گام ننهاده جز آنکه علی (علیه السلام) بهتر از او است عزت است و افتخار و دلیل راه نه سخت است و نه شتابکار و نه سهل انکار بر تباهی و نه عناد ورز، زمین او را برداشته و گرامی داشته. پس از من گرامی تر از وی از شکم مادری بر نیامده و به هر جا فرود آمده است میمنت داشته، خدا بروی حکمت فرو فرستاده و فهمش در بر کرده فرشتگان با او همنشین باشند و آنها را ببیند و اگر پس از من به کسی وحی شدی به او وحی رسیدی خدا به وجود او محفل ها را زیور کرده و قشون ها را گرامی داشته و بلاد را ارزانی عطا کرده و لشکرها را عزیز ساخته مثلش مثل خانه محترم خداست به دیدنش روند و به دید کسی نرود و همانند ماه است که چون برآید بر هر تاریکی پرتو افکند و چون خورشید که چون طلوع کند روشن سازد، خدایش در کتاب خودستوده و به آیات خویش مدح نموده و وصف آثارش کرده و در منازلش روان ساخته او تا زنده است گرامی است و در مردن به شهادت سعادت مند است. (1)

ص: 341

أَخْبَرَنَا ابْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا الرَّزَّازُ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ الدَّقِيقِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ، قَالَ أَخْبَرَنَا فِطْرٌ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الطَّفَيْلِ يَقُولُ قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله): لَقَدْ كَانَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) مِنَ السَّوَابِقِ مَا لَوْ أَنَّ سَابِقَةً مِنْهَا بَيْنَ الْخَلَائِقِ لَوَسِعَتْهُمْ خَيْرًا

یکی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت: اگر یکی از ویژگی های علی بن ابیطالب (علیه السلام) را آفریدگان دیگر داشتند، نیکی آنان را فرا می گرفت. (1)

خداوند به من و علی پنج چیز داده

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ هَارُونَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعَرْزَمِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْمُعَلَّى بْنُ هِلَالٍ، عَنْ الْكَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ: أَعْطَانِي اللَّهُ خَمْسًا، وَأَعْطَى عَلِيًّا خَمْسًا أَعْطَانِي جَوَامِعَ الْكَلِمِ، وَأَعْطَى عَلِيًّا جَوَامِعَ الْعِلْمِ، وَجَعَلَنِي نَبِيًّا، وَجَعَلَ عَلِيًّا وَصِيًّا، أَعْطَانِي الْكُوْثَرَ، وَأَعْطَى عَلِيًّا السَّلْسَبِيلَ، وَأَعْطَانِي الْوَحْيَ، وَأَعْطَى عَلِيًّا الْإِلْهَامَ، وَأَسْرَى بِي إِلَيْهِ، وَفَتَحَتْهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ حَتَّى رَأَى مَا رَأَيْتُ وَنَظَرَ إِلَى مَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ: يَا ابْنَ عَبَّاسٍ، مَنْ خَالَفَ

ص: 342

عَلِيًّا فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لَهُ وَلَا وَلِيًّا، فَوَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا يُخَالِفُهُ أَحَدٌ إِلَّا غَيَّرَ اللَّهُ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ وَشَوَّهَ خَلْقَهُ قَبْلَ إِدْخَالِهِ النَّارِ. يَا ابْنَ عَبَّاسٍ، لَا تَشْكُ فِي عَلِيٍّ، فَإِنَّ الشُّكَّ فِيهِ يُخْرِجُ عَنِ الْإِيمَانِ، وَيُوجِبُ الْخُلُودَ فِي النَّارِ.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله): خداوند پنج چیز به من و پنج چیز به علی(علیه السلام) عطا نمود. به من سخنی جامع و به علی(علیه السلام) علمی کامل عطا فرمود. من را پیامبر و علی(علیه السلام) را جانشین من قرار داد. به من کوثر و به علی(علیه السلام) سلسبیل عطا کرد. به من وحی را و به علی(علیه السلام) الهام را بخشید. مرا به سوی خود بالا-برد و در همان حال درهای آسمان به روی علی(علیه السلام) گشوده شد تا آنجا که هرچه من دیدم او هم دید و به آنچه من نظر کردم نگریست. آنگاه فرمود: ای ابن عباس! هرگز پشتیبان و دوست مخالفان علی(علیه السلام) مباش سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت هیچ کس با او به مخالفت بر نمی خیزد مگر آن که خداوند تمام نعمت های او را تغییر داده و پیش از داخل کردنش در دوزخ او را زشت روی می گرداند. ای ابن عباس! در علی(علیه السلام) شک مکن. پس به درستی که شک در او انسان را از ایمان بیرون کرده و موجب جاودانگی در آتش می شود. (1)

نُه چیز به علی عطا شده

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ السَّعِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ:

ص: 343



قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): أُعْطِيتُ تِسْعًا لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ قَبْلِي سِوَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله): لَقَدْ فُتِحَتْ لِي السُّبُلُ، وَعَلِمْتُ الْمَنَائَا، وَ الْبَلَايَا، وَ الْأَنْسَابَ، (وَفَصَلَ الْخِطَابَ) (1)

وَلَقَدْ نَظَرْتُ فِي الْمَلَكُوتِ بِإِذْنِ رَبِّي، فَمَا غَابَ عَنِّي مَا كَانَ قَبْلِي وَلَا مَا يَأْتِي بَعْدِي، وَ أَنَّ بَوْلَايَتِي أَكْمَلَ اللَّهُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ دِينَهُمْ، وَ أَتَمَّ عَلَيْهِمُ النَّعْمَ، وَ رَضِيَ لَهُمْ إِسْلَامَهُمْ، إِذْ يَقُولُ يَوْمَ الْوَلَايَةِ لِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله): يَا مُحَمَّدُ، أَخْبِرْهُمْ أَنِّي أَكْمَلْتُ لَهُمْ الْيَوْمَ دِينَهُمْ، وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْهِمُ النَّعْمَ، وَ رَضِيتُ إِسْلَامَهُمْ، كُلَّ ذَلِكَ مِنْ اللَّهِ بِهِ عَلَيَّ فَلَهُ الْحَمْدُ.

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: نه چیز به من عطا گردید که پیش از من به هیچ کس جز پیامبر (صلى الله عليه وآله) عطا نشده بود، راه ها برایم گشاده شد و علم زمان های مرگ و بلاهای جهان و نسب شناسی اشخاص و قضاوت به من عطا گردید و با اذن پروردگارم در ملکوت آسمان ها و زمین نگرستم و هیچ چیز از آنچه پیش از من بود و پس از من خواهد بود از نظرم دور نماند. و خداوند به ولایت من دین این امت را کامل کرد و نعمت را بر آنان تمام ساخت و اسلام را به عنوان دینشان پذیرفت. زیرا در روز عید غدیر خم به محمد (صلى الله عليه وآله) فرمود: ای محمد! این جماعت را آگاه کن که من امروز دینشان را کامل کردم و نعمتم را برایشان تمام ساختم و از اسلامشان خشنود گردیدم. و تمامی این ها را خداوند بر من منت نهاد پس ستایش از آن اوست. (2)

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الصَّوَلِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الطَّائِي، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ سَلِيمَانَ الصُّبُعِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ الْفَضْلِ، قَالَ حَدَّثَنِي شَرِيكُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي نَمِرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أُعْطِيتُ فِي عَلَيٍّ تِسْعًا، ثَلَاثًا فِي الدُّنْيَا، وَ

ص: 344

1- . ص آية 20

2- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 8 ح 1

ثَلَاثًا فِي الْآخِرَةِ، وَ اثْنَيْنِ أَرْجُوهُمَا لَهُ، وَ وَاحِدَةً أَخَافُهَا عَلَيْهِ فَأَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَسَاتِرٌ عَوْرَتِي، وَ الْقَائِمُ بِأَمْرِ أَهْلِي، وَ وَصِيِّي فِيهِمْ. وَ أَمَّا  
الثَّلَاثَةُ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَإِنِّي أُعْطِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِيُؤَاءِ الْحَمْدَ فَارْفَعُهُ إِلَيَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَحْمِلُهُ عَنِّي، وَ أَعْتَمِدُ عَلَيْهِ فِي مَقَامِ  
الشَّفَاعَةِ، وَ يُعِينُنِي عَلَى حَمْلِ مَفَاتِيحِ الْجَنَّةِ. وَ أَمَّا اللَّتَانِ أَرْجُوهُمَا لَهُ: فَإِنَّهُ لَا يَرْجِعُ مِنِّي بَعْدِي ضَالًّا، وَ لَا كَافِرًا. وَ أَمَّا الَّتِي أَخَافُهَا عَلَيْهِ فَعَدُوُّ  
قُرَيْشٍ بِهِ مِنِّي بَعْدِي.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: درباره ی علی (علیه السلام) نه خصوصیت به من عطا گردید که سه خصوصیت در دنیا و سه  
خصوصیت در آخرت است. بر دو امر به او امید دارم و از یک امر بر او در هراسم. اما سه خصوصیت او در دنیا این که عیب های (دین)  
مرا در کاستی های آن را می پوشاند و جبران می کند (مقصود اینست که تحریف هایی که متوجه دین خدا توسط دشمنان خدا می گردد  
توسط امیرالمومنین (علیه السلام) برطرف می شود) و امر خانواده ی مرا به پا می دارد و جانشین من در میان آنهاست. و اما سه خصوصیت  
در آخرت این که پرچم حمد در قیامت به دست من داده می شود پس آن را به علی بن ابیطالب (علیه السلام) می سپارم و او آن را از جانب  
من بر دوش می گیرد و در مقام شفاعت بر او تکیه می کنم و بر حمل کلیدهای بهشت مرا یاری می کند. و اما دو امری که در آن دو به او  
امید دارم این که پس از من گمراه و کافر نمی گردد و اما امری که در آن بر او هراسانم خیانت قریش به او پس از من است. (1)

ص: 345

حَدَّثَنَا أَبُو الْفَتْحِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي الْفَوَارِسِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّائِغِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ السَّرَّاجِ، قَالَ حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا حَاتِمٌ عَنْ بُكَيْرِ بْنِ مِسْمَارٍ، عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

يَقُولُ لِعَلِيِّ (عليه السلام)

ثَلَاثًا، فَلَا أَنْ تَكُونَ لِي وَاحِدَةً مِنْهُنَّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ لِعَلِيِّ (عليه السلام)، وَخَلْفَهُ فِي بَعْضِ مَعَاذِرِهِ، فَقَالَ:

يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، تُخَلِّفُنِي مَعَ النِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ (عليه السلام) مِنْ مُوسَى (عليه السلام) إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ يَوْمَ خَيْبَرَ:

لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ. قَالَ: فَتَطَاوَلْنَا لَهَا، قَالَ: ادْعُوا لِي عَلِيًّا (عليه السلام)، فَآتَى عَلِيٌّ أَرْمَدَ الْعَيْنَيْنِ، فَبَصَقَ فِي عَيْنَيْهِ، وَدَفَعَ إِلَيْهِ الرَّايَةَ فَفُتِحَ عَلَيْهِ، وَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (نَدَّعُ

أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ) دَعَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلِيًّا (عليه السلام) وَ فَاطِمَةَ (صلى الله عليه وآله) وَ حَسَنًا (عليه السلام) وَ حُسَيْنًا (عليه السلام) وَقَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي.

عامر بن سعد از پدرش روایت می کند: شنیدم رسول خدا (صلى الله عليه وآله) سه خصوصیت از علی (عليه السلام) ذکر کرد که اگر یکی از آنها برای من بود از شتران سرخ مو در نزد من محبوبتر بود. در حالی که پیامبر (صلى الله عليه وآله) علی (عليه السلام) را در یکی از جنگ هایش جانشین خود ساخته بود شنیدم که علی (عليه السلام) عرضه داشت: ای رسول خدا! مرا در میان زنان و کودکان باقی می گذاری؟ رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: آیا خشنود نمی گردی که جایگاه تو نسبت به من همچون جایگاه هارون نسبت به موسی (عليه السلام) باشد جز آنکه هیچ پیامبری پس از من نیست. و همچنین شنیدم که پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) در روز جنگ

خیبر

فرمودند: پرچم را فردا به کسی می سپارم که خدا و رسولش را دوست می دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست می دارند. پس ما گردن بر افراشتیم تا رسول خدا(صلی الله علیه و آله) پرچم را به ما بدهد. ولی پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: علی(علیه السلام) را نزد من بخوانید. پس علی(علیه السلام) آمد در حالی که چشمانش را از شدت درد بسته بود. آنگاه پیامبر(صلی الله علیه و آله) از آب دهان خود بر دو چشمش گذارد و پرچم را به او سپرد و به وسیله ی او بر دشمن پیروز شد. و دیگر بار هنگامی بود که این آیه فرو فرستاده شد (نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ) (1) که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) علی(علیه السلام) فاطمه و حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) را فرا خواند و فرمود: خداوندا این ها خانواده ی من هستند. (2)

نگاه به علی عبادت است

أَخْبَرَنَا الْحَفَّارُ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ عَيْسَى بْنُ مُوسَى بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَلَى اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرِ بْنُ الْمَرْزُبَانِ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْقُرَشِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ سَعِيدِ الْجُعْفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ حُمَيْدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) عِبَادَةٌ. رَسُولُ خُدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): نَگاه به چهره ی علی بن ابیطالب (علیه السلام) عبادت است. (3)

ص: 347

1- . آل عمران آیه 61

2- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 11 ح 63

3- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 12 ح 62

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو اللَّيْثِ مُحَمَّدُ بْنُ مُعَاذٍ

بْنِ سَعِيدِ الْحَضْرَمِيِّ بِالْجَارِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْمُنْذِرِ أَبُو بَكْرٍ الصَّنَعَائِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا

عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ هَمَّامٍ، عَنْ أَبِيهِ هَمَّامِ بْنِ نَافِعٍ، عَنْ هَمَّامِ بْنِ مُنَبِّهٍ، عَنْ حُجْرٍ، يَعْنِي الْمَدْرِيَّ، قَالَ: قَدِمْتُ مَكَّةَ وَبِهَا أَبُو ذَرٍّ جُنْدَبُ بْنُ جُنَادَةَ، وَ قَدِمَ فِي ذَلِكَ الْعَامِ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ حَاجًّا، وَ مَعَهُ طَائِفَةٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ فِيهِمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَبَيْنَا أَنَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مَعَ أَبِي ذَرٍّ جَالِسٌ إِذْ مَرَّ بِنَا عَلِيٌّ (عليه السلام) وَ وَقَفَ يُصَلِّي بِإِزَانِنَا، فَرَمَاهُ أَبُو ذَرٍّ بِبَصْرِهِ، فَقُلْتُ:

يَرْحَمُكَ اللَّهُ يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّكَ لَتَنْظُرُ إِلَيَّ (عليه السلام) فَمَا تَقْلَعُ عَنْهُ قَالَ: إِنِّي أَفْعَلُ ذَلِكَ وَ قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) يَقُولُ: النَّظَرُ

إِلَى عَلِيٍّ (عليه السلام)

عِبَادَةٌ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرَأْفَةٍ وَ رَحْمَةٍ عِبَادَةٌ،

وَ النَّظَرُ فِي الصَّحِيفَةِ يَعْنِي صَحِيفَةَ الْقُرْآنِ عِبَادَةٌ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْكُعْبَةِ عِبَادَةٌ.

حجر مذرى گفت: من به مکه رسیدم هنگامی که ابوذر جنذب بن جناده در آنجا بود و در آن سال عمر خطاب به همراه گروهی از مهاجران و انصار که علی بن ابیطالب (عليه السلام) نیز در میانشان بود به حج رفته بود هنگامی که در مسجد الحرام به همراه ابوذر نشسته بودم ناگاه علی (عليه السلام) از ما عبور کرد و در کنار ما به نماز ایستاد ابوذر به او چشم دوخت و من گفتم: ای ابوذر خدا تورا بیامرزد تو به علی (عليه السلام) می نگری و از او چشم برنمی داری؟ او گفت چنین می کنم، زیرا از رسول خدا (صلى الله عليه و آله) شنیدم که می فرمود: نگاه به علی بن ابیطالب (عليه السلام) عبادت است و نگاه به پدر و مادر با مهربانی و دلسوزی عبادت است و نگاه به قرآن عبادت است و نگاه به کعبه عبادت است. (1)

ص: 348

وَعَنْهُ، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الْعَلَوِيِّ بِدَيْبِلَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ بِيَانٍ، عَنْ حُمْرَانَ الْمَدَائِنِيِّ قَاضِي تَقْلِسِ، قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي لِأُمِّي شَرِيفُ بْنُ سَابِقِ التَّقْلِسِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ أَبِي قُرَّةِ التَّمِيمِيِّ، عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ، عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مَمَاتِي وَيَسْكُنَ جَنَّةَ عَدْنِ الَّتِي غَرَسَهَا رَبِّي، فَلْيَتَوَلَّ عَلَيًّا (عليه السلام) بَعْدِي، وَ لِيُؤَالَ وَلِيَّهُ، وَ لِيُقْتَدِ بِالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِنَّهُمْ عَثْرَتِي، خَلَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ لَحْمِي وَ دَمِي، وَ حَبَاهُمْ فَهَمِي وَ عِلْمِي، وَ لِيَلِّمُ الْكَاذِبِينَ بِفَضْلِهِمْ مِنْ أُمَّتِي، لَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي.

رسول خدا(صلى الله عليه وآله) فرمودند: هرکه دوست دارد که همچون من زندگی کند و همچون من بمیرد و در بهشت عدن که پروردگارم آنرا آماده ساخته، ساکن شود باید پس از من ولایت علی(عليه السلام) را بپذیرد و با یاوران او دوست باشد و از امامان او پیروی کند، زیرا آنان خاندان منند و خاندان ایشان را از گوشت و خون من آفریده شده و فهم و علم مرا به ایشان بخشیده است. وای بر کسانی از امت من که فضیلت ایشان را تکذیب کنند که خداوند شفاعت مرا به آنان نمی رساند. (1)

ص: 349

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّانِعِ الْعَدْلُ قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سَلَامٍ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ قَالَ حَدَّثَنَا حَزْبُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ صَدْقَةَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ) قَامَ رَجُلَانِ مِنْ مَجْلِسِهِمَا فَقَالَا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) هُوَ التَّوْرَةُ قَالَ لَا قَالَا فَهُوَ الْإِنْجِيلُ قَالَ لَا قَالَا فَهُوَ الْقُرْآنُ قَالَ لَا قَالَ فَأَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) هُوَ هَذَا إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي

أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ (يَعْنِي عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا

يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)

امام باقر(عليه السلام) فرمود: چون این آیه نازل شد (یس) هر چیزی را در امام مبین آمار کردیم (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ) (1) دو مرد في المجلس برخاستند و عرضه داشتند: یا رسول الله(صلى الله عليه وآله) آن توراتست؟ فرمود: نه عرضه داشتند: انجیل است؟ فرمود: نه، عرضه داشتند: عرضه داشتند: قرآنست؟ فرمود: نه، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(عليه السلام) آمد رسول خدا(صلى الله عليه وآله) فرمود: (امام مبین) این است به راستی او است امامی که خدای تبارک و تعالی علم هر چیزی را بر او شمرده (یعنی هر چه بوده و هر چه می باشد می دانند) (2)

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ

ص: 350

1- . یس آیه 12

2- . الأمالی (للصدوق) النص 170 المجلس الثاني و الثلاثون ح5

عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقْرَأُ (وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ) قَالَ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

کنز جامع الفوائد: صالح بن سهل گفت: از حضرت صادق (عليه السلام) شنیدم می خواند (وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ) (1) هر چیزی را بر شمردیم در امامی آشکار. فرمود: یعنی در امیر المؤمنین (عليه السلام) (2)

خَبْرٌ آخَرُ عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَمَرَرْنَا بِوَادٍ مَمْلُوءٍ نَمَلًا فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) تَرَى يَكُونُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى يَعْلَمُ كَمْ عَدَدُ هَذَا قَالَ نَعَمْ يَا عَمَّارُ أَنَا أَعْرِفُ رَجُلًا يَعْلَمُ عَدَدَهُ وَ كَمْ فِيهِ ذَكَرٌ وَ كَمْ فِيهِ أُتِيَ فَقُلْتُ مَنْ ذَلِكَ الرَّجُلُ يَا مَوْلَايَ فَقَالَ يَا عَمَّارُ مَا قَرَأْتُ فِي سُورَةِ يَس (وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ) فَقُلْتُ

بَلَى يَا مَوْلَايَ فَقَالَ أَنَا ذَلِكَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ

عمار یاسر می گوید: در یکی از جنگ های حضرت در حضور او بودم به بیابانی رسیدیم که پر از مورچه بود به حضرت عرضه داشتیم: ای امیر المؤمنین (عليه السلام) آیا کسی از مخلوقات خداوند را می شناسی که تعداد این مورچه ها را بداند حضرت فرمود: بله ای عمار! من مردی را می شناسم که تعداد این مورچه ها و تعداد نر و ماده آن ها را نیز می داند عرضه داشتیم: ای مولای من آن مرد کیست؟ فرمود: ای عمار! آیا در سوره یس نخوانده ای؟ (وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ) (3) هر چیزی را ما در امام مبین به شماره آورده ایم عرضه داشتیم: آری ای مولای من این آیه را خوانده ام حضرت فرمود: من آن S امام مبین R هستم. (4)

ص: 351

1- . یس آیه 12

2- . تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 477 [سورة يس (36): آية 12]

3- . یس آیه 12

4- . الفضائل (لابن شاذان القمي) ص 94 خبر عن ابن مسعود



قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): أَنَا وَاللَّهِ الْإِمَامُ الْمُبِينُ أَيْبُنَ الْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ وَرِثَتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): به خدا سوگند منم امام مبین که آشکار می کنم حق را از باطل و آن را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ارث برده ام. (1)

قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَكُلِّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا (عليه السلام) وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ.

ای گروه مردم! بدانید هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آن را در من احصاء فرموده است و من آن را در امام پرهیزگاران احصاء کردم. هیچ علمی نیست مگر آنکه آن را به علی (علیه السلام) تعلیم دادم و او امام آشکارکننده و آشکار است. (2)

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): (وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَرَهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ) (3) قَالَ: هُوَ الْإِمَامُ، إِمَامُ الْحَقِّ الَّذِي إِنَّهُ يَعْلَمُ الْقُرْآنَ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ، وَ

مَا قَدَّمُوا مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَ آثَرَهُمْ "سَنَنْهُمْ الَّتِي سَنُّوْهَا".

امیرالمومنین (علیه السلام): او آن امام مبین است امام برحقی که می داند (حقایق قرآن) را از ابتدا تا انتها و آنچه را از پیش فرستاده اند با اعمال و آثارشان... (4)

ص: 352

1- . تفسیر القمی ج 2 ص 212 [سورة يس (36): الآيات 10 الى 12]

2- . الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) ج 1 ص 60 احتجاج النبي ص يوم الغدير على الخلق كلهم وفي غيره من الأيام بولاية علي بن أبي طالب ع و من بعده من ولده من الأئمة المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين

3- . يس آية 12

4- . القرائات التنزيل و التحريف للسيارى ص 29

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسَّكَانَ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْوَلِيدِ الْحَثَمِيِّ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ) قَالَ نَزَلَتْ فِي وَلايَةِ عَلِيِّ (عليه السلام) قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (وَ مَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَاتٍ

الْأَرْضِ وَ لَا- رَطْبٍ وَ لَا- يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) قَالَ فَقَالَ الْوَرَقَةُ السَّقُطُ وَ الْحَبَّةُ الْوَلَادُ وَ ظُلْمَاتُ الْأَرْضِ الْأَرْحَامُ وَ الرِّطْبُ مَا يَحْيِي مِنَ النَّاسِ وَ الْيَابِسُ مَا يُقْبِضُ وَ كُلُّ ذَلِكَ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ...

ابو الربيع شامی گوید: از امام صادق (عليه السلام) از گفتار خدای عز و جل پرسیدم ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اجابت کنید و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را نیز اجابت کنید زیرا شما را به چیزی که زندگیتان می دهد دعوت کند (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ) (1) حضرت فرمود: این آیه در باره ولایت علی (عليه السلام) نازل شده، (زیرا ولایت علی (عليه السلام) است که مایه زندگی جان و دل و خرد است). گوید: و از آن حضرت از گفتار خدای عز و جل پرسیدم: (وَ مَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا- حَبَّةٌ فِي ظُلْمَاتٍ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) (2) و هیچ برگی نیفتد مگر آنکه آن را (خدا) بداند، و نه دانه ای در تاریکی های زمین و نه تر و نه خشکی هست جز آنکه در نامه بیان کننده هست... مقصود از S وَرَقَةٍ R (جنین) سقط (شده) است، و مقصود از S حَبَّةٍ R فرزند است، S ظُلْمَاتٍ الْأَرْضِ R رحم ها است، S رَطْبٍ R

ص: 353

1- . الانفال آیه 24

2- . الانعام آیه 59

مردمان زنده است و S یا بِسْمِ R آنان که جانشان گرفته شده (و مرده اند). و همه این ها در نزد امامی بیان کننده (محفوظ) است (و آنها را می داند). (1)

امیرالمومنین

نقطه تحت باء

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): إِنَّ قَلْبَ الْقُرْآنِ يَسُّ وَقَلْبُ يَسِّ الْفَاتِحَةِ وَقَلْبُ الْفَاتِحَةِ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) وَقَلْبُ (بِسْمِ اللَّهِ) الْبَاءُ وَقَلْبُ الْبَاءِ النُّقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ وَأَنَا النُّقْطَةُ الْكُبْرَى

امیرالمومنین (عليه السلام): همانا قلب قرآن یس و قلب یس فاتحه کتاب و قلب فاتحه کتاب (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

و قلب (بِسْمِ اللَّهِ) و قلب باء نقطه زیر آن

بوده و من آن نقطه کبری هستم. (2)

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): أَسْرَارُ كَلَامِ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ، وَ أَسْرَارُ الْقُرْآنِ فِي الْفَاتِحَةِ، وَ أَسْرَارُ الْفَاتِحَةِ فِي (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) وَ أَسْرَارُ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) فِي بَاءِ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) وَ أَسْرَارُ الْبَاءِ فِي النُّقْطَةِ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ وَأَنَا النُّقْطَةُ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ

امیرالمومنین (عليه السلام): اسرار کلام خدا در قرآن جمع شده و اسرار قرآن در فاتحه کتاب جمع گردیده و اسرار فاتحه کتاب در (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) آن جمع شده و اسرار (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) در باء (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) جمع گردیده و اسرار باء در نقطه زیر باء جمع گشته و من نقطه تحت باء هستم.

ص: 354

1- . حدیث القباب ..... ص: 231 ج 8 ص 248 ح 349

2- . طوابع الانوار للموسوی ص 130

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): جَمِيعُ مَا فِي الْقُرْآنِ فِي بَاءٍ (بِسْمِ اللَّهِ) وَأَنَا النُّقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ

اميرالمومنين (عليه السلام): جميع قرآن در باء (بِسْمِ اللَّهِ) بوده و من نقطه تحت باء هستم.

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): أَنَا النُّقْطَةُ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ الْمَبْسُوطَةِ

اميرالمومنين (عليه السلام): من نقطه تحت باء مبسوطه هستم.

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): جَمِيعُ مَا فِي الْقُرْآنِ فِي بَاءٍ (بِسْمِ اللَّهِ) وَأَنَا النُّقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ

اميرالمومنين (عليه السلام): هرچه در قرآن است در باء (بِسْمِ اللَّهِ) جمع شده و من نقطه تحت باء هستم

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): ظَهَرَ الْمَوْجُودَاتُ عَنْ بَاءٍ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) وَأَنَا النُّقْطَةُ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ

اميرالمومنين (عليه السلام): به وجود آمدند موجودات از باء (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) و من نقطه تحت باء هستم.

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): سِرُّ الْكُتُبِ الْمُنَزَّلَةِ فِي الْقُرْآنِ وَ سِرُّ الْقُرْآنِ فِي فَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ سِرُّ الْفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فِي (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) وَ

سِرُّ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) فِي نُقْطَةِ تَحْتَ الْبَاءِ وَأَنَا نُقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ اميرالمومنين (عليه السلام): سِرُّ كِتَابِ نازل شده در قرآن بوده و سِرُّ

قرآن در فاتحه الكتاب است و سِرُّ فاتحه الكتاب در (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) بوده و سِرُّ (بِسْمِ اللَّهِ

در نقطه تحت باء بوده و من نقطه تحت باء هستم.

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): جَمِيعُ مَا فِي الْكُتُبِ السَّمَاوِيَّةِ فِي الْقُرْآنِ وَ جَمِيعُ مَا فِي الْقُرْآنِ فِي فَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ جَمِيعُ مَا فِي فَاتِحَةِ الْكِتَابِ فِي (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) وَ جَمِيعُ مَا فِي (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) فِي بَاءِ (بِسْمِ اللَّهِ) وَ جَمِيعُ مَا فِي بَاءِ (بِسْمِ اللَّهِ) فِي النُّقْطَةِ تَحْتَ الْبَاءِ وَ أَنَا نُقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ

امیرالمومنین (علیه السلام): تمام کتب آسمانی در قرآن بوده و جمیع قرآن در سوره حمد باشد و جمیع فاتحه کتاب در (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

و جمیع (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

در باء (بِسْمِ اللَّهِ) و جمیع آنچه در باء (بِسْمِ اللَّهِ) بوده در نقطه تحت باء جمع شده و من نقطه تحت باء هستم.

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): إِنَّ كُلَّ مَا فِي الْعَالَمِ فِي الْقُرْآنِ وَ كُلُّ مَا فِي الْقُرْآنِ بِأَجْمَعِهِ فِي فَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَ كُلُّ مَا فِي الْفَاتِحَةِ فِي الْبِسْمَلَةِ، وَ كُلُّ مَا فِي الْبِسْمَلَةِ فِي الْبَاءِ، وَ أَنَا النُّقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ

امیرالمومنین (علیه السلام): تمام آنچه در عالم بوده در قرآن جمع شده و تمام آنچه در قرآن بوده در فاتحه کتاب جمع گردیده و آنچه در فاتحه کتاب بوده در (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) جمع شده، و آنچه در (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) بوده در باء آن جمع گردیده و من نقطه تحت باء هستم.

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): كُلُّ مَا فِي الْقُرْآنِ فِي الْحَمْدِ، وَكُلُّ مَا كُلُّ مَا فِي الْحَمْدِ فِي الْبِسْمِ مَلَمَةٌ فِي الْبَاءِ وَكُلُّ مَا فِي الْبَاءِ فِي النَّقْطَةِ، أَنَا النَّقْطَةُ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): تمام آنچه در قرآن است در سوره حمد جمع گردیده و آنچه در سوره حمد است در (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) آن جمع گشته و آنچه در (بِسْمِ اللَّهِ) بوده در باء آن جمع گردیده و آنچه در باء (بِسْمِ اللَّهِ) بوده در نقطه آن جمع گردیده و من نقطه تحت باء هستم.

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): أَنَا نَقْطَةُ بَاءِ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) أَنَا جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي فَرَطْتُمْ فِيهِ وَأَنَا اللَّوْحُ الْمَحْفُوظُ وَأَنَا الْقَلَمُ، وَأَنَا الْعَرْشُ، وَأَنَا الْكُرْسِيُّ، وَأَنَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ

امیرالمومنین (علیه السلام): من نقطه باء (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) هستم من جنب الله هستم... من لوح محفوظ و قلم هستم من عرش و کرسی هستم من آسمان ها و زمین هایم

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): أَنَا النَّقْطَةُ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ وَسِرُّ الْبَاءِ

امیرالمومنین (علیه السلام): من نقطه تحت باء و سِرُّ باء هستم.

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): مَا فِي كَلَامِ اللَّهِ فِي السَّبْعِ الْمِثْنِي وَمَا فِيهِ فِي الْبِسْمِ مَلَمَةٌ وَمَا فِيهِ فِي الْبَاءِ وَمَا فِيهِ فِي النَّقْطَةِ وَأَنَا نَقْطَةُ تَحْتِ بَاءِ (بِسْمِ اللَّهِ)

امیرالمومنین (علیه السلام): یعنی آنچه در کلام الهی (قرآن) بوده در سبع المثانی (سوره حمد) است و آنچه در سبع المثانی بوده، در (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) است و آنچه در (بِسْمِ اللَّهِ) بوده، در باء (بِسْمِ اللَّهِ) است و آنچه در باء (بِسْمِ اللَّهِ) بوده در نقطه آن است و من نقطه زیرین باء (بِسْمِ اللَّهِ) هستم.

قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ لَكُمْ ثَمَانِينَ بَعِيرًا مِنْ عُلُومِ النَّقْطَةِ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ

امیرالمومنین (علیه السلام): اگر بخواهم از علوم نقطه تحت باء هشتاد شتر را بار خواهم کرد.

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ سَبْعِينَ بَعِيرًا مِنْ شَرَحِ بَاءِ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) امیرالمومنین (علیه السلام): اگر بخواهم از شرح باء (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) هفتاد شتر را بار می کنم.

سخن گفتن خورشید با امیرالمومنین

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ عَبَّاسٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو قَتَادَةَ الْحَرَّانِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بُرْقَانَ عَنْ مَيْمُونِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ زَادَانَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا فَتَحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَكَّةَ خَرَجْنَا وَنَحْنُ ثَمَانِيَةُ آلَافٍ رَجُلٍ فَلَمَّا أَمَسَ يَنَا صِرْنَا عَشْرَةَ آلَافٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَرَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْهَجْرَةَ فَقَالَ لَا هِجْرَةَ بَعْدَ فَتْحِ مَكَّةَ قَالَ ثُمَّ انْتَهَيْنَا إِلَى هَوَازِنَ فَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) يَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَا عَلِيُّ فَمَآ نَنْظُرُ كَرَامَتِكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَلَّمَ الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَاللَّهِ مَا حَسَدْتُ أَحَدًا إِلَّا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَقُلْتُ لِلْفَضْلِ فَمَآ نَنْظُرُ كَيْفَ يَكَلِّمُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) الشَّمْسَ فَلَمَّا طَلَعَتْ قَامَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ص: 358

أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ رَبِّهِ فَأَجَابَتْهُ الشَّمْسُ وَهِيَ تَقُولُ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَوَصِيَّهُ وَحُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ قَالَ فَأَنْكَبَّ عَلَيَّ (عليه السلام) سَاجِدًا سَدَّ كُرْأً لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ فَوَ اللَّهُ لَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَامَ فَأَخَذَ بِرَأْسِ عَلِيٍّ (عليه السلام) يُقِيمُهُ وَيَمْسَحُ وَجْهَهُ وَيَقُولُ قُمْ حَبِيبِي فَقَدْ أَبَكَيْتَ أَهْلَ السَّمَاءِ مِنْ بُكَائِكَ وَبَاهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِكَ حَمَلَةَ عَرْشِهِ.

ابن عباس گفت چون خدای عز و جل مکه را فتح کرد ما هشت هزار مرد مسلمان بودیم و شب که شد ده هزار مسلمان شدید و رسول خدا (صلى الله عليه وآله) قانون هجرت را لغو کرد و فرمود پس از فتح مکه هجرتی نیست گوید سپس به هوازن رسیدم و پیغمبر (صلى الله عليه وآله) به علی بن ابی طالب (عليه السلام) فرمود: ای علی برخیز و کرامت خدای عز و جل را نسبت به خود ملاحظه کن و چون خورشید برآید با او سخن کن ابن عباس گوید به خدا به احدی رشک نبردم جز در آن روز به علی بن ابی طالب (عليه السلام) و به فضل گفتم برویم و ببینیم چطور علی بن ابی طالب (عليه السلام) با خورشید سخن می گوید. چون خورشید برآمد علی بن ابی طالب (عليه السلام) برخاست و فرمود: درود بر تو ای بنده خوب و فرمانبر و ادامه ده طاعت خدا پروردگارت، خورشید در پاسخش عرضه داشت: درود بر تو ای برادر رسول خدا (صلى الله عليه وآله) و وصی او و حجت خدا بر خلقش گوید علی (عليه السلام) به سجده افتاد و شکر خدای عز و جل کرد، گوید به خدا دیدم رسول خدا (صلى الله عليه وآله) برخاست و سر علی (عليه السلام) را گرفت و او را بلند کرد و دست به رویش کشید و می گفت حبیبم برخیز و که اهل آسمان را از گریه خود گریاندی و خدا به وجود تو به حاملان عرش مباحثات کرد.

(1)

ص: 359



وَ عَنِ الْبَاقِرِ (عليه السلام) (الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ) مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) وَ الَّذِي (صَدَّقَ بِهِ) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ) عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ نَاكِبُونَ عَنْ وَلَا يَتَنَا قَوْلُهُ تَعَالَى (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرْعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَ جُوهُهُمْ فِي النَّارِ) قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) الْحَسَنَةُ حُبُّنَا وَ السَّيِّئَةُ بُغْضُنَا قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ نَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ) عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ نَحْنُ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ مَنْ عَرَفْنَاهُ بِسِيمَاهُ أَذْخَلْنَاهُ الْجَنَّةَ قَوْلُهُ تَعَالَى (هَلْ)

يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) وَ قَوْلُهُ (سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ) وَ قَوْلُهُ (وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) وَ قَوْلُهُ (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ آلِ يَسَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ نَحْنُ كِتَابُ حِطَّةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ (وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) عَلِيُّ وَ (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) (وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) قِيلَ هُوَ عَلِيُّ (عليه السلام) قَوْلُهُ تَعَالَى (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) الْآيَةُ أَوْرَدَ الْحَافِظُ ابْنَ مَرْدَوَيْهِ مِنْ أَزِيدٍ مِنْ مِائَةِ طَرِيقٍ أَنَّهَا فِي مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله)

وَ عَلِيٍّ (عليه السلام)

وَ فَاطِمَةَ (عليها السلام)

وَ الْحَسَنِ (عليه السلام)

وَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

امام باقر (عليه السلام) می فرماید: مقصود از (الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ) محمد و منظور از (صَدَّقَ بِهِ) علی بن ابی طالب (عليه السلام) می باشد. علی (عليه السلام) در باره آیه (وَ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ) می فرماید: مقصود، منحرفان از ولایت ما هستند. علی (عليه السلام) در باره آیه (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرْعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ وَ مَنْ

جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ) می فرماید: مقصود از حسنه دوستی ما و منظور از سیئه دشمنی با ماست. علی (علیه السلام) در باره آیه (وَ نَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَابِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ) می فرماید: ما اصحاب اعراف هستیم و هر که را به چهره بشناسیم به بهشت در می آوریم. در باره آیه (هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)

و (سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ) و (وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ وَ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) ابن عباس می گوید (إِلِ يَاسِينَ) آل محمد (صلی الله علیه و آله) هستند. و ما همچون باب حطه بنی اسرائیل هستیم، و (وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) علی (علیه السلام) است. و منظور از (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. و گفته شده است که مراد از آیه (وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) علی بن ابی طالب (علیه السلام) است در باره آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) ابن مردويه حافظ، در بیش تر از صد طریق آورده است که آیه پیشگفته در حق محمد (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) فاطمه (علیها السلام) حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) نازل شده است. (1)

وَ رَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ الْمَرْزُبَانِيُّ عَنْ أَبِي الْحَمْرَاءِ قَالَ خَدَمْتُ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله)

نَحْوًا مِنْ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ أَوْ عَشْرَةَ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ فَجَرِّ لَا يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى يَأْخُذَ بِعِضَادَتَيْ بَابِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) ثُمَّ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَيَقُولُ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) وَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ ثُمَّ يَقُولُ الصَّلَاةُ رَحِمَكُمُ اللَّهُ (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) قَالَ ثُمَّ يَنْصَرِفُ إِلَىٰ مُصَلَّاهُ

ابو عبد الله، محمد بن عمران مرزبانی به نقل از ابوالحمراء روایت کرده است که می گوید: حدود نه یا ده ماه خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می کردم. هر بامداد به هنگام نماز صبح، از خانه بیرون نمی رفت مگر آن که دو لنگه در خانه علی (علیه السلام) می گرفت و

ص: 361

1- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 401 المبحث الحادي والعشرون فيما ورد من طريق الجمهور أنه نزل في أمير المؤمنين ع من القرآن

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ و فاطمه(عليها السلام) و علي(عليه السلام) و حسن(عليه السلام) و حسين(عليه السلام) در پاسخ می گفتند: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ سپس پیامبر(صلی الله علیه و آله) می فرمود: هنگام نماز است رحمت خدا بر شما باد (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) راوی می گوید: به دنبال این سخن، پیامبر(صلی الله علیه و آله) راهی مصلاى خود می شد. (1)

قَوْلُهُ تَعَالَى (هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) وَقَوْلُهُ (سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ) وَقَوْلُهُ (مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) وَ قَوْلُهُ (فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ آلِ يَسَّ آلِ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ كِتَابِ حِطَّةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) عَلَيَّ (عليه السلام) وَ (فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ)

درباره آیه (هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (2)

آیا [آن بنده که کلّ بر دیگران است] با آزاد مردی که به عدالت فرمان می دهد و خود بر راه مستقیم است، یکسان هستند؟ (سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ) (3)

دروود بر آل یس.

(وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (4) و آن که در نزد او علم حقیقی به کتاب خداست. خداوند می فرماید: (فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) (5)

اما آن کسی که نامه عمل او به دست راستش سپرده می شود. در توضیح و تفسیر این چند آیه و در مورد هر يك حدیثی از ابن عباس رسیده است که می فرماید: آل یس آل محمد(صلی الله علیه و آله) هستند و فرموده اند که ما آن کتاب سرنوشت ساز بنی اسرائیل هستیم و آن کس که علم کتاب نزد اوست، علی بن ابی طالب(عليه السلام) است و آن کس که کتاب او به دست راستش سپرده می شود و به بهشت می رود علی(عليه السلام) است و مراد از آیه (وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ) (6)

علی(عليه السلام) می باشد. (7)

ص: 362

1- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 405 المبحث الحادي والعشرون فيما ورد من طريق الجمهور أنه نزل في

أمير المؤمنين ع من القرآن

2- . النحل آية 76

3- . الصافات آية 130

4- . الرعد آية 43

5- . الحاقة آية 19

6- . النحل آية 76

7- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 402 المبحث الحادي والعشرون فيما ورد من طريق الجمهور أنه نزل في



قَوْلُهُ تَعَالَى (وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنَا أَمْ فَاطِمَةُ قَالَ فَاطِمَةُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَأَنْتَ أَعَزُّ عَلَيَّ مِنْهَا وَكَأَنِّي بِكَ وَأَنْتَ عَلَىٰ حَوْضِي تَذُودُ عَنْهُ النَّاسَ وَإِنَّ عَلِيَّ لَأَبْرَارِيْقٌ مِثْلُ عَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ وَأَنْتَ وَالْحَسَنُ (عليه السلام) وَالْحُسَيْنُ (عليه السلام) وَفَاطِمَةُ وَعَقِيلٌ وَجَعْفَرٌ فِي الْجَنَّةِ (إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ) أَنْتَ مَعِيَ وَشِيعَتُكَ فِي الْجَنَّةِ ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) (إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ) لَا يَنْظُرُ أَحَدُهُمْ فِي قَفَاءِ صَاحِبِهِ

خداوند می فرماید: (وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ) (1) و آنچه کینه [و شائبه های نفسانی] در سینه های آنان است برکنیم، برادرانه بر تخت هایی روبروی یک دیگر نشسته اند.

ابو هریره گوید: علی بن ابی طالب (علیه السلام) به رسول خدا (صلى الله عليه وآله) عرضه داشت: ای پیامبر خدا! کدامیک از ما نزد تو محبوب تریم من یا فاطمه (علیها السلام)؟ پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: فاطمه (علیها السلام) را بیش از تو دوست دارم ولی تو نزد من عزیزتر از فاطمه (علیها السلام) هستی! گویی می بینم که تو بر حوض من (کوثر) اشراف داری و در حالی که بر آن حوض جام های آب به شماره ستارگان وجود دارد، گروهی که از خط ولایت تو منحرفند از ورود به آن دور نموده و طرد می شوند و برای علو منزلت تو همین بسکه در آن روز تو، حسن (علیه السلام) حسین (علیه السلام) فاطمه (علیها السلام) عقیل (علیه السلام) و جعفر (علیه السلام) در برابر هم، بر تخت ها و سریرهای بهشتی نشسته و شادمانید و منزلت دیگر تو این است که همراه با شیعیان در بهشت با من و در کنار من جای دارید. سپس آیه کریمه را تلاوت نمود و فرمود: آنچنان از دیدن چهره یک دیگر، شادمانید که هیچ کس چشم از رخسار دیگری بر نمی دارد و به پشت سر، نگاه نمی کند. (2)

ص: 363

1- . الحجر آية 47

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 325 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

ثُمَّ قَالَ قَيْلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مَنْ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ أَيْمَةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى قَالَ الْعُلَمَاءُ إِذَا صَلَحُوا قَيْلَ وَ مَنْ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ إِبْلِيسَ وَ فِرْعَوْنَ وَ نُمْرُودَ وَ بَعْدَ الْمُتَسَمِّينَ بِأَسْمَائِكُمْ وَ بَعْدَ الْمُتَلَقِّينَ بِالْقَابِكُمْ وَ الْآخِرِينَ لِأَمْكِنَتِكُمْ وَ الْمُتَأَمِّرِينَ فِي مَمَالِكِكُمْ قَالَ الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا هُمْ الْمُظْهَرُونَ لِلْأَبَاطِيلِ الْكَاتِمُونَ لِلْحَقَائِقِ وَ فِيهِمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ (أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا) (1) الآية.

به امیرالمؤمنین عرض شد: پس از امامان هدایت و چراغ های تاریکی، بهترین مخلوقات چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: «علمای صالح» دوباره پرسیدند: بدترین مخلوقات پس از ابلیس، فرعون، نمرود و کسانی که نام و لقب شما را بر دوش کشیده، جایگاه شما را غصب نموده و در سرزمین های شما حکم می رانند، چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: «علمای فاسد» و آنان کسانی هستند که امور باطل را اظهار کرده و حقایق را می پوشانند و خداوند در شأن آنان فرموده است: (أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ) (2)

تفسیر العیاشی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ (أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ) قَالَ نَحْنُ هُمْ وَ قَدْ قَالُوا هَوَامُّ الْأَرْضِ.

امام صادق (عليه السلام) (أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ) (3) منظور از آن ها (لعن کنندگان) ما هستیم. (4)

ص: 364

1- . البقرة آيات 160 و 159

2- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 2 ص 89 باب 14 من يجوز أخذ العلم منه و من لا يجوز و ذم التقليد و النهي عن متابعة غير المعصوم في كل ما يقول و وجوب التمسك بعروة اتباعهم عليهم السلام و جواز الرجوع إلى رواية الأخبار و الفقهاء الصالحين

3- . البقرة آية 159

4- . تفسیر العیاشی ج 1 ص 72 [سورة البقرة(2): آية 159] ح 141

عِيَّاشِي عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قُلْتُ لَهُ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِهِ (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ) (1) قَالَ: نَحْنُ يَعْنِي بِهَا وَاللَّهُ الْمُسْتَتَعَانُ إِنَّ الرَّجُلَ مِمَّا إِذَا صَارَتْ إِلَيْهِ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَوْ لَمْ يَسَّعْهُ إِلَّا أَنْ يُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَنْ يَكُونُ بَعْدَهُ.

امام صادق (عليه السلام) در تفسیر عیاشی آمده است: عرضه داشتیم: در مورد کلام خدا که می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ) (2) برایم توضیح دهید. فرمود: مقصود از (بیّنات و هدی) ما هستیم و خدا کمک کار ماست. (گویا سنت شده) هرگاه مقام امامت به هریک از ما می رسد (مردم) به او رو نمی کنند و به سمت او نمی روند مگر آنکه (امام) (علیه السلام) بعدی بیاید و آن را برای مردم تبیین کند. (3)

تفسیر العیاشی عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ عَدَابِ الْقَبْرِ قَالَ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) حَدَّثَنَا أَنَّ رَجُلًا أَتَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ فَقَالَ حَدِّثْنِي فَسَكَتَ عَنْهُ ثُمَّ عَادَ فَسَكَتَ فَأَذْبَرَ الرَّجُلُ وَهُوَ يَقُولُ وَبِتَلْوِ هَذِهِ الْآيَةِ (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ) فَقَالَ لَهُ أَقْبِلْ إِنَّا لَوَجَدْنَا أَمِينًا لِحَدِيثِنَا

امام باقر (عليه السلام) مردی نزد سلمان فارسی آمد و گفت: برایم حدیث و سخن بگو! سلمان سکوت کرد. او دوباره تکرار کرد. سلمان ساکت ماند. پس مرد بازگشت در حالی که این آیه را تلاوت می کرد: (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ) (4) پس سلمان گفت: پیش بیا! ما اگر فرد امینی را بیابیم حتماً برای او روایت می کنیم. (5)

ص: 365

1- . البقرة آية 159

2- . البقرة آية 159

3- . تفسیر العیاشی ج 1 ص 72 [سورة البقرة(2): آية 159]

4- . البقرة آية 159

5- . تفسیر العیاشی ج 1 ص 71 [سورة البقرة(2): آية 159] ح 138

عَنْ أَبِي بصيرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ (فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ) (1) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) النُّورُ هُوَ عَلِيٌّ (عليه السلام)

از امام باقر (عليه السلام) درباره ی قول خدای عزوجل (فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ) سوال شد ایشان فرمودند: نوری که با پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده علی (عليه السلام) است. (2) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بِإِسْمِ نَادِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ) (3) إِلَى قَوْلِهِ (وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (4) قَالَ النُّورُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ عَلِيُّ (عليه السلام) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَّةُ.

امام صادق (عليه السلام) راجع به قول خدای تعالی (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ) (5) کسانی که پیروی می کنند از رسول و پیغمبر امی ست و اوصافش را در تورا و انجیل نزدشان نوشته می یابند، ایشان را به کار نیک و امی دارد و از کار زشت نهی می کند و پاکیزه ها را برای ایشان حلال و پلیدی ها را برایشان حرام می سازد تا آنجا که فرماید (وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (6) و پیروی کنند از نوری که با او نازل شده، تنها ایشان رستگارند فرمود: مقصود از نور در اینجا امیر مؤمنان (عليه السلام) و ائمه (عليهم السلام) می باشند. (7)

ص: 366

1- . الاعراف آية 157

2- . تفسير العياشي ج 2 ص 31 [سورة الأعراف (7): آية 157]

3- . الاعراف آية 157

4- . الاعراف آية 157

5- . الاعراف آية 157

6- . الاعراف آية 157

7- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 194 باب أن الأئمة ع نور الله عز وجل ..... ح 2



تفسير القمي (وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ) (1)

قَالَ رُوحُ الْقُدْسِ هِيَ الَّتِي قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ (وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ

قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي) (2)

قَالَ هُوَ مَلَكٌ أَعْظَمُ مِنْ جِبْرِئِيلَ (عليه السلام) وَ مِيكَائِيلَ (عليه السلام) كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

وَ هُوَ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ كَتَبَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقَالَ (وَ لَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُوراً نُّهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا) (3)

وَ الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ التُّورَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَوْلُهُ (وَ اتَّبَعُوا التُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ) (4)

الآيَةَ.

تفسير قمي (وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ) فرمود روح القدس است این همان است که حضرت صادق (عليه السلام) فرمود در باره آیه ی (وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي) فرمود او فرشته ایست بزرگتر از جبرئیل (عليه السلام) و میکائیل (عليه السلام) که با پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) بود و یا آنچه نیز هست سپس به کنایه از امیر المؤمنین (عليه السلام) یاد کرده (وَ لَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُوراً نُّهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا) دلیل بر اینکه نور در این آیه امیر المؤمنین (عليه السلام) است این آیه است (وَ اتَّبَعُوا التُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ) پیروی کنید از نوری که به همراه او فرستاده شده در بخش جهات علوم ائمه خواهد آمد که حضرت صادق (عليه السلام) می فرماید از ما خانواده کسانی هستند که بر آنها صورتی بزرگتر از جبرئیل (عليه السلام) و میکائیل (عليه السلام) وارد می شود. (5) (فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ) (6) يَعْنِي بِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) (وَ عَزَّوَجْهُ وَ نَصَّوَهُ وَ اتَّبَعُوا التُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ) (7) يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) (أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (8) فَأَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلَى الْأَنْبِيَاءِ أَنْ يُخْبِرُوا أُمَّهَتَهُمْ وَ يَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرُوهُ بِالْقَوْلِ وَ أَمَرُوا أُمَّهَتَهُمْ بِذَلِكَ وَ سَيَّرَ جَعُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ يَرْجِعُونَ وَ يَنْصُرُونَهُ فِي الدُّنْيَا.

ص: 367

- 1- . الشورى آية 52
- 2- . الاسراء آية 85
- 3- . الشورى آية 52
- 4- . الاعراف آية 157
- 5- . تفسير القمي ج 2 ص 279 [سورة الشورى (42): الآيات 39 الى 53] بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 25 ص 48 باب 3 الأرواح التي فيهم و أنهم مؤيدون بروح القدس و نور إنا أنزلناه في ليلة القدر و بيان نزول السورة فيهم عليهم السلام
- 6- . الاعراف آية 157
- 7- . الاعراف آية 157
- 8- . الاعراف آية 157

تفسير قمى: (فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ) كسانى كه ايمان به پيامبر آورند (وَعَزَّوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ) يعنى پيرو اميرالمؤمنين (عليه السلام) باشند (أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) آن ها رستگارند. خداوند از پيامبران پيمان گرفت كه به امت هاى خود خبر دهند از ظهور پيامبر اسلام (صلى الله عليه وآله) و او را يارى كنند. ايشان نيز به گفتار يارى نمودند و به امت خود اين دستور را دادند. (1)

أَقُولُ رَوَى الْحَافِظُ أَبُو نُعَيْمٍ فِي كِتَابِ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (الله عليه وآله) فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ)

این آیه بر رسول خدا (صلى الله عليه وآله) و در شان اميرالمؤمنين (عليه السلام) نازل شد

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (2) الْأَنْزِعِ الْبَطِينِ

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ تَمِيمِ بْنِ بُهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَبْدِيِّ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ عَبَّادَةَ بْنِ رَبِيعٍ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ لَهُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْأَنْزِعِ الْبَطِينِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَدِ احْتَلَفَ النَّاسُ فِيهِ فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ أَيُّهَا الرَّجُلُ وَاللَّهِ لَقَدْ سَأَلْتُ عَنْ رَجُلٍ مَا وَطِئَ الْحَصَى بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَفْضَلُ مِنْهُ وَإِنَّهُ لَأَخْوَرُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَابْنُ عَمِّهِ

ص: 368

1- . تفسير القمي ج 1 ص 242 [سورة الأعراف(7): الآيات 149 الى 157] ..... بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 23 ص 309 باب 18

أنهم أنوار الله و تأويل آيات النور فيهم ح 9

2- . بحار الأنوار ج 37 ص 190 باب 52 أخبار الغدير و ما صدر في ذلك اليوم من النص الجلي على إمامته ع و تفسير بعض الآيات

النازلة في تلك الواقعة ذيل ح 74

وَوَصِيُّهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى أُمَّتِهِ وَإِنَّهُ لَأَنْزَعٌ مِنَ الشَّرِكِ بَطِينٌ مِنَ الْعِلْمِ وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ مَنْ أَرَادَ النَّجَاةَ غَدًا فَلْيَأْخُذْ بِحُجْرَةِ هَذَا الْأَنْزَعِ يَعْنِي عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام)

عبایة بن ربیع گوید: مردی به نزد ابن عباس آمد و پرسید: معنای «الأنزع»

البطین» چیست؟ زیرا مردم در این مورد نظرات گوناگونی دارند. وی چنین پاسخ داد: ای مرد به خدا سوگند که از شأن و مقام کسی سؤال کردی که بعد از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هیچ کس بر روی ریگ های زمین پا ننهد، که در فضیلت برتر از او باشد، و بی شک او برادر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و پسر عموی او، و خلیفه او بر امتش می باشد، او شریک را از خود دور ساخت، شریک ستیز و سینه اش از دانش پر بود، و از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود: هر که می خواهد فردای قیامت نجات یابد چنگ بر دامن این «انزع» بزند یعنی علی (علیه السلام) (1)

ص: 369

---

1- . معانی الأخبار النص 63 باب معانی أسماء محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين و الأئمة ح 11



أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): مَا قَبِضَ اللَّهُ نَبِيًّا حَتَّى أَمَرَهُ أَنْ يُوصِيَهُ إِلَى أَفْضَلِ عَشِيرَتِهِ مِنْ عَصَبَتِهِ، وَأَمَرَنِي أَنْ أُوصِيَهُ. فَقُلْتُ: إِلَى مَنْ يَا رَبِّ فَقَالَ: أَوْصِي يَا مُحَمَّدُ إِلَى ابْنِ عَمِّكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، فَإِنِّي قَدْ أَثْبَتُهُ فِي الْكُتُبِ السَّالِفَةِ، وَكَتَبْتُ فِيهَا أَنَّهُ وَصِيُّكَ، وَعَلَى ذَلِكَ أَخَذْتُ مِيثَاقَ الْخَلَائِقِ وَ مَوَاقِيقَ أَنْبِيَائِي وَرُسُلِي، أَخَذْتُ مَوَاقِيقَهُمْ لِي بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَ لَكَ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله)

بِالنَّبُوءَةِ، وَ لِعَلِيِّ (عليه السلام) بِالْوِلَايَةِ.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: خداوند هیچ پیامبری را قبض روح نکرد تا این که به او فرمان داد به بهترین خاندان و نزدیکانش وصیت کند و به من نیز امر کرد که وصیت کنم. پس عرضه داشتم: پروردگارا به چه کسی وصیت کنم؟ فرمود: ای محمد! به پسر عمویت علی بن ابیطالب (عليه السلام) وصیت کن پس همانا من او را در کتب پیشین پابرجا ساخته ام و در آنها نگاشته ام که او جانشین توست و بر آن، پیمان از آفریدگان و پیامبران و فرستادگانم گرفتم. و پیمان آنان برای من اقرار به ربوبیت و برای تو ای محمد (صلى الله عليه وآله) اقرار به نبوت و برای علی (عليه السلام) اقرار به ولایت است. (1)

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُقْرِي، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ الرَّازِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَنْفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ هَاشِمِ السَّمْسَارِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ شَمْرٍ، قَالَ

حَدَّثَنَا حَمَّادٌ، عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَزَامٍ [حَرَامٍ]، قَالَ:

أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)، مَنْ وَصِيكَ قَالَ: فَأَمْسَكَ عَنِّي عَشْرًا لَا يُحِيثُنِي، ثُمَّ قَالَ:

يَا جَابِرُ، أَلَا أُخْبِرُكَ عَمَّا سَأَلْتَنِي فَقُلْتُ: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ سَأَلْتَنِي حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّكَ وَجَدْتَ عَلِيًّا. فَقَالَ: مَا وَجَدْتُ عَلَيْكَ يَا جَابِرُ، وَ لَكِنْ كُنْتُ أَنْتَظِرُ مَا يَأْتِينِي مِنَ السَّمَاءِ، فَاتَانِي جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) فَقَالَ:

يَا مُحَمَّدُ، رَبُّكَ يَقُولُ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَصِيُّكَ، وَ خَلِيفَتُكَ عَلَى أَهْلِكَ وَ أُمَّتِكَ، وَ الذَّاوِدُ عَن حَوْضِكَ، وَ هُوَ صَاحِبُ لُؤَائِكَ يَقْدُمُكَ إِلَى الْجَنَّةِ. فَقُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)،

أَرَأَيْتَ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِدَا أَقْبَلُهُ قَالَ: نَعَمْ يَا جَابِرُ، مَا وَضِعَ هَذَا الْمَوْضِعَ إِلَّا لِيَتَابَعَ عَلَيْهِ، فَمَنْ تَابَعَهُ كَانَ مَعِيَ عَدَا، وَ مَنْ خَالَفَهُ لَمْ يَرِدْ عَلَيَّ الْحَوْضَ أَبَدًا.

جابر بن عبدالله حزام می گوید: به نزد رسول خدا (صلى الله عليه وآله) آمده و عرضه داشتم: ای رسول خدا! جانشین تو کیست؟ جابر می گوید: پس دقایقی سخن نگفت و پاسخ مرا نداد آنگاه فرمود: آیا تو را به آنچه از من پرسیدی آگاه نگردانم؟ پس عرضه داشتم: پدر و مادرم به فدایت. به خدا سوگند خاموش ماندی و پاسخ مرا ندادی تا جایی که گمان کردم بر من خشمناک گشته ای. پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: ای جابر! بر تو خشمناک نگشتم بلکه در انتظار آن چه که از بالا به سویم می آید، بودم پس جبرئیل (عليه السلام) به نزد من آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت می فرماید: همانا علی بن ابیطالب (عليه السلام) جانشین و خلیفه تو بر خانواده و امتتوست و او کسی است که از حوض تو دفاع می کند (و نمی گذارد دشمنان از آن سیراب شوند) و او صاحب پرچم توست که در برابر تو به سوی بهشت حرکت می کند. پس عرضه داشتم: ای پیامبر خدا! به من خبر ده که آیا با هر آن کس که به او ایمان نیاورد جهاد کنم. پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: بله، ای جابر! این جایگاه امامت قرار داده نشده مگر این که از آن

پیروی شود. پس هرکه از او پیروی کند فردا با من است و هرکه با مخالفت با او به مخالفت برخیزد هرگز در حوض کوثر بر من وارد نمی شود. (1)

حدیث یوم الدار

فَجَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) جَمِيعَ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ (عليه السلام) (فِيهِمْ أَبُو طَالِبٍ (عليه السلام) وَأَبُو لَهَبٍ) وَهُمْ يَوْمَئِذٍ أَرْبَعُونَ رَجُلًا فَدَعَاهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَخَادِمُهُ (يَوْمَئِذٍ) عَلِيٌّ (عليه السلام) وَرَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) (يَوْمَئِذٍ) فِي حَجْرٍ عَمَّهُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَالَ أَيُّكُمْ يَنْتَدِبُ أَنْ يَكُونَ أَخِي وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَوَلِيِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي فَسَكَتَ الْقَوْمُ حَتَّى أَعَادَهَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) صَدَلَى اللَّهُ عَلَيْكَ فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) رَأْسَ عَلِيٍّ (عليه السلام) فِي حَجْرِهِ وَتَقَلَ فِيهِ وَقَالَ اللَّهُمَّ اأْمَلْ جَوْفَهُ عِلْمًا وَفَهْمًا وَحُكْمًا ثُمَّ قَالَ لِأَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَا أَبَا طَالِبٍ (عليه السلام) اسْمِعِ الْآنَ لِإِنِّكَ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَأَطِعْ فَقَدْ جَعَلَهُ اللَّهُ مِنْنَبِيِّهِ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ (عليه السلام) مِنْ مُوسَى (عليه السلام) (وَ أَخَى بَيْنَ النَّاسِ) وَ أَخَى بَيْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ بَيْنَ نَفْسِهِ

پیامبر (صلى الله عليه وآله) همه فرزندان عبد المطلب (عليه السلام) را که از جمله آنان ابو طالب (عليه السلام) و ابو لهب بودند جمع کرد، و آنان در آن روز چهل نفر بودند. حضرت آنان را دعوت کرد، و خادمش در آن روز علی (عليه السلام) بود و آن حضرت تحت تکفل عمومی ابو طالب بود. پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: کدامیک از شما خود را برادر و وزیر و وارث و خلیفه من در امتم و صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از من معرفی می کند؟ افراد حاضر ساکت ماندند تا آنکه حضرت سه مرتبه سخن خود را تکرار کردند. علی (عليه السلام) عرضه داشت: من یا

ص: 373

رسول الله (صلى الله عليه وآله)، خدا بر تو درود فرستد. پیامبر (صلى الله عليه وآله) سر علی (علیه السلام) را بر زانوی خود گذاشت و آب دهان مبارك را در دهانش ریخت و فرمود: خدایا، باطن علی را از علم و فهم و حکمت پر کن. سپس به ابو طالب (علیه السلام) فرمود: ای ابو طالب (علیه السلام) اکنون سخن پسرت را گوش کن و از او اطاعت نما، چرا که خدا او را نسبت به پیامبرش به منزله هارون (علیه السلام) نسبت به موسی (علیه السلام) قرار داده است. دیگر اینکه بین مردم برادری قرار داد، و بین علی (علیه السلام) و خودش برادری قرار داد. (1)

وَرُوِيَ عَنْ أَبِي رَافِعٍ هَذِهِ الْقِصَّةُ وَ أَنَّ جَمْعَهُمْ فِي الشَّعْبِ فَصَنَعَ لَهُمْ رَجُلٌ شَاةً فَأَكَلُوا حَتَّى تَضَلُّعُوا وَ سَقَاهُمْ عَسًا فَشَرِبُوا كُلُّهُمْ حَتَّى رَوُوا ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ (أَذْبُرَ عَشِيرَتَكَ الْآقْرَبِينَ) وَأَنْتُمْ عَشِيرَتِي وَ رَهْطِي وَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا وَ جَعَلَ لَهُ مِنْ أَهْلِهِ أَخًا وَ زِيرًا وَ وَارِثًا وَ وَصِيًّا وَ خَلِيفَةً فِي أَهْلِهِ فَأَيُّكُمْ يَقُومُ فَيُبَايِعُنِي عَلَى أَنَّهُ أَخِي وَ وَارِثِي وَ زِيرِي وَ وَصِيِّي وَ يَكُونُ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ (علیه السلام) مِنْ مُوسَى (علیه السلام) إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي فَسَكَتَ الْقَوْمُ فَقَالَ لِيُقَوْمَنَّ قَائِمُكُمْ أَوْ لِيَكُونَنَّ مِنْ غَيْرِكُمْ ثُمَّ لَتَدَّ مِنْ ثُمَّ أَعَادَ الْكَلَامَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَامَ عَلِيٌّ (علیه السلام) فَبَايَعَهُ فَأَجَابَهُ ثُمَّ قَالَ ادْنُ مِنِّي فَدَنَا مِنْهُ فَفَتَحَ فَاَهُ وَ مَجَّ فِي فِيهِ مِنْ رِيْقِهِ وَ تَقَلَ بَيْنَ كَتِفَيْهِ وَ تَدْيِيهِ فَقَالَ أَبُو لَهَبٍ بِنَسْ مَا حَبَوْتَ بِهِ ابْنَ عَمِّكَ أَنْ أَجَابَكَ فَمَالَتْ فَاَهُ وَ وَجْهَهُ بُرَاقًا فَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) مَلَأْتُهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا.

به راستی خداوند، هیچ پیامبری را مبعوث نکرد. مگر این که برای او از اهلس برادر و وزیر و وارث و وصی و خلیفه در اهلس قرار داد. پس کدام يك از شما بر می خیزد تا با من بیعت کند که برادر، وارث، وزیر و وصی من باشد و برای من به منزله هارون (علیه السلام) برای موسی (علیه السلام) باشد، جز این که بعد از من نبی نیست، پس قوم

ص: 374



ساكت شدند. وی سه بار جمله را تکرار کرد فَقَامَ عَلِيٌّ فَبَايَعَهُ وَأَجَابَهُ پَسِ عَلِيٌّ (عليه السلام) برخاست و بیعت و اجابت کرد..... (1)

حِينَ جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ (عليه السلام) فِي دَارِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ هُمْ أَرْبَعُونَ رَجُلًا يَوْمَئِذٍ يَزِيدُونَ رَجُلًا أَوْ يَنْقُصُونَ رَجُلًا فِيمَا ذَكَرَهُ الرَّوَاهُ وَ أَمَرَ أَنْ يُصَدَّ نَعْلُهُمْ فَخِذُوا شَاؤَ مَعَ مَدٍّ مِنَ الْبُرِّ وَ يُعَدَّ لَهُمْ صَاعٌ مِنَ اللَّبَنِ وَ قَدْ كَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ مَعْرُوفًا بِأَكْلِ الْجَدْعَةِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ وَ يَشُدُّ رَبَّ الْفَرْقِ مِنَ الشَّرَابِ فِي ذَلِكَ الْمَقَامِ وَ أَرَادَ بِإِعْدَادِ قَلِيلِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ لِجَمَاعَتِهِمْ إِظْهَارَ الْآيَةِ لَهُمْ فِي شِدْبِعِهِمْ وَ رِيهِمْ مِمَّا كَانَ لَا يُشْبِعُ الْوَاحِدَ مِنْهُمْ وَ لَا يُزْوِيهِ ثُمَّ أَمَرَ بِتَقْدِيمِهِ لَهُمْ فَأَكَلَتِ الْجَمَاعَةُ كُلُّهَا مِنْ ذَلِكَ الْيَسِيرِ حَتَّى تَمَلَّئُوا مِنْهُ وَ لَمْ يَبْنِ مَا أَكَلُوهُ مِنْهُ وَ شَرِبُوهُ فِيهِ فَبَهَرَهُمْ بِذَلِكَ وَ بَيَّنَّ لَهُمْ آيَةَ بُرُوتِهِ وَ عِلْمَةَ صِدْقِهِ بِرُهْنِ اللَّهِ تَعَالَى فِيهِ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ بَعْدَ أَنْ شَبِعُوا مِنَ الطَّعَامِ وَ رَوُوا مِنَ الشَّرَابِ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي إِلَى الْخَلْقِ كَرَامَةً وَ بَعَثَنِي إِلَيْكُمْ خَاصَّةً فَقَدَّالَ عَزَّ وَ جَلَّ (وَ أَتَذِيرُ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كَلِمَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَيْنِ فِي الْمِيزَانِ تَمْلِكُونَ بِهِمَا الْعَرَبَ وَ الْعَجَمَ وَ تَنْقَادُ لَكُمْ بِهِمَا الْأُمَمُ وَ تَدْخُلُونَ بِهِمَا الْجَنَّةَ وَ تَنْجُونَ بِهِمَا مِنَ النَّارِ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

فَمَنْ يُجَنِّبِي إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَ يُؤَاذِنِي عَلَيْهِ وَ عَلَى الْقِيَامِ بِهِ يَكُنْ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَرِثِي وَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي فَلَمْ يُجِبْ أَحَدٌ مِنْهُمْ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ مِنْ بَيْنِهِمْ وَ أَنَا إِذْ ذَاكَ أَصَدَّ غُرْهُمُ سِدًّا وَ أَحْمَسَهُمْ سَاقًا وَ أَرْمَصَهُمْ عَيْنًا فَقُلْتُ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

أُوَازِرُكَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ اجْلِسْ ثُمَّ أَعَادَ الْقَوْلَ عَلَى الْقَوْمِ ثَانِيَةً

ص: 375

1- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 18 ص 163 باب 1 المبعث و إظهار الدعوة و ما لقي ص من القوم و ما جرى بينه و بينهم و جمل أحواله إلى دخول الشعب و فيه إسلام حمزة رضي الله عنه و أحوال كثير من أصحابه و أهل زمانه .....

فَأَصْحَابُكُمْ وَأَصْحَابُ الْمَدِينَةِ لَكُمْ فِي آلِهَتِكُمْ إِخْلَافٌ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ  
اللَّهُ (صلی الله علیه و آله)

عَلَى هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ اجْلِسْ فَأَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّ وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَخَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي فَهَضَّ الْقَوْمُ وَهُمْ يَقُولُونَ لِأَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)  
يَا أَبَا طَالِبٍ (عليه السلام)

لِيَهْنِكَ الْيَوْمَ إِنْ دَخَلْتَ فِي دِينِ ابْنِ أَخِيكَ فَقَدْ جَعَلَ ابْنُكَ أَمِيرًا عَلَيْكَ

در آغازی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مردم را به دین اسلام دعوت می کرد نزدیکان خود را گرد آورد و آنان را به یکتاپرستی و ایمان به خدا هدایت نمود و اضافه کرد که اگر به من بگروید شما را یاری کنم و بر کفار و دشمنانتان پیروزی دهم و شرافت دنیا و آخرت و نعمت جاوید بهشت را برای شما ضمانت نمایم هیچ یک از آنان به غیر از امیر المؤمنین (علیه السلام) دعوت آن جناب را اجابت نکرد به همین جهت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وی را برادر و وزیر و و جانشین و خلیفه خود قرار داد و بهشت را برای او واجب گردانید. این پیش آمد در ذیل حدیث الدار که همه ناقلین آثار به صحت آن اتفاق کرده اند چنین آورده شده. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرزندان عبد المطلب (علیه السلام) را که چهل مرد یا بیشتر و یا کمتر بودند در خانه ابو طالب گرد آورد و دستور غذائی که عبارت بوده از یک ران گوسفند و یک پیمانه گندم و چهار پیمانه شیر برای آنان مهیا کرد با آنکه در میان آنها کسی بود که در یک نشست یک گوسفند میخورد و نوزده جام می آشامید. حضرت خواست با این غذای اندک و نوشیدنی مختصر معجزه کرده باشد و به آنها بفهماند که او می تواند با این غذای مختصر که خوراک یک نفر آنها نیست عده ای راسیر کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دستور داد نخست آنها را از همان غذا سیر کردند و همه از آن استفاده کردند و چیزی از آن کاسته نشد، این عمل آنان را مبهوت ساخته و بدین وسیله از معجزه او باخبر شده و براستی و صداقت او پی بردند. میهمان ها چون از خوردن غذا و شیر فارغ شدند فرمود فرزندان عبد المطلب (علیه السلام)

خدای متعال مرا به سوی همه جمعیت عموماً و به سوی شما خصوصاً مبعوث داشته و فرموده: (وَ أَتَمُّزْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) نخست نزدیکان خود را بترسان اینک حسب الامر شما را به گفتن دو کلمه که بر زبان آسانست و میزان روز رستاخیز شما را گرانبار می سازد و بدین وسیله بر همه چیره می شوید و همه مردم را منقاد خود قرار می دهید و وارد بهشت می گردید و از عذاب خدا رهائی می یابید امر می کنم و آن دو کلمه شهادت به وحدانیت خدا و رسالت منست اینک کسی که مرا اجابت کند و به دین و آئین من بگردد و به خواسته ی من قیام نماید برادر و وصی و جانشین و وزیر منست و کارهای پس از من بدو متوجه است. لیکن متأسفانه کسی پاسخ نداده و اجابت نکرد. علی (علیه السلام) فرموده: من که در آن روز از همه کوچکتر و لاغراندام تر و چشمم پر آب تر بود از جای برخاستم عرضه داشتم: من در این راه با شما هم گامم فرمود بنشین بار دیگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همان سخن را اعاده کرد کسی پاسخ نداد این بار هم من پیشقدم شدم باز پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نپذیرفت بار سوم سخن را اعاده کرد. کسی اجابت نکرد من از جای برخاسته برای سومین بار فرموده آن جناب را پاسخ دادم فرمود: بنشین که تو برادر و وصی و وزیر و جانشین پس از منی. (1)

وَعَنْهُ، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ سَنَةَ ثَمَانٍ وَ ثَلَاثِينَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمَيْدِ الرَّازِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا سَلْمَةُ بْنُ الْفَضْلِ الْأَبْرَشِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ، عَنْ عَبْدِ الْغَفَّارِ بْنِ الْقَاسِمِ. قَالَ أَبُو الْمُفَضَّلِ وَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْبَاغَنْدِيِّ وَ اللَّفْظُ لَهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ الْجَزْرَائِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي سَلْمَةُ بْنُ صَالِحِ الْجَعْفِيِّ، عَنْ سُلَيْمَانَ الْأَعْمَشِ وَ أَبِي مَرْيَمَ جَمِيعاً، عَنْ الْمُنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ تَوْفَلٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

ص: 377

قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) دَعَانِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ لِي: يَا عَلِيُّ (عليه السلام)، إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) أَمَرَنِي أَنْ أَنْذِرَ عَشِيرَتِي الْأَقْرَبِينَ، قَالَ: فَضِدْمْتُ بِذَلِكَ ذَرْعًا، وَ عَرَفْتُ أَنِّي مَتَى أَنْادِيهِمْ بِهَذَا الْأَمْرِ أَرَى مِنْهُمْ مَا أَكْرَهُ، فَصَدَّمْتُ عَلَى ذَلِكَ، وَ جَاءَنِي جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله)، إِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ مَا أَمَرْتُ بِهِ عَذَّبَكَ رَبُّكَ فَاصْدَنْعْ لَنَا يَا عَلِيُّ صَاعًا مِنْ طَعَامٍ، وَ اجْعَلْ عَلَيْهِ رِجْلَ شَاةٍ، وَ امْلَأْ لَنَا عَسًا مِنْ لَبَنٍ، ثُمَّ اجْمَعْ بَيْنِي عَبْدِي الْمُطَلِّبِ (عليه السلام) حَتَّى أَكَلِمَهُمْ، وَ أَبْلِغُهُمْ مَا أَمَرْتُ بِهِ. فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِي بِهِ، ثُمَّ دَعَوْتُهُمْ أَجْمَعٍ، وَ هُمْ يَوْمَئِذٍ أَرْبَعُونَ رَجُلًا يَزِيدُونَ رَجُلًا أَوْ يَنْقُصُونَ رَجُلًا، فِيهِمْ أَعْمَامُهُ أَبُو طَالِبٍ (عليه السلام) وَ حَمَزَةُ (عليه السلام) وَ الْعَبَّاسُ (عليه السلام) وَ أَبُو لَهَبٍ. فَلَمَّا اجْتَمَعُوا لَهُ دَعَانِي بِالطَّعَامِ الَّذِي صَنَعْتُ لَهُمْ، فَحِثُّتُ بِهِ، فَلَمَّا وَصَدَّعْتُهُ تَنَاوَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) جِذْمَةً مِنَ اللَّحْمِ، فَشَقَّهَا بِأَسْنَانِهِ، ثُمَّ أَلْفَاها فِي نَوَاحِي الصَّحْفَةِ، ثُمَّ قَالَ: خُذُوا بِسْمِ اللَّهِ، فَأَكَلِ الْقَوْمُ حَتَّى صَدَرُوا، مَا لَهُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الطَّعَامِ حَاجَةً، وَ مَا أَرَى إِلَّا مَوَاضِعَ أَيَدِيهِمْ، وَ ائِمُّ اللَّهُ الَّذِي نَفَسُ عَلَيَّ بِيَدِهِ إِنْ كَانَ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لِيَأْكُلُ مَا قَدَّمْتُ لِجَمِيعِهِمْ، ثُمَّ حِثُّتُهُمْ بِذَلِكَ الْعُسِّ فَشَدُّوا حَتَّى رَوُّوا جَمِيعًا، وَ ائِمُّ اللَّهُ إِنْ كَانَ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَيَشْرَبُ مِثْلَهُ، فَلَمَّا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَنْ يُكَلِّمَهُمْ بَدَرَهُ أَبُو لَهَبٍ إِلَى الْكَلَامِ فَقَالَ: لَشَدَّ مَا سَحَرَكُمُ صَاحِبُكُمْ! فَتَفَرَّقَ الْقَوْمُ، وَ لَمْ يُكَلِّمَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ لِي مِنَ الْعَدَى: يَا عَلِيُّ (عليه السلام)، إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ قَدْ سَبَّحَنِي إِلَى مَا سَمِعْتَ مِنَ الْقَوْلِ، فَتَفَرَّقَ الْقَوْمُ قَبْلَ أَنْ أَكَلِمَهُمْ، فَعَدَّ لَنَا مِنَ الطَّعَامِ بِمِثْلِ مَا صَدَّعْتَ ثُمَّ اجْمَعُهُمْ لِي. قَالَ: فَفَعَلْتُ ثُمَّ جَمَعْتُهُمْ، فَدَعَانِي بِالطَّعَامِ فَفَرَّبْتُهُ لَهُمْ، فَفَعَلَ كَمَا فَعَلَ بِالْأَمْسِ، وَ

أَكَلُوا حَتَّى مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ حَاجَةٍ، ثُمَّ قَالَ: اسْتَقِيمْهُمْ، فَجِئْتُهُمْ بِذَلِكَ الْعَسِّ فَشَرِبُوا حَتَّى رَوَوْا مِنْهُ جَمِيعاً. ثُمَّ تَكَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) فَقَالَ: يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ (عليه السلام)، إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَعْلَمُ شَيْئاً فِي الْعَرَبِ جَاءَ قَوْمَهُ بِأَفْضَلٍ مِمَّا جِئْتُكُمْ بِهِ، إِنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) أَنْ أَدْعُوَكُمْ إِلَيْهِ، فَأَيْتُكُمْ يُؤْمِنُ بِي وَيُؤَازِرُنِي عَلَى أَمْرِي، فَيَكُونُ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَزِيرِي وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِي مِنْ بَعْدِي قَالَ: فَأَمْسَكَ الْقَوْمُ، وَأَحْجَمُوا عَنْهَا جَمِيعاً. قَالَ: فَقُمْتُ وَإِنِّي لَأَحَدُهُمْ سَيِّئاً، وَأَزْمَصَهُمْ عَيْناً، وَأَعْظَمُهُمْ بَطْناً، وَأَحْمَشُهُمْ سَاقاً. فَقُلْتُ: أَمَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) أَكُونُ وَزِيرَكَ عَلَى مَا بَعَثَكَ اللَّهُ بِهِ. قَالَ: فَأَخَذَ ذِي يَدَيْي ثُمَّ قَالَ: إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَوَزِيرِي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا. قَالَ: فَقَامَ الْقَوْمُ يَصْحَكُونَ، وَيَقُولُونَ لِأَبِي طَالِبٍ (عليه السلام): قَدْ أَمَرَكَ أَنْ تَسْمَعَ لِابْنِكَ وَتُطِيعَ.

عبد الله بن عباس روایت کرده که علی بن ابیطالب (عليه السلام) فرمودند: وقتی آیه (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (1) فرود آمد پیامبر (صلى الله عليه و آله) مرا خواند و فرمود: ای علی (عليه السلام) خداوند فراز منند به من فرمان داده تا خویشان نزدیک خود را بیم دهم. من تاب این کار را ندارم و می دانم که هرگاه آنان را برای کار فرا بخوانم سخن ناپسندی از برخی از ایشان می شنوم و ناپسندی می بینم. پس خاموش ماندم ولی جبرئیل (عليه السلام) آمد و عرضه داشت: ای محمد! اگر آنچه را که به آن فرمان داده شده ای انجام ندهی پروردگارت تو را معذب کند. پس ای علی (عليه السلام) برایمان یک پیمانۀ غذا درست کن و یک پای گوسفند به آن اضافه کن و قدحی پر از شیر درست کن سپس فرزندان عبدالمطلب (عليه السلام) را جمع کن تا با آنان سخن بگویم و به آنچه را به آن فرمان داده شده ام برسانم. من آنچه را به من فرموده بود، انجام دادم و سپس همه را دعوت کردم. آنان در آن روز چهل مرد بودند و عموهای

ص: 379

حضرت، ابوطالب(علیه السلام)، حمزه(علیه السلام)، عباس(علیه السلام) و ابولهب نیز در میانشان بودند. وقتی آنان در خدمت حضرت گرد آمدند، غذایی را که من برایشان درست کرده بودم خواستند من آن را آوردم و چون بر سر سفره نهادم، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) تکه ای گوشت برداشت و با دندان هایش پاره کرد و در گوشه های دیس گذاشت و فرمود: بسم الله بخورید. مهمانان خوردند سیر شدند و از غذا دست کشیدند و دیگر میلی به خوردن نداشتند. در حالی که جز جای دستشان چیزی از غذا نخورده بودند. و به خدایی که جان علی(علیه السلام) در دست اوست یک مرد از آنان هم می توانست. همه آنچه را که من آورده بودم بخورد. سپس قح شیر را آوردم و آنان خوردند و سیراب شدند و به خدا سوگند یک مرد از ایشان هم می توانست آن را بخورد. وقتی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) خواست سخن بگوید ابولهب پیشی گرفت و گفت: رفیقان سخت شما را جادو کرده است. در این هنگام و با این سخن مردم پراکنده شدند و رسول خدا(صلی الله علیه و آله) با ایشان سخن نگفت. فردای آن روز به من فرمودند: ای علی! ابولهب با سخنی که از او شنیدی بر من پیشی گرفت و مردم پیش از آن که با آنان سخن بگویم پراکنده شدند، پس دوباره چنان غذایی را برایمان درست کن و آنان را نزد من گرد آور. من نیز چنان کردم. سپس آنان را گرد آوردم آنگاه حضرت غذا خواست و من پیش آوردم و ایشان چنان کرد که دیروز کرده بود و آنان خوردند و سیر شدند. سپس حضرت فرمود: آنان را سیراب کن. من آن قح را برایشان آوردم همگی خوردند و سیراب شدند. سپس رسول خدا(صلی الله علیه و آله) سخن را آغاز کرد و فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب(علیه السلام) به خدا من در میان عرب جوانی را نمی شناسم که چیزی برای مردمش بیاورد برتر از آنچه من برای شما آورده ام. همانا خیر دنیا و آخرت را برایتان آورده ام. و خداوند عزتمند به من فرمان داده تا شما را به سوی آن بخوانم. هرکه از شما که به من ایمان آورد و مرا در کارم یاری کند او پس از من برادر وصی وزیر و جانشین من در میان خاندانم خواهد بود. در حالی که مهمانان ساکت بوده و حرفی نمی زدند. پس من

جوانترین شان، بودم از ایشان سبقت گرفته برخاستم و عرضه داشتم: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) من تورا یاری می کنم، در آنچه خداوند تورا به آن برانگیخته است. ایشان دست مرا گرفت و فرمود: این برادر وصی و جانشین من در میان شماست. سخن او را بشنوید و فرمان برید. عده ای در حالی که می خندیدند به ابوطالب (علیه السلام) گفتند: به تو فرمان داد که از پسر حرف شنوی داشته باشی. (1)

جایگاه هارون نسبت به موسی

أَخْبَرَنَا ابْنُ الصَّلْتِ، قَالَ أَخْبَرَنَا ابْنُ عُمَرَ، قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ، قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: خَلَّفَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) و آله

عَلِيًّا (عليه السلام)

فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، تُخَلِّفَنِي بَعْدَكَ قَالَ: أَلَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ (عليه السلام) مِنْ مُوسَى (عليه السلام) إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.

علی بن موسی الرضا (علیه السلام) از اجداد خود روایت می کند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) را در جنگ تبوک جانشین خود ساخت. پس عرضه داشت: ای رسول خدا! پس از خود مرا به جای می گذاری؟ (و با خود به جنگ نمی بری؟) پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: آیا خشنود نمی گردی که جایگاه تو نسبت به من چون جایگاه هارون (علیه السلام) نسبت به موسی (علیه السلام) باشد جز آن که پیامبری بعد از من نیست. (2)

ص: 381

1- . الأُمالي (للطوسي) النص 581 [24] مجلس يوم الجمعة التاسع من ربيع الأول سنة سبع و خمسين و أربعمائة ح 11

2- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 12 ح 42

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا، قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، قَالَ حَدَّثَنَا فِطْرٌ، عَنْ أَنَسٍ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): إِنَّ أَخِي وَوَزِيرِي وَوَصِيِّي فِي أَهْلِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام).

رسول خدا (صلى الله عليه وآله): همانا برادر و وزیر و جانشین من در میان خانواده ام علی بن ابیطالب (عليه السلام) است. (1)

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الصَّلْتِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَفَّانَ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ الْخَطَّابِ، قَالَ حَدَّثَنَا نَاصِحٌ، عَنْ زَكَرِيَّا، عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: اتَّكَأَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) عَلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ أَخِي وَ أَكُونَ أَخَاكَ، وَ تَكُونَ وَلِيِّي وَ وَصِيِّي وَ وَاثِي تَدْخُلُ رَابِعَ أَزْبَعَةِ الْجَنَّةِ أَنَا وَ أَنْتَ وَ الْحَسَنُ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) وَ ذُرِّيَّتَنَا خَلْفَ ظُهُورِنَا، وَ مَنْ تَبِعَنَا

مِنْ أُمَّتِنَا عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ شَمَائِلِهِمْ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ.

پیامبر (صلى الله عليه وآله) بر علی (عليه السلام) تکیه داد و فرمود: آیا خشنود نمی گردی که برادرم باشی و من نیز برادرت باشم و سرپرست و جانشین و ارث پس از من باشی؟ و جزء چهار نفری باشی که در بهشت داخل می شوند، من و تو و حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) و فرزندان ما که پس از ما خواهند آمد و هر که از امت ما که در چپ و راست خود (و در تمامی موارد) از ما پیروی کنند؟ عرضه داشتیم: بله ای رسول خدا! (2)

ص: 382

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 12 ح 11

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 12 ح 6



أَخْبَرَنَا أَبُو عَمَرَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا، قَالَ حَدَّثَنَا عُبيدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، قَالَ حَدَّثَنَا مَطْرُ، عَنْ أَنَسٍ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): إِنَّ أَخِي وَوَصِيِّي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام).

رسول خدا (صلى الله عليه وآله): همانا برادر و وزیر و جانشین من، علی بن ابیطالب (عليه السلام) است. (1)

حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَصَمِّ بَهَانِيٍّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ عَنْ سَدِّ لَيْمَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ وَفَاتِي مُحِبُّكَ مُحِبِّي وَمُبْغِضُكَ مُبْغِضِي وَعَدُوُّكَ عَدُوِّي وَوَلِيِّكَ وَوَلِيِّي.

جابر بن عبد الله انصاری گوید شنیدم رسول خدا (صلى الله عليه وآله) می فرمود به علی بن ابی طالب (عليه السلام) ای علی! تو برادر من و وصی من و وارث من و خلیفه من بر امت منی در زندگی من و پس از فوت من دوستت دوست من دشمنت دشمن من و بدخواهت بدخواه من و پیروت پیرو من است. (2)

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّرِيفُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى، قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي، قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْحَسَنُ بْنُ بَنِي يَحْيَى، جَمِيعًا، قَالَ- حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ مُزَاهِمٍ، عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْوَاسِطِيِّ، عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ لِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

ص: 383

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 10 ح 46

2- . الأماي (للصدوق) النص 125 المجلس السادس والعشرون ح 5

عَشْرٌ لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي، وَلَا يُعْطَاهُنَّ أَحَدٌ بَعْدِي. قَالَ لِي: أَنْتَ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ أَخِي فِي الآخِرَةِ، وَأَنْتَ أَقْرَبُ النَّاسِ مِنِّي مَوْقِفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْزِلِي وَ مَنْزِلِكَ فِي الْجَنَّةِ مُتَوَاجِهًا إِنْ كَمَنْزِلِ الْآخَوَيْنِ، وَأَنْتَ الْوَصِيُّ، وَأَنْتَ الْوَلِيُّ، وَأَنْتَ الْوَزِيرُ، عَدُوُّكَ عَدُوِّي وَ عَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ، وَ وَلِيُّكَ وَ لِيِّي وَ وَلِيُّ اللَّهِ.

امیر مومنان (علیه السلام): برای من از جانب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ده موهبت بود که پیش از من به کسی عطا نشده بود و پس از من نیز به کسی عطا نگردید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به من فرمود: ای علی! تو برادر من در دنیا و آخرت هستی و در قیامت جایگاه تو نزدیکترین جایگاه به من است و منزل من و تو در بهشت همانند منزل دو برادر رو به روی هم است و تو جانشین و سرپرست و وزیر من هستی. دشمن تو دشمن من و دشمن من دشمن خداست و سرپرست تو دوست من و دوست من دوست خداست. (1)

جانشین پیامبر

حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ الشُّكْرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا جَدِّي عَلِيُّ بْنُ عُمَرَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْعَبَّاسِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُهَنَّادُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مِينَا، عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ لَيْدَةَ الْجَنْجَنُ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، نُعِيَتْ إِلَيَّ نَفْسِي. فَقُلْتُ: اسْتَحْلِفُ، يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله). قَالَ: مَنْ قُلْتُ: أَبَا بَكْرٍ. فَأَعْرَضَ عَنِّي ثُمَّ قَالَ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، نُعِيَتْ إِلَيَّ نَفْسِي. قُلْتُ: اسْتَحْلِفُ. قَالَ: مَنْ قُلْتُ: عُمَرَ. فَأَعْرَضَ عَنِّي، ثُمَّ قَالَ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، نُعِيَتْ إِلَيَّ

ص: 384

نَفْسِي. قُلْتُ: اسْتَحْلِفُ. قَالَ: مَنْ قُلْتُ عَلِيًّا (عليه السلام). قَالَ: أَمَا إِنَّهُمْ إِنْ أَطَاعُوهُ دَخَلُوا الْجَنَّةَ أَجْمَعُونَ.

ابن مسعود می گوید: در شبی تاریک رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من فرمود: ای ابن مسعود. به گوش جانم، خبر مرگم خوانده شد. پس عرضه داشتم: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جانشینی قرار ده. فرمود: چه کسی؟ عرضه داشتم: ابوبکر. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از من روی گردانید. دگر باره فرمود: ای ابن مسعود! به گوش جانم خبر مرگم داده شده. گفتم جانشینی برگزین. فرمود: چه کسی را؟ عرضه داشتم: عمر. پس بار دیگر از من روی گردانید. آنگاه فرمود: ای ابن مسعود. به گوش دلم خبر از وفاتم داده شد. عرضه داشتم جانشینی قرار ده. فرمود: چه کسی را؟ عرضه داشتم: علی (علیه السلام) را. فرمود: آگاه باش چنان چه آنان از او پیروی کنند همگی در بهشت داخل می گردند. (1)

علی وزیر و خلیفه ی منست

أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْقُرَشِيُّ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ عَاصِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا سُؤَيْدُ بْنُ سَعِيدٍ، [قَالَ] حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ ذَابِتٍ، عَنْ مَطَرٍ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِنَّ خَلِيلِي وَوَزِيرِي وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَخَيْرَ مَنْ أتركُ بَعْدِي يُنْجِزُ مَوْعِدِي وَيَقْضِي دِينِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام).

ص: 385

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: اوست خلیل، وزیر و خلیفه در میان اهل بیتم و بدانید بهترین کسی که وعده های مرا وفا کند و قرض و دینم را ادا نماید علی بن ابی طالب(علیه السلام) است. (1)

اشارات مختلف پیامبر به وصایت علی

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي الْهَدَيْلِ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِمَامَةِ فِيمَنْ تَجِبُ وَ مَا عَلَامَةٌ مَنْ تَجِبُ لَهُ الْإِمَامَةُ فَقَالَ إِنَّ الدَّلِيلَ عَلَى ذَلِكَ وَ الْحُجَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْقَائِمَ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ وَ النَّاطِقَ بِالْقُرْآنِ وَ الْعَالِمَ بِالْأَحْكَامِ أَخُو نَبِيِّ اللَّهِ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَى أُمَّتِهِ وَ وَصِيُّهُ عَلَيْهِمْ وَ وَلِيُّهُ الَّذِي كَانَ مِنْهُ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ (عليه السلام) مِنْ مُوسَى (عليه السلام) الْمَفْرُوضِ الطَّاعَةَ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ) الْمَوْصُوفُ بِقَوْلِهِ ( إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ ) الْمَدْعُوُّ إِلَيْهِ بِالْوَلَايَةِ الْمُثَبَّتِ لَهُ الْإِمَامَةُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ بِقَوْلِ الرَّسُولِ (صلى الله عليه و آله) عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَلَسْتُ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ قَالُوا بَلَى قَالَ فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْي (عليه السلام) مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذْ مَنْ خَذَلَهُ وَ اعِنْ مَنْ أَعَانَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّبِينَ وَ أَفْضَلُ الْوَصِيَّةِ وَ خَيْرُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ بَعْدَهُ الْحَسَنُ بْنُ

ص: 386

1- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 489 وفي تثبيت هذه الوزارة لعلي ع و تحققها له ح 516

عَلِيِّ (عليه السلام) ثُمَّ الْحَسَنِ (عليه السلام) سِبْطًا رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَابْنًا خَيْرِ النَّسْوَانِ أَجْمَعِينَ ثُمَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ثُمَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) ثُمَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (عليه السلام) ثُمَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى (عليه السلام) ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ ابْنُ الْحَسَنِ (عليه السلام) إِلَى يَوْمِنَا هَذَا وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ وَهُمْ عِتْرَةُ الرَّسُولِ (صلى الله عليه وآله) الْمَعْرُوفُونَ بِالْوَصِيَّةِ وَالْإِمَامَةِ وَلَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ مِنْهُمْ فِي كُلِّ عَصْرٍ وَزَمَانٍ وَفِي كُلِّ وَقْتٍ وَأَوَانٍ وَهُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَائِمَّةُ الْهُدَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ يَرِثَ اللَّهُ (الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا) (1) وَكُلُّ مَنْ خَالَفَهُمْ ضَالٌّ مُضِلٌّ تَارِكٌ لِلْحَقِّ وَالْهُدَى وَهُمْ الْمُعْبَرُونَ عَنِ الْقُرْآنِ وَالنَّاطِقُونَ عَنِ الرَّسُولِ (صلى الله عليه وآله) وَمَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُهُمْ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً وَدِينُهُمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّدْقُ وَالصَّلَاحُ وَالْإِجْتِهَادُ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَطُولُ السُّجُودِ وَقِيَامُ اللَّيْلِ وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَانْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ وَحُسْنُ الصُّحْبَةِ وَحُسْنُ الْجَوَارِحِ ثُمَّ قَالَ تَمِيمٌ بْنُ بَهْلُولٍ حَدَّثَنِي أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) فِي الْإِمَامَةِ مِثْلَهُ سَوَاءً.

تمیم بن بهلول می گوید: از عبد الله بن ابی الهذیل از امامت پرسیدم و اینکه امامت در چه کسی است و علامت کسی که مقام امامت را دارد چیست؟ گفت: راهنمای این امر و حجت بر مؤمنان و قائم به امور مسلمانان و ناطق به قرآن و عالم به احکام، همان برادر پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) و جانشین او بر امتش و وصی او بر آنان و ولی اوست که نسبت به او به منزله هارون (عليه السلام) از موسی (عليه السلام) بود و کسی که پیروی از او به گفته خداوند:

یا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (2)

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدای را فرمان برداری کنید و پیامبر (صلى الله عليه وآله) و خداوندان امر

ص: 387

1- . مريم آية 40

2- . النساء آية 59

خود را فرمان برداری کنید، آنکه خدا وی را در قرآن چنین وصف کرده (إِنَّمَا

وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ) (1) ولی شما خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) اوست و کسانی که نماز می گزارند و زکات می دهند، در حالی که در رکوع هستند، و آنکه در روز غدیر خم مولای گروندگان خوانده شده و پیشوای او ثابت گردیده به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی خدا چنان که گفته: آیا من به شما از شما اولی نیستم؟ گفتند آری اولی هستی، پس گفت: هر که را من مولای او هستم علی (علیه السلام) مولای اوست، بار خدایا دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن دار و یار او را یار باش، و آنکه وی را واگذارد او را واگذار و یاری گروی را یاری فرما. او علی بن ابی طالب (علیه السلام) سرور گروندگان و پیشوای پرهیزکاران است، پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمان برداری از وی واجب است و بعد از او حسن بن علی (علیه السلام) بعدا حسین بن علی (علیه السلام) که دو سبط پیامبرند (صلی الله علیه و آله)، سپس علی بن الحسین (علیه السلام) و محمد بن علی (علیه السلام) و جعفر بن محمد (علیه السلام) و موسی بن جعفر (علیه السلام) و علی بن موسی (علیه السلام) و محمد بن علی (علیه السلام) و علی بن محمد (علیه السلام) و حسن بن علی (علیه السلام) و محمد بن الحسن (علیه السلام) می باشند. تا امروز هر کدام یکی پس از دیگری پیشوای اند. ایشان خاندان پیامبراند که به وصایت و پیشوایی شناخته شده اند، زمین در هر دوره بی از یکی از ایشان تهی نیست، مخالف ایشان گمراه و گمراه کننده و رها دهنده ایشان رهایی دهنده حق و هدایت است. ایشان مفسر قرآن و گویندگان از سوی پیامبراند. آنکه می میرد و ایشان را به پیشوایی نشناسد مرگ وی مرگ زمان جاهلیت باشد. راه و رسم ایشان پارسایی و راستی و کوشش و امانت بود، دستور ایشان شب زنده داری و پرهیز از محرمت و انتظار گشایش و نیکی اخلاق و خوشی و خوبی همسایگی ست. بعدا تمیم بن بهلول گفته: که ابو معاویه از اعمش از امام صادق (علیه السلام) مانند این حدیث را برای من نقل کرده است. (2)

ص: 388

1- . المائدة آية 55

2- . الخصال ج 2 ص 478 الخلفاء و الأئمة بعد النبي ص اثنا عشر ح 46

وَرَوَى ابْنُ الْمَغَازِلِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُرَيْدَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ وَوَارِثٌ وَإِنَّ وَصِيِّي وَوَارِثِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

ابن مغازلی از عبد الله بن بریده روایت کرده است که گفت: پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: هر پیغمبری وصی و وارثی دارد، وصی و وارث من علی بن ابی طالب (عليه السلام) است. (1)

هرکه با علی بر سر خلافت نزاع کند

مِنْ كِتَابِ مَنَاقِبِ الْخَوَارِزْمِيِّ عَنْ أَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ نَاصَبَ عَلِيًّا (عليه السلام) الْخِلَافَةَ بَعْدِي فَهُوَ كَافِرٌ وَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ (صلى الله عليه وآله) وَمَنْ شَكَّ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) فَهُوَ كَافِرٌ

ابوذر رضوان الله عليه از پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) روایت می کند که فرمود: هر که پس از من بر سر خلافت با علی (عليه السلام) نزاع کند کافر است و با خدا و رسولش جنگیده است، و هر آنکه در علی (عليه السلام) شک کند کافر است (2)

بیعت با علی بیعت با رسول خدا

وَ يَأْتِي نَادِيَهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) كَفَّ عَلِيٌّ (عليه السلام) كَفِّي جَعَابِي بِهِ هَمِينَ اسناد از امیر مؤمنان (عليه السلام) روایت کرده که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: دست علی (عليه السلام) دست من است. (یعنی بیعت با علی (عليه السلام) بیعت با من است). (3)

ص: 389

1- الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف ج 1 ص 23 ظهور التسمية لعلي ع بأنه وصي ح 19

2- كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 293 المبحث الرابع عشر في التواعد على من ناصب عليا ع الخلافة ح 1

3- [1] عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 67 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 304

وَرَوَتْ أُمُّ رَاشِدٍ مَوْلَاهُ أُمَّ هَانِيٍّ أَنَّ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ دَخَلَا عَلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) فَاسْتَأْذَنَاهُ فِي الْعُمْرَةِ فَأَذِنَ لَهُمَا فَلَمَّا وَلَّيَا مِنْ عِنْدِهِ سَجَعَتْهُمَا يَقُولَانِ: مَا بَايَعْنَا بِقُلُوبِنَا وَإِنَّمَا بَايَعْنَا بِأَيْدِينَا فَأَخْبَرْتُ عَلِيًّا (عليه السلام) بِمَقَالَتِهِمَا فَقَالَ (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا)...

طلحه و زبیر پیش علی (علیه السلام) آمدند و از او برای عمره اجازه خواستند، و چون از پیش او بیرون آمدند، شنیدم می گویند ما با دل های خود بیعت نکردیم بلکه فقط با دست های خود بیعت کردیم. من این سخن ایشان را به علی (علیه السلام) گفتم، این آیه را تلاوت فرمود: (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) (1) آنان که با تو بیعت کردند به حقیقت با خدا بیعت کردند، دست خدا بر فراز دست آنهاست. و هر که بیعت شکنی کند بر زیان خود کرده است و هر که به عهدی که با خدا بسته است وفا کند به زودی خداوند به او پاداشی بزرگ عطا خواهد کرد.... (2) یار و مددکار رسول خدا در دنیا و آخرت

وَقَالَ لِبَنِي عَمِّهِ أَيُّكُمْ يُؤَلِّينِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ قَالَ وَعَلِيٌّ (عليه السلام) جَالِسٌ مَعَهُمْ فَأَبَوْا فَقَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) أَنَا أَوْلَايَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَقَالَ (أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا

ص: 390

1- . الفتح آية 10

2- . الجمل و النصره لسيد العترة في حرب البصرة ص 437 سبب عناد طلحة و الزبير لأمير المؤمنين



وَ الْآخِرَةَ قَالَ فَتَرَكَهُ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ رَجُلٍ مِنْهُمْ وَقَالَ أَيُّكُمْ يُوَالِيَنِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَأَبْرَأُ قَالَ فَقَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) أَنَا أُوَالِيكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَقَالَ (أَنْتَ وَ لِيِّي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ) فَقَالَ كَانَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ مِنَ النَّاسِ بَعْدَ خَدِيجَةَ

و دیگر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود بنی اعمام خود را، که کدام یک یار و مددکار منست از شما در دنیا و آخرت؟ ایشان ایا کرده، امیرالمؤمنین(علیه السلام) در آن میان فرمود (أَنْتَ وَ لِيِّي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ)(1) که من یار و مددکار توام در دنیا و آخرت، باز این کلام را اعاده فرمود و ایشان ایا کرده امیرالمؤمنین(علیه السلام) تلقی فرمود، بعد از آن حضرت گفت (أَنْتَ وَ لِيِّي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ) که تو ولی و ناصر منی در دنیا و آخرت و دیگر اول کسی از مردان که تصدیق پیغمبر(صلی الله علیه و آله) فرمود بعد از خدیجه او بود. (2)

خليفة رسول خدا وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله) يَا عَلِيُّ (عليه السلام) أَنْتَ تُبْرِي ذِمَّتِي وَ أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَيَّ أُمَّتِي.

و به همین اسناد جعابی روایت کرده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به علی(علیه السلام) فرمود: یا علی! تو ذمه مرا بری خواهی کرد، و توئی خلیفه و جانشین من بر امتم. (3)

قَالَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله): ... عَلِيُّ (عليه السلام) حُجَّةُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَيَّ عِبَادِهِ

رسول خدا(صلی الله علیه و آله): علی(علیه السلام) حجت خدا و خلیفه اوست بر بندگانش. (4)

ص: 391

1- . یوسف آیه 101

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 82 ما جاء في إسلامه و سبقه و سنه يومئذ

3- [1]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 59 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 229

4- . الأمالي للصدوق ص 89 المجلس العشرون ح 20 ح 1.

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْقَلَانِسِيُّ الْمَرَاغِيّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ صَالِحٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عُثْمَانَ الْحَضْرَمِيُّ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّبْعِيِّ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بِغَدِيرِ حُمٍّ يَقُولُ: إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَحِلُّ لِي وَلَا لِأَهْلِ بَيْتِي، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ تَوَلَّى غَيْرَ مَوَالِيهِ، الْوَلَدُ لِصَاحِبِ الْفِرَاسِ وَاللِّعَاطِرِ الْحَجَرِ، وَلَيْسَ لِوَارِثٍ وَصِيَّةٌ، أَلَا وَقَدْ سَمِعْتُمْ مِنِّي وَرَأَيْتُمُونِي، أَلَا مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَبْتَوُأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ، أَلَا وَإِنِّي فَرَطُ لَكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، وَ مَكَاثِرُ بِكُمْ الْأَمَمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَلَا تُسَوِّدُوا وَجْهِي، أَلَا لَأَسْتَقْدَنَ رِجَالًا مِنَ النَّارِ، وَ لَيْسَتُنْقَدَنَّ مِنْ يَدِي أَقْوَامٌ، إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ، وَ أَنَا مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ، أَلَا فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ (عليه السلام) مَوْلَاهُ.

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در روز غدیر فرمودند: صدقه بر من و اهل بیت من روا نیست. خداوند لعنت کند کسی را که خود را به غیر پدرش منسوب کند و سرپرستی غیر مولای خود را بپذیرد. فرزند برای صاحب بستر است و برای زنا کار سنگ است و وارث و وصیتی ندارد. آگاه باشید که شما سخن مرا شنیدید و مرا مشاهده کردید. هر که از روی عمد بر من دروغ ببندد بررسی شود. آگاه باشید که من در کنار حوض کوثر چشم به راه شمایم و به فراوانی شما امت مباحثات می کنم. پس مرا رو سیاه نکنید. آگاه باشید که من گروهی را از دوزخ رهایی می بخشم، همانا خداوند سرپرست من و من نیز صاحب اختیار هر مرد و زن با ایمان هستم. آگاه باشد که هر که من سرپرست و صاحب اختیار او هستم علی (علیه السلام) سرپرست و صاحب اختیار اوست. (1)

ص: 392

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَفَّانَ، قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، قَالَ حَدَّثَنَا هَانِئُ بْنُ أَيُّوبَ، عَنْ طَلْحَةَ بْنِ مُصَرِّفٍ، عَنْ عَمِيرَةَ بْنِ سَعْدٍ، أَنَّهُ سَمِعَ عَلِيًّا (عليه السلام) فِي الرَّحْبَةِ وَهُوَ يُنْشِدُ النَّاسَ: مَنْ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ (عليه السلام) مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ فَقَامَ بِضَعَةِ عَشْرٍ فَشْهَدُوا.

عميرة بن سعد می گوید: شنیدم که علی (علیه السلام) در میدانگاه شهر مردم را سوگند می دهد و می فرماید: چه کسی شنید که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: هرکه من مولای اویم من علی (علیه السلام) مولای اوست. خداوندا گرامی بدار هرکه او را گرامی بدارد و دشمن دار هرکه او را دشمن بدارد. پس چند ده نفر گواهی دادند. (1)

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُؤْمِنُ وَجَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ وَاصِلِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِدَانٍ عَنَّا بِعَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ لَمَّا صُرِعَ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ يَوْمَ الْجَمَلِ جَاءَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) حَتَّى جَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَقَالَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ يَا زَيْدُ فَقَدْ كُنْتُ خَفِيفَ الْمُؤْنَةِ عَظِيمِ الْمُؤْنَةِ قَالَ فَرَفَعَ زَيْدُ رَأْسَهُ إِلَيْهِ ثُمَّ قَالَ وَأَنْتَ فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مَا عَلِمْتُكَ إِلَّا بِاللَّهِ عَلِيمًا وَفِي أُمَّ الْكِتَابِ عَلِيًّا (عليه السلام) حَكِيمًا وَإِنَّ اللَّهَ فِي صَدْرِكَ لَعَظِيمٌ وَاللَّهُ مَا قَاتَلْتُ مَعَكَ عَلَى جَهَالَةٍ وَلَكِنِّي سَمِعْتُ أُمَّ سَلَمَةَ زَوْجَةَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ (عليه السلام) مَوْلَاهُ

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ

ص: 393

نَصْرَهُ وَ اخْتَدَلَ مَنْ خَدَلَهُ وَ كَرِهْتُ وَ اللَّهُ أَنْ اخْتَدَلَكَ فَيَخْدُلَنِي اللَّهُ

در جنگ جمل چون زید بن صوحان به زمین افتاد امیرالمومنین (علیه السلام) بر سر بالین او حاضر شد و فرمود: رحمت خدا بر تو ای زید چه یاور کم خرج و پر ثمری بودی. پس زید سرش را بلند کرد و عرضه داشت: خداوند جزای خیر به شما دهد یا امیرالمومنین به خدا سوگند من شما را عالم به توحید و کتاب الهی می دانم. خداوند در قلب شما جایگاهی بزرگ دارد. به خدا سوگند از روی بصیرت و آگاهی همراه شما شدم، زیرا از جناب ام سلمه شنیدم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هرکه من مولی و ولی او هستم، پس علی (علیه السلام) ولی اوست. خدایا دوستش را دوست بدار و دشمنش را دشمن بدار. یاوران علی (علیه السلام) را یاری کن و مخالفینش را خوار و ذلیل فرما. (1)

هرکه من مولای اویم پس علی مولای اوست

قَالَ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ مَوْلَاهُ عَلِيٌّ (علیه السلام) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هرکه را من مولای اویم پس علی (علیه السلام) مولای اوست (2)

امام متقین

وَ يَا سَدِّ نَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) يَا عَلِيُّ (علیه السلام) إِنَّكَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ

ص: 394

1- . الإختصاص النص 79 زید بن صوحان

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 294 في ذكر أنه أقرب الناس إلى رسول الله ص و أنه مولی من كان مولاه

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: ای علی! به درستی که تو آقای مسلمانان و سرور و نگهبان مؤمنان و پیشوای پرهیزگاران و زمامدار شهرت یافتگانی. (1)

درباره روز غدیر

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سَلْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْيَمَانِيِّ عَنْ مَسْمَعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ عَنْ صَبَّاحِ الْمُزَنِيِّ عَنْ جَابِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَدَ عَلِيِّ (عليه السلام)

يَوْمَ الْغَدِيرِ صَرَخَ إِبْلِيسُ فِي جُنُودِهِ صَرَخَةً فَلَمْ يَبْقَ مِنْهُمْ أَحَدٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا أَتَاهُ فَقَالُوا يَا سَيِّدَهُمْ وَمَوْلَاهُمْ مَاذَا دَهَكَ فَمَا سَمِعْنَا لَكَ صَرَخَةً أَوْ حَشَ مِنْ صَرَخَتِكَ هَذِهِ فَقَالَ لَهُمْ فَعَلَ هَذَا النَّبِيُّ فِعْلًا إِنْ تَمَّ لَمْ يُعْصِ اللَّهُ أَبَدًا فَقَالُوا يَا سَيِّدَهُمْ أَنْتَ كُنْتَ لِأَدَمَ فَلَمَّا قَالَ الْمُنَافِقُونَ إِنَّهُ يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ وَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ أَمَا تَرَىٰ عَيْنِيهِ تَدُورَانِ فِي رَأْسِهِ كَأَنَّهُ مَجْنُونٌ يَعْنُونَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) صَرَخَ إِبْلِيسُ صَرَخَةً بِطَرْبٍ فَجَمَعَ أَوْلِيَاءَهُ فَقَالَ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنِّي كُنْتُ لِأَدَمَ مِنْ قَبْلُ قَالُوا نَعَمْ قَالَ آدَمُ تَقَضَّ الْعَهْدَ وَلَمْ يَكْفُرْ بِالرَّبِّ وَهُؤُلَاءِ تَقَضُّوا الْعَهْدَ وَكَفَرُوا بِالرَّسُولِ (صلى الله عليه وآله)

فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَأَقَامَ النَّاسُ غَيْرَ عَلِيٍّ لَيْسَ إِبْلِيسُ تَاجَ الْمُلْكِ وَنَصَبَ مِنْبَرًا وَقَعَدَ فِي الْوُثْبَةِ وَجَمَعَ خَيْلَهُ وَرَجَلَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ اطْرُبُوا لَا يُطَاعَ اللَّهُ حَتَّى يَقُومَ الْإِمَامُ وَتَلَا أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام)

و)

لَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ)

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) كَانَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ لَمَّا

ص: 395

وَ الظَّنُّ مِنْ إِبْلِيسَ حِينَ قَالُوا لِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنَّهُ يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ فَظَنَّ بِهِمْ إِبْلِيسُ ظَنًّا فَصَدَّقُوا ظَنَّهُ.

جابر از امام باقر (علیه السلام) روایت کند که چون رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در روز غدیر خم دست علی (علیه السلام) را به دست گرفت (و آن حضرت را برای جانشینی خویش منصوب فرمود) شیطان در میان لشکریانش فریاد زد، و هیچ يك از آنها چه در خشکی و چه دریا به جای نماند جز آنکه به دنبال فریاد او به نزدش دویدند، و گفتند: ای آقا! و سرور ما چه بر سرت آمده که ما تاکنون از تو فریادی وحشتناکتر از این نشنیده بودیم؟ بدان ها گفت: این پیغمبر (صلى الله عليه وآله) کاری کرد که اگر به راستی این کار سرانجامی بگیرد هرگز کسی خدای را معصیت و نافرمانی نکند، در پاسخ گفتند: ای آقای ما! تو همانی که با آدم ابو البشر چنان کردی، و چون منافقان (که در آن انجمن در غدیر خم حاضر بودند) گفتند: این مرد (یعنی رسول خدا (صلى الله عليه وآله)) از روی هوای نفس و دلخواه خود سخن می گوید، و یکی از آن دو نفر به رفیقش گفت: مگر نمی بینی که چشمانش چگونه در کاسه سرش می چرخد؟ گویا دیوانه شده و مقصودشان رسول خدا (صلى الله عليه وآله) بود در این موقع شیطان فریادی از روی خوشحالی زد، و دوستانش دوباره گردش را گرفتند، بدان ها گفت: آیا دانسته اید که من پیش از این با آدم ابو البشر چه کردم؟ گفتند: آری، گفت: آدم پیمان خود را شکست ولی به خدا کافر نشد، و اینان هم پیمان شکستند و هم به رسول خدا (صلى الله عليه وآله) کافر شدند. و هنگامی که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) از این جهان رحلت فرمود و مردم به جای علی (علیه السلام) دیگری را به خلافت نصب کردند شیطان تاج شاهی بر سر نهاد و پیادگان و سوارگان خود را جمع کرد و بدان ها گفت: شادی کنید تا روز ظهور امام (آن طور که باید) خدای فرمانبرداری نشود. امام باقر (علیه السلام) این آیه را خواند (وَ لَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) و به راستی شیطان گمان خویش را در باره آنها صادق و پابرجا

دید، و به جز گروهی از مؤمنان (همگی) پیروی او را کردند امام باقر (علیه السلام) فرمود: تأویل این آیه هنگامی بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از این جهان رفت، و گمان ابلیس همان وقتی بود که در باره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفتند: او از روی هوای نفس و دلخواه خود سخن می گوید، و شیطان در این موقع گمانی در باره ایشان برد و آنها گمان شیطان را ثابت و درست کردند. (1)

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَمَّا أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ بَغْدِيرِ خُمٍ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ كَانَ إِبْلِيسَ لَعْنَهُ اللَّهُ حَاضِرًا بَعْفَارِيَّتِهِ فَقَالَتْ لَهُ حَيْثُ قَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَاللَّهِ مَا هَكَذَا قُلْتُ لَنَا لَقَدْ أَخْبَرْتَنَا أَنَّ هَذَا إِذَا مَضَى افْتَرَقَتْ أَصْحَابُهُ وَهَذَا أَمْرٌ مُسْتَقَرٌّ كُلَّمَا أَرَادَ أَنْ يَذْهَبَ وَاحِدٌ بَدَرَ آخَرَ فَقَالَ افْتَرَقُوا فَإِنَّ أَصْحَابَهُ قَدْ وَعَدُونِي أَنْ لَا يَقْرُوا لَهُ بِشَيْءٍ مِمَّا قَالَ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ (وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ )

در آن هنگام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دست علی (علیه السلام) را در غدیر خم گرفت و فرمود: کسی که من مولای او هستم، علی (علیه السلام) مولای اوست. [در آن هنگام] شیاطین خاک بر سر خود ریختند. شیطان بزرگ که لعنت خدا بر او باد گفت: شما را چه می شود؟ گفتند: این مرد امروز گرهی بست که تا روز قیامت هیچ انسانی نمی تواند آن را بگشاید. شیطان به آنها گفت: هرگز! کسانی که پیرامون او هستند به من وعده ای داده اند که هیچ گاه از آن تخلف نمی ورزند. در آن هنگام خدای سبحان این آیه را فرو فرستاد (وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ) و به یقین ابلیس گمان خود را درباره آنان محقق یافت که همگی از او پیروی کردند، جز گروه

ص: 397

اندکی از مؤمنان که مقصود [از مؤمنان] شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ دَا عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيدٍ عَنْ سَدِّ الْمِ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَخْبَرَنِي عَنِ الْوَلَايَةِ أَنْزَلَ بِهَا جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَوْمَ الْعَدِيرِ فَقَالَ (نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَإِنَّهُ لَفِي زُبْرِ الْأَوَّلِينَ) قَالَ هِيَ الْوَلَايَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام).

به امام باقر (علیه السلام) عرضه داشتم: مرا از ولایت [امیرالمؤمنین (علیه السلام)] که جبرئیل (علیه السلام) از جانب پروردگار جهانیان در روز غدیر فرود آورده آگاه سازید امام باقر (علیه السلام) فرمود (نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَإِنَّهُ لَفِي زُبْرِ الْأَوَّلِينَ) روح الامین آن را فرود آورد، بر قلب تو، تا از بیم دهندگان باشی، به زبان عربی آشکار، و به تحقیق توصیف آن در کتاب های پیشینیان نیز آمده است آن گاه فرمود: آن، ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. (2) فَكَمَلَّ اللَّهُ دِينَهُ وَأَقْرَبَّ عَيْنَ نَبِيِّهِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُتَابِعِينَ وَكَانَ مَا قَدْ شَهِدَهُ بَعْضُكُمْ وَبَلَغَ بَعْضُكُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ اللَّهِ الْحُسْنَى عَلَى الصَّابِرِينَ وَدَمَّرَ اللَّهُ مَا صَنَعَ فِرْعَوْنُ وَهَامَانَ وَقَارُونَ وَجُنُودَهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ وَبَقِيَتْ حُثَالَةٌ مِنَ الضَّلَالِ لَا يَأْلُونَ النَّاسَ حَبَالًا يَقْصِدُهُمُ اللَّهُ فِي دِيَارِهِمْ وَيَمْحُو آثَارَهُمْ وَيُبِيدُ مَعَالِمَهُمْ وَيُعَقِّبُهُمْ عَنْ قُرْبِ الْحَسَرَاتِ وَيُلْحِقُهُمْ بِمَنْ بَسَطَ أَكْفَهُمْ وَمَدَّ أَعْنَاقَهُمْ وَمَكَّنَّهُمْ مِنْ دِينِ اللَّهِ حَتَّى بَدَّلُوهُ وَمِنْ حُكْمِهِ حَتَّى غَيَّرُوهُ وَسَيَأْتِي نَصْرُ اللَّهِ عَلَى عَدُوِّهِ لِحِينِهِ وَاللَّهُ لَطِيفٌ خَبِيرٌ وَفِي دُونِ مَا سَمِعْتُمْ كِفَايَةً وَبَلَاغٌ فَتَأَمَّلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ مَا نَدَبَكُمُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَحَثَّكُمْ عَلَيْهِ وَاقْصِدُوا شَرَعَهُ وَ

ص: 398

1- . تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 463 [سورة سبأ(34): آية 20]

2- . بصائر الدرجات ج 1 ص 73 باب 8 باب ما خص الله به الأئمة من آل محمد من ولاية الأنبياء لهم في الميثاق وغيره و ما أعلموا من ذلك ح 6



خداوند دین خود را کامل نمود و چشم پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنین و پیروان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را روشن فرمود چنانچه بعضی از شما حاضر بوده و دیدید و به بعضی از شما هم رسیده و شنیدید و تمام گردید حجت نیکوی خدا بر صبرکنندگان و هلاک نمود و نابود ساخت آنچه را که فرعون و هامان قارون صفتان و لشکرشان برپا داشتند و باقی مانده نخاله از گمراهان که از فساد در میان مردم کوتاهی ندارند و خداوند ایشان را در خانه ها و دیارشان نابود خواهد کرد و آثارشان را محو خواهد نمود و نشانه های ایشان را برطرف خواهد کرد و هر چه زودتر آنها را به حسرت گرفتار می نماید و ملحق می کند آنها را به کسانی که دست درازی کردند و گردن کشی نمودند و بر دین خدا دست یافتند و تبدیل و تغییر در دین خدا دادند و به زودی یاری خدا خواهد آمد و حبیب خود را بر دشمن غلبه خواهد داد و خدا مهربان و دانا است و به کمتر چیزی که به شما رساندم و شما شنیدید از جهت اتمام حجت شما را کافی بود خدا شما را رحمت کند تأمل و تفکر نمائید در آنچه خداوند شما را به سوی آن خوانده و بر آن وادار نموده به شریعت او روی آورید و راهی را که او خواسته برود و از راه هائی که شما را از راه خدا باز دارد مروید و پیروی نکنید..(1) نزول آیه ی غدیر

وَ عَنْهُ بِإِسْمِ نَادِهِ عَنِ الْكَلْبِيِّ نَزَلَ أَنْ يُبَلِّغَ فِيهِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِهِ) بِيَدِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ فَعَلَيٍّْ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَوْلَاَهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ فَقَوْلُهُ (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (2) فِيهِ خَمْسَةُ أَشْيَاءَ

ص: 399

- 
- 1- [1] مصباح المتهدجد ج 2 ص 755 خطبة أمير المؤمنين ع في يوم الغدير، بحار الأنوار ج 94 ص 115 باب 60 فضل يوم الغدير و صومه ح 8،
- 2- . المائدة آية 67

كَرَامَةً وَأَمْرٌ وَحِكَايَةٌ وَعَزْلٌ وَعَصْمَةٌ أَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ أَنْ يَنْصِبَ عَلِيًّا إِمَامًا فَتَوَقَّفَ فِيهِ لِكِرَاهَتِهِ تَكْذِيبَ الْقَوْمِ فَنَزَلَتْ (فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ) (1) الْآيَةَ فَأَمَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْ يُسَلِّمُوا عَلَيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِالْأَمْرَةِ ثُمَّ نَزَلَ بَعْدَ أَيَّامٍ (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (2) وَجَاءَ فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى (فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى) (3) لَيْدَةَ الْمِعْرَاجِ فِي عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَلَمَّا دَخَلَ وَقَفَتْهُ قَالَ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَمَا أَوْحَى أَيُّ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ فِي عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ.

کلبی گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دست علی (علیه السلام) را گرفت و فرمود: هر که من سرپرست و صاحب اختیار او هستم، پس علی (علیه السلام) سرپرست و صاحب اختیار او است. خداوند! دوست بدار کسی را که با او دوستی کند و دشمن باش با کسی که با او دشمنی کند پس در این سخن خداوند ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است. پنج چیز است: کرامت، دستور، حکایت، عزل و حفظ؛ خداوند به پیامبرش دستور داد که علی (علیه السلام) را به عنوان امام نصب کند. پیامبر (علیه السلام) به خاطر اینکه از تکذیب قوم کراهت داشت، در انجام این کار توقف کرد در نتیجه این آیه (فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا) نازل شد. سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به آن ها دستور داد که بر علی (علیه السلام) به عنوان امیر سلام کنند. (4)

آیه ای در شان روز غدیر و انتصاب امیرالمومنین به ولایت

وَمِنْ ذَلِكَ بِإِسْمِ نَادِ الثَّعْلَبِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (الآيَةَ قَالَ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ بْنِ

ص: 400

1- . الكهف آية 6

2- . المائدة آية 67

3- . النجم آية 10

4- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 37 ص 155 باب 52 أخبار الغدير و ما صدر في ذلك اليوم من النص الجلي على إمامته ع و تفسير بعض الآيات النازلة في تلك الواقعة

أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَمَرَ النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْ يُبَلِّغَ فِيهِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِيَدِ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ

و همچنین «ثعلبی» در ذیل آیه (یا ایُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) به سند خود از «ابو صالح» از «ابن عباس» روایت کرده که گفت: نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ دَرَبَارَهَ يَ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) نَازِلٌ شَدِيدٌ اسْت، خَدَاوَنَدَ امْرُؤٌ كَرَدَ بِهَ پِيغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِهَ مَرْدَمِ بَرَسَانَدَ آنچَه دَر بَارَهَ عَلِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) اسْت اَيْنَ بُوَدَ كَهَ دَسْتِ عَلِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) رَا كَرَفْتِ وَ فَرَمُود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ (1) وَ مِنْ رَوَايَاتِ الثَّعْلَبِيِّ فِي تَفْسِيرِهِ لِيخْبَرَ يَوْمَ الْغَدِيرِ غَيْرُ مَا تَقَدَّمَتِ الْإِشَارَةُ إِلَيْهِ فِي تَأْوِيلِ قَوْلِهِ تَعَالَى (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) الْآيَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام)

مَعْنَاهُ (بَلِّغْ)

مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) فِي فَضْلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ فِي رَوَايَةٍ أُخْرَى مَعْنَاهُ (بَلِّغْ)

مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ) فِي عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام)

باز «ثعلبی» در تفسیر خود ضمن اخبار غدیر در ذیل آیه ی (یا ایُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (2) به سند خود روایت کرده ابو جعفر محمد بن علی فرمود که: معنی آیه ی (بَلِّغْ

مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) این است (بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ) یعنی آنچه در باره فضائل علی (عَلَيْهِ السَّلَام) به تو نازل شده است به مردم برسان. و در روایت دیگر آمده است که معنی آیه این است که یعنی آنچه درباره ی علی (عَلَيْهِ السَّلَام) به تو نازل شده است، به مردم برسان (3)

ص: 401

1- . الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف ج 1 ص 152 حديث الغدير ح 234

2- . المائدة آية 67

3- . الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف ج 1 ص 151 حديث الغدير ح 233

مَا رُوِيَ بِحَدِيثِ الْإِسْلَامِ نَادٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ أَنْتُمْ (الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا) (1) وَ مَنْ أَطَاعَ جَبَّاراً فَقَدْ عَبَدَهُ. امام باقر (عليه السلام): شما کسانی هستید که از عبادت طاغوت اجتناب ورزیدند، و کسی که از [فرد] سرکش و جباری اطاعت کند در واقع او را عبادت کرده است. (2)

عهد و پیمان رسول خدا از مردم برای ولایت علی

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ كُنْتُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكُفٍّ وَاحِدَةٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ وَ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ مِنْ إِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَ مِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُمْكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ إِنَّا سَامِعُونَ

مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيِّ وَ أَمْرٍ وُلْدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ نُبَايَعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيِّدِينَا عَلَى ذَلِكَ نَحْيًا وَ نَمُوتُ وَ نُبْعَثُ لَا نَعْيِرُ وَ لَا نُبَدِّلُ وَ لَا نَشْكُ وَ لَا نَرْتَابُ وَ لَا نَرْجِعُ عَنْ عَهْدٍ وَ لَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ وَ نُطِيعُ اللَّهَ وَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وُلْدَهُ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَ

ص: 402

1- . الزمر آية 17

2- . تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 502 [سورة الزمر (39): آية 17]

الْحُسَيْنِ الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي وَ مَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَ مَنْزِلَتَهُمَا مِنْ رَبِّي فَقَدْ آدَيْتُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ فَإِنَّهُمَا سَيِّدَا شَيْءٍ بَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنَّهُمَا  
 الْإِمَامَيْنِ بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ أَنَا أَبُوهُمَا مَا قَبْلَهُ فَقُولُوا أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَ إِيَّاكَ وَ عَلِيًّا (عليه السلام) وَ الْحَسَنَ (عليه السلام) وَ  
 الْحُسَيْنَ (عليه السلام) وَ الْأَيُّمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَ مِيثَاقًا مَا خُوذًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ مُصَافَقَةِ أَيْدِينَا  
 مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ وَ أَقْرَبَهُمَا بِلسَانِهِ لَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا نَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّائِي وَ الْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَ  
 أَهَالِينَا أَشْهَدْنَا اللَّهَ (وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا) (1) وَ أَنْتَ عَلَيْنَا بِهٍ شَهِيدٌ وَ كُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ وَ اسْتَرَّ وَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَ جُنُودُهُ وَ عِبِيدُهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ  
 مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَهْدِي مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كَلِّصَوْتٍ وَ حَافِيَةَ كُلِّ نَفْسٍ (فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا) (2) وَ مَنْ  
 بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ (يُدُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ) (3)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) (در خطبه ی غدیر فرمود) ای مردم! تعداد شما بیش از آن است که در یک جلسه بتوانید با من دست دهید و بیعت کنید و خدای عزوجل فرمان داده است که نخست از شما اقرار زبانی بگیرم که در مورد امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و رهبر بودن او و امامانی که پس از او می آیند و از نسل من و اویند اقرار کنید و به شما گفتم و اعلام کردم که ذریه ی من از صلب اویند. اکنون همگان بگویند: ما شنوا و فرمانبردار و پذیرا و خشنود به آن چیزی هستیم که از سوی پروردگارانمان که پروردگار تو نیز هست در مورد علی (علیه السلام) و فرزندانش ابلاغ کردی و در این مورد با دل و جان و دست و زبان بیعت می کنیم و بر این بیعت زندگی می کنیم و می میریم و برانگیخته می شویم. آن را تغییر و تبدیل نمی کنیم و در آن شک و تردید روا نمی داریم

ص: 403

1- . النساء آیه 79

2- . الزمر آیه 41

3- . الفتح آیه 10

و از این عهد بر نمی گردیم و پیمان نمی شکنیم و از خداوند و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و فرزندانش حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) که امامند و از صلوات علی (علیه السلام) و ذریه ی تو می باشند، اطاعت می کنیم. و من منزلت و مقام حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) را در پیشگاه خدایم و خودم به شما اعلام کردم و رساندم و آن دو سرور جوانان بهشتند و آن دو پس از پدرشان امامند و پیش از آنکه علی (علیه السلام) پدر آن دو باشد، من پدر ایشانم. اکنون بگوئید: از خدای فرمانبرداریم و در این مورد با تو و علی و حسن و حسین و دیگر امامان که گفتی عهد و پیمان می بندیم و این پیمان که برای علی (علیه السلام) می گیری از دل و جان و دست و زبان رضایتمی دهیم و اگر بتوانیم دست بیعت هم می دهیم (دست در دست او می گذاریم)، وگرنه با زبان اقرار می کنیم و هرگز به فکر تغییر آن نخواهیم بود و در دل خود خیال بازگشت از آن را نخواهیم داشت و ما این عهد را به فرزندان خود و فرزندان دور خود (یعنی نوه ها و نتیجه ها و خانواده ی خود می رسانیم) و خدا را در این باره گواه می گیریم و خداوند بهترین گواه است و تو و همه ی کسانی را که باید از ایشان اطاعت کرد، چه آشکار باشند و چه نهان و فرشتگان و لشکرهای خدا را گواه می گیریم و خداوند از هر گواهی بزرگتر است. ای مردم! چه می گوئید؟ خداوند داننده ی هر سخن و اندیشه نهانی همگان است. هرکه رهنمون شده است به سود خویش رهنمون شده و هر آن که گمراه شود به زیان خود گمراه شده است و هرکه بیعت کند با خدا بیعت کرده است. (1)

فرمان الهی برای اعلام ولایت علی

حَدَّثَنِي السَّيِّدُ الْعَالِمُ الْعَايِدُ أَبُو جَعْفَرٍ مَهْدِيُّ بْنُ أَبِي حَرْبٍ الْحُسَيْنِيُّ الْمَرْعَشِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ الشَّيْخِ السَّعِيدِ أَبِي

ص: 404

---

1- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 37 ص 215 باب 52 أخبار الغدير و ما صدر في ذلك اليوم من النص الجلي على إمامته ع و تفسير بعض الآيات النازلة في تلك الواقعة

جَعْفَرُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ السَّعِيدُ الْوَالِدُ أَبُو جَعْفَرٍ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ قَالَ أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعَكِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ السُّورِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ مِنْ وُلْدِ الْأَفْطَسِ وَكَانَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ وَصَالِحُ بْنُ عَقْبَةَ جَمِيعًا عَنْ قَيْسِ بْنِ سَمْعَانَ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِنَ الْمَدِينَةِ وَقَدْ بَلَغَ جَمِيعَ الشَّرَائِعِ قَوْمَهُ غَيْرَ الْحَجِّ وَالْوَلَايَةَ فَاتَاهُ جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) فَقَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ اللَّهَ جَلَّ اسْمُهُ يُقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنِّي لَمْ أَقْبِضْ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَائِي وَلَا رَسُولًا مِنْ رُسُلِي إِلَّا بَعْدَ إِكْمَالِ دِينِي وَتَأْكِيدِ حُجَّتِي وَقَدْ بَقِيَ عَلَيْكَ مِنْ ذَلِكَ فَرِيضَتَانِ مِمَّا تَحْتَاجُ أَنْ تُبَلِّغَهُمَا قَوْمَكَ فَرِيضَةُ الْحَجِّ وَفَرِيضَةُ الْوَلَايَةِ وَالْخِلَافَةِ مِنْ بَعْدِكَ فَإِنِّي لَمْ أُخَلِّ أَرْضِي مِنْ حُجَّةٍ وَلَنْ أُخَلِّيَهَا أَبَدًا فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَأْمُرُكَ أَنْ تُبَلِّغَ قَوْمَكَ الْحَجَّ وَتَحُجَّ وَيَحُجَّ مَعَكَ (مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا) (1) مِنْ أَهْلِ الْحَضَرِ وَالْأَطْرَافِ وَالْأَعْرَابِ وَتَعَلَّمَهُمْ مِنْ مَعَالِمِ حَجَّتِهِمْ مِثْلَ مَا عَلَّمْتَهُمْ مِنْ صَلَاتِهِمْ وَزَكَاتِهِمْ وَصِيَامِهِمْ وَتَوْقِفِهِمْ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مِثَالِ الَّذِي أَوْقَفْتَهُمْ عَلَيْهِ مِنْ جَمِيعِ مَا بَلَّغْتَهُمْ مِنَ الشَّرَائِعِ فَنَادَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِي النَّاسِ أَلَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يُرِيدُ الْحَجَّ وَأَنْ يُعَلِّمَكُمْ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ الَّذِي عَلَّمَكُمْ مِنْ شَرَائِعِ دِينِكُمْ وَيُوقِفَكُمْ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مَا أَوْقَفَكُمْ عَلَيْهِ مِنْ غَيْرِهِ فَخَرَجَ وَخَرَجَ مَعَهُ النَّاسُ وَأَصْغَوْا إِلَيْهِ لِيَنْظُرُوا مَا يَصْنَعُ فَيَصْنَعُوا مِثْلَهُ فَحَجَّ بِهِمْ

ص: 405

وَبَلَغَ مَنْ حَجَّ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَأَهْلِ الْأَطْرَافِ وَالْأَعْرَابِ سَبْعِينَ أَلْفَ إِنْسَانٍ أَوْ يَزِيدُونَ عَلَى نَحْوِ عَدَدِ أَصْحَابِ مُوسَى (عليه السلام) السَّبْعِينَ أَلْفَ الَّذِينَ أَخَذَ عَلَيْهِمْ بَيْعَةَ هَارُونَ فَكَثُّوا وَاتَّبَعُوا الْعَجَلَ وَالسَّامِرِيَّ وَكَذَلِكَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْبَيْعَةَ لِعَلِيِّ (عليه السلام) بِالْخِلَافَةِ عَلَى عَدَدِ أَصْحَابِ مُوسَى (عليه السلام) فَكَثُّوا الْبَيْعَةَ وَاتَّبَعُوا الْعَجَلَ وَالسَّامِرِيَّ سُنَّةَ سُنَّتِهِ وَمِثْلًا بِمِثْلٍ وَاتَّصَلَتِ التَّلِيَّةُ مَا بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ فَلَمَّا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ أَتَاهُ جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنَّهُ قَدْ دَنَا أَجْلُكَ وَمُدَّتْكَ وَأَنَا مُسَدِّتُكَ عَلَى مَا لَا بُدَّ مِنْهُ وَلَا عَنْهُ مَحِيصٌ فَأَعْهَدْ عَهْدَكَ وَقَدِّمِ وَصِيَّكَ وَاعْمُدْ إِلَى مَا عِنْدَكَ مِنَ الْعِلْمِ وَمِيرَاثِ عُلُومِ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِكَ وَالسَّلَاحِ وَالتَّابُوتِ وَجَمِيعِ مَا عِنْدَكَ مِنَ آيَاتِ الْأَنْبِيَاءِ فَسَلِّمْهُ إِلَى وَصِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ مِنْ بَعْدِكَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ عَلَى خَلْقِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَأَقِمَّهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا وَجَدُّ عَهْدَهُ وَمِيثَاقَهُ وَبَيْعَتَهُ وَذَكَرَهُمْ مَا أَخَذْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْعَتِي وَمِيثَاقِي الَّذِي وَاثَقْتُهُمْ وَعَهْدِي الَّذِي عَهَدْتُ إِلَيْهِمْ مِنْ وِلَايَةِ وَلِيِّي وَمَوْلَاهُمْ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَإِنِّي لَمْ أَقْبِضْ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِكْمَالِ دِينِي وَحُجَّتِيوَإِنَّمَا نِعْمَتِي بِوِلَايَةِ أَوْلِيَائِي وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِي وَذَلِكَ كَمَا أَلَّ تَوْحِيدِي وَدِينِي وَإِنَّمَا نِعْمَتِي عَلَى خَلْقِي بِاتِّبَاعِ وَلِيِّي وَطَاعَتِهِ وَذَلِكَ أَنِّي لَا أَتْرُكُ أَرْضِي بِغَيْرِ وَلِيِّ وَلَا قِيَمٍ لِيَكُونَ حُجَّةً لِي عَلَى خَلْقِي فَ (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) (1) بِوِلَايَةِ وَلِيِّي وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ عَلِيِّ (عليه السلام) عَبْدِي وَوَصِيِّ نَبِيِّي وَ

ص: 406



الْخَلِيفَةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ عَلَى خَلْقِي مَقْرُونٌ طَاعَتُهُ بِطَاعَةِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَ مَقْرُونٌ طَاعَتُهُ مَعَ طَاعَةِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) بِطَاعَتِي مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي جَعَلْتُهُ عِلْمًا بَيْنِي وَ بَيْنَ خَلْقِي مَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا وَ مَنْ أَشْرَكَ بِيَعْتَهُ كَانَ مُشْرِكًا وَ مَنْ لَقِينِي بِوَلَايَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ مَنْ لَقِينِي بَعْدَاوَتِهِ دَخَلَ النَّارَ فَأَقِمْ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) عَلِيًّا (عليه السلام) عِلْمًا وَ خُذْ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ وَ جَدِّدْ عَهْدِي وَ مِيثَاقِي لَهُمْ الَّذِي وَاقَفْتُهُمْ عَلَيْهِ فَإِنِّي قَابِضُكَ إِلَيَّ وَ مُسْتَقْدِمُكَ عَلَيَّ فَخَشِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِنْ قَوْمِهِ وَ أَهْلِ النِّفَاقِ وَ الشَّقَاقِ أَنْ يَتَفَرَّقُوا وَ يَرْجِعُوا إِلَى الْجَاهِلِيَّةِ لِمَا عَرَفَ مِنْ عِدَاوَتِهِمْ وَ لِمَا يَنْطَوِي عَلَيْهِ أَنْفُسُهُمْ لِعَلِيٍّ مِنَ الْعِدَاوَةِ وَ الْبُغْضَاءِ وَ سَأَلَ جَبْرئيلُ (عليه السلام) أَنْ يَسْأَلَ رَبَّهُ الْعِصْمَةَ مِنَ النَّاسِ وَ انْتَهَرَ أَنْ يَأْتِيَهُ جَبْرئيلُ (عليه السلام) بِالْعِصْمَةِ مِنَ النَّاسِ عَنِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ فَأَحْرَزَ ذَلِكَ إِلَى أَنْ بَلَغَ مَسَّ جِدِّ الْخَيْفِ فَأَتَاهُ جَبْرئيلُ (عليه السلام) فِي مَسِّ جِدِّ الْخَيْفِ فَأَمَرَهُ بِأَنْ يَعْهَدَ عَهْدَهُ وَ يُقِيمَ عَلِيًّا (عليه السلام) عِلْمًا لِلنَّاسِ يَهْتَدُونَ بِهِ وَ لَمْ يَأْتِهِ بِالْعِصْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ لَمْ يَأْتِهِ بِالْعِصْمَةِ فَقَالَ يَا جَبْرئيلُ (عليه السلام) إِنِّي أَخْشَى قَوْمِي أَنْ يَكْذِبُونِي وَ لَا جَبْرئيلُ (عليه السلام) وَ أَمَرَهُ بِالَّذِي أَتَاهُ فِيهِ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ وَ لَمْ يَأْتِهِ بِالْعِصْمَةِ مِنْ اللَّهِ وَ لَمْ يَأْتِهِ بِالْعِصْمَةِ فَقَالَ يَا جَبْرئيلُ (عليه السلام) عَلَى خَمْسِ سَاعَاتٍ مَضَتْ مِنْ النَّهَارِ بِالزَّجْرِ وَ الْإِنْتِهَارِ وَ الْعِصْمَةِ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ (يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (1) فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) (وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) (2)

ص: 407

1- . المائدة آية 67

2- . المائدة آية 67

به اسناد مذکور در متن از امام باقر(علیه السلام) نقل است که پیامبر(صلی الله علیه و آله) در موسم حج عازم مکه بود در حالی که تمام شرایع و قوانین را به جز حج و ولایت ابلاغ فرموده بودند که فرشته وحی جبرئیل(علیه السلام) نازل شده و از جانب پروردگار متعال ابلاغ سلام نموده و گفت: ای محمد! خداوند می فرماید من هیچ پیامبری از پیامبران گذشته را قبض روح نکردم مگر پس از کمال دین و اتمام حجّت، و برای تو تنها دو موضوع باقی مانده که باید آن دو را به مردم ابلاغ نمایی، یکی حکم حج و دیگری موضوع ولایت و خلافت است. زیرا من تا بحال زمین را خالی از حجّت قرار نداده ام و هرگز هم خالی نخواهم گذاشت، زیرا خداوند عزّ و جلّ تو را مأمور فرموده تا خود و سایر مردمان از اقصی نقاط مدینه و اطراف آن که تمکّن و استطاعت لازم برای انجام حج دارند را به مکه سوق دهی و تمام اصول و قوانین آن را همچون نماز و زکات و روزه به ایشان آموزش دهی. پس منادی را فرمود تا اعلام کند که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آهنگ سفر حج دارد و مأمور به تعلیم این عبادت بزرگ همچون سایر شرایع و مقرّرات سابق است. باری رسول خدا(صلی الله علیه و آله) همراه هفتاد هزار نفر از اهالی مدینه و اطراف آن عازم مکه شده و از مدینه خارج شدند مانند همان تعداد که حضرت موسی(علیه السلام) از آنان برای هارون(علیه السلام) بیعت گرفت و عهدشکنی کردند و در آخر از گاو و سامری تبعیت نمودند و همه جماعت مسلمین در طول این سفر قدم به قدم از تمام اعمال آن حضرت پیروی می کردند. باری عاقبت این بیعتی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) برای خلافت علی(علیه السلام) از مسلمانان گرفت در نهایت نعل بالنعل شبیه به عهدشکنی قوم موسی در بیعت با هارون و تبعیت از گاو و سامری گردید. جماعتی که مسافت مدینه تا مکه را طی می کردند فضای کوه و درّه و بیابان را مشحون از ندای لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ خویش ساخته و به آنجا حال و هوای باشکوهی دادند. و چون مسافتی را طی کردند جبرئیل نازل شده و خطاب به پیامبر(صلی الله علیه و آله) گفت: خداوند پس از ابلاغ سلام می فرماید: زمان

وفات تو نزدیک شده و مدّت رسالت رو به پایان است، و بدان که من تو را بی هیچ چاره و گریزی فرا می خوانم، پس عهد خود بنما و سفارشت را ایراد کن، و آنچه علم داری از خود و میراث علوم انبیای پیش، و سلاح و تابوت و آثار و آیات رسالت را به وصی و خلیفه ات، و حجّت بالغه بر خلقم، علی بن ابی طالب (علیه السلام) بسپار، و او را همچون نشانه ای برای مردم برپا کن و عهد و میثاق او را تجدید نما، و به ایشان تمام عهود، و نیز پیمانی را که از ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) ولی خود و مولای آنان و همه مرد و زن مؤمن بسته ام به ایشان یادآوری کن. زیرا همه انبیایم را پس از اکمال دین و حجّتم و اتمام نعمتم به ولایت دوستانم و دشمنی دشمنانم قبض روح نمودم، و این همان کمال توحید و دین و اتمام نعمت من است که مقرون پیروی و طاعت ولیّی من می باشد. و باید مردم بدانند که من هیچ گاه زمین را خالی از ولی و سرپرست قرار نمی دهم تا حجّت بر مردم و خلقم باشد، پس امروز دین شما را به کمال رساندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به واسطه ولایت ولی خود و سرپرست مردان و زنان مؤمن علی (علیه السلام) بنده ام و وصیّ پیامبرم و خلیفه پس از او و حجّت بالغه بر خلقم دین شما پسندیدم. و طاعت و امتثال امر او مقرون طاعت من است. اطاعت او امتثال امر من، و عصیان او مستلزم مخالفت من است، او را علم و نشانه ای میان خود و مردم قرار دادم، هر که مقام او را شناخت مؤمن، و منکر او کافر است. و هر که در بیعت او کسی را شریکش سازد مشرک می باشد، و هر که با ولایت او بمیرد به بهشت رود و دشمنان او به جهنّم روند. پس ای محمّد، علیّ را علّم و راهنمایم قرار ده، و از آنان برایش بیعت بگیر، و عهد و پیمانی که با آنان بسته ام را تجدید کن، زیرا من جانت را ستانده و نزد خود فرا می خوانم. و از این سو چون پیامبر نسبت به قوم خود و مخصوصا از منافقین امت خائف و ترسان بود که مبادا پراکنده شده و به جاهلیّت و کفری دیگر بازگردند، و همچنین از عداوت و بغض درونی آنان نسبت به علی (علیه السلام)

آگاه بود، به همین خاطر توسط جبرئیل (علیه السلام) از خداوند درخواست نمود که او را از شرّ و کید و مکر منافقین حفظ فرماید. بنا بر این رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام این امر را تا مسجد خیف در مراجعت از مکه به تأخیر انداخت. پس در آن منزل بار دیگر جبرئیل (علیه السلام) نازل شده و تکلیف سابق را راجع به معرفی علی بن ابی طالب (علیه السلام) تجدید نمود ولی راجع به درخواست آخر پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر عصمت و نگهداری او از شرّ منافقین هیچ پیامی را نیاورد تا اینکه به کراع الغمیم در بین راه مکه و مدینه رسید. در همین منزل جبرئیل (علیه السلام) برای بار سوم نازل شده و موضوع معرفی علی بن ابی طالب (علیه السلام) را متذکر شد، ولی باز هم خبری از جواب درخواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حفظ و عصمت پیامبر نبود. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) خطاب به جبرئیل (علیه السلام) فرمود: از آن می ترسم که مردم مرا تکذیب نموده و سخنم را در باره علی بن ابی طالب (علیه السلام) نپذیرند. باری از آنجا نیز حرکت کرده تا به غدیر خم؛ سه میلی «جحفه» رسیدند، جبرئیل (علیه السلام) نازل شده و پیامی حاوی منع و سرزنش و عصمت و حفظ از مردم بدین مضمون آورد که: ای محمد (صلی الله علیه و آله) خداوند متعال سلامت رسانده و می فرماید ای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو فرو آمده برسان و اگر این نکنی پیام او را نرسانده باشی و خدا تو را از [فتنه و گزند] مردم نگاه می دارد. (1)

دستور نصب امیرالمومنین

الْبَاقِرُ (علیه السلام) وَ الصَّادِقُ (علیه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ) (2) أَلَمْ نُعَلِّمَكَ مِنْ وَصِيَّتِكَ فَجَعَلْنَا نَاصِرًا رُكَّ وَ مُدِلَّ عَدُوَّكَ (الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ) (3) وَ

ص: 410

1- الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) ج 1 ص 56 احتجاج النبي ص يوم الغدير على الخلق كلهم وفي غيره من الأيام بولاية علي

بن أبي طالب ع و من بعده من ولده من الأئمة المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين

2- الشرح آية 1

3- الشرح آية 3

أَخْرَجَ مِنْهُ سِدْرَةَ الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ يَهْتَدُونَ (وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ) (1) فَلَا أَدْرَكَ إِلَّا ذَكَرْتَ مَعِيَ (فَإِذَا فَرَعْتَ) مِنْ دُنْيَاكَ (فَانصَبْ) عَلَيَّا لِلْوَلَايَةِ تَهْتَدِي بِهِ الْفِرْقَةُ

امام باقر (عليه السلام) (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ) (2) آیا تو را آگاه نکردیم که وصی تو کیست؟ پس او را یاری گر تو و خوارکننده ی دشمنت قرار دادیم.... (3)

عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحٍ عَنِ الرِّضَا (عليه السلام) (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ) يَا مُحَمَّدُ أَلَمْ نَجْعَلْ عَلِيًّا (عليه السلام) وَصِيَّكَ (وَوَضَعْنَا عَنكَ وَرْزَكَ) (4) بِقَتْلُمَقَاتِلَةِ الْكُفَّارِ وَأَهْلِ التَّأْوِيلِ بَعْلِي (وَرَفَعْنَا لَكَ) (5) بِذَلِكَ (ذِكْرَكَ) أَي رَفَعْنَا مَعَ ذِكْرِكَ يَا مُحَمَّدُ لَهُ

امام رضا (عليه السلام) (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ) ای محمد (صلی الله علیه و آله) آیا علی (عليه السلام) را وصی تو قرار ندادم؟.... (6)

زَيْنَبَةُ أَبِي حَاتِمِ الرَّازِيِّ إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ قَرَأَ (فَإِذَا فَرَعْتَ فَاَنْصَبْ) (7) قَالَ فَإِذَا فَرَعْتَ مِنْ إِكْمَالِ الشَّرِيعَةِ فَاَنْصَبْ لَهُمْ عَلِيًّا (عليه السلام) إِمَامًا

امام صادق (عليه السلام) چنین قرائت کرد (فَإِذَا فَرَعْتَ فَاَنْصَبْ) و چنین معرفی کرد که هرگاه از تکمیل شریعت فراغت یافتی علی (عليه السلام) را به عنوان امام آنان منصوب فرما (8)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ) (9) قَالَ فَقَالَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ (عليه السلام).

امام صادق (عليه السلام) جمیل و حسن بن راشد از امام صادق (عليه السلام) درباره ی کلام خداوند عزوجل (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ) نقل کرده اند که فرمود: با ولایت امیر مؤمنان (عليه السلام) حضرت علی (عليه السلام) (10)

ص: 411

- 1- . الشرح آية 4
- 2- . الشرح آية 1
- 3- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 23 فصل في قصة يوم الغدير
- 4- . الشرح آية 2
- 5- . الشرح آية 4
- 6- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 23 فصل في قصة يوم الغدير
- 7- . الشرح آية 7
- 8- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 23 فصل في قصة يوم الغدير
- 9- . الشرح آية 1
- 10- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 73 باب 8 باب ما خص الله به الأئمة من آل محمد ص من ولاية الأنبياء لهم في الميثاق وغيره و ما أعلموا من ذلك ح 3

وَرَوَى أَيْضاً مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْمُهَلَّبِيِّ عَنِ سَعْدِ لَيْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)

قَوْلُهُ تَعَالَى (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ) (1)

قَالَ بَعْلِي (عليه السلام)

فَاجْعَلُهُ وَصِيًّا قُلْتُ وَقَوْلُهُ (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ) (2)

قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ أَنْ يَنْصَبَ عَلَيَّا (عليه السلام) وَصِيَّهُ

امام صادق (عليه السلام) سليمان گوید: از امام صادق (عليه السلام) درباره کلام خداوند متعال: (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ) پرسیدم. ایشان فرمود: با حضرت علی (عليه السلام) پس او را وصی خود قرار داده است. (3)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ) قَالَ بَعْلِي (عليه السلام) فَجَعَلْنَا وَصِيَّكَ قَالَ وَحِينَ فُتِحَ مَكَّةُ وَدَخَلَتْ قُرَيْشٌ فِي الْإِسْلَامِ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ وَيَسَّرَهُ (وَ وَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ) قَالَ بَعْلِي (عليه السلام) الْحَرْبُ (الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ) أَيِ اثْقَلِ ظَهْرَكَ (وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ) قَالَ تَذَكَّرْ إِذَا ذُكِرْتَ وَهُوَ قَوْلُ النَّاسِ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رَسُولُ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ (إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) (4) قَالَ مَا كُنْتُ فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ أَتَاكَ الْيُسْرُ (وَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ) قَالَ إِذَا فَرَغْتَ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ فَانصَبْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) (وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ) (5) عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ) بِأَنَّ حَضْرَتَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَأَوْرَا وَصِيَّ تَوْ قَرَارِ دَادِيمِ هَنْگَامِي كِه مَكَّة فَتَحَ شَدَّ وَقَرِيشِيَانِ بِهَ اسْلَامِ گَرَوِيدَنْد، خَدَاوَنْد سِينَه يَ پِيَامْبَرِ اَكْرَمِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رَا گَشُودَ وَ كَارَهَا رَا بَرَايشِ آسَانِ نَمُود..... (6)

ص: 412

1- . الشرح آية 1

2- . الشرح آية 7

3- . بحار الأنوار ج 36 ص 135 باب 39 جامع في سائر الآيات النازلة في شأنه صلوات الله عليه ذيل ح 91

4- . الشرح آية 6

5- . الشرح آية 8

6- . تفسير القمي ج 2 ص 428 [سورة الشرح (94): الآيات 1 الى 8]

وَقَالَ أَيْضاً حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَوْلُهُ تَعَالَى (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ) كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

حَاجِباً فَتَزَلْتُ (فَإِذَا فَرَغْتَ) مِنْ حِجَّتِكَ فَانصَبْ عَلَيَّ (عليه السلام) لِلنَّاسِ

امام صادق (عليه السلام) فرمود: گفته ی خداوند (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ) آن گاه که فراغت یافتی منصوب کن پیامبر (صلى الله عليه وآله) در سفر حج بود که چنین نازل شد وقتی از حج خود فراغت یافتی علی (عليه السلام) را به عنوان علمی برای مردم نصب کن. (1)

(فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ) قَالَ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ فَانصَبْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) (وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ)

در معنای آیه ی (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ) فرمود: وقتی از حجة الوداع فراغت یافتی، امیرالمؤمنین (عليه السلام) را منصوب کن و به سوی پروردگارت رغبت نما. (2)

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ وَغَيْرِهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ:.... فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ) يَقُولُ إِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ عَلَمَكَ وَأَعْلِنِ وَصِيَّتَكَ فَأَعْلِمُهُمْ فَصَلِّ لَهَا عَلَانِيَةً فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ (عليه السلام) مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ..... امام صادق (عليه السلام): خداوند فرمود: (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ) آنگاه که فراغت یافتی منصوب کن و به سوی پروردگارت رغبت نما می فرماید: وقتی فراغت یافتی علامت خود را منصوب کن و جانشین خود را اعلان نما و فضیلت او را علناً بیان کن. این بود که پیامبر (صلى الله عليه وآله) سه مرتبه فرمود: هر که من صاحب اختیار اویم،

ص: 413

1- . تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 786 [سورة الشرح (94): الآيات 1 الى 8]

2- . تفسير القمي ج 2 ص 428 [سورة الشرح (94): الآيات 1 الى 8] .....

حَدَّثَنِي السَّيِّدُ الْعَالِمُ الْعَابِدُ أَبُو جَعْفَرٍ مَهْدِيُّ بْنُ أَبِي حَرْبٍ الْحُسَيْنِيُّ الْمَرْعَشِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ الشَّيْخِ السَّعِيدِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ السَّعِيدُ الْوَالِدُ أَبُو جَعْفَرٍ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ قَالَ أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَازُونَ بْنِ مُوسَى التَّلَعُكْبَرِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ السُّورِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ مِنْ وُلْدِ الْأَفْطَسِ وَكَانَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ وَصَالِحُ بْنُ عُقْبَةَ جَمِيعًا عَنْ قَيْسِ بْنِ سَمْعَانَ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِنَ الْمَدِينَةِ وَقَدْ بَلَغَ جَمِيعَ الشَّرَائِعِ قَوْمَهُ غَيْرَ الْحَجِّ وَالْوَلَايَةَ فَأَتَاهُ جَبْرَيْلُ (عليه السلام) فَقَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ اللَّهَ جَلَّ اسْمُهُ يُقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنِّي لَمْ أَقْبِضْ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَائِي وَلَا رَسُولًا مِنْ رُسُلِي إِلَّا بَعْدَ إِكْمَالِ دِينِي وَتَأْكِيدِ حُجَّتِي وَقَدْ بَقِيَ عَلَيْكَ مِنْ ذَلِكَ فَرِيضَتَانِ مِمَّا تَحْتَاجُ أَنْ تُبَلِّغَهُمَا قَوْمَكَ فَرِيضَةُ الْحَجِّ وَفَرِيضَةُ الْوَلَايَةِ وَالْخِلَافَةِ مِنْ بَعْدِكَ فَإِنِّي لَمْ أُخَلِّ أَرْضِي مِنْ حُجَّةٍ وَلَنْ أُخَلِّيَهَا أَبَدًا



فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَأْمُرُكَ أَنْ تُبَلِّغَ قَوْمَكَ الْحَجَّ وَتَحُجَّ وَيَحُجَّ مَعَكَ (مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا) (1) مِنْ أَهْلِ الْحَضَرِ وَالْأَطْرَافِ وَالْأَعْرَابِ وَتُعَلِّمَهُمْ مِنْ مَعَالِمِ حَجِّهِمْ مِثْلَ مَا عَلَّمْتَهُمْ مِنْ صَلَاتِهِمْ وَزَكَاتِهِمْ وَصِيَامِهِمْ وَتُوقِفُهُمْ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مِثَالِ الَّذِي أَوْقَفْتَهُمْ عَلَيْهِ مِنْ جَمِيعِ مَا بَلَّغْتَهُمْ مِنَ الشَّرَائِعِ فَنَادَى مُنَادِي رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِي النَّاسِ أَلَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يُرِيدُ الْحَجَّ وَأَنْ يُعَلِّمَكُمْ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ الَّذِي عَلَّمَكُمْ مِنْ شَرَائِعِ دِينِكُمْ وَيُوقِفَكُمْ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مَا أَوْقَفَكُمْ عَلَيْهِ مِنْ غَيْرِهِ فَخَرَجَ وَخَرَجَ مَعَهُ النَّاسُ وَأَصَّ غَوًّا إِلَيْهِ لِيَنْظُرُوا مَا يَصْنَعُ فَيَصْنَعُوا مِثْلَهُ فَحَجَّ بِهِمْ وَبَلَّغَ مَنْ حَجَّ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَأَهْلِ الْأَطْرَافِ وَالْأَعْرَابِ سَبْعِينَ أَلْفَ إِنْسَانٍ أَوْ يَزِيدُونَ عَلَى نَحْوِ عَدَدِ أَصْحَابِ مُوسَى السَّبْعِينَ أَلْفَ الَّذِينَ أَخَذَ عَلَيْهِمْ بَيْعَةَ هَارُونَ فَكَثَرُوا وَاتَّبَعُوا الْعِجْلَ وَالسَّامِرِيَّ وَكَذَلِكَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْبَيْعَةَ لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِالْخِلَافَةِ عَلَى عَدَدِ أَصْحَابِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَام) فَكَثَرُوا الْبَيْعَةَ وَاتَّبَعُوا الْعِجْلَ وَالسَّامِرِيَّ سِتَّةً وَسِتَّةً وَمِثْلًا بِمِثْلِ وَاتَّصَلَتِ التَّلْبِيَةُ مَا بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ فَلَمَّا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ أَتَاهُ جَبْرَيْلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنَّهُ قَدْ دَنَا أَجْلُكَ وَمُدَّتْكَ وَأَنَا مُسَدِّقُكَ عَلَى مَا لَا بُدَّ مِنْهُ وَلَا عَنْهُ مَحِيصٌ فَأَعْمِدْ عَهْدَكَ وَقَدِّمْ وَصِيَّتَكَ وَاعْمِدْ إِلَى مَا عِنْدَكَ مِنَ الْعِلْمِ وَمِيرَاثِ عُلُومِ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِكَ وَالسَّلَاحِ وَالتَّابُوتِ وَجَمِيعِ مَا عِنْدَكَ مِنْ آيَاتِ الْأَنْبِيَاءِ فَسَلِّمْهُ إِلَى وَصِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ مِنْ بَعْدِكَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ عَلَى خَلْفِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَأَقِمَّهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا وَجَدُّ عَهْدَهُ وَمِيثَاقَهُ وَبَيْعَتَهُ وَذَكَرَهُمْ مَا أَخَذْتُ عَلَيْهِمْ مِنْ

ص: 415

بِعَنِّي وَ مِيثَاقِي الَّذِي وَاتَّقْتُهُمْ وَ عَهْدِي الَّذِي عَهِدْتُ إِلَيْهِمْ مِنْ وَلايَةِ وَلِيِّي وَ مَوْلَا هُمْ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَإِنِّي لَمْ أَقْبِضْ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِكْمَالِ دِينِي وَ حُجَّتِي وَ إِتْمَامِ نِعْمَتِي بِوَلايَةِ أَوْلِيَانِي وَ مُعَادَاةِ أَعْدَائِي وَ ذَلِكَ كَمَالُ تَوْحِيدِي وَ دِينِي وَ إِتْمَامُ نِعْمَتِي عَلَى خَلْقِي بِاتِّبَاعِ وَلِيِّي وَ طَاعَتِهِ وَ ذَلِكَ أَنِّي لَا أَتْرُكُ أَرْضِي بِغَيْرِ وَلِيٍّ وَ لَا قِيَمٍ لِيَكُونَ حُجَّةً لِي عَلَى خَلْقِي فَ (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) (1)

بِوَلايَةِ وَلِيِّي وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ عَلَيَّ عَبْدِي وَ وَصِيِّ نَبِيِّي وَ الْخَلِيفَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ عَلَى خَلْقِي مَقْرُونٌ طَاعَتُهُ بِطَاعَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّي وَ مَقْرُونٌ طَاعَتُهُ مَعَ طَاعَةِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) بِطَاعَتِي مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ دَاطَعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ دَعَصَانِي جَعَلْتُهُ عِلْمًا بَيْنِي وَ بَيْنَ خَلْقِي مَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا وَ مَنْ أَشْرَكَ بِيَعْتَهُ كَانَ مُشْرِكًا وَ مَنْ لَقِينِي بِوَلايَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ مَنْ لَقِينِي بِعَدَاوَتِهِ دَخَلَ النَّارَ فَأَقِمْ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) عَلَيَّا (عليه السلام) عِلْمًا وَ خُذْ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ وَ جَدِّدْ عَهْدِي وَ مِيثَاقِي لَهُمْ الَّذِي وَاتَّقْتُهُمْ عَلَيْهِ فَإِنِّي قَابِضُكَ إِلَيَّ وَ مُسَدِّدُكَ عَلَيَّ فَخَشِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِنْ قَوْمِهِ وَ أَهْلِ النَّفَاقِ وَ الشَّقَاقِ أَنْ يَتَفَرَّقُوا وَ يَرْجِعُوا إِلَى الْجَاهِلِيَّةِ لِمَا عَرَفَ مِنْ عَدَاوَتِهِمْ وَ لِمَا يَنْطَوِي عَلَيْهِ أَنْفُسُهُمْ لِعَلِيٍّ (عليه السلام) مِنْ الْعَدَاوَةِ وَ الْبُغْضَاءِ وَ سَأَلَ جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) أَنْ يَسْأَلَ رَبَّهُ الْعِصْمَةَ مِنَ النَّاسِ وَ انْتَهَرَ أَنْ يَأْتِيَهُ جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) بِالْعِصْمَةِ مِنَ النَّاسِ عَنِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ فَأَخَّرَ ذَلِكَ إِلَى أَنْ بَلَغَ مَسْجِدَ الْخَيْفِ فَاتَاهُ جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ فَأَمَرَهُ أَنْ يَعْهَدَ عَهْدَهُ وَ يَقِيمَ عَلَيَّا (عليه السلام) عِلْمًا لِلنَّاسِ يَهْتَدُونَ بِهِ وَ لَمْ يَأْتِهِ بِالْعِصْمَةِ مِنَ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ بِالَّذِي أَرَادَ

ص: 416

حَتَّىٰ بَلَغَ كُرَاعَ الْعَمِيمِ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فَأَتَاهُ جَبْرَيْلُ (عليه السلام) وَأَمَرَهُ بِالَّذِي أَتَاهُ فِيهِ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ وَ لَمْ يَأْتِهِ بِالْعِصْمَةِ فَقَالَ يَا جَبْرَيْلُ (عليه السلام) إِنِّي أَحْسَبُ قَوْمِي أَنْ يَكْذِبُونِي وَلَا يَقْبَلُوا قَوْلِي فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) فَرَحَلَ فَلَمَّا بَلَغَ غَدِيرِ خُمٍ قَبِلَ الْجُحْفَةَ بِثَلَاثَةِ أَمْيَالٍ أَتَاهُ جَبْرَيْلُ (عليه السلام) عَلَى خَمْسِ سَاعَاتٍ مَضَتْ مِنَ النَّهَارِ بِالزَّجْرِ وَالْإِنْتِهَارِ وَالْعِصْمَةَ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُفَرِّقُ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (1) فِي عَلِيٍّ (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) (2) وَكَأَنَّ أَوْلِيَّهُمْ قَرِيبٌ مِنَ الْجُحْفَةِ فَأَمَرَ بِأَنْ يُرَدَّ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْهُمْ وَيُحْبَسَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُمْ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ لِتُقِيمَ عَلَيْهِ (عليه السلام) عِلْمًا لِلنَّاسِ وَيُبَلِّغَهُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) وَأَخْبَرَهُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ عَصَمَهُ مِنَ النَّاسِ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عِنْدَ مَا جَاءَتْهُ الْعِصْمَةُ مُنَادِيًا يُنَادِي فِي النَّاسِ بِالصَّلَاةِ جَامِعَةً وَيُرَدُّ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْهُمْ وَيُحْبَسُ مَنْ تَأَخَّرَ وَتَنَحَّى عَنِ يَمِينِ الطَّرِيقِ إِلَى جَنْبِ مَسْجِدِ الْغَدِيرِ أَمْرَهُ بِذَلِكَ جَبْرَيْلُ (عليه السلام) عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَانَ فِي الْمَوْضِعِ سَلَمَاتٌ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَاللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَقُمَّ مَا تَحْتَهُنَّ وَيُنْصَبَ لَهُ حِجَارَةٌ كَهَيْئَةِ الْمُنْبَرِ لِيُشْرِفَ عَلَى النَّاسِ فَرَجَعَ النَّاسُ وَاحْتَبَسَ أَوَاخِرُهُمْ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ لَا يَزَالُونَ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِيهِ وَآلِهِ) فَوْقَ تِلْكَ الْأَحْجَارِ ثُمَّ حَمِدَ اللَّهُ تَعَالَى وَأَثْنَى عَلَيْهِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَعَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ وَ (أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا) (3) وَهُوَ فِي مَكَانِهِ وَفَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ مَجِيدًا لَمْ يَزَلْ مَحْمُودًا لَا يَزَالُ بَارِئُ الْمُسْمُوكَاتِ وَدَاحِي الْمَدْحُوتَاتِ وَجَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ

ص: 417

1- . المائدة آية 67

2- . المائدة آية 67

3- . الطلاق آية 12

مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَاءةٍ مُّتَطَوَّلٍ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ أَنْشَاءٍ يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَ الْعُيُونَ لَا تَرَاهُ كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ ۖ رَحْمَتُهُ وَمَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ لَا يُعْجَلُ بِأَنْتِقَامِهِ وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ قَدْ فَهَمَ السَّرَائِرَ وَعَلِمَ الصَّمَانِيرَ وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكْنُونَاتُ وَلَا اللَّهُ تَبَهَّتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ ۖ وَالْغَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَ لَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ ۖ وَهُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ ۖ حِينَ لَا شَيْءٌ دَائِمٌ قَائِمٌ (بِالْقَسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (1) جَلَّ عَنَّا أَنْ تُدْرِكَهُ (الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ) (2) لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصَفَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ وَالَّذِي يُغَشِّي الْأَبْدَ نُورَهُ وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلاَ مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ وَلَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرٍ وَلَا تَقَاوُتٌ فِي تَدْبِيرٍ صَوَّرَ مَا أَبْدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ وَخَلَقَ مَا خَلَقَ بِلاَ مَعْوَدَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكَلُّفٍ وَلَا اِحْتِيَالَ أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَبَرَّاهَا فَبَانَتْ فَ (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ) (3)

الْمُتَقِنُ الصَّنْعَةَ الْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورَ وَأَشْهَدُ أَنَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ مَلِكُ الْأَمْلاكِ وَ مِفْلِكُ الْأَفْلاكِ وَ مَسَّ حَرَّ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ (كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى) (4) (يَكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ) (5) (يَطْلُبُهُ حَيْثُ مَا) (6) قَاصِمٌ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مُهْلِكٌ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ ضِدٌّ وَلَا نِدٌّ أَحَدٌ صَدْمَةٌ (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) (7) إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ رَبُّ مَا جِدَّ يَسَاءٌ فَيَمْضِي وَ يَرِيدُ فَيَقْضِي وَ يَعْلَمُ فَيَحْصِي وَ

ص: 418

- 1- . آل عمران آية 18
- 2- . الأنعام آية 103
- 3- . الحشر آية 22
- 4- . الرعد آية 2
- 5- . الزمر آية 5
- 6- . الأعراف آية 54
- 7- . الأَخْلَاصُ الْآيَاتُ 3-4

يُمِيتُ وَيُحْيِي وَيُفْقِرُ وَيُغْنِي وَيُضَحِكُ وَيُبْكِي وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي (لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ) (1) بِيَدِهِ الْخَيْرُ (وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (2)  
(يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ) (3) لَا إِلَهَ إِلَّا (هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفَّارُ) (4) مُجِيبُ الدُّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ مُخْصِي الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ  
الْحِجَّةِ وَ النَّاسِ لَا يُشَدُّ كُلُّ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ لَا يُضَجِّرُهُ صِرَاحُ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَ لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا الْحَاحُ الْمُلْحِنَ الْعَاصِمَ لِلصَّالِحِينَ وَ الْمُؤْتِقَ لِلْمُفْلِحِينَ وَ  
مَوْلَى الْعَالَمِينَ الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمَدَهُ أَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرِّخَاءِ وَ أُوْمِنُ بِهِ وَ بِمَا لَيْكَنَّهُ وَ كُتِبَهُ  
وَ رُسُلُهُ أَسْمَعُ أَمْرَهُ وَ أُطِيعُ وَ أُبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَ أَسْتَسَلِمُ لِقَضَائِهِ رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَ خَوْفًا مِنْ عِقُوبَتِهِ لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَكْرَهُ وَ لَا  
يُخَافُ جَوْرَهُ وَ أُفِرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَ أَنَّهُ هَدَى لِي بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ أُؤَدِّي مَا أَوْحَى إِلَيَّ حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحُلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي  
أَحَدٌ وَ إِنِّ عَظَمْتُ حِيلَتَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِذَا لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَغْتُ رِسَالَتَهُ وَ قَدْ صَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِصْمَةَ وَ هُوَ  
اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ فَأَوْحَى إِلَيَّ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (5) فِي عَلِيٍّ يَعْني فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ  
أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) (6)

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ وَ أَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ نُزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ إِنَّ جَبْرَيْلَ (عَلَيْهِ السَّلَام) هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا  
يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَ هُوَ السَّلَامُ أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ فَأُعَلِّمُ كُلَّ أَبْيَضٍ وَ أَسْوَدَ أَنْ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَخِي وَ وَصِيِّي وَ  
خَلِيفَتِي وَ الْإِمَامَ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ

ص: 419

1- . التغابن آية 1

2- . التغابن آية 1

3- . الفاطر آية 13

4- . الزمر آية 5

5- . المائدة آية 67

6- . المائدة آية 67

هَارُونَ (عليه السلام) مِنْ مُوسَى (عليه السلام) إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (1) وَعَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ وَسَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ (عليه السلام) أَنْ يَسَّ تَغْفِي لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْعَالِ الْأَثِمِينَ وَخْتَلِ الْمَسَّةَ تَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ (يَقُولُونَ بِالْإِسْنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ) (2) وَيَحْسَبُونَهُ (هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ) (3) وَكَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَّوْنِي أَذْنًا وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مَلَأَ زَمَنِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا (وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ (4) عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ (خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) (5)

الآيَةَ وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أُوَمِّيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لِأَوْمَاتٍ وَأَنْ أَدَّلَ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ وَكَفَيْتِي وَاللَّهُ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ وَكُلَّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ ثُمَّ تَلَا (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (6) فِي عَلِيٍّ (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) (7)

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ وَعَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَعَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ

ص: 420

- 1- . المائدة آية 55
- 2- . الفتح آية 11
- 3- . النور آية 15
- 4- . التوبة آية 61
- 5- . التوبة آية 61
- 6- . المائدة آية 67
- 7- . المائدة آية 67

مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَجَّعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَسِّ هَدٍ فَاسْتَمِعُوا وَ أَطِيعُوا وَ انْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَ الْهَيْكُلُ ثُمَّ مِنْ دُونِهِ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله) وَ لِيُكْمِ الْأَقَانِمِ الْمُخَاطِبُ لَكُمْ ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ (عليه السلام) وَ لِيُكْمِ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ (صلى الله عليه و آله) لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَ لَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ أَنَا أَفْضَلُ بَيْتٍ لِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ إِلَيْهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَ كُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَ لَا تَنْفِرُوا مِنْهُ وَ لَا تَسْتَكْبِرُوا [وَ لَا تَسْتَنْكِفُوا] مِنْ وَلَايَتِهِ فَهُوَ الَّذِي (يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ) (1) وَ يَعْمَلُ بِهِ وَ يَزْهُقُ الْبَاطِلَ وَ يَنْهَى عَنْهُ وَ لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ هُوَ الَّذِي قَدَى رَسُولَهُ بِنَفْسِهِ وَ هُوَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ لَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ (صلى الله عليه و آله) مِنْ الرِّجَالِ غَيْرُهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضَّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ وَ اقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَ لِنَيْتُوبِ اللَّهِ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَايَتَهُ وَ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا شَدِيدًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصَلُّوا نَارًا (وَقُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ) (2)

إِيَّهَا النَّاسُ بِي وَ اللَّهُ بُشِّرَ الْأَوْلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَا خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ فَمَنْ

ص: 421

1- . يونس آية 35

2- . البقرة آية 24

شَكَ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ كُفْرَ [الْجَاهِلِيَّةِ] الْأُولَى وَ مَنْ شَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَ فِي الْكُلِّ مِنْهُ وَ الشَّاكُ فِي ذَلِكَ فَلَهُ النَّارُ مَعَاشِرَ النَّاسِ حَبَانِي اللَّهُ بِهِذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَّا مِنْهُ عَلَيَّ وَ إِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَ (لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ) (1)

مِنِّي أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضَلُّوا عَلَيَّ (عليه السلام) فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْتَى بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَ لَمْ يُؤَافِقْهُ إِلَّا إِنَّ جَبْرَيْلَ (عليه السلام) خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَ يَقُولُ مَنْ عَادَى عَلِيًّا (عليه السلام) وَ لَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي فَ (لَتَنْظُرَنَّ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ) (2)

أَنْ تُخَالِفُوهُ (فَتَرَى قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا) (3) (إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) (4)

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ جَنَّبَ اللَّهُ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ تَعَالَى (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَى عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ) (5)

مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُشَابِهَهُ فَوَ اللَّهُ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَا يُوضِّحُ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا أَخِذُ بِيَدِهِ وَ مُصَدِّعُهُ إِلَيَّ وَ سَائِلُ بَعْضُدِهِ وَ مُعَلِّمُكُمْ أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ (عليه السلام) مَوْلَاهُ وَ هُوَ عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَخِي وَ وَصِيِّي وَ مَوْلَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ هُمُ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَمَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ إِلَّا وَ قَدْ أَدْبَيْتُ إِلَّا وَ قَدْ بَلَّغْتُ إِلَّا وَ قَدْ أَسَّ مَعْتُ إِلَّا وَ قَدْ أَوْصَحْتُ إِلَّا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

ص: 422

1- . القصص آية 70

2- . الحشر آية 18

3- . النحل آية 94

4- . الحشر آية 18

5- . الزمر آية 56



غَيْرِ أَخِي هَذَا وَلَا تَحِلَّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ ثُمَّ صَدَّ رَبُّ بِيَدِهِ إِلَى عَضُدِهِ فَرَفَعَهُ وَكَانَ مُنْذُ أَوَّلِ مَا صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) سَأَلَ عَلِيًّا (عليه السلام) حَتَّى صَارَتْ رِجْلُهُ مَعَ رُكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَنُفْسُهُ مَعَ نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَوَصِيْبِي وَوَأَعِيْ عَلِيٍّ وَ خَلِيفَتِي عَلِيٌّ وَ عَلِيٌّ نَفْسِي بِرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ الْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَ الْمُؤَالِي عَلِيٌّ طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ الْإِمَامُ الْهَادِي وَ قَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ أَقُولُ وَ (مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ) (1)

بِأَمْرِ رَبِّي أَقُولُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ الْعَنِ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ اغْضَبْ عَلَيَّ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنْ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيِّ (عليه السلام) وَ لِيَكَّ عِنْدَ تَيْبَانِي ذَلِكَ وَ نَصْبِي إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ وَ رَضِيَتْ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَقُلْتَ (وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْأَخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) (2)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَ بِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ الْعَرَضِ عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَ (أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ) (3)

وَ فِي (النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (4)

(لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ) (5) مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرُّكُمْ لِي وَ أَحَقُّكُمْ بِي وَ أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَ أَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِيَانٍ وَ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضِيَ إِلَّا فِيهِ وَ مَا حَاطَبَ اللَّهُ (الَّذِينَ آمَنُوا) (6)

إِلَّا بَدَأَ بِهِ وَ لَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ وَ لَا شَهِدَ بِالْجَنَّةِ فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) (7)

ص: 423

1- . ق آية 29

2- . آل عمران آية 85

3- . آل عمران آية 22

4- . البقرة آية 39

5- . البقرة آية 162

6- . البقرة آية 104

7- . الأنسان آية 1

إِلَّا لَهُ وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَهُوَ النَّقِيُّ  
النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَبُؤُهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ  
عَلِيِّ (عليه السلام) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى  
الْأَرْضِ لِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا (عليه السلام) إِلَّا شَقِيًّا وَلَا  
يَتَوَالَى عَلِيًّا إِلَّا نَقِيًّا وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ وَفِي عَلِيِّ (عليه السلام) وَاللَّهُ نَزَلَتْ سُورَةُ وَالْعَصْرِ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ  
إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) (1)

إِلَى آخِرِهَا مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رَسُولِي (وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ) (2)

مَعَاشِرَ النَّاسِ (اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ) (3)

مَعَاشِرَ النَّاسِ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالتَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ (مَنْ قَبْلَ أَنْ نَظْمِسَ وَجُوهًا فَتَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا) (4)

مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّوْرَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْلُوكِ نَبِيِّ عَلِيِّ ثُمَّ فَيَا نَسْلَ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا لِأَنَّ  
اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِنِينَ وَالْآثِمِينَ وَالظَّالِمِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مَعَاشِرَ النَّاسِ  
أُنذِرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ (انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ  
يُضْرَّ اللَّهُ شِئْنًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ) (5)

أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ

ص: 424

1- . العصر الآيات 2-1

2- . النور آية 54

3- . آل عمران آية 102

4- . النساء آية 47

5- . آل عمران آية 144

وُلِدِي مِنْ صُلْبِهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ اللَّهُ إِسْلَامَكُمْ فَيَسْحَطَ عَلَيْكُمْ وَيُصِيبِكُمْ (بَعْدَابٍ مِنْ عِنْدِهِ) (1)

إِنَّهُ لِبِالْمِرْصَادِ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ (يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ) (2) مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُمْ وَأَنْصَارُهُمْ وَأَتْبَاعُهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ (فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ) (3)

وَلَيْسَ (مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ) (4)

أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ قَالَ فَذَهَبَ عَلَى النَّاسِ إِلَّا شِرْذِمَةً مِنْهُمْ أَمْرُ الصَّحِيفَةِ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَ لِدٌ أَوْ لَمْ يُوَلِّدْ فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَيَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَ الْمُغْتَصِبِينَ وَ عِنْدَهَا (سَنَفُرُغُ لَكُمْ أَيُّهُ التَّقْلَانِ) (5)

فَ (يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاطِئُ مِنْ نَارٍ وَ نَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ) (6)

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَكُنْ يَدْرِكُكُمْ (عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْحَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ) (7)

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَ اللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا وَ كَذَلِكَ يُهْلِكُ الْقَرْيَ (وَ هِيَ ظَالِمَةٌ) (8)

كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَ هَذَا عَلَيَّ إِمَامَتُكُمْ وَ وَلِيِّكُمْ وَ هُوَ مَوَاعِيدُ اللَّهِ وَ اللَّهُ يُصَدِّقُ مَا وَعَدَهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ (أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ) (9)

وَ اللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَ هُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ وَ يَلُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) (10)

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَ نَهَانِي وَ قَدْ أَمَرْتُ

ص: 425

1- . التوبة آية 52

2- . القصص آية 41

3- . النساء آية 145

4- . النحل آية 29

5- . الرحمن آية 31

6- . الرحمن آية 35

7- . آل عمران آية 179

8- . هود آية 102

9- . الصافات آية 71

10- . المرسلات الآيات 16-19

عَلِيًّا (عليه السلام) وَنَهَيْتُهُ فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاسْتَمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَانْتَهَوْا لِنَهْيِهِ تَرْتَدُّوا وَصَيَّرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَلَا تَتَفَرَّقُ بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا صِدِّيقُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أُنْمَةٌ يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ (وَبِهِ يَعْدِلُونَ) (1)

ثُمَّ قَرَأَ (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (2)

إِلَى آخِرِهَا وَقَالَ فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ وَ لَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ خُصَّتْ أَوْلِيَاءَ (اللَّهُ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (3)

أَلَا إِنَّ (حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ) (4)

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ (عليه السلام) هُمُ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ الْحَادُونَ وَ الْعَادُونَ وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ (يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا) (5)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ) (6)

إِلَى آخِرِ الْآيَةِ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ (الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ) (7)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ آمِنِينَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلَامِ أَنْ (طَبَّتُمْ فَأَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ) (8)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْرُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ) (9)

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ يَصْلُونَ سَعِيرًا أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَبَنَّهُمْ (شَهيقًا وَ هِيَ تَفُورُ) (10)

وَ لَهَا زَفِيرٌ أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ فِيهِمْ (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا) (11)

الآيَةِ أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ

ص: 426

1- . الأعراف آية 181

2- . الفاتحة آية 2

3- . يونس آية 62

4- . المائدة آية 56

5- . الأنعام آية 112

6- . المجادلة آية 22

7- . الأنعام آية 82

8- . الزمر آية 73

9- . غافر آية 40

10- . الملك آفة 7

11- . الأعراف آفة 38

اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ(1)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ (الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ)(2)

مَعَاشِرَ النَّاسِ شَتَانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْجَنَّةِ عَدُونًا مِنْ ذَمِّهِ اللَّهُ وَلَعْنَهُ وَوَلِيئِنَّا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَأَحَبَّهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ أَلَا وَإِنِّي (مُنذِرٌ)(3)

وَعَلِيٍّ (هَادٍ)(4)

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَعَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَصِيْبِي أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ مِنَ الْقَائِمِ الْمُهْدِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدُّنْيَا أَلَا إِنَّهُ الْمُتَنَقِّمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ كُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ فِي بَحْرِ عَمِيقٍ أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَمُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُنْبَهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ وَهَذَا عَلَيَّ يُفْهَمُكُمْ بَعْدِي أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَالْإِقْرَارِ بِهِ ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَعَلِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَدْ بَايَعَنِي وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ)(5)

الآيَةُ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ الْحَجَّ وَالصَّفَا وَالْمَرْوَةَ(6)

وَالْعُمْرَةَ (مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا)(7)

الآيَةُ مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا

ص: 427

1- . الملك الآيات 9-8

2- . الملك آية 12

3- . الرعد آية 7

4- . الرعد آية 7

5- . الفتح آية 10

6- . البقرة آية 158

7- . البقرة آية 158

اسْتَوْفُوا وَلَا تَخْلَفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْفِهِ ذَلِكَ فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَوْفَيْتَ عَمَلَهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ الْحُجَّاجِ مُعَاوِنُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ وَاللَّهُ (لا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) (1)

مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِفْلَاحِ مَعَاشِرِ النَّاسِ (أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ) (2)

كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِيَنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصَّصَ رُتَمَ أَوْ نَسِيْتُمْ فَعَلَيْيْ وَلِيَّتِكُمْ وَ مُبَيَّنَّ لَكُمْ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدِي وَ مَنْ خَلَفَهُ اللَّهُ مِنِّي وَ مِنْهُ يُخْبِرُكُمْ بِمَا نَسَّ الْأَوْنَ عَنْهُ وَ يُبَيِّنُ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ إِلَّا إِنْ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَ يَهُمَا وَ أَعْرَفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَ أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَأَمَرْتُ أَنْ آخُذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ أَيْمَةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ (عليه السلام) إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْضِي بِالْحَقِّ مَعَاشِرَ النَّاسِ وَ كُلَّ حَلَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ أَوْ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أَبَدِّلْ إِلَّا فَاذْكُرُوا ذَلِكَ وَ أَحْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا بِهِ وَ لَا تَبَدِّلُوهُ وَ لَا تُغَيِّرُوهُ إِلَّا وَ إِنِّي أَجِدُّ الْقَوْلَ إِلَّا (فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ) (3)

وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا وَ إِنْ رَأَسَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَ تَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَ تَنْهَوهُ عَنْ مُخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنِّي وَ لَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ مَعَاشِرَ النَّاسِ الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ وَ عَرَفْتُمْ أَنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ

ص: 428

1- . التوبة آية 120

2- . البقرة آية 43

3- . الحج آية 78

(وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ) (1)

وَقُلْتُ لَنْ تَصِلُوا مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِمَا مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّقْوَى التَّقْوَى أَحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ) (2)

اذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالثَّوَابَ وَالْعِقَابَ ف (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ) (3)

أُثِبَ عَلَيْهَا (وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ) (4)

فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدَةٍ وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ الْإِفْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ (عليه السلام) مِنْ إِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَ مِنْهُ عَلَى مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صَدِّ لِيهِ فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيِّ وَ أَمْرِ وُلْدِهِ مِنْ صَدِّ لِيهِ مِنَ الْأَيْمَةِ تُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيَّدِينَا عَلَى ذَلِكَ نَحْيًا وَ نُمُوتُ وَ نُبْعَثُ وَ لَا نَعْيِيرُ وَ لَا نُبَدِّلُ وَ لَا نَشُكُّ وَ لَا نَرْتَابُ وَ لَا نَرْجِعُ عَنْ عَهْدٍ وَ لَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ نَطِيعُ اللَّهِ وَ نَطِيعُكَ وَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ وُلْدَهُ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صَدِّ لِيهِ بَعْدَ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتَكُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي وَ مَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَ مَنْزِلَتَهُمَا مِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ أَدَيْتُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ وَ إِنَّهُمَا سَيِّدَا سَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ إِنَّهُمَا الْإِمَامَانِ بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ وَ أَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ وَ قُولُوا أَطْعَمَنَا اللَّهُ بِذَلِكَ وَ إِيَّاكَ وَ عَلِيًّا (عليه السلام) وَ الْحَسَنَ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) وَ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَ مِيثَاقًا مَأْخُودًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ مُصَافَقَةِ أَيَّدِينَا مَنْ أَدْرَكُهُمَا بِيَدِهِ وَ أَقْرَبَهُمَا بِلِسَانِهِ وَ لَا تَبْغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا تَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا أَشْهَدْنَا اللَّهَ (وَ

ص: 429

1- . الزخرف آية 28

2- . الحج آية 1

3- . الأنعام آية 160

4- . الأنعام آية 160



كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا(1)

وَ أَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ وَ كُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ وَ اسْتَرَ وَ مَلَئِكَهَ اللّٰهُ وَ جُنُودُهُ وَ عِبِيدُهُ وَ اللّٰهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ فَمَنْ اهْتَدَى فَ (لِنَفْسِهِ وَ مَنْ صَلَّى فَإِنَّمَا يُصَلِّ عَلَيْهَا)(2)

وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ (اللّٰهُ يَدُ اللّٰهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ)(3)

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ بَايِعُوا عَلِيًّا (عليه السلام) أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) وَ الْأَيْمَةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً يُهْلِكُ اللّٰهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ اللّٰهُ مَنْ وَفَى وَ (فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ)(4)

الآيَةَ مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا الَّذِي قُلْتُمْ لَكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قُولُوا (سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ)(5)

وَ قُولُوا (الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّٰهُ)(6)

الآيَةَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ (مَنْ يُطِيعِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ)(7)

وَ عَلِيًّا (عليه السلام) وَ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ (فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا)(8)

مَعَاشِرَ النَّاسِ (السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ)(9)

إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مَوْلَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ (أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ)(10)

(فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ)(11) مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا مَا يَرْضَى اللّٰهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ فَ (إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا)(12)

(فَلَنْ يَضُرَّ اللّٰهَ شَيْئًا)(13)

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ اغْضَبْ عَلَى الْكَافِرِينَ (وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)(14)

فَنَادَاهُ الْقَوْمُ سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا عَلَى أَمْرِ اللّٰهِ وَ أَمْرِ رَسُولِهِ (صلى الله عليه و آله) بِقُلُوبِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيْدِينَا وَ تَدَاكُؤِ عَلَى رَسُولِ اللّٰهِ (صلى الله عليه و آله) وَ عَلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) فَصَافَقُوا بِأَيْدِيهِمْ

ص: 430

1- . النساء آية 79

2- . يونس آية 108

3- . الفتح آية 10

4- . الفتح آية 10

- 5- . البقرة آية 285
- 6- . الأعراف آية 43
- 7- . الأحزاب آية 71
- 8- . الأحزاب آية 71
- 9- . الواقعة آية 10
- 10- . التوبة آية 20
- 11- . الواقعة آية 12
- 12- . ابراهيم آية 8
- 13- . آل عمران آية 144
- 14- . الأنعام آية 45

فَكَانَ أَوَّلُ مَنْ صَافَقَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْأَوَّلُ وَالثَّانِي وَالثَّلَاثُ وَالرَّابِعُ وَالْخَامِسُ وَبَاقِي الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَبَاقِي النَّاسِ عَلَى طَبَقَاتِهِمْ وَقَدَرِ مَنَازِلِهِمْ إِلَى أَنْ صَدَّ لَيْثُ الْمَغْرِبِ وَالْعَتَمَةَ فِي وَفْتٍ وَاحِدٍ وَوَصَلُوا الْبَيْعَةَ وَالْمُصَافَقَةَ ثَلَاثًا وَرَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلَى آلِهِ يَقُولُ كُلَّمَا بَايَعَ قَوْمٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ وَصَارَتِ الْمُصَافَقَةُ سُنَّةً وَرِسْمًا وَرُبَّمَا يَسْتَعْمِلُهَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَقٌّ فِيهَا

به اسناد مذکور در متن از امام باقر (علیه السلام) نقل است که: پیامبر (صلى الله عليه وآله) در موسم حج عازم مکه بود در حالی که تمام شرایع و قوانین را به جز حج و ولایت ابلاغ فرموده بودند که فرشته وحی جبرئیل (علیه السلام) نازل شده و از جانب پروردگار متعال ابلاغ سلام نموده و گفت: ای محمد (صلى الله عليه وآله) خداوند می فرماید: من هیچ پیامبری از پیامبران گذشته را قبض روح نکردم مگر پس از کمال دین و اتمام حجتم، و برای تو تنها دو موضوع باقی مانده که باید آن دو را به مردم ابلاغ نمایی، یکی حکم حج و دیگری موضوع ولایت و خلافت است. زیرا من تا به حال زمین را خالی از حجّت قرار نداده ام و هرگز هم خالی نخواهم گذاشت، زیرا خداوند عزّ و جلّ تو را مأمور فرموده تا خود و سایر مردمان از اقصی نقاط مدینه و اطراف آن که تمکن و استطاعت لازم برای انجام حج دارند را به مکه سوق دهی و تمام اصول و قوانین آن را همچون نماز و زکات و روزه به ایشان آموزش دهی. پس منادی را فرمود تا اعلام کند که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) آهنگ سفر حج دارد و مأمور به تعلیم این عبادت بزرگ همچون سایر شرایع و مقررات سابق است. باری رسول خدا (صلى الله عليه وآله) همراه هفتاد هزار نفر از اهالی مدینه و اطراف آن عازم مکه شده و از مدینه خارج شدند مانند همان تعداد که حضرت موسی (علیه السلام) از آنان برای هارون (علیه السلام) بیعت گرفت و عهدشکنی کردند و در آخر از گاو و سامری تبعیت نمودند و همه جماعت مسلمین در طول این سفر قدم به قدم از تمام اعمال آن حضرت پیروی می کردند. باری عاقبت این بیعتی که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) علیه و آله

برای خلافت علی (علیه السلام) از مسلمانان گرفت در نهایت نعل بالتعل شبیه به عهدشکنی قوم موسی در بیعت با هارون و تبعیت از گاو و سامری گردید. جماعتی که مسافت مدینه تا مکه را طی می کردند فضای کوه و دژه و بیابان را مشحون از ندای لبیک لبیک خویش ساخته و به آنجا حال و هوای باشکوهی دادند. و چون مسافتی را طی کردند جبرئیل (علیه السلام) نازل شده و خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرضه داشت: خداوند پس از ابلاغ سلام می فرماید: زمان وفات تو نزدیک شده و مدت رسالتت رو به پایان است، و بدان که من تورا بی هیچ چاره و گریزی فرا می خوانم، پس عهد خود بنما و سفارشت را ایراد کن، و آنچه علم داری از خود و میراث علوم انبیای پیش، و سلاح و تابوت و آثار و آیات رسالتت را به وصی و خلیفه ات و حجت بالغه بر خلقم علی بن ابی طالب (علیه السلام) بسپار، و او را همچون نشانه ای برای مردم برپا کن و عهد و میثاق او را تجدید نما، و به ایشان تمام عهد، و نیز پیمانی را که از ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) ولی خود و مولای آنان و همه مرد و زن مؤمن بسته ام به ایشان یادآوری کن. زیرا همه انبیایم را پس از اكمال دین و حجتت و اتمام نعمتم به ولایت دوستانم و دشمنی دشمنانم قبض روح نمودم، و این همان کمال توحید و دین و اتمام نعمت من است که مقرون پیروی و طاعت ولی من می باشد. و باید مردم بدانند که من هیچ گاه زمین را خالی از ولی و سرپرست قرار نمی دهم تا حجت بر مردم و خلقم باشد، پس امروز دین شما را به کمال رساندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به واسطه ولایت ولی خود و سرپرست مردان و زنان مؤمن علی (علیه السلام) بنده ام و وصی پیامبرم و خلیفه پس از او و حجت بالغه بر خلقم دین شما پسندیدم. و طاعت و امتثال امر او مقرون طاعت من است. اطاعت او امتثال امر من، و عصیان او مستلزم مخالفت من است، او را علم و نشانه ای میان خود و مردم قرار دادم، هر که مقام او را شناخت مؤمن، و منکر او کافر است. و هر که در بیعت او کسی را شریکش سازد مشرک

می باشد، و هر که با ولایت او بمیرد به بهشت رود و دشمنان او به جهنم روند. پس ای محمد، علی (علیه السلام) را علم و راهنمایم قرارده، و از آنان برایش بیعت بگیر، و عهد و پیمانی که با آنان بسته ام را تجدید کن، زیرا من جانت را ستانده و نزد خود فرا می خوانم. و از این سو چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به قوم خود و مخصوصا از منافقین امت خائف و ترسان بود که مبادا پراکنده شده و به جاهلیت و کفری دیگر بازگردند، و همچنین از عداوت و بغضدرونی آنان نسبت به علی (علیه السلام) آگاه بود، به همین خاطر توسط جبرئیل (علیه السلام) از خداوند درخواست نمود که او را از شرّ و کید و مکر منافقین حفظ فرماید. بنا بر این رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام این امر را تا مسجد خیف در مراجعت از مکه به تأخیر انداخت. پس در آن منزل بار دیگر جبرئیل (علیه السلام) نازل شده و تکلیف سابق را راجع به معرفی علی ابن ابی طالب (علیه السلام) تجدید نمود ولی راجع به درخواست آخر پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر عصمت و نگهداری او از شرّ منافقین هیچ پیامی را نیاورد تا اینکه به کراع الغمیم در بین راه مکه و مدینه رسید. در همین منزل جبرئیل (علیه السلام) برای بار سوم نازل شده و موضوع معرفی علی بن ابی طالب (علیه السلام) را متذکر شد، ولی بازهم خبری از جواب درخواست پیامبر در حفظ و عصمت پیامبر نبود. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) خطاب به جبرئیل (علیه السلام) فرمود: از آن می ترسم که مردم مرا تکذیب نموده و سخنم را در باره علی بن ابی طالب (علیه السلام) نپذیرند. باری از آنجا نیز حرکت کرده تا به غدیر خم، سه میلی جحفه رسیدند، جبرئیل (علیه السلام) در همان جا ساعت پنج پس از آفتاب نازل شده و پیامی حاوی منع و سرزنش و عصمت و حفظ از مردم بدین مضمون آورد که (يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) (1)

خداوند متعال سلامت رسانده و می فرماید: ای پیامبر، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو فرو آمده برسان و اگر این نکنی پیام او را نرسانده باشی و خدا تو را از [فتنه و گزند] مردم نگاه می دارد باری پیش رفتگان

ص: 433

در نزدیکی های جحفه بودند، و گروهی نیز هنوز به غدیر خم نرسیده بودند، پس با فرمان پیامبر همه آنان را برگرداندند و عقب ماندگان را جمع نمودند و همه را در منزل غدیر خم دور هم گرد آورده و مقدمات تعریف و توصیه و خطابه خود را فراهم آورد. و در آن مکان درخت هایی بود که به دستور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زیر آنجا جاروب شده و از سنگ ها به شکل منبر استفاده گردید تا آن حضرت بر روی آن رفته و بر همه مشرف باشد. و تمام مسلمین از پیش و روی راه در آن مکان اجتماع کرده و سر تا پا گوش شدند تا پیامبر (صلی الله علیه و آله) به بالای منبر رفته و پیام آسمانی و الهی و سخن شیرین خود را آغاز نماید. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از حمد و ثنای الهی فرمود: حمد و ستایش درخور پروردگاری است که شریک و نظیری نداشته و بی همتا و یگانه است، و حکومت او سراسر هستی را فرا گرفته، و علم و توجه به او همه موجودات را احاطه نموده است، و همه در پیشگاه قدرت و توانایی او خاضع و خاشعند. و پیوسته محبوب و محمود عالمیان است، خالق آسمان ها و زمین و پروردگار روح و ملائکه و جهان هستی، همه و همه غرق احسان و نیکویی و رحمت و فضل بی منتهای اویند، کریم و حلیم و صبور و شکیبا و بردبار است، برای انتقام و عذاب گنه کاران شتاب نمی کند، سرائر و ضمائر بندگان بر او پوشیده نمی شود، افکار و نیات و خاطره های مردم پیش او روشن و آشکار است، هیچ عجز و کوتاهی و نیاز و ناتوانی به مقام عظمت او راه نیابد، ادراک و عقول مردم از درک و شناخت کنه ذات و صفات کبرایی او عاجز و قاصرند، برپا دارنده قسط و عدل است، هیچ معبودی جز او نیست، عزیز و حکیم است، بالاتر از آن است که چشم ها او را دریابند، و او چشم ها را دریابد، و اوست لطیف و آگاه به آشکار و نهان، هیچ کس با دیدن پی به وصف او نبرد، و نه سرّ و آشکار او را دریابد مگر خود خداوند راهنمایی فرماید. و شهادت می دهم که قدس و پاکی خداوند متعال همه طبقات دهر را پر کرده است. و نور

مقدس او ابدیت را پوشانیده است، خدایی که بی هیچ یار و یاور و شریک و مشاور و تقدیر و امر خود را ایجاد می فرماید، آنچه را که بخواهد لباس هستی می پوشاند و کوچکترین زحمت و تکلفی در کارهای او در مقام خلق و تکوین کائنات دیده نمی شود، کارهای او محکم و منظم و متقن است، کمترین خلل و سستی و جور و تجاوز و ظلمی در او نیست، خداوند کریم است و مهربان، و برگشت همه به سوی او خواهد بود. و شهادت می دهم همه چیز در پیشگاه با عظمت و قدرت او خاضع و متواضعند، خورشید و ماه و ملک همه در تحت تسخیر و نفوذ او هستند، اوراق و صفحات تکوین بدست توانای او پیوسته در تغییر و تبدل بوده، و روز و شب و زندگی و مرگ و فقر و غنی و خوشی و گرفتاری و گرما و سرما و رنگ های گوناگون پدیدار می شود، درهم کوبنده هر مخالف و معاندی است، و نابودکننده هر شیطان نافرمان و سرکشی است، عاری از هر حریف و همتایی است، (ضدّ و ندی ندارد) یکتا و یگانه است، تنها بی نیازی است که نیازها بدو برند، نزاده و زاده نشده است، و هیچ کس مر او را همتا و همانند نبوده و نباشد، معبودی واحد و پروردگاری بزرگوار است، هر چه می خواهد اجرا می کند و آنچه اراده می کند انجام می دهد، می داند پس به شمار آورد، و می میراند و زنده می کند، و فقر و غنی، شادی و حزن، و منع و عطاء، همه و همه بدست با عظمت اوست، پادشاهی از آن اوست، نیکی ها به دست او، و او بر هر چیزی توانا است. با افزودن و کاستن شب را در روز در می آورد و روز را در شب، هیچ معبودی جز او نیست، عزیز است و غفار، همو که دعای بندگان اجابت و با سخاوت عطا می کند، شمارنده نفسها، و پروردگار جنّ و انس، هیچ چیزی برای او مبهم و پیچیده نیست، و ناله دردمندان او را به ستوه نیاورد، و پافشاری اصرارکنندگان طاقش را طاق نکند، حافظ صالحان، و توفیق دهنده رستگاران، و آقا و سرور جهانیان است، همو که شایسته شکر و حمد همه خلائق

است. حمد و ستایش می کنم او را در همه حال، در حال وسعت و تنگدستی، و در حال عافیت و شدت، و ایمان دارم به او و به ملائکه و کتاب ها و پیغمبران او، مطیع اوامر او بوده و در هر چه موجب رضای اوست شتاب می کنم، و از سر میل در اطاعتش و خوف از مجازاتش تسلیم حکم و قضای او هستم، چرا که الله همان خدایی است که از نیرنگش ایمنی نیست و در نهایت عدالت و دادگری است، معترف به بندگی او می باشم، و به خدائیش شهادت می دهم، و هر آنچه وحی شده ام را می رسانم، تا مبدا مشمول قهر و عذاب و غضب او شوم که در این صورت هیچ کس نتواند جلوی اراده او را بگیرد. هیچ معبودی جز او نیست، همو مرا آگاه فرموده که در صورت عدم ابلاغ دستورات او مأموریتم ناتمام و ابتر بماند، و نیز خداوند متعال متعهد شده مرا در این تبلیغ محافظت فرماید، زیرا خداوند کفایت کننده ای کریم است. از جانب خداوند به من وحی رسیده است که (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) (1) ای پیامبر، آنچه را از سوی پروردگارت به تو فرو آمده در باره خلافت علی بن ابی طالب (علیه السلام) برسان و اگر این نکنی پیام او را نرسانده باشی، و خدا تو را از [فتنه و گزند] مردم نگاه می دارد. ای گروه مردم! شاهد باشید که من در رساندن فرمان خداوند هیچ کوتاهی نکردم، بدانید که جبرئیل (علیه السلام) در این سفر سه مرتبه از جانب خداوند بر من نازل شده و پس از ابلاغ سلام الهی مرا مأمور کرده است که در مقابل همگان سفارش او را ابلاغ نموده و بگویم: علی بن ابی طالب (علیه السلام) برادر و وصی، و خلیفه و امام بعد از من است، و او در نزد من همان جایگاه هارون (علیه السلام) در نزد موسی (علیه السلام) را داراست، جز اینکه پس از من پیامبری نخواهد بود. و او پس از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) ولی و سرپرست شماست و خداوند متعال در این خصوص آیه ای بدین مضمون بر من نازل فرموده که (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ

ص: 436



همانا دوست و سرپرست شما خدا است و پیامبرش و کسانی که ایمان آورده اند، آنان که نماز را برپا می دارند و زکات می دهند در حالی که در رکوعند و آن همان علی بن ابی طالب(علیه السلام) است که نماز به پای داشته و زکات پرداخته در حالت رکوع، و اوست که پیوسته و در همه حال متوجه خداوند بوده و در تمام امور او را در نظر می گیرد. و نیز بدانید که من در ابتدای امر از جبرئیل(علیه السلام) خواستم مرا از ابلاغ این مطلب به شما معذور بدارد زیرا به این نکته واقف بودم که تعداد اهل نفاق و دغل و دورویی بر پرهیزگاران اتمم غالبند، و مسخره کنندگان اسلام را می شناختم، همان ها که در کتاب خدا این گونه وصف شده اند که: چیزی با دهان هایشان می گویند که در دل هایشان نیست، و آن را [سخنی کوچک و آسان] می پنداشتند و حال آنکه در نزد خداوند، بزرگ و عظیم است، و شدت آزارم را بدان جا رساندند که مرا اُذُن (سرپا گوش) نامیدند، و دلیل این نامگذاری این بود که می پنداشتند من شنوای هر سخنی می باشم، تا اینکه خداوند این آیه را نازل فرمود (وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)(2) که و از آنان کسانی اند که پیامبر را می آزارند و می گویند: او (سرپا) گوش است (شنوای سخن هر کسی است) بگو: گوش نیکوست برای شما، یعنی برای کسانی که می پنداشتند او اُذُن است به خدا ایمان دارد و مؤمنان را باور دارد و اگر بخواهم می توانم نام های یکایک آنان را بشمارم، و خصوصیات کامل و تفصیل امورشان را ذکر بکنم، ولی بخدا قسم که این کار نه شایسته حال من و نه مورد پسند خداست که جز آنچه وحی شده ام را نگویم، سپس این آیه را خواند (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ)(3) ای پیامبر آنچه را از سوی پروردگارت به تو فرو آمده (در باره

ص: 437

1- . المائدة آية 55

2- . التوبة آية 61

3- . المائدة آية 67

علی بن ابی طالب (علیه السلام) برسان و اگر این نکنی پیام او را نرسانده باشی، و خدا تو را از [فتنه و گزند] مردم نگاه می دارد. پس ای گروه مردم بدانید که: خداوند متعال علی بن ابی طالب (علیه السلام) را بر شما ولی و امام قرار داده، و اطاعت او را به نیکویی بر تمام گروههای مهاجر و انصار و تابعین آنان، و بر حاضر و غائب و عرب و عجم و کوچک و بزرگ و عبد و آزاد و بر هر خداپرست واجب فرموده است، او فرمانش قابل اجرا، و سخنش مقبول، و امرش نافذ است، مخالف او ملعون، و پیرو او مشمول رحمت خداوند است، و هر که او را تصدیق کند و بدو گوش بسپارد و از او اطاعت کند مشمول غفران خداوند گردد. ای گروه مردم! اینجا آخرین محلّ گردهمایی و گفتگوی من با شما است، پس امر پروردگارتان را نیک بشنوید و اطاعت کنید و امتثال نمایید، زیرا خداوند مولی و معبود شما است، و پس از او فرستاده اش محمد (صلی الله علیه و آله) در برابرتان ایستاده و شما را خطاب می کند، و پس از من به امر پروردگار متعال علی (علیه السلام) ولی خدا و سرپرست شماست و پس از او تا پایان عمرتان اولاد و ذریّه او مولی و امامند. حلال همان است که خدا فرموده، و حرام همان که ممنوع داشته، حلال و حرام را به من آموخت، و من تمام علوم افاضه شده از خداوند از قرآن و حلال و حرام را به علی (علیه السلام) دادم. ای گروه مردم! خداوند متعال تمام علوم را به من عطاء فرمود، و من هم تمام آنها را به علی بن ابی طالب (علیه السلام) پیشوای پرهیزگاران و امام مبین تعلیم نمودم. ای گروه مردم! از علی (علیه السلام) غافل نشوید و او را ترك مکنید، و از ولایتش خودداری مکنید، او راهنمای به حق و راستی و عامل به آن است، باطل و پوچ را نابود و از آن منع می کند، و در راه خدا از ملامت دیگران متزلزل نمی شود، او اولین مؤمن به خدا و رسول و فدایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، او در حالی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به عبادت خداوند پرداخت که همه شما بت پرست بودید. ای گروه مردم! علی (علیه السلام) را بزرگ و محترم شمارید که خداوند او را تفضیل و تکریم

فرموده است و بدو روی آورید که خداوند او را به این مقام منصوب فرموده است. ای گروه مردم! او از جانب خداوند امام و رهبر است، و منکر ولایت او از پذیرش و غفران الهی بدور، و بطور قطع و یقین مشمول عذاب الهی و آتش سوزان است. از مخالفت با او برحذر باشید و گر نه به آتشی روید که سوخت و هیمه اش آدمیان و سنگ هاینند، و برای کافران مهیّا شده است. ای گروه مردم! همه انبیاء و مرسلین گذشته به نبوت من بشارت داده شده اند، و من خاتم انبیاء و مرسلین، و حجّت خدا بر اهل آسمان و زمین هستم، پس هر که در این مورد تردید کند همچون کفر دوران جاهلیّت کافر است. و هر که در باره قسمتی از گفتار من شك نماید به همه گفتارم تردید نموده است و مستحقّ آتش خواهد بود. ای گروه مردم! این فضیلت و نعمتی است که خداوند متعال مرا اعطا فرموده، هیچ معبودی جز او نیست، او را پیوسته حمد و سپاس گفته و از انعام و احسان خداوند برای همیشه تشکّر می کنم. ای گروه مردم! علی (علیه السلام) را تفضیل دهید که او پس از من افضل همه مردم است، بوسیله ما است که مردم مشمول نعمت و رحمت خداوند قرار می گیرند، و جبرئیل (علیه السلام) مرا خبر داده است که خداوند متعال می فرماید: هر که با علی (علیه السلام) مخالفت و دشمنی کند ملعون و مغضوب بوده و از رحمت من دور می شود. و هر کسی باید بنگردد که برای فردای قیامت چه پیش فرستاده است، و بترسید از اینکه دوباره دچار لغزش شوید که خداوند بدان چه می کنید آگاه است. ای گروه مردم! بدانید که علی بن ابی طالب (علیه السلام) جنب پروردگار است، و او مصداق این آیه است (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّآخِرِينَ) (1) تا کسی نگوید دریغا بر آن کوتاهی که در باره خدا کردم ای گروه مردم! درباره قرآن بیاندیشید، و از آیتش سر در آورید، و همیشه به محکّمات آن ناظر باشید، و نباید از آیات متشابه پیروی کنید، و قسم بخدا که کسی نمی تواند حقائق و دقائق قرآن را تفسیر و بیان کند مگر علی بن

ص: 439

ابی طالب (علیه السلام) که برادر و وصی من است و همزمان دست علی (علیه السلام) را گرفته و بالا برد، به حدی که زیر بازوی آن حضرت هویدا شد و من به شما اعلام می کنم: هر که من مولای اویم علی (علیه السلام) مولای او است، و موالات او از جانب خداوند با عزت و جلال بر من نازل شده است. ای گروه مردم! علی (علیه السلام) و اولاد پاکش ثقل اصغرند، و قرآن مجید ثقل اکبر است. و هر کدام از آن دو مؤید و موافق دیگری خواهد بود، و هرگز از همدیگر جدا نخواهند شد تا روزی که در جانب حوض به من رسند، آنان امن و حکمای خداوند در روی زمینند. ای گروه مردم! آگاه باشید، همه و همه آگاه باشید که من تمام این مطالب را ادا نمودم و ابلاغ کردم و به گوش همه رساندم، همه و همه کلام خدا بود و من از جانب او گفتم، که به جز برادرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) کسی سزاوار منصب امارت و امامت نیست، و پس از من کسیرا نشاید که عنوان امیر المؤمنین را بجز او به دیگری نسبت دهد. سپس دست مبارک خود را دراز کرده و از بازوی علی بن ابی طالب (علیه السلام) گرفته و بلند نمود تا آنجا که پاهای آن حضرت در موازات زانوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار گرفت و فرمود: ای گروه مردم! این علی (علیه السلام) است، که برادر و وصی، و حافظ علم من، و جانشینم بر امت است، او مفسر قرآن و داعی به سوی خدا و عامل به مَرْضات الهی است، با دشمنان خدا در جنگ و طرفدار طاعت، و نهی کننده از نافرمانی او است، او جانشین پیامبر و امیر مؤمنان و پیشوای هدایتگر است، و با عهدشکنان و ستمکاران و خارج شدگان از حق به اذن و فرمان خدا می جنگد، حال گفتاری به زبان آورم که به امر پروردگارم هر سخنی را تغییر دهد پروردگارا، دوستدارانش را دوست بدار، و با دشمنانش عداوت کن، و منکر او را لعن، و به هر که حقش را پایمال کند غضب فرما. پروردگارا، بنا بر همانچه خود فرمودی اعلام داشتم که امامت پس از من برای علی ابن ابی طالب (علیه السلام) است و او را به این مقام منصوب نمودم، تا شریعت خود را برای بندگانت به کمال رسانی، و نعمت خود

را بر ایشان تمام کنی، و اسلام را دین آنان پسندی، که خود در قرآن فرموده ای (وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) (1) و هر که جز اسلام دینی بجوید هرگز از او پذیرفته نشود و او در آخرت از زیانکاران است پروردگارا! تو را به گواهی می گیرم و تو را در این شهادت بس که تبلیغ خود را انجام دادم. ای گروه مردم! بی شک خداوند دین خود را با امامت او به کمال رساند، پس کسی که از او پیروی نکند و به خلفای پس از او که همه تا روز قیامت از فرزندان صلبی منند اقتدا ننماید، کارها و اعمالشان تباه و نابود شود و برای همیشه در آتش بماند، و عذابشان سبک نشود و مهلت نیابند. ای گروه مردم! این علی (علیه السلام) است، که در همه موارد از شما بالاتر است، در یاری رساندن و شایستگی، و نزدیکی و قرب، و عزت در نزد من برتری دارد، و خدا و رسولش از او راضی و خشنودند، و تمام آیات رضایت و خشنودی در باره او نازل شده است، و خداوند تمام خطاب های (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) در قرآن را به او آغاز نموده است، و تمام آیات مدح در کتاب خدا قرآن کریم در باره اوست، و سوره هل أتى برای اوست، که اعتراف به بهشت نموده، و جز در شأن او نازل نشده، و هیچ کس جز او به واسطه این سوره مدح نشده است. ای مردم! او کمک کار دین خدا، و مدافع رسول (صلی الله علیه و آله) است، او تقی، نقی، هادی و مهدی است، پیامبر شما بهترین پیامبران، و وصی او بهترین اوصیا و فرزندانش بهترین جانشینانند. ای گروه مردم! نسل هر پیامبری از پشت اوست، و نسل من از پشت علی (علیه السلام) است. ای گروه مردم! براستی، ابلیس به واسطه حسادت بود که آدم (علیه السلام) را از بهشت بیرون فرستاد، پس حسد نوزید که اعمالتان تباه شده و در نهایت منحرف گردید، زیرا تنها يك خطا موجب شد آدم (علیه السلام) صفة اللّٰه از بهشت به زمین هبوط نماید، در حالی که او برگزیده خداوند بود، تا چه رسد به شما که گروهی عباد اللّٰه و گروهی اعداء اللّٰه هستید، بدانید که مُبَغِضِ عَلِيٍّ (علیه السلام) تیره بخت و دوستدار او تَقِيٍّ

ص: 441

و خدا ترس است. و جز اهل ایمان به او اعتماد ندارد، و قسم بخدا که سوره و العصر در باره علی (علیه السلام) نازل شده، (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ) (1) که به نام خدای بخشاینده مهربان سوگند به روزگار (پیروزی حق بر باطل) که هر آینه آدمی در زیانکاری است. مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند و یک دیگر را به راستی و درستی اندرز دادند و یک دیگر را به شکیبایی سفارش کردند. ای گروه مردم! نقل قول خداوند نمودم و پیام خود را به شما رساندم، و بر پیامبر جز رساندن آشکار پیام نیست. ای گروه مردم! ترس از خدای را چنان که شایسته ترس از اوست پیشه کنید، و نمیرید مگر در حالی که مسلمان باشید. ای گروه مردم! به خدا و پیامبرش و نوری که با او نازل شده (قرآن) ایمان بیاورید پیش از آنکه چهره هایی را محو و ناپدید کنیم آن گونه که آنها را به پشت سرشان بگردانیم. ای گروه مردم! نور خداوند در من راه یافته، سپس در علی (علیه السلام) و پس از آن در نسل او تا قائم مهدی (علیه السلام) جاری خواهد بود، مهدی، همو که حق خدا و هر حقی را می گیرد از ماست، زیرا خداوند ما را حجتی بر اهل تقصیر و عناد و خلاف و خیانت و گناه و ستم و خلاصه بر همه جهانیان قرار داده است. ای گروه مردم! شما را انذار می کنم که من فقط پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رسول خدا هستم، که پیش از او پیامبران و فرستادگان گذشتند، پس اگر من بمیرم یا کشته شوم آیا شما به دوران جاهلیت پیش از اسلام بر خواهید گشت؟ و هر که عقبگرد کند هرگز به خدا گزند و زیانی نرساند، و به زودی که خدا سپاسگزاران را پاداش دهد. بدانید در این سوره علی (علیه السلام) موصوف به صبر و شکر شده، و پس از او فرزنداناش که از صلب منند. ای گروه مردم! بواسطه اسلامتان بر خداوند منت مگذارید که مشمول خشم خدا گردید و شما را عذاب کند زیرا او در کمین گاه است. ای گروه مردم! پس از درگذشت من پیشوایانی ظهور کنند که شما را

ص: 442

به سوی آتش جهنّم می خوانند، و در روز رستاخیز هیچ یاری و کمکی نشوند. ای گروه مردم! براستی که خداوند و من از آنان بیزارم. ای گروه مردم! آنان و تمام انصار و اعوان و پیروانشان در فُروترین طبقه دوزخند و براستی بد است جایگاه گردنکشان! بدانید که آنان اصحاب صحیفه اند، پس باید هر يك از شما در صحیفه اش نظر کند. راوی حدیث، امام باقر (علیه السلام) فرمود: جز گروهی اندك بقیّه مردم؛ ماجرای صحیفه را فراموش کردند. ای گروه مردم! من امامت را در ذرّیه خودم تا روز قیامت باقی گذاشتم، و من هر آنچه گفتمی بود گفتم و مأموریتم را کاملاً به انجام رساندم، تا آنجا که برای هیچ کس، چه حاضر و چه غایب، چه آنان که متولّد شده اند و چه آیندگان جای عذر و بهانه ای باقی نماند، پس سفارشات مرا به دیگران ابلاغ کنید، حاضر به غایب، و پدر به فرزند خود تا روز قیامت برسانند. امامت را ظالمانه غصب کرده و بصورت سلطنت در خواهند آورد، الا لعنت خدا بر آن دو گروهی که این مقام را به زور ستانده و غصب نمودند، ای پریان و آدمیان، به زودی که به حساب شما پردازیم و بر شما پاره ای از آتش و دودی یا مسی گداخته فرستاده شود که نتوانید از يك دیگر دفاع کنید! ای گروه مردم! براستی خداوند پیوسته شما را غربال می کند تا پاکدلان و خوبان را از بدکرداران جدا نماید، و خداوند شما را از غیب با خبر نمی سازد. ای گروه مردم! هیچ قریه و شهری را خداوند جز به جهت تکذیبشان نابود نکرد، و همچنین شهرهایی را که ظلم و ستم در آن رسوخ نماید، ویران و خراب می کند، و این فرد علی (علیه السلام) است که امام و سرپرست شماسست، او از وعده های الهی است، و البته خداوند متعال به عهد و وعده های خود عمل خواهد کرد. ای گروه مردم! بسیاری از گذشتگان شما گمراه شدند، و به همین خاطر بدست خداوند هلاک شدند، پس پسینیان نیز مشمول آن هلاک گردند، خداوند متعال فرموده (أَلَمْ نُهَلِكِ الْأَوَّلِينَ ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ وَيُلْهُمُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) (1) آیا پیشینیان را

ص: 443

هلاک نکرد. سپس پسینیان مانند کفار مکه را از پی آنها درآریم. با بزهکاران چنین می کنیم. در آن روز وای بر دروغ انگاران ای گروه مردم! خداوند مرا امر و نهی فرموده، و من نیز علی (علیه السلام) را، پس او امر و نهی را از پروردگارش دریافته، بنا بر این به سخنانش گوش دهید تا سالم بمانید، و او را اطاعت کنید تا هدایت شوید، و از نواهیش دست بردارید تا براه راست افتید، و مطابق میل او حرکت کنید تا مبادا راه های مختلف شما را از راه او بازداشته و متفرق و پراکنده شوید. ای گروه مردم! من همان صراط مستقیم و راه راستی هستم که خداوند به شما امر فرموده از آن پیروی کنید. و بعد از من علی بن ابی طالب (علیه السلام) سپس فرزندان من از صلب او صراط مستقیم اند. همان پیشوایانی که مردم را به راه حق هدایت می نمایند، و بدان وسیله دادگری می کنند. سپس آیات مبارکه سوره حمد را تلاوت نمود (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ) سپاس و ستایش خدای راست. پروردگار جهانیان. آن بخشاینده مهربان. خداوند و فرمانروای روز پاداش. تو را می پرستیم و بس، و از توییاری می خواهیم و بس. ما را به راه راست راه بنمای. راه کسانی که به آنان نعمت دادی نیکویی کردی نه راه خشم گرفتگان بر آنها و نه راه گمراهان و اشاره فرمود به اینکه این آیات شریفه در حق من و در باره آنان نازل شده است، (أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (1) آنان دوستان خدایند، نه بیمی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند (حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ) (2) بدانید که به راستی گروه خدا پیروزند، بدانید که دشمنان علی (علیه السلام) همان اهل شقاق و نفاقند، آنان دشمن و مخالف و از حد گذشتگانند، آنان برادران شیطانند، همان هایی که برخی شان به برخی دیگر با گفتار آراسته و فریبنده پیام نهانی می فرستند تا فریب دهند. بدانید که دوستان آنان در قرآن مذکورند، آنجا که فرماید (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ

ص: 444

1- . یونس آیه 62

2- . المائدة آیه 56



بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ(1)

مردمی را نیابی که به خدای و روز واپسین ایمان آورند در حالی که با کسانی که با خدای و پیامبرش دشمنی و مخالفت کرده اند دوستی بدارند، اگر پدران یا پسران یا برادران یا خویشانشان باشند، اینانند که [خداوند] ایمان را در دل هاشان نوشته پایدار ساخته است و ایشان را به روحی از نزد خویش نیرومند گردانیده و به بهشت هایی در آورد که از زیر آنها جوی ها روان است، در آنجا جاویدانند، خدا از آنها خشنود است و ایشان از خدا خشنودند، ایشانند گروه خدا؛ آگاه باشید که گروه خدا رستگارانند بدانید، دوستان آنان در این آیه نیز مذکورند که فرموده (الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ)(2) کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی نیامیختند، ایشانند که ایمنی دارند و آنان راه یافتگانند بدانید، دوستان آنان به سلامت در بهشت در آیند، و ملائکه با سلام به پیشبازشان آیند و گویند (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوا خَالِدِينَ)(3) خوش باشید پس به بهشت در آید [و در آن] جاودانه باشید بدانید، دوستان آنان همان گروهی هستند که خداوند در باره اشان فرموده (يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ)(4) به بهشت در آیند و در آن بی حساب روزی داده شوند بدانید، دشمنان آنان به آتش افروخته دوزخ در آیند. بدانید، دشمنان آنان در حالی که جهنم می جوشد، آوازی دلخراش مانند صدای خران از آن بشنوند. بدانید، دشمنان آنان در این آیه مذکورند (قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّةِ وَ الْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا

ص: 445

1- . المجادلة آية 22

2- . الأنعام آية 82

3- . الزمر آية 79

4- . غافر آية 40

ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَ لَكِنَّ لَا تَعْلَمُونَ(1) هر گاه که گروهی [بر جهنم] در آید گروهی همکیش خود را نفرین کند، تا چون همگی در آن به هم رسند گروه پسین (پیروان) در باره گروه پیشین (رهبران) خود گویند: خداوندا! اینان ما را گمراه کردند، پس آنها را دو چندان عذاب آتش بده، خدای فرماید: هر کدام را [عذاب] دو چندان است و لیکن نمی دانید بدانید، دشمنان آنان در این آیه مذکورند که (تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ)(2) هر گاه گروهی در دوزخ افکنده شوند، نگهبانانش [به نکوهش و سرزنش] از آنها پرسند: مگر شما را بیم کننده ای نیامد؟. گویند چرا، همانا ما را بیم کننده آمد، ولی تکذیب کردیم و گفتیم: خدا هیچ چیز فرو نرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید بدانید، دوستانشان آنانند که از پروردگارشان در نهان می ترسند، آمرزش و مزد بزرگ دارند. ای گروه مردم! چقدر فاصله زیادی است میان جهنم و بهشت، دشمنان ما مشمول ذم و لعن خدایند و دوستانمان مورد مدح و دوستی پروردگارند. ای گروه مردم! بدانید که من انذارکننده و علی (علیه السلام) هدایت کننده است، ای گروه مردم! من نبی و علی (علیه السلام) وصی است. بدانید که خاتم امامان قائم مهدی (علیه السلام) از ما است، بدانید که او مسلط و قاهر در دین است. بدانید، او از ستمکاران انتقام خواهد گرفت. بدانید، او فاتح قلعه ها و شهرها است. بدانید او مشرکان و دشمنان دین را نابود می کند. بدانید، او خون بهای اولیای خدا را می گیرد، بدانید، او یاری رسان دین خدا است، بدانید، او از دریای وسیع حقیقت و معرفت می نوشد، بدانید، که او هر که را به فراخور حال و استعداد و کردارش مقام و رتبه می دهد، بدانید، او برگزیده و منتخب خداوند است. بدانید، او وارث علوم [انبیاء] و محیط بر [حقائق] آن است. بدانید، او مخیر پروردگار و معرف ایمان به او است، بدانید، او صاحب عقل سلیم و ثبات در رأی و عمل است. بدانید،

ص: 446

1- . الأعراف آية 38

2- . الملک الآيات 9-8

امور دین الهی به او واگذار می شود، بدانید، که پیامبران گذشته به وجود او بشارت داده اند. بدانید، او حجت باقی خدا است و پس از او حجتی نیست، و حق تنها با اوست، و نور تنها نزد او می باشد. بدانید، او همیشه پیروز است و شکست در او راهی ندارد. بدانید، او ولی خدا در زمین، و حاکم او در میان بندگان، و امین به اسرار و ظواهر خدا است. ای گروه مردم! من مطالبی را بیان نموده و به شما فهماندم، و پس از من وظیفه علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. بدانید، پس از پایان خطبه ام شما را دعوت می کنم با من بیعت نموده و با من دست دهید، سپس همه با علی (علیه السلام) دست داده و بیعت نمایید، (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ مَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَّا يَشِئُ اللَّهُ فَسِئْرُتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا) (1) پس هر که پیمان بشکند، بی شک به زیان خود قدم برداشته، و هر که بدان چه بر آن با خدای پیمان بسته است وفا کند پس او را مزدی بزرگ خواهد بود ای گروه مردم! (إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ) (2) صفا و مروه از نشانه های خداست، پس هر که قصد حج کند یا عمره گزارد، بر او ناروا و گناه نیست که به گرد آن دو بگردد، و هر که کار نیکی به خواست خویش کند خداوند سپاسدار و داناست ای گروه مردم! آهنگ خانه کنید [حج را بجا آورید]، هر که حج رود ثروتمند شده، و هر فرد با استطاعتی که از آن تخلف کند فقیر و بی چیز شود. ای گروه مردم! هیچ کس در موقف حج نمی ایستد جز آنکه خداوند گناهان گذشته اش را تا آن موقع می آمرزد، و در پایان مراسم حج حساب اعمالش مجدداً آغاز می گردد. ای گروه مردم! حاجیان در این راه مساعدت شوند، و هزینه هایشان پس داده شود، و خداوند پاداش نیکوکاران را تباه و ضایع نمی کند. ای گروه مردم! حج خانه خدا را با رعایت آداب دینی و شرایط لازمه بجای آورید، و بازگشت از آنجا حتماً با توبه خالص و ترک شهوات و

ص: 447

1- . الفتح آیه 10

2- . البقرة آیه 158

تمایلات مادی همراه باشد. ای گروه مردم! همان گونه که خداوند فرموده نماز را بپای دارید و زکات را بپردازید، پس چنانچه زمان بر شما دراز گشت و کوتاهی نموده یا فراموش کردید، علی بن ابی طالب (علیه السلام) پاسخگوی شما می باشد، او سرپرست شما، و پس از من شارحی منصوب از طرف خدا برای شما است، و منتخب الهی از من است و من از اویم. بدانید! که حلال و حرام بیش از آن است که به شمار آید و آنها را بشناسم، پس در يك مکان امر به حلال نمودم و از حرام بازداشتیم، و به همین ترتیب از طرف خداوند مأمور شده ام که از شما برای علی بن ابی طالب (علیه السلام) و امامان پس از او که از من و اویند از شما بیعت بگیرید، آنان تا روز قیامت امام و پیشوایند، و مهدی ائمت من که به حق داوری می کند از آنان است. ای گروه مردم! هر آنچه از حلال و حرام که تا امروز برایتان گفتم برای همیشه برقرار و ثابت خواهد بود. و من از آنها برنگشته و هیچ تغییر و تبدیلی در آنها ندادم. پس باید آنها را خوب حفظ کرده و در رعایت آن کوشیده و به يك دیگر سفارش کنید. بدانید که من بار دیگر شما را به اقامه نماز و پرداخت زکات و امر به معروف و نهی از منکر سفارش می کنم. بدانید که در رأس امر به معروف و نهی از منکر این است که سخنانم را در نظر بگیرید و سفارشاتم را رعایت کنید، و به دیگران رساننده و از مخالفت با آنها پرهیز کنید، زیرا آن فرمان خداوند و دستور من است، و هیچ امر به معروف و نهی از منکری جز با حضور امام معصوم تحقق نمی یابد. ای گروه مردم! قرآن معین نموده که امام پس از علی (علیه السلام) و فرزندان اویند، و من نیز به شما خبر دادم که آنان از صُلب من و اویند، آنجا که فرموده (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (1) و آن را در فرزندان خود سخنی پاینده کرد و من نیز گفتم: و تا زمانی که دست به دامن قرآن و عترت باشید گمراه نخواهید شد. ای گروه مردم! رعایت تقوا! رعایت تقوا! از روز جزا پروا کنید، همان گونه که خداوند فرموده (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ

ص: 448

عَظِيمٌ) (1) که زلزله رستاخیز چیزی است بزرگ پیوسته و همیشه مرگ و حساب و میزان و حساب کشی در برابر پروردگار جهانیان و ثواب و عقاب را به یاد آورید و متذکر باشید، که هر که کار نیک آورد پاداش برد، و هر که بدی آورد هیچ نصیبی از بهشت نخواهد داشت. ای گروه مردم! تعداد شما بیش از آن است که با من دست بیعت دهید، و خداوند مرا مأمور فرموده تا از شما در باره امارت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و امامان پس از او که همه از صُلب من و اویند اقرار زبانی بگیرم، پس همگی بگویند: گفته هایت را شنیدیم و به نصب علی بن ابی طالب (علیه السلام) و فرزندان صلیبی او به امارت مسلمین راضی و فرمانبرداریم، و با تو در این باره با قلب ها و جان و زبان و دست هایمان بیعت می کنیم، بر این عهد زندگی می کنیم و می میریم و برانگیخته خواهیم شد، و نه تغییر و تبدیلی در آن دهیم، و نه هیچ شک و تردیدی در آن کنیم. و از عهد خود باز نگردیم و زیر پیمان خود نزنیم، و تا آخر مطیع خداوند بوده و گوش بفرمان شما و علی (علیه السلام) امیر المؤمنین و امامان از نسل تو و صُلب علی (علیه السلام) پس از حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) خواهیم بود. همان دو شخصیتی که شما را از جایگاهشان در نزد خود با خبر نمودم و از منزلتی که در نزد خدا دارند آگاه ساختم، پس همه آنها را به شما رساندم، و آن دو آقا و سرور جوانان بهشتی می باشند، و آن دو پس از پدرشان علی (علیه السلام) امام و پیشوایند، و پیش از علی (علیه السلام) من پدر آن دو می باشم. و نیز بگویند: در تمام مواردی که گفتی خدا را اطاعت می کنیم و گوش به فرمان تو و علی (علیه السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و ائمه هستیم، این عهد و پیمانی است که برای امارت مسلمین با قلب و جان و زبانمان نمودیم و با دست بیعت کردیم، هر که آن دو را درک نمود با دست و زبان به مقامشان اعتراف نماید. و جویای هیچ تبدیلی در آن نبوده و از جانب خود تا قیامت به جای آن قائل به نیرو و قدرتی نخواهیم بود، خدا را به گواهی گیریم و خدا گواهی بسنده و کافی است، و تو در این

ص: 449

موضوع بر ما گواه باشی، و نیز همه مطیعان، و فرشتگان و لشکرها و بندگان خداوند، همه و همه گواهی می دهند، و گواهی خداوند از همه بزرگتر است ای گروه مردم! چه می گویند؟ خداوند از هر صدایی با خبر است و از ضمائر قلوب آگاهی دارد، (إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ مَا أُنْتَعَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ) (1)

پس هر که راه یافت به سود خود اوست، و هر که گمراه شد جز این نیست که به زیان خود گمراه می شود (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ) (2) و هر که بیعت کند مانند آن است که با خدا بیعت می کند، دست خدا بالای دست هاشان است ای گروه مردم! از خدا پروا کنید، و با علی (علیه السلام) امیر المؤمنین و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و امامان که مانند سخن پاکیزه و پایدارند بیعت کنید، و بدانید خداوند پیمان شکنان را هلاک می کند، وفاداران را مشمول رحمتش قرار می دهد، (فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ) (3) پس هر که پیمان بشکند جز این نیست که به زیان خویش می شکند ای گروه مردم! همان که به شما گفتم بگویند، و به علی (علیه السلام) با کلمه امیر المؤمنین سلام کنید و بگویند (آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ) (4)

شنیدیم و فرمان بردیم، پروردگارا، آمرزش تو را خواهیم و بازگشت [ما] به سوی توست و بگویند: (وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) (5) سپاس و ستایش خدای راست که ما را بدین جایگاه راه نمود و اگر خدا ما را راه ننموده بود راه نمی یافتیم ای گروه مردم! براستی فضائل علی بن ابی طالب (علیه السلام) نزد خداوند است و آنها را در قرآن نازل فرموده، و از شمار خارج است، پس هر که شما را بدانها خبر داد و آگاه ساخت او را باور نموده و تصدیق کنید. ای گروه مردم! هر که خداوند را

ص: 450

1- . الزمر آیه 41

2- . الفتح آیه 10

3- . الفتح آیه 10

4- . البقرة آیه 285

5- . الأعراف آیه 43

اطاعت نموده و پیامبر و علی (علیه السلام) و امامانی که ذکر نمودم فرمانبرد براستی به کامیابی و پیروزی بزرگی دست یافته است. ای گروه مردم! پیشی گیرندگان! پیشی گیرندگان به بیعت و دوستی او و سلام کنندگان به او به کلمه امیر المؤمنین، آنان رستگارانند، در بهشت های پر نعمت. ای گروه مردم! آنچه موجب خشنودی خدا از شماست بگویند، که اگر شما و همه عالم کافر شوید، خدا را هیچ گزند و زیانی نرساند، پروردگارا گناهان مؤمنان را ببخشای، و بر کافران غضب نما، و حمد و ستایش خدای راست، پروردگار جهانیان. پس ندا از جماعت برخاست: با قلب و زبان و دست هایمان فرمان خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) او را شنیدیم و اطاعت نمودیم، سپس به سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) هجوم آورده و با زدن دست به دست پیامبر (صلی الله علیه و آله) با او بیعت نمودند، و نخست اولی و دومی و سومی و چهارمی و پنجمی و پس از آنان دیگران بنا بر مقام و منزلتشان بیعت کردند. و این کار تا اقامه نماز مغرب و عشاء که با هم خوانده شد تا سه بار ادامه یافت، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در اثنای هر بیعت می فرمود الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که ما را بر همه مردم برتری داد و از همین جا زدن دست هنگام بیعت سنت و رسم شد، و چه بسا این سنت را بعدها کسی انجام داد (غاصب ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)) که در

آن بیعت هیچ حقی نداشت. (1)

و رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا فَرَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنْ هَذِهِ الْخُطْبَةِ رَأَى النَّاسَ رَجُلًا جَمِيلًا بَهِيًا طَيِّبَ الرَّيْحِ فَقَالَ تَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مُحَمَّدًا (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَالْيَوْمِ قَطُّ مَا أَشَدَّ مَا يُؤَكِّدُ لِابْنِ عَمِّهِ وَ إِنَّهُ يَعْقِدُ عَقْدًا لَا يَحِلُّهُ إِلَّا كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِرَسُولِهِ وَ يُبَلِّغُ طَوِيلٌ لِمَنْ حَلَّ عَقْدَهُ قَالَ وَ التَّقْتِ إِلَيْهِ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ حِينَ سَمِعَ كَلَامَهُ فَأَعْجَبَتْهُ هَيْئَتُهُ ثُمَّ التَّقْتِ إِلَى النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ قَالَ أَمَا سَمِعْتَ مَا قَالَ هَذَا

ص: 451

1- . الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) ج 1 ص 55 باب احتجاج النبي ﷺ يوم الغدير على الخلق كلهم وفي غيره من الأيام بولاية علي بن أبي طالب (عليه السلام) و من بعده من ولده من الأئمة المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين ح 1

الرَّجُلُ قَالَ كَذَا وَكَذَا؟ فَقَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله) يَا عُمَرُ أَتَدْرِي مَنْ ذَلِكَ الرَّجُلُ؟ قَالَ لَا قَالَ ذَلِكَ الرُّوحُ الْأَمِينُ جَبْرِيْلُ (عليه السلام) فَإِيَّاكَ أَنْ تَحُلَّهُ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ فَاللَّهِ وَرَسُولُهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ مِنْكَ بَرَاءً

و از امام صادق (عليه السلام) روایت است که فرموده: وقتی پیامبر (صلي الله عليه و آله) این خطبه را بپایان رسانید در میان جماعت مردی خوش سیما و معطر ظاهر شده و گفت: بخدا سوگند هیچ وقت محمد (صلي الله عليه و آله) را مانند امروز ندیده بودم که تا این اندازه در معرفی پسر عمویش علی بن ابی طالب (عليه السلام) و برای تثبیت وصایت و ولایت او اصرار و تأکید و پافشاری نماید، و به راستی جز کافر به خدای عظیم و پیامبرش هیچ کس قادر به مخالفت با آن قرارداد نیست، غم و اندوه طولانی و بی پایان بر کسی که پیمانش بگسلد! امام صادق (عليه السلام) فرمود: عمر بن الخطاب از هیئت و طرز سخن آن شخص شگفت زده گشته و رو به رسول خدا (صلي الله عليه و آله) کرده گفت: آیا شنیدی آن مرد چه گفت؟ چنین و چنان گفت، پیامبر (صلي الله عليه و آله) فرمود: ای عمر! آیا فهمیدی او که بود؟ گفت: خیر، فرمود: او روح الامین جبرئیل (عليه السلام) بود، پس مبادا ولایت علی (عليه السلام) را نقض کنی که در این صورت خداوند و پیامبر و فرشتگان خدا و همه مؤمنان از تو بیزار شوند! (1) اعلام برتري علي بر ديگران

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعَابِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ زِيَادٍ مِنْ كِتَابَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ الْحَسَنِ الْجَرْمِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ حَمَّادٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ شَمْرٍ،

ص: 452

---

1- . الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) ج 1 ص 66 احتجاج النبي 0 يوم الغدير على الخلق كلهم وفي غيره من الأيام بولاية علي بن أبي طالب (عليه السلام) و من بعده من ولده من الأئمة المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين ح 2



عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (عليه السلام) عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله): إِنَّ جَبْرَيْلَ (عليه السلام) نَزَلَ عَلَيَّ وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَقُومَ بِتَفْضِيلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) خَطِيباً عَلَى أَصْحَابِكَ لِيُبَلِّغُوا مَنْ بَعَدَهُمْ ذَلِكَ عَدَّتْكَ، وَيَأْمُرُ جَمِيعَ الْمَلَائِكَةِ أَنْ تَسْمَعَ مَا تَذْكُرُهُ، وَاللَّهُ يُوحِي إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ أَنْ مَنْ خَالَفَكَ فِي أَمْرِهِ دَخَلَ النَّارَ، وَمَنْ أَطَاعَكَ فَلَهُ الْجَنَّةُ. فَأَمَرَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله) مُنَادِياً فَنَادَى بِالصَّلَاةِ جَامِعَةً، فَاجْتَمَعَ النَّاسُ وَخَرَجَ حَتَّى رَفِيَ الْمِنْبَرُ، وَكَانَ أَوَّلَ مَا تَكَلَّمَ بِهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، أَنَا الْبَشِيرُ، وَأَنَا النَّذِيرُ، وَأَنَا النَّبِيُّ الْأُمِّيُّ، إِنِّي مُبَلِّغُكُمْ عَنِ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) فِي أَمْرِ رَجُلٍ لَحْمُهُ مِنْ لَحْمِي، وَدَمُهُ مِنْ دَمِي، وَهُوَ عَيْبَةُ الْعِلْمِ، وَهُوَ الَّذِي انْتَحَبَهُ اللَّهُ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَاصْطَفَاهُ وَهَدَاهُ وَتَوَلَّاهُ، وَخَلَقَنِي وَإِيَّاهُ، وَفَضَّلَنِي بِالرِّسَالَةِ، وَفَضَّلَهُ بِالتَّبْلِيغِ عَنِّي، وَجَعَلَنِي مَدِينَةَ الْعِلْمِ وَجَعَلَهُ الْبَابَ، وَجَعَلَهُ خَازِنَ الْعِلْمِ وَ الْمُقْتَسَبَ مِنْهُ الْأَحْكَامُ، وَخَصَّهُ بِالْوَصِيَّةِ، وَأَبَانَ أَمْرَهُ، وَخَوَّفَ مِنْ عِدَاوَتِهِ، وَأَزْلَفَ مَنْ وَالَاهُ، وَغَفَرَ لِشَرِّعَتِهِ، وَأَمَرَ النَّاسَ جَمِيعاً بِطَاعَتِهِ. وَإِنَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) يَقُولُ:

مَنْ عَادَاهُ عَادَانِي، وَمَنْ وَالَاهُ وَالَانِي، وَمَنْ نَاصَبَهُ نَاصَبَنِي، وَمَنْ خَالَفَهُ خَالَفَنِي، وَمَنْ عَصَاهُ عَصَانِي، وَمَنْ آذَاهُ آذَانِي، وَمَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَنِي، وَمَنْ أَحَبَّهُ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَرَادَهُ أَرَادَانِي، وَمَنْ كَادَهُ كَادَانِي، وَمَنْ نَصَرَهُ نَصَرَنِي. يَا أَيُّهَا النَّاسُ، اسْمَعُوا مَا أَمَرُكُمْ بِهِ وَأَطِيعُوا، فَإِنِّي أَخَوْفُكُمْ عِقَابَ اللَّهِ (يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا) (وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ) ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ، وَالْمُجَاهِدُ لِلْكَافِرِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ بَلَغْتُ، وَهُمْ عِبَادُكَ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى صَدْلَاحِهِمْ فَأَصِّمْ لِحُجَّتِهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلكُمْ. ثُمَّ نَزَلَ عَنِ الْمُنْبَرِ فَأَتَاهُ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ) يُفْرِنُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: جَزَاكَ اللَّهُ عَنْ تَبْلِيغِكَ خَيْرًا، قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَأَرْضَيْتَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَرْغَمْتَ الْكَافِرِينَ، يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ ابْنَ عَمِّكَ مُبْتَلَى وَمُتَبَلَى بِهِ، يَا مُحَمَّدُ، قُلْ فِي كُلِّ أَوْقَاتِكَ " (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (و)

سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ )

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: به درستي که جبرئیل (عليه السلام) بر من فرود آمد و عرضه داشت: همانا خدا به تو فرمان مي دهد که بر تري علي بن ابيطالب (عليه السلام) را بر يارانت اعلام داري تا آنان نیز پس از خود اين سخن را از جانب تو به ديگران اعلام دارند و به تمامي فرشتگان نیز فرمان مي دهد که آنچه تو بيان مي داري را بشنود و اي محمد! خداوند به تو وحي مي کند که همانا هر که در امر پروردگار با تو به مخالفت برخيزد اهل دوزخ خواهد شد و هر که از تو پيروي کند بهشت از آن اوست. پيامبر (صلي الله عليه و آله) به منادي فرمان داد و او به نماز جماعت ندا در داد. پس مردم جمع شدند و پيامبر (صلي الله عليه و آله) از منزل خارج گشت و بر فراز منبر قرار گرفت و اولين سخني که بر زبان آورد اين بود: از شر شيطان رانده شده به خدا پناه مي برم. به نام خداوند بخشاينده مهربان. سپس فرمود: اي مردم! من بشارت دهنده و بيم دهنده و پيامبر امي هستم. به درستي که من از جانب خداوند عزتمند درباره ي مرد ي پيام آورده ام که گوشت او گوشت من و خون او خون ماست. او ظرف علم خداست و کسي است که خداوند او را از اين امت برگزيد و انتخاب کرد و هدايت نمود و ياريش داد. خداوند من و او را آفريد. مرا به پيامبري و او

را به تبلیغ و پیام‌رسانی از جانب من برتری بخشید. مرا شهر علم و او را در آن شهر قرار داد. و او را نگهبان دانش و کسی که احکام الهی از او دریافت می‌شود قرار داد. او را به جانشینی مخصوص گردانید و امرش را آشکار ساخت و هرکه با او دشمنی نمود ترساند و هرکه او را گرامی داشت به خود نزدیک گردانید و شیعیانش را آمرزید و تمامی مردم را به پیروی از او فرمان داد. و به درستی که خداوند عزوجل فرمودند: هرکه با او دشمنی کند با من دشمنی نمود و هرکه او را دوست بدارد مرا دوست داشته است. هرکه دشمنی خود را با او آشکار سازد، دشمنی اش را با من آشکار کرده و هرکه با او به مخالفت برخیزد با من مخالفت کرده است و هرکه از او سرپیچی کند از من سرپیچی نموده. هر که او را بیازارد مرا آزرده و هرکه کینه او را در دل داشته باشد کینه مرا در دل داشته است. هرکه او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هرکه او را خوار شمارد مرا خوار شمرده است و هرکه او را بازدارد مرا باز داشته و هرکه او را یاری کند مرا یاری کرده. ای مردم! آنچه به شما فرمان می‌دهم را بشنوید و از آن پیروی کنید. پس همانا من شمارا از کیفر خداوند برحذر می‌دارم روزی که هرکه کارهای نیک و بد خود را در برابر خود حاضر می‌بیند آروز می‌کند که ای کاش! میان او و کردار بدش فاصله فراوان بود (يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا) (1) (وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ) (2) آنگاه دست علی بن ابیطالب (علیه السلام) را در دست گرفت و فرمود: ای مردم! همانا علی (علیه السلام) مولای مومنان و حجت خدا بر تمامی آفریدگان و جهادکننده با کافران است. پروردگارا به درستی که من (آنچه را امر فرمودی) ابلاغ کردم و آنان بندگان تو هستند و تو برخیز آنان توانایی پس (امر) آنان را اصلاح فرما. به رحمت تو (چشم دوخته ایم) ای ارحم الراحمین! و من بر خود و شما از خداوند طلب بخشایش می‌نمایم. آنگاه از منبر پایین آمد. پس جبرئیل (علیه السلام) به نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و عرضه داشت: ای محمد! به درستی که

ص: 455

1- . آل عمران آیه 30

2- . آل عمران آیه 28

خدای عزوجل به تو سلام می رساند و می فرماید: خداوند به تو از این تبلیغ و رساندن امر الهی پاداش نیکو عطا فرماید. به درستی که رسالت پروردگارت را ابلاغ کرده و برای امت خیر خواهی نمودی و مومنان را خوشنود گردانیدی و پوزه ی کافران را به خاک مالیدی. ای محمد! همانا پسر عمویت مورد امتحان الهی قرار می گیرد و مردمان نیز به واسطه او مورد امتحان قرار می گیرند. ای محمد! در تمامی زمان ها و لحظه ها بگو: (الْحَمْدُ

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (1) ستایش از آن خداوندی است که پروردگار جهانیان است (وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ) (2) و به زودی ستمکاران خواهند دانست به چه جایگاهی باز می گردند. (3)

أَقُولُ رَوَى الْبُرَيْدِيُّ فِي مَشَارِقِ الْأَنْوَارِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَالَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ أَنِّي مَقْبُوضٌ وَأَنَّ ابْنَ عَمِّي هُوَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَلِيُّ اللَّهِ وَخَلِيفَتِي وَ الْمُبْلَغُ عَنِّي وَهُوَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَيَعْسُوبُ الدِّينِ إِنْ اسْتَرَسَدْتُ مَوَهُ أَرَشِدُكُمْ وَإِنْ تَبِعْتُمُوهُ نَجُوتُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُ فَاللَّهُ أَطَعْتُمْ وَإِنْ عَصَيْتُمُوهُ فَاللَّهُ عَصَيْتُمْ وَإِنْ بَايَعْتُمُوهُ فَاللَّهُ بَايَعْتُمْ وَإِنْ نَكَثْتُمْ بَيْعَتَهُ فَبَيْعَةَ اللَّهِ نَكَثْتُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ عَلَيَّ الْقُرْآنَ وَعَلَيَّ سَفِيرُهُ فَمَنْ خَالَفَ الْقُرْآنَ ضَلَّ وَمَنْ تَبَعَ غَيْرَ عَلَيَّ ذَلَّ مَعَاشِرَ النَّاسِ أَلَا إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي خَاصَّتِي وَقَرَابَتِي وَأَوْلَا دِي وَذُرِّيَّتِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَوَدِيعَتِي وَإِنِّكُمْ مَجْمُوعُونَ غَدًا وَمَسْئُولُونَ عَنِ الثَّقَلَيْنِ فَأَنْظِرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمْ فَمَنْ آذَاهُمْ فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ ظَلَمَهُمْ فَقَدْ ظَلَمَنِي وَمَنْ نَصَرَهُمْ فَقَدْ نَصَرَنِي وَمَنْ أَعَزَّهُمْ فَقَدْ أَعَزَّنِي وَ

مَنْ طَلَبَ الْهُدَى مِنْ غَيْرِهِمْ فَقَدْ كَذَّبَنِي فَاتَّقُوا اللَّهَ وَانظُرُوا مَا أَنْتُمْ

فَاتِلُونَ غَدًا فَإِنِّي خَصْمٌ لِمَنْ كَانَ خَصْمَهُمْ وَمَنْ كُنْتُ خَصْمَهُ فَأَلْوِيلُ لَهُ

ص: 456

1- . الصّافات آية 182

2- . الشعراء آية 227

3- . الأماي (للطوسي) المجلس 4 ح 39

بُرسی در مشارق الانوار از ابن عباس نقل کرده که حضرت رسول (صلي الله عليه و آله) در ضمن يك سخنرانی فرمودند: مردم خداوند به من خبر داده که فوت خواهم شد پسر عمویم که برادر من است وصی و ولی الله است و جانشین من که از طرف من تبلیغ می کند امام متقین و پیشوای سفید چهرگان و یعسوب دین است اگر او را راهنمای خود قرار دهید به مقصود می رسید و اگر پیرو او گردید نجات می یابید اطاعت او اطاعت خداست و مخالفت او مخالفت خدا، بیعت با او بیعت با خداست و پیمان شکستن با او پیمان شکنی با خدا است. خداوند قرآن را بر من نازل کرده علی (علیه السلام) سفیر قرآن است هر که مخالف قرآن باشد گمراه است و هر که غیر علی (علیه السلام) را پیروی کند خوار است. مردم! اهل بیت من مورد توجه من و خویشاوندان و اولاد و ذریه و پاره ی تن و خون و امانت من هستند شما فردا جمع خواهید شد و از دو امانت گران بازخواست می شوید. متوجه باشید چگونه رفتار خواهید کرد با آن دو هر که آنها را بیازارد مرا آزرد و ظالم آنها ظالم من است ناصر ایشان ناصر من هر که آنها را احترام کند مرا احترام نموده کسی که از غیر آنها هدایت بجوید مرا تکذیب نموده از خدا بترسید و متوجه باشید که فردا چه خواهید گفت: من دشمن کسی هستم که دشمن آنها باشد و هر که من دشمن او باشم وای بر او است. (1)

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَبِيظِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لِلنَّاسِ أَغْفَلُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) فِي عَلِيِّ فِي يَوْمِ غَدِيرِ حُمٍّ كَمَا أَغْفَلُوا قَوْلَهُ يَوْمَ مَسَّةٍ رَبِّةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ أَتَى النَّاسُ يَعُودُونَهُ فَجَاءَ عَلِيٌّ (علیه السلام) لِيَدْنُو مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) فَلَمْ يَجِدْ مَكَانًا فَلَمَّا رَأَى رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله)

أَنَّهُمْ لَا يُفْرِجُونَ لِعَلِيِّ قَالَ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ هَذَا أَهْلُ بَيْتِي تَسْتَخِفُّونَ بِهِمْ وَأَنَا حَيٌّ بَيْنَ ظَهْرَانِكُمْ أَمَا وَاللَّهِ لَئِنُ غَبْتُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغِيبُ عَنْكُمْ إِنَّ الرُّوحَ وَ الرَّاحَةَ وَ الرِّضْوَانَ وَ البُشْرَى وَ الحُبَّ وَ المَحَبَّةَ

ص: 457

1- [1] مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام ص 80 فصل [أثر حب علي و أثر بغضه عليه السلام]

لِمَنْ أَنْتُمْ بَعَلِيٌّ وَتَوْلَاهُ وَسَلَّمَ لَهُ وَ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ حَقٌّ عَلَيَّ أَنْ أُدْخِلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي لِأَنَّهُمْ أَتَّبَعِي (فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي) مَثَلُ جَرَى فِي إِبْرَاهِيمَ لِأَنِّي مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَإِبْرَاهِيمُ مِنِّي وَ دِينِي دِينُهُ وَ سُنَّتِي سُنَّتُهُ وَ فَضْلُهُ فَضْلِي وَ أَنَا أَفْضَلُ مِنْهُ وَ فَضْلِي لَهُ فَضْلٌ تَصَدِّقُ قَوْلَ رَبِّي (ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) وَ كَانَ

رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) قَدْ أَثْبَتَ رَجُلَهُ فِي مَسْرُوبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ حِينَ عَادَهُ النَّاسُ. صدوق: در کتاب فضائل الشیعه به اسناد خود از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرد که فرمود: مردم خود را به غفلت زدند از فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره علی (علیه السلام) روز غدیر خم چنانچه غافل شدند از فرمایش آن جناب در روز مشربه ام ابراهیم. مردم به عیادت آن جناب آمدند علی (علیه السلام) آمد تا نزدیک پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شود جا نیافت وقتی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) مشاهده کرد که جا برای علی (علیه السلام) باز نمی کنند فرمود: مردم! اینها اهل بیت من هستند احترام آنها را نمی دارید در صورتی که هنوز زنده هستیم. بدانید اگر من از میان شما بروم خدا هست روح و راحت و خشنودی و بشارت و دوستی و محبت اختصاص به پیرو و دوست دار و مطیع علی (علیه السلام) و اوصیاء بعد از او دارد بر من لازم است که آنها را مشمول شفاعت خود کنم چون پیرو منند و هر که پیرو من شد از خودم محسوب می شود مانند پیروان ابراهیم (علیه السلام) چون من از ابراهیم (علیه السلام) هستم و ابراهیم (علیه السلام) از من، دین من دین او و سنت من او و فضل او فضل من است ولی من از او افضل هستم و فضل من فضل او است اینک سخن مرا تصدیق می کند آیه قرآن که می فرماید (ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ). (1)

ص: 458

چرا امیرالمومنین قیام نمودند تفسیر العیاشی عن سلیمان بن خالد قال: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَوْلَ النَّاسِ لِعَلِيِّ (عليه السلام) إِنَّ كَانَ لَهُ حَقٌّ فَمَا مَنَعَهُ أَنْ يَقُومَ بِهِ قَالَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُكَلِّفْ هَذَا إِلَّا إِنْسَانًا وَاحِدًا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَ (فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ) (1) فَلَيْسَ هَذَا إِلَّا لِلرَّسُولِ وَقَالَ لِغَيْرِهِ (إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَى فِدَاءٍ) (2) فَلَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ فِتْنَةٌ يُعِينُونَهُ عَلَى أَمْرِهِ

امام صادق (عليه السلام) سليمان بن خالد گوید: به امام صادق (عليه السلام) عرضه داشتم: مردم درباره ی علی (عليه السلام) می گویند: اگر او حق داشت، چه چیز مانع از آن شد که حَقِّش را نگیرد؟ فرمود: خداوند تنها به یک نفر چنین مسئولیتی داد و او رسول خدا (صلي الله عليه وآله) بود. (فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ) و این امر تنها در مورد رسول خدا (صلي الله عليه وآله) می باشد و در مورد دیگران خداوند فرمود: (إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَى فِدَاءٍ) جز آن ها که برای سازوبرگ نبرد باز می گردند یا آن ها که به یاری گروهی دیگر می روند. در آن زمان گروهی نبود که او را در این امر یاری کند. (3)

يَا أَخِي إِنَّكَ لَسْتَ كَمِثْلِي إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَصْدَعَ بِالْحَقِّ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ يَعْصِي مُنِي مِنَ النَّاسِ وَ أَمَرَنِي أَنْ أُجَاهِدَ وَ لَوْ بِنَفْسِي فَقَالَ جَاهِدْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ (4) وَ قَالَ (حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ) (5) [فَكُنْتُ أَنَا وَ أَنْتَ الْمُجَاهِدِينَ] وَ قَدْ مَكَثْتُ بِمَكَّةَ مَا مَكَثْتُ لَمْ أَوْمَرْ بِقِتَالٍ ثُمَّ أَمَرَنِي اللَّهُ بِالْقِتَالِ لِأَنَّكَ لَا يُعْرِفُ الدِّينَ إِلَّا بِي وَ لَا الشَّرَائِعَ وَ لَا السُّنَنَ وَ الْأَحْكَامَ وَ الْحُدُودَ وَ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ إِنَّ النَّاسَ يَدْعُونَ بَعْدِي مَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَ مَا أَمَرْتُهُمْ فِيكَ

ص: 459

1- . النساء آية 84

2- . الانفال آية 16

3- . تفسیر العیاشی ج 1 ص 261 [سورة النساء(4): آية 84] ..... ح 211

4- . النساء آية 84

5- . الانفال آية 65

مِنْ وَلَايَتِكَ وَمَا أَظْهَرْتُ مِنْ حُجَّتِكَ مُتَعَمِّدِينَ غَيْرَ جَاهِلِينَ [وَلَا اسْتَبَهَ عَلَيْهِمْ فِيهِ وَلَا سِيَّمَا لَمَّا أَتَوَكَ قَبْلَ] مُحَالَفَةً مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ فَإِنْ وَجَدْتَ أَعْوَانًا عَلَيْهِمْ فَجَاهِدْهُمْ وَإِنْ لَمْ تَجِدْ أَعْوَانًا فَارْكُفْ يَدَكَ وَاحْتِنُ دَمَكَ

پیامبر (صلی الله علیه و آله) خطاب به امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: برادرم، تو مثل من نیستی از این جهت که خداوند به من دستور داده حق را آشکارا بیان کنم و به من خبر داده که مرا از شر مردم حفظ می کند، و به من دستور داده که جهاد کنم اگر چه فقط خودم باشم، آنجا که می فرماید: (فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، لَا تَكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ) در راه خدا جهاد کن که مکلف جز خودت نیستی و فرموده: (حَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ) مؤمنین را بر جنگ ترغیب کن من و تو (ای علی) دو مجاهد بودیم. آن مدت که در مکه ماندم مأمور به جنگ نشدم، و سپس خداوند مرا به جنگ مأمور نمود، چرا که دین و شرایع و سنتها و احکام و حدود و حلال و حرام جز با من شناخته نمی شوند. مردم بعد از من رها می کنند آنچه خداوند به آنان دستور داده و آنچه من در باره تو به ولایت دستور داده ام و حجت تو را ظاهر ساخته ام، و این کار را عمدا و بدون آنکه جاهل باشند و نه اینکه در این مورد بر آنان مشتبه شده باشد انجام می دهند، بخصوص بخاطر آن رفتارهایی که از قبل بعنوان مخالفت با خداوند انجام داده اند. پس اگر یارانی بر علیه آنان یافتی با آنان جهاد کن و اگر یارانی نیافتی دست نگه دار و خون خود را حفظ نما، چرا که اگر با دشمنی با آنان مقابله کنی و از آنان جدا شوی تو را می کشند. و اگر تابع تو شدند و اطاعت تو را کردند آنان را به حق وادار کن و گر نه رها کن. و اگر ترا اجابت کردند و دشمنانت با تو اعلان جنگ دادند، تو نیز با آنان اعلام جنگ نما و با آنان جهاد کن، و اگر یارانی نیافتی دست نگهدار و خون خود را حفظ کن. و بدان که اگر آنان را دعوت کنی تو را اجابت نمی کنند، ولی این را ترک مکن که حجت را بر آنان تمام کنی. (1)

ص: 460



عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا مَنَعَ عَلِيًّا إِنْ كَانَ لَهُ حَقٌّ أَنْ يَقُومَ بِحَقِّهِ؟. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُكَلِّفْ هَذَا أَحَدًا إِلَّا نَبِيَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، قَالَ لَهُ: (فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ) (1) وَقَالَ لِغَيْرِهِ: (إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَى فِتْنَةٍ) (2) فَعَلَيْ لَمْ يَجِدْ فِتْنَةً، وَلَوْ وَجَدَ فِتْنَةً لَقَاتَلَ، ثُمَّ قَالَ: لَوْ كَانَ جَعْفَرٌ وَحَمْرَةُ حَيِّينَ، إِنَّمَا بَقِيَ رَجُلَانِ

زيد شحام: به امام کاظم (علیه السلام) عرضه داشتیم: فدایت شوم: آن ها (مردم) می گفتند: اگر حق با علی (علیه السلام) بود، چه چیزی او را از اینکه بایستد و حقش (امامت) را بگیرد، منع می کرد فرمود: خداوند به هیچ کس تکلیف نکرده و واجب نکرده که (برای گرفتن حقش) آغازگر جهاد باشد مگر شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) که به او فرمود: (فقاتل)

فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ) و حکم برای بقیه این است که در صورتی جواز جنگ دارید که گروهی با شما همراهی کنند که جز آن ها که برای سازوبرگ نبرد باز می گردند یا آن ها که به یاری گروهی دیگر می روند. و علی (علیه السلام) گروهی که با او همراهی کنند را پیدا نکرده بود که اگر پیدا می کرد حتماً به جهاد بر می خواست..... (3)

ص: 461

1- . النساء آية 84

2- . الانفال آية 16

3- . تفسير العياشي ج 2 ص 51 [سورة الأنفال(8): الآيات 15 الى 16] ح 31



خداوند به من امر کرده که علی را دوست بدارم

جَابِرٌ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله): أَتَانِي جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُحِبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) وَأَنْ تَأْمُرَ بِحُبِّهِ وَوَلَايَتِهِ فَإِنِّي مُعْطٍ أَحِبَّاءَ عَلِيٍّ (عليه السلام) الْجَنَّةَ خُلْدًا بِحُبِّهِمْ إِيَّاهُ، وَ مُدْخِلُ أَعْدَائِهِ وَ النَّارِ كِينَ وَ لَا يَتَهُ النَّارَ جَزَاءً بَعْدَ وَتِهِمْ إِيَّاهُ وَ تَرْكِهِمْ وَ لَا يَتَهُ.

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمود: جبرئیل (عليه السلام) نزد من آمد و عرضه داشت: خداوند متعال به تو فرمان می دهد که علی (عليه السلام) را دوست بداري و به محبت و لایت او امر نمایی به درستی که به دوستداران علی (عليه السلام) بخاطر محبتشان به او بهشت جاودانه می بخشم، و دشمنان او و روي گردانان از ولایتش را بخاطر دشمنی و ترک ولایت او مخلد در آتش کنم. (1)

جَابِرٌ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) إِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِحُبِّ عَلِيٍّ (عليه السلام) فَأَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ وَ أُبْغِضُ مَنْ أُبْغِضَهُ، اللَّهُمَّ! إِنَّكَ أَمَرْتَنِي أَنْ أُوَاخِي عَلِيًّا (عليه السلام) فَأَخِيئُهُ، فَنِعْمَ الْأَخُ وَ جَدْتُهُ، اللَّهُمَّ! إِنَّكَ جَعَلْتَهُ وَزِيرِي، فَنِعْمَ الْوَزِيرُ وَ جَدْتُهُ، اللَّهُمَّ! إِنَّكَ جَعَلْتَهُ الْهَادِيَ مَعِي فِي طِينَتِي، فَنِعْمَ الْهَادِيَ وَ الْمُتَّبِعُ، اللَّهُمَّ! إِنَّكَ جَعَلْتَهُ الْقَائِدَ وَ الدَّاعِيَ إِلَى الْجَنَّةِ مِنْ صَدَقَهُ وَ اتَّبَعَ أَمْرَهُ، اللَّهُمَّ! أَنْتَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى مَنْ عَصَاهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ، اللَّهُمَّ! إِنِّي قَدْ بَلَّغْتُ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ بَيْنِهِ، اللَّهُمَّ! إِنِّي لَمْ أَقُلْ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ، اللَّهُمَّ! فَمَنْ صَدَّقَنِي فِيمَا قُلْتُ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ اتَّبَعَنِي عَلَيْهِ فَهُوَ مِنِّي، اللَّهُمَّ! وَ مَنْ كَذَّبَ بِمَا قُلْتُ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ تَرَكَ أَمْرِي فِيهِ، فَلَيْسَ هُوَ مِنِّي.

ص: 463

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) فرمودند: خداوندا مرا به محبت علي(عليه السلام) امر فرمودي، پس دوست مي دارم هر كه علي(عليه السلام) را دوست بدارد و دشمن مي دارم هر كه علي(عليه السلام) را دشمن بدارد، خداوندا مرا به برادري با علي(عليه السلام) امر فرمودي و من او را به برادري برگزيدم و او را بهترين برادر يافتم، خدايا او را وزير من قرار دادي و من او را بهترين وزير يافتم، خدايا او را هدايت كننده از طينت خود يافتم و چه نيكو هدايت گرو تبعيت كننده اي(متبع)، خداوندا او را قائد و امام و دعوت كننده به سوي بهشت قرار دادي براي كساني كه او را تصديق کرده و از او تبعيت كنند، خدايا او را حجت بر مخالفانش قرار دادي، خدايا من پيامي را كه به من امر فرمودي، درباره ي علي(عليه السلام) و فرزندانش رساندم، و درباره ي علي(عليه السلام) جز آنچه تو امر فرمودي نمي گويم، خداوندا هر كه در آنچه درباره ي علي(عليه السلام) گفتم مرا تبعيت كند مرا تصديق کرده و از منست و هر كه تكذيب كند آنچه را درباره ي علي(عليه السلام) گفتم از من نيست. (1)

خداوند دوستي علي را بر آفريدگان واجب فرمود

وَعَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ نُعَيْمِ بْنِ سَهْلِ بْنِ أَبَانَ التُّعَيْمِيُّ الطَّائِفِيُّ، وَكَانَ مُجَاوِرًا بِمَكَّةَ، قَالَ حَدَّثَنَا عُقْبَةُ بْنُ الْمُنْهَالِ بْنِ بَحْرِ أَبُو زِيَادٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْأَشْجَمِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْمُتَمَجِّعُ بْنُ مُصْعَبِ بْنِ تَوْبَةَ بْنِ ثُبَيْتِ الْمُزَنِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ. قَالَ وَحَدَّثَنَا عُقْبَةُ بْنُ الْمُنْهَالِ بْنِ بَحْرِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حُمَيْدِ بْنِ الْبَنَاءِ، قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرٍ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

ص: 464

1- .الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث) ص217 [أخبار حميد بن شعيب عن جابر الجعفي] ح13

جَاءَنِي جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بِوَرَقَةٍ آسٍ خَضْرَاءَ مَكْتُوبٍ فِيهَا بَيَاضٌ إِنِّي افْتَرَضْتُ مَحَبَّةَ عَلِيِّ (عليه السلام) عَلَيَّ خَلْقِي، فَبَلَّغَهُمْ ذَلِكَ عَنِّي.

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: جبرئیل (عليه السلام) از جانب خداوند برگي از ريحان سبز براي من آورد که در آن به رنگ سپيد نوشته بود، من دوستي علي (عليه السلام) را بر آفريدگانم واجب کردم، اين را از سوي من به آنان برسان. (1)

محبت علي در محبوبترين جاگاه ها

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلَوَيْهِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْعَدَةَ، قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي مَسْعَدَةُ بْنُ صَدَقَةَ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: وَاللَّهِ لَا يَهْلِكُ هَالِكٌ عَلَى حُبِّ عَلِيِّ (عليه السلام) إِلَّا رَأَاهُ فِي أَحَبِّ الْمَوَاطِنِ إِلَيْهِ، وَاللَّهِ لَا يَهْلِكُ هَالِكٌ عَلَى بُغْضِ عَلِيِّ (عليه السلام) إِلَّا رَأَاهُ فِي أَبْغَضِ الْمَوَاطِنِ إِلَيْهِ.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: به خدا سوگند از بين رونده اي بر محبت علي (عليه السلام) از بين نمي رود مگر آن که آن محبت را در محبوبترين جاگاه ها مشاهده مي کند و به خدا سوگند هلاک شونده اي بر کينه ي علي (عليه السلام) هلاک نمي شود مگر آنکه (اثر) آن کينه را در ناپسندترين جاگاه ها مشاهده مي کند. (2)

ص: 465

---

1- . الأماي (للطوسي) النص 619 مجلس 29 مجلس يوم الجمعة الحادي والعشرين من شهر ربيع الآخر سنة سبع و خمسين و

أربعمائة ح 14

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 6 ح 25

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعَابِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ مُوسَى بْنُ يُونُسَ بْنِ رَاشِدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَكِيمٍ الْأَوْدِيُّ، قَالَ أَخْبَرَنَا عَمْرُو بْنُ ثَابِتٍ، عَنْ فَضْلِ بْنِ غَزْوَانَ، عَنِ الشَّعْبِيِّ، عَنِ الْحَارِثِ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

قَالَ: مَنْ أَحَبَّنِي رَأَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَيْثُ يُحِبُّ، وَ مَنْ أَبْغَضَنِي رَأَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَيْثُ يَكْرَهُ.

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: هر که مرا دوست بدارد در قیامت مرا آنچنان ببیند که دوست دارد و هر که مرا دشمن دارد در قیامت مرا آنچنان ببیند که ناخوش دارد. (1)

دوست تو دوست من باشد

أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَحَّامُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ الْمَنْصُورِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ أَبِي مُوسَى عَيْسَى بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى بْنِ الْمَنْصُورِ، قَالَ: كُنْتُ خَدْمًا لِلْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) وَ كَانَ يَرَوِي عَنْهُ كَثِيرًا، مِنْ ذَلِكَ أَنَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي مُوسَى، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي جَعْفَرُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنِ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ

ص: 466

اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) لِي وَإِلَّا صَمَمْتُ: يَا عَلِيُّ (عليه السلام)، مُحِبُّكَ مُحِبِّي، وَ مُبْغِضُكَ مُبْغِضِي.

پیامبر (صلي الله عليه وآله): اي علي! دوستدار تو دوستدار من است و دشمن تو دشمن من. (1)

وَمِنَ الْمَنَاقِبِ أَيْضًا قَالَ رَجُلٌ لِسَلْمَانَ مَا أَشَدَّ حُبَّكَ لِعَلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) يَقُولُ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي

مردی سوال کرد از سلمان را که چرا علي (عليه السلام) را بسيار دوست مي داری؟ سلمان گفت: من از پیغمبر (صلي الله عليه وآله) شنيدم که: مي فرمود هر که علي (عليه السلام) را دوست دارد مرا دوست داشته و هر که او را دشمن دارد مرا دشمن داشته. (2)

دوستي با علي دوستي با خداست

أَخْبَرَنَا الْحَفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ الْجَعَابِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْكَاتِبِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْأُودِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ حُسَيْنِ بْنِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَعْلَى، عَنْ عُمَيْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي هَاشِمِ الرَّمَانِيِّ، عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ، عَنْ زَادَانَ، قَالَ: قَالَ لِي سَلْمَانُ: يَا زَادَانَ، أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام)، فَإِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) صَرَ رَبَّ فَخِذَهُ، وَقَالَ: مُحِبُّكَ مُحِبِّي وَ مُبْغِضُكَ مُبْغِضِي وَ مُبْغِضُكَ مُبْغِضُ اللَّهِ

زادان مي گوید: سلمان به من گفت: اي زادان! علي (عليه السلام) را دوست بدار، پس همانا من مشاهده کردم که رسول خدا (صلي الله عليه وآله) بر روي پاي علي (عليه السلام) زد و فرمود: دوستدار تو دوستدار منست و دوستدار من دوستدار خداست و دشمنت دشمن من و دشمن من دشمن خدای والاست. (3)

ص: 467

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 10 ح 68

2- . نهج الحق و كشف الصدق ص 259 المطلب الثالث في محبته ح 5

3- . الأماي للطوسي ص 352 [12] المجلس الثاني عشر ح 68

أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ خَالِدٍ الْمَرَاغِي، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ، قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ زِيَادٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ يَعْلَى، عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْوَاسِطِيِّ، عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْحَوْلَانِيِّ، عَنْ زَادَانَ، قَالَ سَمِعْتُ سَلْمَانَ يَقُولُ: لَا أَزَالُ أُحِبُّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَإِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَصْرَبُ فَنَحْدَهُ وَيَقُولُ: مُجِبُّكَ لِي مُجِبٌّ، وَ مُجِبِّي لِلَّهِ مُجِبٌّ، وَ مُبْغِضُكَ لِي مُبْغِضٌ، وَ مُبْغِضِي لِلَّهِ (تَعَالَى) مُبْغِضٌ.

زادان مي گوید: شنیدم که سلمان پیوسته مي گفت: پیوسته علي (عليه السلام) را دوست مي دارم. به درستي که ديدم رسول خدا (صلي الله عليه و آله) بر روي پاي علي (عليه السلام) مي زد و مي فرمود: دوستدار تو دوستدار من و دوستدار من دوستدار خداوند است و دشمن تو دشمن من و دشمن من دشمن خداوند است. (1)

جَعْفَرُ، عَنْ حُمَيْدِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَ مَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ اللَّهُمَّ! مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَأَحَبَّهُ وَ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَأَبْغَضَهُ اللَّهُمَّ! إِنِّي أُحِبُّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَأُحِبُّهُ

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: هرکه علي (عليه السلام) را دوست بدارد مرا دوست داشته و هرکه مرا دوست بدارد خدا را دوست مي دارد و هرکه علي (عليه السلام) را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و هرکه مرا دشمن بدارد خدا را دشمن داشته، بار خدایا هرکه علي (عليه السلام) را دوست دارد،

دوست بدار و هرکه علي (عليه السلام) را دشمن مي داند، دشمن بدار، بار خدایا

من علي (عليه السلام) را دوست دارم تو نیز دوستش بدار. (2)

ص: 468

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 5 ح 26

2- . الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث) ص 214 باب أخبار حميد بن شعيب عن جابر الجعفي ح 2



أَبُو الْعَبَّاسِ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عُثْبَةَ الْكِنْدِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا بَكَّارُ بْنُ بَشِيرٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْقَاسِمِ أَبُو الْحَسَنِ الْكِنْدِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، عَنْ أَبِيهِ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: أَوْصِي مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي بِالْوَلَايَةِ لِعَلِّيٍّ (عَلِيهِ السَّلَام) فَإِنَّهُ مِنْ تَوَلَّاهُ تَوَلَّانِي، وَمَنْ تَوَلَّانِي تَوَلَّى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّهُ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَنِي، وَمَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ).

عمار ياسر مي گويد: شنيدم كه رسول خدا (صلي الله عليه و آله) مي فرمود: هر آن كه به من ايمان آورده و سخن مرا راست بر شمرد، به ولايت علي (عليه السلام) سفارش مي كنم. پس به درستي هر كه ولايت او را بپذيرد و هر كه او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر كه مرا دوست بدارد خداوند را دوست داشته است و هر كه او را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته و هر كه مرا دشمن بدارد خدا را دشمن داشته است.

(1) قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): ... وَلِيُّ عَلِيٍّ (عَلِيهِ السَّلَام) وَلِيُّ اللَّهِ وَعَدُوُّ عَلِيٍّ (عَلِيهِ السَّلَام) عَدُوُّ اللَّهِ

رسول خدا (صلي الله عليه و آله): دوست علي (عليه السلام) دوست خدا و دشمن او دشمن خداست. (2)

ص: 469

---

1- . الأُمالي (للطوسي) النص 248 [9] المجلس التاسع ح 29

2- . الأُمالي للصدوق ص 89 المجلس العشرون ح 1.

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فُرَاتِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ الرَّمْلِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ الْمُرُوزِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ مَنْصُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ كُنَّا بِمِنَى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ إِذْ بَصُرْنَا بِرَجُلٍ سَاجِدٍ وَرَاكِعٍ وَمُتَّصِرٍ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) مَا أَحْسَنَ صَلَاتَهُ فَقَالَ هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ أَبَاكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ فَمَضَى إِلَيْهِ عَلِيُّ (عليه السلام) غَيْرَ مُكْتَرِبٍ فَهَزَّةً هَزَّةً أَدْخَلَ أَضْلَاعَهُ الْيَمْنَى فِي الْيُسْرَى وَ الْيُسْرَى فِي الْيَمْنَى ثُمَّ قَالَ

لَأَقْتُلَنَّكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَقَالَ لَنْ تُقْدِرَ عَلَيَّ ذَلِكَ إِلَى أَجَلٍ مَعْلُومٍ مِنْ عِنْدِ رَبِّي مَا لَكَ تُرِيدُ قَتْلِي فَوَ اللَّهُ مَا أَبْغَضَكَ أَحَدٌ إِلَّا سَبَقَتْ نُظْفَتِي إِلَى رَحِمِ أُمِّهِ قَبْلَ نُظْفَةِ أَبِيهِ وَلَقَدْ سَأَرَكْتُ مُبْغِضِيكَ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ (وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ) قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله) صَدَقَ يَا عَلِيُّ لَا يُبْغِضُكَ مِنْ قُرَيْشٍ إِلَّا سَفَاحِيٌّ وَلَا مِنْ الْأَنْصَارِ إِلَّا يَهُودِيٌّ وَلَا مِنَ الْعَرَبِ إِلَّا دَعِيٌّ وَلَا مِنْ سَائِرِ النَّاسِ إِلَّا شَقِيٌّ وَلَا مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا سَلْفَلَقِيَّةٌ وَ هِيَ الَّتِي تَحِيضُ مِنْ دُبْرِهَا ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ مَعَاشِرَ الْأَنْصَارِ اعْرِضُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَيَّ مَحَبَّةً عَلِيٍّ (عليه السلام) فَإِنْ أَجَابُوا فَهُمْ مِنْكُمْ وَإِنْ أَبَوْا فَلَيْسُوا مِنْكُمْ قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَكُنَّا نَعْرِضُ حُبَّ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَلَى أَوْلَادِنَا فَمَنْ

أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) عَلِمْنَا أَنَّهُ مِنْ أَوْلَادِنَا وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (عليه السلام) انْتَفَيْنَا مِنْهُ

جابر بن عبد الله انصاری، وی می گوید: ما در معیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در منی بودیم، مردی را دیدیم که سجود و رکوع می کند و تضرع دارد، عرض کردیم: ای رسول خدا چقدر نیکو نماز می خواند!! حضرت فرمود: این مرد همان است که پدر شما را از بهشت اخراج نمود، علی (علیه السلام) بدون پروا به طرفش رفته پس او را تکان داد به طوری که دنده های راستش در چپ و دنده های چپش در راست او فرو رفت، سپس حضرت به او فرمود: اگر خدا بخواهد تو را خواهم کشت. شیطان گفت: تا زمان معهود که پروردگارم معین نموده تو بر این کار قادر نیستی، چرا مرا می خواهی بکشی به خدا سوگند احدی تو را دشمن ندارد مگر آن که نطفه من زودتر از نطفه پدرش در رحم مادرش قرار گرفته من در اموال و اولاد دشمنان تو شرکت دارم چنانچه خداوند عز و جل در کتاب محکمش می فرماید: (و شارکهم فی الأموال و الأولاد) (1)

در اموال و اولاد ایشان شریک شو. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: یا علی! او راست می گوید بغض تو را ندارد احدی از قریش مگر حرام زاده و نه از انصار مگر یهودی و نه از عرب مگر متهم در نسب و نه از سائر مردم مگر شقی و نه از زنان مگر آنان که از پشت حائض می شوند، سپس ساکت شدند و پس از لحظاتی سر بلند کرده و فرمودند: ای گروه انصار فرزندانمان را بر محبت علی (علیه السلام) عرضه بدارید، اگر جواب دادند، آنها از شما بوده و اگر انکار و امتناع نمودند از شما نیستند. جابر بن عبد الله می گوید: ما محبت علی (علیه السلام) را بر فرزندانمان عرضه می داشتیم، هر که او را دوست می داشت می دانستیم اولاد خودمان بوده و آن که بغض آن حضرت را در دل می داشت خود را از او سلب می کردیم و می گفتیم از ما نیست. (2)

ص: 471

1- . الاسراء آية 64

2- . علل الشرائع ج 1 ص 142 باب 120 باب في أن علة محبة أهل البيت ع طيب الولادة و أن علة بغضهم خبث الولادة ح 7

حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُمَا اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْكُوفِيُّ وَ أَبُو يُوسُفَ يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ الْأَنْبَارِيُّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْغِفَارِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوَّلِ النَّعْمِ قِيلَ وَ مَا أَوَّلُ النَّعْمِ قَالَ طَيْبُ الْوَلَادَةِ وَ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مُؤْمِنٌ طَابَتْ وَ لَادَتُهُ

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: کسی که اهل بيت را دوست بدارد بايد بر اولين و شايسته ترين نعمت ها خدا را حمد و ستايش کند. محضر مبارکش عرض شد: اولين و شايسته ترين نعمت ها چيست؟ حضرت فرمودند: پاکی ولادت، و ما را دوست ندارد مگر مؤمنی که ولادتش پاک باشد. (1) حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ نَازِةَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي زِيَادٍ الْهَنْدِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ أَبِيهِ عَمْرِو بْنِ أَبِي عَمْرِو بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) يَا عَلِيُّ مَنْ أَحَبَّنِي وَ أَحَبَّكَ وَ أَحَبَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى طَيْبِ مَوْلِدِهِ فَإِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مُؤْمِنٌ طَابَتْ وَ لَادَتُهُ وَ لَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ خَبَّتْ وَ لَادَتُهُ

امير المؤمنين علی بن ابی طالب (عليه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: يا علی! کسی که من و تو و ائمه ای که از فرزندان تو هستند را دوست بدارد بايد بر

پاکی ولادتش خدا را حمد و شکر کند، چه آن که ما را دوست ندارد مگر مؤمنی که ولادتش پاک باشد و دشمنی ندارد ما را مگر کسی که ولادتش ناپاک است. (1)

محبت اهل بیت ایمنی از عذاب

وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَشَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

به اسناد سابق فرمود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که ما اهل بیت (علیهم السلام) را دوست دارد حقتعالی در روز قیامت او را محشور کند در حالتی که ایمن باشد از عذاب. (2) آثار محبت علی

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ خَالِدٍ الْمَرَاغِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ صَالِحِ السَّيِّعِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ بْنِ صَالِحِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي مُقَاتِلِ الْبِرَّازِ، قَالَ حَدَّثَنِي عُمَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْكُوفِيُّ الْخَزَّازُ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعُرَيْبِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ تَغْلِبٍ، عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْأَنْصَارِيِّ، عَنِ الْحَارِثِ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَالَ: مَا جَاءَ بِكَ قَالَ: فَقُلْتُ: حُبِّي لَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

ص: 473

1- . علل الشرائع ج 1 ص 141 باب 120 باب في أن علة محبة أهل البيت ع طيب الولادة و أن علة بغضهم خبث الولادة ح 3

2- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 58 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 220

فَقَالَ: يَا حَارِثُ أَتُحِبُّنِي فَقُلْتُ: نَعَمْ وَاللَّهِ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. قَالَ: أَمَا لَوْ بَلَغَتْ نَفْسُكَ الْحُلُقُومَ رَأَيْتَنِي حَيْثُ تُحِبُّ، وَ لَوْ رَأَيْتَنِي وَ أَنَا أَدُوُّ الرَّجَالِ عَنِ الْحَوْضِ ذُوْدَ غَرِيْبَةِ الْإِبِلِ لَرَأَيْتَنِي حَيْثُ تُحِبُّ، وَ لَوْ رَأَيْتَنِي وَ أَنَا مَازٌّ عَلَي الصَّرَاطِ بِلِوَاءِ الْحَمْدِ بَيْنَ يَدَي رَسُوْلِ اللّهِ (صلي الله عليه و آله) لَرَأَيْتَنِي حَيْثُ تُحِبُّ.

حارث بن همداني مي گويد: به محضر اميرالمومنين علي بن ابيطالب (عليه السلام) وارد شدم. امام (عليه السلام) فرمودند: چه چيز تو را به اينجا كشانده است؟ عرضه داشتم: دوستي تو اي اميرالمومنين. پس فرمود: اي حارث! آيا مرا دوست مي داري؟ پس عرضه داشتم: به خدا سوگند! آري يا اميرالمومنين. حضرت فرمودند: بدان اگر جان به گلويت برسد (در لحظه ي مرگ) مرا همان گونه كه دوست مي داري مشاهده خواهي كرد و نگاه كه مرا مشاهده كردي در حالي كه مردم را از حوض (كوثر) همچون شتران تشنه و غريب سيراب مي كنم، مرا هرگونه كه دوست مي داري مشاهده خواهي كرد، و نگاه كه مرا مشاهده كردي در حالي كه بر صراط با پرچم حمد از مقابل رسول خدا (صلي الله عليه و آله) مي گذرم مرا همان گونه كه دوست مي داري مشاهده خواهي كرد. (1)

تو با كساني هستي كه دوستشان داري

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ خُشَيْبٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ يَحْيَى بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ الْعَلَاءِ بْنِ أَبِي رَبِيعَةَ بْنِ عَلْقَمَةَ بْنِ الْمُطَّلِبِ بْنِ عَبْدِ مَنَافٍ، فِي مَنْزِلِهِ بِمَدِينَةِ الرَّسُولِ (صلي الله عليه و آله) قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو طَاهِرٍ أَحْمَدُ بْنُ عَمْرٍو الْمَدِينِيُّ، قَالَ

ص: 474

حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الْأَعْلَى الصَّدْفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ: أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) عَنِ السَّاعَةِ، فَقَالَ: مَا أَعَدَدْتَ لَهَا قَالَ: حُبَّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ (صلي الله عليه و آله). قَالَ: أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ.

انس بن مالك مي گوید: مردی از رسول خدا (صلي الله عليه و آله) درباره ي قيامت پرسید. پیامبر (صلي الله عليه و آله) فرمود: برایش چه فراهم آورده اي؟ گفت: محبت خدا و فرستاده ي او. فرمود: تو با کسانی هستي که دوستشان داري. (1)

دوستي و دشمني با ایشان

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَلَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ) عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله) إِنَّ فِيكَ مَثَلًا مِنْ عِيسَى (عليها السلام) أَحَبَّهُ قَوْمٌ فَهَلَكُوا فِيهِ وَ أَبْغَضَهُ قَوْمٌ فَهَلَكُوا فِيهِ فَقَالَ الْمُنَافِقُونَ أَمَا رَضِيَ لَه مَثَلًا إِلَّا عِيسَى (عليه السلام) فَنَزَلَتْ

و دیگر (وَلَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ) (2) یعنی و چون زده شد به پسر مریم (عليها السلام) مثلی آنگاه قوم تو از آن مثل فزع کنند و آواز بردارند امیرالمؤمنین (عليه السلام) روایت کند که پیغمبر (صلي الله عليه و آله) فرمود: که در تو مثلی هست از عیسی (عليه السلام) که بعضی به سبب دوستی او از اهل هلاک اند، و بعضی دیگر به واسطه بغض او از هلاک شدگان اند، پس منافقان آواز برآوردند که نمی شد (پیامبر (صلي الله عليه و آله) برای علي (عليه السلام)) مثال دیگری جز عیسی (عليه السلام) بیاورد، آنگاه این آیه نازل شد. (3)

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ) عَنْ زَادَانَ عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) تَقْتَرِقُ هَذِهِ الْأُمَّةُ عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً أُنْتَانِ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ وَ

ص: 475

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 11 ح 82

2- . الزخرف آية 57

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 321 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

وَاحِدَةً فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ) وَهُمْ أَنَا وَشِيعَتِي

و دیگر آیه (وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ) (1) یعنی از آنها که آفریده ایم برای بهشت گروهی اند که ایشان راه می نمایند به حق و به حق عدل می کنند در احکام خود، امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: که این امت هفتاد و سه فرقه شده اند، هفتاد و دو فرقه از آن از برای دوزخ اند، و یک فرقه از ایشان از اهل بهشت اند، و ایشان آن جماعت اند که حق تعالی در این آیت وصف فرمود، و آن منم و شیعه من. (2) قَوْلُهُ تَعَالَى (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَ يُدِئُ أَمْنُونَ وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ) قَالَ عَلِيٌّ (علیه السلام) الْحَسَنَةُ حُبْنَا وَ السَّيِّئَةُ بُغْضْنَا

خداوند می فرماید: (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَ يُدِئُ أَمْنُونَ وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ) (3) آن کس که عمل نیکویی انجام دهد، پاداش بهتر برای اوست و آنان از هول و هراس روز قیامت در امان خواهند بود و آن کس که عمل بدی انجام دهد به کیفر آن گناه به رو به آتش می افتد. علی (علیه السلام) فرمود: کار پسندیده دوستی ما و کار زشت و بد بغض و دشمنی با ما باشد. (4)

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ نَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ) عَنْ عَلِيٍّ (علیه السلام) قَالَ نَحْنُ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ مَنْ عَرَفْنَا بِسِيمَاهُ أَدْخَلْنَا الْجَنَّةَ

خداوند می فرماید: (وَ نَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ) (5) و اهل اعراف ندا کنند مردانی را که به سیمایشان می شناسند. علی (علیه السلام) فرمود: اصحاب اعراف ما هستیم و هر که را به سیمایش بشناسیم از پیروان ما هست، او را به

ص: 476

1- . الاعراف آية 181

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 321 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . النمل آية 90-89

4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة ج 1 ص 324 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه ع

5- . الاعراف آية 48



قَالَ حَدَّثَنِي عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَدُ بْنُ بِنِ نَصْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ سَلَيْمَانَ الْفَزَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَمُطٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) يَقُولُ لَمَّا نَزَلَتِ الْآيَةُ (قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) قَالَ جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) يَا مُحَمَّدُ إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ أَصْلًا وَدِعَامَةً وَفُرْعًا وَبُنْيَانًا وَإِنَّا صَلَّ الدِّينِ وَدِعَامَتَهُ قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ فُرْعَهُ وَبُنْيَانَهُ مَحَبَّتُكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فِيمَا وَافَقَ الْحَقُّ وَدَعَا إِلَيْهِ

اميرالمومنين (عليه السلام) فرمودند: شنيدم از رسول خدا (صلي الله عليه وآله) هنگامي كه آيه (قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) (2)

نازل شد، جبرئيل (عليه السلام) عرضه داشت: اي محمد! براي هر ديني ريشه ستون و شاخه و اساسي است و به درستي كه ريشه و ستون دين اسلام، گفتن (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) و شاخه و اساس آن دوست داشتن شما اهل بيت (عليهم السلام) است به همان كيفيتي كه خدا فرموده و به آن امر كرده است. (3)

وَقَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) مَاتَ شَهِيدًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) مَاتَ مَغْفُورًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) مَاتَ تَائِبًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) مَاتَ مُؤْمِنًا مُتَّكِمًا الْإِيمَانَ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) بَسَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) فَتُخَلَّ لُهُ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله)

ص: 477

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة ج 1 ص 324 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه ع

2- . الشوري آية 23

3- . تفسير فوات الكوفي ص 397 [سورة الشوري (42): آية 23] ح 528

عَيْنِيهِ آيسُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) مَاتَ كَافِرًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَيَغْمِرُ (صلي الله عليه وآله) فرمود: هر که بمیرد بر حب آل محمد (صلي الله عليه وآله) مرده است شهید آگاه باشد که هر که بمیرد بر حب آل محمد (صلي الله عليه وآله) مرده است آگاه باشد که هر که بمیرد بر حب آل محمد (صلي الله عليه وآله) مرده است توبه کار آگاه باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد (صلي الله عليه وآله) مرده است مؤمن کامل الايمان آگاه باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد (صلي الله عليه وآله) مژده دهد او را ملك الموت به بهشت بعد از آن منکر و نکیر آگاه باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد (صلي الله عليه وآله) بگرداند قبر او را مزار ملائکه رحمت آگاه باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد (صلي الله عليه وآله) گشاده شود از برای او در قبر او دو در به بهشت آگاه باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد (صلي الله عليه وآله) مرده است بر سنت و جماعت آگاه باش که هر که بمیرد بر بغض آل محمد (صلي الله عليه وآله) یعنی بر دشمنی آل محمد (صلي الله عليه وآله) بیاید روز قیامت و نوشته باشد بر میان دو چشم او که ناامید است از رحمت خدا آگاه باش که هر که بمیرد بر بغض آل محمد (صلي الله عليه وآله) مرده است کافر آگاه باش که هر که بمیرد بر بغض آل محمد (صلي الله عليه وآله) حس نکند بوی بهشت را.

(1)

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم السلام).

جعابی به همین اسناد از امیر مؤمنان (عليه السلام) روایت کرده که رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمود: اول چیزی که از بنده سؤال می شود دوستی ما اهل بیت (عليهم السلام) است. (2) وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله): لَا تَزُولُ قَدَمُ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ بَيْنِ يَدَيِ اللَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ) حَتَّى يَسْأَلَهُ عَنْ أَزْبَعِ خِصَالٍ: عُمْرِكَ فِيْمَا أَفْتَيْتَهُ، وَ جَسَدِكَ فِيْمَا أَبْلَيْتَهُ، وَ مَالِكَ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبْتَهُ وَ أَيْنَ وَصَعْتَهُ، وَ عَنْ حُبِّنَا

ص: 478

1- . جامع الأخبار (للشعيري) ص 166 الفصل الحادي والثلاثون و المائة في الموت ح 6

2- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 62 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 258

أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم السلام). فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: وَمَا عَلَامَةُ حُبِّكُمْ، يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَقَالَ: مَحَبَّةٌ هَذَا، وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

امام باقر(عليه السلام): در قيامت بنده قدم از قدم بر ندارد تا از چهار چيز از او سوال شود، از عمرت كه در چه چيزي آن را به پايان رساندي؟ از بدنت كه در چه راهي آن را فرسوده ساختي؟ از مالت كه از كجا به دست آوردي و در چه راهي خرج كردي؟ و سوال شود از محبت ما اهل بيت (عليهم السلام) مردي برخاست و عرضه داشت: نشانه محبت شما اهل بيت (عليهم السلام) چيست؟ يا رسول الله (صلي الله عليه وآله) حضرت فرمودند: دوستي اين آقا، و

دست خويش را بر سر علي بن ابيطالب (عليه السلام) نهاد. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّازُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ نَصْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ مَادٍ الْقَلَانِسِيِّ عَنِ الْقَنْدِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) أَكُلُّ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُؤْمِنٌ قَالَ إِنَّ عَدَاوَتَنَا تَلْحَقُ بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى إِنَّكُمْ لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُحِبُّونِي وَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ يُبْغِضُ هَذَا يَعْنِي عَلِيًّا (عليه السلام).

مردی حضور رسول خدا(صلي الله عليه وآله) آمد و عرضه داشت: يا رسول الله(صلي الله عليه وآله) هر كه بگويد لا اله الا الله مؤمن است؟ حضرت فرمود: دشمنیما به يهود و نصاری می رساند شما به بهشت نروید تا مرا دوست دارید و دروغ گوید کسی كه معتقد است مرا دوست داشته و علي(عليه السلام) را دشمن دارد. (2)

ص: 479

1- . الأماي (للطوسي) النص 124 [5] المجلس الخامس ح6

2- . الأماي للصدوق النص 269 المجلس الخامس والأربعون ح17

حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ رَجَاءٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَزِيدَ [حَمَّادُ بْنُ يَزِيدَ] عَنْ أَبَانَ بْنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَوْ عَنْ أَبَانَ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ نَاصَبَ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) حَارَبَ اللَّهَ وَ مَنْ شَكَّ فِي عَلِيٍّ فَهُوَ كَافِرٌ.

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: هر که با علي (عليه السلام) دشمني کند با خدا جنگیده و هر که که شک در ولایت علي (عليه السلام) داشته باشد کافر است. (1)

محبت او در قلوب مومنان جاي گرفته

قَوْلُهُ تَعَالَى (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا) قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) جَعَلَ اللَّهُ لَهُ وُدًّا فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ.

ابن عباس درباره قول خدای عزوجل (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا) (2) می گوید این آیه در شان علي بن ابیطالب (عليه السلام) نازل شده و خداوند محبت او را در دل های مومنان قرار داد. (3)

قَوْلُهُ تَعَالَى (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا) وَعَنِ الْبَرَاءِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِعَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَا عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام) قُلِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ وُدًّا وَ اجْعَلْ لِي فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ مَوَدَّةً

ص: 480

1- . الأماي (للصدوق) النص 673 المجلس السادس و التسعون ح6

2- . مريم آية 96

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 312 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

آیه مبارکه (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا) (کسانی که به خدا و رسولش ایمان آورده و آن را با عمل صالح، پیوند داده اند، خداوند بخشنده، دوستی آنان را در دل ها ایجاد خواهد نمود) براء گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: یا علی! دعا کن و بگو پروردگارا عهدی و پیمانی نزد خودت برایم استوار کن، تا به آن پای بند باشم و مودتی نزد خویش برایم برقرار نما و آن را در دل های مؤمنان وارد ساز پس از این دعا، آیه یاد شده نازل گردید. (1)

فَرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ دَلِيلٍ مُعْنَعًا عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَا عَلِيُّ قُلِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ وُدًّا وَاجْعَلْ لِي فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ مَوَدَّةً قَالَ فَنَزَلَ جِبْرِئِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَلَى النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِهَذِهِ الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا) قَالَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: یا علی! دعا کن و بگو پروردگارا عهدی و پیمانی نزد خودت برایم استوار کن، تا به آن پای بند باشم و مودتی نزد خویش برایم برقرار نما و آن را در دل های مؤمنان وارد ساز پس از این دعا، جبرئیل (علیه السلام) نازل شد با این آیه (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا) (2) نازل گردید. و این دعا در شان علی (علیه السلام) نازل شد. (3)

ص: 481

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 314 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

2- . مريم آية 96

3- . تفسير فرات الكوفي ص 252 [سورة مريم (19): الآيات 96 الى 97] ح 342

قَوْلُهُ تَعَالَى (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) فِي الْحَدِيثِ عَنِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنَّهُ قَالَ لَا تُؤْذُوا فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام) وَعَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) وَوَلَدَيْهِمَا.

درباره قول خدای عزوجل (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) (1) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آزار نرسانید فاطمه (علیها السلام) علی (علیه السلام) و فرزندان ایشان را. (2)

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هُوَ لَا ءِ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِمَوَدَّتِهِمْ قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَفَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) وَوَلَدُهُمَا وَابْنِ عَبَّاسٍ نَقَلَ شَدِيدَةً اسْتَدْرَكَ بِمَبَارَكَةِ (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) بَعْدَ مَا بَيَّنَّا بِرَأْسِهَا! لِأَنَّ رِسَالَتَهُمْ مِنْ شَمَا مَزْدَى جَزَ دُوسْتِي بِه نَزْدِيكَانِم فَرْدِي نَمِي خَوَاهِم، نَازِلْ شَدِيدَةً، اصْحَابِ پَرَسِيدَنْد: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَسَانِي كَه خَدَاوَنْد بِه دُوسْتِي آن هَا فَرْمَانِ دَادَه اسْتِ كَيْسْتَنْد؟ فَرْمُودَنْد: عَلِي (عَلَيْهِ السَّلَام)، فَاطِمَه (عَلَيْهَا السَّلَام)

حسن (علیه السلام)، حسین (علیه السلام) و فرزندان آنها می باشند. (3)

قَوْلُهُ تَعَالَى (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

مَنْ هُوَ لِأَنَّ الَّذِينَ يَجِبُ عَلَيْنَا حُبُّهُمْ قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَفَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) وَابْنَاهُمَا قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ رَوَاهُ سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

خدَاوَنْد مِي فَرْمَايد: (قُلْ)

لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) بَعْدَ مَا بَيَّنَّا بِرَأْسِهَا! لِأَنَّ رِسَالَتَهُمْ مِنْ شَمَا مَزْدَى جَزَ دُوسْتِي بِه نَزْدِيكَانِم فَرْدِي نَمِي خَوَاهِم، نَازِلْ شَدِيدَةً، اصْحَابِ پَرَسِيدَنْد: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَسَانِي كَه خَدَاوَنْد بِه دُوسْتِي آن هَا فَرْمَانِ دَادَه اسْتِ كَيْسْتَنْد؟ فَرْمُودَنْد: عَلِي (عَلَيْهِ السَّلَام)، فَاطِمَه (عَلَيْهَا السَّلَام)

ص: 482

1- . الشوري آية 23

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 313 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 350 المبحث التاسع عشر في أولاده

آمد، آن حضرت فرمود: آنان که محبتشان بر شما واجب است، علی (علیه السلام) فاطمه (علیها السلام) حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) می باشند، آن بزرگوار، این سخن را سه بار تکرار نمود. (1)

دوستی با علی ایمان و دشمنی با او کفر است

وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بُغْضُ عَلِيِّ كُفْرٌ وَ بُغْضُ بَنِي هَاشِمٍ نِفَاقٌ. وَ جَعَابِيٌّ بِهِ هَمِينَ اسناد روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

دشمنی با علی (علیه السلام) کفر است، و دشمنی با بنی هاشم نفاق. (2)

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) مُحِبُّكَ مُحِبِّي وَ مُبْغِضُكَ مُبْغِضِي.

جعابیی به همین اسناد از امیر مؤمنان (علیه السلام) روایت کرده که گفت:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من فرمود: دوست تو دوست من است و دشمن تو دشمن من [و دشمن من دشمن خداست]. (3)

قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): ... حُبُّ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِيمَانٌ وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): دوستی علی (علیه السلام) ایمان است و بغض او کفر (4)

پیمان پیامبر برای دوستی و پیروی از علی

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَنْصُورِيِّ إِجَازَةً، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ

ص: 483

- 1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 324 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه
- 2- [1]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 61 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 239
- 3- [2]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 63 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 265
- 4- . الأمالي للصدوق ص 89 المجلس العشرون ح 1.

مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ، قَالَ حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ، عَنِ الْمُنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ زَادَانَ، عَنْ سَلْمَانَ قَالَ: بَايَعَنَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَلَى النَّصْحِ لِلْمُسْلِمِينَ، وَالْإِتِّمَامِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَالْمُؤَالَاهُ لَهُ.

سلمان فارسي مي گويد: پيامبر خدا(صلي الله عليه و آله) بر خيرخواهي براي مسلمانان و پيروي و دوستي علي بن ابیطالب(عليه السلام)  
از ما پيمان گرفت. (1)

ص: 484

---

1- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 6 ح 9





دشنام دهندگان به امیرالمومنینو منْ كِتَابِ كَفَايَةِ الطَّالِبِ لِاحْفَافِ الشَّافِعِيِّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ وَكَانَ سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ يَقُودُهُ فَمَرَّ عَلَى صُفَّةٍ رَمَزَمَ فَإِذَا قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ يَسْتَمُونَ عَلِيًّا (عليه السلام) فَقَالَ لِسَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ رُدَّنِي إِلَيْهِمْ فَوَقَفَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ أَيُّكُمْ السَّبَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالُوا سُبْحَانَ اللَّهِ مَا فِينَا أَحَدٌ سَبَّ لِرَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَ فَأَيُّكُمْ السَّبَّ لِلَّهِ قَالَ فَأَيُّكُمْ السَّبَّ لِرَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَ فَأَيُّكُمْ السَّبَّ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالُوا أَمَّا هَذَا فَقَدْ كَانَ قَالَ فَأَشَدُّ هُدًى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) سَمِعْتُهُ أُذُنَايَ وَوَعَاةَ قَلْبِي يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَا عَلِيُّ مَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنِي وَمَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ وَمَنْ سَبَّ اللَّهَ أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ

در کتاب کفایة الطالب حافظ شافعی به نقل از عبد الله بن عباس در حالی که سعید بن جبیر او را فرماندهی می کرد آمده است که وی بر صفه زمزم گذر کرد و ناگاه به مردمی برخورد که علی (عليه السلام) را دشنام می دادند، پس به سعید بن جبیر گفت: مرا به سوی ایشان باز گردان. پس در برابر آن ها ایستاد و گفت: کدام يك از شما به خداوند دشنام می دهد؟ گفتند: سبحان الله، کسی در میان ما نیست که به خداوند عز و جل دشنام دهد. او گفت: کدام يك از شما به پیامبر خدا (صلي الله عليه وآله) دشنام می دهد؟ گفتند: [سبحان الله] کسی در میان ما نیست که به پیامبر خدا (صلي الله عليه وآله) دشنام دهد. عبد الله بن عباس گفت: کدام يك از شما به علی بن ابی طالب (عليه السلام) دشنام می دهد؟ گفتند: در این مورد هستند کسانی. عبد الله بن عباس گفت: پیامبر (صلي الله عليه وآله) را گواه می گیرم که با دو گوش خود شنیدم و قلبم آن را حفظ کرد که در باره علی (عليه السلام) فرمود: ای علی! هر که تو را دشنام دهد مرا دشنام داده است و هر که مرا دشنام دهد خدای را دشنام داده

است و هر که خدای را دشنام دهد خدای او را به چهره در آتش درفکند. عبد الله بن عباس این را گفت و از ایشان دور شد. (1)

دشنام دادن به علی دشنام دادن به رسول

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ الْمَرْزُبَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْمَكِّيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ أَبِي بُكَيْرٍ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْرَائِيلُ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجَةِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَالَتْ: أَيَسُبُّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِيكُمْ فَقُلْتُ: مَعَاذَ اللَّهِ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: مَنْ سَبَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَدْ سَبَّنِي.

نزد ام سلمه همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفتم پس گفتم: آیا از شما کسی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دشنام می دهد؟ عرضه داشتیم: به خدا پناه می بریم، او گفت: شنیدم که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمود: هر که به علی (علیه السلام) دشنام دهد به من دشنام داده است. (2)

ص: 487

1- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 232 المبحث السادس في وجوب محبته و مودته

2- . الأملالي (للطوسي) المجلس 3 ح 39

عَنْ عُمَرَ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ) قَالَ فَقَالَ يَا عُمَرُ رَأَيْتَ أَحَدًا يَسُبُّ اللَّهَ قَالَ فَقُلْتُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَكَيْفَ قَالَ مَنْ سَبَّ وَلِيَّ اللَّهِ فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ

طیالسی از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرد که سوال کردم از این آیه (وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ) (1) فرمود: آیا دیده ای کسی خدا را فحش دهد عرضه داشتیم: فدایت شوم پس چگونه است؟ فرمود: هر که ولی خدا را فحش دهد خدا را ناسزا گفته. (2)

درباره ي دشنام دادن به اميرالمومنين

وَبِهِذَا الْإِسْمِ نَادَى، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الصَّيْرَفِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنِ الصَّادِقِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ قَالَ: بَلَغَ أُمُّ سَلَمَةَ زَوْجَةَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) أَنَّ مَوْلَى لَهَا يَنْتَقِصُ عَلِيًّا (عليه السلام) وَيَتَنَاوَلُهُ، فَأَزَسَ لَتَ إِلَيْهِ، فَلَمَّا صَارَ إِلَيْهَا قَالَتْ لَهُ: يَا بُنَيَّ، بَلَغَنِي أَنَّكَ تَنْتَقِصُ عَلِيًّا (عليه السلام) وَتَتَنَاوَلُهُ. قَالَ: نَعَمْ يَا أُمَّاهُ. قَالَتْ لَهُ: اقْعُدْ ثِكْلِكَ أُمَّكَ حَتَّى أُحَدِّثَكَ بِحَدِيثٍ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) ثُمَّ اخْتَرْتُ

ص: 488

1- . الانعام آية 108

2- . تفسير العياشي ج 1 ص 373 [سورة الأنعام(6): آية 108] ح 80



عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) سَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَفَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَفَاتِلِ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِيَةِ طِينِ وَالْمَارِقِينَ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنِ النَّاكِثُونَ قَالَ: الَّذِي يُبَايِعُونَ بِالْمَدِينَةِ وَيَنْكُثُونَ بِالْبَصْرَةِ. قُلْتُ: وَمَنِ الْقَاسِيَةُ طُونَ قَالَ: مُعَاوِيَةُ وَأَصْحَابُهُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ. قُلْتُ: وَمَنِ الْمَارِقُونَ قَالَ: أَصْحَابُ التَّهْرَوَانِ. فَقَالَ مَوْلَى أُمِّ سَلَمَةَ: فَرَجَتْ عَنِّي فَرَجَ اللَّهُ عَنكَ، وَاللَّهِ لَا عُدْتَ إِلَيَّ سَبَّ عَلِيٍّ أَبَدًا.

امام صادق (عليه السلام): ام سلمه همسر رسول خدا (صلي الله عليه و آله) شنيد كه غلامش قدر علي (عليه السلام) را مي كاهد و از او بدگويي مي كند. به دنبالش فرستاد و چون او به نزدش آمد گفت: پسر من شنیده ام كه تو از قدر علي (عليه السلام) مي كاهي و از او بد مي گويي؟ او گفت: بله. ام سلمه گفت: مادرت به عزايت بنشيند. بنشين تا حديتي كه از رسول خدا (صلي الله عليه و آله) شنیده ام برايت بگويم سپس راه خود را برگزين. ما نه زن بوديم كه هر كدام يك شب نزد رسول خدا (صلي الله عليه و آله) بوديم. يك روز و شب كه نوبت من بود به سوي رسول خدا (صلي الله عليه و آله) رفتم در زده عرضه داشتيم: اي رسول خدا (صلي الله عليه و آله) آيا داخل شوم؟ فرمودند: نه. من از ترس اين كه ايشان از روي خشم يا فرو فرستاده شدن آيه اي درباره ي من مرار د کرده باشد رنگ باختم. اندكي نگذاشت كه بار دوم رفته و عرضه داشتيم: اي رسول خدا (صلي الله عليه و آله) آيا داخل شوم؟ فرمودند: نه. من از بار قبل بيشتر تكان خوردم. اما درنگ نكرده و بار سوم رفتم و عرضه داشتيم: اي رسول خدا (صلي الله عليه و آله) آيا داخل شوم؟ فرمود: اي ام سلمه داخل شو. داخل شدم و علي (عليه السلام) را ديدم كه برابر ايشان نيم خيز شده، دو دستش را تكيه گاه بدن كرده و مي گويد: پدر و مادرم به فدائيت اي رسول خدا (صلي الله عليه و آله) اگر چنين و چنان شد چه فرمان مي دهی؟ فرمودند: تو را به شكيبايي فرمان مي دهم. سپس او بار ديگر آن سخن را باز گفت: و ايشان او را به شكيبايي فرمان داد. او بار سوم آن را تكرر كرد و ايشان فرمود: اي علي! اي برادرم وقتي آنان با تو چنين كردند، شمشيرت را بکش و بر شانه ات بگذار و مستقيم و قدم به قدم پيش رو تا مرا

دیدارکنی در حالی که خون آنان از شمشیر آخته ات می چکد. سپس به من رو کرده و فرمود: ای ام سلمه! تو را به خدا سوگند این چه اندوهی است؟ من عرضه داشتم: ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شما مرا از داخل شدن بازداشتید. فرمودند: به خدا سوگند سبب خاصی نداشت و تو در نزد خداوند و فرستاده اش در جایگاه نیکی هستی. جز این که جبرئیل(علیه السلام) به نزد من آمد و از رخدادهایی پس از خود آگاهم کرد و به من فرمان داد که آنها را به علی(علیه السلام) سفارش کنم. ای ام سلمه! بشنو و شهادت بده، علی بن ابیطالب(علیه السلام) برادر من در دنیا و آخرت است. ای ام سلمه! بشنو و شهادت بده. علی بن ابیطالب(علیه السلام) وزیر من در دنیا و آخرت است. ای ام سلمه! بشنو و شهادت بده، علی بن ابیطالب(علیه السلام) پرچمدار من و پرچمدار سپاس در فردای قیامت است. ای ام سلمه! بشنو و شهادت بده، علی بن ابیطالب(علیه السلام) وصی و جانشین پس از من است. او بر آورنده ی وعده های من و دفاع کننده از حوض منست. ای ام سلمه! بشنو و شهادت بده علی بن ابیطالب(علیه السلام) سرور مسلمسن و پیشوای پرهیزکاران و راهبر سپید رویان و پیکار کننده با ناکثان قاسطان و مارقان است. من عرضه داشتم: ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله) ناکثان چه کسانی هستند؟ فرمودند: کسانی که در مدینه بیعت کرده و در بصر آنرا می شکنند. عرضه داشتم: قاسطان چه کسانی اند؟ فرمودند: معاویه و اصحاب شامی اویند. عرضه داشتم: مارقان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: آنان اصحاب نهروانند. آنگه غلام ام سلمه گفت: خدا در کارت گشایش دهد که کار مرا گشودی به خدا سوگند هرگز بدگویی علی(علیه السلام) را نخواهم کرد. (1)

ص: 491

وَعَنْهُ، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَعْلَى مُحَمَّدُ بْنُ زُهَيْرٍ الْقَاضِي بِالْأَبْلَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَيْمَنَ، قَالَ حَدَّثَنِي مُصَبِّحُ بْنُ هِلْقَامِ أَبُو عَلِيٍّ الْعِجْلِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ قَرُوزِي بِالرَّمْلَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أُمَيَّةَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُسَلِّمِ الطَّرْسُوسِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَطِيَّةَ، قَالَ: كَانَ أَبِي يَتَأَلَّ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَأَتَيْ فِي الْمَنَامِ فَقِيلَ لَهُ أَنْتَ السَّابُّ عَلِيًّا

فَحَقِّقْ حَتَّى أَحَدَّثَ فِي فَرَاشِهِ ثَلَاثًا، يَعْنِي صُنِعَ بِهِ ذَلِكَ فِي الْمَنَامِ ثَلَاثَ لَيَالٍ.

سمر بن عطية: پدرم علي بن ابيطالب (عليه السلام) را ناسزا مي گفت در خواب به نزد او آمده گفتند: تو علي (عليه السلام) را دشنام مي گويي؟ آنگاه گلويش را فشردند چنان كه بسترش را خيس كرد. سه بار (مقصود اينست سه شب پياپي با او چنين كردند). (1)

وَعَنْهُ، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ تُوْرُونَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ مُوسَى الْمَكِّيِّ بِمِصْرَ، قَالَ حَدَّثَنَا زَكْرِيَّا بْنُ يَحْيَى الْكِسَائِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا نُوحُ بْنُ دَرَّاجِ الْقَاضِي، عَنْ ابْنِ أَبِي لَيْلَى، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْمَنْصُورِ، قَالَ: كَانَ عِنْدَنَا بِالشُّرَاةِ قَاضٍ إِذَا فَرَعَ مِنْ قِصَّةٍ ذَكَرَ عَلِيًّا (عليه السلام) فَشَدَّ تَمَّهُ، فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ تَرَكَ ذَلِكَ يَوْمًا وَمِنَ الْعَدِ، فَقَالُوا: نَسِيَ، فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمَ الثَّلَاثُ تَرَكَهُ أَيضًا، فَقَالُوا لَهُ وَ سَأَلُوهُ، فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ لَا أَذْكَرُهُ بِشْتِيْمَةٍ أَبَدًا، بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ وَ النَّاسُ قَدْ جُمِعُوا فَيَأْتُونَ النَّبِيَّ (صلي الله عليه و آله) فَيَقُولُ لِرَجُلٍ: اسْقِهِمْ، حَتَّى وَرَدَتْ عَلَى النَّبِيِّ (صلي الله عليه و آله) فَقَالَ لَهُ: اسْقِهِ، فَطَرَدَنِي فَشَدَّ كَوْتُ ذَلِكَ إِلَى النَّبِيِّ (صلي الله عليه و آله) فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله)، مُرْهُ فَلَيْسَتْ بِي. قَالَ: اسْقِهِ، فَسَقَانِي فَطَرَانًا، فَأَصْبَحْتُ وَ أَنَا أَتَحَشَّاهُ.

ص: 492



ابو جعفر منصور عباسی گفته است: در شرات نقالی در خدمت ما بود که وقتی قصه اش را به پایان می برد علی (علیه السلام) را به بدی یاد می کرد و دشنامش می داد. بر همین حال بود که ناگاه دو روزی ترک عادت کرد. مردمان گفتند: فراموش کرده است ولی چون روز سوم شد باز هم چیزی نگفت. درباره اش از او پرسیدند، او گفت: نه، خدا سوگند هرگز او را به دشنام یاد نخواهم کرد. من خواب بودم که دیدم مردم را گرد آورده اند. آنان را به خدمت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) می آوردند و ایشان به مردی می فرمود. سیرایشان کن. تا من به خدمتشان رسیدم و حضرت به او فرمود: سیرایش کن. اما او مرا راند. از او به پیامبر (صلی الله علیه و آله) شکایت بردم و عرضه داشتم: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او بفرما که مرا سیراب کند. و او قَطْران (آب داغ) به من نوشاند. صبح که برخاستم از دشنام دادن به علی (علیه السلام) کناره گرفتم. (1)

لعن کردن دشمنان امیرالمومنین توسط قنابر

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَمْرٍو حَفْصُ الْمُقَدِسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ مَعَاشِرَ النَّاسِ اْعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ خَلْقًا لَيْسَ هُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَيَلْعَنُونَ مُبْغِضِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) فَقِيلَ لَهُ وَ مَنْ هَذَا الْخَلْقُ قَالَ الْقَنَابِرُ يَقُولُ فِي السَّحَرِ اللَّهُمَّ اْعْنِ مُبْغِضِي عَلِيٍّ (علیه السلام) اللَّهُمَّ اْبْغِضْ مَنْ اْبْغَضَهُ وَ اْحِبِّ مَنْ اْحَبَّهُ

ص: 493

ابن عباس: ای مردم خداوند تبارک و تعالی مخلوق کیست؟ گفت: قنابر این حیوان در سحرگاه زمزمه اش این است که: خدایا دشمنان علی (علیه السلام) را لعنت کن، خدایا دشمنان علی (علیه السلام) را و دوست بدار دشمنانش را. (1)

دشمنی با علی و مرگ جاهلیت

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَهْرُوبٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ حَسَّانَ بْنِ مَعِيدَانَ الْأَصَدِّ فَهَانِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الرَّبِيعِ الْأَعْرَجِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عِمْرَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدِ بْنِ جُدْعَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي كَتَبَ اللَّهُ لَهُ الْأَمْنَ وَالْإِيمَانَ مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ وَ مَنْ أَبْغَضَهُ فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ حُسِبَ بِمَا عَمِلَ

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر که علی (علیه السلام) را در حیات من و بعد از رحلت من از این دنیا دوست داشته باشد حق تعالی امن و ایمان برایش قرار می دهد تا زمانی که خورشید طلوع و غروب می کند و کسی که او را در زمان حیات و بعد از ممات من دشمن دارد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته و به آنچه عمل کرده مورد محاسبه قرار می گیرد. (2)

ص: 494

- 
- 1- . علل الشرائع ج 1 ص 143 باب 120 باب في أن علة محبة أهل البيت ع طيب الولادة و أن علة بغضهم خبث الولادة ح 8
  - 2- . علل الشرائع ج 1 ص 144 باب 120 باب في أن علة محبة أهل البيت ع طيب الولادة و أن علة بغضهم خبث الولادة ح 10

أَبُو الْعَبَّاسِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُسَدِّ تَوْرِدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ مُرَاجِمٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ تَمِيمٍ، وَعَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ، عَنْ بَشْرِ بْنِ غَالِبٍ، وَعَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، كُلُّهُمْ ذَكَرُوا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ: يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ) ثَلَاثًا أَنْ يُبَيِّنَ قَابِلَكُمْ، وَأَنْ يَهْدِيَ صَالِكَكُمْ، وَأَنْ يُعَلِّمَ جَاهِلِكُمْ، وَسَأَلْتُ اللَّهَ (تَعَالَى) أَنْ يَجْعَلَ لَكُمْ جُودَاءَ نُجَبَاءَ رُحَمَاءَ، فَلَوْ أَنَّ امْرَأً صَفَنَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ فَصَلَّى وَصَامَ، ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ) وَهُوَ لِأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مُبْغِضٌ، دَخَلَ النَّارَ

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: ای فرزندان عبدالمطلب! همانا من سه بار از خدای عزوجل خواستم که سخنگوی (بر حق) شما را استوار سازد و گمراهتان را هدایت بخشد و نادان شما را بیاموزد، و همچنین از خدا خواستم که شما را اهل بخشش و نجابت و مهربانی قرار دهد، پس اگر کسی در میان رکن و مقام بایستد و نماز بگذارد، و روزه بگیرد، آنگاه خدا را در حالی ملاقات کند که به خاندان محمد (صلی الله علیه و آله) دشمنی می ورزد در دوزخ داخل شود. (1)

ص: 495

هرکه علي را دشمن بداند اهل ايمان نيست

أَبُو الْعَبَّاسِ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَرِيعٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ إِبرَاهِيمَ، قَالَ حَدَّثَنَا سَوَّارُ بْنُ مُصَّعَبِ الْهَمْدَانِيِّ، عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيْبَةَ، عَنْ يَحْيَى بْنِ الْجَزَّارِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ آمَنَ بِي وَبِمَا جِئْتُ بِهِ، وَهُوَ يُبْغِضُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) فَهُوَ كَاذِبٌ لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ.

عبد الله بن مسعود مي گويد: شنيدم كه رسول خدا (صلي الله عليه و آله) مي فرمود: هرکه گمان مي كند به من و آنچه آورده ام ايمان آورده است، و علي (عليه السلام) را دشمن بدارد، پس او دروغگو بوده و اهل ايمان نيست. (1)

هرکه تورا دشمن بدارد يهودي است يا نصراني

وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَنْ أَحَبَّكَ كَانَ مَعَ النَّبِيِّينَ فِي دَرَجَتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ مَاتَ وَهُوَ يُبْغِضُكَ فَلَا يُبَالِي مَا تَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.

ص: 496

به اسناد سابق فرمود: رسول خدا(صلي الله عليه و آله) به علي(عليه السلام) فرمود يا علي! هر که مرا دوست دارد در روز قيامت با پيغمبران در درجه ايشان باشد و هر که بميرد و تو را دشمن داشته باشد باکی نيست نصرانی يا يهودی مرده است. (1) وَ مِنْهُ عَنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَيْدَةَ الْقُشَيْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ (صلي الله عليه و آله) يَقُولُ لِعَلِيِّ (عليه السلام) يَا عَلِيُّ لَا يُبَالِي مَنْ مَاتَ وَ هُوَ يُبَغِّضُكَ مَاتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا

مناقب خوارزمی از معاوية بن حيده قشيري نقل کرده است که گفت: شنيدم از رسول خدا(صلي الله عليه و آله) که به علي(عليه السلام) فرمود: ای علی! آن کس که بميرد و کينه تو را در دل داشته باشد، باکی بر او نيست که بر آيين يهود و نصارا باشد!! (2)

وای بر کسی که کينه ي تو را داشته باشد

وَ مِنْهُ عَنِ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ وَ اسْمُهُ خَالِدُ بْنُ يَزِيدَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) يَا عَلِيُّ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ جَعَلَكَ تُحِبُّ الْمَسَاكِينَ وَ تَرْضَى بِهِمْ أَتْبَاعاً وَ يَرْضُونَ بِكَ إِمَاماً فَطُوبَى لِمَنْ تَبِعَكَ وَ صَدَقَ فِيكَ وَ وَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَ كَذَبَ فِيكَ

مناقب خوارزمی از ابی ایوب انصاری که اسم او خالد بن زید است نقل کرده که رسول اکرم(صلي الله عليه و آله) فرمود: ای علی! خداوند متعال، محبت بینوایان را در دل تو جای داده و توبه پیروی آنها از خودت خوشنودی و آنها نیز به امامت و رهبری تو خوشنودند، خوشا به حال آن که تو را پیروی کند و در پیروی از تو راستگو باشد و وای بر آن کس که کينه تو را در دل داشته باشد و در باره تو دروغ بگوید. (3)

ص: 497

1- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 58 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا عن الأخبار المجموعة ح 221

2- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 294 المبحث الرابع عشر في التواعد على من ناصب عليا ع الخلافة ح 4

3- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 295 المبحث الرابع عشر في التواعد على من ناصب عليا ع الخلافة ح 6

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَدِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ مِيثِمِ التَّمَارِ قَالَ: وَجَدْتُ فِي كِتَابِ مِيثِمٍ يَقُولُ: تَمَسَّنَا لَيْلَةٌ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَالَ لَنَا:

لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ إِلَّا أَصَبَحَ يَجِدُ مَوَدَّتَنَا عَلَى قَلْبِهِ، وَلَا أَصَبَحَ عَبْدٌ مِمَّنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِلَّا يَجِدُ بُغْضَنَا عَلَى قَلْبِهِ، فَأَصَبَحْنَا نَفْرَحُ بِحُبِّ الْمُؤْمِنِ لَنَا، وَنَعْرِفُ بُغْضَ الْمُبْغِضِ لَنَا، وَأَصَبَحَ مُحِبُّنَا مُعْتَبَطًا بِحُبِّنَا بِرَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ يَنْتَظِرُهَا كُلُّ يَوْمٍ، وَأَصَبَحَ مُبْغِضُنَا يُؤَسِّسُ (بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ) (1)

فَكَانَ ذَلِكَ الشَّفَا قَدْ أَنْهَارَ (بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ) (2)

وَ كَانَ أَبْوَابُ الرَّحْمَةِ قَدْ فُتِحَتْ لِأَصْحَابِ الرَّحْمَةِ، فَهَنِيئًا لِأَصْحَابِ الرَّحْمَةِ رَحْمَتُهُمْ، وَ تَعْسًا لِأَهْلِ النَّارِ مَثْوَاهُمْ، إِنَّ عَبْدًا لَنْ يَقْصِرَ فِي حُبِّنَا لِخَيْرٍ جَعَلَهُ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ، وَ لَنْ يُحِبَّنَا مَنْ يُحِبُّ مُبْغِضَنَا، إِنَّ ذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ فِي قَلْبٍ وَاحِدٍ وَ (مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ) (3) يُحِبُّ بِهِذَا قَوْمًا، وَ يُحِبُّ بِالْآخَرِ عَدُوَّهُمْ، وَ الَّذِي يُحِبَّنَا فَهُوَ يُخْلِصُ حُبَّنَا كَمَا يُخْلِصُ الذَّهَبُ لَا غَشَّ فِيهِ. نَحْنُ النَّجَبَاءُ وَ أَفْرَاطُنَا أَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ أَنَا وَصِيُّ الْأَوْصِيَاءِ، وَ أَنَا حِزْبُ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ، فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ حَالَهُ فِي حُبِّنَا فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ، فَإِنْ وَجَدَ فِيهِ حُبٌّ مِنْ أَلْبٍ عَلَيْنَا فَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَدُوُّهُ وَ جَبْرَيْلُ (عليه السلام) وَ مِيكَائِيلُ (عليه السلام) وَ اللَّهُ (عَدُوُّ لِّلْكَافِرِينَ) (4)

1- . التوبة آية 109

2- . التوبة آية 109

3- . الاحزاب آية 4

4- . البقرة آية 98

صالح بن میثم تمار می گوید: در کتاب میثم یافتم که نوشته بود: شبی را در نزد امیر مومنان علی بن ابیطالب (علیه السلام) به سر آوردیم پس به ما فرمود: هیچ بنده ای نیست که خداوند قلبش را به ایمان آزموده باشد مگر این که دوستی و محبت ما را در قلب خود می یابد و هیچ بنده ای نیست که از کسانی باشد که خداوند بر ایشان غضب کرده است مگر این که کینه ی ما را در قلب خود می جوید. پس ما از محبت مومنان به خود شادمان شده و کینه ی دشمنان خود را درک می کنیم و دوستدار ما به برکت محبت ما با رحمتی از سوی خدا که هر روز در انتظار آن به سر می برد شادمان می گردد و دشمن ما بنیان خود را بر دهانه ی در حال ریزش دوزخ برپا کند. پس گویا آن دهانه ی ریزان او را با خود در آتش دوزخ فرو خواهد ریخت و گویا درهای رحمت برای اصحاب رحمت بازگشته است. پس بخشایش بر اصحاب بخشایش گوارا باد و هلاکت باد بر کسانی که جایگاه آنان آتش دوزخ است. همانا بنده ای که در محبت ما کوتاهی نخواهد کرد بخاطر نیکی و خیری است که خداوند در قلب او نهاده است و کسی که دشمن ما را دوست می دارد هرگز ما را دوست نخواهد داشت. همانا این دو در یک قلب نمی گنجد (مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ) خداوند دو قلب در وجود کسی قرار نداده که با یکی گروهی را دوست بدارد و با دیگری به دشمنانشان مهر بورزد و کسی که ما را دوست می دارد دوستی ما را خالص می گرداند همانگونه که طلا خالص می شود و هیچ ناخالصی در آن یافت نمی شود ما نجیبان هستیم و فرزندان ما چون فرزندان انبیاء هستند و من جانشین جانشینان و حزب خدا و فرستاده ی او هستم و گروه طغیانگر حزب شیطان است پس هر که دوست دارد حال خود را درباره محبت ما بداند پس قلب خود را بیازماید اگر در آن محبت کسی را که بر ضد ما تشویق و ترغیب می کند یافت بداند که خداوند و جبرئیل (علیه السلام) و میکائیل (علیه السلام) دشمنان او هستند و خداوند دشمن کافران است. (1)

ص: 499

دروغ میگوید کسی که با تو دشمن بوده و مرا دوست میدارد

أَخْبَرَنَا الْحَفَّارُ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ يُونُسَ الْكُوفِيُّ بِالْكُوفَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا جَدِّي هِشَامُ بْنُ يُونُسَ، قَالَ حَدَّثَنَا حُسَيْنُ بْنُ سَلِيمَانَ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ، عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: نَظَرَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِلَى عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُبْغِضُكَ وَيُحِبُّنِي.

انس می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) نگریست. پس فرمود: دروغ می گوید کسی که گمان می کند با وجود دشمنی با تو مرا دوست می دارد. (1)

وَإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَهُوَ آخِذٌ بِيَدِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَلَا يُحِبُّ هَذَا فَقَدْ كَذَبَ.

و به همین اسناد جعابی روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حالی که دست علی (علیه السلام) را در دست داشت فرمود: دروغ می گوید هر که ادعا نماید مرا دوست دارد، اگر علی (علیه السلام) را دوست نداشته باشد. (2)

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلَوَيْهِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامِ الْإِسْكَافِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْأَشْجَرِيِّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: إِنْ فِيمَنْ يَنْتَحِلُ هَذَا الْأَمْرَ لَمْ يَكْذِبْ حَتَّى يَحْتَاجَ الشَّيْطَانُ إِلَى كَذِبِهِ. إمام صادق (علیه السلام): همانا در میان کسانی که خود را به امر ولایت نسبت می دهند کسانی هستند که دروغ می گویند چنان که شیطان به دروغ آنها نیازمند می شود. (3)

ص: 500

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 12 ح 70

2- [3]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 60 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 231

3- . الأماي (للطوسي) المجلس 14 ح 81



وَ مِنْهُ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالُوا وَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) إِنَّكَ لَأَحَبُّ إِلَيْنَا مِنْ أَنْفُسِنَا وَ أَوْلَادِنَا قَالَ فَدَخَلَ حِينَئِذٍ عَلَيَّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَتَنَظَّرَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فَقَالَ

لَهُ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُبَغِضُكَ وَ يُحِبُّنِي

مناقب خوارزمی، از انس بن مالک نقل کرده است که گفت: من و جماعتی در محضر رسول خدا (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بودیم و گفتیم: به خدا سوگند ای رسول خدا! ما تو را از جانمان و فرزندانمان بیشتر دوست داریم، همزمان با این اظهار علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وارد شد، رسول اکرم (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) نگاهی پر از شفقت به روی وی نمود و فرمود: دروغ می گوید آن کس که کینه تو را در دل دارد، اما با من اظهار محبت می نماید. (1)

خدایا با دشمنان علی دشمنی کن

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ ثَابِتٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ، عَنْ مَسْلَمِ بْنِ الْمَلَاءِ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ أَنَا (أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ) وَ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيَّْ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ.

انس بن مالک می گوید: شنیدم که رسول خدا (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) در روز عید غدیر خم می فرمود: من (أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ) (2) از مومنان به خود شما سزاوارترم و دست علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را گرفت و فرمود: هر که من صاحب اختیار اویم علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) صاحب

ص: 501

1- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 294 المبحث الرابع عشر في التواعد على من ناصب عليا ع الخلافة ح 5

2- . الاحزاب آية 6

اختیار اوست. خداوندا بزرگ دار کسی که او را بزرگ می دارد و دشمنی کن با کسی که با او دشمنی کند. (1)

دشمنان ایشان

عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): (و)

مَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ) قَالَ:

أَعْدَاءُ عَلِيٍّ (عليه السلام)

هُمُ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ

منصور بن حازم گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم تفسیر آیه شریفه (و ما هم بخارجین من النار) (2) چیست، فرمود: دشمنان علی (علیه السلام) همواره در آتش هستند و در آن جاودان می مانند. (3) عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ قَالَ: عَلِيٌّ (عليه السلام) بَابِ الْهُدَى مَنْ خَالَفَهُ كَانَ كَافِرًا وَمَنْ أَنْكَرَهُ دَخَلَ النَّارَ.

محمد بن جعفر (علیه السلام) فرمود: علی (علیه السلام) باب هدایت می باشد، هر که با او مخالفت کند کافر است و هر که او را انکار نماید وارد آتش می گردد. (4)

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ السُّلَمِيِّ

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ قَالَ: نَزَلَ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) عَلَى النَّبِيِّ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ السَّلَامُ يُقْرَأُ بِكَ السَّلَامُ وَيَقُولُ مَا خَلَقْتُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَ مَا فِيهِنَّ وَ الْأَرْضَ [الْأَرْضِينَ] السَّبْعَ وَ مَا عَلَيْهِنَّ وَ مَا خَلَقْتُ مَوْضِعًا عَظِيمًا مِنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا دَعَانِي مُنْذُ خَلَقْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ ثُمَّ لَقِيَنِي جَاحِدًا لَوْلَايَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام) لَأَكْبَبْتُهُ فِي سَقَرٍ.

ص: 502

1- . الأمالي (للطوسي) المجلس 12 ح 4

2- . البقرة آية 167

3- . تفسير العياشي ج 1 ص 317 [سورة المائدة(5): آية 37] ح 101

4- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال النص 209 عقاب الناصب و الجاحد لأمر المؤمنين ع و الشاك فيه و المنكر له ح 12

امام باقر(علیه السلام) فرمودند: جبرئیل(علیه السلام) خدمت حضرت رسول فرود آمد و گفت: خداوند شما را سلام می رساند و می فرماید: من آسمان های هفت گانه را خلق کردم و زمین های هفت گانه را با همه موجودات آن آفریدم. در میان همه مخلوقات محلی محترم تر از رکن و مقام خلق نکرده ام هر بنده ای که از هنگام خلقت زمین و آسمان مرا عبادت کند و بعد از آن نزد من حاضر شود و منکر مقام و ولایت علی(علیه السلام) باشد او را در آتش خواهم انداخت. (1)

عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي عَمْرَانَ الْأَزْمَنِيِّ عَنْ ابْنِ الْبَطَّائِنِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ لَوْ جَعَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) جَمِيعَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا وَأَدْخَلَهُمُ النَّارَ ابْنُ أَبِي الْعَلَاءِ گوید: از امام صادق(علیه السلام) شنیدم فرمودند: اگر همه مردم روی زمین علی(علیه السلام) پرا انکار کنند خداوند همه را عذاب می کند و وارد آتش می سازد. (2)

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ أَعْدَاءُ عَلِيِّ (عليه السلام) هُمُ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ قَالَ اللَّهُ (وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا) ابو بصیر گوید: از امام باقر(علیه السلام) شنیدم فرمود: دشمنان علی(علیه السلام) در آتش مخلد هستند، و خداوند می فرماید: (وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا) (3)

آن ها هرگز از آن جا بیرون نمی شوند. (4)

وَقَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَنَا حُجْبَةً عَلَى خَلْقِهِ وَأَمَنَاءَ عَلَيْهِ فَمَنْ جَحَدَنَا كَانَ بِمَنْزِلَةِ إِبْلِيسَ فِي تَعْتُّبِهِ عَلَى اللَّهِ حِينَ أَمَرَهُ بِالسُّجُودِ لِأَدَمَ وَمَنْ عَرَفَنَا وَاتَّبَعَنَا كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِالسُّجُودِ لِأَدَمَ (عليه السلام) فَطَاعُوهُ

ص: 503

- 
- 1- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال النص 210 عقاب الناصب و الجاحد لأمير المؤمنين و الشاك فيه و المنكر له ح15
  - 2- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال النص 209 عقاب الناصب و الجاحد لأمير المؤمنين ع و الشاك فيه و المنكر له ح13
  - 3- . المائدة آية 37
  - 4- . تفسير العياشي ج 1 ص 317 [سورة المائدة(5): آية 37] ح100

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال ما را بر مردمان حجت قرار داد، و بر علم خود امین گردانید، هر که ما را انکار کند مانند شیطان است که از امر خداوند سرپیچیده و بر آدم(علیه السلام) سجده نکرد، و هر که از ما اطاعت کند مانند فرشتگان است که امر پروردگار را اطاعت کردند و بر آدم(علیه السلام) سجده نمودند. [\(1\)](#) دشمن تو دشمن خداست

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو ذَرٍّ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَيْمَانَ الْبَاغَنْدِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدَ الْمُؤَدَّبِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَارِثِ الْقُرَشِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمِ الطَّائِفِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْسَرَةَ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رِيَّاحٍ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِعَلِيِّ (عَلِيهِ السَّلَام) حِينَ خَلَفَهُ: أَمَا تَرْضَى أَنْ يَكُونَ عَدُوَّكَ عَدُوِّي وَأَنَّ عَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ، وَوَلِيَّكَ وَوَلِيِّي وَوَلِيُّ اللَّهِ.

رسول خدا(صلي الله عليه وآله) وقتي علي(عليه السلام) را جانشين خود ساخت فرمود: آيا خشنود نمي گروي که دشمن تو دشمن من باشد در حالي که دشمن من دشمن خداست و دوست تو دوست من باشد در حالي که دوست من دوست خداست. [\(2\)](#)

ص: 504

---

1- . الإختصاص النص 334 في أن من جحد حقهم ع كان بمنزلة إبليس ح 3

2- . الأمالي (للطوسي) المجلس 17 ح 33

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا) عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ سَلَيْمَانَ أَنَّهَا نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ ذَلِكَ أَنَّ نَفْرًا مِنْ قُرَيْشٍ كَانُوا يُؤْذُونَهُ وَ يَكْذِبُونَ عَلَيْهِ وَ دِيكَرَ آيَةٍ (وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا) (1) مقاتل بن سلیمان آورده که بعضی از قریش امیر المؤمنین (علیه السلام) را ایذا می رسانیدند و تکذیب می کردند، و بر او بهتان می نهادند این آیت نازل شد. (2)

وَ مِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ فِي مُسْنَدِهِ وَ الشَّافِعِيُّ ابْنُ الْمَغَازِلِيِّ فِي كِتَابِ الْمَنَاقِبِ مِنْ عِدَّةِ طُرُقٍ أَنَّ النَّبِيَّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ آذَى عَلِيًّا فَقَدْ آذَانِي وَ زَادَ فِيهِ ابْنُ الْمَغَازِلِيِّ عَنِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ آذَى عَلِيًّا (عليه السلام) بُعِثَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا فَقَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ

وَ إِنْ شَهِدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ يَا جَابِرُ كَلِمَةٌ يَحْتَجِرُونَ بِهَا أَنْ لَا تُسْفِكَ دِمَاؤَهُمْ وَ تُوْحَذَ أَمْوَالُهُمْ وَ أَنْ لَا يُعْطُوا (الْحِزْيَةَ عَنِ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ)

احمد بن حنبل در مسند خود و شافعی ابن مغازلی در کتاب المناقب از چند طریق روایت کرده اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای مردم هر که علی (علیه السلام) را اذیت کند مرا اذیت کرده است ای مردم! هر که علی (علیه السلام) را اذیت کند، روز قیامت یهودی یا مسیحی برانگیخته می شود پس جابر بن عبد الله انصاری گفت: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اگر چه شهادت دهند بر وحدانیت خدا و این که تو رسول خدائی؟! پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: این کلمه ای است که بهانه می آورند بر این که خون آنها ریخته نشود و اموالشان اخذ نگردد و با ذلت به دست خود جزیه ندهند. (الْحِزْيَةَ عَنِ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ) (3)

ص: 505

1- . الاحزاب آیه 58

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 322 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . الطوائف في معرفة مذاهب الطوائف ج 1 ص 75 قوله ص من آذى عليا فقد آذاني ح 96

آزار دهنده ي علي آزار دهنده ي خدا و رسولو ذَلِكَ أَنْ أَقَاوِيلَ آلِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) مُتَّصِلَةٌ بِقَوْلِ اللَّهِ وَ ذَلِكَ مِثْلُ قَوْلِهِ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا)

وَ وَجَدْنَا نَظِيرَ هَذِهِ الْآيَةِ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) مَنْ آذَى عَلِيًّا (عليه السلام) فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَى اللَّهَ وَ مَنْ آذَى اللَّهَ يُوشِكُ أَنْ يَنْتَقِمَ مِنْهُ وَ كَذَلِكَ قَوْلُهُ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ

گفتار آل پیغمبر (صلي الله عليه و آله) به گفتار خدا پیوسته است چنان که در نظیر این آیه قرآن (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا) (1) فرموده: آنان که خدا و رسولش را بیازارند در دنیا و آخرت، خدا لعنتشان کند و عذابی ذلت بار بر آنها آماده کرده. هر که علی (علیه السلام) را بیازارد مرا آزرده، و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده، و هر که خدا را بیازارد به زودی به انتقام خدا دچار شود، و در حدیث دیگر است که هر که علی (علیه السلام) را دوست دارد مرا دوست داشته، هر که مرا دوست دارد خدا را دوست داشته (2)

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله): مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا (عليه السلام) فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَ مَنْ آذَى عَلِيًّا (عليه السلام) فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: هر که علی (علیه السلام) را دوست بدارد مرا دوست می دارد و هر که علی (علیه السلام) را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و هر که علی (علیه السلام) را آزار دهد مرا آزار داده و هر که مرا آزار دهد خدا را آزار نموده (3)

ص: 506

1- . الأحزاب آية 57

2- . تحف العقول النص 459 رسالته ع في الرد على أهل الجبر و التفويض و إثبات العدل و المنزلة بين المنزلتين ح 1

3- . العدد القوية لدفع المخاوف اليومية ص 248 نبذة من أحوال أمير المؤمنين ع و كيفية شهادته

مُغْضَبًا وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ آذَى عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) [إِنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) أَوْلَكُمْ إِيمَانًا وَ أَوْفَاكُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ آذَى عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام)] بُعِثَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا فَقَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَإِنْ شَهِدَ إِلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَالَ يَا جَابِرُ كَلِمَةٌ يَحْتَجِرُونَ بِهَا إِلَّا تُسْفِكَ دِمَاؤَهُمْ وَ أَنْ لَا تُسْتَبَاحَ

أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْ لَا يُعْطُوا الْجَزِيَّةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ

رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) در حالی که خشمگین بود برخاست و فرمود: ای مردم! هر که علی (علیه السلام) را اذیت کند، مرا اذیت نموده است! چرا که علی (علیه السلام) نخستین کسی است که به خدا و رسول (صلي الله عليه و آله) ایمان آورده و به پیمان الهی پابندتر است ای مردم! هر که به هر شکل علی (علیه السلام) را آزرده نماید، روز قیامت در صف یهودیان یا نصرانیان برانگیخته می شود، جابر گفت: یا رسول الله! اگر چه به وحدانیت خداوند و رسالت شما اعتراف داشته باشد؟ رسول الله (صلي الله عليه و آله) فرمود: آری اگر شهادتین بر زبان آورید، تنها فایده اش این است که خون شما ریخته نمی شود و اموال شما برای مسلمانان مباح نمی گردد و از شما جزیه گرفته نمی شود! (اما ایمان واقعی همانا در گرو خوشنودی خدا و رسول (صلي الله عليه و آله) و علی بن ابی طالب (علیه السلام) می باشد).

(1)

خشم خدا و رسول بر آزاردهندگان عترت پیامبر و منه عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ تَعَالَى وَ غَضَبِي عَلَيَّ مِنْ أَهْرَقَ دَمِي وَ آذَانِي فِي عَثْرَتِي

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمود: خشم خداوند و خشم من بر آن کس شدت دارد که خون مرا بریزد و در باره عترتم مرا اذیت کند و آزار برساند. (2)

ص: 507

1- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 295 المبحث الرابع عشر في التواعد على من ناصب عليا ع الخلافة ح 7

2- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 293 المبحث الرابع عشر في التواعد على من ناصب عليا ع الخلافة ح 2

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْقَاسِمِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَعْلَى التَّمِيمِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَّابَةَ، عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ، عَنْ أَبِي حَرْبِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ الدُّوَلِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَقُولُ: وَاللَّهِ لَأَذُودَنَّ بِيَدَيَّ هَاتَيْنِ الْقَصِيرَتَيْنِ عَنْ حَوْضِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) أَعْدَاءَنَا، وَلَأُورِدَنَّهُ أَحِبَّاءَنَا.

امیرالمومنین (علیه السلام) می فرمود: به خدا سوگند با همین دو دست کوتاهم دشمنان را از حوض پیامبر (صلي الله عليه وآله) دور می سازم و دوستانمان را بر آن وارد می کنم. (1)

دشمن علي در آتشجابر قال: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله): لَا يَنْجُو مِنَ النَّارِ وَشِدَّةِ تَغِيْظِهَا وَزَفِيرِهَا وَ قَرْنِهَا وَ حَمِيمِهَا مَنْ عَادَى عَلِيًّا (عليه السلام) وَ تَرَكَ وَ لَآيَتَهُ، وَ أَحَبَّ مَنْ عَادَاهُ، فَقَالَتْ مَيْمُونَةُ زَوْجِ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله): وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ مِنْ أَصْحَابِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) مَنْ يُحِبُّ عَلِيًّا (عليه السلام) إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ، قَالَ: فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَاللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الْقَلِيلُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ كَثِيرٌ، وَ مَنْ تَعْرِفِينَ مِنْهُمْ؟ قَالَتْ: أَعْرِفُ أَبَا ذَرٍّ وَ الْمُقَدَّادَ وَ سَلْمَانَ،

ص: 508



وَقَدْ تَعَلَّمَ أَنِّي أَحَبُّ عَلَيَّا (عليه السلام) بِحُبِّكَ إِيَّاهُ وَنَصِيحَتِهِ لَكَ، قَالَ: فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله): صَدَقْتَ إِنَّكَ صِدِّيقَةٌ اٰمْتَحَنَ  
اللَّهُ قَلْبَكَ لِاٰيْمَانِ

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: هر که با علي (عليه السلام) دشمني ورزد و از ولايتش سرپيچي کند و يا با دشمنانش دوست باشد، از آتش جهنم و خشم و خروش آن نجات نخواهد يافت. در اين هنگام جناب ميمونه (به معنای پر خير و برکت) همسر رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمود: به خدا سوگند در ميان اصحاب شما عده ي کمي دوستدار علي (عليه السلام) هستند. حضرت فرمود: اندک از اهل ايمان، کم نيستند، بلکه فراوانند، از اين اندک دوستداران علي (عليه السلام) چه کساني را مي شناسي؟ جناب ميمونه عرضه داشتند: ابوذر، مقداد، سلمان، همچنين مي دانيد که من نيز علي (عليه السلام) را دوست دارم چون شما هم او را دوست داريد و هم او دلسوز شماست. رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمود: راست مي گويي، تو صديقه اي هستي که خداوند قلبت را براي ايمان محک زده است. (1)

ص: 509



عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: كُنْتُ عِنْدَهُ جَالِسًا فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ حَدَّثَنِي عَنْ وِلَايَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَمِنَ اللَّهُ أَوْ مِنْ رَسُولِهِ فَغَضِبَ ثُمَّ قَالَ وَيْحَكَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) أَحْوَفَ لِلَّهِ مِنْ أَنْ يَقُولَ مَا لَمْ يَأْمُرْ بِهِ اللَّهُ بَلِ افْتَرَضَهُ كَمَا افْتَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالصَّوْمَ وَالْحَجَّ. \*أبي بصير از امام باقر (عليه السلام) گوید: خدمتش نشسته بودم و مردی به او گفت: برای من باز گو که ولایت علی (عليه السلام) از طرف خدا بود یا رسول خدا (صلي الله عليه وآله) و آله) آن حضرت در خشم شد و فرمود: وای بر تو، رسول خدا (صلي الله عليه وآله) از خداوند بیشتر از آن می ترسید که بی دستور خدا سخنی گوید، بلکه خدا آن را فرض و واجب کرد، چنانچه نماز و زکاة و روزه و حج را واجب کرد. (1)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ: سَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ أَدَا حَاضِرٌ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ كَمْ عُرِجَ بِرَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَقَالَ مَرَّتَيْنِ فَأَوْفَقَهُ جَبْرِئِيلُ مَوْفِقًا فَقَالَ لَهُ مَكَانَكَ يَا مُحَمَّدٌ فَلَقَدْ وَقَفْتَ مَوْفِقًا مَا وَقَفَهُ مَلَكٌ قَطُّ وَلَا نَبِيٌّ إِنَّ رَبَّكَ يُصَلِّيُ لِي فَقَالَ يَا جَبْرِئِيلُ وَ كَيْفَ يُصَلِّيُ لِي قَالَ يَقُولُ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ أَنَا رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي فَقَالَ اللَّهُمَّ عَفْوُكَ عَفْوُكَ قَالَ وَ كَانَ كَمَا قَالَ اللَّهُ (قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى) فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا (قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى) قَالَ مَا بَيْنَ سَبْتَيْهَا إِلَى رَأْسِهَا فَقَالَ كَانَ بَيْنَهُمَا حِجَابٌ يَتَأَلَّأُ

ص: 511

يَخْفِقُ وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا وَقَدْ قَالَ زَبْرَجْدٌ فَنَظَرَ فِي مِثْلِ سَمِّ الْإِبْرَةِ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ مِنْ نُورِ الْعَظْمَةِ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مُحَمَّدُ قَالَ لَتَيْتِكَ رَبِّي قَالَ مَنْ لِأُمَّتِكَ مِنْ بَعْدِكَ قَالَ اللَّهُ أَعْلَمَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَقَائِدُ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لِأَبِي بَصِيرٍ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ مَا جَاءَتْ وَلَايَةُ عَلِيٍّ (عليه السلام) مِنَ الْأَرْضِ وَلَكِنْ جَاءَتْ مِنَ السَّمَاءِ مُشَافَهَةً.

علی بن ابی حمزه گوید: ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) پرسید و من حاضر بودم عرضه داشت: قربانت، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را چند مرتبه به معراج بردند؟ فرمود: دو مرتبه، و جبرئیل (علیه السلام) او را در مقامی نگه داشت و گفت: در جایست ای محمد! زیرا در جایی ایستاده ئی که هرگز هیچ فرشته و پیغمبری در آنجا نایستاده است، همانا پروردگارت در نماز است، فرمود: ای جبرئیل! چگونه نمازی؟ گفت: می فرماید: سبح، قدوس، منم پروردگار ملائکه و روح که رحمت بر غضبم پیشی دارد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: بار خدایا در گذشتت را خواهم، در گذشتت را خواهم، امام (علیه السلام) فرمود: و همچنان بود که خدا فرماید پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به مقام (قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى) (1) رسید، ابو بصیر به حضرت عرضه داشت: قربانت، (قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى) چیست؟ فرمود: به مقدار فاصله میان هلالی کمان تا سرش، سپس فرمود: و در میان آن دو حجابی می درخشید و خاموش می شد و به گمانم فرمود: زبر جدی بود، پس پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نور عظمت را از اندازه سوراخ سوزن تا آنچه خدا خواهد (از کمترین درجه تا بالاترین مرتبه) مشاهده فرمود: و خدای تبارک و تعالی فرمود: ای محمد! عرضه داشت: لبیک پروردگرم؛ فرمود: کیست برای امت بعد از تو؟ (رهبرشان کیست؟) عرضه داشت: خدا داناتر است، فرمود: علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، امیر مؤمنان و سرور مسلمانان و پیشوای روسفیدان، دست و پا درخشانان، سپس امام

ص: 512

صداق(علیه السلام) به ابو بصیر فرمود: ای ابا محمد! به خدا ولایت علی(علیه السلام) از زمین نیامده، بلکه شفاها از آسمان رسیده است.

(1)

ولایت علی ولایت خدا

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُوسُفَ بْنِ زِيَادٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ حَمْدَانَ  
الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ التَّمَّارِ، عَنْ أَبِي حَيَّانَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَنْ تَوَلَّى  
عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَدْ تَوَلَّانِي، وَمَنْ تَوَلَّانِي فَقَدْ تَوَلَّى اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ).

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) فرمود: هرکه ولایت و سرپرستی علي(علیه السلام) را بپذیرد سرپرستی مرا پذیرفته و هرکه سرپرستی مرا بر  
خودش بپذیرد خداوند والا را به سرپرستی خود برگزیده است. (2)

پذیرش ولایت امیرالمومنین پذیرش ولایت خدا و رسول است

وَمِنْهُ عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَوْصَى مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَنْ  
تَوَلَّاهُ فَقَدْ تَوَلَّانِي وَمَنْ تَوَلَّانِي فَقَدْ تَوَلَّى اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ)

ص: 513

1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 443 باب مولد النبي ص و وفاته ..... ح 13

2- . الأمالي (للطوسي) المجلس 12 ح 19

و هم در مناقب از عمار بن یاسر روایت می کند که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود که: وصیت می کنم کسی را که ایمان آورده به من و تصدیق کرده مرا به ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) به آن که هر که تولی کرده او را پس به تحقیق که تولی کرده به من و هر که به من تولی کرده پس به درستی که به خدای عز و جل تولی کرده. (1)

وَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) أُوصِي مَنْ آمَنَ بِي وَ صَدَّقَنِي بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

مَنْ تَوَلَّاهُ فَقَدْ تَوَلَّانِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي فَقَدْ تَوَلَّى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ از عمار بن یاسر نقل شده است که گفت: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: آن کس که به من ایمان آورده و نبوت مرا تصدیق و اذعان دارد او را به ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) سفارش و توصیه می نمایم، چرا که هر کس ولایت او را بپذیرد، ولایت و نبوت مرا قبول نموده و هر که در مسیر ولایت من قرار گرفته باشد، به ولایت پروردگار، داخل خواهد شد و خداوند از او راضی خواهد بود. (2)

شهادت بر ولایت و امارت امیرالمومنین واجبست

وَ رَوَى الْقَاسِمُ بْنُ مُعَاوِيَةَ... عَنْ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)... قَالَ أَحَدُكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) رَسُولُ اللَّهِ فَلْيَقُلْ عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هرگاه به توحید و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) گواهی دادید بر ولایت علی (علیه السلام) نیز شهادت دهید. (3)

ص: 514

- 1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 108 في محبة الرسول ص إياه و تحريضه على محبته و موالاته و نهيه عن بغضه
- 2- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 231 المبحث السادس في وجوب محبته و مودته
- 3- . الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) ج 1 ص 158 احتجاجة على جماعة كثيرة من المهاجرين و الأنصار لما تذاكروا فضلهم بما قال رسول الله من النص عليه و غيره من القول الجميل ح 4 (السطر الأخير)

از ولایت علی پرسیده میشود وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ) قَالَ عَنْ  
وَلَايَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام)

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در مورد آیه (وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ) آنان را باز دارید اینان باز پرسى بايد شوند فرمود: از ولایت علی (عليه السلام) پرسش خواهند شد. (1)

أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَحَّامُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ بْنُ هَاشِمٍ الْهَاشِمِيُّ صَاحِبُ الصَّلَاةِ بِسَرِّ مَنْ رَأَى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي هَاشِمُ بْنُ الْقَاسِمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْجَوْهَرِيُّ الْبَصْرِيُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُثَنَّى، عَنْ ثُمَامَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَنُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى جَهَنَّمَ لَمْ يَجْزُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ جَوَازٌ فِيهِ وَلَايَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى (وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ) يَعْنِي عَنْ وَلَايَةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمودند: هنگامی که قیامت فرارسد و صراط بر جهنم نصب گردد، کسی از آن نخواهد گذشت، مگر این که جوازی برای عبور داشته باشد که ولایت علی بن ابی طالب (عليه السلام) در آن ثبت شده باشد. و درباره آیه (وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ) فرمودند: از ولایت علی (عليه السلام) پرسیده می شود. (2)

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ نَاطِقَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عُمَارَةَ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ:.... ثُمَّ قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ

ص: 515

1- [1]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 59 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 222

2- . الأمالي للطوسي ص 290 المجلس الحادي عشر ح 11

الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ الصَّلَوَاتُ [عَنِ الصَّلَوَاتِ] الْمَفْرُوضَاتِ وَعَنِ الزَّكَاةِ الْمَفْرُوضَةِ وَعَنِ الصِّيَامِ الْمَفْرُوضِ وَعَنِ الْحَجِّ الْمَفْرُوضِ وَعَنِ وَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنْ أَقَرَّ بَوْلَايَتِنَا ثُمَّ مَاتَ عَلَيْهَا قُبِلَتْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَصَوْمُهُ وَزَكَاتُهُ وَحُجُّهُ وَإِنْ لَمْ يَقَرَّ بَوْلَايَتِنَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ شَيْئًا مِنْ أَعْمَالِهِ.

امام صادق(عليه السلام): چون بنده برابر خدا ایستد اول پرسش او از نمازهای واجب و از زکاة واجب و از روزه واجب و از حج واجب و از ولایت ما خاندانست و اگر معترف به ولایت ما خاندان باشد و بر آن عقیده بمیرد نماز و روزه و زکاة و حج او پذیرفته

است و اگر برابر خدا اعتراف به ولایت ما نکند خدا چیزی از اعمال او نپذیرد.(1)

ولایت امیرالمومنین جواز عبور از صراط

وَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ الشَّافِعِيُّ ابْنُ الْمَغَازِلِيِّ فِي كِتَابِهِ مِنْ عِدَّةِ طُرُقٍ بِأَسَانِيدِهَا عَنِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَالْمَعْنَى مُتَقَارِبٌ فِيهَا أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَنُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ لَمْ يَجْزُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ كِتَابٌ وَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

از مناقب ابن مغازلی باسناد خود از انس نقل می کند که گفت پیامبر اکرم(صلي الله عليه وآله) فرمود: چون در قیامت صراط را بر کنار جهنم نصب کنند از روی آن رد نمی شود مگر کسی که با خود نوشته ی ولایت علی بن ابی طالب(علیه السلام) را داشته باشد.(2)

ص: 516

1- . الأملی للصدوق ص 256 المجلس الرابع والأربعون ح 10

2- [1] الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف ج 1 ص 82 لا يجوز على الصراط أحد إلا بولاية علي ع ح 114



وَبَسَّ نَدَيْنَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الْحَوْضِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ جَاءَ بِجَوَازٍ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام)

و با دو سند از ابن عباس پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: علي (عليه السلام) روز قیامت کنار حوض کوثر است داخل بهشت نخواهد شد احدی مگر با اجازه عبور از علی بن ابی طالب (عليه السلام). (1)

حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعُبَيْيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَا عَلِيُّ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَقْعُدُ أَنَا وَأَنْتَ وَجَبْرَيْلُ عَلَى الصَّرَاطِ فَلَمْ يَجُزْ أَحَدٌ إِلَّا مَنْ كَانَ مَعَهُ كِتَابٌ فِيهِ بَرَاءَةٌ بَوْلَايَتِكَ.

سعد بن طریف از حضرت ابو جعفر (عليه السلام) نقل کرد که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: يا علي! روز قیامت من و تو و جبرئیل (عليه السلام) بر صراط می نشینیم هیچ کس از آن عبور نخواهد کرد مگر نوشته ای داشته باشد که در او برات ولایت تو باشد. (2)

ولایت علي امان از آتش استأخبرنا الحَقَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْوَاسِطِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَعْمَرِ الْكُوفِيِّ بِوَأَسِطٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْمُعَاوِيَةَ بِقَصْرِ صَبِيحٍ، قَالَ:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَنْ جَبْرَيْلَ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ مِيكَائِيلَ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ إِسْرَافِيلَ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنِ

ص: 517

1- [2]. عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار ص 300 قوله ص لعلني ع مثل علي فيكم أو قال في هذه الأمة كمثل الكعبة ح 502

2- [3]. معاني الأخبار ص 36 باب معنى الصراط ح 6

الْقَلَمِ، عَنِ اللُّوْحِ، عَنِ اللَّهِ (تَعَالَى): عَلِيٌّ حِصْنِي، مَنْ دَخَلَهُ أَمِنَ نَارِي.

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) فرمود: خدای عزوجل فرموده است: علی(علیه السلام) دژ استوار منست که هر که در آن داخل گردد از آتش من در امانست. (1)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْفَرَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى الْأَهْوَازِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَمْرٍو قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جُمُهورٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنِ النَّبِيِّ (صلي الله عليه و آله) عَنْ جَبْرِئِلَ (عليه السلام) عَنْ مِيكَائِيلَ (عليه السلام) عَنْ إِسْرَافِيلَ (عليه السلام) عَنِ اللُّوْحِ عَنِ الْقَلَمِ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ لَآيَةَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ نَارِي.

خدای تبارک و تعالی می فرماید: ولایت علی بن ابی طالب(علیه السلام) حصن من است و هر که در حصن من در آید از دوزخ من در امانست. (2) حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ جُمَلَةً قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ نَصْرِ الْأُمَوِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا سَلْمَانَ بْنُ أَحْمَدَ الْحَصْبِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَمَّارَةَ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ خَلِيفَةَ أَخُو هُوذَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي بَكْرٍ الْمَلِيكِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ شَهَابِ الزُّهْرِيُّ عَنْ نَافِعِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) قَالَ لِي جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَآيَةَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي

ص: 518

1- . الأماي للطوسي ص 353 [12] المجلس الثاني عشر ح 69

2- . الأماي للصدوق ص 235 المجلس الحادي و الأربعون ح 9

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) فرمودند: خداوند متعال فرمودند: ولایت علی بن ابی طالب(علیه السلام) حصن من است و هر که در حصن من در آید از عذاب من در امانست. (1)

و بِالْإِسْمِ نَادِ الْمُقَدَّمِ قَالَ أَخْبَرَنَا يَزِيدُ بْنُ أَبِي زِيَادٍ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) عَلِيُّ (عليه السلام) يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الْحَوْضِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ جَاءَ بِجَوَازٍ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

ابن عباس از رسول خدا(صلي الله عليه و آله) روایت می کند که فرمود: علي(عليه السلام) در روز قیامت بر سر حوض کوثر می ایستد و هیچ کس داخل بهشت نمی شود مگر آن که از جانب علي(عليه السلام) جواز عبور داشته باشد(2)

دین مورد قبول خدا

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِيرَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ حَيْدَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْكُشِّيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ، عَنْ نُوحِ بْنِ دَرَّاجٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْمُخَارِقِيِّ، قَالَ: وَصَفْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) دِينِي فَقُلْتُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه و آله)

رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) إِمَامٌ عَدْلٌ بَعْدَهُ، ثُمَّ أَحْسَنُ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام)، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)،

ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام)، ثُمَّ أَنْتَ. فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ. ثُمَّ قَالَ: اتَّقُوا اللَّهَ، اتَّقُوا اللَّهَ، اتَّقُوا اللَّهَ، عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ، وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ، وَ عِفَّةِ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ، تَكُونُوا مَعَنَا بِالرَّفِيقِ الْأَعْلَى.

ص: 519

1- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 170 [سورة آل عمران(3): آية 103] ح 181

2- . عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار النص 300 قوله ص لعلني ع مثل علي فيكم أوقال في هذه الأمة كمثل الكعبة ح 502

ابراهیم مخارق می گوید: بر امام صادق (علیه السلام) دینم را عرضه داشتیم، پس گفتم: گواهی می دهم که هیچ معبودی جز خداوند نیست، و او یگانه است و محمد (صلی الله علیه و آله) فرستاده اوست و علی (علیه السلام) امام عادل پس از اوست و آنگاه حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و سپس علی بن حسین (علیه السلام) و سپس محمد بن علی (علیه السلام) و آنگاه شما، امامان ما هستید. پس امام (علیه السلام) فرمودند: خداوند تو را رحمت کند. آنگاه سه مرتبه فرمود: از خدا بترسید. بر شما باد به پرهیزکاری و راستگویی و بازگرداندن امانت و پاکی شکم و عورت (تا از عذاب خداوند رهایی یافته) و با ما در جوار خداوند والا باشید. (1)

#### ولایت شرط قبولی اعمال

أَخْبَرَنَا أَبُو عُمَرَ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ بَزِيْعٍ، قَالَ حَدَّثَنَا قَاسِمُ بْنُ الضَّحَّاكِ، قَالَ حَدَّثَنِي شَهْرُ بْنُ حَوْشَبٍ أَخُو الْعَوَّامِ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْهَمْدَانِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) (إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا) قَالَ: وَاللَّهِ لَوْ أَنَّهُ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا، وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى وَلَايَتِنَا وَمَوَدَّتِنَا وَمَعْرِفَةِ فَضْلِنَا، مَا أَغْنَى عَنْهُ ذَلِكَ شَيْئًا.

امام باقر (علیه السلام) درباره ی آیه (إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا) (2) فرمود: به خدا سوگند اگر توبه کننده ای توبه کند و ایمان بیاورد و کردار نیک انجام دهد ولی به ولایت و دوستی و شناخت برتری ما هدایت نیابد آن کردارش او را از چیزی بی نیاز نمی سازد. (3)

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أُوفِي وَأَشْهَدَ وَأُقِرُّ وَلَا أُكْرَهُ وَلَا أَجْحَدُ وَأُسِرُّ وَأُعْلِنُ وَأُظْهِرُ وَأُبْطِنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ

ص: 520

1- . الأما لي (للطوسي) المجلس 8 ح 34

2- . مريم آية 60

3- . الأما لي (للطوسي) المجلس 10 ح 6

مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَوَارِثُ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَّمَ الدِّينَ وَ مُبِيرُ  
 الْمَشْرُوكِينَ وَ مُمَيِّرُ الْمُتَنَفِقِينَ وَ مُجَاهِدُ الْمَارِقِينَ وَ إِمَامِي وَ حُجَّتِي وَ عُرْوَتِي وَ صِدْرَاطِي وَ دَلِيلِي وَ حُجَّتِي وَ مَنْ لَا أَنْقُ بِأَعْمَالِي وَ لَوْ زَكْتُ وَ لَا  
 أَرَاهَا مُنْجِيَةً لِي وَ لَوْ صَلَّحْتُ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَ الْإِتِّمَامِ بِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِفَضَائِلِهِ وَ الْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهَا وَ التَّسْلِيمِ لِرُؤَاتِهَا

خداوندا من شهادت مي دهم و اعتراف مي کنم در پنهان و آشکار که غیر از تو خدایی نیست. تویی یگانه و بی شریک، و همانا  
 محمد (صلي الله عليه وآله) بنده و پیام آور توست و امیرالمومنین (عليه السلام) برترین اوصیاء و جانشین دانش انبیاء پرچم دین و مایه ی  
 هلاکت مشرکین و مایه ی امتحان و تمیز منافین است. او امام و حجت من و دستاویز و راه مستقیم و راهنمای من به سوی توست. او  
 کسی است که بدون ولایت و پیروی از او و اعتراف به فضائلش، به اعمال صالحم امیدی ندارم و اعمال صالحم را (بدون ولایت ایشان)  
 مایه ی نجات خویش نمی دانم. (1)

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو غَالِبٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الزُّرَّارِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ  
 أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِنَّ أَبَا أُمِيَّةَ  
 يُوسُفَ بْنَ ثَابِتٍ حَدَّثَ عَنْكَ أَنَّكَ قُلْتَ: لَا يَصْدُرُ مَعَ الْإِيمَانِ عَمَلٌ، وَ لَا يَنْفَعُ مَعَ الْكُفْرِ عَمَلٌ فَقَالَ (عليه السلام): إِنَّهُ لَمْ يَسْأَلْنِي أَبُو أُمِيَّةَ عَنْ  
 تَفْسِيرِهَا، إِنَّهَا عَنِّي بِهَذَا أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَ تَوَلَّاهُ، ثُمَّ عَمِلَ لِنَفْسِهِ بِمَا شَاءَ مِنْ عَمَلِ الْخَيْرِ قَبْلَ مِنْهُ  
 ذَلِكَ، وَ ضَوَّعَ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً، فَانْتَفَعَ بِأَعْمَالِ الْخَيْرِ مَعَ الْمَعْرِفَةِ، فَهَذَا مَا عَنِّي بِذَلِكَ، وَ كَذَلِكَ

ص: 521

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا إِذَا تَوَلَّوْا الْإِمَامَ الْجَائِرَ الَّذِي لَيْسَ مِنَ اللَّهِ (تَعَالَى). فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ: أَلَيْسَ اللَّهُ (تَعَالَى) قَالَ: (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ) (1) فَكَيْفَ لَا يَنْفَعُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ مِمَّنْ تَوَلَّى أُنْمَةَ الْجَوْرِ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): وَهَلْ تَدْرِي مَا الْحَسَنَةُ الَّتِي عَنَاهَا اللَّهُ (تَعَالَى) فِي هَذِهِ الْآيَةِ، هِيَ وَاللَّهُ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَطَاعَتُهُ، وَقَالَ (عَزَّ وَجَلَّ): (وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) (2) وَإِنَّمَا أَرَادَ بِالسَّيِّئَةِ إِتْكَارَ الْإِمَامِ الَّذِي هُوَ مِنَ اللَّهِ (تَعَالَى). ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَنْ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَجَاءَ مُنْكَرًا لِحَقِّنَا جَاهِدًا بَوْلَايَتِنَا، أَكْبَهُ اللَّهُ (تَعَالَى) يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي النَّارِ.

عمار بن موسی سابطی گفته است: به حضرت صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: همانا ابو امیه یوسف بن ثابت از شما روایت کرده که فرموده اید: با وجود ایمان، عمل بد زیان نمی رساند و با وجود کفر کردار نیک سود نمی رساند؟ حضرت فرمودند: ابوامیه تفسیرش را از من نپرسید. همانا مقصود من این بود که هرکه امام خاندان محمد (صلی الله علیه و آله) را بشناسد و سرپرستی او را بر خودش بپذیرد، سپس آنچه از عمل نیک می خواهد برای خودش عمل کند از او پذیرفته شده و برایش چندین برابر می شود و به سبب اعمال نیک همراه با معرفت سود می برد. این مقصود من بود. همچنان که خدا اعمال نیک را از بندگان پیرو امامی ستمگر که از سویی او نیست نمی پذیرد. آن گاه عبدالله بن ابو یعفور گفت: مگر خداوند والا فرموده است که: هرکه عمل نیکی کند پاداشی بهتر از آن یابد و ایشان از هراس آن روز در امانند. پس چگونه عمل نیک از کسانی که از ائمه ستمکار پیروی می کنند پذیرفته نیست؟ حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: آیا می دانی مقصود خداوند از نیکی که در این آیه فرموده چیست؟ شناخت امام و فرمانبرداری از اوست. خداوند

ص: 522

1- . النمل آیه 89

2- . النمل آیه 90

عزتمند فرموده: و هرکه عمل بدی کند به صورت در دوزخ می افتد. آیا جز بر آن چه عمل می کردید جزا خواهید دید؟ و همانا مقصود خداوند از بدی انکار امامی است که از جانب خداوند است. سپس حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: هرکه در قیامت با ولایت امامی ستمکار، که از جانب خداوند نیست و با انکار حق ما و ولایت ما بیاید خداوند والا او را با صورت در دوزخ می اندازد. (1)

از ولایت او پرسیده میشود

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ) قَالَ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ صَاحِبُ رَسُولِ اللَّهِ مَسْئُولُونَ عَنْ وَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

درباره قول خدای عزوجل (وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ) (2) ابو سعید خدری می گوید: مورد سوال قرار می گیرند درباره ی ولایت امیرالمومنین (علیه السلام). (3) وَقَوْلُهُ تَعَالَى (وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ) عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ عَنْ وَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

خدای متعال می فرماید (وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ) ای فرشتگان! آنها را متوقف سازید، زیرا مورد سؤال قرار خواهند گرفت. از ابن عباس نقل شده است که گفت: در قیامت در باره ولایت علی (علیه السلام) از همه مردم پرسش خواهد شد. (4)

ص: 523

1- . الأما لي (للطوسي) المجلس 14 ح 87

2- . الصافات آية 24

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 313 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

4- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 361 المبحث الحادي والعشرون فيما ورد من طريق الجمهور أنه نزل في أمير المؤمنين ع من القرآن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا) غَيْرُوا وَبَدَّلُوا مَا قِيلَ لَهُمْ، وَ لَمْ يَنْقَادُوا لَوْلَايَةِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) وَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

امام عسکري (عليه السلام) درباره ي آيه (فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا) (1) آنچه كه به ايشان گفته شد را، تغيير داده و عوض نمودند و به ولایت محمد (صلي الله عليه و آله) و علي (عليه السلام) و خاندان پاكشان گردن نهندند. (2) امر امامت به ستمكاران نمي رسد

أَخْبَرَنَا الْحَفَّارُ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي وَ إِسْحَاقُ بْنُ إِبرَاهِيمَ الدَّبَرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ مِينَا مَوْلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله): أَنَا دَعْوَةُ أَبِي إِبرَاهِيمَ. فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله)، وَ كَيْفَ صِرْتَ دَعْوَةَ أَبِيكَ إِبرَاهِيمَ (عليه السلام) قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) إِلَيَّ إِبرَاهِيمَ (عليه السلام) (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا) (3) فَاسْتَخَفَّ إِبرَاهِيمُ (عليه السلام) الْفَرَحَ، فَقَالَ: يَا رَبِّ، (وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي) (4) أُمَّةٌ مِثْلِي فَأَوْحَى اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) إِلَيْهِ: أَنْ يَا إِبرَاهِيمَ، إِنِّي لَا أُعْطِيكَ عَهْدًا إِلَّا أَفِي لَكَ بِهِ. قَالَ: يَا رَبِّ، مَا الْعَهْدُ الَّذِي لَا تَقِي لِي بِهِ قَالَ: لَا أُعْطِيكَ لِظَالِمٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ. قَالَ: يَا رَبِّ، وَ مَنْ الظَّالِمُ مِنْ وُلْدِي

ص: 524

1- . البقرة آية 59

2- . التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسکري عليه السلام ص 260 [سورة البقرة(2): الآيات 58 الى 62]

3- . البقرة آية 124

4- . البقرة آية 124



الَّذِي لَا يَبَالُ عَهْدَكَ قَالَ: مَنْ سَجَدَ لِيَصَنِّمَ مِنْ دُونِي لَا أَجْعَلُهُ إِمَاماً أَبَداً، وَلَا يَصِيحُّ أَنْ يَكُونَ إِمَاماً. قَالَ إِبْرَاهِيمُ: (وَاجْتَنِبِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ، رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضَلُّنَّ كَثِيراً مِنَ النَّاسِ) (1) قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): فَانْتَهَتْ الدَّعْوَةُ إِلَيَّ وَ إِلَى أَخِي عَلِيِّ لَمْ يَسْجُدْ أَحَدٌ مِنَّا لِيَصَنِّمَ قَطُّ، فَاتَّخَذَنِي اللَّهُ نَبِيًّا، وَعَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) وَصِيًّا.

رسول خدا (صلي الله عليه و آله): من خواسته ي پسر م ابراهيم (عليه السلام) هستم. ما گفتيم: اي رسول خدا! شما چگونه خواسته ي پدرتان ابراهيم (عليه السلام) شده ايد؟ حضرت فرمودند: خدای عزتمند به ابراهيم (عليه السلام) وحی کرد که من تو را براي مردم امام (عليه السلام) قرار مي دهم، ابراهيم (عليه السلام) از شادي در پوست خود نگنجيد و عرضه داشت: آيا از فرزندانم اماماني خواهد بود؟ خداوند عزوجل فرمود: اي ابراهيم! با تو پيماني نمي بندم که به آن وفادار نباشم. او عرضه داشت: پروردگارا کدام است آن پيماني که با من وفا نمي کني؟ خداوند فرمود: درباره ي ستمکاران از فرزندان با تو پيمان نمي بندم. ابراهيم (عليه السلام) عرضه داشت: پروردگارا از فرزندان من کدام ستمکار است که به پيمان تو دست نمي يابد؟ خداوند فرمود: کسي که براي بُتي سجده کرده باشد، هرگز به امامت بر نمي گزينم و سزاوار هم نيست که او امام باشد. ابراهيم (عليه السلام) عرضه داشت: مرا و فرزندانم از بندگي بت ها دور کن. خداوند! آنان بسياري از مردم را گمراه کردند. پيامبر گرامي (صلي الله عليه و آله) فرمود: و اين خواسته به من و برادرم علي (عليه السلام) ختم شد که هيچ کدام از ما هرگز به بتي سجده نکرد از اين روي خداوند مرا پيامبر (صلي الله عليه و آله) و علي (عليه السلام) را وصي قرار داد. (2)

ص: 525

1- . ابراهيم الآيات 35 و 36

2- . الأمالي (للطوسي) المجلس 13 ح 62

هرکه به ولایت و امامت علی ایمان آورد اَخْبَرَنَا الْحَفَّازُ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ الدَّعْبَلِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَلِيُّ بْنُ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ حَدَّثَنَا الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: يَقُولُ اللَّهُ: مَنْ آمَنَ بِي وَبِنَبِيِّي وَبِوَلِيِّي، أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ عَلَى مَا كَانَ مِنْ عَمَلِهِ

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) فرمودند: خدای عزوجل فرمود: هر که به من و به پیامبرم و به دوستم (علی(علیه السلام)) ایمان بیاورد، او را بر اساس عمل خویش به بهشت می برم. (1)

السَّلَامُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِكَ وَآزَرُوا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ

سلام بر مومنانی که برای ولایت توفیق کردند و اولیاء الهی را یاری رساندند. (2)

ولایت علی در قرآن

أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَحَّامُ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ هَارُونَ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الصَّمَدِ الْإِبْرَاهِيمِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) يَقُولُ فِي قَوْلِهِ (تَعَالَى) (ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً) قَالَ: فِي وَلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) (وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ) قَالَ: لَا تَتَّبِعُوا غَيْرَهُ.

محمد بن ابراهیم می گوید: از امام صادق(علیه السلام) شنیدم که درباره ی آیه (ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً) (3) ای اهل ایمان همه ی شما باهم در مقام تسلیم فرود آید فرمودند:

ص: 526

1- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 13 ح 67

2- . تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان) ج 6 ص 26 باب 8 باب زیارت ح 1

3- . البقرة آية 208

مراد از آن تسلیم در برابر ولایت حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) است و آیه (وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ) (1) از وسوسه های شیطان پیروی نکنید یعنی فقط از علی (علیه السلام) پیروی کنید و پیروی از غیر او پیروی از شیطان است. (2)

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (قُلْ إِنَّمَا أَعْطَيْتُكُمْ بِوَاحِدَةٍ) (3) فَقَالَ إِنَّمَا أَعْطَيْتُكُمْ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ (علیه السلام) هِيَ الْوَاحِدَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (إِنَّمَا أَعْطَيْتُكُمْ بِوَاحِدَةٍ) (4)

از ابی حمزه گوید: پرسیدم از امام باقر (علیه السلام) از قول خدا تعالی (قُلْ إِنَّمَا أَعْطَيْتُكُمْ بِوَاحِدَةٍ) بگو (ای محمد صلی الله علیه و آله) همانا یگانه پند را به شما می دهم فرمود: همانا به شما پند می دهم به ولایت علی (علیه السلام) این است همان پند یگانه که خدا تبارک و تعالی فرماید: همانا یگانه پند را به شما می دهم. (5)

ایمان به نبوت و ولایت علی راه ورود به بهشت

و بِهِذَا الْإِسْمِ نَادَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): يَقُولُ اللَّهُ: مَنْ آمَنَ بِي وَبِنَبِيِّي، وَتَوَلَّى عَلِيًّا (علیه السلام)، أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ عَلَى مَا كَانَ مِنْ عَمَلِهِ عَلِيٌّ بِنِيبَالٍ (علیه السلام) فرمود: خداوند عزتمند می فرماید: هر که به من و پیامبرم ایمان آورد و ولایت علی (علیه السلام) را بپذیرد من بنا بر عملش او را به بهشت می برم. (6)

ص: 527

1- . البقرة آية 168

2- . الأمالي (للطوسي) المجلس 11 ح 38

3- . سباء آية 46

4- . سباء آية 46

5- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 420 باب فيه نكت و تنف من التنزيل في الولاية ح 41

6- . الأمالي (للطوسي) المجلس 13 ح 29

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَاسِينَ التَّمَارِيُّ بِالرَّحْبَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْأَصَدِ بَعْغُ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَامِلِ الْأَسَدِيِّ الْقُرْقَسَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرِ الْأَحْمَرِ، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَعْلَى الْأَسَدِي، قَالَ حَدَّثَنِي عَمَّارُ بْنُ رُزَيْقِ الضَّبِّيِّ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ زِيَادِ بْنِ مُطَرِّفٍ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي، وَيَمُوتَ مِيتَتِي، وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) بَعْدِي، فَإِنَّهُ لَنْ يُخْرِجَكُمُ مِنْ هُدًى، وَلَنْ يُدْخِلَكُمُ فِي رَدَى.

زيد بن ارقم روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر که دوست بدارد که چون من زندگانی کند و چون من بمیرد و به بهشتی که خداوند به من وعده داده در آید، باید پس از من ولایت علی (علیه السلام) را بپذیرد، زیرا او شما را از هدایت بیرون نمی برد و به هلاکت نمی کشاند. (1)

شهادت به ولایت امیرالمومنین هنگام خلقت عالم هستی

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيهِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ سَمِعْتُ يُونُسَ بْنَ يَعْقُوبَ يَقُولُ عَنْ سِدِّيقِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ قَالَ: أَنَا أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِ نَوَّةِ اللَّهِ بِأَسْمَائِنَا إِنَّهُ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَمَرَ مُنَادِيًّا

ص: 528

فَنَادَى أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَلَاثًا أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ تَلَاثًا أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا تَلَاثًا.

امام صادق(عليه السلام): فرمود: ما اول خاندانيم كه خدا نام ما را بلند کرده چون خدا آسمان ها و زمين را آفرید به منادی دستور داد آنگاه فریاد زد أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَلَاثًا أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ سَهْ بَارَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا سَهْ بَارَ. (1)

فَقَالَ مَا هَذَا لَفُظُهُ عَنْ بُنْدَارِ بْنِ عَاصِمٍ عَمَّنْ حَدَّثَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَرْشَ خَلَقَ مَلَكَيْنِ فَكَتَبَ لَهُ فَقَالَ اللَّهُ هَذَا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَشَهِدَا هَذَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُ هَذَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُ هَذَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُ هَذَا أَنْ عَلِيًّا (عليه السلام) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَشَهِدَا

عبد الله بن سنان از حضرت صادق(عليه السلام) نقل کرد وقتی خداوند عرش را آفرید دو ملك خلق کرد عرش را در برگرفتند به آن ها فرمود: گواهی دهید كه خدائی جز من نیست سپس فرمود: گواهی دهید محمد(صلي الله عليه و آله) رسول خداست، شهادت دادند سپس فرمود: شهادت دهید كه علی(عليه السلام) امير المؤمنین است پس شهادت دادند. (2)

ص: 529

1- [1] الأما لي للصدوق ص 604 المجلس الثامن و الثمانون ح 4

2- [2] اليقين باختصاص مولانا علي عليه السلام بأمرة المؤمنين ص 232 باب 72 الباب فيما ذكره من كتاب الإمامة بالأسانيد الصحاح في شهادة ملكين بأن عليا ع أمير المؤمنين عند خلق العرش



حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْجَلِيلُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَزْشِدُنِي إِلَى النَّجَاةِ فَقَالَ يَا ابْنَ سَمُرَةَ إِذَا اخْتَلَفَتِ الْأَهْوَاءُ وَتَفَرَّقَتِ الْأَمْرَاءُ فَعَلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَإِنَّهُ إِمَامٌ أُمَّتِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِي وَهُوَ الْفَارُوقُ الَّذِي يُمَيِّزُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ مَنْ سَأَلَهُ أَجَابَهُ وَمَنْ اسْتَشْرَفَهُ أَزْشَدَّهُ وَمَنْ طَلَبَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِهِ وَجَدَهُ وَمَنْ التَّمَسَّ الْهُدَى لَدَيْهِ صَادَفَهُ وَمَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ أَمِنَهُ وَمَنْ اسْتَمْسَكَ بِهِ نَجَاهُ وَمَنْ افْتَدَى بِهِ هَدَاهُ يَا ابْنَ سَمُرَةَ سَلِمَ مَنْ سَلِمَ لَهُ وَالْآلَةُ وَهَلَكَ مَنْ رَدَّ عَلَيْهِ وَعَادَاهُ يَا ابْنَ سَمُرَةَ إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي رُوحُهُ مِنْ رُوحِي وَطِينَتُهُ مِنْ طِينَتِي وَهُوَ أَخِي وَأَنَا أُخُوهُ وَهُوَ زَوْجُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَابْنَهُ إِمَامًا أُمَّتِي وَسَيِّدًا شَدَّ بَابَ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَتِسْعَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تَأْسِعُهُمْ قَائِمٌ أُمَّتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا.

عبد الرحمن بن سمرة گوید عرض کردم یا رسول الله (صلي الله عليه وآله) مرا به نجات رهبری کن فرمود: ای پسر سمرة گاهی که هواها مختلف و رأی ها متفرق شد ملازم علی بن ابی طالب (عليه السلام) باش که او امام (عليه السلام) است و خلیفه بر شما است بس از من او است فاروق که تشخیص دهد میان حق و باطل هر که از او پرسد پاسخ گوید و هر

که ره جوید رهش نماید هر که حق نزد او طلبد بیابد و هر که هدایت پیش او جوید بر خورد هر که بدو پناهد آسوده اش سازد و هر که به او متمسک شود نجاش دهد هر که به او اقتداء کند رهبریش کند ای پسر سمره سالم ماند هر که تسلیم او گردد و دوستش دارد نابود است هر بر او رد کند و دشمنش دارد ای پسر سمره براستی علی از منست و روحش از روح منست و گلش از گل من، او برادر من و من برادر اویم او شوهر دختر من فاطمه (علیها السلام) بهترین زنان جهانیاست از اولین تا آخرین دو پسرش امام امت منند و دو سید جوانان اهل بهشت که حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) باشند با نه امام از فرزندان حسین (علیه السلام) که نهم آنها قائم (علیه السلام) آنها است در امتم و پر کند زمین را از عدل و داد چنانچه پر شده از ظلم و بیداد و صلی الله علی محمد و آله اجمعین. (1)

حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) بِقَمٍّ فِي رَجَبِ سَنَةِ تِسْعٍ وَثَلَاثِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ يَاسِرِ الْحَادِمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا (علیه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَا عَلِيُّ (علیه السلام) يَا عَلِيُّ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَنْتَ بَابُ اللَّهِ وَ أَنْتَ الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْتَ النَّبَأُ الْعَظِيمُ وَ أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ أَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى يَا عَلِيُّ أَنْتَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ وَ سَيِّدُ الصِّدِّيقِينَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَ أَنْتَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ يَا عَلِيُّ أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَ أَنْتَ قَاضِي دِينِي وَ أَنْتَ مُنْجِزُ عِدَاتِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمَظْلُومُ بَعْدِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمُفَارِقُ بَعْدِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمَحْجُورُ بَعْدِي أَشْهَدُ اللَّهُ تَعَالَى وَ مَنْ حَضَرَ مِنْ أُمَّتِي أَنَّ حِزْبَكَ حِزْبِي وَ حِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ وَ أَنَّ حِزْبَ أَعْدَائِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ.

ص: 532



رسول خدا (صلي الله عليه وآله) به علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: یا علی! تو حجت خدائی و تو باب (تقرّب) به خدائی، و تورا به سوی خدائی، و توئی نبأ عظیم، و توئی صراط مستقیم حق، و توئی مثل اعلاى الهی، یا علی! توئی امام مسلمین و امیر مومنین، و بهترین وصیین، و اشرف صدیقین، یا علی (علیه السلام) توئی فاروق اعظم (جداکننده حق از باطل) و توئی صدیق اکبر، یا علی (علیه السلام) توئی جانشین من بر امت، و توئی اداکننده دیون من و توئی انجام دهنده وعده های من، یا علی (علیه السلام) تو هستی که پس از من مظلوم خواهی شد و مورد ستم قرار خواهی گرفت، یا علی (علیه السلام) توئی که پس از من از تو کناره جویند، یا علی (علیه السلام) توئی که پس از من محجور و خانه نشین گردی، خدا را گواه می گیرم و هر که را که حضور دارد از امت من که حزب تو حزب من است و حزب من حزب خداست، و حزب دشمنان تو حزب شیطان است. (1)

وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ (صلي الله عليه وآله) يَقُولُ فِي عَلِيٍّ (علیه السلام) أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَنْتَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ وَأَنْتَ الْفَارُوقُ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَأَنْتَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الْكَافِرِينَ

از ابو ذر غفاری علیه الرحمه روایت شده که وی گفت از پیغمبر (صلي الله عليه وآله) شنیدم درباره ی علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرمود: ای علی (علیه السلام) تو اولین کسی هستی که به من ایمان آوردی و اولین فردی خواهی بود که در روز قیامت با من مصافحه می کنی و توئی بزرگترین راستگویان، و توئی فروق که بین حق و باطل را از هم جدا می کنی، و تو پیشوای اهل ایمانی و مال و ثروت پیشوای کافران است. (2)

أَبَانٌ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ قَالَ صَدِّدُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) الْمُنْبَرُ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا الَّذِي فَقَّأْتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَ لَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِيَّ عَلَيْهَا غَيْرِي وَإِنَّمَا اللَّهُ لَوْ لَمْ أَكُنْ فِيكُمْ لَمَا قُوتِلَ أَهْلُ الْجَمَلِ وَلَا أَهْلُ صِفِّينَ وَلَا أَهْلُ

ص: 533

- 
- 1- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 6 باب 30 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المنشورة ح 13  
 2- . إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القديمة) النص 183 الفصل الأول في ذكر نبذ من خصائصه التي لا يشركه فيها غيره

النَّهْرَوَانِ [وَإِنَّمَا اللَّهُ] لَوْلَا أَنْ تَتَكَلَّمُوا وَتَدْعُوا الْعَمَلَ لَحَدَّثْتُمْ بِمَا قَضَى اللَّهُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ (صلي الله عليه وآله) لِمَنْ قَاتَلَهُمْ مُسْتَبْرَأً فِي صَلَاةٍ لِيَتَّعِبُوا عَارِفًا بِالْهُدَى الَّذِينَ حُنَّ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ سَلُونِي [عَمَّا شِئْتُمْ] قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَوَاللَّهِ إِنِّي بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّْي بِطُرُقِ الْأَرْضِ أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْلَى السَّابِقِينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَخَاتَمُ الْوَصِيِّينَ وَوَارِثُ النَّبِيِّينَ وَخَلِيفَةُ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَنَا دَيَّانُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَسِيمُ اللَّهِ بَيْنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَأَنَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ وَالْفَارُوقُ الَّذِي أَفَرَّقَ بَيْنَ الْحَقِّ

وَالْبَاطِلِ وَإِنَّ عِدِّي عِلْمُ الْمَنَآيَا وَالْبَلَايَا وَفَصْلُ الْخِطَابِ وَمَا مِنْ آيَةٍ [نَزَلَتْ] إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُ فِيهَا نَزَلَتْ وَأَيْنَ نَزَلَتْ وَعَلَى مَنْ نَزَلَتْ أَيُّهَا النَّاسُ [إِنَّهُ وَشَيْكُ أَنْ تَفْقِدُونِي] إِنِّي مُفَارِقُكُمْ وَإِنِّي مَيِّتٌ أَوْ مَقْتُولٌ مَا يَنْتَظِرُ أَشْقَاهَا أَنْ يَخْضِبَهَا مِنْ فَوْقِهَا يَعْنِي لِحْيَتَهُ مِنْ دَمِ رَأْسِهِ وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّ وَبَرَأ النَّسَمَةَ لَا تَسْأَلُونِي مِنْ فِتْنَةٍ تَبْلُغُ ثَلَاثِمِائَةَ فَمَا فَوْقَهَا فِيمَا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ قِيَامِ السَّاعَةِ إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِسَائِقِهَا وَقَائِدِهَا وَنَاعِقِهَا وَبِحَرَابِ الْعَرَصَاتِ مَتَى تَخْرُبُ وَمَتَى تَعْمُرُ بَعْدَ خَرَابِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

ابان از سلیم بن قیس چنین نقل می کند: امیر المؤمنین (علیه السلام) بر فراز منبر قرار گرفت و حمد و ثنای الهی بجا آورد و فرمود: ای مردم، من آن کسی هستم که چشم فتنه را از جا کندم و کسی جز من جرات آن را نداشت. به خدا قسم اگر من در میان شما نبودم با اهل جمل و اهل صفین و اهل نهروان مقابله نمی شد. به خدا قسم اگر نبود ترس از اینکه فقط سخن بگوئید و عمل را رها کنید به شما خبر می دادم از آنچه خداوند بر لسان پیامبرش مقدر کرده برای آنان که با بصیرت در گمراهی آنان و با معرفت به هدایتی که ما بر آن هستیم با ایشان بجنگد. سپس فرمود: در باره هر چه می خواهید از من پرسید قبل از آنکه مرا نیاید. به خدا قسم من به راه های آسمان از

راه های زمین آگاهترم. من یعسوب مؤمنان و اولین نفر از سابقین و امام متقیان و خاتم جانشینان و وارث پیامبران و خلیفه رب العالمین هستم. من جزا دهنده مردم در روز قیامت و قسمت کننده از طرف خداوند بین اهل بهشت و آتش هستم. منم صدیق اکبر و فاروقی که حق را از باطل جدا می کنم. منم که نزد من علم منایا و بلایا و فصل خطاب است. هیچ آیه ای نازل نشده مگر آنکه می دانم در باره چه نازل شده و در کجا نازل شده و بر چه کسی نازل شده است. ای مردم، انتظار می رود که مرا از دست بدهید، و من از شما جدا خواهم شد. من یا می میرم و یا کشته می شوم شقی ترین امت زمان زیادی منتظر نمی ماند تا اینکه این را از بالای آن خضاب کند (یعنی محاسنم را از خونسرم خضاب کند) قسم به آنکه دانه را شکافت و مردم را آفرید از من درباره ی هیچ فرقه ای که بین شما و قیام روز قیامت باشند سؤال نمی کنید مگر آنکه در باره پیشوا و رهبر و سرپرست آن ها به شما خبر می دهم. همچنین از خرابی بناها که چه موقع خراب می شود و چه موقع پس از خرابی دوباره تا قیامت آباد خواهد شد. (1)

فَرَأَتْ قَالِ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَيْمِمٍ الْمِثَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحْرَزٍ الْخُرَاسَانِيُّ عَنْ [قال حدثنا] عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ [عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ] (عليه السلام) [أَنَا أُودِي مِنَ النَّبِيِّ إِلَى الْوَصِيِّ وَمِنَ الْوَصِيِّ إِلَى النَّبِيِّ وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَأَنَا أَقْضِي دِينَهُ وَأُنْجِزُ عِبَادَتَهُ وَقَدْ مَدَّ أَصْطَفَانِي رَبِّي بِالْعِلْمِ وَالظَّفَرِ وَقَدْ وَفَدْتُ إِلَى رَبِّي اثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَفَادَةً فَعَرَفَنِي نَفْسَهُ وَأَعْطَانِي مَفَاتِيحَ الْغَيْبِ ثُمَّ قَالَ يَا قَنْبَرُ مَنْ عَلَى الْبَابِ [بِالْبَابِ] قَالَ مَيْمِمُ التَّمَارُ مَا تَقُولُ إِنْ أَحَدْتِكَ فَإِنْ أَخَذْتَهُ كُنْتُ مُؤْمِنًا وَإِنْ تَرَكْتَهُ كُنْتُ كَافِرًا [ثُمَّ] قَالَ أَنَا الْفَارُوقُ الَّذِي أَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ أَنَا أُدْخِلُ أَوْلِيَانِي الْجَنَّةَ وَأَعْدَائِي النَّارَ أَنَا قَالَ اللَّهُ (هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ

ص: 535

تُرْجَعُ الْأُمُورُ (1) (بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ) (2)

حضرت علي (عليه السلام): من فاروقی هستم که بین حق و باطل جدایی می افکنم و اولیای خود را وارد بهشت می کنم. و دشمنانم را در آتش داخل کنم همان که خداوند در قرآن کریم می فرماید (هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ) (بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ). (3)

وَقَدْ قَالَ هُوَ أَنَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَأَنَا الْفَارُوقُ الْأَوَّلُ أَسَدٌ لَمْتُ قَبْلَ إِسْلَامِ النَّاسِ وَصَلَّيْتُ قَبْلَ صَلَاتِهِمْ. نیز امیرالمومنین (عليه السلام) فرموده است: من صدیق اکبرم من فاروق اعظم هستم که قبل از همه مردم اسلام آوردم و نماز خواندم. (4)

أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَمِيْعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: مَا جَاءَ بِهِ عَلِيُّ (عليه السلام) أَخَذَ بِهِ وَمَا نَهَىٰ عَنْهُ أَنْتَهِيَ عَنْهُ جَرَىٰ لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مِثْلُ مَا جَرَىٰ لِمُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَ لِمُحَمَّدٍ (صلي

الله عليه وآله) الْفَضْلُ عَلَىٰ جَمِيْعٍ مَنِ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْمُتَعَقَّبُ عَلَيْهِ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْكَامِهِ كَالْمُتَعَقَّبِ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ (صلي الله عليه وآله) وَ الرَّادُّ عَلَيْهِ فِي صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ عَلَىٰ حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُوتَىٰ إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلَهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَ بِغَيْرِهِ هَلَكَ وَ كَذَلِكَ يَجْرِي الْأَيْمَةُ الْهُدَىٰ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَىٰ مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الشَّرَىٰ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) كَثِيرًا مَا يَقُولُ أَنَا قَسِيمُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ أَنَا الْفَارُوقُ الْأَكْبَرُ وَ أَنَا صَاحِبُ الْعَصَا وَ الْمِيسَمِ وَ لَقَدْ أَفَرَّتْ لِي جَمِيْعُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ وَ الرُّسُلُ بِمِثْلِ مَا أَقْرُوا

ص: 536

1- . البقرة آية 210

2- . البقرة آية 248

3- . تفسير فرات الكوفي ص 67 [سورة البقرة (2): آية 210] ح 37

4- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 41 ص 152 باب 107 جوامع مكارم أخلاقه و آدابه و سننه و عدله و حسن سياسته صلوات الله عليه

بِهِ لِمُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ لَقَدْ حُمِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَمُولَتِهِ وَ هِيَ حَمُولَةُ الرَّبِّ وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يُدْعَى فَيُكْسَى وَ أُدْعَى فَأُكْسَى وَ يُسْتَنْطَقُ وَ أُسْتَنْطَقُ فَانْطِقْ عَلَى حَدِّ مَنْطِقِهِ وَ لَقَدْ أُعْطِيتُ خِصَالًا مَا سَبَقَنِي إِلَيْهَا أَحَدٌ قَبْلِي عَلَّمْتُ الْمَنَائِيَا وَ الْبَلَايَا وَ الْأَنْسَابَ وَ فَصَلَ الْخِطَابِ فَلَمْ يُفْتِنِي مَا سَبَقَنِي وَ لَمْ يَعْزُبْ عَنِّي مَا غَابَ عَنِّي أُبَشِّرُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُؤَدِّي عَنْهُ كُلَّ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ مَكْنَنِي فِيهِ بِعِلْمِهِ.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آنچه علی (علیه السلام) آورده انجام می دهد و از آنچه نهی فرموده باز می ایستد، برای او همان فضیلت آمده که برای محمد (صلی الله علیه و آله) آمده و محمد (صلی الله علیه و آله) را بر تمام مخلوق خدای عز و جل فضیلت است، خرده گیر بر حکمی که علی آورده مانند خرده گیر بر خدا و رسولش باشد و کسی که در موضوعی کوچک یا بزرگ علی (علیه السلام) را رد کند در مرز شرك به خداست، امیر المؤمنین (علیه السلام) باب منحصر به فرد خدانشناسی است و راه به سوی خداست، هر که جز آن پوید هلاک شود و این امتیازات همچنین برای ائمه هدی یکی پس از دیگری جاریست. خدا ایشان را ارکان زمین قرار داده تا اهلش را نجنباند [اختلال نظام و سرگردانی عمومی پیش نیاید] و حجت رسای خویش ساخت برای مردم روی زمین و زیر خاک (مردگان یا ساکنان آن روی زمین) خود امیر المؤمنین (علیه السلام) بسیار می فرمود: من از طرف خدا قسمت کننده بهشت و دوزخم (میان آن دو مکان ایستاده موالیانم را به بهشت و دشمنانم را به دوزخ راهنمایی می کنم) و من بزرگترین فرق گذارم (میان حق و باطل یا میان بهشتی و دوزخی) و من صاحب عصا و میسمم، تمام ملائکه و روح القدس و پیمبران به فضیلت من اقرار نمودند چنان که به فضیلت محمد (صلی الله علیه و آله) اقرار کردند. مرا بر مسندی مانند مسند او نشانیده اند و آن مسند (هدایت و خلافت) خدائی ست [مرکوب من در قیامت همان مرکوب پیغمبر و از جانب خداست] رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (در قیامت) خوانده شود و جامه در بر شود من هم خوانده شوم و جامه در بر شوم، او باز پرسى شود و

من هم بازپرسی شوم و طبق گفته او سخن گویم، به من خصلت هائی عطا شده که هیچ کس نه سبب به آنها بر من پیشی نگرفته است: مرگ مردم و بلاها و نژادها و فصل الخطاب (قرآن یا تشخیص حق از باطل) را می دانم، آنچه پیش از من بوده از دستم نرفته و آنچه نزد من حاضر نیست (از امور آینده) بر من پوشیده نیست، به اجازه خدا بشارت می دهم و از جانب او ادای وظیفه می کنم، همه اینها از طرف خداست که او به علم خود مرا نسبت به آنها توانا ساخته است. (1)

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ شَدَّ بَابِ الصَّيْرِ فِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ الْأَعْرَجِيُّ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ سُلَيْمَانُ بْنُ خَالِدٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَأَبْتَدَأْنَا فَقَالَ يَا سُلَيْمَانُ مَا جَاءَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليها السلام) يُؤْخَذُ بِهِ وَ مَا نَهَى عَنْهُ يُنْتَهَى عَنْهُ جَرَى لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مَا جَرَى لِرَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) وَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صلي

الله عليه و آله) الْفَضْلُ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ الْمُعَيَّبُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْكَامِهِ كَالْمُعَيَّبِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَلَى رَسُولِهِ (صلي الله عليه و آله) وَ الرَّأدُ عَلَيْهِ فِي صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بَابِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلَهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَ بَعْدَهُ هَلَكَ وَ بِذَلِكَ جَرَتْ الْأُمَّةُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَ الْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى وَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنَا قَسِيمُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ أَنَا الْفَارُوقُ الْأَكْبَرُ وَ أَنَا صَاحِبُ الْعَصَا وَ الْمِيسَمِ وَ لَقَدْ أَقَرَّتْ لِي جَمِيعُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ بِمِثْلِ مَا أَقَرَّتْ لِمُحَمَّدٍ (صلي

الله عليه و آله) وَ لَقَدْ حُمِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَمُولَةِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) وَ هِيَ حَمُولَةُ الرَّبِّ وَ إِنَّ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه و آله) يُدْعَى فَيُكْسَى وَ يُسْتَنْطَقُ وَ أُدْعَى فَأُكْسَى وَ أُسْتَنْطَقُ فَأَنْطَقُ عَلَى حَدِّ مَنْطِقِهِ وَ لَقَدْ أُعْطِيتُ خِصَالًا لَمْ

ص: 538

يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي عُلِّمْتُ عِلْمَ الْمَنَائِيَا وَ الْبَلَايَا وَ الْأَنْسَابِ وَ فَضْلَ الْخِطَابِ فَلَمْ يَفْتِنِي مَا سَبَقَنِي وَ لَمْ يَعْزُبْ عَنِّي مَا غَابَ عَنِّي أُبَشِّرُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُؤَدِّي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كُلَّ ذَلِكَ مَكَّنَنِي اللَّهُ فِيهِ بِإِذْنِهِ.

سعید اعرج گوید: من و سلیمان بن خالد خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدیم، حضرت آغاز سخن نمود و فرمود: ای سلیمان هر امری که از امیر المؤمنین (علیه السلام) رسیده باید اخذ شود و از هر چه نهی فرموده باید ترک شود، برای او همان فضیلت است که برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را بر تمام مخلوق خدا فضیلت است، کسی که نسبت به چیزی از احکام او عیب گیرد مانند کسیست که بر رسول خدا (صلی

الله علیه و آله) عیب گرفته است و هر که او را در امری کوچک یا بزرگ رد کند در مرز شرک به خداست. امیر المؤمنین دریست که از غیر آن به خدا نتوان رسید و راه به سوی خداست که هر که جز آن پوید هلاک شود و همچنین است مقام ائمه یکی پس از دیگری، خدا ایشان را ارکان زمین قرار داد تا اهلش را نجنباند، و حجت رسای خویش نمود بر کسانی که روی زمین و زیر خاکند و امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: من از طرف خدا قسمت کننده میان بهشت و دوزخم (و همچنین بقیه روایت را مانند روایت پیش نقل می کند). (1)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّيَّاحِيُّ عَنْ أَبِي الصَّامِتِ الْحُلَوَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: فَضَّلُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَا جَاءَ بِهِ أَخَذُ بِهِ وَ مَا نَهَى عَنْهُ أَنْتَهِيَ عَنْهُ جَرَى لَهُ مِنَ الطَّاعَةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) مَا لِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) وَ الْفَضْلُ لِمُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) الْمُتَقَدِّمُ بَيْنَ يَدَيْهِ كَالْمُتَقَدِّمِ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْمُتَفَضَّلُ عَلَيْهِ كَالْمُتَفَضَّلِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) وَ الرَّادُّ عَلَيْهِ فِي صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ

ص: 539

بِاللَّهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بَابُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَسَبِيلُهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَهُ وَصَلَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَذَلِكَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) مِنْ بَعْدِهِ وَجَرَى لِلْأَيْمَةِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَعُمَدَ الْإِسْلَامِ وَرَابِطَةً عَلَى سَبِيلِ هُدَاهُ لَا يَهْتَدِي هَادٍ إِلَّا بِهِدَاهُمْ وَلَا يَضِلُّ خَارِجٌ مِنَ الْهُدَى إِلَّا بِتَقْصِيرٍ عَنْ حَقِّهِمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى مَا أَهْبَطَ مِنْ عِلْمٍ أَوْ عُذْرٍ أَوْ نُذْرٍ وَالْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ يَجْرِي لِأَخْرِهِمْ مِنَ اللَّهِ مِثْلُ الَّذِي جَرَى لِأَوْلِيهِمْ وَلَا يَصِلُ أَحَدٌ إِلَى ذَلِكَ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنَا قَسِيمُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ لَا يَدْخُلُهَا دَاخِلٌ إِلَّا عَلَيَّ حَدِّ قَسَمِي وَأَنَا الْفَارُوقُ الْأَكْبَرُ وَأَنَا الْإِمَامُ لِمَنْ بَعْدِي وَالْمُؤَدِّي عَمَّنْ كَانَ قَبْلِي لَا يَنْقُذُنِي أَحَدٌ إِلَّا أَحْمَدُ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَإِنِّي وَإِيَّاهُ لَعَلَى سَبِيلٍ وَاحِدٍ إِلَّا أَنَّهُ هُوَ الْمَدْعُوبُ بِاسْمِهِ وَلَقَدْ أُعْطِيَ السِّتَّ عِلْمَ الْمَنَائِيَا وَالْبَلَايَا وَالْوَصَايَا وَفَصَلَ الْخِطَابِ وَإِنِّي لَصَاحِبُ الْكِرَاتِ وَدَوْلَةِ الدُّوَلِ وَإِنِّي لَصَاحِبُ الْعَصَا وَالْمِيسَمِ وَالِدَابَّةِ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: فضیلت امیر المؤمنین (علیه السلام) اینست که هر چه آورده من به آن عمل می کنم و از هر چه نهی کرده ترک می کنم، اطاعت او بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همان اطاعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و فضیلت برای محمد (صلی الله علیه و آله) است، هر که از او پیش افتد چون کسی است که از خدا و رسولش پیش افتاده و کسی که بر او برتری جوید مانند کسی است که بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برتری جسته و هر که در امر کوچک یا بزرگی او را رد کند در مرز شرک بخداست، زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) باب منحصر معرفت خدا بود، و راهی بود که هر که آن را پوید به خدای عز و جل رسد و همچنین است امیر المؤمنین (علیه السلام) پس از وی و ائمه یکی پس از دیگری هم به همین روشند، خدای



عز و جل ایشان را ارکان زمین مقرر فرموده تا اهلش را نلرزاند و ستون های اسلام و مرزدار راه هدایت ساخته. کسی جز با هدایت ایشان هدایت نشود و کسی که از طریق هدایت خارج شده و گمراه گشته فقط به واسطه ی تقصیر در حق آنهاست، آنها بر علم و عذر و بیمی که خدا (در قرآش) نازل کرده امینند، و حجت رسا بر مردم روی زمینند، برای آخرین آن ها از جانب خدا جاری شود مثل آنچه برای نخستینشان جاری بود (همگی در علم و وجوب اطاعت و سایر کمالات برابرند) و کسی جز به یاری خدا بدین درجه نرسد، امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: من در میان بهشت و دوزخ مقسم خدایم، کسی جز طبق تقسیم من به بهشت یا دوزخ نرود، من پیشوای مردم پس از خود و رساننده از جانب پیش از خود (پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)) می باشم، کسی جز احمد (صلی الله علیه و آله) بر من پیشی ندارد و من و او در یک روشیم، جز اینکه نبوت تنها به نام اوست، و به من شش فضیلت عطا شده است، علم آجال و مرگ ها، علم بلاها، علم وصایا (آنچه اوصیاء پیغمبران می دانند)، فصل الخطاب (قرآن یا داوری میان حق و باطل و یا بیان و سخن واضح)، و من صاحب کرات (حمله های مشهور میدان جنگ یا عالم به حوادث و وقایع گذشته و آینده) و دولت حاکم بر همه دولت هایم، و من صاحب عصا و میسم و جنبنده ای که با مردم سخن گوید می باشم. (1)

ص: 541



هرکه از ولایت علی روی بگرداند عذاب سختی خواهد داشت

(لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَاباً صَعَدًا)<sup>(1)</sup>

تا در این باره آنان را بیازماییم، و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، وی را در قید عذابی [روز] افزون در آورد.

فَرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَدَائِنِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ غُرَابٍ، عَنِ الْكَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ) قَالَ: ذِكْرُ رَبِّهِ وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ وَعَلَى أَوْلَادِهِ السَّلَامُ.

حسین بن علوان از علی بن غراب و او از کلبی و او از ابی صالح نقل کرد، ابن عباس مفسر مشهور در تفسیر آیه کریمه (وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ) <sup>(2)</sup> گفت: ذکر رب یعنی ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و ولایت اولاد گرامی اش. و هر که از ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) روی بگرداند، او را عذابی شدید فرا خواهد رسید. <sup>(3)</sup> عذابی که بر منکر ولایت علی نازل شد

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الشَّيْرَازِيُّ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ الْجَرَجَرِيُّ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَهْلٍ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ مَوْلَى الْأَنْصَارِيِّ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَيُّوبَ الْوَاسِطِيُّ، عَنْ سُهَيْبَانَ بْنِ عُبَيْنَةَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ (عليه السلام) قَالَ لَمَّا نَصَبَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) عَلِيًّا (عليه السلام) يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَقَالَ: مَنْ

ص: 543

1- . الجن آية 17

2- . الجن آية 17

3- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 2 ص 386 [سورة الجن (72): آية 17] ح 1035

كُنْتُ مَوْلَاَهُ فَعَلَيْتِي (عليه السلام) مَوْلَاهُ. طَارَ ذَلِكَ فِي الْبِلَادِ، فَقَدِمَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) النُّعْمَانُ بْنُ الْحَرْثِ الْفَهْرِيُّ فَقَالَ: أَمَرْتَنَا عَنِ اللَّهِ أَنْ نَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَأَمَرْتَنَا بِالْجِهَادِ وَالْحَجِّ وَالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ فَقَبِلْنَاهَا مِنْكَ، ثُمَّ لَمْ تَرْضَ حَتَّى نَصَبْتَ هَذَا الْغُلَامَ فَقُلْتَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ، فَهَذَا شَيْءٌ مِنْكَ أَوْ أَمْرٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ قَالَ: أَمْرٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ قَالَ: اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِنَّ هَذَا مِنْ اللَّهِ. قَالَ: فَوَلَّى النُّعْمَانُ وَهُوَ يَقُولُ: [اللَّهُمَّ] (إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ آتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ) (1) فَرَمَاهُ اللَّهُ بِحَجَرٍ عَلَى رَأْسِهِ فَقَتَلَهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى (سَأَلَ سَائِلٌ)

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: وقتی در روز غدیر خم، رسول الله (صلي الله عليه وآله) مرا به جانشینی نصب کرد و فرمود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتِي (علیه السلام) مَوْلَاهُ هرکه من مولای اویم علی (علیه السلام) مولای اوست و این خبر در اطراف و اکناف منتشر شد. نعمان بن حرث فهري وقتی خبر غدیر را شنید به نزد رسول الله (صلي)

الله عليه وآله) آمد و گفت: یا محمد! ما را امر کردی بگویم اَمَرْتَنَا عَنِ اللَّهِ أَنْ نَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي)

الله عليه وآله) بگوید خدایي جز خدایي یگانه نیست و محمد رسول خداست پس تو را اطاعت کردیم. آن گاه دستور دادی جهاد و حج و نماز و زکات و روزه به جای آوریم همه اینها را قبول کردیم، ولی تو به این همراضی نشدی، سپس این غلام (علی بن ابی طالب) (علیه السلام)) را به عنوان جانشین خود نصب کردی و گفتم: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ اما از تو سؤالی می کنم. آیا این کار از طرف توست یا از جانب خدای تو؟ مصطفی (صلي)

الله عليه وآله) دوباره تکرار فرمود: به آن خدایی که غیر او معبودی نیست انتخاب علی (علیه السلام) از جانب خدای بی همتا بود. نعمان از نزد رسول الله (صلي الله عليه وآله) بازگشت، در حالی که عصبانی و ناراضی بود و با خود

ص: 544

می گفت: خدایا اگر این کار و نصب علی (علیه السلام) بر حق است. مرا طاقت پذیرش آن نیست از آسمان سنگی یا عذابی دردناک بر من بفرست. بی درنگ خدای جبار سنگی آتشین بر سرش کوبید و هلاکش کرد. آن گاه آیات (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ) (1) بر نبی (صلی الله علیه و آله) نازل شد. (2)

و [وَرَدَ أَيْضًا] فِي الْبَابِ عَنْ حُذَيْفَةَ، وَ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ، وَ أَبِي هُرَيْرَةَ، وَ ابْنِ عَبَّاسٍ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ الْفَارِسِيُّ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْحَسَنِيُّ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَسَنِ الْأَسَدِيُّ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ. وَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ الشَّيْبَانِيِّ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَسَنِ الْأَسَدِيُّ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْكِسَائِيُّ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ دُكَيْنٍ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ سَعِيدٍ حَدَّثَنَا مَنْصُورٌ، عَنْ رَبِيعٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ لَمَّا قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ، قَامَ التُّعْمَانُ بْنُ الْمُنْذِرِ الْفَهْرِيُّ [كَذَا] فَقَالَ: هَذَا شَيْءٌ قُلْتُهُ مِنْ عِنْدِكَ أَوْ شَيْءٌ أَمَرَكَ بِهِ رَبُّكَ قَالَ: لَا بَلْ أَمَرَنِي بِهِ رَبِّي. فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَنْزِلْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ. فَمَا بَلَغَ رَحْلَهُ حَتَّى جَاءَهُ حَجْرٌ فَأَدْمَاهُ فَخَرَّ مَيِّتًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ، لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ) (3) سفیان بن سعید از منصور از ربیع و او از حذیفه بن یمان: وقتی نبی (صلی

الله علیه و آله) برای جانشینی علی (علیه السلام) در غدیر خم فرمود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ نعمان بن منذر فهری از جای برخاست و گفت: یا محمد! آیا این انتصاب به دستور پروردگار است یا از جانب توست؟ رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: البته خدای قادر و علیم مرا دستور فرمود تا علی (علیه السلام) را در میان شما نصب کنم. نعمان بن منذر که از این انتصاب ناراضی و

ص: 545

1- . المعارج الآيات 1 و 2

2- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 2 ص 381 [سورة المعارج (70): الآيات 1 الى 2] ح 1030

3- . المعارج الآيات 1 و 2

ناراحت بود با عصبانیت به طرف شتر خود رفت و گفت: اللَّهُمَّ أَنْزِلْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ خدایا! مرا تاب و تحمل ولایت علی (علیه السلام) نیست، پس سنگی از آسمان بر من فرود آر. هنوز به نزدیک شتر خود نرسیده بود که سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و در دم هلاک شد. آن گاه آیات کریمه ی (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ. لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ) برای پیامبر (صلی

الله علیه و آله) نازل شد و این حادثه را این گونه بیان کرد. (1)

وَ أَخْبَرَنَا عُثْمَانُ أَخْبَرَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ [قَالَ:] حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُصْعَبِ بْنِ الْجَلْبَلِيِّ [قَالَ:] حَدَّثَنَا أَبُو عَمَارَةَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَهْدِيُّ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي مَعْشَرٍ الْمَدَنِيُّ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ الْمُتَمَبَّرِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِعَضُدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ ثُمَّ قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ، فَقَامَ إِلَيْهِ أَعْرَابِيُّ فَقَالَ: دَعَوْتَنَا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ فَصَدَّقْنَا [ك] وَ أَمَرْتَنَا بِالصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ فَصَلَّيْنَا وَ صَدَّقْنَا، وَ بِالزَّكَاةِ فَأَدَّيْنَا فَلَمْ تُقْنِعْكَ إِلَّا أَنْ تَقْعَلَ هَذَا!! فَهَذَا عَنِ اللَّهِ أَمَّ عَنْكَ! قَالَ: عَنِ اللَّهِ لَا عَنِّي. قَالَ: اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهَذَا عَنِ اللَّهِ لَا عَنْكَ!! قَالَ: نَعَمْ ثَلَاثًا فَقَامَ الْأَعْرَابِيُّ مُسْرِعًا إِلَى بَعِيرِهِ وَ هُوَ يَقُولُ: (اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ) (2) الْآيَةَ، فَمَا اسْتَتَمَّ الْكَلِمَاتِ حَتَّى نَزَلَتْ نَارٌ مِنَ السَّمَاءِ فَأَحْرَقَتْهُ وَ أَنْزَلَ اللَّهُ فِي عَقَبِ ذَلِكَ (سَأَلَ سَائِلٌ) إِلَى [قَوْلِهِ] (دَافِعٌ)

سعید بن ابی سعید مقبری از ابی هریره نقل کرد؛ برد و چون مصطفی صلی الله علیه و آله در غدیر خم بازوی مرتضی (علیه السلام) را گرفته در میان جمعیت حاضر فرمود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ در آن هنگام مردی اعرابی برخاست و گفت: یا محمد (صلی الله علیه و آله) ما را دعوت کردی بگویمم أَنْ نَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ تورا

ص: 546

1- . شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ج 2 ص 384 [سورة المعارج (70): الآيات 1 الى 2] ح 1033

2- . الانفال آية 32

تصدیق کردیم، دوباره امر به نماز و روزه کردی اجابت کردیم، سپس به زکات فرمان دادی، آن را هم پذیرفتیم و تسلیم شدیم، اما توبه این ها قانع نشدی و اکنون پسر عم خود را بر ما ولی گردانیدی. سؤالی دارم، آیا این کار به فرمان یزدان و خدای سبحان است یا از پیش خود او را بر ما ولایت دادی؟ رسول الله (صلي

الله عليه و آله) فرمود: این کار از جانب خداست نه از طرف من، به آن خدایی که شريك و همتا ندارد این امر مهم به دستور خداوند سبحان است نه از جانب من و سه بار این جمله را تکرار کرد. اعرابی که از این گفتار سخت سخت خشمگین بود به سرعت به سوی شتر خود رفت و گفت: (اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ) الآية خدایا! اگر انتصاب ولایت علی (علیه السلام) حق است، از آسمان عذابی دردناک یا سنگی آتشین بر من فرود آور. هنوز این کلمات تمام نشده بود که آتشی سوزنده از آسمان فروریخت و او را هلاک کرد. و به دنبال آن آیات کریمه ی (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ) نازل شد. (1)

وَ مِنْ ذَلِكَ بِإِسْمِ نَادِ الثُّعَلِيِّ أَيْضًا قَالَ سَدِّيلٌ سُدِّيَانُ بْنُ عُبَيْدَةَ عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ) فِيمَنْ نَزَلَتْ فَقَالَ لِّلْسَائِلِ لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ مَسْأَلَةٍ مَا سَأَلَنِي عَنْهَا أَحَدٌ قَبْلَكَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ قَالَتْ لَمَّا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي

الله عليه و آله) بِغَدِيرِ حُمٍّ نَادَى النَّاسَ فَاجْتَمَعُوا فَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ (عليه السلام) فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ (عليه السلام) مَوْلَاهُ فَشَاعَ ذَلِكَ وَ طَارَ فِي الْبِلَادِ دِقْبَلِغَ ذَلِكَ الْحَارِثُ بْنُ الثُّعْمَانِ الْفَهْرِيُّ فَأَتَى رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) عَلَى نَاقَةٍ لَهُ حَتَّى أَتَى الْأَبْطَحَ فَنَزَلَ عَنْ نَاقَتِهِ فَأَنَاحَهَا وَ عَقَلَهَا ثُمَّ أَتَى النَّبِيَّ (صلي الله عليه و آله) وَ هُوَ فِي مَلَأٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه و آله) أَمَرْتَنَا عَنِ اللَّهِ أَنْ نَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه و آله) رَسُولُ اللَّهِ فَقَبِلْنَاهُ مِنْكَ وَ أَمَرْتَنَا أَنْ نُصَلِّيَ خَمْسًا فَقَبِلْنَاهُ مِنْكَ وَ أَمَرْتَنَا بِالرِّكَاتِ فَقَبِلْنَاهُ مِنْكَ وَ أَمَرْتَنَا

ص: 547

أَنْ نَصُومَ شَهْرًا فَقَبِلْنَا مِنْكَ وَأَمَرْتَنَا أَنْ نَحُجَّ الْبَيْتَ فَقَبِلْنَا مِنْكَ ثُمَّ لَمْ تَرْضَ بِهَذَا حَتَّى رَفَعْتَ بِضَبْعِي ابْنَ عَمِّكَ فَفَضَّلْتَهُ عَلَيْنَا وَقُلْتَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ (عليه السلام) مَوْلَاهُ فَهَذَا سَدِّي مِنْكَ أَمْ مِنَ اللَّهِ فَقَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِنَّهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ فَوَلَّى الْحَارِثُ بْنُ التُّعْمَانَ إِلَى رَاحِلَتِهِ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مَا يَقُولُ مُحَمَّدٌ (صَلِي

اللله عليه و آله) حَقًّا (فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ اثْنَابًا بَعْدَابٍ أَلِيمٍ) (1) فَمَا وَصَلَ إِلَيْهَا حَتَّى رَمَاهُ اللَّهُ بِحَجَرٍ فَسَقَطَ عَلَى هَامَتِهِ وَخَرَجَ مِنْ دُبُرِهِ قَقْتَلُهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ) الْآيَةَ

رسول خدا(صلي

اللله عليه و آله) چون روز غدیر خم شد دستور داد تا منادیان ندای نماز در دهند، پس وقتی همه جمع شدند دست علی(علیه السلام) را گرفت و فرمود: هر که من مولای اویم پس علی(علیه السلام) مولای اوست. این خبر به زودی در همه شهرها پراکنده شده و به «حارث بن نعمان فهري» رسید، پس نزد رسول خدا(صلي الله عليه و آله) آمد، در حالی که بر ناقه ای سوار بود، ناقه را خوابانید، و از آن پیاده شد و گفت: ای محمد(صلي الله عليه و آله) از طرف خدا به ما دستور دادی شهادت دهیم که جز خدا معبودی نیست، و این که تو فرستاده اوئی، ما هم قبول کردیم، دستور دادی که نماز پنجگانه بخوانیم پذیرفتیم، دستور دادی زکات بدهیم باز از تو پذیرفتیم، دستور دادی ماه رمضان را روزه بگیریم، پذیرفتیم دستور دادی حج کنیم، پذیرفتیم به این مقدار راضی نشدی تا این که بازوان پسر عمویت را گرفته بلند کردی تا او را بر ما برتری دهی؟ و گفתי: که هر که من مولای اویم پس علی(علیه السلام) مولای اوست. آیا این سخن را از خودت گفתי یا از خدای عزوجل؟ رسول خدا(صلي الله عليه و آله) فرمود: به آن خدائی که جز او معبودی نیست این مطلب جز از ناحیه خدا نبود پس حارث پشت کرد که برگردد گفت: بار الها اگر این که محمد(صلي الله عليه و آله) حق است، از آسمان سنگی بر ما بیاران و یا عذابی دردناک بر ما بفرست، هنوز به ناقه خود نرسیده بود که

ص: 548



خداوند سنگی از آسمان به سرش زد که از ما تحت او خارج شد و درجا بمرد و بلافاصله این آیه نازل شد (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقَعِ  
لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ) (1)

سائلی از خدا عذابی واقع شدنی خواست عذابی که کسی نیست کفار را از آن حفظ کند، عذابی از ناحیه خدای دارای معارج. (2)

اختلاف امت درباره ی علی

وَبِالْإِسَاءَةِ نَادٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ  
الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَنَا سَيِّدُ  
النَّبِيِّينَ، وَوَصِيٌّ بِي سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَأَوْصِيَةٌ يَأْتِيهَا سَادَةُ الْأَوْصِيَاءِ، إِنَّ آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) سَأَلَ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ لَهُ وَصِيًّا صَالِحًا، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: أَنِّي  
أَكْرَمْتُ الْأَنْبِيَاءَ بِالنُّبُوَّةِ، ثُمَّ اخْتَرْتُ خَلْقِي وَجَعَلْتُ خِيَارَهُمُ الْأَوْصِيَاءَ. ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) إِلَيْهِ يَا آدَمُ، أَوْصِ إِلَى شَيْثِ النَّبِيِّ، فَأَوْصَى  
آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى شَيْثِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَهُوَ هَبَّةُ اللَّهِ بْنِ آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَأَوْصَيْشَيْثُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى ابْنِهِ شَبَّانَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَهُوَ  
ابْنُ نَزْلَةِ الْحُورَاءِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِنَ الْجَنَّةِ، فَزَوَّجَهَا ابْنَهُ شَيْثَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَأَوْصَى شَبَّانُ إِلَى  
مَجْلَثِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَأَوْصَى مَجْلَثُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى مَحُوتِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَأَوْصَى مَحُوتُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى عِلْمِشَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَ  
أَوْصَى عِلْمِشَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى أَخْنُوخَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَهُوَ إِدْرِيسُ النَّبِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَأَوْصَى إِدْرِيسُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى نَاحُورَ (عَلَيْهِ  
السَّلَامُ)، وَدَفَعَهَا نَاحُورَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى نُوحِ النَّبِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَأَوْصَى

ص: 549

1- . المعارج الآيات 1 و 2 و 3

2- . الطوائف في معرفة مذاهب الطوائف ج 1 ص 152 حديث الغدير ح 235

نُوحٍ (عليه السلام) إِلَى سَامٍ (عليه السلام)، وَأَوْصَى سَامٌ (عليه السلام) إِلَى عَثَامِرٍ (عليه السلام)، وَأَوْصَى عَثَامِرٌ (عليه السلام) إِلَى بَرِغِشَاشَا (عليه السلام)، وَأَوْصَى بَرِغِشَاشَا (عليه السلام) إِلَى يَافِثَ (عليه السلام)، وَأَوْصَى يَافِثٌ (عليه السلام) إِلَى بَرِهَ (عليه السلام)، وَأَوْصَى بَرِهَ (عليه السلام) إِلَى جَفِيسَةَ (عليه السلام)، وَأَوْصَى جَفِيسَةُ (عليه السلام) إِلَى عِمْرَانَ (عليه السلام)، وَدَفَعَهَا عِمْرَانُ (عليه السلام) إِلَى إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ (عليه السلام) وَأَوْصَى إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) إِلَى ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ (عليه السلام)، وَأَوْصَى إِسْمَاعِيلُ (عليه السلام) إِلَى إِسْحَاقَ (عليه السلام)، وَأَوْصَى إِسْحَاقُ (عليه السلام) إِلَى يَعْقُوبَ (عليه السلام)، وَأَوْصَى يَعْقُوبُ (عليه السلام) إِلَى يُوسُفَ (عليه السلام)، وَأَوْصَى يُوسُفُ (عليه السلام) إِلَى بَثْرِيَا (عليه السلام)، وَأَوْصَى بَثْرِيَا (عليه السلام) إِلَى شُعَيْبٍ (عليه السلام)، وَأَوْصَى شُعَيْبٌ (عليه السلام) إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (عليه السلام)، وَأَوْصَى مُوسَى (عليه السلام) إِلَى يُوشَعَ بْنِ نُونٍ (عليه السلام)، وَأَوْصَى يُوشَعُ (عليه السلام) إِلَى دَاوُدَ (عليه السلام) وَأَوْصَى دَاوُدُ (عليه السلام) إِلَى سُلَيْمَانَ (عليه السلام)، وَأَوْصَى سُلَيْمَانُ (عليه السلام) إِلَى أَصْفَ بْنِ بَرْخِيَا (عليه السلام)، وَأَوْصَى أَصْفُ (عليه السلام) إِلَى زَكَرِيَّا (عليه السلام)، وَدَفَعَهَا زَكَرِيَّا (عليه السلام) إِلَى عِيسَى (عليه السلام) وَأَوْصَى عِيسَى (عليه السلام) إِلَى الْيَسَّ مُعُونَ (عليه السلام) بْنِ شَمْعُونَ (عليه السلام) الصَّفَا، وَأَوْصَى شَمْعُونُ (عليه السلام) إِلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا (عليه السلام)، وَأَوْصَى يَحْيَى (عليه السلام) إِلَى مُنْذِرٍ (عليه السلام) إِلَى مُنْذِرٍ (عليه السلام)، وَأَوْصَى مُنْذِرٌ (عليه السلام) إِلَى سُلَيْمَةَ (عليه السلام)، وَأَوْصَى سُلَيْمَةُ (عليه السلام) إِلَى بُرْدَةَ (عليه السلام). ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَدَفَعَهَا إِلَيَّ بُرْدَةُ (عليه السلام)، وَأَنَا أَدْفَعُهَا إِلَيْكَ يَا عَلِيُّ (عليه السلام)، وَأَنْتَ تَدْفَعُهَا إِلَيَّ وَصِيَّكَ، وَيَدْفَعُهَا وَصِيَّكَ إِلَى أَوْصِيَانِكَ مِنْ وُلْدِكَ وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى تُدْفَعَ إِلَى خَيْرِ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدَكَ، وَلَتَكْفُرَنَّ بِكَ الْأُمَّةُ، وَ لَتَخْتَلِفَنَّ عَلَيْكَ اخْتِلَافًا شَدِيدًا، الثَّابِتُ عَلَيْكَ كَالْمُقِيمِ مَعِي، وَالشَّاذُّ عَنْكَ فِي النَّارِ، وَالنَّارُ مَثْوَى الْكَافِرِينَ.

مقاتل بن سلیمان از حضرت صادق (عليه السلام) روایت کرده که رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمودند: من سرور پیامبرانم و جانشین من سرور جانشینان است و جانشینش سرور

جانشینان اند همانا آدم(علیه السلام) از خداوند عزتمند خواست که برای او جانشینی سزاوار قرار دهد. خداوند به او وحی فرستاد که: من پیامبران را با نبوت گرامی داشتم سپس آفریدگانم را برگزیدم و بهترین ایشان را جانشین قرار دادم. آنگاه فرمود: ای آدم(علیه السلام) به شیث(علیه السلام) پیامبر وصیت کن. پس آدم(علیه السلام) به شیث(علیه السلام) وصیت کرد و او هبة الله پسر آدم(علیه السلام) بود و شیث(علیه السلام) به پسرش شَبَّان(علیه السلام) وصیت کرد. و او پسر نزلة الحوراء بود که خداوند او را از بهشت برای آدم(علیه السلام) فرود آورده بود و آدم(علیه السلام) او را به ازدواج پسرش در آورده بود و شَبَّان(علیه السلام) به محلث(علیه السلام) وصیت کرد و محلث(علیه السلام) به محوت(علیه السلام) وصیت کرد و محوت(علیه السلام) به علمیشاه(علیه السلام) وصیت کرد و علمیشاه(علیه السلام) به اخنوخ(علیه السلام) وصیت کرد و او همان ادریس(علیه السلام) پیامبر است و ادریس(علیه السلام) به ناحور(علیه السلام) وصیت کرد و ناحور(علیه السلام) آن را به نوح(علیه السلام) پیامبر سپرد و نوح(علیه السلام) به سام(علیه السلام) وصیت کرد و سام(علیه السلام) به عثامر(علیه السلام) وصیت کرد و عثامر(علیه السلام) به برغیشانا(علیه السلام) وصیت کرد و برغیشانا(علیه السلام) به یافت وصیت کرد و یافت به بَرّه(علیه السلام) وصیت کرد و بَرّه(علیه السلام) به جفیسه(علیه السلام) وصیت کرد و جفیسه(علیه السلام) به عمران(علیه السلام) وصیت کرد و عمران(علیه السلام) به ابراهیم(علیه السلام) خلیل وصیت کرد و ابراهیم(علیه السلام) به پسرش اسماعیل(علیه السلام) وصیت کرد و اسماعیل(علیه السلام) به اسحاق(علیه السلام) وصیت کرد و اسحاق(علیه السلام) به یعقوب(علیه السلام) وصیت کرد و یعقوب(علیه السلام) به یوسف(علیه السلام) وصیت کرد و یوسف(علیه السلام) به بثریا(علیه السلام) وصیت کرد و بثریا(علیه السلام) به شعیب(علیه السلام) وصیت کرد و شعیب(علیه السلام) به موسی(علیه السلام) عمران وصیت کرد و موسی(علیه السلام) به یوشع بن نون(علیه السلام) وصیت کرد و یوشع(علیه السلام) به داوود(علیه السلام) وصیت کرد و داوود(علیه السلام) به سلیمان(علیه السلام) وصیت کرد و سلیمان(علیه السلام) به آصف بن برخیا(علیه السلام) وصیت کرد و آصف(علیه السلام) به زکریا(علیه السلام) وصیت کرد و زکریا به عیسی(علیه السلام) وصیت کرد و عیسی(علیه السلام) به شمعون(علیه السلام) وصیت کرد و شمعون(علیه السلام) به یحیی بن زکریا(علیه السلام) وصیت کرد و یحیی(علیه السلام) به منذر(علیه السلام) وصیت کرد و منذر(علیه السلام) به سلیمه(علیه السلام) وصیت کرد و سلیمه(علیه السلام) به بُرده وصیت کرد. آنگاه

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) فرمود: و بُرِّدَ أَنْ رَأَى مِنْ سَيْفٍ وَأَيُّ عَلِيٍّ! مَنْ رَأَى رَأَى بِهِ جَانِشِينَتِ مِي سِپَارِي وَ أَوْ  
آنرا به جانشینانی از جانشینان که از فرزندان توست یکی پس از دیگری می سپارد تا به بهترین اهل زمین پس از تو سپرده شود و به تحقیق  
امت به سبب انکار تو کافر خواهند شد و به یقین اختلاف شدیدی بر سر تو پیدا خواهند کرد که پایدار بر (خلافت و امامت) تو همچون  
پابرجای به همراه منست و جدا افتاده از تو در دوزخ است و دوزخ جایگاه کافران است. (1)

شما به گذشته ی خود باز گشتید

أَخْبَرَنَا أَبُو عُمَرَ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَقِيلٍ، عَنْ  
حَمْرَةَ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّبِيِّ (صلي الله عليه و آله) قَالَ: أَتَزْعُمُونَ أَنَّ رَحِمَ نَبِيِّ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) لَا تَنْفَعُ قَوْمَهُ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بَلَى وَاللَّهِ إِنَّ رَحِمِي لَمَوْصُولَةٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. ثُمَّ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، فَإِذَا جِئْتُ وَقَامَ رِجَالٌ يَقُولُونَ:  
يَا نَبِيَّ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله)، أَنَا فُلَانٌ بِنُ فُلَانٍ، وَقَالَ آخَرُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله)، أَنَا فُلَانٌ بِنُ فُلَانٍ، وَقَالَ آخَرُ: يَا نَبِيَّ  
اللَّهِ (صلي الله عليه و آله)، أَنَا فُلَانٌ بِنُ فُلَانٍ، فَأَقُولُ: أَمَّا النَّسَبُ فَقَدْ عَرَفْتَهُ، وَ لَكِنَّكُمْ أَحَدْتُمْ بَعْدِي، وَازْتَدَدْتُمْ الْقَهْقَرَى.

پیامبر خدا(صلي الله عليه و آله) فرمودند: آیا گمان می کنید که خویشاوندی پیامبر خدا(صلي الله عليه و آله) در قیامت به قومش سود  
نمی بخشد؟ بله به خدا سوگند! خویشاوندی من در دنیا و آخرت برقرار است. سپس فرمود: ای مردم! من در کنار حوض کوثر از پیش در

ص: 552

انتظار شمايم. پس هنگامي كه آمدم گروهی برخيزند و مي گویند: اي رسول خدا! من فلاني فرزند فلاني هستم. پس من مي گويم: نسب شمارا با خود فهميدم. اما شما پس از من رفتاري نادرست انجام داديد و به گذشته ي خود بازگشتيد. (1)

از ولايت علي به كجا ميرويد

قُلْتُ قَوْلُهُ (فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ) (2) قَالَ أَيْنَ تَذْهَبُونَ فِي عَلِيٍّ يَعْنِي وَلَا يَتَهُ أَيْنَ تَقْرُونَ مِنْهَا (إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ) (3) لِمَنْ أَحَدَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ عَلَى وَلَا يَتِهِ قُلْتُ قَوْلُهُ (لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ) (4) قَالَ: فِي طَاعَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَالْأُمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ

گفتم معنی این آیه (فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ) فرمود: كجا می روید در مورد ولايت علي (عليه السلام) كجا فرار می كنید از ولايت او (إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ) برای کسانی كه خدا ميثاق از آنها به ولايت علي (عليه السلام) گرفته شده... (5)

(فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ) وَ أَنِّي تُؤْفَكُونَ وَ الْأَعْلَامُ قَائِمَةٌ وَ الْآيَاتُ وَاضِحَةٌ وَ الْمَنَارُ مَنْصُوبَةٌ فَأَيْنَ يَتَاهُ بِكُمْ وَ كَيْفَ تَعْمَهُونَ وَ بَيْنَكُمْ عِثْرَةٌ نَبِيكُمْ وَ هُمْ أَرْزَمَةُ الْحَقِّ وَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ أَلْسِنَةُ الصِّدْقِ (فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ) (6) و كي باز مي گرديد؟ كه علامت ها بر پاست. و دليل ها هويداست. و نشانه ها برجاست. گمراهي تا كجا؟ سرگشتگي تا كي و چرا؟ خاندان پيامبرتان ميان شماست كه زمامداران حق و يقينند. پيشوايان دينند. با ذكر جميل و

ص: 553

1- . الأمالي (للطوسي) المجلس 10 ح 38

2- . التكوير الآيات 26 و 27

3- . التكوير آية 27

4- . التكوير آية 28

5- . تفسير القمي ج 2 ص 408 [سورة التكوير (81): الآيات 15 الى 29]

6- . التكوير آية 26

مخالفت با علي

أَخْبَرَنَا أَبُو عُمَرَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَفَّانَ، قَالَ:

حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ، عَنْ فِطْرِ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْثٍ، وَ سَعِيدِ بْنِ وَهَبٍ، وَ عَنْ زَيْدِ بْنِ نَفِيعٍ، قَالُوا: سَمِعْنَا عَلِيًّا (عليه السلام) يَقُولُ فِي الرَّحْبَةِ:

أَشْهَدُ اللَّهَ مَنْ سَمِعَ النَّبِيَّ (صلي الله عليه وآله) يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ مَا قَالَ إِلَّا قَامَ، فَقَامَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ، فَشَدَّ يَدُوا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَ

قَالَ: أَلَسْتُ (أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ) قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)،

فَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ (عليه السلام) فَقَالَ:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ (عليه السلام) مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ أَحِبَّ مَنْ أَحَبَّهُ، وَ أَبْغُضْ مَنْ أَبْغَضَهُ، وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَ اخذلْ مَنْ خذله. قَالَ أَبُو إِسْحَاقَ حِينَ فَرَّغَ مِنَ الْحَدِيثِ: يَا أَبَا بَكْرٍ، أَيُّ أَشْيَاخٍ هُمْ.

زيد بن نفيع: شنيدم که علي (عليه السلام) در اجتماعي از مردم مي فرمود: شما را به خدا سوگند مي دهم که هرکه در روز غدیر شنید که پیامبر (صلي الله عليه وآله) چه فرمود بایستد، پس سیزده نفر ایستادند و گواهي دادند که رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمود: (أُولَى

بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ) (2) آیا من به مومنان از خودشان سزاوارتر نیستم. گفتند: بله، اي رسول خدا (صلي الله عليه وآله) پس دست علي (عليه السلام) را گرفت و فرمود: هرکه من صاحب اختیار اویم علي (عليه السلام) صاحب اختیار و مولاي اوست خداوندا حمايت کن هرکه او را حمايت کند و دشمني کن با هرکه با او دشمني کند، و دوست بدار هرکه او را دوست بدارد، و دشمن بدار هرکه او را دشمن بدارد و ياري کن هرکه او را ياري کند و خوار ساز هرکه او را خوار کند، ابو

ص: 554

1- . نهج البلاغة (للصبيحي صالح) ص 119 عترة النبي

2- . الاحزاب آية 6

اسحاق هنگامي که از حدیث فارغ شد گفت: ای ابابکر! آن شیوخ چه کسانی بودند که با علی (علیه السلام) بیعت کردند و بعد از آن به مخالفت برخاستند؟ (1)

شک کننده درباره فضائل ایشان

مَرْفُوعٌ إِلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَضِيَ قَالَ قَالَ لِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ لَا يَعْرِفُنَا حَقَّ مَعْرِفَتِنَا وَانْكَرَ فَضْلَنَا يَا سَلْمَانُ أَيُّمَا أَفْضَلُ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

أَوْ سَلِيمَانُ بْنُ دَاوُدَ (عليه السلام) قَالَ سَلْمَانُ بَلْ مُحَمَّدٌ أَفْضَلُ فَقَالَ يَا سَلْمَانُ فَهَذَا آصَفُ بْنُ بَرْخِيَا قَدَرَ أَنْ يَحْمِلَ عَرْشَ بَلْقَيْسَ مِنْ فَارِسَ إِلَى سَبَا فِي طَرْفَةِ عَيْنٍ وَ (عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ) وَ لَأَفْعَلُ أَنَا أَضْعَافَ ذَلِكَ وَ عِنْدِي أَلْفٌ كِتَابٍ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى شَيْثِ بْنِ آدَمَ (عليه السلام) خَمْسِينَ صَحِيفَةً وَ عَلَى إِدْرِيسَ النَّبِيِّ (عليه السلام)

ثَلَاثِينَ صَحِيفَةً وَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ (عليه السلام) عَشْرِينَ صَحِيفَةً وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ الزَّبُورَ وَ الْفُرْقَانَ فَقُلْتُ صَدَقْتَ يَا سَدِيدِي فَقَالَ الْإِمَامُ (عليه السلام) اعْلَمْ يَا سَلْمَانُ أَنَّ الشَّاكَّ فِي أُمُورِنَا وَ عُلُومِنَا كَالْمُمْتَرِي فِي مَعْرِفَتِنَا وَ حُقُوقِنَا وَ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ لَا يَتَنَا فِي كِتَابِهِ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ وَ بَيَّنَّ فِيهِ مَا وَجَبَ الْعَمَلُ بِهِ وَ هُوَ غَيْرُ مَكْشُوفٍ

امیرالمومنین (علیه السلام):.... ای سلمان! به راستی که شک کننده در امر ولایت ما و علوم ما مانند کسی است که در شناخت ما و ادای حقوق ما حالت انکار و مجادله دارد و حال آنکه خدا ولایت ما را در کتابش در جاهای زیادی واجب کرده و در کتابش بیان کرده که واجب است پذیرفتن ولایت ما اما این مطلب را با رمز و کنایه و

ص: 555

اشاره بيان کرده که با تفکر و تامل آشکار می شود. (1)

منکران ولایت علي

مَوْلَايَ فَضَّ لَكَ لَا يَخْفَى، وَ نُورُكَ لَا يُطْفَى، وَإِنَّ مَنْ جَحَدَكَ الظُّلُومُ الْأَشَقَى، مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ، وَالْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ، وَالْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ.

مولاي من فضل و برتري ات پنهان نمی ماند و نور تو خاموش نمی گردد و هر که تو را انکار نماید ستمکار و بدبخت است. مولاي من تو حجت بر بندگان و راهنمای به سوی هدایت و ذخیره و سرمایه روز قیامت هستی. (2)

وَ مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي قُبُولِهِمْ وَ لَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ غَدِيرِ حُمٍّ كَمَثَلِ الْمَلَائِكَةِ فِي سُجُودِهِمْ لِأَدَمَ وَ مَثَلُ مَنْ أَبِي وَ لَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ مَثَلُ إِبْلِيسَ وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) (3) وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَ كَانَ يَوْمَ بَعْثِهِ مِثْلَ يَوْمِ الْغَدِيرِ عِنْدَهُ وَ عَرَفَ حُرْمَتَهُ إِذْ نَصَبَ لِأُمَّتِهِ وَصِيًّا وَ خَلِيفَةً مِنْ بَعْدِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ

امام رضا(علیه السلام) فرمود: مثل کسانی که ولایت امیرالمومنین(علیه السلام) را در روز غدیر پذیرفتند مانند فرشتگانی است که آدم(علیه السلام) را سجده کردند و مثل کسانی که ولایت امیرالمومنین(علیه السلام) را در روز غدیر نپذیرفتند مثل ابلیس است. (4)

الْبَاقِرُ(علیه السلام) فِي قَوْلِهِ (وَ الَّذِينَ كَفَرُوا) (5) بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ(علیه السلام) (أُولَئِكَ هُمُ الطَّاعُونَ) (6)

نَزَلَتْ فِي أَعْدَائِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُمْ أَخْرَجُوا النَّاسَ مِنَ الثُّورِ وَ التُّورِ وَ لَايَةَ عَلِيٍّ(علیه السلام) فَصَارُوا إِلَى الظُّلْمَةِ وَ لَايَةَ أَعْدَائِهِ وَ قَدْ نَزَلَ فِيهِمْ (فَالَّذِينَ

آمَنُوا

ص: 556

1- . المناقب (للعلوي) / الكتاب العتيق ص 82 معجزة أخرى ذكر ناقصة صالح ثمود إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمی) ج 2 ص 416

أحاديث في فضائل أهل البيت

2- . المزار الكبير (لابن المشهدي) ص 12 269 - زيارة أخرى لمولانا أمير المؤمنين علي بن ابي طالب صلوات الله عليه مختصة بيوم

الغدیر

3- . المائدة آية 3

4- . إقبال الأعمال (ط - القديمة) ج 1 ص 465 فصل فيما نذكره من فضل صوم يوم الغدير من كتاب النشر و الطي

5- . البقرة آية 257

6- . البقرة آية 257



بِهِ وَعَزَّزُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ(1)

وَقَوْلُهُ تَعَالَى (يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)(2)

امام باقر (علیه السلام) فرمود: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) درباره ی دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) و دنباله ی روان آن ها نازل شده است. اینان مردم را از نور که همانا ولایت علی (علیه السلام) است بیرون آورده و به تاریکی روی آوردند که همان پذیرش ولایت دشمنان ایشان است. (يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) آن ها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند. (3)

مخالفان ولایت علی

وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (وَسَأَفُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى) قَالَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ (علیه السلام)

و از ابو جعفر (علیه السلام) منقولست که آیت (وَسَأَفُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى) (4) در امر امیر المؤمنین (علیه السلام) ورود یافته، یعنی مخالفت کردند با رسول الله (صلی الله علیه و آله) از پس آنکه روشن گشته بود و ظاهر شده امر ایشان را راه حق که امامت و خلافت امیر المؤمنین (علیه السلام) است. (5)

وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (وَسَأَفُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى) قَالَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ (علیه السلام) وَعَنْهُ (وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ) قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)

ص: 557

1- . الاعراف آية 157

2- . التوبة آية 32

3- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 81 فصل في أنه النور والهدى والهادي

4- . محمد آية 32

5- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

(أَمَّا وَمَنِ اتَّبَعَنِي) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ آلٌ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) (أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام). و از ابو جعفر (عليه السلام) منقولست كه آيت (وَسَأَقُوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى) (1) در امر امير المؤمنين (عليه السلام) ورود يافته، يعنى مخالفت كردند با رسول الله (صلي الله عليه و آله) از پس آنكه روشن گشته بود و ظاهر شده امر ايشان را راه حق كه امامت و خلافت امير المؤمنين (عليه السلام) است و ديگر ابو جعفر (عليه السلام) فرموده كه (وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ

فَضْلَهُ)

مقصود على بن ابى طالب (عليه السلام) است. (2)

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا) عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهَا نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَرَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ ابْتِغَاءً مِنْهُ أَرْضًا

و ديگر (وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ) (3) يعنى و مي گویند منافقان كه گرویده ایم به خدای تعالی و به فرستاده او، و فرمانبرداری کرده ایم هر دورا پس برمي گردند گروهی از ايشان و امتناع مي نمايند از قبول حق از پس اقرار به ايمان. (4)

وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ (عليه السلام) يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) التَّارِكُونَ وَلَايَةَ عَلِيٍّ (عليه السلام) الْمُتَكِرُونَ لِفَضْلِهِ وَ الْمُظَاهِرُونَ أَعْدَاءَهُ خَارِجُونَ عَنِ الْإِسْلَامِ مَنْ مَاتَ مِنْهُمْ عَلَى ذَلِكَ

رسول خدا (صلي الله عليه و آله): رها کنندگان ولايت علي (عليه السلام) آنان كه انكار فضائل او کرده، و پشتيباني از دشمنانش كنند اگر با اينحال بميرند از دين اسلام خارج گشته اند. (5) وَ بِالْإِسْمِ نَادِيَ الْآوَلِ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخُرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرَ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ مَنْ جَحَدَ إِمَامًا مِنْكُمْ مَا حَالُهُ فَقَالَ

ص: 558

1- . محمد آية 32

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . النور آية 47

4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 322 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

5- . المحاسن ج 1 ص 89 باب 15 عقاب من شك في أمير المؤمنين ح 35

مَنْ جَحَدَ إِمَامًا مِنَ اللَّهِ وَبَرِيءَ مِنْهُ وَمِنْ دِينِهِ فَهُوَ كَافِرٌ مُرْتَدٌّ عَنِ الْإِسْلَامِ لِأَنَّ الْإِمَامَ مِنَ اللَّهِ وَدِينَهُ مِنَ دِينِ اللَّهِ وَمَنْ بَرِيءٌ مِنَ دِينِ اللَّهِ. فَدَمُهُ مُبَاحٌ فِي تِلْكَ الْحَالِ إِلَّا أَنْ يَرْجِعَ أَوْ يَتُوبَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِمَّا قَالَ.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر که پیشوایی را که از جانب خدا تعیین شده انکار کند و از او و دین او بیزاری جوید، کافر و از دین اسلام بیرون است، زیرا آن پیشوا از جانب خداست و دین او دین خداست، و کسی که از دین خدا بیزاری جوید خودش در آن حال مُباح است مگر این که توبه کرده و به سوی خدا بازگشت کند از آنچه که گفته و اعتقادی که پیدا کرده است. (1)

وَبِهَذَا الْإِسْلَامِ نَادَى عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ سَمِعْنَا أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) يَقُولُ إِنَّ عَدُوَّ عَلِيٍّ (علیه السلام) لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَجْرَعَ جُرْعَةً مِنَ الْجَحِيمِ وَقَالَ سَوَاءٌ عَلِيٌّ مَنْ خَالَفَ هَذَا الْأَمْرَ صَلَّى أَمْ صَامَ.

حنان بن سدير نقل کرده است که از امام محمد باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود: همانا که دشمن علی (علیه السلام) از دنیا نمی رود مگر آنکه جرعه ای از حمیم (دوزخ) را به او بیاشاماند، و در ادامه سخنان خود فرمود: حال کسی که با این امر (ولایت علی (علیه السلام)) مخالف باشد یکسان است، خواه نماز بگذارد خواه زنا کند. (2)

وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام) النَّاصِبُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم السلام) لَا يُبَالِي صَامَ أَوْ صَلَّى أَوْ زَنَى أَوْ سَرَقَ إِنَّهُ فِي النَّارِ. امام صادق (علیه السلام) فرمود: برای دشمن ما اهل بیت (علیهم السلام) تفاوتی ندارد که روزه بدارد و نماز گزارد یا زنا و دزدی کند بی گمان در دوزخ است. (3)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي الطَّيِّبِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي الْفَضْلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَاشِمٍ أَخْبَرَنَا مَالِكُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَيْمٍ عَنِ الْأَحْلَجِ عَنِ الشَّعْبِيِّ

ص: 559

1- . الغيبة) للنعماني) النص 129 باب 7 ما روي فيمن شك في واحد من الأئمة أو بات ليلة لا يعرف فيها إمامه أو دان الله عز وجل بغير إمام منه ح 3

2- . ثواب الأعمال وعقاب الأعمال النص 210 عقاب الناصب والجاحد لأمر المؤمنين ع والشاك فيه والمنكر له

3- . ثواب الأعمال وعقاب الأعمال النص 210 عقاب الناصب والجاحد لأمر المؤمنين ع والشاك فيه والمنكر له

نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) (1) فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ هَذَا إِنَّمَا يُرِيدُ أَنْ يَرْفَعَ بِضَيْعِ ابْنِ عَمِّهِ قَالُوا هَا حَسَدًا وَبُغْضًا لِأَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَاتَّزَلَ اللَّهُ تَعَالَى (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَاءُ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ) (2)

وَلَا تَعْتَدْ هَذِهِ الْمَقَالَ وَلَا يَشُقُّ عَلَيْكَ مَا قَالُوا قَبْلُ مِنْ فَإِنَّ اللَّهَ يَمْحُو (الْبَاطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ) (3)

فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَحَزَنَ عَلَى مَا قَالُوا وَعَلِمَ أَنَّ الْقَوْمَ غَيْرُ تَارِكِينَ الْحَسَدَ وَ الْبُغْضَاءَ فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (قَدْ

نَعَلِمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ) (4)

ص: 560

1- . الشوري آية 23

2- . الشوري آية 24

3- . الشوري آية 24

4- . الانعام آية 33

امام حسن (علیه السلام) هنگامی که این آیه بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیت) نازل شد، گروهی از مردم گفتند: این را خداوند نازل نکرده است. او می خواهد دست پسر عمیش را بالا ببرد (و جانشین خود معرفی کند). این سخن را از روی حسادت و دشمنی با اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفتند: پس خدای تعالی نازل فرمود: آیا می گویند: او بر خدا دروغ بسته است در حالی که اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر می نهد. (ای پیامبر!) به اینسخنان توجه نکن و آنچه پیش از این گفتند، بر تو سخت نیاید. همانا خداوند باطل را محو می کند و حق را به فرمانش پابرجا می سازد چرا که او از آنچه درون سینه هاست آگاه است. پس آن (سخنان منافقان) بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سخت آمد و از آنچه گفتند غمگین شد و دانست که قوم، حسادت و دشمنی را رها نمی کنند. در نتیجه این آیه نازل شد: (قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ) (1)

مخالفان ولایت ایشان در زمان رسول خدا

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَاشِمِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ اجْتَمَعَ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله)

فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ مَا تَقُولُونَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ إِنَّ كَفَرْنَا بِهِذِهِ الْآيَةِ نَكْفُرُ بِسَائِرِهَا وَ إِنِ آمَنَّا فَإِنَّ هَذَا ذُلٌّ حِينَئِذٍ لَطَّ عَلَيْنَا ابْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَالُوا قَدْ عَلِمْنَا أَنَّ مُحَمَّدًا صَادِقٌ فِيمَا يَقُولُ وَ لَكِنَّا تَتَوَلَّاهُ وَ لَا نُطِيعُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) فِيمَا أَمَرَنَا قَالَ فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا يَعْرِفُونَ يَعْنِي وَ لَايَةَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ أَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ بِالْوَلَايَةِ

احمد بن عیسی از جعفر بن محمد بن احمد بن محمد بن الحسن بن محمد الهاشمی عن ابیہ عن احمد بن عیسی عن جعفر بن محمد بن محمد بن ابیہ عن جده فی قوله عز و جل یعرفون نعمت الله ثم ینکرونها قال لما نزلت إنما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم راکعون) گروهی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مسجد مدینه جمع شده گفتند: در باره این آیه چه می گوئید. بعضی از آنها گفتند اگر کافر به این آیه شویم کافر به همه آیات هستیم اگر ایمان آوریم این خود یک خواری و ذلت است که علی بن ابی طالب (علیه السلام) بر ما مسلط شود. گفتند: ما می دانیم هر چه محمد (صلی الله علیه و آله) می گوید راست است ما او را دوست می داریم ولی از علی (علیه السلام) اطاعت نمی کنیم در مورد دستوری که به ما داده بعد این آیه نازل شد (یعرفون نعمت الله ثم ینکرونها) یعنی ولایت علی (علیه السلام) را می دانستند. (و اکثرهم الکافرون) ولی بیشتر آنها به ولایت علی (علیه السلام) کافر بودند. (2)

ص: 561

1- . بشارة المصطفى لشيعة المرتضى ج 2 ص 196 الجزء السابع ح 2

2- . الكافي ج 1 ص 427 باب فيه نكت و تنف من التنزيل في الولاية ح 77

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عُمَرَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: أَنْتَ بَقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قَالَ قَالُوا أَوْ بَدَّلَ عَلِيًّا (بيان صَدَرَ تِلْكَ الْآيَةُ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَنْتَ بَقُرْآنٍ الْآيَةُ وَقَدْ مَرَّ أَنَّ الْمُرَادَ بِالْآيَاتِ الْأَيُّمَةَ أَوْ الْمُرَادَ بِهَا الْآيَاتُ الْمُشْتَمَلَةُ عَلَى ذِكْرِ وَلَا يَتِيهِمْ وَعَلَى التَّقْدِيرَيْنِ إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ تِلْكَ الْآيَاتُ قَالَ الْمُنَافِقُونَ أَنْتَ بَقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا لَيْسَ فِيهِ مَا لَا نَرْضَى بِهِ مِنْ وِلَايَةِ عَلِيٍّ أَوْ بَدَّلَهُ يَعْنِي عَلِيًّا (عليه السلام) بِأَنْ يَجْعَلَ مَكَانَ آيَةٍ مُتَّصَةً مَنَّةً لَهُ آيَةً أُخْرَى فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِرَسُولِهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) (قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي أَيْ بِالتَّبْدِيلِ مِنْ قَبْلِ نَفْسِي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ )

محمد بن سنان از مفضل نقل کرد که از امام صادق (علیه السلام) راجع به این آیه پرسیدم (اِنَّتِ بَقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ) فرمود: گفتند علی (علیه السلام) را عوض کن. (1)

توضیح: ابتدای این آیه (وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَنْتَ بَقُرْآنٍ) قبلاً گفتیم که منظور از آیات ائمه است وقتی این آیات برای آن ها خوانده شود منافقین می گویند قرآنی بیاور که در آن راجع به ولایت علی (علیه السلام) چیزی نباشد یا تغییر بده علی (علیه السلام) را، این طور که به جای آیه ای که متضمن ولایت او است آیه دیگری قرار بده. خداوند به پیامبرش می فرماید (قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي) بگو به من اجازه داده نشده که از طرف خود تغییری دهم من فقط پیرو وحی هستم می ترسم اگر تغییری دهم از جانب خود، مبتلا به عذابی بزرگ شوم. و این خود ثابت می کند که عده ای دشمنی و بغض شدیدی نسبت به امیرالمومنین (علیه السلام) داشتند.

ص: 562

وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (وَشَاقُوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى) قَالَ فِي أَمْرِ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

و از ابو جعفر (علیه السلام) منقولست که آیت (وَشَاقُوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى) (1) در امر امیر المؤمنین (علیه السلام) ورود یافته، یعنی مخالفت کردند با رسول الله (صلی الله علیه و آله) از پس آنکه روشن گشته بود و ظاهر شده امر ایشان را راه حق که امامت و خلافت امیر المؤمنین (علیه السلام) است (2)

فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ وَذَائِدَ الْحَقِّ عَنْكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ، الَّذِينَ تَلَفَحُوا وُجُوهُهُمْ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالْحُونَ (3)

خدا لعنت کند آنان که حرمت تو را شکستند و حقت را از تو دور کردند شهادت می دهم که آنان از همه زیانکارترند آنان که حرارت آتش به صورت هایشان می خورد و در آن با روی گرفته و عبوس هستند. (4) کسانی که از ولایت اهل بیت اعراض کرده اند

قَوْلُهُ تَعَالَى (إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كِبُونَ) عَنْ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ نَاكِبُونَ عَنْ وَلَايَتِنَا

ص: 563

1- . محمد آية 32

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . المومنون آية 104

4- . المزار الكبير (لابن المشهدي) ص 12 269 - زيارة اخرى لمولانا أمير المؤمنين علي بن ابي طالب صلوات الله عليه مختصة بيوم

خداوند می فرماید: (وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كِبُونَ) (1)

کسانی که به روز قیامت ایمان ندارند از راه راست برمی گردند. از علی (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: آنان گروهی هستند که از ولایت ما اعراض نموده و از راه ما کناره گرفته اند. (2)

دروغگوترین مردم تکذیب کنندگان ولایت اهل بیت

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ (فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ) قَالَ: الصِّدْقُ وَلَا يَتُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. اميرالمومنين (عليه السلام) درباره ي آيه (فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ) (3) كيست ستمكار تر از كسي كه بر خدا دروغ بست و آن راستي را كه بر او آمد دروغ خواند، كيست؟ فرمود: آن راستي ولایت ما خاندان است. (4)

هرکه علي را با ديگري برابر بداند

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَأَكَ بِمَنْ نَأَوَاكَ، وَاللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ يَقُولُ (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) (5) وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مِنْ فَرَضِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَا يَتَّكَ.

امام هادي (عليه السلام) در زيارت غديريّه مي فرمايند: خدا لعنت كند كساني كه تورا هم طراز دشمنانت قرار دادند. در حالي كه خداوند بلند مرتبه مي فرمايد: آيا آنان كه مي دانند با آنان كه نمي دانند برابرنند؟ خدا لعنت كند كسي كه تورا با ديگري مساوي

ص: 564

1- . المومنون آية 74

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة ج 1 ص 324 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه ع

3- . الزمر آية 32

4- . الأمالي (للطوسي) المجلس 13 ح 17

5- . الزمر آية 90



بداند با آنکه خداوند ولایت را بر او واجب کرده. (1)

خبر دادن پیامبر به علی از ظلم به او آخرین جماعه، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيُّ الدَّهَّانُ بِالْكُوفَةِ، قَالَ حَدَّثَنِي عَبَّادُ بْنُ سَعِيدٍ الْجُعْفِيُّ وَهُوَ جَدُّهُ لِأُمِّهِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي الْبُهْلُولِ، قَالَ حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ حَكِيمِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ سَالِمِ الْجُعْفِيِّ، قَالَ قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) وَهُوَ فِي الرَّحْبَةِ جَالِسٌ: اتَّبِدُوا، وَهُوَ عَلَى الْمَسِيرِ مِنَ السَّوَادِ، فَأَتَدَبُوا نَحْوَ مِنْ مِائَةٍ، فَقَالَ: رَبِّ السَّمَاءِ وَرَبِّ الْأَرْضِ، لَقَدْ حَدَّثَنِي خَلِيلِي رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) أَنَّ الْأُمَّةَ سَتَغْدِرُ بِي مِنْ بَعْدِهِ عَهْدًا مَعْهُودًا وَقَضَاءً مَقْضِيًّا، (وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى) (2)

سالم جعفي روایت کرده که علی (عليه السلام) در حالی که در میدان شهر نشسته بود فرمودند: رهسپار شوید، پس به همراه او که از عراق باز می گشت نزدیک به صد نفر به راه افتادند حضرت فرمود: به پروردگار آسمان و پروردگار زمین سوگند که رفیق رسول خدا (صلي الله عليه وآله) مرا فرمود که این امت پس از او در پیمانی بسته شده و کاری به انجام رسیده به من خیانت خواهند کرد ولی هر که حق را بپوشاند ناکام می شود. (3)

ص: 565

1- . المزار الكبير (لابن المشهدي) ص 270 12 - زيارة اخرى لمولانا أمير المؤمنين علي بن ابي طالب صلوات الله عليه مختصة بيوم الغدير .....

2- . طه آية 61

3- . الأمالي (للطوسي) المجلس 17 ح 8

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُسَدَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ زِيَادِ الْقَلُوسِيِّ الْبَصْرِيِّ قَاضِي تَنْبُيْسٍ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ سَيَّارِ النَّصِيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو نَعِيمٍ الْفَضْلُ بْنُ دُكَيْنٍ، قَالَ حَدَّثَنَا فِطْرُ بْنُ خَلِيفَةَ، قَالَ أَخْبَرَنِي حَبِيبُ بْنُ أَبِي ثَابِتٍ، قَالَ سَمِعْتُ ثَعْلَبَةَ بْنَ مَرْثَدٍ الْحِمَّانِيَّ، قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: وَاللَّهِ إِنَّهُ لَعَهْدٌ عَهْدُهُ إِلَيَّ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْ الْأُمَّةَ سَتَعْدِرُ بِكَ بَعْدِي.

ثعلبه بن مرشد: از علی (علیه السلام) شنیدم که فرمود: به خدا سوگند همانا پیامبر امی (صلی الله علیه و آله) به من خاطر نشان کرد که این امت پس از من به تو خیانت خواهند کرد. (1)

پیروان پیشوای ستمگر

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَمَرَ الْجَعَابِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ بَكْرٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا، قَالَ حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ طَارِقٍ، قَالَ: سَأَلْتُ زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

عَنْ قَوْلِهِ (تَعَالَى): (لَا)

تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا) فَقَالَ زَيْدٌ: يَا كَثِيرُ، إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ، وَ لَسْتُ بِمُتَّهِمٍ، وَإِنِّي خَائِفٌ عَلَيْكَ أَنْ تَهْلِكَ، إِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ بِاتِّبَاعِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ إِلَى النَّارِ، فَيَدْعُونَ بِالْوَيْلِ وَالثُّبُورِ، وَيَقُولُونَ لِإِمَامِهِمْ:

يَا مَنْ أَهْلَكَنَا هَلُمَّ الْآنَ فَخَلِّصْنَا مِمَّا نَحْنُ فِيهِ، فَعِنْدَهَا يُقَالُ لَهُمْ: (لَا)

ص: 566

تَدْعُوا الْيَوْمَ تُبُوراً وَاحِداً وَادْعُوا تُبُوراً كَثِيراً) ثُمَّ قَالَ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام): حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام): أَنْتَ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) وَأَصْحَابُكَ فِي الْجَنَّةِ، وَأَتَّبَاعُكَ فِي الْجَنَّةِ.

كثير بن طارق: از زيد بن علي بن حسين (عليه السلام) درباره سخن خداوند كه مي فرمايد (لا تَدْعُوا الْيَوْمَ تُبُوراً واحِداً وَادْعُوا تُبُوراً كَثِيراً) (1) امروز يكبار واويلا نمي گوييد بلکه بايد بسيار واويلا سر دهيد سوال كردم پس زيد گفت: اي كثير! تو مردنيكوکاري هستي و در معرض اتهام قرار نداري ولي من بر نابودي تو هراسانم. هنگامي كه قيامت فرا رسد خداوند به پيروان هر امام ستمگري دستور مي دهد كه به سوي دوزخ روانه شوند. پس واويلا سر مي دهند و به پيشوايشان مي گویند: اي كسي كه ما را به نابودي كشاندي بيا و ما را از آنچه در آن هستيم نجات بخش. پس در اين هنگام به آنان گفته مي شود (لا تَدْعُوا الْيَوْمَ تُبُوراً واحِداً وَادْعُوا تُبُوراً كَثِيراً) امروز يكبار واويلا نمي گوييد بلکه بايد بسيار واويلا سر دهيد آنگاه زيد بن علي (عليه السلام) گفت: پدرم از پدرش حسين بن علي (عليه السلام) روايت فرمود: رسول خدا (صلي الله عليه وآله) به علي بن ابيطالب (عليه السلام) فرمود: اي علي! تو و ياران تو در بهشت هستيد. اي علي! تو و پيروان تو در بهشت هستيد. (2)

پيشوايان گمراه

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ شُعْبَةَ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو السَّائِبِ سَلْمُ بْنُ جُنَادَةَ، قَالَ حَدَّثَنَا وَكَيْعُ بْنُ الْجَرَّاحِ، قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ سَعِيدِ الثَّوْرِيِّ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

ص: 567

1- . الفرقان آية 14

2- . الأمالي (للطوسي) المجلس 5 ح 37

يَحْيَى الْحَضْرَمِيِّ، قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا (عليه السلام) يَقُولُ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) وَهُوَ نَائِمٌ وَرَأْسُهُ فِي حَجْرِي، فَتَدَاكُرْنَا الدَّجَالُ فَاسْتَيْقَظَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) مُحْمَرًا وَجْهُهُ فَقَالَ: لَعَيْرُ الدَّجَالِ أَخَوْفُ عَلَيْكُمْ مِنَ الدَّجَالِ الْأَيْمَةُ الْمُضِيدُ لُونِ، وَ سَفْكَ دِمَاءِ عَثْرَتِي مِنْ بَعْدِي، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ، وَ سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَهُمْ. عبدالله بن يحيى حضر مي گفت: از علي (عليه السلام) شنيدم كه مي فرمود: در خدمت پيامبر (صلي الله عليه وآله) نشسته بوديم و ايشان سر بر دامن من خوابيده بود. آن گاه از دجل سخن به ميان آمد و پيامبر گرامي (صلي الله عليه وآله) در حالي كه صورتش سرخ شده بود از خواب برخاست و فرمودند: كساني هستند كه از دجل بر شما خوفناكترند، پيشوايان گمراه و ريختن خون خاندانم پس از من. من دشمن كساني هستم كه با آنها بجنگند و دوست

كساني هستم كه با آنها در صلح باشند. (1)

ص: 568



أَخْبَرَنَا أَبُو عَمَرَ عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْدِيٍّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْأُوْدِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَامِرٍ، قَالَ حَدَّثَنِي كَامِلُ بْنُ الْعَلَاءِ، عَنْ عَامِرِ بْنِ السَّمُطِ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ، عَنْ أَبِي صَادِقٍ، عَنْ عَلِيٍّ، عَنْ سَلْمَانَ، قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَرُوداً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَوْلَاهَا إِسْلَاماً عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) فرمودند: همانا اولين كسي از اين امت كه بر رسول خدا(صلي الله عليه و آله) وارد مي شود اولين كسي است كه اسلام آورده و او علي بن ابيطالب(عليه السلام) است. (1)

حَدَّثَنَا أَبُو عَمَرَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ الْمُنْذِرِ، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَلَمَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو مُوسَى: عَلِيٌّ (عليه السلام) أَوَّلُ مَنْ أَسْلَمَ.

ابو موسي مي گوید: علي(عليه السلام) اولين كسي است كه اسلام آورد. (2)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ حُشَيْشٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو ذَرٍّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنِي الْأَحْمَسِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي ابْنُ أَبِي حَمَّادٍ، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَلَمَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي صَادِقٍ، عَنْ عَلِيٍّ، قَالَ سَمِعْتُ سَلْمَانَ يَقُولُ: إِنَّ أَوَّلَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَرُوداً عَلَى نَبِيِّهَا أَوْلَاهَا إِسْلَاماً عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَإِنَّ خَرَابَ هَذَا

الْبَيْتِ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ آلِ فُلَانٍ.

ص: 570

1- . الأماي (للطوسي) النص 246 [9] المجلس التاسع ح 24

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 10 ح 60

علیم می گوید: شنیدم که سلمان می گفت: همانا اولین کسی که از این امت بر پیامبرش وارد می شود اولین کسی است که اسلام آورده و او علی بن ابیطالب (علیه السلام) است و ویرانی این خانه به دست مردی از آل فلان است. (1)

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْجَوْهَرِيُّ بِالْبَصْرَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ النَّوْفَلِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَوْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا) قَالَ: أَسَلَمَتِ الْمَلَائِكَةُ فِي السَّمَاءِ، وَالْمُؤْمِنُونَ فِي الْأَرْضِ طَوْعًا، وَأَوْلَهُمْ وَأَسَلَمَتِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَلِكُلِّ أُمَّةٍ سَابِقٌ، وَأَسَلَمَ الْمُتَأَفِّقُونَ كَرْهًا، وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَوَّلَ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا، وَأَوْلَهُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

لِلْمُشْرِكِينَ قِتَالًا، وَقَاتَلَ مِنْ بَعْدِهِ الْمُتَأَفِّقِينَ وَمَنْ أَسَلَمَ كَرْهًا.

عبد الله بن عباس درباره ی این آیه (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا) (2) و کسانی که در آسمان ها و زمین هستند خواه و ناخواه تسلیم او هستند و به سویی او بازمی گردند گفت: فرشتگان در آسمان و مومنان در زمین از روی میل اسلام آوردند. نخستین و پیشی گیرنده ی ایشان از این امت علی بن ابیطالب (علیه السلام) است که برای هر امتی پیشی گیرنده ای است. و منافقان از روی بی میلی اسلام آوردند. علی بن ابیطالب (علیه السلام) در اسلام آوردن نخستین شخص از این امت بود که در رکاب رسول خدا (صلي الله عليه وآله) با مشرکان جنگید و پس از رسول خدا (صلي الله عليه وآله) منافقان و کسانی که با بی میلی اسلام آورده بودند با او جنگیدند. (3)

ص: 571

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 11 ح 80

2- . آل عمران آية 83

3- . الأماي (للطوسي) المجلس 18 ح 10

أَخْبَرَنَا ابْنُ الصَّلْتِ، قَالَ أَخْبَرَنِي ابْنُ عُقْدَةَ، قَالَ أَخْبَرَنِي عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ: هَذَا كِتَابُ جَدِّي عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ، فَقَرَأْتُ فِيهِ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى أَبُو الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) أَوَّلُ مَنْ أَسْلَمَ.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: از پدرانش روایت می کند که علی (عليه السلام) اولین کسی بود که اسلام آورد. (1) علی اولین ایمان آورنده

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ جَعْفَرِ الصُّوَلِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا زَكَرِيَّا بْنُ يَحْيَى السَّاجِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُوسَى السُّدِّيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدٍ، عَنْ فَضَيْلِ بْنِ مَرْزُوقٍ، عَنْ أَبِي سُخَيْلَةَ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ وَ سَلْمَانَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا)، قَالَا: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مِنْ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَالَ: هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي، وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَهُوَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ، وَفَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَيَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ.

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) دست علي بن ابيطالب (عليه السلام) را در دست گرفت و فرمود: این شخص اولین کسی است که به من ایمان آورده و اولین کسی است که در قیامت دست در دست من می نهد و او راستگوي بزرگ و جدا کننده (حق از باطل) این امت و پیشوای مومنان است. (2)

أَخْبَرَنَا أَبُو عُمَرَ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْجُعْفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ وَهُوَ أَبُو هِلَالٍ

ص: 572

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 12 ح 43

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 8 ح 11



الْجُعْفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا جَابِرُ بْنُ الْحُرِّ النَّخَعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مَيْمُونٍ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ يَقُولُ: أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِرَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنَ الرِّجَالِ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَ مِنَ النِّسَاءِ خَدِيجَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ).

عبدالرحمن از پدرش روایت می کند: شنیدم که ابن عباس می گوید: اولین کسی که از مردان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ایمان آورد علی (علیه السلام) و از زنان خدیجه (علیها السلام) بود. (1) اولین کسی که با پیامبر نماز خواند

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمَرَ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ

الرَّحْمَنِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا جَابِرُ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُجَيْيٍّ، قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: صَدَّقْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ مَعَهُ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثَ سِنِينَ، وَ كَانَ مِمَّا عَاهَدَ إِلَيَّ أَنْ لَا يُبَغِضَ نِي مُؤْمِنٌ، وَ لَا يُحِبُّنِي كَافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ، وَ اللَّهُ مَا كَذَبْتُ وَ لَا كُذِّبْتُ، وَ لَا ضَلَلْتُ وَ لَا ضَلَّ بِي، وَ لَا نَسِيتُ مَا عَاهَدَ إِلَيَّ.

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) سه سال پیش از آنکه کسی از مردم با او نماز گزارد نماز خواندم و از آنچه با من در میان گذاشت این بود که مومن مرا دشمن نمی دارد و کافر و منافق مرا دوست نمی دارد. به خدا سوگند دروغ نگفتم و به من دروغ گفته نشد و گمراه نشدم و کسی بخاطر من گمراه نگشت و آنچه را با من در میان گذارد فراموش نکرده ام. (2)

ص: 573

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 10 ح 5

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 10 ح 11

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ يُوشَعُ بْنُ نُونٍ (عليه السلام) سَبَقَ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (عليه السلام) وَ مُؤْمِنُ آلِ يَسَّ (عليه السلام) سَبَقَ إِلَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ (عليه السلام) وَ عَلِيٍّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) سَبَقَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) (آله)

خداوند می فرماید (السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) آنان که در ایمان سبقت گرفتند، همانا نزد خداوند منزلتی والا دارند و به خداوند نزدیکترند. ابن عباسگوید: یوشع بن نون بود که در پذیرش ایمان به موسی (عليه السلام) از همه سبقت گرفت و مؤمن آل یس به عیسی بن مریم (عليه السلام) و علی بن ابی طالب (عليه السلام) است که به رسول خدا (صلي الله عليه و آله) ایمان آورده و از همگان سبقت گرفتند. (1)

قَوْلُهُ تَعَالَى (السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) هُوَ عَلِيٌّ (عليه السلام)

درباره قول خدای عزوجل (السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) گفته

مقصود علی (عليه السلام) باشد. (2)

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) (3) قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يُوشَعُ بْنُ نُونٍ سَبَقَ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (عليه السلام) وَ مُؤْمِنُ آلِ يَاسِينَ سَبَقَ إِلَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ (عليه السلام) وَ عَلِيٍّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) سَبَقَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله)

ابن عباس گوید: یوشع بن نون (عليه السلام) بود که در پذیرش ایمان به موسی (عليه السلام) از همه سبقت گرفت و مؤمن آل یس به عیسی بن مریم (عليه السلام) و علی بن ابی طالب (عليه السلام) است که به رسول خدا (صلي الله عليه و آله) ایمان آورده و از همگان سبقت گرفتند. (4)

ص: 574

- 1- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 394 المبحث الحادي والعشرون فيما ورد من طريق الجمهور أنه نزل في أمير المؤمنين ع من القرآن
- 2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 313 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه
- 3- . الواقعة آية 10-11
- 4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 323 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

قَوْلُهُ تَعَالَى (تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا) عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ (عليه السلام) أَنَّهَا نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ (عليه السلام) و دیگر (تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا) (1) موسی بن جعفر (علیه السلام) از ابای بزرگوار خود روایت کرده که این آیت در شان علی بن ابی طالب (علیه السلام) نازل شده. (2)

امیرالمومنین

اولین پیرو رسول خدا

وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله) عَلِيُّ (عليه السلام) أَوَّلُ مَنْ اتَّبَعَنِي وَ هُوَ أَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي بَعْدَ الْحَقِّ

و به همین اسناد جعابی روایت کرده که رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمود: علی (علیه السلام) نخستین کسی بود که از من پیروی کرده (و به من ایمان آورد) و همو اولین کسی باشد که در قیامت با خداوند جزا دهنده روبرو خواهد شد. (3)

اولین کسی که دعوت پیامبر را اجابت کرد

رَوَاهُ الْفَلَكَيُّ فِي إِبَانَةِ مَا فِي التَّنْزِيلِ عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ عَنْهُ فِي قَوْلِهِ (إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَ الْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) (4) نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ لِأَنَّهُ أَوَّلُ مَنْ سَمِعَ وَ الْمَيِّتُ الْوَلِيدُ بْنُ عَقْبَةَ

ص: 575

1- . الفتح آية 29

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 322 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- [3] عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 59 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 228

4- . الانعام آية 36

ابن عباس (إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْعَوْنَ وَالْمُوتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) در مورد علی (علیه السلام) نازل شده زیرا او اولین کسی است که برای پذیرفتن دعوت پیامبر گوش شنوا داشت و منظور از «مُرده» ولیدبن عقبه است. (1)

مقدم در کتاب خدا

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ )

قِيلَ ذَلِكَ عَلِيٍّ (عليه السلام) لِأَنَّهُ كَانَ مُؤْمِنًا مُهَاجِرًا ذَا رَحِمٍ

آیه کریمه (أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ) (2) و خویشاوندان نسبی شخص بعضی دیگر در کتاب خدا مقدم اند از مهاجرین. گفته اند آن شخص علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که هم مؤمن مهاجر و هم خویشاوندی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دارد. (3)

ص: 576

---

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 2 ص 9 فصل في المسابقة بالإسلام

2- . الاحزاب آية 6

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 322 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه



قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): ... حَرْبُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) حَرْبُ اللَّهِ وَ سِلْمُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) سِلْمُ اللَّهِ

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: جنگ با علي (عليه السلام) جنگ با خداست و سازش با علي (عليه السلام) سازش با خداست. (1)

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَنْ نَصَبَ لِعَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) حَرْبًا كَمَا نَصَبَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَالَ إِي وَ اللَّهِ وَ مَنْ نَصَبَ لَكَ أَنْتَ لَا يَنْصِبُ لَكَ إِلَّا عَلَى هَذَا الدِّينِ كَمَا كَانَ نَصَبَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِمَامَ صَادِقٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: هر که با پرچم علي (عليه السلام) بجنگد، مانند کسی هست که با رسول خدا (صلي الله عليه و آله) مي جنگد، زیرا کسی که با تو بجنگد، با تو نخواهد جنگید مگر به خاطر

دين همان گونه که کسی که با رسول خدا (صلي الله عليه و آله) دشمني کرده با دين خدا دشمني کرده است. (2)

خشم خدا بر کسانی که در مقابل علي جنگ کنند

وَ بِهَذَا الْإِسْمِ نَادَى، عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَنَّهُ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ (فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ أَصْحَابُ النَّارِ قَالَ: مَنْ قَاتَلَ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) بَعْدِي، أُولَئِكَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ مَعَ الْكُفَّارِ فَقَدْ كَفَرُوا (بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ) (3) أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) مِنِّي فَمَنْ حَارَبَهُ فَقَدْ حَارَبَنِي وَ أَسْحَطَ رَبِّي،

ص: 578

1- . الأماي للصدوق ص 89 المجلس العشرون ح 20 ح 1.

2- . المحاسن ج 1 ص 185 باب 47 باب الراد لحديث آل محمد ص ح 195

3- . الانعام آية 5

ثُمَّ دَعَا عَلِيًّا (عليه السلام) فَقَالَ: يَا عَلِيُّ (عليه السلام) حَرْبُكَ حَرْبِي، وَ سِلْمُكَ سِلْمِي، وَأَنْتَ الْعَلَمُ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ أُمَّتِي بَعْدِي.

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این آیه را خواند (فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (1) پرسیده شد: ای رسول خدا! اصحاب دوزخ چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: کسانی که پس از من با علی (علیه السلام) بجنگند. آنان کسانی هستند که به همراه کافران اهل دوزخند. کسانی که چون حق به سویشان آمد کافر گشتند. بدانید که علی (علیه السلام) از من است و هر که با او جنگیده پروردگارم را به خشم آورده. سپس علی (علیه السلام) را خواند و فرمود: ای علی! جنگ با تو جنگ با من و سازش با تو سازش با من است. و تو پس از من نشانه میان من و امتم هستی. (2)

جنگهای علی در زمان رسول خدا

....كَلِمًا حَسَوْنَا نَارًا لِلْحَرْبِ وَ نَجْمَ قَوْزٍ لِلضَّلَالِ، وَ فَعَرَّتْ فَاغْرَةً مِنَ الْمُسْتَرْكِينِ، قَذَفَ بِأَخِيهِ فِي لَهَوَاتِهَا، وَ لَا يَنْكُفِي حَتَّى يَطَأَ سِدْمَ أَخِيهَا بِأَخْمَصِهِ، وَ يُخِمِدَ لَهَبَهَا بِحَدِّهِ، مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله)...

حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند: هرگاه آتش کینه افروختند آترا خاموش ساخت و گاهی که گمراهی سر برداشت یا مشرکی دهان به جسارت گشود برادرش علی (علیه السلام) را در کام آنان انداخت علی (علیه السلام) باز نایستاد تا بر سر مخالفان نواخت و کار آنان را با دم شمشیر بساخت او این رنج را برای رضای خدا می کشید و در آن خشنودی پروردگار و رضای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می دید... (3)

ص: 579

1- . البقرة آية 81

2- . الأمالي (للطوسي) المجلس 13 ح 14

3- . بلاغات النساء ص 25 كلام فاطمة بنت رسول الله

مَا رَوَاهُ الْعَبَّاسُ بْنُ عُبَيْدٍ اللَّهُ الْعَبْدِيُّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ رَجَالِهِ قَالُوا سَمِعْنَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَقُولُ مَا رَأَيْتُ مُنْذُ بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) رَحَاءً وَالْحَمْدُ لِلَّهِ... از نخستين هنگامي كه پيغمبر اكرم (صلي الله عليه وآله) به منصب نبوت نائل شد تا به امروز به حمد خدا روى خوشى نديدم.... (1)

خبر دادن پيامبر به جنگ اميرالمومنين با سه گروه

وَ ذَكَرَ الْخَطِيبُ فِي تَارِيخِهِ مَا يَدُلُّ عَلَى أَنَّ عَلْقَمَةَ وَ الْأَسْوَدَ كَرَّرَا مُعَاتَبَةَ أَبِي أَيُّوبَ عَلَى نُصْرَتِهِ لِعَلِيِّ (عليه السلام) فَرَادَهُمَا أَيْضًا حَالَ عُدْرِهِ بِمَا كَانَ سَمِعَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَقَالَ الْخَطِيبُ إِنَّ عَلْقَمَةَ وَ الْأَسْوَدَ أَتَيَا أَبَا أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيَّ عِنْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنْ صِفِّينَ فَقَالَا لَهُ يَا أَبَا أَيُّوبَ إِنَّ اللَّهَ أَكْرَمَكَ بِرُؤُولِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) فِي بَيْتِكَ وَ بِمَجِيءِ نَاقَتِهِ تَفْضُلًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَ إِكْرَامًا لَكَ حَتَّى أَنَاخَتْ بِبَابِكَ دُونَ النَّاسِ جَمِيعًا ثُمَّ جِئْتَ بِسَيْفِكَ عَلَى عَاتِقِكَ تَضْرِبُ أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَالَ يَا هَذَا إِنَّ الرَّائِدَ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَ آلَهُ) أَمَرْنَا بِقِتَالِ ثَلَاثَةٍ مَعَ عَلِيِّ (عليه السلام) بِقِتَالِ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِيَةِ طِينِ وَ الْمَارِقِينَ فَأَمَّا النَّاكِثُونَ فَقَدْ قَاتَلْنَاهُمْ وَ هُمْ أَهْلُ الْجَمَلِ وَ طَلْحَةُ وَ الرَّبِيعُ وَ أَمَّا الْقَاسِيَةُ طُونَ فَهَذَا مُنْصَرَفْنَا عَنْهُمْ يَعْنِي مُعَاوِيَةَ وَ عَمْرَو بْنَ عَاصٍ وَ أَمَّا الْمَارِقُونَ فَهُمْ أَهْلُ الطَّرَفِ أَوَاتٍ وَ أَهْلُ السَّقِيفَاتِ وَ أَهْلُ النَّخِيلَاتِ وَ

ص: 580

1- . الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد ج 1 ص 284 كلامه ع في تظلمه من أعدائه و دافعيه عن حقه ح 1



أَهْلُ النَّهْرِ وَأَتَابِ وَاللَّهِ مَا أَدْرِي أَيُّنَ هُمْ وَ لَكِنَّ لَا بُدَّ مِنْ قِتَالِهِمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى ثُمَّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ لِعَمَّارٍ تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ وَأَنْتَ إِذْ ذَاكَ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَكَ يَا عَمَّارُ إِنْ رَأَيْتَ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) سَدَّ لَكَ وَاذِيًّا وَسَدَّ لَكَ النَّاسُ كُلَّهُمْ وَاذِيًّا فَاسَدَّ لَكَ مَعَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَإِنَّهُ لَنْ يُدْلِكَ فِي رَدِّي وَلَنْ يُخْرِجَكَ مِنْ هُدًى يَا عَمَّارُ مَنْ تَقَلَّدَ سَيْفًا وَأَعَانَ بِهِ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَلَى عَدُوِّهِ قَلَّدَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَشَاحِينَ مِنْ دُرٍّ وَمَنْ تَقَلَّدَ سَيْفًا أَعَانَ بِهِ عَدُوَّ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَلَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَشَاحِينَ مِنْ نَارٍ قُلْنَا يَا هَذَا حَسْبُكَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ حَسْبُكَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ

خطیب در تاریخ خود مطلبی را ذکر کرده است که دلالت دارد بر این که «علقمه» و «اسود» به طور مکرر ابو ایوب انصاری را به خاطر کمک کردنش به علی (علیه السلام) مورد عتاب و سرزنش قرار می دادند. از جمله: از علقمه و اسود روایت کرده که گفتند: بعد از آن که ابو ایوب انصاری از جنگ صفین بر گشت به دیدنش رفتیم و گفتیم: ای ابو ایوب خدا تو را گرامی داشت به این که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد منزل تو شد و شتر او به در خانه تو ایستاد با این که خیلی ها علاقه داشتند که آنها میزبان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بشوند، ولی از میان همه آنها این افتخار نصیب تو شد، آیا سزاوار است همه این افتخارات خود و الطاف خداوندی را پشت سر اندازی و شمشیر خودت را روی شانه ات بگیری و بیائی به جنگ گویندگان کلمه توحید؟! یعنی لشکر معاویه؟ ابو ایوب به ما گفت: هیچ وقت راهنما و قاصد به راهروان خود دروغ نمی گویند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ما را مأمور کرد با سه طایفه در رکاب علی (علیه السلام) بجنگیم «ناکثین، قاسطین و مارقین» اما ناکثان عبارت بودند از لشکر طلحه و زبیر که نقض بیعت با علی (علیه السلام) کردند و جنگ جمل را راه انداختند و اما قاسطین همینها بودند که اینک از جنگ با آنان بر می گردیم (یعنی معاویه و عمرو عاص که جنگ صفین را راه

انداختند) و اما مارقین که به خدا سوگند هنوز نمی دانم چه کسانی هستند و چه وقت خواهیم جنگید، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: اصحاب طرقات و سعیفات و نخیلات و نهرواناتند که ان شاء الله با آنان نیز خواهیم جنگید. آنگاه گفت: من از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم که به عمار یاسر می فرمود: جمعی یاغی و سرکش از دین و ستمکار، تو را می کشند و تو آن روز با حق و حق با تو است ای عمار هر گاه علی(علیه السلام) را دیدی که به راهی می رود و تمامی مردم به راهیدیگر، تو راه علی(علیه السلام) را بگیر که او تو را به سوی هلاکت راهنمایی نکرده و از هدایت خارج نمی کند. ای عمار! کسی که شمشیری حمایل کند تا علی(علیه السلام) را بر دشمنش یاری دهد خداوند در قیامت دو شمشیر از درّ به او حمایل می کند و کسی که شمشیری علیه علی(علیه السلام) و به یاری دشمن او حمایل کند، خداوند در قیامت دو شمشیر از آتش به او حمایل می نماید. آنگاه از قول علقمه و اسود نقل کرده که گفته اند: گفتیم فلانی همین مقدار ما را کافی است خداوند تو را رحمت کند. (1)

خبر دادن پیامبر به علی از جنگ با اهل نهروان

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي الْجَوْزَاءِ الْمُنَبِّهِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ، عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلِيهِ السَّلَام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) أَمَرَنِي أَنْ أَخَذَكَ أَخاً وَوَصِيّاً، فَأَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي، وَخَلِيفَتِي عَلَى أَهْلِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي، مَنْ تَبِعَكَ فَقَدْ تَبِعَنِي، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْكَ فَقَدْ تَخَلَّفَ

ص: 582

عَنِّي، وَمَنْ كَفَرَ بِكَ فَقَدْ كَفَرَ بِي، وَمَنْ ظَلَمَكَ فَقَدْ ظَلَمَنِي. يَا عَلِيُّ، أَنْتَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ. يَا عَلِيُّ، لَوْلَا أَنْتَ لَمَا قُوتِلَ أَهْلُ النَّهْرِ. قَالَ: فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)، وَمَنْ أَهْلُ النَّهْرِ قَالَ: قَوْمٌ يَمْرُقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ.

اميرالمومنين (عليه السلام) فرمود: رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمود: اي علي! خداوند عز وجل به من فرمان داد كه تو را برادر و جانشين خود قرار دهم. پس تو برادر و جانشين و خليفه من بر خانواده ام در زمان حيات و پس از مرگم هستي. هر كه از تو پيروي كند از من پيروي نموده است. و هر كه از تو سريپيچي نمايد از منسريپيچي نموده. و هر كه به تو كفر بورزد به من كفر ورزيده و هر كه به تو ستم كند به من ستم کرده. اي علي! تو از مني و من از توام. اي علي! اگر تو نبودي با اهل نهر جنگ نمي شد. پس عرضه داشتيم: اهل نهر چه كساني هستند؟ پيامبر (صلي الله عليه وآله) فرمود: گروهی كه از اسلام خارج مي گردند همان گونه كه تير از چله ي كمان خارج مي گردد. (1)

خبر دادن از جنگ کردن عده اي با علي

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام)

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: إِنِّي لَأَدْنَاهُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

فِي حِجَّةِ الْوُدَاعِ بِمِنَى، فَقَالَ: لَأَعْرِفَنَّكُمْ تَرْجِعُونَ بَعْدِي كُفَّارًا يَصُدُّ رَبُّ بَعْضِكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ، وَإِنَّمَا اللَّهُ لِيُنْفِخَ فِي الْكُتَيْبَةِ الَّتِي تُصَارِبُكُمْ، ثُمَّ أَلْفَتْ إِلَى خَلْفِهِ فَقَالَ: أَوْ عَلِيٍّ أَوْ عَلِيٍّ، ثَلَاثًا، فَرَأَيْنَا أَنَّ جَبْرَيْلَ (عليه السلام) غَمَزَهُ، وَأَنْزَلَ اللَّهُ: (فَأَمَّا

نَذَهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَفِعُونَ) بِعَلِيٍّ (أَوْ نُرِيكَ الَّذِي وَعَدْنَاكُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ) ثُمَّ نَزَلَتْ: (قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِي مَا يُوعَدُونَ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ

ص: 583

لِقَادِرُونَ اَذْفَعُ بِالتِّي هِيَ اَحْسَنُ ) ثُمَّ نَزَلَتْ: (فَاسْتَمْسِكْ

بِالَّذِي اَوْحِيَ اِلَيْكَ) مِنْ اَمْرِ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) (اِنَّكَ عَلَيَّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ) وَ اِنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) لَعَلِمَ لِلْسَّاعَةِ وَ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ) عَنْ مَحَبَّةِ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام).

جابر بن عبدالله: من در منا در آخرين حج رسول خدا (صلي الله عليه و آله) نزديكترين كس به ايشان بودم كه فرمودند: گمان مي برم كه پس از من كافر مي گرديد و برخي گردن برخي ديگر را مي زنيد و به خدا سوگند اگر چنين كنيد مرا در لشكري كه با شما مي جنگد، خواهيدديد. سپس به پشت سرش رو كرد و فرمود: بجز علي (عليه السلام). آنگاه ماديديم كه جبرئيل (عليه السلام) او را لمس كرد و خداوند والا اين چنين فرو فرستاد (فَاِمَّا

نَذَهَبَنَّ بِكَ فَاِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ) (1) يا تورا ببريم كه از آنها انتقام بگيريم به واسطه علي (عليه السلام) (اَوْ نُرِيَّتِكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَاِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ) (2) يا كيفري را كه به آنها وعده كرديم به تو نشان دهيم زيرا ما بر تو تواناييم سپس نازل شد (قُلْ

رَبِّ اِمَّا تُرِيَّتِي مَا يُوعَدُونَ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ اِنَّا عَلَى اَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لِقَادِرُونَ) (3) بگو پروردگارا! كاش چيزي را كه به آنها وعده داده شده به من نشان مي دادي. پروردگارا مرا در گروه ستمكاران قرار مده و ما به نشان دادن وعده مان بر آنها تواناييم. بدي را با چيزي بهتر دفع كن سپس نازل شد (فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي اَوْحِيَ اِلَيْكَ) (4) پس به آنچه به تو وحي شده چنگ بزن يعني آنچه درباره ي علي (عليه السلام) است. (اِنَّكَ عَلَيَّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ) (5) و همانا علي (عليه السلام) نشانه اي براي قيامت است (لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ) (6) براي تو و مردمت و شما باز خواست خواهيد شد در مورد مهر ورزي به علي (عليه السلام). (7)

ص: 584

- 1- . الزخرف آية 41
- 2- . الزخرف آية 42
- 3- . المومنون الآيات 93 الي 95
- 4- . الزخرف آية 43
- 5- . الزخرف آية 43
- 6- . الزخرف آية 44
- 7- . الأماي (للطوسي) المجلس 13 ح 11

خبر دادن علي به جنگ با ناکثان مارقان قاسطان

و بِهِذَا الْإِسْمِ نَادَى، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِأُمِّ سَلَمَةَ: إِنَّهُ هَدَى عَلِيَّ أَنْ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يُقَاتِلُ النَّكَثِينَ وَ الْقَاسِيَةَ طِينًا وَ الْمَارِقِينَ.

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) به ام سلمه فرمود: براي ما گواهي بده كه همانا علي (عليه السلام) با ناکثان (پيمان شکنان) و قاسطان (ستمکاران) و مارقان (گمراهان) خواهد جنگيد. (1)

علي و جنگ با اهل بدعت

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُنْضَلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارٍ أَبُو الْعَبَّاسِ النَّتْفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ أَبِي إِسْرَائِيلَ، قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَبِي سَلِيمَانَ يَعْنِي الضُّبَيْعِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو هَازُونَ الْعَبْدِيُّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: أَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بِمَا يَلْقَى بَعْدَهُ، فَبَكَى وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، أَسْأَلُكَ بِحَقِّي عَلَيْكَ وَ قَرَابَتِي مِنْكَ، وَ حَقِّ صُحْبَتِي إِيَّاكَ، لَمَّا دَعَوْتَ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) أَنْ يُفِضَ نَبِيَّ إِلَيْهِ. فَقَالَ: أَسْأَلُنِي أَنْ أَدْعُو رَبِّي لِأَجَلٍ مُؤَجَّلٍ قَالَ: فَعَلَى مَا أَقَاتَلْتَهُمْ قَالَ: عَلَى الْأَحْدَاثِ فِي الدِّينِ.

ابو سعيد خدری گفت: رسول خدا (صلي الله عليه و آله) علي (عليه السلام) را از آنچه خواهید دید خبر داد. علي (عليه السلام) گریست و عرضه داشت: اي رسول خدا! تو را بر حقم بر تو و خویشی و همراهی ام با تو از خداوند بخواه جانم را بگیرد. حضرت فرمود: آیا از من می خواهی كه با پروردگارم درباره ي اجل تعیین شده صحبت كنم؟ علي (عليه السلام) عرضه

ص: 585

داشت: بر چه اساسی با آنها بجنگم؟ حضرت فرمودند: بر اساس بدعت در دین. (1)

با شما میجنگم بر اساس آنچه رسول خدا با شما جنگید

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ قِرَاءَةً، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَلَاءِ، وَحَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ الرَّازِيُّ بِالرَّيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو زُرْعَةَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ حَمَادِ بْنِ طَلْحَةَ الْقَنَادُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَسَدُ بَاطِنُ بْنُ نَصْرٍ، عَنْ سَمَّاكِ يَعْنِي ابْنَ حَرْبٍ عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) كَانَ يَقُولُ فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ) يَقُولُ: (وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُدَّ اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ) وَ اللَّهُ لَا يَنْقَلِبُ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ، وَ اللَّهُ لَئِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ لَأَقَاتِلَنَّ عَلَى مَا قَاتَلَ عَلَيْهِ حَتَّى أَمُوتَ، وَ اللَّهُ إِنِّي لَأُخُوهُ وَ ابْنُ عَمِّهِ، وَ وَارِثُهُ، فَمَنْ أَحَقُّ بِهِ مِنِّي

ابن عباس روایت کرده علی (علیه السلام) در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمود: خداوند عز و جل می فرماید: (و ما مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُدَّ اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ) (2) محمد (صلی الله علیه و آله) فرستاده ی خداست، پیش از او فرستادگان دیگری نیز

ص: 586

1- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 18 ح 5

2- . آل عمران آية 144

بوده اند که در گذشته اند. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود به آیین گذشته برمی گردید؟ و هرکه به آیین گذشته برگردد به خدا زیانی نمی رساند و خداوند به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهد داد. به خدا سوگند پس از این که خدا ما را هدایت کرد به گذشتمان بر نمی گردیم، به خدا سوگند اگر او بمیرد یا کشته شود، بر اساس آن چه او جنگید من هم می جنگم تا بمیرم. به خدا سوگند من برادر پسر عمو و وارث اویم و چه کسی به او از من سزاوار تر است؟(1)

تو و علی باید با اینان بجنگید

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حَفْصِ الْخَثْعَمِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِسْحَاقَ الرَّاشِدِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا حُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ الْفَزَارِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ:

لَمَّا نَزَلَتْ (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ) قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): لَأُجَاهِدَنَّ الْعَمَالِقَةَ يَعْنِي الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ فَأَتَاهُ جَبْرِئِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَقَالَ:

أَنْتَ أَوْ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام).

ابن عباس گفته است: وقتی این آیه نازل شد (یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین)(2) ای پیامبر با کافران و منافقان پیکار کن. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) فرمودند: همانا من با غول ها (کافران و منافقان) پیکار خواهم کرد. در این هنگام جبرئیل (علیه السلام) آمد و عرضه داشت: چه تو و چه علی (علیه السلام) (یعنی هر دو باید چنین کنید)(3)

ص: 587

1- . الأما لي (للطوسي) المجلس 18 ح 6

2- . التوبة آية 73

3- . الأما لي (للطوسي) المجلس 18 ح 7

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ زَكَرِيَّا الْمُحَارِبِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ الرَّوَاحِنِيُّ، قَالَ أَخْبَرَنَا نُوحُ بْنُ دَرَّاجِ الْقَاضِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ السَّائِبِ الْكَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي صَالِحِ يَعْنِي الْحَنْفِيَّ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَوْمَ الْفَتْحِ خَطِيباً، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي لَأَعْرِفُ أَنَّكُمْ تَرْجِعُونَ بَعْدِي كُفَّاراً، يَصَدُّ رَبُّ بَعْضِكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ، وَلَئِنْ فَعَلْتُمْ ذَلِكَ لَتَعْرِفُنِي فِي كِتَابَةِ أَضْرَابِكُمْ بِالسَّيْفِ، ثُمَّ التَفَّتْ عَنْ يَمِينِهِ، فَقَالَ النَّاسُ: لَقَنَهُ جَبْرِئِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) شَيْئاً. فَقَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): هَذَا جَبْرِئِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ: أَوْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام).

رسول خدا(صلي الله عليه وآله) روز فتح براي خطبه خواندن ايستاد و فرمود: اي مردم! همانا من مي دانم كه شما پس از من به كفرتان بازمي گرديد و برخي تان گردن برخي ديگر را مي زند و اگر چنين كنيد مرا در لشكري خواهيدديد كه شما را با شمشير مي زنم. سپس به جانب راستش اشاره كرد و مردم گفتند: جبرئيل (عليه السلام) با او نجوا مي كند. آنگاه پيامبر گرامي(صلي الله عليه وآله) فرمودند: اين جبرئيل (عليه السلام) است كه مي گويد: يا علي (عليه السلام) است كه شما را به شمشير مي زند. (1)

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ قِرَاءَةً، وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ كَاسِ النَّخَعِيِّ، وَاللَّفْظُ لَهُ، قَالَا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْأَوْدِيُّ الصُّوفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ حُسَيْنِ يَعْنِي الْعُرْنِيَّ، قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ يَعْلَى، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى التَّيْمِيِّ، عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِي حِجَّةٍ



الْوَدَاعِ، وَرُكْبَتِي تَمَسُّ رُكْبَتَهُ، يَقُولُ: لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّاراً يَصْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ، أَمَا إِنْ فَعَلْتُمْ لَتَعْرِفُنِي فِي نَاحِيَةِ الصَّفِّ. قَالَ: وَأَشَارَ إِلَيْهِ جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) فَالْتَمَتَ إِلَيْهِ، وَقَالَ: قُلْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، أَوْ عَلَيَّ (عليه السلام). قَالَ: إِنْ شَاءَ اللَّهُ، أَوْ عَلَيَّ (عليه السلام).

جابر بن عبدالله انصاري گفت: من در حجة الوداع در حالی که زانویم به زانوی رسول خدا (علیه السلام) می خورد از ایشان شنیدم که فرمودند: پس از من به کفرتان باز نگردید که برخی گردن برخی دیگر را بزنند. هان که اگر چنین کنید مرا در یک سوی آن صف خواهید شناخت. جابر گفت: و جبرئیل (علیه السلام) به او اشاره کرد و حضرت به جبرئیل (علیه السلام) رو کرد و عرضه داشت: بگو اگر خدا بخواهد یا منم یا علی (علیه السلام). و حضرت فرمودند: اگر خدا خواست یا منم یا علی (علیه السلام). (1)

فرمان شروع جنگ از سوی خدا

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو حَفْصٍ عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّيْرَفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْمُحَمَّدِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فُرَاتِ التَّمِيمِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْمَسْعُودِيُّ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَصِيْرَةَ، عَنِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَنْزِيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي ابْنُ عَمِّي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْعَنْزِيُّ، قَالَ: إِنَّا لَجُلُوسٌ مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَوْمَ الْجَمَلِ إِذْ جَاءَهُ النَّاسُ يَهْتَفُونَ بِهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، لَقَدْ نَالَتَا النَّبْلَ وَالنُّشَابَ، فَسَكَتَ ثُمَّ جَاءَ آخَرُونَ فَذَكَرُوا مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالُوا قَدْ جُرِحْنَا، فَقَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): يَا قَوْمَ، مَنْ يُعَذِّرُنِي مِنْ قَوْمٍ يَأْمُرُونِي بِالْقِتَالِ وَلَمْ تَنْزِلْ بَعْدُ الْمَلَائِكَةُ.

ص: 589

فَقَالَ: إِنَّا لَجُلُوسٌ مَا نَرَى رِيحاً وَلَا نَحْسُهَا إِذْ هَبَّتْ رِيحٌ طَيِّبَةٌ مِنْ خَلْفِنَا، وَاللَّهِ لَوْ جَدْتُ بَرْدَهَا بَيْنَ كَتِفَيَّ مِنْ تَحْتِ الدُّرْعِ وَالثِّيَابِ، قَالَ: فَلَمَّا هَبَّتْ صَبَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) دِرْعَهُ، ثُمَّ قَامَ إِلَى الْقَوْمِ، فَمَا رَأَيْتُ فَتْحًا كَانَ أَسْرَعَ مِنْهُ.

ابو عبدالله عنزي مي گوید: در کنار علي بن ابيطالب (عليه السلام) در جنگ جمل نشسته بوديم که گروهی از مردم به نزد او آمدند و عرضه داشتند: اي امير مومنان! نيزه ها و عمودها بر ما وارد شده است پس امام (عليه السلام) خاموش شد. آنگاه گروه دیگری آمده و مانند آن سخن را بر زبان آورده و گفتند: ما مجروح شده ايم. پس علي (عليه السلام) فرمود: اي جماعت! چه کسی عذر مرا مي پذيرد از اين که گروهی مرا به جنگ فرمان مي دهد در حالی که فرشتگان هنوز بر من فرود نيامده اند. (و فرمان جنگ را از سوي خدا نياوردند) راوي گوید ما همچنان نشسته بوديم و هيچ بادي را احساس نمي کرديم که ناگهان بادي خوشايند و نيكو از پشت سر ما وزيدن گرفت پس هنگامي که آن باد وزيدن گرفت امرالمومنين (عليه السلام) زره بر تن کرد و به سوي آن جماعت برخاست و من هيچ پيروزي سريعترا از آن مشاهده نکرده بودم. (1)

علي قاتل بدکاران

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ أَبُو الْعَبَّاسِ الْقُرَشِيُّ بِالْكُوفَةِ سَنَةَ ثَلَاثِ عَشْرَةَ وَثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي أَبُو أُمِّي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى أَبُو جَعْفَرٍ الْقَيْسِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ يَزِيدَ الطَّائِيُّ، قَالَ

ص: 590

حَدَّثَنِي عَبْدُ الْمُؤْمِنِ بْنِ الْقَاسِمِ الْأَنْصَارِيُّ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ ظَبْيَانَ، عَنْ عَبَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَسَدِيِّ، عَنْ زَيْدِ بْنِ صُوحَانَ أَنَّهُ حَدَّثَهُمْ عَنِ الْبَصْرَةِ، عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ: أَنَّهُ أَذَرَهُمْ فِتْنًا مُتَّسِبَةً، يَرْتَكِسُ فِيهَا أَقْوَامٌ عَلَى وُجُوهِهِمْ، قَالَ: ازْقُبُوهَا، قَالَ: فُقُلْنَا كَيْفَ النَّجَاةُ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: انظُرُوا الْفِتْنَةَ الَّتِي فِيهَا عَلِيٌّ (عليه السلام) فَأَتْوَهَا وَلَوْ زَحْفًا عَلَى رُكْبِكُمْ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) يَقُولُ: عَلِيٌّ (عليه السلام) أَمِيرُ الْبَرَّةِ، وَقَاتِلُ

الْفَجْرَةِ، مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهُ، مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

از زيد بن صوحان روايت شده كه حذيفة بن يمان ايشان را از فتنه هاي سرگردان كننده اي كه در آن گروه ها به رو سرگردان مي شوند بيمشان داد و گفت: مراقب اين فتنه ها باشيد. راوي گفته است كه ما گفتيم اي ابا عبدالله! نجات از آن چگونه است؟ او گفت: به گروهی كه علي (عليه السلام) در آن است بنگريد و به سوي او برويد اگر چه با خزيدن با زانوانتان باشد زيرا من از رسول خدا (صلي الله عليه وآله) شنيدم كه فرمودند: علي (عليه السلام) تا قيامت امير نيكان و كشنده ي بدكاران است ياري شده است ياور او و نوميد گشته نوميد كننده ي او تا روز قيامت. (1)

اميرالمومنين در راه تأويل قرآن مي جنگد

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام)

عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ

ص: 591

بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) إِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يُقَاتِلُ عَلِيَّ تَأْوِيلَ الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلِيَّ تَنْزِيلَهُ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام).

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمود: شخصي از شما در راه تأویل قرآن مي جنگد همانگونه كه من در راه نزول آن جنگيدم و او علي بن ابيطالب (عليه السلام) است. (1)

ارزش ضربت علي در روز خندق

قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله): لِمُبَارَزَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) لِعَمْرِو بْنِ عَبْدِوُدٍّ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِ أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در حديث زيبايي فرمودند: مبارزه علي (عليه السلام) در روز خندق افضل است از اعمال امتم تا قيامت. (2)

قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله): لَضَرْبَةِ عَلِيِّ (عليه السلام) يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ

رسول خدا (صلي الله عليه وآله): ضربت علي (عليه السلام) در روز خندق افضل است از عبادت ثقلين. (3)

وَكَذَلِكَ قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله)

لَمَّا بَرَزَ مَوْلَانَا عَلِيُّ (عليه السلام)

إِلَيْهِ بَرَزَ الْإِسْلَامُ كُلُّهُ إِلَى الْكُفْرِ كُلِّهِ رَسُولُ خُدا (صلي الله عليه وآله) در روز خندق هنگامی كه اميرالمومنين (عليه السلام) در برابر عمر بن عبدود قرار گرفت فرمود: تمامی ايمان در برابر تمامی كفر قرار گرفته. (4)

ص: 592

1- . الجعفریات (الأشعثيات) ص 198 باب في ذكر البنات

2- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 138 فصل في قتاله ع في يوم الأحزاب

3- . إقبال الأعمال ج 1 ص 467 فصل فيما نذكره من جواب من سأل عما في يوم الغدير من الفضل وقصر فهمه عما ذكرناه من ذلك النقل.

4- . إقبال الأعمال ج 1 ص 467 فصل فيما نذكره من جواب من سأل عما في يوم الغدير من الفضل وقصر فهمه عما ذكرناه من ذلك النقل.

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمَرَ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الثَّوْرِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ الْقُرَشِيُّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَعْبُدٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: بَاتَ عَلِيٌّ (عليه السلام) لَيْلَةَ خُرُوجِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) إِلَى الْمُشْرِكِينَ عَلَى فِرَاشِهِ لِيُعَمِّيَ عَلَى قُرَيْشٍ، وَفِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) (1)

ابن عباس مي گوید: شبی که رسول خدا (صلي الله عليه وآله) به سوي مشركان مکه خارج شد علي (عليه السلام) در بسترش خوابید، تا قریش را از کشتن پیامبر (صلي الله عليه وآله) منحرف سازد، و در اینباره این آیه فرو فرستاده شد (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) (2)

حَدَّثَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ صَفْوَانَ الْإِمَامُ بِأَنْطَاكِيَّةَ، قَالَ حَدَّثَنَا مَحْفُوظُ بْنُ بَحْرٍ، قَالَ حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ جَمِيلٍ، قَالَ حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ الرَّبِيعِ، عَنْ حَكِيمِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ): (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) حِينَ بَاتَ عَلَى فِرَاشِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) حَكِيمُ جُبَيْرٍ دَرَبَارِهِ فِي ابْنِ آيَةَ (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) (3) وَبِرْخِيٍّ مِنْ مَرْدَمٍ فِي جَسْتَجْوِيٍّ خَرَسَنْدِيٍّ خَدَاوَنْدِ جَانْشَانِ رَا مِي فَرُوشَنْدِ رَوَايْتِ كَرْدِه كِه اِمَامِ سَجَادِ (عليه السلام) فَرَمُودَنْد: دَرَبَارِهِ ي عَلِي (عليه السلام) فَرُودِ اَمَدِ اَن گَاهِ كِه بَرِ بَسْتَرِ رَسُولِ خَدَا (صلي الله عليه وآله) خَوَابِيدِ. (4)

ص: 593

1- . البقرة آية 207

2- . الأُمالي (للطوسي) النص 252 [9] المجلس التاسع ح 43

3- . البقرة آية 207

4- . الأُمالي (للطوسي) المجلس 16 ح 2

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَلِيمَانَ الْبَاغَدِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ الْجَرَجَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ كَثِيرٍ الْأَمَلِيُّ، عَنْ عَوْفِ الْأَعْرَابِيِّ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: لَمَّا تَوَجَّهَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِلَى الْعَارِ وَمَعَهُ أَبُو بَكْرٍ، أَمَرَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنْ يَنَامَ عَلَى فِرَاشِهِ وَيَتَوَشَّحَ بِبُرْدَتِهِ، فَبَاتَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مُوْطِنًا نَفْسَهُ عَلَى الْقَتْلِ، وَجَاءَتْ رِجَالُ قُرَيْشٍ مِنْ بَطْنِهَا يُرِيدُونَ قَتْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَلَمَّا أَرَادُوا أَنْ يَضَعُوا عَلَيْهِ أَسَدِيَّاهُمْ لَا يَشْكُونَ أَنَّهُ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَالُوا: أَيَقْظُوهُ لِيَجِدَ أَلَمَ الْقَتْلِ وَيَرَى السُّيُوفَ تَأْخُذُهُ، فَلَمَّا أَبْقَظُوهُ وَرَأَوْهُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تَرَكُوهُ وَتَفَرَّقُوا فِي طَلَبِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَانزَلَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ): (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ) (1)

انس بن مالک روایت کرده که وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که ابوبکر نیز به همراهشان بود به سوی غار رفت، به علی (علیه السلام) فرمود که بر بستر او بخوابد و برد او را به خود بپیچد. پس علی (علیه السلام) در حالی که خودش را برای شهادت آماده کرده بود، خوابید. و مردان قریشی در حالی آمدند که می خواستند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را بکشند، هنگامی که خواستند شمشیرهاشان را بر او زنند تردید نداشتند که او محمد (صلی الله علیه و آله) است ولی گفتند: او را بیدار کنید تا طعم مرگ را بچشد و ببیند که شمشیرها بر او فرود می آید. چون او را بیدار کردند و دیدند که علی (علیه السلام) است او را رها کردند و در جستجوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پراکنده شدند و خداوند عزتمند چنین نازل فرمود و برخی از مردم در جستجوی خرسندی خداوند جانشان را می فروشند و خداوند به بندگانش مهربان است. (2)

ص: 594

1- . البقرة آية 207

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 16 ح 4

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، قَالُوا أَخْبَرَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حَفْصِ الْخَثْعَمِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدِ الْمُحَارِبِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَحْيَى التَّيْمِيُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبِ بْنِ أَبِي نَابِتٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُجَاهِدٍ، قَالَ: فَخَرْتُ عَائِشَةَ بِأَيْهَا وَ مَكَانِهِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) فِي الْغَارِ، فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَدَّادِ بْنِ الْهَادِ وَ أَيْنَ أَنْتِ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) حَيْثُ نَامَ فِي مَكَانِهِ وَ هُوَ يَرَى أَنَّهُ يُقْتَلُ فَسَكَتَتْ وَ لَمْ تُحَرْ جَوَابًا.

عایشه به پدرش و همراهی او با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در غار مباحات کرد عبدالله بن شداد بن هان گفت: نظرت درباره ی علی بن ابیطالب (علیه السلام) چیست وقتی در جای او خوابید و می دانست که کشته می شود؟ عایشه خاموش ماند و پاسخی نداد. (1)

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْعَلَوِيُّ النَّصِيبِيُّ بِبَغْدَادَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ حَمَزَةَ الْعَلَوِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ جَعْدَةَ بْنِ هُبَيْرَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أُمِّ هَانِيٍّ بِنْتِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، قَالَتْ: لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ (تَعَالَى) نَبِيَّهُ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) بِالْهَجْرَةِ وَ أَنَامَ عَلِيًّا (عليه السلام) فِي فِرَاشِهِ وَ وَشَحَهُ بِبُرْدٍ لَهُ حَضْرَمِيٍّ، ثُمَّ خَرَجَ، فَإِذَا وَجْهُ قُرَيْشٍ عَلَى بَابِهِ، فَأَخَذَ حَفْنَةً مِنْ تُرَابٍ فَذَرَّهَا عَلَى رُءُوسِهِمْ، فَلَمْ يَشُدُّ عُرْ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ، وَ دَخَلَ عَلِيٌّ بَيْتِي، فَلَمَّا أَصْبَحَ أَقْبَلَ عَلِيٌّ وَقَالَ: أَبْشِرِي يَا أُمَّ هَانِيٍّ، فَهَذَا جَبْرَيْلُ (عليه السلام) يُخْبِرُنِي أَنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَ جَلَّ) قَدْ أَنْجَى عَلِيًّا مِنْ عَدُوِّهِ. قَالَتْ: وَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) مَعَ جَنَاحِ الصُّبْحِ إِلَى غَارِ ثَوْرٍ، وَ كَانَ فِيهِ ثَلَاثًا، حَتَّى سَكَنَ عَنْهُ الطَّلَبُ، ثُمَّ أُرْسِلَ

ص: 595

ام هاني بنت ابي طالب (عليه السلام) گفته است: وقتي خداوند والا به پيامبرش فرمان هجرت داد و ايشان علي (عليه السلام) را در بستر خودش خواباند و با برد حضرمي خود، رويش را پوشاند و سپس خارج شد نگاه قريشيان را بر در خانه ديد، پس مشتبي از خاك برگرفت و آنرا بر سرشان پاشيد و هيچ کدام از آنان او را نديدند، و آنگاه به خانه ي من آمد چون صبح شد به سوي من آمد و فرمود: مژده بر تو اي ام هلني اين جبرئيل (عليه السلام) است كه به من خبر مي دهد همانا خداوند عز و جل علي (عليه السلام) را از دشمنانش نجات داده است. او گفته است: رسول خدا (صلي الله عليه و آله) در آغاز صبح به سوي غار ثور رفت و سه روز در آنجا بود تا جست و جو تمام شد. سپس به دنبال علي (عليه السلام) فرستاد و فرمود: تا كارهايش را انجام بدهد و امانت ها را بازگرداند. (1)

ص: 596





إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ ثَابِتٍ وَأَبُو الْمَغْرَاءِ الْعِجْلِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَلْبِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: (وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا) (1)

قَالَ: وَجَّهَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ فِي سَرِيَّةٍ، فَرَجَعَ مِنْهُمْ مَا يُجَبِّئُ أَصْحَابَهُ وَيُجَبِّئُونَهُ أَصْحَابَهُ، فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله)

قَالَ لِعَلِيِّ (عليه السلام): أَنْتَ صَاحِبُ الْقَوْمِ، فَتَهَيَّأْ أَنْتَ وَمَنْ تَرِيدُهُ مِنْ فُرْسَانَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، فَوَجَّهَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَهُ: فَقَالَ لَهُ: أَكْمُنِ النَّهَارَ وَسِرِّ اللَّيْلَ وَلَا تَفَارِقْكَ الْعَيْنُ. قَالَ: فَانْتَهَى عَلِيُّ (عليه السلام) إِلَى مَا أَمَرَهُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَسَارَ إِلَيْهِمْ، فَلَمَّا كَانَ عِنْدَ وَجْهِ الصُّبْحِ أَغَارَ عَلَيْهِمْ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ (صلي الله عليه وآله) (وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا) إِلَى آخِرِهَا.

حلبی گفته است: از حضرت صادق (علیه السلام) درباره ی این سخن خداوند والا پرسیدم: سوگند به اسب های دونده ی به نفس افتاده حضرت فرمودند: رسول خدا (صلي الله عليه وآله) عمر بن خطاب را به جنگی فرستاد و او شکست خورده بازگشت در حالی که اصحاب او را ترسو می خواندند و او اصحابش را ترسو می خواند. چون او به پیامبر گرامی (صلي الله عليه وآله) رسید، حضرت به علی (علیه السلام) فرمود: تو رهبر این مردمی. پس خودت و هر سواری از مهاجر و انصار که می خواهی آماده شوید و آن گاه فرمود: روز را کمین کن و در شب حمله کن و جاسوس های را به اطراف بفرست. راوی گفته است: علی (علیه السلام) به سوی آنچه رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرموده بود رفت. و چون نزدیک صبح شد، بر آنان تاخت و خداوند چنین به پیامبرش نازل کرد: (وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا) سوگند به اسبان دونده ی به نفس افتاده. (2)

ص: 598

1- . العاديات آية 1

2- . الأمالي (للطوسي) المجلس 14 ح 61

وَ اللَّهُ لَوْ تَظَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَيَّ قِتَالِي لَمَا وُلِّيتُ عَنْهَا وَ لَوْ أَمَكَّنَتِ الْفُرْصُ مِنْ رِقَابِهَا لَسَارَعْتُ إِلَيْهَا

به خدا قسم اگر عرب در جنگ با من همدست شوند من از مقابله با آنان روی بر نگردانم و اگر فرصت ها بدست آید به سویشان می شتابم(1)

برخی از آیات درباره رشادتهای امیرالمومنین

وَ حَدَّثُونَا عَنْ أَبِي بَكْرٍ السَّيِّعِيِّ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ حَدَّثَنَا حُسَيْنُ بْنُ حَكَمٍ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ حُسَيْنٍ حَدَّثَنَا حَبَّانُ، عَنْ الْكَلَّابِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَزَّ: (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا) قَالَ: نَزَلَ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ حَمْزَةَ وَ عُبَيْدَةَ، وَ سَهْلٍ بْنِ حُنَيْفٍ، وَ الْحَارِثِ بْنِ الصَّمَّةِ وَ أَبِي دُجَانَةَ

ابو صالح از ابن عباس نقل می کند که گفت: سخن خداوند (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ)(2)

درباره علی (عليه السلام) و حمزه و عبیده و سهل بن حنیف و حارث بن صمه و ابودجانه نازل شده است. (3) فِي الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ مِنْ حَدِيثِ أَبِي ذَرٍّ أَنَّهُ كَانَ يُقْسِمُ قَسَمًا أَن (هَذَانِ خَصَمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ) نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ حَمْزَةَ وَ عُبَيْدَةَ بْنِ الْحَارِثِ الَّذِينَ بَارَزُوا الْمُشْرِكِينَ يَوْمَ بَدْرٍ عْتَبَةَ وَ شَيْبَةَ ابْنَا رَبِيعَةَ وَ الْوَلِيدِ بْنِ عْتَبَةَ.

ص: 599

1- . نهج البلاغة (للصبيحي صالح) ص 418 رسائل أمير المؤمنين عليه السلام 45 و من كتاب له ع إلى عثمان بن حنيف الأنصاري و كان عامله على البصرة و قد بلغه أنه دعي إلى وليمة قوم من أهلها، فمضى إليها - قوله:

2- . الصف آية 4

3- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 2 ص 339 [سورة الصف(61) آية 4]

و دیگر آیت (هَذَانِ حَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ) (1) یعنی این دو گروه دشمنان که جنگ کردند و جدال نمودند در دین پروردگار خود، در بخاری و مسلم نقل کرده از ابو ذر که او گفت که: من سوگند می خورم به خدای که این آیت در حق علی (علیه السلام) و حمزه و عبیده بن حارث نازل شد در روز بدر به مبارزت مشرکان که عتبه و شیبه و ولید بن عتبه بود بیرون آمدند. (2)

قَوْلُهُ تَعَالَى (فَاسْتَوَى عَلَى سُوْقِهِ) عَنِ الْحَسَنِ قَالَ اسْتَوَى الْإِسْلَامُ بِسَيْفِ عَلِيٍّ (علیه السلام)

و دیگر حسن آورده که (فَاسْتَوَى عَلَى سُوْقِهِ) (3) در شان آن حضرتست زیرا که استوا و قیام اسلام به شمشیر امیر المؤمنین (علیه السلام) ثبوت و رسوخ یافت. (4)

قَوْلُهُ تَعَالَى (يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ) عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام) قَالَ هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)

خداوند می فرماید (يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ) (5)

دهقانان را به شگفت آورد، تا از انبوهی آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: آن انسان قدرتمند [که موجب شگفتی و خشم کفار می شود]، همانا علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. (6)

قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ (وَازْكِعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِيْنَ) عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ نَزَلَتْ فِي رَسُوْلِ اللّٰهِ وَ عَلِيٍّ (علیه السلام) خَاصَّةً وَ هُمَا اَوَّلُ مَنْ صَلَّى وَرَكَعَ

خداوند می فرماید (وَازْكِعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِيْنَ) (7)

و با رکوع کنندگان رکوع کنید. از ابن عباس نقل شده است که گفت: این آیه شریفه در شان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) به خصوص نازل گردیده، زیرا آن دو بزرگوار، نخستین نمازگزار و

ص: 600

1- . الحج آية 19

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 313 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . الفتح آية 29

4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 316 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

5- . الفتح آية 29

6- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 325 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

7- . البقرة آية 43

ركوع كنده بوده اند. (1)

قَوْلُهُ تَعَالَى (فَأَمَّا نَذَهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ)

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مُنْتَقِمُونَ بِعَلِيِّ (عليه السلام)

و دیگر (فَأَمَّا نَذَهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ) (2) یعنی پس اگر ما ببریم تو را با جوار رحمت خود پیش از آنکه عذاب ایشان به تو نمائیم دل خوش دار پس به درستی که ما از ایشان انتقام کشنده ایم به عذاب، ابن عباس آورده که ما انتقام کشنده ایم از ایشان به شجاعت امیر المؤمنین (عليه السلام) (3)

لِمَا رَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنُ بْنُ بُنِ جُبَيْرٍ فِي كِتَابِهِ نَحْبِ الْمَنَاقِبِ حَدِيثًا مُسَدَّدًا عَنْ حَمْرَةَ بِنِ عَطَاءٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) قَالَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. وَدِيكَر (هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (4) ابن عباس گوید کسی که امر به عدل کند و براه راست باشد علی بن ابی طالب (عليه السلام) است. (5)

قَوْلُهُ تَعَالَى (إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ) قِيلَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ وَحَمْرَةَ وَعُبَيْدَةَ بْنِ الْحَارِثِ حِينَ بَارَزُوا عُتْبَةَ وَشَيْبَةَ وَالْوَلِيدَ قُرْآنَ فَأَمَّا الْكُفَّارُ فَنَزَلَ فِيهِمْ (هَذَا خِصْمًا لِمَنْ أَحْتَصَمَ لِمَا فِي رَبِّهِمْ) إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى (عَذَابَ الْحَرِيقِ) وَفِي عَلِيِّ (عليه السلام) وَأَصْحَابِهِ (إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) الْآيَةَ

ص: 601

- 1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 325 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه
- 2- . الزخرف آية 41
- 3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط القديمة) ج 1 ص 323 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه
- 4- . النحل آية 76
- 5- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 324 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

خداوند می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ) (1) البته خداوند آنان را که ایمان آورده اند و کارهای نیکو و پسندیده انجام می دهند، در باغ های بهشتی وارد خواهد نمود که زیر درختان آن باغ ها، نهرها جاری است. این آیه در باره علی (علیه السلام) حمزه و عبیده بن حارث که در جنگ بدر، با عتبه، شیبه و ولید نبرد نمودند، نازل گردیده است. اما در باره کافران آیه (هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ) (2)

این دو گروه [مؤمن و کافر] که در باره دین خدا به جدل و مبارزه پرداختند، تا آنجا که می فرماید (وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ) (3) عذاب سوزان را بچشند. نازل گردیده است. (4)

شمشیر الهیو بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَا عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنْتَ فَارِسُ الْعَرَبِ وَقَاتِلُ التَّائِبِينَ وَالْمَارِقِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَأَنْتَ أَخِي وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَسَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُخْطِئُ وَأَنْتَ رَفِيقِي فِي الْجَنَّةِ.

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمودند: یا علی! تو سلحشور عرب، کشنده ی ناکثین مارقین و قاسطین هستی تو برادرم و مولای هر مومن و شمشیر الهی هستی که به خطا نمی رود تو رفیق من در بهشتی. (5)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ

ص: 602

1- . الحج آية 14

2- . الحج آية 19

3- . الحج آية 22

4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 325 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

5- . صحيفة الإمام الرضا عليه السلام ص 90 باب الزيادات ح 20

جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْمُخَالِفُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بَعْدِي كَافِرٌ وَ الْمُشْرِكُ بِهِ مُشْرِكٌ وَ الْمُحِبُّ لَهُ مُؤْمِنٌ وَ الْمُبْغِضُ لَهُ مُدَافِقٌ وَ الْمُتَّقِي لِأَثَرِهِ لَا حِقُّ وَ الْمُحَارِبُ لَهُ مَارِقٌ وَ الرَّادُّ عَلَيْهِ زَاهِقٌ عَلِيُّ نُورِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ عَلِيُّ سَيْفِ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِ وَ وَارِثُ عِلْمِ أَنْبِيَائِهِ عَلِيُّ كَلِمَةُ اللَّهِ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ أَعْدَائِهِ السُّفْلَى عَلِيُّ سَيْدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ وَصِيُّ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ الْإِيمَانَ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَ طَاعَتِهِ ..

ابن عباس گوید رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمود مخالف علي بن ابی طالب (عليه السلام) پس از من کافر است و مشرک بوی مشرک است دوست او مؤمن است و دشمنش منافق و پیروش به حق رسد و محارب او از دین بیرون است و ردکننده به او ناپود است. علی (عليه السلام) نور خداست در بلاد او و حجت او است بر بندگان علی (عليه السلام) شمشیر خداست بر دشمنانش و وارث علم پیغمبران او است علی (عليه السلام) کلمه برتر خداست و کلمه دشمنانش فروتر است علی (عليه السلام) سید وصیان و وصی سید پیغمبرانست علی (عليه السلام) امیر مؤمنان و جلودار دست و روسفیدان و امام مسلمانانست پذیرفته نیست ایمان جز به ولایت و طاعت او. (1)

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَا سَيْفُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِ وَ رَحْمَتُهُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ

امیرالمومنین (عليه السلام) فرمود: من شمشیر خدا هستم بر دشمنانش و رحمت خدا هستم برای اولیاءاش. (2)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُرَاتِ عَنْ

ص: 603

1- . الأُمَالِي (لِلصَّدُوقِ) النَّص 11 الْمَجْلِسِ الثَّلَاثِ ح 6

2- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 113 فصل في تسميته بعلي و المرتضى و حيدرة و أبي تراب و غير ذلك

أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

خَلِيفَةُ اللَّهِ وَخَلِيفَتِي وَحُجَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتِي وَبَابُ اللَّهِ وَبَابِي وَصَفِيُّ اللَّهِ وَصَفِيِّي وَحَبِيبُ اللَّهِ وَحَبِيبِي وَخَلِيلُ اللَّهِ وَخَلِيلِي وَسَيْفُ اللَّهِ وَسَيْفِي وَهُوَ أَخِي وَصَاحِبِي وَوَزِيرِي وَوَصِيِّي مُحِبُّهُ مُحِبِّي وَمُبْغِضُهُ مُبْغِضِي وَوَلِيُّهُ وَلِيِّي وَعَدُوُّهُ عَدُوِّي وَحَرْبُهُ حَرْبِي وَسَلْمُهُ سَلْمِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي وَأَمْرُهُ أَمْرِي وَرَوْجَتُهُ ابْنَتِي وَوَلَدُهُ وَوَلَدِي وَهُوَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَخَيْرُ أُمَّتِي أَجْمَعِينَ.

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمود که علی بن ابی طالب (علیه السلام) خلیفه خدا و خلیفه من و حجت خدا و حجت من و باب خدا و باب من و صفی خدا و صفی من و حبیب خدا و حبیب من و خلیل خدا و خلیل من و شمشیر خدا و شمشیر منست و رفیق و وزیر و وصی منست، دوستش دوست من و دشمنش دشمن من و جنگ با او جنگ با من و سازش با او سازش با من و گفته او گفته من و فرمانش فرمان من و همسرش دختر من و فرزندش فرزند منست و او سید اوصیاء و بهترین امت منست. (1)

وَعَنِ الْأَسَدِ مَاحِ بْنِ الْخَزْرَجِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَا عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لَا يَتَقَدَّمُكَ بَعْدِي إِلَّا كَافِرٌ وَلَا يَتَخَلْفُ عَنْكَ إِلَّا كَافِرٌ أَنْتَ نُورُ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ وَحُجَّةُ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ وَسَيْفُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِ وَوَارِثُ عُلُومِ أَنْبِيَائِهِ أَنْتَ كَلِمَةُ اللَّهِ الْعُلْيَا وَآيَةُ الْكُبْرَى وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا الْإِيمَانَ إِلَّا بِوَلَايَتِكَ.

و از اسماخ بن خزرج نقل شده است که رسول الله (صلي الله عليه وآله) فرمودند: ای علی (علیه السلام)، بعد از من جز کافر کسی بر تو تقدم نمی جوید و از تو جز کافر روی بر نمی گرداند، تو نور خداوند در میان بندگان و حجت خدا در بلادش هستی و شمشیر خداوند بر دشمنانش هستی و وارث علوم انبیای الهی هستی، تو

ص: 604



کلمه علیای الله و نشانه با عظمت الهی هستی و ایمان جز با ولایت تو پذیرفته نمی شود. (1)

شجاعت و دلاوری امیرالمومنین

رَوَى أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ فِي مُسَدِّ نَدِهِ قَالَ خَطَبَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) فَقَالَ لَقَدْ فَارَقَكُمْ بِالْأَمْسِ رَجُلٌ لَمْ يَسْبِقْهُ الْأَوَّلُونَ بِعِلْمٍ وَلَا يُدْرِكُهُ الْآخِرُونَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) يَبْعَثُهُ بِالرَّايَةِ جَبْرِيلُ (عليه السلام) عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ (عليه السلام) عَنْ شِمَالِهِ لَا يَنْصَرِفُ حَتَّى يَفْتَحَ لَهُ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ فِي مُسَدِّ خُودِ أَوْرَدَهُ اسْتِ كِه حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) خُطْبَهُ اِي خُواند و كُفت: دِيروز مردی از شما جدا شد كه پيشينيان در علم او پيشی نگرفتند و ديگران بدو نرسند. پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) او را با پرچم می فرستاد در حالی كه جبرئيل (عليه السلام) در سمت راست و ميكايل (عليه السلام) در سمت چپ او قرار داشتند و حضرت باز نمی گشت مگر با فتح و پیروزی. (2)

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَبْدِيِّ عَنْ سَدِّ لَيْمَانَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ عَمْرِو بْنِ حَبِشٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ: مَا قَدِمْتَ رَايَةً قُوتِلَ تَحْتَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا نَكَسَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ غَلَبَ أَصْحَابُهَا (وَ انْقَلَبُوا صَاغِرِينَ) (3) وَ مَا ضَرَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

ص: 605

- 1- . مشارق انوار اليقين في اسرار اميرالمومنين ص 81 فصل أثر حب علي و أثر بغضه عليه السلام
- 2- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 122 المبحث الثاني في الجهاد
- 3- . الاعراف آية 119

بِسْمِ اللَّهِ ذِي الْقَعَارِ أَحَدًا فَنَجَا وَكَانَ إِذَا قَاتَلَ [قَاتَلَ قَاتَلَ] جَبْرَيْلُ (عليه السلام) عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ (عليه السلام) عَنْ يَسَارِهِ وَ مَلَكُ الْمَوْتِ (عليه السلام) بَيْنَ يَدَيْهِ.

حسن بن علی (علیه السلام): هیچ پرچمی جلو امیر المؤمنین (علیه السلام) نیامد که با آن نبرد کرد جز آنکه خدا سرنگونش ساخت و یارانش مغلوب شدند و به خواری برگشتند و امیر المؤمنین (علیه السلام) با ذو الفقار بر احدی نزد که نجات یافته باشد و چون نبرد می کرد جبرئیل (علیه السلام) سمت راستش بود و میکائیل (علیه السلام) سمت چپش و عزرائیل (علیه السلام) در برابرش. (1)

ما مَلَأَ صَدْرَ عَمَّكَ شَيْءٌ قَطُّ وَلَا هَابَهُ شَيْءٌ هَيْجَ حَيْزِ دَلِّ عَمُوتٍ رَا بَه لِرْزَه دَر نَمِي آوَرْد و چيزي او را نمي ترساند. (2)

وَاللَّهِ مَا يُبَالِي ابْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَوْ قَعَّ عَلَى الْمَوْتِ أَمْ وَقَعَّ الْمَوْتُ عَلَيْهِ.

به خدا سوگند پسر ابی طالب (علیه السلام) باک ندارد که به پیشواز مرگ رفته یا مرگ او را دریابد. (3)

كاشف الكرب عن وجه الرسول

اختلافی در بین مسلمانان وجود ندارد که پایه های دین و تقویت ارکان اسلام، به شمشیر امیر المؤمنین (علیه السلام) استوار گردید. در این امر، کسی بر او سبقت نگرفت و پس از او نیز کسی به مرتبه او نرسید. او شجاع و نیرومند در میدان جنگ، سیف الله و زداینده غم و اندوه از چهره رسول الله (صلی الله علیه و آله) بود، در قوت بازوی او همین بس که هیچگاه ضربتی بر کسی نزد که نیاز به دومی باشد بلکه با همان ضربه اول او را هلاک

ص: 606

- 
- 1- . الأماي (للصدوق) النص 513 المجلس السابع و السبعون ح 9
  - 2- . منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئی) ج 17 ص 69 «خطبة أمير المؤمنين عليه السلام في اثناء حرب الجمل
  - 3- . الأماي (للصدوق) النص 110 المجلس الثالث و العشرون ح 8

می کرد، در شجاعت و دلاوری او سخن فراوان است از جمله آنکه زره حضرت قسمت پشت نداشت زمانی که از او سوال شد که چرا زره شما اینگونه است حضرت فرمودند: زیرا من هرگز پشت به دشمن نخواهم کرد، او را کَرَّار غیر فَرَّار نامیدند زیرا بسیار به دشمن حمله می کرد بدون اینکه فرار کند از هیچ میدان نبردی نگریخت و به هیچ میدان رزمی وارد نشد مگر آنکه پیروز بازگشت یک تنه به لشکر دشمن می زد چنان که فرشتگان را در حمله به دشمنان به شگفتی وامی داشت. روزی در صفین معاویه مردی را دید که صورت خود را پوشانده و مردانه شمشیر می زند به عمر و عاص گفت: این دلاور کیست؟ عمرو عاص گفت: به تمام لشکر فرمان حمله بده اگر دیدی چون کوهی ایستاده بدان او علی (علیه السلام) است زیرا اگر اهل زمین بر او یورش برند هرگز پشت به ایشان نکرده و فرار نمی کند. پس معاویه به لشکر دستور حمله داد پس آن مبارز چون کوهی استوار ایستاد، همواره خدای تبارک و تعالی فتح و پیروزی را به دست او نصیب مسلمانان می فرمود از این رو او را کاشِفُ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِ الرَّسُولِ یعنی زداینده غم و اندوه از چهره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نامیدند. او به جهاد خویش، کافران، مشرکان، منافقان، مارقین، قاسطین و ناکثین را به شکست و تحمل سختی واداشت.



حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَا دِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) أَعْجَبَ لِمَنْ يَبْخُلُ بِالدُّنْيَا وَهِيَ مُقْبِلَةٌ عَلَيْهِ أَوْ يَبْخُلُ عَلَيْهَا وَهِيَ مُدْبِرَةٌ عَنْهُ فَلَا الْإِنْفَاقَ مَعَ الْإِقْبَالِ يَصُدُّهُ وَلَا الْإِمْسَاكَ مَعَ الْإِدْبَارِ يَنْفَعُهُ قَالَ مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ وَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ (عليه السلام) يَقُولُ قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) لِمَ لَا تَشْتَرِي فَرَسًا عَتِيقًا قَالَ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ وَأَنَا لَا أَفْرُ مِمَّنْ كَرَّ عَلَيَّ وَلَا أَكْرُ عَلَى مَنْ فَرَّ مِنِّي.

مالک بن انس گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمود: به امیر المؤمنین (علیه السلام) عرضه داشتند: چرا اسب نجیبی نمی خری؟ فرمود: نیازی بدان ندارم زیرا از هر که به من رو کند نگریزم و به هر که از من گریزد حمله نکنم. (1)

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ الْكِنْدِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثْمِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ نِعْمَانَ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: ... فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَنَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِلَى جَبْرِئِيلَ (عليه السلام) عَلَى كُرْسِيِّ مِنْ ذَهَبٍ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يَقُولُ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ (عليه السلام).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: در روز آمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جبرئیل (علیه السلام) را نگریست که بر روی چهار پایه از طلا در میان زمین و آسمان (ایستاده) است و میگوید: شمشیری چون ذوالفقار و جوانمردی چون علی (علیه السلام) نیست. (2)

1- . الأمايلي (للصدوق) النص 170 المجلس الثاني والثلاثون ح4  
2- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 8 ص 110 حديث أبي بصير مع المرأة ح90



وَقَالَ: الْمَوْتُ طَالِبٌ وَ مَطْلُوبٌ، لَا يُعْجِزُهُ الْمُتَّقِيمُ، وَلَا يَفُوتُهُ الْهَارِبُ، فَقَدُّمُوا وَلَا تَتَكَلَّمُوا، فَإِنَّهُ لَيْسَ عَنِ الْمَوْتِ مَحِيصٌ، إِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تُقَاتِلُوا تَمُوتُوا، وَالَّذِي نَفْسٌ عَلَيَّ بِيَدِهِ لَأَلْفُ صَرِيَّةٍ بِالسَّيْفِ عَلَى الرَّأْسِ أَهْوَنُ مِنَ الْمَوْتِ عَلَى فِرَاشٍ. امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: مرگ انسان را می طلبد و خود نیز طلبیده می شود. هیچ بر جای مانده ای آن را ناتوان نمی سازد و هیچ گریزانی از آن رهایی نمی یابد. پس اعمال نیک از پیش بفرستید و سخن (بیهوده) مگوئید که از مرگ چاره ای نیست به درستی که شما اگر (در میدان جنگ) کشته نشوید در بستر خواهید مرد. سوگند به کسی که جان علی (علیه السلام) در دست اوست هزار ضربه شمشیر که بر سرم فرود آید برایم از مرگ در بستر آسانتر است. (1)

ص: 611





عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ زَيْدِ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عُمَرُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيُّ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي إِدْرِيسَ بْنِ صَفْوَانَ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ: لَمَّا كَانَ الْيَوْمَ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) اذْتَجَّ الْمَوْضِعُ بِالْبُكَاءِ وَ دَهَشَ النَّاسُ كَيْومَ قُبِضَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ جَاءَ رَجُلٌ بَاكِيًا وَ هُوَ مُسْرِعٌ مُسْتَرْجِعٌ وَ هُوَ يَقُولُ الْيَوْمَ انْقَطَعَتْ خِلَافَةُ النَّبُوَّةِ حَتَّى وَقَفَ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ الَّذِي فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْدَ لَامًا وَ أَخْلَصَهُمْ إِيْمَانًا وَ أَشَدَّهُمْ يَقِينًا وَ أَخَوْفَهُمْ لِلَّهِ وَ أَعْظَمَهُمْ عَنَاءً وَ أَحْوَطَهُمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ آمَنَهُمْ عَلَى أَصْحَابِهِ وَ أَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبَ وَ أَكْرَمَهُمْ سَوَابِقَ وَ أَزْفَعَهُمْ دَرَجَةً وَ أَقْرَبَهُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ أَشَدَّ بِهِمُ هَدْيًا وَ خَلْقًا وَ سَمْتًا وَ فِعْلًا وَ أَشَدَّ رَفَهُمْ مَنزِلَةً وَ أَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْدِ لَامٍ وَ عَنِ رَسُولِهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ عَنِ الْمُسْدِ لِمِينَ خَيْرًا قَوِيَّتَ حِينَ صَعَفَ أَصْحَابُهُ وَ بَرَزَتْ حِينَ اسْدَ تَكَانُوا وَ نَهَضَتْ حِينَ وَهَنُوا وَ لَزِمَتْ مِنْهَا جِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِذْ هَمَّ أَصْحَابُهُ وَ كُنْتَ خَلِيفَتَهُ حَقًّا لَمْ تُتَارَعْ وَ لَمْ تَضْرَعْ بِرِغْمِ الْمُنَافِقِينَ وَ غَيْظِ الْكَافِرِينَ وَ كُرْهِ الْحَاسِدِينَ وَ صِغْرِ الْفَاسِقِينَ فَقُمْتَ بِالْأَمْرِ حِينَ فَشِلُوا وَ نَطَقْتَ حِينَ تَتَعَنُّوا وَ مَضَيْتَ بِنُورِ اللَّهِ إِذْ وَقَفُوا فَاتَّبَعُوكَ فَهَدُوا وَ كُنْتَ أَحْفَضَهُمْ صَوْتًا وَ أَعْلَاهُمْ فُنُوتًا وَ أَقْلَهُمْ كَلَامًا وَ أَصُوبَهُمْ نُطْقًا وَ أَكْبَرَهُمْ رَأْيًا وَ أَشَجَعَهُمْ قَلْبًا وَ أَشَدَّهُمْ يَقِينًا وَ أَحْسَنَهُمْ عَمَلًا وَ أَعْرَفَهُمْ بِالْأُمُورِ كُنْتَ وَ اللَّهُ يَعْسُوبًا لِلدِّينِ أَوْلَا وَ آخِرًا الْأَوَّلِ حِينَ تَفَرَّقَ النَّاسُ وَ الْآخِرِ حِينَ فَشِلُوا كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَبَا رَحِيمًا إِذْ صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالًا فَحَمَلْتَ أَنْتَقَالَ مَا عَنْهُ ضَعُفُوا وَ حَفِظْتَ مَا أَصَاعُوا وَ رَعَيْتَ

مَا أَهْمَلُوا وَشَ مَرَّتْ إِذَا اجْتَمَعُوا وَعَلَوْتَ إِذْ هَلِعُوا وَصَبِرْتَ إِذْ أَسْرَعُوا وَأَدْرَكْتَ أُوْتَارَ مَا طَلَبُوا وَنَالُوا بِكَ مَا لَمْ يَحْتَسِبُوا كُنْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ  
 عَذَاباً صَبَّأً وَنَهْباً وَلِلْمُؤْمِنِينَ عَمْداً وَحِصْناً فَطَرْتَ وَاللَّهِ بِنِعْمَانِهَا وَفُزْتَ بِحِبَابِهَا وَأَحْرَزْتَ سَوَابِعَهَا وَذَهَبْتَ بِفَضَائِلِهَا لَمْ تَقْلَلْ حُجَّتَكَ وَ لَمْ  
 يَزِغْ قَلْبُكَ وَ لَمْ تَضَعْ عِفْ بِصِيْرِتِكَ وَ لَمْ تَجْبُنْ نَفْسَكَ وَ لَمْ تَخْرُ كُنْتَ كَالْجَبَلِ لَا تُحْرَكُهُ الْعَوَاصِفُ وَ كُنْتَ كَمَا قَالَ آمَنَ النَّاسِ فِي صَدْحَبَتِكَ وَ  
 ذَاتِ يَدِكَ وَ كُنْتَ كَمَا قَالَ ضَعِيفاً فِي بَدَنِكَ قَوِيّاً فِي أَمْرِ اللَّهِ مُتَوَاضِعاً فِي نَفْسِكَ عَظِيماً عِنْدَ اللَّهِ كَبِيراً فِي الْأَرْضِ جَلِيلاً عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَكُنْ  
 لِأَحَدٍ فِيكَ مَهْمَزٌ وَ لَا لِقَائِلٍ فِيكَ مَغْمَزٌ [وَ لَا لِأَحَدٍ فِيكَ مَطْمَعٌ] وَ لَا لِأَحَدٍ عِنْدَكَ هَوَادَةٌ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ عِنْدَكَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ حَتَّى تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ  
 وَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ عِنْدَكَ ضَعِيفٌ ذَلِيلٌ حَتَّى تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقُّ وَ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ عِنْدَكَ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ شَأْنُكَ الْحَقُّ وَ الصِّدْقُ وَ الرَّفْقُ وَ قَوْلُكَ  
 حُكْمٌ وَ حَتْمٌ وَ أَمْرٌ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ وَ رَأْيٌ عِلْمٌ وَ عَزْمٌ فِيمَا فَعَلْتَ وَ قَدْ نَهَجَ السَّبِيلُ وَ سَهَّلَ الْعَسِيرُ وَ أُطْفِئَتِ النَّيْرَانُ وَ اعْتَدَلَ بِكَ الدِّينُ وَ قَوِي  
 بِكَ الْإِسْلَامُ فَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ وَ ثَبَتَ بِكَ الْإِسْلَامُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَبَقَتْ سَبْقاً بَعِيداً وَ اتَّعَبْتَ مَنْ بَعْدَكَ تَعَباً شَدِيداً فَجَلَلَتْ  
 عَنِ الْبُكَاءِ وَ عَظُمَتْ رَزِيَّتُكَ فِي السَّمَاءِ وَ هَدَّتْ مُصِيبَتُكَ الْأَنَامَ فَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ رَضِينَا عَنِ اللَّهِ قَضَاءً وَ سَلَّمْنَا لِلَّهِ أَمْرَهُ فَوَاللَّهِ لَنْ  
 يُصَابَ الْمُسْلِمُونَ بِمِثْلِكَ أَبَدًا كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ كَهْفًا وَ حِصْنًا وَ فُئْتَهُ رَاسِيًا وَ عَلَى الْكَافِرِينَ غَلْظَةً وَ غَيْظًا فَالْحَقَّكَ اللَّهُ بِنَبِيِّهِ وَ لَا أَحْرَمْنَا أَجْرَكَ وَ  
 لَا أَضَلْنَا بَعْدَكَ وَ سَكَتَ الْقَوْمُ حَتَّى انْقَضَى كَلَامُهُ وَ بَكَى وَ بَكَى أَصْحَابُ رَسُولِ

اللَّهِ ثُمَّ طَلَبُوهُ فَلَمْ يُصَادِفُوهُ. اسید بن صفوان: روزی که امیر المؤمنین (علیه السلام) به شهادت رسید، گریه شهر را به لرزه در آورد و مردم مانند روز وفات پیغمبر (صلی الله علیه و آله) دهشت زده شدند، مردی گریان و شتابان و اِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ راجعون گویان پیدا شد و می گفت: امروز خلافت نبوت بریده گشت تا به در خانه ای که امیر المؤمنین (علیه السلام) در آن بود ایستاد و گفت: خدایت رحمت کند ای ابو الحسن (علیه السلام) تو در گرویدن به اسلام از همه مردم بیشتر و در ایمان با اخلاص تر و از نظر یقین محکمتر و از خدا ترسانتر و از همه مردم، رنجکش تر و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را حافظتر و نسبت به اصحابش امین تر بودی. مناقبت از همه برتر و سوابقت از همه شریف تر و درجه ات از همه رفیعتر و به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از همه نزدیکتر و از نظر روش و اخلاق و طریقه و کردار به آن حضرت شبیه تر و مقامت شریف تر و از همه نزدش گرامیتر بودی. خدا تو را از جانب اسلام و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمین پاداش خیر دهد، توانا بودی هنگامی که اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) ناتوانی کردند، و به میدان آمدی زمانی که خواری و زبونی از خود نشان دادند و قیام کردی موقعی که سستی ورزیدند. و به روش رسول خدا چسبیدی، آنگاه که اصحابش آهنگ انحراف کردند، خلیفه بر حق او بودی، بی چون و چرا [و به نزاع برنخاستی] و در برابر زبونی منافقان و خشم کافران و بد آمدن حسودان و خواری فاسقان، ناتوانی نشان ندادی. زمانی که همه سست شدند، تو به امر خلافت قیام کردی و چون از سخن گفتن ناتوان شدند، سخن گفتی، و چون توقف کردند، در پرتو نور خدا گام برداشتی، آنگاه از تو پیروی کردند و هدایت یافتند. و تو از همه نرم گوتر و خدا را فرمانبردارتر [عاقبت اندیشتر] و کم سخن تر و درست گوی تر و بزرگ رأی تر و پردلتر و با یقین بیشتر و کردار نیکوتر و به امور آشناتر بودی. تو به خدا در ابتدا و انتها رئیس و بزرگ دین بودی ابتدا زمانی بود که مردم پراکنده شدند (بعد از وفات پیغمبر (صلی الله علیه و آله)) و انتها زمانی بود که

سست شدند. برای مؤمنان پدر مهربان بودی زمانی که تحت سرپرستی تو در آمدند، بارهای گرانی را که آنها از کشیدنش ناتوان شدند، به دوش گرفتی و آنچه (را از امور دین) تباه ساختند محافظت نمودی و آنچه (را از احکام و شرایع) رها کردند، رعایت فرمودی و زمانی که زبونی کردند [به گردآوردن دنیا حریص شدند] دامن به کمر زدی. بلندی گرفتی زمانی که بی تابی کردند و صبر نمودی زمانی که شتاب کردند و هر خونی را که می خواستند تو گرفتی (برای مسلمین از کفار خونخواهی کردی) و از برکت تو به خیراتی رسیدند که گمانش را نداشتند، بر کافران عذابی ریزان و رباینده و برای مؤمنان پشتیبان و سنگر بودی، به خدا همراه نعمت های خلافت [مصیبت هایش] پرواز کردی [آفریده شدی] و به عطایش (یعنی عطای الهی) کامیاب گشتی و سوابقش را احراز کردی و فضائلش را بدست آوردی، شمشیر حجت و دلیلت گُند نبود، و دلت منحرف نگشت و بصیرتت ضعیف نشد، هراسان نگشتی و سقوط نکردی. تو مانند کوه بودی که طوفانش نجنباند و همچنان بودی که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: در رفاقت و دارائی خویش امانت نگهدارترین مردمست و باز چنان بودی که فرمود: از لحاظ بدن ضعیف و در انجام امر خدا قوی است، نزد خود فروتن و نزد خدا عظمت داشتی. در روی زمین بزرگ و نزد مؤمنین شریف بودی، هیچ کس را در باره تو راه عیبجویی نبود و هیچ گوینده ئی نسبت به تو راه خرده گیری نداشت [و کسی از تو طمع حق پوشی نداشت] و برای هیچ کس نرمی و مجامله نداشتی، هر ناتوان و زبونی نزد تو توانا و عزیز بود تا حقش را برایش بستانی و هر توانای عزیز، نزدت ناتوان و زبون بود تا حق را از او بستانی و در این موضوع، خویش و بیگانه نزدت برابر بود، شأن و شخصیتت حق و راستی و مدارا بود. گفتارت حکمت و ثابت و فرمانت خویشتن داری و دور اندیشی و رأیت دانش و تصمیم بود، نسبت به هر چه کردی. و هر آینه راه راست روشنگشت و امر مشکل آسان شد و آتش ها خاموش گشت، و دین به

وسيله تورااست شد و اسلام قوت يافت و امر خدا ظاهر شد، اگر چه كافران دوست نداشتند و اسلام و اهل ايمان از برکت تو پا بر جا شد، و بسيار بسيار پيشی گرفتی و جانشينان خود را به رنج بسيار افکندی (زيرا هر چه بکوشند تا از تو پيروی کنند نتوانند) تو بزرگتر از آنی که مصيبت با گريه جبران شود، مرگ تو در آسمان بزرگ جلوه کرد و مصيبت تو مردم را خرد کرد فَ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ ما به قضاء خدا راضی و نسبت به فرمانش تسليميم، به خدا سوگند مسلمين هرگز کسی را مانند تو از دست ندهند، تو برای مؤمنين پناه و سنگر و مانند کوهی پا بر جا و بر کافران خشونت و خشم بودی، خدا تو را به پيغمبرش برساند و ما را از اجرت محروم نسازد و بعد از تو گمراه نگرداند، مردم همه خاموش بودند تا سخنش تمام شد، او گريست و اصحاب پيغمبر (صلي الله عليه و آله) گريستند، سپس هر چه جستند او را نيافتند. (1)

ص: 617

---

1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 454 باب مولد أمير المؤمنين صلوات الله عليه ح 4



أَخْبَرَنَا حَمَّوِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو خَلِيفَةَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُسَدِّمٌ، عَنْ هَلَالِ بْنِ مُسَدِّمِ الْجَحْدَرِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ جَدِّي جَرَّةً أَوْ جَوْهَةً قَالَ: شَدَّ هِدْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أُتِيَ بِمَالٍ عِنْدَ الْمَسَاءِ، فَقَالَ: أَفْسِدُوا هَذَا الْمَالَ. فَقَالُوا: قَدْ أَمْسَيْنَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَخْرَجَهُ إِلَيْنَا. فَقَالَ لَهُمْ: تَقْبَلُونَ لِي أَنْ أَعِيشَ إِلَى غَدٍ قَالُوا: مَاذَا بَأْيَدِينَا. قَالَ: فَلَا تُؤَخِّرُوهُ حَتَّى تَقْسِمَ مَوَهُ، فَأُتِيَ بِشَمْعٍ، فَقَسَمُوا ذَلِكَ الْمَالَ مِنْ تَحْتِ لَيْلَتِهِمْ.

از هلال بن مسلم حجدري روایت شده که جدش جوه شنیده که می گوید: علی بن ابیطالب (علیه السلام) را دیدم که مالی برایش آوردند و فرمود: این مال را تقسیم کنید. آنان گفتند: ای امیر مومنان اکنون شب است. آنرا به فردا بیندازید. حضرت به آنان فرمودند: آیا تضمین می دهید که تا فردا زنده باشم؟ آنان گفتند: این در دست ما نیست. او فرمود: پس آن را عقب نیندازید و تقسیمش کنید، آنگاه شمعی آوردند و آن مال را شبانه تقسیم کردند. (1)

اهل عمل

إِيَّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتِكُمْ عَلَى طَاعَةِ إِلَّا وَاسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَنْتَهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَاتَّاهَى قَبْلَكُمْ عَنْهَا

ص: 619

ای مردم، به خدا قسم شما را به طاعتی ترغیب نمی نمایم جز اینکه خود به عمل به آن از شما پیشی می گیرم، و از گناهی باز نمی دارم مگر اینکه قبل از شما از آن باز می ایستم (1)

درباره ایمان امیرالمومنین

قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): لَوْ أَنَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعَ وَالأَرْضَيْنِ السَّبْعَ وَضِعَتْ فِي كِفَّةٍ مِيزَانٍ، وَوُضِعَ إِيمَانُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي مِيزَانٍ، لَرَجَحَ إِيمَانُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام)

رسول خدا(صلي الله عليه و آله): اگر آسمان ها و زمین را در یک کفه می میزان و ایمان علي(عليه السلام) را در کفه دیگر نهند، همانا ایمان علي(عليه السلام) برتري و سنگيني کند. (2)

زهد علي

وَرَوَى الْحَافِظُ أَبُو نُعَيْمٍ بِسَنَدِهِ فِي حِلْيَتِهِ أَنَّ النَّبِيَّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ يَا عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِنَّ اللَّهَ قَدْ زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِزِينَةٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْهَا هِيَ زِينَةُ الأَبْرَارِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا فَجَعَلَكَ لَا تَرُزُّ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئاً وَلَا تَرُزُّ مِنْكَ الدُّنْيَا شَيْئاً

جناب عمار رضوان الله عليه از رسول خدا(صلي الله عليه و آله) روایت می کند که به علي بن ابی طالب(عليه السلام) فرمود: ای علي! خداوند تو را به زینتی مزین ساخته است که بندگان را

ص: 620

1- . نهج البلاغة (للصبي صالح) ص 175 250 من خطبة له ع في الموعدة و بيان قرباه من رسول الله

2- . إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات ج 3 ص 266 الفصل الحادي و العشرون ح 278.



به زینتی محبوب تر از آن در نزد خود مزین نساخته است و آن زهد در دنیا است، و خداوند تو را از دسترس دنیا دور نگه داشته است. (1)

ص: 621

---

1- . کشف الغمة في معرفة الأئمة ج 1 ص 170 في وصف زهده في الدنيا و سنته في رفضها وقناعته باليسير منها و عبادته



أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعَابِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ مُوسَى بْنُ يُونُسَ بْنِ رَاشِدِ الْكُوفِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْأَوْدِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ، قَالَ حَدَّثَنَا فَضَيْلُ بْنُ الرَّبِيعِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ، عَنْ أَبِي سَخِينَةَ، قَالَ: حَجَجْتُ أَنَا وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيُّ فَمَرَرْنَا بِالرَّبَذَةِ، وَ جَلَسْنَا إِلَى أَبِي ذَرِّ الْعَفَّارِيِّ فَقَالَ لَنَا: إِنَّهُ سَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ، وَ لَا بُدَّ مِنْهَا، فَعَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَالزُّمُوهُمَا، فَاشْهَدُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) أَنِّي سَجَعْتُهُ وَ هُوَ يَقُولُ: عَلِيٌّ (عليه السلام) أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي، وَ أَوَّلُ مَنْ صَدَّقَنِي، وَ أَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ هُوَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ، وَ هُوَ فَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ، وَ هُوَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْمَالُ يَعْسُوبُ الْمُنَافِقِينَ.

ابي سحيله مي گويد: من و سلمان باهم حج گذارديم پس از ريزه عبور نموديم و در نزد ابوذر غفاري نشستيم. پس به ما گفت: همانا پس از من فتنه اي است که از آن گريزي نيست پس بر شما باد به کتاب خدا و اسوه ي ما علي بن ابيطالب (عليه السلام) پس ملازم و همراه اين دو باشيد. بر رسول خدا (صلي الله عليه و آله) گواهي مي دهم که فرمود: علي (عليه السلام) اولين کسي است که به من ايمان آورد و اولين کسي است که مرا تصديق نمود و اولين کسي است که روز قيامت دست در دست من خواهد نهاد و او راستگوي بزرگ و جدا کننده ي اين امت است که ميانه حق و باطل جدايي مي افکند او پيشوای

مومنان و ثروت پيشوای منافقان است. (1)

ص: 623

وَقَوْلُهُ تَعَالَى (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ كُونُوا مَعَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَأَصْحَابِهِ

و ديگر (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) (1) يعنى اى مؤمنان! بترسيد از خدای تعالى و باشيد با صادقان، ابن عباس گفته: يعنى باشيد با على (عليه السلام) و اصحابش. (2)

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ ) الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) وَ الَّذِي صَدَّقَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَهُ مُجَاهِدٌ

و ديگر آيت (وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ) (3)

يعنى و آن كس كه آمد به سخن راست و آن كه راست شمرد آن را، آنكه به سخن راست آمد رسول الله (صلي الله عليه و آله) است و آنكه راست شمرد آن را على بن ابى طالب (عليه السلام) است. (4)

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ) نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام).

و ديگر آيت (وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ) (5) نزول اين آيت در شأن على بن ابى طالب است (عليه السلام) كه جامع اين صفاتست. (6)

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُونُسَ بْنِ زِيَادٍ، قَالَ:

حَدَّثَنَا حُسَيْنُ بْنُ حَمَّادٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام)

فِي قَوْلِهِ:

(يا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) قَالَ: مَعَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

ص: 624

1- . التوبة آية 119

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 312 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . الزمر آية 33

4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 313 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

5- . الحديد آية 19

6- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 313 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

امام باقر(علیه السلام) درباره ی سخن خداوند که می فرماید: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)(1) فرمود: با علی بن ابیطالب(علیه السلام) باشید. (2)

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ ) عَنْ مُجَاهِدٍ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ (علیه السلام)

خداوند می فرماید: (وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ ) و آن کسی که سخن صدق آورد و آن را تصدیق نمود. مجاهد گوید: این آیه در باره علی بن ابی طالب(علیه السلام) نازل گردیده است. (3) وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) (الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ ) مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه و آله) وَ الَّذِي (صَدَّقَ بِهِ ) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)

از امام باقر(علیه السلام) نقل شده است که فرمود: آن کسی که سخن صدق آورد محمد(صلي الله عليه و آله) بود و آن که او را تصدیق نمود، علی بن ابی طالب(علیه السلام) است. (4)

علی میدانند آنچه بر تو نازل میشود حق است

وَ قَوْلُهُ تَعَالَى (أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)

و دیگر آیت (أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ) (5) یعنی آیا کسی می داند آنکه هر چه فرو فرستاده اند به سوی تو از پروردگار تو آن درست و راستست یعنی علی بن ابی طالب(علیه السلام)(6)

ص: 625

1- . التوبة آية 119

2- . الأمالي (للطوسي) النص 255 [9] المجلس التاسع ح 53

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 324 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 324 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

5- . الرعد آية 19

6- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 374 المبحث الحادي والعشرون فيما ورد من طريق الجمهور أنه نزل في أمير المؤمنين ع من القرآن

وَقَوْلُهُ تَعَالَى (أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

آيه كريمه (أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ) (1) در باره على بن ابى طالب (عليه السلام) است. (2)

**علي اميرالمومنين**

ص: 626

1- . الرعد آية 19

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): لَمَّا أُسِّرَ بِي إِلَى السَّمَاءِ كُنْتُ مِنْ رَبِّي كَقَابِ (قَوْسَيْنِ أَوْ أُذُنِي) (1) فَأَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي (مَا أَوْحَى) (2) ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَفَرِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامَ، فَمَا سَمَّيْتُ بِهِذَا أَحَدًا قَبْلَهُ، وَلَا أُسَمِّي بِهِذَا أَحَدًا بَعْدَهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هنگامی که به آسمان برده شدم از پروردگار خود به مقدار نزدیکی دو کمان یا کمتر فاصله داشتم. پس پروردگارم آن چه را می خواستم به من وحی نمود. آنگاه فرمود: ای محمد! به امیرالمومنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) سلام برسان و بدان که هیچ کس را پیش از او این گونه نام ننهادم و پس از او نیز بر هیچ کس این نام را نمی نهم. (3)

بر علی با نام امیرالمومنین سلام کنید

أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَحَّامُ، قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي عَمْرُو بْنُ يَحْيَى الْفَحَّامُ، قَالَ حَدَّثَنِي

أَبُو الْحَسَنِ إِسْحَاقُ بْنُ عَبْدِ دُوسٍ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ بَهَّارِ بْنِ عَمَّارِ التِّيمِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ مِهْرَانَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ، قَالَ حَدَّثَنَا الْفُضَيْلُ بْنُ الزُّبَيْرِ، عَنْ أَبِي دَاوُدَ السَّبْعِيِّ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَيْنِ أَخِي بُرَيْدَةَ بْنِ حُصَيْبٍ، قَالَ: بَيْنَا أَنَا وَأَخِي

ص: 627

1- . النجم آية 9

2- . النجم آية 10

3- . الأمالي (للطوسي) المجلس 11 ح 25



بُرَيْدَةُ عِنْدَ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله)

إِذْ دَخَلَ أَبُو بَكْرٍ، فَسَلَّمَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَقَالَ: انْطَلِقْ فَسَلِّمْ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)،

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)،

وَ مَنْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام). قَالَ:

عَنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ أَمْرِ رَسُولِهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَ: نَعَمْ. ثُمَّ

دَخَلَ عُمَرُ فَسَلَّمَ فَقَالَ: انْطَلِقْ فَسَلِّمْ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام). فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)، وَ

مَنْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام). قَالَ:

عَنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ أَمْرِ رَسُولِهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَ: نَعَمْ.

عمر و بن حصيب برادر بريدة بن حصيب: هنگامی که من و برادرم نزد پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) بودیم، ابوبکر داخل شد. پس بر رسول خدا (صلي الله عليه وآله) سلام کرد. پیامبر (صلي الله عليه وآله) فرمود: برو و بر امیرالمؤمنین (عليه السلام) سلام کن. پس گفتم: ای رسول خدا! امیرالمؤمنین کیست؟ پیامبر (صلي الله عليه وآله) فرمودند: علی بن ابیطالب (عليه السلام). ابوبکر گفت: آیا این امر به فرمان خدا و فرستاده ی اوست؟ پیامبر (صلي الله عليه وآله) فرمود: بله. آنگاه عمر داخل شد، پس سلام کرد. پیامبر (صلي الله عليه وآله) فرمود: برو و به امیرالمؤمنین سلام کن. پس گفتم: ای رسول خدا! امیرالمؤمنین (عليه السلام) کیست؟ پیامبر (صلي الله عليه وآله) فرمودند: علی بن ابیطالب (عليه السلام). گفتم: آیا این امر به فرمان رسول خدا (صلي الله عليه وآله) و فرستاده ی اوست؟ پیامبر (صلي الله عليه وآله) فرمودند: بله. (1)

أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ هَارُونَ بْنِ الصَّلْتِ الْأَهْوَازِيُّ سَمَاعاً مِنْهُ فِي مَسْجِدِهِ بِشَارِعِ دَارِ الرَّقِيقِ بِبَغْدَادَ، فِي سَلْخِ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ تِسْعٍ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ بْنُ عَقْدَةَ إِمْلَاءً، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُسْتَوْدِرِ، قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ كُلَيْبٍ، قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ سَالِمٍ، قَالَ حَدَّثَنَا صَبَّاحُ الْمُزَنِّيُّ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْمُسَيَّبِ، عَنْ أَبِي دَاوُدَ، عَنْ بُرَيْدَةَ، قَالَ: أَمَرَنَا النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) أَنْ نُسَلِّمَ عَلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ.

ص: 628

بریده می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ما امر فرمود به علی (علیه السلام) با نام امیرالمومنین سلام کنیم. (1)

علی سرور مومنان

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَيْهَقِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونَ بْنُ عَمْرِو بْنِ الْمُجَاشِعِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ الْمُجَاشِعِيُّ وَحَدَّثَنَا الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَرُ وَ سَلَمَةُ ابْنَا أُمِّ سَلَمَةَ رَيْبَارِ سَوَّلِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله): أَنَّهُمَا سَمِعَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) يَقُولُ فِي حِجَّتِهِ حِجَّةَ الْوُدَاعِ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْمَالُ يَعْسُوبُ الظَّالِمِينَ، عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَخِي وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنْ بَعْدِي، وَ هُوَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) خَتَمَ النَّبُوَّةَ بِي فَلَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَ هُوَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حجة الوداع فرمودند: علی (علیه السلام) سرور مومنان و مال سرور ستمکاران است. علی (علیه السلام) برادر من و مولای مومنان پس از من است. او نسبت به من به منزله ی هارون (علیه السلام) نسبت به موسی (علیه السلام) است. جز آن که خداوند والا با من پیامبری را پایان داده و پس از من هیچ پیامبری نیست. او پس از من جانشین من در خاندانم و مومنان است.

(2)

ص: 629

1- . الأما لي (للطوسي) المجلس 12 ح 1

2- . الأما لي (للطوسي) المجلس 18 ح 54

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)... عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ

رسول خدا (صلي الله عليه و آله): علي (عليه السلام) آقاي مومنين است. (1)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) حُجَّةُ اللَّهِ الْعُلَيَّا عَلَى خَلْقِهِ

رسول خدا (صلي الله عليه و آله): علي (عليه السلام) حجت بزرگ خداست بر خلقش

لقب اختصاصي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الدِّينَوْرِيُّ عَنْ عُمَرَ بْنِ زَاهِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ:

سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْقَائِمِ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَا ذَاكَ اسْمٌ سَمَى اللَّهُ بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) لَمْ يُسَمَّ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا يَتَسَمَّى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ قَالَ يَقُولُونَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ ثُمَّ قَرَأَ (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (2)

عمر بن زاهر گوید: مردی از امام صادق (عليه السلام) پرسید که به امام قائم (عليه السلام) به عنوان امير مومنان سلام مي کنند؟ فرمود: نه، آن نام را خدا مخصوص اميرالمومنين (علي بن ابی طالب (عليه السلام)) نموده، پیش از او کسی بدان نام، نامیده نشده و بعد از او هم جز کافر آن نام را بر خود ننهد. عرضه داشتیم: قربانت پس چگونه بر او سلام کنند؟ فرمود: مي گویند: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ سپس این آیه را قرائت فرمود: (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) اگر مؤمن هستید بقیة الله برای شما بهتر است. (3)

ص: 630

1- . الكافي ج 1 ص 294 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ح 3

2- . هود آية 86

3- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 411 باب نادر ح 2

حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الدَّبَرِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مُعَمَّرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَاوُسٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كُنَّا جُلُوسًا مَعَ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) إِذْ دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَقَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) وَأَنْتَ حَيٌّ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَ نَعَمْ وَأَنَا حَيٌّ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) مَرَزَتْ بِنَا أُمْسُ يَوْمَنَا وَأَنَا وَجَبْرَيْلُ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ وَلَمْ تُسَلِّمْ فَقَالَ جَبْرَيْلُ (عليه السلام) مَا بَالَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مَرَّ بِنَا وَلَمْ يُسَلِّمْ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ سَلَّمْ لَسُرِرْنَا وَرَدَدْنَا عَلَيْهِ فَقَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) رَأَيْتَكَ وَدَحِيَّةَ الْكَلْبِيِّ اسْتَتَخَلَّتِنَا فِي حَدِيثٍ فَكَرِهْتُ أَنْ أَقْطَعَ عَلَيْكُمَا فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ دَحِيَّةَ الْكَلْبِيِّ وَإِنَّمَا كَانَ جَبْرَيْلُ (عليه السلام) فَقُلْتُ يَا جَبْرَيْلُ (عليه السلام) كَيْفَ سَمَّيْتَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقَالَ كَانَ اللَّهُ أَوْحَى إِلَيَّ فِي غَزْوَةِ بَدْرٍ أَنْ أَهْبِطَ إِلَى مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) فَأَمَرَهُ أَنْ يَأْمُرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَنْ يَجُولَ بَيْنَ الصَّافِيِّينَ فَسَمَّاهُ اللَّهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي السَّمَاءِ فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فِي السَّمَاءِ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْأَرْضِ لَا يَتَقَدَّمُكَ بَعْدِي إِلَّا كَافِرٌ وَلَا يَتَخَلَّفُ عَنْكَ بَعْدِي إِلَّا كَافِرٌ وَإِنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ يُسَمُّونَكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

ابن عباس گوید: در محضر رسول خدا (صلي الله عليه وآله) نشسته بودیم که علي بن ابيطالب (عليه السلام) وارد شد، پس گفت سلام بر تو اي رسول خدا (صلي الله عليه وآله) و پيامبر (صلي الله عليه وآله) جواب

دادند و بر تو سلام ای امیر المومنین و رحمت و برکات خدا بر تو باد. علی (علیه السلام) عرضه داشت کرد: مرا امیرالمومنین می خوانید در حالی که شما زنده اید؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: آری، در حالی که من زنده ام... همانا جبرئیل (علیه السلام) به من گفت: در هنگام غزوه ی بدر، خداوند به من وحی فرمود که به سوی محمد (صلی الله علیه و آله) فرود آی و او را بگو تا امیرالمؤمنین را امر کند که میان دو لشکر جولان دهد، پس خدای متعال او را در آسمان امیرالمومنین نامیده است. سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ادامه داد: پس تو ای علی (علیه السلام)، امیر هر که در آسمان است و امیر هر که در زمین است می باشی. و بعد از من کسی بر تو پیشی نجوید مگر کافر، و کسی از تو سرپیچی نکند جز کافر. و همانا اهل آسمان ها تو را امیر المؤمنین نامیده اند. (1)

حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ أَحْمَدَ دَبْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الدَّبَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الرَّزَّاقِ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُعَمَّرٌ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ طَاوُسٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ الرَّسُولُ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): ... فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَمِيرٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ أَمِيرٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ أَمِيرٌ مَنْ مَضَى وَ أَمِيرٌ مَنْ بَقِيَ فَلَا أَمِيرَ قَبْلَكَ وَ لَا أَمِيرَ بَعْدَكَ

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیث زیبایی فرمودند: پس تو ای علی! امیر اهل آسمان ها و امیر اهل زمین هستی، امیر گذشتگان و امیر بازماندگانی، پیش از تو امیری نبوده و پس از تو امیری نخواهد بود. (2)

ص: 632

1- . یقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامیر المؤمنین النص 241 باب 79 الباب فیما نذکره من المائة حدیث برجالهم و هو الحدیث السادس و العشرون فی تسلیم النبی ص علی علی ع بأمیر المؤمنین و تسمیة الله جل جلاله له فی السماء بأمیر المؤمنین نذکره بلفظه

2- [2] مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة ص 52 باب المنقبة السادسة و العشرون.

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ بْنِ سَلِيمَانَ الصَّبَّاحِيُّ، وَعَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مَرْوَانَ بْنِ نَقِيشٍ الْمُقْرِيَّ بِسَرِّ مَنْ رَأَى، وَأَبُو دَرٍّ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَلِيمَانَ الْبَاغَنْدِيُّ، قَالُوا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدَ الْحَنْفِيُّ الْمُؤَدَّبُ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا سَفْيَانُ بْنُ سَعِيدٍ الثَّوْرِيُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ خُنَيْمٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ بَهْمَانَ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

أَخِذًا بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَهُوَ يَقُولُ:

هَذَا أَمِيرُ الْبَرَّةِ، وَقَاتِلِ الْفَجْرَةَ، مَنْصُورٌ مِنْ نَصْرِهِ، مَخْذُولٌ مِنْ خَذَلِهِ. ثُمَّ رَفَعَ بِهَا صَوْتَهُ: أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ، وَعَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام)

بِأُيُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.

جابر بن عبدالله انصاري گفت: رسول خدا(صلي الله عليه و آله) را دیدم که دست علي بن ابیطالب(عليه السلام) را گرفت و فرمود: این مرد امیر نیکان و کشنده ی بدکاران است. یاور او یاری شده و نومید کننده ی او نومید گشته تا قیامت. سپس صدایش را بلند کرد و فرمود: من شهر حکمتم و علي(عليه السلام) درب آن است. هر که حکمت می خواهد باید از درب آن وارد شود. (1)

ص: 633

وَقَوْلُهُ تَعَالَى (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ)

قَالَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَهُوَ رَأْسُ الْمُؤْمِنِينَ دِيْكَرَ (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) (1) يعنى اى پيغمبر! كافي و پسندیده است تورا خدای تعالی و آن که متابعت کرده تورا از مؤمنان، آن کس علی بن ابی طالب (عليه السلام) است که سر مؤمنانست. (2)

قَوْلُهُ تَعَالَى (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ) قِيلَ إِنَّهَا نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ (عليه السلام)

و ديگر آيت (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ) (3) در شأن امير المؤمنين (عليه السلام) سمت نزول يافته. (4)

بِسَنَدِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مَا فِي الْقُرْآنِ آيَةٌ وَفِيهَا (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) إِلَّا وَعَلِيٍّ رَأْسُهَا وَقَائِدُهَا. (5)

ابن عباس روايت كند كه پيغمبر (صلي الله عليه و آله) فرمود كه: هيچ آيتي نيست از آيات قرآني كه حق تعالي فرستاده باشد و در او (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) بود الا كه علي (عليه السلام) رأس و امير آن آيتست.

وَقَوْلُهُ تَعَالَى (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ مَا نَزَلَتْ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) إِلَّا وَعَلِيٍّ أَمِيرُهَا وَشَرِيفُهَا

ص: 634

1- . الانفال آية 64

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 312 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . العصر آية 3

4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 314 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

5- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 314 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

آیه کریمه (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) به گفته ابن عباس در باره علی (علیه السلام) بوده و آیه ای در قرآن نیست که خطاب به مؤمنان باشد، جز این که، علی (علیه السلام) امیر آنها و شریف آن گروه می باشد. (1) وَعَنْهُ مَا ذَكَرَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) إِلَّا وَعَلِيٍّ (علیه السلام) شَرِيفُهَا وَ أَمِيرُهَا وَ لَقَدْ عَاتَبَ اللَّهُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) فِي آيٍ مِنَ الْقُرْآنِ وَ مَا ذَكَرَ عَلِيًّا (علیه السلام) إِلَّا بِخَيْرٍ

هیچ جای قرآن (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) ذکر نشده مگر این که علی (علیه السلام) امیر و شریف آنان است و خدای جبار اصحاب مصطفی (صلي الله عليه وآله) را در قرآن مورد عتاب قرار داد. ولی علی (علیه السلام) را در قرآن جز به نیکی یاد نکرده است. (2)

قَوْلُهُ تَعَالَى (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ مَا نَزَلَتْ (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) إِلَّا وَعَلِيٍّ (علیه السلام) أَمِيرُهَا وَ شَرِيفُهَا

آیه کریمه (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) به گفته ابن عباس در باره علی (علیه السلام) است و آیه ای در قرآن نیست که خطاب به مؤمنان باشد، جز این که، علی (علیه السلام) امیر آنها و شریف آن گروه می باشد. (3)

وَعَنْهُ مَا ذَكَرَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) إِلَّا وَعَلِيٍّ (علیه السلام) شَرِيفُهَا وَ أَمِيرُهَا وَ لَقَدْ عَاتَبَ اللَّهُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) فِي آيٍ مِنَ الْقُرْآنِ وَ مَا ذَكَرَ عَلِيًّا (علیه السلام) إِلَّا بِخَيْرٍ

هیچ آیه ای در قرآن با خطاب (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) شروع نشده، مگر این که علی (علیه السلام) امیر و سرآمد آن مؤمنان است. بدانید که خدای محمد (صلي الله عليه وآله) همه اصحاب او را مورد عتاب و سرزنش قرار داده مگر علی (علیه السلام) را و از علی (علیه السلام) همیشه با نیکی یاد

ص: 635

- 1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه
- 2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه
- 3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه



کرده است. (1) أَخْبَرَنَا أَبُو سَعِيدٍ مَسْعُودٌ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقَاضِي بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ فَارِسٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَلَمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ آدَمَ قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ رَاشِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ بَدِيمَةَ: عَنْ

عِكْرَمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مَا نَزَلَ فِي الْقُرْآنِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) إِلَّا وَعَلِيُّ أَمِيرَهَا وَشَرِيفُهَا، وَلَقَدْ عَاتَبَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْقُرْآنِ فِي غَيْرِ آيَةٍ مَا فِيهِمْ عَلِيُّ.

هر آیه ای با کلمات مبارک (یا ایها الذین آمنوا) نازل شد. علی (علیه السلام) امیر و شریف آن جماعت مؤمنان است. خدای منان در آیات متعددی مؤمنان را مورد عتاب و سرزنش قرار داد جز علی (علیه السلام) را که او هرگز مورد مواخذه و معاتبه واقع نشد.

وَعَنْهُ مِثْلُهُ وَفِيهِ إِلَّا كَانَ عَلِيُّ رَأْسَهَا وَ أَمِيرَهَا وَ فِيهِ وَ لَقَدْ أَمَرْنَا بِالْأَسْتِغْفَارِ لَهُ وَ عَنْهُ مِثْلُهُ وَ فِيهِ رَأْسَهَا وَ قَائِدَهَا

از ابن عباس نقل شده است که خداوند متعال، اصحاب رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) را در شماری از آیات سرزنش نموده است، جز علی (علیه السلام) که هر جا نشانی، از او باشد، از وی تجلیل و احترام به عمل آمده است و در هر جای قرآن که خطاب (یا ایها الذین آمنوا) باشد، علی (علیه السلام) شریف و امیر آنهاست، از این رو مأموریت یافتیم که جز به نیکی از علی (علیه السلام) یاد نکنیم. (2)

وَعَنْ حُذَيْفَةَ إِلَّا كَانَ لِعَلِيِّ لُبُّهَا وَ لُبَابُهَا (3)

از حذیفه در راستای همین خطاب نقل شده است که علی (علیه السلام) حقیقت و سر واقعی ایمان است.

وَعَنْ مُجَاهِدٍ فَإِنَّ لِعَلِيِّ (علیه السلام) سَابِقَةَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ سَبَقَهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ (4)

ص: 636

- 1- . كَشَفَ الْغَمَةَ فِي مَعْرِفَةِ الْأئِمَّةِ (ط - الْقَدِيمَةِ) ج 1 ص 317 فِي بَيَانِ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي شَأْنِهِ
- 2- . كَشَفَ الْغَمَةَ فِي مَعْرِفَةِ الْأئِمَّةِ (ط - الْقَدِيمَةِ) ج 1 ص 317 فِي بَيَانِ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي شَأْنِهِ
- 3- . كَشَفَ الْغَمَةَ فِي مَعْرِفَةِ الْأئِمَّةِ (ط - الْقَدِيمَةِ) ج 1 ص 317 فِي بَيَانِ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي شَأْنِهِ
- 4- . كَشَفَ الْغَمَةَ فِي مَعْرِفَةِ الْأئِمَّةِ (ط - الْقَدِيمَةِ) ج 1 ص 317 فِي بَيَانِ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي شَأْنِهِ

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ إِلَّا وَعَلِيٌّ (عليه السلام) شَرِيفَهَا وَ أَمِيرَهَا. (1)

قَوْلُهُ تَعَالَى (فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ كَذَّبَ بِالصُّدُقِ إِذْ جَاءَهُ) عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ قَالَ هُوَ مَنْ رَدَّ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) فِي عَلِيٍّ (عليه السلام)

و ديگر آيت (فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ كَذَّبَ بِالصُّدُقِ إِذْ جَاءَهُ) (2) يعنى پس كيست ستمكارتر از كسى كه دروغ گويد بر خداى و دروغ شمرد سخن راست را چون بيايد به سوي او، از موسى بن جعفر (عليه السلام) مرويست كه فرمود كه: آن ستمكار كسى است كه قول رسول الله (صلي الله عليه و آله) را رد كرد در امر امير المؤمنين (عليه السلام). (3)

عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) إِلَّا كَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَمِيرَهَا وَ شَرِيفَهَا، لِأَنَّهُ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا.

مجاهد از عبد الله بن عباس چنين روايت کرده است: هيچ آيه اى در قرآن با خطاب (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) نازل نشده مگر اين كه على (عليه السلام) امير و شريف آن مؤمنين است چون او اولين اسلام آورنده و نخستين مؤمن به دين اسلام و آيين محمد (صلي الله عليه و آله) و كتاب خدا بود. (4)

أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرِ الْحَافِظُ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْحَافِظُ، قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْخَنَعَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْخِرَاشِ عَنِ الْعَوَّامِ بْنِ حَوْشَبٍ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ مَا كَانَ فِي الْقُرْآنِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) فَإِنَّ لِعَلِيٍّ (عليه السلام) سَابِقَةَ ذَلِكَ وَ فَضِيلَتَهُ. جماعتى از عيسى بن راشد اين حديث را نقل کرده اند: هر موضعى در قرآن عظيم آيه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) ذكر شده است على بن ابى طالب (عليه السلام) اولين و با

سابقه ترين مؤمنان و با فضيلت ترين آنان است. (5)

ص: 637

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

2- . الزمر آية 32

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

4- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 70 قول عبد الله بن عباس فيه ح 81

5- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 71 قول مجاهد بن جبر فيه ح 84

حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ خِرَاشٍ، عَنِ الْعَوَّامِ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) فَإِنَّ لِعَلِيِّ سَبْقَهُ وَفَضْلَهُ.

عبد الله بن خراش در مقام علی (علیه السلام) از عوام و او از مجاهد چنین روایت کرده است: هر جا آیه (یا ایها الذین آمنوا) در قرآن نازل شده، علی (علیه السلام) را سبقت و فضیلت بر همه آن مؤمنان است. (1)

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَسْرُورٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنَّهُ جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّكَ تَدْعَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَمَنْ أَمَرَكَ عَلَيْهِمْ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَمَرَنِي عَلَيْهِمْ فَجَاءَ الرَّجُلُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) أَيْ صَدَّقَ عَلِيٌّ فِيمَا يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَهُ عَلَى خَلْقِهِ فَنُصِبَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) ثُمَّ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بَوْلَايَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَقَدَهَا لَهُ فَوْقَ عَرْشِهِ وَأَشَدَّ هَدَى عَلَى ذَلِكَ مَلَائِكَتُهُ إِنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) خَلِيفَةُ اللَّهِ وَحُجَّةُ اللَّهِ وَإِنَّهُ لِأَمَامُ الْمُسْلِمِينَ طَاعَتُهُ مَقْرُونَةٌ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَمَعْصِيَتُهُ مَقْرُونَةٌ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ فَمَنْ جَهِلَهُ فَقَدْ جَهِلَنِي وَمَنْ عَرَفَهُ فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَهُ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي وَمَنْ جَحَدَ أَمْرَهُ فَقَدْ جَحَدَ رِسَالَتِي وَمَنْ دَفَعَ فَضْلَهُ فَقَدْ تَنَقَّصَنِي وَمَنْ قَاتَلَهُ فَقَدْ قَاتَلَنِي وَمَنْ سَبَّهُ فَقَدْ سَبَّنِي لِأَنَّهُ مِنِّي خُلِقَ مِنْ طِينَتِي وَهُوَ زَوْجُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) ابْنَتِي وَأَبُو وَلَدِي الْحَسَنِ (عليها السلام) وَالْحُسَيْنِ (عليه السلام) ثُمَّ قَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ (عليه السلام) وَ

ص: 638

فَاطِمَةُ (عليها السلام) وَ الْحَسَنُ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) حُجِّجَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ أَعدَاؤُنَا  
أعداءِ اللَّهِ وَ أَوْلِيَاؤُنَا أَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

مردی خدمت علی (علیه السلام) آمد و عرضه داشت: به شما امیرالمؤمنین گویند چه کسی تو را بر آنها امیر کرده؟ فرمود: خدای جل جلاله مرا امیر بر آنها کرده آن مرد نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و عرضه داشت: یا رسول الله علی (علیه السلام) راست می گوید که خدا امیر بر خلقش کرده؟ پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در خشم شده فرمود: به راستی علی (علیه السلام) به ولایت از خدای عز و جل امیر بر خلق است از بالای عرش خود آن را منعقد نموده و ملائکه را گواه گرفته که علی (علیه السلام) خلیفه الله و حجت الله و امام مسلمانان است طاعتش قرین طاعت خدا و نافرمانیش قرین نافرمانی خداست هر که او را شناسد مرا نشناخته و هر که او را بشناسد مرا شناخته هر که منکر امامت او است منکر نبوت من است و هر که امیری او را انکار کند رسالت مرا انکار کرده هر که فضل او را دفع کند مرا کاسته، هر که با او نبرد کند با من نبرد کرده و هر که او را دشنام دهد مرا دشنام داده زیرا او از منست از گل من خلق شده و او شوهر فاطمه (علیها السلام) دختر من است و پدر دو فرزندم حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) است سپس فرمود: من و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و نه فرزند حسین (علیه السلام) حجت های خدائیم بر خلقش دشمنانمان دشمنان خدا و دوستانمان دوستان خدایند. (1)

حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَلَمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو طَاهِرٍ مُحَمَّدُ بْنُ تَسْنِيمٍ الْوَرَّاقُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ذَاتَ يَوْمٍ لِأَصْحَابِهِ مَعَاشِرَ أَصْحَابِي إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَأْمُرُكُمْ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الْإِفْتِدَاءِ بِهِ فَهُوَ وَلِيُّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي لَا تُخَالِفُوهُ فَتَكْفُرُوا وَ لَا تَفَارِقُوهُ فَتَضِلُّوا

ص: 639

إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ جَعَلَ عَلِيًّا (عليه السلام) عِلْمًا بَيْنَ الْإِيمَانِ وَ النَّفَاقِ فَمَنْ أَحَبَّهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ أَبْغَضَهُ كَانَ مُنَافِقًا إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ جَعَلَ عَلِيًّا (عليه السلام) وَ صِيبِي وَ مَنَارَ الْهُدَى بَعْدِي فَهُوَ مَوْضِعُ سِرِّي وَ عَيْنُهُ عَلَيَّ وَ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُو ظَالِمِيهِ مِنْ أُمَّتِي.

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) به اصحابش فرمود معاشر اصحاب من به راستی خدای جل جلاله دستور می دهد به شما به ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و پیروی او که ولی و امام شما است پس از من مخالفت او نکنید تا کافر نشوید و از او جدا نشوید تا گمراه نگردید به راستی خدا جل جلاله علی (علیه السلام) را نشانه میان نفاق و ایمان ساخته هر که او را دوست دارد مؤمن است و هر که دشمنش دارد منافقست براستی خدای جل جلاله علی (علیه السلام) را وصی و نوربخش پس از من نموده او سر نگهدار و گنجینه علم من و خلیفه بعد از منست در خاندانم بخدا از ظالمان به وی شکایت کنم؟ (1)

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جَعْفَرِ الْحَسَنِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْمُنْعِمِ بْنِ نَصْرِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الصَّيْدَاوِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَعْلَى الْأَسْلَمِيُّ، عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ زِيَادِ الْعَبْسِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَلْقَمَةَ الْأَنْمَارِيِّ، قَالَ: لَمَّا قَدِمَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ يَسْتَنْفِرَانِ النَّاسَ، خَرَجَ حُدَيْفَةُ وَ هُوَ مَرِيضٌ مَرَضَهُ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ، فَخَرَجَ يُهَادِي بَيْنَ رَجُلَيْنِ، فَحَرَّضَ النَّاسَ وَ حَثَّهُمْ عَلَى اتِّبَاعِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ طَاعَتِهِ وَ نُصْرَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: أَلَا مَنْ أَرَادَ وَالَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) حَقًّا حَقًّا، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، فَوَازِرُوهُ وَ اتَّبِعُوهُ وَ انْصُرُوهُ. از علی بن علقمه ایادی روایت شده که وقتی حسن بن علی (علیه السلام) و عمار یاسر که خدایش از او خشنود باشد آمدند تا مردم را به جنگ برانگیزند، حذیفه که رحمت

ص: 640

خدا بر او باد در همان بیماری که جان سپرد در حالی که به دو مرد تکیه داده بود بیرون آمد و مردم را به پیروی و یاری علی (علیه السلام) برانگیخت و سپس گفت: هان سوگند به کسی که معبودی جز او نیست هر که می خواهد به امیرالمومنین راستین بنگرد، علی بن ابیطالب (علیه السلام) را ببیند. پس از او حمایت کنید و پیروی کرده، یاری اش نمایید. یعقوب بن زیاد عیسی گفت: به خدا سوگند من این حدیث را از علی بن علقمه و از عموهایم شنیدم که از حدیثه نقل می کردند. (1)

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْمُنْعِمِ، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَعْلَى، قَالَ حَدَّثَنَا الْعَلَاءُ بْنُ صَالِحِ الْأَسَدِيِّ، عَنْ عَدِيِّ بْنِ ثَابِتٍ، عَنْ أَبِي رَاشِدٍ، قَالَ: لَمَّا أَتَى حَدِيثَةَ بَيْعَةَ عَلِيٍّ (عَلِيهِ السَّلَامُ) ضَرَبَ بِيَدِهِ وَاحِدَةً عَلَى الْأُخْرَى وَبَايَعَ لَهُ، وَقَالَ: هَذِهِ بَيْعَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلِيهِ السَّلَامُ)

حَقًّا، فَوَ اللَّهُ لَا يُبَايِعُ بَعْدَهُ لَوْ أَحَدٍ مِنْ قُرَيْشٍ إِلَّا أَصْغَرُ أَوْ أَبْتَرُ يُولِي الْحَقَّ اسْتَه

از ابوراشد روایت شده که وقتی حدیثه برای بیعت با علی (علیه السلام) آمد یک دستش را به دست دیگرش زد و گفت: این بیعت با امیرالمومنین (علیه السلام) راستین است. به خدا سوگند پس از او با کسی از قریش جز کوچکتری یا کهنتری که حق را زیر نشیمنگاهش می گذارد بیعت نمی شود. (2)

أَخْبَرَنَا ابْنُ الصَّلْتِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا ابْنُ عُقْدَةَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقَزْوِينِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي دَاوُدُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْغَازِي، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى (عَلِيهِ السَّلَامُ)، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَعْفَرِ (عَلِيهِ السَّلَامُ)، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلِيهِ السَّلَامُ)، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلِيهِ السَّلَامُ) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَا عَلِيُّ (عَلِيهِ السَّلَامُ)، إِنَّكَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَ يَغْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ.

ص: 641

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 17 ح 34

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 17 ح 35

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) فرمودند: اي علي! همانا تو آقا و سرور مسلمانان و امام پرهيزكاران و پيشواي سپيدرويان و رهبر مومنان هستي. [\(1\)](#)

ص: 642

---

1- . الأمل للطوسي ص 345 [12] المجلس الثاني عشر ح 50





وَبِهَذَا الْإِمَامِ نَادَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ جَعْفَرِ الْأَمْوِيِّ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، عَنْ أَبِي مَرْيَمَ، عَنْ سَلْمَانَ، قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِذْ أَقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَنَآوَلَهُ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حَصَاةً، فَمَا اسْتَبَقَتْ الْحَصَاةُ فِي كَفِّ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) حَتَّى نَطَقْتُ، وَهِيَ تَقُولُ: "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رَسُولُ اللَّهِ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نَبِيًّا، وَبِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَلِيًّا" ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ رَاضِيًا بِاللَّهِ وَبِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، فَقَدْ أَمِنَ خَوْفَ اللَّهِ وَعِقَابَهُ.

سلمان: نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشسته بودیم که علی بن ابیطالب (علیه السلام) پیش آمد. پیامبر سنگ ریزه ای در دست علی (علیه السلام) قرار داد. و هنوز سنگریزه در دست علی (علیه السلام) قرار نگرفته بود که شروع به سخن گفتن کرد و گفت: هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد (صلی الله علیه و آله) رسول خداست خداوند را به ربوبیت و محمد (صلی الله علیه و آله) را به پیامبری و علی (علیه السلام) را به ولایت پذیرفتم. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر که از شما به خدا و ولایت علی بن ابیطالب (علیه السلام) خشنود بگردد از ترس خدا و کفر او در امانست. (1) معجزه در کنار فرات

الْفَحَّامُ، عَنِ الْمُنْصُورِيِّ، عَنْ عَمِّ أَبِيهِ، قَالَ حَدَّثَنِي الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بِأَسَدِهِ عَنِ الْبَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: كُنْتُ أَمَانِيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَلِيَّ

الْفُرَاتِ، إِذْ خَرَجَتْ مُوجَةً عَظِيمَةً فَغَطَّتْهُ حَتَّى اسْتَمَرَّ عَنِّي، ثُمَّ انْحَسِرَتْ عَنْهُ وَ لَا رُطُوبَةَ عَلَيْهِ، فَوَجَمْتُ لِذَلِكَ وَ تَعَجَّبْتُ، وَ سَأَلْتُهُ عَنْهُ، فَقَالَ: وَ رَأَيْتَ ذَلِكَ قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: إِنَّمَا الْمَلِكُ الْمُؤَكَّلُ بِالْمَاءِ خَرَجَ فَسَلَّمَ عَلَيَّ وَ اعْتَنَنِي.

جابر می گوید: در خدمت امیرالمومنین (علیه السلام) در کنار فرات قدم می زدیم که ناگهان موج بزرگی از فرات برخاست و حضرت را در بر گرفت به گونه ای که او را در دیدگان من پنهان ساخت آنگاه آن موج بازگشت در حالی که هیچ تری و رطوبتی بر امام (علیه السلام) نبود. از این امر در شگفت شدم و از امام (علیه السلام) سبب را جو یا شدم. امام (علیه السلام) فرمود: آن را مشاهده کردی؟ عرضه داشتم: بله. امام (علیه السلام) فرمودند: فرشته ی گماشته برآب بیرون آمده و بر من سلام کرد و مرا در آغوش گرفت. (1)

اعجازی دیگر از امیرالمومنین

مَشَارِقُ الْأَنْوَارِ، عَنْ زَادَانَ خَادِمِ سَلْمَانَ قَالَ: لَمَّا جَاءَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لِيُغَسَّلَ سَلْمَانَ وَجَدَهُ قَدْ مَاتَ فَرَفَعَ الشَّمْلَةَ عَنْ وَجْهِهِ فَتَبَسَّمَ وَ هَمَّ أَنْ يَقْعُدَ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) عُدْ إِلَيَّ مَوْتِكَ فَعَادِدِرَ هَمَانَ كِتَابَ زَادَانَ خَدْمَتَكَ سَلْمَانَ فَارْسِي نَقْلَ مِي كُنْدَ كَهْ كَفْتُ: هَنَكَامِي كَهْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) بَرَايِ غَسَلِ دَادَنِ سَلْمَانَ تَشْرِيفَ أَوْرَدِ، سَلْمَانَ رَا دِيدَ كَهْ أَزْ دُنْيَا رَفْتَهْ أَسْتُ، پَارْچَهْ رَا أَزْ صُورْتِ أَوْ كِنَارِ زِدِ، سَلْمَانَ تَبْسَمِي كَرْدِ وَ خَوَاسْتِ بَنَشِينِدِ، حَضْرَتِ بَهْ أَوْ فَرَمُودِ: بَهْ حَالِ مَرِگِ بَرِگَرْدِ وَ أَوْ بَرِگَشْتِ. (2)

ص: 645

1- . الأُمَالِي (لِلطُّوسِي) الْمَجْلِسُ 11 ح 32

2- . بحار الأنوار ج 22 ص 384 باب 11 كيفية إسلام سلمان رضي الله عنه و مكارم أخلاقه و بعض مواعظه و سائر أحواله ح 21



علي با حق است و حق با علي است

قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): ... عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ

رسول خدا (صلي الله عليه و آله): علي (عليه السلام) با حق است و حق با علي (عليه السلام) است از هم جدا نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَاسَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ أَبِيهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَلْحَقُّ هُوَ قُلُّ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ) قَالَ يَسْتَنْبِئُكَ يَا مُحَمَّدُ أَهْلُ مَكَّةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِمَامٌ هُوَ (قُلُّ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ)

امام صادق (عليه السلام): در تفسیر قول خدای تبارک و تعالی (وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَلْحَقُّ هُوَ قُلُّ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ) (2) از تو خبر گیرند که او حق است؟ بگو آری به پروردگارم قسم که او حق است گفت: ای محمد! اهل مکه از تو خبر گیرند که علی (عليه السلام) امام است (قُلُّ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ) (3)

بگو آری به خدا او به حق امام است. (4)

وَقَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ فَمَارَ وَنَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ ضَلَّ وَغَوَى بَلَى يَكْفُنُنِي وَيُعَسِّلُنِي وَيَقْضِي دِينِي وَأَبُو سَيِّدِ بَطِيٍّ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَالْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَمِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) تَخْرُجُ الْأَيْمَةُ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) التَّسْعَةُ وَمِنَّا مَهْدِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام) هَذِهِ الْأُمَّةُ

ص: 647

1- . الأُمالي للصدوق ص 89 المجلس العشرون ح 20 ح 1.

2- . يونس آية 53

3- . يونس آية 53

4- . الأُمالي (للصدوق) النص 673 المجلس السادس والتسعون ح 7



أَخَذَ بِكَفِّ عَلِيٍّ (عليه السلام): الْحَقُّ بَعْدِي مَعَ عَلِيٍّ، يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ.

ام سلمه گفت: از رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در حالي که دست علي (عليه السلام) را گرفته بود شنيدم که فرمود: حق پس از من به همراه علي (عليه السلام) است. هر جا که علي (عليه السلام) بگردد حق نیز با او مي گردد. (1)

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) بَابٌ فَتَحَهُ اللَّهُ فَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا وَمَنْ لَمْ يَدْخُلْ فِيهِ وَلَمْ يَخْرُجْ مِنْهُ كَانَ فِي الطَّبَقَةِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِي فِيهِمُ الْمَشِيئَةُ. ابو حمزه گوید: شنيدم امام باقر (عليه السلام) مي فرمود: همانا علي (عليه السلام) دريست که خدا آن را (بروی بندگان) گشوده، هر که از آن در وارد شود مؤمن است و هر که از آن خارج شود کافر است.... (2)

پيشوايان حق و باطل

عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ بَشِيرِ الْعَطَّارِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ) ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَعَنْيَ إِمَامُكُمْ وَكَمٍ مِنْ إِمَامٍ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَلْعَنُ أَصْحَابَهُ وَيَلْعَنُونَهُ نَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَأُمْنَا فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَمَا آتَى اللَّهُ أَحَدًا مِنَ الْمُرْسَلِينَ شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ آتَاهُ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) كَمَا آتَى الْمُرْسَلِينَ مِنْ قَبْلِهِ ثُمَّ تَلَا (وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً) (3)

ص: 649

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 17 ح 15

2- . الكافي ج 1 ص 437 باب فيه تنف و جوامع من الرواية في الولاية ح 8

3- . الرعد آية 38

محاسن: بشیر عطار از حضرت صادق (علیه السلام) در آیه (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ) (1)

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: علي (عليه السلام) امام شما است بسیاری از پیشوایان هستند که روز قیامت می آیند در حالی که که پیروان خود را لعنت کرده و پیروان، آنها را لعن می کنند. ما باز ماندگان پیامبریم و مادرمان فاطمه (علیها السلام) است هر چه خداوند به تمام مرسلین داده است به محمد (صلي الله عليه و آله) نیز بخشیده چنانچه به پیامبران قبل نیز داده سپس این آیه را خواند (وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَ جَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَ ذُرِّيَّةً) (2)

ص: 650

---

1- . الاسراء آية 71

2- . المحاسن ج 1 ص 155 باب 22 باب من مات لا يعرف إمامه ح 83





أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْقُرَشِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا جَدِّي لِأُمِّي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى الْقَيْسِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ يَزِيدَ الطَّائِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا هَاشِمُ بْنُ الْبَرِيدِ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ التَّمِيمِيِّ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا ثَابِتٍ مَوْلَى أَبِي ذَرٍّ يَقُولُ: سَمِعْتُ أُمَّ سَلَمَةَ تَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِي مَرَضِهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ يَقُولُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْحُجْرَةُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَيُّهَا النَّاسُ، يُوشِكُ أَنْ أَقْبِضَ قَبْضًا سَرِيعًا فَيَنْطَلِقَ بِي، وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ الْقَوْلَ مَعْدِرَةً إِلَيْكُمْ، أَلَا إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ كِتَابَ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي. ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَرَفَعَهَا فَقَالَ: هَذَا عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، خَلِيفَتَانِ بَصِيرَانِ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ، فَأَسْأَلُهُمَا مَاذَا خُلِفْتُ فِيهِمَا.

ام سلمه گفت: از رسول خدا (صلي الله عليه و آله) در بيماري که منجر به وفاتش شد شنيدم در حالي که اتاق از اصحاب پر بود فرمود: اي مردم! نزديک است که شتابان روحم را ستانده و مرا ببرند. من سخني را براي اتمام حجت به شما پيشنهاد کردم بدانيد که من در ميان شما کتاب خدا و خاندانم را به جا مي گذارم. سپس دست علي (عليه السلام) را گرفت و بالا برد و فرمود: اين علي (عليه السلام) به همراه قرآن و قرآن به همراه علي (عليه السلام) است. دو جانشين بينا که از هم جدا نمي شوند تا در آن حوض بر من وارد شوند من از آن دو درباره ي آنچه به جا گذاردم خواهم پرسيد. (1)

قَالَ يَا ابْنَ أَبِي سُفْيَانَ أَنْتَ تَدْعُونِي إِلَى الْعَمَلِ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ أَنَا كِتَابُهُ النَّاطِقُ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْعَجَبُ الْعَجِيبُ وَالْأَمْرُ الْغَرِيبُ

ص: 652

اي فرزند ابوسفیان تو مرا به عمل به قرآن میخوانی؟ حال آنکه من کتاب ناطق الهی هستم این چقدر عجیب و امر تو چقدر غریب است (1)

ص: 653

---

1- . إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی) ج 2 ص 249 جهاده بعد رسول الله ص



أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُحَمَّديُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَزِيدٍ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيِّ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله): حَقُّ عَلِيِّ (عليه السلام) عَلَى الْمُسْلِمِينَ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ رَسُولِ خِدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: حق علي (عليه السلام) بر مسلمانان چون حق پدر بر فرزندان شان است. (1)

ص: 655



وَعَنْهُ، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ بْنِ زِيَادِ الْكُوفِيِّ الْغُرَّالُ بَيْغَدَادَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا مُسَبِّحُ بْنُ حَاتِمٍ، قَالَ حَدَّثَنِي سَلَامُ بْنُ أَبِي عَمْرَةَ أَبُو عَلِيٍّ الْخُرَّاسَانِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَنْ حَسَدَ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَدْ حَسَدَنِي، وَ مَنْ حَسَدَنِي فَقَدْ كَفَرَ. رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: هرکه به علي (عليه السلام) حسد بورزد به من حسد ورزیده و هرکه به من حسد بورزد کافر شده است. (1)

وَعَنْهُ، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدِ الْحَرَامِيِّ بِالْكُوفَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَكَمِ بْنِ سَلَمِ الْحَمِيرِيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْأَنْصَارِيِّ الْعُرْنِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ سَلِيمَانَ يَعْنِي الْأَنْصَارِيَّ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ: مَنْ حَسَدَ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) حَسَدَنِي، وَ مَنْ حَسَدَنِي دَخَلَ النَّارَ.

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: هرکه به علي (عليه السلام) حسد بورزد به من حسد ورزیده و هرکه به من حسد ورزد به دوزخ روانه شود. (2)

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ رَجَاءِ بْنِ صَالِحٍ، قَالَ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ حُسَيْنِ الْعُرْنِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا خَالِدٌ

ص: 657

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 29 ح 22

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 29 ح 23

بْنُ مُحْتَارٍ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حُصَيْنٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ جُنْدَبِ الْأَزْدِيِّ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: كُنْتُ خَادِمًا لِلنَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله)

فَكَانَ إِذَا ذَكَرَ عَلِيًّا (عليه السلام) رَأَيْتُ السُّرُورَ فِي وَجْهِهِ، إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَجَلَسَ فَذَكَرَ عَلِيًّا (عليه السلام) فَجَعَلَ يَنَالُ مِنْهُ، وَجَعَلَ وَجْهُ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) يَتَغَيَّرُ، فَمَا لَبِثَ أَنْ دَخَلَ عَلِيٌّ (عليه السلام) فَسَلَّمَ فَرَدَّ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله)

عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ:

عَلِيٌّ (عليه السلام)

وَالْحَقُّ مَعًا هَكَذَا وَأَشَارَ بِإِصْبَعَيْهِ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، يَا عَلِيُّ حَاسِدُكَ حَاسِدِي، وَحَاسِدِي حَاسِدُ اللَّهِ، وَحَاسِدُ اللَّهِ فِي النَّارِ.

انس بن مالک گفته است: من خدمتکار پیامبر (صلي الله عليه وآله) بودم و هرگاه نام علي (عليه السلام) مي آمد شادمانی را در چهره ي حضرت مي دیدم. روزي مردی به خدمت حضرت آمد و نشست. آنگاه علي (عليه السلام) را یاد کرد و از او بدگویی نمود و چهره ي پیامبر (صلي الله عليه وآله) دگرگون شد. چیزی نگذشت که علي (عليه السلام) آمده سلام گفت. پیامبر (صلي الله عليه وآله) پاسخ را داد و فرمود: علي (عليه السلام) و حق این گونه اند و همراه هم هستند. به دو انگشتش اشاره کرد. از هم جدا نمی شوند تا در آن حوض به نزد من آیند. اي علي! کسی که به تو حسد مي ورزد به من حسد ورزیده و کسی که به من حسد بورزد به خداوند حسد ورزیده و کسی که به خداوند حسد بورزد در دوزخ است. (1)

ص: 658





حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَغَيْرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ يُلِي عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الشَّيْعَةَ يَسْأَلُونَكَ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ) قَالَ فَقَالَ ذَلِكَ الَّتِي إِنَّ شَيْئًا أَخْبَرْتُهُمْ وَإِنْ شِئْتُ لَمْ أَخْبِرْهُمْ قَالَ فَقَالَ لِكِنِّي أَخْبَرْتُكَ بِتَفْسِيرِهَا قَالَ فَقُلْتُ (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ) قَالَ فَقَالَ هِيَ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَقُولُ مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي وَلَا لِلَّهِ مِنْ نَبِيٍّ عَظِيمٍ أَعْظَمُ مِنِّي وَلَقَدْ عُرِضْتُ وَلَا يَتِي عَلَى الْأَمَمِ الْمَاضِيَةِ فَأَبَتْ أَنْ تَقْبَلَهَا قَالَ قُلْتُ لَهُ (قُلْ هُوَ نَبِيٌّ عَظِيمٌ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ) قَالَ هُوَ وَاللَّهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام).

امام باقر (عليه السلام) از ابو حمزه ثمالی روایت شده که گفت: به امام صادق (عليه السلام) عرضه داشتیم: فدایت شوم شیعیان درباره ی تفسیر آیه (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ) آن ها از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند؟! از خبر بزرگ و پراهمیت از شما می پرسند؟ امام (عليه)

السلام) فرمود: تفسیر آن نزد من است، اگر بخواهم آنان را باخبر می کنم و اگر نخواهم، آنان را باخبر نمی کنم. اما آیا می خواهی تو را از تفسیر آن خبر دهم؟ عرضه داشتیم: آری، آن ها از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند؟ فرمودند: این آیه درباره ی امیر مؤمنان علی (عليه السلام) است. امیرالمومنین (عليه السلام) می فرمود: خداوند عزوجل نشانه ای بزرگ تر از من و خبری عظیم تر از من ندارد. ولایت من بر تمام امت های پیشین عرضه شد لیکن (گروهی) از پذیرفتن آن خودداری کردند. عرضه داشتیم: در مورد آیات (قُلْ هُوَ نَبِيٌّ عَظِيمٌ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ) (2) فرمود: به خدا قسم منظور از آن علی (عليه السلام) است. (3)

ص: 660

1- . النبء الآيات 1 و 2

2- . ص الآيات 67 و 68

3- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 76 النوادر من الأبواب في الولاية ح 3

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ يَلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الشَّيْعَةَ يَسْأَلُونَكَ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ) قَالَ ذَلِكَ إِلَيَّ إِنْ شِئْتُ أَخْبِرُهُمْ وَإِنْ شِئْتُ لَمْ أَخْبِرُهُمْ ثُمَّ قَالَ لِكِنِّي أَخْبِرُكَ بِتَفْسِيرِهَا قُلْتُ (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ) (1) قَالَ فَقَالَ هِيَ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) كَمَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَقُولُ مَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي وَلَا لِلَّهِ مِنْ نَبِيٍّ أَعْظَمُ مِنِّي.

ابو حمزة: به امام باقر (عليه السلام) عرضه داشتم: قربانت گردم، شیعه از شما تفسیر این آیه (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ) را می پرسند از چه از يك ديگر مي پرسند؟ از خير بزرگی مي پرسند. فرمود: اختيار با من است، اگر خواهم به آنها بگويم و اگر خواهم نگويم، سپس فرمود: ولی من تفسیرش را برای تو می گویم عرضه داشتم: از چه از يك ديگر مي پرسند؟ فرمود: این آیه در باره امير المؤمنين (عليه السلام) است، آن حضرت مي فرمود: خدا را آیه ای بزرگتر از من نیست، خدا را خبری بزرگتر از من نیست. (2)

ص: 661

1- . النبأ آية 1

2- . الكافي ج 1 ص 207 باب أن الآيات التي ذكرها الله عز و جل في كتابه هم الأئمة ح 3



أَخْبَرَنَا ابْنُ مَخْلَدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَمَرَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمَارٍ الْعَبْسِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ طَارِقٍ الْوَابِشِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ هَاشِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ، عَنْ عَوْنِ بْنِ [عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ] أَبِي رَافِعٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَهُوَ مَرِيضٌ، فَإِذَا رَأْسُهُ فِي حَجَرٍ رَجُلٍ أَحْسَنَ مَا رَأَيْتُ مِنَ الْخَلْقِ، وَالنَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) نَائِمٌ، فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَيْهِ قَالَ الرَّجُلُ: اذْنُ إِلَى ابْنِ عَمِّكَ، فَأَنْتَ أَحَقُّ بِهِ مِنِّي، فِدَنْتُ مِنْهُمَا، فَقَامَ الرَّجُلُ وَجَلَسْتُ مَكَانَهُ، وَوَضَعْتُ رَأْسَ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) فِي حَجَرِي كَمَا كَانَ فِي حَجَرِ الرَّجُلِ، فَمَكَّثْتُ سَاعَةً ثُمَّ إِنَّ النَّبِيَّ (صلي الله عليه وآله) اسْتَيْقَظَ، فَقَالَ: أَيْنَ الرَّجُلُ، الَّذِي كَانَ رَأْسِي فِي حَجَرِهِ فَقُلْتُ: لَمَّا دَخَلْتُ عَلَيْكَ دَعَانِي إِلَيْكَ، ثُمَّ قَالَ: اذْنُ إِلَى ابْنِ عَمِّكَ، فَأَنْتَ أَحَقُّ بِهِ مِنِّي، ثُمَّ قَامَ فَجَلَسْتُ مَكَانَهُ. فَقَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله): فَهَلْ تَدْرِي مِنَ الرَّجُلِ قُلْتُ: لَا بَأْسِي وَأُمِّي. فَقَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله): ذَلِكَ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) كَانَ يُحَدِّثُنِي حَتَّى خَفَّ عَنِّي وَجَعِي، وَنَمْتُ وَرَأْسِي فِي حَجَرِهِ. علي بن ابيطالب (عليه السلام): به خدمت پیامبر گرامی (صلي الله عليه وآله) که بیمار بودند رفتم و دیدم که سرش در دامن مردی است که زیباتر از او در آفریدگان ندیده بودم و پیامبر گرامی (صلي الله عليه وآله) و آله) در خواب بود. چون من وارد شدم، آن مرد گفت: به نزد پسر عمویت بیا که تو از من به او سزاوار تری. من به آن دو نزدیک و آنگاه آن مرد برخاست و من در جایش نشستم و سر پیامبر گرامی (صلي الله عليه وآله) را در دامن نهادم، چنان که در دامن آن مرد بود. ساعتی سپری کردم و سپس پیامبر (صلي الله عليه وآله) بیدار شد و فرمود: آن مردی که سرم در دامنش بود کجاست؟ من گفتم: وقتی من وارد مرا به سوی شما خواند و گفت: به نزد

پسر عمویت بیا که تواز من به او سزاوارتری. سپس برخاست و من در جایش نشستم. پیامبر گرامی (صلي الله عليه و آله) فرمود: آیا می دانی آن مرد چه کسی بود؟ من عرضه داشتم: نه پدر و مادرم به فدایت. پیامبر (صلي الله عليه و آله) فرمود: او جبرئیل (علیه السلام) بود که با من سخن می گفت تا دردم کاهش یافت و خوابیدم در حالی که سرم بر دامنش بود. (1)

وَ عَنْهُ، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ الْأَسَدِ عَثَ السَّجِسْتَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ زَيْدِ النَّهْشَبِيِّ شَاذَانُ، قَالَ حَدَّثَنَا زَكَرِيَّا بْنُ يَحْيَى الْخَزْرَازِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مَنْدَلُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَنْزِيُّ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله)

فِي بَيْتِهِ، فَغَدَا إِلَيْهِ عَلِيٌّ فِي الْغَدَاةِ، وَ كَانَ يُحِبُّ أَنْ لَا يَسْبِقَهُ إِلَيْهِ أَحَدٌ، فَدَخَلَ فَإِذَا النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله)

فِي صَحْنِ الدَّارِ، وَإِذَا رَأْسُهُ فِي حَجْرِ دِحْيَةَ بْنِ خَلِيفَةَ الْكَلْبِيِّ، فَقَالَ: السَّلَامُ

عَلَيْكَ، كَيْفَ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) قَالَ: بِخَيْرٍ، يَا أَحَا رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله).

فَقَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): جَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ خَيْرًا. قَالَ لَهُ دِحْيَةُ: إِنِّي أُحِبُّكَ، وَ إِنَّ لَكَ عِنْدِي مَدِيحَةً أُهْدِيهَا إِلَيْكَ: أَتَنَامِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قَاتِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَ سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ (عليه السلام)...

لِوَاءِ الْحَمْدِ بِيَدِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، تُرْفُ أَنْتَ وَ شِعَتِكَ مَعَ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) وَ حَزْبِهِ إِلَى الْجَنَانِ، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ وَالَاكَ، وَ حَابَ وَ حَسِرَ مَنْ خَالَكَ، مُجِبُّ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) وَ مُجِبُّكَ، وَ مُبْغِضُهُ مُبْغِضُكَ، لَا تَنَالُهُمْ شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله)، اذْنُ مِنْ صَفْوَةِ اللَّهِ. فَأَخَذَ رَأْسَ النَّبِيِّ (صلي الله عليه و آله) فَوَضَعَهُ فِي حَجْرِهِ، فَانْتَبَهَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله)

فَقَالَ: مَا هَذِهِ الْأَهْمَمَةُ، فَأَخْبَرَهُ الْحَدِيثَ، فَقَالَ: لَمْ يَكُنْ دِحْيَةَ، كَانَ جَبْرَائِيلَ (عليه السلام)

سَمَّاكَ بِاسْمِ سَمَّاكَ اللَّهُ (تَعَالَى) بِهِ، وَ هُوَ الَّذِي أَلْقَى مَحَبَّتَكَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ رَهْبَتَكَ فِي صُدُورِ الْكَافِرِينَ.

ص: 664

ابن عباس گفته است: رسول خدا(صلي الله عليه و آله) در خانه اش بود که علي(عليه السلام) صبح زود به خدمت ایشان رفت. او دوست داشت که پیش از همه خدمت ایشان برود. رسول خدا(صلي الله عليه و آله) در حیاط خانه و سر در دامن دحیه بن خلیفه کلبی داشت که او وارد شد و گفت: سلام بر تو، رسول خدا(صلي الله عليه و آله) چگونه صبح کرده است؟ او گفت: به خوبی ای برادر رسول خدا(صلي الله عليه و آله). علي(عليه السلام) فرمود: خداوند به تو از ما خاندان خیر بدهد. دحیه به او گفت: من تو را دوست می دارم. برای ستایشی گفته ام که به تو هدیه می کنم. تو امیرالمومنین هستی، راهبر سپید پیشانی. و سید اولاد آدم(عليه السلام) هستی... پرچم حمد در قیامت به دست توست. تو و شیعیانت به همراه محمد(صلي الله عليه و آله) و حزیش به سوی بهشت می شتابید. رستگار شد هرکه از تو پیروی کرد و ناکام و زیانکار شد هرکه تو را رها کرد. دوستداران محمد(صلي الله عليه و آله) دوستداران تو و دشمنان او دشمنان توآند. و شفاعت محمد(صلي الله عليه و آله) به دشمنانش نمی رسد. به نزد برگزیده ی خداوند بیا آنگاه سر پیامبر(صلي الله عليه و آله) را گرفت و به دامان نهاد که ناگاه پیامبر(صلي الله عليه و آله) بیدار شد و فرمود: این همه چه چیست؟ علي(عليه السلام) جریان را بازگو کرد. رسول خدا(عليه السلام) فرمود: او دحیه نبود او جبرئیل(عليه السلام) بود. او تو را به نامی خوانده که خداوند والا به آن نامت خوانده است. و اوست کسی که دوستی ات را در دل مومنان و هراست را در سینه ی کافران انداخته است. (1)

ص: 665



وَرَوَى أَيْضاً أَنَّهُ قَالَ لِلْحَسَنِ (عليه السلام): وَائِمُّ اللَّهِ يَا بَنِيَّ مَا زِلْتُ مَظْلُوماً مَبْعِيّاً عَلَيَّ مُنْذُ هَلَكَ جَدُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

امیرالمومنین (علیه السلام) خطاب به امام حسن (علیه السلام) فرمودند: قسم به خداوند! از روزی که جدت از دنیا رفته است، همواره ظلم ها به طرف من سرازیر شده است. (1)

رَوَى أَبُو مَخْنَفٍ وَ الْمَسَّ عُودِيٌّ عَنْ هَاشِمِ بْنِ الْبَرِيدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُخَارِقٍ عَنْ هَاشِمِ بْنِ مُسَاحِقِ الْقُرَشِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّهُ لَمَّا انْهَزَمَ النَّاسُ يَوْمَ الْجَمَلِ اجْتَمَعَ مَعَهُ طَائِفَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ فِيهِمْ مَرْوَانُ بْنُ الْحَكَمِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ وَاللَّهِ لَقَدْ ظَلَمْنَا هَذَا الرَّجُلَ يَعْنُونَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ نَكُنْتُمْ بَيْعَتُهُ مِنْ غَيْرِ حَدِيثٍ وَ اللَّهُ لَقَدْ ظَهَرَ عَلَيْنَا فَمَا رَأَيْنَا قَطُّ أَكْرَمَ سَبِيْرَةً مِنْهُ وَ لَا أَحْسَنَ عَفْواً بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) فَقَوْمُوا حَتَّى نَدْخُلَ عَلَيْهِ وَ نَعْتَدِرَ إِلَيْهِ مِمَّا صَنَعْنَا قَالَ: فَصَرْنَا إِلَى بَابِهِ فَاسْتَأْذَنَاهُ فَأَذِنَ لَنَا فَلَمَّا مَثَلْنَا بَيْنَ يَدَيْهِ جَعَلَ مُتَكَلِّمًا يَتَكَلَّمُ فَقَالَ: «أَنْصِتُوا أَكْفِيكُمْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلَكُمْ فَإِنْ قُلْتُمْ حَقًّا فَصَدَّقُونِي وَإِنْ قُلْتُمْ بَاطِلاً فَرُدُّوا عَلَيَّ أَنْشِدْكُمْ اللَّهَ! أَتَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) لَمَّا قُبِضَ كُنْتُ أَوْلَى النَّاسِ بِهِ وَ يَدِ النَّاسِ مِنْ بَعْدِهِ؟ قُلْنَا: اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ: «فَعَدَلْتُمْ عَنِّي وَ بَايَعْتُمْ أَبَا بَكْرٍ فَأَمْسَكْتُمْ وَ لَمْ أُحِبَّ أَنْ أُشَقَّ عَصَا الْمُسْلِمِينَ وَ أُفَرَّقَ بَيْنَ جَمَاعَتِهِمْ ثُمَّ إِنَّ أَبَا بَكْرٍ جَعَلَهَا لِعُمَرَ مِنْ بَعْدِهِ فَكَفَفْتُ وَ لَمْ أَهْرَجِ النَّاسَ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنِّي كُنْتُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِمَقَامِهِ فَصَبَرْتُ حَتَّى قُتِلَ عُمَرُ وَ جَعَلَنِي سَادِسَ سِتَّةٍ فَكَفَفْتُ وَ لَمْ

ص: 667



أَحَبُّ أَنْ أَفْرَقَ بَيْنَ الْمُسَدِّ لِمِينَ ثُمَّ بَايَعْتُمْ عُثْمَانَ فَطَعَنْتُمْ عَلَيْهِ فَفَتَلْتُمُوهُ وَأَنَا جَالِسٌ فِي بَيْتِي فَأَتَيْتُمُونِي وَبَايَعْتُمُونِي كَمَا بَايَعْتُمْ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ فَمَا بِالْكُفْمِ وَفَيْتُمْ لَهُمَا وَلَمْ تُقُوا لِي؟! وَمَا الَّذِي مَنَعَكُمْ مِنْ نَكْثِ بَيْعَتِهِمَا وَدَعَاكُمْ إِلَى نَكْثِ بَيْعَتِي؟ فَقُلْنَا لَهُ: كُنْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَالْعَبْدِ الصَّالِحِ يُوسُفَ إِذْ قَالَ (لَا- تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ) (1) فَقَالَ: (لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ) (2) وَإِنَّ فِيكُمْ رَجُلًا لَوْ بَايَعَنِي بِيَدِهِ لَنَكَثَ بِأَسْتِهِ» يَعْنِي مَرْوَانَ بْنِ الْحَكَمِ

ابو مخنف از عدی، از ابی هشام، از برید، از عبد الله بن مخارق، از هاشم بن مساحق قرشی نقل می کند که می گفته است، پدرم می گفت: چون در جنگ جمل مردم گریختند، گروهی از قریش که مروان بن حکم نیز همراهشان بوده است پیش او آمدند و برخی به برخی دیگر گفته اند به خدا سوگند ما بر این مرد یعنی امیر المؤمنین (علیه السلام) ستم کردیم و بدون سبب بیعت او را شکستیم و به خدا سوگند بعد از آنکه بر ما پیروز شد هیچ کس را پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در کرم و بخشش چون او ندیدیم. اکنون بیاید پیش او برویم و از او پوزش بخواهیم. گوید بر در خانه علی (علیه السلام) رفتیم و اجازه خواستیم. اجازه داد و چون برابرش رسیدیم، سخنگوی ما خواست سخنی بگوید، فرمود: آرام و خاموش باشید تا من سخن گویم. همانا که من بشری چون شمایم، اگر حق گفتم، مرا تصدیق کنید و اگر باطل گفتم سخن مراد کنید. اکنون شما را به خدا سوگند می دهم آیا می دانید که چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رحلت کرد، من از همگان به او نزدیکتر و برای حکومت بر مردم از همگان سزاوارتر بودم؟ گفتند: آری می دانیم. فرمود: در عین حال از من برگشتید و با ابوبکر بیعت کردید. من خویشان داری کردم و دوست نداشتم میان مسلمانان پراکندگی و اختلاف پیش آورم. و ابوبکر حکومت را پس از خود برای عمر قرار داد، باز هم خودداری کردم و مردم

ص: 668

1- . یوسف آیه 92

2- . یوسف آیه 92

را تحريك نكردم و حال آنكه مى دانستم كه شايسته ترين مردم براى آن كار و سزاوارتر مردم به جانشينى رسول خدا(صلي الله عليه و آله) هستم و همچنان صبر و شكيبائى كردم تا كشته شد و [عمر] مرا نفر ششم آن شورى قرار داد، باز هم از خلافت دست برداشتم كه دوست نمى داشتم ميان مسلمانان تفرقه اندازم. و شما با عثمان بيعت كرديد و خود بر او شوريديد و او را كشتيد و من در خانه خود نشسته بودم. شما خود پيش من آمديد و با من بيعت كرديد همچنان كه با ابوبكر و عمر بيعت كرده بوديد، ولى نسبت به آن دو وفادارى كرديد ولى به عهد خود با من وفا نكرديد. چه چيزى موجب آمد تا بيعت آن دو را نشكنيد و بيعت مرا بشكنيد؟ گفتيم: اى امير المؤمنين همچون بنده صالح خدا يوسف(عليه السلام) باش كه چنين گفت: امروز بر شما سرزنشى نيست، خداى كه مهربانترين مهربانان است شما را ببخشمايد. على(عليه السلام) فرمود: امروز بر شما سرزنشى نيست، هر چند ميان شما مردى است كه اگر با دست خويش با من بيعت كند با كفل خويش آن را مى شكند، و مقصودش مروان بن حكم بود. (1) مظلوميت

اميرالمومنين پس از شهادت

وَ حَدَّثَنِي وَالِدِي مِنَ الْكِتَابِ الْمَذْكُورِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَلِيمَانُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُؤَصِّلِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ خَالِدٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ وَقَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَلِيمَانَ أَحْمَدُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: لَمَّا

ص: 669

أَفْضَتِ الْخِلَافَةَ إِلَى بَنِي أُمَيَّةَ سَفَكُوا فِيهَا الدَّمَ الْحَرَامَ وَ لَعَنُوا فِيهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عَلَى الْمَنَابِرِ أَلْفَ شَهْرٍ وَ تَبَرَّءُوا مِنْهُ وَ اغْتَالُوا الشَّيْعَةَ فِي كُلِّ بَلَدَةٍ وَ اسْتَأْصَلُوا بُنْيَانَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا لِحُطَامِ دُنْيَاهُمْ فَخَوْفُوا النَّاسَ فِي الْبُلْدَانِ وَ كُلُّ مَنْ لَمْ يَلْعَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ لَمْ يَتَبَرَّأْ مِنْهُ قَتَلُوهُ كَانَتْ مِنْ كَانَ قَالَ جَابِرُ بْنُ يَزِيدَ الْجَعْفِيُّ فَشَدَّ كَوْتٌ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَ أَشَدَّ يَأْعِهِمْ إِلَى الْإِمَامِ الْمُبِينِ أَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ زَيْنَ الْعَبَادِ وَ سَيِّدِ الرَّهَادِ وَ خَلِيفَةِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) قَدْ قَتَلُونَا تَحْتَ كُلِّ حَجَرٍ وَ مَدْرٍ وَ اسْتَأْصَلُوا شَأْفَتَنَا وَ أَعْلَنُوا لَعْنَ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى الْمَنَابِرِ وَ الْمَنَارَاتِ وَ الْأَسْوَاقِ وَ الطَّرِيقَاتِ وَ تَبَرَّءُوا مِنْهُ حَتَّى إِنَّهُمْ لَيَجْتَمِعُونَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) فَيَلْعَنُونَ عَلِيًّا (عليه السلام) عَلَانِيَةً لَا يُنْكِرُ ذَلِكَ أَحَدٌ وَ لَا يَنْهَرُ فَإِنْ أَنْكَرَ ذَلِكَ أَحَدٌ مِنَّا حَمَلُوا عَلَيْهِ بِأَجْمَعِهِمْ وَ قَالُوا هَذَا رَافِضِيٌّ أَبُو تُرَابِيٍّ وَ أَخَذُوهُ إِلَى سُلْطَانِهِمْ وَ قَالُوا هَذَا ذَكَرَ أَبَا تُرَابٍ بِخَيْرٍ فَصَدَّ رُبُوهُ ثُمَّ حَبَسُوهُ ثُمَّ بَعَدَ ذَلِكَ قَتَلُوهُ فَلَمَّا سَمِعَ الْإِمَامُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ذَلِكَ مِنِّي نَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ سَيِّدِي مَا أَحْلَمَكَ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكَ فِي حَلْمِكَ وَ أَعْلَى سُلْطَانِكَ يَا رَبِّ قَدْ أَمَهَلْتَ عِبَادَكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى ظَنُّوا أَنَّكَ أَمَهَلْتَهُمْ إِبْدَاءً وَ هَذَا كُلُّهُ بِعَيْنِكَ لَا يُعَالَبُ قَضَاؤُكَ وَ لَا يُرَدُّ الْمَحْتُومُ مِنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَ آتَى شِئْتَ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا.... وَ لَكِنَّا (عِبَادٌ مُكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ).... يَا جَابِرُ إِنَّ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً وَ مَكَانًا رَفِيعًا وَ لَوْ لَا نَحْنُ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ الْأَرْضَ وَ لَا سَمَاءً وَ لَا جَنَّةً وَ لَا نَارًا وَ لَا شَمْسًا وَ لَا قَمَرًا وَ لَا بَرًّا وَ لَا بَحْرًا وَ لَا سَهْلًا وَ

لَا جَبَلًا وَلَا رَطْبًا وَلَا يَابِسًا وَلَا حُلُوعًا وَلَا مُرًّا وَلَا مَاءً وَلَا نَبَاتًا وَلَا شَجَرًا اخْتَرَعَنَا اللَّهُ مِنْ نُورِ ذَاتِهِ لَا يِقَاسُ بِنَا بَشَرٌ بِنَا أَنْفَذَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ  
وَبِنَا هَذَا اللَّهُ وَنَحْنُ وَاللَّهِ دَلَّلْنَاكُمْ عَلَى رَبِّكُمْ فَتَقِفُوا عَلَى أَمْرِنَا وَنَهِينَا وَلَا تَزِدُّوا كُلَّ مَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ مِنَّا فَأَنَا أَكْبَرُ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ وَأَزْفَعُ مِنْ  
جَمِيعِ مَا يَرِدُ عَلَيْكُمْ مَا فَهَمْتُمُوهُ فَأَحْمَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ وَ مَا جَهَلْتُمُوهُ فَكَلُوا أَمْرَهُ إِلَيْنَا وَقُولُوا أَيْمَنَّا أَعْلَمُ بِمَا قَالُوا....أَصْلِحُوا

أَنْفُسَكُمْ وَعَلَيْكُمْ بِالتَّصَدُّعِ وَ التَّوْبَةِ وَ النُّورِ وَ النَّهْيِ عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا يَأْمَنُ (مَكَرَ اللَّهُ إِلَّا الْقَوْمَ الْخَاسِرِينَ) ... قَالَ فَتَبَسَّسَ ثُمَّ تَلَا (أَوْ لَمْ  
تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دَعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَ كَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَ حَشَرْنَا  
عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قَبْلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ) .... أَجَلٌ ثُمَّ تَلَا (فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَ مَا  
كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ) وَ هِيَ وَ اللَّهُ آيَاتِنَا وَ هَذِهِ أَحَدُهَا وَ هِيَ وَ اللَّهُ وَ لَا يَتَّبِعُنَا يَا جَابِرُ مَا تَقُولُ فِي قَوْمِ أَمَاتُوا سُنَّتَنَا وَ تَوَالُوا أَعْدَاءَنَا وَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَنَا  
فَطَلَمُونَا وَ غَصَبُونَا وَ أَحْيَوْا سَدَنَ الظَّالِمِينَ وَ سَاوُوا بِسِيرَةِ الْفَاسِقِينَ قَالَ جَابِرُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ أَلْهَمَنِي فَضْلَكُمْ وَ وَفَّقَنِي  
لِطَاعَتِكُمْ مُوَالَاةَ مَوَالِيكُمْ وَ مُعَادَاةَ أَعْدَائِكُمْ قَالَ صَدَّقْتُ اللَّهَ عَلَيْهِ يَا جَابِرُ أَوْ تَدْرِي مَا الْمَعْرِفَةُ الْمَعْرِفَةُ اثْبَاتُ التَّوْحِيدِ أَوْلَا ثُمَّ مَعْرِفَةُ الْمَعَانِي  
ثَانِيًا ثُمَّ مَعْرِفَةُ الْأَبْوَابِ ثَالِثًا ثُمَّ مَعْرِفَةُ الْأَنْامِ رَابِعًا ثُمَّ مَعْرِفَةُ الْأَرْكَانِ خَامِسًا ثُمَّ مَعْرِفَةُ النُّبِيَاءِ سَادِسًا ثُمَّ مَعْرِفَةُ النُّجَبَاءِ سَابِعًا وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى (لَوْ  
كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ حِثْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا)

وَتَلَا أَيْضاً (وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) يَا جَابِرُ إِثْبَاتُ التَّوْحِيدِ وَ مَعْرِفَةُ الْمَعَانِي أَمَّا إِثْبَاتُ التَّوْحِيدِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ الْقَدِيمِ الْغَائِبِ الَّذِي (لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ) وَ هُوَ غَيْبٌ بَاطِنٌ سَدُّ تُدْرِكُهُ كَمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ وَ أَمَّا الْمَعَانِي فَنَحْنُ مَعَانِيهِ وَ مَطَاهِرُهُ فَيَكُمُ اخْتِرَاعَنَا مِنْ نُورِ ذَاتِهِ وَ فَوْضَ الْيَنَّا أُمُورَ عِبَادِهِ فَ نَحْنُ نَفْعَلُ بِأَذْنِهِ مَا نَشَاءُ وَ نَحْنُ إِذَا شِئْنَا شَاءَ اللَّهُ وَ إِذَا أَرَدْنَا أَرَادَ اللَّهُ وَ نَحْنُ أَحَلْنَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَذَا الْمَحَلَّ وَ اصْطَفَانَا مِنْ بَيْنِ عِبَادِهِ وَ جَعَلْنَا حُجَّتَهُ فِي بِلَادِهِ فَمَنْ أَنْكَرَ شَيْئاً وَ رَدَّهُ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ وَ كَفَرَ بِآيَاتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ يَا جَابِرُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ تَعَالَى بِهَذِهِ الصِّفَةِ فَقَدْ أَثْبَتَ التَّوْحِيدَ لِأَنَّ هَذِهِ الصِّفَةَ مُوَافِقَةٌ لِمَا فِي الْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى (لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) وَ قَوْلُهُ تَعَالَى (لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ)

جابر بن یزید جعفری گفت چون خلافت به بنی امیه رسید خون ها ریختند و امیر المؤمنین (علیه السلام) را روی منبر هزار ماه لعنت کردند و از او بیزاری جستند و شروع به پنهان کشتن شیعیان در هر شهر نمودند و بنیاد زندگی آنها را بر باد دادند برای رسیدن به پیشیز بی ارزش دنیا مردم را وحشت زده کردند هر که امیر المؤمنین (علیه السلام) را لعنت نمی کرد و از او بیزاری نمی جست او را می کشتند هر که باشد. جابر بن یزید جعفری گفت: از بنی امیه و پیروان آنها شکایت به امام سجاد زین العابدین (علیه السلام) کردم عرضه داشتیم: آقا ما را در هر گوشه و کنار می کشتند و از بیخ و بن برمی کنند و آشکارا مولای ما امیر المؤمنین (علیه السلام) را بر روی منبرها و مناره ها و بازار و کوچه ها

لعنت می کنند و از او بیزار می جویند تا آنجا که در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) جمع می شوند و آشکارا علی (علیه السلام) را لعنت می کنند و یک نفر این کار را منع نمی کند و اظهار ناراحتی نمی نماید اگر یکی از ما انکار کند همه بر او حمله کرده و می گویند این رافضی و ابو ترابی است و او را پیش فرمانروای خود برده و مدعی می شوند که این شخص ابو تراب را به نیکی یاد کرده او را می زند و زندانی می کنند و بعد او را می کشند. امام (علیه السلام) که این سخنان را از من شنید نگاهی به آسمان دوخته عرضه داشت: **سُبْحَانَكَ**

اللَّهُمَّ سَدِّدِي مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَ شَأْنَكَ فِي حِلْمِكَ وَأَعْلَى سِدِّ لَطَانِكَ يَا رَبِّ قَدْ أَمَهَلْتَ عِبَادَكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى ظَنُّوا أَنَّكَ أَمَهَلْتَهُمْ أَبَدًا وَهَذَا كُلُّهُ بِعَيْنِكَ لَا يُغَالِبُ قَضَاؤُكَ وَلَا يُرَدُّ الْمَحْتُومُ مِنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَآتَى شِئْتِ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِمَّا خَدَايَا مَنْزَهِي مَوْلَايَ مَا چقدر حلم تو زیاد است و بلند مرتبه ای در شکیبائی و برتر است قدرت تو خدایا آنچنان بندگان خود را مهلت داده که آنها گمان می کنند همیشه مهلت دارند تمام این جریان ها در دیدگاه تو است قضای تو مغلوب نمی شود و تدبیر حتمی تو قابل جلوگیری نیست هر جور و هر وقت بخواهی تو دانایتر از ما به آنتائی.... سپس فرمود: (عِبَادُ مُكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ) (1) ما بندگان گرام خدا هستیم که اظهار نظر پیش او نمی کنیم و به دستوراتش عمل می نمائیم... جابر! ما را در نزد خداوند مقام و منزلی عالی است اگر ما نبودیم خداوند زمین و آسمان و بهشت و جهنم و خورشید و ماه، بیابان و دریا و همواری ها، و کوه ها و تر و خشک و شیرین و تلخ و آب و گیاه و درختی رانمی آفرید ما را خداوند از نور ذات خود پدید آورد با هیچ یک از انسان ها مقایسه نمی شویم. به واسطه ما خداوند شما را نجات بخشید و هدایت نمود به خدا قسم ما شما را به خداوند راهنمایی کردیم در مقابل فرمان ما از امر و نهی پایدار باشید مبادا هر چه از ما به شما می رسد رد کنید ما بزرگتر و برتر و عظیم تر و بالاتر از تمام آن فضائلی هستیم که از ما برای شما نقل

ص: 673

می کنند هر چه را می فهمید خدا را سپاس گزار باشید و آنچه نمی فهمید به خودمان واگذارید و بگوئید پیشوایان ما بهتر می دانند که چه می گویند.... سپس فرمود: خود را اصلاح کنید و تضرع و توبه نمائید و پرهیزکار باشید و خودداری کنید از این کار که می کنید (مَكَرَ اللَّهُ إِلَّا الْقَوْمَ الْخَاسِرُونَ) (1) از کیفر خدا خود را خلاص نمی بینند مگر زیان کاران.... سپس امام (علیه السلام) این آیه را خواند (قَالُوا أَوْ لَمْ تَكُنْ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فادْعُوا وَ مَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ) (2) (وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَ كَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَ حَشَدْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قَبْلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ) (3) ... بعد این آیه را خواند (فَالْيَوْمَ نَسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَ مَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ) (4)

به خدا قسم این آیات ما است و این یکی از آنها است اینست به خدا ولایت ما جابر! چه می گوئی در باره مردمی که سنت ما را از بین برده اند و با دشمنان ما دوست شده اند و احترام ما را نگه نداشته به ما ستم کردند و حق ما را غصب کردند و راه و روش ستمکاران را در پیش گرفتند و سیرت فاسقان را عمل می کنند. جابر گفت: حمد خدا را که بر ما منت نهاد به معرفت شما و فضل و مقام شما را به ما فهماند و توفیق اطاعت و دوستی بادوستان شما و دشمنی با دشمنانتان را به ما عنایت کرد. فرمود: جابر می دانی معرفت چیست؟ معرفت اثبات توحید و یکتائی خدا است در درجه اول بعد معرفت معانی در مرحله دوم سپس معرفت ابواب در مرتبه سوم و آنگاه معرفت و شناسائی مردم است در درجه چهارم و بعد شناختن ارکان در مرحله پنجم و در مرتبه ششم شناختن نقباء و پاکان است و در مرحله هفتم شناختن نجباء و این تفسیر آیه شریفه است (لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَاداً لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَداً) (5) سپس این آیه دیگر را نیز قرائت فرمود (وَ لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٍ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ

ص: 674

- 1- . الاعراف آیه 99
- 2- . غافر الآيات 50-51
- 3- . الانعام آیه 111
- 4- . الاعراف آیه 51
- 5- . الكهف آیه 109

سَبَعَةَ أْبْحَرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (1) (اینک برایت توضیح می دهیم) جابر اثبات توحید و معرفت معانی را اما اثبات توحید عبارت است از شناختن خدای قدیم و پنهان از دیده ها که دیده ها او را در نیابد و لطیف و خبیر است و او غیب است و پنهان به آن طوری که خود را ستوده او را در می یابی. (لا- تَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ) (2) اما معانی ما معانی خدا و مظاهر او در میان شمائیم ما را از نور ذات خویش آفرید و به ما امور بندگان خود را واگذارد ما به اجازه او هر چه بخواهیم انجام می دهیم ما وقتی بخواهیم خدا می خواهد و چون اراده کنیم خدا اراده می کند ما را خداوند به این مقام رسانیده و از بین بندگان خود برگزیده و ما را حجت خویش در زمین قرار داده. هر که یکی از اینها را منکر شود ورد کند رد بر خدا کرده و کافر به آیات و انبیاء و پیامبران او شده جابر! هر که خدا را با این صفت بشناسد اثبات توحید کرده چون این صفت موافققرآن مجید است در این آیه (لا تَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ) (3) (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ) (4) و این آیه (لا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ) (5) (6)

ص: 675

- 
- 1- . لقمان آية 27
  - 2- . الانعام آية 103
  - 3- . الانعام آية 103
  - 4- . الشوري آية 11
  - 5- . الانبياء آية 23
  - 6- . المناقب (للعلوي) / الكتاب العتيق ص 118 فصل حديث الخيط و الزلزلة في مدينة الرسول عليه السلام بحار الانوار ج 26 ص 8 باب 14 نادر في معرفتهم صلوات الله عليهم بالنورانية وفيه ذكر جمل من فضائلهم ح 2





و مِنْهُ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَالَ أَنْتَ سَيِّدٌ فِي الدُّنْيَا وَ سَيِّدٌ فِي الْآخِرَةِ مَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ حَبِيبُ اللَّهِ وَ مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَ بَغِضَنِي بَغِضُ اللَّهِ فَالْوَيْلُ لِمَنْ أَبْغَضَكَ بَعْدِي

ابن عباس گفت که وقتی نگاه کرد رسول الله (صلي الله عليه و آله) به علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود که: تو سیدی در دنیا و سیدی در آخرت هر که تو را دوست دارد مرا دوست داشته و هر که مرا دوست دارد خدای تعالی را دوست داشته، و هر که بغض تو دارد پس بدرستی که بغض من داشته و هر که بغض من داشته بغض خدا را داشته، پس وای بر آن که بعد از من بغض و کینه تو داشته را باشد. (1)

مولاي هر مرد وزن

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمَرَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ، قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ الْكِنْدِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِبرَاهِيمُ بْنُ الْحَكَمِ بْنِ طُهَيْرٍ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ سَلَمِ بْنِ سَابُورٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ، وَ هُوَ وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِي. رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: علي بن ابیطالب (عليه السلام) صاحب اختیار هر زن و مرد مومني است و او ولي و سرپرست شماست پس از من. (2)

ص: 677

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 94 في محبة الرسول ص إياه و تحريضه على محبته و مولاته و نهيته عن بغضه

2- . الأماي (للطوسي) النص 247 [9] المجلس التاسع ح 26

حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ، قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي عَلِيُّ بْنُ عُمَرَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْأَزْهَرِ أَحْمَدُ بْنُ الْأَزْهَرِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، عَنْ مَعْمَرٍ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَا عَلِيُّ، أَنْتَ سَيِّدٌ فِي الدُّنْيَا وَ سَيِّدٌ فِي الْآخِرَةِ، مَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَ مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَ مَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): ای علی! تو در دنیا و آخرت سروری. هر که تو را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته است. (1)

رَوَى الْخَوَارِزْمِيُّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ نَظَرَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ أَنْتَ سَيِّدٌ فِي الدُّنْيَا وَ سَيِّدٌ فِي الْآخِرَةِ مَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ حَبِيبِي حَبِيبُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ عَدُوُّكَ عَدُوِّي وَ عَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَلِّ لِمَنْ أَبْغَضَكَ مِنْ بَعْدِي

خوارزمی از ابن عباس نقل نموده که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دیده بر چهره علی (علیه السلام) گشوده و فرمود: تو در دنیا و آخرت سید و آقایی! هر که تو را دوست بدارد، مرا دوست می دارد و دوست من، دوست خداوند است و دشمن تو دشمن من و دشمن من دشمن خداست. وای بر آن کس که بعد از من، با تو دشمنی نماید. (2)

ص: 678

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 11 ح 70

2- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 302 المبحث السابع عشر في وصفه بالسيادة ح 1



قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)....: وَإِنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) أَوَّلُ مَنْ يَشْرَبُ مِنَ السَّلْسِيلِ وَالزَّنَجِيلِ وَلَا تَزَلُ لِعَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَدَمٌ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَّا وَتَبَّتْ لَهُ مَكَانَهَا أُخْرَى وَإِنَّ لِعَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَشِيعَتِهِ مِنَ اللَّهِ مَكَانًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ

پیامبر رحمت (صلي الله عليه و آله): همانا علي (عليه السلام) اول کسی است که از سلسیل می نوشد. قدم علي (عليه السلام) بر صراط هنوز برداشته نشده که جای دیگری برای اوست و همانا برای علي (عليه السلام) و شیعه ی او از طرف خدا مکانیست که خلق اولین و آخرین بر آن رشک می برند. (1)

وَبِهَذَا إِسْمًا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَا عَلِيُّ إِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ فَأَعْطَانِي أَمَّا أَوَّلُهَا فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ تَشَقُّقُ عَنْهُ الْأَرْضُ وَأَنْفُضُ التُّرَابَ عَنْ رَأْسِي وَأَنْتَ مَعِيَ فَأَعْطَانِي وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَقْضِيَ [يَقْفِنِي] عِنْدَ كِفَّةِ الْمِيزَانِ وَأَنْتَ مَعِيَ فَأَعْطَانِي وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ تَكُونَ حَامِلَ لِيَوَائِي وَهُوَ لِيَوَاءِ اللَّهِ الْأَكْبَرُ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ الْمُنْفِلِحُونَ هُمْ الْفَائِزُونَ بِالْجَنَّةِ فَأَعْطَانِي وَأَمَّا الرَّابِعَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ تَسْقِيَّ أُمَّتِي مِنْ حَوْضِي بِبَيْدِكَ فَأَعْطَانِي وَأَمَّا الْخَامِسَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَجْعَلَكَ قَائِدَ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ فَأَعْطَانِي فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ بِذَلِكَ.

و به همین اسناد از آن حضرت از رسول خدا (صلي الله عليه و آله) روایت کرده که به علي (عليه السلام) فرمود: یا علی! من از خدایم در باره تو پنج چیز درخواست کردم و همه را عطا فرمود، اما اول آنها این بود که من نخستین کسی باشم در وقتی که زمین بر او بشکافد، سر از قبر بر آرم و خاک را از سر و روی بیفشانم و تو با من باشی، پس این، مورد قبول واقع شد، دوم اینکه درخواست نمودم چون مرا برای حساب نزد

ص: 680

میزان عمل در قیامت برند، تو آن هنگام با من باشی، این را نیز عطا فرمود، سوم آنکه تو در آن روز پرچم مرا که لواء اکبرش گویند و بر آن این عبارت نوشته شده است الْمُفْلِحُونَ هُمُ الْفَائِزُونَ بِالْجَنَّةِ (رستگاران آنانند که به بهشت دست یافتند) به دوش تو باشد و تو حامل آن باشی، خداوند این را نیز پذیرفت، چهارم این بود که از خدایم خواستم که تو ساقی حوض کوثرم باشی و قبول فرمود، و اما پنجم این بود که تو سوق دهنده و جلودار امت من به فردوس جنان باشی و عطا فرمود، پس خدای را ستایش می کنم از اینکه به من مت نهاد و حاجاتم را روا فرمود. (1)

وَبِهَذَا الْإِسْمِ نَادَى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَا عَلِيُّ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كُنْتَ أَنْتَ وَوَلَدُكَ عَلِيٌّ خَيْلٌ بُلْقِي مُتَوَجِّحِينَ بِالذُّرِّ وَالْيَاقُوتِ فَيَأْمُرُ اللَّهُ بِكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ وَالنَّاسُ يَنْظُرُونَ.

و به همین اسناد از آن حضرت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده که به علی (علیه السلام) فرمود: یا علی! چون قیامت شود تو و فرزندان (یعنی ائمه معصومین) بر اسبان ابلقی که به دُرّ و یاقوت آراسته اند سوار باشید، و خداوند فرمان صادر کند که شما را به بهشت برند، در حالی که مردم همه به شما می نگرند. (2)

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ تَائِدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ (عليه السلام)

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) شِبَعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

حسین بن ابراهیم به سند مذکور در متن از ریّان بن صلت روایت کرده که امام هشتم از پدرش از آباء گرامش از علی (علیه السلام) نقل کرد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: در روز رستاخیز پیروان علی (علیه السلام) رستگارانند. (3)

ص: 681

1- [1] عیون أخبار الرضا علیه السلام ج 2 ص 30 باب 31 باب فیما جاء عن الرضا عن الأخبار المجموعة ح 35

2- [2] عیون أخبار الرضا علیه السلام ج 2 ص 30 باب 31 باب فیما جاء عن الرضا عن الأخبار المجموعة ح 37

3- [1] عیون أخبار الرضا علیه السلام ج 2 ص 52 باب 31 باب فیما جاء عن الرضا عن الأخبار المجموعة ح 201

قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ

بِيَامِبر (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): هَمَانَا عَلِي (عَلَيْهِ السَّلَام) وَشِيعَانِش رَسْتِگَارَانِد.

كِتَابُ الْمُحْتَضَرِ، لِلْحَسَنِ بْنِ سُلَيْمَانَ مِمَّا رَوَاهُ مِنَ الْأَزْبَعِينَ رِوَايَةً سَعْدِ الْإِزْبِلِيِّ يَرْفَعُهُ إِلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِذْ جَاءَ أَغْرَابِيُّ مِنْ بَنِي عَامِرٍ فَوَقَفَ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جَاءَ مِنْكَ رَسُولٌ يَدْعُونَا إِلَى الْإِسْلَامِ فَأَسْلَمْنَا ثُمَّ إِلَى الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْجِهَادِ فَرَأَيْنَاهُ حَسَنًا ثُمَّ نَهَيْتَنَا عَنِ الزَّنَا وَالسَّرِقَةِ وَالْغَيْبَةِ وَالْمُنْكَرِ فَانْتَهَيْنَا فَقَالَ لَنَا رَسُولُكَ عَلَيْنَا أَنْ نُحِبَّ صِدْقَ هُرْكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَمَا السَّرُّ فِي ذَلِكَ وَمَا نَرَاهُ عِبَادَةً قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِيَحْمَسَ خِصَالِ أَوْلِيَّهَا أَنِّي كُنْتُ يَوْمَ بَدْرٍ جَالِسًا بَعْدَ أَنْ غَزَوْنَا إِذْ هَبَطَ جَبْرِئِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يُقَرِّبُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ بَاهِيْتُ الْيَوْمَ بِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَلَأَ بَيْتِي وَهُوَ يَجُولُ بَيْنَ الصُّفُوفِ وَيَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَالْمَلَائِكَةُ تُكَبِّرُ مَعَهُ وَعِرَّتِي وَجَلَالِي لَا إِلَهَ حُبَّهُ إِلَّا مَنْ أَحْبَبَهُ وَلَا إِلَهٌ بُغِضَهُ إِلَّا مَنْ أَبْغَضَهُ وَالثَّانِيَةُ أَنِّي كُنْتُ يَوْمَ أُحُدٍ جَالِسًا وَقَدْ فَرَعْنَا مِنْ جِهَازِ عَمِّي حَمْزَةَ إِذْ أَتَانِي جَبْرِئِيلُ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فَرَضْتُ الصَّلَاةَ وَوَضَعْتُهَا عَنِ الْمَرِيضِ وَفَرَضْتُ الصَّوْمَ وَوَضَعْتُهَا عَنِ الْمَرِيضِ وَالْمَسْأِفِرِ وَفَرَضْتُ الْحَجَّ وَوَضَعْتُهَا عَنِ الْمُقْبِلِ الْمُدْفِعِ وَفَرَضْتُ الزَّكَاةَ وَوَضَعْتُهَا عَمَّنْ لَا يَمْلِكُ النَّصَابَ وَجَعَلْتُ حُبَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَيْسَ فِيهِ رُخْصَةٌ ثَالِثَةٌ أَنَّهُ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ كِتَابًا وَلَا خَلَقَ خَلْقًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ سَيِّدًا فَالْقُرْآنُ سَيِّدُ الْكُتُبِ الْمُنْزَلَةِ وَجَبْرِئِيلُ سَيِّدُ الْمَلَائِكَةِ أَوْ قَالَ إِسْرَافِيلُ وَأَنَا سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَعَلِيٌّ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَلكُلِّ أَمْرٍ سَيِّدٌ وَحُبِّي وَحُبُّ عَلِيِّ سَيِّدُ مَا

تَقَرَّبَ بِهِ الْمُتَقَرَّبُونَ مِنْ طَاعَةِ رَبِّهِمْ الرَّابِعَةُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَلْقَى فِي رُوعِي أَنَّ حُبَّهُ شَجَرَةٌ طَوْبَى الَّتِي غَرَسَهَا اللَّهُ تَعَالَى بِيَدِهِ الْخَامِسَةُ أَنَّ جَبْرَائِلَ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُصِبَ لَكَ مِنْ يَمِينِ الْعَرْشِ وَالنَّبِيُّونَ كُلُّهُمْ عَنْ يَسَارِ الْعَرْشِ وَبَيْنَ يَدَيْهِ وَنُصِبَ لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) كُرْسِيٌّ إِلَى جَانِبِكَ إِكْرَامًا لَهُ فَمَنْ هَذِهِ خَصَائِصُهُ يَجِبُ عَلَيْكُمْ أَنْ تُحِبُّوهُ فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ سَمِعًا وَطَاعَةً

حسن بن سلیمان سند را می‌رساند به سلمان فارسی رضی الله عنه گفت در نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بودیم که مرد عربی از بنی عامر وارد شد سلام کرده عرضه داشت: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) از طرف شما پیکی آمد و ما را دعوت به اسلام نمود مسلمان شدیم بعد ما را به نماز و روزه و جهاد دعوت کرد دیدیم کار خوبی است بعد ما را از زنا و دزدی و غیبت و کار زشت باز داشت ما هم این کارها ترک کردیم پیک شما به ما گفت بر ما واجب است علی بن ابی طالب (علیه السلام) را دوست بداریم سرّ این چیست با اینکه عبادت شمرده نمی‌شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: به واسطه پنج امتیاز. اول: اینکه من در روز بدر پس از تمام شدن جنگ نشسته بودم که جبرئیل (علیه السلام) نازل شده گفت خداوند سلامت می‌رساند. و می‌گوید من مباحات کردم امروز به واسطه علی (علیه السلام) با ملائکه آن موقعی که در بین صفوف جنگ در نبرد بود و الله اکبر می‌گفت ملائکه با او تکبیر می‌گفتند. قسم به عزت و جلالم حب او را ارزانی می‌دارم به کسی که دوست او باشد و بغضش را به کسی که با او دشمن باشد. دوم: من روز جنگ احد نشسته بودم کار تجهیز عمومی حمزه (علیه السلام) تمام شده بود که جبرئیل (علیه السلام) بر من نازل شد. عرضه داشت: یا محمد! خداوند می‌فرماید نماز را واجب کردم. و آن را از مریض (زنان حائض) برداشتم و روزه را واجب نمودم اما از مریض و مسافر برداشتم و حج را واجب نمودم اما از ناتوان فقیر برداشتم و زکات را واجب نمودم اما از کسی که مالک نصاب نباشد برداشتم ولی دوستی علی بن ابی طالب (علیه السلام) را برایش راه فراری نگذاشتم. سوم: خداوند هیچ



کتابی را نفرستاده و نه خلقی را آفریده جز اینکه برایش سروری قرار داده قرآن سرور کتاب های آسمانی است و جبرئیل (علیه السلام) سرور ملائکه یا فرمود: اسرافیل. و من سرور انبیاء هستم و علی (علیه السلام) سرور اوصیاء، هر چیزی سروری دارد دوستی من و دوستی علی (علیه السلام) بهترین چیزی است که بنده مطیع می تواند به وسیله آن به خدا تقرب جوید. چهارم: خداوند در دلم انداخت که حبّ علی (علیه السلام) درخت طوبی است که خداوند در بهشت آن را به دست خویش کاشته. پنجم: جبرئیل (علیه السلام) عرضه داشت: روز قیامت برای تو منبری نصب می شود طرف راست عرش و تمام پیامبران در طرف چپ عرش و جلو آن هستند و برای علی (علیه السلام) يك تخت قرار داده می شود در طرف پهلوی تو به جهت احترام او کسی که دارای چنین امتیازهایی باشد واجب است او را دوست بدارید مرد عرب گفت به دیده می پذیرم و اطاعت می کنم. (1)

وَمِمَّا رَوَاهُ مِنْ تَقْسِيرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ يَحْيَى عَنْ عُمَرَ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ صَمْرَةَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: اِكْتَفْنَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَوْمًا فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ فَذَكَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا الْجَنَّةَ فَقَالَ أَبُو دُجَانَةَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سَمِعْتُكَ تَقُولُ الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى النَّبِيِّينَ وَسَائِرِ الْأُمَمِ حَتَّى تَدْخُلَهَا فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا دُجَانَةَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا لِيَوْمِ نُورٍ وَعَمُودًا مِنْ نُورٍ خَلَقَهُمَا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ بِالْفِي سَنَةِ مَكْتُوبٍ عَلَى ذَلِكَ اللَّوَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رَسُولُ اللَّهِ أَلْ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خَيْرُ الْبَرِيَّةِ صَاحِبُ اللَّوَاءِ عَلَيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِمَامُ الْقَوْمِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا بِكَ وَشَرَّفَنَا فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ مَنْ أَحَبَّنَا وَانْتَحَلَ مَحَبَّتَنَا أَسْكَنَهُ اللَّهُ مَعَنَا وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ (فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ)

ص: 684

جابر بن عبد الله گفت روزی در مسجد مدینه اطراف پیامبر را گرفته بودیم یکی از اصحاب صحبت از بهشت کرد. ابو دجانہ گفت یا رسول الله (صلي الله عليه و آله) از شما شنیدم می فرمودی بهشت حرام است بر پیامبران و سایر امت تا وقتی شما داخل شوی فرمود: ابو دجانہ! مگر نمی دانی خداوند پرچمی از نور و ستونی از نور دارد که آن دو را دو هزار سال قبل از آفرینش آسمان ها آفرید بر روی آن پرچم نوشته است لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ آلُ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ صاحب پرچم علی (علیه السلام) که پیشوای مردم است. ابو دجانہ گفت خدا را ستایش می کنیم که ما را به وسیله تو هدایت نمود و مفتخر فرمود. پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: نمی دانی هر که ما را دوست داشته باشد و محبت ما را پذیرفته باشد خداوند او را با ما ساکن می کند و این آیه را خواند (فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ) (1)

ساقی کوثر

(عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا) (2)

بهشتیان جامه های ابریشمی سبز و دیبای ستر دربر است و پیرایه آنان دستبندهای سیمین است و صاحبشان باده ای پاک به آنان می نوشاند

وَ جَاءَ فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى (وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ) يَعْنِي سَيِّدَهُمْ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)

ص: 685

---

1- . بحار الأنوار ج 27 ص 129 باب 4 ثواب حبهم و نصرهم و ولايتهم و أنها أمان من النار ح 120 شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 2

ص 469 [سورة البينة(98): آية 7] ح 1141

2- . الانسان آية 21

در تفسیر این آیه (وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ) (1) فرمودند: به دست سیدشان علی بن ابی طالب (علیه السلام) به ایشان می نوشاند. (2)

در قیامت همگی محتاج به ایشان هستند

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ حَزَّانٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَوْرَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) إِذَا كَانَ لَكَ يَا سَمَاعَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةٌ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَعَلِيِّ (عليه السلام) فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ وَقَدْرًا مِنَ الْقَدْرِ فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَآلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ إِلَّا وَهُوَ يَحْتَاجُ إِلَيْهِمَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ.

حضرت ابو الحسن (علیه السلام) به من فرمود هر گاه حاجتی در نزد خدا داشتی بگو اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَعَلِيِّ (عليه السلام) فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ وَقَدْرًا مِنَ الْقَدْرِ فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَآلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ إِلَّا وَهُوَ يَحْتَاجُ إِلَيْهِمَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ. قیامت که می شود هر ملک مقرب و نبی مرسل و مؤمنی که خدا دلش را آزمایش به ایمان نموده محتاج به محمد (صلي الله عليه وآله) و علی (علیه السلام) است. (3)

ص: 686

1- . الانسان آية 21

2- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 2 ص 162 فصل في أنه الساقى و الشفيع

3- [3]. الكافي ج 2 ص 562 باب الدعاء للكرب و الهم و الحزن و الخوف كِتَابُ الدُّعَاءِ ح 21

اولين شخصي كه در قيامت به رسول خدا ملحق شود

مَا رَوَاهُ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ مِنْ طَرِيقِ عَلْتَمِ الْكِنْدِيِّ عَنْ سَلْمَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَوْلَكُمْ وُرُوداً عَلَيَّ الْحَوْضِ أَوْلَكُمْ إِسْلَاماً عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

يعني گفت: فرمود رسول الله (صلي الله عليه و آله) اولين شما اي خلق در وارد شدن بر من نزد حوض كوثر اولين شما در مسلمان شدن علي بن ابى طالب (عليه السلام) است. (1)

همراهي اميرالمومنين با رسول خدا در دنيا و آخرت

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمَظْلُومُ مِنْ بَعْدِي فَوَيْلٌ لِمَنْ ظَلَمَكَ وَاعْتَدَى عَلَيْكَ وَطُوبَى لِمَنْ تَبِعَكَ وَ لَمْ يَخْتَرْ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمُقَاتِلُ بَعْدِي فَوَيْلٌ لِمَنْ قَاتَلَكَ وَ طُوبَى لِمَنْ قَاتَلَ مَعَكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ الَّذِي تَنْطِقُ بِكَلَامِي وَ تَتَكَلَّمُ بِلِسَانِي بَعْدِي فَوَيْلٌ لِمَنْ رَدَّ عَلَيْكَ وَ طُوبَى لِمَنْ قَبَلَ كَلَامَكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ سَيِّدُ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدِي وَ أَنْتَ إِمَامُهَا وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا مَنْ فَارَقَكَ فَارَقَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ كَانَ مَعَكَ كَانَ مَعِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَ صَدَّقَنِي وَ أَنْتَ

ص: 687

أَوَّلُ مَنْ أَعَانَنِي عَلَى أَمْرِي وَجَاهَدَ مَعِيَ عَدُوِّي وَ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ صَلَّى مَعِيَ وَ النَّاسُ يُؤَمِّدُونَ فِي غَفْلَةٍ الْجَهَالَةِ يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ تَشَشَّقَ عَنْهُ  
 إِلَّا رِضٌ مَعِيَ وَ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَجُوزُ الصِّرَاطَ مَعِيَ وَ إِنَّ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ عَقَبَةَ الصِّرَاطِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ بَرَاءَةٌ بَوْلَايَتِكَ وَ وِلَايَةِ  
 الْأَيْمَةِ مِنْ وُلَدِكَ وَ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَرِدُ حَوْضِي تَسْقِي مِنْهُ أَوْلِيَائِكَ وَ تَذُودُ عَنْهُ أَعْدَاءَكَ وَ أَنْتَ صَاحِبِي إِذَا قُمْتُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ تَشَفَّعُ لِمُحِبِّينَا  
 فَتَشَفَّعُ فِيهِمْ وَ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَ يَبْدُؤُكَ لِوَالِي وَ هُوَ لِوَالِي الْحَمْدُ وَ هُوَ سَبْعُونَ سِتَّةً الشَّقَّةُ مِنْهُ أَوْسَعُ مِنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ أَنْتَ  
 صَاحِبُ شَجَرَةِ طُوبَى فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِكَ وَ أَغْصَانُهَا فِي دُورِ شِيعَتِكَ وَ مُحِبِّكَ...

ابراهیم بن ابی محمود از امام رضا(علیه السلام) و آن حضرت از پدران بزرگوارشان از امام حسین(علیه السلام) روایت فرمودند که: رسول  
 اکرم(صلي الله عليه و آله) فرمودند: ای علی! تویی مظلوم بعد از من، وای بر کسی که به تو ظلم و تعدی کند، و خوشا به حال کسی که از  
 تو پیروی کند و کسی را به تو ترجیح ندهد، ای علی! تو کسی هستی که بعد از من دیگران با او می جنگند، وای بر کسی که با تو بجنگد و  
 خوشا به حال کسی که همراه تو (و در لشکرت) جنگ کند، ای علی! تو کسی هستی که بعد از من با کلام من سخن می گویی و با زبان من  
 تکلم می کنی، وای بر کسی که سخنان تو را رد کند و خوشا به حال کسی که گفتارت را بپذیرد، ای علی! تو بعد از من سرور این امت  
 هستی، تو امام و خلیفه آنان هستی، هر که از تو جدا شود، در قیامت از من جدا خواهد بود، و هر که با تو همراه باشد، در قیامت با من  
 همراه خواهد بود، ای علی! تو اولین کسی هستی که به من ایمان آورد و مرا تصدیق کرد، و تو اولین کسی هستی که در کارم مرا یاری کرد و  
 به همراهم با دشمنانم جهاد نمود، و تو اولین کسی هستی که با من نماز خواند در حالی که مردم در آن روزگار در غفلت جهالت بودند، یا  
 علی! تو اولین کسی

هستی که به همراه من در قیامت سر از خاک بر خواهی داشت و تو اولین کسی هستی که به همراه من از صراط عبور خواهی نمود، پروردگارم به عزّت خود قسم خورده است که هیچ کس از صراط نخواهد گذشت جز کسی که با ولایت تو و ولایت امامان از نسل تو، برات نجات از آتش در دست داشته باشد، تو اولین کسی هستی که بر حوض من وارد خواهی شد و دوستانت را از آن سیراب کرده، دشمنانت را از آن دور می کنی، تو همراه من خواهی بود، زمانی که در مقام محمود قرار گیرم و برای دوستان ما شفاعت می کنی و شفاعتت در مورد آنان مورد قبول واقع می شود، و تو اولین کسی هستی که به بهشت وارد می شوی در حالی که پرچم به دست داری که آن، پرچم حمد است و هفتاد تگّه دارد و هر تگّه آن از ماه و خورشید وسیع تر است، تو صاحب درخت طوبی در بهشت هستی، ریشه آن در خانه تو و شاخه و برگ هایش در خانه شیعیان و دوستان است. (1)

سبقت در ورود به بهشت

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ) فَقَالَ قَالَ لِي جِبْرِئِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) ذَلِكَ عَلَيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ شِيعَتُهُ هُمْ السَّابِقُونَ إِلَى الْجَنَّةِ الْمُقَرَّبُونَ مِنَ اللَّهِ بِكَرَامَتِهِ لَهُمْ.

و در روایت ابن عباس وارد است که پرسیدم از پیغمبر (صلي الله عليه و آله) از این آیت (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ) (2) فرمود که: گفت به من جبرئیل (عليه السلام) این را که علی (عليه السلام) و شیعه ی او ایشان پیش روندگانند به جنت، و

ص: 689

1- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 1 ص 303 باب 28 باب فيما جاء عن الإمام علي بن موسى ع من الأخبار المتفرقة ح 63

2- . الواقعة الآيات 10-12

نزدیکانند از جانب حقتعالی به کرامتی که ایشان راست در قربت. (1)

وَقَوْلُهُ (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) و دیگر (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) (2) آن علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که نامه به دست او باشد پیش از همه.

وَقَوْلُهُ (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) (عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ آلِ يَاسِينَ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَقَوْلُهُ تَعَالَى (سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ) وَقَوْلُهُ (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) وَقَوْلُهُ (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) (عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ آلِ يَاسِينَ آلِ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ كَبَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ) (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) عَلِيُّ (عليه السلام) وَقَوْلُهُ (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) (عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

و دیگر (هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) ابن عباس گوید کسی که امر به عدل کند و به راه راست باشد علی بن ابی طالب (علیه السلام) است و دیگر (فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) آن علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که نامه به دست او باشد پیش از همه و دیگر (إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ) گویند که این آیت در شأن امیر المؤمنین (علیه السلام) و حمزه (علیه السلام) نازل شده. (3)

حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُوسَى رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ الدَّقَاقُ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَارِثُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ كَثِيرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَعْرُوفُ بِسَلْقَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ (عليه السلام) عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَامَ أَبُو دُجَانَةَ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَلَمْ تُخْبِرْنَا عَنِ اللَّهِ تَعَالَى أَنَّهُ أَخْبَرَكَ أَنَّ الْجَنَّةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ حَتَّى تَدْخُلَهَا أَنْتَ

ص: 690

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 306 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه ع

2- . الحاققة آية 19

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة ج 1 ص 324 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

وَعَلَى الْأُمَمِ حَتَّى تَدْخُلَهَا أُمَّتُكَ قَالَ بَلَى وَ لَكِنِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ حَامِلَ لُؤَاءِ الْقَوْمِ إِمَامُهُمْ وَعَلِيٌّ حَامِلُ لُؤَاءِ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ يَدَيَّ (وَهُوَ صَاحِبُ رَأْيِي فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَبْلِي فَإِنَّ الْعَلَمَ مَعَهُ) وَأَنَا عَلَى أَثَرِهِمْ قَامَ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَقَدْ أَشْرَقَ وَجْهُهُ سُورًا وَهُوَ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَنَا بِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله).

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمودند: در میان انبياء و صدیقین، علي بن ابیطالب (عليه السلام) نخستین کسی است که وارد بهشت می شود. ابودجانہ پرسید: یا رسول الله (صلي الله عليه وآله) از شما شنیده بودیم شما نخستین کسی هستید که وارد بهشت می شوید. رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمودند: درست است اما مگر نمی دانی پرچمدار هر قومی پیشگام و پیشرو آنهاست؟ فردای قیامت علي (عليه السلام) حامل لواء حمد است و پیشاپیش همگان حرکت می کند، من هم پشت سرش می روم. در این هنگام امیرالمومنین (عليه السلام) با نهایت شادی فرمودند: سپاس خدایی را که ما را به واسطه ی شما شرافت بخشید. (1)

رفیق و همنشین پیامبر در بهشت

وَمِنْ تَفْسِيرِ ابْنِ الْحَجَّامِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (و)

مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ) الْآيَةَ قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) هَلْ تَقْدِرُ أَنْ نَزُورَكَ فِي الْجَنَّةِ كُلَّمَا أَرَدْنَا قَالَ يَا عَلِيٌّ (عليه السلام) إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ رَفِيقًا أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ مِنْ أُمَّتِهِ فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا) فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

عَلِيًّا (عليه السلام)

فَقَالَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَنْزَلَ بَيَانَ مَا سَأَلْتَ فَجَعَلَكَ رَفِيقِي لِأَنَّكَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَأَنْتَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ

ص: 691



در تفسیر ابن حجام مذکور است در تفسیر آیت: (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ) (1) امیرالمؤمنین گفت: یا رسول الله (صلي الله عليه وآله) آیا ما قادر باشیم در بهشت کهنه‌تورا زیارت کنیم هر وقت که خواهیم؟ فرمود که یا علی (علیه السلام) هر پیغمبری را رفیقی خواهد بود که با او باشد، و اولین کسی باشد که ایمان آورده، پس این آیت نازل شد که: (فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا) (2) بعد از آن پیغمبر (صلي الله عليه وآله) امیرالمؤمنین (علیه السلام) را طلب کرد و گفت حق سبحانه و تعالی در بیان آنچه تواز من سؤال کردی آیت فرستاد و گردانید تورا رفیق من، زیرا که اول توبه من ایمان آوردی و صدیق اکبر توئی. (3)

ص: 692

1- . النساء آية 69

2- . النساء آية 69

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 87 ما جاء في إسلامه و سبقه و سنه يومئذ



عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ: يَا جَابِرُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ لِفَضْلِ الْخِطَابِ دُعِيَ رَسُولُ اللَّهِ وَدُعِيَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)... ثُمَّ يُدْعَى بِنَا فَيُدْفَعُ إِلَيْنَا حِسَابُ النَّاسِ فَنَحْنُ وَاللَّهِ نُدْخِلُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلَ النَّارِ النَّارَ... لِأَنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ إِلَيْهِ وَأَبْوَابَ النَّارِ إِلَيْهِ

امام باقر (عليه السلام): هنگامی که قیامت فرارسد و خداوند تمام مخلوقات خود را که از ابتدای خلقت آفریده برای محاکمه گرد آورد رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (عليه السلام)... و سپس ما را بخوانند، و حساب مردمان را به ما واگذار کنند، به خدا قسم! ما اهل بهشت را وارد بهشت و اهل دوزخ را وارد آتش کنیم... و همانا درب های بهشت و دوزخ به علی (عليه السلام) واگذار شود. (1) وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) يَا عَلِيُّ إِنَّكَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَإِنَّكَ لَتَفْرَعُ بَابَ الْجَنَّةِ وَتَدْخُلُهَا بِأَلَا حِسَابٍ.

و به همین اسناد از آن حضرت روایت شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا علی! تو قسیم بهشت و دوزخ بوده، و تویی که کوبه باب بهشت را می زنی و بدون محاسبه (مناقشه در حساب و چون و چرا) داخل آن می شوی. (2)

قَالَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله):... عَلِيُّ (عليه السلام) قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): علی (عليه السلام) تقسیم کننده بهشت و دوزخ است (3)

الْمُفِيدُ عَنِ الْمُظَفَّرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْوَرَّاقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زَكَرِيَّا الْبَصْرِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْبُرَيْسِيِّ عَنِ النَّضْرِ عَنِ ابْنِ

ص: 694

1- . الكافي ج 8 ص 159 حَدِيثُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ح 154. مقصود اینست که امیرالمومنین (عليه السلام) اهل دوزخ به آتش و اهل بهشت را به بهشت وارد می کند و اختیار دار آنهاست.

2- [1]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 27 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا عن الأخبار المجموعة ح 9

3- . الأمالي للصدوق ص 89 المجلس العشرون ح 20 ح 1.

مُسْكَانَ عَنِ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

كَيْفَ بِكَ يَا عَلِيُّ إِذَا وَقَفْتَ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ وَقَدِمْتَ الصِّرَاطَ وَقِيلَ لِلنَّاسِ جُوزُوا وَقُلْتَ لِيَجْهَنَّمَ هَذَا لِي وَهَذَا لَكَ فَقَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَوْلَيْكَ فَقَالَ أَوْلَيْكَ شِيعَتُكَ مَعَكَ حَيْثُ كُنْتَ.

رسول خدا (صلي الله عليه وآله): اي علي! چگونه خواهی بود وقتی که بر لبهی دوزخ بایستی و مردم را دستور دهند که بر صراط عبور کنند، آن گاه به دوزخ می گویی: این برای تو و این برای من، یعنی عده ای را به دوزخ حواله کرده، و عده ای را از آن نجات دهی، علی (عليه السلام) عرضه داشت: آنان که به سلامت عبور می کنند چه کسانیند؟ پیامبر (صلي الله عليه وآله) فرمودند: آنان شیعیان تو باشند که همواره با تو خواهند بود. (1) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْأَعْمَشِ قَالَ قَالَ الْكَلْبِيُّ يَا أَعْمَشُ أَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مَا سَمِعْتَ مِنْ مَنَاقِبِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ فَقَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ ظَرِيفٍ عَنْ عَبَّادَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا (عليه السلام) وَهُوَ يَقُولُ أَنَا قَسِيمُ النَّارِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَهُوَ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَقَالَ الْكَلْبِيُّ عِنْدِي أَعْظَمُ مِمَّا عِنْدَكَ أُعْطِيَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) عَلِيًّا (عليه السلام)

كِتَابًا فِيهِ أَسْمَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَسْمَاءُ أَهْلِ النَّارِ فَوَضَعَهُ عِنْدَ أُمِّ سَلَمَةَ فَلَمَّا وُلِّيَ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَتْ لَيْسَ لَكَ فَلَمَّا وُلِّيَ

عُثْمَانُ طَلَبَهُ فَقَالَتْ لَيْسَ

لَكَ فَلَمَّا وُلِّيَ عَلِيُّ (عليه السلام) دَفَعَتْهُ إِلَيْهِ.

بصائر: اعمش گفت: کلبی به من گفت: ای اعمش! چه چیز دشوارترین مناقب علی (عليه السلام) است که شنیده ای اعمش در جواب گفت: موسی بن ظریف از عبایه نقل کرد که گفت: از علی (عليه السلام) شنیدم می فرمود: من قسمت کننده دوزخ بوده هر که پیرو من باشد از من بوده و هر که مخالفت با من کند اهل دوزخ است. (2)

ص: 695

1- . الأماي (للطوسي) ص 95 [3] المجلس الثالث ح 55

2- [1]. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 191 باب 5 باب في الأئمة ع عندهم الصحيفة التي فيها أسماء أهل الجنة وأسماء أهل النار ح 3

وَ مِنْ كِتَابِ الْقَائِمِ لِلْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ حَمْرَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ وَاللَّهُ إِنِّي لَدَيَانُ النَّاسِ يَوْمَ الدِّينِ وَقَسِيمُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ لَا يَدْخُلُهَا دَاخِلٌ إِلَّا عَلَى أَحَدٍ قَسَمَيَّ وَأَنَا الْفَارُوقُ الْأَكْبَرُ وَقَرْنٌ مِنْ حَدِيدٍ وَبَابُ الْإِيمَانِ وَصَاحِبُ الْمَيْسَمِ وَصَاحِبُ السِّنِينَ وَأَنَا صَاحِبُ النَّشْرِ الْأَوَّلِ وَالنَّشْرِ الْآخِرِ وَصَاحِبُ الْقَضَاءِ وَصَاحِبُ الْكِرَاتِ وَدَوْلَةِ الدُّوَلِ وَأَنَا إِمَامٌ لِمَنْ بَعْدِي وَالْمُؤَدِّي مَنْ كَانَ قَبْلِي مَا يَتَقَدَّمُنِي إِلَّا أَحْمَدُ ص وَإِنَّ جَمِيعَ الْمَلَائِكَةِ

وَالرُّسُلِ وَالرُّوحَ خَلَفْنَا وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ لِيُدْعَى فَيَنْطِقُ وَأُدْعَى فَانْطِقُ عَلَى حَدِّ مَنْطِقِهِ وَلَقَدْ أُعْطِيتُ السَّبْعَ الَّتِي لَمْ يَسْبِقْ إِلَيْهَا أَحَدٌ قَبْلِي بَصُرْتُ سَبُلَ الْكِتَابِ وَفَتَحْتُ لِي الْأَسَدَ بَابَ وَعَلَّمْتُ الْأَنْسَابَ وَمَجْرَى الْحَسَابِ وَعَلَّمْتُ الْمَنَائِمَ وَالْبَلَايَا وَالْوَصَايَا وَفَصَّلَ الْخِطَابِ وَنَظَرْتُ فِي الْمَلَكُوتِ فَلَمْ يَعْرُبْ عَنِّي شَيْءٌ غَابَ عَنِّي وَلَمْ يُفْتِنِّي مَا سَدَّ بَقَعِي وَلَمْ يَشْرِكْنِي أَحَدٌ فِيمَا أَشْهَدَنِي يَوْمَ شَهَادَةِ الْأَشْهَادِ وَأَنَا الشَّاهِدُ عَلَيْهِمْ وَعَلَى يَدِي يَتِمُّ مَوْعِدُ اللَّهِ وَتَكْمُلُ كَلِمَتُهُ وَبِي يَكْمُلُ الدِّينُ وَأَنَا النُّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمَهَا اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ وَأَنَا الْإِسْمُ الَّذِي أَزْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ كُلُّ ذَلِكَ مِنْ مَنِّ اللَّهِ

از همان کتاب از حسن بن عبد الله از حضرت صادق (عليه السلام) امير المؤمنين (عليه السلام) روى منبر كوفه فرمود: به خدا قسم! من جزا دهنده مردم روز قيامت و قسمت کننده از سوي خدايم، در بهشت و جهنم داخل آن نمي شود احدى مگر با يكي از دو قسمتي كه من مي كنم. من فاروق اكبر و شاخ آهني و باب ايمان و صاحب ميسم و صاحب سنين و صاحب نشر اول و نشر آخر و صاحب عصا و صاحب كرات و دولة الدول و

امام اشخاص بعد از خود و نماینده از طرف کسی که قبل از من بوده از من برتر نیست مگر احمد(صلي الله عليه و آله) تمام رسولان و ملائکه و روح پشت سر ما هستند پیامبر(صلي الله عليه و آله) را دعوت کرده سخنرانی کند مرا نیز دعوت کرده مانند او سخنرانی کنم. به من عطا شده آن هفت چیزی که به احدی قبل از من نداده اند آشنا به راه کتاب بودم و برایم درها گشوده شد و می دانم اسباب را و محل جریان ابرها و علم مرگ و میرها و بلاها و سفارشات و فصل الخطاب و نگاه کردم در ملکوت از من پنهان نیست چیزی که غایب باشد از من و از دست من نرفته آنچه پیش از من بوده و شریک من نبوده احدی در چیزهائی که گواهم در روز شهادت گواهان و من شاهد بر آنهایم. به دست من وعده خدا تمام می شود و کلمه او تکمیل می گردد و به وسیله من دین کامل می شود من آن نعمتی هستم که خدا بر مردم ارزانی داشته و من اسلامی هستم که خدا برای خود خواسته تمام این ها منت و لطفی است از خدا بر من. (1) وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ: (وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَتَّقُوا الْإِيمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا) (2)

فَأَنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَمَّا نَزَلَتِ الْوَلَايَةُ وَكَانَ مِنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ بِغَدِيرِ خُمٍّ سَلَّمُوا عَلَيَّ عَلِيٌّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالُوا: أَمِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَقَالَ لَهُمْ نَعَمْ حَقًّا مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فَقَالَ إِنَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ يُتَعَدُّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الصِّرَاطِ فَيَدْخُلُ أَوْلِيَاءَهُ الْجَنَّةَ وَيَدْخُلُ أَعْدَاءُهُ النَّارَ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (وَلَا تَتَّقُوا الْإِيمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا)

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) در حدیثی بسیار زیبا در شان امیرالمومنین(علیه السلام) فرمودند: ..... به راستی او امیر مومنان امام پرهیزگاران و پیشوای گروهی نیک سیرت است که در آخرت نشان دارند. در روز قیامت خداوند او را بر صراط

می نشاند پس او

ص: 697

1- [1]. بحار الأنوار ج 26 ص 153 باب 9 أنه لا يحجب عنهم شيء من أحوال شيعتهم وما تحتاج إليه الأمة من جميع العلوم وأنهم يعلمون ما يصيبهم من البلاء و يصبرون عليها و لو دعوا الله في دفعها لأجيبوا و أنهم يعلمون ما في الضمائر و علم المنايا و البلاء و فصل الخطاب و الموالي ح 42

2- [1]. النحل آية 91

وَرَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِذَا كَانَ عَلَيَّ (عليه السلام) يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مُجِبِّهِ وَ النَّارَ عَادُوهُ فَأَيُّ مَالِكٍ وَ رِضْوَانٍ إِذَا فَقَالَ يَا مُفَضَّلُ أَلَيْسَ الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَمْرِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) قُلْتُ بَلَى قَالَ فَعَلَيَّْ (عليه السلام) يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ بِأَمْرِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَ مَالِكٌ وَ رِضْوَانٌ أَمْرُهُمَا إِلَيْهِ خُذْهَا يَا مُفَضَّلُ فَإِنَّهَا مِنْ مَكْنُونِ الْعِلْمِ وَ مَحْزُونِهِ

مفضل بن عمر گفت به حضرت صادق (عليه السلام) عرضه داشتم: در صورتی که علی (عليه السلام) دوستش را به بهشت و دشمنش را به جهنم بفرستد پس مالک و رضوان کجايند؟ فرمود: مگر تمام مردم روز قیامت به امر محمد (صلي الله عليه وآله) نیستند گفتم چرا فرمود: پس علی (عليه السلام) روز قیامت تقسیم کننده بهشت و جهنماست به امر محمد (صلي الله عليه وآله) و مالک و رضوان تحت اویند فرمود: این مطلب را حفظ کرده که از اسرار پنهان است. (2)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ الدَّقَّاقُ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكَاتِبُ قَالَ حَدَّثَنِي سُلَيْمَانُ بْنُ الرَّبِيعِ قَالَ حَدَّثَنِي نَصْرُ بْنُ مَزَاحِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْأَشْعَثُ عَنْ ضَمْرَةَ عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: نَظَرَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَالَ هَذَا خَيْرُ الْأَوَّلِينَ [وَ خَيْرُ الْآخِرِينَ] مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِينَ هَذَا سَيِّدُ الصِّدِّيقِينَ وَ زَيْنُ الْوَصِيِّينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَاءَ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ قَدْ أَصَابَتْ الْقِيَامَةَ مِنْ صَوْنِهَا عَلَى رَأْسِهِ تَاجٌ مَرْصَعٌ بِالزَّبَرْجَدِ وَ الْيَاقُوتِ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ يَقُولُ النَّبِيُّونَ هَذَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ هَذَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ هَذَا

ص: 698

1- [2]. تفسير القمي ج 1 ص 389 [سورة النحل (16): الآيات 81 الى 99]

2- [1]. مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام ص 288 فصل [علي عليه السلام صاحب الجنان و قسيم الميزان]

وَصِيَّ حَبِيبِ اللَّهِ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَيَقِفُ عَلَى ظَهْرِ جَهَنَّمَ فَيُنْجِي مِنْهَا مَنْ يُحِبُّ وَيُدْخِلُ فِيهَا مَنْ لَا يُحِبُّ وَيَأْتِي أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فَيُدْخِلُ فِيهَا [أَوْلِيَاءَهُ] وَشِيعَتَهُ مِنْ أَيِّ بَابٍ أَرَادُوا [بِغَيْرِ حِسَابٍ]

مناقب محمد بن احمد بن شاذان باسناد خود از ابی ذر رضی الله عنه نقل کرد که گفت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رو به جانب علی بن ابی طالب (علیه السلام) نموده فرمود: این بهترین پیشینیان و آیندگان است از بین اهل آسمان ها و زمین ها این سرور پیشوایان و امام متقین و رهبر سفید چهرگان است. روز قیامت سوار بر شتری از شترهای بهشت است که از نور آن قیامت درخشان می شود و بر سر تاجی از زبرجد و یاقوت دارد ملائکه می گویند این ملک مقرب است؟ پیامبران می گویند این پیامبری مرسل است؟ منادی از دل عرش فریاد می زند این صدیق اکبر و وصی حبيب خدا است این علی بن ابی طالب (علیه السلام) است در کنار جهنم می ایستد و هر که را بخواهد خارج می کند و از هر که ناراحت باشد به دوزخمی فرستد بعد به جانب بهشت می آید و دوستان خود را وارد بهشت کند بدون حساب. (1)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ: يَا جَابِرُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَوْلِيَيْنَ وَالْآخِرِينَ لِفَصْلِ الْخِطَابِ دُعَى رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَدُعَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَيُكْسَى رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حُلَّةً خَصَّ رَأْيَ تَضِيءُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَيُكْسَى عَلِيُّ (عليه السلام) مِثْلَهَا وَيُكْسَى رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حُلَّةً وَرْدِيَّةً يُضِيءُ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَيُكْسَى عَلِيُّ (عليه السلام) مِثْلَهَا ثُمَّ يَصْعَدَانِ عِنْدَهَا ثُمَّ يُدْعَى بِنَا فَيُدْفَعُ إِلَيْنَا حِسَابُ النَّاسِ فَنَحْنُ وَاللَّهُ نُدْخِلُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلَ النَّارِ النَّارَ

ص: 699



ثُمَّ يُدْعَى بِالنَّبِيِّينَ فَيَقَامُونَ صَفِّينَ عِنْدَ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى نَفْرُغَ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ فَإِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلُ النَّارِ النَّارَ بَعَثَ رَبُّ الْعِزَّةِ عَلِيًّا (عليه السلام) فَأَنْزَلَهُمْ مَنَازِلَهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَرَوَّجَهُمْ فَعَلِيٌّ وَاللَّهُ الَّذِي يُزَوِّجُ أَهْلَ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ وَمَا ذَلِكَ إِلَّا أَحَدٌ غَيْرِهِ كَرَامَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرَهُ وَفَضْلًا فَضَّلَهُ اللَّهُ بِهِ وَمَنْ بِهِ عَلَيْهِ وَهُوَ وَاللَّهُ يَدْخُلُ أَهْلَ النَّارِ النَّارَ وَهُوَ الَّذِي يُغْلِقُ عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ إِذَا دَخَلُوا فِيهَا أَبْوَابَهَا لِأَنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ إِلَيْهِ وَأَبْوَابَ النَّارِ إِلَيْهِ.

از همان راوی سند را به جابر می‌رساند از حضرت صادق (علیه السلام) که فرمود روز قیامت که می‌شود خداوند پیشینیان و آیندگان را جمع می‌کند برای بررسی حساب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) امیر المؤمنین را پیش می‌خواند بر پیکر آن جناب حله ای سبز که فاصله مشرق و مغرب را درخشان می‌نماید می‌پوشاند و علی (علیه السلام) را نیز همانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) حله ای می‌دهد پیامبر (صلی الله علیه و آله) حله ای دیگر گلی رنگ می‌پوشد که بین مشرق و مغرب را نورانی می‌کند به علی (علیه السلام) نیز صله ای چنین می‌دهد سپس ما را می‌خواند و حساب مردم را به ما وامی‌گذارد به خدا قسم ما بهشتیان را به بهشت و جهنمیان را به جهنم می‌فرستیم. سپس پیامبران را می‌خواند و در دو صف مقابل عرش خدا می‌ایستد تا ما از حساب به مردم فارغ شویم وقتی اهل بهشت وارد بهشت شوند و جهنمیان وارد جهنم خداوند تبارک و تعالی علی (علیه السلام) را می‌فرستد آنها را در محل های خود در بهشت جای می‌دهد و آنها را به ازدواج در می‌آورد به خدا قسم علی (علیه السلام) است که بهشتیان را به ازدواج در می‌آورد در بهشت این ماموریت به احدی جز علی (علیه السلام) واگذار نشده به جهت شخصیت و عظمتی که در نزد خدا دارد و فضیلتی که خدا به او عنایت کرده و بر او مَدَّت نهاده. به خدا قسم! اوست که جهنمیان را به جهنم می‌فرستد و او است که درب های بهشت را پس از وارد شدن بهشتیان می‌بندد و درب های جهنم را نیز پس از

داخل شدن جهنمیان، زیرا درب بهشت و جهنم در اختیار اوست. (1)

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ (عليه السلام) أَنْتَ صَاحِبُ الْجَنَّةِ وَالنَّبِيرَانِ أَلَا وَإِنَّ مَالِكًا وَرِضْوَانَ يَأْتِيَانِي غَدًا عَنْ أَمْرِ الرَّحْمَنِ فَيَقُولَانِ لِي يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه وآله) هَذِهِ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ هِبَةٌ مِنَ اللَّهِ إِلَيْكَ فَسَلِّمْهَا إِلَيَّ يَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَأَدْفَعُهَا إِلَيْكَ فَمَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ يَوْمَئِذٍ بِيَدِكَ تَفْعَلُ بِهَا مَا تَشَاءُ

ابن عباس از پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) نقل کرد که فرمود: یا علی (عليه السلام) تو صاحب بهشت و قسیم دوزخ باشی آگاه باش که مالک و رضوان فردا از جانب خدا می آیند. عرضه می دارند: ای محمد (صلي الله عليه وآله) اینها کلیدهای بهشت و جهنم است که به تو داده می شود تسلیم کن آنها را به علی بن ابی طالب (عليه السلام) و کلیدهای بهشت و جهنم در اختیار تو است هر کار بخواهی می کنی.

(2)

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُؤَدَّبِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْأَسَدِيُّ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحَسَنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُؤْتَى بِكَ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) عَلَى عَجَلَةٍ [نَاقَةٍ] مِنْ نُورٍ وَعَلَى رَأْسِكَ تَاجٌ لَهُ أَرْبَعَةُ أَرْكَانٍ عَلَى كُلِّ رُكْنٍ ثَلَاثَةُ أَسْطُطٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ وَتُعْطَى مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ ثُمَّ يُوضَعُ لَكَ كُرْسِيٌّ يُعْرَفُ بِكُرْسِيِّ الْكِرَامَةِ فَتَقْعُدُ عَلَيْهِ ثُمَّ يُجْمَعُ لَكَ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَتَأْمُرُ بِشِعْتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ وَبِأَعْدَانِكَ إِلَى النَّارِ فَأَنْتَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَأَنْتَ قَسِيمُ النَّارِ وَلَقَدْ فَازَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَ

خَسِرَ مَنْ

عَادَاكَ فَأَنْتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَمِينُ اللَّهِ وَحُجَّةُ اللَّهِ الْوَاضِحَةُ.

ص: 701

1- [1] الكافي ج 8 ص 159 كِتَابُ الرُّوضَةِ حَدِيثُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ح 154

2- [1] بحار الأنوار ج 27 ص 313 باب 9 أنهم شفعاء الخلق وأن إياب الخلق إليهم وحسابهم عليهم وأنه يسأل عن حبههم ولايتهم في يوم القيامة ح 8

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) فرمود: ای علی! در قیامت تو را سوار درشکه ای از نور آورند و بر سرت تاجی است که چهار رکن دارد و هر رکنی سه سطر است لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ كَلِيدَاهُ بَهْشْتِ رَا بَه تُو دَهْنَد و تو را بر تخت معروف به تخت کرامت نشانند و همه اولین و آخرین بر گرد تو باشند و تو دستور دهی که شیعیان را به بهشت برند و دشمن هایت را به دوزخ، توئی قسم جنت، توئی قسیم دوزخ، کامجو است هر که دوستت دارد و زیانمند است هر که دشمنت دارد تو در آن روز امین خدا و حجت آشکار خدائی. (1)

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(صلي الله عليه و آله)

يَا عَلِيُّ مَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ، رُوحُكَ مِنْ رُوحِي وَطِينَتُكَ مِنْ طِينَتِي وَإِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ خَلَقَنِي وَإِيَّاكَ وَاصْطَفَانِي وَإِيَّاكَوَاخْتَارَنِي لِلنَّبُوَّةِ وَاخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ فَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَخَلِيفَتِي أَمْرُكَ أَمْرِي وَنَهْيُكَ نَهْيِي، أَقْسِمُ بِالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوَّةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَأَمِينُهُ عَلَيَّ وَحِيَّهُ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيَّ عِبَادِهِ وَأَنْتَ مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَإِمَامُ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَقَائِدُ كُلِّ تَقِيٍّ وَبِوَلَايَتِكَ صَارَتْ أُمَّتِي مَرْحُومَةً وَبِعَدَاوَتِكَ صَارَتْ الْفِرْقَةُ الْمُخَالِفَةُ مِنْهَا مَلْعُونَةً وَإِنَّ الْخُلَفَاءَ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَنْتَ أَوْلَهُمْ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ بِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْكَ وَأَنْتَ واقِفٌ عَلَيَّ سَافِرٌ جَهَنَّمَ وَقَدْ تَطَايَرَ شَرُّهَا وَعَلَا زَفَرُهَا وَاسْتَدَّ حَرُّهَا وَأَنْتَ آخِذٌ بِرِمَامِهَا فَتَقُولُ لَكَ جَهَنَّمَ: أَجْرَنِي

يَا

عَلِيُّ فَقَدْ أَطْفَأَ نُورَكَ لَهْيِي فَتَقُولُ لَهَا: قَرِي يَا جَهَنَّمَ خُذِي هَذَا وَاتْرُكِي هَذَا

ص: 702

ابن عباس نقل کرده است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند: ای علی! هر که تو را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که به تو اهانت کند به من اهانت کرده. ای علی! تواز من هستی و من از تو هستم. روح تو از روح من و سرشت تو از سرشت من است و خداوند سبحان من و تو را خلق کرد و من و تو را برگزید و مرا برای نبوت انتخاب نمود و تو را برای امامت اختیار و انتخاب کرد. پس هر که امامت تو را انکار کند نبوت مرا انکار نموده است. ای علی! تو وصی و جانشین من هستی. امر و فرمان تو دستور من است و نهی تو نهی من است، قسم به کسی که مرا به پیامبری برانگیخت و مرا بهترین آفریدگان قرار داد همانا تو حجت خدا بر خلق و امین او بر وحیش و خلیفه او بر بندگانش و سرور و ولی نعمت هر مسلمان و امام هر مومن و رهبر و پیشوای هر پرهیزگاری هستی. به واسطه ولایت تو امت من مورد رحمت قرار می گیرد و به واسطه دشمنی با تو آن گروه مخالف از رحمت و سعادت دور می گردد. همانا جانشینان بعد از من دوازده نفر هستند تو اولین آنها هستی و آخرین آنها حضرت قائم است که خداوند مشرق و مغرب زمین را برای او می گشاید. گویا به سویت می نگرم در حالی که تو بر بالای پرتگاه جهنم ایستاده ای و شعله هایش زبانه می کشد و صدای برافروختن آتش بلند است و حرارتش شدت می گیرد و تو مهار آن را به دست می گیری و پس جهنم به تو می گوید: بلند شوید (اجازه دهید) یا علی! نور تو زبانه آتش مرا خاموش می کند. پس تو به جهنم می گویی: ای جهنم، فلانی را بگیر و فلانی را واگذار. (1)

حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَفْصٍ الْعُبَيْدِيُّ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعُبَيْدِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِذَا سَأَلْتُمْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَاسْأَلُوهُ لِي الْوَسِيلَةَ فَسَأَلْتُ النَّبِيَّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَنِ الْوَسِيلَةِ فَقَالَ هِيَ دَرَجَتِي فِي الْجَنَّةِ وَهِيَ أَلْفُ مِرْقَاةٍ مَا بَيْنَ الْمِرْقَاةِ إِلَى الْمِرْقَاةِ حُصْرُ الْفَرَسِ الْجَوَادِ شَهْرًا وَ

ص: 703

هِيَ مَا بَيْنَ مِرْقَاةِ جَوْهَرٍ إِلَى مِرْقَاةِ زَبْرَجَدٍ وَ مِرْقَاةِ يَاقُوتٍ إِلَى مِرْقَاةِ ذَهَبٍ إِلَى مِرْقَاةِ فِضَّةٍ فَيُوتَى بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى تُنْصَبَ مَعَ دَرَجَةِ النَّبِيِّنَ فَهِيَ فِي دَرَجِ النَّبِيِّنَ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكُوكَبِ فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ إِلَّا قَالَ طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ هَذِهِ الدَّرَجَةُ دَرَجَتَهُ فَيَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يُسَمِّعُ النَّبِيِّنَ وَ جَمِيعَ الْخَلْقِ هَذِهِ دَرَجَةُ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) فَأَقْبَلُ وَ أَنَا يَوْمَئِذٍ مُتَرَّرٌ بِرِيطَةٍ مِنْ نُورٍ عَلَى تَاجِ الْمَلِكِ وَ إِكْلِيلِ الْكِرَامَةِ وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَمَامِي وَ بِيَدِهِ لَوَائِي وَ هُوَ لَوَاءُ الْحَمْدِ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُفْلِحُونَ هُمْ الْفَائِزُونَ بِاللَّهِ وَ إِذَا مَرَزْنَا بِالنَّبِيِّنَ قَالُوا هَذَا مَلَكَانِ كَرِيمَانِ مُقَرَّبَانِ لَمْ نَعْرِفْهُمَا وَ لَمْ نَرَهُمَا وَ إِذَا مَرَزْنَا بِالْمَلَائِكَةِ قَالُوا هَذَا نَبِيَّانِ مُرْسَلَانِ حَتَّى أَعْلَوْ الدَّرَجَةَ وَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَتَّبِعُنِي حَتَّى إِذَا صِرْتُ فِي أَعْلَى الدَّرَجَةِ مِنْهَا وَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَسْفَلَ مِنِّي بِدَرَجَةٍ فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ إِلَّا قَالَ طُوبَى لِهَذَيْنِ الْعَبْدَيْنِ مَا أَكْرَمَهُمَا عَلَى اللَّهِ فَيَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ يُسْمِعُ النَّبِيِّنَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشَّهَدَاءَ وَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا حَبِيبِي مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) وَ هَذَا وَلِيِّ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَ وِيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُ وَ كَذَبَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ أَحَدٌ أَحَبَّكَ يَا عَلِيُّ إِلَّا اسْتَرَوْحَ إِلَى هَذَا الْكَلَامِ وَ ابْيَضَّ وَ جُهِهُ وَ فَرِحَ قَلْبُهُ وَ لَا يَبْقَى أَحَدٌ مِمَّنْ عَادَاكَ أَوْ نَصَبَ لَكَ حَرْبًا أَوْ جَحَدَ لَكَ حَقًّا إِلَّا اسْوَدَّ وَ جُهِهُ وَ اضْمَطَّ طَرَبَتَقْدَمَاهُ فَبَيْنَا أَنَا كَذَلِكَ إِذَا مَلَكَانِ قَدْ أَقْبَلَا إِلَيَّ أَمَّا أَحَدُهُمَا فَرِضْوَانٌ حَازِنُ الْجَنَّةِ وَ أَمَّا الْآخَرُ فَمَالِكُ حَازِنُ النَّارِ فَيَدْنُو رِضْوَانٌ فَيَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَحْمَدُ فَأَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَلِكُ مَنْ أَنْتَ فَمَا أَحْسَنَ وَجْهَكَ وَ أَطْيَبَ

رِيحَكَ فَيَقُولُ أَنَا رِضْوَانُ خَازِنِ الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ بَعَثَ بِهَا إِلَيْكَ رَبُّ الْعِزَّةِ فَخُذْهَا يَا أَحْمَدُ فَأَقُولُ قَدْ قَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْ رَبِّي فَلَهُ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَضَّلَنِي بِهِ اذْفَعَهَا إِلَى أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) ثُمَّ يَرْجِعُ رِضْوَانُ فَيَدْنُو مَالِكٌ فَيَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَحْمَدُ فَأَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَلِكُ مَنْ أَنْتَ فَمَا أَقْبَحَ وَجْهَكَ وَأَنْكَرَ رُؤْيَتِكَ فَيَقُولُ أَنَا مَالِكُ خَازِنِ النَّارِ وَ هَذِهِ مَقَالِيدُ النَّارِ بَعَثَ بِهَا إِلَيْكَ رَبُّ الْعِزَّةِ فَخُذْهَا يَا أَحْمَدُ فَأَقُولُ قَدْ قَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْ رَبِّي فَلَهُ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَضَّلَنِي بِهِ اذْفَعَهَا إِلَى أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) ثُمَّ يَرْجِعُ مَالِكٌ فَيَقْبَلُ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَ مَعَهُ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ وَ مَقَالِيدُ النَّارِ حَتَّى يَقِفَ عَلَى عِجْزَةِ جَهَنَّمَ وَ قَدْ تَطَايَرَ شَرُّهَا وَ عَلَا زَفِيرُهَا وَ اشْتَدَّ حَرُّهَا وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) أَخِذْ بِزِمَامِهَا فَتَقُولُ لَهُ جَهَنَّمَ جُزْنِي يَا عَلِيُّ قَدْ أَطْفَأَ نُورَكَ لَهْبِي فَيَقُولُ لَهَا عَلِيُّ (عليه السلام) قِرِّي يَا جَهَنَّمَ خُذِي هَذَا وَ ائْرِكِي هَذَا هَذَا عُدْوِي وَ ائْرِكِي هَذَا وَلِيِّي فَلَجَهَنَّمَ يَوْمِنْدِ أَشَدُّ مُطَاوَعَةً لِعَلِيِّ (عليه السلام) مِنْ غُلَامٍ أَحَدِكُمْ لِصَاحِبِهِ فَإِنْ شَاءَ يُذْهِبُهَا يَمَنَةً وَ إِنْ شَاءَ يُذْهِبُهَا يَسْرَةً وَ لَجَهَنَّمَ يَوْمِنْدِ أَشَدُّ مُطَاوَعَةً لِعَلِيِّ فِيمَا يَأْمُرُهَا بِهِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ.

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) فرمود: هر گاه از خدای عز و جل خواهشی کنید از او وسیله بخواهید پرسیدند از پیغمبر(صلي الله عليه و آله) از وسیله، فرمود: آن درجه ایست که من در بهشت دارم هزار پله است و میان هر دو پله يك ماه دويدن اسب است و پله ها از گوهر است و زبرجد و یاقوت تا طلا و نقره آن را در قیامت بیاورند در برابر درجه های پیغمبران نهند و چون ماه باشد میان اختران در آن روز پیغمبر و صدیق و شهیدی نماند که گوید خوشا به کسی که این درجه دارد ندائی از طرف خدای عز و جل برسد که همه پیغمبران و خلائق بشنوند، این درجه محمد(صلي الله عليه و آله) است من آیم و قبائی از نور

در بر و تاج ملك و اكليل كرامت بر سر على بن ابى طالب (عليه السلام) لواء حمد را جلو من دارد و بر آن نوشته است (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) رستگاران همانند كه به خدا رسيدند و چون به پيغمبران گذريم گویند اين دو فرشته مقربند كه شناسيم و نديديم و چون به فرشتگان گذريم گویند اينان دو پيغمبر مرسلند تا بر آن درجه بالا روم و على (عليه السلام) دنبال من آيد تا به بالاترين پله بر آيم و على (عليه السلام) يك پله پائين تر از من باشد در اين روز پيغمبر و صديق و شهيدى نماند جز آنكه گوید خوشا بر اين دو بنده كه چه گراميند نزد خدا از طرف خدا ندائى رسد كه همه پيغمبران و صديقان و شهيدان و مؤمنان بشنوند اين است حبيبم محمد (صلي الله عليه و آله) و اين است وليم على (عليه السلام) خوشا به آن كه دوستش دارد و بدا به آن كه دشمنش دارد و دروغش شمارد سپس رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمود: در اين روز كسى نباشد كه دوستت دارد اى على! جز آنكه از اين سخن خرم شود و روسپيد گردد و دل شاد و كسى نماند كه دشمنت دارد و يا ستيزه کرده و منكر حقت شده جز آنكه رویش سياه و قدمش لرزانست در اين ميانه دو فرشته پيش من آيند يكي رضوان كليدار بهشت و يكي مالك كليدار دوزخ، رضوان نزديك گردد و مي گوید درود بر تو اى احمد من گويم درود بر تو اى فرشته تو كيستى چه خوش رو و خوشبوئى؟ مي گوید: من كليد دار بهشتم و اين ها كليدهاى بهشت است كه رب العزت برايت فرستاده اى احمد آنها را بگير گويم از پروردگارم قبول كردم حمد او را بر آنچه به من تفصل كرد و آنها را تحويل برادرم على بن ابى طالب (عليه السلام) بده رضوان برگردد مالك دوزخ پيش آيد و گوید درود بر تو اى احمد، گويم درود بر تو اى فرشته كيستى كه چه زشت رو و نامطلوبى؟ گوید: من كليدار دوزخم و اين ها كليدهاى دوزخ است رب العزت براى شما فرستاده است اى احمد! بگير آنها را گويم قبول كردم از پروردگارم حمد او را بر آنچه مرا بدان فضيلت داد آنها را تحويل برادرم على بن ابى طالب (عليه السلام) بده مالك برگردد و كليدهاى بهشت و دوزخ را در دست دارد

تا بر دهانه جهنم بایستد که شراره می پراند و سوت می کشد و حرارتش تند است و علی مهار آن را دارد دوزخ به علی (علیه السلام) گوید ای علی! مرا واگذار و بگذر نور تو شرار مرا خاموش کرد علی (علیه السلام) فرماید: آرام باش ای دوزخ این شخص را بگیر و این را وانه این دشمن مرا بگیر و این دوست مرا واگذار دوزخ در آن روز فرمانبرتر است برای علی (علیه السلام) از غلام شما برای آقای خود اگر خواهد آن را به راست و چپ بکشاند و بهشت آن روز برای علی (علیه السلام) مطیع تر است در آنچه دستور دهد از همه مردم و صلی الله علی سیدنا خیر خلقه محمد و آله اجمعین. (1)

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِي قَوْلِهِ (الْقِيَامَ فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ) قَالَ:

نَزَلَتْ فِيَّ وَفِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَذَلِكَ أَنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَدَّ فَعَنِي رَبِّي وَشَدَّ فَمَعَكَ يَا عَلِيُّ، وَكَسَانِي وَكَسَاكَ يَا عَلِيُّ، ثُمَّ قَالَ لِي وَ لَكَ يَا عَلِيُّ: الْقِيَامَ فِي جَهَنَّمَ كُلَّ مَنْ أَبْغَضَكُمْ، وَأَدْخَلَ الْجَنَّةَ كُلَّ مَنْ أَحَبَّكُمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ هُوَ الْمُؤْمِنُ.

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) درباره ي اين سخن خداي عزوجل (الْقِيَامَ فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ) (2) مي فرمايد: همه ي كافران ستيزه جو را در دوزخ افكنيد فرمود: درباره ي من و علي بن ابيطالب (عليه السلام) نازل شده آن بدين جهت است كه چون قيامت شود پروردگار من و تورا اي علي (عليه السلام) شفيح قرار دهد و من و تورا اي علي (عليه السلام) جامه دهد و سپس به من و تو مي فرمايد: هر كه با شما دشمني کرده در دوزخ افكنيد و هر كه با شما دوستي کرد به بهشت بريد كه او مومن است. (3)

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَفَرَعَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ، دَفَعَ الْخَالِقُ مَفَاتِيحَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ إِلَيَّ فَأُدْفَعُهَا إِلَيْكَ، فَيَقُولُ لَكَ احْكُمْ. قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): وَاللَّهِ إِنَّ لِلْجَنَّةِ أَحَدًا وَ سَدَّ بَعِينَبَابًا، يَدْخُلُ مِنْ سَبْعِينَ مِنْهَا شِيعَتِي وَ أَهْلُ بَيْتِي، وَ مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ سَائِرُ النَّاسِ.

ص: 707

1- . الأماي (للصدوق) النص 116 المجلس الرابع والعشرون ح4

2- . ق آية 24

3- . الأماي (للطوسي) المجلس 13 ح33



امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: چون قیامت برپا شود و خداوند حساب آفریدگان را به پایان برساند، خدای عزوجل کلیدهای بهشت و دوزخ را به من دهد و من نیز آن را به تو می دهم. آنگاه خداوند به تو می فرماید: داوری کن. علی (علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند برای بهشت هفتاد و یک در است که از هفتاد در آن شیعیان و خاندان من وارد می شوند و از در دیگر مردمان دیگر. (1)

أَخْبَرَنَا الْحَفَّارُ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا دَعْبَلُ، قَالَ حَدَّثَنَا مُجَاشِعُ بْنُ عُمَرَ، عَنْ مَيْسَرَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ الْجَزْرِيِّ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ:

أَنَّهُ سَبَّلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا) قَالَ:

سَأَلَ قَوْمُ النَّبِيِّ فَقَالُوا: فِيمَنْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ، يَا نَبِيَّ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عُقِدَ لَوَاءٌ مِنْ نُورٍ أبيض وَ نَادَى مُنَادٍ: لِيَقُمْ سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَعَهُ الَّذِينَ آمَنُوا، فَقَدْ بُعِثَ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَيَقُومُ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَيُعْطِي اللَّهُ اللِّوَاءَ مِنَ النُّورِ الْأَبْيَضِ بِيَدِهِ، تَحْتَهُ جَمِيعُ السَّابِقِينَ الْأَوَّلِينَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ لَا يُخَالِطُهُمْ غَيْرُهُمْ، حَتَّى يَجْلِسَ عَلَى مِنْبَرٍ مِنْ نُورِ رَبِّ الْعِزَّةِ، وَ يُعْرَضُ الْجَمِيعُ عَلَيْهِ رَجُلًا رَجُلًا فَيُعْطَى أَجْرَهُ وَ نُورَهُ، فَإِذَا أَتَى عَلَى آخِرِهِمْ قِيلَ لَهُمْ قَدْ عَرَفْتُمْ مَوْضِعَكُمْ وَ مَنَازِلَكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ، إِنْ رَبَّكُمْ يَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي لَكُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ، يَعْنِي الْجَنَّةَ فَيَقُومُ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الْقَوْمُ تَحْتَ لَوَائِهِ مَعَهُ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ، ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى مِنْبَرِهِ وَ لَا يَزَالُ يُعْرَضُ عَلَيْهِ جَمِيعُ الْمُؤْمِنِينَ، فَيَأْخُذُ نَصِيبَهُ مِنْهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ يَتْرُكُ أَقْوَامًا عَلَى النَّارِ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (لَهُمْ

أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ) (2) يَعْنِي السَّابِقِينَ الْأَوَّلِينَ وَ

ص: 708

1- . الأماي (للطوسي) المجلس 13 ح 35

2- . الحديد آية 19

الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ) هُمُ الَّذِينَ قَاسَمَ عَلَيْهِمُ النَّارَ فَأَسَدَتْ تَحْتَهُمُ الْجَحِيمُ. از ابن عباس درباره ي آيه (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا) (1) خداوند به كساني كه ايمان آورده و كارهاي نيك كردند آمرزش و پاداشي بزرگ وعده داده او. گفت: مردی به پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) عرضه داشت: ای رسول خدا! این آیه درباره ی چه کسی نازل شده؟ ایشان فرمودند: چون رستاخیز شود پرچمی از نور سپید برپا می شود و منادی فریاد می زند: سرور مومنان و به همراه او کسانی که ايمان آورده اند، برخیزند که محمد (صلی الله علیه و آله) مبعوث شده است. آن گاه علي بن ابیطالب (علیه السلام) بر می خیزد و خداوند آن پرچم را به دست او می دهد و در زیر آن همه پیشی گیرندگان نخستین از مهاجرین و انصار جمعند و هیچ کس دیگر با آنان نمی آمیزد. تا آن حضرت بر منبری از نور پروردگار شکوهمند بنشیند و همگان یک به یک بر او عرضه شوند و او پاداش و نورشان را بدهد. و چون کار نفر پایانی به انجام رسد به آنان گفته می شود جایگاه و مرتبه تان را در بهشت را شناختید. پروردگارتان به شما می فرماید: برای شما در نزد من آمرزش و پاداشی بزرگ است. مقصود بهشت است. آنگاه علي بن ابیطالب (علیه السلام) و مردمان زیر پرچم با او بر می خیزند تا به بهشت روند. سپس به منبرش باز می گردد و پیوسته مومنان بر او عرضه می شوند و حضرت شیعیان خود را از بین مردم برگزیده و آنها را به بهشت می برد و گروهی را در دوزخ رها می کند و این است و خداوند می فرماید: و کسانی که ايمان آورده اند و كارهاي نيك كردند پاداش و نور برای آنان است که مقصود پیشی گیرندگان نخستین و مومنان و لایتمداران آن حضرت هستند و این سخن خداوند (وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا

بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ) (2) درباره ی کسانی است که آن حضرت آتش را

ص: 709

1- . الفتح آية 29

2- . المائدة آية 10

وَعَنْهُ، قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفْضَلِ، قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ حَفْصِ بْنِ عُمَرَ الْعَسْكَرِيُّ بِالْمِصْبَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ الْهَيْثَمِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ الْأَنْمَاطِيُّ الْبَغْدَادِيُّ بِحَلَبَ، قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ سَعِيدِ النَّخَعِيِّ ابْنَ عَمِّ شَرِيكِ، قَالَ: فَمِينَا أَنَا عِنْدَهُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ ابْنُ شُبْرَمَةَ وَابْنُ أَبِي لَيْلَى وَابْنُ حَنِيْفَةَ، فَسَأَلُوهُ عَنْ حَالِهِ، فَذَكَرَ ضَعْفًا شَدِيدًا، وَذَكَرَ مَا يَتَخَوَّفُ مِنْ خَطِيئَاتِهِ، وَادْرَكَتُهُ رَتْةٌ فَبَكَى، فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ أَبُو حَنِيْفَةَ، فَقَالَ:

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، اتَّقِ اللَّهَ، وَانظُرْ لِنَفْسِكَ، فَإِنَّكَ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا، وَأَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ الْآخِرَةِ، وَقَدْ كُنْتَ تُحَدِّثُ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِأَحَادِيثَ، لَوْ رَجَعْتَ عَنْهَا كَانَ خَيْرًا لَكَ. قَالَ الْأَعْمَشُ: مِثْلَ مَا ذَا، يَا نُعْمَانَ قَالَ: مِثْلَ حَدِيثِ عَبَايَةَ: أَنَا قَسِيمُ النَّارِ. قَالَ: أَوْ لِمِثْلِي تَقُولُ يَا يَهُودِيٍّ أَفْعِدُونِي سَدُّونِي أَفْعِدُونِي، حَدَّثَنِي وَالَّذِي إِلَيْهِ مَصِيرِي مُوسَى بْنُ طَرِيفٍ، وَلَمْ أَرِ أَسَدِيًّا كَانَ خَيْرًا مِنْهُ، قَالَ:

سَمِعْتُ عَبَايَةَ بْنَ رَبِيعٍ إِمَامَ الْحَيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام)

يَقُولُ: أَنَا قَسِيمُ النَّارِ، أَقُولُ:

هَذَا وَلِيِّ دَعِيهِ، وَهَذَا عَدُوِّي حُذِيهِ. وَحَدَّثَنِي أَبُو الْمُتَوَكَّلِ النَّجَاجِيُّ، فِي إِمْرَةِ الْحَجَّاجِ، وَكَانَ يَسْتَتِمُّ عَلَيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) شَتْمًا مُفْذَعًا يَعْنِي الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَأْمُرُ اللَّهُ فَأَقْعُدُ أَنَا وَعَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَلَى الصِّرَاطِ، وَيُقَالُ لَنَا: أَدْخِلَا الْجَنَّةَ مَنْ آمَنَ بِي وَأَحَبَّنَا، وَأَدْخِلَا النَّارَ مَنْ كَفَرَ بِي وَأَبْغَضَنَا. قَالَ أَبُو سَعِيدٍ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَا آمَنَ بِاللَّهِ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِي، وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِي مَنْ لَمْ يَتَوَلَّ أَوْ قَالَ: لَمْ يُحِبَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام)، وَ تَلَا (أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ) قَالَ فَجَعَلَ أَبُو حَنِيْفَةَ إِزَارَهُ عَلَى رَأْسِهِ، وَقَالَ: قَوْمُوا

بِنَا، لَا يَحِيثُنَا أَبُو مُحَمَّدٍ بِأَطَمٍّ مِنْ هَذَا. قَالَ الْحَسَنُ بْنُ سَعِيدٍ: قَالَ لِي شَرِيكُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَمَا أَمَسَى يَعْغِي الْأَعْمَشَ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا (رَحِمَهُ اللَّهُ). شريك بن عبدالله قاضي گفته است: در بیماری اعمش که به مرگش انجامید به نزدش بودم ناگاه ابن شبرمه و ابن ابولیلی و ابوحنیفه به نزدش آمدند و از حالش پرسیدند و او از ناتوانی بسیارش گفت. و گفت که از گناهانش می ترسد و صدایش گره خورد و گریست. ابوحنیفه به او رو کرد و گفت: ای ابا محمد! از خدا بترس و به حال خود بنگر، زیرا تو در واپسین روز از عمر دنیا و نخستین روز از روزهای آخرت هستی. تو درباره ی علی بن ابیطالب (علیه السلام) سخنانی گفתי که اگر از آنها برگردی برایت بهتر است. اعمش گفت: مثلاً چه چیز ای نعمان؟ او گفت: مثل حدیث عبایة (من قسمت کننده ی بهشت و دوزخ) اعمش گفت: ای یهودی به همچون منی چنین می گویی؟ مرا نشانید، مرا نشانید. سوگند به کسی که بازگشتم به سوی اوست موسی بن طریف که هیچ اسدی ای بهتر از او ندیدم، از عبایة بن ربیع امام الحی روایت کرد که امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: من تقسیم کننده ی دوزخم. می گویم این دوست من است او را رها کنید و این دشمن من است او را بگیرید. و ابو متوکل ناجی در حکومت حجاج که علی (علیه السلام) را دشنام زشت می داد یعنی حجاج لعنت الله علیه از ابو سعید خدری روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: چون قیامت شود خداوند عزوجل فرمان دهد که من و علی (علیه السلام) بر طراط بنشینیم. به ما گفته شود کسانی را که به من ایمان آورده اند و شما را دوست دارند به بهشت ببرید و کسانی را که به من کفر ورزیده و با دشمنی کردند روانه ی دوزخ کنید. ابو سعید گفته که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: کسی به من ایمان نیاورده، و به خدا ایمان نیاورده علی (علیه السلام) را دوست ندارد، یا فرمودند: علی (علیه السلام) را پیروی نکرده است. و خواندند: (الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ) (1) همه کافران ستیزه جو را در دوزخ بیندازید. در این هنگام ابوحنیفه

ص: 711



رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمود: خداوند در قيامت به من و علي بن ابيطالب (عليه السلام) مي فرمايد: هر كه شما را دوست داشت در بهشت و هر كه شما را دشمن داشت در دوزخ وارد سازيد و آن معني سخن خداوند است كه مي فرمايد: (الَّذِينَ فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ) (1)

ناسپاسان لجوج را به جهنم در اندازيد. (2)

ص: 713

---

1- . ق آية 24

2- . الأملالي (للطوسي) المجلس 11 ح 10



وَبِهَذَا الْإِسْمِ نَادَى قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُمَرَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ الرَّازِيِّ فِي دَرْبِ مَسِّ لِحْكَاهُ بِالرَّيِّ فِي ذِي الْقَعْدَةِ سَنَةَ ثَمَانَ عَشْرَةَ وَخَمْسِمِائَةَ إِمْلَاءً مِنْ لَفْظِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ نَصْرِ الْحُلَوَانِيُّ فِي دَارِهِ غُرَّةَ ربيعِ الآخرِ سَنَةَ إِحْدَى عَشْرَةَ وَثَمَانِينَ وَأَرْبَعِمِائَةَ بِكَرْخِ بَغْدَادِ إِمْلَاءً مِنْ لَفْظِهِ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّرِيفُ الْأَجَلِيُّ الْمُرتَضَى عَلَمُ الْهُدَى ذُو الْمَجْدَيْنِ أَبُو الْقَاسِمِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُوسَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي دَارِهِ بِبَغْدَادِ فِي بَرَكَةِ زَلْزَلٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ سَنَةَ تِسْعٍ وَعِشْرِينَ وَأَرْبَعِمِائَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله): زَيْنُوا مَجَالِسَكُمْ بِذِكْرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) (1)

رسول خدا(صلي الله عليه وآله) فرمودند: مجالس خود را با ذکر علي(عليه السلام) زينت دهيد.

ص: 715





اشاراتي به برخي از آیات نازله درباره امیرالمؤمنین

وَرُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ نَزَلَ الْقُرْآنُ أَرْبَاعاً فَرُبُّعٌ فِينَا وَرُبُّعٌ فِي عَدُوِّنَا وَرُبُّعٌ سِيرٌ وَأَمْثَالٌ وَرُبُّعٌ فَرَائِضٌ وَأَحْكَامٌ وَلَنَا كَرَائِمُ الْقُرْآنِ. وروایت کنند از امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: قرآن ارباعاً نازل شده ربعی از آن در شأن ما است، و ربعی در باب دشمنان ما، و ربعی در باب سیر و قصص و امثال، و ربعی در فرایض و احکام، و از برای ما است کرائم قرآن. (1)

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ مَا نَزَلَ فِي أَحَدٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَا نَزَلَ فِي عَلِيٍّ.

و ابن عباس گوید که: آنچه از قرآن در شان امیر المؤمنین (علیه السلام) فرود آمده در حق هیچ کس فرود نیامده. (2)

وَعَنْ مُجَاهِدٍ نَزَلَ فِي عَلِيٍّ سَبْعُونَ آيَةً.

مجاهد گوید: هفتاد آیت است که در حق آن حضرت سمت نزول یافته. (3)

بعضی از آیاتی که درباره ولایت ایشان نازل شده

وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ (عليه السلام) لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) أَخَذَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) بِيَدِ عَلِيٍّ (عليه السلام) فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: و چون آیه (يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (4) نازل شد رسول خدا (صلي الله عليه وآله) دست علي (علیه السلام) را گرفت و فرمودند: هر که من

ص: 717

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 314 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 314 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 314 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

4- . المائدة آية 67

مولاي اويم پس علي (عليه السلام) مولاي اوست خدايا دوست بدار آن كه او را دوست بدارد و دشمن دار هر كه او را دشمن دارد. (1)

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ الْفَقِيهِ، قَالَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْأَسْوَدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ السَّائِبِ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ أَقْبَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ وَمَعَهُ نَفَرٌ مِنْ قَوْمِهِ مِمَّنْ قَدْ آمَنُوا بِالنَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنَّ مَنَازِلَنَا بَعِيدَةٌ وَ لَيْسَ لَنَا مَجْلِسٌ وَ لَا مُتَحَدِّثٌ دُونَ هَذَا الْمَجْلِسِ وَ إِنَّ قَوْمَنَا لَمَّا رَأَوْنَا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ صَدَقْتَاهُ رَفَضُونَا وَ أَلَوْا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ أَنْ لَا يُجَالِسُونَا وَ لَا يُنَاكِحُونَنَا وَ لَا يُكَلِّمُونَا فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيْنَا. فَقَالَ لَهُمُ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا، الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ) ثُمَّ إِنَّ النَّبِيَّ خَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ النَّاسُ بَيْنَ قَائِمٍ وَ رَاكِعٍ فَبَصُرَ بِسَائِلٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): هَلْ أَعْطَاكَ أَحَدٌ شَيْئًا قَالَ: نَعَمْ خَاتَمٌ مِنْ ذَهَبٍ. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَنْ أَعْطَاكَ قَالَ: ذَاكَ الْقَائِمُ وَ أَوْمَى بِيَدِهِ إِلَى عَلِيٍّ. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): عَلَى أَيِّ [حَالٍ] أَعْطَاكَ قَالَ: أَعْطَانِي وَ هُوَ رَاكِعٌ فَكَبَّرَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ثُمَّ قَرَأَ: (وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ)

ابن عباس داستان را این گونه نقل می کند: عبد الله بن سلام و چند نفر از هم مسلکانش که پیرو دین یهود بوده و به اسلام پیوستند به حضور نبی (صلي الله عليه و آله) رسیدند و گفتند: یا رسول الله (صلي الله عليه و آله) منازل ما دور از منزل های شماست ما همنشین و هم صحبت نداریم. اقوام ما چون فهمیدند مسلمان شده ایم. ازدواج و مجالست و تکلم با ما را

ص: 718

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 312 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

تحریم کرده اند و این تهایی برای ما مشکل است. مصطفی (صلي الله عليه و آله) در جواب آنان آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ) (1) ... را تلاوت و سپس به سوی مسجد حرکت کرد. در مسجد عده ای در حال رکوع و عده ای در حال سجود بودند. سانلی هم در بین آنان تقاضای کمک می کرد. مصطفی (صلي الله عليه و آله) از سائل پرسید، آیا کسی کمکی به تو کرده یا خیر؟ سائل گفت: بلی یا رسول الله (صلي الله عليه و آله) يك انگشتری به من داده شد. حضرت پرسید: چه کسی آن را به تو داد؟ سائل گفت: آن جوان که ایستاده است و اشاره به علی بن ابی طالب (علیه السلام) کرد حضرت پرسید: در چه حالتی انگشتری را به تو داد. سائل گفت: آن را در حالت رکوع به من عنایت کرد. مصطفی (صلي الله عليه و آله) تکبیر بلندی گفت، سپس آیه شریفه (وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ) (2) را قرائت فرمود. (3)

قَوْلُهُ تَعَالَى (إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) دَعَاكُمْ إِلَى وِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام)

و دیگر (إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ) (4) یعنی هر گاه خواند پیغمبر (صلي الله عليه و آله) شما را برای چیزی که زندگانی شما به آن چیز باشد، اجابت او نمائید، ابو جعفر (علیه السلام) فرمود: که آن دعوت به ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. (5)

قَوْلُهُ تَعَالَى (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) الْآيَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ حَدِيثُ غَدِيرِ حُمٍّ وَرَفَعَهُ بِيَدِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَنَزَلَتْ فَقَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّا كَمَالِ الدِّينِ وَإِتْمَامِ النُّعْمَةِ وَرِضَا الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام)

و آیه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) (6) ابو سعید خدری گوید که پیغمبر (صلي الله عليه و آله) دست امیر المؤمنین (علیه السلام) گرفت در غدیر خم و بالا برد و فرمود: اللَّهُ أَكْبَرُ بِرِ اكْمَالِ دِينِ وَ اِتْمَامِ نِعْمَتِ وَ رِضَا رَبِّ الْعَالَمِينَ بِرِسَالَتِ مَنْ وَ وِلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام). (7)

ص: 719

1- . المائدة آية 55

2- . المائدة آية 56

3- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 234 و منهم عبد الله بن عباس بن عبد المطلب ..... ح 237

4- . الانفال آية 24

5- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 321 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

6- . المائدة آية 3

7- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 323 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

قَوْلُهُ تَعَالَى (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) عَنْ عَبْدِ الْغَفَّارِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ (أُولِي الْأَمْرِ) فِي هَذِهِ الْآيَةِ فَقَالَ كَانَ وَ اللَّهُ عَلِيٌّ (عليه السلام) مِنْهُمْ

من از جعفر بن محمد (عليه السلام) سؤال کردم (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (1) از اولی الامر که در این آیت واقع است فرمود که: به خدا سوگند که علی (عليه السلام) از ایشانست. (2)

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ) عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ نَزَلَتْ فِي وَلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

دیگر (وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ) (3) جابر روایت کند از ابی عبد الله (عليه السلام) که این آیت در ولایت علی بن ابی طالب (عليه السلام) است. (4)

قَوْلُهُ تَعَالَى (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) (5) ای پیامبر! آنچه را که از سوی پروردگارت، بر تو نازل گردیده، ابلاغ کن. در باره بیان ولایت علی (عليه السلام) در پایان حجة الوداع در غدیر خم نازل گردید. (6)

وَ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ لَمَّا جَاءَ جَبْرَيْلُ (عليه السلام) بِأَمْرِ الْوَلَايَةِ صَاقَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله) بِذَلِكَ دُزَعًا وَقَالَ قَوْمِي حَدِيثُ عَهْدٍ بِجَاهِلِيَّةٍ فَتَزَلَّتْ

زيد بن علی گوید: زمانی که جبرئیل پیام ابلاغ ولایت را به رسول خدا (صلي الله عليه و آله) رساند، پیامبر (صلي الله عليه و آله) اندکی از ابلاغ این پیام نگران گردید، فرمود: قوم من از عهد جاهلیت، فاصله چندانی نگرفته اند نکند با شنیدن این پیام، بار دیگر به جاهلیت

ص: 720

1- . النساء آية 59

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 323 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

3- . يونس آية 2

4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 322 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

5- . المائدة آية 67

6- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه ع

نخستین عود نمایند، در آن حال این آیه کریمه نازل شد (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) [و با تأکید بسیار فرمان ابلاغ صادر گردید و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این فرمان را به مردم ابلاغ نمود]. [\(1\)](#)

ص: 721

---

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه ع



حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عُمُرٍ وَسِ الْهَمْدَانِيُّ بِهِمَا قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْقَحْطَبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ الْحَكَمِ بْنِ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْثَةَ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ قَيْسٍ قَالَ: وَقَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): ...مَثَلُهُ

كَمَثَلِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ يُرَازُ وَلَا يَزُورُ وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ الْقَمَرِ إِذَا طَلَعَ أَضَاءَ الظُّلْمَةَ وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ الشَّمْسِ إِذَا طَلَعَتْ أَنَارَتْ.

رسول خدا (صلي الله عليه و آله): علي (عليه السلام) در مثال مَثَلِ خانۀ خداست كه او را زيارت كنند و او به زيارت كسي نرود و مَثَلِ ماه است كه چون طلوع كند تاريخي ها را مي برد و مَثَلِ خورشيد است. زماني كه طلوع كند عالم را نوراني گرداند. (1)

أَبُو ذَرٍّ قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَثَلُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِيكُمْ أَوْ قَالَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ، كَمَثَلِ الْكَعْبَةِ الْمَسْتُورَةِ النَّظْرُ

إِلَيْهَا عِبَادَةٌ وَ الْحَجُّ إِلَيْهَا فَرِيضَةٌ

پيامبر (صلي الله عليه و آله) فرمود: علي (عليه السلام) در ميان اين امت همچون كعبه است كه خواه پوشيده باشد يا آشكار، نظر كردن بدان عبادت، و حج آن واجب است. (2)

ص: 723

1- . الأماي للصدوق ص 9 المجلس الثاني ح 7.

2- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام ص 298 المبحث الخامس عشر في تشبيهه بسورة الإخلاص و الكعبة و رأس النبي ح 3





قَوْلُهُ تَعَالَى (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ) نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ (عليه السلام) (1)

درباره قول خدای عزوجل (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ) (2) این آیه در شان علی (عليه السلام) نازل شده.

كَانَ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَرْبَعَةٌ دَرَاهِمَ لَمْ يَمْلِكْ سِوَاهَا فَتَصَدَّقَ بِدِرْهَمٍ لَيْلًا وَبِدِرْهَمٍ نَهَارًا وَبِدِرْهَمٍ سِرًّا وَبِدِرْهَمٍ عَلَانِيَةً فَنَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَى (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (3)

تمام دارایی علی (عليه السلام) که در چهار درهم منحصر می گردید، یکی را در شب، یکی را در روز، سومی را پنهانی و چهارمی را آشکارا تصدق نمود، در آن حال خداوند منان، آیه شریفه (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً، فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ

عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (4)

ص: 725

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 314 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

2- . المجادلة آية 12

3- . البقرة آية 274

4- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام النص 92 المبحث السادس في السخاء والكرم



قَوْلُهُ تَعَالَى (وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) قَالَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَرَضَتْ وَلَا يَتُّهُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) فَقَالَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مِنْ ذُرِّيَّتِي فَفَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ (وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ) (1) یعنی ابراهیم پیغمبر (عليه السلام) گفت: بگردان از برای من زبان راست، یعنی راست گوی ظاهر کن از برای تجدید دین در امتان واپسین، از ابی عبد الله جعفر بن محمد (عليه السلام) مرویست که فرمود که: آن علی بن ابی طالب (عليه السلام) است که عرض کرد ولایت او بر ابراهیم (عليه السلام) فرمود که: بار خدایا پدید کن او را از ذریت من، حق سبحانه و تعالی دعای او را به اجابت رسانیده. (2)

ص: 727

1- . الشعراء آية 84

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 320 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه



قَوْلُهُ تَعَالَى (فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ هُوَ عَلِيٌّ (عليه السلام)

و دیگر (فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ) (1) یعنی آواز دهنده آواز دهنده در میان بهشتیان و دوزخیان در قیامت ابو جعفر محمد بن علی الباقر (عليه السلام) فرمود که او علی بن ابی طالب (عليه السلام) (2)

مامور ابلاغ سوره براءت به کفار

قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ) هُوَ حِينَ أَذَّنَ عَلِيٌّ بِالآيَاتِ مِنْ سُورَةِ بَرَاءَةِ وَ قَدْ تَقَدَّمَ ذِكْرُنَا لَهَا مِنْ مُسَدِّدِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ حِينَ أَنْفَذَهَا مَعَ أَبِي بَكْرٍ وَ اتَّبَعَهُ بِعَلِيٍّ (عليه السلام) وَ قَالَ قَدْ أُمِرْتُ أَنْ لَا يُبَلِّغَهَا إِلَّا أَنَا أَوْ وَاحِدٌ مِنِّي

و دیگر آیت (وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ) (3) آن در وقتی نازل شد که امیر المؤمنین (عليه السلام) را اذن رسید که برود آیات و سوره براءت را از ابو بکر گرفته به اهل مکه برساند چنانچه مذکور شد. (4) قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ قَالَوا حَسْبُنا اللَّهُ وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ) عَنْ أَبِي رَافِعٍ أَنَّ النَّبِيَّ (صلي الله عليه و آله) وَجَّهَ عَلِيًّا (عليه السلام) فِي نَفَرٍ مَعَهُ فِي طَلَبِ أَبِي سَفْيَانَ فَلَقِيَهُمْ أَعْرَابِيٌّ مِنْ خِزَاعَةَ فَقَالَ إِنَّ الْقَوْمَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَ (قَالُوا حَسْبُنا اللَّهُ وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ) فَتَنَزَّلَتْ.

ص: 729

- 1- . الاعراف آية 44
- 2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 321 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه
- 3- . التوبة آية 3
- 4- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 323 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

و دیگر آیت (وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ) (1) یعنی گفتند پسندیده است ما را خدای تعالی و یاری دهنده و کفایت کننده و نیکو کارگزاری است حضرت پروردگار پس بازگشتند با عافیت تمام یا ثواب لا کلام از خدای عز و جل و زیادتى حرمت و عزت، ابورافع روایت کند که پیغمبر (صلي الله عليه و آله) امیرالمؤمنین (علیه السلام) را با بعضی فرستاد در طلب ابو سفیان، اعرابی از خزاعه به ایشان رسید و گفت که قوم جمع شده اند در فلان جا از برای شما ایشان گفتند (حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ) (2)

این آیت نازل شد. (3)

درخت طوبی

قَوْلُهُ تَعَالَى (طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ قَالَ هِيَ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي حُجْرَةِ عَلِيٍّ وَ لَيْسَ فِي الْجَنَّةِ حُجْرَةٌ إِلَّا وَ فِيهَا عُصْنٌ مِنْ أَعْصَانِهَا وَ دِيْغَر (طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ) (4) محمد بن سيرين آورده که طوبی درختیست در بهشت که اصل آن در حجره امیر المؤمنین (علیه السلام) است، و نباشد در بهشت خانه ای الا که در او شاخی از شاخ های آن درخت باشد. (5)

ص: 730

---

1- . آل عمران آیه 174-173

2- . آل عمران آیه 173

3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 317 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

4- . الرعد آیه 29

5- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 323 في بيان ما نزل من القرآن في شأنه

علي آخرين بت شكن

قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِنَّ أَوَّلَ مَنْ كَسَرَ الْأَصْنَامَ جَدُّكَ إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَام) ثُمَّ أَنْتَ يَا عَلِيُّ آخِرُ مَنْ كَسَرَ الْأَصْنَامَ

در جریان فتح مکه و شکستن بت های خانهای کعبه پیامبر خدا (صلي الله عليه و آله) خطاب به اميرالمومنين (عليه السلام) فرمودند: يا علي! بر شانهای من بالا رو نخستين بت شكن جدت ابراهيم (عليه السلام) بود و تو آخرين بت شكني. (1)

علي ستون دين است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): ... عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَمُودُ الدِّينِ ...

رسول خدا (صلي الله عليه و آله): ... علي (عليه السلام) ستون دين است.... (2) علي حكيم

مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ الْأَشَدِّ عَرِيٍّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ وَاصِلِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَمَّا صُرِعَ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ يَوْمَ الْجَمَلِ جَاءَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام)

حَتَّى جَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا زَيْدُ قَدْ كُنْتَ خَفِيفَ الْمُؤْنَةِ عَظِيمِ الْمَعُونَةِ فَرَفَعَ زَيْدُ رَأْسَهُ إِلَيْهِ فَقَالَ وَ أَنْتَ جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَوَ اللَّهُ مَا

عَلِمْتِكَ إِلَّا

ص: 731

1- . الفضائل (لابن شاذان القمي) ص 97 خبر عن ابن مسعود

2- . الكافي ج 1 ص 294 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ح 3



بِاللَّهِ عَظِيمًا وَفِي أُمَّ الْكِتَابِ عَلِيًّا حَكِيمًا وَاللَّهُ فِي صَدْرِكَ عَظِيمًا

ابن سنان از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد وقتی زید بن صوحان در جنگ جمل روی زمین افتاد امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و بالای سرش نشست و فرمود: خدا تو را رحمت کند زید مردی کم خرج ولی بسیار کمک کننده بودی. زید سر برداشت و نگاهی به مولی (علیه السلام) نموده عرضه داشت: خدا به شما نیز جزای خیر دهد یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خدا قسم شما را دانا و علیم نسبت به خدا می دانم و در قرآن به نام (علی حکیم) یاد شده ای و خداوند در دل تو بسیار بزرگ است. [\(1\)](#)

ص: 732

---

1- [1] تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 538 [سورة الزخرف (43): آية 4]



أَقُولُ ذَكَرَ وَالِدِي رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ رَأَى فِي كِتَابِ عَتِيقٍ، جَمَعَهُ بَعْضُ مُحَدِّثِي أَصْحَابِنَا فِي فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) هَذَا الْخَبَرَ وَوَجَدْتُهُ  
 أَيْضاً فِي كِتَابِ عَتِيقٍ مُشْتَمِلٍ عَلَى أَخْبَارٍ كَثِيرَةٍ قَالَ رُوِيَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ أَنَّهُ قَالَ: سَأَلَ أَبُو ذَرٍّ الْغَفَارِيُّ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَا  
 أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بِالنُّورَانِيَّةِ قَالَ يَا جُنْدَبُ فَاْمُضْ بِنَا حَتَّى نَسْأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ قَالَ فَاتَيْنَاهُ فَلَمْ نَجِدْهُ قَالَ  
 فَانْتَظَرْنَاهُ حَتَّى جَاءَ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَا جَاءَ بِكُمْ قَالََا جِئْنَاكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) نَسْأَلُكَ عَنْ مَعْرِفَتِكَ بِالنُّورَانِيَّةِ قَالَ صَلَوَاتُ  
 اللَّهِ عَلَيْهِ مَرَحَباً بِكُمْ مِنْ وَلِيِّينَ مُتَعَاهِدِينَ لِدِينِهِ لَسَّ تَمَّا بِمُقَصِّرِينَ لِعَمْرِي إِنَّ ذَلِكَ الْوَاجِبَ [وَاجِبٌ] عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ثُمَّ قَالَ صَلَوَاتُ  
 اللَّهِ عَلَيْهِ يَا سَلْمَانُ يَا جُنْدَبُ قَالََا لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ إِنَّهُ لَا يَسْتَكْمِلُ أَحَدٌ الْإِيمَانَ حَتَّى يَعْرِفَنِي كُنْهَ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ  
 فَإِذَا عَرَفَنِي بِهِ إِذِهِ الْمَعْرِفَةُ فَقَدْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ صَارَ عَارِفاً مُسْتَبْصِراً وَ مَنْ قَصَرَ عَنْ مَعْرِفَةِ ذَلِكَ فَهُوَ شَاكٌّ وَ  
 مُرْتَابٌ يَا سَلْمَانُ يَا جُنْدَبُ قَالََا لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ  
 مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ وَ هُوَ الدِّينُ الْخَالِصُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ  
 وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ) يَقُولُ مَا أُمِرُوا إِلَّا بِنُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ هُوَ الدِّينُ الْحَنِيفِيُّ الْمُحَمَّدِيُّ السَّمْحَةُ وَ

قَوْلُهُ (يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ) فَمَنْ أَقَامَ لَا يَتِي فَقَدْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَإِقَامَةُ وَلَا يَتِي صَدْعٌ مُسْتَصَدَّبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ ائْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ فَأَلْمَلَكُ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُقَرَّبًا لَمْ يَحْتَمِلْهُ وَالنَّبِيُّ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُرْسَلًا لَمْ يَحْتَمِلْهُ وَالمُؤْمِنُ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُؤْتَمِنًا لَمْ يَحْتَمِلْهُ قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مَنْ الْمُؤْمِنُ وَ مَا نَهَايْتُهُ وَ مَا حَدَّهُ حَتَّى أَعْرَفَهُ قَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قُلْتُ لَبَيْكَ يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) قَالَ الْمُؤْمِنُ الْمُؤْتَمِنُ هُوَ الَّذِي لَا يُرَدُّ مِنْ أَمْرِنَا إِلَيْهِ شَيْءٌ إِلَّا شَرِحَ صَدْرُهُ لِقَبُولِهِ وَ لَمْ يَشْكْ وَ لَمْ يَرْتَبْ اعْلَمْ يَا أَبَا ذَرٍّ أَنَا عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ لَا تَجْعَلُونَا أَرْبَابًا وَ قُولُوا فِي فَضْلِ لِمَا شِئْتُمْ فَإِنَّكُمْ لَا تَبْلُغُونَ كُنْهَ مَا فِيْنَا وَ لَا نَهَايْتُهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ أَعْطَانَا أَكْبَرَ وَ أَعْظَمَ مِمَّا يَصِفُهُ وَ أَصَدِّكُمْ أَوْ يَخْطُرُ عَلَى قَلْبِ أَحَدِكُمْ فَإِذَا عَرَفْتُمُونَا هَكَذَا فَانْتُمْ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ سَدِّ لِمَانَ قُلْتُ يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) وَ مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ أَقَامَ وَلَا يَتِيكَ قَالَ نَعَمْ يَا سَدِّ لِمَانَ تَصَدِيقُ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى فِي الْكِتَابِ الْعَزِيزِ (وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ) فَالصَّبْرُ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) وَ الصَّلَاةُ إِقَامَةٌ وَلَا يَتِي فَمِنْهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ) وَ لَمْ يُقَلْ وَ إِنَّهُمَا لَكَبِيرَةٌ لِأَنَّ الْوَلَايَةَ كَبِيرَةٌ حَمْلُهَا إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ وَ الْخَاشِعُونَ هُمُ السَّيِّئَةُ الْمُسْتَبْصِرُونَ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ أَهْلَ الْأَقْوَالِ مِنَ الْمُرْجِيَّةِ وَ الْقَدَرِيَّةِ وَ الْخَوَارِجِ وَ غَيْرِهِمْ مِنَ النَّاصِبِيَّةِ يَقْرُونَ لِمُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) لَيْسَ بَيْنَهُمْ خِلَافٌ وَ هُمْ مُخْتَلِفُونَ فِي وَلَا يَتِي مُنْكَرُونَ لِذَلِكَ جَاحِدُونَ بِهَا إِلَّا الْقَلِيلُ وَ هُمُ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ فَقَالَ (إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ) وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي مَوْضِعٍ آخَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ فِي

نُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَ فِي وَلَا يَتِي فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ (وَبُرِّ مُعْطَلَةٌ وَ قَصْرٌ مَشِيدٌ) فَالْقَصْرُ مُحَمَّدٌ وَ الْبُرُّ الْمُعْطَلَةُ وَلَا يَتِي عَطَلُوهَا وَ جَحَدُوهَا وَ مَنْ لَمْ يُعِرَّ بَوْلًا يَتِي لَمْ يَنْفَعَهُ الْإِفْرَارُ بِنُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) إِلَّا أَنْتَهُمَا مَقْرُونَانِ وَ ذَلِكَ أَنَّ النَّبِيَّ (صلي الله عليه وآله) نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ هُوَ إِمَامُ الْخَلْقِ وَ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِهِ إِمَامُ الْخَلْقِ وَ وَصِيٌّ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) كَمَا قَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ (عليه السلام) مِنْ مُوسَى (عليه السلام) إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ أَوْلْنَا مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) وَ أَوْسَطْنَا مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) وَ آخِرْنَا مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) فَمَنْ اسْتَكْمَلَ مَعْرِفَتِي فَهُوَ عَلِيٌّ الدِّينِ الْقَيِّمِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (وَ ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ) وَ سَائِبِينَ ذَلِكَ بَعُونَ اللَّهِ وَ تَوْفِيْقِهِ يَا سَلْمَانَ وَ يَا جُنْدَبُ قَالَ لَبَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ قَالَ كُنْتُ أَنَا وَ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) وَ نُورًا وَاحِدًا مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ذَلِكَ النَّوْرَ أَنْ يُشَقَّ فَقَالَ لِلنَّصَفِ كُنْ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) وَ قَالَ لِلنَّصَفِ كُنْ عَلِيًّا فَمِنْهَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) يَا جُنْدَبُ قَالَ لَبَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ وَ لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا عَلِيٌّ (عليه السلام) وَ قَدْ وَجَّهَ أَبَا بَكْرٍ بِيْرَاءَةً إِلَى مَكَّةَ فَنَزَلَ جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه وآله) قَالَ لَبَيْكَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُؤَدِّيَهَا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ عَنكَ فَوَجَّهَنِي فِي اسْتِزْدَادِ أَبِي بَكْرٍ فَوَدِدْتُهِ فَوَجَدَ فِي نَفْسِهِ وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ قَالَ لَا وَ لَكِنْ لَا يُؤَدِّي إِلَّا أَنَا أَوْ عَلِيٌّ (عليه السلام) يَا سَلْمَانَ وَ يَا جُنْدَبُ قَالَ لَبَيْكَ يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَ مَنْ لَا يَصْلُحُ لِحِمْلِ صَحِيْفَةٍ يُؤَدِّيَهَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) كَيْفَ يَصْلُحُ لِلْإِمَامَةِ يَا سَلْمَانَ وَ يَا جُنْدَبُ فَأَنَا وَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) كُنَّا نُورًا وَاحِدًا صَارَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) مُحَمَّدًا الْمُصْطَفَى (صلي الله عليه وآله) وَ صِرْتُ أَنَا وَصِيَّهُ الْمُرْتَضَى وَ صَارَ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) النَّاطِقُ وَ صِرْتُ أَنَا الصَّامِتُ وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ فِي كُلِّ عَصْرٍِ مِنَ الْأَعْصَارِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ

نَاطِقٌ وَصَامِتٌ يَا سَلْمَانَ صَارَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) الْمُنذِرُ وَصِرْتُ أَنَا الْهَادِي وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) فَرَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) الْمُنذِرُ وَ أَنَا الْهَادِي (اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَ مَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَ مَا تَزْدَادُ وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ سِوَاءٍ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ وَ مَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَ سَارِبٌ بِالنَّهَارِ لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ) قَالَ فَصَدَّ رَبُّ بِيَدِهِ عَلَيَّ أُخْرَى وَ قَالَ صَارَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) صَاحِبَ الْجَمْعِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ الشَّرِّ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) صَاحِبَ الْجَنَّةِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ النَّارِ أَقُولُ لَهَا خُذِي هَذَا وَ ذَرِي هَذَا وَ صَارَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) صَاحِبَ الرَّجْفَةِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ الْهُدَى وَ أَنَا صَاحِبُ اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ أَلْهَمَنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِلْمَ مَا فِيهِ نَعْمَ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدُبُ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) (يس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ) وَ صَارَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) (ن وَ الْقَلَمِ) وَ صَارَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) (طه مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى) وَ صَارَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) صَاحِبَ الدَّلَالَاتِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ الْمُعْجَزَاتِ وَ الْآيَاتِ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ صِرْتُ أَنَا خَاتَمَ الْوَصِيَّينَ وَ أَنَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ أَنَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ (الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ) وَ لَا أَحَدٌ اخْتَلَفَ إِلَّا فِي وَلَايَتِي وَ صَارَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) صَاحِبَ الدَّعْوَةِ وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ السَّيْفِ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) نَبِيًّا مُرْسَلًا وَ صِرْتُ أَنَا صَاحِبَ أَمْرِ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ (يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ) وَ هُوَ رُوحُ اللَّهِ لَا يُعْطِيهِ وَ لَا يُلْقِي هَذَا الرُّوحَ إِلَّا عَلَى مَلَكٍ مُقَرَّبٍ أَوْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ أَوْ وَصِيٍّ مُنْتَجَبٍ فَمَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ هَذَا الرُّوحَ

فَقَدْ أَبَانَهُ مِنَ النَّاسِ وَفَوَّضَ إِلَيْهِ الْقُدْرَةَ وَ أَحْيَا الْمَوْتَى وَ عَلِمَ بِمَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ سَارَ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ وَ مِنَ الْمَغْرِبِ إِلَى الْمَشْرِقِ فِي لَحْظَةٍ عَيْنٍ وَ عَلِمَ مَا فِي الصَّمَائِرِ وَ الْقُلُوبِ وَ عَلِمَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ وَ صَارَ مُحَمَّدٌ الذُّكْرَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ (قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ) إِنِّي أُعْطِيتُ عِلْمَ الْمَنَائَا وَ الْبَلَايَا وَ فَضَلَ الْخِطَابِ وَ اسْتُودِعْتُ عِلْمَ الْقُرْآنِ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) أَقَامَ الْحُجَّةَ حُجَّةً لِلنَّاسِ وَ صَدَرَتْ أَنَا حُجَّةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ اللَّهُ لِي مَا لَمْ يَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ لَا لِنَبِيِّ مُرْسَلٍ وَلَا لِمَلِكٍ مُقَرَّبٍ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ قَالَا لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ أَنَا الَّذِي حَمَلْتُ نُوحًا فِي السَّفِينَةِ بِأَمْرِ رَبِّي وَ أَنَا الَّذِي أَخْرَجْتُ يُوسُفَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ بِإِذْنِ رَبِّي وَ أَنَا الَّذِي جَاوَزْتُ بِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ الْبَحْرَ بِأَمْرِ رَبِّي وَ أَنَا الَّذِي أَخْرَجْتُ إِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ رَبِّي وَ أَنَا الَّذِي أُجْرِيَتْ أَنْهَارُهَا وَ فَجَزَتْ عُيُونُهَا وَ غَرَسَتْ أَشْجَارُهَا بِإِذْنِ رَبِّي وَ أَنَا عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ وَ أَنَا الْمُنَادِي مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ قَدْ سَمِعَهُ الثَّقَلَانِ الْجَنُّ وَ الْإِنْسُ وَ فَهَمَهُ قَوْمٌ إِنِّي لَأَسْمَعُ كُلَّ قَوْمِ الْجَبَّارِينَ وَ الْمُتَنَافِقِينَ بِلُغَاتِهِمْ وَ أَنَا الْخَصِيفُ عَالِمٌ مُوسَى وَ أَنَا مُعَلِّمٌ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ أَنَا ذُو الْقُرْبَيْنِ وَ أَنَا قُدْرَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ أَنَا مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) مِنِّي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ) يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ قَالَا لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ إِنَّ مِثْلَنَا لَمْ يَمُتْ وَ غَائِبَنَا لَمْ يَغِبْ وَ إِنَّ قَتْلَنَا لَنْ يُقْتَلُوا يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ قَالَا لَبَّيْكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ قَالَ أَنَا

أَمِيرٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مِمَّنْ مَصَّي وَ مِمَّنْ بَقِيَ وَ أَيَّدْتُ بِرُوحِ الْعَظَمَةِ وَ إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِ اللَّهِ لَا تُسَبِّحُونَنِي أَرْبَابًا وَ قُولُوا فِي فَضْلِ لَنَا مَا شِئْتُمْ  
 فَإِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا مِنْ فَضْلِ لَنَا كُنْهَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَنَا وَ لَا مِعْشَارَ الْعُسْرِ لِأَنَّ آيَاتِ اللَّهِ وَ دَلَائِلَهُ وَ حُجُجَ اللَّهِ وَ خُلَفَاؤُهُ وَ أَمَنَّاؤُهُ وَ أَيْمَانُهُ وَ وَجْهَ اللَّهِ وَ  
 عَيْنِ اللَّهِ وَ لِسَانَ اللَّهِ بِنَا يَعَذُّبُ اللَّهُ عِبَادَهُ وَ بِنَا يُثِيبُ وَ مِنْ بَيْنِ خَلْقِهِ طَهَّرَنَا وَ اخْتَارَنَا وَ اصْطَفَانَا وَ لَوْ قَالَ قَائِلٌ لِمَ وَ كَيْفَ وَ فِيهِمْ لَكُفْرٌ وَ أَشْرَكَ  
 لِأَنَّهُ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْأَلُونَ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ قَالَ لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ قَالَ مَنْ آمَنَ بِمَا قُلْتُ وَ صَدَّقَ بِمَا  
 بَيَّنْتُ وَ فَسَّرْتُ وَ شَرَحْتُ وَ أَوْضَحْتُ وَ نَوَّزْتُ وَ بَرَهَنْتُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ مُتَحَنٌ اللَّهُ قَلْبُهُ لِلْإِيمَانِ وَ شَرَحَ صَدْرُهُ لِلْإِسْلَامِ وَ هُوَ عَارِفٌ  
 مُسْتَبْصِرٌ قَدْ انْتَهَى وَ بَلَغَ وَ كَمَلَ وَ مَنْ شَكَ وَ عَنَدَ وَ جَحَدَ وَ وَقَفَ وَ تَحَيَّرَ وَ اذْتَابَ فَهُوَ مُقْصِرٌ وَ نَاصِبٌ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ قَالَ لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ  
 الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ قَالَ أَنَا أَحِبِّي وَ أُمِيْتُ بِإِذْنِ رَبِّي وَ أَنَا أَنْبَتُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ بِإِذْنِ رَبِّي وَ أَنَا  
 عَالِمٌ بِضَمَائِرِ قُلُوبِكُمْ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ أَوْلَادِي يَعْلَمُونَ هَذَا إِذَا أَحْبَبُوا وَ أَرَادُوا لِأَنَّ كُلَّنَا وَاحِدٌ أَوْلْنَا مُحَمَّدًا (صلي الله عليه و آله) وَ آخِرُنَا  
 مُحَمَّدًا (صلي الله عليه و آله) وَ أَوْلَسْنَا مُحَمَّدًا (صلي الله عليه و آله) وَ كُنْنَا مُحَمَّدًا (صلي الله عليه و آله) فَلَا تَفَرَّقُوا بَيْنَنَا وَ نَحْنُ إِذَا شِئْنَا شَاءَ  
 اللَّهُ وَ إِذَا كَرِهْنَا كَرِهَ اللَّهُ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ أَنْكَرَ فَضْلَنَا وَ خُصُوصَ بَيْنَتِنَا وَ مَا أَعْطَانَا اللَّهُ رَبَّنَا لِأَنَّ مَنْ أَنْكَرَ شَيْئًا مِمَّا أَعْطَانَا اللَّهُ فَقَدْ أَنْكَرَ قُدْرَةَ  
 اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَشِيئَتَهُ فِينَا يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ قَالَ لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ قَالَ لَقَدْ أَعْطَانَا اللَّهُ رَبَّنَا مَا هُوَ  
 أَجَلٌ وَ أَعْظَمُ وَ أَعْلَى وَ أَكْبَرُ مِنْ هَذَا كُلِّهِ



قُلْنَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مَا الَّذِي أَعْطَاكُمْ مَا هُوَ أَعْظَمُ وَأَجَلُّ مِنْ هَذَا كُلِّهِ قَالَ قَدْ أَعْطَانَا رَبُّنَا عِزًّا وَجَلًّا عَلِمْنَا لِلْأَسْمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي لَوْ شِئْنَا خَرَقَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْجَنَّةُ وَالنَّارُ وَنَعْرُجُ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَنَهْبِطُ بِهِ الْأَرْضَ وَنَعْرُبُ وَنَسْرُقُ وَنَنْتَهِي بِهِ إِلَى الْعَرْشِ فَتَجْلِسُ عَلَيْهِ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا وَيُطِيعُنَا كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالذُّوَابُ وَالْبِحَارُ وَالْجَنَّةُ وَالنَّارُ أَعْطَانَا اللَّهُ ذَلِكَ كُلَّهُ بِالْأَسْمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي عَلِمْنَا وَخَصَّنَا بِهِ وَمَعَ هَذَا كُلِّهِ نَأْكُلُ وَنَشْرَبُ وَنَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَنَعْمَلُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ بِأَمْرِ رَبِّنَا وَنَحْنُ عِبَادُ اللَّهِ الْمُكْرَمُونَ الَّذِينَ (لَا يَسْتَبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ) وَجَعَلْنَا مَعْصُومِينَ مُطَهَّرِينَ وَفَضَّلْنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ فَتَحْنُ نَقُولُ (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) وَ (حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ) أَعْنِي الْجَاهِلِينَ بِكُلِّ مَا أَعْطَانَا اللَّهُ مِنَ الْفَضْلِ وَالْإِحْسَانِ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ فَهَذَا مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ فَتَمَسَّكَ بِهَا رَاشِدًا فَإِنَّهُ لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ مِنْ شَيْعَتِنَا حَدَّ الْإِسْتِثْبَارِ حَتَّى يَعْرِفَنِي بِالنُّورَانِيَّةِ فَإِذَا عَرَفَنِي بِهَا كَانَ مُسْتَبْصِرًا بِالْغَا كَامِلًا قَدْ خَاضَ بَحْرًا مِنَ الْعِلْمِ وَازْتَقَى دَرَجَةً مِنَ الْفَضْلِ وَاطَّلَعَ عَلَى سِرِّ مَنْ سِرَّ اللَّهُ وَمَكْنُونِ خَزَائِنِهِ

محمد بن صدقه نقل کرد: ابا ذر غفاری از سلمان فارسی پرسید معرفت امام امیر المؤمنین (علیه السلام) به نورانیت چگونه است. سلمان گفت با هم برویم از خود مولا- سؤال کنیم آمدم خدمت امیر المؤمنین (علیه السلام) ایشان را نیافتیم. مدتی منتظر شدیم تا تشریف آوردند. سؤال فرمود: برای چه آمده اید. عرضه داشتیم: آمده ایم بپرسیم شما را چگونه با نورانیت می توان شناخت. فرمود: مرحبا به شما دو دوست متعهد که در راه

دین کوتاهی ندارید. به جان خود سوگند یاد می‌کنم که این مطلب بر هر مرد و زن مؤمنی واجب است آنگاه فرمود: سلمان و ابا ذر. عرضه داشتیم: بفرمائید یا امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: ایمان شخص کامل نمی‌شود مگر مرا به کینه معرفت با نورانیت بشناسد. وقتی به این صورت شناخت آنگاه دلش را خدا به ایمان آزمایش نموده و شرح صدر برای اسلام به او عنایت کرده و در این صورت است که عارف و بینا و مستبصر می‌شود. و هر که کوتاهی از این عرفان بنماید در حال شك و ارتیاب است. سلمان و ابا ذر! شناخت با نورانیت شناخت خدا است و شناخت خدا معرفت من است با نورانیت این است همان دین خالص که خداوند می‌فرماید (وَ مَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ) (1) می‌فرماید: دستور داده نشده به آنها مگر اینکه ایمان به نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) آورند که همان دین حنیف محمدی ساده است این قسمت آیه (وَ يُقِيمُوا الصَّلَاةَ) (2) هر که اقامه ولایت مرا کرده باشد نماز را به پای داشته استبه پا داشتن ولایت من دشوار و سنگین است که تاب آن را ندارد مگر فرشته مقرب یا پیامبر مرسل یا بنده مؤمنی که خدا دلش را به ایمان آزمایش کرده باشد. فرشته اگر مقرب نباشد تاب تحمل آن را ندارد و پیامبر نیز اگر مرسل نباشد تحمل ندارد و مؤمن هم اگر مورد آزمایش و اعتماد نباشد تاب آن را ندارد عرضه داشتیم: یا امیر المؤمنین (علیه السلام) مؤمن کیست و حد و نهایت ایمان چیست تا بتوان او را شناخت؟ فرمود: یا ابا عبد الله. عرضه داشتیم: آری ای برادر پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: مؤمن امتحان شده کسی است که هر چه از جانب ما به او رسد دلش برای پذیرش آن وسعت داشته و شك و تردید در آن ندارد. بدان ابا ذر که من بنده خدا و خلیفه بر بندگانم، ما را خدا قرار ندهید ولی در فضل ما هر چه می‌خواهید بگوئید باز هم به کُنه فضل ما نخواهید رسید و نهایت ندارد زیرا خداوند تبارک و تعالی به ما بیشتر و بزرگتر از آنچه ما می‌گوئیم و شما

ص: 741

1- . البینة آية 5

2- . البینة آية 5

می گویند یا خطور به قلب یکی از شما نماید عنایت فرموده وقتی ما را این طور شناختید آن وقت مؤمن هستید. سلمان گفت: عرضه داشتیم: ای برادر پیامبر (صلی الله علیه و آله) هر که نماز به پا دارد ولایت تو را به پا داشته فرمود: آری دلیل این مطلب آیه قرآن است (وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ) (1) کمک بگیر از صبر و نماز و آن سنگین و دشوار است مگر برای خشوع کنندگان صبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و نماز اقامه ولایت من است به همین جهت خداوند می فرماید (إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ) (2)

و نفرموده و إِنَّهُمْ لَكَبِيرَةٌ آن دو سنگین است چون حمل ولایت سنگین است مگر برای خاشعین که آنها شیعیان بینا و روشنند. زیرا صاحب عقاید از قبیل مرجئه و قدریه و خوارج و دیگران از قبیل ناصبی ها اقرار به نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) دارند و در این مورد اختلافی ندارند ولی هم ایشان در باره ولایت من اختلاف دارند و منکر آن هستند مگر تعداد کمی. آنها ایند که خداوند در قرآن ایشان را توصیف نموده (إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ) (3) در جای دیگر قرآن راجع به نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و ولایت من می فرماید (وَ بِنُرِّ مُعْطَلَةٍ وَ قَصْرِ مَشِيدٍ) (4) قصر محمد (صلی الله علیه و آله) است و (بِنُرِّ مُعْطَلَةٍ) (5) چاه واگذار شده ولایت من است که آن را رها کرده اند و منکر شده اند هر که اقرار به ولایت من نداشته باشد اقرار به نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای او سودی نخواهد داشت این دو با هم قرین و همراهند زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نبی مرسل و امام مردم است علی (علیه السلام) پس از او امام مردم و وصی محمد (صلی الله علیه و آله) است چنانچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي أَي عَلِيٌّ! همانا تو نسبت به من چون هارون (علیه السلام) باشی نسبت به موسی (علیه السلام) جز آنکه پس از من پیغمبری نباشد. اول ما محمد (صلی الله علیه و آله) و وسط ما محمد (صلی الله علیه و آله) و آخر ما محمد (صلی الله علیه و آله) نام دارد هر که معرفت مرا کامل داشته باشد او بر دین قیوم و استوار است چنانچه در این آیه

ص: 742

1- . البقرة آية 45

2- . البقرة آية 45

3- . البقرة آية 45

4- . الحج آية 45

5- . الحج آية 45

این مطلب را به توفیق خدا و کمک او توضیح می دهیم. اینک می گویم سلمان و ابا ذر! من و محمد (صلی الله علیه و آله) یک نور از نور خداوند بودیم خداوند دستور داد به آن نور که دو قسمت شود به نیمی از آن فرمود: محمد (صلی الله علیه و آله) باش و به نیم دیگر فرمود علی (علیه السلام) باش به همین جهت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است: عَلِيُّ مِنِّي وَ أَذًا مِنْ عَلِيٍّ وَ لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا عَلِيٌّ علی (علیه السلام) از من است و من از علی (علیه السلام) هستم، هیچ کس جز علی (علیه السلام) از جانب من پیام نرساند و مطلبی ادا نکند. و این کار را نمی تواند انجام دهد مگر علی (علیه السلام) ابا بکر را با سوره براءت به مکه فرستاد جبرئیل (علیه السلام) نازل شد عرضه داشت: ای محمد (صلی الله علیه و آله) خداوند می فرماید باید این کار را تو انجام دهی یا مردی از خودت آنگاه مرا فرستاد تا از ابا بکر بگیرم از او گرفتم اما او ناراحت شد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پرسید آیا در این مورد آیه قرآن در باره من نازل شده فرمود: نه ولی نباید این کار را انجام دهد مگر من یا علی (علیه السلام) سلمان و ابا ذر! اینک فکر کنید کسی که صلاحیت نداشته باشد چند آیه را به مردم برساند از جانب پیامبر (صلی الله علیه و آله) چگونه صلاحیت برای امامت دارد؟ من و پیامبر (صلی الله علیه و آله) یک نور بودیم او محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) گردید و من وصی او علی (علیه السلام) مرتضی شدم محمد (صلی الله علیه و آله) ناطق شد و من ساکت باید در هر زمان ناطق و صامتی باشد سلمان! محمد (صلی الله علیه و آله) منذر است و من هادی، این است معنی آیه (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) (2) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) منذر است و من هادی. (اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَ مَا تَعْبِضُ الْأَرْحَامُ وَ مَا تَزْدَادُ وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَرَ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ وَ مَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَ سَارِبٌ بِالنَّهَارِ لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ) (3) در این موقع علی (علیه السلام) دست خود را بر دست دیگر زده فرمود: محمد (صلی الله علیه و آله) صاحب جمع است و من صاحب نشر محمد (صلی الله علیه و آله) صاحب بهشت است و من صاحب جهنم به جهنم می گویم این را بگیر و این یک را واگذار

ص: 743

1- . البينة آية 5

2- . الرعد آية 7

3- . الرعد الآيات 8-11

محمد(صلي الله عليه وآله) صاحب مكان است و من صاحب ريزش و من صاحب لوح محفوظم كه خدا به من الهام نموده آنچه در لوح است. سلمان و يا ابا ذر! محمد(صلي الله عليه وآله) يس و قرآن حكيم است محمد(صلي الله عليه وآله) ن و القلم است و محمد(صلي الله عليه وآله) (طه ما أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى)(1)

محمد(صلي الله عليه وآله) صاحب دلالات و من صاحب معجزات و آيات. محمد(صلي الله عليه وآله) خاتم النبيين و من خاتم الوصيين و صراط مستقيم و من (النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ)(2) هيچ كس اختلاف ندارد مگر در باره ولايت من. محمد(صلي الله عليه وآله) صاحب دعوت و من صاحب شمشير محمد(صلي الله عليه وآله) پيامبر مرسل و من صاحب امر پيامبرم خداوند مي فرمايد (يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ)(3) او روح الله است كه عطا نمي كند و القا نمي نمايد آن روح را مگر بر ملك مقرب يا پيامبر مرسل يا وصي برگزيده به هر كس اين روح را عنايت كند او را از مردم جدا نموده و به او قدرت تفويض کرده و مرده زنده مي كند اطلاع از گذشته و آینده دارد از مشرق به مغرب و از مغرب به مشرق در يك چشم بهم زدن مي رود از دل ها و قلب ها خبر دارد و آنچه در آسمان ها و زمين است را مي داند. سلمان و يا ابا ذر محمد(صلي الله عليه وآله) همان ذكرى است كه در قرآن فرموده (قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ)(4) به من علم مرگ و ميرها و بلاها و فصل الخطاب (در هر جا چه بايد گفت و هر مسأله چه جوابي دارد) داده اند و به من علم قرآن و آنچه تا قيامت اتفاق خواهد افتاد واگذارده اند. محمد(صلي الله عليه وآله) حجة را تعيين نمود تا براي مردم حجت باشد و من حجة الله شدم خداوند به من مقامی عنايت کرده كه برای هيچ يك از گذشتگان و آيندگان چه پيامبر مرسل و چه فرشته مقرب قرار نداده. سلمان و يا ابا ذر منم آن كس كه نوح را در كشتی به دستور خدا بردم من يونس(عليه السلام) را به اجازه خدا از شكم نهنگ خارج كردم من به اجازه خدا موسی(عليه السلام) را از دريا گذراندم من ابراهيم(عليه السلام) را از آتش نجات دادم به اجازه خدا من نهرها و چشمه هایش را جاري و درخت هایش را

ص: 744

1- . طه الآيات 2-1

2- . النبأ الآيات 3-2

3- . غافر آية 15

4- . الطلاق الآيات 11-10

کاشتم با اجازه خدایم. من عذاب یوم الظله هستم (شاید منظور قیامت باشد) من فریاد می‌زنم از مکان نزدیکی که تمام جن و انس آن را می‌شنوند و گروهی می‌فهمند من با هر گروهی چه ستمگران و چه منافقین به زبان خودشان صحبت می‌کنم من آن خضرم که دانشمند همراه موسی (علیه السلام) بود من معلم سلیمان بن داوود و من ذو القرنین و قدرت الله ام. سلمان و یا ابا ذر من محمد (صلی الله علیه و آله) و محمد (صلی الله علیه و آله) منم من از محمد دم و محمد (صلی الله علیه و آله) از من است خداوند در این آیه می‌فرماید (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ) (1) سلمان و یا ابا ذر مرده ما نمرده و غائب ما دور نشده و کشته های ما هرگز کشته نشده اند. سلمان و یا ابا ذر! من امیر هر مرد و زن مؤمنم چه گذشتگان و چه آیندگان مرا با روح عظمت تائید کرده اند من یکی از بندگان خدایم مبادا ما را خدا بنامید در باره فضل ما هر چه مایلید بگوئید به کنه فضل ما نخواهید رسید و حتی مقداری از یک دهم آن را نمی‌توانید بیان کنید. چون ما آیات و دلائل خدائیم و حجت و خلیفه و امین و امام وجه الله و عین الله و لسان الله هستیم. به وسیله ما بندگان خدا عذاب می‌شوند و به وسیله ما پاداش داده می‌شوند ما را از میان بندگان خود پاک نموده و انتخاب کرده و برگزیده اگر کسی بگوید به چه جهت و چگونه هستند و در کجایند که چنین شده اند کافر و مشرک می‌شود زیرا از آنچه بیان کردم و تفسیر نمودم و شرح دادم و روشن کردم و استدلال نمودم نیابد او مؤمنی است که آزمایش شده قلبش برای ایمان و سینه اش وسعت یافته برای اسلام او عارف روشن بین است که به هدف رسیده و کامل شده و هر که شك نماید و دشمنی ورزد و منکر شود و متحیر باشد و تردید نماید او مقصر و ناصبی است. سلمان و یا ابا ذر من زنده می‌کنم و می‌میرانم به اجازه خدا من به شما خبر می‌دهم چه می‌خورید و چه ذخیره در خانه های خود کرده اید به اذن خدا من از دل های شما مطلعم و ائمه از اولاد من نیز همین کارها را می‌کنند و این اطلاعات را دارند هر وقت بخواهند و اراده

ص: 745

کنند چون ما همه یکی هستیم اول ما محمد(صلي الله عليه و آله) آخر ما محمد(صلي الله عليه و آله) و وسط ما محمد(صلي الله عليه و آله) است همه ما محمدیم بین ما جدائی نیاندازید ما وقتی بخوایم خدا می خواهد وقتی نخواهیم خدا نمی خواهد وای بس وای بر کسی که منکر فضل و امتیازات و الطافی که خدا به ما عنایت کرده باشد زیرا هر که منکر یکی از چیزهایی باشد که خدا به ما عنایت کرده منکر قدرت خدا و مشیت اوست در باره ما. سلمان و ابا ذر! خدا به ما چیزهایی داده که بزرگتر و عظیم تر و عالی تر از همه اینها است. عرضه داشتیم: چه چیز به شما داده که بهتر از همه اینها است فرمود: ما را مطلع از اسم اعظم نموده که اگر بخوایم آسمان ها و زمین و بهشت و جهنم را از جای بر کنیم به آسمان برده و بر زمین زنیم به مغرب و مشرق رفته و منتهی به عرش شویم و در آنجا می نشینیم در مقابل (عرش) خدا و همه چیز مطیع ما هستند حتی آسمان ها و زمین و شمس و قمر و ستارگان و کوه ها و درخت ها و جنبندگان و دریاها و بهشت و جهنم این مقام را خداوند به واسطه اسم اعظم که عنایت نموده بخشیده با تمام این امتیازات ما غذا می خوریم و در بازارها راه می رویم و این کارها را به امر خدا انجام می دهیم ما بندگان گرامی خدا هستیم که اظهار نظر در مقابل او نداریم و به دستورش عمل می کنیم. ما را معصوم و پاک قرار داده و برتری بخشیده بر بسیاری از بندگان مؤمنش ما می گوئیم (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) (1) خدا را ستایش که ما را به این مقام هدایت نموده که اگر او راهنمای ما نبود راه به این مقام نمی یافتیم. و ثابت است عذاب بر کافران که منظور منکران الطاف خدا به ما هستند. سلمان و ابا ذر این است معرفت من بنورائیت وقتی مرا با این مقام کسی شناخت روشن بین و به هدف رسیده کامل است که در دریای علم فرو رفته و به مقام فضل رسیده و مطلع بر سری از اسرار و گنجینه علوم خدا شده. (2)

ص: 746

1- . الاعراف آية 43

2- . المناقب (للعلوي) / الكتاب العتيق ص 68 ذكر معرفة أمير المؤمنين بالنورانية بحار الانوار ج 26 ص 1 باب 14 نادر في معرفتهم صلوات الله عليهم بالنورانية وفيه ذكر جمل من فضائلهم ح 1





وَمَا أَقُولُ فِي رَجُلٍ أَقْرَ لَهُ أَعْدَاؤُهُ وَخُصُومُهُ بِالْفَضْلِ وَلَمْ يُمَكِّنْهُمْ جَهْلُ مَنَاقِبِهِ وَلَا كِتْمَانُ فَضَائِلِهِ فَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّهُ اسْتَوْلَى بَنُو أُمَيَّةَ عَلَى سُلْطَانِ  
 الْإِسْلَامِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَعَزْبِهَا وَاجْتِهَادُوا بِكُلِّ حِيلَةٍ فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ وَالتَّحْرِيفِ عَلَيْهِ وَوَضْعِ الْمَعَايِبِ وَالْمَثَالِبِ لَهُ وَلَعْنُوهُ عَلَى جَمِيعِ  
 الْمَنَابِرِ وَتَوَعَّدُوا مَا دَحِيهِ بَلْ حَبَسُوهُمْ وَقَتَلُوهُمْ وَمَنَعُوا مِنْ رِوَايَةِ حَدِيثٍ يَتَضَمَّنُ لَهُ فَضِيلَةً أَوْ يَرْفَعُ لَهُ ذِكْرًا حَتَّى حَظَرُوا أَنْ يُسَمَّى أَحَدٌ بِاسْمِهِ  
 فَمَا زَادَهُ ذَلِكَ إِلَّا رَفَعَةً وَسُدُومًا وَكَانَ كَالْمِسْكِ كُلَّمَا سِتِرَ انْتَشَرَ عَرْفُهُ وَكُلَّمَا كُتِمَ تَضَوَّعَ نَشْرُهُ وَكَالشَّمْسِ لَا تُسْتَرُّ بِالرَّاحِ وَكَضَوْءِ النَّهَارِ إِنْ  
 حُجِبَتْ عَنْهُ عَيْنٌ وَاحِدَةٌ أَدْرَكَتْهُ عُيُونٌ كَثِيرَةٌ أُخْرَى وَمَا أَقُولُ فِي رَجُلٍ تَعَزَّى إِلَيْهِ كُلُّ فَضِيلَةٍ وَتَنْتَهَى إِلَيْهِ كُلُّ فِرْقَةٍ فَهُوَ رَيْسُ الْفَضَائِلِ وَيَنْبُوعُهَا  
 وَأَبْوَعُ ذُرِّيَّهَا وَسَابِقُ مِضْمَارِهَا وَمُجَلِّي حَلْبَتِهَا كُلُّ مَنْ بَرَعَ فِيهَا بَعْدَهُ فَمِنْهُ أَخَذَ وَ لَهُ اقْتَفَى وَ عَلَى مِثَالِهِ احْتَدَى وَقَدْ عَرَفْتَ أَنَّ شَرَفَ الْعُلُومِ  
 هُوَ الْعِلْمُ الْإِلَهِيُّ لِأَنَّ شَرَفَ الْعِلْمِ بِشَرَفِ الْمَعْلُومِ وَمَعْرُوفُهُ أَشْرَفُ الْمَوْجُودَاتِ فَكَانَ هُوَ أَشْرَفَ الْعُلُومِ وَمِنْ كَلَامِهِ اقْتَبَسَ وَعَنْهُ نُقِلَ وَإِلَيْهِ  
 انْتَهَى وَمِنْهُ ابْتَدَى....

... و اینک من (ابن ابی الحدید) چه بگویم درباره بزرگ مردی که دشمنانش به فضیلت او اقرار کرده اند و برای آنان امکان منکرشدن  
 مناقب او فراهم نشده است و نتوانسته اند فضایل او را پوشیده بدارند، و تو (خواننده) می دانی که بنی امیه در خاور و باختر جهان بر  
 پادشاهی چیره شدند و با تمام مکر و نیرنگ در خاموش کردن پرتو علی (علیه السلام) کوشیدند و بر ضد او تشویق کردند و برای او عیب ها  
 و کارهای نکوهیده

تراشیدند و بر همه منبرها او را لعن کردند و ستایشگران او را نه تنها تهدید کردند، که به زندان افکندند و کشتند و از روایت هر حدیثی که متضمن فضیلتی برای او بود، یا خاطره و یاد او را زنده می کرد جلوگیری کردند. حتی از نامگذاری کودکان به نام علی منع کردند و همه این کارها بر برتری و علو مقام او افزود. همچون مشگ و عبیر که هر چند پوشیده دارند بوی خوش آن فراگیر و رایحه دل انگیزش پراکنده می شود و چون خورشید که با کف دست ها و پنجه ها نمی توان پوشیده اش داشت و چون پرتو روز، که بر فرض چشم نابینایی آن را نبیند، چشم های بی شمار آن را می بینند. و چه بگویم درباره بزرگمردی که هر فضیلت به او باز می گردد و هر فرقه به او پایان می پذیرد و هر طایفه او را به خود می کشد. او سالار همه فضایل و سر چشمه آن و یگانه مرد و پیشتاز عرصه آنهاست. رطل گران همه فضیلت ها او راست و هر که پس از او در هر فضیلتی، درخششی پیدا کرده است، از او پیروی کرده و در راه او گام نهاده است و چه گویم در حق مردی که هر گونه فضیلتی بدو منسوب و او رئیس فضائل و چشمه جوشان آنها است و تمام مناقب را زینت و شرافت به او است و هر کس هر چه از علوم و دانشها اکتساب کرده باشد از خرمن علوم او خوشه چینی کرده است و معلوم است که اشرف علوم و دانش ها علم الهی است زیرا اشرف علم بشر معلوم است و این علم الهی از کلمات حکیمانه آنحضرت اقتباس شده و نقل گردیده و ابتداء و انتهایش از او است.

(1)

وَمِنَ الْعُلُومِ عِلْمُ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَ عَنْهُ أُخِذَ وَ مِنْهُ فُرِعَ وَإِذَا رَجَعْتَ إِلَى كُتُبِ التَّفْسِيرِ عَلِمْتَ صِحَّةَ ذَلِكَ لِأَنَّ أَكْثَرَهُ عَنْهُ وَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ وَ قَدْ عَلِمَ النَّاسُ حَالَ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي مُلَازِمَتِهِ وَ انْقِطَاعِهِ إِلَيْهِ وَ أَنَّهُ تَلْمِيزُهُ وَ خَرِيجُهُ وَقِيلَ لَهُ أَيْنَ عِلْمُكَ مِنْ عِلْمِ ابْنِ عَمِّكَ فَقَالَ كِنْسَبَةِ

قَطْرَةٍ مِنَ الْمَطَرِ إِلَى الْبَحْرِ الْمُحِيطِ.

ص: 749

و ابن عباس که خود در خدمت علي (عليه السلام) تلمذ نموده است (که او را حبر امت گویند) و هنگامی که به او گفتند علم تو نسبت به علم پسر عمویت علي (عليه السلام) به چه میزان است گفت *كَيْسَبَةِ قَطْرَةٍ مِنَ الْمَطَرِ إِلَى الْبَحْرِ الْمُحِيطِ* مانند قطره بارانی نسبت به دریای بی پایان. (1)

ص: 750

---

1- . شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد ج 1 ص 19 القول في نسب أمير المؤمنين علي و ذکر لمع يسيرة من فضائله



عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا وَلِيَ عَلِيٌّ (عليه السلام) صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَاتْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّي وَاللَّهِ لَا أَرْزُؤُكُمْ مِنْ فَيْئِكُمْ دَرَهْمًا مَا قَامَ لِي عِدْقٌ يَيْثُرُ بَ فَلْيَصُدُّكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَفْتَرُونِي مَانِعًا نَفْسِي وَ مُعْطِيَكُمْ قَالَ فَقَامَ إِلَيْهِ عَقِيلٌ فَقَالَ لَهُ وَاللَّهِ لَتَجْعَلَنِي وَأَسْوَدَ بِالْمَدِينَةِ سَوَاءً فَقَالَ اجْلِسْ أَمَا كَانَ هَاهُنَا أَحَدٌ يَتَكَلَّمُ غَيْرُكَ وَ مَا فَضْلُكَ عَلَيْهِ إِلَّا بِسَابِقَةٍ أَوْ بِتَقْوَى.

محمد بن مسلم از امام صادق (عليه السلام) روایت کند که فرمود: هنگامی که علی (عليه السلام) به حکومت رسید بر فراز منبر رفت و خدای را حمد و ثنا فرمود سپس گفت: به خدا سوگند که من درهمی از بیت المال شما کم نکنم تا یک درخت خرمائی در شهر یثرب دارم و شما به نفس های خودتان رجوع کنید و صدق گفتار مرا از خودتان پرسید و ببینید آیا من (چگونه ممکن است) از خودم باز گیرم و به شما بدهم! فرمود: در این حال عقیل برخاست و گفت: به خدا تو مرا با یک شخص سیاه در مدینه برابر و یکسان قرار دهی! فرمود: بنشین... و تو بر آن سیاه برتری و فضیلتی نداری جز به سابقه در دین یا به تقوی و پرهیزکاری. (1)

ص: 752



حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ النَّصْرِ [النَّصْرِيُّ] بْنُ سَمْعَانَ التَّمِيمِيُّ الْخَرَقَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَكِّيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ  
 بْنُ إِسْحَاقَ الْمَدَائِنِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُغِيرَةَ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا فِي مَجْلِسٍ فِي مَسْجِدِ  
 رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَتَذَاكَرْنَا أَعْمَالَ أَهْلِ بَدْرٍ وَبَيْعَةَ الرِّضْوَانِ فَقَالَ أَبُو الدَّرْدَاءِ يَا قَوْمَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَقْلِّ الْقَوْمِ مَالًا وَ أَكْثَرِهِمْ وَرِعًا وَ  
 أَشَدَّهُمْ اجْتِهَادًا فِي الْعِبَادَةِ قَالُوا مَنْ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ فَوَاللَّهِ إِنْ كَانَ فِي جَمَاعَةٍ أَهْلِ الْمَجْلِسِ إِلَّا مُعْرِضٌ عَنْهُ بِوَجْهِهِ  
 ثُمَّ انْتَدَبَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ لَهُ يَا عَوْيِمُرُ لَقَدْ تَكَلَّمْتَ بِكَلِمَةٍ مَا وَافَقَكَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مُنْذُ أُتِيَتْ بِهَا فَقَالَ أَبُو الدَّرْدَاءِ يَا قَوْمُ إِنِّي قَائِلٌ مَا  
 رَأَيْتُ وَ لِيُقَلَّ كُلُّ قَوْمٍ مِنْكُمْ مَا رَأَوْا شَهْدَتْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِشُؤَيْحِطَاتِ النَّجَارِ وَقَدْ اعْتَزَلَ عَنْ مَوَالِيهِ وَ اخْتَفَى مِنْ يَلِيهِ وَ  
 اسْتَرَّ بِمُغَيْلَاتِ النَّخْلِ فَافْتَقَدْتُهُ وَ بَعُدَ عَلَيَّ مَكَانُهُ فَقُلْتُ لِحَقِّ بِمَنْزِلِهِ فَإِذَا أَنَا بِصَوْتِ حَزِينٍ وَ نَعْمَةٍ سَدَّجِيٍّ وَ هُوَ يَقُولُ إِلَهِي كَمْ مِنْ مُوبِقَةٍ  
 حَمَلَتْ عَنِّي فَقَابَلْتَهَا بِنِعْمَتِكَ وَ كَمْ مِنْ جَرِيرَةٍ تَكَرَّمَتْ عَنْ كَشْفِهَا بِكَرَمِكَ إِلَهِي إِنْ طَالَ فِي عَصِيَانِكَ عُمْرِي وَ عَظُمَ فِي الصُّحُفِ ذَنْبِي فَمَا أَنَا  
 مُؤَمِّلٌ غَيْرَ غُفْرَانِكَ وَ لَا أَنَا بِرَاجٍ غَيْرَ رِضْوَانِكَ فَشَدَّ غَلْبِي الصَّوْتُ وَ اقْتَمَيْتُ الْأَثْرَ فَإِذَا هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِعَيْنِهِ فَاسْتَرَّتْ لَهُ  
 فَأَخْمَلَتْ الْحَرَكَةَ فَرَكَعَ رَكَعَاتٍ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْغَابِرِ ثُمَّ فَرَعَ إِلَى الدُّعَاءِ وَ الْبُكَاءِ وَ الْبَثِّ وَ الشُّكْوَى فَكَانَ مِمَّا بِهِ

اللَّهُ نَجَى أَنْ قَالَ إِلَهِي أَفَكَّرُ فِي عَفْوِكَ فَتَهَوَّنُ عَلَيَّ حَاطِيَّتِي ثُمَّ أَذْكَرُ الْعَظِيمَ مِنْ أَحَدِكَ فَتَعْظُمُ عَلَيَّ بَلِيَّتِي ثُمَّ قَالَ آهَ إِنَّ أَنَا قَرَأْتُ فِي الصُّحُفِ سَيِّئَةً أَنَا نَاسٍ بِهَا وَأَنْتَ مُحْصِيَةٌ بِهَا فَتَقُولُ خُذُوهُ فَيَأْخُذُ مِنْ مَأْخُودٍ لَا تُنْجِيهِ عَشِيرَتُهُ وَلَا تَنْفَعُهُ قَبِيلَتُهُ يَرْحَمُهُ الْمَلَأُ إِذَا أُذِّنَ فِيهِ بِاللِّدَاءِ ثُمَّ قَالَ آهَ مِنْ نَارٍ تُنْضِجُ الْأَكْبَادَ وَالْكُلَى آهَ مِنْ نَارٍ نَزَّاعَةٍ لِلشَّوَى آهَ مِنْ غَمْرَةٍ مِنْ مُلْهَبَاتٍ لَطَى قَالَ ثُمَّ انْغَمَرَ فِي الْبُكَاءِ فَلَمْ أَسْمَعْ لَهُ حِسًّا وَلَا حَرَكَةً فَقُلْتُ غَلَبَ عَلَيْهِ النَّوْمُ لَطُولِ السَّهْرِ أَوْ قَطُّهُ لَصَدِّ لَمَلَةِ الْفَجْرِ قَالَ أَبُو الدَّرْدَاءِ فَاتَيْتُهُ فَإِذَا هُوَ كَالْخَشَبَةِ الْمُلْقَاةِ فَحَرَّكْتُهُ فَلَمْ يَتَحَرَّكَ وَرَوَيْتُهُ فَلَمْ يَنْزُ فَقُلْتُ (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) مَاتَ وَاللَّهُ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ فَاتَيْتُ مَنْزِلَهُ مُبَادِرًا أَنْعَاهُ إِلَيْهِمْ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ مَا كَانَ مِنْ شَأْنِهِ وَمِنْ قِصَّتِهِ فَأَخْبَرْتُهَا الْخَبَرَ فَقَالَتْ هِيَ وَاللَّهِ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ الْعُشْيَةُ الَّتِي تَأْخُذُهُ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ ثُمَّ أَتَوَهُ بِمَاءٍ فَنَضَّحُوهُ عَلَيَّ وَجْهَهُ فَأَفَاقَ وَنَظَرَ إِلَيَّ وَأَذَا أَبْكَى فَقَالَ مِمَّا بَكَأُوكَ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ فَقُلْتُ مِمَّا أَرَاهُ تُنْزِلُهُ بِنَفْسِكَ فَقَالَ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ وَلَوْ رَأَيْتَنِي وَدُعَيْتَنِي إِلَى الْحِسَابِ وَآيَقَنَ أَهْلُ الْجَرَائِمِ بِالْعَذَابِ وَاحْتَوَشَتْ شَيْبِي مَلَائِكَةُ غِلَاطٍ وَزَبَانِيَّةٌ فِظَاطٌ فَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ قَدْ أَسَّ لَمَنِي الْأَحْبَاءُ وَرَحِمَنِي أَهْلُ الدُّنْيَا لَكُنْتُ أَشَدَّ رَحْمَةً لِي بَيْنَ يَدَيْ مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فَقَالَ أَبُو الدَّرْدَاءِ فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ ذَلِكَ لِأَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ.

عروة بن زبير گوید ما در مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجمنی داشتیم و در کارهای اهل بدر و بیعت رضوان گفتگو می کردیم ابو درداء گفت ای مردم! من شما را آگاه نکنم از کسی که مالش از همه کمتر است و ورعش بیشتر و کوشش او در عبادت فزونتر؟ گفتند: او کیست؟ گفت علی بن ابی طالب (علیه السلام) گوید بخدا هر که در



انجمن بود از او روی گردانید و مردی از انصار به او گفت ای عویمر سخنی گفتمی که کسی با تو موافقت نکرد ابو درداء گفت ای مردم من آنچه را دیدم می گویم و شما هم باید آنچه دیدید بگوئید من خود علی بن ابی طالب (علیه السلام) را در شویحطات نجار دیدم که از موالی خود کناره کرد و از آنان که همراه ویند مخفی شده و پشت نخل ها خلوت کرده من او را گم کرده بودم و از من دور شده بود گفتم به منزل خود رفته است به ناگاه آوازی حزین و آهنگی دل گداز شنیدم که می گفت. معبودا چه بسیار جرم بزرگی که از من برخوردار و در برابرش به من نعمت دادی و چه بسیار جنایتی که به کرم خود از کشف آن بزرگواری نمودی معبودا اگر چه بدر از کشید در نافرمانیت عمرم و بزرگ است در دفتر جرمم من جز آمرزشت آرزویی ندارم و جز رضایت امیدم نیست این آواز مرا به خود جلب کرد و دنبالش رفتم و ناگاه دیدم علی بن ابی طالب (علیه السلام) است خود را از او پنهان کردم و آرام حرکت نمودم چند رکعتی بجا آورد در آن نیمه شب تار سپس به درگاه خدا مشغول گریه و زاری و دعا و شکوه شد و در ضمن مناجاتش می گفت معبودا در گذشت تو اندیشم و خطایم بر من آسان آید و یاد سختگیری تو افتم و گرفتاریم بر من بزرگ شود سپس فرمود آه اگر من در نامه عملم گناهی بخوانم که از یاد بردم و تو آن را بر شمردی و بگوئی او را بگیرد وای از این گرفتاری که عشیره اش نتوانند نجاتش داد و قبیله اش سودی بدو نرسانند همه مردم به حال او رقت کنند گاهی که او را احضار نمایند سپس فرمود: آه از آن آتشی که جگرها و کلیه ها را کباب کند آه از آتش برکننده کباب از سیخ آه از فروشدن در لجه شراره های سوزان در، گریه اندر شد تا از نفس افتاد و دیگر حس و حرکتی از او ندیدم گفتم خوابش ربوده است برای شب نشینی طولانی او، بیدارش کنم برای نماز بامداد نزد او رفتم و دیدم چون چوبه خشکی افتاده او را جنبانیدم حرکت نکرد و نشانیدمش نشستن نتوانست گفتم (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (1) به خدا علی

ص: 756

بن ابی طالب (علیه السلام) از دنیا رفته دوان به منزلش رفتم که خیر مرگ او را برسانم فاطمه فرمود: داستان او چیست؟ به او گزارش دادم فرمود: ای ابو درداء به خدا این همان غشی است که از ترس خدا به او دست می دهد و آب آوردند و بر چهره او پاشیدند و به هوش آمد و به من نگاه کرد که می گریستم فرمود: ای ابو دردا برای چه گریه می کنی؟ گفتم از این آسیبی که به خود می زنی، فرمود: ای ابو درداء چطور باشی گاهی که بینی مرا برای حساب دعوت کرده اند، بزه کاران کیفر را معاینه کنند و فرشتگان سخت گیر و دوزخیانان تندخو گرد مرا دارند و من در برابر ملك جبار ایستاده ام دوستان از من دست کشیده و اهل دنیا به من دلسوزی کنند اینجا تو باید بیشتر به عالم رقت کنی در برابر کسی که چیزی بر او پوشیده نیست ابو درداء گفت: این حالت را به خدا در هیچ کدام اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ندیدم. (1)

ص: 757

---

1- . الأملی (للصدوق) النص 77 المجلس الثامن عشر ح 9



وَرُوِيَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) إِذَا أَطْرَقَ هَبْنَا أَنْ نَبْتَدِيَهُ بِالْكَلَامِ

ابن عباس مي گويد: چون اميرالمومنين (عليه السلام) سر به زير مي انداخت، مهابتش مانع مي شد كه سخن را آغاز كنيم. (1)

أَنَّ ابْنَ عَبَّاسٍ أَحَدُ تَلَامِيذِهِ وَالْأَخْذِيْنَ الْعِلْمَ عَنْهُ وَهُوَ الَّذِي يَقُولُ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَجْلِسُ بَيْنَنَا كَأَحَدِنَا وَيُدَاعِبُنَا وَيَسِدُّ طَنَا وَ يَقُولُ وَاللَّهِ مَا مَلَأْتُ طَرْفِي قَطُّ مِنْهُ هَيْبَةً لَهُ

ابن عباس گويد: او در ميان ما همانند ساير يارانش مي نشيند و خوش طبعي مي فرمايد و گشاده روي است، و باعث نشاط و شادي ما مي شود، با اين حال هرگز نتوانستيم بخاطر هيبتش يك نگاه سير او را ببينيم. (2)

ص: 759

---

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 2 ص 116 فصل في المسابقة بالهيبة والهمة

2- . الفصول المختارة ص 214 فصل نقص مسائل من كتاب الفتيا للنظام



وَأَنفَذَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مِيثَمَ التَّمَارِ فِي أَمْرِ فَوْقَ عَلِيٍّ بَابِ دُكَّانِهِ فَآتَى

روزی امیرالمومنین (علیه السلام) میثم را در پی کاری فرستاد و خود به جای او در دکان خرما فروشی ایستاد. (1)

عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) صَاحِبَ رَجُلًا ذَمِيًّا فَقَالَ لَهُ الذَّمِّيُّ أَيْنَ تُرِيدُ يَا عَبْدَ اللَّهِ فَقَالَ أُرِيدُ الْكُوفَةَ فَلَمَّا عَدَلَ الطَّرِيقَ بِالذَّمِّيِّ عَدَلَ مَعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقَالَ لَهُ الذَّمِّيُّ أَلَسْتَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تُرِيدُ الْكُوفَةَ فَقَالَ لَهُ بَلَى فَقَالَ لَهُ الذَّمِّيُّ فَقَدْ تَرَكْتَ الطَّرِيقَ فَقَالَ لَهُ قَدْ عَلِمْتُ قَالَ فَلِمَ عَدَلْتَ مَعِي وَقَدْ عَلِمْتَ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) هَذَا مِنْ تَمَامِ حُسْنِ الصُّحْبَةِ أَنْ يُشَيِّعَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ هُنَيْئَةً إِذَا فَارَقَهُ وَكَذَلِكَ أَمَرْنَا نَبِيَّنَا (صلي الله عليه و آله) فَقَالَ لَهُ الذَّمِّيُّ هَكَذَا قَالَ قَالَ نَعَمْ قَالَ الذَّمِّيُّ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَبِعَهُ مَنْ تَبِعَهُ لِأَفْعَالِهِ الْكَرِيمَةِ فَأَنَا أَشْهَدُكَ أَنِّي عَلَى دِينِكَ وَرَجَعِ الذَّمِّيُّ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَلَمَّا عَرَفَهُ أَسْلَمَ.

و نیز آن حضرت از پدرانش حدیث کند که امیرالمومنین (علیه السلام) با یک نفر کافر ذمی (که در پناه اسلام است) همراه شد، آن مرد ذمی به آن حضرت عرض داشت: ای بنده خدا می خواهی به کجا بروی؟ فرمود: می خواهم به کوفه بروم، (پس سر دو راهی رسیدند و مرد ذمی بجای دیگری می رفت) چون راه ذمی تغییر کرد، امیرالمومنین (علیه السلام) نیز همراه او راهش را تغییر داد، مرد ذمی عرضه داشت: مگر نمی خواهستی به کوفه بروی؟ فرمود: چرا، ذمی عرضه داشت: راه کوفه را رها کردی، فرمود: می دانم، گفت: پس چرا با اینکه می دانی به راه من گشتی؟ امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: این از مصاحبت

ص: 761

نیکوست، که مرد رفیق راهش را در هنگام جدائی چند گامی بدرقه کند، و این گونه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) ما به ما دستور داده است، ذمی گفت این گونه دستور داده؟ فرمود: آری، ذمی گفت: پس به طور مسلم هر که پیرویش کرده بخاطر همین کردارهای بزرگوارانه او بوده، و من تو را گواه می گیرم که پیرو دین تو و بر کیش شمایم و مرد ذمی با امیر المؤمنین (علیه السلام) برگشت و همین که او را شناخت مسلمان شد. (1)

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عَلَى أَصْحَابِهِ وَ هُوَ رَاكِبٌ فَمَشَوْا مَعَهُ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ لَكُمْ حَاجَةٌ فَقَالُوا لَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ لَكِنَّا نَحِبُّ أَنْ نَمَشِيَ مَعَكَ فَقَالَ لَهُمْ انْصَرِفُوا فَإِنْ مَشَى الْمَاشِي مَعَ الرَّكَّابِ مَفْسَدَةٌ لِلرَّكَّابِ وَ مَذَلَّةٌ لِلْمَاشِي قَالَ وَ رَكِبَ مَرَّةً أُخْرَى فَمَشَوْا خَلْفَهُ فَقَالَ انْصَرِفُوا فَإِنَّ خَفَقَ النَّعَالِ خَلْفَ أَعْقَابِ الرَّجَالِ مَفْسَدَةٌ لِقُلُوبِ النَّوْكَى

امام صادق (علیه السلام): امیر مؤمنان (علیه السلام) سواره نزد یارانش آمد و آنها پیاده دنبالش رفتند، و رو به آنها کرد و فرمود: نیازی دارید؟ عرضه داشتند: نه یا امیر المؤمنین، دوست داریم همراه شما باشیم. حضرت فرمود: برگردید که پیاده رفتن به همراه سواره تباهی است برای سوار و خواریست برای پیاده، فرمود: بار دگر سوار شد و پیاده دنبالش راه افتادند فرمود: برگردید که کوبش کفش ها دنبال سر مردها سبب تباهی دل بی خردانست. (2)

خدمت به مردم

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ عَطِيَّةَ الْحَدَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا

ص: 762

1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 2 ص 670 باب حسن الصحابة و حق الصحاب في السفر ح 5

2- . المحاسن ج 2 ص 629 باب 12 باب ارتباط الدابة و الركوب ح 104

عَبَدَ اللَّهُ (عليه السلام) يَقُولُ قَسَمَ نَبِيُّ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) الْفَيْءَ فَأَصَابَ عَلِيًّا (عليه السلام) أَرْضًا فَاحْتَفَرَ فِيهَا عَيْنًا فَخَرَجَ مَاءٌ يَنْبُعُ فِي السَّمَاءِ كَهَيئَةِ عُنُقِ الْبَعِيرِ فَسَدَّ مَاهَا يَنْبُعُ فَجَاءَ الْبَشِيرُ يُبَشِّرُ فَقَالَ بَشِّرِ الْوَارِثَ هِيَ صَدَقَةٌ بَتَّةً بَتًّا فِي حَجِيحِ بَيْتِ اللَّهِ وَعَابِرِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تَبَاعُ وَ لَا تُوهَبُ وَ لَا تُورَثُ فَمَنْ بَاعَهَا أَوْ وَهَبَهَا فَعَلَيْهِ (لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ) (1) لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَ لَا عَدْلًا.

پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) زمینی در اختیار امیرالمومنین (عليه السلام) گذاشت امام (عليه السلام) در آنجا چشمه ای استخراج کرد که آب فراوان از آن فواره می زد. حضرت نام آنجا را ینبع گذاشتند. فوران آب مایه ی امید اهالی شد. یک نفر از اهالی مژده فوران آب را به امام (عليه السلام) داد. حضرت فرمودند: به وارثان مژده دهید که این آب وقف زائران خانه خدا و رهگذرانی است که از اینجا عبور می کنند و کسی حق فروش آن را ندارد و نیز هیچکس را در آن حق ارث و بخشش نیست و هر که آنرا بفروشد یا به کسی ببخشد لعنت خداوند و ملائکه و مردم، همه بر او باد. (2) وَ رَوَى زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ (عليه السلام) إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ لَمْ يَزَلْ مُعْتَبًّا إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ فَإِذَا طَلَعَتْ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْفُقَرَاءُ وَ الْمَسَاكِينُ وَ غَيْرُهُمْ مِنَ النَّاسِ فَيَعْلَمُهُمُ الْفِقْهُ وَ الْقُرْآنَ

روش همیشگی امیرالمومنین (عليه السلام) بر این بود که چون نماز صبح را به جای می آورد تا طلوع خورشید به تعقیبات مشغول می شد و وقتی خورشید طلوع می کرد به فقیران، بیچارگان و دیگران فقه و قرآن می آموخت. (3)

أَنَّ سَعِيدَ بْنَ الْقَيْسِ الْهَمْدَانِيَّ رَأَاهُ يَوْمًا فِي شِدَّةِ الْحَرِّ فِي فِنَاءٍ حَائِطٍ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِهِذِهِ السَّاعَةِ قَالَ مَا خَرَجْتُ إِلَّا لِأَعْيَنَ مَظْلُومًا أَوْ أُغِيثَ مَلْهُوفًا

ص: 763

1- . البقرة آية 161

2- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 7 ص 54 باب صدقات النبي ص وفاطمة والأئمة ع ووصاياهم ح 9

3- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 41 ص 132 باب 107 جوامع مكارم أخلاقه و آدابه و سننه و عدله و حسن سياسته صلوات الله عليه



سعید بن قیس همدانی روزی امیرالمومنین (علیه السلام) را در شدت گرما در محوطه ای دید و گفت: ای امیر مومنان (علیه السلام) در این گرما چه می کنید؟ حضرت فرمودند: بیرون نیامدم

مگر برای آنکه به مظلومی کمک کنم یا به فریاد مصیبت دیده ای برسم. (1)

أَفْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونَ أُسْوَةً لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ فَمَا خُلِقْتُ لِيَشِدَّ عَلَيَّ أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هُمُّهَا عَلْفُهَا أَوْ الْمُرْسَلَةِ شِدَّ غُلُّهَا تَقْمُمُهَا تَكْتَرُشُ مِنْ أَعْلَافِهَا وَتَلْهُو عَمَّا يُرَادُ بِهَا أَوْ أُتْرِكَ سُدَى أَوْ أَهْمَلَ عَابِثًا أَوْ أَجْرَّ حَبْلَ الصَّلَاةِ أَوْ أَعْتَسَفَ طَرِيقَ الْمَتَاهَةِ وَكَأَنِّي بِقَائِلِكُمْ يَقُولُ إِذَا كَانَ هَذَا فُوتَ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ عَنْ قِتَالِ الْأَقْرَانِ وَ مُنَازَلَةِ الشُّجْعَانِ أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُدُودًا وَالرَّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا وَالتَّائِبَاتِ الْعَذِيَّةَ أَقْوَى وَقُودًا وَأَبْطَأُ خُمُودًا.

امیرالمومنین (علیه السلام): آیا به این قناعت کنم که به من امیر مؤمنان گفته شود، ولی در سختی های روزگار با آنان شریک نباشم، یا در تلخی های زندگی الگویشان محسوب نشوم؟! آفریده نشدم تا خوردن غذاهای پاکیزه مرا سرگرم کند بهمانند حیوان به آخور بسته که همه اندیشه اش علف خوردن است، یا چهار پای رها شده که کارش به هم زدن خاکروبه هاست، از علف های آن شکم را پر می کند، و از منظور صاحبش از سیر کردن او بی خبر می باشد، هیئات از اینکه رهایم ساخته، یا بیکار و بیهوده ام گذاشته باشند، یا کشاننده عنان گمراهی باشم، یا در حیرت و سرگردانی بیراهه روم. انگار گوینده ای از شما می گوید: اگر خوراک فرزندان ابی طالب (علیه السلام) این است پس ضعف و سستی او را از جنگ با هموردان و معارضه با شجاعان مانع می گردد! بدانید درختان بیابانی چوبشان سخت تر، و درختان سرسبز پوستشان نازک تر، و گیاهان صحرائی آتششان قوی تر، و خاموشی آنها دیرتر است. (2)

ص: 764

1- . الإختصاص النص 157 فضائل علي ع من كتاب ابن دأب

2- . نهج البلاغة (للصبيحي صالح) ص 418 45 و من كتاب له ع إلى عثمان بن حنيف الأنصاري و كان عامله على البصرة و قد بلغه أنه دعي إلى وليمة قوم من أهلها، فمضى إليها - قوله



مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَغَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ قَالَ: جَاءَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَلٌ وَتَيْنٌ مِنْ هَمْدَانَ وَحُلْوَانَ فَأَمَرَ الْعُرَفَاءَ أَنْ يَأْتُوا بِالْيَتَامَى فَأَمَكَنَهُمْ مِنْ رُءُوسِ الْأَرْفَاقِ يَلْعَقُونَهَا وَهُوَ يَقْسِمُهَا لِلنَّاسِ قَدْحًا قَدْحًا فَقِيلَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا لَهُمْ يَلْعَقُونَهَا فَقَالَ إِنَّ الْإِمَامَ أَبُو الْيَتَامَى وَإِنَّمَا أَلْعَقْتُهُمْ هَذَا بِرِغَايَةِ الْأَبَاءِ.

حبيب بن ابی ثابت گوید: از همدان و حلوان (شهریست نزدیک بغداد) برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) عسل و انجیر آوردند، حضرت به نقیبان و رؤساء اصحابش دستور داد تا یتیمان را حاضر کنند، سپس سر مشک های عسل را در اختیار آنها گذاشت تا بلیسند و خود عسل ها را قدح، قدح، به مردم تقسیم می کرد. به حضرت عرضه شد: ای امیر مؤمنان! چرا باید یتیمان سر مشک ها را بلیسند؟ فرمود: زیرا امام پدر یتیمانست و من به حساب پدرها لیسیدن آنها را به ایشان واگذاشتم. (1)

أَبُو الطُّفَيْلِ رَأَيْتُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَدْعُو الْيَتَامَى فَيُطْعِمُهُمُ الْعَسَلَ حَتَّى قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ لَوَدِدْتُ أَنِّي كُنْتُ يَتِيمًا

ابوظفیل: امیرالمؤمنین (علیه السلام) را دیدم که یتیمان را می خواند و به ایشان عسل می خورانید تا یکی از اصحاب حضرت گفت: دوست داشتم من هم کودکی یتیم بودم. (2)

ص: 766

- 1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 1 ص 406 باب ما يجب من حق الإمام على الرعية و حق الرعية على الإمام ح 5
- 2- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 2 ص 75 فصل في المسابقة بالسخاء و النفقة في سبيل الله



عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَصْرِبُ بِالْمَرْءِ وَيَسْتَخْرِجُ الْأَرْضَيْنِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) يَمَضُّ النَّوَى فِيهِ وَيَغْرِسُهُ فَيَطْلُعُ مِنْ سَاعَتِهِ وَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ مَالِهِ وَكَدَّ يَدَهُ. امام صادق (عليه السلام) فرمودند: جدم اميرالمومنين (عليه السلام) با دستمزد خود هزار بنده ي مملوك خريد و آزاد كرد. (1)

ص: 768



عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَحْتَطِبُ وَيَسْتَقِي وَيَكْنُسُ وَكَانَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا تَطْحَنُ وَتَعَجِنُ وَتَخْبِزُ.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: حضرت امیر (عليه السلام) هیزم تهیه می کرد و از چاه آب برای منزل می آورد و جاروب می کرد و حضرت فاطمه (عليها السلام) نیز گندم را آرد می نمود و خمیر می کرد و نان می پخت. (1)

ص: 770





سفارش به کارگزاران حکومتشاً بَعْدُ فَأَقِمِ لِلنَّاسِ الْحَجَّ (وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ) (1) وَاجْلِسْ لَهُمُ الْعَصْرَيْنِ فَأَقْتِ الْمُسْتَفْتِيَّ وَعَلِّمِ الْجَاهِلَ وَذَكِّرِ الْعَالِمَ وَلَا يَكُنْ لَكَ إِلَى النَّاسِ سَفِيرٌ إِلَّا لِسَانُكَ وَلَا حَاجِبٌ إِلَّا وَجْهُكَ وَلَا تَحْجِبَنَّ ذَا حَاجَةٍ عَنْ لِقَائِكَ بِهَا فَإِنَّهَا إِنْ ذِيدَتْ عَنْ أَبِيكَ فِي أَوَّلِ وَرْدِهَا لَمْ تُحْمَدْ فِيهَا بَعْدُ عَلَى قَضَائِهَا وَانْظُرْ إِلَى مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَاصْرِفْهُ إِلَى مَنْ قَبْلَكَ مِنْ ذَوِي الْعِيَالِ وَالْمَجَاعَةِ مُصِيباً بِهٖ مَوَاضِعَ [الْمَفَاقِرِ] الْفَاقَةِ وَالْخَلَّاتِ وَ مَا فَضَلَ عَنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ إِلَيْنَا لِنَقْسِمَهُ فِيمَنْ قَبْلَنَا

امیرالمومنین (علیه السلام) خطاب به یکی از کارگزارانش فرمود: اما بعد، برای مردم حج را برپا دار، و ایام الله را به یادشان آر، دو طرف روز را به خاطر آنان بنشین، و آن را که از تو فتوا خواهد فتوا ده، جاهل را بیاموز، و با دانا به گفتگو برخیز. بین تو و مردم پیام رسانی جز زیانت، و دربانی جز چهره ات نباشد، و نیازمندی را از دیدارت محروم مکن، که اگر در ابتدای کار از درگاہت رانده شود، برای روا شدن حاجتش در آخر کار ستایش نشوی. در بیت المال که نزد تو جمع شده دقت کن و آن را برای عیالمندان و گرسنگانی که در نزد تو هستند مصرف کن، و به فقیران و نیازمندان برسان، و اضافه آن را نزد من فرست تا میان کسانی که پیش ما هستند تقسیم کنیم. (2)

ص: 772

1- . ابراهیم آیه 5

2- . نهج البلاغة (للصبي صالح) ص 67 457 و من کتاب له ع إلى قثم بن العباس و هو عامله علی مکة



حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: دَخَلَ ضِرَارُ بْنُ صَمْرَةَ النَّهْشَلِيُّ عَلَى مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ قَالَ لَهُ صِفْ لِي عَلِيًّا (عليه السلام)

قَالَ أَوْ تُعَيِّنِي فَقَالَ لَا بَلْ صِفْهُ لِي فَقَالَ لَهُ ضِرَارُ رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا (عليه السلام)

كَانَ وَاللَّهِ فِينَا كَأَحَدِنَا يُدْنِينَا إِذَا أَتَيْتَاهُ وَيُجِيبُنَا إِذَا سَأَلْنَاهُ وَيُقَرِّبُنَا إِذَا زُرْنَاهُ لَا يُغْلَقُ لَهُ دُونَنَا بَابٌ وَلَا يَحْجُبُنَا عَنْهُ حَاجِبٌ وَنَحْنُ وَاللَّهِ مَعَ تَقَرُّبِهِ لَنَا وَقُرْبِهِ مِنَّا لَا نُكَلِّمُهُ لَهَيْبَتِهِ وَلَا نَبْتَدِيهِ لِعَظَمَتِهِ فَإِذَا تَبَسَّمَ فَعَنَ مِثْلَ اللُّؤْلُؤِ الْمَنْظُومِ فَقَالَ مُعَاوِيَةُ زِدْنِي مِنْ صِدْقَتِهِ فَقَالَ ضِرَارُ رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا (عليه السلام) كَانَ وَاللَّهِ طَوِيلَ السَّهَادِ قَلِيلَ الرُّقَادِ يَتْلُو كِتَابَ اللَّهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ وَيَجُودُ لِلَّهِ بِمُهْجَتِهِ وَيَبُوءُ إِلَيْهِ بِعَبْرَتِهِ لَا تُغْلَقُ لَهُ السُّتُورُ وَلَا يَدْخُرُ عَنَّا الْبُدُورُ وَلَا يَسَّ تَلِينَ الْإِتْكَاءَ وَلَا يَسَّ تَخْشِينَ الْجَفَاءَ وَلَوْ رَأَيْتَهُ إِذْ مُثَّلَ فِي مِحْرَابِهِ وَقَدْ أَرْحَى اللَّيْلُ سُدُولَهُ وَغَارَتْ نُجُومُهُ وَهُوَ قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ يَتَمَلَّمُ تَمَلَّمُ السَّلِيمِ وَيَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ وَهُوَ يَقُولُ يَا دُنْيَا إِلَيَّ تَعَرَّضْتِ أَمْ إِلَيَّ تَشَوَّقْتِ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ أَبْنَتِكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي عَلَيْكَ ثُمَّ وَاهِ وَاهِ لِبُعْدِ السَّفَرِ وَقَلَّةِ الزَّادِ وَخُسُوفَةِ الطَّرِيقِ قَالَ فَبَكَى مُعَاوِيَةُ وَقَالَ حَسْبُكَ يَا ضِرَارُ كَذَلِكَ كَانَ وَاللَّهِ عَلِيًّا رَحِمَ اللَّهُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام).

ضرار بن ضميره نهشلی به معاویة بن ابی سفیان وارد شد، معاویه به او گفت علی (علیه السلام) را برایم وصف کن گفت مرا معاف می داری؟ گفت: نه. ضرار گفت: خدا علی (علیه السلام) را رحمت کند در میان ما چون یکی از ما بود و وقتی نزد او می رفتیم ما را به خود نزدیک می کرد و چون از او پرسشی می کردیم به ما جواب می داد و چون دیدنش می رفتیم ما را مقرب می ساخت در بروی ما نمی بست و دربانان بر ما نمی گمارد و به خدا با همه این که ما را به خود نزدیک می کرد و به ما نزدیک بود از هیبتش یارای سخن گفتن با او نداشتیم و از بزرگواریش آغاز سخن با او نمی کردیم و چون لب خند می زد از دندانان بود مانند دُر رشته کشیده معاویه گفت وصف بیشتری از او کن ضرار گفت خدا علی (علیه السلام) را رحمت کند به خدا بسیار بیدار بود و کم خواب همه وقت شب و هر ساعت روز قرآن می خواند و جان در راه خدا می داد و اشک به آستان او می ریخت پرده برای او افکنده نمی شد و کیسه های زر از ما ذخیره نمی کرد برای وابسته خود نرمی نداشت (اجازه ی سوء استفاده نزدیکانش را از موقعیت خویش نمی داد) و بر جفاکاران بدخوئی نمی کرد اگر او را می دیدی که در محراب عبادت متمثل می شد در وقتی که شب پرده ظلمت افکنده و اختران سرازیر افق شدند و او دست به ریش گرفته و چون مار گزیده بر خود می پیچید و چون غمگین می گریست و می گفت ای دنیا خود را به رخ من می کشی و مرا مشتاق خود می سازی؟ هیئات هیئات من نیازی به تو ندارم و تو را سه طلاق دادم که رجوعی ندارد. سپس می فرمود: آه آه از دوری راه و کمی توشه و سختی طریق، معاویه گریست و گفت ای ضرار تو را بس است به خدا علی (علیه السلام) چنین بود خدا رحمت کند ابوالحسن (علیه السلام) را. (1)

ص: 775



حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْجَلِيلُ الْمُفِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ أَيْدَ اللَّهِ تَمَكِينَهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو حَفْصٍ عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الصِّيرَفِيِّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الزِّيَّاتِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامِ الْإِسْكَافِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سَلَامَةَ الْغَنَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعَامِرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مَعْمَرٍ عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عِيَّاشٍ عَنِ الْفَجَّيْعِ الْعَقِيلِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ لَمَّا حَضَرَ رَتَّ أَبِي الْوَفَاةَ أَقْبَلَ يُوصِي فَقَالَ هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَخُو مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَوَصِيئِهِ وَوَصَّاحِبُهُ وَأَوَّلُ وَصِيئِي أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) رَسُولُهُ وَخَيْرَتُهُ اخْتَارَهُ بِعِلْمِهِ وَارْتَضَاهُ لِخَيْرَتِهِ وَأَنَّ اللَّهَ بَاعَثَ (مَنْ فِي الْقُبُورِ) (1) وَسَائِلُ النَّاسِ عَنْ أَعْمَالِهِمْ وَعَالِمٌ بِمَا فِي الصُّدُورِ ثُمَّ إِنِّي أُوصِيكَ يَا حَسَنُ وَكَفَى بِكَ وَصِيًّا بِمَا أَوْصَانِي بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ يَا بُنَيَّ فَالْزِمْ بَيْتَكَ وَابْنِكَ عَلَى خَطِيئَتِكَ وَلَا تَكُنْ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّكَ وَأُوصِيكَ يَا بُنَيَّ بِالصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا وَ الزَّكَاةِ فِي أَهْلِهَا عِنْدَ مَحَلِّهَا وَ الصَّوْمِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ وَ الْاِقْتِصَادِ فِي الْعَمَلِ وَ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَ الْغَضَبِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ وَ إِكْرَامِ الضَّيْفِ وَ رَحْمَةِ الْمَجْهُودِ وَ أَصْحَابِ الْبَلَاءِ وَ صِلَةِ الرَّحِمِ وَ حُبِّ الْمَسَاكِينِ وَ مُجَالَسَتِهِمْ وَ التَّوَاضُعِ فَإِنَّهُ مِنْ أَفْضَلِ الْعِبَادَةِ وَ قَصْرِ الْأَمَلِ وَ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكَ رَهْنُ مَوْتٍ وَ غَرَضُ بَلَاءٍ وَ طَرِيحُ سُقْمٍ وَ أُوصِيكَ بِخَشْيَةِ

ص: 777

اللَّهِ فِي سِرِّ أَمْرِكَ وَعَلَانِيَتِهِ وَأَنْهَكَ عَنِ التَّسَرُّعِ بِالْقَوْلِ وَالْفِعْلِ وَإِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ فَأَبْدَأَ بِهِ وَإِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَتَأَنَّهُ حَتَّى تُصِيبَ رُسُودَكَ فِيهِ وَإِيَّاكَ وَمَوَاطِنَ التُّهْمَةِ وَالْمَجْلِسَ الْمُظَنُّونَ بِهِ الشُّؤْمَ فَإِنْ قَرِينَ الشُّؤْمِ يُغَيِّرُ جَلِيْسَهُ وَكُنْ لِلَّهِ يَا بُنَيَّ عَامِلًا وَعَنِ الْخَنَى زَجُورًا وَيَا الْمَعْرُوفِ أَمْرًا وَعَنِ الْمُنْكَرِ نَاهِيًا وَوَاحٍ الْإِخْوَانَ فِي اللَّهِ وَأَحَبَّ الصَّالِحِ لِصَدَاحِهِ وَدَارِ الْفَاسِقِ عَنِ دِينِكَ وَأَبْغَضَهُ بِقَلْبِكَ وَزَايِلُهُ بِأَعْمَالِكَ لِنَلَّا تَكُونَ مِثْلَهُ وَإِيَّاكَ وَالْجُلُوسَ فِي الطَّرْفَاتِ وَدَعِ الْمُمَارَاةَ وَمُجَارَاةَ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ وَلَا عِلْمَ وَافْتَصِدْ يَا بُنَيَّ فِي مَعِيشَتِكَ وَافْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ وَعَلَيْكَ فِيهَا بِالْأَمْرِ الدَّائِمِ الَّذِي تُطِيقُهُ وَالزَّمِ الصَّمْتَ تَسْلَمَ وَقَدِّمَ لِنَفْسِكَ تَغْنَمَ وَتَعَلَّمَ الْخَيْرَ تَعْلَمَ وَكُنْ لِلَّهِ ذَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَارْحَمَ مِنْ أَهْلِكَ الصَّغِيرَ وَوَقِّرْ مِنْهُمْ الْكَبِيرَ وَلَا تَأْكُلَنَّ طَعَامًا حَتَّى تَصَدَّقَ مِنْهُ قَبْلَ أَكْلِهِ وَعَلَيْكَ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ زَكَاةُ الْبَدَنِ وَجَنَّةٌ لِأَهْلِهِ وَجَاهِدْ نَفْسَكَ وَاحْذَرْ جَلِيْسَكَ وَاجْتَنِبْ عَدُوَّكَ وَعَلَيْكَ بِمَجَالِسِ الذُّكْرِ وَأَكْثِرْ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنِّي لَمَ أَلِكْ يَا بُنَيَّ نُصْحًا وَ (هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ) (1) وَ أَوْصِيكَ يَا خِيكَ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خَيْرًا فَإِنَّهُ شَدِيدُ تَقِيْقِكَ وَابْنُ أَبِيكَ وَقَدْ تَعَلَّمَ حُبِّي لَهُ وَ أَمَّا أَخُوكَ الْحُسَيْنُ فَهُوَ ابْنُ أُمَّكَ وَلَا أَزِيدُ الْوَصَاةَ بِذَلِكَ وَ اللَّهُ الْخَلِيفَةُ عَلَيْكُمْ وَإِيَّاهُ أَسْأَلُ أَنْ يُصَلِّحَكُمْ وَأَنْ يَكْفِيَ الطُّغَاةَ الْبُغَاةَ عَنْكُمْ وَالصَّبْرَ الصَّبْرَ حَتَّى يَتَوَلَّى اللَّهُ الْأَمْرَ وَ (لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) (2) الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

فجيع عقيلي گوید: حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: چون هنگام وفات پدرم رسید شروع به وصیت نمود، فرمود: اینها مطالبی است که علی بن ابی طالب (علیه السلام)

ص: 778

1- . الكهف آية 78

2- . الكهف آية 39

برادر محمّد(صلي الله عليه و آله) رسول خدا و پسر عمو و وصی و همدم و همراه او بدان وصیت و سفارش نموده است. و آغاز وصیت این است که گواهی می دهم معبودی جز الله نیست، و محمّد(صلي الله عليه و آله) فرستاده خدا و برگزیده اوست، خداوند او را با علم خود اختیار کرد، و او را برای اختیار و انتخاب خود برگزید و (گواهی می دهم) که خداوند مردگان را از قبرها برانگیزاند، و از مردم در مورد اعمالشان بازخواست می کند، و او بدان چه در سینه ها نهانست داناست. ای حسن(عليه السلام) تو را که وصی بودن تو به تنهایی کافی است سفارش می کنم بدان چه رسول خدا(صلي الله عليه و آله) به من سفارش فرمود. پسر جان من چون زمانش (تحقق وصیت) فرا رسد در خانه بنشین، و بر خطاهایت گریه کن و نباید که دنیا بزرگترین هم و فکر تو باشد. پسر جانم تو را به گزاردن نماز در وقت خود، و پرداخت زکات به اهلش در هنگام حلول وقتش، خاموشی در برابر امور تردید آمیز و اشتباه برانگیز، و میانه روی در عمل، و رعایت عدالت در خشنودی و خشم، و خوشرفتاری با همسایگان، و مهمان نوازی، و مهربانی به تهیدستان و رنجدیدگان بی بضاعت، و حفظ پیوند با فامیل، و دوستی و همنشینی با فقراء و مساکین، و فروتنی که از برترین عبادات است، و کوتاه داشتن آرزو، و یاد آوری مرگ، و زهد و بی رغبتی به دنیا، سفارش می کنم که همانا تو در گرو مرگ، و هدف بلا، و مغلوب مرض و بیماری هستی. و تو را به ترس از خدا در نهان و آشکار کارت سفارش می کنم، و از شتاب در گفتار و کردار نهی می نمایم، و چون کار آخرتی پیش آمد در انجام آن بشتاب، و چون کار دنیائی پیش آمد شتاب نورز و خوب فکر کن تا به رشد و خیر خودت در آن کار بررسی. و از جاهائی که بودن تو در آن موجب متهم شدن توست و نیز از مجلسی که بدان گمان بد می رود پرهیز که همنشین ناباب همنشین خود را دگرگون سازد. پسر جانم برای خدا کار کن، و از سخن ناروا دوری گزین، و به کارهای پسندیده امر کن، و از زشتی ها نهی نما، و با برادران دینی در راه



خدا برادری کن، و نکوکار را بخاطر نیکوکاریش دوست بدار، و با فاسق به جهت حفظ دین خود مدارا بنما، و او را در دل دشمن دار، و در اعمال خود از وی فاصله بگیر تا مثل او نباشی. از نشستن در سر کوی و برزن پرهیز، و بحث و جدل را با کسی که عقل و دانشی ندارد رها ساز پسر جانم در زندگانی و نیز در عبادت خود راه اعتدال و میانه روی را پیش گیر، و در عبادت به کاری که مداوم و مورد توان توست پرداز، و پیوسته خاموش باش تا سالم بمانی، و کردار نیکی برای خودت پیش فرست تا غنیمت بری، و نیکی را یادگیر تا آگاهی یابی، و در هر حال یاد خدا باش، با خردسالان خانواده ات مهربان باش، و بزرگسالان نشان را احترام بگذار، و طعامی را مخور تا اینکه پیش از خوردن چیزی از آن را صدقه دهی. پیوسته به روزه داری پرداز که آن زکات بدن و سپر روزه دار (از آتش دوزخ) است، و با نفس خود جهاد کن، و از همنشین خود در حذر باش، و از دشمنت دوری گزین، و بر توباد به مجالسی که در آنها یاد خدا می شود، و فراوان دعا کن. پسر جانم راستی که چیزی از خیر خواهی و نصیحت را از تو فروگذار نمودم، و اینک زمان جدائی من و تو فرا رسیده است. تو را به برادرت محمد (صلی الله علیه و آله) (ابن حنفیه) سفارش به خیر می کنم که او برادر و فرزند پدر تو است، و از میزان دوستی من نسبت به او، باخبری.

و اما برادرت حسین (علیه السلام) که او فرزند مادر توست (و نیازی به سفارش ندارد)، و بیش از این در این باره سفارش نمی کنم، خداوند کفیل من بر شمامست، و از او می خواهم که شما را به صلاح آورد، و شرّ جفاکاران سرکش را از شما باز دارد، و صبر را پیشه سازید تا خداوند خودش زمام امر را به دست گیرد (حکومت را بدست اهلش بسپارد). و هیچ حرکت و نیروئی نیست جز به خدای برتر و بزرگ.

(1)

قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الطَّيِّبِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ النَّحْوِيُّ التَّمَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو نَعِيمٍ قَالَ حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا

ص: 780

هَشَامٌ عَنْ أَبِي مِحْنَفٍ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّيِّعِيِّ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ بُنَاتَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ قَالَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) حَطَبَ ذَاتَ يَوْمٍ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا مَقَالَتِي وَعُوا كَلَامِي إِنَّ الْخِيَالَءَ مِنَ التَّجْبُرِ وَالنَّخْوَةِ مِنَ التَّكْبُرِ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ عَدُوٌّ حَاضِرٌ يَعِدُّكُمْ الْبَاطِلَ أَلَا إِنَّ الْمُسْلِمَ لَمْ أَخُو الْمُسْلِمِ فَ (لا تَبَايَرُوا) (1) وَلَا تَخَاذَلُوا فَإِنَّ شَرَائِعَ الدِّينِ وَاحِدَةٌ وَسَبْلُهُ قَاصِدَةٌ مَنْ أَخَذَ بِهَا لَحِقَ وَمَنْ تَرَكَهَا مَرَقَ وَمَنْ فَارَقَهَا مُحِقٌّ لَيْسَ الْمُسْلِمُ بِالْخَائِنِ إِذَا أَثْمَنَ وَلَا بِالْمُخْلِفِ إِذَا وَعَدَ وَلَا بِالْكَذُوبِ إِذَا نَطَقَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَقَوْلُنَا الْحَقُّ وَفِعْلُنَا الْقِسْطُ وَمِنَّا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَفِينَا قَادَةُ الْإِسْلَامِ وَأَمْنَاءُ الْكِتَابِ نَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ (صلي الله عليه وآله) وَإِلَى جِهَادِ عَدُوِّهِ وَالشَّدَّةِ فِي أَمْرِهِ وَابْتِغَاءِ رِضْوَانِهِ وَإِلَى إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَحِجَابِيبَتِ وَصِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَتَوْفِيرِ الْفَيْءِ لِأَهْلِهِ أَلَا وَإِنَّ أَعْجَبَ الْعَجَبِ أَنَّ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ الْأُمَوِيَّ وَعَمْرُو بْنَ الْعَاصِ السَّهْمِيَّ يُحَرِّضَانِ النَّاسَ عَلَى طَلَبِ دَمِ ابْنِ عَمِّهِمَا وَإِنِّي وَاللَّهِ لَمْ أَخَالَفْ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قَطُّ وَلَمْ أَعْصِهِ فِي أَمْرٍ قَطُّ أَقْبَهُ بِنَفْسِي فِي الْمَوَاطِنِ الَّتِي تَنْكُصُ فِيهَا الْأَبْطَالُ وَتَرَعُدُ مِنْهَا الْفَرَائِصُ بِقُوَّةِ أَكْرَمَنِي اللَّهُ بِهَا فَلَهُ الْحَمْدُ وَلَقَدْ قَبِضَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) وَإِنْ رَأْسُهُ لَفِي حَجْرِي وَلَقَدْ وُلِّيتُ [وُلِّيتُ] غُسْلَهُ بِيَدِي تَقَلَّبُهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُتَقَرَّبُونَ مَعِي وَإِيمُ اللَّهِ مَا اخْتَلَفْتُ أُمَّةً بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ بَاطِلُهَا عَلَى حَقِّهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ قَالَ فَقَامَ عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ أَمَّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقَدْ أَعْلَمَكُمُ أَنَّ الْأُمَّةَ لَمْ تَسْتَعِمَّ عَلَيْهِ فَتَفَرَّقَ النَّاسُ وَقَدْ نَفَذَتْ بَصَائِرُهُمْ

ص: 781

أصبغ بن نباته: روزی امیر المؤمنین (علیه السلام) سخنرانی کرد، پس حمد و ثنای الهی بجای آورد و بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) درود فرستاد سپس فرمود: ای مردم سخنم را بشنوید، و کلامم را خوب فراگیرید، و همانا تکبر و خود فروشی از نشانه های گردنکشی و زور نمائی است، و نخوت و بزرگ منشی از تکبر است. شیطان دشمنی حاضر و آماده است که شما را به باطل دلخوشی می دهد، هان که هر مسلمانی برادر مسلمان دیگر است، و پس القاب زشت بر هم ننهید، و دست از یاری هم نشوئید، که همانا شرایع و قوانین دین یکی است، و راه های آن همراه است، هر که آن را پیش بگیرد به حق و هدف خود می رسد، و هر که رهایش سازد از جاده حق به در رود، و هر که از آن جدا شود تبه و نابود می گردد. مسلمان در امانت خیانت نورزد، و در وعده تخلف نکند، و در سخن دروغ نگوید. ما خاندان رحمتیم، گفتار ما حق، و کردار ما عدل است. خاتم پیامبران از ماست، و پیشوایان اسلام و امینان کتاب خدا در میان مایند. شما را به سوی خدا و پیامبرش، و جهاد با دشمنش، و سختگیری و پایداری در امرش، و طلب خرسندیش؛ و برپاداری نماز، و پرداخت زکات، و حج خانه خدا، و روزه ماه رمضان، و پرداخت کامل فی به اهلش دعوت می کنیم. هان که از همه شگفت تر آنکه معاویه بن ابی سفیان اموی و عمر و بن عاص سهمی مردم رابه خونخواهی پسر عمویشان (عثمان) بر می انگیزند و به خدا سوگند که من هرگز با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مخالفت نوزیدم، و هرگز در کاری از وی سر نیچیدم، جان خود را در مواردی سپر او ساختم که زورمندان و شجاعان از آن عقب می نشستند، و بنده های بدن ها از آن می لرزید، و البته به نیرویی بود که خداوند به من کرامت نموده بود و بر این بخشش او را سپاس می گزارم. و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حالی قبض روح شد که سر مبارکش در دامن من بود، و خودم با این دست هایم غسل او را به عهده گرفتم، فرشتگان مقرب در این امر یاریم می دادند. و به خدا سوگند که هیچ امتی پس از

پیامبرش اختلاف نکرد جز اینکه گروه باطل بر گروه حق غلبه یافت مگر آنکه خدا بخواهد. عمّار برخاست و گفت: امیرالمؤمنین (علیه السلام) شما را آگاه ساخت که امت با وی وفادار نخواهد ماند. پس مردم با بینائی کامل از هم جدا شدند. (1)

حق امام و ماموم بر یکدیگر

أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيئِكُمْ عَلَيْكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُّكُمْ

مردم مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی از شما دریغ ندارم و حقی را که از بیت المال دارید بگزارم شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید. اما حق من بر شما این است که به بیعت وفا کنید و درنهمان و آشکارا حق خیرخواهی ادا کنید. چون شما را بخوانم بیابید، و چون فرمان دهم بپذیرید، و از عهده برآید. (2)

ص: 783

1- . الأُمالي (للمفید) النص 235 المجلس السابع والعشرون ح6

2- . نهج البلاغة (للصبيحي صالح) ص 79 طريق السداد



حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَكْرٍ بْنُ النَّقَّاشِ وَأَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَمُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمُعَاذِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْمُكْتَبِ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيُّ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقُمْتُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بَكَى فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) مَا يُبْكِيكَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَبْكِي لِمَا يَسْتَحِلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَأَنِّي بِكَ وَأَنْتَ نَصَدَمِي لِرَبِّكَ وَقَدْ انْبَعَثَ أَشَقَى الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ شَقِيْقُ

عَاقِرِ نَاقَةٍ تَمُودَ فَصَدَّرَكَ صَدْرُ رَبِّهِ عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَ ذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي فَقَالَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ (عليه السلام) مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنِي وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنِي لِأَنَّكَ مِنِّي كَنَفْسِي رُوحُكَ مِنْ رُوحِي وَطِينَتُكَ مِنْ طِينَتِي إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَنِي وَإِيَّاكَ وَاصْطَفَانِي وَإِيَّاكَ وَاخْتَارَنِي لِلنُّبُوَّةِ وَ اخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ فَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي يَا

عَلِيٍّ (عليه السلام) أَنْتَ وَصِيِّي وَ أَبُوؤَلَدِي وَ زَوْجُ ابْنَتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي أَمْرُكَ أَمْرِي وَ نَهْيُكَ نَهْيِي أَقْسِمُ بِالَّذِي  
بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَ جَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنَّكَ لِحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ عَلَى سِرِّهِ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ.

امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید که من برخاستم و عرضه داشتم: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) افضل اعمال در این ماه چیست فرمود: یا ابا الحسن (علیه السلام) افضل اعمال در این ماه اجتناب کردن از حرام های خدا است. پس از آن گریه کرد عرضه داشتم: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) چه چیز تو را به گریه در آورد فرمود: یا علی (علیه السلام) گریه می کنم از برای آنکه خون تو را در این ماه حلال دانند گویا می بینم که تو نماز می گذاری که شقی ترین اولین و آخرین پی کننده ناقه صالح ثمود ضربتی بر فرق تو زد که محاسنت تو به خون سرت خضاب شود. امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید که عرضه داشتم: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) سلامت دین من در این است فرمود: آری سلامت دین تو در این است پس از آن فرمود یا علی (علیه السلام) هر که تو را به قتل رساند مرا به قتل رسانیده و هر که تو را دشمن دارد مرا دشمن داشته است و هر کس تو را ناسزا گوید مرا ناسزا گفته است زیرا که تو نسبت به من به منزلت جان منی روح تو از روح من است و گل تو از گل من است خدای تبارک و تعالی من و تو را آفرید و من و ترا برگزید مرا به رسالت اختیار فرمود و تو را به امامت پس هر که امامت تو را انکار کند نبوت مرا انکار کرده یا علی (علیه السلام) توئی وزیر من و پدر فرزندان من و شوهر دختر من و جانشین من و خلیفه من در امت من در زمان حیات من و بعد از وفات من امر تو امر من است و نهی تو نهی من است سوگند می خورم به حق آن کسی که مرا به پیغمبری مبعوث کرد و بهترین خلق قرار داد که توئی حجت خدا بر خلق او و امین خدا بر سر او و خلیفه خدا بر بندگان او. (1)

ص: 786

1- . عیون أخبار الرضا علیه السلام ج 1 ص 297 باب 28 باب فیما جاء عن الإمام علی بن موسی ع من الأخبار المتفرقة ح 53

وَبِهَذَا الْإِمَامِ نَادَى، قَالَ: خَطَبَ النَّاسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بِالْكُوفَةِ، فَقَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَقَّ قَدْ غَلَبَهُ الْبَاطِلُ، وَ لِيُغْلِبَنَّ الْبَاطِلُ عَمَّا قَلِيلٍ، أَيْنَ أَشْقَاكُمْ أَوْ قَالَ: شَقِيئُكُمْ، شَكَّ أَبِي، هَذَا قَوْلُ أَبِي فَوَاللَّهِ لَيَضْرِبَنَّ هَذِهِ فَلْيُخْضِبَنَّهَا مِنْ هَذِهِ. وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى هَامَتِهِ وَ لِحْيَتِهِ.

امیرالمومنین (علیه السلام) در کوفه خطبه خواند و فرمود: ای مردم، همانا باطل بر حق چیره شده ولی پس از اندکی حق بر باطل چیره می شود کجاست شقی ترین کسان شما؟ یا فرمود: شقی. به خدا بر سرم ضربه ای می زند و تا اینجا را رنگین می کند و با دست مبارک به سر و محاسنش اشاره فرمود. (1)

ص: 787





حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّامِيُّ عَنْ أَبِي دَاوُدَ السَّيِّعِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنْ رُمَيْلَةَ قَالَ: وَعِكَتُ وَعَكَأْتُ شَدِيداً فِي زَمَانِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَوَجَدْتُ مِنْ نَفْسِي خِيفَةً فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَقُلْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ أَنْ أُفِيضَ عَلَيَّ نَفْسِي مِنَ الْمَاءِ وَأُصَلِّيَ خَلْفَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَفَعَلْتُ ثُمَّ جِئْتُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَمَّا صَعِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) الْمَنْبَرَ عَادَ عَلَيَّ ذَلِكَ الْوَعْكَ فَلَمَّا انْصَرَفَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَدَخَلَ الْقَصْرَ دَخَلْتُ مَعَهُ فَقَالَ يَا رُمَيْلَةُ رَأَيْتُكَ وَأَنْتَ مُتَّسِبُكَ بَعْضُكَ فِي بَعْضٍ فَقُلْتُ نَعَمْ وَ قَصَصْتُ عَلَيْهِ الْقِصَّةَ الَّتِي كُنْتُ فِيهَا وَالَّذِي حَمَلَنِي عَلَى الرَّغْبَةِ فِي الصَّلَاةِ خَلْفَهُ فَقَالَ يَا رُمَيْلَةُ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يَمْرُضُ إِلَّا مَرَضَنَا بِمَرَضِهِ وَلَا يَحْزَنُ إِلَّا حَزَنًا بِحَزْنِهِ وَلَا يَدْعُو إِلَّا أَمَّنَّا لِدُعَائِهِ وَلَا يَسْكُتُ إِلَّا دَعَوْنَا لَهُ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا لِمَنْ مَعَكَ فِي الْقَصْرِ أَرَأَيْتَ مَنْ كَانَ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ قَالَ يَا رُمَيْلَةُ لَيْسَ يَغِيبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا.

بصائر: رميله گفت: تب شدیدی در زمان امیر المؤمنین (علیه السلام) داشتم روز جمعه آرامش بیشتری در خود دیدم با خود گفتم بهترین کار اینست که روی خودم مقداری آب بریزم و پشت سر امیر المؤمنین (علیه السلام) نماز بخوانم این کار را کردم و به جانب مسجد رفتم همین که مولی امیر المؤمنین (علیه السلام) روی منبر رفت باز تب برگشت. وقتی آن جناب تمام کرد و به جانب خانه رفت من نیز با ایشان رفتم فرمود: رميله! دیدم در خود پیچیده بودی عرضه داشتم: آری جریان را به عرضایشان رساندم که علاقه

داشتیم نمازی پشت سر شما بخوانم فرمود: رمیله هر مؤمنی که مریض می شود ما نیز به واسطه بیماری او بیمار می شویم و فزون نمی شود مگر اینکه ما نیز از اندوه او محزون می شویم و دعائی نمی کند مگر اینکه دعای او را آمین می گوئیم ساکت نمی شود مگر اینکه ما برایش دعا می کنیم. عرضه داشتیم: یا امیر المؤمنین (علیه السلام) فدایت شوم این برای کسی است که با شما در خانه باشد اما آنها که در اطراف زمین هستند چطور فرمود: رمیله! در شرق و غرب و غیر آن مؤمنی از نظر ما پنهان نیست. (1)

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الْكَرِيمِ بْنُ عَمْرٍو عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) بَلَّغْنِي عَنْ عَمْرٍو بْنِ إِسْحَاقَ حَدِيثًا فَقَالَ أَعْرَضَهُ قَالَ دَخَلَ عَلَيَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَرَأَى صُفْرَةً فِي وَجْهِهِ قَالَ مَا هَذِهِ الصُّفْرَةُ فَذَكَرَ وَجَعًا بِهِ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ (عليه السلام) إِنَّا لَنَفْرَحُ لِفَرَحِكُمْ وَنَحْزَنُ لِحُزْنِكُمْ وَنَمْرُضُ لِمَرَضِكُمْ وَنَدْعُو لَكُمْ فَتَدْعُونَ فَنُؤْمِنُ قَالَ عَمْرٍو قَدْ عَرَفْتُ مَا قُلْتَ وَ لَكِنْ كَيْفَ نَدْعُو فَتُؤْمِنُ فَقَالَ إِنَّا سِوَاءَ عَلَيْنَا الْبَادِي وَالْحَاضِرُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) صَدَقَ عَمْرٍو.

بصائر: ابوربيع شامی گفت: به حضرت صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: از عمرو بن حمق حدیثی شنیده ام فرمود: بگو گفت: خدمت حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) رسیدم و در چهره آن جناب زردی مشاهده کرد گفت: این زردی از چیست؟ آن جناب اظهار يك ناراحتی کرد علی (علیه السلام) به او فرمود: ما شادمانیم برای شادی شما و محزون هستیم برای حزن شما و دعا می کنیم برای شما و دعا می کنید ما آمین می گوئیم. عمرو عرضه داشت: فهمیدم چه فرمودید، ولی چون دعا می کنیم شما آمین میگوئی؟ فرمود: برای ما مساوی است کسی که حضور داشته باشد و کسی که غایب باشد. (2)

ص: 790

- 1- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 259 باب 16 باب في الأئمة أنهم يعرفون من يمرض من شيعتهم و يحزنون و يدعون و يؤمنون على دعاء شيعتهم و هم غيب عنهم ح 1
- 2- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 260 باب 16 باب في الأئمة أنهم يعرفون من يمرض من شيعتهم و يحزنون و يدعون و يؤمنون على دعاء شيعتهم و هم غيب عنهم ح 2

أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَحَّامُ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي، قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْكُتْنُجِيُّ، عَنْ أَبِي عَاصِمٍ، عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: شِيعَتُنَا جُزْءٌ مِنَّا، خُلِقُوا مِنْ فَضْلِ طِينَتِنَا، يَسْوُؤُهُمْ مَا يَسْوُؤُنَا، وَيَسْرُهُمْ مَا يَسْرُنَا، فَإِذَا أَرَادْنَا أَحَدًا فَلْيَقْصِدْهُمْ فَإِنَّهُمْ الَّذِينَ يُوصَلُ مِنْهُ إِلَيْنَا.

امام صادق(عليه السلام) فرمودند: شیعیان ما جزئی از ما هستند که از باقی مانده ی طینت ما آفریده شده اند. هر آنچه ما را اندوهگین سازد، آنان را نیز غمگین می سازد، و هر آنچه ما را شادمان سازد، آنان را نیز شادمان می گرداند. پس هر که ما را می طلبد، باید به آنان توجه و نیکی نماید. چرا که از طریق ایشان به ما می رسد. (1)

با غم و اندوه شیعیان اندوهناک میشوند

رَوَيْنَاهَا بِإِسْنَادِنَا الَّذِي ذَكَرْنَا مِنْ عِدَّةِ طُرُقٍ إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرٍ الطُّوسِيِّ عَنِ الْمُفِيدِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِي جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَ رَوَيْنَاهَا أَيْضاً بِإِسْنَادِنَا إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ عَنِ أَبِي الْحُسَيْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ مُوسَى الْأَهْوَازِيِّ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطْرَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا حُسَيْنُ بْنُ أَيُّوبَ الْخَثْعَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ عَطِيَّةَ بْنِ نَجِيحِ بْنِ

ص: 791

الْمُطَهَّرِ الرَّازِيِّ وَإِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارِ الصَّيْرَفِيِّ قَالَا مَعًا إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) كَتَبَ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ حِينَ حُمِلَ هُوَ وَأَهْلُ بَيْتِهِ يُعَزُّ بِهِ عَمَّا صَارَ إِلَيْهِ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ وَالذُّرِّيَّةِ الطَّيِّبَةِ مِنْ وَدَادِ أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ أَمَّا بَعْدُ فَلَنْ كُنْتَ تَقْرَدُ أَنْتَ وَأَهْلُ بَيْتِكَ مِمَّنْ حُمِلَ مَعَكَ بِمَا أَصَابَكُمْ مَا انْقَرَدَتْ بِالْحُزْنِ وَالْغَبْطَةِ وَالْكَآبَةِ وَالْأَلِيمِ وَجَعِ الْقَلْبِ دُونِي فَلَقَدْ نَالَنِي مِنْ ذَلِكَ مِنَ الْجَزَعِ وَالْقَلْقِ وَحَرِّ الْمَصِيبَةِ مِثْلَ مَا نَالَكَ وَلَكِنْ رَجَعْتُ إِلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ بِهِ الْمُتَّقِينَ مِنَ الصَّبْرِ وَحُسْنِ الْعَزَاءِ حِينَ يَقُولُ لِنَبِيِّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) (وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا) (1)

امام صادق (عليه السلام) هنگامی که عبدالله بن حسن را به همراه خانواده اش (در زمان منصور دوانیقی) به زندان کوفه بردند، امام صادق (عليه السلام) نامه ای به او نوشته و به خاطر این پیش آمد با وی چنین اظهار همدردی فرمود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (این نامه ای است) [خطاب به بازمانده ی صالح و فرزند پاک (از نسل امام حسن (عليه السلام)) از طرف برادرزاده و پسر عمویش. اما بعد، اگر تنها تو و خانواده ات مبتلا به این گرفتاری شده اید. بدان که حزن و ناراحتی و اندوه خاطر و درد جانکاه آن، تنها برای تو نبوده و به همان مقدار که تو ناراحت و اندوهگین شده ای من نیز در ناراحتی و بی تابي و اندوه هستم، جز اینکه من به دستوری که خداوند به پرهیزکاران درباره ی صبرکردن و شکیبایی نیکو داده توجه می نمایم، آنجا که خطاب به پیامبر (صلي الله عليه و آله) می فرماید: (وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا) (2)

ص: 792

1- الطور آية 48

2- إقبال الأعمال (ط - القديمة) ج 2 ص 579 فصل فيما نذكره مما ينبغي أن يكون الإنسان عليه يوم عاشوراء من الأسباب التي تقر به إلى الله جل جلاله وإلى رسوله ح 2



حَمْدَوِيهِ وَ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ، عَنْ فَضِيلِ الرَّسَّانِ، عَنْ أَبِي عَمَرَ الْبَزَّازِ، قَالَ سَمِعْتُ الشَّعْبِيَّ، وَ هُوَ يَقُولُ وَ كَانَ إِذَا عَدَا إِلَى الْفَضَاءِ جَلَسَ فِي مَكَانِي فَإِذَا رَجَعَ جَلَسَ فِي مَكَانِي، فَقَالَ لِي ذَاتَ يَوْمٍ يَا أَبَا عَمَرَ إِنَّ لَكَ عِنْدِي حَدِيثًا أَحَدْتُكَ بِهِ! قَالَ قُلْتُ لَهُ يَا أَبَا عَمَرَ مَا زَالَ لِي صَالَةً عِنْدَكَ، قَالَ، فَقَالَ: لِي لَا أُمَّ لَكَ فَأَيُّ صَالَةٍ تَقَعُ لَكَ عِنْدِي، قَالَ، فَأَبَى أَنْ يُحَدِّثَنِي يَوْمَئِذٍ، قَالَ: ثُمَّ سَأَلْتُهُ بَعْدَ فَقُلْتُ يَا أَبَا عَمَرَ حَدِّثْنِي بِالْحَدِيثِ الَّذِي قُلْتَ لِي قَالَ سَمِعْتُ الْحَارِثَ الْأَعْوَرَ وَ هُوَ يَقُولُ أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا (عليه السلام) ذَاتَ لَيْلَةٍ فَقَالَ يَا أَعْوَرَ مَا جَاءَكَ قَالَ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاءَ بِي وَ اللَّهُ حُبُّكَ، قَالَ، فَقَالَ أَمَا إِنِّي سَأَحَدُّكَ لَسَدِّ كَرَاهَا أَمَا إِنَّهُ لَا يَمُوتُ عَبْدٌ يُحِبُّنِي فَتَخْرُجُ نَفْسُهُ حَتَّى يَرَانِي حَيْثُ يُحِبُّ وَ لَا يَمُوتُ عَبْدٌ يُبْغِضُنِي فَتَخْرُجُ نَفْسُهُ حَتَّى يَرَانِي حَيْثُ يَكْرَهُ. قَالَ، ثُمَّ قَالَ لِي الشَّعْبِيُّ بَعْدَ أَمَا إِنَّ حُبَّهُ لَا يَنْفَعُكَ وَ بُغْضُهُ لَا يَضُرُّكَ.

.... حارث همداني مي گوید: شبی دیر هنگام به محضر امیرالمومنین (علیه السلام) رسیدم. حضرت فرمودند: چه چیز تورا این وقت شب به اینجا کشانده است؟ عرضه داشتم: به خدا سوگند، محبت شما. فرمود: اینک برایت حدیثی گویم تا شکرش را به جای آوری. آگاه باش که هر بنده ای که مرا دوست بدارد، هنگام مرگ مرا همانطور که دوست داشته می بیند و هر بنده ای که مرا دشمن بدارد، هنگام مرگ مرا همانطور که دشمن داشته می بیند. (1)

ص: 794

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقَبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا عُقَبَةُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَمَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ أَنْ يَرَى مَا تَقْرُبُهُ عَيْنُهُ إِلَّا أَنْ تَبْلُغَ نَفْسُهُ إِلَى هَذِهِ ثُمَّ أَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى الْوَرِيدِ ثُمَّ اتَّكَأَ وَكَانَ مَعِيَ الْمُعَلَّى فَعَمَزَنِي أَنْ أَسْأَلَهُ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَإِذَا بَلَغَتْ نَفْسُهُ هَذِهِ أَيَّ شَيْءٍ يَرَى فَقُلْتُ لَهُ بِضْعَ عَشْرَةَ مَرَّةً أَيَّ شَيْءٍ فَقَالَ فِي كُلِّهَا يَرَى وَلَا يَزِيدُ عَلَيْهَا ثُمَّ جَلَسَ فِي آخِرِهَا فَقَالَ يَا عُقَبَةُ فَقُلْتُ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ فَقَالَ أَتَيْتَ إِلَّا أَنْ تَعْلَمَ فَقُلْتُ نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّمَا دِينِي مَعَ دِينِكَ فَإِذَا ذَهَبَ دِينِي كَمَا كَانَ ذَلِكَ كَيْفَ لِي بِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كُلَّ سَاعَةٍ وَبَكَيْتُ فَرَقَّ لِي فَقَالَ يَرَاهُمَا وَاللَّهِ فَقُلْتُ بِأَبِي وَأُمِّي مَنْ هُمَا قَالَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَعَلِيٌّ (عليه السلام) يَا عُقَبَةُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ مُؤْمِنَةٌ أَبَدًا حَتَّى تَرَاهُمَا فَقُلْتُ فَإِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِمَا الْمُؤْمِنُ أَيْرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا فَقَالَ لَا يَمُضِي أَمَامَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمَا مَضَى أَمَامَهُ فَقُلْتُ لَهُ يُقُولَانِ سَدِينًا قَالَ نَعَمْ يَدْخُلَانِ جَمِيعًا عَلَى الْمُؤْمِنِ فَيَجْلِسُ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَعِنْدَ رَأْسِهِ وَعَلِيٌّ (عليه السلام) عِنْدَ رِجْلَيْهِ فَيَكُفُّ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَمَّا رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَإِنِّي خَيْرٌ لَكَ مِمَّا تَرَكْتَ مِنَ الدُّنْيَا ثُمَّ يَنْهَضُ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَاللَّهُ أَكْبَرُ فَيَقُولُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَبَشِّرُ أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) الَّذِي كُنْتَ تُحِبُّهُ أَمَا لَا تَفْعَعْنَكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ هَذَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قُلْتُ أَتَيْنَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قَالَ فِي يُونُسَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هَاهُنَا (الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)



عقبه گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای عقبه! خداوند در روز قیامت هیچ چیز را از بندگانش نمی پذیرد، مگر این امر (ولایت) را که شما شیعیان بر آن هستید و هیچ یک از شما نخواهید دید آنچه را که چشم او را روشن نماید، مگر زمانی که جان او به اینجا برسد. سپس با دست مبارک خود به شاهرگ خویش اشاره فرمود، آن گاه تکیه داده و نشست. معنی که همراه من بود، با چشم اشاره کرد که در این مورد از حضرتش بیشتر بپرسم. عرضه داشتم: ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هرگاه جان محضرت به این جا برسد چه چیزی را می بیند؟ بیش از ده بار پرسیدم: چه چیزی را می بیند؟ ولی امام (علیه السلام) در همه ی آنها فرمود: می بیند و چیزی بر آن نیفزود. سپس در آخرین پرسش نشست و فرمود: ای عقبه! عرضه داشتم: آری بفرمایید. فرمود: گویی دست نخواهی کشید مگر پاسخ سوال را بدانی؟ عرضه داشتم: آری، ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دین من فقط دین شماست. هرگاه دین من برود، میان من و شما جدایی خواهد افتاد. چگونه می توانم در حضور شما باشم و پاسخ خویش را نگیریم؟ سپس گریان شدم. حضرت چون چنین دید دلش به حال سوخت و فرمود: به خدا سوگند! آن دورا می بیند. عرضه داشتم: پدر و مادرم فدای شما باد! آن دو کیستند؟ فرمود: آنها رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرالمومنین (علیه السلام) هستند. ای عقبه! هیچ مومنی نمی میرد مگر این که آنها را می بیند. عرضه داشتم: هرگاه مومن ایشان را چنین ببیند آیا دوباره به دنیا بازمی گردد؟ حضرت فرمود: نه، به جلو پیش خواهد رفت، هرگاه ایشان را ببیند. عرضه داشتم: آیا چیزی به او می گویند؟ حضرت فرمودند: آری، هر دو باهم نزد مومن آیند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در کنار سر و علی (علیه السلام) در کنار پای او خواهد نشست، رسول خدا رو به او می کند و می فرماید: ای دوست خدا! بشارت باد بر تو! من رسول خدایم. من از آنچه که از دنیا ترک کرده ای برای تو بهترم. سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر می خیزد و امیرالمومنین (علیه السلام) به پا خواسته رو به او می کند و می فرماید: ای

دوست خدا! بشارت باد بر تو من علي بن ابيطالبم، آن کسی که او را دوست می داشتی. آگاه باش که به تو سود خواهیم رساند. سپس امام صادق(علیه السلام) فرمود: این حقیقت در کتاب خدای متعال مذکور است. عرضه داشتیم: خداوند مرا فدای تو گرداند. در کجای کتاب خداست؟ فرمود: در سوره یونس، آن جا که خدای متعال می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)(1) آن کسانی که ایمان آورده و پرهیزکار شدند، برای آنها بشارت باد در زندگی دنیا و آخرت و کلمات خداوند را تغییری نیست و این همان رستگاری بزرگ است. (2)

ص: 797

---

1- . یونس الآیات 64 و 63

2- . الکافی (ط - الإسلامية) ج 3 ص 128 باب ما یعیان المؤمن و الکافر ح 1



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شَرَّفَتْ بِهِ مَكَّةُ وَ مِنْى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَ كَهْفَ الْفُقَرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ وَ زُوِّجَ فِي السَّمَاءِ بِسَيِّدَةِ النَّسَاءِ، وَ كَانَ شُجُودَهَا الْمَلَائِكَةُ السَّفَرَةَ الْبَرَّةَ الْأَصْدَقِيَاءِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الضِّيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزِيلِ الْحِبَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَاتَ عَلَى فِرَاشِ خَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ وَ وَقَاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ فَسَامَى شَمْعُونُ الصَّفَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْجَى اللَّهُ سَفِينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَخِيهِ حَيْثُ التَّطَمَّ الْمَاءَ حَوْلَهَا وَ طَمَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَابَ اللَّهُ بِهِ وَ بِأَخِيهِ عَلَى آدَمَ إِذْ غَوَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَدْلَكَ النَّجَاةَ الَّذِي مَنْ رَكِبَهُ نَجَى وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ هَوَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَاطَبَ الثُّعْبَانَ وَ ذُنِبَ الْفَلَاحِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

سلام بر تو ای آنکه مکه و منی به تو شرافت و احترام یافت سلام بر تو ای دریای علوم و پناه فقیران به حق سلام بر تو ای آنکه در خانه کعبه متولد شدی و عقد تزویج در آسمان با سید زنان عالم بسته شد و شاهدان این عقد ملائکه برگزیده خدا بودند سلام بر تو ای چراغ روشن سلام بر تو ای آنکه پیغمبرت به عطای بزرگ مخصوص کرد سلام بر تو ای آنکه بر خوابگاه پیغمبر خاتم رسولان خفتی و به جان خود دفع شر دشمنان از وجود شریفش کردی سلام بر تو ای آنکه آفتاب برای تو از مغرب بازگشت تا تو بر شمعون الصفا برتری یافتی سلام بر تو ای آنکه خدا به نام مبارک تو و برادرت کشتی نوح (علیه السلام) را از دریا نجات داد هنگامی که از امواج و تلاطم دریا به خطر افتاد سلام بر تو ای آنکه خدا به واسطه ی او و

برادرش توبه آدم (علیه السلام) صفی را پذیرفت آنگاه که به غویت و عصیان در افتاد سلام بر تو ای کشتی نجات امت که هر که در این کشتی نجات درآمد نجات یابد و هر که از آن باز ماند هلاک شود سلام بر تو ای آنکه با گرگ صحرا خطاب کرد سلام بر تو ای امیر اهل ایمان و رحمت و برکات الهی بر تو باد.... (1)

الْمَزَارُ الْقَدِيمُ، رُوِيَ عَنْ مَوْلَانَا مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ (عليه السلام)

أَنَّهُ قَالَ مَضَيْتُ مَعَ وَالِدِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) إِلَى قَبْرِ جَدِّي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) بِالنَّجَفِ بِنَاحِيَةِ الْكُوفَةِ فَوَقَفَ عَلَيْهِ ثُمَّ بَكَى وَقَالَ السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ وَ خَلِيلِ الثُّبُورِ وَ الْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّةِ السَّلَامِ عَلَى يَعْسُوبِ الْإِيمَانِ وَ مِيزَانَ الْأَعْمَالِ وَ سَيْفِ ذِي الْجَلَالِ السَّلَامِ عَلَى صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ الْحَاكِمِ فِي يَوْمِ الدِّينِ السَّلَامِ عَلَى شَجَرَةِ التَّقْوَى السَّلَامِ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ وَ نِعْمَتِهِ السَّابِغَةِ وَ نِقْمَتِهِ الدَّامِغَةِ السَّلَامِ عَلَى الصِّرَاطِ الْوَاضِحِ وَ النَّجْمِ اللَّائِحِ وَ الْإِمَامِ النَّاصِحِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ ثُمَّ قَالَ أَنْتَ وَسِ يَلْتِي إِلَى اللَّهِ وَ ذَرِيعَتِي وَ لِي حَقُّ مُوَالَاتِي وَ تَأْمِيلِي

فَكُنْ لِي شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْوُقُوفِ عَلَى قَضَاءِ حَاجَتِي وَ هِيَ فَكَأَنَّكَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ وَ اصْدِرْ فِينِي فِي مَوْقِفِي هَذَا بِالتُّجْحِ وَ بِمَا سَأَلْتُهُ كُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَ قُدْرَتِهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً وَ لُبّاً رَاجِحاً وَ قَلْباً زَاكِياً وَ عَمَلاً كَثِيراً وَ أَدَباً بَارِعاً وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِي وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

سلام بر پدر امامان و دوست نبوت و تنها برادر رسول خدا (صلي الله عليه و آله) سلام بر رئيس ايمان و ترازوي اعمال و شمشير خداي بزرگ، سلام بر شايسته ترين اهل ايمان، جانشين دانش پيامبران و حاكم در روز جزا سلام بر درخت تقوي سلام بر حجت رساي خدا و نعمت كامل او و انتقام كوينده اش سلام بر راه روشن و ستاره فروزان و

ص: 800

پیشوای خیرخواه رحمت و برکات خدا بر او باد تویی وسیله و سببمبه سوی خدا و مراست حق دوستی و آرزومندی به درگاه خدای عزوجل، پس شفیع من باش در ایستادگی در برآوردن حاجاتم و آن حاجت آزادی ام از آتش است و مرا از این جایگاه با موفقیت بازگردان و به دست آوردن همه آنچه خواسته ام، به حق رحمت و قدرتش. خدایا عقلم کامل و مغزی ممتاز و دلی پاک و عملی بسیار و ادبی برتر نصیب کن و همه این هارا به سود من قرار ده نه زیانم، به مهربانی ات ای مهربانترین مهربانان. (1)

## شفاعت

ص: 801

---

1- . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج 10 ص 222 باب 21 باب استحباب زیارة أمير المؤمنين و الأئمة ع بالزیارات المأثورة ح 11900

فَرَأَتْ قَالَتْ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعَنَّأً عَنْ حَرْبِ بْنِ شَرِيحِ الْبَصَرِيِّ قَالَ قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَيُّ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَزْجَى قَالَ مَا يَقُولُ فِيهَا قَوْمُكَ قَالَ قُلْتُ يَقُولُونَ (يَا عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ) (1) قَالَ لَكِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ [بَيْت] لَا نَقُولُ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ فَأَيْسَ [فَأَيَّ سَيِّئٍ] تَقُولُونَ فِيهَا قَالَ نَقُولُ (وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) (2) الشَّفَاعَةَ وَاللَّهُ الشَّفَاعَةُ وَاللَّهُ الشَّفَاعَةُ

امام باقر (عليه السلام) از بشر بن شريح بصري نقل شده كه گفت: به امام باقر (عليه السلام) عرضه داشتيم: اميدوار كننده ترين آيه ي قرآن کدام است؟ امام (عليه السلام) فرمود: اطرافيات در اين باره چه نظري دارند؟ عرضه داشتيم: معتقدند اميدوار كننده ترين آيه، اين آيه است بگو اي بندگان من كه بر خود اسراف و ستم کرده ايد! از رحمت خداوند نوميد نشويد امام (عليه السلام) فرمود: ولي ما اهل بيت (عليهم السلام) چنين نظري نداريم عرضه داشتيم: پس نظر شما در اين باره چيست؟ امام (عليه السلام) فرمود: ما معتقديم (اميدوار كننده ترين آيه، اين آيه است) (وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى) (مراد از اين مرثده، مقام) شفاعت است، به خدا سوگند شفاعت است! به خدا سوگند شفاعت است. (3)

ص: 802

1- . الزمر آية 53

2- . الضحى آية 5

3- . تفسير فرات الكوفي ص 571 [سورة الضحى (93): الآيات 4 الى 11] ح 734

باب چهل ويكم: قطره اي از دريائي فضائل فخر دو عالم فاطمه الزهرا

اشاره

ص: 803





چرا ایشان را فاطمه سلام الله عليها نامیدند.

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلَوِيَّةَ الْأَصْبَهَانِيَّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ جَنْدَلِ بْنِ وَالِقِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمَرَ الْبَصْرِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) يَا فَاطِمَةُ (عليها السلام) أَ تَدْرِينَ لِمَ سُمِّيتِ فَاطِمَةَ فَقَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) لِمَ سُمِّيتِ قَالَ: لِأَنَّهَا فُطِمتْ هِيَ وَ شِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله): فاطمه (عليها السلام)، فاطمه نامیده شد، زیرا خداوند او و شیعیانش را از آتش جهنم دور نگاه می دارد. (1)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ السُّكَّرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْغَلَابِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَيْرٍ الْحَنْفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا بِشْرُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْأَنْصَارِيُّ عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنِ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: إِنَّمَا سُمِّيتِ فَاطِمَةُ (عليها السلام) فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ.

ابو هریره گوید: دختر گرامی رسول خدا (صلي الله عليه و آله) بدین جهت فاطمه (عليها السلام) نامیده شد که خداوند عز و جل کسی را که فاطمه (عليها السلام) را دوست داشته باشد، از آتش جهنم برکنار خواهد کرد. (2)

قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله) لِفَاطِمَةَ (عليها السلام) شَقَّ اللَّهُ لَكَ يَا فَاطِمَةُ (عليها السلام) اسماً مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ الْفَاطِرُ وَ أَنْتِ فَاطِمَةُ (عليها السلام).

ص: 805

1- . علل الشرائع ج 1 ص 179 باب 142 العلة التي من أجلها سميت فاطمة ع فاطمة ح 5

2- . معاني الأخبار النص 64 باب معاني أسماء محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و الأئمة ع ح 14

پیامبر خدا(صلي الله عليه و آله) به حضرت فاطمه(عليها السلام) فرمودند: خداوند برای تو نامی که از نام های خود مشتق گردیده، قرار داده است زیرا نام او فاطر است و تو فاطمه(عليها السلام) هستی. (1)

وَرُوي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ لِفَاطِمَةَ (عليها السلام) تِسْعَةَ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاطِمَةُ وَ الصَّديقَةُ وَ الْمُبارَكَةُ وَ الطَّاهِرَةُ وَ الرِّزِيقَةُ وَ الرِّضِيَّةُ وَ المُرَضِيَّةُ وَ المُحَدَّثَةُ وَ الزَّهْرَاءُ قَالَ وَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ (عليها السلام) لِأَنَّهَا فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ وَ لَوْ لَا عَلِيُّ (عليه السلام) لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌّ فِي الْأَرْضِ

ابی عبد الله(عليه السلام) روایت کند که فاطمه(عليها السلام) را نزد حق تعالی نه نام است: فاطمه، و صدیقه و مبارکه، و طاهره، و زکیه، و رضیه، و مرضیه، و محدثه، و زهرا و تسمیه او به فاطمه(عليها السلام) از جهت آنست که جدا گشته از شر و شر از او باز گرفته شده، و اگر علی(عليه السلام) بوجود نمی آمد او را کفوی در زمین نمی بود. (2)

وَ بِإِسْنَادِهِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله)

يَقُولُ: إِنِّي سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ (عليها السلام)

لِأَنَّهَا فُطِمَتْ وَ ذُرِّيَّتُهَا مِنَ النَّارِ، مَنْ لَقِيَ اللَّهَ مِنْهُمْ بِالتَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِمَا جِئْتُ بِهِ.

شیخ طوسی در امالی، به سندش از امام علی بن ابی طالب(عليه السلام): از رسول خدا(صلي الله عليه و آله) شنیدم که می فرموده: دخترم فاطمه(عليها السلام) نامیده شده زیرا خداوند تعالی او و ذریه اش را از آتش جهنم نجات بخشیده است مشروط بر اینکه در زمان ملاقات پروردگارش به توحید و آنچه از جانب پروردگارش آمده ایمان داشته باشند. (3)

ص: 806

1- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 43 ص 15 باب 2 أسمائها و بعض فضائلها ذیل حدیث 13

2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 463 منزلتها عند النبي

3- . الأمالي (للطوسي) النص 570 [22] مجلس يوم الجمعة السابع عشر من صفر سنة سبع و خمسين و أربعمائة ح 5



أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ سَهْلٍ الصَّقَلِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الدَّارِمِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَرَمَزَانِيِّ عَنْ ابْنِ بَنِي تَغْلِبٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) لِمَ سَمَّيْتَ الزَّهْرَاءَ (عليها السلام) زَهْرَاءَ فَقَالَ لِأَنَّهَا تَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فِي النَّهَارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِالنُّورِ....

ابان بن تغلب: محضر امام صادق (عليه السلام) عرضه داشتيم: اي فرزند رسول خدا (صلي الله عليه و آله) براي چه حضرت زهرا (عليها السلام) به زهراء موسوم گرديد؟ امام (عليه السلام) فرمودند: زيرا زهرا (عليها السلام) در روز سه مرتبه با سه نور مختلف براي امير المؤمنين (عليه السلام) مي درخشيد. (1)

الْحَسَنُ بْنُ زَيْدٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) لِمَ سَمَّيْتَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءَ (عليها السلام) قَالَ لِأَنَّ لَهَا فِي الْجَنَّةِ قُبَّةً مِنْ ياقوتة حمراء ارتفاعها في الهواء مسيرة سنة معلقة بقدره الجبار لا علاقة لها من فوقها فتُمسكها ولا دعامة لها من تحتها فتلزمها لها مائة ألف بابٍ و على كل باب ألف من الملائكة يراها أهل الجنة كما يرى أحدكم الكوكب الدرّي الزاهر في أفق السماء فيقولون هـذه الزهراء لفاطمة (عليها السلام)

حسن بن زيد: به امام صادق (عليه السلام) گفتم: چرا فاطمه (عليها السلام) زهرا ناميده شد؟ فرمود: زيرا او قصری از ياقوت سرخ در بهشت دارد که ارتفاع آن به اندازه يك سال راه است و آن به قدرت خدا در هوا معلق مانده است، و آن قصر دارای صد هزار در است و بر هر دری هزار ملك ايستاده است. اهل بهشت اين قصر را چنان می بينند که شما ستاره ها را، پس می گویند: اين قصر درخشان به فاطمه (عليها السلام) تعلق دارد. (2)

ص: 808

- 1- . علل الشرائع ج 1 ص 180 باب 143 باب العلة التي من أجلها سميت فاطمة الزهراء زهراء ح 2
- 2- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 330 فصل في منزلتها عند الله تعالى

أَبُو هَاشِمٍ الْعَسَدِيُّ سَأَلَتْ صَاحِبَةَ الْعَسَدِ كَرِيمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) لِمَ سَمَّيْتَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فَقَالَ كَانَ وَجْهَهَا يَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مِثْلَ النَّهَارِ كَالشَّمْسِ الصَّاحِيَةِ وَعِنْدَ الزَّوَالِ كَالْقَمَرِ الْمُتَبَيِّنِ وَعِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِّيِّ

ابو هاشم عسکری گوید: از امام حسن عسکری (علیه السلام) پرسیدم: چرا حضرت فاطمه (علیها السلام) را زهرا نامیدند؟ فرمود: زیرا چهره او برای امیر المؤمنین (علیه السلام) در اول روز مانند آفتاب روشن و به هنگام زوال مانند ماه درخشان و به هنگام غروب آفتاب مانند ستاره می درخشید. (1)

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ سَهْلٍ الصَّقَلِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الدَّارِمِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَرَمَزَانِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِمَ سَمَّيْتَ الزَّهْرَاءَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) زَهْرَاءَ فَقَالَ لِأَنَّهَا تَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي النَّهَارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِالنُّورِ كَانَ يَزْهَرُ نُورٌ وَجْهَهَا صَالَاةَ الْغَدَاةِ وَالنَّاسُ فِي فُرْشِهِمْ فَيَدْخُلُ بِيَاضِ ذَلِكَ النُّورِ إِلَى حُجْرَاتِهِمْ بِالْمَدِينَةِ فَيَتَبَيَّنُ حَيْطَانُهُمْ فَيَعْجَبُونَ مِنْ ذَلِكَ فَيَأْتُونَ النَّبِيَّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَيَسْأَلُونَهُ عَمَّا رَأَوْا فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فَيَأْتُونَ مَنْزِلَهَا فَيَرَوْنَهَا قَاعِدَةً فِي مِحْرَابِهَا تُصَلِّيُ وَالنُّورُ يَسْطَعُ مِنْ مِحْرَابِهَا مِنْ وَجْهَهَا فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْهُ كَانَ مِنْ نُورِ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فَإِذَا نَصَفَ النَّهَارُ وَتَرْتَبَتْ لِلصَّلَاةِ زَهْرٌ وَجْهَهَا بِالصُّفْرَةِ فَتَدْخُلُ الصُّفْرَةَ حُجْرَاتِ النَّاسِ فَتَصْفَرُّ ثِيَابُهُمْ وَالْوَأْنُ فَيَأْتُونَ النَّبِيَّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَيَسْأَلُونَهُ عَمَّا رَأَوْا فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فَيَرَوْنَهَا قَائِمَةً فِي مِحْرَابِهَا وَقَدْ زَهَرَ نُورٌ وَجْهَهَا فَإِذَا كَانَ آخِرُ النَّهَارِ وَغَرَبَتِ الشَّمْسُ احْمَرَّ

ص: 809

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 330 فصل في منزلتها عند الله تعالى

وَجْهَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) فَأَشْرَقَ وَجْهَهَا بِالْحُمْرَةِ فَرِحًا وَشَدَّ كُرًّا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَكَانَ يَدْخُلُ حُمْرَةً وَجْهَهَا حُجْرَاتِ الْقَوْمِ وَتَحْمَرُّ حَيْطَانُهُمْ فَيَعْجَبُونَ مِنْ ذَلِكَ وَيَأْتُونَ النَّبِيَّ (صلي الله عليه وآله) وَيَسْأَلُونَهُ عَنْ ذَلِكَ فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ (عليها السلام) فَيَرَوْنَهَا جَالِسَةً تُسَبِّحُ اللَّهَ وَتُمَجِّدُهُ وَنُورٌ وَجْهَهَا يَزْهَرُ بِالْحُمْرَةِ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْا كَانَ مِنْ نُورِ وَجْهِ فَاطِمَةَ (عليها السلام) فَلَمْ يَزَلْ ذَلِكَ النُّورُ فِي وَجْهَهَا حَتَّى وُلِدَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) فَهُوَ يَتَقَلَّبُ فِي وَجْهِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِمَامٍ بَعْدَ إِمَامٍ

شیخ صدوق در علل الشرائع از ابان بن تغلب روایت کرده: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! چرا فاطمه را «زهرا» نامیدند؟ گفت: برای اینکه نور حضرت فاطمه (علیها السلام) روزی سه مرتبه برای امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) جلوه می کرد: نور او به هنگام اقامه نماز صبح در حالی که مردمان در خواب بودند، چنان می درخشید که سفیدی آن داخل خانه های مدینه می گردید و فضای خانه ها را روشن می نمود، آنان از این نور تعجب می کردند و به سوی رسول خدا (صلي الله عليه وآله) می شتافتند تا در باره منشأ آن نور سؤال کنند، و رسول خدا (صلي الله عليه وآله) آنها را به جانب خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) متوجه می کرد، و هنگامی که آنان به سوی خانه ایشان نگاه می کردند می دیدند که فاطمه (علیها السلام) در محراب عبادت قرار گرفته و نوری از محراب ساطع می شود، و آنگاه در می یافتند که نور مذکور همان نوری است که از فاطمه (علیها السلام) ساطع می گردد. هنگامی که ظهر فرا می رسید و فاطمه (علیها السلام) آماده نماز می گردید نور زردی از چهره وی ساطع می گردید و داخل خانه های اهل مدینه می شد به طوری که در و دیوار خانه ها، و لباس و رنگ ایشان همه به زردی می گرایید، پس هر گاه از آن نور پرسش می نمودند، رسول خدا (صلي الله عليه وآله) ایشان را روانه خانه فاطمه (علیها السلام) می کرد و آنان می دیدند که دختر پیامبر (صلي الله عليه وآله) در میان محراب مشغول عبادت است و این نور از وی

ساطع می گردد. و هنگامی که آفتاب غروب می کرد چهره فاطمه (علیها السلام) به سرخی می گرایید و نور قرمزی از او ساطع می شد و فاطمه (علیها السلام) از این امر خوشحال گردیده شکر خدا را به جای می آورد، پس آن نور داخل خانه های مردمی گردید و تمام آنها را سرخفام می نمود، مردم مدینه از این امر تعجب می کردند و در باره آن با یک دیگر به گفتگو می پرداختند و هر که نظری می داد، بنا بر این نزد رسول خدا (صلي الله عليه و آله) می آمدند و علت آن را جویا می شدند و رسول خدا (صلي الله عليه و آله) ایشان را به سوی خانه فاطمه (علیها السلام) می فرستاد و آنها می دیدند که فاطمه (علیها السلام) در محراب به عبادت ایستاده و آن نور از صورت وی ساطع می گردد و می فهمیدند که منشأ آن نور از کجاست. پس آن نور در چهره فاطمه باقی بود تا زمانی که حسین (علیه السلام) از وی متولد گردید و آن نور به او منتقل شده و به ما رسیده است و همچنان در نزد ما خواهد بود، امامی بعد از امام دیگر، تاقیامت فرارسد. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ فَاطِمَةَ (عليها السلام) لِمَ سُمِّيَتْ زَهْرَاءَ فَقَالَ لِأَنَّهَا كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا زَهْرٌ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ.

ابن عماره گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: چرا حضرت فاطمه (علیها السلام) زهرا نامیده شد؟ فرمود: زیرا وقتی آن حضرت در محراب عبادت می ایستاد نورش بر اهل آسمان ها می تابید، آنچنان که نور اختران آسمان بر ساکنین زمین. (2)

وَ قَدْ رُوِيَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ الزَّهْرَاءَ (عليها السلام) لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمَتِهِ.

ص: 811

1- . علل الشرائع ج 1 ص 180 باب 143 باب العلة التي من أجلها سميت فاطمة الزهراء ع زهراء ح 2

2- . معاني الأخبار النص 64 باب معاني أسماء محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و الأئمة ح 15



و روایت شده است: از جابر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده به این علت زهرا (علیها السلام) نام گذارده شد که خداوند عز و جل آن بانورا از نور با عظمت خود آفرید. (1)

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَعْقِلٍ الْقُرْمِسِينِي [الْقُرْمِيسِيْنِي] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ الْجَزْرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهَائِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ قُلْتُ لَهُ لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (عَلَيْهَا السَّلَام) زَهْرَاءَ فَقَالَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمَتِهِ فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ بِنُورِهَا وَغَشِيَتْ أَبْصَارَ الْمَلَائِكَةِ وَخَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِلَّهِ سَاجِدِينَ وَقَالُوا إِلَهَنَا وَسَيِّدَنَا مَا لِهَذَا النُّورِ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي أَسَدَ كُنْتُهُ فِي سَمَائِي خَلَقْتُهُ مِنْ عَظْمَتِي أَخْرَجْتُهُ مِنْ صُلْبِ نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِي أَفْضَلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَخْرَجَ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أَيْمَةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي يَهْدُونَ إِلَى حَقِّي وَأَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي فِي أَرْضِي بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِي

و روایت کند که وجه تسمیه زهرا (علیها السلام) را از ابی جعفر (علیه السلام) پرسیدند فرمود که خدای تعالی خلق کرد زهرا (علیها السلام) را از نور عظمت خود چون آن نور درخشیدن گرفت تمام آسمان ها و زمین را روشن گردانید و چشم های ملائکه بی نور گشت به یکباره به سجده افتادند و گفتند ای اله و سید ما این چه نور است؟ وحی آمد به ایشان که این نوریست از نور من که ساکن گردانیده بودم آن را در سماء خود و آفریده از عظمت خود که بیرون آورم او را از صلب پیغمبری از پیغمبران خودم که تفضیل نهاده ام او را بر جمیع انبیا و از این نور بیرون آرم امامانی که قیام نمایند به امر من و هدایت کنند خلق را به حق من و خلیفه باشند در زمین من بعد از انقضای وحی من. (2)

ص: 812

- 1- . معانی الأخبار النص 64 باب معانی أسماء محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين و الأئمة ح 16
- 2- . علل الشرائع ج 1 ص 179 باب 143 باب العلة التي من أجلها سميت فاطمة الزهراء ع زهراء ح 1



رُوِيَ فِي مَقَاتِلِ الطَّالِبِيِّينَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ (عليه السلام) أَنَّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) كَانَتْ تُكْنَى أُمَّ أَبِيهَا

ابو الفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبیین از امام باقر (عليه السلام) روایت کرده همانا کنیه فاطمه (عليها السلام) ام ابیها یعنی مادر پدر بوده است. (1)

طاهرهمصباح الأنوار، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ آبَائِهِ قَالَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ (عليها السلام) بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) الطَّاهِرَةَ لِطَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَطَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ رَفَثٍ وَمَا رَأَتْ قَطُّ يَوْمًا حُمْرَةً وَلَا نَفَاسًا

شیخ هاشم بن محمد در مصباح الانوار از امام باقر (عليه السلام) و او از پدران بزرگوارش روایت نموده است: فاطمه (عليها السلام) دختر رسول خدا (صلي الله عليه وآله) را به سبب پاک بودنش از هر ننگ و پلیدی، طاهره نامیدند، و او هرگز حیض و نفاس ندید. (2)

ص: 814

1- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 43 ص 19 باب 2 أسمائها و بعض فضائلها ح 19

2- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 43 ص 19 باب 2 أسمائها و بعض فضائلها ح 20

وَعنه قَالَ عُبَيْدُ الْهَرَوِيُّ فِي الْغُرَبِيِّنِ سَمِيَتْ مَرْيَمَ (عليها السلام) بَتُولًا لِأَنَّهَا بَاتَتْ عَنِ الرَّجَالِ وَ سَمِيَتْ فَاطِمَةَ (عليها السلام) بَتُولًا لِأَنَّهَا بَاتَتْ عَنِ النَّظِيرِ

ابو عبید هروی در غریبین گوید: حضرت مریم (علیها السلام) را از آن جهت «بتول» نامیدند که به مردان تمایلی نداشت و فاطمه (علیها السلام) را به آن سبب «بتول» گفتند که مثل و نظیر نداشت. (1) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ أَسَدٍ بَاطِلٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْقَطَّانِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الطَّيِّبِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَيْسَى بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ (صلي الله عليه وآله) سئِلَ مَا الْبَتُولُ فَإِنَّا سَمِعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) تَقُولُ إِنَّ مَرْيَمَ (عليها السلام) بَتُولٌ وَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) بَتُولٌ فَقَالَ الْبَتُولُ الَّتِي لَمْ تَرَ حُمْرَةً قَطُّ أَي لَمْ تَحِضْ فَإِنَّ الْحَيْضَ مَكْرُوهٌ فِي بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ.

عیسی بن جعفر از پدران بزرگوارش از علی بن ابی طالب (علیه السلام) روایت کرده است که حضرت علی (علیه السلام) فرمود: از پیغمبر اکرم (صلي الله عليه وآله) پرسیدند معنای کلمه «بتول» (پاکدامن، دوشیزه) چیست؟ زیرا ما از شما شنیدیم که می فرمودید مریم (علیها السلام) و فاطمه (علیها السلام) «بتول» هستند، فرمودند: بتول آن زنی است که

هرگز خون حیض نبیند،

ص: 815

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 330 فصل في منزلتها عند الله تعالى

زیرا حیض برای دختران پیغمبران ناپسند است. (1)

کنیه های حضرت زهرا

و منه كُنَاهَا أُمُّ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ أُمُّ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ أُمُّ الْمُحَسِّنِ (عليه السلام) وَ أُمُّ الْأَيْمَةِ وَ أُمُّ أَبِيهَا وَ أَسْمَاؤُهَا عَلَى مَا ذَكَرَهُ أَبُو جَعْفَرٍ الْقُمِّيُّ فَاطِمَةَ (عليها السلام)

الْبَتُولُ الْحَصَانُ الْحُرَّةُ السَّيِّدَةُ الْعَذْرَاءُ الزَّهْرَاءُ الْحَوْرَاءُ الْمُبَارَكَةُ الطَّاهِرَةُ الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ الْمُحَدَّثَةُ مَرْيَمُ الْكُبْرَى الصِّدِّيقَةُ الْكُبْرَى وَ يُقَالُ لَهَا فِي السَّمَاءِ النَّوْرِيَّةُ السَّمَاوِيَّةُ الْحَانِيَّةُ

ابن شهر آشوب گوید: کنیه های حضرت فاطمه (علیها السلام) عبارتند از أُمُّ الْحَسَنِ (عليه السلام)، أُمُّ الْحَسَنِ (عليه السلام)، أُمُّ الْأَيْمَةِ (عليهم السلام)، أُمُّ أَبِيهَا و نام های او چنانچه شیخ صدوق گفته است عبارتند از: فاطمه، بتول، حصان، حرّه، سیده، عذراء، زهرا، حوراء، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدّثه، مریم کبری، صدیقه کبری، و در آسمان او را نوریّه سماویّه، و حانیه می نامند. (2)

و رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ لِفَاطِمَةَ (عليها السلام) تِسْعَةَ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاطِمَةُ وَ الصِّدِّيقَةُ وَ الْمُبَارَكَةُ وَ الطَّاهِرَةُ وَ الرَّضِيَّةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ الزَّهْرَاءُ قَالَ وَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّهَا فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ وَ لَوْلَا عَلَيٌّ لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌّ فِي الْأَرْضِ

فاطمه (علیها السلام) را نزد حق تعالی نه نام است فاطمه، و صدیقه و مبارکه، و طاهره، و زکیه، و رضیه، و مرضیه، و محدّثه، و زهرا و تسمیه او به فاطمه از جهت آنست که

ص: 816

1- . معاني الأخبار النص 64 باب معاني أسماء محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و الأئمة ح 17

2- . بحار الأنوار ج 43 ص 16 باب 2 أسمائها و بعض فضائلها ح 15

جدا گشته از شر و شر از او باز گرفته شده، و اگر علی (علیه السلام) بوجود نمی آمد او را کفوی در زمین نمی بود(1)

وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى مَلَكٍ فَأَنْطَقَ بِهِ لِسَانَ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) فَسَمَّاهَا فَاطِمَةَ ثُمَّ قَالَ إِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ وَفَطَمْتُكَ مِنَ الطَّمْثِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَاللَّهِ لَقَدْ فَطَمَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالْعِلْمِ وَعَنِ الطَّمْثِ فِي الْمِيثَاقِ

و از ابی جعفر (علیه السلام) مرویست که چون فاطمه (علیها السلام) زهرا متولد شد حق سبحانه و تعالی وحی فرستاد به فرشته که برود و به زبان محمد (صلي الله عليه وآله) با وی سخن گوید و نام او را فاطمه کند که من تو را جدا ساخته ام و ممتاز گردانیده از دیگر زنان به علم و باز گرفته ام از تو خون حیض را.(2)

و نَعُودُ إِلَى ذِكْرِ شَيْءٍ مِمَّا أُورِدَهُ ابْنُ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ قَالَ يَرْفَعُهُ إِلَى أَسْمَاءِ بِنْتِ عُمَيْسٍ قَالَتْ...

قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله): إِنَّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) خُلِقَتْ حُورِيَّةً فِي صُورَةِ إِنْسِيَّةٍ(3)

رسول خدا (صلي الله عليه وآله): فاطمه (علیها السلام) حوریه ایست که در صورت انسیه مخلوق شده

ص: 817

- 
- 1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 463 منزلتها عند النبي
  - 2- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 463 منزلتها عند النبي
  - 3- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 463 منزلتها عند النبي



حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْجَلِيلُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقَمِّيُّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْخَلِيلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ الْفَقِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عليه السلام) كَيْفَ كَانَ وَلَا دَةَ فَاطِمَةَ فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ خَدِيجَةَ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ هَجَرَتْهَا نِسْوَةً مَكَّةَ فَكَرَّ لَا يَدْخُلَنَّ عَلَيْهَا وَلَا يُسَلِّمَنَّ عَلَيْهَا وَلَا يَتْرُكُنَا مَرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحِشْتُ خَدِيجَةَ لِذَلِكَ وَكَانَ جَزَعُهَا وَغَمُّهَا حَذراً عَلَيْهِ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَتُصَبِّرُهَا وَكَانَتْ تَكْتُمُ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) يَوْمَافَسَّ مَعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ تُحَدِّثِينَ قَالَتِ الْجَنِينِ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَيُؤْنِسُنِي قَالَ يَا خَدِيجَةُ هَذَا جَبْرَيْلُ يُخْبِرُنِي [يُبَشِّرُنِي] أَنَّهَا أَنْثَى وَأَنَّهَا النَّسَلَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَسَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً وَيَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ فَلَمَّ تَزَلَّ خَدِيجَةُ (عليها السلام) عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَتْ وَلَا دَتُهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَبَنِي هَاشِمٍ أَنْ تَعَالَيْنَ لِتَلِينَ مِنِّي مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرَسَ لَنَ إِلَيْهَا أَنْتِ عَصَى بَيْنَنَا وَ لَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجْتَ مُحَمَّدًا يَتِيمًا أَبِي طَالِبٍ فَقَبِيرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَلَا نَلِي مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَاعْتَمَّتْ خَدِيجَةُ (عليها السلام) لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا



أَرْبَعِ نِسْوَةٍ مَرَّ طَوَالِ كَوْنِهِنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ فَأُزِمْنَا لَنَا رَبُّكَ إِلَيْكَ وَنَحْنُ  
أَخَوَاتُكَ أَنَا سَارَةُ وَهَذِهِ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَهِيَ رَفِيفَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَهَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَهَذِهِ كَلْبُومُ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ بَعَثَنَا اللَّهُ إِلَيْكَ  
لِنَلِي مِنْكَ مَا تَلِي النِّسَاءَ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَأُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَالثَّلَاثَةُ بَيْنَ يَدَيْهَا وَالرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ فَاطِمَةُ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً  
فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَلَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ وَ  
دَخَلَ عَشْرٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَهَا طَسْتُ مِنَ الْجَنَّةِ وَإِبْرِيْقٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَفِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكَوْثَرِ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ  
بَيْنَ يَدَيْهَا فَغَسَّ لَمْتَهَا بِمَاءِ الْكَوْثَرِ وَأَخْرَجَتْ خَرْقَتَيْنِ بَيْضَاوَيْنِ أَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَأَطْيَبَ رِيحاً مِنَ الْمِسْكِ وَالْعُنْبُرِ فَلَمَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَفَنَعَتْهَا  
بِالثَّانِيَةِ ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا فَنَطَقَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بِالشَّهَادَتَيْنِ وَقَالَتْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ  
الْأَوْصِيَاءِ وَوُلْدِي سَادَةُ الْأَسْدِ بَاطِئُ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَسَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا وَأَقْبَلْنَ يَضْحَكْنَ إِلَيْهَا وَتَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعِينُ وَبَشَّرَ  
أَهْلَ السَّمَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وَحَدَّثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ وَقَالَتِ النَّسْوَةُ خَدِيجَةُ يَا  
خَدِيجَةُ طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ بُورِكَ فِيهَا وَفِي نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا فَرِحَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَالْقَمَتُهَا ثَدْيُهَا فَدَرَّ عَلَيْهَا فَكَانَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تَنْمِي  
فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ وَتَنْمِي فِي الشَّهْرِ كَمَا يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي السَّنَةِ.

صدوق در کتاب: امالی از مفضل بن عمر نقل می کند که گفت: به حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: ولادت فاطمه زهرا (علیها السلام) چگونه بود؟ فرمود: موقعی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) با خدیجه کبری (علیها السلام) ازدواج نمود زنان مکه از آن بانو کناره گیری نمودند، نزد او نمی رفتند، بر او سلام نمی کردند، هیچ زنی را اجازه نمی دادند که نزد آن بانو مشرف شود. این موضوع باعث وحشت و ناراحتی خدیجه کبری (علیها السلام) شد، غم و اندوه وی برای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بود که مبادا آن حضرت را آسیبی برسد. هنگامی که خدیجه به حضرت زهرا (علیها السلام) حامله شد فاطمه اطهر (علیها السلام) در رحم مادر با مادر گفتگو می کرد و او را امر به صبر می نمود. ولی خدیجه کبری (علیها السلام) این موضوع را از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) پنهان می داشت، تا اینکه یک روز پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نزد خدیجه کبری (علیها السلام) آمد و شنید که آن بانو با فاطمه زهرا (علیها السلام) سخن می گوید، فرمود: ای خدیجه! با که سخن می گوئی؟! خدیجه گفت: این بچه ای که در رحم من است با من سخن می گوید و مونس من است. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: آری این جبرئیل است که به من بشارت می دهد و می گوید: این فرزند دختر است، این فرزند نسلی است طیب و طاهر و مبارک خدای توانا نسل مرا از این دختر برقرار و پایدار خواهد نمود. به زودی ائمه را از این دختر بوجود می آورد و آنان را پس از اینکه وحی پروردگار قطع شود در زمین خلیفه خویشان قرار خواهد داد. حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) دائما در همین حال بود تا اینکه موقع وضع حمل وی فرارسید، در این موقع خدیجه (علیها السلام) نزد زنان قریش و بنی هاشم فرستاد که بیایید و مرا در باره وضع حمل یاری نمائید، آنان در جواب گفتند: چون تو سخن ما را نپذیرفتی و با محمد (صلی الله علیه و آله) که شخص فقیر و یتیم ابو طالب (علیه السلام) بود ازدواج نمودی لذا ما نزد تو نخواهیم آمد و متصدی هیچ گونه امر تو نخواهیم شد!! خدیجه کبری (علیها السلام) از شنیدن این جواب غمگین گردید، در همان حالی که وی اندوهناک بود ناگاه

چهار زن گندمگون و بلند بالا که گویا از زنان بنی هاشم بودند نزد او حاضر شدند هنگامی که خدیجه کبری (علیها السلام) آنان را دید جزع و فزع کرد، یکی از آنان گفت: ای خدیجه! محزون مباش! زیرا ما فرستادگان خدائیم، ما خواهران تو هستیم، من ساره ام، این بانو آسیه (علیها السلام) بنت مزاحم است که در بهشت رفیق تو می باشد. این بانو مریم (علیها السلام) دختر عمران و آن بانوی دیگر کلثوم (علیها السلام) خواهر موسی بن عمران (علیه السلام) است ما را خدا فرستاده تا متصدی امر وضع حمل تو باشیم، یکی از آنان زنان طرف راست خدیجه (علیها السلام) و دیگری طرف چپ وی و سومی آنان در مقابل او و چهارمی ایشان پشت سر او نشستند و خدیجه (علیها السلام) حضرت فاطمه (علیها السلام) را در حالی که پاك و پاکیزه بود زائید. موقعی که حضرت زهرا (علیها السلام) متولد شد نور آن بانو درخشید و داخل خانه های مکه شد، هیچ خانه ای در شرق و غرب زمین باقی نبود مگر اینکه آن نور در آن تابید، آنگاه تعداد ده نفر از حور العین نزد خدیجه کبری (علیها السلام) آمدند که با هر کدام يك طشت و ابریق بهشتی بود، ابریق ها پر از آب کوثر بودند، آن زنی که در مقابل خدیجه بود ابریق ها را گرفت و فاطمه زهرا (علیها السلام) را با آب کوثر شستشو داد، بعدا دو حوله که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بودند بیرون آورد و یکی از آنها را به بدن مبارك حضرت زهرا (علیها السلام) پیچید و دیگری را برای آن حضرت مقنعه قرار داد، سپس آن زن از حضرت زهرا (علیها السلام) خواست که سخن بگوید، زهرا اطهر (علیها السلام) زبان به شهادتین گشود و فرمود: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ وُلْدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ** آنگاه بر آن زنان سلام کرده و هر يك از آنان را به نامشان نام برد، آنان برای آن نوزاد مقدس خندان شدند و به یکدیگر بشارت دادند، اهل آسمان هم راجع به ولادت حضرت زهرا (علیها السلام) به یکدیگر بشارت می دادند و در آسمان نور درخشیده ای پیدا شد که ملائکه قبل از آن نظیر آن را ندیده بودند، بعدا آن زنان به

خديجه كبري(عليها السلام) گفتند: اين مولود پاك و پاكيزه را كه مبارك است بگير، اين نوزاد و نسل وى با بركت خواهند بود... (1)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ أَلْهَمَ لَدَانِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ:.... وَقَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله) لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَخَذَ بِيَدِي جَبْرَيْلُ (عليه السلام) فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ فَنَاولَنِي مِنْ رُطْبِهَا فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَ ذَلِكَ نُطْفَةً فِي صَدْلِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ (عليها السلام) فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ (عليها السلام) فَفَاطِمَةُ (عليها السلام) حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَكُلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شِمَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ (عليها السلام).

پيامبر خدا(صلي الله عليه و آله) روايت مي كند كه فرمود: موقعي كه مرا به معراج بردند جبرئيل(عليه السلام) دست مرا گرفت و داخل بهشت نمود و از رطب بهشتي به من داد، من آن رطب را خوردم و آن رطب در صلب من مبدل به نطفه شد، هنگامى كه به زمين آمدم و با خديجه كبري(عليها السلام) همبستر شدم وى به فاطمه(عليها السلام) حامله شد، پس فاطمه(عليها السلام) حوريه اى است كه به شكل انسان مي باشد، هر گاه كه من مشتاق بوى بهشت مي شوم دخترم فاطمه(عليها السلام) را مى بويم. (2) حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَبَّاجِ عَنْ سَدِيرِ الصَّيْرَفِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ يَا نَبِيَّ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله)

فَلَيْسَتْ هِيَ إِنْسِيَّةً فَقَالَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ قَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) وَكَيْفَ هِيَ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ قَالَ خَلَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ نُورِهِ

ص: 823

1- . الأماي للصدوق ص 593 المجلس السابع و الثمانون ح 1

2- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 1 ص 116 باب 11 باب ما جاء عن الرضا علي بن موسى ع من الأخبار في التوحيد ح 3

قَبِلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ إِذْ كَانَتْ الْأَرْوَاحُ فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ (عليه السلام) عُرِضَتْ عَلَى آدَمَ (عليه السلام) قِيلَ يَا نَبِيَّ اللَّهُ وَ أَيْنَ كَانَتْ فَاطِمَةُ قَالَ كَانَتْ فِي حُقَّةٍ تَحْتَ سَاقِ الْعَرْشِ قَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهُ (صلي الله عليه و آله) فَمَا كَانَ طَعَامُهَا قَالَ السَّيِّحُ وَ التَّهْلِيلُ وَ التَّحْمِيدُ فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ (عليه السلام)

وَ أَخْرَجَنِي مِنْ صُدْبِهِ أَحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ صُدْبِي جَعَلَهَا تَفَاحَةً فِي الْجَنَّةِ وَ أَتَانِي بِهَا جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) فَقَالَ لِي السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ يَا مُحَمَّدُ قُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه و آله)

إِنَّ رَبَّكَ يُفْرِتُكَ السَّلَامُ قُلْتُ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ يَعُودُ السَّلَامُ قَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه و آله) إِنَّ هَذِهِ تَفَاحَةٌ أَهْدَاهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَخَذْتُهَا وَ صَدَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي قَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه و آله) يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ كُلُّهَا فَفَلَقْتُهَا فَرَأَيْتُ نُورًا سَاطِعًا فَفَزِعْتُ مِنْهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه و آله) مَا لَكَ لَا تَأْكُلُ، كُلُّهَا وَ لَا تَخَفْ فَإِنَّ ذَلِكَ النُّورَ الْمَنْصُورَةَ فِي السَّمَاءِ وَ هِيَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ (عليها السلام) قُلْتُ حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ (عليه السلام)

وَ لِمَ سَمَّيْتُ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةَ وَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ (عليها السلام) قَالَ سَمَّيْتُ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ (عليها السلام) لِأَنَّهَا فَطَمَتْ شَبَعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَ فَطَمَ أَعْدَاؤُهَا عَنْ حُبِّهَا وَ هِيَ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةَ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ

وَ جَلَّ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ. بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ يُعْزِزُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) لِمُحِبَّتِهَا صَدُوقٌ فِي كِتَابِ: معاني الاخبار از امام جعفر صادق (عليه السلام) از پدران بزرگوارش از پیامبر اسلام (صلي الله عليه و آله) نقل مي کند که فرمود: نور فاطمه (عليها السلام) قبل از اینکه زمین و آسمان خلق شوند آفریده شد، بعضی از مردم گفتند: یا رسول الله! پس بنا بر این: فاطمه (عليها السلام) از جنس بشر نیست؟ فرمود: فاطمه (عليها السلام) حوریه ای انسیه است. عرضه داشتند: یا رسول الله! چگونه می شود که زهرا (عليها السلام) حوریه و انسیه باشد؟

فرمود: خدای توانا قبل از اینکه حضرت آدم (علیه السلام) را بیافریند فاطمه اطهر (علیها السلام) را پیش از آنکه ارواح خلایق را خلق کند از نور خود آفرید، هنگامی که آدم (علیه السلام) را خلق نمود فاطمه (علیها السلام) را به وی عرضه کرد، گفته شد: یا رسول الله! فاطمه (علیها السلام) در آن موقع کجا بود؟! فرمود: نور او در میان یک حقه در زیر ساق عرش جای داشت، گفتند: ای پیامبر خدا! طعام وی چه بود؟ فرمود: تسبیح و تقدیس و تهلیل یعنی گفتن لا اله الا الله و حمد خدا بود، موقعی که خدا حضرت آدم (علیه السلام) را آفرید و مرا از صلب او خارج نمود و دوست داشت که فاطمه (علیها السلام) را از صلب من خارج کند او را به صورت یک سیب در آورده و آن سیب را جبرئیل (علیه السلام) نزد من آورد و عرضه داشت: یا محمد! السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ گفتم: وَ عَلَیْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ حَبِیبِی جبرئیل (علیه السلام) عرضه داشت: یا محمد! خدا تو را سلام می رساند، گفتم: سلامتی از طرف خدا است و به سوی او باز خواهد گشت، عرضه داشت: یا محمد! این یک سیبی است که خدای مهربان آن را از بهشت برای تو فرستاده، من آن سیب را گرفته و به سینه خود نهادم، جبرئیل (علیه السلام) گفت: یا محمد! خدای حکیم می فرماید: این سیب را تناول کن، هنگامی که آن سیب را نصفه کردم چنان نوری از آن درخشید که ترسان شدم!! عرضه داشت: یا رسول الله! پس چرا آن را نمی خوری! بخور و خائف مباش. زیرا این نور آن بانویی است که در آسمان منصوره و در زمین فاطمه (علیها السلام) می باشد. گفتم: ای حبیب من! چرا در آسمان منصوره و در زمین فاطمه (علیها السلام) است؟ گفت: بدین جهت در زمین فاطمه (علیها السلام) نامیده شده که شیعیان خود را از آتش نجات می دهد و دشمنان وی از محبتش محروم خواهند بود، در آسمان بدین لحاظ منصوره است که خدا فرموده: در آن روز (یعنی قیامت) مؤمنین برای نصرت خدا که هر که را بخواهد یاری می کند، خوشحال می شوند، منظور از این نصرت همان نصرتی است که فاطمه اطهر (علیها السلام) برای دوستان خود خواهد نمود. (1)

ص: 825

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ السُّكَّرِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ الْكِنْدِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

إِنَّكَ تَلْتُمُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ تَلْتَرِ مَهْمَا وَ تَدْنِيهَا مِنْكَ وَ تَفْعَلُ بِهَا مَا لَا تَفْعَلُهُ بِأَحَدٍ مِنْ بَنَاتِكَ فَقَالَ إِنَّ جَبْرَيْلَ (عليه السلام) أَتَانِي بِتَفَاحَةٍ مِنْ تَفَاحِ الْجَنَّةِ فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتْ مَاءً فِي صُلْبِي ثُمَّ وَافَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ فَأَنَا أَسْمُ مِنْهَا رَائِحَةَ الْجَنَّةِ

صدوق در کتاب: علل الشرائع از امام محمد باقر (عليه السلام) از جابر بن عبد الله نقل مي کند که گفت: به پيامبر خدا (صلي الله عليه وآله) گفته شد: يا رسول الله! براي چيست که اين قدر فاطمه زهرا (عليها السلام) را مي بوسى و او را در بر مي گيرى و نزديک خويشتن جاي مي دهى، با او يك لطف و مرحمتى دارى که با دختران ديگر خود ندارى؟! فرمود: جبرئيل (عليه السلام) يك سيب از سيب هاى بهشت براي من آورد و من آن را خوردم، آن سيب در پشت من مبدل به نطفه شد، وقتى با خديجه (عليها السلام) همبستر شدم وى به فاطمه (عليها السلام) حامله گرديد، لذا من از فاطمه (عليها السلام) بوى بهشت را مي بويم. (1)

و بِهِذَا الْإِسْدِ نَادَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَّا قَالَ حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْعَبْسِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي جَبَلَةُ الْمَكِّيُّ عَنْ طَاوُسِ الْيَمَانِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ دَخَلَتْ عَائِشَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَ هُوَ يَقْبَلُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) فَقَالَتْ لَهُ أَ تُحِبُّهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ عَلِمْتُ حُبِّي لَهَا لَأَزْدَدْتُ لَهَا حُبًّا إِنَّهُ لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ أَذَّنَ جَبْرَيْلُ (عليه السلام) وَ أَقَامَ مِيكَائِيلُ (عليه السلام) ثُمَّ قِيلَ لِي اذْنُ يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه وآله) فَقُلْتُ أَتَقَدَّمُ وَ أَنْتَ بِحَضْرَتِي يَا جَبْرَيْلُ (عليه السلام) قَالَ نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ

ص: 826

1- . علل الشرائع ج 1 ص 183 باب 147 باب العلة التي من أجلها كان رسول الله ص يكثر تقبيل فاطمة ع ح 1

جَلَّ فَضْلَ أَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَفَضْلَكَ أَنْتَ حَاصَّةً فَدَنَوْتُ فَصَلَّيْتُ بِأَهْلِ السَّمَاءِ الرَّابِعَةَ ثُمَّ التَفَّتُ عَنْ يَمِينِي فَإِذَا أَنَا بِإِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) فِي رَوْضَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَقَدْ اكْتَنَفَهَا جَمَاعَةٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ثُمَّ إِنِّي صِرْتُ إِلَى السَّمَاءِ الْخَامِسَةِ وَمِنْهَا إِلَى السَّادِسَةِ فَتَوَدَّيْتُ يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه وآله) نَعَمْ الْأَبُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ (عليه السلام) وَنَعَمْ الْأَخُ أَخُوكَ عَلِيُّ (عليه السلام) فَلَمَّا صِرْتُ إِلَى الْحُجْبِ أَخَذَ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) بِيَدَيَّ فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ مِنْ نُورٍ أَصْلُهَا مَلَكَانِ يَطْوِيَانِ الْحُلَّ وَالحَلِيَّ فَقُلْتُ حَسْبِي جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) لِمَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةُ فَقَالَ هَذِهِ لِأَخِيكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَهَذَانِ الْمَلَكَانِ يَطْوِيَانِ لَهُ الْحُلَّ وَالحَلِيَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِرُطْبٍ أَلْيَنَ مِنَ الزُّبْدِ وَأَطْيَبَ رَائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَأَخَذْتُ رُطْبَةً فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتْ الرُّطْبَةُ نُطْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا أَنْ هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ (عليها السلام) فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ (عليها السلام) فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَإِذَا اسْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ شِمَمْتُ رَائِحَةَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) ابن عباس گفت: عایشه موقعی نزد پیامبر اسلام (صلي الله عليه وآله) مشرف شد که دید رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فاطمه اطهر (عليها السلام) را می بوسد عایشه گفت: یا رسول الله! آیا فاطمه (عليها السلام) را دوست می داری؟! پیغمبر اکرم (صلي الله عليه وآله) فرمود: آری، به خدا قسم! اگر تو می دانستی من چقدر فاطمه ام را دوست می دارم تو نیز او را بیشتر دوست می داشتی، زیرا موقعی که مرا در شب معراج به آسمان چهارم بردند جبرئیل (عليه السلام) اذان گفت و میکائیل (عليه السلام) اقامه گفت، آنگاه به من گفته شد: یا محمد! جلو بیا و نماز بگذار، گفتم: ای جبرئیل! با بودن تو من جلو بیایم و نماز بگذارم؟ عرضه داشت: آری، زیرا خدای حکیم پیامبران مرسل خود را بر ملائکه مقرب خود فضیلت و برتری داده و تو را



يك فضيلت مخصوصی عطا نموده است، من جلو رفتم و با اهل آسمان چهارم نماز بجای آوردم، وقتی به طرف راست خود متوجه شدم حضرت ابراهیم(علیه السلام) را دیدم که در یکی از باغ های بهشت است و گروهی از ملائکه در اطراف آن بزرگوار اجتماع نموده اند. سپس وقتی به سوی آسمان پنجم و ششم بالا رفتم ندائی شنیدم که گفت: یا محمد! پدر تو ابراهیم(علیه السلام) خوب پدری و برادرت علی بن ابی طالب(علیه السلام) خوب برادری است. هنگامی که متوجه سرا پرده ها شدم جبرئیل(علیه السلام) دست مرا گرفت و داخل بهشت نمود ناگاه با درختی از نور مواجه شدم که دیدم دو ملک حله و زیورهای به آن می پیچند گفتم: ای حبیب من جبرئیل! این درخت از کیست؟! گفت: از برادرت حضرت علی بن ابی طالب(علیه السلام) است، این دو ملک تا روز قیامت حله و زیور به این درخت می پوشانند. آنگاه وقتی به طرف جلو رفته با رطبی روبرو شدم که از کره نرم تر و از مشک خوشبوتر و از عسل شیرین تر بود، من يك رطب را خورده و آن در پشت من مبدل به نطفه شد، هنگامی که به زمین نزول نموده و با خدیجه کبری(علیها السلام) همبستر شدم به فاطمه زهرا(علیها السلام) حامله شدم، پس بنابراین فاطمه اطهر(علیها السلام) حوریه ای است که انسیه باشد، هرگاه مشتاق بهشت شوم فاطمه(علیها السلام) را می بوسم. (1)

وَعَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يُكْتَبُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فَأَنْكَرْتُ ذَلِكَ عَائِشَةُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَا عَائِشَةُ إِنِّي لَمَّا أُسِّرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَأَذَانِي جِبْرَائِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِنْ شَجَرَةٍ طُوبَى وَ نَاوَلَنِي مِنْ ثَمَارِهَا فَأَكَلْتُ فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ مَاءً فِي ظَهْرِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ فَمَا قَبَّلْتُهَا قَطُّ إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا

در تفسیر علی بن ابراهیم از حضرت امام جعفر صادق(علیه السلام) نقل می کند که فرمود: پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) خیلی فاطمه زهرا(علیها السلام) را می بوسید، عایشه راجع به این موضوع به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) اعتراض می کرد، پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: ای عایشه! در آن

ص: 828

1- . علل الشرائع ج 1 ص 184 باب 147 باب العلة التي من أجلها كان رسول الله ص يكثر تقبيل فاطمة ح 2

شی که مرا به آسمان بردند و داخل بهشت شدم جبرئیل (علیه السلام) مرا نزدیک درخت طوبی برد و از میوه آن به من داد، موقعی که من از آن خوردم آن میوه در پشت من مبدل به نطفه شد، هنگامی که به زمین آمدم و با خدیجه کبری (علیها السلام) همبستر شدم وی به فاطمه زهرا (علیها السلام) حامله شد، لذا هیچ وقت من فاطمه (علیها السلام) را نمی بوسم مگر اینکه بوی درخت طوبی را از او می بویم. (1)

ص: 829

---

1- . تفسير القمي ج 1 ص 365 [سورة الرعد(13): الآيات 23 الى 29]



عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله): لَيْلَةَ عُرْجِ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله)

رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ (عليه السلام) حُبُّ اللَّهِ، وَ الْحَسَنُ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) صَفْوَةُ اللَّهِ، فَاطِمَةُ (عليها السلام) خَيْرَةُ اللَّهِ، عَلِيُّ بَاغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ.

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در حديثي زيبا فرمود: هنگامی که به معراج رفته بودم دیدم بر درب بهشت نوشته است لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله)

رَسُولًا لِلَّهِ عَلِي (عليه السلام) حبيب خدا والحسن (عليه السلام) والحسين (عليه السلام) برگزیدگان خدا و فاطمه زهرا (عليها السلام) منتخب خداست و بر منکران و دشمنانشان لعنت خدا باد. (1)

أَخْبَرَنَا الْحَفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْحُلَوَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْمُقْرِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَمَّادٍ الْخَشَّابُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْمَدِينِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا وَكَيْعُ بْنُ الْجَرَّاحِ، قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ مِهْرَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَابِرٌ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) عَلِيُّ (عليه السلام) حَبِيبُ اللَّهِ، الْحَسَنُ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) صَفْوَةُ اللَّهِ، فَاطِمَةُ (عليها السلام) أَمَةُ اللَّهِ، عَلِيُّ بَاغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ.

رسول خدا (صلي الله عليه وآله): هنگامیکه به معراج رفته بودم دیدم بر درب بهشت نوشته است لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، محمد (صلي الله عليه وآله) و آله فرستاده خدا علي (عليه السلام) محبوب خدا وحسن (عليه السلام) وحسين (عليه السلام) برگزیدگان خدا و فاطمه زهرا (عليها السلام) کنیز خداست و بر دشمنانشان لعنت خدا باد. (2)

ص: 831

1- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 295 [سورة الأنفال (8): آية 62] پاورقي

2- . الأمالي للطوسي ص 355 [12] المجلس الثاني عشر ح 77

قَالَ حَدَّثَنَا سُدِّيُّ بْنُ مَيْمَانَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا جَابِرٌ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ قَالَ حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رَسُولُ اللَّهِ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَلِيُّ اللَّهِ وَالْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَالْحُسَيْنَ (عَلَيْهِ السَّلَام) سَيِّدَ بَطْنِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) صَفْوَةَ اللَّهِ وَعَلَى نَاكِرِهِمْ وَبَاغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ تَعَالَى رَسُولِ خَدَا (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَرَمُود: هُنْكَامِيكِهِ بِه مَعْرَاجِ رَفْتِهِ بُوْدَمِ دِيْدِمِ بِرِ دَرَبِ بَهْشْتِ نُوْشْتِهِ اسْتِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رَسُولُ اللَّهِ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَلِيُّ اللَّهِ وَالْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَالْحَسَيْنَ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَرَزَنْدَانِ رَسُولِ خَدَا (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَفَاطِمَةَ زَهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام) بِرْكَزِيْدِهِ خَدَا وَبِرِ مَنْكَرَانَ وَدَشْمَنْنَاشَانَ لَعْنَتِ خَدَا بَاد. (1)

ص: 832

---

1- . الفضائل لابن شاذان القمي ص 83 حديث مفاخرة علي بن أبي طالب ع مع ولده الحسين ح 1



صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا صُبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيَالِيًا مَصِيبَتِ هَائِي كَه بَرِّ مَنْ فَرُودَ أَمَدٍ أَوْ بَرِّ رُوزِهَاي رُوشَن نَازِل مِي شَد، چُونَان شَب، تيره و تار مِي شَدند. (1)

يَا إِلَهِي عَجَلْ وَفَاتِي سَرِيعاً

خداوندا مرگم را زودتر برسان. (2)

گریه های حضرت زهرا

قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَقَدْ بَكَى لِبُكَائِكَ عَرْشُ اللَّهِ وَ مَا حَوْلَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضُونَ وَ مَا فِيهِمَا

پیامبر (صلی الله علیه و آله) خطاب به حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند: سوگند به ذاتی که به حق مرا مبعوث نمود، به گریه تو عرش خداوند و آن چه که در اطراف آنست از ملائکه، آسمان ها و زمین ها و آن چه درون آن هاست، به گریه خواهد افتاد. (3)

وَ رُؤْي أَنَّ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام) لَا زَالَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مُعَصَّبَةً الرَّأْسِ نَاحِلَةً الْجِسْمِ مُنْهَدَّةَ الرُّكْنِ مِنَ الْمُصِيبَةِ بِمَوْتِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ هِيَ مَهْمُومَةٌ مَغْمُومَةٌ مَحْزُونَةٌ مَكْرُوبَةٌ كَنِيْبَةٌ حَزِيْنَةٌ بَاكِئَةٌ الْعَيْنِ مُحْتَرِقَةٌ الْقَلْبِ يُعْشَى عَلَيْهَا سَاعَةٌ بَعْدَ سَاعَةٍ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ حِينَ تَذْكُرُهُ

ص: 834

- 1- . بحار الأنوار ج 79 ص 106 باب 16 التعزية و المأتم و آدابهما و أحكامهما
- 2- . بحار الأنوار ج 43 ص 177 باب 7 ما وقع عليها من الظلم و بكائها و حزنها و شكايتهما في مرضها إلى شهادتها و غسلها و دفنها و بيان العلة في إخفاء دفنها صلوات الله عليها و لعنة الله على من ظلمها ..... ح 15
- 3- . بحار الأنوار ج 22 ص 491 أبواب ما يتعلق بارتحاله إلى عالم البقاء صلى الله عليه ما دامت الأرض و السماء باب 1 وصيته ص عند قرب وفاته و فيه تجهيز جيش أسامة و بعض النوادر ح 36.

و روایت شده است که پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) همواره بر سر فاطمه (علیها السلام) از شدت درد دستار بسته بود و از آن مصیبت، سخت ناتوان و نزار و اندوهگین و دل گرفته و شکسته بال و همواره گریان و با دلی سوزان بود. گاه گاه از خود، بی خود می شد. مخصوصاً هر گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به خاطر می آورد. [\(1\)](#)

ص: 835

---

1- . روضة الواعظین و بصیرة المتعظین ج 1 ص 150 مجلس في ذكر وفاة فاطمة ح 2.





أَبُو عَلِيٍّ الْأَشَدُّ عَرِيٌّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي (عليه السلام) قَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَطُوفَ عَنْكَ وَعَنْ أَبِيكَ فَقِيلَ لِي إِنَّ الْأَوْصِيَاءَ لَا يُطَافُ عَنْهُمْ فَقَالَ لِي بَلْ طُفْتُ مَا أَمَكَنَّكَ فَإِنَّ ذَلِكَ جَائِزٌ ثُمَّ قُلْتُ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِثَلَاثِ سِنِينَ إِنِّي كُنْتُ اسْتَأْذَنْتُكَ فِي الطَّوَافِ عَنْكَ وَعَنْ أَبِيكَ فَأَذْنَتَ لِي فِي ذَلِكَ فَطُفْتُ عَنْكُمَا مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ وَقَعَ فِي قَلْبِي شَيْءٌ فَعَمِلْتُ بِهِ قَالَ وَ مَا هُوَ قُلْتُ طُفْتُ يَوْمًا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ثُمَّ الْيَوْمَ الثَّانِي عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

ثُمَّ طُفْتُ الْيَوْمَ الثَّلَاثَ عَنِ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ الرَّابِعَ عَنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ الْخَامِسَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ السَّادِسَ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ الْيَوْمَ السَّابِعَ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) وَ الْيَوْمَ الثَّامِنَ عَنِ أَبِيكَ مُوسَى (عليه السلام) وَ الْيَوْمَ التَّاسِعَ عَنِ أَبِيكَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ

الْيَوْمَ الْعَاشِرَ عَنْكَ يَا سَيِّدِي وَ هَوْلَاءَ الَّذِينَ أَدِينُ اللَّهُ بِوَلَايَتِهِمْ فَقَالَ إِذَا وَاللَّهِ تَدِينُ اللَّهُ بِالَّذِينَ الَّذِي لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعِبَادِ غَيْرَهُ قُلْتُ وَ رَبِّمَا طُفْتُ عَنْ أُمَّكَ فَاطِمَةَ (عليها السلام)

وَ رَبِّمَا لَمْ أَطُفْ فَقَالَ اسْتَكْبَرْتُ مِنْ هَذَا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا أَنْتَ عَامِلُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

موسي بن قاسم: به امام جواد(عليه السلام) عرضه داشتم: مي خواستم به نيابت شما و پدر بزرگوارتان طواف كنم، به من گفته شد: به نيابت از اوصياء انبياء نمي توان طواف كرد، حضرت فرمود: هرچه مي تواني طواف كن كه اين امري جايز و رواست، سه سال بعد به خدمت حضرت رسیده و عرضه داشتم: من درباره طواف كردن به

نیابت از شما و پدرتان از شما رخصت طلبیدم و شما اجازه دادید. از اینرو، از جانب شما تا جایی که خدا خواست نیابتاً طواف کردم، ولی در قلبم امری خطور کرد که بدان عمل نمودم، حضرت فرمودند: چه چیز خطور کرد؟ عرضه داشتم: یک روز به نیابت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) طواف نمودم، حضرت سه بار فرمودند: صلوات خداوندی بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) باد، آن گاه افزودم: روز دوم به نیابت از امیرالمؤمنین (علیه السلام)، روز سوم به نیابت از امام مجتبی (علیه السلام)، روز چهارم به نیابت از سید الشهداء (علیه السلام)، روز پنجم به نیابت از علی بن الحسین (علیه السلام)، روز ششم به نیابت از محمد بن علی (علیه السلام)، روز هفتم به نیابت از جعفر بن محمد (علیه السلام)، روز هشتم به نیابت از موسی بن جعفر (علیه السلام)، روز نهم به نیابت از علی بن موسی (علیه السلام)، و روز دهم به نیابت از شما طواف نمودم، اینان کسانی هستند که دین خدا را به سبب ولایت ایشان پذیرا گشته ام، حضرت فرمودند: به خدا سوگند! در این صورت متدین به آن دین خدایی هستی که جز آن از بندگان پذیرفته نمی شود، عرضه داشتم: گاهی به نیابت از مادران فاطمه (علیها السلام) طواف کرده و گاهی نیز طواف نکردم. حضرت فرمودند: این عمل را زیاده انجام ده زیرا برترین امری است که بدان عمل می کنی، ان شاء الله. (1)

حضرت زهرا سلام الله علیها برتر از آسمانها و زمین

قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ):...فَكُنَّا نَسَبُ بِحُجَّةِ حِينَ لَا تَسْبِيحَ وَتُقَدِّسُهُ حِينَ لَا تَقْدِسَ فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْشِئَ خَلْقَهُ فَتَقَّ نُورِي فَخَلَقَ مِنْهُ الْعَرْشَ فَالْعَرْشُ مِنْ نُورِي وَنُورِي مِنَ نُورِ اللَّهِ وَنُورِي أَفْضَلُ مِنَ الْعَرْشِ ثُمَّ فَتَقَّ نُورَ أَخِي عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام)

ص: 838

فَخَلَقَ مِنْهُ الْمَلَائِكَةَ فَالْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ عَلِيِّ (عليه السلام) وَ نُورُ عَلِيٍّ (عليه السلام) مِنْ نُورِ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ثُمَّ فَتَقَّ نُورُ ابْنَتِي فَخَلَقَ مِنْهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَالسَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضُ مِنْ نُورِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ نُورُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ (عليها السلام) مِنْ نُورِ اللَّهِ وَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ (عليها السلام) أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ...

پیامبر (صلي الله عليه و آله) در ضمن حدیثی می فرماید: ... ما خدا را تسبیح می گفتیم پیش از آن که تسبیح کننده ای باشد و او را تقدیس می نمودیم قبل از آن که تقدیسی به زیور وجود آراسته گردد، چون خداوند خواست که خلقتش را تداوم بخشد از شکافتن من نور عرش را پدید آورد پس عرش از نور من و نور من از نور خداست، از این رو نور من برتر از عرش است. پس از آن از شکافتن نور برادرم علی (علیه السلام) ملائکه را بیافرید، پس ملائکه از نور علی (علیه السلام) و نور علی (علیه السلام) از نور خداست، از این رو علی (علیه السلام) برتر از فرشتگانست، سپس از شکافتن نور فاطمه (علیها السلام) آسمان ها و زمین را آفرید پس آسمان ها و زمین از نور فاطمه (علیها السلام) و فاطمه (علیها السلام) از نور خداست، از این رو فاطمه (علیها السلام) برتر از آسمان ها و زمین است... (1)

توضیح: آری چهارده معصوم برتری دارند بر تمامی انبیاء و ملائکه مقرب و خداوند متعال به یمن وجود ایشان عالم را آفرید.

حضرت زهرا سلام الله علیها حجت خدا بر ائمه اطهار قَالِ الْحَسَنُ الْعَمَّ كَرِيٌّ (عليه السلام): نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ جَدُّنَا فَاطِمَةُ (عليها السلام) حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا

ص: 839

امام عسکری (علیه السلام) در حدیث زیبایی فرمودند: ما حجت های خدا هستیم بر مردم و فاطمه (علیها السلام) حجت خداست بر ما (1)

حضرت زهرا حجاب خداوندي

قَالَ الْكَاطِمُ (عليه السلام): ... قَالَ الرَّسُولُ (صلي الله عليه وآله): إِنَّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) بِأَبِهَا بَابِي وَبَيْتُهَا بَيْتِي فَمَنْ هَتَكَهُ فَقَدْ هَتَكَ حِجَابَ اللَّهِ قَالَتْ عَيْسَى فَبَكَى أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) طَوِيلًا وَقَطَعَ بَقِيَّةَ كَلَامِهِ وَقَالَ هُتِكَ وَاللَّهِ حِجَابُ اللَّهِ هُتِكَ وَاللَّهِ حِجَابُ اللَّهِ هُتِكَ وَاللَّهِ حِجَابُ اللَّهِ يَا أُمَّةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا

امام کاظم (علیه السلام) از قول رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آگاه باشید، درب خانه فاطمه (علیها السلام) درب من و خانه اش خانه منست، پس هر که به او تعدی کند حجاب خداوندي را دریده، راوي مي گوید: در این هنگام امام (علیه السلام) برای مدتی طولانی به گریه افتاده و از ادامه کلام خود منصرف شده فرمودند: ای مادر! به خدا سوگند که حجاب خداوندي را دریدند. و این کلام را سه مرتبه تکرار نمودند. (2)

ایشان صدیقه کبری هستند

قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): ... وَ هِيَ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى.

ص: 840

- 1- . عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد) ج 11 قسم 2 فاطمة ص 1030 باب أن الأئمة عليهم السلام من ولد فاطمة عليها السلام ح 5
- 2- . طرف من الأنباء و المناقب ص 146 الطرفة العاشرة في تصريح النبي صلى الله عليه و آله عند الوفاة بخلافة علي عليه السلام على الكبار و الصغار، بمحضر الأنصار

امام صادق(عليه السلام): ... او صدیقی کبری است که بر معرفت او جهان آفرینش از آغاز به گردش در آمده. (1)

ص: 841

---

1- . الأملی للطوسی ص 668 مجلس 36 ح 6.



قَالَ النَّبِيُّ (عليه السلام):... وَإِنَّهَا إِذَا مَرَّتْ فِي الْمَوْقِفِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ جِهَةِ الْعَرْشِ يَا أَهْلَ الْمَوْقِفِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ لِتَعْبُرَ فَاطِمَةُ (عليها السلام) بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله).

رسول خدا (صلي الله عليه وآله): فاطمه (عليها السلام) چون بخواند از صحراي قیامت عبور کند، بانگ سروشي از سوي عرش به گوش مي رسد که اي اهل عَرَصات! چشم فرو بنديد تا فاطمه (عليها السلام) دخت محمد (صلي الله عليه وآله) عبور کند. (1) قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله): يَا فَاطِمَةُ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَقَدْ حَرَّمَتِ الْجَنَّةَ عَلَى الْخَلَائِقِ حَتَّى أَدْخُلَهَا

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمودند: سوگند به خدایي که به حق مرا مبعوث نموده، بهشت بر آفریدگان حرام است پیش از آنکه تو داخل آن شوي. (2)

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) تُحَسِّرُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَعَلَيْهَا حُلَّةُ الْكِرَامَةِ وَقَدْ عُجِنَتْ بِمَاءِ الْحَيَوَانِ فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا الْخَلَائِقُ فَيَتَعَجَّبُونَ مِنْهَا ثُمَّ تُكْسَى أَيْضاً مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ أَلْفَ حُلَّةٍ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ حُلَّةٍ بِحِطِّ أَخْضَرَ أَدْخَلُوا بِنْتَ مُحَمَّدٍ الْجَنَّةَ عَلَى أَحْسَنِ صُورَةٍ وَأَحْسَنِ كِرَامَةٍ وَأَحْسَنِ مَنْظَرٍ فَتُرْفُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تُرْفُ الْعُرُوسُ فَيُوكَلُّ بِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ جَارِيَةٍ.

به این اسناد گوید رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمود: روز قیامت دختر من فاطمه (عليها السلام) به صحرای قیامت وارد شود و حله کرامت در برش باشد که آن حله از آب حیوان و زندگانی سرشته شده باشد و خلائق به او نظر کرده و از او تعجب کنند پس از آن بیوشانند بر او از حله های بهشت هزار حله که به هر حله به خط سبز نوشته باشد

ص: 843

- 1- . شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد ج 9 ص 193 فصل في ترجمة عائشة و ذكر طرف من أخبارها
- 2- . بحار الأنوار ج 22 ص 491 أبواب ما يتعلق بارتحاله إلى عالم البقاء صلى الله عليه ما دامت الأرض و السماء باب 1 وصيته ص عند قرب وفاته و فيه تجهيز جيش أسامة و بعض النوادر ح 36.



أَدْخِلُوا بِنْتَ مُحَمَّدٍ الْجَنَّةَ عَلَى أَحْسَنِ صُورَةٍ وَأَحْسَنِ كَرَامَةٍ وَأَحْسَنِ مَنْظَرٍ پس او را به بهشت ببرند مانند بردن عروس و هفتاد هزار كنيز  
همراه او باشند. (1)

ص: 844

---

1- [2]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 30 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا عن الأخبار المجموعة ح 38



رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام) فَدَكَأَ وَبَلَّغَهَا ذَلِكَ لَأَنَّ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَاسْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَأَقْبَلَتْ فِي لَمَّةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا تَطَأُ ذُبُولَهَا مَا تَحْرِمُ مِشْيَتَهَا مِشْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَهُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ فَنِيطَتْ دُونَهَا مُلَاةً فَجَلَسَتْ ثُمَّ أَتَتْ أَنَّهُ أَجْهَشَ الْقَوْمَ لَهَا بِالْبُكَاءِ فَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ ثُمَّ أَمَهَلَتْ هُنَيْدَةً حَتَّى إِذَا سَكَنَ نَشِيحُ الْقَوْمِ وَهَدَأَتْ فَوَرْتَهُمْ افْتَتَحَتِ الْكَلَامَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ فَعَادَ الْقَوْمُ فِي بُكَائِهِمْ فَلَمَّا أَمَسَ كُورُوا عَادَتْ فِي كَلَامِهَا فَقَالَتْ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمُومِ نِعَمِ ابْتِدَائِهَا وَ سُدْبُوعِ آلَاءِ أَسَدَائِهَا وَ تَمَامِ مَنِينِ أَوْلَادِهَا جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدْدُهَا وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا وَ تَفَاوَتِ عَنِ الْإِذْرَاكِ أَبْدُهَا وَ نَدْبَهُمْ لِاسْتِرَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا وَ اسْتِحْمَدِ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْرَالِهَا وَ نَتَى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَلِمَةً جُوعِلَ الْإِخْلَاصُ تَأْوِيلُهَا وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبُ مَوْصُولِهَا وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولِهَا الْمُؤْتَنِعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيِيَّتُهُ وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِدْفَتُهُ وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا وَ أَنْشَأَهَا بِإِلَاحْتِدَاءِ أَمْثَلَةٍ امْتَثَلَهَا كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَأَهَا بِمِشْيَتِهِ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا وَ لَا فَايِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا إِلَّا تَشْبِيهُاً لِحِكْمَتِهِ وَ تَنْبِيهاً عَلَى طَاعَتِهِ وَ إِظْهَاراً لِقُدْرَتِهِ تَعْبُداً لِبَرِيَّتِهِ وَ إِعْزَازاً لِدَعْوَتِهِ ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ ذِيادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ تَقَمَّتِهِ وَ حَيَاشَةَ لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَبْدُهُ وَ

رَسُولُهُ اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أُرْسِلَهُ وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ وَاصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ وَبَسْتِرِ الْأَهْوِيلِ مَصُونَةٌ وَبِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَفْرُوتَةٌ عَلِمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ وَإِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ ابْتَعَثَهُ اللَّهُ إِتِمَامًا لِأَمْرِهِ وَعَزِيمَةً عَلَى إِمْصَاءِ حُكْمِهِ وَإِنْفَاذًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ فَرَأَى الْأُمَّمَ فِرَاقًا فِي أَدْيَانِهَا عُكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ظُلْمَهَا وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا وَجَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَّهَا وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهِدَايَةِ فَأَنَقَ ذُهُمَ مِنَ الْغَوَايَةِ وَبَصَّرَهُمَ مِنَ الْعَمَايَةِ وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَافَةٍ وَاخْتِيَارٍ وَرَغْبَةٍ وَإِنْتَارٍ فَمُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ قَدْ حُفَّتْ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَرِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ وَمَجَاوِرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيٍّ وَآمِينِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَصَلَّى عَلَيْهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ثُمَّ انْتَمَتَتْ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ وَقَالَتْ أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصِبَ أَمْرُهُ وَنَهْيُهُ وَحَمَلَةُ دِينِهِ وَوَحْيِهِ وَأَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَبُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَّمِ زَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ فِيكُمْ وَعَهْدٌ قَدَّمَ إِلَيْكُمْ وَبَعِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ وَالتَّوْرُ السَّاطِعُ وَالضِّيَاءُ اللَّامِعُ بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ مُنْجِلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ مُغْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ قَائِدًا [قَائِدًا] إِلَى الرَّضْوَانِ اتَّبَاعُهُ مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ بِهِ تَنَالُ حُجَجَ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةِ وَعَزَائِمُهُ الْمُنْفَسِرَةَ وَمَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةَ وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ وَرُخَصَتُهُ الْمُؤَهَّوبَةُ وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهًا

لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ وَالزُّكَاةِ تَرْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ وَالصِّيَامِ تَثْبِيثًا لِلْإِخْلَاصِ وَالْحَجِّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ وَالْعَدْلِ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ وَطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصَدِّمَةً لِلْعَامَّةِ وَبِرَّ الْوَالِدِينَ وَقَايَةً مِنَ السُّخْطِ وَصِدْقَةً الْأَرْحَامِ مَسَدَةً فِي الْعُمُرِ وَمَنَامَةً لِلْعَدَدِ وَالْقِصَاصِ حَقْنَا لِلدِّمَاءِ وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيضًا لِلْمَغْفِرَةِ وَتَوْفِيَةً الْمَكَايِلِ وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبَخْسِ وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجْسِ وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ وَتَرْكَ السَّرِقَةِ إِجَابًا لِلْعَفَّةِ وَحَرَمَ اللَّهُ الشُّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ فِي الرُّبُوبِيَّةِ فَ (اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ) (1) وَأَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَىكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ (إِنَّمَا يَحْسَبِي اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ) (2) ثُمَّ قَالَتْ أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) وَأَبِي مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَقُولُ عَوْدًا وَبَدْوًا وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا وَلَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ) (3) فَإِنْ تَعَزَّوهُ وَتَعَرَّفُوهُ تَحِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ وَأَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ وَلِنِعْمِ الْمَعْزِيِّ إِلَيْهِ فَبَلَّغِ الرِّسَالَاتِ صَادِعًا بِالنَّذَارَةِ مَا نَبَأَ عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ ضَارِبًا تَبَجُّهُمُ آخِذًا بِأَكْظَامِهِمْ دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ (بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ) (4) يَجِفُّ [يَجُدُّ] الْأَصْنَامَ وَيَنْكُثُ الْهَامَ حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَوَلَّوْا الدُّبْرَ حَتَّى تَفْرَى اللَّيْلُ عَنْ صَدِّجِهِ وَأَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ وَخَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ وَطَاحَ وَشَيْطُ النَّفَاقِ وَانْحَلَّتْ عَقْدُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ وَفُهِتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ وَ

ص: 848

1- . آل عمران آية 102

2- . فاطر آية 28

3- . التوبة آية 128

4- . النحل آية 125

(كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ) (1) مَذْقَةَ الشَّارِبِ وَ نَهْرَةَ الطَّامِعِ وَ قَبْسَةَ الْعَجَلَانِ وَ مَوْطِئَ الْأَقْدَامِ تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ وَ تَقْتَاتُونَ الْقِدَّ أَذْلَةً حَاسِبِينَ (تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ) (2) مِنْ حَوْلِكُمْ فَأَتَذْكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بَعْدَ اللَّيْلِ وَ النَّهْيِ وَ بَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرَّجَالِ وَ ذُوبَانَ الْعَرَبِ وَ مَرْدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ (كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ) (3) أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَعَرَتْ فَاغْرَةٌ مِنَ الْمُسَدِّ رَكِبَنَّ قَدَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا فَلَا يَنْكَفِي حَتَّى يَطَّأَ جَنَاحَهَا بِأَخْمَصِهِ وَ يُخِمِّدَ لَهَبَهَا بِسَدِّ فِيهِ مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) سَدِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مُسَدِّ مَرَأً نَاصِحًا مُجِيدًا كَادِحًا لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةٍ مِنَ الْعَيْشِ وَادْعُونَ فَالْكُهُونَ آمِنُونَ تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرِ وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ وَ تَتَكَبَّرُونَ عِنْدَ النَّزَالِ وَ تَقْرُونَ مِنَ الْقِتَالِ فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَدُ الْنِّفَاقِ وَ سَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ وَ نَطَقَ كَاطِمُ الْعَاوِينَ وَ تَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانَ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفًا بِكُمْ فَالْفَاكُمُ لِدَعْوَتِهِ مُسَدِّ تَجِيْبِينَ وَ لِلْعِزَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا وَ أَحْمَشَكُمْ فَالْفَاكُمُ غَضَابًا فَوَسَّ مُمْتَمٌ غَيْرَ إِبْلِكُمْ وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَسَدِّ رَيْكُمُ هَذَا وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ وَ الْكَلِمُ رَحِيْبٌ وَ الْجُرْحُ لَمَّا يَدْمَلُ وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ ابْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ (أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا) وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (4) فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ وَ كَيْفَ بِكُمْ وَ أَنَّى تُؤْفَكُونَ وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيِّنٌ أَظْهَرِكُمْ؟ أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ وَ زَوَاجِرُهُ لَاحِظَةٌ وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ وَ قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ

ص: 849

1- . آل عمران آية 103

2- . الانفال آية 26

3- . المائدة آية 64

4- . التوبة آية 49

ظُهُورِكُمْ أَرْغَبَةٌ عَنْهُ تُرِيدُونَ أُمَّ بَعِيرِهِ تَحْكُمُونَ (بِسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا) (1) (وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) (2) ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثَ أَنْ تَسْكُنَ نَفْرَتَهَا وَيُسَلَسَ قِيَادُهَا ثُمَّ أَخَذْتُمْ نُورُونَ وَقَدْتُمُوهَا وَنَهَيْتُمُوهَا وَتَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ وَإِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّبِيِّ تَشْرَبُونَ حَسَوًا فِي ارْتِعَاءٍ وَتَمَشُونَ لِأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ فِي الْخَمْرَةِ وَالضَّرَاءِ وَبَصِيرٍ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَرِّ الْمَدَى وَوَحْزِ السَّنَانِ فِي الْحَشَا وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِزْثَ لَنَا (أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ) (3) أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الصَّاحِبَةِ أَنْتُمْ لَهَا الْمُسْلِمُونَ أَأَغْلَبَ عَلَى إِرْثِي يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ أَفِي كِتَابِ اللَّهِ تَرِثُ أَبَاكَ وَلَا أَرِثُ أَبِي لَقَدْ جِئْتَ (شَيْئًا فَرِيًّا) (4) أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَبَدَلْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُ (وَوَرِثَ سَلِيمَانُ دَاوُدَ) (5) وَقَالَ فِيمَا افْتَصَّ مِنْ خَبْرٍ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ (فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثْ مِنِّي يَعْقُوبَ) (6) وَقَالَ (وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ) (7) وَقَالَ (يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْإُنثَى) (8) وَقَالَ (إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأُولَادَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ) (9) وَزَعَمْتُمْ أَنْ لَا حُطُوءَ لِي وَلَا أَرِثُ مِنْ أَبِي وَلَا رَحِمَ بَيْنَنَا أَفَحَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا أُمَّ هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَدَانِ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَأَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَعُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي فَدُونُكُمَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ تَلْفَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ فَنِعْمَ الْحَكَمُ اللَّهُ وَالرَّعِيمُ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ وَعِنْدَ

ص: 850

- 1- . الكهف آية 50
- 2- . آل عمران آية 85
- 3- . المائدة آية 50
- 4- . مريم آية 27
- 5- . النمل آية 16
- 6- . مريم الآيات 6 و 5
- 7- . الانفال آية 75
- 8- . النساء آية 11
- 9- . البقرة آية 180

السَّاعَةِ (يَحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ) (1) وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَدْمُونَ وَ (لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ) (2) (مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ) (3) ثُمَّ رَمَتْ بِظَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ يَا مَعْشَرَ النَّقِيِّينَ وَأَعْصَادَ الْمَلَائِكَةِ وَحَصَدَةَ الْإِسْلَامِ مَا هَذِهِ الْعَمِيزَةُ فِي حَقِّي وَالسَّنَةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَبِي يَقُولُ الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ سِرْعَانَ مَا أَحَدَثْتُمْ وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوَلُ وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَأَزَاوِلُ أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَخَطَبُ جَلِيلٍ اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ وَاسْتَنْهَرَ فُتْنُهُ وَانْفَتَقَ رُتْنُهُ وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ وَكَسَفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَانْتَشَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ وَ أَكْثَدَتِ الْأَهْمَالُ وَخَشَعَتِ الْجِبَالُ وَأَضْيَعِ الْحَرِيمُ وَأَزِيلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ فَبَلَغَ وَاللَّهِ النَّازِلَةَ الْكُبْرَى وَالْمُصِيبَةَ الْعُظْمَى لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ وَلَا بَانِقَةٌ عَاجِلَةٌ أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ وَ فِي مُمْسَاكُمُ وَ مُصَدِّحِكُمْ يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هَتَافاً وَ صَدْرَ رَاخِاً وَ تِلَاوَةً وَ إِحْسَاناً وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ حُكْمَ فَضْلِ وَ قَضَاءِ حَتْمٍ (وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنَّمَاتُ أَوْقَاتٍ أُنْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُدَّرَ اللَّهُ شَيْئاً وَ سَدَّ يَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ) (4) إِيْهَا بَنِي قَيْلَةَ أَأَهْضِمَ تَرَاثَ أَبِي وَ أَنْتُمْ بِمَرَأَى مِنِّي وَ مَسَمَعٍ وَ مُنْتَدَى وَ مَجْمَعٍ تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَشْتَمَلُكُمْ الْخَيْرَةُ وَ أَنْتُمْ ذُؤُ الْعَدَدِ وَ الْعَدَّةِ وَ الْأَدَاةِ وَ الْقُوَّةِ وَ عِدَّتِكُمُ السَّلَاحُ وَ الْجَنَّةُ تُؤَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغِيثُونَ وَ أَنْتُمْ مُؤْصِفُونَ بِالْكِفَاحِ مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ وَ النُّحْبَةِ الَّتِي انْتَحَبْتَ وَ الْخَيْرَةَ الَّتِي اخْتِيرْتَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَاتْلُتُمُ الْعَرَبَ وَ

ص: 851

1- . الجاثية آية 27

2- . الانعام آية 67

3- . هود آية 39

4- . آل عمران آية 144



تَحَمَّلْتُمْ الْكَدَّ وَالتَّعَبَ وَتَطَاطَحْتُمْ الْأَمَمَ وَكَأَفَحْتُمْ الْبُهْمَ لَا تَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمِرُونَ حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ وَدَرَ حَلَبَ الْأَيَّامِ وَخَصَعَتْ نَعْرَةَ الشُّرْكِ وَسَكَنْتْ فَوْرَةَ الْإِفْكِ وَخَمَدَتْ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَهَدَّاتْ دَعْوَةَ الْهَرْجِ وَاسْتَوْسَقَ نِظَامَ الدِّينِ فَأَتَى حُزْنُكُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ وَاسْرُرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ بُوْسَاءً لِقَوْمٍ (نَكثُوا أَيْمَانَهُمْ) (1) مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ (وَهُمْوَا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَوُكُمْ أَوْلَ مَرَّةً أَتَخَشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (2) أَلَا وَقَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ وَابْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسِطِ وَالْقَبْضِ وَخَلَوْتُمْ بِالِدَّعَةِ وَنَجَوْتُمْ بِالضِّيْقِ مِنَ السَّعَةِ فَمَجَجْتُمْ مَا وَعَيْتُمْ وَدَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ فَ (إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ) (3) أَلَا وَقَدْ قُلْتُمْ مَا قُلْتُمْ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْجِدْلَةِ الَّتِي حَامَرْتُمْ وَالْغَدْرَةَ الَّتِي اسْتَشْعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ وَلَكِنَّهَا فَيْضَةٌ النَّفْسِ وَنَفْثَةُ الْعَيْطِ وَخَوْرُ الْقَنَاةِ وَبَثَّةُ الصِّدْرِ وَتَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ فِدُونَكُمْوَمَا فَاحْتَقَبُوهَا دَبْرَةَ الظُّهْرِ نَقَبَةَ الْخُفِّ بَاقِيَةَ الْعَارِ مَوْسُومَةً بَعْصَدِ الْجَبَّارِ وَشَنَارِ الْأَبَدِ مَوْسُومَةً بِنَارِ (اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْنَدَةِ) (4) فَعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ وَ (سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ) (5) وَأَنَا ابْنَةُ نَدِيرٍ (لَكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ عَذَابٌ شَدِيدٌ) (6) فَاعْمَلُوا (إِنَّا عَامِلُونَ وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ) (7) فَاجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُثْمَانَ وَقَالَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا رَعُوفًا رَحِيمًا وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَعِقَابًا عَظِيمًا إِنْ عَزَوْنَاهُ وَجَدْنَاهُ أَبَاكَ دُونَ النَّسَاءِ وَأَخَا إِلْفِكَ دُونَ الْأَخْلَاءِ آثَرُهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَسَاعَدَهُ

ص: 852

- 1- . التوبة آية 13
- 2- . التوبة آية 13
- 3- . ابراهيم آية 8
- 4- . الهمزة الآيات 7 و 6
- 5- . الشعراء آية 227
- 6- . سباء آية 46
- 7- . هود الآيات 122 و 121

فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا سَعِيدٌ وَلَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا شَقِيٌّ بَعِيدٌ فَأَنْتُمْ عِترَةُ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) الطَّيِّبُونَ الْخَيْرَةُ الْمُتَجَبُّونَ عَلَى الْخَيْرِ أَدَلَّتْنَا وَإِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا وَأَنْتِ يَا خَيْرَةَ النَّسَاءِ وَابْنَةَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ سَابِقَةٌ فِي وُفُورِ عَقْلِكَ غَيْرُ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ وَلَا مَصْدُودَةٌ عَنْ صِدْقِكَ وَاللَّهِ مَا عَدَوْتُ رَأْيَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) وَلَا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَالرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ وَإِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَكَفَى بِهِ شَهِيدًا أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) يَقُولُ نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَا دَارًا وَلَا عَقَارًا وَإِنَّمَا نُورِثُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالْعِلْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَمَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلَوْلِي الْأَمْرُ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ وَقَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتِهِ فِي الْكِرَاعِ وَالسَّلَاحِ يُقَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَيُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ وَيُجَالِدُونَ الْمَرْدَةَ الْفُجَّارَ وَذَلِكَ بِاجْتِمَاعِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ لَمْ أَنْفِرْ بِهِ وَحَدِي وَلَمْ أَسْتَبِدَّ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي وَهَذِهِ حَالِي وَمَالِي هِيَ لَكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ لَا تُزَوِي عَنْكَ وَلَا تَدْخِرْ دُونَكَ وَإِنَّكَ وَأَنْتِ سَيِّدَةٌ أُمَّةٍ أَيْبِكِ وَالسَّجْرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَيْتِكَ لَا تَدْفَعُ مَا لَكَ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا يُوضَعُ فِي فَرْعِكَ وَأَصْدَ لَكَ حُكْمُكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ فَهَلْ تَرَيْنَ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَلِكَ أَبَاكَ؟ فَقَالَتْ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا كَانَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا وَلَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالَفًا بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أَثَرَهُ وَيَقْفُو سُورَهُ أَفْتَجْمَعُونَ إِلَى الْغَدْرِ اعْتِيَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ وَهَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهٌ بِمَا بَغِيَ لَهُ مِنَ الْغَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكَمًا عَدْلًا وَنَاطِقًا فَصْلًا يَقُولُ (بِرْثِي وَبِرْثِ مَنْ آلٍ يَعْقُوبُ) (1) وَيَقُولُ (وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ) (2) وَبَيْنَ عَزٍّ وَجَلٍّ فِيمَا وَرَعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ وَشَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَالْمِيرَاثِ وَأَبَاحَ مِنْ حَظِّ الدُّكْرَانِ وَ

ص: 853

1- . مريم آية 6

2- . النمل آية 16

الْإِنَاثِ مَا أَزَاحَ بِهِ عِلَّةَ الْمُبْطِلِينَ وَ أزالَ النَّظْمِيَّ وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَايِرِينَ كَلَّا (بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ) (1) فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ (صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ) (2) وَ صَدَقَتْ ابْنَتُهُ مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةُ وَ رُكْنُ الدِّينِ وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ لَا أُبْعَدُ صَوَابَكَ وَ لَا أُنْكِرُ خَطَابَكَ هَؤُلَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ قَلْدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ - وَ بِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ غَيْرَ مُكَابِرٍ وَ لَا مُسْتَبِدِّ وَ لَا مُسْتَأْثِرٍ وَ هُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ فَالْتَقَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) إِلَى النَّاسِ وَ قَالَتْ مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ الْمَغْضِيَّةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا) (3) كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا آسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ وَ لَيْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ وَ سَاءَ مَا بِهِ آسَأْتُمْ وَ شَرُّ مَا مِنْهُ اغْتَصَبْتُمْ لَتَجِدَنَّ وَ اللَّهُ مَحْمِلُهُ تَقِيلاً وَ غِيبَةً وَ بِيلاً إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ وَ بَانَ بِأَوْرَائِهِ [بِأَدْرَائِهِ] الصَّرَاءُ وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْسِبُونَ (وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ) (4) ثُمَّ عَطَفَتْ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ قَالَتْ

فَدَكَانَ بَعْدَكَ أَتْبَاءٌ وَ هُنْبَةٌ لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثُرِ الْخَطْبُ

إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدَ الْأَرْضِ وَابِلَهَا وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدْهُمْ وَ لَا تَغِبْ

وَ كُلُّ أَهْلِ لَهُ قُرْبَى وَ مَنْزِلَةٌ عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَدْنَى مُقْتَرِبٌ

أَبَدَتْ رِجَالَ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ دُونَكَ التُّرْبُ

تَجَهَّمَتْنَا رِجَالٌ وَ اسْتُخِفَّ بِنَا لَمَّا فُقِدْتَ وَ كُلُّ الْأَرْضِ مُعْتَصَبٌ

وَ كُنْتَ بَدْرًا وَ نُورًا يُسْتَصَاءُ بِهِ عَلَيْكَ يَنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ

ص: 854

1- . يوسف آية 18

2- . الاحزاب آية 22

3- . محمد آية 24

4- . غافر آية 78

از عبد الله بن حسن به اسناد مذکور در متن نقل است که: وقتی ابو بکر و عمر برای منع حضرت زهرا (علیها السلام) از فدک همدست شدند و از آن با خبر شد، حضرت زهرا (علیها السلام) مقنعه بر سر کشیده و پارچه ای بر سر انداخته و با چند تن از اطرافیان و زنان قوم خود به سوی مجلس ابو بکر حرکت فرمود، و با کمال طمأنینه و آرامش و همچون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) راه می رفت، چون وارد مسجد شد ابو بکر با گروهی از جماعت مهاجر و انصار نشسته بودند، پس پرده ای زدند، و آن حضرت در پشت آن پرده جلوس فرمود، سپس آن حضرت آه دردناکی از دل سوزان خود کشید و همه مجلس به گریه و ناله افتاده و یکپارچه اندوه و عزا شد، سپس آن حضرت اندکی صبر نمود تا مجلس آرام گشت سپس این گونه سخن آغاز نمود: خداوند جهان را ستایش می کنم و در برابر احسان و نیکویی های ظاهری و معنوی او شاکرم، نعمت های او همه جهانیان را فرا گرفته و سفره احسان او در همه جا گسترده شده است، خیرات و خوبی های پروردگار از شماره و اندازه و احاطه افکار ما خارج است، و سپاسگزاری و تشکر بر نعمت او موجب دوام و مزید آن قرار داده شده، و تداوم و تواتر احسان او سبب حمد و ستایش او خواهد بود. و شهادت می دهم معبودی جز الله نیست و او یکتا و بی شریک است، و البته تاویل این کلمه (شهادت به وحدانیت) به حقیقت اخلاص می باشد، و حقیقت توحید و اخلاص فطری قلوب و دل ها است. و خصوصیات و تحقیق مقام توحید به نور تفکر و ایمان ظاهر خواهد شد، و اندیشه های ما از ادراک ذات او در مانده، و زبان ما از بیان و تقریر اوصافش قاصر، درک حضرت حق با چشم های ظاهری محال و ممتنع است. همه موجودات را بی هیچ سابقه و ماده به مرحله ظهور و هستی آورد، و اشیاء را بی سابقه بدیل و مثال و شکل و نظیر ایجاد و انشاء کرد، و با مشیت و توانائی کامل خود و بدون در نظر

گرفتن نفع و فائده ای مراتب هستی را تصویر و تنظیم فرمود، و از آن هیچ منظوری جز اظهار قدرت و حکمت و ابراز لطف و محبت نداشت، او افراد انسان را آفریده و آنان را به سوی طاعت و عبادت و ثواب و اجر جمیل دعوت کرده، و از خلاف و عصیان و عقاب و غضب خود تحذیر فرمود. و شهادت می دهد که پدرم محمد(صلي الله عليه و آله) بنده و فرستاده خداوند بود، که او را پیش از بعثت او به مقام رسالت و نبوت در عالم غیب او را برگزیده است، زیرا مراتب و مقاماتاشخاص از روز ازل و از همان عالم غیب معلوم و معین گردیده است. و خداوند متعال به عواقب امور و جریان کارها آگاه است، و او به صلاح و فساد و حوادث و پیش آمدهای روزگار محیط و عالم است. خداوند فرستاده و رسول(صلي الله عليه و آله) خود را مبعوث فرمود تا اوامر و احکام و فرامین او در میان بشر روشن شده، و مردم از محیط جهل و گمراهی و انحراف به شاهراه دانش و معرفت و حقیقت و سعادت رهنمائی شوند، و چون آن حضرت مبعوث گردید مردم همه متفرق و متشتت بوده، و از اصنام و اوثان عبادت و پرستش می کردند، و از پروردگار متعال و آفریننده توانای جهان و جهانیان غافل و منحرف بودند، پس به وسیله آن حضرت جهالت و غفلت و نادانی مردم برطرف گردید، و رسول خدا(صلي الله عليه و آله) با کمال حوصله و استقامت در هدایت و نجات دادن افراد کوشش کرده، و آنان را به سوی راه راست و آئین حق و محیط نور و هدایت راهنمایی فرمود. سپس خداوند آن رسول گرامی(صلي الله عليه و آله) را به سوی خویش خواند و از سر رافت و اختیار و رغبت و شوق و ایثار آن حضرت را قبض روح فرمود، و محمد(صلي الله عليه و آله) از زحمت و گرفتاری و مشقت این دنیا خلاص گردید، و با فرشتگان ابرار مأنوس و به درگاه حضرت جبار مجاور گشت، درود و صلوات خدا بر پدرم، که نبی و امین او بر وحی بود، و برگزیده و منتخب او از تمام خلق، سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد! سپس حضرت زهرا رو به جماعت کرده و فرمود: ای مهاجر و انصار شما بندگان خدا و پیا دارنده

احکام و اوامر و نواهی او هستید، شما حامل پیام ها و سخنان پیامبر(صلي الله عليه و آله) به سوی مردم و امت دیگرید، باید که شما در مقام حفظ و دایع و حقائق الهی و دین مقدس اسلام تمام کوشش و امانت خود را داشته باشید. این را بدانید که رسول خدا(صلي الله عليه و آله) در بین شما امانتی بس بزرگ و ودیعه بس با عظمتی را باقی نهاده است، و آن کتاب ناطق و قرآن صادق و نور ساطع و پرتو درخشان است که مجموعه حقائق و قوانین و حجت های الهی در این کتاب واضح و روشن گردیده است. و شما در صورت عمل به این کتاب آسمانی به آخرین درجه سعادت و ترقی رسیده و از تیرگی های جهالت و گمراهی و گرفتاری نجات یافته و مورد غبطه امت های دیگر قرار خواهید گرفت. و این را بدانید که در این قرآن وظائف زندگی و حدود و دستورات انفرادی و اجتماعی شما مردم درج گردیده و حجج و بیّنات و براهین حق و حقایق و احکام الهی در آن منقوش است، و متوجه این مطلب باشید که تکالیف الهی و قوانین دینی تنها برای خوشبختی و سعادت شما مردم است. خداوند ایمان را برای تطهیر قلوب شما از آلودگی شرك قرار داده، و ادای نماز را برای دوری از کبر، و پرداخت زکات را برای پاکی جان و برکت رزق و روزی، و روزه را برای تثبیت اخلاص، و ادای حج را برای بر پا داشتن دین، و عدل و انصاف را برای نظم اجتماع و حفظ روح مساوات، و لزوم اطاعت و امامت ما را موجب امان از تفرقه و جدائی مؤمنان، و جهاد را موجب عزت اسلام و خواری کفار و منافقان، و صبر را پایه خوشبختی و وسیله نیل به هدف، و امر به معروف را برای صلاح همگانی، و نیکی به پدر و مادر را برای مصون ماندن از عذاب الهی، و صلّه رحم را برای طولانی شدن عمر و تکثیر یاران، و قصاص را برای محفوظ ماندن جان مردم، و ادای نذر را برای جلب مغفرت و رحمت حق، و رعایت وزن و کیل را برای اجتناب از کم فروشی، و ممنوعیت شرب خمر را برای دوری از پلیدی، و خودداری از فحاشی و دشنام را برای مصونیت از لعنت مردمان، و دزدی

نکردن را برای حفظ عفت و پاکدامنی قرار داده است، و خداوند برای این شرك را حرام نمود تا همه با اخلاص او را بپرستند، پس تقوای الهی را به خوبی رعایت کرده به گونه ای که از این سرا با حال تسلیم خارج شوید، پس خدا را در اوامر و نواهی اطاعت نمائید، زیرا در میان بندگان تنها دانشمندانند که در برابر خدا خاشعند. پس فرمود: ای مردم آگاهباشید که من فاطمه(علیها السلام) و پدرم محمد(صلي الله عليه و آله) است، گفتارم تماما يك نواخت از سر صدق بوده و از غلط و نادرستی بدور است، از من هرگز کلام بی جا و کردار بی ربط سر نمی زند، (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ) این رسولی که از جانب خدا آمده اگر تحقیق کنید پدر من بود نه شما، و در عقد اخوت پسر عموی من بود نه شما، چه نسبت نیکویی میان آن دو است! آن رسول گرامی(صلي الله عليه و آله) پیوسته ابلاغ رسالت نموده و تذیر فرمود و همیشه با عقیده مشرکان مخالف بوده و با کردارشان مبارزه می کرد و از روی حکمت نیکو به راه پروردگارش می خواند، بت هایشان را شکست و سران کفر را سرکوب کرد، تا سرانجام اجتماعشان پراکنده شد و عقب نشینی کردند، تا اینکه صبح حقیقت طلوع کرد و پیشوای دین زبان گشود و تقاله های شیاطین دم فرو بسته، و سران اهل نفاق به هلاکت رسیده، و کافران نابود شدند، و زبان شما با جمعی که منور و عقیف بودند به کلمه اخلاص گویا شد (همان ها که آیه تطهیر در باره ایشان نازل شد) حال اینکه پیش از این کنار آتش سوزان گرفتار و در بند بوده و يك طعمه بیش نبودید، و در زیر چنگال دیگران هیچ اختیار و قدرتی نداشته و در زیر پای دشمن بودید. آب کثیف و طعام های پست می خوردید، ذلیل و خوار بودید، و با اینکه هیچ روزنه امیدی بر جای نگذاشته بودید و اشخاص کینه توز و نادان دائما توطئه می کردند، باز مشمول رحمت خداوند شده و شما را توسط پیغمبر(صلي الله عليه و آله) خود از این همه پستی و هلاکت نجات بخشید، و هر چه شعله آتش جنگ و خلاف را می تافتند

خداوند خاموشش می کرد. و هر گاه شیطان شاخ خود را بیرون می کرد یا توسط گروهی از مشرکان زبان بغض و عداوت خود را می گشود برادر او علی بن ابی طالب (علیه السلام) را برای مقابله و دفع آنها اعزام می فرمود، و او از هیچ کدام از آن ماموریت ها بی نتیجه باز نمی گشت و بال و پر دشمن را زیر پای خود گذاشته و شعله های آتش مخالفین را با شمشیر خود خاموش می ساخت، و با خلوص نیت و فقط برای خدا تحمل آن سختی ها را کرده و نهایت کوشش را می نمود، وی نزدیکترین مردم به پیامبر (صلي الله عليه و آله) و آقا و سرور اولیاء الله بود، او پیوسته آماده به خدمت و خیرخواه؛ جدی و پرتلاش بود، و در راه خدا سخن هیچ ملامتگری در او اثری نداشت، و شما در آن روزگار در کمال رفاه و آسایش بسر برده و در کمال امنیت در باغهای خود لمیده، و پیوسته در انتظار آن بودید که حوادث بد و جریانهای ناملاİM شامل حال ما خانواده گردد، آری شما هنگام یورش دشمن فرار کرده و از جنگ گریزان بودید. اکنون که خدای تعالی پیامبر (صلي الله عليه و آله) خود را به سرای انبیا و برگزیدگان خود نقل مکان فرمود، میانتان کینه های باطنی ظاهر گشت و جامه دین کهنه و بی رونق شد، و گمراه بی زبان به سخن آمد و فرد بی نام و نشان معروف گشت، و سرکرده اهل باطل صدای زشت خویش بلند نمود، و قدم به ساحت شما نهاد، و شیطان با نیرنگ و فریب شما را تحريك کرد و پاسخ مثبت شنید و شما را گول خورده دید و برای او امر خود آماده به خدمت یافت، و شما را به خشم آورد و به هدف خود رسید، و شما اعتدال عمل را از دست داده و گمراه شدید. الحال زمانی نگذشته دامنه جراحی گسترش یافته و گویی ناعلاج شده، و هنوز جسم شریف پیامبر (صلي الله عليه و آله) در قبر مستقر نشده بود که حریصانه آشوب کردید و اعمال خود را جلوگیر از فتنه می پنداشتید، بدانید که این مردم هنگام امتحان باختند و جایگاه مردم کافر جهنم است، این اعمال از شما به دور است و جای چه عجب است، و چگونه



دروغ می گوئید؟ در حالی که کتاب خدا در میان شما است، قرآنی که ظاهر و احکامش روشن و حقایق آن آشکار و نواهی آن واضح و اوامرش صریح است، آیا کلام خدا را پشت سر انداختید؟ یا از آن اعراض کرده اید؟ چه تبدیل بدی کردند ستمگران، و هر که جز اسلام را پیروی کند از او پذیرفته نخواهد شد و در سرای آخرت از زیانکاران خواهد گشت. سپس آنقدر صبر نکردید که بحران و جوش این مصیبت فروکش کند و خروش آن آرام گیرد، و بلافاصله اقدام به دامن زدن و افروختن آتش کردید، و شراره های فساد مردم را شعله ور ساختید، و دعوت شیطان را اجابت نموده و گمراه شدید، و انوار دین مبین حق را خاموش، و احکام و سنت های رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را ترك نمودید، شما به بهانه های واهی اهداف شوم خود را به اجرا گذاشته و در واقع به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) خیانت و ستم نموده و هر چه خواستید کردید، و ما در مقابل شما صبر می کنیم، همچون صبر در برابر تیزی و برش کارد و طعنه نیزه ها، و حال شما می پندارید که مرا هیچ ارثی نیست، مگر از احکام جاهلیت پیروی می کنید؟ حال اینکه در نزد اهل یقین هیچ حکمی بهتر از حکم خدا نیست، مگر فهم ندارید؟ آری حقیقت آن بر شما چون روز روشن است که من دخت پیامبرم. ای مسلمانان، آیا شایسته است که من از ارث خود محروم باشم؟ ای پسر ابوقحافه آیا در قرآن است که تو از پدر ارث بری و من نه؟ به تحقیق از نزد خود حکم تازه و دروغی در آوردی؟ مگر کتاب خدا را عمدا ترك کرده و احکام آن را پشت سر انداختی؟ خداوند در قرآن می فرماید: (وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ) و سلیمان (علیه السلام) از داود (علیه السلام) ارث برد و نیز در نقل ماجرای [تولد] یحیی (علیه السلام) می فرماید: (فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ)

زکریا گفت: خدایا از سر احسان به من پسری عطا فرما که پس از من متولّی امور و وارث من و آل یعقوب (علیه السلام) باشد و نیز فرمود: (وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ) صاحبان قرابت و خویشاوندان برخی

از آنان بر برخی دیگر اولویت دارند و باز فرمود: (يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ)

حکم خداوند در باره ارث اولاد شما این است که نصیب یک مرد دو برابر زن باشد و نیز فرموده: (برای شما مقرر شده که هنگام نزدیک شدن زمان مرگ) (إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأُولَادِ ذَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ) اگر مالی از خود باقی گذارید باید برای پدر و مادر و خویشاوندان خود وصیت نمائید، این از جمله حقوقی است که باید اهل تقوا رعایت کنند و شما پنداشته اید مرا نصیب وارثی از پدرم نبوده و هیچ قرابتی میان ما نیست؟! آیا آیات قرآن عموم شما را شامل می شود ولی پدر من از آن خارج است؟! نکنند شما گمان برده اید که من و پدرم از یک آئین نبوده و از هم ارث نمی بریم؟! مگر شما از پدر و پسر عموم به عموم و خصوص آیات قرآن داناترید؟! سپس به ابو بکر گفت: امروز فدک را از ما ستاندی، و هر چند که هیچ مخالفی نداری ولی بدان که در روز حشر خداوند حاکم است، و چه خوب حاکمی است! و پیشوای ما محمد (صلی الله علیه و آله) و وعده گاه ما قیامت خواهد بود. و در آن روز اهل باطل در ضرر و زیانند، و ندامت سودشان نبخشد، و برای هر خبری موعدی است و شما در نهایت خواهید فهمید چه کسی عذاب خوارکننده و دائمی شود. سپس آن حضرت رو به انصار نموده و فرمود: ای گروه بزرگان و ای بازوان توانای ملت، و ای نگهداران دین، این چه رفتار سست و سبکی است که ظالمانه در حق من روا داشته اید؟ مگر پدرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نفرموده بود: «مراعات هر شخصی در احترام به فرزندان اوست» چه با شتاب خلاف آن عمل کردید، هر چند این امر قابل پیش بینی بود، با اینکه شما برای احقاق حقوق من قادر و توانائید، پنداشته اید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از میان رفت و ما را گشتیم؟ آه که فوت او چه حادثه بزرگ و پیش آمد عظیمی بود، شکافی وسیع پدید نمود و همه چیز را بهم ریخت و از فقد او زمین تیره شد و خورشید و ماه گرفت، و تمام ستارگان از هم پاشیدند، و کشتی آرزو به گل

نشست، و کوه ها خاشع شدند، و در پی وفات او حریم ها زیر پا گذارده شد و حرمت ها ریخت، و بخدا سوگند که این فاجعه ای عظیم و پیش آمدی بزرگ و بی مانند بود آری این قضاء حتمی و حکم قطعی خداوند بود که در قرآن از طریق وحی به پیامبر همچون دیگر انبیا به چندین طریق شما را از فاجعه خبر داده بود که (وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ) و محمد فقط رسولی است همچون دیگر رسولان، اگر بمیرد یا کشته شود از راه حق منحرف شده و به پشت سر خودتان برمی گردید (این را بدانید) و هر که رو به قهقری بر گردد ضرری به خداوند نخواهد داشت، و خداوند آن کسانی را که به نعمتها و الطاف الهی متوجه باشند، پاداشی نیکو می دهد ای گروه انصار، شما حاضر و ناظر باشید و میراث پدر من مورد دستبرد دیگران واقع گردد؟! شما مشمول دعوت من گشته و در معرض امتحان و آزمایشید، حال اینکه شما برخوردار از سلاح و تجهیزات جنگی بوده و معروف به اهل خیر و صلاح و نیکوکاری هستید، چه شده که اکنون دعوت مرا شنیده و یاریم نمی کنید؟! و ناله ام را می شنوید و به فریادم نمی رسید؟! با اینکه شما در گذشته به تلاش و شجاعت و نبرد و تحمل سختی ها و استقامت شناخته شده و آن گروه منتخب مخصوص ما اهل بیت (علیهم السلام) بودید؟! شما با اعراب جاهلی به جنگ پرداخته و در این راه هر سختی و مشقت را به جان خریدید، و با طوائف مختلف مبارزه کردید و با دلیرانشان به جدال پرداختید، و پیوسته گوش به فرمان ما اهل بیت (علیهم السلام) بودید، و مشتاقانه اوامر ما را اجرا می کردید، تا اینکه عاقبت نظم جامع اسلام برقرار گردید، و خیرات روزگار تراوش نمود، و مشرکان سر تسلیم فرود آوردند، و تظاهر دروغ و باطل آرام شد، و شعله های کفر خاموش گشت، و هرج و مرج خاتمه یافت، و نظام دین محکم شد، چرا پس از روشنی حقیقت حیران شدید؟ و پس از

اظهار آن پنهان می دارید؟ و بعد از پیشروی عقب نشینی کردید؟ و پس از ایمان به شرك افتادید؟ وای بر شما که مانند آن گروهی هستید که عهد خود را شکستند، و آهنگ بیرون کردن پیامبر (صلي الله عليه و آله) را نمودند، و آنان بودند که نخستین بار (دشمنی و پیکار با شما را) آغاز کردند؟ آیا از آنان می ترسید؟ و خدا سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمنید. آری می بینم که شما میل به رفاه و آسایش دنیا نموده و دست از آنکه شایسته تولیت و امامت است برداشته اید، و خود را از مسئولیت تکالیف و حدود و وظائف دینی رها نموده و آزاد ساختید، و هر آنچه دیده و شنیده و می دانستید را بدور انداختید، حال اینکه اگر شما و اهل زمین کافر شوند، به راستی که خداوند بی نیاز و ستوده است. آری من با کمال دقت و معرفت شما را از آن ضلالت و خذلان و تیرگی که ظاهر و باطن شما را فرا گرفته است آگاه ساختم، و ناخواسته لبریز جان شد، و شور و خشمی به بیرون جهید، و طاقتم طاق شد، و حبس آن نتوانستم، و پیشگیرانه بر زبانم آمد اکنون بگیریید و ببرید این شتری که به ناحق غصب نمودید و این دابه خلافت و فدک را ماخوذ دارید او را رام و متقاد خود شمارید و به آسودگی سوار شوید، اما بدانید که پای این دابه مجروح و پشت او زخم دارد، حمل آن عار، و ننگ آن باقی و برقرار و به وسم و نشان خداوند تعالی داغ دار و موسوم بودنش به ننگ همیشگی آشکار و پیوسته و متصل به آتش غضب خداوندگار و کشاننده است راکب خود را به سوی آتشی که شکافنده قلب فاجران و کفار نابکار است همانا خداوند نگران است بدان چه می کنید و می داند ظالمان به کجا می روند و جای می گیرند. من دخت پیغمبر (صلي الله عليه و آله) شمایم که برایتان بشیر و نذیر بود، و شما را به عذاب شدید بیم می داد، پس آنچه که می توانید انجام دهید، ما نیز انتقام خواهیم کشید، حال شما منتظر آن روز باشید، ما نیز منتظر آن روز هستیم. ابو بکر گفت: ای دخت رسول خدا (صلي الله عليه و آله) بی شك پدرت پیوسته با مؤمنین مهربان و کریم و بی نهایت مشفق و رحیم

بود، و بر کافران سختگیر و چون عذابی شدید بود، بر همگان روشن است که رسول خدا(صلي الله عليه و آله) تنها پدر شما بوده، و افتخار برادری با او فقط متعلق به شوهر تو است، همو که از میان همگان به دوستی و رفاقت خویش برگزید، و او نیز در هر کار سخت و مشکلی او را یاری نمود، فقط افراد خوشبخت شما را دوست می دارند، و تنها افراد بدبخت به شما بغض می ورزند. زیرا شما عترت طاهره و نجیبان برگزیده اید، راهنمای ما بر خیر و راه ما منتهی به بهشت است. و توای بهترین زنان، و دخت بهترین انبیاء، در کلامت صادقی و از جهت عقل و کمال خرد و فهم مقدم هستی، کسی را نشاید که قول تو را رد نموده و حق تو را تصاحب کند، بخدا سوگند من از رای پیامبر تجاوز نکرده، و بر خلاف فرمایش او رفتار نمی کنم، و البته راهنمای قوم به آنان دروغ نمی گوید، و من خدا را شاهد می گیرم و همان مراسم که خود از رسول خدا(صلي الله عليه و آله) شنیدم که می فرمود: ما جماعت پیغمبران هیچ طلا و نقره و زمین و مالی را از خود به ارث نمی گذاریم، و میراث ما فقط علم و حکمت و کتاب و نبوت است، و آنچه از متاع دنیا از ما باقی بماند در اختیار کسی است که پس من از ولایت امور را بر عهده می گیرد، و او هر طور که صلاح بداند در آن تصرف کند، و ما نیز آنچه تصرف نمودیم در راه تهیه و اسباب جنگ از اسلحه و چارپایان مصرف خواهیم کرد، تا مسلمین نیرو و عظمت پیدا کرده و در جنگ با کفار و مخالفین پیروز شوند، و این اجماع مسلمین است و استبداد رای من نیست، و این تمام ماجرا است، اینك فدك در پیش ما حاضر و در اختیار تو است، نه قصد قبض آن را داشته و نه از شما پنهان نمایم، و تو بانو و سرور زنان امت پدرت می باشی، و مادر گرامی فرزندان پیامبری، و قصد تصاحب هیچ مالی از شما را نداریم، و منکر مقام تو از جهت پدران و اولاد نیستیم، و حکم و امر تو در آنچه تصاحب نموده ایم نافذ است، ولی آیا من می توانم مخالف دستور پدرت رسول خدا(صلي الله عليه و آله) رفتار کنم؟! حضرت فاطمه(عليها السلام) فرمود: سبحان

اللّٰه! هرگز پدرم رسول خدا(صلي الله عليه و آله) از كتاب خدا و احكام آن نه منصرف بود و نه مخالف، بلكه تنها بر اساس احكام و سوره هاى آن رفتار مى كرد، آيا شما باهم توطئه كرده و براى اين حيله بهانه و علّتى مى تراشيد؟ همان گونه كه در زمان حيات آن رسول گرامى(صلي الله عليه و آله) نيز به او سخنان ناروا نسبت مى داديد! اين قرآن است كه با صدائى بلند و رسا و صريح و عادلانه مى فرمايد: (يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ) (زكريّا گفت: خدايا از سر احسان به من پسرى عطا فرما كه پس از من) متولّى امور و وارث من و آل يعقوب باشد و (وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ) و سليمان(عليه السلام) از داود(عليه السلام) ارث برد و خداوند در قرآن تا حدّى توزيع و توريث و قسط و قانون فرايض طبقات وارث را بيان فرموده است، كه موردى براى ترديد و اشتباه باقى نمانده است، حاشا! شماها در اين امر از تمايلات نفسانى خود پيروي نموده ايد و ما جز صبر چاره ديگرى نداريم، (وَ اللّٰهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ) ابو بكر گفت: تمام سخنان خدا و رسول راست و حقّ است، و تو نيز اى دخت پيامبر راست مى گويى، تو معدن علم و جاىگاه هدايت و رحمتى، تو پايه و اساس دين و حجتّ حقّى، من هرگز سخن تو را رد نكرده و منكر كلام تو نيستم، ولى من بى هيچ عناد و استبداد و ستيزه اى هر چه گفتم با راي نظر همين جماعت حاضر مسلمان بود و با مشورت ايشان انجام دادم، و ايشان همگى شاهدند. حضرت زهرا(عليها السلام) رو به جانب مردم نموده و فرمود: اى جماعت مسلمين كه عجولانه مبادرت به انتخاب امرى باطل و ناصواب نموديد، آيا پيرامون آيات قرآن هيچ تدبّر و تأمل نمى كنيد، يا اينكه دل هاى شما در حجاب و پوشيده شده، نه اين طور نيست بلكه بدى كردار و اعمالتان بر دل هاى شما غالب گرديد و توان شنيدن وديدن را از گوش و چشم شما گرفت، و چه بد تاويل نموديد و چه راه زشتى را پيش گرفتيد و بدتر از همه آن وجهى است كه به سبب آن حقّ ديگران را غصب كرديد، سوگند به خداوند كه چون پرده از برابرديدگان شما برداشته شود منظره بسيار

هولناکی را خواهید دید، سپس این آیه را قرائت نمود که: (وَ حَسْبِرَ هُنَالِكَ الْمُبْتَطِلُونَ) آنگاه رو به قبر شریف پیامبر (صلی الله علیه و آله) نموده و این مرثیه را سرود: پس از تو اخبار و اکاذیبی منتشر شد که اگر شما حاضر بودی کار مردم تا این حد سخت نمی شد، ما تو را از دست دادیم همچون زمینی که بارانی نافع را از دست دهد، قوم تو به اختلاف افتادند، پس تو خود شاهد امور ایشان باش، هر یک از خویشان او دارای احترام و منزلتند، و نزد خدا آن گرامی تر است که به او نزدیکتر، گروهی از مردم آنچه در سینه ها [از حقد و کینه] داشتند به ما نمایاندند، آنگه که تو درگذشتی و خاک ها میان ما و شما حائل شد، گروهی از مردمان نسبت به ما روی ترش کرده و مقام ما را کوچک و سبک شمردند، چون از میان ما غایب شدی امروز ما مورد غضب و خشم واقع شدیم، تو همچون ماه شب چارده و نوری بودی که از تو بهره مند می شدند، و بر تو از جانب خداوند عزیز آیات نازل می شد، ای کاش مرگ پیش از تو سراغ ما می آمد، وقتی شما از این دنیا رحلت نموده و میان ما و شما حائل شد، به ما مصیبتی رسیده که به هیچ فرد اندوهناکی از عرب و عجم نرسیده بود. سپس آن حضرت به منزل بازگشت در حالی که حضرت امیر (علیه السلام) در انتظار مراجعت و درخشش سیمای مبارک او بود... (1)

ص: 866

---

1- . الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) ج 1 ص 97 احتجاج فاطمة الزهراء ع علی القوم لما منعوها فذك و قولها لهم عند الوفاة بالإمامة

اطاعت از ایشان بر تمام مخلوقات واجب است

ص: 867



اطاعت از حضرت زهرا سلام الله عليها بر تمامی مخلوقات واجبست حدیثی ابو الحسنین محمد بن هارون بن موسی التلعکبری، قال: حدیثنا ابي، قال: حدیثنا ابو علي محمد بن همام قال: حدیثنا جعفر بن محمد بن مالك الفزاري، قال: حدیثنا محمد بن احمد بن حمدان، قال: حدیثی علي بن سليمان و جعفر ابن محمد، عن علي بن اسباط، عن الحسن بن ابي العلاء و علي بن ابي حمزة، عن ابي بصير، قال: قال الصادق (عليه السلام): وَ لَقَدْ كَانَتْ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا) طَاعَتُهَا مَفْرُوضَةً عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ، وَ الْإِنْسِ، وَ الطَّيْرِ، وَ الْبَهَائِمِ، وَ الْأَنْبِيَاءِ، وَ الْمَلَائِكَةِ.

امام صادق (عليه السلام) در حدیثی مفصل و بسیار زیبا که در این جا، اندکی از آن، آورده شده اشاره به شان والای حضرت زهرا (علیها السلام) نموده و فرمودند: به راستی که اطاعت از آن حضرت بر تمام آفریدگان خدا از جن و انس، پرنندگان، وحوش، پیامبران و فرشتگان واجب بود. (1)

ص: 868



دشمنان ایشان در قیامتقال النَّبِيِّ (صلي الله عليه و آله): وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَأَقُومَنَّ بِخُصُومَةِ أَعْدَائِكَ وَ لَيُنْدَمَنَّ قَوْمٌ أَخَذُوا حَقَّكَ وَ قَطَعُوا مَوَدَّتَكَ وَ كَذَبُوا عَلَيَّ وَ لَيُحْتَلَجْنَ دُونِي فَأَقُولُ أُمَّتِي أُمَّتِي فَيَقَالُ إِنَّهُمْ بَدَّلُوا بَعْدَكَ وَ صَارُوا إِلَى السَّعِيرِ

پیامبر(صلي الله عليه و آله) مي فرمايد:...سوگند به ذاتي که مرا به زيور بعثت آراسته گردانيد، در قيامت به دشمني با دشمنان تو بر مي خيزم، تا اين که گروهی که حق تو را به ناحق غصب نموده و رشته دوستي را با تو گسسته و بر من دروغ بسته و پس از من در عقیده و افکارشان در راه حق سستی و اعوجاج پيدا کردند پشيمان و سرافکنده شوند. سپس مي گويم: ائمتم! ائمتم! در جواب گفته مي شود: ایشانند کسانی که بعد از تو تغيير مسير و عقیده داده و حال به سوي آتش در حرکتند. (1)

ص: 870

---

1- . طرف من الأنبياء و المناقب ص 193 الطرفة السادسة و العشرون في مناجاة النبي صلى الله عليه و آله لفاطمة و علي عليهما السلام، و وداعهما في الليلة التي قبض في نهارها، و تعريفه بطرف من حديث أمته و أسرارها.



سيدة النساء العالمين حَ دَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُوْسُفَ الصَّبَّيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، قَالَ حَدَّثَنَا زَكَرِيَّا، عَنْ فِرَاسٍ، عَنْ مَسْرُوقٍ، عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: أَقْبَلْتُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) تَمْشِي، لَا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا مَسَّ يَتُّهَا تَحْرُمُ مِنْ مَشِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) فَلَمَّا رَأَاهَا قَالَ: مَرْحَبًا بِابْنَتِي، مَرَّتَيْنِ، قَالَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام): فَقَالَ لِي: أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَأْتِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ

عایشه می گوید: فاطمه (علیها السلام) راه می رفت و سوگند به خدایی که هیچ معبودی جز او نیست راه رفتن او هیچ کاستی از راه رفتن رسول خدا (صلي الله عليه و آله) نداشت پس هنگامی که پیامبر (صلي الله عليه و آله) فاطمه (علیها السلام) را دید دوباره فرمود: دخترم خوش آمدی. فاطمه (علیها السلام) فرمود: پیامبر (صلي الله عليه و آله) به من فرمود: آیا خشنود نمی گردی که در قیامت بانوی زنان مومن و بانوی زنان این امت باشی؟ (1)

سرور بانوان عالم از ازل تا ابد

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) فِي فَاطِمَةَ (عليها السلام) أَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ

ص: 872

الْعَالَمِينَ أَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا فَقَالَ ذَلِكَ لِمَرْيَمَ (عليها السلام) كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَفَاطِمَةَ (عليها السلام) سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ. مُفَضَّلٌ مِي كَوِيد: به امام صادق (عليه السلام) عرضه داشتم: مرا از گفتار پیامبر خدا (صلي الله عليه و آله) كه در شان فاطمه (عليها السلام) فرمود: او سرور بانوان عالم است آگاه نما، آيا او سرور بانوان عصر خود مي باشد و يا سرور بانوان تمامي اعصار است؟ حضرت فرمودند: اين براي مريم (عليها السلام) است، زيرا مريم (عليها السلام) سرور بانوان زمان خود بود، اما فاطمه (عليها السلام) سرور بانوان عالم است از ابتدای خلقت تا انتهای آن. (1)

فَأَنَّتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَابْنَاكَ (الْحَسَنُ) (عليه السلام) وَ (الْحُسَيْنُ) (عليه السلام) سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَنَا وَ أَخِي وَ الْأَحَدَ عَشَرَ إِمَاماً أَوْصِيَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلُّهُمْ هَادُونَ مَهْدِيُونَ أَوَّلُ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ أَخِي الْحَسَنِ (عليه السلام) ثُمَّ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) ثُمَّ [تِسْعَةٌ مِنْ] وُلْدِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي مَنْزِلٍ وَاحِدٍ فِي الْجَنَّةِ

پس تو سیده زن های اهل بهشت هستی، و دو پسر حسن (عليه السلام) و حسين (عليه السلام) دو آقای جوانان اهل بهشتند، و من و برادرم و یازده امام که جانشینان من تا روز قیامت هستند همگی هدایت کننده و هدایت شده ایم. اولین نفر از جانشینان پس از برادرم، حسن (عليه السلام) است و بعد از او حسين (عليه السلام) و سپس نه نفر از فرزندان حسين (عليه السلام)، که در بهشت در يك منزل خواهند بود. (2)

ص: 873

1- . معاني الأخبار ص 107 باب معنی ما روي في فاطمة ع أنها سيدة نساء العالمين

2- . كتاب سليم بن قيس الهلالي ج 2 ص 565 الحديث الأول [1]



فَرَأَتْ قَالِ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعَنَّأً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اللَّيْلَةَ فَاطِمَةُ (عليها السلام) وَ الْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَإِنَّمَا سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا أَوْ مِنْ مَعْرِفَتِهَا الشُّكَّ

امام صادق (عليه السلام) در تفسیر (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) فرمودند: مقصود از (اللَّيْلَةَ) فاطمه (عليها السلام) و مراد از (الْقَدْرُ) خداوند است، پس هر که فاطمه (عليها السلام) را آن طور که سزاوار بوده و حق معرفت اوست بشناسد شب قدر را درک کرده، و همانا آن حضرت فاطمه (عليها السلام) نامیده شد زیرا مردم از شناخت او بازداشته شده و عاجزند. (1)

ص: 875

---

1- . تفسیر فرات الكوفي ص 581 و من سورة القدر ح 747 زیرا مقام ایشان آنقدر والاست که عقول مردم توانایی شناخت ایشان را ندارند





قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِغَضَبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ.

پیامبر (صلي الله عليه و آله): خداوند به خشم تو غضبناک و به خشنودیت خشنود می گردد. (1)

قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي

پیامبر (صلي الله عليه و آله): فاطمه (علیها السلام) پاره تن منست، هرکه او را بیازارد مرا آزرده. (2)

قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): يُؤْذِينِي مَا يُؤْذِيهَا وَيَغْضِبُنِي مَا يُغْضِبُهَا وَإِنَّهَا بَضْعَةٌ مِنِّي

يُرِيْبُنِي مَا زَابَهَا

پیامبر (صلي الله عليه و آله) همواره درباره حضرت زهرا (علیها السلام) می فرمودند: مرا آزرده هرکه او را بیازارد و به خشم آورده هرکه او را

خشمگین نماید، او پاره تن منست، و مرا تکذیب نموده هرکه او را تکذیب کند. (3)

عَنْهُ، أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ خَالِدٍ الْمُرَاغِي، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْكُوفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَرْوَانَ الْغَزَّالِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الْأَحْمَسِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ نَوْفَلٍ، قَالَ سَمِعْتُ سَدَّ بْنَ مَالِكٍ يَعْني ابْنَ أَبِي وَقَّاصٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام)

بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي، وَ مَنْ سَاءَهَا فَقَدْ سَاءَنِي، فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) أَعْرُ الْبَرِيَّةِ عَلَيَّ.

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: فاطمه (علیها السلام) پاره ی تن من است، هرکه او را خوشحال کند مرا خوشحال کرده و هرکه

او را بیازارد مرا آزار داده و فاطمه (علیها السلام) عزیزترین آفریدگان در نزد من است. (4)

ص: 877

- 1- . كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام ص 351 المبحث العشرون في زوجته ح 2
- 2- . شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد ج 16 ص 273 الفصل الثالث في أن فدك هل صح كونها نحلة رسول الله ص لفاطمة ع أم لا
- 3- . شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد ج 9 ص 193 فصل في ترجمة عائشة و ذكر طرف من أخبارها
- 4- . الأمالي (للطوسي) النص 24 [1] المجلس الأول ح 30

فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بَضْعَةً مِنِّي، يُرِيْبِي مَا رَابَهَا، يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) مي فرمودند: فاطمه (عليها السلام) پاره ي تن منست، بي تابي او بي تابي منست، و آزار او، آزار من خواهد بود. (1)

قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنَّ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شِجْنَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا وَ يَسْرُنِي مَا يَسْرُهَا

پيغمبر اکرم (صلي الله عليه و آله): فاطمه (عليها السلام) از ريشه اي پيچيده به من است، آزار مي دهد مرا هر آنچه او را آزار مي دهد، و خرسند مي سازد مرا هر آنچه او را خرسند مي سازد. (2)

حَدَّثَنَا بِذَلِكَ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْكُوفِيِّ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الْمُؤَدِّبُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَرَاءَةً قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ التَّمِيمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ عُبَايَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) شِجْنَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا وَ يَسْرُنِي مَا يَسْرُهَا وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَغْضَبُ لِعِصَابِ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا.

ابن عباس گوید: پيغمبر (صلي الله عليه و آله) فرمود: قطعا فاطمه (عليها السلام) شاخه اي از من است آزده مي سازد مرا آنچه او را آزده مي سازد، و شادمان مي کند مرا آنچه او را شادمان مي نمايد، و به يقين خداوند تبارک و تعالی خشمگين گردد به واسطه ي خشم فاطمه (عليها السلام)، و خشنود گردد براي خشنودي فاطمه (عليها السلام). (3)

إِنَّمَا فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا وَ يُنْصِبُنِي مَا أَنْصَبَهَا.

فاطمه (عليها السلام) پاره تن من است. آنچه او را آزار دهد مرا آزار مي دهد و آنچه او را به رنج افکند مرا به رنج افکنده است. (4)

فَإِنَّ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْلِمُنِي مَا يُؤْلِمُهَا وَ يَسْرُنِي مَا يَسْرُهَا (5)

فاطمه (عليها السلام) پاره تن من است. درد او درد من و شادي او شادي من است

ص: 878

1- . تاج العروس من جواهر القاموس ج 11 ص 20 1538

2- . معاني الأخبار النص 303 باب معنى الشجنة

3- . معاني الأخبار النص 303 باب معنى الشجنة ح 2

4- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 29 ص 337 الأولى ح 4

5- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 363 في ذكر تزويجه ع فاطمة سيدة نساء العالمين

مُسْتَدْرِكُ الْحَاكِمِ عَنْ أَبِي سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ وَحَلِيَّةِ أَبِي نُعَيْمٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ وَابْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ وَالْمُسَوَّرِ بْنِ مَخْزَمَةَ أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ إِنَّمَا فَاطِمَةُ سَجْنَةٌ مَنِّي يَفْبِضُنِي مَا يَفْبِضُهَا وَيَسْطُنِي مَا يَسْطُنُهَا... حاكم در كتاب: مستدرک از پیغمبر گرامی اسلام روایت کرده که فرمود: فاطمه از من است، آنچه که او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده و آنچه که وی را خوشحال نماید مرا خوشحال می نماید. (1)

فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بَضْعَةٌ مَنِّي، يَفْبِضُنِي مَا يَفْبِضُهَا وَيَسْطُنِي مَا يَسْطُنُهَا

فاطمه (علیها السلام) پاره ی تن منست، آنچه که او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده و آنچه که وی را خوشحال نماید مرا خوشحال می نماید. (2)

فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بَضْعَةٌ مَنِّي يُرْضِينِي مَا أَرْضَاهَا وَيُسْخِطُنِي مَا أَسْخَطَهَا

پیغمبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرموده: فاطمه (علیها السلام) پاره تن من میباشد، هر چه باعث رضایت زهراء شود باعث رضایت من می شود، آنچه که موجب خشم فاطمه شود موجب خشم من نیز خواهد شد. (3)

وَرُويَ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَهُوَ آخِذٌ بِيَدِ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فَقَالَ مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفَهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَهِيَ بَضْعَةٌ مَنِّي وَهِيَ قَلْبِي وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ

فاطمه (علیها السلام) پاره از منست و مجاهد روایت کند که رسول الله (صلي الله عليه و آله) يك روزی از خانه بیرون فرمود و دست فاطمه (علیها السلام) را در دست داشت گفت: هر که شناسد این را بشناسد و هر که نشناسد او را اینفاطمه (علیها السلام) بنت محمد (صلي الله عليه و آله) است و او پاره از

ص: 879

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 332 فصل في حب النبي إياها

2- . تاج العروس من جواهر القاموس ج 10 ص 132 [قبض]

3- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 332 فصل في حب النبي إياها

بدن منست و اودل و جان منست که در میان هر دو پهلوی منست، پس هر که او را بیازارد مرا آزرده، و هر که مرا بیازارد خدای را آزرده.<sup>(1)</sup>

ص: 880

---

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج 1 ص 466 منزلتها عند النبي ص ..... ص : 459



أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ

حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُونُسَ الضَّبِّيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ الْأَحْمَرُ، عَنِ الشَّيْبَانِيِّ، عَنْ جُمَيْعِ بْنِ عَمِيرٍ، قَالَ:

قَالَتْ عَمَّتِي لِعَائِشَةَ وَ أَنَا أَسْمَعُ أَرَأَيْتَ مَسِيرَكَ إِلَى عَلِيٍّ (عليه السلام)

مَا كَانَ قَالَتْ:

دَعِينَا مِنْكَ، إِنَّهُ مَا كَانَ مِنَ الرِّجَالِ أَحَبُّ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

مِنْ عَلِيٍّ (عليه السلام)،

وَلَا مِنَ النِّسَاءِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ فَاطِمَةَ (عليها السلام)

جميع بن عمير مي گوید: مي شنيدم كه عمه ام به عايشه مي گفت: تو بودي كه آن سان به سوي علي (عليه السلام) قدم برداشتي؟ عايشه گفت: ما را رها كن! هيچ مردی در نزد رسول خدا (صلي الله عليه وآله) محبوبتر از علي (عليه السلام) و هيچ زني محبوبتر از فاطمه (عليها السلام) نيست. (1)

احترام فراوان پيامبر به حضرت زهرا سلام الله عليها

أَخْبَرَنَا حَمَّوَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو خَلِيفَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ الْفَرَجِ الرِّيَّاسِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ عُمَرَ، عَنْ إِسْرَائِيلَ، عَنْ مَيْسَرَةَ بْنِ حَبِيبٍ، عَنِ الْمُنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ عَائِشَةَ بِنْتِ طَلْحَةَ، عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ مِنَ النَّاسِ أَحَدًا أَشَدَّ بِهِ كَلَامًا، وَ حَدِيثًا بِرَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) مِنْ

فَاطِمَةَ (عليها السلام) كَأَنَّكَ إِذَا دَخَلْتَ عَلَيْهِ رَحَبَ بِهَا، وَقَبَّلَ يَدَيْهَا، وَأَجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ، فَإِذَا دَخَلَ عَلَيْهَا قَامَتْ إِلَيْهِ فَرَحَّبَتْ بِهِ، وَقَبَّلَتْ يَدَيْهِ،

ص: 882

عایشه می گفت: وقتی فاطمه (علیها السلام) بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد می شد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او خوش آمد می گفت، دست های مبارک او را می بوسید و او را در جای خود می نشاند، و هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر فاطمه (علیها السلام) وارد می شد، او از جای بر می خاست و به پیامبر (صلی الله علیه و آله) خوش آمد می گفت، و دست های او را می بوسید. (1)

منزلت حضرت زهرا سلام الله علیها در نزد رسول خدا

وَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ عَنِ الْمُسَدِّمِيِّ عِنْدَهُمْ جَارَ اللَّهِ فَخَرُّ خُوَارِزْمِ أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو بْنِ زَمْعَشَرِيٍّ بِإِسْنَادِهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ شَاذَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ حَمْرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ صَالِحٍ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ بِأَسْمَاءِ رُؤَاتِهِ وَ تَرَكْتُ ذَلِكَ اخْتِصَارًا قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بِهَيْجَةِ قَلْبِي وَ ابْنَاهَا ثَمْرَةُ فُوَادِي وَ بَعْلُهَا نُورُ بَصْرِي وَ الْأَيْمَةُ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) مِنْ وُلْدِهَا أَمْنَاءُ رَبِّي وَ حَبْلٌ مَمْدُودٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوَى

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: فاطمه (علیها السلام) شادیی قلبم، و فرزندانم، میوه های دلم، و همسرش نور دیدگانم، و پیشوایان از فرزندانم امناء پروردگرم و ریسمان رابط میان خدا و خلق اویند، هر که به ایشان تمسک کند نجات یابد و هر که از آن ها اعراض کند به ورطه هلاکت افتد. (2)

ص: 883

1- . الأملی لطوسی ص 400 المجلس الرابع عشر 14 ح 40

2- . الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف ج 1 ص 118 حدیث الثقلین ح 180



پدرت به فدایتقال الرسول(صلي الله عليه و آله):...وَقَالَ فِدَاكِ أَبُوكَ يَا فَاطِمَةُ(عليها السلام)

رسول خدا(صلي الله عليه و آله): پدرت به فدایت یا فاطمه(عليها السلام).<sup>(1)</sup>

مقام فاطمه در نزد رسول خدا

أَخْبَرَنَا حَمَّوِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو خَلِيفَةَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ الْفَرَجِ الرَّيَّاشِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ عُمَرَ، عَنْ إِسْرَائِيلَ، عَنْ مَيْسَرَةَ بْنِ حَبِيبٍ، عَنِ الْمِنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ عَائِشَةَ بِنْتِ طَلْحَةَ، عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ مِنَ النَّاسِ أَحَدًا أَشْبَهَ كَلَامًا وَحَدِيثًا بِرَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) مِنْ فَاطِمَةَ (عليها السلام). كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَبَ بِهَا، وَقَبَّلَ يَدَيْهَا، وَأَجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ، إِذَا دَخَلَ عَلَيْهَا قَامَتْ إِلَيْهِ فَرَحَّبَتْ بِهِ، وَقَبَّلَتْ يَدَيْهِ، وَدَخَلَتْ عَلَيْهِ فِي مَرَضِهِ فَسَارَّهَا فَبَكَتْ، ثُمَّ سَارَّهَا فَضَحَّكَتْ، فَقُلْتُ: كُنْتُ أَرَى لَهُدِهِ فَضَدَّ لَّا عَلَى النِّسَاءِ، فَإِذَا هِيَ امْرَأَةٌ مِنَ النِّسَاءِ، فَبَيْنَمَا هِيَ تَبْكِي إِذْ ضَحَّكَتْ! فَسَأَلْتُهَا فَقَالَتْ: إِنِّي [إِذْ] لَبَدْرَةٌ فَلَمَّا تُوفِّي رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) سَأَلْتُهَا فَقَالَتْ: إِنَّهُ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ يَمُوتُ فَبَكَتُ، ثُمَّ أَخْبَرَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لِحُوقًا بِهِ فَضَحَّكَتُ.

ص: 884

1- . طرف من الأنباء و المناقب ص 191 باب الطرفة السادسة و العشرون في مناجاة النبي صلى الله عليه و آله لفاطمة و علي عليهما السلام، ووداعهما في الليلة التي قبض في نهارها، و تعريفه بطرف من حديث أمته و أسرارها

عایشه گوید: در میان مردم ندیده ام که در گویش و گفتار کسی از فاطمه (علیها السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شبیه تر باشد، وقتی او به نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد حضرت به او خوش آمد می گفت و دستانش را می بوسید و در جای خود می نشاند و وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نزد او می رفت فاطمه (علیها السلام) بر می خاست و به ایشان خوش آمد می گفت و دستانش را می بوسید. فاطمه (علیها السلام) در بیماری پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نزد ایشان آمد و آن حضرت با او به نجوا سخن گفت و فاطمه (علیها السلام) گریست. سپس باز نجوا کرد و فاطمه (علیها السلام) خندید. نزد خود گفتم: من گمان می کردم که این زن بر زنان دیگر فضیلت دارد و اکنون او را می بینم که چون زنان دیگر است، در میان گریه ناگاه می خندد. آنگاه در این باره از خودش پرسیدم. فرمود: حال که پرسیدی خواهم گفت: چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وفات کرد، در آن باره پرسیدم فرمود: ایشان به من خبر داد که در این بیماری وفات خواهد کرد و پس من گریستم. سپس فرمود: من نخستین کسی از خاندان او هستم که به او خواهم پیوست و من خندیدم. (1)

ص: 885



حضرت زهرا سلام الله عليها الكوي امام زمان

أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ التُّعْكَبَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الرَّازِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْقُمِّيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ بُنَانَ الطَّلْحِيُّ الْأَمِيئِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْمُؤْتَفِقُ بِهِ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ قَالَ: قَالَ الْمَهْدِيِّ: f... وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

لي أسوة حسنة و سيردي الجاهل رداء عمله و سيعلم الكافر لمن عقبى الدار

امام زمان f در شان حضرت زهرا(عليها السلام) فرمودند: و دختر رسول خدا(صلي الله عليه و آله) براي من سرمشقي نيکوست، و به زودي جاهل به سزاي عملش مي رسد و کافر خواهد دانست که فرجام نيک سراي آخرت از آن کيست. (1)

ص: 887

---

1- . الغيبة للطوسي كتاب الغيبة للحجة ص 286 فصل بعض معجزات الإمام المهدي ع و ما ظهر من جهته ع من التوقيعات على يدي سفرائه



أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِيمَا أَجَازَ لِي رِوَايَتَهُ عَنْهُ وَكَتَبَ لِي بِخَطِّهِ سَنَةَ إِحْدَى عَشْرَةَ وَ خَمْسِينَ مِائَةً بِمَشْهُدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الصَّقَالِ: قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ مَعْقِلِ الْعِجْلِيِّ الْقُرْمَسِيُّ [الْقُرْمِيسِيُّ] بِشَهْرُزُورَ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الصُّهْبَانَ الْبَاهِلِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: ... قَالَ الرَّسُولُ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): ... إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَكَّلَ بِهَا رَعِيلاً مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَحْفَظُونَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَ مِنْ خَلْفِهَا وَ عَنْ يَمِينِهَا وَ عَنْ شِمَالِهَا وَ هُمْ مَعَهَا فِي حَيَاتِهَا وَ عِنْدَ قَبْرِهَا وَ عِنْدَ مَوْتِهَا يُكْثِرُونَ الصَّلَاةَ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا فَمَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَ مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) فَكَأَنَّمَا زَارَنِي

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: همانا خدا گروهی از فرشتگان را به حضرت زهرا (عليها السلام) گماشته تا ایشان را از تمامی جهات محافظت نمایند، آنان در طول دوران زندگی به همراه آن حضرت و پس از وفات، در کنار قبر مبارک او خواهند بود، و درود بسیار بر او، پدر بزرگوارش، شوهر و فرزندانش می فرستند. (1)

ص: 889

مَا رَوَاهُ الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ رَجِّهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ السَّكُونِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ بَيْتٌ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) مِنْ حُجْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) وَ سَقْفِ بَيْتِهِمْ عَرْشُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ فِي فَعْرِ بَيْتِهِمْ فُرْجَةٌ مَكْشُوتَةٌ إِلَى الْعَرْشِ مِعْرَاجُ الْوَحْيِ وَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِلُ عَلَيْهِمْ بِالْوَحْيِ صَبَاحًا وَ مَسَاءً وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ طَرْفَةِ عَيْنٍ وَ الْمَلَائِكَةُ لَا يَنْقَطِعُ فَوْجُهُمْ فَوْجٌ يَنْزِلُ وَ فَوْجٌ يَصْعَدُ...

امام باقر (عليه السلام): خانه علي (عليه السلام) و فاطمه (عليها السلام)، حُجْرَةِ رَسُولِ خِدا (صلي الله عليه و آله) و سَقْفِ خانهِ شان عَرْشِ پروردگار عالَميان است. ژرفاي خانهِ آن ها شكافي به عَرْشِ كه معراج وحي است داشته و ملائكه در هر صبح و شام و در هر ساعت و زماني نازل شده و بر

آن ها كلامي از وحي مي آورند، اين فوج ملائكه قطع نمي شود، فوجي از آسمان فرود مي آيد و فوجي به بالا مي رود... (1)

ملائكه مقرب خادمان حضرت زهرا سلام الله عليها

وَرُويَ أَنَّهَا رَبَّمَا اشْتَعَلَتْ بِصَلَاتِهَا وَ عِبَادَتِهَا فُرُبَّمَا بَكَى وَ وُلِدَهَا فَرَأَى الْمَهْدَ يَتَحَرَّكُ وَ كَانَ مَلَكٌ يُحَرِّكُهُ.

ص: 890

همچنين در شان حضرت زهرا(عليها السلام) روايت شده: بسا مي شد كه حضرت زهرا(عليها السلام) به نماز و عبادت خدا مشغول بودند، كه فرزند خردسالشان به گريه مي آمد، و ملكي گاهواره را به حركت درمي آورد.<sup>(1)</sup>

ص: 891

---

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ج 3 ص 337 فصل في معجزاتها ح 6





مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفِ بْنِ عَبْدِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رَزْقِ الْغُمَّاشِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَلَا يَتَنَا وَلَا يَتَنَا وَاللَّهِ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا

جابر گفت: حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: ولایت ما ولایت خدا است که پیامبری را هرگز مبعوث نکرد مگر با ولایت ما. (1)

قال النبي (صلي الله عليه وآله): إِنَّ اللَّهَ لَهُ الْحَمْدُ عَرَضَ حُبِّ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَفَاطِمَةَ (عليها السلام) وَذُرِّيَّتَهَا عَلَى الْبَرِيَّةِ، فَمَنْ بَادَرَ مِنْهُمْ بِالْإِجَابَةِ جَعَلَ مِنْهُمْ الرُّسُلَ وَمَنْ أَجَابَ بَعْدَ ذَلِكَ جَعَلَ مِنْهُمْ الشَّيْعَةَ وَإِنَّ اللَّهَ جَمَعَهُمْ فِي الْجَنَّةِ

رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در حدیث بسیار زیبایی در شأن حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند: خداوندی که ستایش از آن اوست حُبِّ علي (علیه السلام)، فاطمه (علیها السلام) و فرزندانشان را بر مخلوقات عرضه نمود، و نخستین گروه اجابت کننده را از انبیاء و رسولان خود قرار داده و سایر اجابت کنندگان را از شیعیان مقرر فرمود، و به راستی که خداوند آنان را در بهشت در کنار یکدیگر گرد آورد. (2)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍِ الْحَضِرِيِّ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ أَسِيدِ الْغَفَّارِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) مَا تَكَامَلَتِ النَّبِيُّ فِي الْأُظْلَةِ حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلَا يَتِي وَلَا يَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَمَثَلُوا لَهُ فَأَقْرُوا بِطَاعَتِهِمْ وَلَا يَتِيهِمْ

ص: 893

1- . الكافي ج 1 ص 437 باب فيه تنف و جوامع من الرواية في الولاية ح 3

2- . عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد؛ الجزء الحادي عشر

القسم الأول ص 161 باب 8 حبّ الأنبياء عليهم السلام لها عليها السلام ح 1

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: نبوت هیچ پیامبری تکمیل نشد در عالم آظلة مگر اینکه بر او عرضه شد ولایت من و ولایت اهل بیت و تمثال آنان برایشان مجسم شد و انبیاء اقرار به طاعت و ولایت ایشان نمودند. (1)

اقرار انبیاء به فضل حضرت زهرا سلام الله علیها

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَا تَكَامَلَتِ النَّبِيُّوَةُ لِنَبِيِّ، حَتَّى أَقْرَبَ بِفَضْلِهَا وَ مُحِبَّتِهَا.

امام صادق (علیه السلام): هیچ پیامبری نبوتش کامل نمی گردد مگر آن که به فضل حضرت زهرا (علیها السلام) و محبتش اقرار نماید. (2)

توضیح: به راستی که چهارده معصوم گل سر سبد آفرینش بوده و برتر از تمام مخلوقات اعم از انبیاء و ملائکه هستند و بدون اقرار انبیاء به برتری چهارده معصوم، انبیاء به نبوت نمی رسیدند.

ص: 894

- 
- 1- . بصائر الدرجات ج 1 ص 73 باب 8 ما خص الله به الأئمة من آل محمد من ولاية الأنبياء لهم في الميثاق وغيره و ما أعلموا من ذلك ح 7
  - 2- . عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد ؛ الجزء الحادي عشر القسم الأول ص 161 باب 8 حبّ الأنبياء عليهم السلام لها علیها السلام ح 2



ائمہ اطہار و توسلشان به حضرت زهرا سلام الله عليها مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ قَالَ: ...عَنْ

جَدِّكَ أَنَّهُ كَانَ إِذَا وُعِكَ اسْتَعَانَ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ فَيَكُونُ لَهُ ثَوْبَانِ ثَوْبٌ فِي الْمَاءِ الْبَارِدِ وَ ثَوْبٌ عَلَى جَسَدِهِ يُرَاوِحُ بَيْنَهُمَا ثُمَّ يُنَادِي حَتَّى يُسْمَعَ صَوْتُهُ عَلَى بَابِ الدَّارِ يَا فَاطِمَةُ (عليها السلام) بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله)

امام صادق (عليه السلام) در حديثي پر معنا فرمودند: پدرم هرگاه مبتلاء به تب مي شد از آب خنک کمک مي گرفت و صداي مبارک خود را بلند مي کرد به گونه اي که تا کنار درب خانه شنیده مي شد و مي فرمود: يا فاطمه (عليها السلام) [\(1\)](#)

امام صادق (عليه السلام) در روايتي فرمودند: ما هنگام مواجهه با سختي ها به مادرمان فاطمه (عليها السلام) متوسل مي شويم.

مادر ائمه اطهار عليهم السلام

.... وَ لِأَنَّ وُلْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَ أُمَّتًا فَاطِمَةَ (عليها السلام) أَحْرَزَتْ مِيرَاثَهُ

... ما فرزند پيامبريم و مادرمان فاطمه زهرا (عليها السلام) است به همين جهت ميراث او را تصاحب کرديم. [\(2\)](#)

ص: 896

1- . الكافي كتاب الروضة ج 8 ص 109 حَدِيثُ أَبِي بَصِيرٍ مَعَ الْمَرْأَةِ ح 87

2- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 1 ص 261 فصل في مفسداتها ح 12



خوف از خدا و فی کتاب المذکور، أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى النَّبِيِّ (صلي الله عليه و آله) (وَإِنْ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ) بَكَى النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله) بُكَاءً شَدِيدًا... ثُمَّ قَالَتْ يَا أَبَتِ فَاذْكُرْ لَهَا مَا نَزَلَ بِهَ جَبْرَيْلُ مِنَ الْآيَاتِينَ الْمُتَقَدِّمَاتِينَ قَالَ فَسَقَطَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) عَلَى وَجْهِهَا

وَ هِيَ تَقُولُ الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ لِمَنْ دَخَلَ النَّارَ

چون این آیه بر رسول خدا (صلي الله عليه و آله) نازل شد (وَإِنْ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ) (1) حضرت به سختی گریستند... در آن هنگام حضرت زهرا (عليها السلام) وارد شده و عرضه داشتند: پدر جان به چه سبب اینگونه گریه می کنید؟ رسول خدا (صلي الله عليه و آله) برای دخترش این آیات را که جبرئیل (عليه السلام) از سوی خداوند نازل کرده بودند را تلاوت کردند، فاطمه (عليها السلام) با صورت بر زمین افتاد در حالی که می فرمود: وای! وای! بر کسی که در دوزخ وارد شود. (2)

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَاقِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ... قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله): وَ أُمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ (عليها السلام) فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ هِيَ بَصُوعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ هِيَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَ هِيَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ مَتَى قَامَتْ فِي مُحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ

ص: 898

1- . الحجر، 43 و 44.

2- . الدروع الواقية ص 276 الفصل الرابع و العشرون فيما ذكره من حديث اليوم الذي ترفع فيه أعمال كل شهر

الأرضِ وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ (عليها السلام) سَيِّدَةَ إِمَائِي قَائِمَةَ بَيْنَ يَدَيَّ تَزْتَعِدُ فَرَائِصَهُمَا مِنْ خِيْفَتِي وَقَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِيهَا عَلَى عِبَادَتِي أَنَّهُ هَدُكُمُ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ بِشَيْعَتِهَا مِنَ النَّارِ رَسُولَ خِدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: فاطمه (عليها السلام) دختر من برترین زنان از اولین تا آخرین آنهاست. فاطمه (عليها السلام) پاره تن من است. زهرا (عليها السلام) نور دو چشم من است. زهرا (عليها السلام) میوه قلب من است. زهرا (عليها السلام) روح و جان من است. زهرا (عليها السلام) حوریّه ای است که به هیبت انسانی در آمده. هنگامی که فاطمه (عليها السلام) در مقابل پروردگار خود در میان محراب عبادت می ایستد نور او برای ملائکه آسمان نظیر نور ستارگان از برای اهل زمین می درخشد. خداوند به ملائکه خود می فرماید: به فاطمه (عليها السلام) که برترین کنیزان من است نظر کنید که چگونه در مقابل من قرار گرفته و اعضاء و جوارح او از خوف من می لرزد. فاطمه (عليها السلام) با توجه قلبی مشغول عبادت من شده، شما را شاهد می گیرم که شیعیان وی را از آتش در امان می گذارم. (1) توضیح: شیعیانی که از آتش دور نگاه داشته می شوند شیعیان و پیروان حقیقی ائمه اطهارند نه کسانی که تنها اسم شیعه را دارند و ادعای تشیع را می کنند در انتها به چند مورد از سخنان ائمه اطهار که در آن شیعیان حقیقی معرفی شدند اشاره می کنیم.

جدیت در عبادت

قال الرسول (صلي الله عليه و آله): ... وَقَالَ يَا سَلْمَانَ إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ (عليها السلام) مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَجَوَارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مُشَاشِهِهَا تَقَرَّعَتْ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ

ص: 899



اي سلمان! به راستي كه خداوند قلب و اعضاي فاطمه (عليها السلام) تا استخوان هاشم را از ايمان و يقين آكنده ساخته به گونه اي كه در طاعت خدا جدت دارد. (1)

ص: 900

---

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ج 3 ص 337 فصل في معجزاتها



حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِيٌّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ (عليه السلام) لِفَاطِمَةَ (عليها السلام) تَسْمَعُ أَسْمَاءَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاطِمَةَ وَ الصَّديقَةَ وَ الْمُبَارَكَةَ وَ الطَّاهِرَةَ وَ الزَّكِيَّةَ وَ الرَضِيَّةَ وَ الْمَرْضِيَّةَ وَ الْمُحَدَّثَةَ وَ الرَّهْرَاءَ ثُمَّ قَالَ تَدْرِي لِأَيِّ شَيْءٍ سَمَّيْتَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) قُلْتُ أَخْبَرَنِي يَا سَدِيدِي قَالَ فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ قَالَ ثُمَّ قَالَ لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ.

امام صادق (عليه السلام): برای فاطمه (عليها السلام) نزد خدا نُه نام است فاطمه، صديقه، مبارکه، طاهره، زکيه، رضيه، مرضيه، محدثه، زهراء سپس فرمود: مي دانی چرا فاطمه نام دارد؟ گفتم ای آقايم به من خبر ده، فرمود: از شر باز گرفته شده به راستي اگر امیرالمؤمنين (عليه السلام): فاطمه (عليها السلام) را به ازدواج خود درنياورده بود، تا روز قیامت بر روي زمین از آدم (عليه السلام) تا پس از آدم (عليه السلام) براي فاطمه (عليها السلام) همتايي نبود. (1)

ص: 902

قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَيَّ أَمْرٍ حَتَّى قَبِضَ هَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا أَغْضَبْتُ بَنِيَّ وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشْتُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْأَحْزَانُ

اميرالمومنين (عليه السلام): سوگند به خدا! که فاطمه (عليها السلام) هيچ گاه مرا خشمگين نکرد و در هيچ کاري از من سرپيچي نمود. من هرگاه به فاطمه (عليها السلام) نگاه مي کردم، غم و اندوه از من زدوده مي شد. (1)

حوريه اي به شکل انسان

قال الرسول (صلي الله عليه وآله):...إِنَّ فَاطِمَةَ خُلِقَتْ حُورِيَّةً فِي صُورَةِ إِنْسِيَّةٍ

بي شک فاطمه (عليها السلام) حوريه اي است که به صورت انسان آفريده شده (2)

بهترين ياور براي عبادت خدا

قَالَ نِعَمَ الْعَوْنُ عَلَيَّ طَاعَةَ اللَّهِ اميرالمومنين (عليه السلام): فاطمه (عليها السلام) خوب ياورى در راه اطاعت و بندگي خداست. (3)

ص: 903

---

1- . كشف الغمة في معرفة الأئمة ج 1 ص 363 في ذكر تزويجه ع فاطمة سيدة نساء العالمين

2- . دلائل الإمامة ص 146 أخبار في مناقبها (صلوات الله عليها)

3- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ج 3 ص 356 فصل في تزويجها ع



سخنان علي بعد از شهادت حضرت زهرا اُخْبِرْنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ الرَّازِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْهَرَمُزْدَانِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا مَرَضَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) رَسُولِ اللَّهِ وَصَّتْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَنْ يَكْتُمَ أَمْرَهَا، وَيُخْفِيَ خَبَرَهَا، وَلَا يُؤْذِنَ أَحَدًا بِمَرَضِهَا، فَفَعَلَ ذَلِكَ، وَكَانَ يَمْرُضُهَا بِنَفْسِهِ، وَتُعِينُهُ عَلَى ذَلِكَ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ عَلَى اسْتِمْرَارٍ بِذَلِكَ، كَمَا وَصَّتْ بِهِ، فَلَمَّا حَصَرَ رَتُّهَا الْوَفَاةَ وَصَّتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنْ يَتَوَلَّى أَمْرَهَا وَيُدْفِنَهَا لَيْلًا وَيُعْفِي قَبْرَهَا، فَتَوَلَّى ذَلِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَدَفَنَهَا وَعَفَى مَوْضِعَ قَبْرِهَا، فَلَمَّا نَفَضَ يَدَهُ مِنْ تَرَابِ الْقَبْرِ هَاجَ بِهِ الْحُزْنُ، وَأَرْسَلَ دُمُوعَهُ عَلَى خَدَّيْهِ، وَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَآلِهِ، عَنِّي وَعَنْ ابْنَتِكَ وَحَبِيبَتِكَ، وَفُرَّةَ عَيْنِكَ وَزَائِرَتِكَ، وَالثَّابِتَةَ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ، الْمُخْتَارَةَ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ، قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) لِمَوْضِعِ التَّعْزِي، وَ لَقَدْ وَسَدَّتْكَ فِي مَلْحُودِ قَبْرِكَ بَعْدَ أَنْ فَاضَتْ نَفْسُكَ عَلَى صَدْرِي، وَغَمَصَتْكَ بِيَدِي، وَتَوَلَّيْتُ أَمْرَكَ بِنَفْسِي، نَعَمْ وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ نَعَمْ الْقَبُولُ، وَ (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) فَلَمَّا اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِيعَةُ، وَأُخِذَتِ الرَّهْيِينَةُ، وَ اخْتَلَسَتِ الزَّهْرَاءُ، فَمَا

أَقْبَحَ الْحَصَّ رَاءَ وَالْغَبْرَاءِ، يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَمَا حُزْنِي فَسَرَّمَدٌ، وَأَمَا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ، لَا يَبْرَحُ الْحُزْنُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي فِيهَا أَنْتَ مُقِيمٌ، كَمَا مُقْبِحٌ، وَهَمُّ مُهَيِّجٌ، سَرَعَانَ مَا فَرَّقَ بَيْنَنَا وَإِلَى اللَّهِ أَشْكُو، وَسَدِّتْ بِنْتُكَ ابْنَتُكَ بِتَطَاهُرِ أُمَّتِكَ عَلَيَّ وَعَلَى هَضْمِهَا حَقَّهَا، فَاسْتَحْبِرْهَا الْحَالَ، فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَنِّهِ سَبِيلًا، وَسَدِّتْ قَوْلُ وَ (يَحْكُمُ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ) سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، سَلَامٌ مُودِعٌ لَا سَنِيمَ وَلَا قَالٍ، فَإِنْ أَنْصَرِفْ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ، وَإِنْ أَقِمْ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ، الصَّبْرُ أَيْمَنُ وَأَجْمَلُ، وَلَوْ لَا غَلَبَةُ الْمُسَدِّتِ عَلَيْنَا لَجَعَلْتُ الْمُقَامَ عِدَّةَ قَبْرِكَ لِزَامًا، وَالتَّلَبُّثُ عِدَّةُ مَعْكُوفًا، وَلَا عَوْلَتْ إِعْوَالَ الثَّكَلَى عَلَى جَلِيلِ الرَّزِيَّةِ، فَبَعَيْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ بِنْتُكَ سِرًّا، وَيُهْتَضَمُ حَقُّهَا قَهْرًا، وَيُمنَعُ إِزْثَهَا جَهْرًا، وَلَمْ يَطُلِ الْعَهْدُ، وَلَمْ يَخْلُقْ مِنْكَ الذَّكْرُ، فَالَى اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُسْتَكِّي، وَفِيكَ أَجْمَلُ الْعَزَاءِ، فَصَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَعَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

امام حسين (عليه السلام) مي فرمايد: هنگامي كه فاطمه (عليها السلام) دختر محمد (صلي الله عليه و آله) فرستاده ي خدا بيمار گشت به علي بن ابيطالب (عليه السلام) سفارش نمود كه امر بيماري او را پنهان دارد و خبر (وخامت حال) او را مخفي سازد و هيچ كس را بر بيماري او آگاه نگرداند. پس علي (عليه السلام) اينچنين كرد و خود از او پرستاري نمود و بر آن امر اسماء بنت عميس او را ياري مي نمود و بر اين شيوه استمرار داشت همانگونه كه فاطمه (عليها السلام) به او سفارش کرده بود. پس هنگامي كه زمان وفات فاطمه (عليها السلام) فرا رسيد به امير مومنان (عليه السلام) سفارش نمود كه امر كفن و دفن او را بر عهده بگيرد و او را شبانه به خاک سپارد و مزارش را پنهان سازد. پس امير مومنان (عليه السلام) اين امور را بر عهده

گرفت و فاطمه(علیها السلام) را به خاک سپرد و مکان قبر او را مخفی ساخت پس هنگامی که دستانش را از خاک قبر زهرا(علیها السلام) پاک گردانید اندوه در وجودش برانگیخته و اشک ایش را بر چهره اش روان گرداند و رو به سوی قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله) کرده و عرضه داشت: سلام بر تو ای فرستاده ی خدا از جانب من و دختر محبوب تو و روشنی چشمانت و ملاقات کننده تو (در این شب) که در خاک و در بارگاه تو آرمیده است. دختری که خداوند اختیار کرده است که به سرعت به تو پیوندد. ای فرستاده ی خدا، پس از دختر تو، مرا توان بردباری اندک است و پس (در گذشت) بانوی زنان جهان، خویشنداری من به سستی و ناتوانی گرائیده است، اما من که پیرو راه و روش تو هستم، و سختی جدایی تو را دیده ام و اندوهگین گشته ام، (اینک) شکیبایی ممکن است. به درستی که این من بودم که تو را در قبر نهادم پس از آن که جان گرامی ات بر روی سینه ی من از بدن خارج شد و با دستان خود چشمانت را بر هم نهادم و خود، امر (کفن و دفن) تو را بر عهده گرفتم. آری در کتاب خدا پذیرش نیکوئی (از این اعمال است) پس (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (1) همانا امانتی که به من سپرده بودی به سوی تو بازگردانده شد و به صاحبش رسید و زهرا(علیها السلام) از من گرفته شد. پس آسمان و زمین چه زشت و نا زیباست. ای فرستاده ی خدا! از این پس اندوه من جاودانه و شب هایم به شب زنده داری می گذرد و اندوه همچنان در قلب من به سر می برد تا آن روز که خداوند خانه ای که تو را در آن ساکنی برایم برگزیند. اندوهی شدید مرا فرا گرفته است که چون زخمی بر جانم نشسته و غمی است که درونم را برمی انگیزد. چه سریع میان ما جدایی انداخت و من شکایت خود را به سوی خدا می برم و به زودی دخترت تو را آگاه خواهد ساخت که امت تو چگونه بر من و بر علیه حق او، در کنار هم جمع شدند پس احوال ما را از فاطمه(علیها السلام) خبرگیر. پس چه بسیار حرارت و بغض پر تلاطمی که در سینه اش وجود داشت و راهی برای بیان و

ص: 907



بازگو کردن آن نیافت و به تو خواهد گفت (يَحْكُمُ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ) (1) و خداوند میان ما حکم می کند که او بهترین حکم کنندگان است. سلام بر تو ای فرستاده ی خدا، سلام وداع کننده ای که از روی ناخشنودی و یا خسته دلی سلام نمی کند. پس اگر (به سوی خانه ام) روی گردانم از خستگی و ملالت نیست و اگر باقی بمانم از از سوء ظن و گمان بد به آنچه خداوند به اهل صبر وعده داده است نمی باشد. بردباری خوش یمن و زیباتر است و اگر توانمندی و غلبه فرمانروایان بر ما نبود جاودانه در کنار قبرت باقی می ماندم و همچون معتکفان در کنار مزارت درنگ می نمودم و همچون زن فرزند مرده بر عظمت این مصیبت ناله و زاری سر می دادم. پس در محضر پروردگار دخترت مخفیانه به خاک سپرده می شود و حقیقش به زور از او گرفته می شود و آشکارا از ارث محروم می گردد در حالی که پیمان (تو با این مردمان) طولانی نگشته است و یاد تو به کهنگی نگراییده است. پس ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شکایت به درگاه خدا می برم و زیباترین عزاداری را درباره تو به جا می آورم پس درود و رحمت و برکات خدا بر تو و دخترت باد. (2)

ص: 908

---

1- . الاعراف آية 87

2- . الأمالي (للطوسي) المجلس 4 ح 20



حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسَدِّكَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَلِّمِ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ (عليه السلام) يَقُولُ لِفَاطِمَةَ (عليها السلام) وَقَفَّةٌ عَلَيَّ بَابِ جَهَنَّمَ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كُتِبَ بَيْنَ عَيْنَيْ كُلِّ رَجُلٍ مُؤْمِنٍ أَوْ كَافِرٍ فَيَوْمَ بِمَحَبِّ قَدْ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ إِلَى النَّارِ فَتَقَرَّأُ فَاطِمَةُ (عليها السلام) بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُحِبًّا فَتَقُولُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي سَمِّئْتَنِي فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ فَطَمْتَ بِي مَنْ تَوَلَّانِي وَ تَوَلَّيْتُ بِي مِنَ النَّارِ وَ وَعَدُكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ (لا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ) (1) فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَدَقْتَ يَا فَاطِمَةُ (عليها السلام) إِنَّنِي سَمِّئْتُكَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ فَطَمْتُ بِكَ مَنْ أَحَبَّكَ وَ تَوَلَّكَ وَ أَحَبَّ ذُرِّيَّتَكَ وَ تَوَلَّاهُمْ مِنَ النَّارِ وَ وَعَدَيْ الْحَقُّ وَ أَنَا لَا أُخْلِفُ الْمِيعَادَ وَ إِنَّمَا أَمَرْتُ بِعَبْدِي هَذَا إِلَى النَّارِ لِتَشْفَعِي فِيهِ فَأُشْفَعُ لَكَ وَ لِيَتَّبِعَنَّ لِمَلَائِكَتِي وَ أَنْبِيَائِي وَ رُسُلِي وَ أَهْلِ الْمَوْقِفِ مَوْفِقُكَ مِنِّي وَ مَكَانَتِكَ عِنْدِي فَمَنْ قَرَأَتْ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنًا فَخُذِي بِيَدِهِ وَ أَدْخِلِيهِ الْجَنَّةَ

و از ابی جعفر (علیه السلام) مرویست که چون روز قیامت شود فاطمه (علیها السلام) را بر در دوزخ گذار افتد و آنجا بایستد و در میان هر دو چشم هر مردی از مؤمن و کافر نوشته شده باشد که این مؤمن است یا کافر و محبانی که گناه ایشان بسیار بوده باشد امر کرده شوند به دوزخ، فاطمه (علیها السلام) آن را بخواند که بر میان هر دو چشم محبان نوشته گوید: ای معبود! و ای سید من! مرا فاطمه (علیها السلام) نام کردی که دوستان من و

ص: 910

دوستان ذریت مرا از آتش دوزخ بازگیری و وعده تو حق است که خلاف نخواهد بود حق جل و علا فرمود: راست گفتمی ای فاطمه! من تو را فاطمه (علیها السلام) نام کردم که بازگیرم دوستان تو و دوستان ذریت ترا از آتش دوزخ و من خلاف وعده نخواهم کرد، من امر کردم ایشان را به دوزخ که تا تو از جهت ایشان شفاعت کنی و من شفاعت تو را بپذیرم تا ظاهر شود بر ملائکه و انبیا و رسل من و اهل موقف را معلوم گردد که تو نزد من چه مقدار قرب و منزلت داری، اکنون در میان چشم ایشان بخوان خواه مؤمن و خواه محب ایشان را دست گرفته از دوزخ بیرون برو در بهشت داخل گردان. (1)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ السُّكْرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا شُعَيْبُ بْنُ وَقْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ (عليها السلام) بِنْتُ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ (عليها السلام) اللَّهُ (اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكَ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ) (2) يَا فَاطِمَةُ (عليها السلام) (اِقْنِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ اِزْكَعِي مَعَ الرَّاَكِعِينَ) (3) فَتُحَدِّثُهُمْ وَ يُحَدِّثُونَهَا فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلَةٍ أَلَيْسَتْ الْمُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمَ (عليها السلام) بِنْتُ عِمْرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَرْيَمَ (عليها السلام) كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَ عَالَمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

احمد بن حسن قطان، از حسن بن علی سکری، از محمد بن زکریا جوهری از شعیب بن واقد از اسحاق بن جعفر بن محمد بن عیسی بن زید بن علی (علیه السلام)، وی

ص: 911

1- . علل الشرائع ج 1 ص 179 باب 142 باب العلة التي من أجلها سميت فاطمة ع فاطمة ح 6

2- . آل عمران آية 42

3- . آل عمران آية 43

می گوید: از حضرت ابا عبد الله (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: فاطمه (علیها السلام) را به خاطر این محدثه نامیدند که فرشتگان از آسمان فرود می آمدند و آن حضرت را می خواندند همان طوری که مریم (علیها السلام) دختر عمران را صدا می زدند، باری فرشتگان می گفتند: ای فاطمه (علیها السلام) خدا تو را برگزید و پاکیزه ات نمود و بر تمام زنان عالم اختیارت کرد، ای فاطمه (علیها السلام) پروردگارت را بخوان و سجده اش نما و با رکوع کنندگان رکوع کن و بدین ترتیب حضرتش با آنها سخن می گفت و آنها نیز با جنابش حدیث و سخن می گفتند، شی فاطمه (علیها السلام) به فرشتگان فرمود: مگر مریم (علیها السلام) بنت عمران بر تمام زنان عالم برتری ندارد؟ فرشتگان عرضه داشتند: مریم (علیها السلام) بانو و سرور زنان زمان خودش بود و خداوند عز و جلّ تو را بانو و سرور زنان زمان خودت و زمان مریم (علیها السلام) قرار داده و بدین ترتیب تو سرور تمام زنان عالم هستی از اولین تا آخرین. (1)

قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ أَحْمَدَ الدِّينَوْرِيُّ مُعَنَّأً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام) قَالَ قَالَ جَابِرٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدَّثَنِي بِحَدِيثٍ فِي فَضْلِ جَدَّتِكَ فَاطِمَةَ (علیها السلام) إِذَا أَنَا حَدَّثْتُ بِهِ الشَّيْعَةَ فَرِحُوا بِذَلِكَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُصِبَ لِلْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ فَيَكُونُ مِنْبَرِي أَعْلَى مَنَابِرِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ اخْطُبْ فَأَخْطُبُ بِخُطْبَةِ [خُطْبَةِ] لَمْ يَسْمَعْ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ بِمِثْلِهَا ثُمَّ يُنْصَبُ لِلْأَوْصِيَاءِ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ وَيُنْصَبُ لَوْصِيَّيَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) فِي أَوْسَاطِهِمْ مِنْبَرٌ مِنْ نُورٍ فَيَكُونُ مِنْبَرُهُ [مَنْبَرُ عَلِيٍّ] أَعْلَى مَنَابِرِهِمْ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ [يَقُولُ لَهُ] يَا عَلِيُّ اخْطُبْ فَيَخْطُبُ بِخُطْبَةِ [خُطْبَةِ] لَمْ يَسْمَعْ أَحَدٌ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بِمِثْلِهَا ثُمَّ يُنْصَبُ لِأَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ فَيَكُونُ

ص: 912

1- . علل الشرائع ج 1 ص 182 باب 146 باب العلة التي من أجلها سميت فاطمة ع محدثة ح 1

لَا بَنِيَّ وَ سِدِّ بَطِّيَّ وَ رِيحَانَتِي أَيَّامَ حَيَاتِي مِنْبَرٍ [مَنْبَرَانِ] مِنْ نُورٍ ثُمَّ يَقَالُ لَهُمَا اخْطَبَا فَيَخْطَبَانِ بِخُطْبَتَيْنِ لَمْ يَسْمَعْ أَحَدٌ مِنْ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ بِمِثْلِهِمَا ثُمَّ يَنَادِي الْمُنَادِي [مُنَادٍ] وَ هُوَ جَبْرَيْلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَيْنَ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) أَيْنَ خَدِيجَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَيْنَ مَرْيَمُ (عَلَيْهَا السَّلَام) بِنْتُ عِمْرَانَ أَيْنَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ أَيْنَ أُمُّ كُلثُومُ أُمُّ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فَيَقْمَنَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا أَهْلَ الْجَمْعِ لِمَنِ الْكَرَمُ الْيَوْمَ فَيَقُولُ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) (لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ) (1) فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ [تَعَالَى] يَا أَهْلَ الْجَمْعِ إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ الْكَرَمَ لِمُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام) يَا أَهْلَ الْجَمْعِ طَاطَبُوا الرُّءُوسَ وَ عَضُّوا الْأَبْصَارَ فَإِنَّ [إِن] هَذِهِ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) تَسِيرُ إِلَى الْجَنَّةِ فَيَأْتِيهَا جَبْرَيْلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِنَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ مُدْبَجَةً الْجَبْنِينَ خِطَامُهَا مِنَ اللَّوْلُؤِ الْمُحَقَّقِ الرَّطْبِ عَلَيْهَا رَحْلٌ مِنَ الْمَرْجَانِ فَتَنَاحُ بَيْنَ يَدَيْهَا فَتَرْكَبُهَا فَيَبْعَثُ إِلَيْهَا مِائَةَ أَلْفِ مَلَكٍ فَيَصِيرُوا عَلَى يَمِينِهَا وَ يَبْعَثُ إِلَيْهَا مِائَةَ أَلْفِ مَلَكٍ يَحْمِلُونَهَا عَلَى أَجْنِحَتِهِمْ حَتَّى يُصَدَّ بِرُوحِهَا [يُسَدُّ بِرُوحِهَا] عِنْدَ [عَلَى] بَابِ الْجَنَّةِ فَإِذَا صَارَتْ عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ تَلْتَفَتُ فَيَقُولُ اللَّهُ يَا بِنْتَ حَبِيبِي مَا التَّفَاتُكَ وَ قَدْ أَمَرْتُ بِكَ إِلَى جَنَّتِي [الْجَنَّةِ] فَتَقُولُ يَا رَبِّ أَحَبَّبْتُ أَنْ يُعْرَفَ قَدْرِي فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ فَيَقُولُ اللَّهُ [تَعَالَى] يَا بِنْتَ حَبِيبِي أَزْجِعِي فَأَنْظِرِي مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حُبٌّ لَكَ أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ خُذِي بِيَدِهِ فَادْخُلِيهِ الْجَنَّةَ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ اللَّهُ يَا جَابِرُ إِنَّهَا ذَلِكَ الْيَوْمَ لَتَلْتَفِطُ شَيْعَتُهَا وَ مُحِبِّيهَا كَمَا يَلْتَفِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ الْجَيِّدَ مِنَ الْحَبِّ الرَّدِيِّ فَإِذَا صَارَ شَيْعَتُهَا مَعَهَا عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ

ص: 913

يُلْقِي اللَّهُ فِي قُلُوبِهِمْ أَنْ يُلْتَفِتُوا فَإِذَا التَّمْتُوا يَقُولُ (فَيَقُولُ) اللَّهُ يَا أَحِبَّائِي مَا التَّفَاتُكُمْ وَقَدْ سَدَّ فَعَتُ فَيْكُمْ فَاطِمَةَ (عليها السلام) بِنْتُ حَبِيبِي فَيَقُولُونَ يَا رَبَّ أَحْبَبْنَا أَنْ يُعَرِّفَ قَدْرَنَا فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ فَيَقُولُ اللَّهُ يَا أَحِبَّائِي ازْجِعُوا وَانظُرُوا مَنْ أَحَبَّكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) انظُرُوا مَنْ أَطْعَمَكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) انظُرُوا مَنْ كَسَاكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) انظُرُوا مَنْ سَدَّ قَاكُمْ سَدْرَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) انظُرُوا مَنْ رَدَّ عَنْكُمْ غِيْبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) خُذُوا بِيَدِهِ وَادْخُلُوا الْجَنَّةَ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَاللَّهِ لَا يَبْقَى فِي النَّاسِ إِلَّا شَاكٌّ أَوْ كَاْفِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ فَإِذَا صَارُوا بَيْنَ الطَّبَقَاتِ نَادُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ [تَعَالَى] (فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صِدِّيقٍ حَمِيمٍ) (1) فَيَقُولُونَ (فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُورَنَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) (2) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ مُنِعُوا مَا طَلَبُوا (وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ) (3) (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (4) فرات بن ابراهيم در تفسير خود از جابر روايت ميکند که گفت: به حضرت امام محمّد باقر (عليه السلام) گفتم: فدائيت شوم، يا ابن رسول الله! يك حديثي راجع به فضيلت جده ات فاطمه (عليها السلام) براي من بگو که هر گاه من آن را براي شيعيان نقل کنم خوشحال شوند. امام محمّد باقر (عليه السلام) فرمود: پيامبر معظم اسلام (صلي الله عليه وآله) فرمود: هنگامي که روز قيامت فرا ميرسد منبرهائي از نور براي پيمبران نصب خواهد شد، در آن روز منبر من از منبر همه بالاتر خواهد بود، خدای سبحان مي فرمايد: يا محمّد! سخنرانی کن! من آن روز خطبه ای خواهم خواند که احدی از انبياء نظير آن را نشنیده باشند. سپس منبرهائي از نور براي وصی های انبياء نصب خواهد شد که منبر وصی من علی بن ابی طالب (عليه السلام) در وسط منبرهای آنان مي باشد. منبر علی (عليه السلام) بالاتر از منبر ايشان

ص: 914

1- . الشعراء الآيات 100 و 101

2- . الشعراء آية 102

3- . الانعام آية 28

4- . الشعراء آية 214

خواهد بود، آنگاه خطاب می‌رسد: یا علی (علیه السلام) سخنرانی کن، علی (علیه السلام) سخنرانی می‌کند که احدی از اوصیاء نظیر آن را نشنیده باشند. بعد از آن منبرهائی از نور برای فرزندان پیامبران نصب می‌نمایند، منبری از نور برای دو فرزندم، دو سبط من، دو نوگل من نصب خواهد شد، به ایشان گفته می‌شود: سخنرانی کنید، ایشان سخنرانی می‌کنند که احدی از فرزندان انبیاء نظیر آنها را نشنیده باشند. پس از آن منادی که جبرئیل (علیه السلام) است ندا می‌کند: فاطمه (علیها السلام) دختر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) کجاست؟ خدیجه (علیها السلام) دختر خویلد (بضم خاء و فتح واو) کجاست؟ مریم (علیها السلام) دختر عمران کجاست؟ آسیه (علیها السلام) دختر مزاحم کجاست؟ ام کلثوم (علیها السلام) مادر یحیی بن زکریا (علیه السلام) کجاست؟ وقتی ایشان همه برخاستند خدای رؤف می‌فرماید: ای اهل محشر! امروز کرامت از کیست؟ حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) می‌گویند: از خدائی که یکتا و قهار است. خدای توانا خواهد فرمود: ای اهل محشر! من کرامت را برای محمد (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) قرار دادم، ای اهل محشر! سر خود را به زیر بیندازید و چشم خود را ببندید تا فاطمه زهرا (علیها السلام) به سوی بهشت رود. در همین موقع است که جبرئیل (علیه السلام) ناقه ای از بهشت برای آن بانو می‌آورد که دو پهلوی آن را به دیبای بهشتی زینت کرده باشند، مهار آن از مروارید خواهد بود، جهاز آن از مرجان است، آن ناقه را می‌خواهاند و فاطمه (علیها السلام) سوار بر آن خواهد شد. آنگاه خدای رؤف تعداد صد هزار ملک می‌فرستد تا طرف راست آن بانو باشند و صد هزار ملک دیگر می‌فرستد که طرف چپ وی قرار بگیرند و صد هزار ملک دیگر خواهد فرستاد که فاطمه (علیها السلام) را بر فراز پر و بال خود به سوی بهشت حرکت دهند. موقعی که به در بهشت رسیدند فاطمه زهرا (علیها السلام) متوجه پشت سرش خواهد شد، خطاب می‌رسد ای دختر حبیب من! برای چه پشت سرت را می‌نگری، در صورتی که من دستور داده‌ام: داخل بهشت شوی؟ فاطمه (علیها السلام) می‌گوید: پروردگارا! دوست داشتم در



يك چنين روزى قدر و قابليت من شناخته شود. خدا مي فرمايد: اى دختر حبيب من! برگرد و بنگر هر كه محبت تو يا يكي از فرزندان تو را در قلب دارد دست او را بگير و داخل بهشت نما. امام محمد باقر (عليه السلام) فرمود: اى جابر بخدا قسم كه فاطمه (عليها السلام) در آن روز شيعيان خود را به نحوى از ميان اهل محشر جدا مي كند و نجات مي دهد كه پرنده دانه هاى نيكورا از ميان دانه هاى بى ارزش بر مى چيند. موقعى كه او با شيعيانش بر در بهشت مي رسند خدا به دل شيعيان فاطمه (عليها السلام) مى اندازد كه متوجه عقب سر خويشتن شوند، وقتى متوجه عقب سر شدند خداى رؤف مي فرمايد: اى دوستان من! براى چه متوجه عقب سر خود مي شويد، در صورتى كه من شفاعت فاطمه (عليها السلام) دختر حبيب خود را در باره شما پذيرفتم؟ مي گويند: پروردگار اما دوست داريم در يك چنين روزى قدر و اهميت ما شناخته شود، خدا مي فرمايد: اى دوستان من برگريد و هر كه شما را براى دوستى فاطمه (عليها السلام) دوست داشته هر كه براى محبت فاطمه (عليها السلام) به شما غذا داده، هر كه بدن شما را براى دوستى فاطمه (عليها السلام) پوشانيده، هر كه يك جرعه آب براى محبت فاطمه (عليها السلام) به شما داده، هر كسى كه براى دوستى فاطمه (عليها السلام) در غياب از شما دفاع کرده، دست آنان را بگيريد و داخل بهشت نماييد. حضرت باقر (عليه السلام) مي فرمايد: بخدا قسم كه از آن مردم غير از افراد شكاك و كافر و منافق كسى باقى نخواهد ماند. وقتى كه ايشان يعنى كفار در ميان طبقات مردم آمدند چنان كه قرآن در خبر داده مي گويند: (فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ) ما شفيع و دوست مهربانى نداريم، (فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) اى كاش ما چاره مي داشتيم و از مؤمنين محسوب مي شديم. حضرت باقر (عليه السلام) گفت: هيهاه هيهاه!! آنان از خواسته خود ممنوع خواهند شد، و چنان كه قرآن مي فرمايد: (وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ) اگر بر مي گشتند نيز مشغول آن كارى مي شدند كه نبايد بشوند، آنان دروغگو مى باشند. (1)

ص: 916

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمَدَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سَلَمَةَ الْأَهْوَازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا  
 إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ التَّقْفِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُوسَى ابْنِ أُخْتِ الْوَاقِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو قَتَادَةَ الْحَرَانِيُّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْعَلَاءِ الْحَضَرِيِّ عَنْ  
 سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَانَ جَالِسًا ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وَ  
 الْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَالْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَأَكْرَمُ النَّاسِ عَلَيَّ فَأَحَبُّ مَنْ أَحَبَّهُمْ وَأَبْغَضُ مَنْ  
 أَبْغَضَهُمْ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُمْ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُمْ وَأَعِيْنُ مَنْ أَعَانَهُمْ وَاجْعَلْهُمْ مُطَهَّرِينَ مِنْ كُلِّ رَجْسٍ مَعْصُومِينَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَأَيِّدْهُمْ بِرُوحِ  
 الْقُدْسِ مِنْكَ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ إِمَامُ أُمَّتِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي وَأَنْتَ قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْجَنَّةِ وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى ابْنَتِي فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ)  
 قَدْ أَقْبَلَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُورٍ عَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَعَنْ يَسَارِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَبَيْنَ يَدَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ  
 خَلْفَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ تَقُودُ مُؤْمِنَاتِ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ فَإِذَا امْرَأَةٌ صَدَّقَتْ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ صَلَوَاتٍ وَصَامَتْ شَهْرَ رَمَضَانَ وَحَجَّتْ  
 بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامَ وَزَكَتْ مَالَهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَوَالَتْ عَلِيًّا بَعْدِي دَخَلَتْ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَةِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وَإِنَّهَا لَسَيِّدَةُ نِسَاءِ  
 الْعَالَمِينَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا فَقَالَ ذَلِكَ لِمَرْيَمَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بِنْتِ عِمْرَانَ فَإِنَّمَا ابْنَتِي  
 فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَإِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيَسَلُّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ  
 الْمُقَرَّبِينَ وَيُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) (إِنَّ)

اللَّهُ اصِّ طَفَاكُ وَ طَهَّرَكَ وَ اصَّ طَفَاكُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (1) ثُمَّ انْتَفَتَ إِلَى عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ يَا عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِنَّ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بَصْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي يَسُوؤُنِي مَا سَاءَ مَا وَ يَسُرُّنِي مَا سَرَّهَا وَ إِنَّهَا أَوَّلُ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَأَحْسِنْ إِلَيْهَا بَعْدِي وَ أَمَّا الْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَهُمَا ابْنَايَ وَ رِيحَانَتَايَ وَ هُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيُكْرِمَا عَلَيْكَ كَسَمْعِكَ وَ بَصْرِكَ ثُمَّ رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشَدُّ هِدْكَ أَنِّي مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ وَ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ وَ سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَهُمْ وَ حَرِّبْ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُمْ.

ابن عباس گفت يك روز رسول خدا(صلي الله عليه و آله) نشستۀ بود و علي(عليه السلام) و فاطمه(عليها السلام) و حسين نزد او بودند گفت خدايا تو مي داني اينان اهل بيت منند و گرامی ترين مردم نزد من دوستشان را دوست دار، دشمنشان را دشمن دار مهربانان به آنها و بد دار بدخواه آنها را، كمك كن كمك، كار آنها را و آنها را از پليدي پاك كن و معصوم دار از هر گناهی و به روح القدس مؤيد دار ای علي(عليه السلام) تو امام امت منی و بر آنها پس از من خليفه ای تو پيشرو اهلبيهستی و گویا من مي نگرم دخترم فاطمه(عليها السلام) را كه روز قيامت بر اسبی از نور سوار است و از طرف راستش هفتاد هزار فرشته و از چپش هفتاد هزار و جلورو و دنبالش هر کدام هفتاد هزار فرشته باشد و زنان اتم را به بهشت رهبری كند هر زنی در شبانه روز پنج نماز بخواند و ماه رمضان را روزه دارد و حج خانه خدا كند و زكاة مالش را بپردازد و شوهرش را اطاعت كند و پس از من پيرو علی باشد بشفاعت دخترم فاطمه(عليها السلام) به بهشت رود و او سيده زنان عالميانت عرض شد يا رسول الله(صلي الله عليه و آله) او سيده زنان عالم خود است؟ فرمود: او مريم(عليها السلام) دختر عمران بود اما دخترم فاطمه(عليها السلام) بانوی زنان عالم است از اولين و آخرين و او است كه چون در محرابش بایستد هفتاد هزار فرشته مقرب بر او سلام دهند و ندائی كه به مريم(عليها السلام) كردند

ص: 918

به او کنند و گویند ای فاطمه (علیها السلام) براستی خدا تو را برگزید و پاک کرد و برگزید بر زنان جهانیان سپس رو به علی (علیه السلام) کرد و فرمود: ای علی (علیه السلام) فاطمه (علیها السلام) پاره تن من است و نور دیده من و میوه دلم بد آیدم آنچه او را بد آید و شادم از شادیش و او اول کس است از خاندانم که به من رسد، پس از من با او خوبی کن حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) دو پسر من و دو ریحان منند و هر دو سید جوانان اهل بهشتند باید پیش تو چون گوش و چشمت عزیز باشند سپس دست به آسمان برداشت و گفت بار خدایا گواه باش که من دوستدار دوست آنها و دشمن دشمن آنها و سازش کار سازش کننده آنها و نبرد کن با نبردکننده آنهایم و دشمنم با هر که بدخواه آنها است و دوستم با هر که آنها را دوست دارد. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْخَزَّازِ قَالَ حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيِّ السَّنْدِيِّ عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ عَيْسَى بْنِ مُوسَى عَنْ جَعْفَرِ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ تَقْبَلُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ (علیها السلام) عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُورِ الْجَنَّةِ مُدْبَجَةً الْجَنَّبِينَ خَطْمُهَا مِنْ لَوْلُؤٍ رَطْبٍ قَوَائِمُهَا مِنَ الزُّمُرْدِ الْأَخْضَرِ ذَنبُهَا مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ عَيْنَاهَا يَاقُوتَتَانِ حَمْرَاوَانِ عَلَيْهَا قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ يَرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَ بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا دَاخِلَهَا عَفْوُ اللَّهِ وَ خَارِجُهَا رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى رَأْسِهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ لِلتَّاجِ سَبْعُونَ رُكْنًا كُلُّ رُكْنٍ مَرْصَعٌ بِالذُّرِّ وَ الْيَاقُوتِ يَضِيءُ كَمَا يَضِيءُ الْكَوْكَبُ الدَّرِّيُّ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ وَ عَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ وَ عَنْ شِمَالِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ وَ جَبْرَيْلُ (علیه السلام) أَخَذَ بِخِطَامِ النَّاقَةِ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ (علیها السلام) بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَلَا

ص: 919

رَسُولٌ وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ إِلَّا غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ (عليها السلام) فَتَسِيرُ حَتَّى تُحَازِيَ عَرْشَ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ فَتَرْجُ بِنَفْسِهَا عَنْ نَاقَتِهَا وَتَقُولُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي أَحْكُمْ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ ظَلَمَنِي اللَّهُمَّ أَحْكُمْ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ قَدَّ لَ وَ لَدِي فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ يَا حَبِيبِي وَ ابْنَةَ حَبِيبِي سَلِّبْنِي تُعْطِي وَ اشْفَعْ عِزِّي وَ جَلَالِي لَا جَازِي ظَلَمَ ظَالِمٍ فَتَقُولُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي ذُرِّيَّتِي وَ شِيعَتِي وَ شِيعَةَ ذُرِّيَّتِي وَ مُجِبِّي وَ مُجِيبِي فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَيْنَ ذُرِّيَّةُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ شِيعَتُهَا وَ مُحِبُّوهَا وَ مُجِبو ذُرِّيَّتِهَا فَيُقْبَلُونَ وَ قَدْ أَحَاطَ بِهِمْ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ فَتَقْدُمُهُمْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) حَتَّى تُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ.

ابی جعفر محمد بن علی باقر (علیه السلام) فرمود: شنیدم جابر بن عبد الله انصاری می گفت که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: چون روز قیامت شود دخترم فاطمه (علیها السلام) بر ناقه ای از ناقه های بهشت به محشر رو کند که دو پهلویش نگار دارد و مهارش از لؤلؤتر و چهارپایش از زمرد سبز و دمش از مشک اذفر و دو چشمش از یاقوت سرخ است بر پشت آن قبه ایست از نور که برونش از درونش دیده شود و درونش از برونش درون آن گذشت خداست و برونش رحمت خدا بر سر آن مخدره تاجی است از نور که آن تاج هفتاد رکن دارد و هر رکنی مرصع به دُر و یاقوت است بدرخشد چنانچه بدرخشد اختر فروزان در افق آسمان و بر سمت راستش هفتاد هزار فرشته باشد و بر چپش هفتاد هزار فرشته و جبرئیل (علیها السلام) مهار آن ناقه را گرفته و به بانگ بلند فریاد کشد دیده بر هم نهد تا فاطمه (علیها السلام) دختر محمد (صلی الله علیه و آله) بگذرد مانند در آن روز پیغمبر و رسول و نه صدیق و شهیدی جز آنکه همه دیده بر هم نهند تا فاطمه (علیها السلام) بگذرد و خود را برابر عرش پروردگارش جل جلاله رساند و از ناقه به زیر اندازد و گوید معبودا سیدا حکم کن میان من و هر که به من ستم کرده خدایا

حکم کن میان من و هر که فرزندانم را کشته به ناگاه پاسخی از طرف خدای جل جلاله در رسد که ای حبیبم و زاده حبیبم از من بخواه تا عطا شوی و شفاعت کن تا پذیرفته گردد به عزت و جلالم سوگند که ستم ستمگر را کیفر دهم می گوید معبودم سیدم ذریه و شیعیان و شیعیان ذریه ام و دوستانم و دوستان ذریه ام را دریاب از طرف خدای جل جلاله ندا رسد کجایند ذریه فاطمه (علیها السلام) و شیعیان و دوستان او و دوستان ذراری او و آنان در میان فرشتگان رحمت پیش آیند و فاطمه (علیها السلام) رهبر آنها گردد تا آنها را وارد بهشت کنند.

(1)

ص: 921

---

1- . الأملی (للصدوق) النص 18 المجلس الخامس ح4

## باب چهل و دوم: قطره اي از دريائي فضائل حسن و حسين عليهم السلام

اشاره

ص: 922





قال الحسين (عليه السلام): ... وَأَنَا فِي الْمَهْدِ نَاغَانِي جِبْرَائِيلُ (عليه السلام) وَتَلَّقَانِي إِسْرَافِيلُ (عليه السلام)

امام حسین (علیه السلام): من در گهواره بودم که جبرئیل (علیه السلام) با سخنان خوش آیند خود مرا نوازش می داد، و اسرافیل (علیه السلام) به دیدار من می آمد. (1)

وَرَوَى الْحَاكِمُ فِي أَمَالِيهِ لِلْحَسَنِ (عليه السلام)

مَنْ كَانَ يَبَاءُ بِجَدِّ فَإِنَّ جَدِّي الرَّسُولُ (صلي الله عليه وآله) أَوْ كَانَ يَبَاءُ بِأُمِّ فَإِنَّ أُمَّيَ الْبُتُولَ (عليها السلام) أَوْ كَانَ يَبَاءُ بِزَوْرٍ فَزَوْرُنَا جِبْرَائِيلُ (عليه السلام).

امام حسن (علیه السلام) می فرمود: اگر کسی به جد خود بیالد جد من رسول خدا (صلي الله عليه وآله) است، و اگر کسی به مادر خود بیالد مادر من بتول (علیها السلام) می باشد. و اگر کسی به زائرین خود بیالد زائر خاندان ما جبرئیل (علیه السلام) است. (2)

ص: 924

1- . الفضائل لابن شاذان القمي ص 85 حديث مفاخرة علي بن أبي طالب ع مع ولده الحسين ع

2- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 4 ص 9 فصل في معجزاته ح 10



حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ (عليه السلام) أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَجَّ مَاشِياً وَرُبَّمَا مَشَى حَافِياً وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْبُعْثَ وَ النَّشُورَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْعُرْضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ شَهَقَ شَهَقَةً يُغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا وَ كَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهُ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ وَ يَسْأَلُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ يَعُودُ بِهِ مِنَ النَّارِ وَ كَانَ لَا يَقْرَأُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) (1) إِلَّا قَالَ لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ وَ لَمْ يُرَفِ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْوَالِهِ إِلَّا ذَاكِرًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ وَ كَانَ أَصْدَقَ النَّاسِ لَهْجَةً وَ أَفْضَلَ حُجَّهُمْ مَنْطِقاً وَ لَقَدْ قِيلَ لِمُعَاوِيَةَ ذَاتَ يَوْمٍ لَوْ أَمَرْتَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَصَعِدَ الْمُنْبَرِ فَخَطَبَ لِبَيِّنِ النَّاسِ نَقْصَهُ فَدَعَاهُ فَقَالَ لَهُ اصْعِدِ الْمُنْبَرِ وَ تَكَلِّمْ بِكَلِمَاتٍ تَعْطِنَا بِهَا فَقَامَ فَصَعِدَ الْمُنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَدِّمَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ ابْنُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) أَدِّمَا ابْنُ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ أَدِّمَا ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) أَنَا ابْنُ صَاحِبِ الْفَضَائِلِ أَنَا ابْنُ صَاحِبِ

ص: 926

الْمُعْجَزَاتِ وَالِدَلَالِ اَنَا ابْنُ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) اَنَا الْمَدْفُوعُ عَنْ حَقِّي اَنَا وَ اَخِي الْحُسَيْنُ (عليه السلام) سَيِّدَا شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَنَا ابْنُ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ اَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَمِنِّي اَنَا ابْنُ الْمَسْدَعِ وَالْعُرْفَاتِ فَقَالَ لَهُ مُعَاوِيَةُ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ خُذْ فِي نَعْتِ الرُّطْبِ وَ دَعْ هَذَا فَقَالَ الرِّيْحُ تَنْفُحُهُ وَ الْحَرُّورُ يُنْضِجُهُ وَ الْبُرْدُ يُطَيِّبُهُ ثُمَّ عَادَ فِي كَلَامِهِ فَقَالَ اَنَا اِمَامٌ خَلَقَ اللهُ وَ ابْنُ مُحَمَّدٍ رَسُوْلُ اللهِ فَخَشِيَ مُعَاوِيَةُ اَنْ يَتَكَلَّمَ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا يَفْتِنُ بِهِ النَّاسَ فَقَالَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ اَنْزِلْ فَقَدْ كَفَى مَا جَرَى فَنَزَلَ.

جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام) فرمود: پدرم از پدرش باز گفت که حسن بن علی بن ابی طالب (عليه السلام) اعبد و ازهد و افضل اهل زمانش بود و همیشه پیاده به حج می رفت و بسا با پاهای برهنه بود و همیشه چون یاد مرگ می کرد می گریست و چون یاد قبر می کرد می گریست و چون یاد قیامت و نشور می کرد می گریست و چون یاد گذشت بر صراط می کرد می گریست و چون یاد ملاقات با خدا می کرد ناله ای می زد و بیهوش می شد و چون به نماز می ایستاد برابر خدا لرزه بر اندامش می افتاد و چون یاد بهشت و دوزخ می افتاد چون مار گزیده پریشان می شد و از خدا بهشت می خواست و به او از دوزخ پناه می برد و همیشه آیه از قرآن نمی خواند که (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) (1) داشت جز آنکه می گفت لبیک اللهم لبیک و در هر حال که دیده می شد ذکر خدای سبحانه می کرد و از همه مردم راست گفتارتر و شیواتر بود یک روز به معاویه گفتند کاش به حسن بن علی بن ابی طالب (عليه السلام) فرمان می کردی به منبر برآید و سخنرانی کند تا نقص او به مردم عیان گردد او را خواست و گفت به منبر برآ و سخنانی بگو که ما را پند دهی برخاست بالای منبر رفت حمد خدا و ستایش او نمود و فرمود: ای مردم هر که مرا می شناسد می شناسد و هر که مرا نمی شناسد من حسن بن علی بن ابی طالب (عليه السلام) هستم و زاده بانوی زنان جهانیان فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) منم پسر خیر خلق الله منم پسر

ص: 927

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) منم صاحب فضایل منم صاحب معجزات و دلائل منم پسر امير المؤمنين(عليه السلام) منم که از حق خود بر کنار من و برادر من حسين(عليه السلام) دو سيد جوانان اهل بهشتيم منم پسر رکن و مقام منم پسر مکه و منی منم پسر مشعر و عرفات. معاويه گفت ای ابا محمد! این سخن را بگذار و وصف خرما را بگو فرمود: بادش بدمد و گرمایش برساند و سرمایش گوارا سازد سپس به سخن خود برگشت و فرمود: منم امام خلق خدا و زاده محمد(صلي الله عليه و آله) ، معاويه ترسيد از گفتارش شورشی پديد آيد میان مردم عرضه داشت: ای ابا محمد(عليه السلام) آنچه گفتيد بس است پائين بيا آن حضرت فرود آمد. (1)

ص: 928

---

1- . الأمالي (للصدوق) النص 178 المجلس الثالث و الثلاثون ح 8



مَا جَاءَ فِي رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ عَنِ الْفَتَّالِ أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) كَانَ إِذَا تَوَضَّأَ أَوْ تَعَدَّتْ مَفَاصِلُهُ وَاصْفَرَ لَوْنُهُ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ حَقٌّ عَلَيَّ كُلُّ مَنْ وَقَفَ بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّ الْعَرْشِ أَنْ يَصْغُرَ لَوْنُهُ وَتَرْتَعِدَ مَفَاصِلُهُ وَكَانَ إِذَا بَلَغَ بَابَ الْمَسْجِدِ رَفَعَ رَأْسَهُ وَيَقُولُ إِلَهِي صَدِّيقُكَ بِبَابِكَ يَا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ فَتَجَاوَزْ عَنِّي قَبِيحٌ مَا عِنْدِي بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ يَا كَرِيمٍ

نیز در کتاب مناقب راجع به زهد امام حسن مجتبی (علیه السلام) از کتاب روضه الواعظین روایت می کنند که هرگاه امام حسن (علیه السلام) مشغول وضو می شد اعضایش می لرزید و رنگ مبارکش زرد می شد. وقتی راجع به این موضوع از آن حضرت جویا می شدند می فرمود: جا دارد هرکه در مقابل پروردگار عرش قرار می گیرد رنگش زرد و بند بند بدنش دچار رعشه شود. هرگاه امام حسن (علیه السلام) به در مسجد می رسید سر مبارک خود را بلند می کرد و می فرمود: بارخدایا! مهمان توبر در خانه ات قرار گرفته است، ای خدای نیکوکار! شخص گنهکار نزد تو آمده، ای پروردگار کریم! از گناهان من بخاطر آن نیکوئی هایی که داری درگذر. (1)

ص: 930

---

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 4 ص 14 فصل في مكارم أخلاقه ح 1

وَرَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:..... وَ لَقَدْ حَجَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) خَمْسًا وَعِشْرِينَ حِجَّةً مَاشِيًا وَإِنَّ النَّجَائِبَ لَتَقَادُ مَعَهُ وَ قَدْ قَاسَمَ اللَّهُ مَرَّتَيْنِ حَتَّىٰ إِنْ كَانَ لَيُعْطِي النَّعْلَ وَ يُمْسِكُ النَّعْلَ وَ يُعْطِي الْخُفَّ وَ يُمْسِكُ الْخُفَّ.

از ابن عباس روایت شده که گفت:.... حسن بن علی (علیه السلام) با پای پیاده بیست و پنج مرتبه به حج رفت، در صورتی که اسب های بسیار خوبی در کاروان آن حضرت بود. وی دو مرتبه اموال خویشتن حتی نعلین های خود را با خدا تقسیم کرد. (1)

مُحَمَّدُ بْنُ الْوَلِيدِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِنَّا نُرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَى مَكَّةَ مُشَاءً. قَالَ: فَقَالَ: لَا تَمْشُوا خُرُجُوا رُكْبَانًا قَالَ: فَقُلْتُ: أَصَدَّ لِحَاكَ اللَّهُ، إِنَّهُ بَلَّغْنَا أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) حَجَّ عِشْرِينَ حِجَّةً مَاشِيًا. قَالَ: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) حَجَّ وَ سَاقَ مَعَهُ الْمَحَامِلَ وَ الرَّحَالَ

در کتاب: قرب الاسناد از ابن بکیر روایت می کند که گفت: به امام جعفر صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: این طور شنیدم که امام حسن (علیه السلام) پیاده بیست حج بجای آورده است؟ فرمود: آری، حسن بن علی (علیه السلام) پیاده حج بجای می آورد، در صورتی که محمل و هودج ها همراه او بود. و... (2)

أَبُو نُعَيْمٍ فِي حَلِيَّةِ الْأَوْلِيَاءِ بِالإِسْنَادِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ الْحَسَنُ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي أَنْ أَلْقَاهُ وَ لَمْ أَمْشِ إِلَى بَيْتِهِ فَمَشَى عِشْرِينَ مَرَّةً مِنَ الْمَدِينَةِ عَلَى رِجْلَيْهِ

ص: 931

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 4 ص 14 فصل في مكارم أخلاقه

2- . قرب الإسناد (ط - الحديثة) متن 170 احاديث متفرقة ح 624



در کتاب: حلیة الاولیاء از امام حسن (علیه السلام) نقل می کند که می فرمود: من از پروردگار خود خجالت می کشم که او را ملاقات نمایم و پیاده به خانه خدا نرفته باشم لذا بیست مرتبه با پای پیاده از مدینه به حج رفت. و ... (1)

خوف از خدا

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا حَضَرَتِ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) الْوَفَاةَ بَكَى فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَتَبْكِي وَ مَكَائِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الَّذِي أَنْتَ بِهِ وَقَدْ قَالَ فِيكَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَا قَالَ وَقَدْ حَجَّجْتَ عَشْرِينَ حِجَّةً مَاشِيًا وَقَدْ قَاسَمْتَ رَبَّكَ مَالِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى النَّعْلَ وَ النَّعْلَ فَقَالَ إِنَّمَا أَبْكِي لِحَصَلَتَيْنِ لِهَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ فِرَاقِ الْأَحِبَّةِ.

از حضرت رضا (علیه السلام) روایت می کند که فرمود: هنگامی که رحلت حضرت امام حسن (علیه السلام) فرا رسید گریان شد. به آن حضرت گفته شد: یا ابن رسول الله! آیا گریه می کنی در صورتی که نزد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) یک چنین مقام و منزلتی داری؟! و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن فضائل و مناقب فراوانی را در باره تو فرموده است و از طرفی هم تو بیست مرتبه پیاده به حج رفته ای؟! تمام اموال خود را حتی نعلین خود را سه مرتبه با

ص: 932

خدا تقسیم نمودی؟ امام حسن (علیه السلام) فرمود: من برای دو موضوع گریه می کنم: اول برای حساب و هول روز قیامت. دوم برای فراق دوستان. (1)

ص: 933

---

1- . الأملی (للصدوق) النص 222 المجلس التاسع والثلاثون ح 9



همانا حسين چراغ هدايت وكشتي نجات است

قال الرسول (صلي الله عليه وآله): وَإِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَنِ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِصْبَاحٌ هُدًى وَ سَفِينَةٌ نَجَاةٍ..

رسول خدا(صلي الله عليه وآله): در طرف راست عرش خدا نوشته شده همانا حسين(عليه السلام) چراغ هدايت و كشتي نجات است.(1)

درب بهشتقال الرسول(صلي الله عليه وآله): إِنَّ الْحُسَيْنَ(عليه السلام) بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ

رسول خدا(صلي الله عليه وآله): همانا حسين(عليه السلام) دري است از درهاي بهشت.(2)

كشتي نجات حسيني

قال الصادق(عليه السلام):كُلُّنَا سُفُنُ النَّجَاةِ وَ لَكِنَّ سَفِينَةَ جَدِّي الْحُسَيْنِ(عليه السلام) أَوْسَعُ وَ فِي لُجَجِ الْبِحَارِ أَسْرَعُ

امام صادق(عليه السلام) فرمود: همه ما كشتي هاي نجاتيم، اما كشتي جدم حسين(عليه السلام) وسيعتر و در عبور از امواج سهمگين درياها سريعتر است.

ص: 935

---

1- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 1 ص 60 باب 6 باب النصوص على الرضا ع بالإمامة في جملة الأئمة الاثني عشر ح 29

2- . مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة، ص 22 المنقبة الرابعة

حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ ثَابِتٍ الدَّوَالِبِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثِينَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَاصِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (عليه السلام) جَعْفَرٍ (عليه السلام)

عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)

عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَعِنْدَهُ أَبِي بْنُ كَعْبٍ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

مَرْحَبًا بِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ قَالَ لَهُ أَبِيٌّ وَكَيْفَ يَكُونُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ أَحَدٌ غَيْرُكَ قَالَ يَا أَبِيٌّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَنْ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِصْبَاحٌ هُدًى وَ سَفِينَةٌ نَجَاةٍ...

ابی بن کعب می گوید خدمت رسول خدا(صلي الله عليه وآله) بودم که حسین(عليه السلام) وارد شد، حضرت به او فرمودند: خوش آمدي يا ابا عبدالله! اي زينت بخش آسمان ها و زمین، ابی بن کعب می گوید: از رسول خدا(صلي الله عليه وآله) پرسیدم چگونه ممکن است غير از شما کسی زينت بخش آسمان ها و زمین باشد؟ حضرت فرمودند: سوگند به آن که مرا به رسالت برانگیخت، حسین بن علي(عليه السلام) در آسمان جلوه بیشتری دارد و از عظمت والاتري برخوردارست، و اهل آسمان او را بهتر از اهل زمین می شناسند و احترام

مي گذارند، و در سمت راست عرش الهي نوشته است همانا حسين (عليه السلام) چراغ هدايت و كشتي نجات است(1)

ص: 937

---

1- . عيون اخبار الرضا ج 1 ص 59 باب 6 النصوص على الرضا ع بالإمامة في جملة الأئمة الاثني عشر ح 29



حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّيْدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبَّاسٍ وَعَبْدِ السَّلَامِ بْنِ حَرْبٍ جَمِيعًا قَالَ حَدَّثَنَا مَنْ سَمِعَ بَكْرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْمُزَنِّيَّ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَيْنِ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِي يَا عِمْرَانُ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مَوْقِعًا مِنَ الْقَلْبِ

وَمَا وَقَعَ مَوْقِعَ هَذَيْنِ الْغُلَامَيْنِ مِنْ قَلْبِي شَيْءٌ قَطُّ فَقُلْتُ كُلُّ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ يَا عِمْرَانُ وَ مَا خَفِيَ عَلَيْكَ أَكْثَرُ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّهِمَا.

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) به من فرمودند: ای عمران! هر چیزی در قلب جایگاهی دارد ولی جایگاه این دو کودک از قلب من هرگز مکان خاصی نیست. عمران می گوید: عرضه داشتیم: ای رسول خدا(صلي الله عليه و آله) تمام قلب شما جای گاه این دو است؟ حضرت فرمودند: ای عمران! آن چه بر تو مخفی مانده بیش از آنست که دانسته ای، همانا خداوند متعال، مرا به محبت ایشان امر فرموده است. (1)

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْقُرَشِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَابِسٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَمْرٍو بْنِ مَرَّةٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ عَبِيدَةَ السَّلْمَانِيَّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ مَنْ كَانَ يُحِبُّنِي فَلْيُحِبِّ ابْنِي هَذَيْنِ فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّهِمَا.

از رسول خدا(صلي الله عليه و آله) شنیدم که می فرمودند: کسی که مرا دوست دارد باید این دو کودک (حسن(عليه السلام) و حسین(عليه السلام)) را هم دوست داشته باشد و آنکه خداوند مرا به دوست داشتن این دو امر فرموده است. (2)

ص: 939

1- . کامل الزیارات ص 50 باب 14 الباب الرابع عشر حب رسول الله ص الحسن و الحسين ع و الأمر بحبهما و ثواب حبهما ح 2

2- . کامل الزیارات ص 51 باب 14 الباب الرابع عشر حب رسول الله ص الحسن و الحسين ع و الأمر بحبهما و ثواب حبهما ح 5



الفضائل لابن شاذان بالإِسْنَادِ يَرْفَعُهُ إِلَى جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ إِذَا أَقْبَلَ عَلَيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَالْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ يَمِينِهِ وَالْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ شِمَالِهِ فَقَدَّامَ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَقَبَّلَ عَلَيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَالزَّمَهُ إِلَى صَدْرِهِ وَقَبَّلَ الْحَسَنَ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَأَجْلَسَهُ إِلَيَّ فَخَذَهُ الْأَيْمَنَ وَبَايَ أَبُو كَمَّ وَبَايَ أُمُّ كَمَّ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى بَاهِي بِهِمَا وَبَايَهُمَا وَبَأْمَهُمَا وَبِالْأَبْرَارِ مِنْ وُلْدِهِمَا الْمَلَائِكَةَ جَمِيعًا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُمْ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمْ اللَّهُمَّ مَنْ أَطَاعَنِي فِيهِمْ وَحَفِظَ وَصِيَّيَ فَارْحَمَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَإِنَّهُمْ أَهْلِي وَالْقَوَامُونَ بِدِينِي وَالْمُحْيُونَ لِسَنَنِي وَالتَّالُونَ لِكِتَابِ رَبِّي فَطَاعَتُهُمْ طَاعَتِي وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي. جابر بن عبد الله انصاری گفت: پیامبر اکرم (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مسجد نشسته بود که علی (عَلَيْهِ السَّلَام) در حالی که حسن (عَلَيْهِ السَّلَام) طرف راست و حسین (عَلَيْهِ السَّلَام) طرف چپش بود، وارد شد، پیامبر (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از جای حرکت کرد علی (عَلَيْهِ السَّلَام) را در بغل گرفت و حسن (عَلَيْهِ السَّلَام) را روی زانوی راستش و حسین (عَلَيْهِ السَّلَام) را روی زانوی چپش نشاند و پیوسته آن دو را می بوسید و لبان آنها را می مکید و می فرمود: پدرم فدای پدرتان و مادرم فدای مادرتان. سپس فرمود: مردم خداوند تبارک و تعالی مُبَاهَات کرد به این دو و به پدر و مادرشان و به نیکوکاران از فرزندان این دو، بر تمام ملائکه. بعد فرمود: خدایا گواه باش من اینها را دوست می دارم و هر که اینها را دوست داشته باشد خدایا هر که مرا اطاعت کند در مورد اینها و وصیت مرا حفظ نماید او را رحمت فرما به رحمت خود یا ارحم الراحمین اینها خانواده من و به پاداران دین من و زنده کنندگان سنتم و خواننده کتاب پروردگارم، اطاعت از آنها اطاعت من و مخالفت با آنها مخالفت با من است. (1) و

ص: 940

با این همه سفارشی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در حق حسین(علیه السلام) کرده اند و بیان داشتند که من از شما اجر و مزدی نمی خواهم جز مودت و دوستی با اهل بیتم باز این گروه جفاکار چگونه با نور چشم رسول خدا(صلی الله علیه و آله) حسین(علیه السلام) برخورد کرده اند.

و بِهَذَا الْإِسْمِ نَادَى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) هر دو آقا و بزرگ جوانان بهشتی بوده و پدرشان از آن دو بهتر است. (1)

ص: 941

---

1- [1]. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج 2 ص 33 باب 31 باب فیما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 56

**خداوند در عوض شهادت سیدالشهداء به ایشان چه عنایت فرموده**

ص: 942

خداوند در عوض شهادت سیدالشهداء به ایشان چه عنایت کرده

أَخْبَرَنَا ابْنُ حُشَيْبٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَعْقِلِ الْعَجَلِيِّ الْقُرْمِيسِيِّ سَهْرَوَزْدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الصُّهْبَانَ الدُّهْلِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ بَرْنَطِيٍّ، عَنْ كَرَامِ بْنِ عَمْرِو الخُثَعَمِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام)

يَقُولَانِ:

قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) يَقُولَانِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحَسَنَ (عليه السلام) مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ الشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ وَ لَا تُعَدُّ أَيَّامَ زَائِرِيهِ جَائِيًا وَ رَاجِعًا مِنْ عُمْرِهِ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) هَذِهِ الْخِلَالُ تُنَالُ بِالْحُسَيْنِ (عليه السلام)

فَمَا لَهُ فِي نَفْسِهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَحْفَهُ

بِالنَّبِيِّ (صلي الله عليه و آله) فَكَانَ مَعَهُ فِي دَرَجَتِهِ وَ مَنْزِلَتِهِ ثُمَّ تَلَا

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ) الْآيَةَ

در کتاب امالی شیخ از محمد بن مسلم روایت می کند: از امام صادق (عليه السلام) شنیدم می فرمود: خدای سبحان در عوض شهادت حسین (عليه السلام) مقام امامت را نصیب ذریه آن بزرگوار نمود، شفاء امراض را در تربت مقدس آن حضرت و مستجاب شدن دعا را نزد قبر مبارک آن بزرگوار قرار داد. ایامی را که زوار آن بزرگوار به زیارتش می روند و بر می گردند جزء عمر آنان قرار نمی دهد. محمد بن مسلم می گوید: به امام صادق (عليه السلام) عرضه داشتم: این عنایاتی است که به برکت حسین (عليه السلام) به دوستان آن حضرت می رسد پس خود آن بزرگوار چه مقامی خواهد داشت؟! فرمود: خدای مهربان حسین (عليه السلام) را به رسول خدا (صلي الله عليه و آله) ملحق نموده و حسین (عليه السلام) هم دارای درجه و

منزلت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می باشد. سپس امام صادق (علیه السلام) آیه (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ) را تلاوت کرد که می فرماید: افرادی که ایمان آوردند و ذریه ایشان از ایشان تبعیت کردند ذریه آنان را به آنان ملحق نمودیم. (1)

ص: 944

---

1- [1] الأُمالي للطوسي ص 317 [11] المجلس الحادي عشر ح 91



وَبِهَذَا إِسْمَ نَادٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنَّ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ عَلَيْهِ نَصْفُ عَذَابِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَقَدْ شَدَّتْ يَدَاهُ وَرِجْلَاهُ بِسَبْأِ لَسَلٍ مِنْ نَارٍ مُنَكَّسٍ فِي النَّارِ حَتَّى يَفْعَ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ وَلَهُ رِيحٌ يَتَعَوَّذُ أَهْلُ النَّارِ إِلَى رَبِّهِمْ مِنْ شِدَّةِ تَنَبُّهِ وَهُوَ فِيهَا خَالِدٌ ذَائِقُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ مَعَ جَمِيعٍ مَنْ شَابَعَ عَلَى قَتْلِهِ كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمُ الْجُلُودَ حَتَّى يَذُوقُوا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ سَاعَةً وَ يُسْتَقُونَ مِنْ حَمِيمٍ جَهَنَّمَ فَالْوَيْلُ لَهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ تَعَالَى فِي النَّارِ.

و به همین اسناد از آن حضرت روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: به راستی که قاتل حسین بن علی (علیه السلام) در تابوتی آتشین خواهد بود، و نیمی از عذاب همه اهل دنیا بر اوست، در حالی که پا و دست هایش را با زنجیرهایی گداخته از آتش بهم بسته اند و واژگون در دوزخ معلق می‌رود تا به قعر جهنم رسد، و دارای بوی بد و ناراحت کننده ای است که همه دوزخیان از شدت بوی تعفن او به خدایشان پناه می‌جویند، و وی در آن همیشه ماندنی است و از عذاب دردناک آن چشنده با همه آن کسان که با او در کشتن حسین (علیه السلام) همکاری کردند، و هر آنچه پوستشان بسوزد خداوند از نو برآورد تا اینکه مرتب آن شکنجه و آزار پردرد را بچشند و آنی ایشان را رها نکند، و چون اظهار تشنگی کنند از حمیم،

(که گنداب جهنم است) بر حلقشان ریزند، پس وای بر ایشان از عذاب [خداوند متعال در] آتش. (1)

أَقُولُ رُوِيَ فِي بَعْضِ مُؤَلَّفَاتِ أَصْحَابِنَا مُرْسَلًا عَنْ بَعْضِ الصَّحَابَةِ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

يَمَصُّ لُعَابَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) كَمَا يَمَصُّ الرَّجُلُ السُّكَّرَةَ وَهُوَ يَقُولُ حُسَيْنٌ (عَلَيْهِ السَّلَام) مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ (عَلَيْهِ السَّلَام)

أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ

ص: 946

أَبْغَضَ اللَّهُ مَنْ أَبْغَضَ حُسَيْنًا (عليه السلام) حُسَيْنٌ (عليه السلام) سَبَّطُ مِنَ الْأَسَدِ بَاطِلٌ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ فَنَزَلَ جَبْرَائِيلُ (عليه السلام) وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه وآله) إِنَّ اللَّهَ قَتَلَ بِبِحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا سَبْعِينَ أَلْفًا مِنَ الْمُتَأَفِّقِينَ وَ سَيَقْتُلُ بِابْنِ ابْنَتِكَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) سَبْعِينَ أَلْفًا وَسَبْعِينَ أَلْفًا مِنَ الْمُعْتَدِينَ وَإِنَّ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ وَيَكُونُ عَلَيْهِ نِصْفُ عَذَابِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَقَدْ شَدَّتْ يَدَاهُ وَرِجْلَاهُ بِسَلْسَلٍ مِنْ نَارٍ وَهُوَ مُنْكَسٌّ عَلَى أُمَّ رَأْسِهِ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ وَلَهُ رِيحٌ يَنْعَوِذُ أَهْلُ النَّارِ مِنْ شِدَّةِ تَنَنِّهَا وَهُوَ فِيهَا خَالِدٌ ذَائِقُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ لَا يُفْتَرُّ عَنْهُ وَيُسْقَى مِنْ حَمِيمِ جَهَنَّمَ.

در بعضی تألیفات علماء ما شیعیان از بعضی از صحابه نقل می کند که گفت: پیغمبر (صلي الله عليه وآله) را دیدم که لعاب دهان امام حسین (عليه السلام) را نظیر شکر می مکید و می فرمود: یعنی حسین (عليه السلام) از من و من از حسینم. خدا آن کسی را دوست بدارد که حسین (عليه السلام) را دوست داشته باشد. خدا بَغَضِ آن کسی را داشته باشد که بَغَضِ حسین (عليه السلام) را دارد. حسین (عليه السلام) یکی از سبط ها است خدا قاتل حسین (عليه السلام) را لعنت کند! پس از این جریان جبرئیل (عليه السلام) نازل شد و گفت: یا محمد! خدا برای شهید شدن یحیی بن زکریا (عليه السلام) تعداد هفتاد هزار نفر از منافقین بنی اسرائیل را کشت. به زودی خدا برای شهید شدن پسر دختر تو یعنی حسین (عليه السلام) تعداد دو برابر آن را از متجاوزین این امت خواهد کشت. جای قاتل حسین (عليه السلام) در تابوتی از آتش است و بقدر نصف عذاب اهل جهنم دچار او خواهد شد. دست و پای قاتل حسین (عليه السلام) به وسیله زنجیرهای آتشین جهنم بسته خواهد شد و او با سر خود در دوزخ آویزان می شود. يك بوی بدی از او می وزد که اهل جهنم از آن معذب و ناراحت خواهند شد. وی دائما در جهنم است. عذاب دردناک را می چشد و از آن جدا نخواهد شد و از آب جوش جهنم سیراب می گردد. (1)

ص: 947

1- [1]. بحار الأنوار ج 45 ص 314 باب 46 ما عجل الله به قتلة الحسين صلوات الله عليه من العذاب في الدنيا و ما ظهر من إعجازه و استجابة دعائه في ذلك عند الحرب و بعده ذیل ح 14





وَمِنْ ذَلِكَ بِإِسْمِ نَادِ الْحَافِظِ مَسْعُودِ بْنِ نَاصِرِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ رَيْبَعَةَ السَّعْدِيِّ قَالَ فَقَالَ لِي يَا رَيْبَعَةُ أَسْمَعُ مِنِّي وَعِهُ وَاحْفَظْهُ وَقِهِ وَبَلِّغِ النَّاسَ عَنِّي أَنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَقَدْ أَخَذَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَوَضَعَهُ عَلَى مَنْكِبِهِ وَجَعَلَ يَقِي بَعْقِيهِ وَهُوَ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ مِنْ آسَةِ تِكْمَالِ حُجَّتِي عَلَى الْأَشْقِيَاءِ مِنْ بَعْدِي التَّارِكِينَ وَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَلَا وَإِنَّ التَّارِكِينَ وَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) هُمْ الْمَارِقُونَ مِنْ دِينِي أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

خَيْرُ النَّاسِ جَدًّا وَجَدَّةً جَدُّهُ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَجَدَّتُهُ خَدِيجَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

سَابِقَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ إِلَى الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَهَذَا الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

خَيْرُ النَّاسِ أَبًا وَأُمَّ أَبُوهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَصِيُّ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

رَبُّ الْعَالَمِينَ وَوَزِيرُهُ وَابْنُ عَمَّتِهِ وَأُمُّهُ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

رَسُولِ اللَّهِ وَهَذَا الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) خَيْرُ النَّاسِ عَمًّا وَعَمَّةً عَمُّهُ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) الْمُرَيَّنُ بِالْجَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ يَشَاءُ وَعَمَّتُهُ أُمُّ هَانِيَةَ بِنْتُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَهَذَا الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) خَيْرُ النَّاسِ خَالًا وَخَالَاتَةً خَالَةُ الْقَاسِمِ بْنِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

وَخَالَاتُهُ زَيْنَبُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ وَضَعَهُ عَنْ مَنْكِبِهِ وَدَرَجَ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ وَهَذَا الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) جَدُّهُ فِي الْجَنَّةِ وَجَدَّتُهُ فِي الْجَنَّةِ وَأَبُوهُ فِي الْجَنَّةِ وَأُمُّهُ فِي الْجَنَّةِ وَعَمُّهُ فِي الْجَنَّةِ وَخَالَهُ فِي الْجَنَّةِ وَخَالَتُهُ فِي الْجَنَّةِ وَهُوَ فِي الْجَنَّةِ وَأَخُوهُ فِي الْجَنَّةِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ مِنْ ذُرِّيَةِ الْأَنْبِيَاءِ الْمَاضِينَ مَا أُعْطِيَ الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَلَا يُوسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْرَافِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ لَجَدُّ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) خَيْرٌ مِنْ جَدِّ يُوسُفَ فَلَا تُخَالِجَنَّكُمْ الْأُمُورُ بِأَنَّ الْفَضْلَ وَالشَّرْفَ وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَلَايَةَ

لَيْسَتْ إِلَّا لِرَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَلَا يَذْهَبَنَّ بِكُمْ إِلَّا بِطَيْلٍ قَالَ الشَّيْخُ مَسْعُودُ بْنُ نَاصِرٍ الْحَافِظُ السَّجِسْتَانِيُّ هَذَا الْحَدِيثُ حَسَنٌ

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) را دیدم که حسین بن علی (علیه السلام) را بروی شانه خود داشت و از پشت او را نگه داشته بود می فرمود: مردم این حسین (علیه السلام) از کسانیست که حجت من است بر اشقیاء بعد از من کسانی که ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) را رها کردند متوجه باشید ترك کنندگان ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) از دین من خارجند. مردم! حسین بن علی (علیه السلام) از همه مردم برجسته تر است از نظر جد و جده. زیرا جدش محمد مصطفی (صلي الله عليه و آله) است که بهترین فرزند آدم (علیه السلام) است و جده اش خدیجه کبری (علیها السلام) است که از همه زنان جلوتر ایمان به خدا و رسول (صلي الله عليه و آله) آورده حسین (علیه السلام) از همه مردم بهتر است از لحاظ پدر و مادر پدرش علی بن ابی طالب (علیه السلام) وصی پیامبر (صلي الله عليه و آله) و وزیر او و پسر عمویش و مادرش فاطمه (علیها السلام) دختر محمد (صلي الله عليه و آله) است. (1)

ص: 950



حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ قَالَ الرَّضَا (عليه السلام) إِنَّ الْمُحَرَّمَ شَهْرٌ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحَرِّمُونَ فِيهِ الْقِتَالَ فَاسْتَحَلَّتْ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَهَيْتِكَ فِيهِ حُرْمَتُنَا وَسُبِّي فِيهِ ذَرَارِيَّتُنَا وَ نِسَاؤُنَا وَأَضْرَمَتِ النَّيْرَانَ فِي مَصَارِينَا وَانْتَهَبَ مَا فِيهَا مِنْ ثَقَلِنَا وَ لَمْ تُنْعَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) حُرْمَةٌ فِي أَمْرِنَا إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَ أَذَلَّ عَزِيزَتَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ وَ أَوْرَثَتَنَا [يَا أَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ أَوْرَثْتَنَا] الْكَرْبَ [وَ] الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحَسَنِ فَلْيَبْكُ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ يَحُطُّ الدُّنُوبَ الْعِظَامَ ثُمَّ قَالَ كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمَ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَ كَانَتْ الْكِتَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ

هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ (عليه السلام).

امام رضا (عليه السلام) فرمود: محرم ماهی بود که اهل جاهلیت نبرد را در آن حرام می دانستند و خون ما را در آن حلال شمردند و حرمت ما را هتک کردند و ذراری و زنان ما را اسیر کردند و آتش به خیمه های ما زدند و آنچه بنه در آن بود چپاول کردند و در امر ما رعایتی از رسول خدا (صلي الله عليه و آله) نکردند مصیبت حسین (عليه السلام) دیده هایمان را مجروح و اشک هایمان را جاری ساخته و عزیز ما را در زمین کربلا خوار کرد و گرفتاری و بلا به ما دچار ساخت، و تا قیامت بر حسین (عليه السلام) باید گریست، گریه بر حسین (عليه السلام) گناهان بزرگ را از بین می برد سپس فرمود پدرم را شیوه بود که چون

محرم می شد خنده نداشت و اندوه بر او غالب بود و روز دهم اوج مصیبت و حزن و گریه اش بود و می فرمود: در این روز حسین (علیه السلام) کشته شد. (1)

قَالَ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَفْرَحَ جُفُونَنَا وَأَسْبَلَ دُمُوعَنَا

امام رضا (علیه السلام): مصیبت حسین (علیه السلام) دیده هایمان را مجروح و اشک هایمان را جاری ساخته (2)

قَالَ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَكَانَتْ الْكِتَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ

امام رضا (علیه السلام): چون هلال ماه محرم دیده می شد دیگر کسی پدرم را خندان نمی دید و غم و اندوه بر او غالب بود. (3)

قَالَ وَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ مَنْ ذَكَرَنَا أَوْ ذَكَرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ دَمْعٌ مِثْلُ جَنَاحِ بُعُوضَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ رَبْدِ الْبَحْرِ. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر که نام ما را ببرد یا نام ما نزد او برده شود، و به اندازه بال مگس اشک از چشمش خارج شود خدا گناهان او را می آمرزد حتی اگر به اندازه کف دریا باشد. (4)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا حِيلَ بِهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ شَيْبٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنَ الْمُحَرَّمِ فَقَالَ لِي يَا ابْنَ شَيْبٍ أَصَائِمٌ أَنْتَ فَقُلْتُ لَا فَقَالَ إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي دَعَا فِيهِ زَكَرِيَّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ (رَبِّ

هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ) (5) فَاسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ وَ أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ فَنَادَتْ زَكَرِيَّا (وَ

هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي

ص: 953

1- . الأماي ( للصدوق) النص 128 المجلس السابع والعشرون ح2

2- . الأماي ( للصدوق) النص 128 المجلس السابع والعشرون ح2

3- . الأماي ( للصدوق) النص 128 المجلس السابع والعشرون ح2

4- . تفسير القمي ج 2 ص 292 [سورة الدخان (44): آية 29] ح4

5- . آل عمران آية 38

المِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى) (1) فَمَنْ صَامَ هَذَا الْيَوْمَ ثُمَّ دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ كَمَا اسْتَجَابَ

لِزَكَرِيَّا (عليه السلام)

ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ الْمُحَرَّمَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ فِيهَا مَضَى يُحْرَمُونَ فِيهِ الظُّلْمَ وَالْقِتَالَ لِحُرْمَتِهِ فَمَا عَرَفْتَ هَذِهِ الْأُمَّةَ حُرْمَةَ شَهْرِهَا وَلَا حُرْمَةَ نَبِيِّهَا (صلي الله عليه وآله) لَقَدْ قَتَلُوا فِي هَذَا الشَّهْرِ ذُرِّيَّتَهُ وَسَبَوْا نِسَاءَهُ وَانْتَهَبُوا ثَقْلَهُ فَلَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ أَبَدًا يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لِشَيْءٍ فَإِنَّكَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

فَإِنَّهُ ذِيحٌ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبِشُ وَقُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَيْهُونَ وَلَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ وَلَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شَعْتُ غُبْرًا إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَشِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) يَا ابْنَ شَيْبٍ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّهُ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام)

جَدِّي مَطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا وَتُرَابًا أَحْمَرَ يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ بَكَيتَ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَيَّ خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَاحِبًا كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزِرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَكَ أَنْ تَسْكُنَ الْغُرْفَ الْمُبِينَةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) وَآلِهِ فَالْعَنَ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَكَ أَنْ تَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لِمَنْ اسْتُشْهِدَ مَعَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)

فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ (يا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا) (2) يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَنْ لِحُزْنِنَا وَافْرَحْ لِفَرَحِنَا وَعَلَيْكَ بَوْلَايَتِنَا فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا تَوَلَّى حَجْرًا لِحَشْرَةِ اللَّهِ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ص: 954

1- . آل عمران آية 39

2- . النساء آية 73

ریان بن شیبب گوید روز اول ماه محرم خدمت حضرت رضا(علیه السلام) رسیدم به من فرمود: ای پسر شیبب روزه ای؟ عرضه داشتم: نه. فرمود: این روزیست که زکریا به درگاه پروردگارش دعا کرد و گفت پروردگارا به من ببخش از پیش خود نژاد پاکی زیرا تو شنوای دعائی خدا برایش اجابت کرد و به فرشتگان دستور داد ندا کردند زکریا(علیه السلام) را که در محراب ایستاده بود که خدا تو را به یحیی بشارت می دهد هر که این روز را روزه بدارد و سپس دعا به درگاه خدا کند خدا مستجاب کند چنان که برای زکریا(علیه السلام) مستجاب کرد سپس گفت ای پسر شیبب به راستی محرم همان ماهی است که اهل جاهلیت در زمان گذشته ظلم و قتال را بخاطر احترامش در آن حرام می دانستند و این امت حرمت این ماه را نگه نداشتند و نه حرمت پیغمبرش را در این ماه ذریه او را کشتند و زنانش را اسیر کردند و بنه اش را غارت کردند خدا هرگز این گناه آنها را نیامرزد ای پسر شیبب اگر برای چیزی گریه خواهی کرد برای حسین(علیه السلام) گریه کن که چون گوسفند سرش را بریدند و هجده نفر از خاندانش با او کشته شد که روی زمین ماندی نداشتند و آسمان های هفت گانه و زمین برای کشتن او گریستند و چهار هزار فرشته برای یاریش به زمین آمدند و دیدند کشته شده و بر سر قبرش ژولیده و خاک آلود باشند تا قائم(علیه السلام) ظهور کند و یاریش کند و شعار آنها یا لثارات الحسین است ای پسر شیبب! پدرم از پدرش از جدش برآیم باز گفت که چون جدم حسین(علیه السلام) کشته شد آسمان خون و خاک سرخ بارید. ای پسر شیبب! اگر بر حسین(علیه السلام) گریه کنی تا اشکت بر گونه هدایت روان شود خدا هر گناهی کردی از خرد و درشت و کم و بیش بیامرزد. ای پسر شیبب! اگر خواهی خدا را ملاقات کنی و گناهی نداشتی باشی حسین(علیه السلام) را زیارت کن ای پسر شیبب! اگر خواهی در غرفه های ساخته بهشت با پیغمبر ساکن شوی بر قاتلان حسین(علیه السلام) لعن کن ای پسر شیبب! اگر خواهی ثواب شهیدان با حسین(علیه السلام) را دریایی هر وقت به یادش افتادی بگو کاش با آنها بودم و به



فوز عظیمی می رسیدم. ای پسر شیب! اگر خواهی با ما در درجات بلند بهشت باشی برای حزن ما محزون باش و برای شادی ما شاد باش و ملازم ولایت ما باش و اگر مردی سنگی را دوست دارد با آن خدا روز قیامت محشورش کند. (1)

وَرُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لِكُلِّ شَيْءٍ تَوَابٌ إِلَّا الدَّمْعَةَ فِينَا.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر چیزی ثواب و اجر معینی دارد مگر ریختن اشک برای ما، که ثوابش را احدی نمی داند. (2)

قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): نُوحُوا عَلَيَّ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) نَوْحَ الثَّكَلِيِّ عَلَيَّ وَلِدَهَا

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: همچون مادر فرزند از دست داده بر حسین (علیه السلام) گریه کنید.

ص: 956

---

1- . الأما لي (للصديق) النص 129 المجلس السابع والعشرون ح5

2- . كامل الزيارات النص 106 الباب الثالث والثلاثون من قال في الحسين ع شعرا فبكي و أبكى ح6



ثُمَّ قَالَ أَنَا ابْنُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ أَنَا ابْنُ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَلَمْ يَزَلْ يَقُولُ أَنَا أَنَا حَتَّى ضَجَّ النَّاسُ بِالْبُكَاءِ وَالتَّحْيِبِ وَخَشِيَ يَزِيدُ لَعْنَهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ فِتْنَةً فَأَمَرَ الْمُؤَدِّنَ فَقَطَعَ عَلَيْهِ الْكَلَامَ فَلَمَّا قَالَ الْمُؤَدِّنُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام) لَا شَيْءَ أَكْبَرُ مِنَ اللَّهِ فَلَمَّا قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَالَ عَلِيٌّ بِنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) سَدِّ هَدَى بِهَا سَدِّ عَرِي وَبَسْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي فَلَمَّا قَالَ الْمُؤَدِّنُ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) رَسُولُ اللَّهِ التَّمَّتْ مِنْ فَوْقِ الْمِنْبَرِ إِلَى يَزِيدَ فَقَالَ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه وآله) هَذَا جَدِّي أَمْ جَدُّكَ يَا يَزِيدُ فَإِنْ زَعَمْتَ أَنَّهُ جَدُّكَ فَقَدْ كَذَبْتَ وَكَفَرْتَ وَإِنْ زَعَمْتَ أَنَّهُ جَدِّي فَلِمَ قَتَلْتَ عَثْرَتَهُ قَالَ وَفَرَعَ الْمُؤَدِّنُ مِنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ وَتَقَدَّمَ يَزِيدُ فَصَلَّى صَلَاةَ الظُّهْرِ قَالَ وَرَوِيَ أَنَّهُ كَانَ فِي مَجْلِسِ يَزِيدَ هَذَا حَبْرٌ مِنْ أَحْبَارِ الْيَهُودِ فَقَالَ مَنْ هَذَا الْغُلَامُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ هُوَ عَلِيٌّ بِنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ فَمَنْ الْحُسَيْنُ قَالَ ابْنُ عَلِيٍّ بِنِ أَبِيطَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ فَمَنْ أُمُّهُ قَالَ أُمُّهُ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) فَقَالَ الْحَبْرُ يَا سُبْحَانَ اللَّهِ فَهَذَا ابْنُ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ قَتَلْتُمُوهُ فِي هَذِهِ السَّرْعَةِ بِئْسَ مَا حَلَفْتُمُوهُ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَاللَّهِ لَوْ تَرَكَ فِينَا مُوسَى بِنُ عِمْرَانَ (عليه السلام) سَبَطًا مِنْ صُلْبِهِ لَطَنْنَا أَنَا كُنَّا نَعْبُدُهُ مِنْ دُونِ رَبِّنَا وَأَنْتُمْ إِتْمَأَفَارَقَكُمْ نَبِيِّكُمْ بِالْأَمْسِ فَوَثَبْتُمْ عَلَيَّ ابْنَهُ فَقَتَلْتُمُوهُ سَوْءَةً لَكُمْ مِنْ أُمَّةٍ قَالَ فَأَمَرَ بِهِ يَزِيدُ لَعْنَهُ اللَّهُ فَوَجِيَ فِي حَلْقِهِ ثَلَاثًا فَقَامَ الْحَبْرُ وَهُوَ يَقُولُ إِنْ شِئْتُمْ فَاصْرُبُونِي وَإِنْ شِئْتُمْ فَاقْتُلُونِي أَوْ فَذَرُونِي فَإِنِّي أَحَدٌ فِي التَّوْرَةِ أَنْ مَنْ قَتَلَ ذُرِّيَّةَ نَبِيِّ (صلي الله عليه وآله) لَا يَرَأَى مَلْعُونًا أَبَدًا مَا بَقِيَ فَإِذَا مَاتَ يُصَلِّيهِ اللَّهُ نَارَ جَهَنَّمَ

من فرزند دخت فرزانه ي پیامبر مسلمانان فاطمه زهرايم، من فرزند خديجه ي كبري، آن بانوي بزرگ و توحيد گرايم، من فرزند كسي هستم كه از روي ستم و بيداد كشته شد، من فرزند آن كسي هستم كه سرش از قفا بريده شد، من فرزند آن آزاد مرد تشنه كامي هستم كه در ساحل فرات بال تشنه به شهادت رسيد، من فرزند آن كسي هستم كه بدن نازينش بر روي ريگ هاي تفتيده ي نينوارها شد، من فرزند آن كسي هستم كه عمامه و عبايش را ربودند..... (1)

ص: 959

---

1- . بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 45 ص 139 باب 39 الوقائع المتأخرة عن قتله صلوات الله عليه إلى رجوع أهل البيت ع إلى المدينة و ما ظهر من إعجازه صلوات الله عليه في تلك الأحوال



السَّلَامُ عَلَى بَشِيرِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْحَضَرَمِيِّ، شَكَرَ اللَّهُ لَكَ قَوْلَكَ لِلْحُسَيْنِ وَقَدْ أَدْنَى لَكَ فِي الْإِنْصِرَافِ أَكَلْتَنِي إِذَا السَّبَاعُ حَيًّا إِذَا فَارَقْتِكَ، وَأَسْأَلُ  
عَنْكَ الرَّكْبَانَ، وَأَخَذْتُكَ مَعَ قَلَّةِ الْأَعْوَانِ، لَا يَكُونُ هَذَا أَبَدًا.

سلام بر بشير بن عمر حضرمي! خدا به تو پاداش خیر دهد بابت اعلام وفاداريت نسبت به امام حسين (عليه السلام) آنگاه كه به تو اجازه ي  
انصراف داد و در پاسخ عرضه داشتی: درندگان زنده زنده مرا بخورند اگر از تو جدا شوم و در این بي کسی تنهائیت گذارم و سپس سراغت را  
از کاروانیان بگیرم، هرگز چنین نخواهد شد. (1)

ص: 961

---

1- . المزار الكبير (لابن المشهدي) ص 493 8 - زيارة الشهداء رضوان الله عليهم في يوم عاشوراء.



بُدْعَاءِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَهُوَ آخِرُ دُعَاءٍ دَعَا بِهِ يَوْمَ كُوْثَرِ اللَّهْمَّ مُتَعَالِي الْمَكَانِ عَظِيمِ الْجَبْرُوتِ شَدِيدِ الْمَحَالِ غَنِيٌّ عَنِ الْخَلَائِقِ عَرِيضُ الْكِبْرِيَاءِ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ قَرِيبُ الرَّحْمَةِ صَادِقُ الْوَعْدِ سَابِغُ النِّعْمَةِ حَسَنُ الْبَلَاءِ قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَتْ مُحِيطٌ بِمَا خَلَقْتَ قَابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تَابَ إِلَيْكَ قَادِرٌ عَلَى مَا أَرَدْتَ وَ مَدْرِكٌ مَا طَلَبْتَ وَ شَكُورٌ إِذَا شَكَرْتَ وَ ذَكُورٌ إِذَا ذَكَرْتَ أَدْعُوكَ مُحْتَاجاً وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فَقِيراً وَ أُنْفَعُ إِلَيْكَ خَائِفاً وَ أَبْكِي إِلَيْكَ مَكْرُوباً وَ أَسْأَلُكَ بِكَ ضَعِيفاً وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كَافِياً أَحْكُمْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا فَإِنَّهُمْ غَرُّونَا وَ خَدَعُونَا وَ خَدَلُونَا وَ غَدَرُوا بِنَا وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ عَتْرَةُ نَبِيِّكَ وَ وُلْدُ حَبِيبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ بِالرَّسَالَةِ وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلَى وَحْيِكَ فَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا فَرْجاً وَ مَخْرَجاً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ سَمِعْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ سَفْيَانَ الْبَزْؤَفِرِيَّ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَدْعُو بِهِ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَقَالَ هُوَ مِنْ أَدْعِيَةِ الْيَوْمِ الثَّالِثِ مِنْ شَعْبَانَ وَ هُوَ مَوْلِدُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)

آخرین دعا و مناجات امام حسین (عليه السلام) در گودی قتلگاه اینچنین بود: خدایا تو بلند مرتبه و بزرگ جبروتی و در عذاب بس سختگیری، از آفریدگان بی نیازی، کبریایی ات فراگیر است، بر هر چه می خواهی توانایی، رحمتت به بندگان نزدیک است، وعده ات راست، نعمتت کامل و آزمونت نیکوست، هنگامی که خوانده شوی بسیار نزدیکی، به آنچه آفریدی احاطه داری، برای آن که توبه کند پذیرای توبه ای، بر هر چه اراده کنی توانایی و آنچه را بجویی به دست آوری، هرگاه سپاس شوی، سپاس



پذیري هرگاه یاد شوي، یاد کني از سر نیاز تورا می خوانم و به احتیاج به سوي تو میل می کنم و بیمناک به جانب تو پناه می آورم و غمگین به درگاہت گریه می کنم و در کمال ناتوانی از تو کمک می خواهم و برای کفایت امورم بر تو توکل می نمایم، بین ما و بین قوم ما داوری کن که آنان ما را فریفتند و به ما نیرنگ زدند و از یاری ما دست کشیدند و با ما بی وفایی نمودند و ما را کشتند و حال آن که ما عترت پیامبر تو و فرزند محبوب ترین خلق تو، محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) هستیم. آن که او را به رسالت برگزیدی و بر وحی خود امین قرار دادی در کار ما گشایش و راه رهایی از مشکل قرار ده به مهرت ای مهربانترین مهربانان. (1)

ص: 964

---

1- . مصباح المتعبد و سلاح المتعبد ج 2 ص 827



مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا سَدِيرُ تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي كُلِّ يَوْمٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا قَالَ فَمَا أَجْفَاكُمْ قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ سَهْرٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ قُلْتُ قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ يَا سَدِيرُ مَا أَجْفَاكُمْ لِلْحُسَيْنِ (عليه السلام) أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلْفَ أَلْفِ مَلِكٍ شِعْثُ غَبْرٍ يَبْكُونَ وَيَزُورُونَ لَا يَفْتُرُونَ وَ مَا عَلَيْكَ يَا سَدِيرُ أَنْ تَزُورَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي كُلِّ جُمُعَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَرَسِيخٌ كَثِيرَةٌ فَقَالَ لِي اصْصَدْ عَدُوًّا فَوْقَ سَطْحِكَ ثُمَّ تَلْتَفِتْ يَمَنَةً وَ يَسْرَةً ثُمَّ تَرَفَّعْ رَأْسَكَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ انْحِ نَحْوَ الْقَبْرِ وَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ تُكْتَبُ لَكَ زُورَةٌ وَ الزُّورَةُ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ قَالَ سَدِيرٌ قُرْبَمَا فَعَلْتُ فِي الشَّهْرِ أَكْثَرَ مِنْ عِشْرِينَ مَرَّةً. سدير مي گوید: امام صادق (عليه السلام) به من فرمود: ای سدير! آيا هر روز قبر حسين بن علي (عليه السلام) را زيارت مي كني؟ عرضه داشتم: خير، پدر و مادرم به فدايتان فرمود: چقدر شما جفاكاريد. و سپس فرمود: هر هفته زيارت مي كنيد؟ عرضه داشتم: خير. فرمود: هر ماه زيارت مي كنيد؟ عرضه داشتم: خير. فرمود: هر سال زيارت مي كنيد؟ عرضه داشتم: گاهي زيارت مي كنيم. فرمود: اي سدير! چقدر به حسين (عليه السلام) جفا مي كنيد. آيا نمي داني خداوند دو هزار هزار (دو ميليون) فرشته ي ژوليده موي و

خاک آلود دارد که همیشه بر حسین بن علی (علیه السلام) گریه می کنند و قبر او را زیارت می کنند و خسته نمی شوند؟ ای سدید! چرا خود را مقید نمی سازی که هر جمعه پنج مرتبه و هر روز یکبار قبر حسین بن علی (علیه السلام) را زیارت کنی؟ عرضه داشتیم: بین ما و قبر حضرت فرسخ ها فاصله است. فرمود: به بلندی برو، به سمت راست و چپ خود توجه کن، سرت را سوی آسمان کن و سپس سوی قبر حسین (علیه السلام) توجه کن و بگو: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اگر چنین کنی برای تو یک زیارت نوشته می شود و هر زیارت معادل یک حج و یک عمره است. سدید گفت: گاهی می شد که در یک روز بیش از بیست بار این کار را انجام می دادم. (1)

پاداش زیارت امام حسین علیه السلام

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقَبَةَ، عَنْ نَسْرِ بْنِ الدَّهَّانِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) زُبْمًا فَاتَّبَعِي الْحَجَّ فَأَعْرَفْتُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ: أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ، إِنَّهُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) فِي غَيْرِ يَوْمِ عِيدٍ كُتِبَ لَهُ عَشْرُونَ حِجَّةً وَعَشْرُونَ عُمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ، وَعَشْرُونَ غَزْوَةً مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَادِلٍ، وَمَنْ أَتَاهُ يَوْمَ عِيدٍ عَارِفًا بِحَقِّهِ كُتِبَ لَهُ مِائَةٌ حِجَّةً وَمِائَةٌ عُمْرَةً مَبْرُورَاتٍ

ص: 967

مُتَقَبَّلَاتٍ وَ مَائَةٌ غَزْوَةٌ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَادِلٍ، وَ مَنْ أَتَاهُ يَوْمَ عَرَفَةَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كُتِبَ لَهُ أَلْفُ حِجَّةٍ وَ أَلْفُ عُمْرَةٍ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ وَ أَلْفُ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَادِلٍ. قَالَ بَشِيرٌ: فَقُلْتُ لَهُ كَيْفَ لِي بِمِثْلِ الْمُؤَقِّفِينَ فَنَظَرَ إِلَيَّ كَأَلْمُغْضَبِ، ثُمَّ قَالَ: يَا بَشِيرُ، مَنْ أَتَى الْحَسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَارِفًا بِحَقِّهِ فَاعْتَسَلَ فِي الْفُرَاتِ وَ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ، كُتِبَتْ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حِجَّةٌ بِمَنَاسِكِهَا. قَالَ: وَ لَا أَعْلَمُ إِلَّا قَالَ: وَ غَزْوَةٌ.

بشیر دهان: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: چه بسا به حج نرفتم ولی به نزد قبر حسین (علیه السلام) می آیم (این چگونه است)؟ امام (علیه السلام) فرمود: ای بشیر! کار نیکویی انجام داده ای. همانا هرکس در روز غیر عید با شناخت نسبت به حق حسین بن علی (علیه السلام) به نزد قبرش بیاید برایش بیست حج و بیست عمره پذیرفته شده و صحیح و بیست جنگ به همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرستاده شده یا امام عادل، نوشته می شود. و هر که در روز عید در حالی که به حق او آگاه است به زیارت مزارش بیاید برایش صد هزار حج و هزار عمره پذیرفته شده و صحیح و صد جنگ با پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرستاده شده یا امام عادل، نوشته می شود. و هر که در روز عرفه در حالی که به حق امام (علیه السلام) آگاه است به کنار قبر حسین (علیه السلام) بیاید برایش هزار حج و هزار عمره پذیرفته شده و صحیح و هزار جنگ با پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرستاده شده، یا امام عادل نوشته می شود. بشیر می گوید: پس عرضه داشتم: پس اگر توانستم به هردو جایگاه بروم چطور؟ پس امام (علیه السلام) با حالت غضب به من نگاهی کرد و فرمود: ای بشیر! هر که در حالی که به حق امام (علیه السلام) آگاه است به زیارت قبر حسین بن علی (علیه السلام) بیاید و در فرات غسل کند و به سویی او حرکت نماید در برابر هر قدمی که بر می دارد ثواب یک حج با تمام عباداتش نگاشته می شود. راوی گوید: و چیز دیگر به یاد ندارم. جز آن که فرمود: و جنگی (یعنی برای هر قدم ثواب یک جنگ به همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا امام (علیه السلام) برایش نوشته می شود) [\(1\)](#)

ص: 968

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَكْثَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَإِنَّهُ لَيَنْزِلُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، فَيَأْتُونَ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ فَيَطُوفُونَ بِهِ، فَإِذَا هُمْ طَافُوا بِهِ نَزَلُوا فَطَافُوا بِالْكَعْبَةِ، فَإِذَا طَافُوا بِهَا أَتَوْا قَبْرَ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ، ثُمَّ أَتَوْا قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ، ثُمَّ عَرَجُوا، وَيَنْزِلُ مِثْلَهُمْ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَقَالَ: مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عَارِفًا بِحَقِّهِ، غَيْرَ مُتَجَبِّرٍ، وَلَا مُتَكَبِّرٍ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ، وَغَفَرَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، وَبُعِثَ مِنَ الْأَمِينِينَ، وَهُوَ عَلَى الْحِسَابِ، وَاسْتَقْبَلَتْهُ الْمَلَائِكَةُ، فَإِذَا انْصَرَفَ شَيعَتُهُ إِلَى مَنْزِلِهِ، فَإِنْ مَرِضَ عَادُوهُ، وَإِنْ مَاتَ تَبِعُوهُ بِالْأَسَدِ تَغْفَارًا إِلَى قَبْرِهِ. قَالَ: وَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حِجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ، وَغَفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: خداوند هیچ آفریده ای بیشتر از فرشتگان نیافرید. هر روز هفتاد هزار ملک فرود می آیند و به (بیت المعمور) می روند و در آن طواف می کنند پس هنگامی که به گرد آن طواف نمودند فرود می آیند و گرد کعبه طواف می کنند. پس هنگامی که بر گرد کعبه طواف کردند به نزد قبر پیامبر (صلي الله عليه وآله) آمده و بر او سلام می کنند، آنگاه به نزد قبر امیرالمومنین (عليه السلام) رفته و بر او سلام می کنند آنگاه به نزد

قبر حسین (علیه السلام) می آیند و بر او سلام می کنند. آنگاه به بالا می روند و مانند این گروه همیشه و تا قیامت فرود می آیند (و این چنین می کنند) و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر که امیر المومنین (علیه السلام) را در حالی که به حش عارف است و ستمگر و متکبر نیست زیارت کند خداوند برایش پاداش صد هزار شهید را می نویسد و گناهان پیشین و پسین او را می آمرزد (توفیق توبه نصیبش می کند) و در جمله ی ایمان آورندگان بر انگیخته شده و حساب بر او آسان گرفته می شود و فرشتگان به استقبال او می روند و هنگامی که باز می گردد فرشتگان تا منزلش او را بدرقه می کنند. هنگامی که بیمار گردد از او عیادت می کنند و آنگاه که بمیرد تا قبرش او را مشایعت کنند و برایش از خداوند طلب آمرزش کنند سپس فرمود: و هر که حسین (علیه السلام) را در حالی که عارف به حق او باشد (یعنی او را امام (علیه السلام) بداند و اطاعت از او فرض و واجب بداند) زیارت کند خداوند برایش پاداش هزار حج پذیرفته شده و هزار عمره پذیرفته شده را می نویسد و گناهان پسین و پیشین او را می آمرزد. (1)

و بهذا الإسناد عن جعفر بن محمد (صلي الله عليه وآله) أنه سئل عن زيارة قبر الحسين بن علي (عليه السلام) قال أخبرني أبي (عليه السلام) أن من زار قبر الحسين بن علي (عليه السلام) عارفاً بحقه كتبه الله في عليين ثم قال إن حول قبر الحسين (عليه السلام) سبعين ألف ملك شعاعاً غبراء يبيكون عليه إلى يوم القيامة. و به همین اسناد از آن حضرت روایت کرده که از امام جعفر صادق (علیه السلام) از زیارت قبر حسین بن علی (علیه السلام) پرسیدند فرمود: پدرم برای من گفت: هر که قبر حسین بن علی (علیه السلام) را زیارت کند و عارف به حق او باشد (یعنی او را امام مفترض الطاعة بداند) خداوند نام او را در علیین ثبت فرماید (یعنی از اهل علیین خواهد شد)، سپس فرمود: در اطراف قبر حسین (علیه السلام) هفتاد هزار فرشته ژولیده مو و غبار آلود اجتماع کرده اند و بر آن حضرت می گریند تا روز قیامت. (2)

ص: 970

1- . الأما لي (للطوسي) المجلس 8 ح 22

2- [1]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 44 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 159





بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

